

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۵

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۵

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

دانشمند

ابرقوهی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابرقوهی صاحب (سوانح‌الافکار) رشیدی که سال ۹۲۸ عبدالعلی رستمداری در ۱۴۹ صفحه نوشته و اکنون در کتابخانه ملک به شماره ۳۷۰۲ موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ابطحی حسینی سدهی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد علی (برادر سید ابوالقاسم سدهی) عالم فاضل، از شاگردان حاج شیخ محمّد تقی نجفی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی.

در سلخ جمادی الاولی ۱۲۹۰ متولّد، و در ۱۵ شعبان سال ۱۳۶۷ در مسافرت مشهد مقدس وفات یافته، در صحن نو مدفون گردید.

مشارالیه تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشته تحریر درآورده، عالمی خوش بیان، و مجتهدی طلیق اللسان بود.

در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران سطوح فقه تدریس می‌نمود، و عدّه‌ای کثیر از طلّاب از محضر او مستفیض می‌شدند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابطحی یثربی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابطحی سبط مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدرضا یثربی پشت مشهدی کاشانی از فضلاء بنام کاشانی مقیم شهرستان قم می‌باشد ایشان در شهر کاشان متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی و مقدمات و ادبیات از محضر و دراسات خالوی معظم خود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی استفاده نموده آنگاه به قم عزیمت و از درس و ابحاث مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد محقق و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران بهره‌مند شده و به مدارج عالیه فضل و کمال ارتقا یافته و اکنون یکی از ستارگان فروزان شهر کاشانست در حوزه علمیه قم که اکثراً در قم و قسمتی از سال هم در کاشان افاده و افاضه می‌نمایند.

نگارنده گوید: جناب آقای ابطحی کاشانی که از بیت علم و دانش است امروز از افاضل نامی و در میان اقران و امائل خود مشار بالبنان و به متانت و مناعت و بزرگواری موصوف و متصف می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابطحی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن سید الجلیل حاج سیدرضا ابطحی از علماء معاصر مشهد مقدس می‌باشند نسب معظم‌له به سی واسطه به حضرت موسی بن جعفر هفتمین امام شیعیان علیه صلوات اللّٰه الملک المنان می‌رسد. به این کیفیت.

ایشان در سال ۱۳۵۲ قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشوده و دروس ابتدائی را خوانده آنگاه در مدرسه نواب به تحصیل علم عربی و ادبی پرداخته تا در سال ۱۳۷۰ قمری که نگارنده به مشهد مشرف و در مدرسه مزبور که در سابق هم اقامت داشتم به حجره ایشان و اردو پس از معارفه و آشنائی به تشویق حقیر عزیمت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه متقن و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری مدظلهما و بالاخص زعیم اعظم مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت و از مبانی فقه و اصول آنان بهره‌مند شده و ضمنا با معیت دوست عزیز و داماد گرام خود جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد صاحب (تالیفات عدیده) برای استفاده و درک محضر آیات عظام نجف عزیمت به عتبات عالیات نموده و چند ماهی در باب مدینه علم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده ولی برای گرمای شدید نجف موفق به اقامه بیشتر نشده ناچار مراجعت به قم و تا آخر عمر مرحوم آقای بروجردی اقامت و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم به مشهد زادگاه خویش مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت در مسجد صاحب‌الزمان (ع) (فلکه گوهرشاد سابق) و صاحب الزمان حال و تبلیغ و ترویج دین و تنویر افکار نسل جوان در آنجا و حومه مشهد (چناران و قوچان و غیره) نموده و تا هم‌اکنون

اشتغال دارند.

جناب آقای ابطحی معارف الهی را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان مبرز و ممتاز مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بودند استفاده نموده و بیشتر از همه از محضر و حالات عجیبه عالم ربانی و محدث صمدانی عارف کامل مرحوم حاج ملاـ آقاجان زنجانی که مجسمه فضیلت و پیکره معنوی بوده کامیاب و لذت روحی و معنوی برده و کتابی در حالات و نوادر حکایات آن مغفورله تألیف نموده که بسیار سازنده و ارزنده است دارای فرزندانی هستند که از آنها جناب آقای حاج سید محمدعلی ابطحی از محصلین روشن و جدی حوزه مشهد مقدس می‌باشند.

آثار خیر و علمی ایشان از این قرار است ۱- تأسیس کانون بحث و انتقاد دینی در این مرکز سوالاتی که به وسیله نامه و شفاها می‌شود طرح و پاسخ علمی به آنها داده و تاکنون چند جلد از سوال شما و پاسخهای این موسسه به طبع و نشر رسیده و بیش از بیست نفر از دانشمندان مسیحی آمریکا و اروپا در این مرکز و مسجدش به شرف اسلام رسیده که عکسهای آنها با بیوگرافی و هویتشان در کتاب مستقلی طبع شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ابطحی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بزرگ خاندان موحد ابطحی فرزند مرحوم سید علی بن سید محمدعلی ابن سید محمدحسین ابن میر محمدتقی معروف به (له له) از اجله بیوت سادات موسوی در اصفهان که نسبت آنان به حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام مورد گواهی علماء بزرگ و مشاهیر سادات موسوی مانند پدر صاحب روضات می‌باشند. معظم له از علماء بنام و ائمه جماعت معاصر اصفهانند که در حدود سال ۱۳۱۹ قمری برابر ۱۲۷۸ شمسی در اصفهان دیده به جهان گشوده و در بیت مجد و سیادت پرورش یافته و پس از رشد و بلوغ و خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول در خدمت مدرسین بزرگ اصفهان به افتخار دامادی مرحوم علامه متقی آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) نائل شده و از محضر و درس استاد محقق جامع المنقول و المعقول آیت‌اللَّه حاج سید علی نجف‌آبادی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد نجف‌آبادی صاحب حاشیه کفایه و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا نجفی صاحب (وقایهٔالاذهان) و سایر اساتید حاضر گردید.

و در علم طب از مبرزین و مشاهیر مدرسین بشمار می‌رود و در جدیت در تحصیل و تدریس شهرتی دارد و در حوزه علمیه اصفهان فضلاء از تدریس ادبیات و سطوح اصول و فقه او بهره کامل داشته و در علوم اسلامی مورد استفاده عموم طبقات مردم اصفهان می‌باشند.

فرزندان برومند ایشان همه از فضلاء و مبرزین حوزه‌های علمیه قم و نجف و اصفهان بشمار می‌روند بدین ترتیب.

۱- آیت‌اللَّه محقق حاج سید محمدباقر که از اساتید حوزه علمیه قم می‌باشند.

۲- آیت‌اللَّه محقق آقای حاج سید محمدعلی که از اساتید حوزه علمیه نجف و اصفهان می‌باشند.

۳- حجهٔالاسلام- حاج سید علی که از افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند.

۴- حجهٔالاسلام حاج سید محمدرضا (داماد معظم آیت‌اللَّه العظمی آقای گلپایگانی) ۵- حجهٔالاسلام حاج آقای حجت از افاضل حوزه اصفهان.

۶- حجهٔالاسلام حسن آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

۷- حجهٔالاسلام حسین آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۳ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۷۱ (نهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳).

آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی در سن نوجوانی در محضر آقایان استاد جلال‌الدین همایی، میرزا احمد شهیدی، میرزا محمد تقی موسوی، احمدآبادی، (صاحب مکیال المکارم و پدر همسر خویش) و آقا سید محمد درچه‌ای به آموختن دروس سطح مشغول شد. پس از اتمام سطح به درس خارج حضرات آیات سید محمد و سید علی نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی شتافت و مبانی فقهی و اصولی خویش را تکمیل نمود و همزمان از محضر آقا شیخ محمود مفید (حکمت و کلام)، شیخ محمدباقر قزوینی (هیئت) و میرزا ابوالقاسم طبیب (طب سنتی) فراگرفت.

آیت‌الله موحد ابطحی پس از تحصیلات، رو به تدریس آورد و در مدرسه صدر به تدریس دوره سطح پرداخت و دهها شاگرد تربیت نمود. وی از حضرات آیات شیخ آقا بزرگ تهرانی، محدث قمی، سید محمدتقی موسوی احمدآبادی و مرعشی نجفی اجازه روایت و از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی و ملا محمد حسین فشارکی اجازه‌ی امور حسبیه را دریافت نمود.

از آثار ایشان می‌توان دیوان اشعار، رساله‌های گوناگون در حدیث، تاریخ کلام، ادعیه و احراز، طب و زیارت را نام برد.

آیت‌الله موحد ابطحی در نود سالگی، در سیزدهم آذر ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ابن بکا بلخی، عبدالمعین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰ ق)، عالم حنفی. اصلاً بلخی است و در مصر نشو و نما کرد. وی مسلک تصوف داشت و از طریقه‌ی شاذلیه پیروی می‌کرد. او شاگرد ابن‌حجر هیتمی بود. در مدینه درگذشت. از آثار وی: «طراز الاسمی علی کنزالمعما»، که شرح «کنزالاسماء فی علم المعما» قطب‌الدین محمد بن علاءالدین علی مکی است؛ «غوانی الاشواق فی مغانی العشاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۵۱ /۲، ۵۶۹ /۱)، کشف الظنون (۱۵۱۳)، معجم المؤلفین (۱۷۸ /۶)، هدیهٔ العارفین (۶۲۳ /۱).

ابن بندار فرغانی، ابواحمد محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم شافعی. وی از مشایخ شیخ صدوق است و شیخ صدوق در فرغانه از او حدیث شنید و در «عیون اخبار الرضا (ع)» و «الخصال» از وی روایت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۲ /۲)، معجم رجال الحدیث (۱۶۰، ۱۵۸ /۱۵).

ابن دُؤل قمی، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۰ ق)، عالم و نویسنده‌ی شیعی. از زندگانی وی چیزی در دست نیست، اما از آثارش چنین برمی‌آید که مؤلفی والا و نویسنده‌ای پرکار بوده است. عاملی برای وی ۷۷ کتاب و استرآبادی ۱۰۰ کتاب برشمرده است. از جمله آثار وی: «الحدائق»، در توحید، که برای فرزندش، محمد بن احمد، نوشته؛ «الطبقات»؛ «التفسیر»؛ «المؤمن»؛ «الایضاح»؛ «السنن»؛ «التهذیب»؛ «التنبیه»؛ «العلل»؛ «الصلاهٔ»؛ «الزکاهٔ»؛ «الزیارات»؛ «الاخوان»؛ «الدلائل»؛ «التحذیر»؛ «الکمال»؛ «التنافس»؛ «العواصم»؛ «الطب»؛ «خصائص الاطعمهٔ»؛ «الادویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۰ /۱)، اعیان الشیعه (۱۴ -۱۰۳ /۳)، الذریعه (۱۴۵ /۱۵، ۷۷، ۴۰ /۱۲، ۲۳۶، ۸/ ۲۹۶، ۶/ ۱۴۹، ۵/ ۴۳۷، ۴/ ۳۷۶، ۳/ ۴۸۹، ۲/ ۳۸۲، ۱/)، رجال النجاشی (۲۳۴ -۲۳۲ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۵۹ -۲۵۸ /۲).

ابن صدرالدین شروانی، محمدامین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۶ ق)، عالم حنفی. از مدرم شروان بخارا و به امیر پادشاه بخاری مشهور و به علامه موصوف بود. در انواع علوم دست داشت. مدتی درآمد (دیار بکر) و قسطنطنیه اقامت کرد. از آثار وی: «تعلیقات علی انوار التنزیل»، اثر بیضاوی؛ «تفسیر سورهٔ الفتح»؛ «حاشیهٔ علی شرح الشمسیهٔ»، در منطق؛ «رسالهٔ فی المبدأ والمعاد»؛ «شرح قواعد العقائد»، اثر غزالی، در کلام؛ و «الفوائد الخاقانیهٔ»، مشتمل بر پنجاه و سه علم عقلی و نقلی که برای سلطان احمد عثنانی جمع‌آوری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۶ /۶)، ریحانه (۶۷ /۸)، کشف الظنون (۱۹۰۶، ۱۳۵۸، ۱۹۲)، معجم المؤلفین (۷۴ -۷۳ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۷۵ /۲).

ابن‌الوندی، قاسم، محمدقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۱۰۰ ق)، عالم امامی، معروف به فقیه کاظمی. به سناباد طوس و مکه و طائف و قم و نجف سفر کرد و از مشایخ این

شهرها اجازه‌ی روایت گرفت. وی در شهر نجف درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «استبصار الاخبار»، در چندین مجلد و معروف به «شرح الاستبصار»؛ «جامع اسرار العلماء» یا «جامع الاحادیث والاقوال»؛ حاشیه بر «الکافی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۵ /۸)، الذریعه (۱۸۳ /۶، ۳۹ /۵، ۱۷، ۲/ ۲)، ریاض العلماء (۳۹۹ -۳۹۸ /۴)، ریحانه (۳۹۰ /۷).

ابن‌تمام دهقان، ابوالحسن، ابوالحسین محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۴۰ ق)، عالم شیعی. نیای بزرگ او ایرانی است. در کوفه متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی را ثقه و صحیح الاعتقاد و دارای تصنیفات نیکو می‌دانند. حسین بن عبیداللّه غضائری از او روایت کرد، و تلعکبری در سال ۳۴۰ ق از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. از آثار وی: «الفرج فی الغیبة»؛ «فضائل الکوفه» یا «کتاب الکوفه»؛ «کتاب الایمان»؛ «کتاب عددالایام»؛ «کتاب الزهد»؛ «کتاب فضل الایمان علی الاسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۳ /۹)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۶ /۱)، رجال الطوسی (۵۰۳)، رجال النجاشی (۳۰۶ -۳۰۵ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۱ -۲۹۰ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۸۱)، الفهرست للطوسی (۳۰۷ -۳۰۶)، معجم رجال الحدیث (۳۳۷ -۳۳۶ /۱۶)، معجم المؤلفین (۳۳ /۱۱)، هدیة العارفین (۴۴ /۲).

ابن‌خفیف، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۱ ق)، صوفی و عالم. ملقب به شیخ کبیر و شیخ شیرازی. اهل شیراز بود. از مشایخ بزرگ صوفیه به شمار می‌رفت، به همین خاطر وی را شیخ‌الاسلام می‌خواندند. ابن‌خفیف مؤسس مکتب عرفانی مستقلی بود و رباطی در شیراز بنا کرده که تا اواخر سده ششم دایر بود. تعلیمات او که کم و بیش متأثر از مذهب حلاج بود تا زمان آغاز حمله‌ی مغول در فارس نفوذ عمیق داشت. ابن‌خفیف در فقه، ظاهری مذهب و در کلام، اشعری مذهب و در الهیات عرفانی روشی ضد سالمیان داشته است. ابوعبداللّه صحبت جنید و ابومحمد رُوَیم و ابوالعباس بن عطا را دریافت و با حسین بن منصور حلاج ملاقات داشت. شیخ کبیر در دستگاه عضدالدوله‌ی دیلمی صاحب نفوذی سیاسی بود و از حلاجیان حمایت آشکار می‌کرد. جامی سال مرگ وی را ۳۳۱ ق و هدایت در «ریاض العارفین» ۳۹۱ ق و در «مجمع الفصحا» به غلط ۳۱۹ ق می‌نویسند. ابن‌خفیف تألیفات بسیاری داشته است، از آن جمله: «آداب المریدین»؛ «اختلاف الناس فی الروح»؛ «جامع الارشاد»؛ «الجمع والتفریق»؛ «الرد علی ابن‌سالم»؛ «دیوان» شعر؛ «شرف الفقراء علی الاغنیاء» یا «شرف الفقراء المتحققین علی الاغنیاء المنفقین»؛ «فضل التصوف»؛ «کتاب الاستدراج»؛ «کتاب السماع»؛ «کتاب الفضائل و جامع الدعوات والاذکار»؛ «کتاب المعتقد الصغیر»؛ «کتاب المعتقد الکبیر»؛ «کتاب المعراج»؛ «کتاب المفردات»؛ «لبس المرقعات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۰۱، ۳۴۹، ۳۴۰، ۳۳۵، ۳۳۳، ۳۰۳، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۶، ۱۹۸، ۱۹۴، ۴۷، ۴۶ /۲ ،۳۶۷، ۴۸۵، ۵۵۳، ۳۵۰، ۴ /۱)، بزرگان نامی پارس (۱۰۳ -۱۰۱ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۵۱۱ -۵۰۶ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ گزیده (۶۵۷)، تذکره‌ی هزار مزار (۸۸ -۷۹)، تذکرهٔ الاولیاء (۱۳۱ -۱۲۴ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲)، حلیهٔ الاولیاء (۳۸۹ -۳۸۵ /۱۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۴۹ -۱۳۹ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۳۷ -۵۳۶ /۴)، الذریعه (۴۴ /۹)، ریاض العارفین (۴۳)، سفرنامه ابن‌بطوطه (۲۶۲ /۱)، سیر النبلاء (۳۴۷ -۳۴۲ /۱۶)، طبقات الصوفیه هروی (۵۳۹ -۵۳۷)، طبقات الصوفیه سُلمی (۴۶۶ -۴۶۲)، طرائق الحقائق (۴۸۷ /۳، ۴۷۷ -۴۷۴ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۰۰ /۲)، کشف الظنون (۱۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبداللّه)، مجمع الفصحا (۱۴۴ /۱)، معجم البلدان (۴۳۲ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳ -۲۸۲ /۹)، نفحات الانس (۲۴۱ -۲۴۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۵۹ -۳۵۰ /۵)، الوافی بالوفیات (۴۲ /۳)، هدیهٔ العارفین (۵۰ -۴۹ /۲).

ابن‌دُرُستُوْیه فسوی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۷ -۲۵۸ ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبه‌ی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیداللّه مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتّاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املاـ برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴ /۴)، ایضاح المکنون (۵۵۸، ۳۷۴، ۳۴۳، ۳۳۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۸۲ /۲ ،۵۵۶، ۵۵۳، ۳۷۴ /۱)، تاریخ بغداد (۴۲۹ -۴۲۸ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۶۴ /۴)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۷۵ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۵ -۱۰۴ /۵)، ریحانه (۵۱۷ /۷)، سیر النبلاء (۵۳۲ -۵۳۱ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۷ -۱۰۶)، کشف الظنون (۲۰۴۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۴۷۲، ۱۴۶۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۱- ۱۴۱۵، ۱۲۷۲، ۱۲۰۵، ۱۱۰۸، ۸۳۹، ۷۰۰، ۵۰۶، ۱۱۶، ۱۱۵- ۶۸)، الکنی والالقاب (۲۸۴ /۱)، لسان المیزان (۷۴۴ -۷۴۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (۴۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲۶ - ۱۲۵ /۳)، وفیات الاعیان (۴۵ -۴۴ /۳)، هدیهٔالعارفین (۴۴۶ /۱).

ابن‌دوست، ابوسعید، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۱ -۳۵۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. جدش ملقب به دوست بود. عبدالرحمان از مردم نیشابور و ناشنوا بود. نزد ابونصر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در استدارکش بر «اصلاح منطق» ابن‌سکیت؛ «دیوان» شعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به استناد «جواهر المضیئه» ابن‌درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منابع او را ابن‌دوست ذکر کرده‌اند، بنا را بر ضبط ابن‌دوست می‌گذاریم. همین ضبط را «دائرةالمعارف البستانی» به صورت ابن‌دُوَست [dowast] آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۲ /۱)، ریحانه (۵۲۰ /۷)، سیر النبلاء (۵۱۰ -۵۰۹ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌دوست)، معجم المؤلفین (۱۸۸ /۵).

ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبداللّه بن معتز، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفة المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان» شعر؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن‌خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن‌طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ /۶)، اعیان الشیعه (۸۰ -۷۲ /۹)، الذریعه (۱۳۶۳ /۱۵، ۲۶ /۹، ۵۱۱، ۳۸۷ /۴)، ریحانه (۸۲ -۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۲۵)، معجم الادباء (۱۵۶ -۱۴۳ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۲ /۸)، وفیات الاعیان (۱۳۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۸۰ -۷۹ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۶۹ -۶۸).

ابن‌مظفر شیرازی، ضیاءالدین، ابوالوقت عبدالوهاب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، عارف و عالم دینی. مردی توانگر بود. حج گزارد و سفری هم به آذربایجان کرد و با مشایخ بسیاری دیدار نمود. در محله‌ی سراجان شیراز نزدیک جامع عتیق خانقاهی ساخت. وی در مسجد عتیق و جامع سنقری هر هفته وعظ می‌کرد و درس می‌گفت. او از خود خیرات بسیار به جای گذاشت. جنید شیرازی از دانش وی بهره‌مند شد و خرقه‌ی خود را از او گرفت. در شیراز

درگذشت و در مقبره خانوادگی نزدیک پدر و برادرانش دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۴)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۷ -۲۴۶، ۲۴ -۲۳)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مقفع، عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲- ح ۱۳۹ ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبداللّه نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن‌مقفع با دست بردن در متن دستخط امان نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن‌مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن‌مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمهٔ»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از «آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج».[۱]

عبداللّه روزبه (مقت. ۱۴۲ یا ۱۴۳ یا ۱۴۵ ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمهٔ (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در ۳۶ سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۴ -۲۸۳ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ -۱۸۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۵۲ -۳۴۶، ۳۳۸ - ۳۲۹)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۰۷ -۳۰۶)، تاریخ گزیده (۶۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۶۸ -۸۶۴ /۶)، دائرةالمعارف اسلامی (۱۶۷۴ /۲)، روضات الجنات (۲۱۹ /۳)، ریحانه (۲۲۶ -۲۲۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۸ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۹۶ - ۱۹۵)، کشف الظنون (۷۴۵، ۲۱۷)، الکنی والالقاب (۴۲۵ -۴۲۱ /۱)، لسان المیزان (۱۷۵ -۱۷۳ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳، ۱۵۶ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۱ -۹۹۹ /۳)، الوافی بالوفیات (۶۳۹ -۶۳۳ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۵۵ - ۱۵۱ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۳۸ /۱).

ابن‌مُقْله، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۸ -۲۷۲ ق)، خطاط، شاعر و دانشمند. از مردم بیضای فارس بود. در بغداد تحصیلک کرد و به خدمات دیوانی مشغول شد. ابن‌مقله سه بار به وزارت خلفای عباسی، مقتدر و قاهر و راضی باللّه رسید. ولی هربار با توطئه‌ی درباریان دستگیر و از کار برکنار شد. مدتی نیز حکومت فارس را در دست داشت و مدتی سرپرستی دیوان مظالم و قضا بر عهده‌ی او بود. ابن‌مقله چندین بار بر ضد خلفای عباسی تلاش نمود که هربار بی‌اثر ماند. سرانجام ابن‌رائق که امیرالامرا بود، خلیفه را واداشت تا او را از وزارت بردارد و دستور دهد دست راست او را قطع کنند تا چیزی ننویسد. ولی وی با دست چپ می‌نوشت. ابن‌مقله شعر نیز نیکو می‌سرود و در اشعارش از سرنوشت شوم خویش می‌نالید. چندی بعد زبانش را نیز بریدند و سرانجام در زندان بغداد درگذشت. وی در فقه و تفسیر و ادب چیره‌دست بود. او را مبتکر خط ثلث و نسخ می‌دانند. اصلاحات ابن‌مقله در خط سبب تسهیل در امر نگارش شد. ولی نسبت وضع تمام شش قلم به او روا نیست. اسماعیل بن حماد، محمد بن اسماعیل بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی، شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، حسن بن مرزبان سیرافی، ابن‌بواب و گروهی دیگر از شاگردان و پیران او بودند، ابن‌ندیم جد ابن‌مقله را نیز خوشنویس دانسته و قرآنی به خط وی دیده است.[۱]

ابوعلی محمد بن علی (ف. ۳۲۸ ه.ق.). وی به خدمت ابوالحسن بن فرات درآمد و مورد لطف او شد و ثروتی اندوخت و سپس بین آن دو کدورتی ایجاد شد و ابن‌مقله کفران احسان او کرد و در زمره دشمنان وی درآمد تا آنگاه که ابن فرات معزول و دستگیر شد و چون بار دیگر به وزارت رسید ابن مقله را بگرفت و مصادره کرد. مقتدر خلیق در ۳۱۶ ابن‌مقله را به وزارت انتخاب کرد و او در ۳۱۸ معزول و محبوس شد، و بار دیگر به وزارت راضی خلیفه منصوب گردید و به سعایت حاسدان دست راست او را بریدند و مدتی در زندان ماند و همانجا درگذشت. وی مخترع خطوط ثلث، توقیع، ریحان، رقاع و محقق است.

ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن مقله‌ی فارسی، پدرانش از مردم فارس بودند و خود به سال ۲۷۳ در بغداد متولد شد، واضع خط ثلث و نسخ است. وی از دانشمندان عصر خود بود و در علوم فقه و تفسیر و قرائت و ادبیات دست داشت و شعر می‌گفت و در ترسل و انشاء و خط سرآمد بود. در اوایل زندگی خود شهرت جهانی داشت تا حدی که ممدوح شعرا واقع شد. ابن‌مقله در اوان جوانی به کارهای دیوانی در دستگاه خلافت پرداخت، و زمانی از طرف «المقتدر بالله» عباسی به حکومت بعض نواحی فارس مأمور بود و پس از چندی به بغداد فراخوانده شد و در مرکز خلافت به خدمت مشغول گردید ولی با توطئه‌هایی که شده بود، به حبس خلیفه افتاد و مدتی در حبس گذرانید تا دوباره خلیفه او را از حبس بیرون آورد و وزارت خود به او داد.

از سال ۳۱۶ ه.ق مدت سه سال با قدرت کامل به رتق و فتق امور مشغول بود ولی در این تاریخ به سعی ساعیان و دشمنان از کار برکنار و به فارس تبعید شد. هنگامی که ابن‌مقله در تبعید روزگار می‌گذرانید، مقتدر را کشتند و «القاهر باللّه» (۳۲۲ -۳۲۰) را خلیفه کردند. وی به محض جلوس بر مسند خلافت، ابن‌مقله را به بغداد طلبید و وزارت به وی تفویض شد. مدتی برنیامد که دشمنان وی را نزد خلیفه متهم کردند و او از بیم جان در گوشه‌ای پنهان گردید. چندی بعد القاهرباللّه را گرفتند و چشم وی را میل کشیدند و محمد بن مقتدر «الراضی باللّه» (۳۲۹ -۳۲۲) را به خلافت نشانیدند و او ابن‌مقله را به مقام وزارت بازآورد و پس از مدت اندکی از وی رنجیده گشت و او را به حبس افکند. چندی بعد دست راست او را قطع کردند و به این اندازه هم اکتفا نکرده زبانش را هم بریدند و سرانجام او را کشتند (۳۲۸).

این مرد بزرگ ایرانی پیشقدم یکی از زیباترین مظاهر هنری یعنی خوشنویسی در تمدن اسلامی است و جمله‌ی مورخین برآنند که تا ظهور وی هیچ یک ازخطاطان به قدرت او در نوشتن اقلام مختلف و تتبع او در اختراع خطوط نیامده است و بعضی گویند اقلام سته را که از اصول خطوط متعارفه‌ی اسلامی بود. وی از خط کوفی اقتباس کرده است، قدر مسلم اینکه ابن‌مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده است و شاید بعض خطوط را نیز وضع کرده و یا سر و صورتی به آنها داده باشد (محقق و توقیع و رقاع و نسخ)،

ولی نسبت وضع تمام شش قلم به او روا نیست.

ابن‌مقله را به کثرت آثار ستوده‌اند ولی متأسفانه از آثار خطوط وی اکنون چیزی به جای نمانده و آنچه به نام او دیده شده شش رقعه (از مرقع) ثلث رقاع چهار دانگ و دو دانگ جلی و نسخ خوش در کتابخانه سلطنتی است و رقم «خط ابن‌مقلهٔ» دارد و این رقم نیز قدیم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۶ -۱۰۱۵ /۴)، اطلس خط (۳۰۰ -۲۹۵)، الاعلام (۱۵۸ -۱۵۷ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۶۸ -۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۴۵۷)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۱ -۷۳۰ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲ -۲۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۷۰ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۷۰۴ -۷۰۳ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲ /۱)، ریحانه (۲۲۸ -۲۲۷ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۶ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۳، ۱۱۳۴، ۱۱۱۰ /۲)، الفهرست ابن‌الندیم،ترجمه (۱۵)، الکنی والالقاب (۴۲۶ -۴۲۵ /۱)، گلستان هنر (۱۸ -۱۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌مقله)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۳۲۸، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۰، ۳۱۴، ۳۱۱)، معجم المؤلفین (۳۲۰ -۳۱۹ /۱۰)، مناقب هنروران (۴۳ -۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۹۰ -۷۲ /۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۸ /۱)، وفیات الاعیان (۱۱۸ -۱۱۳ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۹۰).

ابن‌منده اصفهانی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق)، دانشمند. پدربزرگ او ابراهیم (منده) فرزند ولید بن سَنده بن بُطّه بن اُستندار فیروزان بن چهاربُخت است. چهار بُخت از کاربدستان روزگار ساسانیان بوده است. سردودمان خاندان منده خاستگاهشان اصفهان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۷۸ /۶)، سیر النبلاء (۱۳ /۱۵).

ابوالمعالی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و اهل کمال بوده، در ۶ ربیع الاول سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در بیرون بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.

هر دو برادر در خدمت پدر و عمّ خود تلمّذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوجعفر (خادم الشریعهٔ)

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علّامه سید صدرالدین محمّد عاملی موسوی اصفهانی.

عالم فاضل بزرگوار، مادرش دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده، و نزد علمای اصفهان تلمذ فرموده، از مخصوصین آقا سید اللّه بیدآبادی بوده، و به مصاهرت او نایل گردیده.

رسائلی در فقه و اصول نوشته و به نظر استاد رسانیده، و مرحوم سیّد، پشت آن تقریظی نگاشته، و از فضل و علم و بزرگواری مؤلّف آن مدح و ثنا گفته است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۲۴ قمری در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه‌ای به نام خود که گاهی آن را به نام فرزندش حاج آقا مجلس نیز می‌خوانند مدوفن گردید.

مادّه تاریخ ساختمان بقعه این است: «قل إنّ الجنّة للمتّقین»

تاریخ وفاتش این است:

یکی آمد بر وزن ز الهام غیب آورد تاریخش

شده طیّار سوی کوی حق روح ابوجعفر

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوطالبی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یحیی ابوطالبی از علماء و فضلاء اصحاب و مبرزین رفقا و معاضدین مرحوم آیه‌الله حجت کوهکمری دارای مقام و عمل و قدس و ورع میباشند.

معظم‌له فرزند عالم بزرگوار شیخ محمد صالح بن العلامه حاج ملا ابوطالب بن عالم جلیل حاج ملا غفور است که از تلامذه مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آقا سید حسین کوهکمری و مرحوم آیه‌الله مجدد میرزای شیرازی بوده و حواشی مختصری هم بر رسائل و مکاسب استاد نوشته و تألیفات مستقله‌ی داشته که آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله در پشت یکی از آنها حالات او را یادآور شده است، از او یادگار مانده و آن جناب در ۱۳۲۹ ق در شهر اراک برحمت ایزدی پیوسته است.

فرزند ایشان مرحوم ملا محمد صالح ابوطالبی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و پس از فوت آنها نزد پدر خود و مرحوم آیه‌الله حایری تلمذ نموده و در سن ۳۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ ق بدرود حیات گفته است.

آقای حاج آقا یحیی در ۱۲ ذی‌الحجه سنه ۱۳۲۳ ق در اراک بدنیا آمده و پس از رسیدن برشد و بلوغ که تصادف با ورود مرحوم آیه‌الله حایری باراک داشت بتحصیل علوم عربیت و ادبیت پرداخته تا در سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم آیت‌الله حایری بقم آمدند بواسطه وجود موانع هفت سال در عراق توقف و در سال ۱۳۴۷ قمری بقم آمده و تا مدت دو سال از محضر آنجناب استفاده و در ضمن به تکمیل سطوح پرداخته تا در سال ۱۳۴۹ که بواسطه کسالت مراجعت باراک نموده و هفت سال دیگر توقف و در سال ۱۳۵۵ ق مجددا بقم آمده و از محضر آیه‌الله حایری و اساتید دیگر بهره‌مند ولی پس از چند ماهی که آفتاب عالمتاب مرحوم حایری برای همیشه غروب نمود موفق بدرک فیض حضور استادنا الاعظم و معاذنا الاکرم آیه‌الله حجت کوهکمری قدس سره و منقطع بایشان گردیده.

مترجم معظم مـا پس از فوت مرحوم آیه‌الله حجت اسـتاد بزرگوار خود مهـاجرت بنجف نموده و قریب بیست سـال از محضـر اساتید بزرگ نجف چون آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله العظمی والعلامه الکبری خوئی اسـتفاده نموده و در این حوادث اخیر قهرا بایران مراجعت و در اراک ساکن گردیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول و غیره از تقریرات درس اساتید خود مخصوصا آیه‌الله حجت رحمه‌الله دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابونصر فراهی سجزی، بدرالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۰ ق)، دانشـمند. گوینـد کور مـادرزاد بود و در دربـار بهرامشـاه بن تاج‌الـدین حرب، پادشاه سیسـتان، که با پادشاهان غور پیوسـتگی داشت، می‌زیست. وی کتـاب «نصـاب الصبیـان» را در معـانی کلمات عربی به فرمان نظام الملک حسن وزیر، بهرامشاه، به نظم آورد و «جـامع صـغیر شـیبانی» را در ۶۱۲ ق نظـم کرد، امـا از اشـعارش به جز «نصـاب الصبیـان» چیزی بـاقی نیست. بر «نصـاب الصبیان» شـروح بسـیار نوشـته شـده و تقلیـدهای بسـیاری از آن شده که از مشـهورترین آنها «زهرهٔ الادب» در لغت عربی به فارسـی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، الذریعه (۱۶۵ /۲۴)، ریحانه (۳۱۷ –۳۱۶ /۴)، کشف الظنون (۱۹۵۴)، لغت‌نامه (ذیل/ابونصـر)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ –۱۸۰ /۶)، معجم مؤلفین (۲۲۵ /۱۲)، هدیهٔ الاحباب (۴۲)، هدیهٔ العارفین (۴۲۹ /۲).

ابویعقوب، اسحق

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ ابویعقوب اسـحق از مشاهیر کبار و فضـلاء عالی مقـدار و سالکی ریاضت شـعار بوده در سال ۵۳۲ در زمـان مقتفی باللّه خلیفه عباسی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابهری قزوینی، رفیع‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشـتم ق)، عـالم و شـاعر. از مردم ابهر بوده که در کرمان می‌زیست. وی از شاعران عهـد حجاج سـلطان قره ختایی و از

ملازمان غازان خان بود. وی با کمال‌الـدین اسـمعیل و اثیرالدین اومانی معاصـر بوده. رفیع‌الدین فرزانه‌ای صاحب کمالات صوری و معنوی و از وارسـتگان و مجردان عهـد خود بوده که به دو زبـان شـعر می گفت. از آثـار وی: «متن اقلیـدس»؛ دو «رساله» در حساب؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵۹ -۲۵۸)، الذریعه (۳۷۸/۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، مجمع الفصحا (۶۷۸ -۶۷۷ /۲)، هفت اقلیم (۱۹۲ - ۱۹۰ /۳).

ابهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیه‌الله الحاج السید شمس‌الدین موسوی ابهری مزبور از علماء معاصر و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم است. وی در ابهر متولـد شده و با معیت والدش بتهران آمده و پس از خواندن مقدمات بقم مهاجرت نموده و سـطوح را از مدرسـین بزرگ به پایـان رسانیـده آنگـاه در درس خارج آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی شـریعتمداری و آیه‌الله العظمی امام خمینی و آیه‌الله العظمی مرعشـی نجفی و نیز آیه‌الله العظمی گلپایگـانی شـرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا معقولا و منقولا اسـتفاده‌ی کامل نمـوده و هـم از فلســفه و تفســیر علامـه طباطبـائی بهره‌منـد و بنـابر دعـوت مردم شــهر آراء تهران و امریـه حضـرت آیـه‌الله العظمی شریعتمـداری بتهران منتقل و در مسـجد شـهر آراء باقامه‌ی جماعت و ترویـج دین پرداخته تا فوت مرحوم والدش در جمادی الاولی ۱۳۹۲ قمری که در مسجد آن مرحوم نیز بانجام وظیفه مشغول میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اثناعشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج ولی‌اللَّه اثناعشـری از دانشـمندان خدوم و مروجین دین و مبلغین احکام و ناشرین معارف اهل بیت و دلسوخته گان خاندان رسالت علیهم‌السـلام و سالار شـهیدان علیه الصلوه والسلام است، که در منزل خود به خدمات دینی و روحی و تبلیغ اسلام و تهـذیب نفس و اخلاق داوطلبان و شـیفته گان اهل‌بیت عصـمت و طهارت و بالاخص منتظرین ظهور حضـرت مهدی فاطمه سـلام‌اللَّه علیها و علیه اشتغال دارند.

وی در تاریخ ۱۳۱۲ شمسـی در تهران متولـد شـده و در دامن پـدری باایمان و تقوا و ولایت آل اللَّه پرورش یافته و پس از خوانـدن دروس جدید و ابتدائی به تحصـیل علوم دینی پرداخته و از محضر و درس عالم ربانی و سالک سبحانی ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ حسین زاهد امام جماعت مسـجد امین‌الدوله طهران اسـتفاده نموده و نیز قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی فراگرفته و در ماه ذیقعده سال ۱۳۷۰ قمری به قم آمده و از محضـر و دروس مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مقداری آیت‌اللَّه حجت رحمه‌اللَّه و حاج شـیخ عبـدالنبی عراقی و بالاخص آیت‌اللَّه بروجردی اسـتفاده کرده و در سال ۱۳۴۴ شمسی به نجف اشرف مشرف

شده و حدود سه سال اقامت و از محضر و ابحاث حاج شیخ محمدحسین تهرانی معروف به قاجار که از اعاظم علماء و فقهاء نجف بوده استفاده کرده و در سال ۱۳۴۷ شمسی مراجعت به تهران نموده و تا حال تحریر ۱۴۱۱ قمری به خدمات یاد شده اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اثنی عشری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسن اثنی عشری برادر مرحوم حسین اثنی عشری که پس از وی در مساجد او در شهر ری به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا در هفتم ماه صفر ۱۳۹۱ وفات نموده و در کشیکخانه آستانه مقدسه مدفون گردیده است وی نیز مقدمات را در ری خوانده و به قم مهاجرت کرده و سطوح و نهائی را از اساتید حوزه آموخته آنگاه به ری برگشته و بخدمات دینی پرداخته تا در سال مذکور دعوت حق را اجابت نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثنی عشری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.
وی در سال ۱۳۱۸ قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی مد ظله فراگرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لا- یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.
از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثیم سنندجی، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به اثیم. وی از فضلای سخنور و شعرای خوش ذوق سنندج بود که کتاب «کشکول» شیخ بهاءالدین عاملی را بنا به درخواست امان‌اللّه خان ثانی والی کردستان از عربی به فارسی ترجمه کرد. اثیم با رونق، صاحب «حدیقه»، تذکره شعرای کردستان معاصر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۵۳ –۳۵۲ /۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۱۳۸ –۱۳۱)، حدیقة الشعراء (۸۰ –۷۹ /۱).

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۵(۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).

درگذشت: ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگرداند.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماه‌ها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین–ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.

احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله ۱۳۰۵ شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.

مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.

و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.

دارای تألیفات چندی می‌باشند.

۱- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.

۲- رساله تقلید اعلم عربی.

۳- کتاب سوی خدا بروید.

۴- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.

۵- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.

۶- کتابی در احکام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی نیشابوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن احمدی نیشابوری فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نوراللّه نیشابوری داماد بزرگ مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری رحمه‌اللّه علیهم اجمعین می‌باشد. آن مرحوم در نیشابور شهر تاریخی استان خراسان به دنیا آمده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن اولیات به تحصیل علوم عربی پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در نیشابور و مشهد خوانده سپس هجرت به اعتاب عالیات نموده و سالها در اعتاب مقدسه نجف اشرف و کربلاء معلی اقامت و از محضر آیات عظام بهره‌مند شده و پس از آن به ایران برگشته و در مشهد مقدس متوطن و به وظائف دینی و روحی تا حد خود اشتغال داشته و آنچه را که داشته به آن عمل نموده و در دوران اقامتش در مشهد مقدس مانند اقامتش در نجف اشرف در ظهر و شام موفق به نماز در حرم مطهر و به گفتن اذان بلند اعلام وقت فریضه می‌نمود.

نگارنده گوید: گرچه در اوساط علمی به علم مشهور نبود ولی نزد همگان به داشتن تقوی و ورع و اعمال صالحه معروف و موصوف بود و هر کس او را می‌شناخت به پاکی و بزرگواری می‌شناخت و پس از رحلتش هم او را به خوبی یاد و برای او طلب مغفرت می‌نماید.

در قضاء حوائج مؤمنین سعی بلیغ داشت و از بعضی ثقات و وابستگانش شنیدم دارای تألیفات متشتت و مخطوط بود و با بیت مرحوم آی اللّه العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی نسبت سببی داشت و از محضر آن بزرگوار هم در نجف استفاده نموده بود. وی در حدود هفتاد سالگی در روز میلاد مادرش حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام روز بیستم جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ قمری در مشهد مقدس درگذشت و در مشهد و قم و نیشابور مجالس بسیاری برای بزرگداشت او برگزار شد و عموما برای ارتحال او ابراز تاثر می‌نمودند.

فرزندان صالح و دانشمندی دارد که در مشهد و حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و خاطره آن پدر را زنده می‌دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی احمدی (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر شهید حکومت بعث) فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی شاهرودی است. در سال هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) هجری شمسی در روستای مغز شاهرود به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در شاهرود در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن پانزده سالگی هجرت به قم نموده و در مدرسه فیضه در حجره مرحوم برادر شهیدش مدت چهار سال اقامت و بعد از رفتن ایشان در سال ۱۳۲۴ شمسی به نجف اشرف تا سال ۱۳۲۷ در قم مانده، و بقیه مقدمات و ادبیات را در محضر اساتید متعدد مانند آیت‌اللّه حاج آقا رضا صدر و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه مجاهدی و حاج شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و نیز آیت‌اللّه سلطانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۶ شمسی به اتفاق برادر شهیدش که به ایران آمده بودند به نجف اشرف عزیمت نموده و جلد اول کفایه الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و جلد دوم را در خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری خوانده و مکاسب را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد اهری و حاج سید محمود مرعشی استفاده نموده و بعدا یک دوره کامل اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی

خوئی بهره‌مند گردیده و مقداری از بحث الفاظ را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمدباقر زنجانی و نیز مبحث ظن را از آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم آملی آموخته و نیز از ابحاث فقه مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی (ره) و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی استفاده کرده و بعد از ده سال اقامت به واسطه بروز کسالت به ایران مراجعت و بعد از عمل جراحی در تهران اقامت و حدود بیست سالست که در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال دارند و ضمنا چند سالی هم در تهران از محضر مرحومین آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی مستفیض شدند و در حال حاضر در یکی از مساجد مرکز شهر اقامه جماعت دارند و گروهی از نماز و تبلیغات ایشان استفاده می‌کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اخترشاه، طهماسب

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دهم هجری، از زنان عالم و فاضل، به نوشته اعیان‌الشیعه گروهی از علما، رساله‌هایی در اصول فقه و غیره به نام او نوشتند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ النساءالمؤمنات، ۲۶۶.

اخوان خراسانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ علی بن العلامه الورع الشیخ محمدحسین مدرس در سال ۱۳۱۹ قمری در مشهد مقدس رضوی ولادت یافته و بعد از تحصیل مقدمات و سطوح در سته ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر مقدس جمعی از محققین آن عصر بالاخص مرحوم آیت‌الله نائینی و مرحوم آیت‌الله اصفهانی رضوان‌الله تعالی علیهما حضور یافته تا ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۱ قمری که در حادثه عراق و فشار و ظلم دولت شوم بعثی عراق به شیعیان ایرانی با ده‌هازار نفر از اهل علم و غیره اخراج به ایران و در شهر مذهبی قم رحل اقامت افکنده و به مباحثات فقه و اصول اشتغال دارند. از آثار ایشانست تقریرات و دراسات اساتید مذکور که به رشته تحریر آورده‌اند ولی هیچ‌کدام به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان خراسانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ مرتضی بن العلامه الشیخ محمدحسین مدرس خراسانی مذکور از علماء و فقها حوزه علمیه نجف

می‌باشند که با برادر ارجمند فوق‌الذکرش در سال ۱۳۹۱ قمری اخراج به ایران و سرانجام اقامه در قم را انتخاب نموده و به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

تولد ایشان در سال ۱۳۲۱ قمری واقع شده و بعد از فراغ از مقدمات و سطوح فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده در سال ۱۳۴۴ قمری.

و در درس اساطین آن عصر مخصوصا مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی اعلی‌الله مقامهما حاضر و پس از آنها به تدریس و بحث اشتغال داشته و تا هم اکنون که در قم سکونت نموده‌اند و به این سمت مشغول می‌باشند از نوشته‌های ایشانست تقریرات اساتید که مخلوط است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ادیب اشراق، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۳۷ ش)، دانشمند و شاعر، متخلص به ادیب. وی در گلپایگان متولد شد و تحصیلات مقدماتی را همان جا فراگرفت از آن پس به اصفهان رفت و مدت ده سال به تحصیل علوم ادبی و عربی، فلسفه و کلام پرداخت. آنگاه به تهران آمد و به شغل قضا مشغول شد. ادیب شاعری توانا و دانشمندی ممتاز بود و در فلسفه و حکمت، مشربی عرفانی داشت و به حسن خلق معروف بود. در تهران وفات یافت در گلپایگان به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۱۵ /۱).

ادیب پیشاوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۰ ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملاـ محمد مشهور به آل‌ناصر دانش آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمّذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمرودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی‌خان قراگوزلو،

وزیر معارف، درگذشت و در امامزاده عبداللّه تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دویست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن ابی‌الحدید» بر نهج‌البلاغه.[۱]

(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. ۱۲۶۰ ه.ق./ ۱۸۴۴ م. ف. ۱۳۴۹ ه.ق./ ۱۹۳۰ م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهرو دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال ۱۳۰۰ ه.ق./ ۱۸۸۲ م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۲۲ -۳۱۷ /۲)، اعیان الشیعه (۶۰۳ /۲)، حماسه سرایی در ایران (۳۷۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۱۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۵ -۱۰۳ /۱)، سخنوران نامی (۹ -۳ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۴ - ۲۰۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۶ /۱)، شرح حال رجال (۷۸ -۷۷ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ - ۳۵۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ /۱)، مکارم الآثار (۱۶۲۴ -۱۶۲۳ /۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۴ - ۳۳).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر با ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغهٔ فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ – ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شبح مخوف، درویش گمنام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۸۱ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ –۱۰۶ /۱)، سخنوران نامی (۵۴ –۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ –۶۸۵ /۱).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ –۱۲۷۷ ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندک زمانی نزد دائی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در ۱۲۹۴ ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیک به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایهٔ و النهایهٔ»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران».[۱]

محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ -۱۹۵ /۲)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان ۱۳۵۷).

ادیب همدانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و دانشمند. وی در جوانی برای کسب دانش به کاشان و مازندران رفت و از آنجا برای یادگیری هندسه و ریاضیات و هیئت و نجوم به مشهد عزیمت کرد. پس از آن برای فراگیری حکمت به اصفهان رفت. محمدعلی میرزا دولتشاه او را برای علم پسرش محمد حسین میرزا، حشمت‌الدوله، برگزید و سمت ملاباشیگری به او داد. پس از مرگ دولتشاه و دستگیری حشمت‌الدوله، قائم مقام میرزا ابوالقاسم را نیز به عنوان مأموریت از تهران دور کرد و او را همراه قشونی که مأمور سرکوبی حسینعلی میرزا فرمانفرما ساخته بود، به شیراز فرستاد. وی لقب ذوالریاستین داشت و در شعر بیشر از شعرای پیشین، خاصه خاقانی پیروی می کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۷ -۱۱۶ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۰ -۱۳۸ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۸ -۱۷)، نگارستان دارا (۵۸ - ۵۵).

اراکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی از دانشمندان طراز اول و منسوبین نزدیک مرحوم آیه‌الله حاج آقا محسن و از مدرسین حوزه علمیه اراک بوده بسیاری از فضلاء قم و اراک از محضرش استفاده نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارباب اصفهانی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۳۴ ق)، دانشمند و ادیب. وی پدر میرزا محمد حسین فروغی ذکاءالملک و از اهالی اصفهان بود. آقا محمدمهدی در علوم تاریخ و جغرافیا و هیئت قدیم و جدید و نجوم بطلمیوسی و اروپایی به مقامی والا دست یافت. پس از مرگ، او را در قبرستان محله‌ی آب بخشان اصفهان دفن کردند. از آثار وی: تصحیح و طبع «شاهنامه‌ی فردوسی» و «تاریخ وصاف» که هر دو در بمبئی به چاپ رسیده؛ «نصف جهان»، در تاریخ اصفهان؛ «جغرافیای اصفهان»؛ کتابی در محاکمه بین علم هیئت و نجوم قدیم و جدید؛

«نقشه‌ی ابنیه‌ی تاریخی اصفهان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۷۰)، الذریعه (۱۷۸ /۲۴، ۱۱۴ /۵)، شرح حال رجال (۶، ۵/ ۴)، المآثر و الآثار (۲۲۰).

ارباب، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مردی دانشمند و ادیب بود و از راه تجارت و زراعت کسب معاش می‌کرد. با دانشهای اروپا که به تازگی در آن زمان معمول شده بود، آشنایی داشت و مخصوصاً در هیئت و جغرافیا به هر دو طریقه‌ی قدیم و جدید عالم بود و او از جمله‌ی پیشقدمان معارف جدید اروپایی- مخصوصاً هیئت جدید- بشمار می‌رود. از او یک دختر به نام فاطمه سلطان بیگم و یک پسر بنام محمدحسین خان ذکاءالملک باقی ماند

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اردبیلی ابوزرعه، عبدالوهاب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، دانشمند و صوفی. وی اهل اردبیل بود و از پارسایان آن شهر. به زیارت خانه خدا رفت و در راه حجاز تا مدینه با ابوعبداللّه محمد بن خفیف شیرازی معروف به شیخ کبیر همسفر بود. و پس از مراجعت از مکه در شیراز اقامت کرد و تمام اوقات خود را به موعظه و اندرز مردم اختصاص داد و در همان جا درگذشت. در آخر عمر بر کردار و گفتار بعضی از صوفیه منکر شد و افعال و اعمال آنان را تقبیح کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۱۶۴، ۱۶۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۷۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۳)، شیرازنامه (۱۳۷)، طرائق الحقائق (۲/۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزرعه)، نامه‌ی دانشوران (۴۷ -۴۶ /۵)، نفحات الانس (۳۲۵ - ۳۲۴)، هفت اقلیم (۲/۲۵۵).

اردبیلی اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و در فقه و اصول از تلامیذ حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده.

در سلخ صفر سال ۱۳۲۷ وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از جنان آمد یکی و از پی تاریخ او

گفت حیدر روز میزان شافع حیدر علی

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردبیلی، عبدمناف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۸۵ ق)، دانشمند و شاعر. معروف به ملامناف. وی علوم مقدماتی را در اردبیل آموخت، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به قم، استانبول و نجف رفت و پس از مدتی که به زبان فارسی و عربی تسلط کامل یافت، شروع به تألیف در این دو زبان کرد. ملامناف پس از اتمام تحصیل به تجارت پرداخت و در سفرهایی که به روسیه و اروپا داشت، زبان روسی و انگلیسی و فرانسه را آموخت. در جنگ جهانی اول تجارت را رها کرده، به دارو فروشی پرداخت. وی به جفرو رمل وارد بود و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «نصیحهٔ الرضائیه»؛ «اخلاق الاولین»؛ «المعیشه»؛ «مقامات» یا «دیوان» شعر؛ «اقتصاد»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»؛ «حکمت»؛ «علم رمل و جفر»؛ «علم قیافه شناسی»؛ «علم کیمیا»؛ «صنعت صابون سازی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۱ -۱۳۰ /۱).

اردکانی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن حسنعلی اردکانی یزدی منظومه‌ای به عربی در اصول دارد که سال ۱۲۲۳ خود در هفتاد صفحه نوشته و این نسخه به نام منظومه‌الاصول به شماره ۲۹۴۶ در کتابخانه ملک موجود است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اردکانی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر رشتی از مجتهدین بزرگوار اردکان بوده که در تهران میزیسته و بسیار مورد توجه دولت و ملت بوده و در مدرسه فخریه تدریس می‌نموده و در سال ۱۲۵۷ ق بدرود حیات گفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استاد زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن بن السید الاعلام... از علماء بزرگوار معاصر بابل است در آن شهرستان متولد شده و پس از تربیت در حجر سیادت و علم و فرا گرفتن مقدمات و سطوح بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله خونساری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت ببابل و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استخر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشروطه‌خواه، روزنامه‌نگار، قاضی، نماینده‌ی مجلس. در ۱۲۶۶ در یکی از دهات آباده متولد شد. پدرش شیخ اسداللّه واعظ از روحانیون منطقه و منبری بود. تا شانزده سالگی در زادگاه خود به تحصیل اشتغال داشت. سپس به شیراز رفت و تحصیلات خود را در ادبیات فارسی و ادبیات عرب و معارف اسلامی ادامه داد و صاحب فضل و دانش نسبی گردید. در مشروطیت فعالیت داشت و وارد حزب دموکرات فارس شد. در این حزب فعالیتی شایسته از خود بروز داد و مورد توجه آزادیخواهان فارس قرار گرفت. برای استفاده از اطلاعات و معلوماتش به شغل معلمی دعوت شد و به مدیریت مدارس جدید ارتقاء یافت. در ۱۲۹۷ امتیاز روزنامه‌ی استخر را گرفت و به انتشار آن در فارس همت گمارد و طرفدارانی پیدا کرد. در ۱۳۰۶ از وزارت معارف به عدلیه انتقال پیدا نمود و شغل قضائی به او ارجاع شد. سال‌ها در سمت بازپرس و دادستان و رئیس دادگاه در شهرهای مختلف خدمت می‌کرد. در سال ۱۳۲۰ از خدمت قضا کناره‌گیری کرد و مجدداً به وزارت معارف رفت. به امور مطبوعاتی و علمی پرداخت و نشریه‌ی استخر را با وضع مناسب‌تری انتشار داد. در سیاست کلی فارس صاحب نظر گردید. در دوره‌ی هیجدهم از شیراز وکیل شد. در دوره‌ی نوزدهم نیز وکیل بود، ولی به علت کبر سن به ادوار بعدی مجلس راه نیافت. مردی ادیب و دانشمند و در مسائل مختلف صاحب نظر بود. روزنامه‌اش قریب چهل سال در شیراز انتشار یافت. غالب مردم فارس به نیکی از او یاد می‌کنند. در ۱۳۴۸ درگذشت. آثار و تحقیقات تاریخی و ادبی از وی به یادگار مانده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط داشت و به آن زبان شعر می‌سرود.

(۱۳۸۷ -۱۳۰۶ ق)، نویسنده، دانشمند و روزنامه‌نگار. در بوانات فارس متولد شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاه خود فراگرفت. به شیراز رفت و در آغاز علوم متداول زمان مانند ادبیات عرب و فارسی را آموخت و به آموزگاری پرداخت. با مطالعه و پشتکار بسیار در امور اجتماعی و تاریخ و فلسفه تبحر یافت و در آغاز مشروطیت وارد امور سیاسی شد و روزنامه‌ی سیاسی و اجتماعی و ادبی «استخر» را از سال ۱۳۳۶ ش به مدت چهل سال منتشر ساخت و در ضمن آن به کارهای دولتی نیز مشغول بود. وی در دوره‌ی هجدهم و نوزدهم از طرف اهالی فارس به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شد. آثار وی: ترجمه‌ی «پیشوایان فکر»، طه حسین؛ «فرهنگ اسلام»؛ «چهل مقاله تاریخ تصوف»؛ ترجمه‌ی «مظاهر محمدی»، توفیق الحکیم؛ «مهمانیها و پذیرائیهای شاهانه»؛

ترجمه‌ی «مجموعه‌ی یادداشتهای رضاشاه»، علی بصری؛ «چند صفحه از تاریخ بزرگترین تحولات علمی»؛ «روابط ایران و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام»، ترجمه‌ی «الصلاة بین العرب و الفرس».[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۵۷ -۱۵۵ / ۱)، دانشمندان فارس (۲۶۱ -۲۵۷ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۶ -۱۴۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۷ / ۲).

استرآبادی، ابواحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابواحمد محمد امین بن عبدالنبی بن عبدالصانع محدث اخباری استرآبادی متولد ۲۱ ذی‌قعده ۱۱۷۸ ق در هند صاحب تألیفات عدیده و رسائله کثیره در فنون عقلیه و نقلیه که بواسطه جسارتش به علماء بزرگوار به امر علامه سید محمد مجاهد کربلائی فرزند صاحب ریاض در سن ۵۵ سالگی مقتول گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین استرآبادی بن آیت‌اللّه حاج آقا ضیاءالدین از فضلاء دانشمندان معاصر شمیران تهران است.
وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در تهران متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در تهران خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از آن مهاجرت به نجف و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی نجف اقامت و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از دروس و ابحاث آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد بواسطه کسالت مزاج به تهران مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف مشغول و اکنون در تجریش شمیران به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.
از آثار ایشانست حسینیه استرآبادی که در اوائل خیابان پهلوی تجریش قرار دارد و در آن برنامه‌های دینی اجراء می‌گردد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، دانشمند شیعی. پدرش شیخ محمود در پادشاهی شاه‌طهماسب اول (وف ۹۸۴ ق) به دربار صفوی پیوستگی داشت

و در مجلس پادشاه زیاده از دیگران سخن موعظت آیین حقیقت بنیان گستاخانه بر زبان می‌راند و نهی و مسامحه جایز ندانسته مبالغه بر سر حد افراط می‌رسانید و چون خالی از اغراض دنیوی بود شاه نیز به نصایح او با خرسندی گوش فرا می‌داد. شیخ حسن نیز مانند پدرش مردی فاضل و پاکدامن و پارسا بود و در سالهایی که ازبکان به سرکردگی عبداللّه‌خان ثانی (وف ۱۰۰۶ ق)، بر خراسان استیلا یافته بودند، وی از مشهد به قزوین نزد شاه‌عباس اول (وف ۱۰۳۷ ق) آمد و نزد او و از حرمت فراوان برخوردار بود و شاه در سفرهایش وی را با خود می‌برد. شاه عباس پس از بیرون راندن ازبکان از خراسان شیخ حسن را به تولیت آستان قدس گماشت و او تا پایان زندگی به نیابت از شاه‌عباس سرکشیک‌باشی و کلیددار روضه‌ی رضوی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۴ /۵)، عالم آرای عباسی (۱۵۸ -۱۵۷ /۱).

استرآبادی، محمدمؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۴ ق)، دانشمند و شاعر. از سادات استرآباد و خواهرزاده‌ی میر فخرالدین سماکی. وی از عالمان دوران شاه و بیست و پنج سال وزیر و معلم فرزند او، حیدر میرزا، بود. پس از کشته شدن آن شاهزاده به هندوستان رفت و در دکن مورد ملاطفت سلطان ابراهیم قطب‌شاه قرار گرفت. بنا به قول اسکندر بیک ترکمان در سال ۱۰۲۵ ق در قید حیات بوده است. «رساله‌ی» او در عروض یک مقدمه و دو فصل و یک خاتمه دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۹ -۷۹۸ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، عالم آرای عباسی (۱۴۶ /۱)، کاروان هند (۱۳۷۷ -۱۳۷۳ /۲)، مجمع الخواص (۷۸)، هفت اقلیم (۱۱۵ -۱۱۳ /۳).

استرآبادی، معین‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۶ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به معین. مشهور به معین لذت. اصل وی از استرآباد بود و در مشهد اقامت گزید. او از شعرای عهد شاه طهماسب صفوی و مورد احترام وی بود. در ۹۷۶ ق با معصوم بیگ، وکیل دربار شاه طهماسب، برای عقد مصالحه با سلطان سلیم عثمانی به استانبول رفت. پس از مصالحه از آنجا نیز با هیأت سفارت به جانب حجاز اعزام شد. در میان راه منازعه و جنگی بین معصوم بیگ و امیرالحاج عثمانی درگرفت. معین‌الدین و چند نفر دیگر، که زنده ماندند، خود را به جده رساندند و سپس از آنجا، از راه دریا، رهسپار هند گشتند. ولی در راه کشتی غرق شد و آنها به هلاکت رسیدند. از آثار وی: رساله «لذات» یا رساله‌ی «لذت»، در زمینه‌ی هزل است که به موجب همین رساله به معین لذت مشهور شد. همچنین اشعاری ازا و در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۱ -۶۳۰/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۸)، الذریعه (۱۰۷۶ -۱۰۷۵/ ۹)، ریحانه (۳۴۹ -۳۴۸/ ۵)، صبح گلشن (۳۴۳ -۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، لغت نامه (ذیل/ معین استرآبادی)، مجمع الخواص (۲۲۸ -۲۲۷)، مطلع الشمس (۴۴۴/ ۲)، هفت اقلیم (۱۱۹ -۱۱۶/ ۳).

اسراری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد، ملقب به ولی‌اللَّه اسراری فرزنـد مرحوم حاج شیخ محمـدابراهیم مشـهور به مـدرس اسراری از علماء معاصر سبزوار است. ترجمه خود را چنین مرقوم و ارسال نموده‌اند.

اینجانب محمـد ملقب به ولی‌اللَّه اسراری فرزنـد مرحوم حاج شیخ محمـدابراهیم مشـهور به مـدرس اسراری که از علماء سبزوار و مـدرس در تمام علوم از فقه و اصول و فلسفه و کلام و هیئت و نجوم و ترجمه حالش را مرحوم آیت‌اللَّه جناب آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب ذریعه در کتاب نقباءالبشر مفصلا ذکر فرموده‌اند و اجداد این بنده محتاج به رحمت باری تعالی از طرف پدر و مادر عموماً ملاک و اشراف و ثروتمند و بعضی از آنها اهل علم بوده‌اند و آثار خیریه آنها در سبزوار باقی و موجود است.

در شب جمعه نهم ذیقعدهٔالحرام ۱۳۲۱ هجری قمری در دارالمؤمنین سبزوار متولـد شـدم و در سن بین پنـج و شـش سـالگی مرا به مکتب گذاشتند.

پس از یکسال قرآن مجید و دو سه کتاب کوچک را آموختم سپس مرا خدمت جناب آقا میرزا روح‌اللَّه لاهوتی که خطاط و دارای علوم عربیه بوده فرستـادند دو سه سالی بیش نگذشت که دبسـتان خیریه ملی افتتاح شد مرا به کلاس چهارم وارد نمودند و تا کلاس ششم بودم و حسـاب و هنـدسه و قـدری فرانسه و صـرف و نحو در آنجا دیـدم و پس از پایان دوره شـشم در خـدمت مرحوم پـدرم شروع به نحو و صرف نموده و مرحله سیزدهم عمر را می‌پیمودم که مادرم دار دنیا را وداع نمود خدایش رحمت کند

اگر چه رنج و غم من به مرگ آن مرحومه شروع شد ولکن به تحصیلات خود ادامه دادم و مقداری فقه و اصول و فلسفه و منطق و نجوم و هیئت و حسـاب قـدیم خـدمت مرحوم والـدم تعلیم گرفتم و در همـان زمـان به درس مرحوم علاـمه فقیـد سـعید آقای شـیخ نظام‌الدین کنابادی رحمهٔ اللَّه تعالی علیه می‌رفتم.

و چنـد سـالی طول کشـید و مرحوم آیت‌اللَّه آقـای حـاج میرزا عبـدالحکیم عمه‌زاده که از شـاگردان مرحوم جلوه و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی الاصـفهانی و آیـت‌اللَّه العظمی النـائینی و آیت‌اللَّه العظمی العراقی اعلی اللَّه تعـالی مقـامهم بـود و از هر سه مرجع به اجـازه اجتهـاد مفتخر بوده و شـرح حـال معظم له را در ترجمه و کتـاب زنـدگانی مرحوم جـد امجـدم حکیم عظیم حـاج ملاـ هـادی اسـرار سبزواری اعلی اللَّه تعالی مقامه الشـریف نگاشته‌ام از نجف اشرف مراجعت فرمودند و در خدمت ایشان نیز چند سالی فقه و اصول و فلسفه تلمذ نمودم.

تا اینکه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج میرزا حسن سـیادتی رحمهٔاللَّه تعالی علیه که ایشان نیز از فضلاء و بزرگان حوزه‌ی علمیه نجف اشـرف بودنـد از آن سامان به وطن اصـلی خود مراجعت فرمودند و اسـتفاده‌ی کامله از محضـر درس ایشان نمودم البته اساتید دیگری را از قبیـل حضـرت مسـتطاب آیت‌اللَّه آقـای حاج میرزا مهـدی فقاهتی و برادر بزرگوار معظم له حضـرت مسـتطاب آیت‌اللَّه العظمی آقـای حاج میرزا حسـین فقیه سبزواری و حضـرت مستطاب علامه سـعید آقای فاضل هاشـمی اعلی اللَّه تعالی مقامهم درک فیض نموده‌ام.

و در تمام ادوار از سن شانزده سالگی دروسی از نحو فقه و اصول فلسفه و منطق و کلام و حساب و هیئت جهت آقایان محصلین در مدرسه فخریه و فصیحیه سبزوار تدریس می‌نمودم و از سن چهل سالگی که تاکنون سی و سه سال می گذرد و در مسجد جامع سبزوار پس از نماز مغرب و عشاء تفسیر و بعد از نماز صبح به تبلیغ احکام و نشر اخبار آل عصمت صلوات اللَّه و سلامه علیهم اجمعین مشغول بوده‌ام خدای تعالی را مسئلت می‌نمایم که توفیق بیشتری عنایت فرماید تاکنون کتبی تألیف نموده‌ام که بعضی به طبع رسیده و بعضی وقت آن نرسیده و کتبی که بطبع رسیده از اینقرار است.

۱- ترجمه و شرح حال فیلسوف بزرگ شرق مرحوم جدا مجدم حاج ملاـ هادی اسرار سبزواری است که به خواهش بعضی از دوستان نوشته‌ام.

۲- گنجینه اسرار که اصول دین مختصری است قسمت اول آن و قسمت آخر آن اخبار و احادیثی است اخلاقی که به خواهش مرحوم شاهیده رئیس آموزش و پرورش شهرستان سبزوار نگاشته شده است.

۳- گنجینه صفات یا راهنمای جوان که در توحید و صفات ثبوتیه و سلبیه است که به خواهش سروان اکرمی بازرس محترم نظام وظیفه تألیف گردیده است

۴- شرح حال و ترجمه مختصری از زندگانی عالم بی‌نظیر و زاهد خبیر مرحوم شیخ علی ابن ابی‌الطیب معروف به پیر حاجات که در خیابان رضوی سبزوار مدفونست و از علماء بزرگ قرن چهارم هجری است و در تاریخ بیهق متفرقه ترجمه و شرح زندگانیش نوشته شده است و کتبی که بطبع نرسیده است.

۱- کتاب شرح بر کلمه طیبه لا اله الا اللَّه الملک الحق المبین و تفسیر آیه‌ی شریفه ان اللَّه لا یغفر ان یشرک به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء است که در پاسخ پرسش مرحوم حاج شیخ محمدباقر جوینی شمس‌آبادی نگاشته شده است.

۲- شرح حال مرحوم حاج میرزا محمد ابراهیم وثوق‌الحکماء مؤلف شرح دعای عدیله و شرح بر گلشن راز شبستری است.

۳- ترجمه و شرح حال مرحوم آقا شیخ علی‌اصغر گاچی که از شاگردان مرحوم حاج اسرار و مردم عالم و زاهد و حکیم و ادیبی بوده است.

۴- کتابی در تطبیق بین هیئت فلاـ ماریون با آیات و اخبار آل محمد صلوات اللَّه و سلامه علیهم اجمعین است که ناتمام است الحمدللَّه علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم و لا حول و لا قوة الا باللَّه العلی العظیم و صلی اللَّه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین ابدالابدین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسلامبولچی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی (اسلامبولچی) از علماء و دانشمندان مبرز معاصر تهرانست وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و در بیت تقوا و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن فارسی و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و مدرسین دیگر حوزه به پایان رسانیده و درس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران برگشته و در خیابان عین‌الدوله به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد (سادات اخوی) واقع در اول

(کوی سقاباشی) و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند نگارنده. گوید: آقای اسلامبولچی دانشمندی متین و بزرگوار و دارای محاسن اخلاق و مبادی آداب و با سلسله سادات اصیله و ریشه‌دار تهران که منتهی به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) می‌شوند پیوند مصاهرت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامی، عبدالستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستاراسلامی از مشاهیر علماء و دانشمندان آبادان است که بفضل و تقوا موصوف و بتعصب و غیرت در امور دینی معروف میباشند، بنابر اصرار و مراسلات عدیده اینجانب شمه‌ای از بیوگرافی و ترجمه خویش را مکتوبا ارسال داشته‌اند که عینا می‌نگارم:

بسمه تعالی الذی خلق الانسان و علمه مالم یعلم و رفع مقامه بما شرفه من الکتابه بالقلم و جعل منهم انبیاء لهدایه الامم فکانوا کمصابیح لاناره الطرق من الظلم و مفاتیح لکشف المعضلات وایضاح البهم و صلی‌الله علی سیدهم و خاتمهم محمد اشرف من وطیء الثری بالقدم باعث ایجاد الخلق من العدم و علی آله الطاهرین المیامین ساده العرب والعجم.

و بعد بر خاطر عاطر پوشیده نماناد که بر حسب خواهش و امر سر کار که شرح حال این فقیر درگاه الهی و گوشه‌نشین خانه تنهائی را خواستار شدید برای اجابت و امتثال بیان حال را بمقدار خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول آن جناب باشد اگر چه خود مرا قابل این معنی نمی‌دانم که شرح حالم با شرح علماء درج و ثبت گردد. چون من نوکری برای علم و اهلش بیش نیستم (وافتخر بان اکون خادما للعلم و اهله و ما- نحن واهلم العلم اتهم جزاهم‌الله خیرا اتعبوا انفسهم و افادوا واسهروا اعینهم و کتبوا و اجادوا فقامت عمادالدین بافاداتهم و تعلم الناس بکتبهم و رسالاتهم و نحن لانلحق شأوحهم علی مضمار و لانصل الیهم فی حبار و لامعیار ولکن ما لایدرک کله لایترک کله اوجلّه فکتبت المیسور اذهو لایسقط بالمعسور و علی‌الله المعول فیما کتبت و شرح الصدور.

حقیر در سن ۱۲ سالگی وارد نجف اشرف شدم و مرحوم والد ماجد ممجد سمی خاتم‌الانبیاء محمد قدس‌الله‌سره که از شاگردان بنام مرحوم رئیس‌الملله والدین السید محمد کاظم یزدی انارالله برهانه بودند مرا برای کسب معارف الهیه بنجف برد و بمقدار وسع در آن محل امن و امان مستمدا من برکات صاحب البقعه المبارکه العلویه کسب فیض نموده و از اساتید محترم که شمارشان از بیست متجاوز است اخذ و استفاده نمودم بحمدالله و منه که حضرت مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین اعجوبه لنکران آقای شیخ مجتبی طرید عراقیها که الآن در سن پیری در اصفهان است یکی از اساتید است و اجازات علمیه و امور حسبیه و اجازات حدیث از بسیاری از مراجع اموات و احیاء در دست دارم که صلاح در نشر و پخش آنها نیست یکی از آن اجازات حدیثیه از مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی است و یکی از جرثومه فضل و تقوا آیه‌الله المرعشی النجفی اطال‌الله عمره و نفع المسلمین بوجوده می‌باشد که بسیار مفصل و محتوی مطالب ارزنده که میرسد بمعصوم علیه‌السلام و یکی از مرحوم استاد علم الحدیث نابغه زمان خود آیه‌الله آقا بزرگ تهرانی قدس سره میباشد.

و پس از فوت مرحوم والد طیب‌الله و مسه مرحوم خلد آشیان پدر یتیمان علامه ثانی آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهبهانی مرا فرستادند برای رتق و فتق امور شرعیه در عشایر آبادن هشت فرسنگی که قریب پنجاه هزار یا بیشتر که بیش از چهار فرسنگ طول

منازل آن عشایر است عرب و عجم شیعه و سنی اصولی و اخباری هستند و بفضل حق تعالی (قمت فیهم ثلاثین سنه احسن قیام) و ترویج شرع نمودم با حسن الترویج و دفع و رفع خرافات کردم که بحمدالله مشهور شدم بین عشایر علی اطلاقها (بانه لاتأخذه فی‌الله لومه لائم و صرفت ما حصلته من الحقوق باقامها بین الفقراء والارامل والایتام والله المنه علی فی ذلک حتی خرجت من العشایر بعله ضعف المزاج) و مرضهای پی در پی برای بدی آب و هوای آنمحل و ساکن آبادان شدم در حالیکه مالک چیزی از مال نیستم نه دیناری و نه درهی نه ملکی و نه منزلی سپاس خدائی را که مرا چنین قرار داد و مرا از دینش اینطور تعلیم نمود و اکنون دوازده سال است که در آبادان بامور دینی و اقامه جماعت اشتغال دارم و میان اقران مشهور بزهد و تقوایم زیرا با هیچ اداری و ثروتمندی و شیخ عشیره‌ای معاشرت و آمیزش ننمودم و دندان طمع را از اموال مردم کندم و روی این جهت عزیزتر از دیگران شدم بجهت اینکه هرکس قناعت کند عزیز است و هر کس طمع در اموال مردم نماید موهونست و کسیکه از مردم عزلت گزیند از ایشان بسلامت خواهد بود.

و در هر شب بعد از نماز احکام خدا را بیان کرده و در منبر برای مردم اخلاق می گویم.

و جماعت و منابرم از فضل خدا مشهور و درب کتابخانه‌ام برای واردین و میهمانان و نیازمندان و ارباب سئوال باز است.

آثار قلمی از اینقرار است.

۱- نظریاتم را بر کتب مطالعه شده از سنی و شیعه نوشته‌ام.

۲- دفتری متوسط محتوی مطالب ارزنده و اشعاری مطلوب کامل است.

۳- کشکول اسلامی که در آن همه چیز موجود است.

۴- کتابی بنام المهدی و صفاته در دو جزء اولی تمام دومی ناتمام بعربی و فارسی.

۵- کتابی در تلخیص (بیان و تبیین) بنام الدرالثمین فی المنتخب من البیان و التبین جاحظ عثمانی.

۶- کتابی باز در کشکول بطرزی بدیع ناتمام.

۷- اربعین حدیث از کافی شریف و کتابها و رساله‌های دیگر در امور مختلفه.

۸- ایقاظ الانام عن خرافات العوام.

واما باقیات الصالحات ایشان.

۱- مسجد محمدی در نهر اردشیر- قصبه. (بضم قاف نام حومه آبادان)

۲- مسجدی محمدی در نهر حد- قصبه.

۳- حسینیه در نهر اردشیر- قصبه.

۴- حسینیه حاج یونس در سنافی.

۵- حسینیه ملا ابراهیم در نهر فجری- قصبه.

۶- ترمیم و اصلاح ساختمان مساجد منطقه مذکوره و فرش آنها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی‌اکبر بن مرحوم آقا صدر اسلامی تربتی از معاریف دانشمندان این منطقه است. وی در قریه بابک که در سه فرسخی تربت واقع است متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات مسافرت بقم نموده و از مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله حایری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۵ قمری بوطن برگشته و پس از چند سال توقف بقم مراجعت و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله... استفاده تا چند سالی بعد از فوت مرحوم بروجردی بوطن بازگشت نموده است.

وی که با مرحوم ثقه‌المحدثین آقا شیخ علی‌اکبر واعظ تربتی که ترجمه‌اش در جلد دوم گذشت قرابت نزدیک دارند و بفضل و دانش معروف و به پرهیزکاری و متانت موصوف و دارای مقام نطق و سخن وری میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی اسلامی نجفی فرزند ارشد حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستار اسلامی بهبهانی که در این منطقه سکونت دارد و مورد احترام تمام‌بخش و رهبر دینی ساکنین بخش مزبور می‌باشد. معظم له در نجف اشرف به سال ۱۳۱۳ شمسی متولد شده و پس از فوت جدش مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد بهبهانی که وکیل مطلق مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید کاظم یزدی در بخش قصبه بوده والد ماجدش که از طرف مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عشایر بخش قصبه اعزام گردیده وی را به قصبه آورده و در سن هفت سالگی قرآن کریم و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخته و در سن ۱۰ سالگی به شهر آبادان رفته و علوم جدیده را فراگرفته و در سن شانزده سالگی جهت تحصیل علوم دینیه و معارف الهیه به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدرسه مرحوم شر بیانی و بعد در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند به تحصیل پرداخته و دروس مقدماتی و متوسطه و عالی اعم از علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و حدیث و منطق و کلام را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید شکراللَّه بهبهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد رشتی و حجهٔالاسلام حاج شیخ محی‌الدین مامقانی و حجهٔالاسلام آقا میرزا علی آقا فلسفی و حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدعلی سرابی و حجهٔالاسلام میرزا کاظم تبریزی و حجهٔالاسلام آقای آقا شیخ صدرا و حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدعلی افغانی فراگرفتند و در همان اوان تدریس علوم ادبی را برای جمع کثیری از طلاب نموده سپس درس خارج اصول را از محضر آیت‌اللَّه خوئی و خارج فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌اللَّه شاهرودی استفاده نموده و در اثر حافظه قوی و جدیت شدید در تحصیل (به حدی که بیمار و مبتلا به عارضه چشم گردیده) و در سن ۲۶ سالگی پس از ده سال علوم مختلفه به سال ۱۳۸۰ قمری فارغ‌التحصیل گردیده و به مقامات عالیه علمی رسیده است چنانچه آیات عظام نجف مراتب فضل او را تصدیق و تأیید نموده‌اند.

جناب آقای اسلامی در سال ۱۳۸۰ قمری بنابر توصیه پزشکان و دستور مرحوم آیت‌اللَّه حکیم جهت معالجه به کشورهای لبنان، سوریه، مصر، اردن، ایران مسافرت نموده و پس از مراجعت به نجف اشرف و مسافرت به کویت و ایران از طریق بحرین به مکه مشرف و پس از سفر حج و تشرف به عتبات عالیات عراق در سال ۱۳۸۱ ق حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و سائر مراجع تقلید نجف اشرف با وکالت مطلقه و توثیق آنان بوطن خود قصبه آبادان برگشته و ساکن شدند و از بدو عودت ایشان به قصبه و انتقال

والد ماجدشان به شهر آبادان معظم له به ترویج مبانی مذهبی و تعظیم شعائر دینی و بیان احکام شرعی و رسیدگی به حال مستمندان و اصلاح بین مسلمین و حل و فصل اختلافات محلی و سایر وظائف شرعیه اشتغال دارند و در مسجد جامع محمدی در نهر علیشیر (معروف به مسجد الشیخ که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد می‌باشد و والدشان تجدید بناء نمودند) اقامه نماز جماعت می‌نمایند معظم له مضافاً بر انجام وظائف شرعیه از اول اقامتشان در قصبه منشأ خدمات ارزنده مذهبی از قبیل تأسیس مساجد و حسینیه‌ها و تجدید بناء آنها و همچنین منشأ خدمات ملی و عام‌المنفعه بوده و هستند

آثار وی از مساجدی که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس گردیده بدین قرار است

۱- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر علیشیر به تصدی آقای حاج عباس و شیخ ابراهیم بهبهانی

۲- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر حاج علی (به چاچره) به تصدی آقای حاج صالح بهبهانی

۳- مسجد نهر قائمیه به تصدی حاج علی جاسی ۴- مسجد نهر مچری معمره به تصدی حاج ملا ابراهیم فاضلی

۵- مسجد نهر بوچمپه به تصدی آقای سید قاسم ۶- مسجد نهر علیشیر که در شرف ساختمان است بوسیله آقای حاج جواد بهبهانی

اما حسینیه‌ها که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس یا تجدید بنا گردیده و از ساختمان گلی به ساختمان آجری و امروزی تبدیل شده زیاد است و از آنجمله است

۱- تأسیس حسینیه در نهر ابوالفلوس به تصدی سبهان حاج جابر

۲- تأسیس حسینیه زنانه در نهر عوفی به تصدی زایر جمد شلوان

۳- تجدید بناء حسینیه محمدی در نهر علیشیر (که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد بوده) که هر ساله طبق طریقه‌ی والد واجدشان دهه اول محرم مجلس سوگواری در آن برگذار می‌شود.

۴- تجدید بناء حسینیه حاج زباری در نهر علیشیر

۵- تجدید بناء حسینیه حویجی در نهر بلامه

۶- تجدید بناء حسینیه شعبان در نهر بلامه

۷- تجدید بناء حسینیه علویه در نهر مچری

۸- تجدید بناء حسینیه سلطانی در نهر قصر و غیر ذلک از آثار خیر و خدماتی که ذکر آنها موجب اطنابست و معظم له از غالب مراجع تقلید نجف اشرف و قم دارای اجازات و وکالت مطلقه در امور حسبیه و روایتی و شهادات آنان بر توثیق و مقام علمی می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسیری اردکانی

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوازدهم هجری، از زنان دانشمند. وی دختر صدرالدین اردکانی (ز ۱۱۲۸ ق) مولف کتاب مرصع‌الحواشی و جده اعلای سید محمد علی مدرس یزدی معروف به وامق (ز ۱۲۶۲ ق) مولف تذکره میکده است. وامق در همین تذکره درباره او می‌نویسد: «جده‌ام صاحب خط و ربط و در فن طبابت مهارت تمام داشته و در شعر طبعش روان، شعر بسیاری دارد.»

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ تذکره‌های فارسی، ۲۳۳۷ / ۲ الذریعه، ۶۰۲ / ۹.

اشتهاردی محمدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمد محمدی اشتهاردی از جوانان فاضل و نویسندگان حوزه علمیه است دارای آثار ارزنده مجموعه می‌باشد که آنها را می‌نگارم ۱- پندهای جاودان ۲- سیمای بلال حبشی ۳- سیمای میثم تمار ۴- سیمای مالک اشتر ۵- مادر پاک ۶- زندگینامه حضرت معصومه علیهاالسلام ۷- سیمای جعفر طیار و حمزه سیدالشهداء ۸- گفتگوی شیرین و جالب ۹- سه مقاله علمی و مذهبی ۱۰- سیمای دو مرد از سرزمین مردان ۱۱- کودک کعبه ۱۲- سیمای مقداد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشتهاردی، حبیب‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللَّه اشتهاردی از علماء و مدرسین حوزه سامره بودند و بعد از ۱۳۹۱ به ایران مراجعت و در حدود ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشرف سدهی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حیدر علی بن ملّا کلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نور الدین علی بن عبدالعالی میسی عاملی.

از مشاهیر علما و فضلا؛ به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران آمده، و در اصفهان بر حسب خواهش علما و بزرگان ساکن شده، در سال ۱۱۳۵ در قریه ورنوسفادران که آن را (بن اصفهان) نیز گویند وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

از تألیفاتش کتاب عروۃ المتقّین، در شرح و تفسیر آیۀ الکرسی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشرف عاملی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالحسیب بن میر سید احمد عاملی اصفهانی.

شرح حال پدر و جدّ او در صفحات قبل این کتاب مذکور گردید.

صاحب عنوان از دانشمندان و علمای متبحّر زمان خود بوده، در بیشتر علوم از عقلی و نقلی مهارت داشته.

وفات او را حزین در سال ۱۱۳۳، و در الذریعه (۳: ۳۵۵) بسال ۱۱۴۵ می‌نویسد.

مدفنش در مقبره ی مخصوص در قبرستان قریه ی ورنوسفادران از قرا ثلاثه ی سده ماربین معروف است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اشرف المناقب، در ۱۱۰۲ به نام شاه سلیمان صفری تألیف کرده است ۲- حاشیه بر قبسات ۳- حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۴- شرح مشیخه ی تهذیب الحدیث، معروف به رجال سید محمّد اشرف ۵- ترجمه ی الفیّه ی ابن مالک به نظم ۶- فضائل السادات که معروف‌ترین تألیف اوست.

در ریحانهٔ الادب گوید: کتابی بزرگ و کثیر الفوائد، و از کثرت احاطه و تتبع مؤلّف خود حاکی است. کتاب به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، و همان اشرف المناقب است که مطالبی بر آن افزوده است.

۷- علاقهٔ التجرید، شرح فارسی بر تجرید العقاید خواجه ی طوسی ۸- المنهاج الصفوی.

وی را دو نفر فرنز است به نام میر محمّد حفیظ و میر مرتضی، هر دو از علما و فضلای زمان خود بوده، و اولاد اوّلی در سده ی ماربین، و فرزندان دوّمی در نجف آباد ساکن، و هر دو به نام میر دامادی مشهور می‌باشند

وفات صاحب عنوان در ۱۱۶۰ روی داده، قبرش در سده ی ماربین.

سید محمّد باقر فرزند سید مرتضی، اول کسی است که از این سلسله که به نجف آباد مهاجرت نموده است. وی نیز عالم فاضل، و ادب کامل بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشرف مراغه‌ای

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۴ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به اشرف. معروف به درویش‌اشرف. در «ریحانه الادب» آمده که نام وی حسین و نام پدرش حسن و کنیه‌اش ابوعلی است. معاصر بایسنقر و پسرش سلطان‌محمد و شاه نعمت‌الله ولی و جهانشاه قراقویونلو بود. وی ملازم شاهزاده پیر بوداق‌خان، فرزند جهانشاه‌خان بود و بعد از کشته شدن پیر بوداق، به تبریز آمد و در آنجا ساکن شد و به مجلس کسی نرفت. آثار متعدد وی در نظم فارسی: «دیوان قصاید و غزلیات» مشتمل بر چهار جلد با عناوین؛ «عنوان الشباب»؛ «خیر الامور»؛ «باقیات الصالحات»؛ «مجددات التجلیات»، ترجمه منظوم «صد کلمه» امیرالمومنین (ع)، که در سال ۸۳۸ ق با قطعات پارسی ترجمه کرده است؛ «مثنویات پنجگانه» که در مقابل «پنج گنج نظامی»ساخته است با نامهای «منهج الابرار»، که در برابر «مخزن الاسرار» سروده به سال ۸۳۲ ق؛ «مثنوی خسرو و شیرین»، سروه به سال ۸۳۶ ق؛ «لیلی و مجنون»، که به سال ۸۴۲ ق منظوم شده؛ «هفت اورنگ» به نام «عشق‌نامه» و مثنوی پنجم «ظفرنامه»، در مقابل «اسکندرنامه»، که در سال ۸۴۸ ق به پایان رسیده است. در برخی منابع نام و کینه او را ابوعلی حسین فرزند حسن نوشته‌اند و در منابع کهن نامی برای او ذکر نکرده و او را فرزند ابوعلی حسین دانسته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۰ -۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۸ -۱۴۷)، دویست سخنور (۲۲ -۲۱)، الذریعه (۷۸ /۹)، ریحانه (۱۲۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۶)، لغت‌نامه (ذیل اشرف).

اشرفی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بن المرحوم العلامهٔ الحاج الشیخ آقا بزرگ اشرفی مذکور از فضلاء معاصر شاهرودی مقیم نجف اشرف است.

وی در حـدود ۱۳۴۸ قمری در نجف اشـرف متولـد شـده و در بیت علم و تقوا پرورش یـافته و در سن پنجاه سـالگی در معیت والد ماجـدش به ایران آمـده و در شاهرود به خوانـدن فارسـی و مقـدمات پرداخته و پس از فراگرفتن ادبیات و قسـمتی از سـطوح از والد ماجـدش و دیگران به مشـهد مقـدس عزیمت و از محضـر مرحوم حجهٔالاسـلام والمسـلمین آقای حاج میرزا هاشم قزوینی و آیت‌اللّه دامغـانی و دیگران بهره‌منـد شـده و برای تکمیـل مبـانی علم با اجازه والـد بزرگوارش به نجف اشـرف مهاجرت و از محضـر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج شـیخ حسـین حلی و آیت‌اللّه العظمی شاهرودی استفاده کامل نموده و تا حال حاضر در آنجا مقیم و به تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله موفق می‌باشند.

از آثار ایشانست تصحیح و تعلیقات کتاب (الروائع الفقهیه) والدش که در سه مجلد بطبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام و المسـلمین آقای میرزا علی‌اصـغر بن میرزا محمدعلی بن آخوند ملامحمد طاهر بن حاج ملا عبدالله بن حاج ملامحمد باقر اشـعری قمی از علماء معروف به دانش و تقوای حوزه علمیه و شهرسـتان دینی قم و خانواده اشـعرین قم که ترجمه آنان در جلد اول گذشت می‌باشد. آن جناب از طرف مادر به سادات برقعی منسوبند.

در سال ۱۳۱۸ ق در قم متولد شده و تا سـنه ۱۳۴۰ ق اشـتغال به تحصـیل داشته و سطوح را نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و مرحوم حاج شـیخ حسن فاضل خوانـده و در سال مزبور به اراک مسافرت و پس از چند ماهی به تبعیت آیت‌الله حایری به قم مراجعت و تا آخر عمر معظم‌له اسـتفاده برده و هم سالها به درس زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی حاضـر شـده و ضـمنا تـدریس فقه و اصول را هم می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشعری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ علی‌اصغر فرزند محمدعلی فرزند آیت‌اللّه حاج شیخ محمدطاهر اشعری قمی از چهره‌های درخشان و ستارگان فروزان حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان پانزده ربیع‌الثانی در سال ۱۳۶۰ هجری قمری برابر سی‌ام اردیبهشت ۱۳۲۰ شمسی در شهرستان علمی (یا شهر خون و قیام) قم به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و اولیات و ادبیات را در خدمت پدر بزرگوارش که ترجمه‌اش در معجم‌القبور در مدفونین مسجد طباطبائی مذکور است آموخته و سطوح متوسطه و نهائی مکاسب و رسائل و کفایه را از مدرسین حوزه چون آقای ستوده و خزعلی و سلطانی و منتظری به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۱ شمسی در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و امام راحل آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید اراکی و آیت‌اللّه آملی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌اللّه اراکی حاضر و شرکت نموده و از نامبردگان استفاده کامل کرده و خود به تدریس سطوح فقه و اصول و مباحثه با اقران خود اشتغال داشته تا در انقلاب جمهوری اسلامی بنا بر دعوت امام راحل به مدت یازده سال مسئولیت بهداری قم را به عهده گرفته و خدمات شایانی به مستمندان و مستضعفین قم نموده و برای خود هزاران دعاگو گذارده است و این نگارنده خود شاهد خدمات خالصانه ایشان بوده و جدا معظم‌له از افراد کم‌نظیر حوزه علمیه است و جدا به محامد و آداب و محاسن اخلاق موصوف است.

آثار باقیه آقای اشعری

۱- توسعه و گسترش مرکز بهداشتی و درمانی قم به مساحت یکصد و پنجاه هزار متر مربع فضاء بهداشتی درمانی و مسکونی به صورت خانه‌های بهداشت در روستاها.

۲- درمانگاه در شهر قم و روستاهای قم و ساوه و اراک.

۳- بیمارستان در شهر قم و روستاهای ساوه.

۴- هشت عدد دبستان و دبیرستان بیست کلاسه.

۵- خانه مسکونی و سازمانی برای کارمندان بهداری قم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اشکوری، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّه اشکوری لنگرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر لنگرود بودند. تولد ایشان در منطقه اشکور واقع شده و پس از پرورش و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح عالی را به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه تعالی علیهم شرکت و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم عمو و ابوالزوجه‌اش آیت‌اللّه حاج سید موسی اشکوری به لنگرود برگشته و به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ ق که به رحمت حق پیوسته و جنازه‌اش حمل به قم و در این زمین پاک مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اصطهباناتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۹۲ ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، عبدالمولی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالمولی بن محمد باقر بن محمد علی اصطهباناتی اخباری فاضلی جلیل دارای تألیفاتی بنام: (زاد المسافرین) در طب بوده و بعد ۱۲۴۰ ق بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اصطهباناتی شیرازی امام جماعت حرم مطهر عسکریین (ع) بودند.

وی در سال ۱۳۱۲ قمری در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل مهاجرت به عتبات عالیات نموده و مدتی در سامرا سطوح وسطی را خوانده و بعد به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۸ قمری مراجعت به سامرا و تا سال ۱۳۹۱ قمری به امامت در حرم مطهر و مباحثات در مدرسه میرزاء پرداخته و در سال مزبور از طرف دولت شوم بعث مانند دهها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم‌المحیه افکنده و منحصراً به جماعت و تدریس آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اصطهباناتی، میرزا بابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ میرزا بابا از علماء اعلام عصر خود معاصر آیه‌الله حجه‌الاسلام مطلق آقا سید محمد باقر صاحب (مسجد سید) در اصفهان و مورد وثوق آن مرحوم بوده و تولیت ثلث یکی از ثروتمندان با او بوده که از آن منازلی خریده و وقف طلاب در محله براق نجف نموده که در این اواخر بدست مرجع عالیقدر آیه‌الله العظمی اصطهباناتی بوده و از همین ثلث مدرسه و حمامی در اصطهبانات بنا نموده که تاکنون باقی میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصفهانی حائری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن مولی محمد کاظم اصفهانی حائری، عالم فاضل، از اساتید سید محمّد باقر حجّت کربلایی بوده، بعد از سال ۱۳۰۰ در کربلا وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.

عالم فاضل جلیل، در ۱۱ ذی حجه سال ۱۲۸۷ در نجف متولد شده، و در ۵ شنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، متوفی در ۱۲۲۵، و مدفون در بقعه‌ی مجلسی است، و او غیر از میر عبدالباقی امام جمعه است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل جلیل، اوائل عمر، زمان میرزای قمی را درک نموده، در نجف خدمت صاحب جواهر رسیده، و ظاهرا تا اواخر قرن سیزدهم، و شاید اوایل قرن ۱۴ حیات داشته و در نجف می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله بن حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل جلیل، از زمره‌ی علمای حاضر در مجلس نادرشاه و جلسه‌ی اتحاد عامه و خاصه بوده، و در سال ۱۱۸۴ وفات یافته، قبرش نزدیک قبر خواجوئی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس‌آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱ - الحجهٔ البالغهٔ ۲ - رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجهٔ البالغه است) ۳ - رساله رد بداء، در ۱۲۷۷ تألیف شده ۴ - نجاهٔ الدارین (عنوان پنجم الحجهٔ البالغه است).

وفاتش پس از ۱۲۷۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، علی نقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم، در ۱۲۰۵ روی داده، قبرش در تکیه‌ی مجلسی جنب مسجد جامع.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد اشرف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۳ ق)، دانشمند. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنو سفادران از قراء سده‌ی ماربین اصفهان مدفون است. از آثار وی: «اشرف المناقب»؛«حاشیه بر قبسات»؛ «حاشیه بر شرح مختصر عضدی»؛ شرح مشیخه «تهذیب الحدیث» معروف به «رجال سید محمد اشرف»؛ «ترجمه‌ی الفیه ابن مالک به نظم»؛ «فضائل السادات»؛ «علاقه التجرید»، شرح فارسی بر تجرید العقاید خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۱۴۷)، تذکره المعاصرین (۲۸۲ –۲۸۱)، الذریعه (۳۵۵ /۳)، ریحانه (۳۸۱ –۳۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵).

اصفهانی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا محمد علی، عالم فاضل متوفی به سال ۱۲۷۰ و مدفون در خارج بقعه‌ی مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمود جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مدّرسین و علمای اصفهان بوده و عدّه‌ای در اصفهان در خدمتش تلمّذ می‌نموده‌اند که از آن جمله است: شیخ محمّد حسین بن میرزا محمّد علی مقدّس اصفهانی، و این شاگرد از استاد خود ثنای بلیغ می‌نموده و استاد در حدود سال ۱۳۴۵ وفات یافته است.

و شیخ محمّد حسین نامبرده نیز از فضلای نجف به شمار می‌رفت، و در شوّال سال ۱۳۸۶ در نجف وفات یافته، در آن ارض اقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اعتماد کربلائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی اعتماد کربلائی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محسن فرزند آقا سید محمد فرزند علامه شهیر آقا سید حسین بهبهانی حایری

فرزند عالم بزرگ آقا سید سعید از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در ماه شعبان ۱۳۴۶ ق در کربلای معلی متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات خدمت اساتید بزرگ مقداری از علم بلاغت و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف بیاری شاهرودی استفاده نموده آنگاه به درس خارج اساطین علم چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه میرزا هادی خراسانی و بیشتر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حج سید محمدهادی میلانی فقهاً و اصولاً بهره‌مند شده و علم کلام و معقول را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدرضا اصفهانی فراگرفته و جدیت و کوشش در تحصیل نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل و موفق به اخذ اجازات اجتهاد از علماء اعلام گردیده و در موقع اقامتشان در کربلا در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت و در صحن مقدس اشتغال به تدریس داشته و جمعی از طلاب از درس و محضر و فقه و اصولش استفاده می‌نمودند.

معظم له دارای آثار و تألیفات عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱- کتاب بلاغهٔالحسین (ع) که تاکنون هفت مرتبه به طبع رسیده است.

۲- کتاب وحی الفطره در اصول دین ۳- وحی الاخلاق.

۴- سیدالشهداء ۵- کتاب روائع در کلمات امام حسن (ع)

۶- شرح بر قصائد مثیرالاخوان ۷- شرح مزجی بر کفایه.

۸- شرح استدلالی بر بعضی از کتابهای تبصره ۹- شرح استدلالی بر مناسک آیت‌اللَّه خوئی.

۱۰- شرح استدلالی بر عروهٔالوثقی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتماد کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کریمی اعتماد فرزند حاج میرزا عباس کریمی ذاکر الحسین علیه‌السلام در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در حومه اراک به دنیا آمد و در مهد دانش و ورع پرورش و پس از خواندن دروس ابتدائی اشتغال به تحصیل علوم دینی نمود.

و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء اعلام اراک آموخته و بعد مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از محضر مدرسین بزرگ قم فراگرفته سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و بالاخص آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و دیگران شرکت و استفاده نموده و برای تبلیغ و ارشاد مردم مسافرت به بنادر دوردست چون بندرعباس و بندرلنگه و به ویژه شهرستان میناب نموده و در آن منطقه خدمات چشمگیر و ارزنده‌ای انجام داده و تا حال تحریر که سال ۱۴۱۱ قمریست اکثر سال را در آن منطقه گرمسیری و حرارت بیش از پنجاه درجه به سر برده و ایفاء وظیفه می‌نماید و چند مرتبه هم مشرف به حج بیت‌اللَّه الحرام شده و در سال ۱۳۵۴ شمسی در حج بودند که مرحوم والدشان حاج میرزا عباس پس از سخنرانی و گفتن مسائل حج و احکام اسلامی و بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دنیا را وداع گفته و در شب عید غدیر سال ۱۳۹۴ قمری به رحمت حق پیوسته و به لقاءاللَّه رسیدند.

آقای کریمی یاد شده دارای اجازات روائی و امور حسبیه و غیره از آیات عظام زیر می‌باشند:

۱- آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم

۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی

۳- آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی

۴- آیت‌اللّٰه میرزا عبدالهادی شیرازی

۵- آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۶- آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی قدس سره

۷- آیت‌اللّٰه میلانی طاب‌اللّٰه ثراه

۸- آیت اللّٰه مدرس تبریزی

دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- الشیعه و ولید الکعبه تحقیقی در پیرامون سنت

۲- نخبه المواعظ در خصوص صله رحم و حقوق والدین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اعتمادزاده، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقهٔ‌المحدثین حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین تهرانی از افاضل دانشمندان و وعاظ معاصر تهرانست، وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مدرسین دیگر متون فقه و اصول را به پایان رسانیده و پس از آن مراجعت به تهران و از محضر بعضی اعلام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّٰه شاه‌آبادی و غیره استفاده و تا حال حاضر از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبانی اخلاق و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج اعتمادزاده از وعاظ نامی و محدثین گرامی حاضر است و در میان مردم تهران و بالاخص متدینین محبوبیت و موقعیت خاصی دارد، و جدا دانشمندی متین و واعظی با کمال و موصوف به تقوا و متانت است.

مرحوم والدش حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین از بزرگان اهل منبر تهران بودند که به عللی تهران را ترك و به عتبات عالیات مهاجرت و تا آخر عمر مجاورت کاظمین علیهاالسلام را اختیار و در همانجا بدرود حیات گفته و در جوار آن بزرگواران مدفون شده است.

وی دانشمندی ظریف و خوش‌مجلس و مزاح و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب بودند از باقیات الصالحات مترجم گرامی فرزند ارجمند و فاضل او ثقهٔ‌الاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا نجم اعتمادزاده است که از وعاظ جوان و خطباء خوش‌بیان معاصر است.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ ق در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و عمل پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیل علوم عربی و دینی به قم مهاجرت و چندین سال اشتغال به تحصیل داشته و متون فقه و اصول را از مدرسین معروف حوزه آموخته و چند سالی به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و بعضی دیگر شرکت نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی به تهران برگشته و تا هم‌اکنون به تبلیغ دین و وعظ و خطابه اشتغال دارد. و مانند والد گرام وجد عالیمقامش واعظ شیرین و متین و اخلاقی و واجد مقام فضل و دانش می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از فضلا مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه خواجه چهار فرسخی تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس فارسی و ادبیات عربی صرف و نحو و منطق و مقداری از شرایع و تبصره را در زادگاه خود نزد (والد ماجدش آیت‌اللّه عالم مجاهد آقای حاج میرزا علی خواجه‌ای که در حال حاضر در قید حیات و در سن هشتاد و دو سالگی به سر می‌برند خوانده است. در زمانی که به امر رضاخان پلید و جبار حجاب را از سر زنان ایرانی و عمامه را از سر روحانیون برمی‌داشتند و هیچکس یارای حرف زدن و چرا گفتن را نداشت.

پس از محل خود به تبریز آمده و در آنجا سطوح عالی را تا مکاسب از محضر اساتید و مدرسین تبریز استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ شمسی مهاجرت به قم و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی فرا گرفته و بعد از آن در درس فقه خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوهکمری و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و نیز از دراسات و مباحث آیات عظام حاضر اعلی اللّه کلتهم استفاده کامل نموده و ضمنا به تدریس سطوح عالی پرداخته و بسیاری از محصلین حوزه از محضرش بهره‌مند شده و می‌شوند.

دارای تألیفات ارزنده علمی که از آنها کتب زیر است می‌باشند.

۱- شرح معالم‌الاصول که به طبع رسیده است.

۲- شتات‌الفوائد که در حواشی معالم چاپ شده.

۳- موضع‌القوانین تا آخر باب نواهی مخلوط.

۴- شرح رسائل در سه جلد مخلوط.

۵- شرح مکاسب شیخ انصاری مخلوط.

۶- شرح کفایه آخوند خراسانی مخلوط.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اعظام قدسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۸ ق)، روحانی و نویسنده. ملقب به اعظام الوزاره. در تهران متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی نزد سید علی‌اکبر امام جمعه، مدتی روضه‌خوان شد. سپس با افکار مشروطه‌خواهی آشنا گردید. پس از به توپ بستن مجلس، به طالقان و رشت سفر کرد و به امور سیاسی پرداخت و سمت‌های مختلفی را احراز کرد. در سال ۱۳۲۲ ش نماینده‌ی مردم قزوین در مجلس شورای ملی شد. «خاطرات من» تنها اثر بازمانده از وی است که حاوی اطلاعت ذی قیمتی درباره‌ی اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوره‌ی

قاجار است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۳ -۲۰۹ /۱).

اعلی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم و شاعر. معاصر بهاءالدین محمد عاملی و مورد اعزازخان احمدخان حاکم بیه‌پیش بود. آثار وی: «شرحی بر کلیات قانون»، به فارسی که به خواهش خان احمدخان نوشت؛ حاشیه بر «فصوص» فارابی؛ «رساله‌ای در اثبات واجب». اشعاری هم از او به جا مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :نامها و نامدارهای گیلان (۴۹ -۴۸).

افسر قاجار، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۵۷ ش)، عالم و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به شیخ‌الرئیس. وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. در سبزوار به دنیا آمد و علوم مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت. فقه و اصول را نزد حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری و علم ریاضی و کلام و فلسفه را از محضر حاج میرزا حسن حکیم و افتخار الحکماء آموخت. وی با این که معمم بود وارد خدمات دولتی شد و سمتهای مختلفی را چون نمایندگی مجلس شورای ملی در چندین دوره عهده‌دار بود. افسر از موسسان انجمن ادبی ایران بود و سالها جلسات انجمن به ریاست او اداره می‌شد. چون به لهجه‌ی غلیظ سبزواری صحبت می‌کرد، روزنامه‌ی ناهید به او لقب چلچله الوکلاء داده بود. او در تهران درگذشت. آرامگاهش در امامزاده عبدالله است. «کلیات اشعار» او در حدود چهار هزار بیت است که با مقدمه و تصحیح عبدالرحمان پارسا انتشار یافته و قسمتی از آن به نام «پندنامه‌ی افسر» در شیراز به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۱۷ -۱۶)، دویست سخنور (۲۶ -۲۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۳۹ -۲۳۸ /۱)، سخنوران نامی (۷۲ -۵۷ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱ -۳۰۵ /۱)، شرح حال رجال (۲۵۵ -۲۵۴ /۶)، فرهنگ سخنوران (۷۳)، گلزار معانی (۸۳ -۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۷ -۷۴۶ /۶)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۲/۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۷ -۳۶).

افقهی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین افقهی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوار است.

ایشان در سبزوار متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس هجرت نموده و متون علمی را تکمیل و از محضر و درس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله العالی و آیت‌اللّه فقیه سبزواری و دیگران استفاده نموده آنگاه به وطن برگشته و به وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اقلیدس فسایی، کریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ق)، عالم و شاعر. وی در علوم عربی تبحری بسزا داشت. و شاعری شوخ طبع و بذله‌گو بود و در ساختن قطعه و غزل و ماده تاریخ استاد. حدود پنجاه و پنج سال زیست، در فسا در گذشت و در شاهزاده قاسم دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران(۷۹)، مرآت الفصاحه(۶۳-۶۱).

الفت، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی سابق الذکر. عالم فاضل عارف کامل ادیب جامع، در جمعه دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۰۱ متولّد شده، در اصفهان و نجف اشرف در نزد علمای اعلام تحصیلات خویش را به پایان رسانیده، و در اوایل مشروطیّت ایران در عداد آزادی خواهان وارد شده، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملّی انتخاب گردیده، در طّی مسافرت‌های خود در ایران و خارج در همدان خدمت آقا سید محمّد غمام عارف مشهور رسیده و دست ارادت بدو داده.

کتب عدیده‌ای تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- مجلّه ی آفتاب، که در آن کتاب‌های: ۱- وسائل رستگاری ۲- پرورش استقلال از کتب خارجی را مرحوم الفت ترجمه کرده و ضمیمه آن مرتّب به طبع رسانیده است.

۲- ابواب الروضات، فهرست کتاب روضات الجّنات که به طبع رسیده ۳- کشف الحجب؛ در اسامی کتب ۴- مجمع الاجازات، دو مجلّد ۵- نسب نامه ی الفت، کتاب مفید و قابل توجّهی است. ۶- دیوان اشعار با تخلّص الفت؛ و چندین مجلّد دیگر.

الفت در صبح چهارشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۳۸۴ وفات یافته، در مقبره ی پدر جنب امامزاده احمد مدفون گردید، و به مناسبت چهلمین روز وفاتش جزوه‌ای به نام (یاد نامه الفت) به طبع رسید که در آن مادّه تاریخ‌های شعرا که جهت او مرثیه گفته و چندین غزل از اشعار او به طبع رسیده

آقای میر سیّد علی خان نوربخش «آزاد» در مرثیه مادّه تاریخ وفاتش گوید:

گفت آزاد بهر تاریخش

حیف الفت ز ما برید الفت

مرحوم الفت دارای کتابخانه ی معظّم و آبرومندی بود که پس از وفاتش به دانشکده ی ادبیّات اصفهان اهدا گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

الماسی شمس‌آبادی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۵۹ -۱۰۸۹ ق)، عالم امامیه. مشهور به میرزا تقی الماسی. از مشاهیر علمای خاندان مجلسی بود. علت اشتهار او به الماسی از آن جهت است که پدر وی قطعه‌ی الماسی به ارزش هفت هزار تومان بر ضریح مطهر امیرالمؤمنین(ع) نصب کرده بود. الماسی از جد مادری خویش علامه مجلسی دوم حدیث روایت می‌کرده است. از شاگردان وی آقامحمد بیدآبادی عارف و فیلسوف شهیر است. در اصفهان درگذشت و در مسجد جامع عتیق اصفهان، در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثار باقی مانده از وی: «بهجة الاولیاء»، به فارسی، در ذکر کسانی که در زمان غیبت به شرف تشرف به خدمت صاحب‌الزمان(عج) مشرف شده‌اند؛ «الرسائل الکثیرة».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه(۱۹۷ /۹)، الذریعه(۲۵۴ /۱۰ ،۱۶۰ /۳)، ریحانه(۱۶۹ /۱)، طبقات اعلام الشیعه(قرن ۱۱۶ /۱۲)، لغت‌نامه(ذیل/ الماسی).

الهام، مرتضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۶ ق)، عالم، خطاط و شاعر، متخلص به الهام. در سی سالگی علوم معقول و منقول را به اتمام رساند وی در فن سپاهیگری یکتا بود. هفت قلم را به خوبی می‌نوشت. پس از مرگ اورنگ زیب، فنون و کمالات خود را به بهادرشاه عرضه کرد که مورد توجه شاه واقع شد. وی در جوانی درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان(۸۹۸ -۸۹۷ /۳).

الهامی، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود فرزند مرحوم آقا فتح‌اللّه الهامی از افاضل و دانشمندان و نویسندگان حوزه علمیه قم و مدیران مجله وزین (مکتب اسلام) می‌باشند. وی در تاریخ ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان آذرشهر آذربایجان متولد شده و در سنین چهار سالگی پدر را از دست داده و

در تحت سرپرستی مادر مومنه‌اش پرورش یافته و با درد یتیمی و تحمل مشکلات فراوان دوران کودکی را گذرانیده و کلاسهای ابتدائی و متوسطه و مقداری از نحو و صرف و ادبیات عربی را در محل خوانده و در سال ۱۳۳۵ شمسی وارد حوزه تبریز شده و مقداری از دروس حوزه را در مدرسه طالبیه به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۸ شمسی در عصر آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی وارد حوزه علمیه قم گردیده و سطوح عالیه را نزد اساتید معروف حوزه خوانده و از درس خارج مراجع بزرگ وقت فقها و اصولا استفاده کرده و دوره پنجساله دارالتبلیغ اسلامی را نیز به پایان رسانده و مدت پنج سال مدیریت آموزش آن مؤسسه را به عهده داشته و به وسیله همان نوشته‌ها با قلم و نوشتن آشنا شده و از میان محصلین آنجا به هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام انتخاب گردیده و از سال ۱۲ مجله مزبور با آن موسسه همکاری نموده و اخیرا نیز مدیر داخلی آن مجله می‌باشند و تا هشت جلد هم با تفسیر نمونه همکاری داشته‌اند.

آقای الهامی در عصر طاغوت به واسطه فعالیتهای آموزشی اسلامی چندی گرفتار رژیم طاغوتی شده و با تحمل شدایدی روبرو بوده است ولی در عین حال همواره به تألیف کتب سودمندی اشتغال داشته و آثاری گرانقدر از خود به یادگار گذارده است.

اسامی آثار معظم‌له

۱- ایران و اسلام

۲- اسلام دین جهانی و جاودانی

۳- اسلام و حقوق طبیعی انسان

۴- اسلام و تحول زمان

۵- چهره جهاد در اسلام

۶- چهره زردتشت در تاریخ

۷- لقمان مدرس نمونه

۸- روشنفکر و روشنفکرنما

۹- بیداری در میان خفته‌ها (سید جمال‌الدین)

۱۰- سلمان نخستین مسلمان ایرانی

۱۱- مبانی حکومت اسلامی در دو جلد (ترجمه و نگارش)

۱۲- او خواهد آمد با همکاری آقای مهدی‌پور

۱۳- مقدمه و تحقیق و تصحیح تحفه‌الاخیار ملامحمد طاهر قمی

آثار و تألیفات مخطوط ایشان

۱- صوفیان (تحقیق وسیع درباره‌ی تصوف).

۲- تاریخ انقلاب اخیر ایران.

۳- وهابیت آل سعود در دو جلد.

۴- اسلام و شفاعت.

۵- تاریخ تشیع در دو جلد.

نگارنده گوید: آقای الهامی از فضلاء و نویسندگان و روشنفکران حوزه علمیه قم و دارای محامد آداب و مکارم اخلاق و ملکات فاضله اخلاقی می‌باشد از خداوند توفیقات ایشان و امثال ایشان را خواهانم که با قلم و افکار روشن خود و اقرانی چون دانشمند گرانقدر آقای علی‌اکبر مهدی‌پور و دیگران به فرهنگ اسلام و مکتب اسلام خدمت کرده و می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

الهی ابهری اردبیلی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۰ ق)، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در جوانی از اصحاب سلطان حیدر صفوی نبیره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سپس شاه اسماعیل بود و همچنین از شاگردان جلال‌الدین دوانی، امیر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی و امیر جمال‌الدین عطاءاللّه بن فضل‌اللّه حسینی بود. در ۸۹۲ ق از دوانی اجازه‌ی روایت گرفت. مدتی در هرات ندیم امیر علیشیر نوایی و غریب میرزا، پسر سلطان‌حسین بایقرا بود. پس از مرگ سلطان حسین به عراق رفت و از آنجا به آذربایجان بازگشت و در اردبیل در بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین به تدریس پرداخت تا در همان جا درگذشت. وی اولین کسی است که در شرعیات بنا بر مذهب شیعه به فارسی کتاب نوشت. الهی صاحب بیش از سی کتاب و رساله به فارسی، عربی و ترکی است. او به اقسام مختلف شعر می گفت. از آثارش: شرح «اثبات الواجب» دوانی؛ «شرح تهذیب الاصول علامه»؛ «شرح اشکال التأسیس سمرقندی»؛ «حاشیه بر تحریر اقلیدس»؛ «حاشیه بر بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «حاشیه بر شرح چغمینی»؛ «منهج الفصاحه»، شرحی بر «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام شاه اسماعیل؛ «شرح گلشن راز» شیخ محمود شبستری؛ «تاج المناقب فی فضائل الائمه»، به فارسی؛ «تفسیر القرآن» در چند جلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه(۴۵۱ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران(۱۴۷۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر(۶۹۱ –۶۹۰)، تحفه‌ی سامی(۷۸ –۷۷)، تذکره‌ی روز روشن(۷۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان(۵۱۱ –۵۰۹، ۲۱ –۱۸ /۱)، روضات الجنات(۳۱۱ –۳۱۰ /۲)، ریاض العلماء(۹۸ /۲)، ریحانه(۱۶۹ –۱۶۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان(۴۹ –۴۷)، الذریعه(۱۹۵ /۲۳، ۵۸ /۱۳، ۹۲ /۹، ۱۳۷ /۶، ۷ /۲، ۱۰۴ /۱)، سخنوران آذربایجان(۷ –۴)، لغت‌نامه(ذیل/ الهی و حسین)، معجم المؤلفین(۱۴ /۴)، هدیهٔ العارفین(۳۱۸ /۱).

الهی قمشه ای، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه ۱۳۱۸ (ژانویه ۱۹۴۰) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبر ترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبائی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد

قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده و در این راستا در دانشگاههاو مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران و همچنین دانشگاههای لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستن، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنر هایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهگاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنر ها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقریبا از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماما در خاطر اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ ، اشعار و قطعاتی را بازگو کند.

الهی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملاطاهر شهرکی شهرکردی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمود مغنی و آقا سید محمد باقر درچه‌ای و دیگران بوده، در شب شنبه ۱۵ ربیع الثانی سال ۱۳۶۱ وفات یافته، بیرون بقعه مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امام جمعه خوئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی تهرانی از علماء بزرگ و بسیار محترم تهران و مورد توجه دولت و ملت و منزلش مجمع رجال علم و سیاست بوده وی در خوی متولد و پس از خواندن ادبیات و مقدمات به نجف مهاجرت و از محاضر آیات و مراجع بزرگ نجف چون مرحوم علامه مامقانی و فاضل شربیانی و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و آخوند خراسانی و غیره استفاده نموده و به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و به تهران آمده و به تدریس و رتق و فتق امور پرداخته و همواره منزلش مرکز دانشمندان و رجال بزرگ دولتی بوده تا در تهران از دنیا رفته است.
فرزند بزرگوارش مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّٰه حاج ملا امین خوئی نیز از علماء اعلام تهران بوده که بعد از والد مذکورش بجای او نشسته و مورد توجه عموم طبقات قرار گرفته است.
وی در معیت مرحوم والدش حاج امام جمعه در زمان آیت‌اللّٰه العظمی حایری به قم آمده و مورد استقبال و تعظیم مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و عموم دانشمندان و علماء قم گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

امام جمعه سده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن حاج سید محمدمهدی (امام جمعه سده) در سال ۱۲۸۸ ق در سده اصفهان به دنیا آمده و در روز دوشنبه نهم ماه ربیع‌الثانی سال هزار و سیصد و پنجاه و پنج از دنیا رفته و در مقابر آل امام جمعه نزدیک فرزندش مرحوم آقا سید غیاث‌الدین دفن گردید.

آن مرحوم به علم و عمل و تقوی و صفات پسندیده مشهور بود و در مدت عمر هیچکس از او کوچکترین رنجشی پیدا نکرد و چون در اصفهان علوم دینی را فراگرفت دوره زندگانی خود را در سده (خمینی‌شهر) تبلیغ دین مقدس اسلام و مذهب شریف جعفری به سر رساند و برای جلوگیری از یاغیهائی که از حدود مقررات اسلام تجاوز کرده و به مال و جان و ناموس مردم دست درازی می‌نمودند لباس جنگ پوشیده و پیشرو اهالی گشته و به طرد آنان موفق گردید.

وی در وقت سخن گفتن در راه حق از نیکوترین گویندگان و زمان جلوگیری از دشمن بی‌باکترین اشخاص بود و به همین جهت مؤمنین کمال اخلاص و اعتقاد را به او داشتند و اکنون هم بر سر قبرش از خداوند طلب حاجت می‌کنند.

آن مرحوم دارای چند فرزند روحانی و دانشمند بوده که بعضی از دنیا رفته و برخی در قید حیاتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام جمعه، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید قاسم (امام جمعه) فریدن از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و آقای آشیخ محمدعلی برادر آقا نجفی بوده که پس از طی مراحل تحصیل به امر علماء بزرگ اصفهان به محل خود فریدن مراجعت کرده و تا آخر عمر به ترویج احکام و اقامه نماز جمعه و حل و فسخ امور دینی اشتغال داشته و حکومت شرعی به امر مراجع بزرگ آن وقت در تمام بلوک فریدن به عهده ایشان بوده تا در تاریخ ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۳۹ قمری بدورد حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امام جمعه، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن بن آقا میرزا محمدصادق امام جمعه صاحب کمالات عدیده بود چون صوت حسن و صورت مستحسن و اطلاع از تاریخ گذشتگان و دارای سلیقه مستقیمه و مکارم اخلاق و از ادبیات و علوم هم بهره کافی داشت و شعر هم خوب می‌گفته و از

اوست .

شب شد و ساقی از کرم می به ایاغ میکند

عارض خود زرنگ مل عبرت باغ میکند

دودمانش در گلپایگان بیت فقاهت و وجاهت و جلالت بودند. معظم‌له در اواخر مرداد ماه ۱۳۲۱ شمسی در سنی بیشتر از پنجاه سال از دار دنیا رفت و فرزندی از او نماند قبرش در جنب مسجد میرمحمد کاظم (یا امام) مزار است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام سدهی، آقاامام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۴ ش)، عالم و شاعر. وی از فضلای حوزه علمیه‌ی قم و از علمای سِدِه بشمار می‌رود. او از معاصران صاحب «تذکره‌ی شعرای اصفهان» است و در زمان طبع کتاب ۵۵ ساله بوده است. اشعار زیبائی از وی به فارسی و عربی باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۹ -۵۸)، فرهنگ سخنوران (۸۶).

امامت، عزالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزاللَّه بن آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از دانشمندان و ائمه‌ی جماعت معاصر کاشانست.

وی در سال ۱۳۰۹ شمسی در کاشان متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح و متون فقه و اصول را از مرحوم والدش آیت‌اللَّه امامت و مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمود نجفی فراگرفته و آنگاه به مشهد عزیمت و چندی از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی مدظله استفاده نموده و بعد از آن به کاشان برگشته و به وظائف دینی از قبیل امامت و تبلیغ مسائل احکام و تألیفات تاکنون اشتغال دارند.

تألیفاتی که از معظم له به طبع رسیده است از این قرار است.

۱- کشکول امامت دو جلد.

۲- زندگانی سلطان علی و هلال بن علی.

۳- فضائل السادات.

نگارنده گوید: از همین سلسله جلیله است جناب آیت‌اللَّه حاج سید عباس بن مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر کاشانی حایری که اکنون در شهرستان دینی و علمی قم اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی الیگودرزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد امامی الیگودرزی فرزند مرحوم آقا سید عبداللّه که در چهارم جمادی‌الاول سال ۱۳۸۶ و مطابق با آخر خرداد سال ۴۵ در الیگودرز وفات و در مقبره علما واقع در ابوحسین قم کنار مرقد حضرت معصومه (ع) دفن شد آن مرحوم دوران تحصیل خود را ابتدا در بروجرد و اصفهان زمان آیت‌اللّه بروجردی و در نجف اشرف و قم به پایان رسانیده و اخیرا به نمایندگی آیات و مراجع معظم از جمله آیت‌اللّه بروجردی و بعد از ایشان از طرف گلپایگانی و آیت‌اللّه نجفی در شهرستان الیگودرز نیابت و به انجام امور دینی اشتغال داشته و دارای جزواتی در احادیث و اخبار آل عصمت ضمن سفرهای خود در عتبات عالیات در مکه معظمه به یادگار گذاشته و فرزندانش حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسن امامی که دوران تحصیل خود را در قم گذرانیده و فعلا در الیگودرز در مسجد (صاحب الزمان) انجام وظیفه می‌نماید و حاج آقا حسین امامی که مقیم قم است و آسید علی و آسید کاظم دو فرزندان دیگر آن مرحوم است و در اثر علم و دانش و زهد و تقوایش افراد بهره‌مند بودند و اخلاص و ارتباط با خدا ائمه اطهار مقامش را منیع و روحش را با اجدادش جاویدان دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی تربتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن حجه الاسلام حاج شیخ ذبیح الله بن العالم العلام حاج ملا عبدالله (امام جمعه تربت) ابن العلامه حاج حسینعلی (امام جمعه) از علماء مبرز معاصر خراسان و تربت حیدریه می‌باشد.

مرحوم حاج ملا حسینعلی و حاج ملا اسحق تربتی که در عصر خود اعلم علماء خراسان معرفی شده‌اند نسبشان منتهی می‌شود به مرحوم حاج ملا خداداد تربتی که معاصر با اوائل صفویه بوده‌اند.

جناب آقای امامی در محرم ۱۳۲۰ ق در تربت حیدریه متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و قرآن و اولیات را در مکتب خانه مرحوم آقا سید محمود مشلول خوانده و قسمتی از مقدمات را فراگرفته و ضمنا از نماز جماعت و مجالس وعظ مرحوم حجت الاسلام آخوند حاج ملا عباس تربتی (والد جناب آقای راشد) که از نظر زهد و تقوا و فضیلت کم نظیر بود استفاده نموده و در ماه ربیع الاول ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه مشهد مقدس منتقل و ادبیات را از جناب حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و اساتید دیگر استفاده کرده و پس از آن سطوح فقه و اصول را از مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ شاهرودی و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی و آیت الله عالم ربانی حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاضه نموده و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیت الله خونساری بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام آن سامان چون آیت الله حاج شیخ موسی خونساری و آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده

و در حدود سال ۱۳۶۴ ق به تربت برگشته و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام نموده و تاکنون اشتغال دارند. از آثار ایشان است:

۱- استرداد مدرسه اسحاقیه و تعمیر آن به همت مرحوم حاج ابوالقاسم هراتی (که اکنون به مدرسه هراتی شهرت دارد)

۲- رسیدگی به وضع طلاب و محصلین مدرسه مزبور.

۳- اعزام مبلغین دینی بقراء اطراف تربت.

۴- تهیه زمین برای ساختمان کتابخانه امامیه و تهیه مقداری کتاب برای آن.

۵- اقدام به تجدید ساختمان مسجد مرحوم حاج شیخ علی اکبر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی خمینی‌شهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج سیدرضا بن العلامه الورع آیت‌الله حاج سید محمد امامی سدهی (خمینی‌شهری) اصفهانی از علماء حوزه علمیه و اصحاب و تلامذه مخصوص و مبرز آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله العالی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۴۳ قمری در خمینی‌شهر متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۵۸ قمری به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی مکاسب و کفایه را از آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی خوانده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و پس از آن مرحوم به سیدنا الاستاذ آیت‌الله العظمی مرعشی پیوسته و تمام استفاده‌اش از دراسات فقه و اصول معظم له بوده و می‌باشد و در بیشتر مباحثات شریک این نگارنده بوده است.

برادر ارجمندش جناب دانشمند معظم آقای حاج سید علینقی (فیض‌الاسلام) شارح نهج‌البلاغه و صحیفه کامله سجادیه مطبوع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

امامی شیرازی، عنایت‌الشریعه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر. نسب وی از جانب پدر به مجاهد بزرگ اسلام، حبیب بن مظهر اسدی و از جانب مادر به حاج شیخ محمد مفید می‌رسید. وی مقدمات و علوم ادبی و فارسی و عربی و فقه و اصول را در شیراز آموخت. سپس به تهران آمد و از عهده‌ی آزمون مؤسسه‌ی وعظ و خطابه برآمد، از تهران به مشهد رفت و پس از چندی به شیراز بازگشت. وی به عربی و فارسی شعر می‌گفت. از آثار او: «تحفهٔ العنایه»؛ «تذکرهٔ العنایه»؛ «عنایهٔ الرحمن فی اعمال شهر رمضان»؛ «عنایات الرّب فی منتخبات الخطب»؛ «عنایات الخلاق فی علم الاخلاق»؛ «عنایت الصباح والمساء فی حدیث شریفِ الکساء»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

عنایت‌الشریعه امامی بن شیخ قوام‌الدین بن شیخ مهدی بن شیخ محمدصالح ابن شیخ عزالدین محمد اسدی جزایری از دانشمندان و شعراء معاصر شیراز نسبش به مجاهد بزرگ اسلام حبیب بن مظاهر اسدی رضوان اللّه تعالی علیه و از طرف مادر به آیت‌اللّه حاج شیخ محمد مفید می‌رسد.

وی در شیراز متولد شده و مقدمات و علوم ادبیه فارسی و عربی و فقه و اصول را در شیراز آموخت و سالهای متمادی است که در شیراز به امامت و وعظ و خطابه و تشکیل مجالس جشن مذهبی و سوگواری ائمه اطهار (ع) اشتغال دارد و به فارسی و عربی شعر می گوید.

آثار علمی و ادبی ایشان از اینقرار است:

۱- آثار العنایه ۲- اشعار مولودیه ۳- بساتین العنایه (در ۱۴ جلد) ۴- تحفهٔ العنایه ۵- تذکره العنایه ۶- عنایهٔ الرحمن فی اعمال شهر رمضان ۷- عنایات المکنونه فی صلوات المسنونه ۸- عنایهٔ الرب فی منتخبات الخطب ۹- عنایات الخلاق در علم اخلاق ۱۰- عنایهٔ السلطان فی فضیلهٔ قرائت القرآن ۱۱- دیوان اشعار عربی و فارسی و غیر اینها که بیست جلد است و چند جلد آن چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۱۹ -۳۱۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۹ -۳۳۷ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ -۶۳۸ /۴).

امامی، جلال‌الدین محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۲ ق)، عالم. وی معاصر ملک معزالدین حسین کرت، و به زهد و تقوی مشهور، و مورد احترام او بود و بنا به گفته‌ی صاحب «حبیب السیر» چنانچه ملک معزالدین حسین کرت به جانب قاضی رقعه می‌نوشت به خط خود بر حاشیه ثبت می‌نمود که: «بنده مخلص دولتخواه حسین کرت». وی در گازرگاه هرات دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۸۵/۳)، مزارات هرات (۱۰۲).

امامی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله امامی اول عالم معاصر شهرستان تربت است که اکنون باقامه جماعت و خدمات دینی و تدریس و سرپرستی محصلین و طلاب مدرسه تربت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی، عطاء الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمّد نیز از علما و فضلا، و از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و آقا میرزا احمد مدّرس، و از ائمّه ی جماعت اصفهان بود.

در روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد امامی اراکی از علماء محترم معاصر شهرستان اراک می‌باشند. والد ماجش مرحوم علامه آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی امامی خوانساری از دانشمندان به نام و بزرگ عصر خود در نجف اشرف بوده است.

مترجم گرامی ما در بیت علم و تقوا و ورع ب دنیا آمده و در دامن پاک چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خوان اولیات و ادبیات و سطوح که اکثرا با استعدا سرشار فوق‌العاده‌ای که داشتند خود با مطالعه اتقان نموده و چند سالی در بحث خارج فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه نائینی قدس‌سره حاضر گشتند و مفتخر به اجازه اجتهاد از ایشان گردیده است.

آیت‌اللّه امامی به واسطه نبوغ فکری وجودت ذهن استقامت فهم و سرعت انتقال که در ترقیات علمی ایشان تاثیر بسیار قوی داشته به مرتبه‌ای که در سطوح نهائی چون مکاسب و رسائل و کفایه بیش از چند ورقی استاد ندیده به نحو اکمل و وافی تدریس کتب مذکور نموده است.

آیت‌اللّه امامی در شب سه شنبه بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ قمری برابر سی و یکم اردیبهشت ۱۳۵۸ شمسی در اراک از دنیا رفت و با تشیع و تجلیل زیادی در همان شهر در مقبره خصوصی مدفون گردید.

تالیفات و آثار علمی ایشان.

۱- منهاج‌الاحرام لزائر بیت‌اللّه‌الحرام کتاب استدلالی در احکام حج مشتمل بر هزارها مسائل حج.

۲- بغیه‌الطالب درحاشیه مکاسب شیخ انصاری.

۳- تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد حاشیه مبسوطی بر رسائل شیخ.

۴- صحیفه‌الحج در اسرار و فلسفه حج.

۵- ترجمه صحیفه‌الحج به فارسی.

۶- کلمات قصار انشاء خود ایشان موسوم الکلم الفائقه و الحکم البالغه.

۷- رساله‌ای به نام الرحمه السابقه و الهدایه البارغه.

۸- رساله‌ای مبسوطی در انفعال ماء قلیل.

۹- رساله‌ای مبسوطی در علل اختلاف حدیث.

۱۰- رساله‌ای در جمیع مسائل مبحث تعادل و تراجیح.

۱۱- رساله‌ای در مسائل اصاله الصحه و مسائل قرعه.

۱۲- دو رساله د رجمیع حکم ظاهری و و اقعی.

۱۳- رساله‌ای در اینکه صیغه امر موضوع است برای مطلق طلب و اینکه اطلاقش افاده وجوب دارد.

۱۴- شرح دعاء صباح حضرت امیر علیه‌السلام.

۱۵- حاشیه برنجاه‌العباد.

۱۶- حاشیه بر عروه‌الوثقی.

۱۷- حاشیه بر رسائل پنجگانه و نفقات و قبله و رضاعیه و ربائیه حاج ملا هاشم خراسانی.

۱۸- حاشیه بر توضیح‌المسائل مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی.

محمد امامی نجفی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک می‌باشند. وی در خونسار متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و برای تحصیل به اصفهان عزیمت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات عظام آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و دیگران استفاده نموده و بعد از پایان مراتب علمی به اراک آمده تا حال حاضر اشتغال به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد آیت‌اللّه سلطان و تبلیغ احکام و ترویج دین دارند. ادام‌اللّه توفیقه و عزه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید احمد، از سادات امامی اصفهان، عالم حکیم ادیب فاضل زاهد، از شاگردان جهانگیرخان قشقائی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی و دیگران بوده، و کتابی در حکمت و کلام تألیف فرموده.

در ظهر چهارشنبه ماه صفر سال ۱۳۶۴ وفات یافته، در یکی از اطاقهای شرقی تکیه بروجردی مدفون گردید.

نگارنده مدّتی افتخار شاگردی ایشان را داشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امامی، منیرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید منیرالدین امامی متولد ۱۳۵۲ قمری که از محصلین حوزه علمیه قم می‌باشد. وی پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه روحانی دامت برکاتهم شرکت نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و تا حال حاضر نیز استفاده می‌نماید و در ایام تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای نشر احکام به منطقه و محل خود و غیره مسافرت نموده و می‌نماید. برادر ارجمند ایشان آقای حاج سید باقر امامی از فضلاء مهذب حوزه می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امری شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۹ ق)، عـالم، شـاعر، متخلص به امری. در علوم غریبه دست داشت و به همین جهت به طریقه‌ی نقطوی گرویـده بود. فقهای متعصب معاصـرش او را به کفر و الحـاد متهم ساختنـد و شـاه طهمـاسب صـفوی را بر آن داشـتند که در سال ۹۳۲ ق فرمـان به کور کردنش داد. پس از کوری منزوی شـد تا آن که عوام‌الناس به او هجوم بردنـد و او را کشـتند. شـعر می‌گفت و رساله‌ای در اعداد و اسرار نقطه و رساله‌ای دیگر در ذکر و فکر و جواب «مرآة الصفا» نوشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۲۵ -۳۲۳ /۱)، الذریعه (۹۵/۹)، ریاض العارفین (۱۷۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰)، مرآت الفصاحه (۶۴ -۶۳)، هفت اقلیم (۴۳۲ -۴۳۱ /۲).

امیر کججی تبریزی، خواجه بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ ق)، عالم، شاعر. از مردم کجج در ناحیه مهران‌رود تبریز بود و مهردار دربار شاه طهماسب در علم حساب و سیاق دست داشت، و ادعای علم اعـداد و حروف و تسـخیر کواکب را نیز داشت. در بغداد، هرات، آذربایجان، شـیراز، کرمان عهده‌دار مناصب مختلفی بود و سـرانجام به تولیت آسـتان قدس رضوی و سـپس به وزارت خراسان منصوب شد. وی چند مرتبه به دستور شاه زندانی شـد، بعد از عزل از وزارت خراسان نخست در زندان قهقهه و آنگاه در الموت زندانی شد و در همان جا درگذشت. وی در قالبهای مختلف شعر می‌گفت و صاحب «دیوان» شعری نیز بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۲۰۹ -۲۰۸ /۱)، تاریـخ نظم و نثر (۶۹۲ -۶۹۱)، تحفه‌ی سامی (۹۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱ -۵۸ /۲)، دانشـمندان آذربایجان (۵۲ -۵۱)، الذریعه (۹۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۱۷ -۲۱۴)، عالم آرای عباسـی (۱۶۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲)، هفت اقلیم (۴۳۹/۲).

امیری فیروزکوهی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، فرح‌آباد فیروزکوه.

درگذشت: ۱۸ مهر ۱۳۶۳، تهران.

سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی متخلص به «امیر»، فرزند سید مصطفی‌قلی منتظم‌الدوله، در هفت سالگی با پدرش به تهران آمد و پرستاریش به عهده نامادری‌اش سپرد شد. ابتدا به مدرسه سیروس رفت. در همین سال پدرش درگذشت. لذا مادرش از روستا به تهران آمد و در کنار نامادی سرپرستی وی را به عهده گرفت. «امیر» سپس در مدارس ثروت و کالج آمریکایی تحصیلات خود را به پایان رساند. پس از آن نزد محمد حسین وحید دستگردی، مدیر مجله‌ی «ارمغان» و رییس «انجمن ادبی حکیم نظامی» و دیگر ادیبان تهران به تعلیم فنون ادب و علم کلام مقدمات حکمت همت گماشت و دیری نگذشت که با سرودن غزل‌های ناب به سبک هندی (اصفهانی) به جمع شعرا پیوست. سید کریم امیری فیروزکوهی به تدریج در انواع فنون شعری از غزل و قصیده مهارت یافت. ایشان در انجمن ادبی ایران نیز حضور داشت.

امیری فیروزکوهی در سال ۱۳۰۸ به عضویت در اداره‌ی کل ثبت اسناد و املاک درآمد. مدتی هم نزد سید حسین مجتهد کاشانی که تصدی دفتری از اسناد رسمی درجه اول را بر عهده داشت، کار می‌کرد. در سال ۱۳۱۱ عهده‌دار خدمت در اداره‌ی ثبت اسناد تهران شد و در سال ۱۳۱۹ خدمت را ترک گفت. ده سالی هم از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۶ متصدی دفتر اسناد رسمی بود. وی سال‌ها از محل درآمد املاک موروثی خود در فیروزکوه و تهران زندگی می‌کرد.

همچنین در جوانی به شوق فراگیری معارف اسلامی به نزد شیخ عبدالنبی مجتهد کجوری و سید حسین مجتهد کاشانی ملقب به «ضوءالرشد» رفت و علوم اسلامی (فقه و اصول و حکمت و فلسفه و معارف اسلامی) را نزد آنان آموخت. زبان عربی را نیز در خدمت کوتاهی آموخت.

زمینه‌ی اصلی کار او غزل و قصیده و از حامیان پیروان سبک هندی بود. غزلیات «امیر» که دو ثلث آثارش را شامل می‌شود، در عین حال که دارای استحکام آثار اساتید کهن است لطافت شعر دوره‌ی صفوی و سبک هندی و مضامین بکر و خاص اندیشه این استاد را همراه دارد. امیری فیروزکوهی اشعاری هم به زبان عربی داشت که بعضی از آنها در روزنامه‌ی «اقدام» چاپ شده است.

از جمله آثار وی می‌توان به تصحیح دیوان صائب و مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشت و نیز مقاله‌هایی در مجلات ادبی کشور در زمینه‌ی شعر و ادب و زبان و همچنین ترجمه‌ای از نفس المهموم آقا شیخ عباس محدث قمی و ترجمه مکاتیب نهج‌البلاغه اشاره کرد. از وی رساله‌ای فلسفی نیز به نام «وجیزهٔ فی علم النبی» در مجله «جاویدان خرد» (شماره‌ی بهار سال ۱۳۵۴) منتشر شده است.

دیوان وی به کوشش دخترش- دکتر امیربانوی امیری فیروزکوهی (مصفا)- در سال ۱۳۵۴ در تهران به چاپ رسید. وی علاوه بر دیوان شعر، دو کتاب با نام‌های عفاف‌نامه در لزوم حجاب (۱۳۱۳) و احقاق الحق از خود به یادگار گذاشته است.

پیکر امیری فیروزکوهی در صحن شرقی امامزاده طاهر (ع) واقع در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۳ -۱۲۸۹ ش)، عالم و شاعر، متخلص به امیر. از سادات فیروزکوه. در فرح‌آباد فیروزکوه متولد شد. پدرش از رجال اروپا رفته‌ی عهد مظفری و آشنا به تمدن جدید و جد اعلایش امیر محمدحسین خان سردار، از حمله فاتحین هرات و بانی دبستان خیّریه ایتام در تهران که به دبستان فیروزکوهی مشهور است، بود. امیر در هفت سالگی به تهران آمد. پدرش همان سال درگذشت و او تحت تربیت مادر قرار گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در مدارس سیروس، ثروت، سلطانی و کالج آمریکایی گذراند. سپس به تحصیل منطق و کلام و حکمت همت گماشت و از محضر استادانی چون آقا شیخ عبدالنبی کجوری، و آقا سید حسین مجتهد کاشانی استفاده کرد. امیری از دقایق شعر فارسی آگاه بود. و شاعر غزل و قصیده و از شیفتگان صائب بود و به سبک هندی شعر می‌سرود. در زبان عربی تبحر داشت و به آن زبان نیز شعر می‌سرود. در تهران درگذشت و در آستانه‌ی امام‌زاده طاهر در صحن حضرت عبدالعظیم مدفون گردید. از آثار وی: ترجمه «مکاتیب نهج‌البلاغه»؛ ترجمه‌ای از «نفس المهموم» حاج شیخ عباس محدث

قمی؛ «و جیزهٔ فی علم النبی»، رساله‌ای فلسفی که در مجله‌ی «جاودان خرد» چاپ شده؛ «دیوان» اشعار، در دو جلد که به همت دخترش و دکتر امیربانوی ایمری (مصفا) چاپ شده است؛ تصحیح و مقدمه بر «دیوان صائب»؛ منظومه‌ی «عفاف نامه»، در لزوم حجاب؛ «احقاق الحق»، در حمایت از شعرای صفوی و دفاع از سبک هندی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۵۳۷ -۵۳۰)، سخنوران نامی (۳۶۶ -۳۵۸/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۷۵ -۳۶۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲ -۶۱/ ۵).

امیری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد علی بن آقا جعفر بن حاج سیف‌الله امیری پاشا از علماء معاصر شمال و اکنون در بند پی بابل سکونت دارد. وی در قریه پادشاه امیر بند پی متولد شده و پس از پایان دوره تحصیلات مقدماتی مقداری از سطوح را در آن قریه در محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد فیروز جاهی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی بوده‌اند خوانده و در سال ۱۳۲۵ شمسی بقم مهاجرت و پس از پایان دوره سطح خارجی را در محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و مراجع بزرگ معاصر قم تلمذ فرموده و چون جد نامبرده‌اش که از متمکنین متدین و خیر آن سامان بوده‌اند، مدرسه علیمه‌ایکه دارای چندین حجرات فوقانی و تحتانی در جنب بارگاه حضرت سید نظام‌الدین که مزار اهالی است که واقع در قریه نامبرده میباشد ساخته و پنج هکتار زمین شلتوت کاری از بهترین املاک شخصی خود را وقف معاش طلاب ساکنین مدرسه مزبوره بضمیمه ربع یک مرتع بنام یک برای تعمیر بنای آن مدرسه میباشد و کلیه علماء و مروجین معاصر آن سامان چه آنانی که مقیم آنجا میباشند و چه آنانیکه در حوزه‌های مختلف قم و مشهد و غیره مشغول بتحصیلند برای فرا گرفتن دوره مقدماتی و سطوح اولیه و وسطی در این مدرسه تلمذ نموده‌اند، تا پیش از سال ۱۳۴۶ شمسی پس از فوت جد نامبرده‌اش و فوت آیه‌الله فیروز جاهی مدرسه علمیه بصورت مخروبه درآمده و نزدیک بود بتصرف اجنبی درآید و آثارش بکلی محو شود که معظم‌له با تحمل زحمات فراوان و کمی بودجه از قم ببخش بند پی و قریه نامبرده رفت و آمد نموده تا آنکه مدرسه مزبوره را مجددا احیاء و مرمت و تأسیس و تشکیل حوزه علمیه در بخش بند پی با همکاری و تشریک مساعی مراجع بزرگ تقلید قم نموده بالنتیجه جمعیت زیادی از طلاب محترم آن سامان و سواد کوه باین بخش و این مدرسه اجتماع نموده و در تحت برنامه خاص مطابق برنامه مدرسه حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی مدظله العالی اجراء می‌شود و با آنکه هر چند سال یکبار چندین نفر از طلاب آنحوزه پس از فرا گرفتن دوره مقدماتی و مقداری از سطوح بحوزه‌های علمیه قم و مشهد منتقل می‌شوند در حال حاضر در حدود چهل نفر از طلاب آن سامان و سواد کوه در آنجا سکونت دارند و جناب مترجم محترم ما بتدریس و تربیت آنان و اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امین الواعظین، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد علی تاجر اصفهانی، عالم و فاضل، و واعظ کامل بوده، در سال ۱۲۷۵ در اصفهان متولّد شده، و در نزد فضلا و علمای این شهر مانند: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج سید مهدی نحوی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ نموده، چندین سال نیز در اعتاب مقدّسه نزد اساتید آنجا تحصیل کرده، واعظی بلیغ بود.

در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نموده، مدّتی در اصفهان، و گاهی در یزد ساکن شده، و سرانجام در قریه سده ماربین که اکنون به نام همایون شهر معروف است در سال ۱۳۵۸ وفات یافته، در قبرستان خوزان مدفون گردید.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱- امان الخائفین، در امامت ۲- البراهین الباهرهٔ، در مذّمت دنیا و مدح آخرت ۳- تحفهٔ المعاد للعباد ۴- روح العالمین، در توحید ۵- شهاب الثاقب در مدح امام غائب علیه‌السلام ۶- طریقهٔ الحق، در نبوّت ۷- کهف العارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر ۸- قصیده‌ای در مرثیه استادش میرزای شیرازی گفته، و در آن نام عدّه‌ای از علما را مذکور داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امینی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امینی شاهرودی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.

وی در یکی از مضافات شاهرود بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در شاهرود و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده و بنابر تقاضای بعضی از مؤمنین کرمانشاه و امریه بعضی از مراجع بزرگ نجف برای خدمت و ارشاد مردم به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخته.

و ضمناً مبتلا به سوانحی گردیده و مدتی در تهران و نقاط دیگر به طور اضطرار و اجبار و اکراه اقامت نموده و مجدداً به کرمانشاه بازگشت و به خدمات روحی و دینی اشتغال دارد از آثار ایشانست تأسیس درمانگاهی که با همکاری جمعی از مؤمنین برای مستمندان نموده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اندامی، آذر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر آذَر اَندامی (به انگلیسی: Azar Andami) (زاده ۱۳۰۵ – درگذشته ۱۳۶۳) از پژوهشگران انستیتو پاستور ایران بود. بخاطر خدمات علمی و انسانی او یکی از حفره‌های برخوردی روی سیاره ناهید، به نام وی «اندامی» نامگذاری شده است. آذر اندامی در

سال ۱۳۰۵ در محله ساغریسازان رشت متولد شد. او فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. مقطع ابتدایی را در دبستان بانوان رشت با یک سال جهش تحصیلی به پایان برد. بعد از اخذ مدرک پایان سال نهم تحصیلات عمومی از دبیرستان فروغ رشت، پدرش با اینکه فردی روشنفکر بود از ادامه تحصیل او ممانعت کرد و وی را به دانشسرای مقدماتی رشت فرستاد. در سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل شد. و در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. درسال ۱۳۲۹ و در حین کار دیپلم طبیعی را با امتحان متفرقه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ با شرکت در کنکور دانشگاه تهران در رشته پزشکی این دانشگاه پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی به وزارت بهداری آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انستیتو پاستور پرداخت. او پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید. در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. او در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنشستگی چون خانه‌نشینی را نمی پسندید به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی آنجا را بر عهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، دکتر خلعتبری، در خیابان حسام‌السلطنه به کار مداوای بیماریهای زنان و زایمان مشغول شد. در همین سالها بود که به تومور مغزی مبتلا شد. یک روز در مطب در حین معاینه بیمار، تعادل خود را از دست داد و بر روی او سقوط کرد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۳ به علت آمبولی ریه که از عواقب بیماری سختش بود درگذشت. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) حفره‌ای به قطر ۳۰ کیلومتر در طول جغرافیای ۲۶ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۱۷ درجه و ۴۵ دقیقه با قله‌ای مرکزی را در جنوب سیاره زهره به نام اندامی نامگذاری کرد. آذر اندامی تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد و بانی این کار دخترش بود.

اندرمانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود اندرمانی از علماء پرهیزکار ری بود و تحصیلاتش در تهران نزد آیات و دانشمندان بزرگ تکمیل نموده و در زاویه مقدسه ری در مسجد سر تخت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته تا بعد از سال ۱۳۰۰ قمری از دنیا رفته و مرحوم آخوند ملا رضا قلی مذکور بامامت و خدمات دینی بجای آن مرحوم اشتغال یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری دارابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقای انصاری دارابی فرزند حجهٔالاسلام شیخ محمد فخر بن شیخ زکریا نصیرالاسلام بن شیخ عبدالرحمن زاهد از فضلاء و فقهاء و برادر حجهٔالاسلام آقا شیخ یحیی انصاری معاصر بوده است وی در سال ۱۳۴۵ قمری در نودایجان داراب متولد شده و پس

از خوانـدن مقدمات به نجف اشـرف مهاجرت و در آنجا از محضـر آیات عظام اسـتفاده نموده آنگاه به شـیراز مراجعت و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سـید نورالـدین حسـینی بهره‌منـد گردیده تا در ایام شـباب که با زهد و تقوا می‌زیسـته در سال ۱۳۷۰ قمری در داراب به مرض سکته قلبی وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انصاری دارابی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی انصاری متخلص به (اشـراق) بن حجهٔالاسـلام شـیخ محمد فخر بن شیخ زکریا نصیرالاسلام ابن حاج شیخ عبدالرحمن زاهد از فضلاء باتقوا و شعراء باکمال حوزه علمیه قم است، وی در سال ۱۳۰۶ شمسی در سرکوه داراب متولد شده و پس از خواندن دروس جدید مقدمات را در خدمت آقای شـیخ عبدالکریم مدرس حجهٔالاسـلام انصاری شـیرازی و عموی گرام خود حاج شـیخ ابوالحسن انصـاری فراگرفته و در سال ۱۳۲۵ شمسـی به شـیراز آمده و از مدرسـین سطوح آنجا و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین مجتهـد شـیرازی متون فقه و اصول سـطحی را آموخته و به تـدریس ادبیات و منطق پرداخته تا در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از محضـر آیت‌اللَّه سـلطانی بروجردی و شـرح منظومه و حکمت الهی را از حجهٔالاسلام منتظری و شرح تجریـد را از آیت‌اللَّه فکور یزدی آموخته و در درس خارج اصول آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی حاضـر شده و ضـمناً دروس عقلی مانند اسـفار اربعه و الهیات شـفاء را از محضـر علامه طباطبائی استفاده نموده تا به مقام عالی علم و کمال رسیده و به تدریس سطوح فقه و اصول و حکمت و غیره اشتغال و از مدرسین لایق حوزه گردیده است.

دارای تألیفات ارزنده عدیده می‌باشد که مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است:

۱- اصطلاحات حکمت متعالیه (به فارسی)

۲- آهنگ آزادی از سرکوه داراب

۳- سروشی از غیب (تفسیر سوره‌ی نبأ به فارسی)

۴- اشعار و قصائد و غزلیات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انصاری محلاتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله میرزا حسن انصاری محلاتی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و در محضـر آیت‌الله العظمی حائری یزدی به تحصیل پرداخت. در ادامه

تحصیلات خود، از حوزه فقه و اصول حضرات آیات عظام خوانساری، کوه‌کمره‌ای و بروجردی بهره گرفته و به مدارج عالی فقاهت دست یافت و مدت‌ها در درس فلسفه حضرات امام خمینی (ره) حاضر شد و شرح منظومه و بخشی از اسفار را در خدمت ایشان تلمذ نمود.

آیت‌الله انصاری محلاتی در شهر قم درگذشت و پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آقامیرزا حسن انصاری از علماء ابرار و فضلاء اخیار و قدماء با فضل و تقوای حوزه علمیه قم است.

وی در قصبه محلات (وطن مادری نگارنده) که در هجده فرسخی قم واقع است متولد شده و برای تحصیل علوم و تکمیل فضائل به قم مهاجرت نموده و اکنون بیش از چهل سال است که در این شهر اقامت دارند. ایشان پس از فراغت از سطوح چندین سال از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله اسرارهم استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و دانش رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ میرزا حسن بن العلامه آیه‌الله حاج میرزا محمد جعفر انصاری از علماء و مدرسین مبرز حوزه علمیه اهواز میباشند و در مسجد نور که یکی از مساجد مرکز شهر اهواز است اقامه جماعت مینمایند در ترویج دین بالاخص نقل تفسیر و اخبار و احادیث کوشش خاصی دارند و مورد احترام عامه مردمند. دارای تألیفاتی میباشند که نامهای آنها را می‌نگارم:

۱- خلاصه مناسک حج مطبوع ۲- کتاب سراج المؤمنین ۳- شرح صرف و نحو ۴- کتاب محمدیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر انصاری از علماء و ائمه جماعت معاصر و نارمک تهران می‌باشند وی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شهرستان نجف‌آباد متولد گردیده و در ده سالگی به دبستان رفته و دوره ابتدائی را در کمتر از سه سال به پایان رسانیده و پس از آن به دروس دینی پرداخته و در مدت کوتاهی قواعد تجوید و قرائت و رساله عملیه و درس اخلاق را فراگرفته و به تحصل صرف و نحو اشتغال یافته و با تشویق و راهنمائی مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ احمد نجف‌آبادی به اصفهان آمده و سپس به قم وارد و ادبیات و مقداری از سطوح فقه و اصول را در این مرکز علمی به پایان رسانیده و بعد از شهریور ۱۳۲۱ به نجف اشرف مهاجرت و بقیه سطوح را تکمیل و از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه شاهرودی و خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و منظومه سبزوار را از آقا شیخ صدرآباد کوبه‌ای و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهائی و سی فصل هیئت خواجه نصیرالدین طوسی را از مرحوم حاج شیخ اسداللّه زنجانی مناظرات دینی و مذهبی را از آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم علامه امینی صاحب

الغدیر استفاده کرده و در سال ۱۳۳۱ شمسی به ایران مراجعت و به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در شهرستان سنقر کردستان به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج احکام دینی پرداخت و در آن منطقه خدمات برجسته و شایانی انجام داد از قبیل تعمیر و نوسازی مساجد و تأسیس بنیاد مساجد و غسالخانه‌های فراوان در آبادیهای حوزه سنقر و تأسیس دبستان روزانه و آموزشگاه شبانه (حیدری) که اکنون چند نفر از شاگردان همان دبستان به کسوت روحانیت درآمده و در قم و غیره سرگرم تحصیل علوم دینی می‌باشند.

آقای انصاری در راه مبارزه با خرافات و عقاید مذاهب باطله و برانداختن عادات و رسوم زشت از هیچ چیز نهراسیده و شجاعانه و مدیرانه کوشیده و به قول بزرگان محلی چهره آن سامان را عوض کرده و بالاخره در سال ۱۳۴۳ با دعوت و اصرار عده‌ای از خویشان و دوستانشان به تهران آمده و در مسجد جامع نارمک (موسسه اسلامی نارمک) در معیت ابوالزوجه خود جناب حجهْالاسلام حاج سید محمدتقی واحدی به اقامه جماعت و بیان احکام اشتغال دارند و قسمت عمده از برنامه‌های این موسسه به وسیله ایشان اجرا می‌گردد.

آقای انصاری در بحث و جدل در موضوعات دینی و اجتماعی نبوغ و تخصص ویژه‌ای دارد و به قول معروف هر کس با ایشان بحث و مناظره کند در همان مجلس اول مغلوب می‌گردد و ایشان با اینکه واعظ و منبری رسمی نیست ولی در اداره کردن مجالس سنگین و بزرگ بسیار توانا و زبردست می‌باشد.

ایشان دارای تالیفات و آثار قلمی عدیده‌ای هستند که از نظر دانشمندان می‌گذرانم.

۱- کتاب محرک احساسات- راجع به خداشناسی پیامبر شناسی و امام شناسی چاپ علمیه اسلامیه

۲- رساله راه حل- پاسخ یاوه‌های مردوخ کردستانی که تاکنون بیش از یکصد هزار نسخه از آن چاپ و منتشر شده است.

۳- رساله رهبران جهانی- درباره پاره‌گی از امتیازات ویژه و کلی پیامبران و امامان (ع)که تاکنون شش بار و هر بار هم پنجهزار نسخه به طبع و نشر رسید است.

۴- شناسنامه (خر) که تاکنون هفت مرتبه و هر مرتبه پنجهزار نسخه چاپ و بخش شده است.

۵- شناسنامه جدید (جلد دوم شناسنامه خر) که پنج مرتبه به طبع رسیده است.

۶- شناسنامه باغ وحش.

۷- مقالات متفرقه که در سالنامه پیام اسلام و اطلاعات و کیهان و ندای حق منتشر شده است.

۸- اشعار و قصاید که پاره‌ای از آنها چاپ شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انصاری، عطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاء انصاری بن المرحوم العلامه حاج شیخ عباس انصاری از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در تهران متولد شده و پس از دوران صبا و خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیهْاللّه محقق داماد و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران برگشته و بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

نگارنده گوید: اقای انصاری از افاضل با تقوی و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب و اکنون در مدرسه عبداللَّه خان بازار بتدریس مشغول و در مسجد مرحوم والدش بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن العالم الجلیل الشیخ مرتضی معروف بشیخ آقا بزرگ بن العلامه شیخ محمد حسن انصاری سابق الذکر برادر ارجمند آیه‌الله شیخ علی انصاری مذکور. عالمی جلیل‌القدر فاضل پارسا و پرهیزکار میباشد.

وی صاحب ملکات فاضله و اخلاق حمیده و خصال و صفات جمیله و بارزی است که او را از همگنان ممتاز میسازد.

تولدش در سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم والـدش اتفاق افتاد و در دامن جد والا تبارش نشو و نما نمود و بعد از وفات او نزد برادر برومندش آقا شیخ میرزا محمد جعفر تربیت یافت و تحصیلاتش را بپایان رسانید.

معظم‌له فعلاـ از مدرسین حوزه علمیه اهواز و از جبینش اثـار بزرگی و متانت و تقوی و ورع آشکار و هویـداست و بـدین جهت از موثقین ائمه جماعت شهرستان اهواز و مردم با او عقیدتی کامل دارند و کتابی در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام تألیف نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاریان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۳ شمسی در خونسار متولـد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شـیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصـفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشـمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.

والـده ماجـده‌اش علویه از سادات مصـطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکـدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسـلام و معـارف اهـل‌بیت و تألیفات عدیـده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سـید محمـدتقی خونساری رحمه‌اللَّه علیه می‌باشـد که از خـدای متعال خواسـتند او روحانی و خدمتگذار آسـتان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه‌السلام باشند.

ایشان در اوائل عمر با خانـدانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مـدرسه ابتدائی و دبیرسـتان مرحوم حاج شیـخ علی‌اکـبر برهـان انـار اللَّه برهـانه دروس جدیـد را فراگرفتـه و به تشویـق حکیـم الهی میرزا مهـدی الهی قمشه‌ای درسـال ۱۳۴۱ شمسـی به قم آمـده و به دروس دیگر پرداخته و از محضـر حاج شـیخ محمـد وحیـد و مرحوم حاج شـیخ محمدجواد خندق‌آبادی و آقای ناطق نوری و حاج شـیخ رحمت‌اللَّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی اسـتفاده و مقدمات و سطوح وسطی را

خوانده و پس از آن سطوح عالیه را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.

دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.

۱- اسلام و کار و کوشش

۲- اسلام و علم و دانش

۳- از اسلام چه می‌خواهید

۴- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر

۵- حج وادی ایمن

۶- لقمان حکیم چاپ چهارم

۷- مناجات عارفان طبع ششم

۸- عرفان اسلام حدود ۱۴ مجلد

۹- به سوی قرآن و اسلام

۱۰- مقدمه بر دیوان وحدت

۱۱- مقدمه حقوق کیفری

۱۲- مقدمه‌ای بر معاد

۱۳- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام

۱۴- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

۱۵- سیری در اخلاق اسلامی

۱۶- مرز روشنائی

۱۷- شرح دیوان و کلمات باباطاهر

۱۸- فروغی از تربیت اسلامی

۱۹- حسینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انگجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بزرگترین فرزند مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن انگجی ره و از علماء اعلام و دانشمندان کرام تبریز است که در مهد علم و مجد تربیت شده و مقدمات و سطوح را از علماء تبریز مخصوصا والد ماجد خود و مرحوم آیه الله حاج میرزا صادق آقا و دیگران خوانده و مسافرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت کوهکمری استفاده کرده آنگاه به تبریز مراجعت و به وظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد مدرسه طالبیه و مباحثات پرداخته است ادام الله توفیقاته.

از تألیفات ایشان است رساله‌ای در کر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سومین فرزند آیه الله العظمی حاج میرزا ابوالحسن انگجی است که در حجر دانش و تقوا نشو و نما نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات، سطوح عالی را از مرحوم والدش و آیات دیگر تبریز استفاده نموده و بعد به قم مهاجرت و چندین سال از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت و آیات دیگر بهره‌مند شده آنگاه بوطن خود معادوت نموده تا در اوائل حکومت دکتر مصدق السلطنه از طرف مردم تبریز برای مجلس پارلمان انتخاب و به طهران آمده و یکدوره وکالت نموده و چندین سال در طهران اقامت و بعد به تبریز مراجعت نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام آیت‌اللّه الملک العلام السید المیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از علماء بنام طهران بودند و در مسجد ملک آباد اقامه جماعت می‌نمودند.

ولادت آن مرحوم در تبریز واقع شده و در مهد تربیت آیت‌اللّه والد پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به قم فرموده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی فراگرفته و بدرس خارج علامه بزرگوار آیت‌اللّه العظمی حجت و مدتی هم بدرس خارج آیهٔ‌اللّه حایری موسس حوزه حاضر شده و پس از آن به تبریز مراجعت و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و پس از آن مهاجرت به تهران نموده و در مسجد مذکور به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ارشاد مردم مشغول شده تا در سال ۱۳۸۳ که وفات نموده و با تشییع عظیمی جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد موزه مدفون گردیده است. دارای تألیفات عدیده می‌باشند: ۱- رساله‌ای در تنجیس متنجس و عدمه ۲- تقریرات اساتید در فقه و اصول. از باقیات الصالحات ایشانست ۱- جناب حجه‌الاسلام آقا سید علی انگجی که سالها در قم اقامت و از محضر آیات عظام بالاخص آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیهٔ‌اللّه علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و

بمدارج فضل و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
از آثار و تألیفات اوست:

۱- تفسیر سوره‌ی نور که جامع جهات مختلفه فقهیه و اخلاقیه و غیره می‌باشد.

۲- تقریرات دراسات آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی.

۳- تقریرات درس آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری.

۲- دومین فرزند معظم له است دکتر سید هادی انگجی که سیدی شریف و طبیبی معروف است در تبریز که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و تخصصی در جراحی دارد و اکنون رئیس بیمارستان (شیر و خورشید) تبریز است.

۳- سومین فرزند ایشان آقای مهندس سید رضا انگجی است که متصدی امور کارخانه برق و آب است در استان آذربایجان، خداوند توفیق آنان را در خدمات دینی و اجتماعی زیاد فرماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انواری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوالحسن بن آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین قاتوقی (انواری) از علماء معاصر زنجانست.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری در زنجان متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات به قم آمده و بعد از اتمام سطح در خدمت مدرسین حوزه در سال ۱۳۷۳ قمری هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرجع اعلاـ و زعیم اعظم آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ دین پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انواری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد انواری یزدی در سال ۱۳۲۲ ق در یزد متولد و پس از گذرانیدن دوران کودکی بتحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و منطق و قسمتی از شرح لمعه و قوانین و رسائل را خدمت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای شیخ محمد باقر انواری در یزد خوانده و قسمتی از رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت سایر علماء و دانشمندان یزد آموخته و مقداری هم در مشهد مقدس از محضر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی استفاده کرده و آنگاه بقم آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حجت کوه کمری و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده آنگاه به یزد برگشته و بخدمات دینی پرداخته و در خلال آن بنابر دعوت همشهریهای مقیم بمبئی بهندوستان برای تبلیغ مسافرت و در پونه و نقاط دیگر خدمات ترویجی نموده و پس از آن مراجعت بوطن و بنابر دعوت جمعی از مؤمنین بندرعباس عزیمت بآنسامان نموده و تا حال تحریر شش سال است که در بندر مزبور

و حومه آن بانجام وظائف دینی اشتغال دارد ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انواری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود انواری مذکور از فضلاء حوزه علمیه قم و علماء معاصر همدان است.
وی در همدان تولد یافته و در مهد تربیت والد ماجدش تربیت و پس از رشد و خواندن دروس ابتدائی و ادبیات به قم آمده سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و پس از پایان آن به درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه گلپایگانی حاضر شده و از خرمن علوم و فیوض آنها بهره‌مند گردیده و می گردد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انیس طباطبایی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و عالم. وی از سادات بلند مقام بود و اجدادش نیز از جمله‌ی دانشمندان و به زهد و علم و فضل مشهور بودند. پدر وی از عتبات عالیه به تهران آمد و انیس همراه وی بود. پنج یا شش سال در تهران مشغول تحصیل شد و تمام قواعد نحو و اشتقاقات صرف و قوانین منطق و محاسن بدیع و نکات معانی و دقایق بیان را آموخت. پس از آن به منظور تکمیل علوم به عتبات رفت و مجدداً به تهران بازگشت و در مجالس تدریس پدرش شرکت می‌کرد. او در سرودن به ویژه قصیده توانا بود. وی در جوانی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، گنج شایگان (۱۴۳ -۱۴۱)، مجمع الفصحا (۱۳۴/۴).

ایازی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالحسن قوام‌الدین ایازی بن حجه الاسلام والمسلمین المرحوم الشیخ حیدر ایازی از علماء معاصر مازندران و مقیم در رستمکلاء که در یازده کیلومتری بهشهر است میباشد.
وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در قریه مزبور متولد شده و در مهد علم پرورش یافته و تحصیلات مقدماتی را در محضر مرحوم والد و حوزه‌های مازندران خوانده و بقم مهاجرت نموده مدت دوازده سال در این شهرستان مذهبی از اساتید بزرگ سطح و خارج

مخصوصا درس حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده سپس بنجف اشرف مشرف گردیده و مدت ۸ سال از محضر آیات عظام استفاده نموده آنگاه بدرخواست اهالی خود بمازندران مراجعت و در قریه رستمکلاء وطن اصلی اقامت و تشکیل حوزه علمیه داده و تاکنون مدت ده سالست که حوزه با توجه امام عصر عجل‌الله فرجه دائر و طلاب علوم دینی از اوائل صرف و نحو تا پایان سطح عالی اشتغال دارند و در حال حاضر بالغ بر دویست نفر طلاب در حوزه رستمکلاء مشغول هستند و در خلال این مدت عده کثیری از فضلاء آنجا بنجف و قم و مشهد مسافرت و از محضر اعلام و آیات استفاده میکنند.

از آثار ایشانست: ۱- تقریرات فقه و اصول اساتید نجف که مخطوط است ۲- منظومه هدیه الانوار که قسمتی از اشعارش باشعر ابن مالك تضمین شده است اجازات جامعی از علماء نجف دارند. ادام‌الله توفیقاته.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ایروانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی ایروانی از علماء برجسته معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز متولد گردیده و مقدمات را در تبریز خوانده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شید محمد مولانا و آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی اصغر ملکی تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّٰه حجت کوهکمری استفاده فقه و اصول نموده و علوم عقلی و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد علی شاه آبادی بهره‌مند و در سال ۱۳۵۵ قمری منتقل به تهران و در خیابان مولوی ابتداء و بعد مختاری (خیابان امیریه) سکونت و تاکنون بالغ بر چهل سال است که در مسجد چهار راه مختاری به اقامه جماعت و ترویج دین و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ایروانی عالمی با متانت و دانشمندی با کیاست و فضیلت و موصوف بفضل و تقوی و اهل ولاء و محبت و مواظب زیارت حضرت امام زاده عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و همه روزهای پنجشنبه مرتب با توجه مخصوصی موفق می‌باشند ادام اللّٰه توفیقه و انار اللّٰه برهانه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایوبی، ربیعه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۶۴۳ -۵۶۱ ق؛ از زنان دانشمند و خیر. وی دختر نجم‌الدین ایوب و خواهر سلطان صلاح‌الدین ایوبی (۵۸۹ -۵۶۷ ق) و همسر مظفرالدین کوکبری، فرمانروای اربل، بود. وی مدرسه صاحبه- و به نوشته برخی منابع مدرسه حنبلیه- را در دمشق بنا نهاد و وقف کرد.

پادشاهان ایوبی، برادرها و فرزندانشان، احترام خاصی برایش قائل بودند و برای دیدار او به منزلش می‌رفتند. ربیعه خاتون در شهر

دمشق درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، ۴۴۴ -۴۴۳ / ۱؛ الاعلام، ۴۰ / ۳؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۱۸۶ / ۳؛ لغت‌نامه دهخدا، ش، ۲۷۶ / ۱۰۸.

ایوبی، ملکه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دانشمند و کاردان ایوبی. وی دختر ملک عادل ابوبکر، و همسر ملک منصور ایوبی (۶۲۰ -۵۹۵ ق) بود. همسرش علاقه فراوانی به او داشت و پس از مرگ وی چنان متأثر و اندوهگین بود که لباس سیاه پوشیده و عمامه نیلی بر سر گذاشت و مدت زیادی سوگوار بود. شعرای عصر در مرگ وی قصاید و مراثی سوزناکی گفته‌اند؛ از جمله حسام‌الدین خشتری قصیده‌ای به این مطلع سرود:

الطرف فی لجهٔ والقلب فی سعر

له دخان زفیر طار بالشرر

(در غمش، چشم، غرق دریای اشک و قلب در آتشی است که لهیب آن شراره می‌افکند.) و در یکی از ابیات آن به پوشش سیاه ملک منصور اشاره کرده است:

ما کنت اعلم ان الشمس قد غربت

حتی رایت الدجی ملقی علی القمر

نمی‌دانستم که خورشید غروب کرده است

تا آنکه سیاهی را بر ماه افکنده دیدم)

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۸۵ / ۳؛ خیرات حسان، ۹۳ / ۳.

آبشادی، موسی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۱ ق)، عالم. از آثارش: «اغاثهٔ اللهوف فی عمل الخسوف والکسوف»، که در تاریخ ۱۰۹۱ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «تنقیح الافکار فی اعمال اللیل والنهار»؛ «المنن الارشادیهٔ فی العمل بالتیجهٔ الآبشادیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۰۵ /۱)، معجم المؤلفین (۴۰ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۸۱ /۲).

آذر فَرنبغ فَرخزادان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، دانشمند زرتشتی و نخستین مؤلف کتاب پهلوی «دینکرد». نام وی در کتاب دینکرد به عنوان موبد بهدینان آمده است. وی با زرتشتی مسلمان شده‌ای به نام اَبالیش در حضور مأمون خلیفه‌ی عباسی مناظره کرده که شرح آن در رساله‌ی پهلوی «گُجَستَک اَبالیش» آمده است. آذر فرنبغ دانشمند بزرگی بوده است. چنان که غالباً به افوال وی استناد می‌کرده‌اند. آذر فرنبغ مؤلف کتابی که در اصول دین زرتشتی بوده است به نام «آیین نامه» که کتاب چهارم «دینکرد» خلاصه‌ای از آن است. آذر فرنبغ در این کتاب با دید فلسفی اصول دین زرتشتی را بیان می‌کند. در «متون پهلوی» اندرزهایی به آذر فرنبغ نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۲۸۵ -۲۸۴، ۲۴۸، ۱۹۵، ۱۳۴ -۱۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۹ -۱۳۵ /۱)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، تمدن ساسانی (۱۴۲ -۱۴۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱ -۶۰ /۱)، در قلمرو وجدان (۲۸۸)، سبک‌شناسی (۵۴ /۱).

آذرباد ایمیدان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عالم دینی. وی آخرین مدوّن کتاب «دینکرد» است. او از معاصران زاداسپرم مؤلف کتاب «گزیده‌ها» بود، و از پیشوایان بهدینان. مسعودی در «التنبیه والاشراف» از موبدی به نام اسفندیار پسر آذرباد پسر انمید (به جای ایمید امید) نام می‌برد که در سال ۳۲۵ ق به قتل رسیده، به نظر می‌رسد که این اسفندیار پسر همان آذرباد ایمیدان باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۱۳۷، ۱۳۱ -۱۲۸)، التنبیه والاشراف (۱۰۴).

آرانی کاشانی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵ -۱۱۹۲ ق)، عالم دینی. تحصیلات خود را نزد میرزای قمی، سید محمد مجاهد و ملا احمد نراقی به پایان برد. اثر وی «قلائد اللئالی» نام دارد که در احوال زهاد و مشایخ است. کتاب شامل بیست باب است و هر باب ده حکایت در احوال زهاد و در ذیل هر باب بیاناتی دارد. این کتاب در واقع شرح «جامع الحکایات» نصراللّه ترمذی است. وی در وادی السلام نجف مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۱ /۱۷)، مکارم الآثار (۱۷۹۹ /۵).

آستارایی، اسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۹۱ ق)، فقیه و مدرس. در قصبه ارچوان آستارا متولد شد. پس از تحصیل ادبیت در زادگاهش، به لنکران رفت و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرد. وی نزد افتخارالعلما و شیخ عبداللَّه تحصیل علوم کرد و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت کرد و از محضر درس آقا شیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقا بزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم بهره برد و در ۱۳۴۵ ق به قم رفت و در حوزه درس آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه بروجردی حاضر شد. از ابتدای تأسیس مدرسه حجتیه قم عهده‌دار امور مدرسه بود. در قم درگذشت و در مقبره ابوالحسن در بقعهٔالعلماء دفن شد. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌اللَّه حائری و «تقریرات» درس آیت‌اللَّه حجت در کفایه و فقه و مکاسب.[۱]

مرحوم مبرور حجه‌الاسلام آقای آمیرزا اسحق آستارائی از افاضل حوزه و مبرزین اصحاب و خواص رفقاء مرحوم آیت‌الله حجت به فضل و دانش معروف و به متانت و حسن افعال موصوف بوده است والدش مرحوم آقاعباس تاجر قفقازیست در قصبه ارچوان نزدیک شهر آستارا متولد شده و پس از گذرانیدن. ایام کودکی در همانجا به تحصیل ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۳۶ ق به لنکران آمده و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرده و نزد مرحومین افتخار العلماء و شیخ عبدالله تحصیل مقدمات نموده و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت و از محضر درس مرحوم آقاشیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقابزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم استفاده نموده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجره به قم و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و خونساری استفاده کامل نموده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و از اول تاسیس مدرسه حجتیه تصدی امور مربوط به مدرسه از تمام جهات از طرف مرحوم آیت‌الله حجت به ایشان محول بوده است.

از آثار اوست مقداری از تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری و تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت در کفایه وفقه و مکاسب اجازاتی هم از آیات عظام گذشته داشته است در ماه ذی‌الحجه ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و در مقبره ابوحسین در بقعه العلماء مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۴۲/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵ –۵۴/ ۲).

آشتیانی، هدایت اللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، شاعر و دانشمند. وی فرزند میرزا حسین آشتیانی و پدر دکتر محمد مصدق و برادرزاده‌ی میرزا حسن مستوفی الممالک اول از رجال بزرگ عصر ناصری، و آشنا به معارف اسلامی بود. بین میرزا هدایت‌اللَّه و پسر عمویش، میرزا یوسف مستوفی الممالک دوم، یا بر اثر فتنه‌انگیزی دیگران یا رقابت، همواره اختلاف بود. امّا هنگامی رنجیدگی میرزا هدایت‌اللَّه به اوج رسید که با همه‌ی کدورت با مستوفی الممالک مجبور شد، بعد از مرگ میرزایوسف، به امر ناصرالدین شاه معاون یا نایب میرزاحسن مستوفی الممالک سوم باشد و دنباله‌رو پسربچه‌ای یازده ساله شود و کارها را او بگرداند و عنوان شغل از آن دیگری باشد، آن هم طفلی نابالغ. وی چندی وزیر لشکر و مدتی هم وزیر دفتر بود و گاهگاهی هم شعر می‌سرود. در تأویل آیات و تحقیق

بطون روایات از دانشوران شمرده می‌شد. میرزا هدایت‌اللّه بر اثر مرض و با فوت کرد. اثر او است: «تحفهٔ الخواص»، در فضائل امیرالمومنین (ع) و اسامی آن حضرت استخراج شده از قرآن.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۰۶۰ -۲۰۵۷ /۳)، الذریعهٔ (۱۶۶ /۲۶)، شرح حال رجال (۴۲۷ -۴۲۲ /۴)، المآثر والآثار (۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۲ -۷۷۱ /۶)، مجمع الفصحا (۱۱۷۱ /۶).

آصفی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسین بن آصفی عالمی کامل و بزرگوار از تلامذه میرزای شیرازی بود. و قبل از ۱۳۱۰ وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آغا سلطان

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پس از ۹۳۸ ق، از زنان فاضل، عابد و نیکوکار. او دختر طهماسب قلی بیگ از بزرگان دولت صفوی بود. آغاسلطان در دربار پادشاهان صفوی بزرگ شد و علوم و فنون اسلامی و ادبیات را از فاضلترین علمای اصفهان فراگرفت. وی در اصفهان آثار و اقدامات ارزشمندی انجام داد که از جمله آنها تعمیر و بنای یک قسمت از مسجد جامع اصفهان و تعمیر و تزیین قسمت دیگری است که صاحب بن عباد بنا نهاده بود. به نوشته تذکرهٔالقبور، آغا سلطان در اصفهان درگذشت و در بقعه علی بن سهل دفن شد.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸ / ۴؛ تذکرهٔالقبور، ۲۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۱۰۱، ۹۲.

آغاز کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و دانشمند. پدرش شاهزاده سیف‌اللّه سردار مفخم، و از طرف مادر نیز به سلاطین صفویه می‌رسید و فرزندزاده‌ی معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب نشاط بود. این رباعی از او است:

گویند بهشت و حور و کوثر باقیست

در روز جزا دوزخ و محشر باقیست

دوزخ چه بود بغض علی و آلش

جنت به محبت پیمبر باقیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۳۲۲/ ۳)، زنان سخنور (۸ -۷ /۱)، مشاهیر زنان (۶).

آغازی شیرازی، سکینه عفت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۳ ش)، از زنان دانشمند و معارف‌پرور شیراز. وی مادر شاعر معاصر دکتر مهدی حمیدی بود. در مورد وی گفته‌اند: «اول کسی که در تأسیس مدرسه‌ی نسوان کوشش کرد و مدرسه‌ی نسبتاً آبرومندی را دایر نمود خانم سکینه‌عفت آغازی بود که در سال ۱۳۳۹ ق به تشویق میرزای رحمت، رییس فرهنگ وقت، دبستانی به نام عفتیه در منزل شخصی تأسیس کرد که در آذرماه ۱۳۰۳ ش دولتی شد و هنوز هم دایر است، و این اولین مدرسه‌ی دخترانه است که دولتی شده».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۸/ ۱).

آقا مجتهد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمّد علی فرزند علّامه جلیل آقا سید صدرالدین عاملی موسوی اصفهانی، از بزرگان و مفاخر علمای شیعه، و از جمله کسانی است که قبل از رسیدن به سنّ بلوغ به درجه اجتهاد نائل شده، و اجتهادش مورد قبول و گواهی مجتهدین بزرگ قرار گرفته است، به طوری که کتاب ۱- البلاغ المبین در احکام صبیان و مجانین او را که در سنّ دوازده سالگی تألیف نموده چون به نظر سیّد حجهٔ الاسلام شفتی رسانید، فوق العاده مورد اعجاب و تحسین قرار گرفته، و سیّد اجتهاد مؤلّف آن را گواهی فرموده، و دختر خود را به حباله نکاح او درآورد.

دیگر از تألیفات صاحب عنوان:

۲- احیاء التقوی، در شرح دروس است که ناتمام مانده ۳- دیوان اشعار فارسی و عربی ۴- العلائم فی شرح المراسم ۵- منظومه‌ای در وقف که در کتاب «معجم رجال الفکر و الادب» به او اشاره شده است.

مادر صاحب عنوان: جان جان خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌باشد که در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون می‌باشد.

صاحب عنوان در ۱۸ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۲۷۴ به سن ۳۵ سالگی در اصفهان وفات یافته، جنازه‌اش را به نجف برده، در آن ارض مقدّس مدفون ساختند. (تولدش: حدود ۱۲۳۹)

از اشعار فارسی اوست:

نقاش خواست نقش دهان ترا کشد

از بس که تنگ بود، بر او عرصه تنگ شد

به استشاره رندان گسسته‌ام تسبیح

بیار خوشه تا کی که استخاره کنم

خرمن حسن ترا روزی که می‌کردند جمع

آفتاب از دامن یک خوشه چین افتاده بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

آقاسی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵ -۱۱۹۸ق)، عالم و شاعر، متخلص به فخری. در چهارده سالگی به عتبات رفت و به خدمت آخوند ملا عبدالصمد عارف همدانی درآمد و در محضر او علوم دینی و طبیعی و ریاضی آموخت. پس از شهادت آخوند همدانی به دست وهابیان در ۱۲۱۶ ق میرزا آقاسی به ایران بازگشت و تربیت فرزندان عباس میرزا بویژه محمد میرزا را بر عهده گرفت. وی سرانجام به وزارت محمدشاه رسید و شاه که او را مرشد و پیشوای طریقت خود می دانست سالها اداره مملکت را به کف بی‌کفایت او سپرد. در عتبات از دنیا رفت و همان جا دفن شد. از آثارش: «سهام عباسیه»، در فقه؛ «شیم فخری»، در زمینه شریعت و طریقت؛ «نگارنامه»، در جغرافیا؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاج میرزا آقاسی بن میرزا سلیم ایروانی از طایفه بیات. وی چون به نام جدش موسوم بود، او را به جهت احترام میرزا آقاسی نامیدند. در سال ۱۱۹۰، ه.ق.برای تحصیل علوم دینی به عتبات رفت و در خدمت ملا عبدالصمد همدانی به تحصیل پرداخت و بعد از شهادت آن استاد به سال ۱۲۱۴ به ایروان برگشت و پس از چندی به تبریز مهاجرت کرد و مورد تفقد نایب‌السلطنه عباس میرزا قرار گرفت و به سمت ملا باشی اولاد وی منصوب گردید. در زمان پادشاهی محمدشاه وی به صدارت عظمی رسید. پس از فوت پادشاه اخیر به سبب مخالفان بسیاری که داشت ناگزیر به حضرت عبدالعظیم پناه برد و سپس به عتبات رفت و در ۱۲۶۵ ه.ق. در کربلا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقهٔ الشعراء (۱۲۹۱ -۱۲۸۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۵ -۲۹۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۲۶ /۱)، الذریعه (۲۶۰ /۱۲، ۸۱۲ /۹)، روضهٔ الصفا (۱۷۱ -۱۶۷ /۱۰)، ریاض العارفین (۲۷۲)، شرح حال رجال (۲۰۹ -۲۰۳ /۲)، طرائق الحقائق (۳۱۷ -۲۹۹ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، المآثر والآثار (۱۵۷)، مجمع الفصحا (۸۲۰ -۸۱۷ /۵)، مکارم الآثار (۱۷۹۱ /۵، ۷۸ -۷۶ /۱)، ناسخ التواریخ، قاجاریه (۲۴۸ -۲۴۱ /۲).

آگه، هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۴ ق)، عالم و شاعر، متخلص به آگه. مشهور به هادی. از احوال او اطلاع چندانی در دست نیست، جز اینکه برخی از تألیفات خود را در هندوستان به پایان برده است. از آثار وی «کفایهٔ المهمات»، به فارسی، در عقاید و اعمال و آداب در یک مقدمه و سی فصل و خاتمه؛ «منهج الصالحین»، که شناخت حقیقت نیت در این کتاب بخوبی آمده است. از اشعار او است:

آگه این نکته کرده‌ام تحقیق

حبّ آل محمد است ایمان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۴/ ۲۳، ۱۰۲/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۹۹/ ۱۲).

آل آقا، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن العلامه الجلیل حاج آقا احمد آل آقا از علماء مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۱۷ ق در تهران متولد شده و در تحت تربیت والد ماجدش پرورش یافته و اولیات و سطوح را در تهران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آیهٔالله میرزا همدانی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر مرحوم آیهٔالله العظمی حایری و پس از رحلت ایشان از آیهٔالله حجت و نیز از موقع ورود آیهٔالله العظمی بروجردی تا اواخر سال ۱۳۷۳ ق از محضر آن زعیم اعظم استفاده نموده تا سال مزبور که مرحوم والدش برحمت حق پیوست بالضروره به تهران عزیمت و به اقامه جماعت در مسجد آقا محمود و خدمات دیگر دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان اصیل و ریشه‌دار ایران و تهرانست زیرا آن جناب از احفاد نابغه بزرگ و علامه سترک وحید علی الاطارق آقای آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره مجدد مذهب و دین در صده دوازدهم هجری بوده چنانچه حقیر در فوائد البهبهانیه گفتم:

قد قام منها علماء الاهل

کآیه الله وحید الفحل

مجدد دین بعون الاکبری

فی مائه الثانیه و العشری

و شرح احوال این بیت عالیه و سلسله جلیله (آل آقا) در کتب تراجم بخصوص در کتاب زندگانی وحید بهبهانی تألیف دانشمند معظم استاد مکرم حجه‌الاسلام حاج شیخ علی دوانی مفصلا و مبسوطا مسطور است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آل طاهر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین آل طاهر خمینی از فضلاء معاصر و علماء خمین است که در سال چند ماهی در قم و چند ماهی در شهرستان خمین به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد وی پس از تولد و خواندن مقدمات و مبادی اولیه در سال ۱۳۶۵ قمری به قم آمده و بعد از خواندن سطوح وسطی و عالی و تکمیل آن در خدمت اساتید و مدرسین حوزه علمیه مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده و بعد از ایشان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری بهره‌مند شده است.

تالیفات و آثار مطبوع ایشان از اینقرار است ۱- رساله الهدایه ۲- رساله در تواریث الزوجین ۳- تقریرات بحث مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی النجفی.

و آثار مخطوط ایشان ۱- فضائل الشیعه یک جلد ۲- شرح فارسی سیوطی ۲ جلد ۳- شرح فارسی کتاب صلوۀ الجمعه اجلد ۴- شرح فارسی صمدیه اجلد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل طبیب، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۹ قمری در شوشتر به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات مسافرت به قم نموده و از محضر آیات قم مرحوم ادیب تهرانی و آیت العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت استفاده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی از محضر آیتین اصفهانی و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرده سپس به واسطه ضعف و کسالت والدش به اهواز آمده و در مسجد آن مرحوم که در خیابان وکیلی واقع است (خیابان کاشانی) تاکنون به امامت و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارد و از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به فضل و دانش می‌باشند و عده‌ای از محصلین اهواز دراسات ایشان استفاده می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل علی شاهرودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی آل علی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین حسینی آل علی شاهرودی طاب ثراه.

داماد بزرگ آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی در بیست و هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۴۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به تحصیلات اولیات و ادبیات و سطوح عالیه پرداخته و پس از آن دروس خارج فقه و اصول و غیره را از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارك علمی از آیات عظام گردیده و خود در نجف و چند سالی در مسجد یکی از محلات

نجف به نـام خوان مخضـر (میـدان میوه فروشـان) اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین می‌نمود و سـفرهای متعـددی هم به عنوان بعثه دینیه آیت‌اللّه العظمی شاهرودی به حج مشرف و رسیدگی به امور حجاج مقلدین آن مرحوم را می‌نمود.

در سال ۱۳۹۵ شمسـی به واسـطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق به ایرانیهای مقیم عراق ناچار به مهاجرت به کویت شـده و تا سال ۱۳۷۰ قمری اقامت و بـه خـدمات دینی و روحی و علمی از اقـامه جمـاعت و تبلیـغ دیـن و بخصـوص نشـر معـارف اهـل‌البیت علیهم‌السلام داشته و خدمات چشمگیری نموده است.

خدمات معظم‌له در کویت

۱- تأسیس مدرسه علمی از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله الوارف.

۲- تدریس در آن و سرپرستی و رسیدگی به امور طلاب آن.

تألیفات و آثار علمی ایشان در کویت

در مدت اقامتشان در کویت در مواقع فراغت تألیفات سودمندی نموده که فهرست آنها را از نظر کاوشگران می‌گذرانم.

۱- الامام المهدی و ظهوره.

۲- الانسان فی مراحل الست که چندین بار به عربی به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و بار دوم به وسیله حجهٔ‌الاسلام آقای نفسی در کراچی ترجمه باردو چاپ شده.

۳- کتاب آداب الحرمین که تا این تاریخ هفت نوبت طبع و منتشر شده است و ترجمه آن به فارسی دو مرتبه و هر بار در تیراژ بیست هزار چاپ و نشر گردیده.

۴- شخصیه المسلم.

۵- الارث فی الجداول- مخطوط و بعضی مخطوطات دیگر.

و نیز از این بزرگوار خدمات دیگری در عراق و نجف اشـرف و برخی از شهرسـتانی ایران (از قبیل کمک به بناء مسجد و حسینیه و خیریه‌های دیگر) شده که شایان تقدیر می‌باشد.

بیمارستان چشم پزشکی پیامبران

اخیرا آنجنـاب موفق شدنـد که در تهران فلکه دوم صـادقیه خیابـان بـاغ فیض- خیابـان پیـامبران- خیابان ابوذر، بیمارسـتانی به خیریه اختصاصـی چشم پزشکی پیامبران به مساحت ۲۷ هزار متر مربع که زیربنـای آن ۲۰۴۰۰ متر مربع و دارای پنـج بلوک که بعضـی در شش طبقه است و در آن عملیات و جراحی‌های چشم در سطح بالا انجام می‌گیرد که در واقع بیمارستان بی‌نظیریست در ایران بلکه در خاورمیانه.

ایشان پس از مدت پانزده سال اقامت در کویت در سال ۱۳۷۰ شمسی برابر ۱۴۱۰ قمری هجرت به قم نموده و به تتمیم طبع مولفات خودشان و رسیدگی بیمارستان مذکور مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل‌احمد طالقانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمـدتقی (آل‌احمد) طالقانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید احمد طالقانی که به امر زعیم اعظم آیت‌اللّه بروجردی رهبری

شیعیان مدینه را به عهده داشتند تولد ایشان در ۱۳۲۵ ق واقع شده و چند سالی در قم تحصیل نموده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیت‌اللَّه اصفهانی و دیگران بهره‌مند شده و بر حسب امریه، مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به مدینه طیبه عزیمت نموده و به خدمات دینی و روحی و ارشاد شیعیان مدینه و راهنمائی حجاج بیت‌اللَّه الحرام اشتغال داشته تا در ۱۴ شعبان ۱۳۷۲ ق وفات و در قبرستان بقیع به خاک رفته است.

(۱۳۷۲ -۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و مرجع شیعیان مدینه. در تهران به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و سطوح اولیه در اوایل تشکیل حوزه علمیه به قم رفت و پس از پایان سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه عراقی استفاده کرد. وی داماد آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی بود. در سال ۱۳۷۰ ق به امر آیت‌اللَّه بروجردی رهبری شیعیان مدینه را عهده‌دار شد و در آنجا به نشر احکام جعفری پرداخت و راهنمای حجاج بیت‌اللَّه الحرام گشت. آل‌احمد بطور ناگهانی در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۳۴۹ -۳۷۸ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶ / ۷).

آلاشتی سوادکوهی، محمدزمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، دانشمند و عالم دینی. در بابل علوم مقدماتی را فراگرفت. پس از آن به تهران آمد و در مدرسه‌ی مهد علیا و عبداللَّه‌خان تحصیل کرد، فقه و اصول را نزد حاج ملا هادی طهرانی مدرس و علوم عقلی را در خدمت آقا علی و میرزا ابوالحسن جلوه و هندسه و حساب را از میرزا حسین سبزواری فراگرفت. سه مرتبه به زیارت مکه معظمه مشرف گشت و مدت یکسال در مدینه اقامت کرد. بعد از آن پنج سال در نجف مجاورت اختیار کرد و ملازم مدرس محقق گیلانی بود. مدتی را نیز در سامراء گذراند. وی در مدت عمر خویش ریاضتهای سختی را متحمل گشت و در تهذیب نفس کوشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۸۳ -۲۸۲).

آل‌شریف اصفهانی، آمنه

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، فاضل، عابد و زاهد. شریف ابوالحسن عاملی اصفهانی، از علمای بزرگ و از شاگردان علامه مجلسی، جد مادری او است. وی مادر شیخ باقر اصفهانی نجفی پدر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» است. جدّه عالی مادری آمنه‌خانم، مادر شریف ابوالحسن عاملی، نیز آمنه است که از سادات بزرگ و خواهر امیرمحمد صالح خاتون‌آبادی، داماد مجلسی، است. لقب «شریف» این خاندان از رهگذر سیادت این آمنه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۱۲ -۲۱۱ /۳).

آل‌طاهر، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال آل‌طاهر فرزند آقا شیخ حسین (نواده مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد) از ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

تولد ایشان در سال ۱۳۰۷ شمسی در خمین واقع شده و تحصیلات مقدماتی خود را در نزد جدش تکمیل و چندین سال از محضر اساتید قم استفاده نموده و سپس در کرمانشاه متوطن گردیده و از محضر درس آقای اسلامی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی که مدتی به امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کرمانشاه اقامت داشتند استفاده نموده فعلا در مسجد اشجاری به امامت و ارشاد خلق مشغول می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل‌طیب شوشتری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و مدرس. در شوشتر متولد شد. پس از تحصیل مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت کرد و از محضر استادانی چون ادیب تهرانی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه حجت بهره برد و سپس به نجف رفت و چند سالی در حوزه درس آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم شیرازی شرکت کرد. آنگاه به اهواز بازگشت و به تدریس و ترویج امور دینی پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجهٔ (۲۱۷ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۲ -۱۴۱ /۳).

آملی مازندرانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۲ ق)، عالم. ملقب به ملاباشی. اهل علم و عرفان و مردی صوفی و درویش بود. در سال ۱۲۸۰ ق برای تحصیل به تهران رفت و علوم معقول و منقول را فراگرفت. سپس به عرفان و تصوف روی آورد و توسط حاج میرزا عبدالکریم ملاباشی تبریزی نزد حاجی استاد غلامرضا شیشه‌گر رفت. بعد از آن به صفی علیشاه ارادت ورزید و در سال ۱۲۹۴ ق که منوّر علیشاه به تهران آمد از وی امضاء دستورالعمل گرفت. از فیض صحبت و برکت و تربیت آنان به درجات عالیه علم و عرفان رسید و با رجال و اعیان تهران آشنایی و معاشرت به هم رسانید، و در خدمت به مردم کوتاهی نکرد و به همین سبب لقب ملاباشی گرفت و به تولیت کتابخانه‌ی

مدرسه‌ی سپهسالار منصوب شد.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طرائق الحقائق (۵۸۹ -۵۸۸ /۳)، مکارم الآثار (۱۶۷۳ /۵).

آملی، شمس‌الدین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۷۵۳ ق)، عالم شیعی. شمس‌الدین از معاصران سلطان محمد خدابنده و از مدرسان مدرسه‌ای بود که سلطان محمد خدابنده در سلطانیه بنا کرده بود. از علمای معقول و منقول بود که با علامه حلی و قاضی عضد ایجی معاصر و مصاحب بود که همواره با قاضی عضد مناظره و مناقشه داشت. تا بعد از سال ۷۵۳ ق زنده بود. آثارش به دو زبان فارسی و عربی بود از جمله: «نفائس الفنون فی عرائس العیون»، که کتاب جامعی است در علوم مختلف ادبی، دینی، عرفان، ریاضی، موسیقی و حکمی و از امهات کتبی است که در شرح موضوعات مختلف نوشته شده است؛ بار اول در ۱۸۹۲ م در بمبئی و پس از آن بارها در تهران چاپ شد؛ شرح «کلیات قانون» ابن‌سینا که در سال ۷۵۳ ق به پایان برد؛ شرح «مختصر الاصول» ابن‌حاجب؛ شرح «کلیات طب» سید شرف‌الدین ایلاقی.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۶۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۷، ۲۷۳، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳)، تاریخ در ایران (۱۱۱ -۱۱۰)، تاریخ مختصر موسیقی (۱۲۷ -۱۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۷، ۲۴۷ /۱)، الذریعه (۲۴۱ /۲۴، ۶۰ /۱۸، ۳۰۲ /۱۶، ۵۶ /۱۴)، ریاض العلماء (۱۳ /۷)، ریحانه (۶۵ -۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ /۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۶، ۷)، فرهنگ نفایس الفنون (پیش گفتار)، کشف الظنون (۱۹۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۰ -۷۸۹ /۵)، مجالس المؤمنین (۲۱۶ -۲۱۳ /۲)، معجم المؤلفین (۷ /۱۲، ۳۱۴ /۱۱، ۶۸ -۶۷ /۹)، نام‌آوران فرهنگ (۵۶۷)، هدیة الاحباب (۱۰۱)، هدیة العارفین (۱۵۹ /۲).

آملی، عزالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم شیعی. شیخ عزالدین معاصر شاه طهماسب صفوی و ملازم تاج‌الدین حسن وزیر مازندرانی و همدرس محقق کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی بود که هر سه از شاگردان علی بن هلال جزائری به شمار می‌رفتند. وی در شهر ساری وفات یافت و در همان جا دفن شد. آثارش: رساله‌ی «حسینیه» با دیباچه و دو باب؛ «بیان اعتقادات قلبیّه و ذکر عبادات شرعیه» به نام تاج‌الدین حسن وزیر؛ ترجمه شرح «نهج‌البلاغه» ابن میثم بحرانی به فارسی به نام آن وزیر؛ «لمعه»؛ در نکاح دائم و متعه.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۷۴، ۲۷۴ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعه (۳۵۳ /۱۸، ۱۳۵ /۱۴، ۲۰ /۷)، ریاض العلماء (۱۹۹ -۱۹۸، ۱۳ /۷، ۳۱۲ /۳)، ریحانه (۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۹ -۱۳۸ /۱۰)، الکنی والالقاب (۸ /۲)، معجم

المؤلفین (۲۸۰ -۲۷۹ /۶)، هدیهٔ الاحباب (۱۰۱).

آملی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۹۲ ش)، عالم و مدرس. مراحل ابتدایی تحصیلات را در شهر خویش و سطوح را در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی) تهران فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات عالیه به قم رفت و نزد آیت‌اللّه حائری، آیت‌اللّه حاج میر سید علی یثربی، حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و حاج سید محمد حجت کوه کمری تلمذ کرد. سپس به نجف رفت و نزد استادانی چون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی فقه و اصول را فراگرفت. سپس به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۸۱ ق به قصد معالجه و دیدار بستگان و دوستان و دعوت جمعی از استادان به قم عزیمت نمود و به تدریس فقه و اصول پرداخت آثار وی: «کشف الحقایق»؛ «المعالم المأثوره»؛ «مجمع الافکار»؛ «منتهی الافکار»؛ «بدایع الافکار فی الاصول».[۱]

فقیه.

تولد: ۱۳۲۲(۱۲۸۲ ق.)، توابع لاریجان آمل.

درگذشت: ۷ اسفند ۱۳۷۱.

آیت‌الله العظمی هاشم آملی پس از طی تحصیلات ابتدایی برای کسب علوم دینی به تهران رفت و مورد توجه آیت‌الله سید حسن مدرس واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالیه را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه، آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آیت‌الله یدالله نظرپاک بوده‌اند.

در همین ایام که حوزه‌ی علمیه‌ی قم با استقرار آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی شکل گرفته بود، ایشان برای تحصیلات عالیه به قم عزیمت کرد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در این دوران علاوه بر حضور در محفل درس آیت‌الله مؤسس، در جلسات درس اساتید دیگر از جمله آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کوه کمره‌ای نیز شرکت کرد.

پس از پنج سال تحصیل و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم با اخذ درجه اجتهاد از آیت‌الله العظمی حائری و آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و در درس آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد.

ایشان توانست در این دوره کلیه‌ی مطالب دروس اساتید خود را تقریر نماید و در مدت کوتاهی با توصیه اساتید خود پس از چندین سال تدریس سطوح عالیه به تدریس خارج پرداخت. همچنین در سال ۱۳۸۱ ق. عازم قم شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت.

از جمله آثار ایشان که به رشته تقریر درآمده و به طبع رسیده به شرح زیر هستند: کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب که تقریر درس بیع و خیارات ایشان است که بعضی از مجلدهای آن به چاپ رسیده است (جلد چهارم به تحریر سید جعفر حسینی طبرسی در نجف در سال ۱۳۸۰ ق. به چاپ رسیده است)، العالم المأثوره در طهارت؛ منتهی الافکار حاوی مباحث الفاظ اصول فقه (به عربی، جلد دوم، نجف، ۱۳۸۰ ق.) همچنین برخی از آثار قلمی ایشان به شرح زیر است، بدایع الافکار فی الاصول یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس آیت‌الله العظمی ضیاءالدین عراقی (به زبان عربی) است. از این دوره مبحث الفاظ به طبع رسیده است. کتاب الرهن؛ کتاب الاجاره؛ کتاب الصوم؛ رسالهٔ النیهٔ؛ رساله الخلل فی الصلاهٔ؛ حاشیه‌ای بر التحصیل بهمنیار که در زمان تلمذ

ایشان نزد استاد نظرپاک تألیف شده است، تعلیقهٔ عروهٔ الوثقی.

آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی به دنبال یک بیماری طولانی در هفتم اسفند ماه ۱۳۷۱ درگذشت.

یکی از مدرسین عالی قدر و علماء بزرگ حوزه علمیه جناب حجه‌الاسلام والمسلین آیت‌الله آقای آقامیرزا هاشم آملی است وی در حدود ۱۳۲۳ قمری در یکی از قراء لاریجان آمل به دنیا آمده و تحصیلات مقدماتی را در آمل از جناب ثقه‌الاسلام آقا شیخ احمد آملی و ثقه‌الاسلام آقا سید تاج فراگرفته سپس به تهران آمده و کتب فلسفه شوارق و منظومه. و اشارات و امور عامه و الهیات اسفار را از استاد این فنون مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یدالله نظرپاک آموخته و سطوح وسطی شرح لمعه و قوانین را از حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین آملی و حاج شیخ محمدعلی لواسانی و میرزا عبدالله غروی آملی و سطوح عالی را از مرحوم حجت‌الاسلام آقای میرزا محمدرضا فقیه لاریجانی و حجت‌الاسلام آقای آقا سید محمد تنکابنی فراگرفته آنگاه عزیمت قم نموده و چند سالی از محضر و ابحاث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت سی سال از محضر وحید عصر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده کافی و وافی نموده تا به درجه اعلاء اجتهاد ارتقاء یافته و ضمنا در همان حوزه مقدسه برای جماعتی از محصلین و فضلاء تدریس فقه و اصول را می‌نمود در مدت بیست سال چهارده دوره اصول و چهارده دوره مکاسب شیخ انصاری را تدریس نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌الله اصفهانی در عهد ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مراجعت نموده و تشکیل حوزه تدریس داده و در مدت دوازده سال دو دوره اصول و خیارات مکاسب را تا آخر و طهاره را از عروه در قم تدریس نموده و اکنون نیز در مسجد اعظم حوزه درس را دارند و عده‌ای از فضلاء شمال و غیره به درسشان حاضر شده و از بیاناتشان استفاده می‌کنند از آثار ایشانست ۱- کتابی در اصول ۲- کتابی در فقه از صلوه، زکاه، قضا، اجاره، غصب، رهن، بیع در پنج مجلد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱، ص ۵۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴ -۵۳ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۵ -۷۴۴ /۶).

آوی، شمس‌الدین، ابویوسف محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۵ ق)، عالم دینی. وی از شاگردان فخرالمحققین فرزند علامه حلی است و از معاصران ابوالفتوح آوی است که همزمان با هم از فخرالمحققین به دریافت اجازه مفتخر شده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۸ /۸).

آیهٔاللهی شیرازی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد بن میرزا محمدرضا آیةاللهی شیرازی از افاضل علماء معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در ۴ ربیع‌الاول ۱۳۰۹ ق در شیراز متولد و از مدرسین بزرگ شیراز و غیره علوم معموله را فراگرفته و به تالیف و تصنیف پرداخته و بعضی از آنها را بطبع رسانیده که از آنهاست.

۱- حرمة حلق اللحیه ۲- زینب بیگم ۳- المنظومة الکسائیه ۴- مروارید غلطان ۵- النجبة فی صلوة الجمعه و از تالیف چاپ نشده ایشان کتب زیر است.

۱- حذف الشعور ۲- کلمة الحق ۳- عصم العفائف ۴- درر الفواید ۵- ایقاظ الهجعة ۶- کشف المقنعه ۷- زندگانی حضرت احمد (شاه‌چراغ).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیت میردامادی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید جعفر، عالم فاضل زاهد ادیب شاعر متخلص به «آیت» در شب جمعه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۰۳ متولد، و نزد علمای اصفهان تحصیل نموده، و در سده‌ی ماربین مولد و موطن خویش مرجع امور شرعیه بوده، و در شب جمعه اول ربیع‌الثانی ۱۳۸۰ وفات یافته، در امامزاده سید محمد مدفون گردید.

وی را تألیفاتی است:

۱ – دیوان اشعار ۲ – رساله صومیه، در مواعظ ماه مبارک رمضان ۳ – رساله در قاعده‌ی علی الید، تقریرات استادش اقا میرزا محمد حسین نائینی ۴ – عشریه؛ و غیره. [شرح حال وی قبلا نیز ذکر شد]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

آیت‌اللّه زاده اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید العلام آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد حسین بن آیت‌اللّه السید علی بروجنی اصفهانی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است وی در سال ۱۳۴۵ ق در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و شرف و دامن والده ماجده‌اش صبیه‌ی آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه سره تربیت یافته و از محضر مرحوم والدش و مرحوم آیه‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۱ شمسی مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و از محضر و ابحاث آیه‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و ضمنا بتدریس متون فقه و اصول و تفسیر و اقامه نماز جماعت در مسجد بازار و اول کوچه‌ی غریبان و چند سالی است که در مسجد ارباب محمدتقی واقع در خیابان دلگشا به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

و معظم له سبط مرحوم زعیم‌الشیعه فی عصره آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خونساری طاب

ثراهما میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آیت‌اللّه زاده شیرازی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، دانشمند. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شریعت شیراز به پایان رساند و علوم دینی را نزد حاج حکیم و شیخ‌احمد دارابی و شیخ محمدعلی موحد حکیم آموخت. سپس به اصفهان رفت و اصول فقه و مقداری حکمت الهی را نزد شیخ میرزا حسن قاضی عسکر و سید صدرالدین کوپائی فراگرفت. «کفایهٔ الاصول» و سطوح فقه را نزد آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی تکمیل کرد و سپس به زراعت پرداخت. از اقدامات او بنیاد پلهای فهلیان و شاپور، تصویب ساخت راه کازرون به اهواز به منظور اتصال شیراز به خرمشهر، تأسیس دانشکده‌ی پزشکی و دانشسرای کشاورزی در شیراز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۵ -۴۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۲ -۶۱ /۱).

آیت‌اللهی شیرازی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، عالم. در شیراز متولد شد. ایام کودکی را تحت تربیت و پرورش پدرش گذراند و بعد از آن به تحصیل پرداخت و متون فقه و اصول را از مرحوم آیهٔ‌اللّه حاج شیخ‌علی ابیوردی و آیهٔ‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فراگرفت. در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت کرد و از محضر آیهٔ‌اللّه حجت و آیهٔ‌اللّه بروجردی و آیهٔ‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیهٔ‌اللّه صدر استفاده نمود، سپس به شیراز رفت و به وظایف دینی، اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام پرداخت. از وی حدود ۱۲ اثر باقی مانده است که از آن جمله: «تقریرات درس آیهٔ‌اللّه حجت»؛ «تقریرات آیهٔ‌اللّه خوانساری»؛ «تقریرات درس آیهٔ‌اللّه بروجردی»؛ «رساله‌ای در اجازه»؛ «رساله‌ای در غصب»؛ «رساله‌ای در شرکت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجهٔ (۱۲۰ -۱۱۹ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۷ -۴۳۶ /۵).

بافقی یزدی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمدحسین بافقی یزدی صاحب کتاب التحفه الحسینیه فی الاحکام الشرعیه که به زبان عربی نوشته و نسخه‌ای از آن به خط

مصنف مورخ ۱۲۸۱ در ۱۹۳ ورق ۹۱ سطری به شماره ۵۹۶ در کتابخانه ملک موجود است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بافقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ اسدالله بافقی برادر مرحوم حاج شیخ محمد تقی عالمی بارع و عابدی ناسک و زاهدی کم نظیر و دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و بعضی وی را از جهاتی از مرحوم برادرش برتر میدانستند.

نگارنده در سفریکه آنمرحوم بمشهد مشرف و بری آمدند او را در منزل مرحوم برادرش زیارت کردم آثار صفا و معنویت از سیمایش هویدا بود در سال ۱۳۶۹ قمری سفری به یزد رفتم و از آنجا برای دیدن آن عالم ربانی ببافق مسافرت نموده و دو هفته‌ای توقف و از محضرش استفاده کردم. و مدت ده شب در حسینیه امامزاده سهل بن علی منبر رفته و انجام وظیفه نمودم. مردم بافق بآنمرحوم علاقه مخصوص و نظر خاصی داشتند و برای وی کراماتی قائل بودند و او را نمیدیدند مگر اینکه دست ویرا بوسیده و چیزی بعنوان تبرک میخواستند و او هم مرتب از جیب خود بمردم پول یا خرما و یا نبات و بادام و غیره میداد و ابدا تمام نمیشد و نمیدانم کیسه و جیب آن بزرگوار بکدام سیلو و انبار و خزینه راه داشت. شبها یا نمی‌خوابید یا بسیار کم میخوابید مسجدی داشت که بآنجا رفته و تا بصبح مناجات و عبادت مینمود. مزرعه‌ای داشت بنام حجتیه که نان و لباس کرباس خود را از آن مزرعه تحصیل مینمود.

از اشیاء نفیسه که نزد ایشان دیدم بادامی بود که بطور طبیعی در روی آن حک شده بود الله محمد علی فاطمه حسن حسین تا آخر ائمه علیهم‌السلام که نوشته بود (مهدی و لشگرش) و نیز انگشتر عقیق یمنی بسیار ظریف و نفیسی که آنرا اهدائی و اعطائی حضرت صدیقه کبری علیهاسلام میدانست و بر روی آن آیات رزق منقوش بود. (و من یتق‌الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایتحسب و من یتوکل علی‌الله فهو حسبه ان‌الله بالغ امره قد جعل‌الله لکل شیء قدرا). میفرمود توسلی بحضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نموده و از حضرتش چیزی خواستم پس روزی در منزلم نشسته بودم که گفتند کسی شما را میخواهد درب منزل رفتم زنی را دیدم در چادر و پوشیه سیاه که اصلا در بافق چنین لباسی معمول نبود گفت این را خانم برای شما داده بسته کوچکی بمن داد و رفت من از او نپرسیدم خانم کیست بسته را باز کردم دیدم این انگشتر است. فورا بخود آمدم که این زن با این لباس و چادر که بود و خانم کیست از عقب او آمد هرچه جستجو کردم اثری از او نیافتم و از هرکس استفسار کردم گفتند چنین زنی با این نشانی ندیدم دانستم این اعطائی از طرف بی‌بی دو جهان شفیعه روز جزا حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیهاست.

دیگر از یادگارهای آن بزرگوار بحقیر دعائی است که میترسم اگر در اینجا یاد نکنم بمیرم و آن مخفی بماند و البته با من تعهد کرد که بنا اهل ندهی و من معتقدم که موفق نمیشود باین دعا مگر خواص از دوستان اهل‌بیت علیهم‌السلام و آن دعا اینست. میفرمود از پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم است این دعا.

دعاء کفن میت

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله. من کتب هذا الدعاء والقی فی کفن المیت او وضع فی یده لایعذب فی قبره والله والله.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. اللهم ان قدومی الیک فاکرمنی فان الضیف اذا نزل بقوم یکرم و انت اولی بالکرامه الهی مادمت حیا عصیتك و انت احسنت علی (الی) فالان انقطع عصیانی فلاتقطع احسانك عنی یا رب اعتقنی من النار بمحمد و آله الاطهار الابرار

الاخیار و صلی‌الله علی محمد و آله الطاهرین.

نگارنده گوید از آن تاریخ تااکنون بیش از چند نفری را که یاد میکنم موفق نشدم این دعاء را باو بدهم.

۱- مرحوم آیه‌الله العظمی حجت ۲- مرحوم آیه‌الله العظمی صدر ۳- مرحوم آیه‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی.

۴- مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین قاضی که یک ماه مانده بفوتش این دعا را از حقیر گرفت و گویا پیش‌بینی مرگ خود را کرده بود.

۵- مرحومه مغفوره صبیه جوانم که مناسب است خوابیکه بعد از فوت آن مرحومه یکی از بستگان بی‌اطلاع دیده بود بنگارم.

۶- آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی.

دیدن صبیه‌ام در خواب و دعاء مذکور

در دهم ماه رجب سال ۱۳۹۱ قمری بود که نگارنده مبتلا ـ بداغ و مرگ ناگهانی صبیه‌ام مرحومه فاطمه رازی که همسر آقا سید حسین تقوی طهرانی از سادات اخوی تهران که جوان متدین و پرهیزکاریست شدم و خدا شاهد است که مرگ او چه ضربه‌ای بر من و بیت من وارد و چه داغی بر دل من و مادرش و کلیه بستگانم گذارد زیرا در میان ۹ فرزندم مزایائی از تقوا و مواظبت بجامعه و توسل و عاشوراء و غیره داشت.

در آن ناراحتی عجیب که خود داشتم و انقلاب مادرش و همسر و تمام فامیل را میدیدم و از همه چی غافل بودم دیدم گویا بمن گفته میشود چرا دعاء را نمینویسی اینجا جای آنست. پس فورا در هنگامیکه مشغول غسل وی بودند، دعاء را نوشته و بخاله صبیه‌ام دادم و گفتم این را در کفن و یا دست راست او بگذار او هم گذارد کسی جز او و یکی دو نفر دیگر اطلاع نداشت و نمیدانستند چیست مدت دو سه ماه از این حادثه گذشت یکی از خویشان و ارحام که هیچ از این جریان خبر نداشت در تهران آنمرحومه را در خواب دید که در باغ بسیار زیبائی است و لباس سفید گل دوزی شده‌ای شبیه لباس سفید عروسهای ایران پوشیده و بی‌اندازه زیباست پرسید از او بگوئید چگونه گذشت و وضع تو چطور است. گفت بسیار خوبم و اینجا منزل من است گفتم جریان خود را بگو گفت وقتی من مردم میدیدم که شما چگونه ناراحتید و گریه میکنید میگفتم اگر برای من است منکه حالم خوب است تا مرا بقم آورده و در مقبره‌ام گذاردند و قبر مرا کندند بمن گفتند باید اینجا بروی گفتم من میترسم گفتند باید بروی گفتم پس چشمم را می‌بندم که نبینم ناگاه متوجه شدم در قبرم هستم وحشت مرا گرفت بمن گفته شد نترس چشمت را باز کن پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم آمده است بیادم آمد نامه‌ئی پدرم برای پیغمبر نوشته و در دستم گذارده‌اند گفتم چشمم را باز کرده و نامه را تقدیم میکنم... و آن نامه همین دعاء مذکور است... خداوند مرحوم حجه‌الاسلام بافقی و برادر بزرگوار مذکورش و ما را با نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش محشور گرداند.

درخت خرما میترسد

از نوادری که در بافق دیده و شنیده‌ام این قضیه است در منزل مرحوم حاج ملا اسدالله درخت خرمای بزرگی بود و فرمود سالها بود که این درخت با این هیکل خرما نمیداد و هرچه او را تلقیح میکردیم (تلقیح خرما گرد مخصوصی از خرمای نر است که بخرمای ماده میزنند تا بار بدهد (اثر نمی‌کرد فرمود با دخترم تبانی کردم که من نردبان گذارده و ریسمانی برداشته با اره میروم که سر درخت خرما را ببرم تو بیا بگو میخواهی چکنی گفتم میخواهم سر این خرمای بی‌ثمر و فایده را ببرم و چوب او را بسوزانم زیرا فقط هیکل بزرگ کرده تو بیا شفاعت کن. پس من از نردبان بالا رفته و ریسمان بر گردن درخت بسته و اره گذاردم که سر درخت را ببرم دخترم آمد گفت بابا چه میکنی گفتم میخواهم سر این درخت بی‌فایده را ببرم گفت بابا امسال او را بمن ببخش اگر خرما نداد سال بعد منهم شما را کمک میکنم در بریدن و من گفتم بخدا قسم که خرما ندهد حتما سر او را بریده و میسوزانم آنرا پس از این تهدید درخت خرما از آن سال مرتب بار آورد و خرمای خوبی داد و مقداری از آن خرما باین نگارنده داد که بری آورم.

پس به آنمرحوم گفتم مگر درخت خرما تهدید را حس میکند و یا ترس دارد و تا اگر سرش را بریدند خشک میشود فرمود آری درخت خرما برزخ میان نباتات و حیوانات است چند خاصیت از خواص حیوانات در اوست:

۱- میترسد چنانچه حیوانات میترسند.

۲- اگر سرش را ببرند دیگر سبز نمیشود مانند حیوانات که اگر سرش را ببرند میمیرد درخت خرما هم میمیرد.

۳- اگر سرش را آب بگیرد خفه میشود مانند حیوانات خشکی که اگر زیر آب بروند غرق شده و میمیرند.

۴- تلقیح لازم دارد یعنی باید گردی از خرمای نر بخرمای ماده بزنند تا ثمر بدهد مانند حیوانات که باید نر با ماده جفت شود تا تولید مثل کند، و در روایات نبوی صلی‌الله علیه و آله هست که فرموده: اوصیکم بعمتکم النخله سفارش میکنم شما را درباره درخت خرما... انتهی.

مرحوم ثقه‌الاسلام بافقی در حدود سال ۱۳۷۵ قمری در بافق وفات نموده و در همانجا مدفون گردید اشعار بسیاری درباره حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف سروده و منبر بسیار شیرین و مؤثری داشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن شاه محمود بافقی از معاصرین شیخ بهائی بوده و در رساله‌ای که از تألیفات اوست نوشته که بنده حقیر جامع این رساله علی بن شاه محمود بافقی در خدمت حضرت عالم کامل فاضل خاتم المجتهدین شیخ بهاءالدین محمد رضوان‌اللَّه علیه نشسته بودم که شخصی را آوردند و او از درد سر شکایت می کرد.

حضرت شیخ به دست خود این دعا مرا نوشت و به او داد.

بسم‌اللَّه الرحمن الرحیم لا اله الا اللَّه آدم صفی اللَّه لا اله الا اللَّه نوح نجی اللَّه لا اله الا اللَّه ابراهیم خلیل اللَّه لا اله الا اللَّه موسی کلیم اللَّه لا اله الا اللَّه عیسی روح اللَّه لا اله الا اللَّه محمد حبیب اللَّه صلی اللَّه علیه و آله لا اله الا اللَّه علی ولی اللَّه اسکن ایها الوجع بحق اللَّه العظیم. سکن له ما فی السموات و الارض و هو السمیع العلیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بجستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد ابراهیم بجستانی خراسانی از علماء متعصب و مجاهد معاصر تهران است که بعلم و تقوا موصوف می‌باشد. وی در سال ۱۳۸۵ شمسی هجری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات، سطوح را نزد آقای آقا شیخ عظیمی خوانده و در درس خارج آیةاللَّه العظمی آقای حاج حسین قمی و آیةاللَّه آقا زاده کفائی و آقای حاج میرزا احمد کفائی فقها و اصولا شرکت کرده و از محضرشان استفاده کافی و وافی برده و

معارف الهی را هم از اسناد الاساتید آیةاللّٰه عالم ربانی مرحوم حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شده تا سال هزار و سیصد و چهل و یک شمسی هجری که اجبارا از مشهد منتقل به تهران و بعد از آن ابتلائات فراوان رحل اقامت باین شهرستان انداخته و در خیابان شهباز جنوبی با منطقی پر شور و حرارت به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته و در مسجد رضوان اقامه جماعت و تنویر افکار می‌نماید. آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم. ۱- توسعه مسجد رضوان ۲- سبائک الذهب ۳- کشکول مخلاه ۴- انموذج اخلاق الرسول و آل.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی از علماء مبرز و مروجین ممتاز معاصر تهران بودند، وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه از محضر آیات عظام تهران و نجف اشرف استفاده نموده و در مسجد فخریه (خیابان امیریه) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در هیئت بنی فاطمه مردم را بمواعظ حسنه و بیانات رشیقه و متقنه‌ی خود مستفیض نموده تا در سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه بن موسی و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهماالسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: بحرالعلوم شهرت و لقب جماعتی از علماء مبرز نجف و تهران و رشت و قزوین و غیره می‌باشد. و اشهر مشاهیر آنان مرحوم آیةاللّٰه العظمی و العلامه الکبری حاج سید مهدی بحر العلوم بروجردی طاب اللّٰه ثراه عم گرام مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی که از متشرفین مسلم بودند و کرارا بشرف لقاء مولای ما حضرت ولی اللّٰه اعظم صاحب الزمان عجل اللّٰه فرجه الشریف مفتخر شده و قضایای آن در دار السلام عراقی و نجم الثاقب و منتهی الامال و کتب دیگر مسطور است.

از دانشمندان دیگری که باین لقب شهرت گرفته‌اند مرحوم علامه سید مهدی بحرالعلوم قزوینی بودند. وی نیز از علماء معاصر گذشته تهران بودند و با مرحوم حاج سید محمد باقر بحرالعلوم مذکور و حجةالاسلام حاج شیخ ابوالفضل خراسانی رحمه‌اللّٰه و عده دیگری از علماء اتقیاء مراوده داشتند دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادری بودند و با مؤمنین از جن رابطه داشتند. بعد از ۱۳۷۰ قمری در تهران از دنیا رفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون شدند.

و دیگر از معروفین باین لقب مرحوم حاج بحرالعلوم رشتی برادر ثقةالاسلام و حاج شریعتمدار رشتی بودند. و آنها از گیلان و سالها مقیم اعتاب عالیات و در اواخر در تهران اقامت و از دنیا رفتند.

و دیگر از معروفین باین هویت آیت‌اللّٰه حاج سید حسن بحرالعلوم رشتی معاصر است که ترجمه‌اش در ضمن علماء رشت خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم کرمانی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد تقی بحرالعلوم کرمانی عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار است در کرمان متولد شده و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و ادبیات بقم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام حوزه و مدرسین بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه رسیده آنگاه برای تبلیغ به بندرشاه آمده و اهالی محترم بندر ویرا علما و عملا و خلقا پسندیده برای اقامت آنجناب اقداماتی نموده از جمله بحضرت آیه‌الله العظمی بروجردی ره نامه نوشته و از حسن عمل و خدمات معظم‌له تقدیر و تقاضای اقامت او را نمودند آیه‌الله مرحوم بایشان امر فرمودند که دعوت مردم را اجابت کنند پس ایشان پذیرفته و اکنون بالغ بر بیست سالست که در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و چون در آن حدود ترکمان که اغلب سنی حنفی و یا شافعی هستند حسن عمل و خدمات و اخلاق حمیده او را دیدند بسیار بایشان گرویده و از مذهب پدرانه خود دست کشیده‌اند.

نگارنده گوید آقای بحرالعلوم از اصدقاء و دوستان نزدیک حقیر است دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و میهمان دوست و رفیق میباشند. از سالیکه به بندرشاه مهاجرت نموده‌اند تاکنون خدمات بزرگی انجام داده و بین برادران تسنن آن حدود و شیعیان التیام داده و دوستی و رفت و آمد برقرار کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرانی، ابوالریاض، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم و شاعر امامی. در مدح امیرالمؤمنین- علیه‌السلام- و سایر معصومین (ع) قصایدی سروده است. از آثار وی: «الاقتباس والتضمین من کتاب اللّٰه المبین فی اثبات عقایدالدین»، منظومه‌ای در اصول پنج‌گانه‌ی دین با ردّ مخالفین؛ «جامع الریاض فی مدح النبی و آله الحفّاظ»، که منظومه‌ای مشتمل بر چهارده روضه به عدد حضرات معصومین (ع)، و برخی از این روضه‌ها دارای اسامی خاص می‌باشند از جمله روضه‌ای که در مدح صاحب‌الزمان (عج) است که «بستان الاخوان» نامیده شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷/۵، ۲۶۷ -۲۶۶ /۲)، ریحانه (۱۱۴/۷).

بحرانی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۳۰۲ ق)، عالم دینی. در برازجان به دنیا آمد. نیاکان وی تا جدش شیخ عبد علی همگی از علمای ممتاز بحرین بودند. یکی از اجدادش به سواحل جنوبی ایران مهاجرت کرد و در آنجا خود و فرزندش خدمات ذیقیمتی به مردم آن سامان کردند، و در تصحیح عقاید اهالی دشتستان مجاهدت بسیار نمودند. شیخ ابوتراب پانزده سال در نجف و نزد علمای بزرگ عصر علم آموخت.

سپس در بوشهر اقامت گزید و به تعلیم و ترویج مذهب پرداخت. رأی صادره‌ی وی در مورد یک دعوای خصوصی محکوم را به خشم آورد تا حدی که با تفنگ خویش شیخ ابوتراب و دختر بچه کوچک او را به قتل رساند، البته پس از رسیدگی معلوم شد که در اصل توطئه‌ای بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۵۴۲ -۵۴۱).

بحرانی، جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۱ /۱۰۸۸ ق)، عالم، محدث، مفسر و شاعر امامی. ساکن شیراز و حیدرآباد هند بود. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود، و از شیخ علی بن سلیمان بحرانی و سید نورالدین عاملی برادر صاحب «مدارک»، روایت نموده است. سید نعمت الله جزایری، در شیراز، نزد وی تلمذ کرده است. سید علی خان، صاحب «السلافهٔ»، نیز از شاگردان او است. شیخ سلیمان بن علی بن ابی‌ظبیه بحرانی نیز از وی روایت کرده است. بحرانی از دوستان نزدیک شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی بود که هر دو در شیراز ساکن بودند. شیخ صالح در شیراز باقی ماند اما، شیخ جعفر به حیدرآباد هند رفت و مقیم شد و در آنجا مرجعیت عام یافت و عهده‌دار امور دینی مردم شد و همان جا درگذشت. وی تصانیفی در تفسیر و حدیث و علوم عربی دارد که از آن جمله کتاب «اللباب» است. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۸ -۱۳۶ /۴)، الذریعه (۱۹۴/۹)، روضات الجنات (۱۸۸ -۱۸۷ /۲)، ریحانه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، الکنی و الالقاب (۹۴ -۹۳ /۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۳).

بحرانی، شمس الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ملاـ شمسی. عالم و فاضل بوده، و جهت تحصیل معاش علاوه بر تحصیل علم، تجارت نیز می‌نموده. از بحرین به ایران آمده، در قمیشه ساکن شده، و هم در آنجا وفات یافته، در امامزاده شاه سید علی اکبر نزدیک قمیشه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌علی بن ابی‌القاسم حسینی. عالم فاضل، و مدرس معروف. در ۱۳۰۴ در اصفهان متولد شده، و پس از تحصیل مقدمات به نجف مهاجرت نموده، خدمت آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی تحصیل نموده، و پس از فوت استاد، حوزه‌ی درس و مباحثه تشکیل داده، و به مصاهرت و دامادی مرحوم آیهٔ الله اصفهانی مفتخر شده، و در ۲۶ محرم سال ۱۳۶۸ وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱ – حاشیه بر وسیله‌ی مرحوم اصفهانی ۲ – رساله در قاعده‌ی لا ضرر و لا ضرار؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد علی سینی حسینی بدری، عالم فاضل زاهد معمر، شاگرد آقا سید محمدباقر درچه‌ای. فوتش در صبح ۳ شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۷۷.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

برازجانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ –۱۲۴۹ ش)، عالم دینی. معروف به مجاهد. در برازجان متولد شد. از روحانیون بنام برازجان و بنادر جنوب بود. در جنگ جهانی اول، بعد از تصرف بوشهر توسط انگلیسی‌ها، علیه آنها فتوای جهاد داد. و رییس علی دلواری به حکم او با انگلیسیها جنگید تا شهید شد. وی پس از پیروزی متفقین مدتی متواری بود. شیخ محمد حسین در اواخر عمر در تهران زیست و در این شهر وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۰/۲)، شرح حال رجال (۲۳۲ –۲۳۱ /۶)، علماء معاصرین (۲۸۹ –۲۸۸).

برقی، ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۸۰ ق)، دانشمند و محدث شیعی. اصلا از مردم کوفه بود. او در یکی از خانواده‌های ایرانی که به برقی معروف بودند به دنیا آمد، زمانی که نیای بزرگ او توسط حجاج بن یوسف ثقفی زندانی شد و به قتل رسید، جدش، خالد، به همراه پدر خود به برقه از روستاهای قم گریخت. شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) می‌داند. وی کاملا ثقه بود اما، از راویان

ضعیف بسیار روایت می‌کرد، و به مراسیل اعتماد داشت. وی به تهمت غالی بودن مدتی از قم تبعید شد. افرادی که برقی از آنها روایت کرده عبارت‌اند از: حضرت عبدالعظیم حسنی، آدم بن اسحاق قمی، حسن بن علی بن فضال، حسن و حسین بن سعید اهوازی، علی بن حکیم و غیره. شاگردان وی عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله اشعری، سهل بن زیاد آدمی رازی، علی بن ابراهیم قمی، علی بن حسن مودب، علی بن حسین سعدآبادی قمی، محمد بن ابی‌القاسم ماجیلویه، داماد وی و غیره. برقی در حدود یک صد کتاب دارد. از تألیفات وی: «المحاسن»، در فقه و آداب شریعت؛ بزرگترین و معروفترین کتاب او، که مجموعه‌ی نفیسی از جمیع علوم و فنون است و بسیاری از علما و دانشمندان به شیوه‌ی آن کتاب نوشته‌اند؛ «کتاب العویص»؛ «کتاب التبصره»؛ «کتاب الرجال». در کتاب «تاریخ قم» در جاهای متعددی به نقل از برقی در مورد تاریخ به وجود آمدن شهر قم توضیحات مفیدی را ذکر کرده است؛ «اختلاف الحدیث»؛ «الانساب»؛ «الادب النفس»؛ «المنافع»؛ «المعیشه»؛ «المکاسب»؛ «مذام الاخلاق»؛ «المکارم الاخلاق»؛ «علل الحدیث»؛ «النجوم»؛ «السماء»؛ «البلدان و المساحهٔ»؛ «النحو»، «الطب»؛ «الجمل»؛ «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/۱)، اعیان الشیعه (۱۰۷ -۱۰۵ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۲۵ -۱۲۲۴ /۹)، الذریعه (۲۵۶/۲ ، ۲۸۲/۱)، رجال الطوسی (۴۱۰ ،۳۹۸)، رجال النجاشی (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، روضات الجنات (۵۴/۱)، ریحانه (۲۵۱ -۲۵۰ /۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۰۵)، الفهرست للطوسی (۴۰ -۳۷)، الکنی و الالقاب (۷۹ -۷۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۱۳۵ - ۱۳۲ /۲)، معجم البلدان (۴۶۴ -۴۶۳ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۷۱ -۲۶۱ ، ۲۳۰ -۲۲۹ /۲)، معجم المؤلفین (۹۸ -۹۷ /۲)، مفاخر اسلام (۳۸۱ -۳۴۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۲ -۳۹۰ /۷).

بروجردی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میر سید علی طباطبائی بن عبدالکریم بن علی بن میر سید محمّد (جدّ مرحوم آیهٔ اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی). عالم فاضل زاهد، از علما و مجتهدین بزرگ و مدّرسین اصفهان، و از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی، و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران بوده، سالها در نجف اشرف در حوزه علمیّه شرکت داشته و از محضر اساتید آنجا بهره‌مند گردیده، و پس از مراجعت به ایران مورد احترام و تجلیل واقع شده است.

در شب ۱۸ ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۴۸ قمری به سنّ قریب به هفتاد سال وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شد، و بعداً جهت او تکیه‌ای عالی بنا کردند که به نام او مشهور است، و جمعی کثیر از علما و شعرا در این تکیه مدفون می‌باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، ابوالحسن عبیدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم و محدث. معروف به قاضی ابوالحسن بروجردی. ساکن بغداد بود و از علمای حدیث زمان بهره‌ها گرفت. از

استادان وی می‌توان عبیدالله بن محمد بن محمد باغندی و حسین بن محمد انصاری و محمد بن عمران دینوری و محمد بن ابراهیم اصفهانی را نام برد. محمد بن جریر طبری نیز از مشایخ او است. در سال ۳۷۱ ق، در بغداد مجلس املای حدیث داشت. عبدالعزیز بن علی ازجی و عبدالملک بن عمر رزاز و ابومنصور محمد بن عیسی همدانی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۴-۲۶ /۲)، تاریخ بغداد (۳۶۱/۱۰).

بروجردی، ابوالمجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا ابوالمجد بروجردی از علماء قم و حوزه علمیه و ائمه جماعت این شهرستانست تولدش در بروجرد واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات هجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و سالهای آخر عمر مرحوم حایری را درک و از محضر پرفیض آن مرحوم استفاده و هم بعد از ایشان به درس آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر و از موقع ورود آیت‌الله بروجردی هم تا آخر عمر آن جناب حاضر درس معظم‌له شده و در پائین شهر قم به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج دین اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید العلماء الاعلام و سند الفضلاء الکرام آقای حاج سید جعفر طباطبائی بروجردی داماد معظم آیت‌الله العظمی بروجردی و خواهرزاده آن جناب در سال ۱۳۳۳ هجری در بروجرد متولد شده والدشان مرحوم آقا فخرالدین که از علماء مورد احترام مردم بروجرد بودند عموزاده بلاواسطه آیت‌الله بروجردی است.

آقای آقا سید جعفر در سال ۱۳۵۱ به منظور ادامه تحصیل به قم مشرف و چند سالی فقه و اصول و ادبیات و حکمت را در محضر مدرسین مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و غیرهم تکمیل و پس از فوت مرحوم حایری در درس خارج مرحوم آیت‌الله خونساری و سایر آیات آن زمان شرکت نموده و بعد از ورود دائی عالیقدر خود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم از محضرشان استفاده نموده و دروس آن مرحوم را نوشته‌اند و تاکنون سطوح عالیه را تدریس می‌کنند.

برادر معظم آن جناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید شمس‌الدین طباطبائی احمدی از علماء متین و مورد احترام حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، صاحب الداری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین میرزا عبدالحسین بروجردی مشهور به صاحب الداری از علماء حوزه علمیه و معاضدین مرحوم آیت‌الله حایری فرزند مرحوم آخوند ملاعلی بروجردیست که در سال ۱۳۰۸ قمری در بروجرد تولید یافته در سلطان‌آباد عراق نزد مرحوم آقا نورالدین و آخوند ملاعلی عراقی درس خوانده و سال ۱۳۴۰ قمری به امر آیت‌الله حایری و استخاره آن مرحوم و آمدن این آیه (واتونی باهلکم اجمعین) پس از دو ماه از توقف آن مرحوم در قم شهریه طلاب اراك را داده و بعد به قم آمده و تا آخر عمر مرحوم حایری متصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفا و امور طلاب و سرپرست کتاب خانه فیضیه بوده و هم از محضر آن جناب استفاده می‌نموده و پس از آمدن مرحوم بروجردی نیز به این سمت بود و هم از ابحاث آن مرحوم استفاده می‌کرد تا در اواخر عمر وی از دنیا رفته است خدایش رحمت کند زیرا حقوقی بر حوزه علمیه و طلاب و محصلین قم دارد از نوشته‌های ایشان است تعلیقه‌ای بر رجال ابی‌محمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، علی اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۶ -۱۲۳۱ ق)، عالم، متکلم امامی و شاعر، متخلص به اصغر و نیر. در بروجرد به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس به نجف رفت و از بزرگانی همچون شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمد حسین، صاحب «فصول»، و سید ابراهیم موسوی، صاحب «ضوابط» و شیخ حسن فقیه، فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء، استفاده کامل برد، و فیض حضور اکثر محدثان و مفسران و حکمای عصر خود را یافت. او شعر می‌سرود و در مثنوی‌اش اصغر تخلص می‌کرد، اما در «دیوان» خود تخلص نیر داشته است. وی آثار سودمندی به جای گذاشت، از جمله: «الافاضات الرضویهٔ»، در نشئات مختلفه، از بدو خلقت تا محشر؛ «البوارق اللامعهٔ»، در خلافت امیرالمؤمنین (ع)؛ «التیمم»؛ «در مکنون»، مثنوی عرفانی؛ «سیف الشیعهٔ»؛ «سیف المجاهدین»، در احکام جهاد و دفاع؛ «شرح منظومه فقهیه»؛ «ضیاء النور»، مثنوی عرفانی عرفانی و اخلاقی؛ «عقائد الشیعهٔ»؛ «اللؤلؤ المنثور»، در بعض خطب امیرالمؤمنین (ع)؛ «لآلی الکلام»، در فروع و احکام؛ «مخزن الاسرار»؛ «معدن الحکمهٔ»؛ «منهج الحق»، در مسائل مختلفه بین الفریقین؛ «مهمات الاصول»، در اصول فقه؛ «نور الانوار»، در احوال حضرت قائم (عج).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۷/۸)، تاریخ بروجرد (۳۵۲ -۳۴۸ /۲)، الذریعه (۱۷۶/۱۹ ،۳۸۶/۱۸، ۶۳/۱۶، ۲۸۴/۱۵، ۱۲۴۱/۹، ۷۳/۵)، ریحانه (۲۵۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی اصغر بروجردی)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۰ /۴). معجم المؤلفین (۳۸/۷)، مکارم الآثار (۹۲۲ -۹۲۱ /۳).

بروجردی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم و مدرس. تحصیلات خود را در بروجرد شروع و برای تکمیل به قم رفت، سپس به تهران آمد و در مدرسه شیخ هادی ساکن و از استادان عصر بهره‌مند شد. آنگاه خود مدرس شد و مستعدان از محضرش استفاده‌ها بردند. از جمله شاگردانش، دهخدا است که مدتی در ادبیات از وی بهره گرفت. از جمله آثار علمی وی تصحیح چند کتاب است. از جمله: «النفلیهٔ» شهید اول، در نوافل، که در ۱۳۰۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ «تذکرهٔ الفقهاء» و «مختلف الشیعهٔ» علامه‌ی حلی که در ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ق در تهران چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۹۴ -۴۹۳ /۲).

بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا مولانا فرزند ملاـ علی‌اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمده و خواندن و نوشتن و مقداری از مقدمات عربی را نزد والدش فراگرفته است، و سپس سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محسن شریعتمداری و مرحوم حجهٔالاسلام میرزا لطف‌اللّه و مرحوم حجهٔالاسلام حاج سیدعبدالحسین خندانی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی محمد خرم‌آبادی و حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد غروی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال تقریبا از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و چند سالی در فصل تابستان از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی بهبهانی و رامهرمزی بهره‌مند شده و از خرمن آنان خوشه‌ها که بلکه دسته‌ها برداشته است.

اما آثار آقای مولانا

۱- تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌البیت از طریق منبر که بسیار جالب و موثر در قلوب شنوندگان است.

۲- درسهائی از توحید که دروسی است که در مدرسه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف در بروجرد برای طلاب القاء شده است.

۳- تعلیقات بر کتاب صراط المستقیم که مقدمه‌ای است بر تفسیر قرآن تألیف آیت‌اللّه سید حسین بروجردی صاحب کتاب نخبه‌المقال که در مصر چاپ شده و از طرف جامع‌الازهر ممنوع الانتشار شد ولی در تهران به وسیله آقای صدرالسادات دزفولی جلد اول آن به طبع و نشر رسید.

۴- تعلیقات بر کتاب یاد شده بر جلد اول و دوم و سوم که در بیروت به طبع رسید.

۵- الخاتم لوصی الخاتم تحقیق و تفسیر آیه الولایه که در بیروت به طبع رسیده است.

۶- تذییل و تخریج الطالب فی شرح المکاسب تألیف آیت‌اللّه اردکانی که در بیروت چاپ شده است.

۷- تاریخ بروجرد از نظر جغرافیا و حکام و حوادث جلد اول در قم چاپ شد.

۸- تاریخ بروجرد جلد دوم- دانشمندان از قرن چهارم تا چهاردهم که در قم چاپ شده است.

۹- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات‌الانوار تألیف میرحامد حسین هندی که ده جلد آن در قم به طبع رسیده است.

آثار مخطوط که در آستانه طبع می‌باشد

۱- جلد سوم تاریخ بروجرد دانشمندان و شاعران

۲- تعلیقات بر کتاب بحرانی که جلد اول در بیروت در آستانه طبع است.

۳- تنظیم و تخریج تقریرات مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی در کفایه‌الاصول که در قم آماده طبع است.

۴- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن الکریم فی بحر الهرج المسدس المحذوف .

۵- المنظومه العربیه فی فقه اللمعه الدمشقیه

۶- فهرس الاسماء و الالقاب والکنی

۷- المواعظ و الخطب بالفارسیه چندین جلد

۸- کشکول

۹- دائر المعارف باللغه العربیه در مجلدات بسیاری.

۱۰- الاوائل بنهج جدید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

بروجردی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، عالم. نسبتش به رفیع الدین محمد، صاحب «ابواب الجنان» می‌رسد. ملامحسن در بروجرد متولد شد و پس از تحصیل معارف اولیه نزد پدر، برای تکمیل به حوزه‌ی درس سید جعفر کشفی، سید حسین بروجردی صاحب «نخبهٔ المقال»، حاج ملا اسداللّٰه حجت الاسلام و سید شفیع جاپلقی رفت. از آثار او است: «مجمع المطالب و منتهی المآرب»، در تفسیر دو سوره‌ی حمد و توحید. طایفه‌ی محسنی در بروجرد اکنون از نوادگان ایشان به شمار می‌روند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۶۳ /۲)، الذریعه (۴۴ /۲۰)، المآثر والآثار (۱۶۰).

بروجردی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حاج میر سید علی طباطبائی بروجردی، عالم فاضل محقّق، از شاگردان پدر خود و مرحوم حاج سید مهدی نحوی و دیگران بوده، و به عزّت و احترام می‌زیسته، در ۲۲ رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در داخل بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آیت‌الله‌زاده معظم آقای آقا سیدمحمد حسن بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج آقا حسین البروجردی طباطبائی از علماء حوزه فرزند برومند زعیم اعظم است که ترجمه وی را در دو کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی آقای دوانی و آقای علوی ذکر کرده‌اند خلاصه آن این است که وی در سال ۱۳۴۶ ق در شهرستان بروجرد متولد شده و در تحت تربیت و مراقبت آن پدر بزرگوار تربیت یافته و به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و از درس و بحث والد خود بهره‌های کافی برده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد اعظم که جای چندین جماعت است منحصرا به امامت اشتغال دارد و نیز تدریس هم می‌نمایند تکمیل مسجد اعظم هم در عهد تولیت و سرپرستی ایشان به کمک مردم و بعضی از مبادی عالیه گردیده و هنوز هم کاشیکاریهای قسمتی از آن باقیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل و فاضل نبیل مروج الاثار و معظم شعایر الله آقای حاج شیخ هادی بروجردی از فضلاء و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله خونساری و بعد از ایشان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی است ولادتش در بروجرد واقع و پس از دیدن قسمتی از مقدمات و سطوح به قم مهاجرت و تکمیل سطوح نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و پس از آن مرحوم از آیات مذکوره استفاده نموده و در مسجد چهارمندان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و هم تدریس اشتغال دارد. مورد توجه مردم آن ناحیه و کلیه مراجع و زعماء حوزه علمیه است در تعظیم شعایر مذهبی و اقامه عزا در وفیات ائمه علیهم‌السلام و گرفتن جشن در موالیدشان بسیار ساعی و کوشامی‌باشد نصب پرچمهای الوان در اعیاد مذهبی و پرچمهای سیاه در ایام وفیات در خیابانهای ارم و چهارمندان و سایر نقاط شهر قم از آثار ایشانست ادام الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجنی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمد باقر. عالم فاضل، محقق جلیل.

در حدود ۱۲۶۵ متولد، و در اصفهان و نجف تحصیل نموده، از مجتهدین بارع، و محققین کامل بوده.

کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است:

۱ - بحرالجواهر، در شرح جواهرالکلام ۲ - تبصرهٔ المتهجدین، در سال ۱۳۲۳ در اصفهان به چاپ رسیده، و فهرست تألیفات مأخوذ

از آنجاست ۳ - تفسیر قرآن، در چندین مجلد ۴ - رساله در آداب و اعمال شب، از واجبات و مستحب، به پیوست کتاب تبصره به چاپ رسیده است ۵ - شرح ریاض ۶ - شرح بر کتاب نکاح؛ و غیره.

صاحب عنوان سال‌های در اصفهان در مدرسه‌ی الماسیه ساکن و به تدریس فقه و اصول مشغول بوده، و ظاهرا در اواخر عمر به موطن خویش مراجعت نموده، و حدود سال ۱۳۳۰ در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابوالقاسم حسینی. عالم فاضل، از شاگردان: حاج شیخ محمد باقر نجفی، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی و جمعی دیگر از علمای اصفهان بوده، و در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۸ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک در یکی از حجرات مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

برهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمّد برهانی یکی از دامادهای گرامی مرحوم آیه‌الله حاج سید محمّد مهری (رحمه‌الله) از علماء فاضل و محقق معاصر آبادانست.

وی در یک خانواده اصیل متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بنجف اشرف مشرف شده و دروس مقدماتی را در مدرسه (بزرگ آخوند) بپایان رسانید و دروس عالی مذهبی را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی آیه‌الله العظمی آقای خوئی مدظله کسب فیض نموده است. و پس از پایان تحصیلات و بازگشت بایران در مدارس علمیه تهران بتدریس و تعلیم پرداخته و سپس بقم رفته و از طرف آیه‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله به مأموریت مذهبی عازم شهرهای مختلف جنوب شده و در آبادان اقامت نموده و تاکنون بخدمت دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

دارای آثار خیر و تألیفات سودمندی میباشد که بآنها اشاره میشود.

۱- مسجد برهانی.

۲- کتابخانه عمومی امام صادق علیه‌السلام که دارای چهار هزار جلد کتابهای ارزنده میباشد.

۳- کتابخانه شخصی که بیش از دو هزار جلد کتاب نفیس دارند که مورد استفاده فضلا و دانشمندان است.

۴- دانش در اسلام ۷ مجلد که جلد اول آن منتشر شده است و جلد دوم انشاءالله منتشر خواهد شد.

۵- حقوق اجتماعی بشر و معارف سجادیه که علوم مندرج در صحیفه سجادیه‌ی را تشریح و تفسیر نموده است.

۶- تفسیر الرسول که از بهترین تألیفات معظم‌له است.

۷- التفسیر عند الشیعه که حاوی بیوگرافی مفسرین شیعه است.

۸- مسانید الرسول که احکام و اخلاق و علوم مستند از حضرت رسول صلی‌الله علیه وآله را جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بسطامی، جلال‌الدین، ابومحمد عبدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۵۲ ق)، عالم دینی. از علمای سده‌ی پنجم هجری است. از آثارش: «الاحسان فی فضیلهٔ اعلام شعب الایمان»؛ «الاعلام فی رؤیهٔ النبی (ص) فی المنام»؛ «التبصیر» یا «تبصیر البسطامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۳۴۰، ۱۲۷، ۱۶)، معجم المؤلفین (۱۳۰/۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۲/۱).

بطحائی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بطحائی در یکی از مضافات گلپایگان متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه و ادبیات و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و پس از تکمیل آن به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت ابوالزوجه‌اش مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی به تهران منتقل و در مسجد خیابان بی‌سیم نجف‌آباد به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده مطبوع و غیره می‌باشد و از آنهائی که چاپ شده و نگارنده دیده‌ام کتب زیر است:

۱- مناظره در حرمین شریفین با دانشمندان اهل سنت

۲- آداب الحرمین

۳- تقریرات در اساتید قم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بکائی جزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۸۰ و متوفی ۱۳۴۷ هجری قمری طلبه مدرسه صدر و به اتفاق حیدرعلی خان برومند از شاگردان مرحوم آقا میرزا علی نجف‌آبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، مرحوم حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیت‌اللّه آقا نجفی بوده است. در ابتدای شروع

تحصیل در گز مدتی از شاگردان مرحوم آقا سیّد ابوتراب الحسینی معروف به آقا معلم جد پدری اینجانب بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بلیانی کازرونی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، عالم، نویسنده و شاعر، متخلص به قاسمی. او از شاگردان شیخ بهایی و افضل‌الدین ترکه بود. به قزوین و تبریز و کاشان و فارس و عراق سفر کرد. آثار وی «سلم السماوات»، در حکمت و احوال حکما و شعرا و دانشمندان که مشتمل بر هفت مرقوم است؛ «خطاب الغائبین»، به عربی. «دیوان» اشعار که نسخه ناتمامی از آن به شماره (۵۱۶) در کتابخانه‌ی آستان قدس است که تحریر قرن یازدهم و شامل ششصد و پنجاه بیت از انواع شعرست، و جزو کتب وقفی ابن‌خاتون در سال ۱۰۶۷ ق هجری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۳/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۹۲/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۶۰ -۶۵۳ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۱۳)، الذریعه (۲۲۱/۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۴۵/۱).

بنابی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۰ ق)، عالم دینی. اصل او از بناب در دو فرسنگی مراغه است. وی شاگرد علامه عارف ملا عبدالصمد همدانی، شهید به دست وهابیان، بود. در مراغه عهده‌دار مرجعیت عام مردم و سرپرست موقوفات بسیار بود. در همان جا از دنیا رفت و در مقبره‌ی قبر آقا دفن شد. به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی وی دارای تصانیف بسیاری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۵/۱۳).

بنی‌هاشمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید آقا بزرگ بنی‌هاشمی کرد کوهی عالمی ادیب و خدمتگزار و متنفذ و میهمان دوست بود و در کرد کوه و بندر گز و آن حدود نفوذی کامل داشت و در ایام محرم و ماه رمضان که مبلغین و محصلین از حوزه‌های قم و مشهد و نجف برای تبلیغ احکام بوی وارد میشدند با گرمی از آنان پذیرائی کرده و هر کدام را بمحل و قریه‌ای اعزام و توصیه مینمود.

دارای طبعی روان بود و اشعاری داشت که قسمتی از آن نزد فرزند فاضل و دانشمندش آقای بنی‌هاشمی در کرد کوه محفوظ مانده

است یکی از آن تضمین اشعار نصاب‌الصبیان در مدح و ولایت علی علیه‌السلام است که وقتی برای مرحوم آیه‌الله العظمی قمی- ره- خواندند بسیار گریسته و فرمودند گویا این نصاب برای این تضمین سروده شده است و چون آن مفصل است نگارنده بعضی از آنرا می‌نگارم:

صبا زد به اهل محبت صلا

رسیدی چو در بحر قالوا بلی

پس از محکمین حصن الا ولا

به بحر تقارب تقرب نما

بدین وضع میزان طبع آزمای

چنین بلبل عشق شد نغمه خوان

که گر سدره خواهی کنی آشیان

علی را ولی الهی بدان

خرد گفت کی رهرو لامکان

چه گفتی بگو ای مه دل ربا

علی قائل لن ترانی بود

علی عین سبع المثانی بود

علی مفنی دار فانی بود

بهر جا که حق را نشانی بود

دلیلست و هادی تو گو رهنما

سرانجام فضلش نباشد پدید

بمعراج چون شد رسول مجید

هزاران قطار اندر آن ره رسید

پیمبر بهر سو نظر کرد دید

بعیر اشتر است و جرس چه درای

حرم بود بت خانه‌ی اشقیا

زیمن قدومش شدی با صفا

قدم زد چه بر شانه‌ی مصطفی

بسائید بر جای دست خدا

فخذ ران عقب پاشنه رجل پای

مرحوم آقا بزرگ بنی‌هاشمی در حدود ۱۳۸۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل بمشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیه والثناء مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بوشهری، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۵۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در بوشهر به دنیا آمد. وی در نجف خدمت علمای بزرگواری همچون شیخ انصاری و علامه کوه‌کمری تحصیل کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از ایشان نایل آمد. وی در راه بازگشت به بوشهر از دنیا رفت. جنازه‌اش به نجف حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: منظومه‌ای در اصول فقه به نام «زهرهٔ ارض الغری» است.[۱]

وی شیخ عبدالله بن حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه و دانشمندی نبیه و دارای منظومه‌ای در اصول فقه بوده و نام او را (زهره ارض الغری) گذارده بود تحصیلاتش در نجف خدمت علماء بزرگوار آن مانند شیخنا الانصاری و علامه کوهکمری و غیره بوده و پیش از رسیدن ببوشهر در سال ۱۲۹۲ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۷۲/۱۲)، طبقات الاعلام الشیعه (قرن ۷۷۵ -۷۷۴ /۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۹، ۲۳۸ -۲۳۷ /۳).

بهاء الدین محمّد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاء الدین محمّد ملقّب به صدر الشریعه، عالم و فاضل، ادیب و شاعر، از رؤسای ملّت دین. در اصفهان خدمت حاج سید اسداللّه بید آبادی و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی، و در طهران خدمت سید محمّد صادق سنگلجی، سپس مدّتی در خراسان در خدمت علمای آن سامان تحصیل نموده، و از عدّه‌ای از مجتهدین اجازه یافته، در اواخر عمر در طهران ساکن شده، در حدود سال ۱۳۱۶ در طهران وفات یافته، جنازه حمل به نجف شده، در مدرسه صدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- دیوان اشعار فارسی و عربی ۲- فوائد البهائیّه، مطبوع؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بهاء ولد، بهاءالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۸ ق)، واعظ، صوفی و عارف. مشهور به سلطان العلماء. وی پدر مولانا جلال‌الدین بود و نسبش به ابوبکر خلیفه می‌رسید و مادرش از خاندان خوارزمشاهی بود و از تربیت یافتگان شیخ نجم‌الدین کبری. مدتی در خوارزم می‌زیست و به واسطه اختلافی که با سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرد در سال ۶۱۰ ق از بلخ به آسیای صغیر هجرت کرد. در طول سفر در نیشابور با فریدالدین عطار دیدار کرد و در بغداد نیز چند منبر رفت و بعد از زیارت خانه خدا مدتی در شهرهای لارنده و ملطیه مسکن گزید و بالاخره به دعوت سلطان سلجوقی به سال ۶۱۷ ق به قونیه رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و همان جا درگذشت. وی از واعظان و منبریان

مشهور زمان خود بود. یگانه اثر بازمانده از وی کتاب «معارف بهاء ولد» است که به همت استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۷/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۲ -۱۰۱۹ /۲)، تاریخ گزیده (۶۶۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۱)، تذکرةالشعراء (۲۱۴)، جستجو در تصوف (۲۸۳ -۲۷۷)، دایرةالمعارف فارسی (۴۷۵/۱)،، الذریعه (۱۸۷/۲۱)، فیه مافیه (۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/بهاءالدین ولد)، معجم‌المؤلفین (۲۳۳/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۵/۵)، مناقب العارفین (۵۵ -۷)، نفحات‌الانس (۴۶۰ -۴۵۹)، هدیةالعارفین (۱۱۰/۲).

بهاری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بهاری که از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در قم متولد شده و در کودکی با مرحوم والدش به تهران آمده و در آنجا نشو و نما و پرورش یافته و پس از تحصیلات جدیده بتحصیل علوم دین پرداخته و اولیات را نزد مرحوم والدش و مدرسین دیگر تهران خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی نزد مدرسین عالی حوزه خوانده و از درس خارج آیةاللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات ثلاثه آقای شریعتمداری و آقای مرعشی نجفی و آیةاللّه گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها و توشه‌ها ذخیره کرده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران منتقل و بجای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد و حقا برای مرحوم والدش (ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بهاری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العلامه المتتبع آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بهاری همدانی از علماء و ائمه جماعت معاصر همدانست.

وی در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مبانی علمی را در همدان و غیره خوانده و اکنون در مسجد جامعه همدان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند ادام‌اللّه توفیقه و عزه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـای آقـا شـیخ محمـد حسـین بهجتی اردکانی از افاضل برجسـته و علماء شایسـته حوزه‌ی قم است که سالها از محضـر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات اسـتفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.

(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضـر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه بروجردی و سـایر آیـات اسـتفاده کامـل کرد و به مـدارج عالیه علمی رسـید. وی دارای طبع شـعر بود و قصـیده‌ی مخمسـی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷/ ۳).

بهشتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بهشتی بروجردی. تولد ایشان در بروجرد واقع شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عـالی را از مدرسـین و اساتیـد حوزه علمیه به پایـان رسانیـده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضـر و اسـتفاده نموده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی حسب‌الامر آقای گلپایگانی به شاه‌آباد مهاجرت و تااکنون اشتغال به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم دارند.

و در شاه آباد منشأ خدمات اجتماعی و آثاری گردیده‌اند که از جمله تأسیس کتابخانه‌ای برای جوانان که ضمن آن کتابهای مذهبی به قیمت مناسب در دسترس جوانان قرار می‌گیرد و دیگر با همکاری جمعی از متدینین اقدام به تأسیس درمانگاه مهدیه نموده‌اند که برای فقرا و مستمندان بسیار مفید و مؤثر است.

برادر ارجمندشان جناب حجهْالاسـلام حاج سـید عبدالحسـین بهشتی نیز از فضلاء محترم حوزه علمیه قم به شمار می‌روند که سالیان دراز اسـت از زادگـاه خـود هجرت و در دارالعلـم قـم رحـل اقـامت افکنــده و از محاضــر آیـات عظـام آقـای بروجردی و آیـت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و غیرهم استفاده نموده و تا هم‌اکنون از شرکاء درس آیتین علمین مذکورین می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهشتی، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالباقی میر محمدرضا حسینی.

عالم و زاهد و فاضل بوده، در محله‌ی لنبان مرجع امور دینی بوده، و در مسجد لنبان امامت می‌نموده.

در سلخ ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در قسمت شمالی مسجد مصلی در تخت فولاد مدفون شده.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بیدآبادی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج فاضل بیدآبادی، عالم فاضل، از مخصوصین حاج میرزا عبدالحسین مسجد شاهی، و پس از فوت ایشان به آخوند فشارکی پیوست. در مدرسه میرزا مهدی در محله بیدآباد امامت می‌فرمود؛ از مریدان و تربیت یافتگان حاج محمد جواد بیدآبادی. در ۸ ذی قعده ۱۳۶۰ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی از علماء کاملین و ادباء و شعراء و فضلاء و علماء اخیار معروف بحاج آقا با پدر خود مرحوم حاج سید اسدالله حجه‌الاسلام از اصفهان بنجف مهاجرت نموده و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده و پس از فوت عم بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مراجعت نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص اهالی بیدآباد قرار گرفته و منشاء خدماتی شایان در مسجد سید شده است که از آنجمله:

۱- تهیه ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سید حجه‌الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲ و دیگر تهیه ساعت که در قسمت قبلی مسجد نصب گردیده است در نقباء البشر. گوید: در جریانات مشروطیت ایران بنجف مراجعت نموده و در سال ۱۳۷۳ مجددا باصرار مردم باصفهان معاودت کرده و مورد احترام و اکرام قرار گرفته و پس از شش ماه در سوم ماه رمضان همانسال وفات یافته و در مقبره جد خویش مدفون گردیده است. از اشعار اوست که بجد خویش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب کرده و گوید:

یابن عم النبی ای معال

لک فی ارفع المدائح تذکر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بیدآبادی، محمّد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به آقا محمد عماد الاسلام، فرزند حاج سید جعفر.

عالم فاضل، و شاعر ادیب کامل متخلّص به «فخر» در حدود سال ۱۲۰۸ متولّد شده، و در سال ۱۳۴۰ در شیراز وفات یافته، در مقبره حضرت شاه چراغ علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فصول العلیّهٔ، در آداب نماز شب، مطبوع ۲- هدایهٔ السالکین، در احادیث اربعین، غیر مطبوع. نسخه آن در نزد نگارنده موجود است و در ۱۳۱۶ تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی و آخوند گزی و جمعی دیگر بوده، و امام مسجد علی قلی آقا و مسجد سیّد متوفّی در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹، و مدفون در بقعه مسجد سیّد.

مرحوم نیّر در تاریخ وفاتش گوید:

ارخ النیّر للعام و شهرٍ و الیوم

تنقص العشرهٔ من (شهر ربیع الثانی)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محمّد علی بن حاج سید محمّد باقر حجهٔ الاسلام بیدآبادی، از علما و فضلا بوده، و در مسجد سیّد امامت داشته، در ۱۲ شوال سال ۱۳۲۶ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، مؤمن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل کامل، پس از حاج سید اسداللّٰه اعلم و افقه اولاد سیّد بوده. وی بعد از فوت برادر، ریاست و عنوان کلّی یافته و در مسجد سید امامت داشته، و چون مادرش کنیز بوده، قدری سیاه چرده بوده است. در ۶ رمضان سال ۱۲۹۴ وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا بهاء الدین عاملی در مادّه تاریخ وفاتش ضمن قطعه‌ای گوید:

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان

آن سیّدی که مؤمن آل رسول بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی (متوفّی در سال ۱۲۸۱) عالم فاضل محقّق مجتهد، جامع معقول و منقول، و از مدّرسین فقه و اصول در اصفهان بوده، در ۱۲۵۰ متولّد، و در روز جمعه دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ در اصفهان وفات یافته، در یکی از اطاقهای تکیه مزبور مدفون شد. مشارالیه رفیق و هم درس حاج میرزا حسین نوری بوده است، و در حدود سی مجلد کتاب و رساله و حاشیه نوشته که از آن جمله است:

۱- رساله در تعیین ثقل اکبر، در افضلیّت عترت بر قرآن [هدایهٔ المومنین]، و آن را در ردّ بر [رساله تبصره الاخوان] آخوند ملّا اسمعیل خواجوئی نوشته است ۲- رساله در خراج و مقاسمه ۳- رساله در خمس ۴- رسائلی در مباحث مختلفه فقه و اصول ۵- حاشیه بر خاتمه مستدرک تالیف حاج میرزا حسین نوری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیرجندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۷۰ ق)، عالم دینی. پس از شهادت پدرش سید غلامرضا بیرجندی به دست بابیان، در سن کمتر از سی سالگی، به جای پدر نشست و رهبری‌اش عمومیت یافت و مردم به گردش جمع شدند. لیکن چهل روز بیش نشد که بابیان او را نیز به نیرنگ زهر دادند و شهید ساختند. وی در کنار پدر به خاک رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۴۸۲).

پادشاه خاتون

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۶۹۴ ق، ملقب به صفوهٔ‌الدین و مشهور به لاله خاتون از زنان عالم، فاضل، شاعر و فرمانروا. پدرش سلطان قطب‌الدین محمد (۶۵۵ ق) حاکم کرمان و مادرش عصمت‌الدین قتلغ ترکان معروف به ترکان خاتون بود. او فضایل و کمالات فراوان داشت. ناصرالدین منشی کرمانی در سمط العلی للحضرهٔ العلیا- که بیست سال پس از مرگ پادشاه خاتون تألیف کرده- وی را زنی «عادله عاقله فاضله

کریمه متفضله بلند نهمت والاهمت خوب صورت با طهارت و عفت» توصیف می‌کند. پدرش لباس مردانه بر تن او می‌کرد و وی را سلطان حسن شاه می‌نامید. درباره علت این کار گفته شده که چون پادشاهان مغول عادت داشتند دختران زیبا را از گوشه و کنار جمع نموده و به دربار خود می‌آوردند و پس از چندی آنها را به امرا و غلامان خویش می‌بخشیدند، از اینرو به این حیله دست یازید. اما پس از آنکه سلطان قطب‌الدین درگذشت ترکان خاتون به نیابت از طرف فرزند خردسالش حکومت کرد و برای تثبیت قدرت خود، دخترش را به ازدواج اباقاخان (۶۸۰ –۶۶۳ ق) درآورد. پادشاه خاتون پانزده سال با اباقاخان زندگی کرد و پس از مرگ او، با پسرش گیخاتو- بنابر رسم مغولی- ازدواج کرد و به همراه او رهسپار روم گردید. بعد از مرگ ارغون خان (۶۹۰ –۶۸۳ ق)، گیخاتو پادشاه شد و لذا به ایران آمد و با اجازه همسرش حکومت کرمان را در دست گرفت تا بدین وسیله انتقام مادرش را از برادرش سیورغتمش بگیرد. پس از ورود به کرمان، برادر را به زندان افکند اما پس از چندی همسرش کرد و چین و دخترش شاه عالم او را نجات دادند.

سیورغتمش به عنوان عرض حال به دربار گیخاتو رفت ولی پادشاه خاتون مأمورانی در طلب وی فرستاد و او را به کرمان آوردند و سپس به فرمان پادشاه خاتون به قتل رسید (۶۹۲ ق). دو سال بعد گیخاتو درگذشت و بایدو، داماد سیورغتمش و همسر شاه عالم جانشین او شد. کردوچین برای گرفتن انتقام همسرش، حکومت کرمان را از دامادش گرفت و بدانسو رهسپار شد. پادشاه خاتون با بزرگان شهر مشورت کرد. برخی نظر دادند که وی و همراهانش راه خراسان پیش گرفته و به غازان خان پناه آورند ولی برخی دیگر او را به ماندن در کرمان و تحصن در قلعه توصیه کردند. چند روز بعد لشکر کردوچین به حومه‌ی کرمان رسید. چند روزی به جنگ و جدال گذشت ولی اکثر امرا و بزرگان به نزد کردوچین رفتند. کردوچین به شهر وارد شد. به دستور او پادشاه خاتون را با اهانت و خواری از قلعه فرود آوردند. و زندانی کردند و اموال وی و امرا و اعیانی که دستگیر شده بودند به غارت رفت. پس به اشاره کردوچین پادشاه خاتون را به قتل رساندند. او را در دهی به نام مسکین، در نزدیک کرمان دفن کردند. پس از آنکه سلطان مظفرالدین محمدشاه به حکومت کرمان رسید دستور داد تا جنازه او را با تشریفات تمام به شهر آوردند و عزاداری رسمی برپا شد و در مدرسه مادرش ترکان خاتون دفن کردند.

پادشاه خاتون به علما و ادبا توجه خاص داشت. به نوشته تاریخ کرمان «در زمان سلطنت او به کرمان، علما و فضلا را رعایت و احترام می‌فرمود و غالب اوقات در مجلس او صحبت علمی داشته می‌شد.» وی خط نسخ را به زیبایی تمام می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌گفت. وی قرآن‌ها و کتابهای متعددی به خط خودش نوشت که پس از خودش در کرمان و دیگر ولایات موجود بوده و به گفته ناصرالدین منشی «بر فضل و هنروری و وفور کمال و دانشوری او دلیلی واضح است.»

در مدت کوتاه سلطنتش به عدل و داد رفتار کرد و مدارس و عمارات متعددی بنا کرد و اوقافی برای آنها منظور نمود. از اشعار اوست:

من آن زنم که همه کار من نکوکاری است
به زیر مقنعه من بسی کله‌داری است
درون پرده عصمت که تکیه‌گاه من است
مسافران صبا را گذر به دشواری است
نه هر زنی به دو گز مقنعه است کدبانو
نه هر سری به کلاهی سزای سرداری است
به هر که مقنعه‌ای بخشم از سرم گوید
همه جای مقنعه تاج هزار دیناری است

من آن شهم ز نژاد شهان الغ سلطان

ز ما برند اگر در جهان جهانداری است

جمال طلعت خود را دریغ می‌دارم

زآفتاب که آن شهر کو؟؟؟؟؟ است

همیشه باد سر زن به زیر مقنعه‌ای

که تار و پود وی از عصمت و نکوکاری است

از رباعیات اوست:

سیبی که ز دست تو نهانی رسدم

زو بوی حیات جاودانی رسدم

چون نار دلم بخندد از شادی آن

کز دست و کف تو دوستگانی رسدم

بر لعل که دید هرگز از مشک رقم

یا غالیه بر نوش کجا کردستم

جانا اثر خال سیه بر لب تو

تاریکی و آب زندگانی است بهم[۱]

(وف ۶۹۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به لاله خاتون. ملقب به صفوةالدین. از مغولان ساکن کرمان بود. پدرش حاکم کرمان و مادرش ترکان خاتون بود. پس از مرگ پدر، پادشاه خاتون به خواست مادر خود با اباقاخان ازدواج کرد و پانزده سال با وی زندگانی کرد. پس از مرگ همسرش، بنابه رسم مغولی، با پسر اباقاخان، گیخاتو، ازدواج کرد و رهسپار روم شد. بعد از مرگ ارغون خان، گیخاتو پادشاه شد و پادشاه خاتون نیز به ایران آمد و با اجازه‌ی همسرش، پادشاهی کرمان را به دست گرفت. در زمان حکومت، به قصد انتقام مادرش، فرمان قتل برادر خود، سیورغتمش، را صادر کرد، ولی دو سال بعد که همسرش، گیخاتو، درگذشت و داماد سیورغتمش، جانشین او شد، کردوچین، همسر برادرش، حکومت کرمان را به دست گرفت و پس از جنگ وارد کرمان شد و پادشاه خاتون را با خواری زندانی کرد و سپس به قتل رسانید. جسد وی را در مدرسه‌ی مادرش ترکان خاتون دفن کردند. او خط نسخ را به زیبایی تمام می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌گفت. از آثار وی قرآن‌ها و کتابهای متعددی است با خط زیبا که پس از خودش در کرمان و دیگر ولایات موجود بود؛ مدارس و عمارات متعددی نیز بنا کرد و اوقافی برای آنها منظور کرد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: آتشکده آذر، ۳۵۹؛ «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره اول، ۵۲ –۵۰؛ از رابعه تا پروین، ۶۶ –۶۱؛ پشت پرده‌های حرمسرا، ۱۹۲ –۱۹۱؛ تاریخ ادبیات ایران، ۶۵۸ / ۳؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۶۱۰ / ۱؛ تاریخ کرمان، تاریخ گزیده، ۵۳۴ –۵۳۳؛ تذکرةالخواتین، ۶۰؛ تذکره کاظم، ۵۸۲؛ جواهرالعجایب، ۲۸۹، ۱۲۲ –۱۲۱؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۹۰ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۱۲ –۱۱؛ خیرات حسان، ۴۷ / ۳، ۶۹ / ۱؛ الذریعه، ۹۳۸، ۶۱۳ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۶ / ۵؛ ریاض‌الجنه، روضه پنجم، قسم دوم، ۹۰۸؛ ریاض‌العارفین، ۲۱۷ –۲۱۶؛ زنان سخنور، ۶۵ –۵۷؛ زن در ایران عصر مغول، ۱۰؛ سمط العلی للحضرة العلیا، ۷۹ – ۷۰؛ ستارگان کرمان، ۳۱۹؛ صبح گلشن، ۳۵۲، ۱۴۷، صحف ابراهیم، حرف، عرفات العاشقین. لغت‌نامه دهخدا، الافکار، ۶۱۳ –۶۱۲، نقل مجلس. ک ۴۳ –۴۲.

[۲] از رابعه تا پروین (۶۶ –۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۵۸/ ۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۰/ ۱)، تاریخ گزیده (۵۳۴ –۵۳۳)،

تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۲۶ -۴۲۴)، جواهر العجایب (۱۲۲ -۱۲۱)، حبیب السیر (۲۷۱ -۲۷۰/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۹۱ -۲۱۹۰/ ۳)، خیرات حسان (۴۸ -۴۷/ ۳ ،۶۹/ ۱)، الذریعه (۹۳۸/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۰۰ -۱۶۴)، ریاحین الشریعه (۴۶/ ۵)، زنان سخنور (۶۵ -۵۷/ ۱)، ستارگان کرمان (۳۲۱ -۳۱۹)، صبح گلشن (۱۴۷)، کارنامه‌ی زنان (۴۶ -۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ پادشاه خاتون)، مجمع الفصحا (۷۳/ ۱)، مخزن الغرائب (۸۱۰ -۸۰۹/ ۴ ،۷۸/ ۲)، مشاهیر زنان (۴۳ -۴۱)، نشتر عشق (۴۹۷/ ۲).

پاکدل، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج میرزا عباس پاکدل از فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر شیراز است. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در طبس به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی در سن ۱۷ سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و تفسیر و اخلاق را در مدت هشت سال در حوزه طبس نزد اساتید آنجا مانند حاج شیخ محمد ابراهیم مجتهد نجفی و حاج شیخ محمدعلی امینیان مدرس و حاج شیخ غلامرضا نمائی و دیگران خوانده و بعدا به مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و مدت هفت سال توقف و سطوح عالی را (رسائل و مکاسب و کفایه) و نیز مقداری از تفسیر و فلسفه و معقول و اخلاق را در خدمت حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا جواد آقای تهرانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و سایرین تحصیل نموده و نیز مقداری از درس خارج آیت‌اللَّه میلانی استفاده کرده سپس عزیمت به قم و از محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه خمینی و سایرین بهره‌مند گردیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و حدود بیست سال در آن بلده طیبه اقامت و پس از مطالعه در دروس آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان فقه و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی را اختیار و پس از شرکت در یکدوره اصول معظم له دیگر فقط به درس فقه معظم‌له حاضر و خود به تدریس سطوح اشتغال و در آن سامان به مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی طوبائی شیرازی، موفق و در سال ۱۳۵۹ شمسی عزیمت به ایران نموده و مدتی در قم اقامت و برای صله ارحام و دیدن بستگان سببی خود به شیراز آمده و با اصرار آنان و دوستان دیگر عزم رحیل مبدل به اقامت و توطن در شیراز شده و پس از استحضار علماء بزرگوار شیراز مخصوص مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و فرزند برومند و فاضلش حاج شیخ مجدالدین محلاتی ابراز خرسندی کرده و محل نمازش مسجد مولا را واگذار و به اقامه جماعت در آنجا در شبها و تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در ظهرها در مسجد ساجدین دروازه کازرون امامت نموده و مسئولیت و اداره تدریس دو حوزه علمیه شیراز را به عهده گرفته و آنها از این قرار است:

۱- حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام مدرسه مقیمیه و مسجد مشیرالملک و مکتب مقدس حضرت زهرا علیهاالسلام به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

۲- حوزه علمیه امام سجاد علیه‌السلام و مدرسه آقا قاسم مشغول می‌باشند.

مرحوم والدش حاج میرزا عباسعلی نیز از روحانیون خدمتگزار طبس و مورد وثوق و اعتماد و اطمینان مردم آن سامان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پناهنده، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ غلامرضا پناهنده متولد سال ۱۳۲۳ ه. ش که تحصیلات اولیه خودش را در مدرسه کازرونی اصفهان شروع و بعداً علوم حوزوی را در مدرسه نیم آورد جده بزرگ زیر نظر مدرسین زمان خویش ادامه و به حوزه علمیه قم وارد و در مدارس حجتیه و فیضیه قم دوره‌های سطح و خارج فقه و اصول را در زمره شاگردان آیات عظام حسین نوری همدانی- حسینعلی منتظری- یوسف صانعی مرحوم آیت الله گلپایگانی- وحید خراسانی- محقق داماد و با شرکت در بحث‌های اخلاقی و سیاسی حضرت امام خمینی قدس سره و در نهایت پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وارد خدمات اجتماعی خویش گردیده و با شروع تدریس دروس معارف اسلامی و علوم معقول و منقول در دانشکده ادبیات و علوم اسلامی دانشگاه اصفهان فعالیت فرهنگی ر انیز شروع و در ادوار دوم و سوم مجلس شورای اسلامی ایران بنمایندگی از منطقه برخوار و میمه انتخاب و با عضویت در هیئت مدیره مرکزی ائمه جمعه اصفهان و نمایندگی در بنیاد ۱۵ خرداد در سال ۱۳۸۱ ه. ش بعلت عارضه قلبی در سن ۵۸ سالگی دار فانی را وداع‌و بدیار باقی شتافته‌اند روان ایشان شاد باد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

پیرسید، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّه بن سید صدرالدین بن سید محمدهاشم نزیل (قزوین) متوفی ۱۳۳۹ ق از احفاد میر محمدعلی معروف به (پیر سید) که در سادات محله رامسر مدفون و صاحب مزار و کرامات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

پیرنیا، محمد کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کریم پیرنیا در سال ۱۲۹۹ شهر یزد متولد شد . وی پس از اخذ دوره دبستان و دبیرستان با یک آزمو ن در دانشکده هنر های زیبا در رشته معماری قبول شد و شرو ع به کسب علم نمود .

گروه : هنر

رشته : معماری

والدین و انساب : محمد کریم پیرنیا در سال ۱۲۹۹ از پدری نائینی و مادری یزدی درشهر یزد متولد شد .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد کریم پیرنیا دردورا ن کودکی به این علت که پدرش به یزد تبعید شده بود و اجازه خروج از این شهر را نداشتند تا بعد که این امکان فراهم شد وبرای کارهایی که باید انجام می دادبه اکثر نقاط کشور مسافرت کرد . یزد زمستانهای بسیار سرد وتابستانهای گرمی دارد . درآن زمان مردم اعم از اعیان و طبقه پایین از پانزدهم اردیبهشت به کوهستانهای

اطاف می رفتند که هوای مطلوبی دارد و تا آخر تابستان آنجا می ماندند . اکثر مردم از خودشان جایی برای این مدت اسکانشان نداشتند و معمولاـ باغهایی را اجاره می کردند . پدر بزرگ او هم مثل سایر مردم باغی را اجاره می کرد وبه آنجا می رفتند .یزد واقعا یکی از شهر های آرام دنیاست ، اما به علت کمبود آب دراین منطقه ، بین مردم در گیری پیش می آمد و حتی گاهی قتل هایی هم اتفاق می افتاد . در همان باغی که اجاره می کردند ، کنار جوی آب ، چاهی درست کرد و به تقلید از قناتها ی یزد ،با درست کرد ن چند پشته ، آب را به بالا می کشاند و به قول مقنی ها ،آ ب آفتابی شد . در آنجا باغ و خیابانی درست کرده بود و به جای درخت ،عدس کاشت و با قوطی کبریت شروع به خشت زدن کرد و با همین خشت ها استخری درست کرد .به قدری این عمل مورد توجه قرار گرفت که مردم برای تماشای آن می آمدند . اواخر تابستان هم که ما باغ را ترک می کردند ، صاحب باغ اطراف مزرعه ای را که اومی ساخت ،خارکریز کرد تا آب آن را از بین ببرد . خلاصه طوری بود که علاوه بر بچه ها ،بزرگتر ها هم از این کار او خوششان می آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد کریم پیرنیا دوران دبستان را درمدرسه اسلام و بعد از تاسیس مدرسه دولتی به دلیل با لا بودن کیفیت این گونه مدارس نسبت به مدرسه های قدیمی ، «در مدرسه نمره دو »ادامه تحصیل داد . دوران تحصیل را در «دبیرستان ایرانشهر » یزد که فقط دوره علمی داشت گذراندم . بعد از طی دوره علمی دریزد برای ادامه تحصیل به تهران آمد .در کنکور اولین دوره «دانشکده هنرها زیبا » به دلیل علاقه ای که به هنر معماری کشور خود داشت شرکت کرد و قبول شد .

خاطرات و وقایع تحصیل : تمام دوستان محمد کریم پیر نیا که در دانشگاه با وی بودند بعد ها جزو هنرمندان ممتاز نه تنها ایران ، بلکه در جهان بودند .محل دانشکده آن موقع در «مدرسه هروی » (علوم قدیمه) و مدرسه سپهسالار بود . این دو مدرسه را با تغییراتی که در آنها انجام شده بود ، به دانشکده هنر های زیبا تبدیل کرده بودند . دانشکده هنرهای زیبا در آن سالها فقط سه رشته معماری ، نقاشی ،مجسمه سازی داشت و برای شرکت در دوره معماری ، دیپلم کامل متوسطه لازم بود اما برای رشته نقاشی و مجسمه سازی سیکل اول متوسطه کافی بود .مجسمه سازی به دلیل اینکه داوطلب زیادی نداشت ، به تدریج تعطیل شد . باوقوع مسائل شهریور ۲۰ دانشکده به زیر زمین دانشکده فنی منتقل وبعد ها به ساختمان فعلی انتقال داده شد که البته سا ختمان آن هنوز تکمیل نشده وبه شکل فعلی که وجود دارد ، نبود . شخصی بودبه اسم استاد مندلی که چون با سواد بود به او مندلی می گفتند . ایشان اهل میبد بود . ملا مندلی اطلاعات عجیب و غریبی درسینه اش داشت . بعد ازاینکه از مدرسه بر می گشتنددور ایشان جمع می شدندو اوبه قول خودش «نکیر » می کرد ، یعنی با سر انگشت یا چوب خطهایی روی زمین می کشید و توضیحاتی خاصه در مورد «هنجار »می داد . هنجار واقعا مثل یک کامپیوتر کارهای عجیب و غریبی می کرد .به هر حال از ملا مندلی کسب اطلاعات می کردو گاهی هم می شد که پاسبانی می آمد و جمع آنهارابه هم می زد و ازملامندلی می خواست که دیگر معرکه نگیرد ولی هیچ کس اجازه نمی داد و درمکانی دیگر جمع شان را تشکیل می دادند و از وجود ملامندلی استفاده می کردند . وی وقتی که همین موضوع هنجارو کاربرد آن را برای مرحوم دکتر محسن هشترودی گفت ایشان خیلی تعجب کرد و می دانید که ایشان هم به ریاضیات غربی و هم ریاضیات شرقی مسلط بود . دکتر هشترودی می گفت که چنین چیزی رانه در ریاضیات غرب و نه درشرق ندیده است ،و این رامختص معماران قدیمی ایران می دانست که سینه به سینه نقل شده است .ایشان علاقمند بود که برای به جاماندن هنجار ،به طور مشترک کاری انجام دهند ولی متاسفانه به علت فوت ایشان این کار میسر نشد . بعد از این باز هم به دنبال کسی بود که اینکار را پی گیری کند تا دکتر پیرنیا ی ریاضی دان ، برای این کار اعلام آمادگی کرد ولی متاسفانه ایشان هم مرحوم شد .

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمد کریم پیرنیا می توان به مهندس زهره بزرگمهر و مهندس معماریان که زحمت چاپ بعضی از کتابهای او را کشیده بودند اشاره کرد .

وقایع میانسالی : محمد کریم پیرنیا از این دوران چنین یاد می کند: بعد از بازنشسته شدن تجربیات و تحقیقات چندین ساله ام را خواستم روی کاغذ بیاورم ، ولی متاسفانه به علت لرزش دست و بعد هم از کار افتادن آن ، میسر نشد .اما تعدادی زیادی از نوارهای صحبتهای بنده در دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و فارابی و «میراث فرهنگی » موجود است که دوستان زحمت پیاده کردن آنها را کشیده اند .

زمان و علت فوت : محمد کریم پیرنیا درسال ۱۳۷۶ دارفانی را وداع گفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کریم پیرنیا مدتها معاونت «حفاظت آثر باستانی »را به عهده داشتم و کار ترمیم و تعمیر آثارباستانی بود .

جوائز و نشانها : گرفتن سه مدال که در طول دانشگاه به دلیل نوشتن سه رساله گرفته بود . -------------------------

----

آثار :

۱ آشنایی با معماری اسلامی ایران « ساختمان درون شهری و برون شهری»

ویژگی اثر : این اثر در ۱۳۷۱ انتشارات دانشگاه علم وصنعت ایران به چاپ رسیده است این کتاب شامل ده بخش و پنج پیوست است همراه با واژه نامه و فهرست منابع . که این مجموعه ای از سخنرانیها، مقالات و مواد درسی استاد است که توسط غلامحسین معماریان جمع آوری و تنظیم وتدوین شده است .

۲ اثر

ویژگی اثر : این فصلنامه علمی ، فنی ، هنری سازمان میراث فرهنگی کشور شماره ۲- زمستان ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است . این فصلنامه بیستمین شماره است و استاد مطالب خود را به تقریرات استاد کریم پیرنیا درزمینه معماری سنتی و هنر های وابسته اختصاص داده است . مطالب این کتاب که در خقیقت سلسله درسهای استاد در طول سالیان متمادی برای دانشجویان واهل فن بوده، تحت عنوان « گنبد های ایران » جمع آوری شده است . در یک بخش به چگونگی ساخت گنبد ها و در بخش دیگر به طرح خصوصیات هندسی وفنی گنبد ها اشاره شده است .

۳ اثر

ویژگی اثر : درفصلنامه علمی ، هنری سازمان میراث فرهنگی کشور پائیز۱۳۷۳به چاپ رسیده است . بیست و چهارمین شماره اثر . سومین دفتر از تقریرات استاد پیرنیا درزمینه معماری است که توسط زهره بزرگمهر تنظیم و تدوین شده است . مطالب این مجموعه «چفدها و طاقها » بخشی دیگراز مبحث «ساخت وسازه »و روش عملی کاربست آن در معماری ایرانی است .

۴ ارمغانهای ایران به جهان معماری «جناغ وکلیل »

ویژگی اثر : این اثر در مجله هنر ومردم به شماره ۱۴۲ در سال دوازدهم ۱۳۵۳ به چاپ رسیده است که این مقاله تحت عنوان شرح تاثیرات معماران ایرانی است در کار معماران خارجی .

۵ ارمغانهای ایران به جهان معماری گنبد

ویژگی اثر : این اثرد ر مقاله هنر ومردم به شمارهای ۱۳۶و۱۳۷ در سال ۱۲به چاپ رسیده است . دراین مقاله به شیوه های کار معماران ایرانی درساخت گنبد و کاربردو ویژگیهای بناهای گنبدی پرداخته و در ادامه تاثیرات این گونه معماری را دررونـد کار معماران خارجی مورد بررسی قرار می دهد .

۶ ارمغانهای معماری ایرا ن به جهان معماری «پادیاو»

ویژگی اثر : این اثر در هنر و مردم در سال ۱۲ و شماره ۱۳۵۳،۱۳۹به چاپ رسیده است که در رابطه با مکانی برای شست وشوی و

طهارت بود که به آن پادیاو می گفتند و طشت آب که در آن شست شوی انجام می شد پادیاب دان می نامیدند .

۷ بادگیر و خیشخان

ویژگی اثر : این در مجله هنر و معماری به شماره ۱۰ و ۱۱ به چاپ رسیده است . این مقاله ،به بررسی جنبه های تاریخی و نیز کیفیت فنی بادگیر و نقش آن در زندگی مردم نواحی مختلف ایران می پردازد .

۸ بازار ایران

ویژگی اثر : این اثر در باستان شناسی و هنرایران به شماره ۳ درسال۱۳۴۸ به چاپ رسیده است که در باره خصوصیات نیکو و پسندیده پیشه وران و بازاریان و زندگی و کسب مسالمت آمیز آنها در کنار هم و مشخصات معماری و ساختمان بازارهای ایرانی و بر شمردن ویژگیهای منحصربه فرد هر دکان که کالایی خاص را به فروش می رساند ه است .

۹ بناهای تاریخی هر کشور درحکم شناسنامه های فرهنگی است

ویژگی اثر : در مجله هنر و معماری شماره ۱۷ این اثر استاد به چاپ رسیده است .در این مقاله ،بناهای تاریخی و معماری اصیل ایرانی را از دیدگاه هویت فرهنگی مورد بررسی قرار داده است .وی ضمن بر شمردن برخی از خصوصیات معماری ایرانی و تناسب آن با شرایط اجتماعی ، اقلیمی و فرهنگی مردم ، آثار مثبت این قرابت را در تاریخ معروفی چون مساجد ، کاخها ، آتشکده ها ،مزارها و .... اشاره شده و دروصف هرکدام از آنها به تفضیل سخن رانده شده است .

۱۰ بیماری بو لو ار

ویژگی اثر : این مقاله در مجله هنر ومردم در سال ششم به شماره ۶۹ به چاپ رسیده است که دریک کلام شکوائیه نویسنده از تخریب بناهای سنتی و زیبا که هر کدام انبوهی از خاطرات تلخ وشیرین را با خود دارند و رشد بی رویه بلوارها و خیابانها و آسمان خراشها است که با ویرانی و نابودی بناهای کهن ، ابزار وجود می کنند .

۱۱ تویزه ـ قوس ـدور

ویژگی اثر : این اثر در هنر ومعماری درشماره ۸ و در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است. مطالب آن تحت عنوان بررسی نقاط ضعف و قوت سبکهای قدیم پارتی و پارسی و سبکهای جدید خراسانی و رازی و آذری و اصفهانی که با ذکر دلیل در رابطه با هر کدام بررسی های انجام داده است

۱۲ خیز و اندام گنبد های ایرانی

ویژگی اثر : در مجله هنر و معماری شماره ۱۰و ۱۱ به چاپ رسیده است . در این مقاله به بررسی ویژگیهای گنبد و خصوصیات آن و نیز انواع مختلف گنبد درسیر تاریخی زندگی مردم ایران پرداخته شده است و در جای جای مقاله مثالهای ازگنبد های معروف ایرانی چون گنبد : حرم مطهر امام رضا (ع) ، آرامگاه سلطان محمد خدابنده در سلطانیه ، مقبره شاه نعمت الله ولی در ماهان کرمان ، جامع قزوینی و. ..... همراه با تصاویری از این مکانها آورده شده است .

۱۳ در درگاه و کتیبه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

ویژگی اثر : در باستان شناسی و هنر ایران در شماره دوم و در سال ۱۳۴۸ بهار به چاپ رسیده است . که دررابطه با تاریخ و قدمت این بنای معماری است

۱۴ درو پنجره درمعماری ایران

ویژگی اثر : این مقاله در بهار ۱۳۴۸ و شماره ۲ و در مجله باستان شناسی و هنر ایران تحت عنوان چگونگی استفاده معماران از در و پنجره در معماری بنا ها اشاره رفته است .

۱۵ راه و رباط

ویژ گی اثر : این اثر وی درانتشارات امین ، تابستان ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است. راه و رباط در دوبخش یکی راه و بناهای وابسته به آن در دوره پیش از اسلام و در بخش دوم راه ورباط های دوره های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است .

۱۶ سبک آذری

ویژ گی اثر : این اثردرفرهنگ ومعماری ایران درسال ۱۳۵۴ به شماره اول به چاپ رسید ه است که دارای خصوصیات و نشانه هایی است که نگارنده مقاله ، به شکلی مبسوط به آنها پرداخته و با در نظر گرفتن تمامی جووانب ، به شرح آن مبادرت کرده است .

۱۷ شیوه های معماری ایرانی

ویژ گی اثر : موسسه نشر هنر اسلامی وابسته به معاونت امور فرهنگی اجتماعی و هنری بنیاد مستضعفان و جانبازان ، در هشت بخش ، که چاپ اول در زمستان ۱۳۶۹ است . این کتاب د ررابطه به منطق و حکمت کارهایی که در زمینه معماری در طول تاریخ انجام شده است و نیز تحولاتی که درمدت سه یا چهارهزار سال ، این پدیده دستخوش آن بوده و همچنین نقاط اوج ، فواید ، ایرادها و ...پرداخته شود .و بخشهای هشت گانه آن عبارتند از : ـ اصول معماری ایرانی – شیوه های معماری ایرانی – شیوه اصفهانی –شیوه های پارسی – شیوه های پارتی – شیوه های آذری – شیوه های خراسانی ـ شیوه های رازی

۱۸ طاق گنبد

ویژ گی اثر : این مقاله که در حقیقت ادامه ای بر مقاله« خیز و اندام گنبد های ایرانی »استاد می باشد ، به مساله طاق گنبد توجه کرده و اقسام مختلف طاقهای ایرانی را از لحاظ شکل و طرز اجرا بر می شمارد .

۱۹ طاق و چف

۲۰ مردم ورای در معماری ایران

ویژ گی اثر : در فرهنگ و زندگی به شماره ۲۴ و در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان خصوصیات مردم ورای درمعماری ایران که نویسنده به جوانب آن اشاره کرده است.

۲۱ مروری بر کتاب (نظری اجمالی بر شهر نشینی و شهر سازی ایران)

ویژ گی اثر : که این مقاله در مجله اثربه شماره ۱ درسال ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است . در این مقاله استاد به چگونگی و ویژ گیهای معماری ایران د ر رابطه با خصوصیتهای اجتماعی مردم می پردازد .

۲۲ مساجد

ویژ گی اثر : این مقاله در خصوص معرفی مسجد به عنوان یک مرکز مهم مردمی و همچنین مشخصات مساجد اسلامی از بدو پیدایش و سیرتحولی آنها در طول زمان نگاشته شده است . دراین مقاله همچنین قسمتهای مختلف یک مسجد بصورت تفکیکی مدرد بررسی قرار گرفته و در هر مورد مثالهایی پیرامون مساجد معروف اسلامی به میان آورده شده است .

۲۳ معماری مساجد ایران راهی به سوی ملکوت

ویژ گی اثر : این اثر در فصلنامه هنر و به شماره سوم درسال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است که عنوان این مقاله است سیر مسجدسازی در ایران و ویژ گیهای معماری هر مسجد در ادوار مختلف و جمع بندی خصوصیات تمامی مساجد ، مطلبی است که نویسنده در این مقاله بازبانی روان و سلیس و دیدی مو شکافانه و دقیق و تحلیل به آن پرداخته است .

۲۴ هندسه در معماری ایران

ویژ گی اثر : این کتاب در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ در نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران به چاپ رسیده است .

پیشوا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد پیشوا فرزند حاج سید محمدصادق پیشوا از دانشمندان خدوم و علماء اعلام و فضلاء کرام شیراز می‌باشند (که در سال ۱۳۱۸ شمسی به فشار حکومت وقت شهرت خود را از بحرالعلوم تبدیل به پیشوا نمودند).

معظم‌له در سال ۱۳۵۰ قمری در شهر کازرون دیده به دنیا گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و عموی بزرگوارش حاج سید محمدرضا شریعتمدار آموخته و در سال ۱۳۳۵ شمسی مشرف به نجف اشرف شده و از ابحاث و دراسات سطوح و خارج آیات عظام چون میرزا حسن یزدی و استاد حاج شیخ محمدتقی جعفری و علامه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله استفاده نموده و پس از آن برای تبلیغ اسلام و ترویج احکام به زادگاه خود کازرون مراجعت و به اقامه جماعت و وظائف روحی و دینی و اجتماعی پرداخته و خدمات شایانی نموده تا سال ۱۳۴۸ شمسی شش سال پس از انقلاب پانزده خرداد چهل و دو به شیراز مهاجرت نموده و بنابر اصرار و استقبال گرم عده کثیری از مردم شیراز رحل اقامت افکنده و در مسجد نو برابر مشهد و مزار حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیهماالسلام به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال یافته و مورد استقبال پرشور و هیجان مردم شیراز قرار گرفته که محسود برخی از همگنان و ابناء نوع شده تا در سال ۱۴۰۵ قمری برابر ۱۳۶۳ شمسی روی جهاتی از رفتن به مسجد نو خودداری و در منزل شخصی به وظائف روحی خود تداوم داده و تا حال تحریر این کتاب موفق به تدریس فقه و اصول می‌باشند.

آثار و تألیفات ایشان

۱- کتاب آئینه سیاه، برداشتی از سوره مبارکه لقمان.

۲- علی علیه‌السلام، از دیدگاه دگران- مخطوط.

۳- تجدید و نوسازی مسجد جامع کازرون.

۴- تأسیس کتابخانه ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه متصل به مسجد.

۵- احداث لوله‌کشی قسمتی از شهر قبل از اقدام شهرداری کازرون به لوله‌کشی تمام شهرستان کازرون.

۶- خرید دویست هزار متر مربع زمین در قسمت شرقی کازرون به نام باغ فردوس جهت دفن مؤمنین.

۷- سنگ فرش و تعمیر مسجد نو شیراز.

۸- تأسیس بنیاد (مهدی) و صندوق قرض‌الحسنه.

۹- تأسیس بیت‌المهدی و مدرسه علمیه امام مهدی (ع).

نگارنده گوید: آقای پیشوا منتسب به علامه بحرالعلوم است که ترجمه‌اش زیب و زینت کتب تراجم مانند اعیان الشیعه و روضات الجنات و معارف الرجال و فوائد الرضویه و ریحانه الادب و ده‌ها کتاب رجالی و تراجم دیگر می‌باشد. و او شاگرد علامه وحید بهبهانی بوده و بارها به شرف و فیض ملاقات و زیارت مولایمان حضرت بقیه‌اللَّه اعظم امام زمان عجل‌اللَّه فرجه الشریف رسیده که این نویسنده روسیاه همواره گفته و می گویم:

به امید دیدن او همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

حاج میرزا حسین نوری در جنه‌النعیم و نجم‌الثاقب خود حکایات تشرف آن بزرگوار را ذکر فرموده است. علامه بحرالعلوم قدس اللَّه

سره که بعد از استادش وحید بهبهانی ریاست عامه و مرجعیت تامه داشت در نجف از دنیا رفته و در نزدیک مقبره شیخ طوسی در مقبره شخصی دفن شده است طاب اللّه ثراه و قبرش از مزارات خاصه نجف است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پیشوائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العالم الربانی آیۀاللّه المرحوم حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ قمری ه. در نجف اشرف متولد شده و در سن کودکی در خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۱ قمری به قم مهاجرت نمود و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات، ادبیات را از مرحوم حجۀالاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و حجۀالاسلام آقا سید رضای سید صفی و بعضی از آیات دیگر آموخته و در درس خارج مرحومین آیتین حجت و خونساری شرکت و پس از آن بالغ بر پانزده سال از محضر و دراسات فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کامل و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را نموده تا سال ۱۳۸۰ قمری که بنابر دعوت جمعی از مردم متدین خیابان سلسبیل تهران به تهران عزیمت و تاکنون در خیابان (بوستان سعدی) سکونت و در (مسجد الصادق) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مواعظ حسنه و غیره اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

پیشوائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی سابق‌الذکر از فضلاء و علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و ائمه جماعت مسجد امام است که به جای مرحوم والدش اقامه جماعت دارد دانشمندیست باتقوا و عالمی است با فضیلت در سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی چهل و نه سال قبل در این شهرستان به دنیا آمده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و پس از دوران مقدمات با معیت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام حاج سید احمد پیشوائی مقیم تهران که ترجمه‌اش در جلد سوم خواهد آمد سطوح عالی را از اساتید حوزه مانند آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله امام خمینی و دیگران فراگرفته و پس از فراغت از آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و دیگران حاضر شده و در غالب دروس با این نگارنده شرکت داشته و از بدو ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر ابحاث فقه و اصول آن جناب شده و پس از وی از دروس آیات و زعماء دیگر حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که نهایت توجه و عنایت را به ایشان داشته و دارند استفاده‌های کافی و سرشار نموده و در مسجد امام و محله خود کوچه معروف به حاج نوفل به ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و هم تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تالهی تویسرکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تألهی از علما اعلام معاصر است در تویسرکان که اکنون در آن سامان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد وی عالمی بزرگوار و جلیل القدر و از شیوخ و کبار دانشمندان حاضر است که تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رسانیده و از محاضر آیات عظام نجف اشرف استفاده نموده و در شهرستان تویسرکان را محل سکونت و خدمات دینی خود قرار داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تبریزی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا تقی تبریزی معروف بزرگ ری از تلامذه مبرز و مهذب آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی است که از جهت تعذیب اخلاق و متانت کردار و وقار رفتار و صفاء معنویت کم‌نظیر است.

در تبریز متولد شده و پس از رشد و دیدن باره‌ای از علوم ادبیت و عربیت به قم مهاجرت نموده و پس از پایان سطوح در درس مرحوم سید استاد ما آیت‌الله حجت شرکت نموده و تا هم اکنون از مباحث فقه و اصول آیت‌الله نجفی مرعشی استفاده می‌نماید.

دارای فضائل نفسانی و ملکاتیست که در ج ۲ کتاب آثارالحجه اشاره کرده‌ام دلباخته و شیفته و عاشق مولای ماست و با مرحوم جمال السالکین و زین‌المشتاقین عالم و عارف کامل حاج ملامحمود زنجانی مشهور به حاج ملا آقاجان که در معنویت و صفا و خلوص و اخلاص در عصر خود نادره بود صداقت تام و رفاقت مخصوصی داشت و آن مرحوم چنان مشتاق و مجذوب سالکی بود که به هر کس نزدیک می‌شد او را مانند خود مجنون محبوب کرده و واله و شیدا می‌نمود که بی‌اختیار بگوید:

ای مولای من امام زمان من.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، تیلی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا حسن تیلی تبریزی از خواص اصحاب و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و علماء حوزه علمیه است در سال ۱۳۸۵ شمسی در یکی از مضافات تبریز به دنیا آمده و مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج ملا علی تیلی ملقب به معین‌الشریعه که از علماء آذربایجان بودند وی را تربیت تا پس از طی مقدمات و خواندن سطوح خدمت مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌الله حاج مولینا در سال ۱۳۱۹ به ملازمت مرحوم آیت‌الله حجت به قم مهاجرت نموده و از

همان تاریخ مرتبا در مباحثات فقه و اصول و رجال آن مرحوم شرکت و در تمام مسافرتهای وی به شهر ری و مشهد ملازم آن مرحوم و محرم اسرار ایشان بوده تا پس از فوت ایشان به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و تاکنون که دوازده سال از فوت بروجردی می گذرد در کمال متانت و ظرافت در قم زندگانی می‌نماید اطال‌الله عمره و توفیقاته.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم میرزا حسین تبریزی از افاضل حوزه علمیه و مبرزین تلامذه و مرحوم آیت‌الله حجت داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی به کثرت فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال قدس و صفا معروف و در نهایت تعفف زندگی می کرد و در میان شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت به زیادی فهم و بینش مشار بالبنان بود و برای این نگارنده و بعضی دیگر دروس استاد را تقریر می‌نمود و مقداری از مکاسب شیخ و بعض سطوح دیگر را خواندم بسیار متواضع و منیع‌الطبع و کثیرالصمت و قلیل‌الکلام بود فقط در موقع سوال به سخن می‌آمد کمتر کسی را از تلامذه سید استادمان به رتبه فضل و تهذیب و کمالات معنوی وی یافتم جناب حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس طهرانی که از علماء آن سامانست و در مسجد امین‌الدوله تهران امامت می‌نماید در میان حوزه ایشان را انتخاب و به وضع زندگیش رسیدگی می کرد و از تحقیقاتش استفاده می‌نمود.

در اوائل ماه شعبان سال ۱۳۶۵ ق وی را به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به تهران برده ولی متاسفانه در آنجا ناگهانی بدرود حیات گفته در سنین کمتر از چهل سال و دوستان خود را به مرگ خود داغدار نمود جنازه او را با تجلیل به شهر ری برده و در جوار مرقد محمد بن بابویه شیخ صدوق دفن نمودند رحمه‌الله علیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا عبدالرحیم مدرس تبریزی از علماء حوزه و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و مدرسین و حوزه علمیه شهیر به مدرس ماهر تبریزی فرزند جناب آقای محمدتقی تبریزی خیابانیست در سال ۱۲۸۵ شمسی هجری متولد شده و پس از مقدمات سطوح اولیه و عالیه را در تبریز خدمت مرحوم آقا سید علی‌اکبر مرعشی و حاج میرزا علی‌اصغر ملکی و حاج سید محمد مولینا و آیت‌الله آقا میرزا رضی و آقای سید عبدالحجه ایروانی و جاج میرزا عبدالعلی اخوی مرحوم آیت‌الله آقا میرزا صادق آقا و بعضی دیگر خوانده و مقداری از محضر مرحوم آقا میرزا صادق و آقای انگجی در تبریز استفاده نموده و بعد از آن رهسپار قم شده و از محاضر آیات عظام قم چون آقای شاهرودی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و اکثرا آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض استفاده نموده و هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی کامیاب و بهره‌مند گردیده و معقول را هم از خدمت آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و اینک به تدریس و تالیف اشتغال

دارد.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- رساله در رضاع

۲- حاشیه بر کفایه

۳- شرح منظومه راجع به مباحثات معقول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالرسول مرزبانی تبریزی از فضلاء محترم قم و خواص اصحاب و شاگردان آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی مدظله بودند که در سال ۱۳۹۳ قمری برای دهمین بار مشرف به مدینه شده و در آنجا به سکته قلبی از دنیا رفته و در نزدیکی قبر ائمه علیهم‌السلام مدفون شده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تبریزی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ عبدالله تبریزی از علماء و اتقیاء تبریزی و قدماء حوزه علمیه قم است که محلی به زیور علم و حلم و تقوا و متانت است ولادتش در آذربایجان واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح وسطی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی فقه و اصول را نزد مدرسین بزرگ حوزه تکمیل نموده و به درس سید استاد ما مرحوم آیت‌الله حجت حاضر و فقها و اصولا از آن مرحوم استفاده کرده و از منقطعین به آن جناب بود، و پس از فوت آن مرحوم به حوزه درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و تا پایان عمر آن جناب بهره‌های کافی برده و تا هم اکنون به مباحثات خصوصی و تدریس اشتغال دارد- عالمی متین و دانشمندی آرام و متقی و پرهیزکار و منیع‌الطبع و زکی‌النفس و نقی‌القلب می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم آقای سید مهدی تبریزی از فضلاء با ورع حوزه علمیه و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله حجت است که از مسقط

الراس خود در زمان مرحوم آیت‌الله حایری هجرت به قم نموده و سطوح خویش را از اساتید بزرگ قم تکمیل نموده و در شمار اصحاب و شاگردان آیت‌الله آقا سیدمحمد حجت رحمه‌الله درآمده و تا آخر عمر آن جناب حدود ۱۷ سال فقه و اصول را استفاده نموده و هم چندین سال درس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده است.

از نوشته‌های ایشانست دروس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تحریری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود تحریری تهرانی یکی از چهره‌های درخشان و فضلاء موصوف به تقوا و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در حدود ۱۳۴۲ قمری در تهران دیده به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی مقدمات و اولیات را در تهران فراگرفته سپس مهاجرت به قم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه آموخته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله العالی و دیگر آیات شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم آقای بروجردی به زادگاه خود مراجعت و بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین غرب تهران در مسجد خیابان اصطخر به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج مذهب حقه اثناعشریه پرداخته و تا حال تحریر نیز به خدمات دینی در آن محیط اشتغال دارند.

نویسنده گوید: جناب آقای تحریری دانشمندی باتقوا و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و در میان اقران خود موصوف به ورع و پاکی و مبرا از رذائل اخلاقی و دارای ولایت کامل و از مخلصین مخصوص خاندان رسالت و جداً خالص در محبت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام است منبری مفید و آموزنده دارد و از مرز قرآن و احادیث عترت (دو ثقل بزرگ و دو امانت پیامبر (ص) تجاوز نمی کند.

نیست در لوح دلش جز الف قامت دوست
چه کند حرف دیگر یاد نداد استادش

در مصائب اهل‌بیت نبوت سلام‌اللّه علیهم اجمعین خود می گرید و دیگران را نیز می گریاند. سیمائی ملکوتی و بیاناتی لاهوتی دارد.

در مبارزه بر علیه طاغوت و عوامل آن تا حد قدرت و توانائی خود با کسالت مزاجش کوتاهی را روا نداشته و مسجدش یکی از سنگرهای مبارزه بوده و هست و نویسنده هم که در ماه صفر ۱۳۹۹ ق بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی ده شبی را در آنجا برنامه تبلیغی داشته شاهد عینی مبارزات تربیت یافتگان ایشان بودم.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزندان صالح و شایسته‌ای به نام آقا شیخ باقر و آقا شیخ کاظم که اکنون در قم به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

آقای تحریری از شیفتگان و دلباختگان سالار شهیدان محبوب سالکان راه حق و معشوق عاشقان جمال مطلق حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوة والسلام است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

ترابی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رشید ترابی واعظی توانا و خطیبی اریب و فاضلی حسیب بودند.

وی در آنجا پرورش و تحصیل خود را در مدرسهٔالواعظین هندوستان تکمیل و در کراچی که یکی از پایگاه‌های مهم شیعه هندوستانست اقامت اختیار و از طریق منبر به تبلیغ ولایت و فضائل اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و در شهرهای بمبئی و حیدرآباد و رنگون و مسقط و لگنهو وحیدآباد سند و لاهور و کویته ط و زنگبار و غیره مسافرت و منبرهای پرشوری رفته است.

مرحوم رشید ترابی بیشتر اساس و برنامه منبرش گفتن مطاعن غاصبین و ظالمین اهل‌بیت و خاندان مظلوم پیغمبر علیهم‌السلام و فضائل آن برگزیدگان عالم بود و مردم پاکستان و هندوستان و غیره توجه و علاقه تامی به منبر و سخنان او داشتند و در هر کجا منبر می‌رفت جای بر مردم تنگ می‌شد و ده‌ها هزار نفر برای استماع بیانات او شرکت و ابراز احساسات و تظاهرات به رسم و عادت خود می‌نمودند.

وی به زبان فارسی و عربی و اردو انگلیسی و غیره وارد و صحبت می‌کرد و همه طبقات را مستفیض می‌نمود.

نگارنده ده شب اول محرم را قبل از منبر وی در حسینیه انجمن ایرانیان در سال ۱۳۸۹ ق منبر رفتم و نسبت به حقیر محبت و علاقه داشت.

فرزندان متعددی داشت که در میان آنان جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فاضل علام آقای حاج میرزا عقیل ترابی از افاضل معاصر است.

وی چندین سال در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشت و در اواخر عمر آن مرحوم مسافرت به نجف و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه حکیم به لندن عزیمت و برای رهبری شیعه هندی انگلستان در آنجا اقامت و به خدمات دینی و تبلیغ دین اسلام و ترویج احکام اشتغال یافته و تا حال تحریر نیز در آنجا به انجام وظائف موفق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین ترشیزی (کاشمری) عالمی جلیل و فاضلی کامل از شاگردان مجدد شیرازی در سامرا و ملازمین علامه آقا شیخ اسماعیل کاشمری بوده و مضافاً بر تبحر در فقه و اصول ید طولائی در علم طب داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تفسیری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن فرزند حجت‌الاسلام مرحوم حاج میرزا علی مرندی یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران بودند- والد ماجدش در سال ۱۲۹۰ قمری پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف به تبریز مراجعت و در کوی امیرخیز اقامت و در آن موقع با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوهکمری که در آن محل بودند وصلت کرده و از طیبه عفیفه و صالحه آن مرحوم اولین فرزند را در سال ۱۳۰۰ همان مترجم ما دارا شدند. آن مرحوم در سن ۶ سالگی در مکتب مرحوم حاج ملا حسن که از ادباء و فضلاء عصر خود بودند مشغول تحصیل علم و کمال گشته و مقدمات را همان مکتب فراگرفته و در سن ۱۰ سالگی در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم صرف و نحو اشتغال ورزیده و در حدود ۱۵ سالگی مطول را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینعلی تبریزی که در علوم ادبی عربی شهرت به سزائی داشته و سپس شرایع و شرح لمعه را از عالم ربانی آمیرزا رضا نوری فراگرفته و در حدود ۲۰ سالگی رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن انگجی فراگرفته و شرح اشارات و تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر مرحوم صراف تلمذ نموده و پس از پایان مراحل تحصیلات و کسب اجازه در نقل احادیث از مراجع عالیقدر آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و حاج عبدالکریم حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت در سال ۱۳۳۵ قمری بنا بر تقاضای اهالی کوی اهراب به آن محل منتقل و در مسجد معروف ملاـ محسن به اقامه نماز جماعت و ارشاد وعظ پرداخته و در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ شمسی به ترجمه و تفسیر قرآن با تشریک مساعی مرحوم حاج میرزا علی خیابانی موفق و در کتابفروشی اقبال چاپ و منتشر گردیده و در آن موقع از طرف یکی از اساتید شایسته دانشگاه تهران به لقب تفسیری مشهور و معروف شدند.

فقید سعید مدت ۳۰ سال به تهذیب اخلاق و تقویت روحی انسان‌ها پرداخت و عده‌ای از فضلاء و اخیار از بیانات و دروس آموزنده و سازنده او استفاده نموده و به مراتب عالیه رسیده‌اند که از آنهاست استاد محمد تقی جعفری تبریزی دانشمند محترم و نویسنده ارجمند معاصر که درباره ایشان چنین می گوید.

(یکی از موفقیت آمیزترین دورانهای زندگی اینجانب دورانی بود که در تبریز موفق به حضور در جلسات وعظ و ارشاد فقید سعید گذشته توصیف حالات ربانی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج شیخ حسن تفسیری قدس‌اللّه سره و نورانیتی در هنگام ارشاد چهره او را فرامی گرفت که امکان ناپذیر یا خیلی دشوار است آنچه توصیف و تشریح امواج روحانی که از دل سرمی کشد و در دل‌ها می‌نشیند امکان‌پذیر نباشد.

او که می گفت راه بروید خود در حال توقف وجود نبود بلکه خود راه میرفت و به دیگران می گفت راه بروید. می گفت راستگو باشید خود واقعا از دروغ متنفر بود او از آن جمله مربیان زندگی اسلامی بود که طعم سازندگی اسلام را حقیقتا چشیده بود هرگز فراموش نمی کنم که وقتی آیات قرآنی را تفسیر می‌فرمود همین که آیه یا آیاتی را می‌خواند خود الفاظ قرآنی تجسم معنی به خود می گرفت و درون شنوندگان را دگرگون می کرد. یکی دیگر از با عظمت‌ترین امتیازات آن مرد کمال یافته این بود که هیچ مطلبی را بدون ماخذ صحیح عظمی یا نظمی مطرح نمی کرد.

امتیاز دیگری که همه آشنایان آن مرحوم در او دیده‌اند خود سازی شایسته‌ای بود که در کمتر اشخاص دیده می‌شود حالات ربانی آن مرحوم به خوبی اثبات می کند که از خودخواهی گذشت به خودیابی رسیده وسپس به آن خود سازی که انسان را به بارگاه خدا رهنمون می‌شود موفق گشته بود.

شادروان تفسیری در سال ۱۳۲۴ شمسی به تهران مهاجرت و به علت استقبال علاقمندی مردم تهران و آذربایجانیهای مقیم مرکز در آن اقامت نموده و در یکی از مساجد بازار به اقامت جماعات اشتغال و به تدریج مجالس وعظ و خطابه مجدد آغاز گردیده در این مجالس عده‌ای از معاریف علماء مبارز از بیانات و منابر شادروان تفسیری استفاده می‌نمونند.

در طول زندگی حدود ۳۰ بار مشرف به عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و دوازده بار توفیق زیارت بیت‌اللّه الحرام را داشته و

در خلال سفر حج همیشه به عنوان مرجع مسائل دینی حجاج بوده‌اند.

فقید سعید دارای فضائل اخلاقی فوق‌العاده بوده و در مراتب زهد و تقوا کم نظیر بوده‌اند به نحوه‌ای که عده‌ای از رفقا و دوستان نزدیکش وی را مقدس اردبیلی عصر خود می‌ستودند از صفات برجسته آن مرحوم امانت در قول و فعل که سخت مراقب و مواظب به معنی واقعی امین بود.

غیب و بدگوئی از دیگران در حضور ایشان غیر ممکن بود به احدی اجازه بدگوئی و غیبت از دیگران را نمیدادند. امر به معروف و نهی از منکر را برای خود فریضه می‌دانست (چنانچه بر هر متمکنی فریضه است) و عمل می‌کرد و از کسی باک نداشت. به نماز و قرآن عشق و علاقه عجیبی داشت و تمام نوافل را به جا می‌آورد.

در بزرگداشت مساجد و احترام معبدی آنها سعی فراوانی داشت. مساجد زیادی در تهران شاهد نماز و نیایش و سجود آن فقید سعید می‌باشد به زیارت عاشورا مداومت داشت و در وصیتنامه خود نوشته و تاکید کرده بود که زیارت‌نامه عاشورا موقع دفن به سینه او گذارند. عشق عجیبی به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام داشت و هر وقت یاد آن شهید مظلوم می‌کرد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.

از مستمندان و فقیران دستگیری می‌کرده و برای خود یک امر لازم و واجب می‌دانست و برای علما و سادات احترام بسیاری قائل بود.

مرحوم تفسیری سه ماه قبل از فوتش کلیه کتابهای خود را به کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم اهداء نمود و باقیات الصالحات بعد از مرگ خود قرار داد. و در بیستم جمادی‌الاولی ۱۳۹۷ قمری برابر نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۶ شمسی پس از یک دوره نقاهت کوتاه دعوت حق را لبیک گفته و در گورستان بهشت زهرا تهران در آرامگاه مخصوص (شماره ۳۲۸) به خاک سپرده شد در تهران و قم و تبریز مجالس عدیده‌ای از طرف علماء و مراجع عظام برای بزرگداشت او برگزار شد. دارای سه فرزند ذکور به نام آقایان حاج علی- حاج محمد- حسین آقا از تجار محترم تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تقوی شیرازی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عبدالعلی بن العالم المجاهد الکامل آیت‌اللّه الحاج سید هدایت‌اللّه تقوی شیرازی از علماء خدوم و مروجین حقیقی خاندان رسالت و ولایت علوی معاصر تهران است که جمع نموده مقام فضل و تقوی عمل و اخلاص را در سال ۱۳۶۲ قمری برابر با ۱۳۲۰ شمسی در تهران در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشود و در مهد تقوی و دانش پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی برای تحصیل مهاجرت به قم نمود و اولیا و ادبیات و سطوح را در قم خوانده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی چندی در تهران توقف و سطوح را در مدرسه عالی سپه سالار از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد علی لواسانی استفاده- و سپس به نجف عزیمت نموده و بقیه سطوح عالی را از آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه مدنی و آیت‌اللّه حاج شیخ جواد تبریزی فراگرفته و از درس خارج آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسن صافی اصفهانی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۹۱ قمری به واسطه کسالت والد ماجدش که منجر به فوت ایشان شده مراجعت به تهران و بعد از رحلت آن مرحوم بنابر اصرار بسیاری از متدینین و دوستان والدش و امریه حضرات آیات عظام خوئی و شاهرودی و مراجع بزرگوار قم برای اداره مسجد والدش معروف به (مسجد سنگی) واقع در خیابان ادیب

الممالک خیابان ری از برگشت به نجف اشرف معذور و تا حال حاضر با اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس علوم دینیه و نشر معارف اهل بیت وحی و رسالت اشتغال و جدا از مدافعین ولایت علوی معاصر و مجاهدین با وهابی مسلک‌ها و سنی منش‌های وطنی و ضد ولایتی‌ها می‌باشد معظم‌له در میان روحانیون مرکز و مراجع و آیات بزرگ تقلید و نجف و بالاخص از نظر حضرت نایب الامام آقای خمینی مدظله از محبوبیت مخصوصی برخوردار است و در مسافرتش به لندن برای معالجه برای ملاقات و زیارت معظم‌له سفری به پاریس نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تقوی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید جلال‌الدین تقوی فرزند محمدشریف از ادباء و فضلاء معروف شهرضا و سومین فرزند پدر است. وی در سال ۱۲۸۲ شمسی در شهرضا متولد و پس از تحصیلات ابتدائی علوم ادبی و عربی را در آنجا از حکیم فرزانه فراگرفته آنگاه به اصفهان آمده و چند سالی در مدرسه (جده بزرگ) تحصیل نموده و سپس در تهران در مدرسه سپهسالار علوم ادبی و عربی و پاره‌ای از علوم جدید را تکمیل کرده است.

معظم له دارای طبعی روان و قریحه‌ای سرشار می‌باشد و اشعار ایشان مکرراً در جرائد و مجلات بطبع رسیده است

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در شهرضای اصفهان به دنیا آمد، و پس از طی دوره‌ی ابتدایی، صرف و نحو و منطق را در خدمت حکیم فرزانه فراگرفت، سپس چند سالی در مدرسه‌ی جده‌ی بزرگ اصفهان و مدرسه‌ی سپهسالار تهران به تکمیل علوم ادبی و عربی و برخی علوم جدید پرداخت. تقوی از طبع شعری سرشار برخوردار بود و اشعارش در مجلات به چاپ می‌رسید. مدت سه سال هم روزنامه‌ی «شهرضا» را منتشر ساخت که بعدها به علل قانونی تعطیل شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۳ -۳۲/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۷۲/ ۲).

تنکابنی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوجعفر بن السید محمدحسین تنکابنی دائی میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص‌العلماء)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، صدرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالدین بن سید محمدهاشم تنکابنی متوفی ۱۳۱۶ قمری از احفاد میرزا محمدعلی (پیر سید) مذکور.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بن سید محمد سعید بن الامیر سید علی بن الامیر سید عبدالباقی تنکابنی متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۱۳۳۴ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن متوفی قبل از ۱۲۹۰ قمری از بنی‌اعمام صاحب (قصص‌العلماء) بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، محمدرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرحیم تنکابنی از شاگردان میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص‌العلماء) متوفی سال ۱۳۰۲ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی تنکابنی متوفی قبل از ۱۳۲۰ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

توحیدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوهٔ آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتمداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودهٔ فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفحهٔ القدیر فی شرح خطبهٔ الغدیر؛ القرآن والحجهٔ؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.

رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانمشندان بنام معاصر تبریز است.

وی در سال ۱۳۳۲ قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و پاکدامنی پرورش یافته است.

دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت ۲۵ سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:

۱- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.

۲- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.

۳- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.

۴- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.

۵- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.

۶- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.

۷- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:

۱- آیت الله العظمی میلانی. ۲- آیت الله العظمی شاهرودی ۳- آیت الله العظمی خوئی ۴- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی ۵- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه ۶- آیه الله العظمی شریعتمداری.

نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال ۱۳۹۱ قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توحیدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی توحیدی از علماء مبرز و محترم معاصر شاهرود است.

ایشان تحصیلات خود را در مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و سالها از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ حوزه نجف استفاده نموده و سپس به وطن مراجعت و تا حال حاضر در مسجد مدرسه قلعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

توسلی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: برداشتی از انشراح، انفطار والرحمن (مشهد، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تویسرکانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا عبـدالغفار. از محترمین علمـای اصـفهان و متنفّـذین به شـمار می‌رفت، و ماننـد برادر خود در مسـجد حاج محمّـد جعفر آباده‌ای امامت می‌فرمود. در ۱۲۹۵ متولّد، و در صبح ۳ شنبه ۱۸ محرّم سال ۱۳۸۳ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بن العلامه الشیخ محمد امین تویسرکانی عالمی فاضل و ادیبی شاعر از شاگردان مرحوم آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و مورد توجه و مقسم شهریه آن مرحوم بودند تا در سال ۱۳۴۲ در موقع مراجعت از حج وفات نمودند.

آثـار علمی ایشـان از این قرار است: ۱- دیوان شـعری در مدح و مراثی ائمه معصومین علیهم‌السـلام ۲- منظومی ماننـد نان و حلوای شیخ بنام (قند و چاهی).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم بن العالم الجلیل الشـیخ محمد حسن توسـرکانی از علماء مبرز این شهرستان و مقیم بروجرد بوده و بعد از فوت مرحوم والد مذکورش که از شاگردان مرحوم علامه رجالی آقا سید شفیع جاپلقی صاحب (الروضه البهیه) ریاست و مرجعیت به وی رسیده و در ذی الحجه ۱۳۲۵ قمری وفات نموده است

دارای دو فرزنـد عـالم به نـام حجه الاسـلام آقـا شـیخ مجتبی تویسـرکانی که از شاگردان مرحومین آیتین خراسانی و یزدی و حجت الاسلام آقا شیخ مصطفی بوده که وی نیز از علماء مبرز بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد مرحوم حاج میرزا عبـدالغفّار حسـینی، عالم فاضل، مجتهد زاهد، از علمای اخیار، و فضـلا و ابرار، در غرّه جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ متولّد، و در شب دوّم ربیع الاول ۱۳۷۴، وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر بزرگوار خود مدفون گردید.

مشارالیه از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، و پدر والا گهر خود، و میرزا حسـین همدانی، و آخوند کاشـی، و آقا سـید محمّد باقر درچه‌ای بوده، فقیهی جامع و منزوی بود. بیشتر اوقات در کتابخانه خود به مطالعه مشـغول بود، و جمعی از فضـلا و دوستانش به منزل او رفته، به مباحثه مشغول بودند.

کتب زیر از اوست:

۱- تعلیقات بر حواشی مغنی ۲- حواشی بر شرایع ۳- حواشی بر شرح لمعه ۴- حواشـی بر تفسیر روح البیان شیخ اسماعیل حقّی ۵- المآثر الباقریّهٔ، در چندین مجلّد، در فوائد رجالی و متفرّقات.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

اذ جمع الواحد فی الجمع قل

اقترب الباقر بالباقر

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السـید محمد رضا بن السـید معصوم تویسرکانی عالمی جلیل از شاگردان علامه سید ابراهیم قزوینی صاحب (ضوابط) در کربلا بوده و بعد از سال ۱۲۵۶ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تهجدی، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصالح بن مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی تهجدی ساوه‌ای از علماء معاصر شهرستان ساوه می‌باشد.

وی در سـال ۱۳۱۹ شمسـی در سـاوه متولـد شـده و در بیت علم و سـیادت پرورش یافته و در سال ۱۳۲۹ شمسـی برای تحصیل علوم دینیه و نیل به درجه اجتهاد و مقامات علمی با مرحوم والـد خود عازم نجف اشـرف شدنـد. و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف

اشرف و مکتب علی علیه‌السلام به فراگرفتن و تدریس علوم مشغول بوده و از محاضر آیات عظام و مراجع تقلید مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی آقای خوئی و سایر اساتید بزرگ استفاده و در سال ۱۳۵۱ شمسی به دعوت اهالی ساوه که در ضمن طومارهای بزرگ از مراجع تقلید خواسته بودند نامبرده را مجبور نمودند که به ساوه بیایند.

مراجعت به ایران نموده و فعلا در این شهرستان مشغول انجام امور مذهبی و امامت مسجد جامع و مورد احترام مردم ساوه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید ابوالقاسم تهرانی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان قم بوده است که در اوائل تاسیس حوزه از تهران مهاجرت به قم نموده و سالهای متمادی از فیض محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از ایشان از محضر و درس مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری طاب ثراهما و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درس ایشان حاضر شده و در زمان ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار فاطمه معصومه علیهاالسلام مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۸۳ ش)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران، در عصر آیت‌الله حایری رهسپار قم شد و سطوح نهایی «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله مرعشی نجفی و مدرسان دیگر فراگرفت. به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی بهره‌مند شد، و به تهران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه به مشهد رفت، و در آنجا از محضر حاج شیخ هاشم قزوینی بهره‌ها برد. از آن پس در حوزه درس خارج آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر شد و به مدت ده سال تا پایان عمر این استاد در نزد وی بود. بعد از فوت آن مرحوم خود رسماً حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و عده‌ی بسیاری از مبانی علمی و اخلاقی و معارف وی استفاده نمودند. او یکی از مروجان مبانی تفکیک و اصول مکتب تفکیک بود. از آثار وی: «فلسفه بشری و اسلامی»؛ «عارف و صوفی چه می‌گوید»؛ «میزان المطالب».[۱]

مدرس، فقیه

تولد: ۱۲۸۳، تهران.

درگذشت: دوم آبان ۱۳۶۸.

آیت‌الله جوادآقا تهرانی خراسانی، فرزند محمدتقی، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و اخذ گواهی سیکل از مدرسه‌ی ثروت تهران، برای فراگیری علوم دینی راهی قم شد و پس از چند سال سکونت در آن شهر و گذراندن مقدمات و بخشی از سطوح، به نجف اشرف رفت و از محضر آیت‌الله مرتضی طالقانی و آیت‌الله محمدتقی آملی (صاحب

دررالفوائد، تعلیقه بر شرح منظومه سبزواری) کسب فیض کرد. آنگاه به امر مادرش به تهران بازگشت و پس از مدتی اقامتی کوتاه در تهران، در سن سی سالگی (سال ۱۳۱۳) به مشهد رفت. نخست از حضور آیت‌الله هاشم قزوینی بهره گرفت. از آن پس به حوزه درس خارج فقه و اصول و معارف آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر گشت و تا پایان عمر ایشان (۱۹ ذیحجه ۱۳۶۵ ق.) یعنی نزدیک به ده سال از محضر ایشان استفاده کرد و مبانی اصولی میرزای نایینی را، و همچنین فقه و معارف اهل‌بیت (ع) را فراگرفت. این دوره‌ی طولانی باعث شد که میرزای اصفهانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وی بگذارد، چنانکه تا پایان عمر، در تبیین و ترویج مبانی و خط مشی علمی ایشان کوشش داشت و در کتابها و درسهای خود همواره به تفسیر و تقریر معارف براساس آرا و اندیشه‌های استاد می‌پرداخت و بدین گونه یکی از مروجان مبانی «تفکیک» و اصول «مکتب تفکیک» به حساب می‌آمد.

آیت‌الله تهرانی خراسانی پس از این دوره فراگیری، به تدریس و تألیف پرداخت. سالیانی دراز (حدود چهل سال) به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد خدمت کرد و خارج فقه و اصول درس و معارف تدریس می‌کرد و به درخواست طلاب و یکی دو دوره به تدریس شرح منظومه‌ی سبزورای پرداخت. سپس به تفسیر قرآن همت گماشت. محل تدریس ایشان غالبا مدرس فوقانی مدرسه‌ی میرزا جعفر بود. پس از بسته شدن مدرسه در مسجد حاج ملا حیدر درس می‌گفت.

از جمله فعالیتهای اجتماعی او می‌توان به تأسیس اولین خیریه‌ی درمانی مشهد، به نام «درمانگاه خیریه بینوایان» بنا به اشارت و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشکی وی، در سال ۱۳۳۴ اشاره نمود. هر هفته یک شب در جلسه‌ی هیئتی مدیره‌ی آن شرکت می‌کرد تأسیس نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران نیز که در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به کار کرد تا با تأیید و مساعدت ایشان صورت گرفت؛ این مؤسسه بعدها به صورت مجموعه‌ای شامل صندوق قرض‌الحسنه، فروشگاه تعاونی و کتابخانه درآمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات برای دیدار با امام خمینی (ره) در فرصت‌های مختلف، به صورت انفرادی یا با هیئت‌هایی از علما و روحانیون به قم و تهران آمد. ضمنا با وجود کهولت، چندین بار به جبهه‌های دفاع مقدس نیز رفت.

در امر تألیف و نوشتن تلاش داشت برای خود عنوانی قائل نشود و به تعبیرهایی نظیر (ج- زراع) یا «ج» یا «جواد» بسنده می‌کرد و بعدها تحت نام «جواد تهرانی» می‌نوشت. از جمله آثار چاپ شده ایشان این کتاب هاست: فلسفه بشری و اسلامی؛ عارف و صوفی چه می‌گویند؟ (تهران، ۱۳۶۷)؛ میزان الطالب (در دو جلد)؛ آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی؛ بررسی پیرامون اسلام (رد بر کسروی)؛ اصول و عقاید؛ بهایی چه می‌گوید؛ آئین زندگی در اخلاق اسلامی.

آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا جواد تهرانی از علماء ربانی و آیات صمدانی و مدرسین برجسته معاصر مشهد مقدسند (کرارا به معظم‌له مراجعه نمودم که بیوگرافی خود را مرحمت نمایند ولی اجابت نفرمودند) اما وجدان نگارنده اجازه نداد که از ذکر معظم‌له صرف‌نظر کنم و قطعا ارباب فضل و دانش و شاگردان آن جناب هم به این امر راضی نیستند که کتاب ما خالی از نام ایشان باشد.

اجمالاـ آن بزرگوار در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت دیانت و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی و جدید و اولیات و ادنیات در عصر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی رهسپار قم شده و سطوح نهائی مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و مدرسین دیگر حوزه استفاده نموده.

آنگاه مهاجرت به مشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء رحل اقامت افکنده و از درس و محضر مرحوم مبرور عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا مهدی غروی اصفانی تا آخر عمر آن مرحوم استفاده فقه و معارف اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده.

و ضمنا به تدریس فقه و اصول پرداخته تا بعد از فوت آن مرحوم که خود رسما حوزه درس خارج تشکیل و عده زیادی از افاضل

دانشمندان از مبانی علمی و اخلاقی و معارف آن جناب استفاده نموده و می‌نمایند.
نگارنده گوید: جناب آقای تهرانی از جهت تواضع و محاسن اخلاق و محانمد آداب نسخه اول استادش مرحوم میرزا مهدی اصفهانی می‌باشند و جدا از نوادر دانشمندان عصر محسوب می‌شوند.
آثار و تالیفات علمی چندی دارند که بعضی از آنها مانند کتاب عارف و صوفی چه می گوید به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۰ -۳۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۷ -۱۲۶ /۷).

تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی تهرانی از ائمه جماعت مسجد امام و علماء حوزه علمیه و تلامذه قدیمی مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردیست، پس از فوت مرحوم حایری برای ترویج دین و تبلیغ احکام به شهریار تهران و قصبه رباط کریم چند سالی اقامت نموده و آنگاه به قم مراجعت و تا حدود سال ۱۳۸۲ قمری به وظائف دینی و روحی شاغل سپس دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای باقی خرامیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.
وی در اواخر ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج

آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.
آثار ایشان ۱- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).
۲- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود تهرانی از تلامذه امام شیرازی و متوفی ۱۳۰۴ قمری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ثابتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن العالم الجلیل آخوند ملا محمدتقی ثابتی از فضلاء بارع قم و علماء ائمه جماعت معاصر همدان است.
وی در قریه و هنده متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت تربیت و پرورش برادر جلیل‌القدر خود نشو و نما نموده و پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه به قم مهاجرت و سطوح نهائی از مدرسین بزرگ حوزه چون آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و گلپایگانی و دیگران به پایان رسانیده و چند سالی از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت کوه‌کمره‌ای و بالاخص مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بالغ پانزده سال استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به همدان رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ارشاد مردم و تدریس سطوح فقه و اصول و غیره تا حال حاضر اشتغال دارد.
نگارنده گوید مترجم گرامی ما مانند برادر بزرگوارش به تقوا و ورع و متانت موصوف و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد (و مذرایته و عرفته مارایت منه الا جمیلا) آری از آن پدر متقی برادر سازنده و مربی لایق برجسته‌ای انتظار این گونه فرزند صالح و فاضل و برومندی می‌رود ادام اللّٰه توفیقه و عزه .
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ثاراللهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج میرزا محمـد ثـاراللهی همـدانی- که از دانشـمندان موصوف به دیانت و تقوا و مروجین معروف به صـفا و دانش است در سال ۱۳۲۱ ق در یکی از قراء همدان تولد یافته و در خاندان زهد و تقوا تربیت شده و مقدمات فارسی و عربی را در مکتب خانه آن قریه خدمت میرزا علی‌اکبر عالم آنجا آموخته و در سال ۱۳۳۹ ق به عراق سلطان‌آباد مسافرت و به ادامه تحصیل پرداخته و پس از انتقال مرحوم آیت‌الله حـایری به قم ایشـان هم در سـال ۱۳۴۰ به قم آمـده و سـطوح را خـدمت آیت‌الله آخونـد ملاعلی همدانی و آیت‌الله گلپایگـانی و مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی خوانـده و به درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضـر و از فقه و احوال آن مرحوم اسـتفاده و پس از فـوت ایشـان به تبلیغ دین و ترویـج احکـام و مبـارزه بـا فرقه ضـاله نموده و چنـدی هم مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ و ارشاد مردم به کردستان و نقاط دیگر رفته و خدمات عالی انجام داده و مورد توجه آیت‌الله گردیده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثانی بید آبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سـید اسداللّٰه بن حاج سید محمّد باقر شفتی. از علمای کاملین، و ادبا و شعرا و فضلا و علمای اخیار، معروف به حاج آقا. با پدر خود از اصفهان به نجف مهاجرت نموده، و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده، و پس از فوت عمّ بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مهاجرت نموده، و مورد توجّه عموم طبقات بالاخص اهالی بیـد آباد قرار گرفته، و منشأ خدماتی شایان در مسجد سـید قرار گرفته که از آن جمله است: تهیّه ی ضـریح فولادی جهت قبر مرحوم سیّد حجهٔ الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲، و دیگر تهیه ی ساعت که در قسمت قبله ی مسجد نصب گردیده است.

در نقباء البشـر (: ۱۹۵) فرمایـد: در جریانـات مشـروطیّت ایران به نجـف مراجعت نموده، و در سـال ۱۳۲۳ مجـدّداً به اصـرار مردم به اصـفهان معـاودت کرده، مورد احترام و اکرام قرار گرفته، پس از شـش ماه در سوّم رمضان ۱۳۳۳ وفات یافته، در مقبره جـدّ خویش مدفون گردید.

در کتاب معجم رجال الفکر و الادب (: ۳۵) درباره ی او فرماید: عالم فاضل ادیب جلیل شاعر رقیق الطبع، له شعر، کثیر، منه:

یابن عمّ النبیّ ایّ معالٍ

لک فی ارفع المدائح تذکر

در کتـاب شـعراء الغری در دو محـل نـامی از او برده شـده، یکی به نـام حـاج آقـا، و دوّم: سـید بـاقر. همچنین در اعیان الشـیه، و در الحصون الشیعه و دیگر کتب از او به احترام نام برده شده، طالبین مراجعه فرمایند.

اشـعار کتیبه‌های شـمالی مسـجد سـید (پشت بقعه ی سید و قرینه ی آن) از مرحوم حاج میرزا فتح اللّٰه میر محمّد صادقی فرزند میرزا کوچـک است، وی ادیب فاضـل شـاعر ماهر بوده، به فارسـی و عربی شـعر می‌سـروده، اشـعار مادّه تاریـخ فوت آقا میرزا محمّـد باقر چهارسوقی نیز از اوست.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثانی بیدآبادی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۲۷ ق)، عالم دینی. وی در مجله‌ی بیدآباد اصفهان متولد شد و در محضر پدرش تربیت یافت و چون از مقدمات فراغت یـافت نزد پـدر و دیگر عالمـان اصـفهان به تحصـیل علوم پرداخت تا اینکه عازم نجف شـد و در آنجا در محضـر صاحب «جواهر» و دیگران به تلمذ پرداخت و به مقامات عالیه‌ی علم و عمل رسـید. پس از آن به اصـفهان بازگشت و در آن شـهر به تدریس و امامت پرداخت و پس از مرگ پدر مرجعیت تامه یافت. پس از آن به اصـفهان بازگشت و در آن شـهر به تدریس و امامت پرداخت و پس از مرگ پـدر مرجعیت تـامه یـافت. پس از مـدتی به عتبات رفت و مـدرسه‌ی سـهله را تعمیر کرد و برای آوردن آب فرات به نجف اقدام کرد. وی در حسن خط و سـرودن شـعر نیز بهره‌ی کافی داشت. حاج سید اسداللّه از پدرش و حاج میرزا حسین بن میرزا خلیل از او روایت می‌کرد. وی را پس از مرگ مقابـل قبر شـیخ مرتضـی نصاری دفن کردنـد. از آثار وی: کتابی در رجال؛ شـرح «زیارت عاشورا»؛ «منتخب المناقب»؛ «مناسک حج»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۱۹۲)، تذکره القبور (۱۲۷)، الذریعه (۷۵/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۶ -۱۲۴ /۱۳)، المآثر و الاثار (۱۸۴، ۱۳۹)، مکارم الاثار (۸۳۸ -۸۳۶ /۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۲ -۴۱).

ثانی گیلانی اصفهانی، زاهد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و شاعر ادیب عارف، از اعقاب شـیخ زاهد گیلانی عارف مشهور است. از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده، پس از تحصیل علوم ظاهر خدمت حسین علی شاه رسیده.

در سال ۱۲۲۲ در سفر حج در کاظمین وفات یافته. از اشعار اوست:

عمری به در مدرسه‌ها بنشستیم

با اهل ریا و کبر و کین پیوستیم

از یک نظر عاشق رندی آخر

هم از خود و هم ز غیر خود وارستیم

سلسـله‌ی ایشان به سلسـله‌ی مشایـخ بیدآباد معروفند، و جمعی کثیر عالم و فاضل در بین آنها بوده، و عده‌ای از آنها به مقام قضاوت این شهر رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔ الاسلام، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محسن بن میر محمّد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمّد صادقی. عالم جلیل، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولّد گردیده، مقدّمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سنّ هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب اللَّه رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواصّ آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در ۱۲۳۰ به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جسته.

سرانجام در قبل از ظهر روز ۶ ماه صفر سال ۱۳۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد درتکیه میر محمّد صادقیها جنب تکیه ملک مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است ۲- انیس العارفین، در احوال برزخ و جنّت و نار، مطبوع ۳- تقریرات اصولّیه اساتیدش ۴- حاشیه بر طهارت شیخ ۵- خلاصهٔ الاصول، از محبث الفاظ تا محبث تعادل و تراجیح ۶- رساله در اصول دین ۷- رساله در لباس مشکوک ۸- رساله در تقلید اعلم ۹- رساله در عدالت ۱۰- رساله در قاعده من ملک شیئاً ۱۱- رساله در قاعده میسور ۱۲- رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقرّی که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اوّل سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات ۱۳- رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمّد کاظم ۱۶- کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیزات) ۱۵- مبک المؤمنین ۱۶- مشکول، مانند کشکول ۱۷- مقتصر المقال، در علم رجال ۱۸- نور الایمان، ردّ بر بابیّه؛ و رسائل عدیده دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثمری، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد ابراهیم بن خیر الحاج آقای حاج اکبر آقای ثمری گلپایگانی از فضلاء محترم و بنام حوزه علمیه قم است در علیشاه عوض، وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در گوگد گلپایگان (زادگاه آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی) متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات را در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا هدایت وحید در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموه و سطوح را در خدمت آیت‌اللَّه صدوقی یزدی و آیت‌اللَّه سلطانی و حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ اسداللَّه نوراللهی و حجهٔ‌الاسلام آقای حاج آقا رضای صدر تکمیل نموده سپس بدرس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه موسوی شرکت نموده و از خرمن علوم آنان بهره‌ها برده آنگاه در سال ۱۳۸۸ ق حسب‌الامر آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی به علیشاه عوض عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.

از آثار ایشانست: تعمیر اساسی مسجد جامع و چند باب دکان و مؤسسه‌ی برای مصارف و مخارج مسجد و کتابخانه‌ای برای مسجد که در شرف تکمیل می‌باشد و نیز جلسات متعددی برای تنویر افکار جوانان و مبارزه با افراد منحرف و ضد ولایت در علیشاه عوض و مناطق دیگر شهریار دارند ادام اللّه توفیقه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جابری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن حاج محمدحسین جابری ابلولانی گلپایگانی از علماء متورع و پرهیزکار این دیار بوده که سالها در اصفهان اشتغال به تدریس و تدرس داشته است.

و پس از رسیدن به حد کمال به موطن خود برگشته و به انجام وظائف دینی و علمی پرداخته و از ورع او آنکه از وجوه شرعیه استفاده نمی‌نموده در دوران تحصیل هم شهریه نمی‌پذیرفته.

بلکه چون تاجرزاده بوده و پدرش از متمکنین بنام گلپایگان بوده دستگیری از مستمندان بسیاری نموده و به طلاب بی‌بضاعت کمکهائی نموده آن مرحوم همشیره‌زاده آیت‌اللّه آقا شیخ محمد سعید است و به مصداق الولد الحلال یشبه بالعم و الخال خلقا و علما و ادبا شباهت تام بخال مفضال خود داشته و صاحب ترجمه دائی حاج آقاعلی قاضی‌زاده می‌باشد.

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای میرزا عباسعلی قاضی زاهدی می‌فرمودند در وقتی که من تازه به اصفهان رفته بودم مرحوم حاج ملا محمدرضا از فضلای نامی حوزه‌ی اصفهان به شمار می‌رفت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جاودان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحسین نجل عالم جلیل مرحوم حاج شیخ مرتضی حمام گلشنی از علماء محترم معاصر تهرانست وی در ۱۲۸۶ شمسی در تهران متولد و در تحت تربیت چندین پدر صالح و بزرگواری پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح رسائل را خدمت مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمد تنکابنی و کفایه را نزد مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ عباس حایری خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش بجای او به خدمات دینی و تدریس و گفتن تفسیر و معارف اسلامی در جلسات هفتگی و غیره تا هم‌اکنون اشتغال دارد. نگارنده گوید: آقای جاودان از دانشمندان متین و دارای محامد اخلاق و آداب و مانند والدش مورد وثوق و اعتماد و توجه مردم می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جبل عاملی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابراهیم بن حاج شیخ عباس عاملی از احفاد مولانا شیخ بهاءالدین عاملی از زهاد و عباد علماء قم بودند در سال ۱۲۹۶ در قریه جبع از قراء لبنان متولد شده سال ۱۳۲۳ ق به نجف اشرف مشرف و از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد کاشف الغطا و شیخ علی محمد یزدی و آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ ق به قم مهاجرت و از موقع ورود آیت‌الله حایری تا وفات آن مرحوم از محضرش استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ ق وفات و در خاک قم مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جدلی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای ازکیا عالم فاضل عظیم القدر بوده، در سال ۱۱۹۹ وفات یافته، در تخت فولاد جنب قبر ملّا اسماعیل خواجوئی مدفون شد؛ قبری بلند بسته دارد

مادّه تاریخ وفاتش را رفیق شاعر اصفهانی ضمن اشعاری گوید:

شد ز جهان و رفیق از پی تاریخ گفت

رفت بزم جنان زبده ارباب علم

همچنین مشهور شاعر اصفهانی در مرثیه و تاریخ او گوید:

شد دریغا ز لوح هستی محو

نام ملا محمد ابراهیم

حیف از آن فاضل عظیم الشأن

آه از آن عالم خبیر علیم

گر شد اجزای او چو گل اوراق

گر شد اعضای او چو عظم رمیم

گفت مشهور بهر تاریخش

شد بجنت مقام ابراهیم

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جرجانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم و متکلم امامی. وی اصلا از مردم جرجان بود که در اصفهان سکنی داشت. او در ابتدا معتزلی بود که به دست عبدالرحمان بن احمد جیرویه رجوع به مذهب امامیه کرد. نجاشی در کتاب «رجال» حود وی را ستوده و می‌نویسد: از اصحاب جلیل و عظیم‌القدر است. از جمله آثار وی «الجامع فی سائر ابواب الکلام کبیر»؛ «المسائل و الجوابات فی الامامه»؛ «موالید الائمه (ع)»؛ «مجالس مع ابی‌علی الجبائی»؛ «الامامه»؛ «النقض علی الجبائی»، در امامت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۹/۲۴، ۲۳۶/۲۳، ۳۶۶/۱۹، ۳۳۵/۲)، رجال النجاشی (۲۹۸ -۲۹۷، ۴۷ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۲ -۲۸۱، ۱۴۷ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۶/۱۶).

جرفادقانی، اباالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اباالقاسم بن محمد ربیع جرفادقانی صاحب مصنفات بسیار و حواشی بر کتب معقول و منقول و علامه مجلسی حوزه اجازه او را از ملامهر علی گلپایگانی نقل کرده و او معاصر مجلسی او بوده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جرفادقانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علی گلپایگانی حکیم بوده و فرزانه و عالمی بوده یگانه دارای تألیفاتی بود از قبیل تکلمهٔ الصافی و تقریب المرام علی القسم الاول من تهذیب الکلام و کشکول و غیره و از کتب مطبوعه ایشان است کتاب واردات غیبی این کتاب در دهه اول ذی‌القعدهٔ الحرام ۱۲۴۸ قمری به دست مولفش پایان پذیرفته و پس از گذشتن هفتاد و سه سال بعد از تألیف در ذیقعده ۱۳۲۱ به طبع رسیده تاریخ ولادت و رحلت آن مرد بزرگ بر ما مجهول است و توضیحا نامبرده اهل گوگد گلپایگان بوده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جرقویه‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملا علی نیز از علمای نامدار، و به زهد و تقوی معروف بوده، در اصفهان خدمت آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج میرزا

بدیع درب امامی تلمذ نموده، و در حدود ۱۳۲۵ وفات یافته، در مولد خود مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جزایری شوشتری، عبداللطیف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف بن سید احمد بن سید محمد بن سید طیب جزایری شوشتری فاضلی بزرگوار بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری شوشتری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن سید محمود بن سید احمد بن سید محمدرضا بن سید علی‌اکبر بن سید عبداللّه بن سید نورالدین بن علامه محدث سید نعمت‌اللّه جزایری شوشتری عالمی باورع و فاضلی متقی بوده است.
وی در ۱۲ ماه رمضان ۱۲۹۷ ق متولد شده و مقدمات را خدمت شیخ محمدعلی شیخ‌الاسلام خوانده و از محضر علامه آقای آسید عبدالصمد جزایری استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و به درس میرزا محمدعلی رشتی و علامه یزدی آقا سید کاظم صاحب عروه حاضر شده و از آن دو بزرگوار کاملا بهره‌مند گردیده و بعد به شوشتر مراجعت و به وظائف شرعی قیام نموده تا در روز دوشنبه ششم ذی‌الحجه ۱۳۵۶ ق وفات نموده است. رساله‌ای در امامت دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا جواد جزایری از (احفاد مرحوم علامه کبیر و محدث خبیر مرحوم سید نعمت‌اللّه جزایری شوشتری صاحب تألیفات بزرگ) می‌باشد دارای کمالات نفسانی و معنوی و از علماء متمکن عصر خود و به دیانت و تقوا موصوف و مورد توجه عموم مردم خرم‌آباد و لرستان بوده و در سال ۱۳۸۳ قمری وفات نموده است.
فرزندان ارجمندی دارد که یکی از آنها به نام مرحوم آقا سید مغیث‌الدین از طلاب قم بود که در سنین جوانی و عنفوان شباب ۲۲ سالگی وفات نمود و پدر پیر خود را داغدار و مصیبت‌زده نمود.
۲- جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج آقا عماد جزایری که در مهد علم و تقوا پرورش و سالها در قم اقامت و از محضر مراجع و آیات سطحاً و خارجاً فقهاً و اصولاً استفاده کامل نمود و بعد از فوت مرحوم والد به خرم‌آباد مراجعت و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و

خدمات دین اشتغال دارد.

۳- جناب حجهٔالاسلام آقا سید نورالدین جزایری که در قم اقامت و به تکمیل مبانی علمی از محضر آقایان اشتغال دارد بسیار متین و متواضع و موصوف به تقوا می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عبدالغفور

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالغفور بن سید محمدرضا جزایری عالمی کامل و فاضلی جلیل بوده و در سال ۱۳۲۲ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالکریم معروف به آغا کب یعنی آغا بزرگ بن سید حسین بن سید عبدالکریم بن سید حسن بن سید عبداللّه بن سید نورالدین ابن علامه سید نعمت‌اللّه جزایری عالمی متقی از شاگردان میرزاء شیرازی و معاصرین او بوده و در سال ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه بن سید محمد بن سید محمد شفیع جزایری شوشتری از فضلاء باکمال و ورع در اصفهان بوده و در جمعه ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۵۷ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا عیسی جزایری از علماء بزرگ خرم‌آباد و مورد توجه و علاقه مردم لرستانست. ایشان در خرم‌آباد متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در عصر مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قم آمده و از محضر آنجناب و آقایان دیگر استفاده نموده و بعد مراجعت به خرم‌آباد و تا حال (تحریر این کتاب ه.ش ۱۳۵۳) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخرالدین بن حجهٔالاسلام حاج سید علی بن آیت‌اللَّه میر محمد علی جزایری از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۰۸ ق متولد شده و در خاندان فضیلت تربیت شده و پس از خواندن متون فقهی و اصول نزد مدرسین و علماء تهران مانند آقا سید محمد مدرسی یزدی و مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری و در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیات دیگر استفاده نموده و در اواخر مرحوم آقای حایری به تهران مراجعت و تاکنون به اقامه و ترویجات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن سید عبدالصمد بن احمد بن محمد بن طیب بن نورالدین الموسوی جزایری عالمی فاضل بوده و در سال ۱۲۷۳ در شوشتر متولد و در سال ۱۳۳۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، نصراللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نصراللَّه بن العلامه الورع حاج سید حسن بن آیت‌اللَّه میر محمدعلی جزایری از علماء معاصر بودند.

وی از دانشمندان بنام سلسله‌ی جزایری تهران بودند و عمری را بتقوی و فضیلت گذرانیده و بسهم خود خدماتی انجام داده و به اجل محتوم باجداد خویش ملحق گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزائری، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر بن سید حسین بن سید علی موسوی جزایری شوشتری معروف به حکیم عالمی نویسنده و فاضلی جلیل بوده و در سال ۱۳۴۸ ق وفات نموده است.
آثار بسیاری دارد که از آنهاست (مختصر معنی اللبیب و شرح عیون‌الاخبار و لوامع‌الاخبار در شرح عیون و ترجمه لالی الاخبار و مجموعه در ادعیه و زیارات و تألیفات دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزی اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای قرن چهاردهم در اصفهان (حدود ۱۳۳۰ هجری قمری) و از ملازمین مرحوم آخوند فشارکی متوفی ۱۳۱۴ و مدفون به تکیه آقاحسین خوانساری بوده و از شاگردانش شیخ اسماعیل بن نقری بن محمّد حسن معزالدین اصفهانی متولد ۱۳۰۹ و متوفی به ۱۳۶۳ است. محضر بسیاری از علمای درجه یک حوزه را درک کرده است. از مرحوم ملّا عبدالرزاق جزی اطلاع بیشتری در دست نیست ولی همعصر با حاج میرزا بدیع و سیّد مهدی درچه‌ای بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جزی اصفهانی، محمّدعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سلطان محمّدالحسینی العریضی الجزی الاصفهانی از شاگردان علامه شیخ علی ابن ابراهیم ابن سلیمان قطیفیه البحرانی بوده و در شرح احوالاتش در الذریعه جلد ۱۳ ص ۱۴۵ آمده است. کتاب استادش «شرح ترددات النافع فی مختصر الشرایع» را با ضمائمی به عنوان «قوله، و اوله الحمداللّه الذی بنعمه ثم الصالحات و نشکراللّه بشکرهٔ ترفع المحذورات الی آخره» و مرحوم آقابزرگ تهرانی در الذریعه نقل کرد که: «رأیت نسخته منه فی مکتبهٔ الشیخ محمّدالسماوی فی النجف ضمن مجموعه مع المقتصر ابن فحد حلّی و هی بخط تلمیذ المؤلف السید محمّد علی بن سلطان محمّد العریضی الحسینی الجزی فرغ من نسخها فی صفر سنه ۹۵۵ هجری قمری فی حیاته الاستاده المؤلف و مانضم الیها فی المجموعه بخط هذا السید ایضاً».
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جزی، محمّدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جد مادری مرحوم آخوند گزی است که فاضل و زاهد و از علماء و مقدسین و پیشوایان مردم برخوار و از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجةالاسلام و حاجی کلباسی و مقبول‌القول نزد آن دو و دیگران بوده و در موطن خویش وفات یافته است. تکیه‌ای داشته معروف به مقبره و فرزندش ملّا محمّدباقر ابوالفقرا دایی مرحوم گزی صاحب عنوان که در یک محل مدفون بوده‌اند. محل آن در جنوب پارک عمومی گز و نزدیک به مقبره شاه نعمت‌اللّه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفری همدانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامحسین جعفری همدانی از علماء ابرار معاصر تهرانست و در یکی از شبستانهای جنوبی مسجد جامع به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ ق در ده هنجرین در جزین همدان واقع شده و در تحت تربیت مرحوم والدش که مرد متدین و با تقوا و به عدالت موصوف و به تقوا و پرهیزکاری معروف بوده نشو و نما یافته و در محل خود تحصیل مقدمات نموده و به همدان آمده و قسمتی از ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به قم مشرف و مقداری از سطوح را چند سالی در حوزه علمیه قم فراگرفته و بعد مهاجرت به نجف نموده و کفایه را نزد مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی سطحا و خارجا استفاده نموده و بعد در درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی فقها و اصولا- شرکت کرده و هم از دروس اصول و فقه فقیه اهل البیت آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و مقداری هم در درس مرحوم آیت‌اللَّه نائینی آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده و از معقول مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حسین باد کوبه‌ای بهره‌مند گردیده است چندین سال در نجف بتدریس متون فقه و اصول اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۶۸ ق که به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکنده و تا هم اکنون بخدمات دینی و روحی و تدریس اشتغال دارند در امور دینی بسیار متعصب و غیور و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوتاهی نمی‌کند و در همین زمینه ابتلا آتی داشته و تحمل مشاقی در راه دین نموده است.

از آثار قلمی ایشان است: ۱- جزاوتی از دروس و مباحثات آیت‌اللَّه مشکینی. ۲- جزوات تقریرات دروس آیت‌اللَّه اصفهانی. ۳- دوره‌ی تقریرات دروس آیت‌اللَّه آقا ضیاء الدین عراقی ۴- تقریرات درس آیت‌اللَّه نائینی. ۵- تقریرات دروس آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جعفری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب فرزند مرحوم محمدحسین جعفری نیز از افاضل نویسندگان و مدرسین معاصر حوزه علمیه و مجتمع مجله مکتب اسلام می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدایی و اولیه در مدرسه جامع و مدرسه امامزاده مراغه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و مقداری از سطوح را در مراغه خدمت مرحوم آقا شیخ حسین پیشنماز و مرحوم حاج شیخ رضا ساجدی و حاج شیخ احمد امینی و حاج سید جواد مقدسی و آقای هبۀالهی خوانده و در سال ۱۳۴۱ شمسی عزیمت به قم نموده و علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای شکننده‌ای با اهتمام تمام به درس و بحث پرداخته و دوره سطح را از محضر اساتیدی مانند آقایان ستوده و اعتمادی و مکارم و سبحانی به پایان رسانیده و همزمان با آن دروس عقلی را از مرحوم آیت‌اللّه مطهری و آقای حسن‌زاده آملی استفاده کرده و خود نیز به تدریس کتب سطح مشغول بوده و در کنار این تدریس و تدرس دوره عالی دارالتبلیغ اسلامی قم را به اتمام رسانیده و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه آملی حدود پانزده سال شرکت و ادامه داده و در ایام تعطیل و موسم تبلیغ محرم و ماه رمضان در مساجد مهم شهر مراغه تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف جعفری نموده و خدمات ارزنده‌ای از ارشاد نسل جوان و روشن کردن افکار آنان نموده و در ضمن اشتغال به دروس متداوله به نویسندگی علاقه شدیدی داشته و در سن ۱۸ سالگی نخستین سلسله مقالات تحت عنوان درس زندگی در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده و از آن پس در روزنامه ندای حق و مجلاتی مانند نسل نو و پیام شادی و مکتب اسلام مرتبا مقالات ایشان منتشر می‌شد و مدتی هم سر دبیری مجله نسل نو و مدیریت داخلی مکتب اسلامی را به عهده داشته‌اند و در حال حاضر نیز عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام را دارا هستند.

آثار طبع شده ایشان به قرار زیر است:

۱- انسان در جهان بینی اسلامی

۲- ابعاد حکومت اسلامی

۳- بینش تاریخی قرآن

۴- مسلمانان در بستر تاریخ ۵- خوارج در تاریخ

آثار مخطوط آماده طبع

۱- قرآن در قرآن

۲- بینش تاریخی نهج‌البلاغه

۳- شرح دوازده بند محتشم کاشانی تحت عنوان (آن سر که شد به نیزه)

۴- تاریخ علم کلام

۵- حدوث و قدم قرآن- و غیره جزوه‌های دیگری مانند:

۶- نور هدایت در تفسیر قرآن

۷- آداب و اخلاق در حدیث

۸- النور المبین فی شرح تبصره المتعلمین

۹- طبقات متکلمین شیعه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جلال الدین جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۱-۱۳۳۷) در شب ۶ ذی حجه سال مرقوم وفات یافته، در نجف مدفون گردید. از علمای اصفهان به شمار می‌رفت.

فرزند ایشان مرحوم حاج میرزا عبدالحسین نیز عالم و امام جماعت مسجد شاه بود، و در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۸ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جلالی تهرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد ابن العالم الجلیل الحاج السید علینقی الموسوی الجلالی تهرانی مذکور از فضلاء دانشمندان تهران و سبط آیت‌اللّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری می‌باشد.

معظم له در حدود سال ۱۳۵۵ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت- در بیت علم و سیادت و تحصیلات ابتدائی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و بدروس خارج آیات عظام مانند آیت‌اللّه مرحوم محقق یزدی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت تا سال ۱۳۸۲ قمری که در تهران اقامت گزیده و بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مؤلف گوید: آقای جلالی دانشمندی با استعداد و فاضلی برومند و در میان اقران خود مانند والد ارجمندش بمتانت و ظرافت ممتاز و بشرافت حسب و نسب سرافراز میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جلالی همدانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جلالی بن حاج سید جلال‌الدین از علماء محترم معاصر (مجاور) مشهد مقدس است.

وی در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران متولد شده و بعد از پرورش در تحت تربیت مرحوم والدش به تحصیل علوم فارسی و عربی پرداخته و در معیت آن مرحوم از تهران عزیمت عراق نموده ولکن به اصرار بستگان و دوستان همدانی رحل اقامت در همدان افکنده و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به قم و از محضر آقایان استفاده نموده آنگاه به همدان مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۲ قمری که به مشهد منتقل و مجاور حضرت ثامن‌الحجج علیه الصلوه والسلام را اختیار فرمودند.

دارای آثار خیر و باقیات الصالحات در همدان و حومه آن و مشهد مقدس می‌باشند و از جمله آن آثار.

۱- درمانگاه مهدیه همدان است که مجهز و همه روزه از بیماران بینوا و غیره پذیرائی و معالجه نموده و می‌نماید.

۲- مهدیه همدان از موسسه‌های بسیار مجهز دینی می‌باشد زیرا دارای مسجد و پرورشگاه و درمانگاه و بانگ قرض‌الحسنه و سالن تبلیغات می‌باشد.

و در همین سالن در ایام دینی و روزهای شریف سخنرانی‌های مذهبی و نشر معارف اسلام و حقایق دینی می‌شود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلیلی، حسام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام‌الدین جلیلی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشد.

وی در سال ۱۳۴۹ ق در نجف اشرف متولد شده و در سال ۱۳۵۰ ق با مرحوم والدش به کرمانشاه آمده و بعد از طی دوران کودکی مشغول به تحصیل دبستان و دبیرستانی گردیده و در روز عید فطر سال ۱۳۶۶ ق در سن هفده سالگی در لباس مقدس روحانیت وارد و به خواندن مقدمات و ادبیات عرب نزد مرحوم والدش پرداخته و تا مقداری از سطوح را در وطن خویش خوانده و در سال ۱۳۷۱ ق به قم مهاجرت و بقیه سطوح را در خدمت حاج شیخ محمدتقی ستوده اراکی و آقا میرزا علی آقای مشکینی و آقا شیح جواد تبریزی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد فکوری خوانده.

و پس از تکمیل سطوح از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از محضر آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و مقداری از آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۸۹ قمری به واسطه مریضی و کهولت مرحوم والدش حسب‌الامر مراجع عظام به وطن خود کرمانشاه برگشته و بعد از فوت والدش در مسجد عمادالدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده می‌باشد که هیچکدام به طبع نرسیده و نگارنده هم زیارت نکرده‌ام و نیز اجازات چندی در امور حسبیه و روایتی دارند و در حال حاضر سرپرستی مدرسه عمادالدوله نیز به عهده ایشانست.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما در تمام اخلاق و رفتار و حتی طرز لباس و عمامه (اشبه الناس خلقا و خلقا و لباسا) به پدر بزرگوارش می‌باشد و به قول شاعر عرب.

بابه اقتدی عدی فی الکرم

فمن یشابه ابه فما ظلم

و به گفته شاعری فارسی زبان

گرچه گل رفت و گلستان شد خراب

بوی گل را از چه جویم از گلاب

مردم کرمانشاه همان نظری که به مرحوم والدش داشتند به ایشان دارند و وی را به همان دیده می‌نگرند ادام‌اللّه توفیقه و عزه.

و مخفی نماند که ترجمه ایشان و والد مبرورشان باید در باب اعلام معاصرین کرمانشاه یاد شود ولی چون در آن هنگام به واسطه گرفتاری و ابتلاء این حقیر مفقود و مجددا وقتی رسید که جلد ششم تمام و منتشر از این‌رو در اینجا تدارک نمودیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جمال‌الدین، اسدآبادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدآبادی (سید) بن صفدر متفکر و مصلح اجتماعی شرق (و. اسدآباد ۱۲۵۴- مقت. ۱۳۱۴ ه.ق.) مردی آزادی خواه و آزادمنش و دارای افکار و عقاید فسلفی و سیاسی و اجتماعی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دول اسلامی. وی همه عمر را با استبدار سلاطین ایران و عثمانی و مصر و سیاست استعماری انگلستان در مبارزه بود و پیوسته به شرق و غرب سفر سفر میکرد. در پاریس روزنامه عروهٔالوثقی را انتشار داد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. در قاهره و استانبول و هند و افغانستان طی نطقهای پرشوی افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد. در سال ۱۳۰۶ ه.ق. به امر ناصرالدین شاه بار دوم تبعید گردید و به لندن رفت و روزنامه ضیاءالخافقین را به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر کرد و مجددا مورد تعقیب واقع شد و ناچار خاک اروپا را ترک کرد و به استانبول رفت. سلطان عبدالحمید عثمانی برای ایجاد اتحادیه مسلمین از او به گرمی پذیرائی کرد اما وقتی متوجه شد که سید قصد دارد پادشاه ایران را به ریاست چنان اتحادیه‌ای منصوب کند سید را مسموم کرد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جوان، علی

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جوان (زاده ۹/۱۰/۱۳۰۵ در تهران از پدر و مادری آذری الاصل) دانشمند و مخترع ایرانی است. وی اولین لیزر گازی دنیا که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون است و به همین نام نیز معروف است را اختراع کرد. این لیزر از نوع لیزرهای بی خطر به حساب می‌آید و رنگ آن سرخ است. این لیزر در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای بررسی پدیده‌هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.

پیشینه:

علی جوان پس از گذراندن تحصیلات در دبیرستان البرز، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران داد. سپس در سال ۱۹۴۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت می‌کند و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه می‌دهد. وی در سال ۱۹۶۴ با درجه دانشیاری به عضویت هیات علمی موسسه فناوری ماساچوست (MIT)در آمد. وی در حال حاضر استاد بازنشسته موسسه فناوری ماساچوست در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. گرایش وی در فیزیک، اتمی - مولکولی و اپتیک است.

او در MIT یک تحقیق بزرگ را پایه گذاری کرد که باعث ایجاد بزرگترین تحقیق لیزری در دهه های شصت و هفتاد میلادی شد. بسیاری از بنیان های اولیه در استفاده از لیزر در آنجا به وقوع پیوست. این بنیان ها شامل؛ ابداعات زیادی در زمینه اسپکتروسکوپی لیزری بصورت Sub-Doppler ؛ اولین استفاده از لیزر برای آزمایش دقیق نسبیت و ایزوتروپی در فضا؛ ابداع تکنولوژی اندازه گیری فرکانسی دقیق در طیف نوری و اولین ساخت ساعت های اتومیک لیزری می باشند.

پروفسور جوان در زمینه های تازه تحقیق مانند پژوهش اخیرش برای جستجوی اثرات هدایت نورهای هم جهت شونده توسط یک آنتن نوری به سوی اندازه نانو از ماده فعال است.

او در تحقیقات گسترده ای از لیزرهای پرانرژی و رادارهای مولتی استاتیک

لیزری که توسط ساعت های نوری دقیق کنترل می شود، گرفته تا لیزرهای تشخیصی پزشکی شرکت داشته است. پایان نامه های تحقیقاتی بسیاری از دانشجویان فیزیک تحت نظر او بوده است.

برای تحقیقات در زمینه لیزرهای گازی، پروفسور جوان در سال ۱۹۶۴ مدال Stewart Ballentine، در سال ۱۹۶۶ مدال Fany & John Hertz Foundation در سال ۱۹۷۵ مدال Fredrick Ives و در سال ۱۹۹۳ مدال جهانی آلبرت انیشتین را دریافت کرد.

او عضوی از آکادمی ملی علوم و آکادمی هنر و علم آمریکا و عضو افتخاری موسسه Trieste برای ترویج علوم می باشد. در سال ۱۹۶۶ او به عنوان Guggeheim Fellow و در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۵ به عنوان Humbolt Foundation Fellow شناخته شد.

افتخاراتپ:

•در سال ۱۹۶۰ وی موفق به اختراع لیزر گازی شد.

•این فیزیکدان ایرانی در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین نشان انجمن نورشناسی آمریکا یعنی مدال فردریک ایوز را دریافت کرد. در جمله‌ای که در کنار این نشان حک شده‌است از آقای جوان به خاطر «پدید آوردن یک دستگاه نورشناختی (لیزر گازی) با کاربردهای بی‌سابقه در پژوهش‌های علمی» قدردانی فراوان شده‌است.

•علی جوان در سال ۱۹۹۳ جایزهٔ علمی جهانی آلبرت اینشتین را دریافت نمود.

•او همچنین در سال ۲۰۰۷ رتبه دوازدهمین آدم باهوش را در جهان کسب کرد.

جوزی، حافظ ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد بن فضل بن علی بن احمد قرشی طلحی بستی جوزی ملقّب به قوام السنهٔ. از مشاهیر علمای اهل سنّت، و از اساتید سمعانی است.

سمعانی در کتاب انساب گوید: الجوزی (به ضمّ جیم) به زبان اصفهانی به معنی جوجه است، و صاحب عنوان در اصفهان بدین نام شهرت داشته است. متولّد ۴۷۵، فوتش در سال ۵۳۵ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جولانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی تالهی جولانی از علماء و ائمه جماعت و زهاد معاصر همدانست.

این بزرگوار که اکنون عمر شریفش از هشتاد متجاوز است. در محله جولان همدان متولد شده و در همدان و غیره تحصیل علم و کمال نموده و پس از آن به خدمات دینی از امامت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته و از غالب اجتماعات و معاشرتهائی که غالبا بر ضرر انسان تمام می‌شود کناره‌گیری و اجتناب نموده است .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جویباره‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و مرجع مرافعات در اصفهان بوده، در دوم شوال ۱۲۶۱ متولد، و در صبح شنبه ۲۰ ذی حجه‌ی سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در تکیه‌ی فاضل سراب مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جهرمی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمدباقر جهرمی از افاضل علماء زمان خود و اصلش از جهرم ولی مقیم کربلاء معلی و معروف به حکیم بود برای او تقریظ نفیسی بر (شرح اشارات) خواجه نصیرالدین طوسی دارد که تاریخش (۱۲۵۵) قمری و از آن کمال فضل تبحرش معلوم می‌گردد. وی بعد از آن از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جیلانی اصفهانی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و فقیه جامع، در متولد شده، پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده، و سال‌ها به تکمیل فضایل و معلومات خود گذرانیده. در نجف به درس سید بحر العلوم و دیگران حاضر شده.

کتب زیر از اوست:

۱- اصل الاصول، در شرح معالم، مفصل ۲- جواهر الاصول، حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح ۳- حواشی بر دره‌ی بحرالعلوم ۴- رساله در جمعه ۵- کشف المدارك، تعلیقه بر مدارك، مطبوع ۶- اللثالی الثمنیهٔ در شرح نهج‌البلاغه؛ و غیره.

صاحب عنوان در حدود سال ۱۲۴۵ به بعد در نجف وفات یافته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

چرندابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدعلی چرندابی تبریزی از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در حدود ۱۳۳۴ ق در محله چرنداب تبریز متولد شده و پس از طی دوران صباوت و پرورش صحیح مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوه کمری و بعض دیگر استفاده نموده سپس هجرت به نجف اشرف و چندی از دروس و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند شده و بواسطه عدم مساعدت هوا به ایران مراجعت و چندی از آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران مستفیض و بنابر اصرار و تقاضای عده‌ای از مومنین تبریز بوطن برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره پرداخته تا در سال ۱۳۷۶ قمری که بواسطه جهانی منتقل به تهران و تا اکنون به اقامه جماعت و وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای چرندابی دانشمندی ظریف و با تقوا و خوش مجلس و خوش سفر می‌باشد. در سال ۱۳۵۹ ق سفری در مصاحبت ایشان بقصد عراق نموده و حدود دو ماه از محضرشان استفاده خاطره‌های شیرین و عجیبی از آن سفر دارم که از آنها حادثه طوفان آبادان و خرمشهر و بصره و حومه آنها بود که در آن طوفان میلیونها خسارت مالی به ایران و عراق وارد و در اول طوفان ما بر بلم کوچکی سوار و از عراق به ایران برمی‌گشتیم که هوا منقلب و اگر لطف و ترحم پروردگار شامل حال این حقیر و مترجم محترم نشده بود غرق آن طوفان و طعمه کوسه ماهی‌ها و نهنگ‌های خلیج فارس شده بودیم بخاطر دارم که معظم له با حال عجیب و اضطراب غریبی متوسل بذکر غریق شده و مرتبا میگفت: (نجاه منك یا سید الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم اللّه الرحمن الرحیم) پس خداوند مهربان بفضلش ما را از غرقاب و آن طوفان شدید نجات بخشید و الحمد لله رب العالمین.

و چون بساحل رسیدیم و در منزل میزبان خود وارد شدیم و شب را در آنجا ماندیم ثلثی از شب نگذشته بود که دیدیم آب از زمین اطاق می‌جوشد تا آمدیم حرکت کنیم که تمام اطاقها و منزل و کوچه‌ها و نخلستانها و خلاصه همه آن محیط را آب فراگرفت ناچار چند شبانه روز در کشتی بسر بردیم تا بعد از پانزده روز که آب فرونشست و ما از آنجا حرکت نمودیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاج آخوند، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم آقاحسین بن العلامه حاج ملا غلامرضای قمی چهارمین فرزند آن مرحوم از علماء باتقوا و فضیلت قم بوده‌اند تولدش در قم واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده تا دعوت حق را لبیك اجابت گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج آخوند، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالهادی بن العلامه حاج ملاـ غلامرضا دومین فرزند آن مرحوم از علماء بارع و متین قم بوده که در خاندان علم و کمال نشو نما یافته و از محضر آیات عظام حایری و حجت و خونساری و فیض و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و با کبر سن و قد خمیده‌اش از شرکت در دروس حضرات کوتاهی نمی‌کرد تا در اواخر ریاست مرحوم آیت‌الله بروجردی رحلت نموده و در قبرستان شیخان مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج آخوند، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقامحمد بن العلامه حاج ملا غلامرضا سومین فرزند آن مرحوم است که در دامن علم و کمال تربیت نموده و سالها از محضر آیات عظام حوزه علمیه مانند دو برادر گذشته‌اش استفاده نموده تا به سرای جاوید منتقل شده است.

مولف گوید بیت مرحوم آیه‌الله حاج ملا غلامرضا بیت علم و فضل و معنویت و از بیوتات شریفه شهرستان قم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج فاضل، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی معروف به (حاج فاضل) از علماء اعلام و مدرسین گرام و حکماء فحام معاصر مشهد بوده است.

شرح کمالات این علام ربانی هنوز زبانزد دانشمندان خراسانست و مردمی که از بیانات او استفاده کرده‌اند هم اکنون در قید حیوتند.

بسیاری از علماء حاضر خراسان خود را از شاگردان ایشان معرفی می‌کنند.

آقای مروج در سوانح می‌نویسد: وی در روز دوشنبه ششم ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ ق وفات و در مقبره خالصی مدفون در ماده تاریخش چنین سروده.

سال تاریخ حاجی فاضل

آن حکیم و فقیه با ایمان

ساعد از گفته شفیق نوشت

بهر تاریخ فوت (یا غفران)

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج معتمد، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل معروف به (حاج معتمد) خراسانی که از وعاظ و منبریهای محترم تهرانست.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حافظیان، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن حافظیان خراسانی از روحانیون و دانشمندان متقی کراچی می‌باشد.

وی در مشهد مقدس متولد شده و در بیت سیادت پرورش یافته و از محضر مرحوم جمال‌السالکین آقای حاج شیخ حسنعلی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی اصفهانی غروی و دیگران استفاده و کسب فیض نموده مخصوص در قسمت علوم غریبه و ادعیه محربهٔ زحمات فراوان کشیده و بیش از سی سالست که برای خدمت بیشتری به کراچی در پاکستان رفته و در ضمن تجارت انجام وظیفه نموده است.

اکثر مردم کراچی از ایرانی و هندی اعتقاد مخصوصی بدعاء و نفس او دارند از باقیات الصالحات و آثار اوست ضریح نقره و طلاکاری حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) که به نقشه‌ی و همت والای او و کمک مردم و بودجه خود حضرت رضا (ع) ساخته و بر روی قبر مطهر نصب گردید و قبلا ضریح فولادین داشت که جلب نظر نمی‌نمود

و دیگر تأسیس و توسعه انجمن کراچی و صندوق اعانات و اکنون ریاست انجمن بعهده معظم له می‌باشد

عارف.

تولد: ۱۲۸۲، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۰، مشهد.

سید ابوالحسن حافظیان مشهدی ابتدا به فراگرفتن ادبیات و ریاضی و طب قدیم و نجوم و هیئت و فقه و اخلاق پرداخت، لیکن به زودی وارد ریاضیات و تحصیل علوم غریبه گشت.

حافظیان، در حوزه‌ی مشهد با آیت‌الله مجتبی قزوینی آشنا شد و از طریق ایشان بود که با ذکر مقامات و کرامات و علوم سید موسی زرآبادی، وی را متوجه‌ی ایشان کرد. و همین باعث شد تا حافظیان به راهنمایی و همراهی مجتبی قزوینی در سال ۱۳۴۸ ق. به قزوین مسافرت کند و به محضر سید برسد و به کسب مراحلی نایل آید.

سید ابوالحسن حافظیان سال‌ها در یکی از حجره‌های فوقانی صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب)- حجره‌های رو به قبله، در سمت شمال شرقی- به عبادت و ریاضت اشتغال داشت. از آثار ایشان، یکی لوح محفوظ است و دیگری کتابی در شرح آن و نیز لوح

جنةالاسماء که با دقت و زیبایی نوشته است.

همچنین ضریح مبارک حضرت امام

رضا (ع) از آثار حافظیان است. ایشان سال‌ها پیش، به فکر تعویض ضریح قبلی- که فرسوده شده بود- افتاد، و پس از اتمام ساختن ضریح، به وسیله هنرمندان اصفهانی و مشهدی، و انتقال ضریح سابق به موزه‌ی آستان قدس رضوی، ضریح جدید نصب گردید و به روز نیمه شعبان سال ۱۳۷۹ ق.، از آن پرده‌برداری شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالدین حایری از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر شیراز است.

وی پس از تولید و پرورش در حجر علم و تقوا مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ استفاده نموده و پس از آن به شیراز آمده و به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تالیف پرداخته و در دوران خدمتش ابتلاءاتی پیدا نموده و گرفتاریهائی داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حایری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسین بن آقا سید علی بن سید جواد بن حسن بن سلمان بن درویش بن احمد آل طعمه موسوی حایری متولد ۱۲۹۹ و متوفی ۱۳۸۰ ق فاضلی جلیل و ادیبی متقی بوده است و آل طعمه از خاندان مجد و جلال کربلا و از خزان و خدام آستان قدس حسینی بوده‌اند و از همین سلسله است جناب سلالة السادات الاطیاب حاج سید عبدالمهدی بن حاج سید عباس معاون التولیه آل طعمه موسوی مقیم تهران که از تجار خیر می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن ملا آغابابا حایری عالمی متقی و فاضلی جلیل بود و در سال ۱۳۲۵ ق وفات نمود

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حائری بروجنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ابوالقاسم بن حسن حسینی بختیاری.

عـالم فاضـل، از شـاگردان فاضـل اردکانی و شـیخ زین العابـدین مازنـدرانی بوده، و در صـحن حضـرت اباالفضل علیه السـلام اقامه جماعت می‌فرموده. در ۱۳۲۰ و اندی به ایران مراجعت نموده و در نزد عوام و خواص، محترم و به وظایف شرعی قیام فرموده.

در ۱۳۳۹ وفات یافته. [در تکیه ی ملک در تخت فولاد مدفون است].

تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته ی تحریر درآورده است.

وی را دو برادر عالم است:

۱- سید علی (فوت ۱۳۱۲.)

۲- سید محمّد. هر دو از علما و فضلا بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حائری شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید حسین بن سید محمدرضا حسینی حایری شیرازی عالمی فاضل از شاگردان شیخ فضل‌اللّه نوری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الحائری المعروف (به کتاب فروش) متوفی حدود ۱۳۰۷ قمری و مدفون در زاویه صحن شریف نزدیک شبکه سرداب.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حبیب آبادی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا اسماعیل، عالم فاضل، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای بوده، و در ۱۲۸۳ متولد، و در ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۳۵ در مشهد مقدس در سفر زیارت وفات یافته و مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حجازی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرسول حجازی برادر معظم آقای حجازی که در غرب تهران حدود سلسبیل اقامت و به خدمات دینی اشتغال دارد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حجازی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر سید عبدالرضا حجازی از مشاهیر خطباء و گویندگان و معاریف وعاظ و نویسندگان عصر حاضر می‌باشد. در تهران و تمام نقاط کشور شهرت بسزائی دارند.

معظم‌له دارای بیانی شیرین و منطقی شیوا و علمی می‌باشند این واعظ عالیقدر به زبان عصری داد سخن می‌دهد و تمام طبقات مردم را از عالم و عامی و دیروزی و امروزی بخصوص نسل جوان را بهره‌مند می‌سازد.

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهرضای اصفهان متولد گردیده و پس از خواندن دروس جدید و مقدماتی به اصفهان آمده و مدت سه سال از محضر مرحوم حجه‌الاسلام عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی استفاده کرده و در سال ۱۳۲۹ شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیده است.

و پس از تکمیل نمودن سطوح عالیه از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌الله العظمی مجاهد امام خمینی استفاده کرده ایشان معقول و تفسیر قرآن را نزد علامه بزرگ آقای طباطبائی تبریزی فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ به تهران آمده و در راه انتشار اسلام و تبلیغ احکام به اشتغال ورزیده است.

این واعظ گرامی در اثر نبوغ و استعداد ذاتی و تحقیقات علمی که دارد در شمار وعاظ نامی کشور درآمده است. استاد حجازی گوینده مجاهدیست که در این پست حساس مصائب فراوان و سوانح زیادی را تحمل کرده و مورد غبطه بسیاری قرار گرفته است. وی دوره لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دوره دکترا را در دانشگاه آنکارا طی نموده است و نه تنها از رهگذر خطابه و سخنرانی خدمات شایانی به اسلام کرده استبلکه با قلم شیوای خود نیز افکار نسل جوان را روشن و متوجه بمبانی اعتقادی و دینی نموده است.

آثار علمی ارزنده ایشان که به طبع رسیده و مورد استفاده عموم مخصوص نسل جوان و تحصیل کرده می‌باشد از این قرار است ۱- کتاب سیستم اقتصادی اسلام پیرامون مبادی اقتصادی و روشهای عالی اسلام و اولین کتابیست که در سال ۱۳۳۸ شمسی به زبان پارسی در این رشته به تحریر آمده است.

۲- کتاب رسالت قرآن در عصر فضا و از جمله شاهکارهای علمی و ادبی فارسی است که در طی یکسال سه مرتبه به چاپ رسیده و پر تیراژترین کتاب اسلامی است که در این چند سال اخیر منتشر شده است و اخیرا آقای سید علی که یکی از فضلاء نجف است آن را به عربی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجازی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی از علماء محترم معاصر شهرضا هستند که در آنجا به امامت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حجت، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا سید حسن بن العلامه السید محمد الحجه الکوه کمری دومین فرزند آن مرحوم دارای مقام علم و کمال است که در سال ۱۳۴۲ قمری در تبریز متولد و در سال ۱۳۴۹ در خدمت والدش به قم مهاجرت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به درس خارج پدر شرکت نموده و هم از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و تاکنون که به تدریس اشتغال دارد. دارای تالیفاتی در فقه و اصول می‌باشند که بعضی به طبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجتی کرمانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی کرمانی دومین فرزند روحانی آن مرحوم است. وی نیز در کرمان دیده به دنیا گشوده و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و ادبی در مدرسه معصومیه کرمان پرداخته و برای تکمیل رهسپار قم و سطوح را از اساتید حوزه تکمیل و به درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه امام خمینی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌اللّٰه گلپایگانی شرکت و هم فلسفه و تفسیر را نزد استاد علامه طباطبائی خوانده و مدت دو سال هم در نجف اشرف اقامت و از آیات عظام آنجا استفاده نموده و جمعاً بیش از بیست سال در قم اقامت و اشتغال به تحصیل و تدریس و تألیف داشته تا یکی از گویندگان و نویسندگان مشهور حوزه علمیه گردیده و هم از اعضاء هیئت تحریریه مجله وزین مکتب اسلام بوده است

معظم له در سال ۱۳۴۳ شمسی با بیت اصیل و شریف آیت‌اللّٰه صدر وصلت و به مصاهرت و دامادی حضرت حجهٔ‌الاسلام

والمسلمین حاج سید رضای صدر دامت برکاته درآمده و در سال ۱۳۵۱ شمسی منتقل به تهران گردیده و اکنون به عللی در کرمانشاه بسر می‌برند.

دارای تألیفات عدیده می‌باشند که از آنها کتب زیر به طبع رسیده و یا آماده برای طبع می‌باشند ۱- اسلام و تبعیضات نژادی ۲- اسلام آئین زندگی ۳- فاجعه تمدن و رسالت اسلام ۴- چهارده استان ۵- اسلام و فرهنگ قرن بیستم ۶- عقل و احساس ۷- تاریخ و علوم قرآن ۷- زن و انتخابات ۸- بلاهای اجتماعی قرن ما (این دو کتاب اخیر ۸ -۷ به همکاری چند تن از دانشمندان مانند جناب آقای عمید زنجانی و زین‌العابدین قربانی به رشته تحریر درآمده است)

۹- عصر امتیاز ماشین ۱۴ -۱۰ مقاله ۱۲ -۱۱ داستان و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجتی کرمانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد حجتی کرمانی که از دانشمندان و افاضل نویسندگان و بنام حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در کرمان متولد شده و در حجر والد چنان پدری پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در مدرسه معصومیه کرمان از مرحوم والدش و آیت‌اللّه صالحی و دیگران فراگرفته آنگاه عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده و فلسفه را نزد استاد علامه طباطبائی فراگرفته است

نگارنده گوید: آقای حجتی از دوستان نزدیک حقیر است و از سال ۱۳۷۱ قمری که به کرمان تبعید شدم و به امر مرحوم والدش به دیدنم آمده و مأنوس بوده‌ایم ایشان را به تقوا و کمالات و فضائل اخلاقی و انسانی شناخته‌ام دارای آثار ارزنده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد ۱- اسرار سقیفه ۲- جلوه مسیح در پیرامون مسیحیت. ترجمه سه جلد تفسیر (المیزان) و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حججی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد حججی از علماء و ائمه جماعت معاصر آبادان است. وی در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهرستان نجف آباد متولد گردید و تحصیلات ابتدائی خود را در آنجا به اتمام رسانیده و در اثر پیش‌آمد فوت والدش به امر و راهنمائی عمویش حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ ابوالقاسم عزیمت به قم نموده و در حوزه علمیه قم به معاونت حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمدحسین موحد (عمه‌زاده خودش) مقدمات و سطوح عالیه را به اتمام رسانیده و مدتی از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و برحسب درخواست عده‌ای از مومنین و ساکنین آبادان رحل اقامت در آن شهر صنعتی افکنده و در آنجا به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حججی، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد حججی از علماء محترم و ائمه جماعت فعال شهرستان میانه است.

وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در میانه متولد شده و دوران تحصیلات ابتدائی را در دبستان میانه گذرانیده سپس در سن ۱۷ سالگی موفق به ورود در سلک سربازی حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه‌الشریف گردیده و مدت کوتاهی در میانه تحصیل مقدمات نموده و در سال ۱۳۶۶ قمری به قم مهاجرت و از محاضر اساتید عالیقدر آقای حاج میرزا مسلم سرایی و آقای حاج میرزا علی مشکینی و آقای حاج شیخ نصرت میانه‌چی و بعد سطوح عالی را از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا محمد مجاهدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی استفاده نموده و بنابر درخواست اهالی میانه و امریه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی (بمیانه) وطن خویش مراجعت و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و تدریس و غیره پرداخته است آثار و خدمات ایشان از این قرار است.

۱- تعلیم و تربیت محصلین علوم دینی ۲- تأسیس کتابخانه برای مطالعه عموم داشن پژوهان در سال ۱۳۸۲ ق در جنب مدرسه طلاب دینی در زمینی به مساحت ۳۵۰ متر دارای سالن مطالعه و مخزن و کریدور حیاط مجزا و وسائل لازمه و جمع‌آوری کتب سودمند و مورد استفاده همگانی.

۳- تجدید بنای مسجد حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام (مشهور به کربلائی تقی) به اضافه تأسیس یک قرائت خانه فوقانی مجزا و دارای کتب و وسائل لازم آن و بهره‌برداری از آن از سال ۱۳۸۷ ق شده است.

۴- تأسیس مکتب قرآن مجید در ماه‌های تعطیلی (سه ماهه) برای آشنا ساختن جوانان به قانون آسمانی قرآن و احادیث و تربیت اخلاقی آنان و تشکیل کلاسهای متعدد بهمین منظور که از سال ۱۳۸۸ ق شروع به کار کرده‌اند.

۵- تجدید بنای مسجد مرحوم حاج سید حسین و تکمیل آن در سال ۱۴۹۰ ق گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفهٔ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاهٔ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الاَسرار لسلّاك الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّة

رساله رؤیا

من کیستم

رسالة فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسک حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعهٔ الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفهٔ العسجدیّهٔ فی آلاتٍ رصدیّهٔ

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفهٔ الأجِلّهٔ فی معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج

رسالة فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعلیق شرح جغمینی

تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس

تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس

تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاة

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد

- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است

- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟

- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!

- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟

- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!

- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود ؛و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ;و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ;» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی بسطامی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرسول بن العالم الجلیل ملا فضل‌الله بسطامی بن العلامه ملا نور محمد (از اعاظم شاگردان مرحوم حجه‌الاسلام شفتی اصفهانی) میباشد. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در بسطام متولد شده و پس از رشد در سال ۱۳۴۸ قمری برای تحصیل بقم آمده و ادبیات را از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیه‌الله حاج شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی و آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله حاج میرزا شهاب همدانی و مرحوم آقا شیخ حسین گیلانی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی بپایان رسانیده و از درس خارج مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله خونساری و دیگران استفاده نموده و پس از دوازده سال توقف در قم در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به بسطام نموده و تاکنون بتلبیغ احکام و ترویج دین و اقامه جماعت اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل فرزند آقا سید ابوالقاسم حسنی نجف‌آبادی از علماء و فضلاء روشن فکر و با تدبیر نجف‌آباد بوده است. وی در سال ۱۳۰۳ شمسی در نجف‌آباد چشم به دنیا گشود و بعد از نشو و نما و پرورش در بیت سیادت و تحصیلات ابتدائی به اصفهان رفته و مدت سه سال در مدرسه جده بزرگ مشغول به مقدمات بوده تا اینکه در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه را خدمت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ اسداللّه نوراللهی و حجهٔ‌الاسلام حاج سید مرتضی علوی فریدنی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد فکور و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد جبل العاملی فراگرفته و در درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده و از آیت‌اللّه امام خمینی بهره نموده و برای ارشاد مردم به تبلیغ اسلام و ترویج احکام به اطراف اصفهان و محال بختیار و غیره مسافرت و

خدماتی از قبیل بناء مساجد و حمام و راه‌سازی و آب لوله‌کشی و غیره نموده تا در جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ قمری که به جرم دفاع از سالار شهیدان حضرت اباعبداللّه الحسین (ع) از طرف حامیان نویسنده کتاب ضد مقام علمی و ولایتی آن حضرت و خاندان جلیل رسالت (کتاب شهید جاوید) به واسطه ضربات چوب که بر گردن ایشان اصابت کرده بوده مریض شد و یکسال بعد از ضربات مانند اجداد طاهرین خود شهیدا از دنیا رفته و به اسلاف پاک خود ملحق و به رحمت حق پیوست. اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک. اللهم العنهم جمیعا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسنی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر حسنی فرزند آقاحبیب‌اللّه از فضلاء روشنفکر و اعضاء رئیسیه مجله وزین مکتب اسلام می‌باشند.

وی چنانچه مرقوم فرموده‌اند در اسفند ماه ۱۳۱۷ شمسی در پرشکوه لنگرود گیلان به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی جدید را در محل به اصرار و تاکید پدر متدین و متعبد و پرهیزکارش برای تحصیل علوم دینی در سال ۱۳۳۲ شمسی عزیمت به قم نموده و در مدرسه (خان) آیت اللّه بروجدری و بعد مدرسه ملاصادق پس از آن فیضیه و دارالشفا اقامت و به تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح پرداخته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی شرکت و جزوه تقریرات درس ایشان را نوشته و قسمتی از اسفار را از محضر علامه طباطبائی استفاده نموده و مدت دو سال هم از درس خارج امام راحل (ره) بهره‌مند گردید و نیز تا سال ۱۳۵۷ شمسی اوائل انقلاب در دروس خارج مراجع بزرگ و معروف آن عصر شرکت نموده و خود به تدریس سطوح متوسط پرداخته و همزمان با آن عضویت شوراء نویسندگان در راه حق و نیز از سال ۱۳۵۰ -۱۳۶۹ شمسی به عضویت هیئت تحریریه مجله وزین مکتب اسلام نشریه حوزه علمیه قم درآمده که هنوز هم ادامه دارد و چند سال نیز به عنوان مدیر داخلی مجله مزبور فعالیت داشته است.

آقای حسنی از اول انقلاب خالصانه در دانشگاه اسلامی اشتغال به تدریس داشته و خدمات بسیاری نموده‌اند. و هم در مدرسه عالی قضائی و تربیتی طلاب قم و مجتمع آموزش عالی قضائی علوم اداری قم و دانشکده سپاه قم به تدریس مشغول و هم در دانشگاه آزاد قم اشتغال به تدریس دارند و هم در مدرسه علمیه حقانی مشغول می‌باشند و هم در کمیته تألیف و اصلاح کتابهای درسی دانشگاه فعالیت علمی و تحقیقی دارند.

آثار علمی و تألیفات آموزنده آقای حسنی

علاوه بر مقالات متعدده در مؤسسه راه حق و مجله صف وابسته ارتش پس از انقلاب و مقالات متعدد مکتب اسلام و سایر مجلات تألیفات دیگری دارند که یادآور می‌شوم.

۱- سازش دین و دانش

۲- ترجمه اسلام در سر دو راهی به اتفاق یکی از افاضل

۳- مسائل از دیدگاه اسلام با همکاری برخی از دوستان

۴- شیعه از دیدگاه پیامبر اسلام ترجمه و نگارش

۵- نقش سیاسی و تاریخی فدک ترجمه الفدک آیت‌اللّه صدر

۶- امام چهارم پاسدار انقلاب خونین کربلا

۷- پدیده‌های اسرارآمیز

۸- سفری به اعماق وجود انسان

۹- تکوین شخصیت

۱۰- اسلام و سیاستهای استعماری این کتابها عموما قبل از انقلاب به طبع رسیده است.

۱۱- نظری به قوانین اسلام

۱۲- جزوهای بسیار دیگر که در دانشگاه طهران تکثیر نشر شده است و نیز کتب و جزوات دیگری که از یاد آن خودداری شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسین سبزواری، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن سید محمدتقی بن سید محمدکاظم حسینی سبزواری عالمی متبحر و فاضلی متقی از اجلاء و اعلام اهل فضل در معقول و منقول و فقه و اصول و طب و ریاضیات و حکمت و غیرها مضافاً بر این معلمات، بسیار محتاط و متقی و زاهد و صالح بوده است.

وی در شب ۲۸ ماه صفر ۱۳۳۸ ق در کاظمین از دنیا رفته و در حجره قبلی در زاویه شرقی سحن شریف مدفون شده است.

دارای ۳ فرزند صالح به نام ۱- سید محمدتقی متوفی ۱۳۸۴ ق

۲- سید هاشم

۳- سید محمدسعید تاجر بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی استرآبادی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۵ ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ امامی و از شاگردان محقق کرکی بود. از آثارش: «تاویل الایات الظاهر فی فضل العتره الطاهره» یا «الایات الباهره»؛ «الفوائد الغرویه» در شرح «الجعفریه» استادش محقق کرکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵۳ -۳۵۲ /۱۶، ۳۰۵ -۳۰۴ /۳، ۴۶/۱)، ریحانه (۱۹۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ ۱۴۵/)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۳۳/۷)، هدیه العارفین (۷۴۵، ۷۴۷ /۱).

حسینی اشکوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از برزگان آن سامان به اتمام رسانده. و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و دهها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:

۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.

۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.

۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.

۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.

۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.

۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.

۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.

۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.

۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.

از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند

۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.

۲- رابطه العالم الاسلامی.

و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:

۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

۲- المفصل فی تراجم الاعلام.

۳- حدیث جوله.

۴- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.

۵- معجم الاعلام الامامیه.

۶- مولفات الزیدیه.

۷- قضیه حیاتی.

۸- من کل لون (از هر رنگی).

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.

۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی.

۱۱- اجازات الحدیث.

۱۲- معجم المولفات القرانیه.

۱۳- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اصبهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن محمدرضا بن علی بن محمد الحسینی اصبهانی نجفی متولد ۱۲۸۷ ق و متوفی ۱۳۴۴ قمری که در ماده تاریخش علامه

سماوی سروده است.

و کالحسین بن محمدالرضا

ابن علی الحسینی مضا

من اهل اصبهان سکان النجف

و من ذوی العلوم فیها والزلف

جاهد فی الولا و زار واعتصم

فارخوا (فی العمل الجهد ختم)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی تویسرکانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شریف بن سید محمدطاهر حسینی تویسرکانی متوفی روز عرفه ۱۳۲۲ ق و مدفون در رواق مطهر سمت پائین پای مبارک.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی خاتون آبادی، محمد صادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و دانشمندان در ۱۱۴۰ وفات یافته، قبرش در تکیه‌ی خاتون‌آبادی‌ها است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی رشتی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن سید کاظم بن سید قاسم حسینی رشتی عالمی ادیب بوده و در سال ۱۲۹۵ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی زرندی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود حسینی زرندی از فضلاء این سامان بوده و سالهای متمادی در حوزه علمیه قم کسب علم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه مانند آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی و دیگران فراگرفته آنگاه به تهران منتقل و به خدمات دینی مخصوص تألیف و تحشیه و تصحیح کتب و تفاسیر پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در آنجا وفات و در قم به خاك رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی سبزواری، اسداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّٰه بن سید عبدالکریم بن سید عبداللّٰه بن سید علی حسینی سبزواری الاصل ساکن دولت‌آباد اصفهان بوده و در حدود ۱۳۰۳ قمری در کاظمین از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین حسینی شاهرودی سومین فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی قدس‌اللّٰه سره می‌باشند که در حدود سال ۱۳۲۳ شمسی در نجف اشرف دیده به دنیا گشوده و در حجر والد بزرگوار و والده ماجده‌اش صبیه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری پرورش یافته و مقدمات را از اساتید حوزه نجف مانند آیت‌اللّٰه حاج سید کاظم حایری خوانده و سطوح عالیه را از مدرسین آن سامان فراگرفته و در درس خارج برادر بزرگوارش حضرت آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمد شاهرودی شرکت و فقه و اصول را از آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّٰه صدر شهید استفاده نموده، تا در سال ۱۳۹۴ ق که از طرف حکومت یزدی عراق تسخیر به ایران گردیده و مانند برادر بزرگوارش مقیم حوزه علمیه قم شده و به تدریس سطوح عالیه کفایه و مکاسب پرداخته و در ابحاث و دراسات برادرش نیز شرکت نموده و می‌نماید. به فضل و دانش و تقوا موصوف می‌باشند و در غیاب برادر عزیزش در حسینیه نجفیهای قم به جای معظم‌له اقامه جماعت نموده و مورد توجه خاص معاودین محترم و غیره می‌باشند.

نگارنده بارها از ایشان خواستار شدم که ترجمه خود را به نگارنده به جهت پارسائی اجابت ننموده تا بعد از مدتی چند سطری مرقوم داشتند که تلخیص آن را نگاشتم.

از تألیفات ایشان تقریرات بحث برادر بزرگوارشان آیت‌اللّٰه حاج سید محمد شاهرودی که جزو اول آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسینی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی شاهرودی در سال ۱۳۴۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از تربیت و نشو در بیت علم مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف خوانده و به درس خارج والدش رفته و سالها استفاده نموده و آنگاه به اداره امور و کارهای والدش قیام و به قضاء حوائج مراجعین حتی‌المقدور و تا آنجائی که امکانات ایجاب می‌کرد مبادرت می‌نمود و در حال حاضر نیز این دو برادر درب منزل والد را باز و مانند زمان حیاهٔ آن مرحوم رفت و آمد برقرار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن سید هدایهٔ‌اللّه بن سید عنایهٔ‌اللّه بن اسماعیل بن هدایهٔ‌اللّه بن عنایهٔ‌اللّه حسینی شیرازی معروف به دستغیب عالمی جلیل و فاضلی متقی از اولاد زید شهید و علماء بزرگ و معروف شیراز بوده و در مسجد حاج میرزا کریم اقامت داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، فضل‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر فضل‌اللّه بن محب‌اللّه حسینی شیرازی متوفی ۱۰۴۳ ق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی صدرالدین، یونس

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی و مدرس. از مدرسان و دانشمندان معاصر شاه طهماسب صفوی بود که سالها در مدرسه‌ی سبز برامان و مدرسه‌ی بدیعیه و مدرسه‌ی غیاثیه هرات به تدریس اشتغال داشت. وی در روزگار چیرگی محمدخان شیبانی بر دیار خراسان، به منصب احتساب آن سامان گماشته شد. مدتی نیز منصب شیخ‌الاسلامی بلخ را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۵۲ / ۴).

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین حسینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.

دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (۱) حاشیه بر معالم الاصول (۲) کتاب شواهد که شرح مطول است (۳) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.

از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللبیب را با تفسیر صغیر عروة‌الاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.

وی در سال ۱۱۳۴ ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حسین حسینی همدانی از افاضل معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ شمسی در یکی از قراء همدان به نام (دمق) متولد شده و پس از خواندن درس ابتدائی برای فراگرفتن علوم به شهر همدان مهاجرت و پس از دو سال اقامت در همدان و کرمانشاه و قم و تکمیل ادبیات در سال ۱۳۴۱ شمسی به نجف اشرف مشرف شده و سطوح عالیه را از محضر اساتید عظام فراگرفته مخصوصا منطق را در خدمت فیلسوف عالی مقام و محقق والامقام مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ صدرا که در معقول وحید عصر خود بود استفاده نموده و در این علم کتابهای مختلف علم منطق در سن بیست سالگی بین طلاب مشهور معروف گردیده و عده‌ای از طلاب نجف و قم از دروس وی استفاده نموده‌اند آقای حسینی پس از ده سال اقامت در نجف اشرف و استفاده از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی دام‌ظله در اثر ناهنجاری اوضاع عراق به ایران و قم مشرف و تاکنون به تدریس سطوح وسطی و استفاده از محضر آیات عظام اشتغال دارند دارای آثار ارزنده زیر می‌باشند.

۱- کتاب (المحاکمه فی القضاء) تقریر درس آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد طاهر خاقانی (آل شبیر).

۲- الاجاره تقریر درس آیت‌اله حاج سید علامه فانی اصفهانی غیر مطبوع.

۳- شرح حاشیه ملا عبداللّٰه غیر مطبوع.

۴- یادداشتهائی در علم منطق که مشتمل بر مباحث مشکله علم منطق می‌باشد.

۵- نوشته‌هائی در فقه و اصول غیر مطبوع.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید ابوالحسن بن السید الجلیل مرحوم حاج میر باقر بن میر محمد بن سید یوسف حفید برادر آیه‌الله آقا سید عبدالغفار مذکور از علماء معاصر بابل و فضلاء با تقوا حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه درزی کلاء بابل متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در شهرستان بابل خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بمشهد مقدس مشرف شده و مدت ۹ ماه در آنجا توقف و بواسطه بروز جنگ بین‌المللی و ورود متفقین بایران با مشکلاتی روبرو شده که ناچار بوطن برگشته و مدت یکسال یا بیشتر توقف و مواجه با گرفتاریهای زیادی شده تا والدش وی را بقم آورده در سال ۱۳۶۳ قمری و شروع بتحصیل نموده و سطوح اولی و متوسط را نزد اساتید حوزه خوانده و سطوح عالی فقه و اصول را از محضر آیه‌الله آقای سلطانی بروجردی و آیه‌الله صدوقی و آیه‌الله فکور یزدی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران استفاده کرده و ضمنا تدریس ادبیات و سطوح متوسط و عالی را نموده و در زمان آیه‌الله العظمی بروجردی امور طلاب و محصلین مازندرانی از قبیل تقسیم شهریه و غیره بایشان محوّل بوده و مدت هیجده سال در قم اقامت و اشتغال بتحصیل و تدریس داشته تا اواخر سال ۱۳۳۹ شمسی که بموجب دعوت و اصرار اهالی شهرستان بابل و حسب‌الامر آیه‌الله العظمی بروجردی به بابل آمده و تااکنون باقامه جماعت در مسجد بی‌سر تکیه و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تدریس سایر امور دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما که این حقیر در قم آشنائی نزدیکی با او داشتم از علماء ابرار و فضلاء اخیار معاصر و در مکارم اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و قدس و تقوا شباهت تامی بعموی معظمش مرحوم آیه‌الله آقا سید عبدالغفار طاب‌الله ثراه دارد و در مدت توقفش در قم مکروهی از او ندیده و مارأیت منه الا ـ جمیلا ـ آری باید از بیت آن مرحوم که از شاگردان آیه‌الله عالم ربّانی حاج شیخ محمد بهاری و آیه‌الله التقی الورع الزکی حاج سید احمد کربلائی تهرانی بوده مانند آقای حسینی بیرون آید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسینی، اشگوری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی (نجفی) حسینی اشگوری از علماء معاصر نجف اشرف که به حسن اخلاق و تقوی مشهور و معروفند.

وی حدود ۱۳۲۰ ق هجری در نجف اشرف متولد شده و مراحل تحصیلی مقدماتی و سطوح را نزد اساتید معظم آنجا گذرانیده و سالها به درس خارج حضرات آیات عظام آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ شعبان گیلانی و حاج شیخ عبدالحسین رشتی حاضر شده و استفاده‌های فراوان برده و یک دوره تقریرات اصول آیت‌اللّه عراقی را با سبکی روشن و مرتب نوشته‌اند.

معظم‌له در حسن اخلاق و نیکوئی معاشرت ممتاز و بین دوستان و آشنایان خود مشهورند و در تقوا و ورع گوی سبقت ربوده و دائما به ادعیه و اذکار مشغولند. وی عفت نفس را پیشه خود قرار داده و برای صاحبان اموال و مکنت خضوع نمی‌نمایند و در طول عمر به جز دست اساتید بزرگوار خود را نبوسیده فقط برای آنان تواضع و فروتنی نموده‌اند.

از باقیات الصالحات ایشان فرزندان برومند و دانمشندانی به نام ۱- حجهٔالاسلام حاج سید احمد حسینی اشگوری صاحب کتاب (مولفین الامامیه) که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۷۱ گذشت.

۲- حجهٔالاسلام حاج سید نورالدین ۳- حجهٔالاسلام حاج سید محمدرضا حسینی که از علماء مشتغل حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسینی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا حسینی بهشهری از علماء و ائمه جماعات فعال و مبارز شهر ری می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۱۷ شمسی برابر ۱۳۵۸ قمری در بهشهر مازندران متولد شده و در سن پانزده سالگی در دهستان کوهسان در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه عالم ربانی آقای کوهسانی مقدمات و قسمتی از سطوح را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح عالی کفایه را در محضر آیت‌اللَّه سلطانی و آیت‌اللَّه منتظری استفاده نموده و بعد از اتمام آن به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه العظمی آقای گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و بهرمند شده سپس از طرف آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی عزیمت به شهر ری (حضرت عبدالعظیم حسنی) علیه‌السلام نمود در حالیکه قبل از آن از طرف معظم‌له در بعضی از شهرستانهای دیگر به خدمات دینی اشتغال داشته‌اند.

آقای حسینی پس از ورود به زاویه مقدسه مشغول به ارشاد و اقامه جماعت و تبلیغ احکام گردیده و احداث مسجدی به نام امام حسین علیه‌السلام و کتابخانه‌ای برای استفاده عموم و نیزصندوق قرض الحسنه نموده و از این مسیر خدمتی به اجتماع و مستمندان نموده‌اند.

معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع و آیات عظام معاصر قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی حسینی که اصلا اهل قریه ایزی پنج کیلومتری شرقی سبزوار بوده و تحصیلات نهائی را در سامره در محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا میرزا حسن شیرازی به پایان برده و کتاب کفایهٔالاصول را ابتدا ایشان در سبزوار تدریس و رائج نموده است مردی محجوب و آرام و متقی بوده و در سال ۱۳۳۶ ق به رحمت حق واصل شده است. قبرش در مقبره مشهور به مقبره میرزا موسی باقی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حقانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی از فضلا بنام و مهذب و بارع زنجانی حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و دروس مقدماتی و سطوح اولی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام بروجردی و شریعتمداری و دیگران خارج فقه و اصول را استفاده نموده و خود به تداریس متون عالیه فقه و اصول پرداخته و اکنون از فضلاء بنام و مشهور حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حقایق، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد باقر حبیب آبادی برخواری اصفهانی، عالم فاضل و شاعر و ادیب بوده، و در شب جمعه دوّم ماه صفر سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در تکیه فاضل سراب مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات میرزای شیرازی را ضمن قطعه‌ای گفته، تاریخ این است:

بهر تاریخ او حقایق گفت

گشت فائز بلطف ربّ سمیع

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمد بن العالم العابد عبدالله سرابی حقی از فضلاء اعلام حوزه و مدرسین و نویسندگان کرام می‌باشند وی در سال ۱۳۴۸ قمری در شهرستان سراب آذربایجان متولد شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات در سن ۱۴ سالگی به تبریز رفته و به تکمیل علوم ادبی پرداخته سپس عازم قم شده و سطوح عالیه را نزد مدرسین مانند مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله حاج سید حسین قاضی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حایری خوانده و پس از اتمام آن به نجف اشرف و مدتی از محضر اساتید بزرگ آنجا چون حضرت آیت‌الله العظمی خوئی مدظله و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله العظمی مرحوم حکیم و بعضی دیگر استفاده کرده و ضمنا قسمتی از مباحث اعتقادی و اخلاقی را از آقای شیخ محمدعلی سرابی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی

اصفهانی بود بهره‌مند شده و مراجعت به قم نموده و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی امام خمینی کامیاب شده و به تدریس فقه و اصول و کلام و غیره پرداخته است.

مولف گوید استاد حقی از دانشمندان جدی و اشتغال زیادی به تفسیر و عقاید دارند و در حال حاضر هم جلسات بحث عقاید اسلامی دارند که بر مبنای کتاب و سنت و عقل مورد بررسی قرار داده و متعرض اقوال حکماء و متکلمین شده و گفتار آنان را رد و تحلیل می‌نمایند. و مدت سه سالست که جزء هیئت تحریریه مکتب اسلام بوده و در جلسه مهم پاسخ سؤالات شرکت دارند. و نیز در دارالتبلیغ اسلامی به تدریس اخلاق عالی اشتغال داشته‌اند.

آثار علمی استاد حقی مضافا بر تقریرات اساتید بزرگ در فقه و اصول چند مجلد کتاب است که می‌نگارم. ۱- صحنه‌های خوش‌منظر در تفسیر سوره کوثر ۲- راه و چاره یا پناه و پناهگاه در تفسیر معوذتین.

۳- یگانه‌پرستی تفسیر مفصل از سوره مبارکه توحید ۴- شرح دعاء افتتاح.

۵- الاسماء والتسمیه ۶- رساله‌ای در تفسیر آیه نور ۷- رساله‌ای در لباس مصلی.

۸- رساله‌ای در تقلید شرح بر عروه ۹- تفسیر مهم و مفصل قرآن مجید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حکمت‌نیا، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمد باقر حکمت‌نیا آذرشهری از علماء معاصر آذرشهر است (در قصبه شاه آباد غرب کرمانشاه) در سال ۱۳۳۵ قمری در آذرشهر متولد شده و تا سن سیزده سالگی در محل خود پرورش یافته آنگاه در معیت برادر رضاعی خود آیه‌الله حاج سید اسدالله مدنی (مقیم خرم‌آباد) از آذرشهر بقم آمده و تا سن هیجده سالگی دوره سطح خود را بپایان رسانیده و در صراط تزکیه نفس و تهذیب اخلاق کوشیده و چندی در تهران توقف و چندی هم در شهر ری بتدریس و سرپرستی طلاب مدرسه برهانیه اشتغال داشته تا گاهیکه از طرف مرحوم آیه‌الله مجاهد کاشانی بمنظور مبارزه با منحرفین و جلوگیری از تبلیغات مسمومانه بهائیت اعزام بخلخال گردیده و پس از آن مدتی در تبریز اقامت نموده و بتبلیغ و خدمات مذهبی پرداخته و با تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی خدمات شایانی انجام داده است تا در سال ۱۳۸۵ قمری که باز بقم برگشته و چند سالی در حوزه تدریس فقه و اصول و تعلیم اعتقادات نموده و شاگردان چندی تربیت تا سال ۱۳۴۶ شمسی که بنا بر دعوت و اسرار بعضی از اهالی محترم شاه‌آباد غرب برای ارشاد فرق مختلف اسلامی در آن سامان بآنجا منتقل و شروع بتبلیغات نموده و خدماتی انجام داده‌اند که ذیلا مینگارم.

۱- ساختمان حجراتی در کنار مسجد شاه‌آباد بعنوان مدرسه علمیه و تربیت طلاب و مبلغین برای دهات اطراف.

۲- راهنمائی و اعزام مبلغین دینی بدهات اطراف شاه‌آباد غرب در ایام محرم و ماه مبارک رمضان.

۳- تصرف زمینی که گمراهان میخواستند در گوشه‌ای از شهر آنرا تبدیل به محفل کنند بنام مسجد امام علیه‌السلام.

۴- بنیانگذاری مسجدی در کنار بقعه شاهزاده محمد که زیارتگاه عمومی است.

۵- تعمیرات و تجدید بنای صحن و دیوار اطراف احمد بن اسحاق قمی در سرپل ذهاب با همکاری برخی از علماء و تجار کرمانشاه.

۶- تجدید بناء مسجد کرند با همکاری جمعی از متدینین و یکنفر از تجار کرمانشاه.

۷- رفع اختلافات مذهبی که میان فرق اهل حق و خانقاهیان و مؤمنین با بیانات جالب و تشکیل جلسات برای آقایان اهل حق و ارشاد آنان بمبانی شیعه و تبدیل نام (جمخانه) آنان به مسجد حق و تبدیل نام خانقاه به (مسجد مرتضی علی).

۸- اقامه نماز جمعه و خدمات ارزنده دیگر در شاه‌آباد و اطراف آن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حکیم الهی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی بن سید اسماعیل مشهور به حکیم الهی از علماء و فلاسفه جهرم بوده است.

وی در خدمت مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و آقا میرزا حکیم جهرمی درس خوانده و در حکمت اسلامی ید طولانی داشت و در سال ۱۳۱۲ شمسی وفات نموده و در امامزاده حسین جهرم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حکیم فرزانه، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدهادی فرزانه شهرضائی یکی از اساتید بزرگوار و حکماء عالیمقدار معاصر و مفاخر استان اصفهان است پدرش مرحوم ملا محمدمهدی از جمله علماء و ائمه جماعت و از مراجع تقلید مردم شهرضا بوده.

محمدهادی فرزانه در سال ۱۳۰۲ قمری در خاندان علم و دانش و کانون فلسفه و حکمت پا به عرصه وجود گذاشته تحصیلات مقدماتی را از محضر پدر دانشمند خود استفاده کرده و سپس برای تحصیل منطق و حکمت و کلام مدت هفت سال محضر فیلسوف بزرگ میرزا نصراللّه حکیم را درک و چون دارای استعدادی فوق‌العاده و هوش سرشار و تند بود همواره مورد احترام و علاقه استاد خود قرار می گرفت.

پس از فوت مرحوم میرزا نصراللّه حکیم به اصفهان مهاجرت و فرائد و متاجر را نزد مرحوم ملا عبدالکریم کزی رحمت‌اللّه علیه تکمیل و فقه و اصول را نزد آن مرحوم و سید محمدباقر و حاج میر محمدصادق و قسمتی را هم نزد مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین به اتمام رسانید و علم طب را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر اصفهانی تحصیل و پس از اتمام تحصیلات به موطن اصلی خود (شهرضا) مراجعت و مشغول مطالعات علمی و تحقیقات فلسفی گردید.

اگر درباره مدارج علمی و مراتب فضل و دانش حکیم توجه شود به خوبی مسلم خواهد شد که از دانشمندان معاصر بلکه قرون اخیر کمتر کسی به پایه و مایه وی در عالم علم و حکمت پا به عرصه وجود نهاده است.

در انواع فنون حکمت طبیعی الهی و ریاضی و همچنین در ادبیات و علوم عربیه و علم کلام و فقه و اصول و عرفان استادی کامل محسوب و دانشمندی جامع معقول و منقول است.

از فلسفه متقدم بیشتر به معلم ثانی ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابوعلی سینا معتقد بوده و درباره تصنیفات این دو فیلسوف شهیر

تحقیقات مفصل و حواشـی جامعی دارد و بالجمله برای تدریس تصـنیفات ابن سینا (اشارات و شفا و قانون و غیره) اگر مدعی شویم بین حکماء معاصر منحصر می‌باشد تحقیقا به خطا نرفته‌ایم و روی همین اصل اساتید دانشگاههای اصفهان و تهران نیز مکرر محضر مشارالیه را درک و تقاضـای مسـافرت ایشـان به اصـفهان و تهران و تشـکیل حوزه علمی و فلسـفی را نموده‌انـد ولی شـخص ایشـان همچنـانکه عـادت اساتیـد این فن است هرگز به قبول این امر تن درنـداده و او اعتکـاف و تـدریس در موطن اصـلی را بر مسافرت و مهاجرت اختیار کرده‌اند.

طریقه حکیم فرزانه در حکمت تقریبـا نزدیک به مشائین است اینکه می‌گوئیم نزدیک به مشائین بـدین مناسبت است که در بعضـی موارد عقیـده ایشـان بـا نظریه حکماء و مشائین اختلاف دارد و دراثبات واجب‌الوجـد و توحیـد او دارای برهانی است نزدیک برهان صدیقین و بالاخره در تطبیق اصول و قواعد حکمت با احکام و آداب شریعت استادی کامل می‌باشند.

همانطور که قبلا گفته شد حکیم فرزانه پس از فراغ و از تحصیل و بازگشت به موطن خود در منزل شخصی جلسات تدریس را دائر نموده و این همه روز صـبحها از هنگام طلوع فجر تا پاسـی از روز گذشته بدون وقفه و تعطیل و اغلب عصرها دائر و حکیم بزرگوار مدت چهل و هفت سال تمام به تدریس علوم مختلف و کتابهای گوناگون از ابتدائی تا عالی و از سـطح تا خارج اشتغال ورزید و به هیـچ عنوانی از ارشـاد افکـار مستعد و افاضه فیض به دوسـتداران و طالبان دانش مضایقه نمی‌کرد. تـدریس و تعلیم و هیـچ کتابی و کلاسی را ولو در سطح پائین دون شأن خود نمی‌دانست و از تدریس هیچ علمی و کتابی ولو در عالیترین سطح پروائی نداشت.

کلاسـی پرشـوکت و پر اسـتفاده داشت و درب این کلاس و این مکتب به روی همه دوسـتداران دانش بـاز بود و جمـاعتی کـثیر با اشتیاقی وافر از مجالس درس حکیم استفاده می‌کردند و برخوردار می‌شدند.

اهتمـام این حکیم بزرگوار در افاده و افاضـافه و تـدریس بـدون هیچگونه توقع و انتظار به حـدی بود که تا روز دوشـنبه اول آذرماه ۱۳۴۴ شمسی دو روز قبل از فوتش تدریس اسفار و مکاسب و قوانین و منظومه و حکمت اشراق را تعطیل ننمود.

دعوت دانشگاه از حکیم و پاسخ وی.

در سال ۱۳۲۵ خورشـیدی دانشـگاه تهران از حکیم فرزانه برای چنـدین بـار به منظور تـدریس فلسـفه دعوت نود که ایشان به تهران عزیمت و در آنجـا به تـدریس اشـتغال ورزد. ایشان در جواب چنین نوشـتند که متاسـفانه زمانی از من یاد شـده است که قوت رو به ضعف و ضعف رو به قوت نهاده است.

پاسخ استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به حکیم فرزانه.

محضـر شـریف جنـاب افضـل المتـاخرین زمانا قـدوه اهل حکمت و معرفت آقای شـیخ هادی فرزانه دامت افاضاته مرقومه شـریفه را زیـارت کردم از دیـدار خط منیف نوری در دل و جـان یـافتم اما تقاضای تشـریف‌فرمائی جنابعالی به تهران و تـدریس در دانشـگاه مبتنی بر چند امر بود.

۱- اینکه علوم عقلی به علت عـدم توجه در این نیم قرن اخیر مشـرف به زوال و انقطـاع است و حفـظ آن بر عهـده کسـانی است که وارث به این علم و حامل این امانتند و شـخص جنابعالی چنانکه شـنیده‌ام دراین رشـته کم‌نظیر هستید گمان می کنم که نشر و حفظ آن بیشتر در عهده آن جناب باشد تا دیگران خاصه این ضـعیف را که درفنون حکمت خوضـی پیوسـته است و مفاد حدیث شـزیف (فعلی العالم ان یظهر علمه) مصداقش در عهده ما نسـبت به علوم عقلی وجود عالی است که ینبوع فضائل و معدن کمالات نفسانی و ملکی است.

۲- آنکه وجود کثیرالخیر عـالی در آن شـهر ماننـد گوهری خسـروانی و یـا جوهری عرشـی است که در کاهـدان افتاده باشـد و یا به دست آلودگان خاک رسـیده و ارادتمند بر این عزیمت بود که آن گوهر در دست خریداران گوهرشناس باشد و در عرصه دانشگاه کـه مرکز حقیقی علم است نورپاشـی کنـد چنـانکه از هنگـام دعـوت جنابعـالی همه روز قریب هزار طـالب علم که متعطشـان زلال

حکمت و مشتاقان فیض دریای معرفت آن حکیم منفرد هستند مترصد خبر ورود قدوم کثیر البرکات جنابعالی بوده‌اند.
۳- تصور می‌کردم بر شخص عالی که قطعا مایل به نشر علوم و معارف آل محمد علیهم‌السلام هستند اکنون که وسائل آن در تهران در حد امکان فراهم شده است خوشتر خواهد گذشت و از آفتاب فضائل عالی ذرات حقیر امثال این مستضعفین خواهند شد و همین امر موجب تقویت باطن و تائید ضمیر منیر آن دانشمند خواهد بود.
اما مسئله ضعف قوی و قوت جهات ضعف چنانکه می‌دانیم عوامل آن در تهران و شهرضا یکسان است بلکه شاید وسائل ظاهری تقویت به نیت در تهران فراهم‌تر می‌باشد و اما اشکالات خانوادگی آن هم هیچ است و تا حد امکان در آسایش خیال جنابعالی سعی خواهد رفت هیچ نگرانی نخواهد بود (واتونی باهلکم اجمعین) و اگر مختصر ملاحظه‌ای هم دارید ممکن است یک چند به عنوان تفرج و بر سبیل اختیار تشریف بیاورید بعد از آن راه شهرضا همیشه باز است و بازگشت میسر با کمال صدق نیت عرض می‌کنم که بنده در تقاضای خود مصرم و آن را به صلاح علم و صلاح شخص ارجمند عالی و آقازادگان که باید در محیط وسیعی زندگی کنند و حق‌تعالی شاهد است که هیچگونه غرض نفسانی ندارم و چه غرض تواند بود که بنده اینجا و جنابعالی در شهرضا جز عشق به فضیلت قرض نمی‌شود که به مقام عالی استادی دانشگاه که هم اکنون عده‌ای کثیر هرگونه وسیله‌ای می‌انگیزند تا بدان رتبه نائل آیند و کسی جوابشان باز نمی‌دهد وجود مبارک را دعوت کنند و مقدمات و وسائل آن را بدون طلب از جانب مستفیض عالی فذاهم آورند.
به هر حال اینکه خط عالی را زیارت کردم و ثمره وجود شریف، آقای دکتر فرزانه ایداله به مواهب التوفیق دیدار نمودم موجب تشکر و مسرت است و امیدوارم که حق‌تعالی اسباب دیدار و شرف دست بوسی و افاضات و افادات عالیه را هرچه زودتر میسر فرماید با تقدیم ارادت.

۱۳۳۵/۹/۱۶

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حکیم، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید احمد بن سید علی‌اکبر بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد ابن السید طیب بن السید نورالدین بن العلامه السید نعمت‌اللّه جزایری موسوی از علماء معاصر است در نیاوران شمیران.
تولد ایشان در دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری برابر ۹ تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی در شوشتر واقع شده و در کودکی دروس ابتدائی را خوانده و به تحصیل صرف و نحو پرداخته و از محضر آیتین آقا سید محمدحسن آل‌طیب و آقا سید محمدجعفر مروج سطوح اولیه را فراگرفته و به قم عزیمت نموده و پس از خواندن قسمتی از سطوح وسطی به نجف اشرف مهاجرت و سطوح نهائی را از حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدتقی ایروانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری بپایان رسانیده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و بالغ بر یک سال و نیم از محضر آنان استفاده کرده سپس به اهواز مراجعت و چندی بتدریس علوم ادبی فقه و اصول اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۰ شمسی منتقل به تهران و در مسجد جامع (حصار بوعلی) نیاوران به اقامه جماعت و ترویجات دینی مشغول می‌باشد.

آن جناب دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت‌اللّه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- ترجمه حقوق زن در اسلام مطبوع تهران.

۲- ترجمه حقوق و حدود آزادی زن در اسلام.

۳- مناسک یا راهنمای اعمال حج چاپ هشتم.

۴- راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی چاپ ششم.

۵- سخنان حضرت موسی بن جعفر چاپ اول.

۶- پدر و فرزند چاپ سوم.

۷- فلسفه و اسرار حج چاپ دوم.

۸- الهام از گفتار علی علیه‌السلام چاپ سوم.

۹- درسهائی از مکتب امام صادق علیه‌السلام.

۱۰- حواشی متفرقه بر بعضی از کتب درسی مانند هدایه و صمدیه و سیوطی و شرح لمعه و غیره مخطوط.

۱۱- اربعین حدیث چهل حدیث اخلاقی و دینی و اجتماعی مخطوط.

۱۲- (تعجب) ترجمه کتاب التعجب کراچکی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حلبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی

بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسداللّه یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.

پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر

نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۰/۳۵۰ -۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوك الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبداللّه بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰ -۳۵۰ ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوك الارض و الانبیاء (سنی ملوك...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵ -۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷، ۲۸۸ -۲۳۳ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵، ۱۱۷ -۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المولفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حمصی، محمد حسین بن محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، فوت سلخ رمضان ۱۲۱۰.

ماده تاریخ وفاتش این است:

مایل زار حزین گفت به تاریخ این

باد بهشت برین جای محمد حسین

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن مرحوم آقا سید رحیم حمیدی همدانی از علماء و ائمه جماعت معاصر همدانست.

وی در سال ۱۳۲۲ در قریه (حصارخان) همدان به دنیا آمده و در سال ۱۳۲۴ قمری والد ماجدش آقا سید رحیم که مقام زهد و تقوایش محرز و مسلم همگان بود در آن محل فوت نموده و ایشان در تحت کفالت و سرپرستی مرحوم عمویش آقا سید شریف قرار گرفته و پس از رشد تحصیلات مقدماتی را در همدان طی نموده و پس از آن در عصر مرحوم آیت‌اللّه حائری به قم مهاجرت و از محضر مدرسین و آیات و مراجع دینی و علمی قم استفاده نموده و پس از چند سال به واسطه کسالت مجبور به ترک تحصیل و یا دریافت اجازه در تصدی از شرعیه از مرحوم آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت به زادگاه خود برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت مردم اشتغال دارند و به حمداللّه در اثر تبلیغات موثر و طرز سلوک و روش ایشان مردم آن سامان نوعا متدین و دارای اخلاق دینی گردیده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حیدری، محمدولی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدولی حیدری از علماء بزرگ معاصر شهرستان نهاوند است.

وی پس از تحصیل مقدمات در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۴۰ قمری به نجف اشرف عزیمت کرده و در جوار مرقد مطهر حضرت امیر (ع) به تحصیل و استفاده از بحث مراجع بزرگ نجف پرداخته.

آنگاه به ایران مراجعت و در بلده طیبه قم به بحث و تدریس مشغول و از محضر و درس آیت‌اللّه حایری استفاده نموده و پس از رحلت معظم‌له از محضر مرحوم آیت‌اللّه خونساری بهره‌مند شده و در خلال توقف در قم مدت دو سال از طرف حضرت آیت‌اللّه حایری به هرسین برای اداره امور مذهبی و تبلیغ رفته تا اینکه بعد از تکمیل تحصیلات و نیل به مقام اجتهاد و استنباط در سال ۱۳۶۸ قمری به تقاضا و درخواست اهالی نهاوند عزیمت به آن نموده و تاکنون در آنجا به اقامه امور دینی و انجام وظائف مذهبی اشتغال دارند.

خدمات برجسته مذهبی و اجتماعی معظم‌له در شهر نهاوند و قراء و قصبات اطراف آن در خلال ۲۵ سال بر اهالی این شهر و آنهائی که ارتباطی دارند و یا به آنجا مسافرت کرده‌اند پوشیده نیست زیرا با همت و جدیت ایشان مساجد آبرومندی بنا شده و مساجدی که قبلا مخروبه بود به بهترین صورت تعمیر یافته است آثار خیر آن جناب از این قرار است.

۱- در سال ۱۳۳۵ شمسی اقدام به ساختمان و تأسیس مدرسه علمیه نموده‌اند برای سکونت و تحصیل طلاب و مبلغینی که به این

شهر رفت و آمد می‌کنند.

۲- حسینیه‌ای در شهر نهاوند با اراده و اقدامات و همت اهالی ساخته که در منطقه غرب کم‌نظیر است.

۳- تبلیغات مؤثری در این شهر نموده‌اند که بسیار ارزنده و آموزنده بوده و در اثر آن آلودگی و مفاسد کمتر دیده می‌شود.

۴- مبارزات با فرق باطله و منحرفین که بحمداللَّه اکنون یا به کلی ریشه‌کن شده‌اند و یا در حال خمودگی و مردگی افتاده‌اند.

۵- رسیدگی به وضع مبلغین و گویندگانی که به این شهر می‌آیند از جهت رفاه و آسایش آنان آثار قلمی معظم‌له نیز که به طبع رسیده است به قرار زیر است.

۱- تنبیه الغافلین و ارشاد الجاهلین

۲- خلاصه البیان فی احکام النسوان

۳- دیوان شعر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظم‌له در سال ۱۳۹۴ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.

مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.

تولد: ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حایری یزدی در قم کسب

فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینه‌ی مکارم» است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۵ –۲۴)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷ –۶۶/ ۳ ،۲۹۱/ ۱).

خاتون آبادی علوی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل متقّی.

سیّد عبداللّه جزائری در اجازه ی کبیره ی خود گوید: از شرکای درس پدرم در اصفهان بود و نزد میر محمّد باقر و امیر محمّد صالح و دیگران تلمّذ می‌فرمود، سپس به مشهد رضوی منتقل شده و از علما و مدّرسین آنجا محسوب می‌شد. با وجود کمال تبحّری که در علم داشت در حکم و فتوی محتاط بود.

از تألیفاتش رساله‌ای است در جواب اعتراضاتی که علمای هند بر کتاب حقّ الیقین علاّمه ی مجلسی نموده‌اند.

در سال ۱۱۴۱ در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، امیر ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالنبی قزوینی مؤلّف تتمیم امل الامل کتاب «الرسائل الحکمیّه» را از تألیفاتش نام می‌برد، بنابراین صاحب عنوان عالم و حکیم و محقّق بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر محمّد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقّق مورّخ، از شاگردان ملّا محمّد تقی مجلسی و ملّا محمّد باقر سبزواری است.
در شعبان ۱۰۳۷ متولّد، و در ۱۰۹۷ یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید.
کتب زیر از اوست: ۱- شرح بر شاطبیّه، در علم تجوید ۲- شرح بر شافیه ی ابن حاجب ۳- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. ۴- ترجمه ی رساله ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی ۱۰۹۸.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالغنی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر معصوم عالم فاضل، و شیخ الاسلام اصفهان بوده، و در روز دوشنبه غره‌ی رمضان‌المبارک ۱۱۶۱ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، عبدالواسع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد مهدی، مانند عموم خاندان خود عالم و فاضل بوده، و در ۱۱۵۱ وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۴ ش)، عالم دینی. مشهور به امام جمعه. اصلا اصفهانی و ساکن تهران بود. تحصیلات خود را در نجف نزد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و دیگر علمای آن شهر سپری کرد و پس از اینکه به تهران باز آمد، به فعالیتهای آزادیخواهانه پرداخت. و در این راه مساعی بسیاری کرد. پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، عضو هیات مدیره انقلاب شد و به جای برادرش، حاج میرزا ابوالقاسم که فردی مستبد بود از طرف مشروط خواهان امام جمعه تهران شد، تا روزگار مرگ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :رجال عصر مشروطیت (۲۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۴ -۲۵۲ /۱)، شرح حال رجال (۲۱۹ -۲۱۸ /۳).

خاتون آبادی، معصوم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالحسین، عالم فاضل زاهد محقّق بوده. گویند: آقا محمد بیدآبادی خوابی در جلالت قدر و عظمت شأن او دیده، و بدین جهت وصیّت کرده که در جنب او دفنش کنند؛ و همین موضوع، علّت اعتقاد بیشتر مردم بدو شده است.

در ۱۱۵۵ وفات یافته مادّه تاریخ وفاتش را خادم شاعر اصفهانی گوید:

زهد معصوم چون حدیثش بود

باز او شافعش بلطف و کرم

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون‌آبادی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ وفات یافته، قبرش مقابل تکیه‌ی مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خادمی شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خادمی دارابی شیرازی فرزند مرحوم حاج شیخ عبداللّٰه دارابی از افاضل دانشمندان و ائمه جماعت معاصر شیراز و مبلغین اسلام و مروجین معارف تشیع و بالاخص حضرت بقیه‌اللّٰه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه می‌باشد و در مسجد فلکه اطلس شیراز اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۶ شمسی در داراب به نام قریه الخیر علیا به دنیا آمده.

در نوجوانی وارد مدرسه علمیه داراب که در تحت تصدی و سرپرستی مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ علی‌اصغر نجفی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بعد از مدتی عزیمت به شیراز نموده و در حوزه علمیه شیراز مقدمات را شروع و بعد از مدتی هجرت به قم نموده و در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده و نیز از محضر آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس اللّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده ونیز از محضر آیت‌اللّه سلطانی کسب فیض کرده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود سه سال اقامت و از محضر آیات عظام. حوزه علمیه هزار ساله نجف بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به قم نموده و مورد عنایت و لطف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه علیه قرار گرفته و بنابر دعوت عده‌ای از مردم شیراز از طرف آن مرحوم اعزام به شیراز شده و بیش از بیست سالست که در آنجا از برکات حضرت ولی اللّه اعظم عجل‌اللّه فرجه الشریف به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات خالصه اشتغال دارند. دارای تألیفات سودمندی هستند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و تألیفات آقای خادمی

۱- نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف

۲- خورشیدی که از مکه طلوع می‌کند

۳- خورشید ناپیدای فاطمه سلام‌اللّه علیها (چهل حدیث)

۴- حجت منتظر و دعاء

۵- غیبت امام عصر (ع) یا پنهانی خورشید عدالت

۶- مکتب مهدی و تکامل جهانی

۷- خورشید هشتم امامت

۸- کتاب رجعت- که در نیمه شعبان ۱۴۱۱ قمری منتشر گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خاقانی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی البصیر بن الشیخ صالح الجزایری الخاقانی عالمی پرهیزکار و فقیهی بزرگوار از علماء خرمشهر بودند. تولد آنجناب در جزایر در سال ۱۲۹۵ قمری واقع شد و در ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفات نمود تالیفی در احوال امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خالدی قزوینی، سعدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۸ ق)، عالم دینی. معروف به خواجه خالدی. از عالمان فاضلی بود که غازان خان و امراء لشکر او به دست او مسلمان شدند. وی در قزوین درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۲۲۰/۳)، لغت نامه دهخدا (ذیل/ سعدالدین).

خالدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم اسلامی.

درگذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۳.

ملا سید علی خادلی، فرزند سید بابا شیخ آلمانه، در اواخر قرن سیزدهم شمسی در قریه آلمانه از توابع مریوان به دنیا آمد. وی در پانزده سالگی علوم عقلیه و نقلیه را به پایان رسانید و از دست پدرش اجازه گرفت. او از همان آغاز جوانی شروع به تدریس کرد. ابتدا در کنار پدر و بعدها مستقل در ایران و عراق تدریس کرد. بسیاری از دانشمندان دینی را تا حد اجازه رسانید و آنان را مجاز فرمود. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۹ همراه با خانواده در شهر پنجوین عراق ساکن شد و در ارشاد مردم و تدریس طلاب و پیشرفت فرهنگ و دانش اسالمی و مسائل دینی و اجتماعی کوشید. بعدها به واسطه اغتشاشات عراق در نتیجه تغییر حکومت‌ها و بر اثر سختی زندگی از سکونت در عراق منصرف شد و به ایران بازگشت و در قریه نی واقع بر ساحل دریاچه زریبار مریوان رحل اقامت افکند و به تدریس و راهنمایی دینی مردم اشتغال جست. در سال ۱۳۵۸ به شهر مریوان نقل مکان نمود و در مسجد چهارباغ امام جماعت و مدرس و خطیب گردید. همچنین در همان قریه به کار زراعت می‌پرداخت.

ملا سید علی خالدی در ششم شهریور ۱۳۶۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند عالم جلیل حاج شیخ عباس خالصی از فضلاء و نویسندگان حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند که در شب جمعه ۲۱ محرم‌الحرام ۱۳۶۱ قمری برابر هشتم آبانماه ۱۳۲۱ شمسی در یکی از قراء قائنات خراسان به دنیا آمده و همواره از دوستداران روحانیت بوده و از سن ۶ سالگی مشغول به تعلم و فراگرفتن علوم اسلامی شده و مقدمات را در همان قریه خدمت پدرش خوانده و در سن ۱۳ سالگی به مشهد آمده و در مدرسه ابدالخان ساکن و حدود هشت سال در آنجا اشتغال به درس و تحصیل ادبیات و اصول و فقه ابتدائی داشته و از محضر مرحوم ادیب نیشابوری استفاده کامل نموده و پس از شش ماه از رحلت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی در سال ۱۳۴۱ شمسی به قم مهاجرت نموده، و در مدرسه فیضیه سکونت و به خواندن رسائل و مکاسب با تحقیق کامل و دقت بسیار پرداخته و پس از وقایع فیضیه و حوادث دیگر عزیمت به نجف اشرف نموده و در آنجا شروع به خواندن کفایه نموده و پس از اتمام آن به درس خارج فقه و اصول آیات عظام و بالاخص علامه محقق و استاد بزرگ آیت‌اللّٰه خوئی شرکت و چندین سال از درس اصول ایشان و سایرین استفاده نموده تا پس از فشار دولت عراق به ایرانیان مقیم که خارج شوند با اصرار وارد

ماجدش به قم آمده و اقامت در این شهر علمی و مذهبی را اختیار و به کار تحقیق و تألیف اشتغال دارند.

تألیفات ایشان مطبوعا و مخطوطا به قرار زیر است:

۱- نقش ادیان در مبارزه با استعمار

۲- پیامبر باسواد

۳- اصول علمی انقلاب

۴- شعار انقلاب

۵- اسلام‌شناسی رد بر نوشته یک فرد مارکسیست

۶- ده انتقاد و پاسخ به ترجمه رساله الفصول العشره فی الغیبه شیخ مفید (ره)

۷- همگام با معارف اسلام ترجمه رساله سعدیه علامه حلی

اما مخطوطات:

۱- شرح استدلالی لمعه ناتمام.

۲- حاشیه بر اجود التقریرات.

۳- رساله در تحقیق و بررسی ولایت فقیه در عصر غیبت.

۴- جزوه‌ای درباره آزادی و جزواتی متعددی در فقه و اصول و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خامنه‌ای، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد خامنه‌ای از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر مشهد مقدسند. وی در حدود ۱۳۱۵ ق به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدتها از آیات عظام آنجا استفاده و پس از آن به ایران مراجعت و در مشهد مقدس توطن نموده و با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی وصلت و صبیه کریمه ایشان را به همسری خواسته و در حوزه مشهد به تدریس و مباحثات فقه و اصول و در مسجد صدیقی‌های بازار سرشور به اقامه جماعت و خدمات دینی تا حال تحریر اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه خامنه‌ای از علماء متقی و بارع و دارای مقام فضل و ورع و مورد توجه و احترام همگان می‌باشند.

معظم‌له دارای سه فرزند برومند و دانشمند و روشنفکر بنام

۱- استاد آقای حاج سید محمد خامنه‌ای مقیم تهران

۲- خطیب و واعظ و استاد عالی مقام آقای حاج سید علی خامنه‌ای که از گویندگان و نویسنده نامی معاصر و جوان مشهد مقدسند و در این سن گوی سبقت از اقران و همگنان ربوده و مورد توجه عموم و بالاخص نسل جوان و روشنفکران می‌باشند.

از آثار مطبوع اوست کتب زیر.

۱- نقش مسلمانان در آزادی هندوستان

۲- صلح امام حسن (ترجمه صلح الحسن مرحوم آل یاسین)

۳- آینده در قلمرو اسلام (ترجمه المستقبل لهذا الدین سید قطب)

۴- ادعاء نامه علیه تمدن غرب (ترجمه الاسلام و مشکلات سید قطب با همکاری برادرش سید هادی خامنه‌ای

۵- طرح کلی اندیشه اسلامی (بنام سید علی حسینی)

۳- جناب ثقهٔ‌الاسلام آقای سید هادی خامنه‌ای که نیز از فضلاء جوان مشهد و دارای آثار و تألیفاتی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خان نیشابوری

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۱۹۵ ق، معروف به مؤمنه نیشابوری از زنان فاضل و شاعر. وی دو اثر دارد: اول، ضیاءالمؤمنین که در پایان آن از خود چنین یاد می‌کند:

خان بی‌کس که مانده است حیران

یارب او را عطا نما ایمان

دومین کتاب نورنامه است از آفرینش پیامبر اکرم (ص) تا تولد و سپس زندگی ایشان و نیز زندگینامه حضرت فاطمه (س) و ظهور امام زمان (ع). در پایان از حیاهٔ‌القلوب مجلسی چنان یاد می‌کند که گویا منظومه‌اش را از آن گرفته است:

چون حیات‌القلوب را دیدم

چند روایت از آن پسندیدم

آغاز آن نیز چنین است:

ابتدا می‌کنم به بسم‌الله

بعد ان لا اله الا الله

حی و قیوم ذوالجلال و کریم

قادر و صانع و غفور و رحیم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، ۱۶۶۷ / ۳.

خاوند شاه بلخی، برهان‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم دین و شاعر. پدر میرخواند است و نسبت وی به چهار واسطه به خاوند سید اجل بخاری از سادات بزرگ ماوراءالنهر می‌رسد. سید برهان‌الدین در کودکی پدرش را از دست داد و برای تحصیل علم به بلخ رفت و در اندک زمانی به مقام والایی رسید. از آنجا به هرات رفت و از صحبت مشایخ و علمای بزرگ آن شهر چون شیخ بهاءالدین عمر بهره‌مند شد، و پس از

آن به هندوستان رفت. وی در پایان عمر از هندوستان به بلخ بازگشت و همان جا درگذشت. خاوندشاه شعر نیز می‌سرود. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، حبیب السیر (۱۰۵/۴)، الذریعه (۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱/ مقدمه)، ریحانه (۵۵/۶)، لغت نامه (ذیل/ خاوندشاه).

خراسانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ اسماعیل. اصلاً از اهالی اصفهان است که در مشهد سکونت نموده و هم در آنجا وفات یافته.

عالمی جلیل، و فاضلی بی بدیل بوده، در سال ۱۲۹۰ در اصفهان متولّد گردیده، و در مشهد خدمت آقا سید علی حائری یزدی و شیخ اسماعیل ترشیزی تلمّذ می‌نموده، و در نجف و سامرا به درس اساتید حاضر شده، سپس به کرمانشاه و بعداً به مشهد مقدس مراجعت نموده و در آنجا در سال ۱۳۳۹ وفات یافته و مدفون گردیده است.

پدرش نیز از صلحا و اخیار بوده، و در سال ۱۳۳۰ در کاظمین وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- احکام النجاسات ۲- رساله در شک در رکعات نماز ۳- منجرات المریض ۴- المواقیت؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در تهران متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح نزد والد ماجد و دیگران از اعلام تهران به قم مهاجرت کرده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و دیگران کسب فیض نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مسجد مرحوم حاج شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانیها) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و گفتن درس اخلاق پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ ق که از دنیا رفته است.

از تألیفات ارزنده و آموزنده آن جناب است کتاب (سفینه النجاه) فی المهلکات و المنجیات در چندین مجلد که در سال ۱۳۶۹ قمری بطبع رسیده است.

از باقیات الصالحات آن مرحوم است: فرزند ارجمندش حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محسن خراسانی که سال‌ها در قم کسب علم و فضلیت نموده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان در مسجد مزبور بامامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ محسن خراسانی از فضلاء معاصری است که بعلم و تقوا و متانت و اخلاق حمیده موصوف و بهترین یادگار و خلف صدق و صالح آن پدر بزرگوار است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین فرزنـد عـالم ربـانی و خطیب سـبحانی حاج شـیخ محمـدعلی خراسانی نجفی از افضال وعاظ و گوینـدگان حوزه علمیه نجـف اشـرف می‌باشـند. وی در روز سوم جمادی‌الثـانی سـال ۱۳۴۵ قمری در نجـف اشـرف بـه دنیـا آمـده و در حجر تربیـت پـدر بزرگوارش پرورش یافته قرآن را در مدت شش ماه نزد خواهرش آموخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید آنجا فراگرفته است.

و از همان اوان کودکی ابیاتی را که والده‌اش صبیه مرحوم حاج شیخ مهدی کاشانی مقسم شهریه مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی به او آموخته بود در منابر قرائت کرده و مورد تشویق و تحریص ایشان به منبر رفتن می‌گردید تا در سن ۱۴ سالگی اشتغال به این امر داشت و والد مرحومش ایشان را ترغیب به تحصیل علم می‌نمود.

پس مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر شیرازی و برادر گرامیش حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده و آقای شیخ علی‌اکبر کرمانی و آقا شیخ علی میامه‌ای و حاج شیخ ذبیح‌اللَّه قوچانی و حاج سید احمد اشکوری داماد آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج سید علی قوچانی و حاج شیخ محمد حسین دهاقانی و حاج شیخ فاضل استرآبادی و حاج سـید محمد حسن شـیرازی نوه میرزا بزرگ شـیرازی و حاج سـید سـجاد علوی گرگانی و آقاسـید محمدباقر محلاتی خوانده و پس از آن به درس خارج فقه و اصول و تفسیر آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله المعارف شرکت و استفاده نموده و بسیاری از دروس ایشان را در فروع علم اجمالی و بسـیاری از کتاب صـلوه وصوم و زکوه و حـج و غیر آنها را به رشـته تحریر درآورده و نیز یکـدوره کامـل اصول ایشان را نوشـته و یک دوره دیگر به صورت حاشـیه بر دوره اول مرقوم داشـته و همینطور از اساتیـد دیگری که از آنها استفاده نموده آیات یاد شده زیرند:

۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم آملی

۲- آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی

۳- آیت‌اللَّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی

۴- آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی

۵- آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم

۶- آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی

۷- آیت‌اللَّه حاج سید محمد هادی میلانی

۸- آیت‌اللَّه حاج سید نصراللَّه مستنبط

داماد بزرگ آیت‌اللَّه الظمی خوئی که غالب تعطیلی‌های ماه رمضان و ایام عاشوراء و غیره از ایشان استفاده نموده است. و ایشان در ضمن تـدریس سـطوح در ایـام عاشوراء و غیره در منازل آیات عظام منبر رفته و تبلیغ دین و ترویـج احکام و نشـر معارف و مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده و ایفاء وظیفه می‌نمایند.

برادر بزرگوارشان جناب حجهٔ‌الاسـلام حاج شـیخ محمدتقی واعظ زاده که حدود بیست سال از ایشان بزرگتر و اکنون حدود هشتاد و هفت سال از سن مبارکشان می‌گـذرد در نجف اشـرف اقامت و به وظایف دینی و روحی اشـتغال دارنـد و آن جناب از شاگردان

مرحوم آیت العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی خوئی می‌باشد.

و ایشان نیز مانند والدشان از طریق منبر ایفاء وظیفه نمودند و مردم را متوجه به خاندان رسالت علیهم‌السلام می‌نمایند و ایشان دارای سه فرزند روحانی می‌باشند.

۱- میرزا احمد که در قم اشتغال به تحصیل دارند.

۲- آقا شیخ قاسم و آقا شیخ علی که این دو در نجف اشرف اشتغال به تحصیل علم و کمال دارند.

مترجم محترم پس از تسفیر به ایران از طرف بعث شوم عراق چندی در قم اقامت و چندین سال است که رسما در مشهد مقدس اقامت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسین بن العالم العلام الشیخ محمد علی خراسانی در اوائل جوانی از خراسان مهاجرت به تهران نموده و پس از خواندن اولیات و سطوح عالیه از محضر علامه آشتیانی بزرگ و اعلام دیگر استفاده کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد توجه دانشمندان و مردم تهران گردیده و در مدرسه مروی حوزه تدریس سطوح و متون فقه و اصول داشته و کثیری مانند مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و دیگران از وی استفاده نمودند و در مسجد حاج سید عزیزاللَّه بازار اقامه جماعت و ترویج دین و نشر معارف جعفری در منبر می‌کردند تا در سال ۱۳۴۷ ق که مشرف به مکه برای مناسک حج گردیده و بعد از فراغ از اعمال و مناسک حج در ۱۷ ذی‌الحجه دعوت حق را لبیک گفته و در جوار خانه خدا در مقبره حضرت ابیطالب علیه‌السلام بخاک رفته است هنیئا له و طوبی له.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید یوسف بن محمد حسینی. عالم جلیل و فاضل صالح زاهد از شاگردان و مخصوصین شیخ انصاری و از دوستان میرزای بزرگ شیرازی و میرزای رشتی بوده، چشمانش ضعیف و نابینا شده، لکن در اثر معجزه حضرت رضا علیه السلام شفا یافته.

در ۲۲ ذی قعده الحرام ۱۳۰۲ در نجف وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد بن المرحوم حجةالاسلام و العالم العلام الشیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ (محولاتی) خراسانی از علماء ابرار معاصر تهران است.

وی در سال ۲۵ ماه ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و حجر مادر علویه‌اش صبیه مرحوم سید المحدثین آقا سید محمد محولاتی واعظ مشهد مقدس پرورش یافته و دوران تحصیل را تا سطوح در مشهد مقدس نزد ادباء و فقهاء آنجا خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بزرگ آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه آقا میرزا آقا اصطبهاناتی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حسین بروجنی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مقداری آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ ق به ایران مراجعت و قریب یکسال و نیم در مشهد و محولات توقف و در سال ۱۳۶۳ ق منتقل به تهران و تاکنون که سال ۱۳۹۴ قمریست در خیابان جوادیه (سر آسیاب دولاب) اقامت و در مسجد (حوادیه) آن به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تألیف کتت مفیده اشتغال دارند.

تألیفات و آثار علمی معظم له از این قرار است:

۱- تفسیر مبسوطی از قرآن مجید ۲- کشف الایات ۳- کشف اللغات و تفسیر لغات قرآن ببعض دیگر ۴- کشف مطالب الایات ۶- کشف مطالب القرآن ۶- ظواهر الاثار در اخلاق ۷- نخبه القضاء ۸- ترجمه حدیث اهلیلجه ۹- مقتل الحسین علیه‌السلام ۱۰- تاریخچه احوال حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم ۱۱- اربعینیات ۱۲- خلاصه وقایع و علائم ظهور ۱۳- منظومه در اصول عربی ۱۴- شرح منظومه مذکور ۱۵- تقریرات اصول ۱۶- رساله در بحث از تقلید اعلم ۱۷- رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه حبر ۱۸- منظومه عربی در رجال موافق خلاصه علامه مطبوع ۱۹- دیوان عربی در مدایح و مراثی اهلبیت عصمت علیهم‌السلام ۲۰- دیوان فارسی در تظلم بحضرت ولی عصر (عجل) و پندیات ۲۱- البدعه و التحرف یا آئین تصوف مطبوع ۲۲- رضوان اللّه اکبر در نقض خرابات و خانقاه مطبوع ۲۳- حجت قوی در ابطال مثنوی ۲۴- مهدی منتظر مطبوع ۲۵- معارف الشیعه که از بهترین تألیفات معظم له و جامعه تشیع است نظما و شرحا چاپ افست و ده‌ها رساله دیگر عربی و فارسی.

سنت سنیه آن جناب

از سنن سنیه ایشان تشرف به مشهد مقدس است پیاده که چند سال است با عده‌ای از مؤمنین و علاقمندان اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام از تهران حرکت و حدود چهل شبانه روز در راه و ترویج عملی و لسانی نموده و در تمام منازل اقامه جماعت و تبلیغ احکام فرموده تا به مشهد مقدس و بدون تظاهرات دو سه روزی توقف و مراجعت می‌کنند.

نگارنده گوید: گرچه مادیون و اهل دنیا و یا مردم قشری این روش را نمی‌پسندند و می‌گویند عصر فضا و جت و کیهانست و باید هر کاری را برقی انجام داد ولی غافلند از این که سیر الی اللّه و هجرت بسوی حق هرچه رنج و تعبش بیشتر باشد ثواب و اجرش زیادتر است.

در حالات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصا حضرت امام حسین مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام مسطور و ماثور است که بیش از بیست مرتبه به حج مشرف شدند و با داشتن همه گونه وسیله آن روز خود پیاده می‌رفتند، تا جائیکه قدم‌های مبارکشان در اثر پیاده‌روی و تصادف با خار مغیلان و غیره مجروح می‌شد و وقتی اصحاب علت تحمل این مشقت را می‌پرسیدند پاسخ (افضل‌الاعمال احمزها) می‌شنیدند و چه خوب گفت حافظ شیرازی.

در بیان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

اوتاد و ابدال و رجال الغیب مسافرتهای مشاهد مشرفه را ماشیا حافیا انجام می‌دهند. حقیر در ماه رمضان سال ۱۳۶۸ ق که در دامغان بودم مرد نابیناء حافظ قرآنی را دیدم که پیاده به مشهد مشرف میشد و از آذربایجان پیاده آمده بود وقتی به او گفتم که تو نابینائی این کوهها و دره‌ها و فراز و نشیب‌ها و راه پر خطر را چگونه پیموده و میروی در جوابم گفت: (الذی خلقنی فهو یهدین) انشاءاللّه داستان او را در ذکر دامغان در جلد چهارم خواهم نگاشت.

مرگ زائر مشهد و عنایت حضرت رضا علیه السلام

مناسب دیدم در اینجا حکایتی را که آیت‌اللّه و عالم ربانی آقای حاج میرزا حسن لواسانی سلمه‌اللّه در کتاب کشکول خود ذکر کرده خلاصه آن را نقل نمایم. گوید: مرد موثقی حکایت کرد که سه نفر از جوانان ثروتمند نجف اشرف خدمت یکی از علماء مبرز که در همسایگی وی بودند رفته و گفتند پدر ما حدود چهل سال است که تنها با یک الاغ به مشهد مقدس می‌رود و پنج ماه سفرش طول میکشد و حالا ـ دیگر پیر و ناتوان و نیروی او کاسته شده ولی باز امسال هم عازم حرکت است هر چه ما او را منع می‌کنیم که از این مسافرت با این کیفیت باز داریم قبول نمیکند خواهش داریم شما بمنزل ما آمده و نصیحت فرمائید که از مسافرت خودداری کند زیرا می‌ترسیم در راه تلف شود پس آن عالم بمنزل آن شخص آمده و اظهار می‌کند فلانی شنیده‌ام عازم مشهد مقدس هستید می‌گوید آری انشاءاللّه، آقا شروع بسخن کرده مطالبی را ذکر میکند که آن مرد را منصرف نماید پس آن شخص عرض میکند فرمایش شما درست و صحیح است لکن اصرار من بر این سفر جهت دارد من عرض می‌کنم و غرض خود را میگویم و با این هدف اگر منعم می‌فرمائید نمی‌روم. فرمودند بگو پس گفت آقا جان سی سال قبل رفیقی داشتم که با او این مسافرت را انجام میدادم پس در یکی از سفرها آن مرد مریض شد و در راه فوت نمود و من متحیر بودم که او را چکنم نه آب داشتم او را غسل دهم و نه کفنی که او را کفن کنم و نه برایم به تنهائی میسور بود که او را تجهیز نمایم و ترسیدم که اگر او را همانطور بگذارم و بده و آبادی نزدیک روم و مردم را خبر کنم، درنده‌ای او را بخورد پس وی را در زیر سنگ پنهان کرده و به آبادی که سر راه بود رفتم و اهل آنجا را خبر داده و از آنها کمک خواستم گفتند حالا که شب است صبر کن صبح با تو می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم.

پس شب را در آن محل مانده و صبح باتفاق چند نفر از جوانهای آن ده آمدیم تا محل فوت او و هرچه تفحص کردیم اثری از وی نبود خیال کردم درندگان او را از زیر سنگ درآورده و برده‌اند شروع بگردش در آن بیابان کردیم و من متحیر بودم چه شده که ناگاه دیدم شخص بزرگواری در کنارم ایستاده و نفهمیدم آیا از آسمان آمد و یا از زمین و فرمود فلانی (و اسم مرا برد) برای چه ناراحت و سرگردانی. جریان را گفتم فرمود راحت باش که من دیشب او را تجهیز نموده و دفن کردم و اینهم قبر اوست و اشاره کرد به نقطه‌ای و دیدم صورت قبر است و بعد فرمود تو هم به هدف رسیدی گفتم چگونه من بمقصدم رسیدم و حال آن که هدفم مشهد و زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است فرمود اگر صاحب قبر را میخواهی که نائل شدی و اگر قبر را میخواهی برو گفتم آقا جان شما کیستید فرمود من ابوالحسن علی بن موسی الرضا هستم به شیعیان ما خبر بده که هر کدام در مسیر و طریق زیارت ما از دنیا بروند ما می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم و اگر تو می‌خواهی برگرد بوطنت و اگر میخواهی برو به مشهد پس خودم را بقدم مبارکش انداختم که ببوسم پس کسی را ندیدم شروع کردم بگریه و افسوس از این که چگونه این دولت مستعجل و فیض بزرگ از دستم رفت و حالا از آن تاریخ من هر سال مشرف می‌شوم که شاید در راه اجلم برسد و به فیضی که رفیقم نائل شد منهم نائل شوم.

حالا با این کیفیت اگر شما مرا منع می‌کنید می‌پذیرم. آن عالم جلیل فرمودند خیر منعت نمی‌کنم بلکه من هم رفیق سفر شما هستم

و بسیار گریست و با آن شخص مسافرت نمود چند سالی تا هر دو در راه سفر مشهد از دنیا رفته و بفیض و هدف مقدسشان رسیدند. هنیئا لهم رزقنا اللّٰه زیارتهم و شفاعتهم آمین یا رب العالمین.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خسروشاهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العلامه الورع آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی از علماء اعلام معاصر تبریز است.
وی در بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق در تبریز متولد شده و در مهد علم و شرف تربیت یافته و سطوح را در تبریز نزد والد خود و مرحوم آیه الله انگجی به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی به قم مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه الله حایری یزدی و آیه الله حجت و بالاخص مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خونساری حاضر شده تا به مدارج علم و کمال ارتقا یافته و ضمنا سالها در حوزه علمیه تدریس فقه و اصول و کلام اخلاق نموده تا بعد از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و تا هم اکنون به اقامه جماعت در مسجد والدش و به تدریس فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال دارد.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خسروی همدانی فرزند مرحوم علی حسین از فضلاء مبلغین و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و دانش و ولایت و بینش آراسته و موصوفند.
ایشان در سال ۱۳۴۱ قمری در سایان در جزین همدان متولد شده و در محل خود پس از خواندن دروس فارسی اشتغال به علوم عربیت نموده و بعد عزیمت به همدان کرده و در حوزه همدان مدت ۱۸ سال از اساتید و آیات عظام شهرستان استفاده نموده و در چهلمین روز درگذشت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی اعلی اللّٰه مقفامه به قم آمده و با تشویق و تاکید بعضی از آیات گذشته رضوان‌اللّٰه تعالی علیه وآیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی مدظله و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ راضی نجفی تبریزی استفاده نموده و از راه منبر و تبلیغ احکام اسلام و معارف فقه اهل بیت علیهم‌السلام خدمات بسیاری در قم و یزد و همدان و سایر نقاط نموده و می‌نماید.
نگارنده گوید: جناب حاج آقای خسروی واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و ادیبی اریب و عالمی عامل و اهل ولایت و اخلاص به خاندان رسالت است منبری آموزنده و سازنده دارد که مستمعین و شنوندگان را تحت‌تاثیر حال و قال خود قرار می‌دهد خود می گرید و دیگران را می گریاند یا در منزل آیات عظام قم و مجالس و محافل مذهبی ایام محرم و صفر و فاطمیه و زینبیه و ماه رمضان که ماه عبادت و دعا و تبلیغ است با سخنان دلنشین خود همه را مجذوب می‌نماید مخصوص در موقع خواندن مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام.
چند سالی در ایام شهادت صدیقه صغراء نایبه الزهراء زینب کبری علیهاالسلام در منزل بنده سخنرانی نموده و عموم مردم خصوص

دانشمندان حاضر را مستفیض می‌فرمودند.

تألیفاتی درباره چهارده معصوم علیهم‌السلام دارد که می‌فرمودند به هیچ از نوشته آثارم دلبستگی ندارم چون عمل خالص کساد است مگر اسامی شهداء کربلا روحی لهم الفداء که در مدتی که اشتغال به تشویق مؤمنین برای تکمیل کاشیکاری مسجد اعظم داشتم به خواهش حقیر از آیت‌اللّه زاده بروجردی حشره‌اللّه مع اجداده سلام‌اللّه علیهم اجمعین دستور فرمودند در دیوار مسجد به یادگار ماند که در قم سابقه نداشته که امید دارم قبل از رسیدن اجلم به فریادم برسند.

آقای خسروی دارای فرزندانی می‌باشند که یکی از آنها به نام آقا شیخ علی خسروی از طلاب و محصلین حوزه علمیه‌اند و دو نفر دیگر آنان به نام آقا شیخ مرتضی خسروی شهید جنگ تحمیلی و دیگر به نام آقا شیخ مهدی خسروی شهید و مفقود الجسد از قربانیان حوزه علمیه‌اند جزاه اللّه اجر الصابرین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۱۵۹ ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ‌الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشان، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی اطرافیان به امر وی کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۶/۷)، ریحانه (۱۵۰/۲).

خلخالی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم بن المرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی با دو برادر ارجمندش جنابان حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید جواد و حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی کاظمی موسوی، در تهران به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

والد معظم ایشان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمد کاظم بن سید الجلیل آقا سید زین‌العابدین در حدود سال ۱۲۷۰ قمری هجری در قریه (کیوی) از قراء خلخال متولد گردیده و مرحوم والدش که از اجله سادات و اهل تقوا و شخص متهجد و مورد احترام مردم بوده در خدمت والد خود از تبریز مهاجرت به خلخال نموده و دارای هفت فرزند ذکور که پنج نفر از آنان از علماء مبرز و روحانیین بزرگوار با اسامی زیر بوده‌اند:

۱- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی مترجم معظم ما.

۲- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد موسوی خلخالی مقیم و متوفی نجف (ترجمه وی در اعلام نجف خواهد آمد)

۳- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسن موسوی خلخالی مقیم تبریز.

۴- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید فاضل موسوی خلخالی مقیم رشت (ترجمه ایشان در ضمن ترجمه فرزند برومندش حاج سید محمد مهدی خواهد آمد)

۵- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسین موسوی خلخالی مقیم رشت و متوفی تهران ۱۳۹۳ مدفون قم.

و نامبردگان فوق هر یک در دوره حیات خود شخصیت بارز علمی و تقوائی و اجتماعی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سید عباس. عالم جلیل، از شاگردان حاج سید محمد باقر حجهٔ الاسلام بوده، و بر کتاب «مطالع الانوار» استاد خود حواشی نوشته، و تا سال ۱۲۴۳ زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خلخالی، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ نصراللّه ابن المرحوم حاج حسن الخلخالی النجفی مقیم نجف اشرف از ثقات و دانشمندان موجهین معاصر است در عراق. وی در نجف متولد شده و مانند والد ماجدش که با اهل علم و روحانیون اتصال و ارتباط داشت ایشان هم مورد توجه مراجع بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری می‌باشد وجوهی که از ایران برای حوزه علمیه نجف می‌رفته به وسیله ایشان بوده و می‌باشد.

نگارنده گوید آقای خلخالی مردی شریف و بزرگوار و خدمتگذار خدمات بسیاری به حوزه علمیه نجف اشرف نموده و حقوق زیادی بر روحانیت دارد و معظم له مضافاً بر این فضائل عالمی دانشمند و ادیبی ارجمند می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلیفه سلطانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید علاء الدین حسین خلیفه سلطان است. مادرش دختر شاه عباس صفوی است. در سال ۱۰۳۸ متولّد، و در ۱۰۹۸ وفات یافته

است.

مشارالیه در سنّ سه سالگی (سال سوّم سلطنت شاه صفی) به دستور شاه صفی کور شد، و با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده و در جمیع علوم و فضائل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است.

در کتاب مقتبس الاثر(۲:۲۹۹) گوید: به ابن الخلیفه مشهور است.

در هر صورت، عالم فاضل و فقیه محدّث اصولی بوده، کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حاشیه بر کتاب روضه [البهیّهٔ] تا مبحث تیمم ۲- حاشیه‌ای بر مدارک - حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت

در کتاب الذریعه(۶:۹۰ و ۱۹۶) پس از آن که نام تألیفات او را ذکر می‌کند از قول قزوینی در تتیمم امل الآمل فرماید: یظهر منه قوهٔ فکره و دقهٔ نظره

صاحب عنوان هفت فرزند پسر داشته که عبارتند از: ۱- میرزا جمال الدین محمّد ۲- میرزا معین الدین محمّد ۳- میرزا معزالدین محمّد ۴- میرزا سیّد محمد ۵- میرزا کمال الدین حسین ۶- میرزا محمّد حسین ۷- میرزا فضل اللَّه.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوارزمی، ضیاءالدین نوراللَّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، خطیب و عالم دینی. مردی فاضل و روشن‌ضمیر بود و سالهای بسیار در مسجد جامع شهر هرات به امر پیش‌نمازی و خطابت مشغول بود. بلاغت وی بدان حد بود که هر جمعه در مسجد جامع خطبه‌ای غیر مکرر انشاء می‌کرد و بر مردم تقریر می‌نمود. در هرات درگذشت و در گازرگاه پایین قبر خواجه عبداللَّه انصاری دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۳/۴).

خوافی، نظام‌الدین عبدالرحیم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی. مشهور به پیر تسلیم. وی در دوره‌ی ملک معزالدین حسین کرت در هرات اقامت داشت. چون ایمان را بر خلاف متقدمان و متاخران به تسلیم تعبیر کرد به پیر تسلیم مشهور شد. وی پس از صدور فتوای کفر غزها، توسط همین طایفه در هرات به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۸۵ -۳۸۴ /۳).

خوانساری مهدویانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، داماد حاج آقا منیرالدین [بروجردی] و شاگرد او بوده، و در زمان حیات استاد [در سال ۱۳۱۹ ق] فوت شده.

وی را کتابی است به نام «سراج اللیل در شرح دعای کمیل».

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سعید، از علمای اخیار، و فضلای ابرار بوده، در ذی قعده سال ۱۲۸۸ وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی علی اکبر، عالم جلیل، از شاگردان و خواص اصحاب سید حجهٔ الاسلام، و مورد اعتماد و وثوق ایشان بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید، مشارالیه را به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است.

پس از وفات او، جنازه به نجف اشرف منتقل شده، در وادی السلام مدفون گردید.

وی از شاگردان و مجازین از سید صدرالدین عاملی بوده (و در شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۳ وفات یافته است).

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمدرضا تقوی. عالم فاضل، از شاگردان: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج شیخ محمدعلی مسجد شاهی، و آقا نجفی، و جهانگیرخان، و آخوند کاشی بوده، و پس از فوت مرحوم خان در مدرسه‌ی صدر تدریس و امامت می‌نموده.

در ۲۳ محرم سال ۱۳۴۸ وفات یافته، در اول تخت فولاد در تکیه‌ی جهانگیرخان مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش این است:

آه همائی کشید از د و با صد فسوس

از پی تاریخ گفت: شد به جنان فخر دین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، کمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند صاحب عنوان: مرحوم آقا کمال الدین خوانساری، عالم عادل جلیل، و زاهد معمر ادیب و شاعر، از علمای کاملین، جامع معقول و منقول بود، در مسجد میرزا باقر امامت می‌نمود، و در آنجا سطوح تدریس می‌کرد. در حدود سال ۱۲۸۰ متولد، و در ظهر چهارشنبه ۱۷ صفر سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در مقبره‌ی زینبیه در اطاق آقا سید ابوالقاسم دهکردی مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱- ایرادات بر کتاب هزار مسأله، در فقه ۲ - دیوان اشعار (جمع نشده است) ۳ - کتابی در رد بابیه ۴ - محاسن الذکر؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوزانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن غیاث الدین از علمای قرن دوازده هجری در اصفهان است. عالم فاضل کامل، متبحّر در فقه و اصول و حکمت بوده، اوایل قاضی اصفهان بوده، و سپس قاضی عسکر نادر شاه گردید.

از شاگردان و مجازین از امیر محمّد حسین خاتون آبادی و میر محمّد باقر خلیفه سلطانی است، و جمعی کثیر از او اجازه روایت یافته‌اند.

در سال ۱۱۶۰ در اصفهان وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

در فوائد الرضویهٔ(۹:۱) درباره او گوید: متمهّر در اصول فقه، و حاذق در حکمت و معقول، دقیق الذهن، عمیق الفکر، کامل العلم، شیرین کلام و عذب البیان.

کتب زیر از تألیفات اوست:

- امان الحثیث فی درایهٔ الحدیث ۱- تفسیر آیه و اذا قریء القرآن ۲- تفسیر قرآن ۳- حواشی بر کتب اربعه ۴- رساله در تحریم غنا ۵- رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آنها معتبر می‌باشد؛ ۶- رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال؛ و غیره.

در کتاب روضات الجنات(:۶۵۲) در ضمن شرح حال حاج شیخ محمد [بن محمد زمان] کاشانی از او نامی برده شده است.

در کتاب راهنمای دانشوران(۲۵۹:۱) گوید: خوزانی (با ضمّ و سکون) منسوب است به خوزان، و آن نام چندین موضع است، و از جمله قریه خوزان ماربین اصفهان است، و از منسوبین بدانجاست: قاضی محمّد ابراهیم خوزانی... و احمد بن محمد خوزانی

اصفهانی، در طبقه شعرا.

از اشعار اوست:

خذفی الشباب من الهوی بنصیب

إنّ المشیب إلیه غیر حبیب

ودع اغترارک بالخضاب و عاره

فالشیب احسن من سواد خضیب

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوشنویسان تهرانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل دانشمند و زاهد خردمند و عابد ناسک ارجمند مرحوم حاج میرزا محمود بن حاج حسام‌الدوله خوشنویسان تهرانی از زهاد و عباد حقیقی عصر خود (و برادر خوانده نگارنده) بودند و جدا از نوادر عصر خود بود که به کلی ترک دنیا کرده و رو به عقبی نهاده و غالب روزها روزه‌دار و شبها یا نمی‌خوابید و یا کم می‌خوابید.

او در حدود ۱۳۲۲ قمری در تهران متولد شده و با مرحوم والدش که از اشراف تهران بود مهاجرت به ارض اقدس نموده و به تحصیل علم و کمال پرداخته و از ابحاث اخلاق و عرفان مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده و از شرکت در اجتماعات و رفت و آمد با مردم اجتناب و به تهذیب نفس و اخلاق اشتغال جسته و سفری با شتر به مکه مشرف شده بودند.

و پس از فوت مرحوم والدش به عتبات عالیات مهاجرت و چندین سال در کربلا و نجف و در اواخر به سامرا هجرت نموده و در مدرسه کوچک میرزاء شیرازی که در زاویه مدرسه بزرگ قرار دارد سکونت نموده و مجرداً زندگی زاهدانه کرده تا در ماه صفر ۱۳۹۲ قمری که از دنیا رفته و جنازه‌اش را عده‌ای از سادات و فضلاء حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام به خاک سپردند.

نگارنده گوید: آن مرحوم دارای مقامات و منامات عجیبه و مکاشفات غریبه بود و اغلب مردم و اهل علم از او بی‌خبر بوده و او را نمی‌شناختند که چه مرد شریفی بود. بستگانش از برادران و بنی‌اعمام و دامادهایش تمامی از رجال نامی دولت و ثروت و افسران ارشد بودند ولی وی از همه آنان اعراض و به زهد و قناعت و مناعت طبع و اقبال به عبادت و بندگی خدا عمر خود را گذرانیده تا دعوت حق را لبیک گفت و حقاً صاحب نظر و مصداق این بیت بود.

نظر آنان که نکردند بدین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خونساری، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر خونساری فرزنـد برومنـد آیت‌اللّه العظمی حاج سـید احمـد خونساری قـدس اللّه و دامـاد معظم آیت‌اللّه العظمی حـاج سـید محمدرضا گلپایگانی مدظله العالی از فضـلاء آقازادگان معاصـر می‌باشـند. ایشان که یگانه فرزند روحانی آن مرحوم در سال ۱۳۵۶ قمری در قم به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از خواندن مقدمات سطوح را در تهران از مرحوم حاج شیخ حسین زاهد و مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریف‌زاده خوانده و سطوح عالی را از مدرسین مـدرسه حاج ابوالفتح و مدرسه مروی و غیره استفاده نموده و خارج فقه را از آیت‌اللّه العظمی حاج سـید احمد خونساری که از نوادر فقهاء و آیات عظام و مراجع تقلیـد بزرگ زمان بودنـد استفاده نموده و متصدی برخی از امور و مراجعات به والد ماجدش بوده تا بیست و هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۴۰۵ ق که ماده تاریخ رحلت آیت اللّه خونساری است آن مرحوم با اعلان قبلی (یعنی یک هفته قبل از وفاتش) درگذشت. ایشان درب خانه پدر را مانند زمان آن مرحوم بازداشته و شبهای جمعه تمام سال و ایام عـاشورا و ایام فاطمیه و مضافا شـبهای قـدر و احیاء (نوزدهم و بیست و یکم و سوم) ماه رمضان مجلس دعاء و احیاء و تبلیغ برقرار و علاقمنـدان و ارادتمنـدان به روحـانیت و بالاـخص آیت‌اللّه خونسـاری اجتماع نموده و گوینـدگان خالص ایفاء وظیفه نموده و روح پرفتوح معظم‌له را برخوردار می‌کننـد و آن مرحوم به این مجلس توجه و عنایت خاصـی دارنـد چنانچه خود نگارنده در عالم خواب دیدم آقای حاج آقا جعفر که تربیت شده مکتب آن عالم ربانی و فقیه سبحانی و مرجع بصـیر می‌باشند روشنفکر و دارای بصیرت و بینش عجیبی هسـتند جدا وارث اخلاق حمیده پدر بزرگوارش می‌باشـند. دارای فرزند برومندی به نام آقای حاج سـید مصـطفی که داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضای مهدوی دامغانی از علماء و مدرسین و مفسرین بزرگ مشهد مقدسند.

دامادهای روحانی عزیزی دارند که از فضلاء و آقازادگان محترم به نامهای زیر می‌باشند.

۱- آقا سید محسن موسوی فرزند حجةالاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی یزدی.

۲- آقا سید محسن محقق فرزند حجةالاسلام حاج سید علی محقق داماد.

۳- آقا سید محمد مرتضوی فرزند حجةالاسلام حاج سید محمدحسن مرتضوی لنگرودی.

۴- مهندس محمود دیبائی فرزند حاج دیبائی قمی داماد مرحوم آیت‌اللّه خونساری قدس‌اللّه سره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خونساری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج سید حسن خونساری از علماء و ائمه جماعت معاصر همدان است.

وی در سال ۱۲۹۵ شمسـی در همـدان متولـد شـده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و خواندن فارسـی با معیت برادر ارجمندش جناب حجةالاسـلام والمسـلمین آقای حاج آقا موسـی آنف‌الذکر به قم مهاجرت نموده و سـطوح را از مرحوم حجةالاسـلام آقامیرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم قمی و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر قزوینی استفاده نموده و بعـد به درس خـارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقـای حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سـید محمـدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج شـیخ محمدعلی حایری قمی شـرکت و از محضر دراسات آنان و دیگران بهره‌مند شده و پس از آن به همدان مراجعت و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد جامع و مسجد دیگری و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خونساری، فضل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج سـید فضـل‌اللَّه بن العـالم الجلیـل آقـا سـید علی‌اکبر خونسـاری خواهر زاده و دامـاد آیت‌اللَّه العظمی حاج سـید احمـد موسوی خونساری مد ظله از علماء بزرگوار معاصر تهران است.

وی در خونسار متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و اولیات را در آنجا خوانده و به اصـفهان مسافرت و یکسال در آنجا درس خوانده و در سال ۱۳۴۷ قمری مهاجرت به قم نموده و سـطوح را نزد اساتیـد حوزه به اتمام رسانیده و حدود دو سال در حوزه درس آیت‌اللَّه العظمی حـایری یزدی حاضـر و اسـتفاده نمـوده و بعـد از فوت آن مرحوم یـک دوره اصول مرحوم آیت‌اللَّه حجت را دیـده و از محضـر آیت‌اللَّه خونساری بهره‌منـد شـده و حـدود نوزده سال فقه و اصول و علوم عقلیه و فلسـفه و فلکیات را از آیت‌اللَّه العظمی حـاج سـید احمـد خونسـاری مـد ظله دائی بزرگوار خود بهره‌منـد شـده و هم از ابحـاث عرفان و فلسـفه مرحوم آیت‌اللَّه شاه آبادی اسـتفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که بر حسب تقاضـا و اصـرار جمعی از اهـل تهران ساکن (خیابان شاه) برای اقامه جماعت در مسـجد سـجاد آن خیابان و ترویج دین مبین و ادامه بوظائف روحانیت مهاجرت به تهران نموده و تاکنون در آن محیط اشتغال به خدمات دینی و تدریس فقه و اصول دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سـید محمدباقر بن العلامه التقی آیت‌اللَّه حاج سـید محمدتقی خونساری از علماء معاصر تهرانست وی در قم متولد و اولیات و سطوح را از مدرسین قم فراگرفته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف و از مراجع آن سامان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران اسـتفاده و چنـد سالی است مراجعت به ایران و در خیابان گرگان تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد شمال خیابان مزبور و ترویجات و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سـید محمـد علی بن العلامه الورع آیت‌اللَّه حاج سـید محمد تقی موسوی خونساری از علماء فعال و مروج معاصـر تهران

است. وی نیز مانند برادرش در قم متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و اولیات و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین تهران رحل اقامت به آن سامان انداخته و در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه خیابان فرودگاه نزد کارخانه پپسی کولا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارد و در فن منبر نیز مهارت و استادی کامل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّه حاج شیخ علی اکبر خونساری (متولد ۱۳۰۰ قمری و متوفی ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۵۹ قمری) از افاضل دانشمندان معاصر و اصحاب خاص آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی می‌باشند.

در سال ۱۳۴۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا در سن دوازده سالگی پدر را از دست داده و اولیات را در خدمت مرحوم آقا میرزا عبداللّه تبریزی خسروشاهی و مرحوم والدش خوانده سپس سفری به هندوستان نموده و چند سالی در آنجا اقامت و پس از آن به ایران مراجعت و یک سال در قم اقامت و سطوح لمعه و قوانین را از آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه حاج سید حسین بدلا آموخته آنگاه به نجف اشرف عزیمت و منطق را نزد شمس تبریزی و قسمتی از سطوح را از آیت‌اللّه علامه فانی اصفهانی و مکاسب و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی فراگرفته و دو دوره از اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی و خارج فقه را از معظم‌له و غیر ایشان استفاده نموده و مدت هشت سال متصدی بررسی نامه‌های وارده برای ایشان ونیز آیت‌اللّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی از جهان تشیع و پاسخ آنان بوده تا سال ۱۳۹۵ قمری که به حکم تقدیر و اراده خداوند متعال مهاجرت به ایران و رحل اقامت در شهر مذهبی و علمی قم افکنده و بنابر دعوت رسمی آیت‌اللّه العظمی آقای گلپایگانی تصدی رسیدگی به نامه‌های معظم‌له محول به ایشان گردیده و تا حال حاضر اشتغال به این پست بزرگ دارند.

از آثار ایشان است ۱- تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله.

۲- زندگینامه مفصل آیت‌اللّه خوئی و آثار خالده ایشان که در نوع خود بی‌نظیر است.

۳- شرح احوال رجال علمی خونسار.

والد ماجدشان از علماء بزرگ نجف اشرف بوده و مرحوم علامه رازی حاج شیخ بزرگ تهرانی قدس‌اللّه سره وی را در نقباءالبشر کتاب رجالی خود یاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خونساری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی خونساری بن العلامهٔ الورع الحجهٔ الایهٔ السید حسن الموسوی الخونساری از علماء معاصر همدان است.

در سال ۱۳۲۹ قمری در همدان متولد شده و مقدمات را نزد والد معظم و سطوح را در قم نزد اساتید وقت فراگرفته و پس از رحلت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری به همدان آمده و مشغول به ترویج و خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام نموده و در زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی مشرف به نجف گردید و مدت دو سال توقف و از ابحاث آیات عظام آنجا استفاده نموده تا اهالی همدان به وسیله حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی تقاضای معاودت ایشان را نموده و حسب‌الامر آن مرحوم به همدان مراجعت و با اکنون به انجام وظیفه دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خوئی، عبدالصمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالصمد ابن المرحوم آقا میرزا مجتبی ادیب خوئی طاب ثراه (معروف به اولاد ملا محمدباقر خوئی) در سال ۱۳۲۷ ه. ق در شهر تهران متولد و در پنج سالگی در خدمت والدین خود عازم خوی شده و در آنجا تحصیلات ابتدائی و مقدمات عربی را نزد والد ماجدش خوانده و سطوح وسطی را نزد علمای بزرگ شهر خوی فراگرفته و در سن ۲۱ سالگی در مدرسه نمازی شهر خوی بتدریس طلاب مشغول و بواسطه پیش آمد بعضی از حوادث بقصبه شبستر عزیمت و مدت یکسال و نیم از محضر آیت‌اللّه شبستری استفاده نموده و آنگاه به تبریز آمده و در مدرسه طالبیه مشغول تدریس طلاب علوم دینیه شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی رسائل و مکاسب را فراگرفته و در سال ۱۳۵۰ ه.ق مهاجرت به قم نموده و مدت چهارده سال و نیم در حوزه مقدسه قم از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و اندکی هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده کرده و مقداری از حکمت و فلسفه را هم نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی خوانده و در مدرسه دارالشفا و فیضیه به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و عده‌ای بسیار از طلاب و محصلین در حوزه دروسش شرکت و بامور مدرسه دارالشفا هم رسیدگی می‌کردند تا در سال ۱۳۶۳ ق. ه که از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مد ظله انتخاب و با تصویب و موافقت آیات عظام قم اعزام به منطقه اسکرومیلان گردیده و سالهای متمادی در آن ناحیه که در تحت تسلط و نفوذ حزب منحله و منفوره توده‌ای‌های آذربایجان بود خدمات شایسته‌ای انجام داده و در مقابل حملات و تهمتها و اهانت‌های آن فرقه ضاله مقاومت و با عنایت حق جلت قدرته و الطاف حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف تحمل شداید نموده و انجام وظائف محوله دینیه را از قبیل: تشکیل مدرسه علمیه دینیه و جمع‌آوری طلاب از اطراف و قراء آن صفحات در قصبه میلان و اعزام منبریهای طلاب را بدهات و قراء برای ترویجات دینی نموده‌اند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان بسیار جدی و ساعی در امور دینی و از مروجین و خدمتگزاران بلیغ می‌باشد در مدت اقامتشان در میلان آثار بسیاری از قبیل ساختن حمام‌ها و مفروش کردن مساجد دهات و قراء آن سامان و تربیت طلاب و اعزام آنان به قم و غیره انجام داده‌اند تا در سال ۱۳۷۹ ق که جناب آقای حاج سید حسین مدنی (ابن عم مکرم حضرت آیت‌اللّه المیلانی دام ظله) متولی مسجد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام جوادیه تهران از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه کسب اجازه نموده و ایشان را به تهران دعوت و امامت مسجد مزبور را بعهده ایشان گذارده و تا حال حاضر حدود پانزده سال است در منطقه بزرگ و حساس جوادیه راه آهن بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، علی رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضای الخوئی خاکمردانی در حدود ۱۲۹۲ متولد و در نهم ماه رمضان ۱۳۵۰ در قریه شرفخانه واقع در ساحل دریاچه رضائیه بعالم بقارفت تألیفات و آثار ارزنده‌ای از خود گذاشت که از آنهاست تشریح الصدور فی وقایع الایام والدهور در ۶ جلد ۲- حل الاعضال ۳- وسیلهٔ القریه فی شرح دعاء الندبه ۴- لسان التکلمه فی جواب الاسئله ۵- شرح القصیدهٔ العینیه ۶- الرسالهٔ الطیبه ۷- تذکرهٔ العارفین ۸ و ۹- دو وجیزه عربی و فارسی رد بر وهابیه ۱۰- عقدالفرائد در شرح القصائد ۱۱- شرح دعاء الصباح ۱۲- تعدیل الاوج و الحضیض فی نقی الجبر والتفویض و چندین کتاب دیگر آن مرحوم از شاگردان مرحوم محقق خراسانی صاحب کفایه و حاج شیخ هادی تهرانی در نجف اشرف بوده است از قصائد ادبی او تخمیس شعر صاحب بن عباد است در مدح حضرت رضا علیه‌السلام که نمونه‌ای از افکار بلند و ذوق سلیم اوست.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد. در خوی از شهرهای آذربایجان متولد گردیده، و در تبریز و خوی تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد رسیده، پس از جنگ ایران و روس جزو علمای مجاهد وارد شده، و به میدان جنگ شتافته، پس از آن مجبورا ترک آن حدود نموده، و به جهت اشتهار و قدرت سید حجهٔ الاسلام به اصفهان آمده، نزد ایشان در کمال احترام می‌زیسته، و پس از آن که مسجد سید ساخته می‌شود مرحوم حجهٔ الاسلام امامت یک وقت مسجد میرزا باقر را به ایشان واگذار نموده، و در کمال زهد و قناعت زندگی نموده، در سال ۱۲۶۵ وفات یافته، در مقبره‌ی کوچک مسجد سید مدفون می‌شود. ظاهرا وی را تألیفاتی بوده که از بین رفته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوئی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی موسوی خوئی نجفی فرزند برومند زعیم الشیعه و مدار الشریعه فقیه اهل البیت بشاره فرج ولی‌اللّه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداء آیت‌اللّه العظمی حاج سیدابوالقاسم الخوئی روحی فداه و متع اللّه الاسلام والمسلمین بطول بقاء می‌باشند.

معظم‌له در حدود ۱۳۶۷ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت مرجعیت و حجر علم و ورع پرورش یافته و مقدمات و ادبیات

و پس از آن سطوح متوسط و عالی مکاسب و فرائد و کفایه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نصراللّه مستنبط و والد ماجدش به کمال رسانیده سپس به درس خارج فقه و اصول پدر بزرگوارش حاضر و استفاده سرشار و تقریرات درس معظم‌له را به رشته تحریر و خود نیز تدریس سطوح عالی فرموده و پس از رحلت برادر عزیزش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سیدجمال خوئی متوفی تهران و مدفون قم متصدی به امور و کارهای مربوط به مقام زعامت و مرجعیت تشیع پدر عزیزش گردیده و مورد علاقه شدید آن جناب شده که در موقع بردن ایشان را از نجف با تمام اهل‌بیت و اصحابش به بغداد و خواستند آقا را به نجف برگردانند و نور چشم عزیزش مترجم محترم را نگهدارند آقا فرمودند من بدون سید محمدتقی نمی‌توانم یا مرا هم با ایشان نگهدارید و یا ایشان را با من بفرستید که دولت شوم بعث صدامی ایشان را در خدمت والدش به نجف برگردانیدند.

ایشان دارای استعداد زیادی می‌باشند و عمده کارهای حوزه علمیه را انجام داده و برای مقام زعامت عامه والدش بازوی توانا بوده و هستند.

تألیفات ایشان به قرار زیر است

تقریرات درس فقه والد ماجدش که چهار مجلد زیر است:

۱- مضاربه

۲- مساقاه

۳- کتاب النکاح

۴- کتاب النکاح وصیت

۵- تقریرات درس اصول والد ماجدش.

۶- تقریرات تفسیر والدش.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خوئی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین بن العالم الجلیل آقا سید کبیر خوئی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و کمال و خواندن مقدمات و سطوح متوسط به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه بپایان رسانیده آنگاه از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و بمدارج عالیه رسیده و بعد بنابر درخواست عده‌ای از دوستان و مومنین تهران منتقل به تهران گردیده و در مسجد سلمان واقع در خیابان شهباز تهران به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای خوئی مزبور از بنی اعمام مرحوم علامه متتبع میرزا حبیب‌اللّه هاشمی خودی صاحب شرح نهج‌البلاغه مطبوع می‌باشد، عالمی متین و دانشمندی باتقوا و متانت و دارای تالیفاتی می‌باشد.

مرحوم والدش حجهٔ‌الاسلام آقا سید کبیر خوئی نیز از علماء محترم شهرستان خوی دارای تألیفات بوده که از آنها رساله‌ای بنام مثل و اندرز بسعی آن جناب بطبع رسیده است.

آن مرحوم در سال ۱۲۹۳ ق در شهرستان خوی محله شاهانه متولد و در سوم ذی القعده ۱۳۶۸ قمری در اثر تصادم از اسب همسایه‌اش بدرود حیات گفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، مهرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از دانشمندان خوی و ادبای این شهرستان و مخلصین پاکدل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام است که در خوی نشو و نما یافته و بعد به خراسان و اصفهان و عراق مسافرت نموده و از محضر علماء کسب فیض کرده آنگاه به تبریز مراجعت و در سال ۱۲۶۳ به رحمت حق پیوسته است. تخلص وی فدوی می‌باشد.
فدوی مرد فاضل و کامل و عارف و مداح خاندان رسالت بوده و در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اشعار زیادی گفته که از آنها قصیده رآئیه او معروف می‌باشد و این چند بیت زیر آن است:

ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظهر

هو والمبدء شمس و ضیاء

هو والواجب نور و قمر

فلک فی فلک فیه نجوم

صدف فی صدف فیه درر

جنس الاجناس علی و بنوه

نوع الانوع الی حادی عشر

کل من مات و لم یعرفه

موته موت حمار و بقر

ما رمی رمیهٔ الا و کفی

ما غزا غزوهٔ الا و ظفر

اغمد السیف متی قایله

کل من جر دسیفا و شهر

اذ اتی احمد فی خم غدیر

بعلی و علی الرحل نبر

قبل تعیین وصی و وزیر

هل تری مات نبی و هجر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خیابانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۹۷ ق)، عالم دینی و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. در کودکی به روسیه رفت و پس از بازگشت به تحصیل مقدمات و علوم متداول زمان چون هیات و حکمت و طبیعیات پرداخت و بعد از چندی به سلک روحانیت درآمد و امام جماعت مسجد کریم خان محله خیابانی تبریز شد. پس از اوج‌گیری جنبش مشروطه به این جنبش پیوست و نماینده‌ی انجمن ایالتی آن شهر شد. در دوره دوم مجلس به نمایندگی مردم تبریز انتخاب شد و در مدت نمایندگی خود با اولتیماتوم روسیه علیه ایران و قرار داد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله مخالفت کرد. خیابانی در تبریز روزنامه‌ی «تجدد» را بنیان گذاشت و با نوشتن مقالاتی موفق به ساقط کردن دولت وثوق‌الدوله شد. وی در آذربایجان قیام و جنبشی راه انداخت که بوسیله مخبرالسلطنه سرکوب شد و خود نیز در این کشمکش کشته شد.[۱]

از آزادیخواهان معروف آذربایجان در عهد مشروطیت است. وی در ۱۲۹۷ ه.ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم معقول و منقول ادامه داد و به کسوت روحانیت درآمد. پدرش پیشه‌ی تجارت داشت و بیشتر تجارت او با روس‌ها بود. قریب سی سال تجارتخانه‌ای در روسیه دائر کرده بود. شیخ محمد چندی نزد پدرش در روسیه باقی ماند. زبان روسی را فراگرفت و به تبریز بازگشت و امام مسجد کریم‌خان تبریز شد. هفته‌ای چند بار در مسجد منبر می‌رفت و سخنان تندی بر زبان می‌راند و از مشروطه و آزادی دفاع می‌نمود. در بین مردم تبریز خیلی زود وجهه خوبی پیدا کرد. در دوره‌ی دوم که جوانی سی‌ساله بود، به وکالت مجلس انتخاب گردید. در تهران به تبعیت از تقی‌زاده، وارد حزب دموکرات شد. وقتی مجلس دوم تعطیل شد، او به تبریز و سپس به روسیه رفت و چند سالی دیگر در روسیه باقی ماند. در آن ایام حکومت تزار در حال احتضار بود و مردم روسیه علیه خانواده‌ی سلطنتی قیام کرده بودند ولی هنوز انقلاب به ثمر نرسیده بود. خیابانی تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی در روسیه قرار گرفت و به تبریز بازگشت و حزب دموکرات را در آنجا تأسیس کرد و روزنامه‌ای به نام تجدد انتشار داد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که در دوران حکومت وثوق‌الدوله آغاز شد، شیخ به نمایندگی برگزیده شد. خیابانی منتظر فرصت بود تا اینکه قرارداد ۱۹۱۹ منتشر شد. وی قرارداد را بهانه قرار داده، علیه حکومت مرکزی قیام کرد و تمام تبریز را به تصرف خود درآورد و مخبرالسلطنه والی و سران حکومت را در تبریز به اسارت کشید. در همین ایام مشیرالدوله به جای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء شد و برای جلوگیری از بحران به مخبرالسلطنه اختیارات نظامی داد. بین شیخ و قوای دولتی جنگ مسلحانه شروع شد و سرانجام شیخ در همان موقع به قتل رسید و طومار زندگی‌اش در سن ۴۲ سالگی پیچیده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۱۴، ۲۱۱ -۲۰۸ /۲)، تاریخ جراید (۱۰۶ -۱۰۵ /۲)، شرح حال رجال (۱۹۸ -۱۹۶ /۶).

داربوقی بارفروشی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۷۲ ق)، عالم دینی. معروف به آخوند آقا. وی از اهالی دابوق بارفروش (بابل) بود. به کربلا رفت. از معاصران، مقلدان و شاگردان شریف العلماء بود. از آثارش: «مرصاد العباد»، در امامت، و ترجمه آن به فارسی؛ رساله‌ای در صلح حق رجوع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۹/۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۶/۱۳).

دامغانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. وی از علمای عصر فتحعلی شاه قاجار و از معاصران ملا حسن یزدی مولف «مهیج الاحزان» است. او در بلوک چناران سکنی کرد و در آنجا به انجام امور شرعی پرداخت. از آثارش: «تحفه المومن»؛ «مخوف المومنین»، در معاصی کبیره و تبعات آن، به فارسی؛ «تحفه المحققین»، به سبک «کشکول» با عناوین «تحقیق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۱/۲۶، ۴۶۷/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱/۱۳).

دامغانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملا- آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجانم وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است.[۱]

محمدرضا بن حبیب‌اللّٰه دامغانی عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال ۱۲۸۸ قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:

ستبقی خطوطی فی القراطیس برهۀ

و ایدی کتاب الخطوط تراب

و ما الدهر الا عیشۀ بعد عیشۀ

و ما العیش الا قیعۀ و سراب

و لا خیر فی الدنیا فان حلالها

علیه حساب و الحرام عقاب

آن بزرگوار بعد از سال ۱۲۹۰ قمری از دنیا رفته است رحمۀاللّٰه‌علیه.

جناب آقای شاه‌چراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء

بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۱ -۵۵۰، ۵۴۲ -۵۴۱ /۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، قصص العلماء (۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۴/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توام با حلم و وقار نموده است.

تولد آن جناب در سال ۱۳۲۹ قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی تحصیلات مقدماتی را فراگرفته و در سال ۱۳۴۴ قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمائی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فراگرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسما برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.

آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:

۱- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.

۲- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.

۳- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).

۴- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش آشتیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدحسین دانش آشتیانی (برادرزاده آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالقاسم دانش) از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در آشتیان متولد شده و در بیت تقوا و دیانت و عنایت عم گرامش پرورش یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و قسمتی از مقدمات در سال ۱۳۶۳ ق به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده.

آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری حاضر شده و سالها از محضر و درس آنان فقهاً و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۷۸ ق به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات قم مسافرت و حدود ده سالی در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۰ قمری که به تهران منتقل و در خیابان ژاله سکونت و در مسجد آنجا در نزدیکی میدان ژاله به امامت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای دانش از فضلاء بارع و مهذب حوزه علمیه قم است و بیش از سی سال است که با ایشان رفاقت و دوستی داشته و دارم فاضلی متین و عالمی مبرز و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد. و آثار و خدمات ایشان بناء مسجد بزرگ و باشکوه و غسالخانه‌ای در محلات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

دانش پژوه زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد دانش پژوه زنجانی از دانشمندان معاصر زنجانست که تحصیلات خود را تا حدودی در حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۵۴ قمری در زنجان مشغول به تحصیل شده و مقدمات و ادبیات را از اساتید عظام میرزا یحیی مدرس و حاج میرزا علینقی و حاج میرزا فتحعلی فراگرفته و دو جلد شرح لمعه را در خدمت حاج میرزا یعقوب علی داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فیاض زنجانی و حاج میرزا عبدالرحیم واسعی خوانده و اول ذیقعده ۱۳۵۹ قمری به قم مهاجرت و مکاسب را نزد آیت‌اللَّه حاج سید احمد شبیری زنجانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی خوانده و کفایه و رسائل رااز مرحوم آقای مجاهدی فراگرفته سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده و چندی هم از ابحاث رهبر و انقلاب امام راحل در مسجد سلماسی استفاده نموده است و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

مقداری از تقریرات اساتید خود را به رشته تحریر آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

داودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود داودی نژاد اراکی در سال ۱۳۲۰ شمسی در داودآباد اراک متولد شده و پس از رشد به اراک آمده و در مدرسه مرحوم آقا ضیاءالدین مقدمات را از مرحوم حاج شیخ قنبر رفیعی خوانده و در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم آمده و سطوح را از حجهٔ‌الاسلام آقای ستوده و آقای صلوتی و آقای مشکینی و آیت‌اللَّه سلطانی بپایان رسانیده و دروس خارج را از محضر استاد مشکینی و حجهٔ‌الاسلام منتظری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۵۱ شمسی حسب الامر آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی بکرشته شهریار که در جنب علیشاه عوض واقع است عزیمت نموده و تاکنون در مسجد آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دختر شیخ مسعود

قرن:۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پس از ۴۶۰ ق، از زنان دانشمند شیعه. وی فنون ادب و علوم اسلامی، مخصوصا حدیث را از محضر پدرش شیخ مسعود بن ورام فراگرفت. او همسر شیخ طوسی (۴۶۰ -۳۸۵ ق) بود و از همسر خود اجازه داشت و دارای سه فرزند بود: پسر او شیخ ابوعلی (پس از ۵۱۵ ق) از علمای شیعه است. یکی از دخترهایش، دختران شیخ طوسی، همسر ابوعبداللَّه محمد بن احمد بن شهریار خازن نجفی است و شیخ ابوطالب حمزهٔ بن ابوعبداللَّه محمد آل شهریار از بطن وی می‌باشد که نوه‌ی دختری شیخ طوسی است. از ذریه‌ی دختر دومش ابن ادریس حلی و سید بن طاووس به دنیا آمده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ دایرهٔ‌المعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ النساء المومنات، ۲۷۰.

درب امامی اصفهانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۸۱ ق)، عالم امامی. مشهور به درب امامی. چون اغلب افراد دانشمند، فاضل، ادیب و خطیب این خانواده در محله درب امام اصفهان زندگی می‌کردند به درب امامی شهرت دارند. سید حسین پس از فراگیری مقدمات مدتی در نجف در محضر علمایی همچون شیخ انصاری تلمذ کرد. از آثارش کتابت «القضاء و الشهادات» شیخ انصاری اسن که در تاریخ ۱۲۸۱ ق از آن فراغت یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۱/۱۷)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۳۸۴/۱۳).

درب امامی، بدیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید مصطفی بن میر عبدالحمید بن میر سید محمّد موسوی.

عالم جلیل، و فاضل ادیب مجتهد فقیه، از مشاهیر علما و مدّرسین اصفهان.

به مناسبت سکونت در محّه درب امام بدین لقب مشهور گردید. پدرانش عموماً از فضلا و دانشمندان اصفهان بوده و قبر آنها (پدر و جدّش) در صحن درب امام می‌باشد.

مرحوم حاج میزا بدیع که [به گفته آخوند گزی:] واقعاً بدیع الزمان بوده در مدرسه نیم آورد، تدریس و در مسجد جنب بازارچه وزیر، املامت می نمود، و عمری، به زهد و تقوی و فقر و استغنا گذرانید، و علاوه بر کمالات مذکوره، در حسن خطّ و ادب شعر نیز شهرت داشته.

در نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و میر سید محمّد شهشهانی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی، و حاج شیخ محمّد باقر نجفی درس خوانده و از هر سه نفر اجازه داشته.

کتب زیر از اوست:

۱- حاشیه بر ریاض المسائل ۲- حاشیه بر قوانین ۳- دیوان اشعار ۴- رساله در حجّیّت استصحاب به اخبار ۵- رسال در خراج و مقاسمه؛ و غیره.

مشارالیه در عصر روز جمعه ۲۱ شعبان سال ۱۳۱۸ به سنّ شصت و هفت سالگی وفات یافته، در تکیه میر سید محمّد شهشهانی در بقعه مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نیّر در تاریخ وفاتش گوید:

فیا نیّر اکتب لتاریخ فوته

بفردوس خلّد رواح البدیع

و مرحوم سید عبدالوّهاب مستشار دفتر، در تاریخ وفاتش گوید:

«بدیع هم به مکان رفیع جای گرفت»

از اشعار اوست:

جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن

جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درچه‌ای، ابوالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، امام مسجد قطبیّه، متوفّی در ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ در راه مشهد مقدّس، جنازه به مشهد منتقل شده و در آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درچه‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مشاهیر علما و مجتهدین، و اکابر فقها و مدّرسین، در اصفهان و نجف نزد علما تحصیل نموده و پس از وصول به مقامات عالیه علم و دانش به اصفهان مراجعت نموده، در مسجد نو بازار و مدرسه نیم آورد خارج فقه و اصول تدریس می‌نمود، و عدّه‌ای کثیر از فضلای طلّاب به درس او حاضر می‌شدند. در این اواخر، مجتهد اعلم و جامع الشرایط در اصفهان منحصر به او بود.

در صبح جمعه دهم ربیع المولود سال ۱۳۶۴ به سنّ متجاوز از نود وفات یافته، جنازه با تجلیل مناسب مقام او، در تخت فولاد در تکیه کازرونی جنب برادر مدفون گردید.

در ایّام تحصیل در نجف اشرف با مرحوم شیخ محمّد علی اوحدی سدهی (که او نیز از فضلا به شمار می‌رفت و چندین دوره به عنوان نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای ملّی شرکت نمود و در شب ۲ شبه ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۸۱ در طهران وفات یافت) معاشر و هم حجره بوده، و او از زهد و تقوای مرحوم آقا سید مهدی حکایت ها نقل می‌نمود که مقام، مناسب ذکر آنها نیست.

مرحوم حاج میرزا حبیب اللَّه نیّر در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او گوید:

لهفنا من فقد کهف الناس دّریّ النسب

حجّهٔ الاسلام کنز العلم اغلی من ذهب

قد اجاد النیّر التاریخ فیما قد کتب

(سیّد المهدیّ فی قدس الجنان قد ذهب)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درزی عزیزی، محمداسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمداسحق درزی عزیزی فرزند حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدمهدی بن العالم الجلیل آقا شیخ محمداسماعیل درزی (که از تلامذه سعید العلماء بوده است) از دانشمندان معاصر و مقیم قریه (بهنمیر) مازندران می‌باشد.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری متولد شده و مقدمات را از مرحوم والدش که از شاگردان آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر صاحب حاشیه (فرائدالاصول) آموخته و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۲ شمسی در مدرسه مولانا و مدرسه صدر بابل تحصیلات مقدماتی خدمت حاج شیخ علی موحد نموده و در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم مهاجرت و چندی از آقای اعتماد تبریزی و پسرعموی خود آقا شیخ محمدحسین شریف‌زاده استفاده نموده.

ولی به واسطه کسالت شدید و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی ری رفته و پس از بهبودی به حوزه درس عالم ربانی و آیت سبحانی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کوهستانی پیوسته و مقداری از فقه و اصول و تفسیر را در آنجا خوانده و مورد لطف مخصوص آنجناب قرار گرفته.

و بعد در سال ۱۳۳۴ شمسی مجدداً به امر آن مرحوم به قم آمده و به درس استاد علی مشکینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و علامه طباطبائی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالفضل زاهدی و درس هیئت مرحوم حاج شیخ محمد اردبیلی و رجال و فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنابر دعوت اهالی بابلسر و زادگاهش قریه (عزیزک) که از مضافات بابلست به آنجا آمده و به امر مرحوم آیت‌اللّه کوهستانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر آیت‌اللّه‌زاده مازندرانی به قصبه (بهنمیر) اقامت و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

قصبه (بهنمیر) زادگاه جد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ولی‌اللّه مدرس مازندرانی بوده ولی حدود یکصد و پنجاه سال از روحانی خالی بوده (با اینکه محیط آن حدود چهل هزار نفر جمعیت داشته است) از این جهت فرقه ضاله بهائیه در آنجا رخنه کرده و فعالیت زیادی نموده و در غالب شئون زندگی مردم خلط و آمیزش پیدا کرده بودند.

ایشان وظیفه خود دانسته که امریه آقایان را اطاعت و در آنجا ایفاء وظیفه نمایند و به حمداللّه موفق شدند در طول ۱۵ سال اقامتشان در آنجا جلوی نفوذ و پیشرفت آن حزب منفوره مردوده را گرفته و تعداد ۱۷ خانوار را که عددشان ۶۷ نفر می‌شود از زن و مرد ارشاد و هدایت نموده و برگردانند.

و خلاصه مبلغین ضال و مضل آنها را مجاب و محکوم نموده و شر رفت و آمدشان را از آن منطقه دور نمایند در سال ۱۳۴۲ شمسی مشرف به مکه معظمه و وراد در بیت‌اللّه الحرام شده و با یکی از وزراء کشور سودان مباحثه در خلافت نموده و او را ملزم ساخته و نیز در سال ۱۳۴۷ شمسی با یکی از دانشمندان مصری گفتگو و او را مجاب ساخته‌اند.

آقای عزیزی دارای آثار خیر چندی می‌باشند که از آنهاست.

۱- کتابخانه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف در (بهنمیر).

۲- بناء پل آهنی جهت رابطه چند قریه و مسجد و تکایا و غیره.

دارای اجازات عدیده‌ای در امور حسبیه و روایتی از آیات عظام قم مانند آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی عراقی و آیت‌اللّه العظمی میلانی مشهد مقدس می‌باشند.

از آثار قلمی ایشانست کتاب کشف‌الحقایق رد بر بهائیت و بابیت و ازلیت که مخطوط می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درزی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۱/۴۱۰ ق)، عالم مذهب اسماعیلیه. معروف به نشتکین. وی از موسسان مذهب دروزیه است و نام این گروه ماخوذ از شهرت اوست. درزی نیز مثل حمزه بن علی زوزنی، که یکی از دیگر از موسسین این مذهب بود، ایرانی نژاد و اهل بخارا بود. در اواخر سال ۴۰۷ ق به مصر رفت و به خدمت حاکم فاطمی رسید. گویند حاکم او را برای نشر دعوت خویش به شام فرستاد و وی

در شام کشته شد. ولی به موجب روایات دروزیه، وی در اواخر عمر از حاکم برگشت و با او به دشمنی برخاست و در نتیجه، حمزه به عنوان یگانه فرستاده و داعی حاکم مورد متابعت دروزیه واقع شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۲۹ -۲۲۷) دایرةالمعارف فارسی (۹۶۸/۱).

درود آبادی همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۸۰ ق)، عالم دینی. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف مهاجرت نموده و درس ملا حسینقلی همدانی را در آنجا درک نمود. سپس به موطن خود بازگشت. از آثارش: «در المنضود فی اجوبه مسائل الیهود»؛ «شرح اسماء الحسنی»، عربی؛ «الشموس الطالعه فی مشارق زیارت الجامعه»، عربی.[۱]

سید حسین بن سید محمدتقی درودآبادی همدانی متوفی ۱۳۴۴ عالمی جلیل و فقیهی فاضل و اخلاقی کامل از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی در سامره و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا حسینقلی همدانی و میرزا حسین خلیلی در نجف اشرف و داماد عالمه سید محمدشاه عبدالعظیمی و دارای مقامات معنوی و سیر و سلوکم و حسن باطن و تقوا و صلاح بوده و در حدود ۱۳۱۹ ق به همدان مراجعت و به خدمات دینی و وظائف شرعی پرداخته تا در سال ۱۳۴۴ ق وفات و در مقبره شخصی مدفون شده است.

آثار و تألیفات او از این قرار است ۱- تنبیه الراقدین و جمال الوافدین در اخلاق ۲- ملخص الاصول ۳- الشموس الطالعه در شرح زیاره الجامعه ۴- القسطاس المستقیم ۵- الرد علی التثلیث ۶- الدر المنضود ۷- التحفه الرضویه ۸- تفسیر القرآن ناتمام ۸- شرح اسماء الحسنی وی دارای دو فرزند دانشمندان به نام آقا سید فخرالدین و آقا سید ابوالفضل عارفی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۹/۱۳، ۷۸/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۳/۲).

درودی سبزواری، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدابراهیم بن میرزا معصوم بن ابراهیم بن معصوم العلوی درودی سبزواری عالمی جلیل و متقی در ۸ ماه رجب ۱۲۸۲ ق متولد و مهاجرت به نجف و از علامتین خراسانی و یزدی و خلیلی تهرانی و شیخ محمدتقی کاظمینی (آل اسداللّه) استفاده کرده و به سبزوار مراجعت و در سن ۷۴ سالگی در سال ۱۳۶۶ ق وفات و در نزدیکی قبر امامزاده یحیی سبزوار مدفون شده است.

فرزند فاضلش آقا سید محمد مهدی در اوان شباب در سال ۱۳۵۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

درویش برهان، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم امامی. از دانشمندان بزرگ دین در قرن دهم هجری است و از آثار اوست: «بحر المناقب»، در فضایل امیرالمومنین (ع)، به عربی و مختصر آن «در بحر المناقب»، به فارسی، که بعد از ۹۱۱ ق و قبل از ۹۷۱ ق تالیف و اختصار شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۱۸/۲)، الذریعه (۴۹ -۴۸ /۳)، ریاض العلماء (۳۲۵/۳).

دزفولی کاظمی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی. جدش برادر شیخ اسداللّه دزفولی کاظمی، صاحب «مقابس» است. فرزندش شیخ محمدعلی معزی شرح حال او را نگاشته و یادآورد شده است که کتاب «شرح التبصره»، ناتمام، و شرح «خطبه همام» به فارسی و منظوم، از آثار وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۴۶/۱۴).

دزفولی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. وی از شاگردان فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود. از آثارش: «قسطاس الاوزان فی تعیین موازین البلدان»؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۹/۳)، الذریعه (۷۹/۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷/۱۴).

دزفولی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی. وی در خوزستان متولد شد و بعد از تحصیل مقدمات به نجف رفت و در آنجا در حوزه درس علامه انصاری و دیگر بزرگان دین شرکت جست و بعد از مدتی به کسب درجه اجتهاد نایل شد. آنگاه به سرزمین خود بازگشت و در آنجا به ترویج دین مبادرت کرد. شیخ مهدی بیگدلی دزفولی، صاحب «ذخیره العباد» و ترجمه آن «طریق النجاه»، از شاگردان

برجسته او بود. وی در دزفول درگذشت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۰/۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۸/۱۴).

دزفولی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، عالم دینی. از دانشمندان دینی متورع روزگار خود بود که در نجف نزد میرزا حسین خلیلی شاگردی کرد. وی سالیانی ملازم حلقه‌های دروس بود تا اینکه به درجه کمال رسید. پس از آن به دستور استادش، خلیلی، مدتی در بنادر به ترویج دین پرداخت. وی از شماری از عالمان چون میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدباقر اصطهباناتی شهید و ملا محمدعلی خوانساری و سید اسداللّه رشتی اشکوری و شیخ عباس کاشف الغطاء و سید ابوتراب خوانساری اجازه روایت دریافت کرد. وی صاحب تقریراتی در «مساله النهی»، در عبادت، و «فضولی در ایقاعات» و «حجیت قطع» و «قاعده‌ی ید» و... است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۱۹ -۱۱۱۸ /۱۴).

دزفولی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی. وی در نجف از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملاـ محم شرابیانی بود و تقریرات دروس این دو را گردآوری کرده و از هر دو استاد اجازه دریافت کرد. در نجف درگذشت و در وادی‌السلام دفن شد. از دیگر آثارش شرح «الکفایه» استادش ملا محمدکاظم خراسانی، از اول مباحث الالفاظ تا آخر النسخ، است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵۱/۱۴).

دزفولی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی. معرف به ملاـ باشی. او عالمی ماهر در معقول و حدیث بود. در تهران سکونت داشت. ناصرالدین‌شاه از وی خواست تا «غایه المرام» سید هاشم بحرانی را ترجمه کند و او این کار را انجام داد و ترجمه را که دارای یک مقدمه و پانصد و شصت باب و خاتمه بود «کفایه الخصام فی فضائل الامام» نامید. از دیگر آثار وی: «السهابه»، در غزوات صحابه

که ترجمه «تاریخ الواقدی» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱/۱۸، ۲۶۰/۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲/۱۳).

دستجردی، بدرالدین حسن

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عـالم دینی. از اهـالی دسـتجرد از بلوک جهرود قم بود. در زادگاهش برآمـد آنگاه به قم مهاجرت کرد و در آنجا توطن نمود. شیخ منتجب‌الدین در «فهرست» خود وی را صالح توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۴/۵)، ریاض العارفین (۲۳۵/۱)، فهرست منتخب‌الدین (۶۰).

دستجردی، شرف‌الدین محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عالم دینی. مقیم قریه زیناباد بود، منتجب‌الدین در «فهرست» خود وی را فقیه فاضل توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۱۱۸/۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۹).

دستغیب شیرازی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی. سـید محسن دسـتغیب مقیم بندرعباس بود و از علمای روزگار خود. وی صاحب آثاری از جمله «اصول الدین» است که به فارسی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲/۲)، ریحانه (۲۲۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۲/۵).

دستغیب، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن سید هدایهٔاللّه دستغیب متولد ۱۳۲۲ و متوفی ۱۳۸۲ ق.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دشتکی، صدرالدین، ابونصر محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۱ ق)، عالم امامی. معروف به صدرالدین ثانی یا امیر صدرالدین ثانی و یا صدرالدین واعظ. شهرت وی بیشتر به سبب توبه‌ی حقیقی او است. صاحب «روضات الجنات» گوید که نظیر توبه صدرالدین از کسی معهود نبوده و هیچ کدام از اهل توبه به آثاری مانند آثار توبه‌ی وی موفق نیامده‌اند. وی از مشایخ روایت و اجازه بوه و برای یکی از علمای امامیه سید علی بن قاسم حسینی عریضی یزدی اجازه فاخری نوشته است. از آثار وی: رساله «الذکری» یا «الخمریه»، در تحریم خمر که در رشته‌ی خود بی‌نظیر است. لفظ «الذکری» برابر با ۹۶۱ ق سال تالیف رساله می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸/۱۰، ۲۵۳/۷)، روضات الجنات (۱۷۱ -۱۷۰ /۷)، ریحانه (۴۲۷ -۴۲۶ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۰ -۲۱۹ /۱۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۱/۲)، مجالس المومنین (۲۳۳/۲)، هدیه الاحباب (۱۸۷ -۱۸۶).

دعاءنویس، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عزیزاللّه تهرانی علی بن السید نصراللّه بن السید ابی‌القاسم ابن السید علی نقی الخراسانی تهرانی معروف بدعاء نویس، عالمی بزرگ و پارسائی بزرگوار بودند.

وی از شاگردان مرحوم علامه حاج شیخ تهرانی بودند و سالها در نجف اشرف ملازم ابحاث مشاهیر فقهاء آن سامان بودند و در ضمن اشتغال مواظب وظائف شرعیه و زیارات مخصوصه و نوافل و ریاضات شرعیه و ملتزم غالب مستحبات بودند و در مشاهد مشرفه حالاتی داشتند و بسیار در آن اماکن مقدسه توقف می‌نمودند و برای ایشان منامات و مکاشفات و مشاهدات عجیبه بوده است که یکی از آنها را در اینجا می‌نگارم:

تشرف آن مرحوم بمکه معظمه بطی الارض بملازمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه

در ایامی که اشتغال بتحصیل داشتند در نجف مشرف می‌شوند بکربلا برای زیارت حضرت حسین علیه‌السلام و شبکه ضریح مطهر را گرفته و دعا می‌کند برای توفیق تشرف به مکه معظمه و قسم می‌دهد خدای متعال را بحق پیغمبر و آل طاهرینش علهیم‌السلام اینکه حاجتش را رد نکند. پس از حرم بیرون آمده شخصی را ملاقات میکند و میگوید آیا مایل هستید پیاده بمکه برویم میگوید آری پس با هم توافق کرده وقت معین و مکان مخصوصی را تعیین می‌نماید برای مسافرت و امر می‌کند که توشه کمی بردارد و در آن وقت و آن مکان حاضر شده و باتفاق از کربلا بیرون می‌روند و چون کمی راه می‌روند بیک چشمه آب صاف رسیده و آن

شخص قبله را برای او تعیین و می گوید همینجا باش تا عصر که من می‌آیم و می‌رود آنگاه وقت موعد آمده و کمی راه می‌روند بچشمه آب دیگر رسیده و باز قبله را نشان او داده و می‌فرماید شب را در اینجا باش تا صبح که نزد تو می آیم و می‌رود و صبح حاضر شده و می‌روند تا به چشمه سوم رسیده و قبله را برای او مشخص و می گوید اینجا بیتوته کن تا صبح که بیایم و در موقع وعده آمده تا هفت روز بهمین کیفیت که هیچ آبادی نمی‌بینند و در روز هفتم خانه‌ها و آبادی می‌بیند پس آن شخص میفرماید برو تا باین شهر برسی وقتی به آن آبادی میرسد می‌بیند که مکه مکرمه است و دیگر رفیق سفرش را نمی‌بنید و بعد از مدت طولانی حجاج می‌رسند که در میان آنها جمعی از اهل تهران که از آنها پسر عمویش حاج سید خلیل اللّه تهرانی بوده و همگی تعجب می کنند و ایشان قضیه را نقل می‌نماید و بعد از اداء مناسك مراجعت می کنند و تمام حجاج ویرا بی نهایت احترام می نمایند.

و سفر دیگر به مکه مشرف شده و به تهران مراجعت و بریاضات شرعیه اشتغال می‌ورزد و خوراك و خواب خود را کم و به عبادات از صیام نهار و قیام لیل پرداخته و شبهای جمعه در حرم سیدنا عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام تا صبح بیتوته نموده و یک ختم قرآن تلاوت می‌نمود. مشهور به مستجب الدعوه شده و دعایش مجرب بود. برای هر کس مینوشت و دعا میکرد مستجاب میشد و از این جهت معروف بدعانویس شد و عوام تصور می کردند تسخیر جن دارد زیرا مصروعین و غشی‌ها را نزد او آورده و ایشان دعا نموده و یا دعا می‌دادند فورا خوب میشد، بسیاری از بیماران را عافیت بخشیده و رفع ابتلاها بدعاء وی می‌شد تا در سال ۱۳۲۲ ق در تهران رحلت نموده و در رواق مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردید.

از باقیات الصالحات ایشان است دو فرزند عالم و متقی ایشان بنام حجهٔالاسلام آقا سید میرزا حسن تهرانی متوفی سال ۱۳۲۸ ق در نجف و حجهٔالاسلام آقا سید محمدتقی تهرانی که شب‌های جمعه مانند مرحوم پدرش در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء داشت و در سال ۱۳۴۹ ق وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دعوتی، ابوالفتح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای میر ابوالفتح دعوتی از افاضل دانشمندان و مدرسین و نویسندگان خدمتگذار و پارسای حوزه علمیه است در مهرماه ۱۳۱۶ شمسی در خرم‌آباد متولد شده و پس از پایان تحصیلات متوسطه به تحصیلات علوم قدیمه پرداخته و بعد از پایان سطوح نهائی از درس خارج آیت‌الله العظمی شریعتمداری و گلپایگانی و امام‌خمینی و مرحوم محقق یزدی استفاده نموده و در رشته الهیات و معارف اسلامی دارای گواهی لیسانسیه می‌باشند و اکنون اشتغال به تدریس و تربیت محصلین و دانش‌آموزان جوان و تالیف کتب در فنون مختلفه دارند، آثار عدیده‌ئی دارند که قسمتی از آن مطبوع می‌باشد و آنها از این قرار است: ۱- کتاب آفرینش جهان در اثبات خدا و مسائل مربوط به توحید و بحثهائی پیرامون تکامل ۲- سرودهای جاودان در پاره داستانها و پندها و نصایح ۳- پاسخ کسرویان در رد مرام کسروی و پیروانش ۴- کتاب شق القمر ۵- پیدایش موجودات زنده ۶- کشتی نوح ۷- خانه بلبلان ۸- عیسی مصلوب در مورد اشتباه داستان صلیب و مصلوب ۹- شیعیان لبنان ۱۰- سلسله داستانهای مصور قرآن کریم ۱۱- مقالاتی در مجله وزین مکتب اسلام از آغاز انتشار ۱۲- مجله کودك ۱۳- همکاری در مجله پیام شادی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دماوندی زواری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن محمدحسن بن مهدی بن ابی‌القاسم ملقب به آقا بزرگ ابن سید زین‌العابدین طباطبائی زواری از علماء گذشته دماوند بوده است.

وی در سال ۱۲۷۳ قمری در قریه لومان که در دو فرسخی دماوند است متولد شده و در دوران کودکی مادر را از دست داد و عمه‌اش در تهران وی را پرورش نموده تا سن ۱۸ سالگی که پدرش در دماوند وفات و ناچار به دماوند برگشته و به انجام وظائف دینی پرداخته و مصائب بسیاری بر وی وارد شده تا در سال ۱۳۱۶ قمری مهاجرت به عتبات عالیات نموده و چندین سال از ابحاث آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه یزدی استفاده نموده و مدتی هم هجرت به سامراء نموده در سال ۱۳۲۴ قمری به اتفاق مهاجرین به کاظمین برگشته در سال ۱۳۳۵ و در ماه رجب ۱۳۳۸ قمری مشرف به کربلای معلی شده و در شب نیمه شعبان آن وفات و در صحن شریف حضرت عباس مدفون گردیده است. و این بزرگوار پدر همسر مرحوم علامه بزرگوار حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) می‌باشد که در سال ۱۳۳۶ قمری با معظم له وصلت نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا ابوالقاسم بن نجف قلی دماوندی عالمی جلیل بوده است وی در خاندان تقوا تولد و پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات به نجف مهاجرت و از مرحوم علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی استفاده فقه و اصول و از مرحوم زاهد سالک عالم ربانی آخوند ملا حسینقلی همدانی کسب اخلاق و سلوک نموده و هم از ملا لطف‌اللّٰه اسکی و میرزا حسین خلیلی تهرانی بهره‌مند شده و اول به افتخار مصاهرت آیت‌اللّٰه سید میرزا حسین اصفهانی و بعد از آن با ملا علی‌محمد کتبی بن علامه ملا باقر بهبهانی نجفی صاحب (دمعهٔ الساکبه) وصلت نموده و در حدود ۱۳۲۰ قمری در نجف بدرود حیات گفته و بعد از مدت کمی پدر و برادرش حاج محمد رحیم و حاج حبیب‌اللّٰه که از تجار و اخیار دماوند بوده‌اند وفات نموده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن اسماعیل بن محمدتقی بن عبدالغفور کته میری مرعشی دماوندی دانشمندی بزرگوار بوده است

وی در دماوند متولد و پرورش یافته و بعد مهاجرت به نجف و در درس شیخنا الانصاری شرکت نموده و بعد به علامه سید حسین کوه‌کمری پیوسته و با مرحوم علامه ملا قربانعلی زنجانی صداقت تام داشته و در تهران پس از عمر طولانی در سال ۱۳۴۱ قمری وفات و در سر قبر (آغا) مدفون گردیده است

دارای دو فرزند عالم بنام آقا سید محمدباقر معروف به بحرالعلوم و آسید جعفر واعظ که در سال ۱۳۳۶ قمری در جوانی در زمان پدرش وفات نمودند بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا دماوندی از علماء فاضل معاصر دولت ناصری بوده که پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح به سامره مشرف و به درس آیت‌اللَّه العظمی میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی شرکت نموده و بیشتر از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللَّه مروارید معاصر) و علامه فشارکی سید محمد (سید استاد) و آیت‌اللَّه میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و پس از یکسال از فوت میرزاء بزرگ شیرازی سال ۱۳۱۳ قمری به تهران برگشته و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا به اجل محتوم از دنیا رفته است.

(وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و مدرس. پس از فراگیری مقدمات و سطوح به سامراء رفت و در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد اما بیشترین بهره‌گیری وی از حوزه‌ی درس حاج شیخ حسنعلی تهرانی و سید محد فشارکی اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی بود. در ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و در مدرسه مروی، تا پایان عمر، به تدریس اشتغال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۷۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵/ ۱۵۷).

دوز دوزانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محسن به العلامه آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا محمود بن العلامه الحجه آقا میرزامحمد حسن مشهور به (حاج فخرالعلماء) دوزدوزانی از فضلاء مدرسین حوزه علمیه قم است.

در بیست و پنجم ماه رمضان ۱۳۴۷ قمری در تبریز متولد شده و بعد از پایان تحصیلات جدید به علوم قدیمه پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در تبریز از مرحوم والدش فراگرفته و در ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۶۸ ق که والدش رحلت نمود برای تکمیل مبانی علمیه مهاجرت به قم و بعد از اتمام سطوح عالی مکاسب و کفایه در جلسات بحث خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی امام خمینی شرکت نموده و دروس اصول معظم‌له را در ۶۰۰ صفحه به عنوان تقریرات به رشته تحریر آورده و ضمنا به تدریس متون عالیه فقه و اصول پرداخته است.

بالغ بر یکصد نفر از محصلین و طلاب علوم دینی آذربایجانی و غیره در درسش حاضر می‌شوند بیانی شیرین و فصیح دارند که شاگردان خود را کاملا روشن و بهره‌مند می‌نمایند. دارای تالیفات هستند که از نظر طالبین می گذرانم.

۱- اجود الشروح در شرح کتاب معالم الاصول که با تقریظ آیت‌الله العظمی شریعتمداری در سال ۱۳۷۶ به طبع رسیده است.

۲- حاشیه‌ای بر رسائل شیخنا الانصاری ۳- حاشیه بر تقریرات مرحوم علامه نائینی.

۴- تلخیص امالی سید مرتضی رحمه‌الله ۵- شرح بر کفایه الاصول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دوست محمدی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ هادی دوست محمدی خوانساری از افاضل حوزه علمیه و اعضاء محترم مجله وزین مکتب اسلام است که بیوگرافی خود را بنابر درخواست نگارنده به شرح زیر مرقوم داشته‌اند.

در فروردین سال ۱۳۲۱ شمسی در فریدن چهارمحال بختیار متولد شده و از شش سالگی ضمن خواندن دروس ابتدایی ادبیات را در محضر والدش حجهٔالاسلام شیخ محمد علی دوست محمدی و عموهایش حجج اسلام آقایان مروجی قرار گرفته و در دوازده سالگی در خوانسار به محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسین علوی رضوان‌اللَّه تعالی مشرف شده و در حوزه درس ایشان و محضر آیت‌اللَّه حاج سید محمدعلی ابن الرضا کسب فیض نموده، و در ۱۶ سالگی مهاجرت به قم نموده و مورد توجه و راهنماییهای مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود روحانی و حاج میرزا ابوالحسن روحانی قرار گرفته و به تکمیل دروس ادبیات و معانی بیان و منطق پرداخته و از محضر اساتید حوزه چون آقا حاج شیخ رحمت‌اللَّه فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ رضا آدینه‌وند (نحوی) استفاده نموده سپس به تحصیل شرح لمعه و مکاسب بعد از خواندن معالم الاصول اشتغال و از آقایان امینیان و مشکینی بهره‌مند شده و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی استفاده کرده و دروس عقاید و بررسی ادیان و فن نویسندگی و قسمتی از اخلاق را از محضر استاد محقق ناصر مکارم آموخته و تاریخ تحلیلی اسلام و رجال و قسمتی از رسائل را از درس استاد حاج شیخ جعفر سبحانی فراگرفته و علم درایه و حدیث شناسی را از محضر استاد حاج آقاموسی شبیری زنجانی بهره‌مند شده و در درس تفسیر را از بیانات حج شیخ ابوالقاسم خزعلی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی شبستری استفاده نموده و پس از آن چندی هم از محضر و ابحاث مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض گشته و هم از ابحاث و دراسات الهیات مرحوم شهید استاد مطهری و فلسفه تطبیقی را از محضر آقامهدی حایری استفاده نموده و زبان انگلیسی را هم مدت کوتاهی از تدریس استاد سید محمد بهشتی فیض برده است و در ضمن تمام این دروس شدیدا تحت تاثیر روحیات و اخلاقیات استاد علامه طباطبائی و شهید مرتضی مطهری و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عباس تهرانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقاحسین فاطمی رحمه‌اللَّه علیهم قرار گرفته و همواره در محضرشان شرکت و از انفاس قدسیه و ملکوتی آنان بهره‌مند شده است.

درس خارج فقه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و نیز امام راحل استفاده کرده و پس از رحلت آیت‌اللَّه بروجردی و تبعید امام راحل به ترکیه از محضر آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حائری و نیز آیت‌اللَّه حاج سید مصطفی خوانساری استفاده نموده و از هر کدام از این آیات بهره‌های بسیاری برده است.

آثار و تألیفات ایشان

در سال ۱۳۵۰ شمسی به عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام انتخاب و برای داشتن ذوق و استعداد فوق‌العاده آشنا به انواع و سبک قلم فرساء و نگارشهای گوناگون شده و علاوه بر تبلیغ از راه منبر در سراسر کشور موفق به نگارش و از طریق مطبوعات پاسخگوئی سئوالات مردم که از داخل و خارج به دفتر مجله می‌رسید قدرت پاسخگوئی و توان بیشتری در بیان مطالب و تدریس نیز به دست آورده و با الطاف غیبیه و عنایات الهی موفقیتهای چشمگیری نصیبش گردیده است.

پس از انتشار مقالات مختلفه پیرامون موضوعات گوناگون اسلامی نخستین اثر مدون کتابی به نام (راه نفوذ در دلها) در اخلاق و روانشناسی به چاپ رسانید سپس کتابهائی دیگر که ذیلا یاد می‌شود منتشر نمودند.

۱- راه نفوذ در دلها.

۲- مسئولیت و نظارت مردم در حکومت اسلامی (تحلیل مباحث فقهی و اجتماعی).

۳- نامه عصائی به یک دختر (تحلیلی از دیدگاه اسلام نسبت به یک زن رماتیک).

۴- ریشه‌یابی انحرافات جوانان.

۵- آئین اعتدال، نه افراط و تفریط.

۶- ایمان و عمل.

۷- رسالت شیعه.

۸- چرا استعمار از ایدئولوژی اسلام می‌ترسد؟

۹- رسالت انقلابیون.

۱۰- شخصیت زن از دیدگاه قرآن.

۱۱- حج باشکوهترین تجلی وحدت (ابعاد عبادی اخلاقی اجتماعی سیاسی حج).

۱۲- رساله‌ای در لوث و قسام (فقهی، استدلالی، تحقیقی).

۱۳- مقدمه‌ای بر تاریخ تحلیلی اسلام.

۱۴- روانشناسی و تربیت و اخلاقی اسلامی (که در دانشگاه تدریس می‌شود).

۱۵- چهار کتاب مصور در ادبیات کودکان و دهها مقاله در مطبوعات کشور.

آقای دوست محمدی اکنون با تحقیق و تدریس و نگارش در حوزه علمیه قم عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

دولت آبادی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از رؤسای علمای اصفهان. در قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه ۱۱ ذی‌قعده ۱۲۷۷ متولد، و در ۱۳۴۶ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی مدفون گردید.

مشارالیه در حسن معاشرت و اخلاق، ممتاز بوده و در اواخر عمر به مرض جنون مبتلا شده، در حال مرض فوت کرد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دهاقانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدحسین از دانشمندان بنام و بزرگوار حوزه علمیه نجف و معاودین محترم آن سامان است که در ذی‌الحجه ۱۳۹۱ ق مانند دیگران به حکم اجبار به ایران و به قم اقامت نموده است.

وی پس از نشو و نمای در محل خود به اصفهان آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و بعد از خواندن سطوح مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیات دیگر استفاده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در سال مزبور که معاودت به ایران و در قم المحمیه اقامت فرموده و اشتغال به تدریس فقه و اصول دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهدشتی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد کاظم دهدشتی از علماء معاصر آبادانست. که پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اقامت و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ فرا گرفته آنگاه بدرس خارج فقه آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌الله حاضر و مبانی فقه را از این دو اسطوانه علمی فرا گرفته و مبانی اصول را از محضر زعیم اعظم معاصر حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی فرا گرفته و به مباحثات اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۱ قمری که عده‌ی از اهالی آبادان طوماری بمحضر مقدس آیه‌الله العظمی شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی قدس‌الله سره مرقوم داشته که مترجم معظم ما را برای ارشاد و هدایت بآبادان اعزام فرمایند. پس حسب‌الامر آقایان مذکور بآبادان آمده و مسجد بزرگی بنام بهبهانیهای مقیم آبادان تأسیس و باقامه جماعت و تنویر افکار و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است.

از آثار ایشانست کتابخانه‌ای بنام حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه در جنب مسجد مزبور که تاکنون حدود پنجهزار جلد کتاب دارد و هر روزه حدود پنجاه نفر برای مطالعه مراجعه مینمایند و وسائل آسایش از هر جهت آماده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دەسرخی اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمود بن العلامه السید مهدی بن سید اسدالله موسوی دەسرخی نجفی از علماء فاضل و فضلاء کامل معاودین

حوزه نجف اشرف است که در قم رحل اقامت انداخته است.

اصلا از شهرک سه کیلومتری شهرکرد اصفهان بوده و مرحوم جدشان بده سرخ لنجان که شش فرسخی اصفهانست هجرت نموده و ایشان در سال ۱۳۴۵ قمری در آنجا به دنیا آمده و والدش در روز شنبه دهم رجب ۱۳۵۴ قمری در اصفهان فوت نموده و در تخت فولاد مدفون شده است.

وی در سال ۱۳۶۶ ق به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۸ قمری هجرت به قم و بعد از چند ماهی عزیمت به نجف نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و دروس عالی را از آیت‌الله آقا سید علی فانی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بیشتر آیت‌الله العظمی خوئی مدظله آموخته تا به مدارج عالیه علم رسیده و مفتخر به دریافت اجازات از اساتید و آیات عظام نجف شده و پس از ۲۴ سال اقامت در نجف به حکم اجبار دولت شوم بعث عراق به ایران مراجعت و در قم رحل اقامت انداخته است آثار ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.

۱- سراج المبتدئین در شرح منیه المرید شهید ثانی که در سال ۱۳۷۶ در اصفهان به طبع رسیده.

۲- کتاب هدایه‌الطالبین شرح آداب المتعلمین در سال ۱۳۷۶ در نجف چاپ شده.

۳- کتاب مفاتیح الصحه فی طب النبی و الائمه علیهم‌السلام فارسی در سال ۱۳۷۹ در نجف چاپ شده.

۴- کتاب رمز الصحه عربی در سال ۱۳۸۱ در نجف طبع شده.

۵- کتاب الجمان الحسان فی احکام القران در سال ۱۳۸۲ در تهران چاپ افست شده است.

۶- مفتاح الکتب الاربعه فهرست کافی و تهذیب و استصبار و من لایحضره الفقیه درسی مجلد که تاکنون پنج جلد آن طبع شده است.

۷- حظ الشباب در خلاصه و ترجمه خصال مرحوم شیخ صدوق که به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهلوی، شاه ولی الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به « شاه ولی الله دهلوی » و « محدث دهلوی » (۱۱۱۴ ـ ۱۱۷۶ ق / ۱۷۵۳ ـ ۱۷۶۲ م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس ، حدیث پژوه ، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند ، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی) .

وی دارای آثار عدیده ، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است . اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه ، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹ م) ، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود . معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد . در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد . سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید .

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد ؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین ، به ویژه مدینه رحل

اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود ، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت .

در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲ م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد . یک دهه ی بعد ، اثر گران سنگ علمی ـ اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره ، ۲ جلد ، ۱۹۵۲ ـ ۱۹۵۳) . در این کتاب صلای احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی ، با تاکید بر قرآن و حدیث ، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است . نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است ، و در هر حال برجسته و موکد نیست .

تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت .

او دارای زندگینامه ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفاس العارفین هم اشارات زندگینامه ای دارد . نهضت فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی ای که او ، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آورند ، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) « نهضت ولی الله » نام گرفت . پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن ، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی ـ اجتماعی تلقی شد ؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی ـ اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند . امروزه ، چنان که اشاره شد ، نهضتهای بزرگ دینی اسلامی در گستره ی جنوب آسیا ، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis ـ که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه ی عرفانی دارند ـ خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند . جنبش هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند ، نظیر اهل حدیث ، حتی پیروان مولانا مودودی ، در زندگی و آثار شاه ولی الله ، بازگشت به مبانی اصلی شریعت ، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه ، و در یک کلام ، سرچشمه ی اعتقادات اصلاح طلبانه ی خود را می یابند . در زمان حیات شاه ولی الله ، مخالفتهای فرقه های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر « جات » و « مراتهه » ، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود . نواده ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده های مسلمانان ، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند ، در عین حال ـ مانند جدش شاه ولی الله ـ دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است . دسته ی دیگری از پیروان او که برجسته ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود ، در عمل ، پیگیر گرایشهای عرفانی شاه ولی الله شدند .

شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود . آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه ی خطی است یا از بین رفته است) . آثار او به دو زبان عربی ـ زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز ـ و فارسی ـ زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا ـ نوشته شده است .

بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان ، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از :

۱ ـ الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند ، ۱۹۶۴ م)

۲ ـ الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

۳ ـ اتحاف النبیه فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور ، ۱۹۶۹ م) .

و مهمتر از نظر بحث و تحقیق ، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از :

۴ ـ فتح الرحمن فی ترجمه ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م بوده و در

کراچی و بعشی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره ی آن موضوع اصلی این مقاله است .

۵ ـ الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است . (کراچی ، ۱۹۶۴ م) ترجمه ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است . ترجمه ی انگلیسی اش به کوشش گ . هـ . جلبنی (G.H.Jalbani) با عنوان The Principle of Quran Commentary انتشار یافته است (اسلام آباد ، ۱۹۸۵ م)

۶ ـ المقدمه فی قوانین الترجمه رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است .

۷ ـ نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

دیانی، خلیل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ خلیل‌اللَّه دیانی از فضلاء اراکی حوزه علمیه قم می‌باشند که ترجمه خود را در این اواخر ارسال داشتند و ما در اینجا استدراک نمودیم ایشان در سال ۱۳۱۲ ق در (عنبرته) متولد شده و در سال ۱۳۲۲ شمسی به شهرستان اراک آمده و به تحصیل مقدمات و فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۲۶ ش مسافرت به تهران نموده و در مدرسه مروی سطوح را در خدمت آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی تکمیل نموده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوطالب مدرسی یزدی حاضر شده و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به شهرستان علمی و دینی قم نموده و تا هم‌اکنون از محضر آیات عظام و مراجع مستفید و در اوقات فراغت به مطالعه کتب علمی اشتغال دارند دارای تألیفات و آثار عدیده‌ای می‌باشند که بعضی از آنها به طبع رسیده و آن از این قرار است.

۱- کتاب مرگ سرخ (در فداکاری سالار شهیدان حضرت حسین (ع)).

۲- کتاب عبرت‌انگیز که محتوی مطالب متنوع و به صورت کشکول می‌باشد.

۳- کتاب چهل داستان که محتوی پندهای تاریخی است.

۴- کتاب تاریخ شیعه از منابع اهل سنت در چند جلد.

۵- کتاب تقریرات دروس اساتید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

دیباجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید احمد دیباجی حسینی بن السید الجلیل ثقهٔ‌الاسلام و مروج الاحکام دین المبین حاج سید نصراللَّه الدیباجی اصفهانی

سدهی (همایونشهری) که منسوب بحضرت سید محمد دیباج فرزند بلافصل حضرت صادق آل‌محمد علیهم‌السلام می‌باشد.

از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر است در رستم‌آباد شمیران تهران. وی در سال ۱۳۵۲ ق- ه متولد شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس جدید و مقدمات در عصر زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی طاب ثراه به قم آمده و سطوح را از اساتید برجسته حوزه فراگرفته و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف و بتحصیل پرداخته و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی و زعیم بزرگوار آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مد ظله استفاده‌های شایانی نموده و علوم مختلفه را نزد اساتید عالیقدر تعلم نموده و در علم حدیث و درایه و فن رجال از خریت این فن مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) بهره‌های کافی و وافی برده است اجازات چند از آیات عظام و مراجع تقلید روایتی و علمی و غیره دارد.

ایشان در ماه رجب (۱۳۸۵) از نجف اشرف بقصد مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و از آنجا به تهران تشریف آوردند و در رستم‌آباد شمیران توقف و بنا بدعوت عده‌ای از موجهین و محترمین در مسجد مهدیه رستم‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی شایانی اشتغال دارد و ضمناً از درس فقه حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته استفاده می‌نمایند.

بعضی از آثار علمی و تألیفات ایشان کتب زیر است:

۱- تقریرات فقه.

۲- تقریرات اصول فقه.

۳- زبده المعانی درباره علم بدیع و عروض.

۴- مختصر المنطق.

۵- تفسیر القرآن العظیم.

۶- کشکول در علوم مختلفه در دو جلد

۷- الاجازات الی طرق الاحادیث و الروایات.

۸- تبویب الذریعه در شش مجلد که جلد اول آن چاپ و منتشر شده.

معظم له داماد حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین زمردی ذاکر تهرانی داماد معظم علامه کبیر تهرانی قده صاحب الذریعه، و برادر ایشان ثقه المحدثین عماد الاعلام صاحب مقالاتی در نامه دانشوران، آقای حاج سید رضا دیباجی واعظ محترم در اهواز. و برادر دیگر ثقةالاسلام آقای سید ابوالقاسم دیباجی داماد آیت‌اللّه آقا حاج سید اسماعیل مرعشی از محصلین بارع و گویندگان ماهر حوزه علمیه قم و آثار چاپ شده ایشان کتاب در «آغوش هماهنگی» و پاورقی به کتاب «سیمای بلال حبشی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دیلمی، وهسودان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم. معروف به امیر زاهد سیف‌الدوله یا سیف‌الدین امیر زاهد. شیخ منتجب‌الدین از او به عنوان صالح فاضل نام

می‌برد. بعضی از مراجع نام صاحب عنوان را وهشوذان ذکر کرده‌اند. برخی تحت وهودان بن دشمن و نان بن مردافکن آورده‌اند. از آثار وی: کااب «الواریخ»؛ کتاب «النجوم»؛ «معرفه الجهات».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۰/۲۴، ۲۵۶/۲۱، ۴۷۳/۴)، روضات النات (۱۶۶ –۱۶۵ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۰/۶)، فوائد الرضویه (۷۰۲)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۶)، معجم المؤلفین (۱۷۵/۱۳).

دینوری کسار، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، قاری. او از علمای قرن پنجم است که در قراآت صاحب تصنیف می‌باشد. اثر او به نام «المنیه فی القراآت» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۸۸۶)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

دینوری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا احمد مجتهد بن العالمه الحجه المیرزا محمد مجتهد قراچه داغی تبریزی برادر زاده مرحوم مبرور آیه الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی از علماء مبرز معاصر تبریز و از بیوتات اصیله و علمیه آذربایجان می‌باشند که تا هفت پشت تمامی از مراجع اعلام و آیات عظام آذربایجان بوده‌اند. وی در تبریز متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مبادی علوم سطوح فقه و اصول را خدمت مرحوم والد و دیگران فراگرفته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله ضیاء الدین عراقی و آیه الله نائینی و آیه الله غروی اصفهانی و دیگران استفاده نموده سپس به وطن مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین پرداخته و تاکنون باین سمت اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ذوالریاستین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسین ذوالریاستین از علماء سامرا و مدیر و سرپرست مدرسه میرزاء و سرپرست حوزه سامره بودند و مورد فشار و ایذاء دولت بعث و بالاخره در سال ۱۳۹۱ ق اخراج به ایران و اکنون در تهران اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ذوالقدر، قربانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی فرزند آقا لطفعلی ذوالقدر از فضلاء محترم و مدرسین گرامی زنجانی حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در طلیعه فجر روز جمعه عید نوروز سال ۱۳۱۴ شمسی برابر شانزدهم ذی‌حجه ۱۳۵۳ قمری در قریه‌خان احمد حصاری (هشت فرسنگی زنجان) از مادری با ایمان و تقوی به دنیا آمده.

در سن شش سالگی به مکتب رفته و علوم اولیه آن زمان را خوانده و در سال ۱۳۳۲ شمسی در سن ۱۸ سالگی به زنجان آمده و پس از دو سال در آنجا در سن بیست سالگی در سال ۱۳۳۴ شمسی در عصر زعامت آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس‌اللّه سره مهاجرت به قم نموده و به تکمیل سطوح عالیه پرداخته و کفایه الاصول را از محضر آیت‌اللّه سلطانی بروجردی استفاده کرده و پس از اتمام سطح به درس خارج آیت‌اللّه محقق داماد و پس از فوت ایشان به درس خارج فقه آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و اصول آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت نموده است.

و نیز مدت سه سال از خارج فقه آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی مدظله بهره‌مند گردیده و نیز از ابحاث فقه و اصول آیات عظام دیگر هم مستفیض شده و پس از خواندن علوم عقلی چون منظومه سبزواری مدت دو سال هم در درس اسفار علامه طباطبائی رضوان‌اللّه علیه شرکت نموده و هم در جلسات تدریس اسفار مرحوم شهید مطهری حاضر و استفاده کرده تا در عداد فضلاء زنجانی حوزه علمیه قم محسوب و از همان اوان تحصیلش به تدریس دروس خوانده‌اش مشغول بوده و مرتب به تدریس ادامه داده تا الان که به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول اشتغال دارند و جلسات درسشان مورد توجه محصلین و فضلاء می‌باشد.

و ایشان در انقلاب اسلامی ملت مسلمان ایران شرکت داشته و قلما و لسانا بر علیه نظام رژیم منفور ستمشاهی تبلیغات نموده و متحمل مشاق و صدماتی نیز شده است جزاه اللّه خیر الجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ذوعلم فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقر. عالم عامل، و فاضل بزرگوار، از شاگردان آخوند محمد حسین فشارکی و داماد ایشان، و امام مسجد یزدآباد. از موثقین علمای اصفهانی، و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود.

تألیفاتی دارد، از ان جمله است: نور الآفاق، در شرح دعای مکارم الاخلاق که بسیار خوب و محققانه نوشته شده، و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است، در دو مجلد.

مشارالیه در ۷ ماه صفر سال ۱۳۷۳ در مسافرت در رامسر وفات یافته، جنازه به قم منتقل گردیده، در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رازانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شـیخ محمدحسـین رازانی بروجردی از فضـلاء و دانشـمندان معاصـر تهران می‌باشـند. وی در سال ۱۳۲۲ ق در بروجرد چشـم بجهان گشوده و تحصـیلات مقدماتی را در بروجرد بانجام رسانیده و برای تکمیل و خاتمه‌ی تحصـیل در ابتداء تاسـیس حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به آن دیار مهاجرت نموده در سـلک شاگردان آن مرحوم قرار گرفتنـد. پس از فوت آن مرحوم به بروجرد مراجعت نموده اشتغال بتحصیل و مباحثات علمی داشتند.

این مرد علمی مجددا در زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم معاودت کرده و در ضـمن اشـتغال بتدریس به پاره‌ای از اصلاحات و انتظامات حوزه علمیه حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی توفیق یافت.

چند سال قبل مشارالیه مسافرتی به آمریکا کرده و در ضـمن تحقیق و بررسـی اوضاع مسلمانان و انجام پاره‌ای مراسم دینی و مذهبی حضـرات مراجع قم مخصوصـا حضـرت آیت‌اللّه العظمی آقـای گلپایگـانی را بگرفتـاری مسـلمانان آن منطقه و احتیـاج مبرم آنهـا به رهبران مذهبی متذکر نمود که خوشبختانه از طرف معظم له در این قسمت اقداماتی شده و میشود.

حجهٔ‌الاسـلام رازانی پس از مراجعت از آمریکا در طهران ساکن و به اشـتغالات علمی و تـدریس سـطوح عالیه در پاره‌ای از مدارس می‌پردازند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رازی بغدادی، عمر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۸ ق)، عـالم شـافعی. وی نویسـنده‌ای فاضـل و شافعی مـذهب بود. از آثار: «مسامره النـدمان و موانسه الاخوان فی الاخبار و الاشعار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۷۳/۲)، ری باستان (۳۳۸/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۹/۱).

رازی، ابوثابت

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، صوفی و دانشمند. از مشاهیر علما و قُرّاء و فقرا بود. او معاصر با یوسف بن حسین متوفی به سال ۳۰۴ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۲۷۳ /۲)، نفحات الانس (۱۰۰، ۹۹).

رازی، جمال‌الدین مرتضی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عالم دینی. از آثارش کتاب «نزهه الکرام و بستان العوام» است که رضی‌الدین علی بن طاووس در «فرج المهموم» از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۴ -۱۲۳ /۲۴)، ری باستان (۳۵۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۳/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸/۹).

رازی، محمد شریف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرهٔالمعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌله سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

رازینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای میرزا حسن بن حاج رجبعلی رازینی همدانی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه قم می‌باشد در تاریخ ۱۳۱۶ قمری در قریه رازین همدان متولد شده و در خانواده اصیل و پدر سخاوتمندی تربیت یافته و مقدمات را در آن حدود خوانده و با شوقی فراوان برای ادامه تحصیل به همدان آمده و با فشار و سختی فراوان در همدان توقف نموده و مقدمات و ادبیات را خوانده و به اتفاق برادر خود آقاشیخ علی مهدوی به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید حوزه و بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در شدت و عسرت طاقت‌فرسائی در آن زمان به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۱ ق با مرحوم آیت‌الله حایری به عنوان تبلیغ و تدریس به همدان مراجعت نموده و در اطراف همدان به اقامه جماعت و ارشاد عوام اشتغال یافته تا در سال ۱۳۹۰ هجری که مهاجرت به قم نموده و رحل اقامت افکنده است دارای پنج فرزند ذکور به نامهای ذیل است که همه اهل فضل و کمال و در حوزه به تدریس و درس و بحث اشتغال دارند.

۱- میرزا محمد ۲- میرزا ابوالقاسم ۳- میرزا محمود ۴- میرزا اسماعیل ۵- میرزا علی رضای رازینی ادام‌الله توفیقاتهم و برکاتهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان- محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم

اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمهٔ الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاهٔ و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رجائی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمود بن محمد جواد موسوی.

عالم جلیل، معروف به بلند، از اجله‌ی شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی و شیخ محمدعلی نجفی و از ائمه‌ی جماعت و موثقین بود. در سال ۱۳۴۸ در مسافرت عتبات در کرمانشاه وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رجائی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد باقر بن عماد الاعلام مرحوم حاج سید محمود رجائی موسوی از علماء و مدرسین معاصر اصفهانست.

در سال ۱۳۱۹ قمری در اصفهان متولد و در خدمت برادرش مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا حسین رجائی به تعلم و تربیت پرداخته و ادبیات و علوم و مقدمات و سطوح را در اصفهان خوانده و بدرس خارج مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد صادق مدرس حاضر شده و از خواص اصحاب ایشان گردیده و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۹ قمری بنجف اشرف مهاجرت و از دروس مرحوم آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و مقداری هم مرحوم آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و بعد آیه‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و پس از فوت آنان از محضر و حوزه درس حضرت آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده آنگاه از طرف آیات مذکور باصفهان آمده و بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند. معظم‌له در تأسیس حسینیه اصفهانیها در مشهد با علماء دیگر همکاری داشته و جزء امناء آن میباشند. از باقیات الصالحات ایشان فرزند فاضل و برومند ایشان آقای آقا سید محمود رجائی که اکنون در تهران سکونت دارند و جناب دانشمند گرامی آقای آقا سید محمد رجائی که از فضلاء اصفهان میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رحمانی همدانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند مالک رحمانی همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست که در تاریخ ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۵ قمری در جوقیات همدان که دو فرسخ شهر فاصله دارد، متولد شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس فارسی مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی خوانده و سطوح وسطی نهائی را در خدمت مرحوم حاج شیخ اسداله حجت همدانی و مرحوم حاج سیدمصطفی هاشمی و حاج شیخ علی انصاری به پایان رسانیده و کفایه‌الاصول را متنا و خارجا و نیز معارج عروه‌الوثقی علامه یزدی و تفسیر را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملاعلی همدانی بهره‌مند گردیده و استفاده کامل نموده است.

و از معنویات و اخلاقیات آن عالم ربانی حظ وافر برده و در سال ۱۳۴۴ شمسی برابر ۱۳۸۵ قمری به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از راه و طریق منبر رفتن به تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۱ قمری مفتخر به این خدمت می‌باشد و جدا منبری ولایتی و آموزنده و سازنده دارد. دارای تألیفات مفید و ارزنده است که از آنها کتب زیر است:

۱- الامام علی بن ابی‌طاب علیه‌السلام که به طبع رسیده و مطبوع همگان بالاخص اهل فضل می‌باشد.

۲- فاطمه الزهراء علیهاسلام که جامع و مفیدترین کتاب در فضائل و زندگانی آن حضرت است. و با بهترین کاغذ و جلد منتشر شد.

۳- مقاله تکامل در سایه اهل‌بیت که در گفتار وعاظ به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رحمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین رحمانی از علماء محترم و ائمه جماعت این شهرستانست.

دارای مقام علم و تقوا میباشد، نگارنده در کوهستان در منزل مرحوم آیه‌الله کوهستانی بدیدارشان نایل گردیدم ایشان برادر ارجمند حجه‌الاسلام آقای آقا شیخ ابوالقاسم رحمانی مقیم تهرانست که سالها در محله خلیل محله بهشهر سکونت و حوزه علمیه داشته ولکن چند سالیست که بواسطه بعضی از جهات منتقل بتهران و در خیابان ژاله اقامت و بخدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رحمت‌خواه تبریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب مستطاب حجه‌الاسلام و فخر الفضلاء الکرام آقای حاج میرزا اسمعیل رحمت‌خواه تبریزی از افاضل برجسته حوزه علمیه قم است وی در تبریز متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم آمده و سطوح عالی را نزد مدرسین بزرگ به پایان رسانیده و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حجت به حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی پیوسته و در لجنه احقاق الحق آن جناب شرکت نموده و خدماتی انجام داده و تا حال حاضر از ابحاث فقه معظم‌له استفاده نموده است.

و با جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای فقیه و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای نصیری مباحثه داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رستگار، یعسوب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد یعسوب‌الدین فرزند حاج میرزا احمد فرزند محمدصادق فرزند محمد مشهور به رستگار از افاضل دانشمندان و اکابر مفسرین معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان اصلا اهل کلا (کوزه‌گر) محله از محلات شهرستان جویبار مازندران می‌باشند که در سال ۱۳۱۹ شمسی متولد شده و پس از تحصیل کلاس ششم ابتدائی و کتابت یک جلد کلام‌اللّه مجید با ترجمه با خط خود جهت تحصیل علوم دینیه عازم مشهد مقدس شده و ادبیات را از محضر استاد کل ادیب نیشابوری و تمام دروس سطح را با تدریس در مدت پنجسال در مدرسه خیرات خان و

استفاده تفسیر و روایت و اخلاق از زاهد زمان آیت‌اللَّه حاج میرزا حبیب‌اللَّه گلپایگانی و شرکت درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی قدس‌اللَّه سرهما عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام قم بالاخص مرحوم شریعتمداری تبریزی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد یزدی و آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم آملی تا سال ۱۳۵۵ شمسی استفاده نموده و در تمام دوران تحصیلات سطح و خارج و تعطیلات تابستانی و اعیاد و وفیات و تعطیلی‌های دیگر به کار نوشتن تفسیر وزین و جامع البصائر و کتب دیگر که یادآور می‌شوم اشتغال داشته است پس تفسیر را در چهل جلد مسوده و به صورت شصت جلد مبیضه درآورده که در سال ۱۳۵۶ شمسی شروع به طبع آن نموده و تا سال ۱۳۶۴ شمسی بیست و یک جلد آن به طبع رسیده است. و چند سالی به علل عدم امکانات ادامه طبع آن متوقف ولی در سال ۱۳۶۹ شمسی جلد پنجاه و هشتم آن نیز از طبع خارج و به طبع مجلدات دیگر اشتغال دارند و انشاءاللَّه به زودی تمام آن به طبع خواهد رسید.

آثار علمی مفسر بزرگوار آقای رستگار

۱- تفسیر البصائر

۲- مفتاح البصائر

۳- تبصره البصائر

۴- حماسه‌ای از تفسیر البصائر

۵- حبل‌المتین من فقه آل یاسین

۶- خلاصه الاصول

۷- تبویب عناوین نهج‌البلاغه

۸- روحانیت و روحانی

۹- اصول پنجگانه دین مبین اسلام

۱۰- فروع ده‌گانه دین مبین اسلام

۱۱- ابوالفضل العباس حامی ولایت و مظهر شهامت و استقامت

۱۲- خاطرات هزار و یکصد و شصت روزه

۱۳- مازندران پس از طوفان نوح تاکنون

آقای رستگار دانشمندی غیور و ولایتی و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و گذشته از آثار علمی دارای فرزندان فاضل و برومندیست که در حوزه علمیه به تحصیل دروس استدلالی فقه و اصول و تدریس متون و سطوح متوسط و عالی اشتغال دارند و از فضلاء جوانان حوزه محسوب و انشاءاللَّه در آینده نزدیک مانند والدشان از علماء خدوم بدین و ملت خواهند بود.

روزهای جمعه دوره سال را به یاد ولی‌اللَّه اعظم حضرت بقیه‌اللَّه عجل‌اللَّه فرجه الشریف در منزلشان مجلس باشکوهی که مجتمع افاضل حوزه علمیه قم می‌باشد برقرار است.

نگارنده گوید: تفسیر وزین البصائر معظم‌له را مطالعه کرده‌ام انصافا زحمات بسیاری را متحمل شده و به اعتقاد قاصرم تفسیری جامع‌تر از آن نوشته نشده زیرا انسان را از بسیاری از تفاسیر عامه و خاصه (سنی و شیعه) مستغنی و بی‌نیاز می‌دارد جزاه اللَّه عن الاسلام والقرآن و عدیله خیر الجزاه و افضل الجزاء و اکثر الجزاء.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رسولی محلاتی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هاشم بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین رسولی محلاتی از افاضل دانشمندان و نویسنده‌گان معاصر شمیران و مقیم امامزاده قاسم شمیران میباشند.

وی در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۴۸ قمری در محلات متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات سطوح عالی را از مدرسین قم چون آیت‌اللَّه صدوقی و حاج شیخ اسداللَّه اصفهانی و حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت‌اللَّه سلطانی و دیگران فراگرفته و از دروس و محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و غیر هم استفاده نموده و چندی هم در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و خوئی و شاهرودی بهره‌مند تا بمدارج عالیه علم ارتقاء یافته است.

آثار ارزنده از تألیفات و ترجمه کتب مفیده علمی و حدیثی دارد که از آنها کتب زیر است:

۱- تصحیح اثبات الهداه شیخ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) در هفت جلد بطبع رسیده است.

۲- ترجمه مقاتل الطالبین که بسعی مکتبه صدوق بطبع رسیده است.

۳- ترجمه مفاتیح الجنان محدث قمی که بسعی مطبوعات فراهانی طبع شده.

۴- ترجمه قسمت آخر اصول کافی طبع اسلامیه.

۵- ترجمه روضه کافی در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۶- تحقیق و بررسی مولفات شیخ طوسی و شروح و تعلیقات آنها.

۷- ترجمه ارشاد مفید در ۲ مجلد طبع اسلامیه.

۸- ترجمه سیره ابن هشام در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۹- ترجمه الانصاف مرحوم بحرانی طبع قم در یک مجلد.

۱۰- ترجمه صحیفه علویه.

۱۱- کیفر گناه بطبع رسیده است.

۱۲- آداب معاشرت در اسلام.

۱۳- راه مبارزه با گناه.

۱۴- تاریخ انبیاء در ۲ مجلد که علمیه اسلامیه بطبع رسانیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمدعلی رسولی اراکی از فضلاء باتقوا و فعال حوزه علمیه قم است که به زیور علم و حلم و حسن اخلاق آراسته است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در کرمرود اراک متولد شده و پس از تحصیل ابتدائی با شوق فراوان به مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک

وارد و به تحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن ادبیات خدمت آقا شیخ قنبر رفیعی به قم مشرف و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله فکور یزدی فراگرفته و در حوزه خارج آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر مدت ۱۸ سال از آن نابغه علم و فقاهت استفاده نموده و در ضمن آن نیز به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر حاضر و از خرمن علم و فیضشان بهره‌ها برده است.

آقای رسولی در خلال تحصیل و تدریس در اوقات تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای تبلیغ دین و ترویج مذهب مسافرتهائی به اطراف نموده و آثار و باقیات الصالحاتی از خود گذارده است که به بعضی از آن اشاره می‌شود.

۱- مسجد آبرومند و مجللی در سه بند خوزستان نزدیکی بندر ماه‌شهر و بندر شاه‌پور با تمام وسائل آن از خانه‌ای برای امام جماعت آن و غیره.

۲- مسجدی در قریه آجین و دوجین

۳- مسجدی در اطراف ساوه.

۴- مسجد بزرگ کوچه حاج زینل قم که رو به ویرانی نهاده بود ولی اکنون با وضع جالبی تعمیر و بنا و مورد استفاده عموم است.

۵- مسجدی در قریه ثامن ملایر

۶- حسینیه‌ای در هندیجان.

۷- کمک مستقیم و غیرمستقیم در ساختمان چند مسجد در اراک.

۸- رساله‌ئی در لزوم وفا به عهد دارند. و اکنون جلساتی در هیآت مذهبی دارند که برای مردم تفسیر و بیان احکام و اخلاق و معارف می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رشاد، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر رشاد زنجانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهران است. وی که حدود هشتاد سال از عمرش می گذرد عالمی متقی و فاضلی منزوی و از مدافعین جدی ولایت و مقیم خیابان عباسی (خیابان شیر و خورشید) تهران میباشد.

معظم له بیش از سی سالست از طون خود مهاجرت و رحل اقامت بمرکز کشور و عاصمه تشیع (تهران) انداخته و از شرکت در اجتماعات و مجالس و محافل عمومی و خصوصی خودداری و در مسجد (صاحب الزمان عجل اللّٰه فرجه) به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی و مبارزه با مخالفین ولایت وهابی مسلکیها و سنی مآب‌ها اشتغال دارد.

رساله‌های بسیاری در رد منکرین دعاء ندبه و مخالفین ولایت تکوینی اهلبیت رسالت حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین امام الکل فی الکل علی علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام بنام حقیقت ولایت و غیره تألیف و بطبع رسانیده و بسهم خود جواب یاوه سرائیهای بوالفضول‌ها را داده است.

نگارنده یک مرتبه موفق بزیارت این عالم ربانی شده و از سیمایش نور خدا و محبت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بالاخص مولای متقیان علیه صلوات اللّٰه المنان را مشاهده کرده و درک فیض نموده‌ام.

محمدباقر بن آیت‌اللّه آقا شیخ کاظم بن حاج محمدعلی از علماء زنجانی معاصر تهرانست. وی در در سال ۱۳۱۲ ق در زنجان متولد شـده و پس از پرورش در بیت علم و خوانـدن مقدمات و ادبیات مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر و درس مرحوم علامه یزدی حاج سـید محمدکاظم (صاحب عروهٔ) و بالاخص علامه کوه‌کمری مرحوم آسید محسن شاگرد مخصوص علامه تهرانی حاج شیـخ هـادی ره استـفاده سـرشار نموده و پس از آن مراجعت به زنجـان و به خـدمات دینی از قبیـل اقـامه جماعت و تـدریس و غیره اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۱ شمسـی و فتنه (پیشروری) عزیمت به تهران نموده و در خیابان عباسی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضـرت (صاحب‌الزمان عجل اللّه فرجه الشـریف) آنجا به امامت و ترویـج مذهب و دفاع از حریم ولایت پرداخته و غالباً در انزوا در منزل خویش به مطالعات کتب علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه رشاد عالمی بارع و مهذب و متقی می‌باشد.

آثاری که از آنجناب منتشر شده کتب و رسالات زیر است.

۱- وسیله راجع به شعائر مذهبی مربوط به حضرت سیدالشهداء اروحنا له الفداء (سینه‌زنی و غیره)

۲- اکمال الوسیله نظما و نثرا در همان موضوع.

۳- حقیقت ولایت راجع به ولایت تکوینی.

۴- دفع‌الاوهام شرح چند جمله از فرمایش مولای متقیان علی (ع).

۵- برهان قاطع جواب شبهات طباطبائی علیه ما علیه همکار بوالفضول برقعی

۶- ذخیره راجع به استخاره و مشروعیت مهر نماز

۷- نشریه راجع به مأثور بودن و مستحب بودن دعا شریف ندبه

۸- حاشیه به رباب نکاح ریاض (شرح کبیر) مخطوط کتب و حواشی و رساله‌های دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رشتی، ابوالفضل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل رشتی از اجلاء علماء عصر ناصری و متوفی ۱۳۱۶ قمری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، عالم دینی. وی از علمای کاظمین و از شاگردان شـیخ محمـدعلی بن شـیخ مقصود مازنـدرانی کاظمی بود. او در محضـر درس شـیخ محمد حسن آل‌یاسـین نیز حاضـر می‌شد. از آثارش کتابت نسـخه‌ای از «المدارک» است. وی بر آن حاشیه‌هایی نگاشته که بر فضل و فقاهت او دلالت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ -۳۸/ ۱۳).

رشتی، اسداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللَّه رشتی عالمی جلیل از شاگردان میرزای رشتی بوده و در رشت در حدود ۱۳۲۱ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا عبدالرزاق. عالم زاهد متقی، در سال ۱۳۱۵ متولد، و در ۷ صفر ۱۳۶۵ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید. مشارالیه در اصفهان مقدمات علوم را آموخته، و از بدو تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدان شهر مهاجرت نموده، و در خدمت علمای آن سامان بالاخص مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی تحصیلات خویش را به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رشتی، نظام‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۷ ق)، عالم دینی. ساکن رشت بود. در محضر میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و شیخ هادی تهرانی تلمذ نمود. سید محمود تبریزی، پدر سید شهاب‌الدین تبریزی، از وی روایت کرده است. از آثارش: «ارشاد الصبیان»؛ «تشریح الحساب»، در شرح «خلاصهٔ الحساب» شیخ‌بهائی؛ «حجیهٔ القطع والظن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۵/ ۶، ۱۸۸ -۱۸۷/ ۴)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶/ ۶).

رضوانی فسائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ملقب (به فصیح‌الزمان) و متخلص به رضوانی فرزند سید ابوالقاسم فسائی از خطباء و وعاظ و شعراء عصر قاجار و بعد از آن بوده است. وی در سال ۱۲۴۰ شمسی در شهر فسا متولد و در ۱۶ سالگی به اصفهان رفته و دو سال در آن شهر به تحصیل مقدمات پرداخت سپس به قم آمده و ده سال در این شهر مذهبی و علمی تکمیل علوم عقلیه و نقلیه نموده و در بیست و هشت سالگی به تهران مهاجرت و به وعظ و خطابه پرداخت و در دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از او لقب (فصیح‌الزمان) گرفت.

برای نگارنده حکایت کرد که وقتی ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) هدف تیر میرزا رضای کرمانی قرار گرفت و مقتول شد من از ملازمین رکاب بودم و صدر اعظم وی مرده او را به سینه چسبانیده و با او صحبت می‌کرد که مردم ندانند شاه کشته شده تا اغتشاش و بلوا کنند.

و پس از قتل شاه در سال ۱۳۱۳ قمری برای تسلیت ولیعهد مظفرالدین میرزا به تبریز رفت و با وی به تهران برگشت و ملقب به (سلطان الواعظین) شد.

مرحوم فصیح‌الزمان سالهای متمادی در تهران منبر می‌رفت و شور و نشوری برپا می‌کرد و همواره خاص و عام برای استماع اشعار نغز و گفتار سراپا مغزش بر یکدیگر سبقت جسته و استفاده می‌کردند. وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران وفات نمود و باسلاف پاک خویش پیوست.

(۱۳۲۴ -۱۲۵۵/ ۱۲۴۰ ش)، شاعر. ملقب به فصیح‌الزمان. در فسا به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و از آنجا به قم رهسپار گردید و قریب ده سال نیز در این شهر به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. در سی سالگی به تهران آمد و در سلک وعاظ درآمد و چون مردی ادیب بود به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و به فصیح‌الزمان ملقب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز رفت و با مظفرالدین‌شاه آشنایی یافت و از آن جا به اتفاق او به تهران عزیمت کرد و لقب سلطان الواعظین یافت. در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. اثر وی «کلیات» اشعار است که منتخبی از آن به نام «گلهای فصیح‌الزمان رضوانی» به کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۱ -۳۷۰/ ۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۱ -۶۱۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۵۶ - ۱۵۵۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزار معانی (۲۹۵ -۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴/ ۵)

رضوی برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی برقعی بن السید الجلیل آسید جعفر بن سید محمدتقی بن سید رضی‌الدین از علماء و ائمه جماعت معاصر قم می‌باشد

وی در شب عاشورای سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۵ شمسی از مادر علویه متولد شده و از هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از خواندن دوره‌ی ابتدائی به خواندن علوم عربیه و دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را در قم نزد فضلاء حوزه علمیه قم تکمیل نموده و در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح عالی فرائد و مکاسب و کفایه را از مدرسین بزرگ نجف چون آیت‌اللَّه حاج سید اسداللَّه مدنی و آیت‌اللَّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و آقای حاج شیخ محمدحسین دهاقانی و آقای آشیخ احمد فیاض فراگرفته و قسمتی از

منظومه را از مرحوم حکیم ربانی آشیخ صدراء بادکوبه‌ای و هیئت و تشریح الافلاک را خدمت مرحوم آقا شیخ جمیل عرب و مرحوم آقا میرزا محمد اردبیلی آموخته و بعد از فراغت از سطوح به درس خارج سیدالفقهاء والمجتهدین زعیم حوزه علمیه نجف آقای خوئی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی حاضر شده و پس از هفت سال استفاده از محاضر و دراسات آیات عظام نجف به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان شیخ‌الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد داماد بهره‌مند گردیده و بعد از آن اشتغال به تدریس متون فقه و اصول و ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد سنگ‌بند و مسجد گذرسیدان تا حال حاضر دارند. از آثار قلمی ایشانست تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال ۱۲۲۵ متولد، و در ۱۳ ربیع المولود سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده.

وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نایل گردیده، و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. ۲- حسام الشیعهٔ که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلای کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی دولت‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، عالم شیعی. وی به رضوی نجفی و غروی نیز مشهور بود. از آثار وی: «الوجیزه فی اعتقاد الامامیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۱/۱۱).

رضوی قمی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن سید علیرضا رضوی قمی عالمی کبیر و فقیهی متبحر و رجالی ماهر و در اصل آقا سید محمدتقی ملقب به آقا جواد ولی لقب بر اسمش غلبه کرده و معروف به سید جواد شده وی از شاگردان علامه شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب (حاشیه معالم) و دارای تألیفاتی بنام (مقالید الاحکام) (و ینابیع الحکم) بوده و در سال ۱۳۰۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، ابوصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۹۰ ق)، عالم امامی. نسبش با هیجده واسطه به جناب موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع) می‌رسد. گفته‌اند که مادرش، فخرالسناء بیگم، دختر شاه عباس اول بود. وی از علمای دوره‌ی شاه عباس دوم بود. در مشهد، نقیب‌الاشراف سادات رضویه تقویه بود. وی مدرسه‌ی صالحیه را- که امروزه به نام مدرسه‌ی نواب مشهور است- در ۱۰۸۶ ق بنا نهاد و املاک بسیاری بر آن مدرسه و طلاب علوم دینی وقف کرد و کتابهای بسیاری را نیز بر طلاب وقف کرد. او همچنین ایوان حرم مطهر رضوی را تعمیر کرد. صاحب «الذریعه» وی را سید صالح خراسانی یا میرزا محمدصالح رضوی خوانده و کتاب؛ دقایق الحقایق» را- که مجموعه‌ی رباعیات جمعی از شعرای متقدم و متاخر ایران به ترتیب حروف هجا است- از آثار وی می‌داند. در «اعیان الشیعه» و «ریحانه الادب» نام کتاب، «دقایق الخیال» ذکر شده است. در «طبقات اعلام الشیعه» براساس آورده‌ی «الشجره الطیبه» صاحب عنوان تحت نام میر محمدصالح نواب، فرزند میرزا محسن نواب نیز آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۲/۲)، ریحانه (۱۵۷ -۱۵۶ /۷)، الذریعه (۲۳۵ -۲۳۴ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰، ۲۸۳ /۱۱).

رضوی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۹۰- ز ۱۱۳۵ ق)، عالم و نویسنده شیعی. وی از عالمان و سرکشیکان خدام مشهد رضوی بود. در ابتدای کتابش، «وسیله الرضوان»، نسب خویش را به امام جواد (ع) رسانیده است وی خود گوید که شیخ حر عاملی را در کودکی درک کرده و عده‌ای دیگر از علمای اعلام و نصرالله مدرس حائری و لطف‌الله و محمد گیلانی و احمد عاملی نجفی و مقصود و محمدقاسم و محمدهادی اصفهانی و موسی بن علی نجفی و حسین بن حسن طالقانی و میر علینقی اردبیلی و محمد معصوم یزدی و عبدالرزاق

مشهدی و بسیاری دیگر را نیز درک کرده و در اکثر آثارش از آنها روایت کرده است. از آثارش: «وسیله الرضوان»، در کرامات سلطان خراسان، که در ۱۱۳۵ ق تالیف شده «حبل المتین»، در معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ «تزیین المجالس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۲/۹)، الذریعه (۷۸ -۷۷ /۲۵ ،۲۴۰ -۲۳۹ /۶ ،۱۷۳ -۱۷۲ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۰ -۶۶۹ /۱۲)، معجم المؤلفین (۱۹۷/۱۱).

رضوی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدامین رضوی از علماء مبرز رضائیه مقیم تهران می‌باشند ترجمه خویش را چنین نگاشته‌اند:

در حدود ۱۲ کیلومتری شهر نقده، دهکده‌ای به نام «راهدهنه» هست که سابقاً بزرگ بوده و حاکم‌نشین سلدوز بوده است و نگارنده‌ی سطور در ۱۳۴۴ ه.ق ۲ شعبان تقریباً ۳ ساعت از شب دوشنبه گذشته در همین محل متولد شده‌ام و شش کلاس دبستان و مقداری هم از صرف و نحو را در خدمت پدرم در همانجا خوانده‌ام و تا قریب به ۱۶ سالگی در آنجا به سر برده‌ام.

شیخ رضاقلی اینجانب در ارومیه و تبریز و نجف اشرف به تحصیل علوم پرداخته و در کاظمین عموزاده‌هایش را یافته است و آنها خواسته‌اند که ایشان را در کاظمین نگاه دارند ولی او ایران را ترجیح داده و به ارومیه برگشته است، شیخ رضاقلی در فقه و اصول و ریاضیات و طب قدیم و هیأت و تقویم‌نویسی و زیج‌شناسی آن روزگار مطلع بوده و در ادبیات مهارت داشته و استاد کم‌نظیری بوده است.

و مدتی در ایام جوانی معلم شاهزاده ملک قاسم میرزا و یا فرزندان او بوده، یکی از اساتید ایشان حاجی میرزا احمد آقا تبریزی است که تعلیقات ایشان در حواشی شرح لمعه به خط عبدالرحیم چاپ شده است و یکی دیگر از اساتید ایشان شیخ محمد حسن مجتهد ارموی بوده که از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری مشهور بوده و شیخ محمدصادق فخرالاسلام ارموی صاحب انیس‌الاعلام هم دین مبین اسلام را از او یاد گرفته و شیخ انصاری می‌فرموده که شیخ محمدحسن برای همه‌ی آذربایجان کافی است، رحمهم‌اللّٰه‌اجمعین.

شیخ رضاقلی از ارومیه به سلدوز منتقل می‌شود و در آنجا در سنه‌ی ۱۲۹۷ ه.ق از زوجه‌ی افشاریه‌ی ایشان، والد بزرگوارم آقای حاجی شیخ عباسقلی رضوی که اکنون در سن ۹۶ می‌باشند متولد شدند، و در سال تولد ایشان شیخ عبیداللّٰه گیلانی از عراق به ایران حمله آورده و گروه بسیار زیادی از شیعیان ایران را که پیرمردان رضائیه در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر می‌گفتند کشته است و همو بود که عسکرآباد را قتل‌عام کرده بود.

ایشان اول در خدمت پدرشان و بعد در نجف اشرف به تحصیل پرداخته‌اند و زوجه‌ی اخیرشان؛ مادر مکرمه‌ی نگارنده از طایفه‌ی «قره پایاق» هستند و بنابراین: حقیر از امهات اربعه: عرب و کرد و افشار و قره پایاق متولد شده‌ام، و نسب پدران ما هم به عرب می‌رسد و شاید که از ایران به عراق رفته بوده‌اند.

حقیر در ۱۱ محرم‌الحرام سنه‌ی ۱۳۵۹ ه.ق در نزد پدرم به خواندن صرف میر شروع کرده‌ام و در ۱۳۲۰/۳/۱۲ ش برای تحصیل از سلدوز خارج و بعد از ۱۱ روز سفر پرمشقت به قم رسیدم و تا رجب ۱۳۶۴ ه.ق در قسمت فوقانی ناحیه‌ی غربی نیمه‌ی شمالی مدرسه‌ی فیضیه سکونت گزیدم و بعد تا ۱۲ شوال ۱۳۷۱ در خارج از فیضیه منزل داشتم.

شرح منظومه‌ی سبزواری و اسفار ملاصدرا را در درس آقای حاجی سید محمدحسن طباطبائی مؤلف المیزان فی تفسیر القرآن بالقرآن استماع کردم و از بدو ورود آیت‌اللّه حاجی آقا حسین بروجردی به شهر قم به هر دو درس ایشان می‌رفتم، و در قم در حین تحصیل از صرف میر گرفته تا کفایه و مکاسب و رسائل درس گفته‌ام.

در ۱۵ صفرالخیر ۱۳۷۲ ه.ق در رضائیه سکونت گزیدم و الحمدللّه در آن شهر به تبلیغات عالی و پرثمر موفق شدم و به مطالعه‌ی در آیات کریمه و احادیث شریفه پرداختم و همه‌ی کتابهای علمیم را در آنجا به رشته‌ی تحریر کشیدم و یا یادداشت کردم و از ۱۵ شعبان ۱۳۹۰ ه.ق برابر ۱۳۴۹/۶/۲۵ ش در تهران رحل اقامت افکنده‌ام تا خدا چه خواهد.

نوشته‌های حقیر، همه از قرآن کریم و احادیث شریفه‌ی مرویه از معصومین علیهم‌السلام سرچشمه گرفته و عبارتند از:

۱- تجسم عمل یا تبدل نیرو به ماده، در تبریز در ۱۳۸۵ ه.ق و بعد در تهران ۱۳۵۰ ش چاپ شده است.

۲- آغاز و انجام جهان، در رضائیه در ۱۳۴۸/۸/۲۰ ش چاپ شده است.

۳- ساختمان آینده‌ی انسان، هنوز چاپ نشده است.

۴- کتابی در حل شبهه‌ی آکل و مأکول، چاپ نشده.

۵- پیدایش انسان، چاپ نشده.

۶- احادیث منتخبه از روضه‌ی کافی که در تهران تلخیص و ترجمه کرده‌ام و در ۱۳۵۱/۷/۲۰ چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رضوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء متقی فرزند مرحوم حاج سید اسحاق و در مسجد امام اقامه نماز جماعت می‌نمود. شرحی بر خطبه حضرت صدیقه سلام‌اللّه‌علیها به عربی نگاشته که در تهران به طبع رسیده و در سال ۱۳۳۴ ق فوت نمود و در شیخان مدفون شد.

(۱۳۴۴ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی. از علمای متقی بود. در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن شد. از اثر معروف وی «الدره البیضاء فی شرح خطبه فاطمه الزهراء (ع)» که دارای عناوین: متن و شرح و لغت و اعراب و معنی است. هر یک از قطعات خطبه تا پایان تحت این عناوین آورده شده است. این کتاب به همت برادرش آقا حسین بن اسحاق رضوی در ۱۳۵۴ ق به طبع رسید.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۳/ ۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۵/ ۲).

رفیع، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا نورالدین شریعتمدار رفیع بن آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار مذکور است وی در سال ۱۳۱۸ ق در شهر رشت تولد یافته و مقدمات را در مدرسه مستوفی آن شهر خوانده آنگاه به تهران آمده و سطوح را از محضر اساتید فن فراگرفته و حکمت

و شرح منظومه را از مرحوم حاج آخوند هیدجی آموخته سپس برای تکمیل معلومات مهاجرت به نجف و قریب پانزده سال توقف و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و تقریرات آنان را برشته تحریر درآورده پس از آن به تهران مراجعت و در خیابان صفی‌علی شاه سکونت و به خدمات روحی و دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۶ ق رحلت و جنازه‌اش حمل به نجف و در مقبره خانوادگی در صحن مطهر دفن گردیده است.

دارای آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق می‌باشد که فرزندان ارجمندش به طبع خواهند رسانید.

نگارنده گوید: آن مرحوم دارای اخلاقی حمیده و خصالی پسندیده بود و منزلش محل رفت و آمد و نزول آیات عظام معاصر بوده و خود حقیر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید یونس اردبیلی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی مدد قائینی را در بیت معظم له دیدن نمودم.

از باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند برومند ایشان جناب حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ مرتضی رفیع می‌باشد که در خانه پدر را بازداشته و مانند نیاکان و اسلاف خود بوظائف روحی و دینی اشتغال دارد.

(۱۳۸۶ -۱۳۱۸ ق)، عالم دینی. در رشت به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه‌ی مستوفی رشت خواند و سطوح را نزد استادان تهران آموخت. حکمت و «شرح منظومه» را نزد حاج آخوند هیدجی فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پانزده سال از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده برد و تقریرات آن را تحریر کرد. با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی آثار و تالیفاتی در فقه و اخلاق دارد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۷/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۱ -۴۷۰/ ۴).

رفیعی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقاشیخ محمدباقر بن مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر رفیعی از علماء و خدمتگذاران دینی حوزه علمیه است.

وی در بیستم ماه شعبان ۱۳۳۲ قمری در کرم‌رود اراک متولد شده و مقدمات و سطح را در مدرسه حاج محمد ابراهیم خوانساری اراک خوانده و رسائل و مکاسب را از مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمد سلطان و کفایه را از مرحوم آیت‌الله آقا سید محسن غروی استفاده کرده و منظومه سبزواری را از آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی فراگرفته و در سال ۱۳۵۵ قمری به قم مهاجرت نموده و حدود ۹ ماه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی آقای حجت حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر و ابحاث آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و هم اسفار را از علامه حکمت آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده نموده است.

مولف گوید آقای رفیعی عالمی پرهیزکار و دانشمندی عالی مقدار است که به سهم خود در راه ترویج دین و تبلیغ احکام سعی بلیغ داشته و چند سالی در مسجد سلیمان و خوزستان و مناطق گرم سیری اقامت نموده و چندی هم در شهر ما (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام) رحل اقامت افکنده و چندی هم در آشتیان به منظور خدمت دینی و روحی توقف نموده است.

از نوشته‌های ایشانست تقریرات اصول و فقه مرحوم آیت‌الله حجت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رکن کرمانی، رکن‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، عالم و شاعر، متخلص به رکن. خانواده‌ی وی از ابهر بودند. اما رفیع‌الدین در کرمان ساکن شد و به همین جهت به کرمانی مشهور شد. در «تذکره‌ی روز روشن» از وی با نسبت مکرانی یاد شده و آقابزرگ تهرانی رکن‌الدین بکرانی و مکرانی را یکی می‌داند. رکن‌الدین معاصر غازان خان و حمدالله مستوفی بود. وی صاحب «دیوان» اشعار است که در آن به مدح ملوک آل‌مظفر مبارزالدین محمد المظفر، جلال‌الدین شاه شجاع و قطب‌الدین شاه محمود پرداخته است و در آن از شاه ابواسحاق که در نبرد با امیر مبارزالدین بود، یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵۹ -۲۵۸)، حبیب السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۳۸۴ -۳۸۳/ ۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، ستارگان کرمان (۲۰۷ -۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴).

رموزی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۴ ق)، شاعر، دانشمند. وی از دانشمندان سمرقند بود. در علم رموز بسیار ماهر بود و در معما و موشح و تاریخ و قافیه و عروض دست داشت. میراشرف در پایان زندگی اختلال حواس یافت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۶).

رواسی، صدرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۱ ق)، صوفی و عالم. وی از خلفای شیخ زین‌الدین خوافی و از علوم ظاهری و باطنی بهره‌مند بود. در اوایل چندی در مدینه اقامت داشت و سپس به وطنش اسفراین بازگشت و در آنجا به ارشاد پرداخت. وی در شهر هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۳/۴)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، مجالس النفائس (۲۰۲، ۲۸).

روحانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمدعلی بن العلامه الحاج میرزا ابوالقاسم بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی از علماء اخیار و ائمه جماعت مسجد امام دارای مقام علم و کمال و قدس و تقوا می‌باشد. عالمی است موفق و سالکی است موید، در غالب زیارات مخصوصه حضرت رضا علیه‌السلام با شوقی وافر به مشهد رضوی مشرف و افاضاتی از حضرتش دریافت نموده و می‌نمایند. نگارنده در بسیاری از اوقات وی را با توجهی مخصوص در آن روضه منوره دیده و التماس دعا گفته‌ام. تحصیلات مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول را از اساتید بزرگ حوزه مرحوم والد خوانده و از آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و پس از فوت ایشان آیت‌الله العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده و ضمنا مباحثات اصولی و فقهی داشته و در ظهر و شب هم در مسجد امام علیه‌السلام به جای والد مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالحسین روحانی بن العالم الجلیل حاج شیخ اسماعیل مذکور از علماء محترم معاصر محلات می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

روحی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالوهاب روحی یزدی از علماء و قدماء حوزه علمیه و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت موصوف به فضل و دیانت و تقوا و متانت می‌باشد. تولد ایشان در یزد واقع شده و در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نموده و پس از پایان سطوح چندی از دروس آیت‌الله حایری استفاده و پس از ایشان از محضر آیات عظام حجت و خونساری و صدر و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله علیهم استفاده نموده و تا هم اکنون به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رودباری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رودباری که اکنون در رشت اقامت و به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روشنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین روشنی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هدایت‌اللَّه وحید گلپایگانی می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ ق در (گوگد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دارالشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را از مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۴ ق به تهران منتقل و تاکنون در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای روشن از دانشمندان متقی و با متانت و موصوف بورع و محامد اخلاق و آداب می‌باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده‌ام ادام اللَّه توفیقه و کثر اللَّه آثاره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللَّه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللَّه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد

خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:

۱- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت ۱۲ سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراك نموده که با اصل روضات طبع میشود.

۲- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (۳۰۰ صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.

۳- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:

۱- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال ۱۳۷۷ ق بطبع رسیده.

۲- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

۳- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.

۴- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.

۵- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال ۱۳۷۳ ق چاپ شده است.

۶- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال ۱۳۸۵ در اصفهان چاپ شده است.

۷- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.

۸- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.

۹- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.

۱۰- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: ۱- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. ۲- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم ۳- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. ۴- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.

۱۱- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون از شماره ۱۴۲ تا (۱۵۵) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.

اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:

۱- السبیل المسلوك در لباس المشکوك.

۲- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد ۱۴ کتاب الذریعه ص ۷۰) و در حرف میم هم در جلد ۲۱ ص ۲۹۳ آن را ذکر کرده است.

۳- رساله در عدالت.

۴- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.

۵- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی ۶۴ آنرا معرفی کرده است).

۶- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد ۲۱ ص ۳۹ آن را یاد کرده است.

۷- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد ۲۰ ص ۱۳۳ آنرا تعریف نموده.

۸- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)

۹- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.

۱۰- کتاب مناظرات مذهبی در ۳ مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.

۱۱- صوفی بازی در ۲ جلد رد بر صوفیه.

۱۲- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.

۱۳- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.

۱۴- فلسفه نماز.

۱۵- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.

۱۶- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.

۱۷- گمراهان باب و بهاء.

۱۸- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد ۱۶ صفحه‌ی ۳۲۹ یاد کرده است.

۱۹- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.

۲۰- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.

۲۱- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.

۲۲- حواشی بر کتب درسی.

۲۳- حواشی بر کتب رجالی.

علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در دوشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۰۲ متولّد، و در شب ۴ شنبه ۸ رجب ۱۳۸۳ وفات یافته، از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و جمعی دیگر از فضلای اصفهان بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیت روضاتی اصفهان از بیوتات اصیل و ریشه‌دار علمی استان اصفهانست.

سر سلسله این بیت مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین آیه‌الله حاج سید محمد باقر موسوی خونساری صاحب کتاب مستطاب (روضات الجنات) میباشد.

این بیت بیش از یکقرن است که در اصفهان و غیره خدمتگزار دین بوده و هستند.

از این بیت رجال علم و دانشمندان بزرگ برخاسته‌اند و اکنون مردان با فضیلتی از این بیت در اصفهان مانند حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود روضاتی بخدمات دینی اشتغال دارند.

از معاریف معاصر این بیت جناب حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد روضاتی مقیم تهرانست.

والد آنجناب مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر روضاتی فرزند فقیه مجتهد آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی در ۱۲ ربیع المولود ۱۳۱۶ قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد علماء اصفهان مانند مرحوم آقای حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و حاج میرزا محمد رضا خونساری و آقا شیخ محمد خراسانی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقای حاج میرزا محمد صادق مدرس در فقه و اصول تلمذ نموده و از مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد حسین فشارکی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله صدر و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری اعلی‌الله مقامهم اجازه روایتی داشته و تا آخر عمر در مسجد خیابان و مسجد شیخ بهائی اقامه جماعت و ترویج دین و بیان احکام نموده تا در روز ۲۹ ماه رجب ۱۳۸۳ قمری در اصفهان وفات نموده و با تشییع کم نظیری در تکیه (مقبره) جد خود صاحب روضات مدفون و جمعی از ادباء و شعراء اصفهان در رثاء ایشان قصائدی گفته‌اند از جمله آقای برنا گوید:

باقر عالم فاضل ز جهان کرد عبور

شد پناهنده بدرگاه خداوند غفور

زد رقم از پی تاریخ وفاتش (برنا)

باقر عالم و زاهد بجنان شد مسرور

۱۳۸۳ قمری

از آثار اوست کتاب کوچکی در نحو فارسی که ظاهرا شرح و ترجمه (عوامل ملا محسن) است.

۲- کتابی در شرح لغات تاریخ معجم ۳- جنگی در متفرقات شبیه کشکول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزندش میرزا محمّد حسن از علما و ائّمه جماعت در مسجد جوزدان بود. فقیهی منزوی، و دانشمندی وارسته بود.

در ۱۳ ماه صفر ۱۲۹۸ متولّد، و در ۱۷ شعبان ۱۳۸۰ وفات یافته، در جنب تکیه ی کازرونی در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را صغیر شاعر معاصر گوید:

سالکی سر کرد در جمع و پی تاریخ گفت

در جزا سید حسن محشور گردد با حسین

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روغنی، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی. از علمای عهد صفوی و از شاگردان میرداماد است، صاحب «ریاض العلماء» وی را از شاگردان ملا خلیل قزوینی می‌داند. آثار وی که ظاهرا همه به فارسی است عبارت‌اند از: رساله در «اکل آدم من الشجره»؛ «برکات المشهد المقدس» یا «ترجمه‌ی عیون اخبار الرضا (ع)»، که در ۱۰۷۵ ق در مشهد رضوی تالیف شده؛ «ترجمه‌ی توحید مفضل»؛ «ترمه‌ی صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه‌ی عهدنامه مالك اشتر»؛ «ترجمه‌ی محاضرات راغب»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «شرح اشعار مثنوی»؛ شرح فارسی «دعای سمات»؛ «مقامات»؛ «الامامه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۹، ۱۲۸ /۱۴، ۱۰۴/۱۱، ۱۱۲/۴، ۸۸/۳، ۳۲۷/۲)، ریاض العلماء (۲۶۳/۲)، ریحانه (۳۴۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۴ -۲۸۳ /۱۱)، فوائد الرضویه (۵۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳/۳)، مینودر (۹۳۱، ۷۶۴، ۲۰۰، ۱۹۹ -۱۹۸ /۲).

رویانی لاهیجی، نظام‌الدین، عبدالقادر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۵ ق)، ریاضیدان و دانشمند. از شاگردان ملا علی قوشچی بود. نخست در گیلان می‌زیست؛ سپس به دربار سلطان حسین بایقرا رفت و از آن پس در هرات مقیم مدرسه‌ی شاه بود تا در آنجا درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه نظامیه» در حساب به نام سلطان یحیی کیا؛ «زیج مخلص میرزایی» که به نام سلطان میرزا علی تالیف کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۰)، الذریعه (۴۷۸/۳).

رویدشتی، حمیده

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دختر محمد شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی. پدرش به ملّا شریفا معروف بوده و از شاگردان شیخ بهائی بوده و از مشایخ علامه مجلسی است.

امّا حمیده از زنان عالمه و فاضله اصفهان است که در خدمت پدر درس خوانده، و حواشی بر کتب حدیث و رجال نوشته، و از مطالعه کتب او مقام احاطه و تتّبع مشارالیها بر احوال رجال معلوم می‌شود.

گویند پدرش بطور مزاح می‌فرموده است: حمیده را با رجال، ربطی است و مرادش علم رجال بوده است.

تألیفات مشارالیها عبارت است از:

۱- حواشی بر استبصار شیخ طوسی. ۲- حواشی بر کتب اخبار که در الذریعه(۱۱۴:۱۰) به «رجال حمیده» تعبیر فرموده است. در ۱۰۸۷ وفات یافته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و

خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵ -۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶ -۵۶۵ /۴).

ریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق، از فضلای شاگردان میرزای شیرازی بوده، و پس از وفات ایشان مدّتی در نجف اشرف به درس آقا سید محمّد کاظم یزدی حاضر شده، و در مسافرتی که به قصد زیارت مشهد مقدّس به ایران آمد، در ماه صفر سال ۱۳۳۸ در اصفهان وفات یافته، در صحن تکیه حاج آقا مجلس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و فقها در قرن سیزدهم بوده. دخترش مریم نیز فاضل و دانشمند بود، و کتابت «مطالب السؤوال» را در رمضان المبارک ۱۲۸۷ به انجام رسانیده. و از آن مقام علم و فضل دختر و پدر آشکار است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مبرِّزین شاگردان حاجی آباده‌ای و ملّا حسین علی تویسرکانی، عالم فاضل بوده، در شب عاشورای سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در بقعه تکیه آباده‌ای مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، عبدالوهاب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل و مجتهد جامع بوده، در اصفهان نزد سیّد حجّهٔ الاسلام، و در نجف تحصیل نموده، و پس از مراجعت در وطن خویش ساکن گردیده، و به ترویج دین و اجرای احکام پرداخته، و پس از وفات، در مسجد خویش، در اطاقی مخصوص مدفون گردید.

صاحب عنوان، عالم و فاضل محقّق جامع مجتهد فقیه اصولی، در اصفهان و نجف اشرف در نز اساتید آنجا تلمّذ نموده، و از اساتید خود به دریافت اجازه ی روایت و اجتهاد مفتخر گردیده، که عبارتست از اجازه از حاج میرزا حبیب اللَّه رشتی، و آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی.

پس از تکمیل تحصیلات به اصفهان مراجعت نموه، و گاهی در شهر، و اغلب در قصبه ی ریز ساکن بوده، و در همانجا وفات یافته، و جنازه ی او با تجلیل و تکریم به شهر منتقل گردیده، در تکیه ی آقا شیخ مرتضی ریزی (برادر نامبرده) مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی رئیسی بن السید الجلیل حاج سید مصطفی رئیس‌الذاکرین گرگانی از افاضل دانشمندان معاصر گرگانست وی در گرگان متولد شده و در حجره والد ماجدش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده و پس از فراگرفتن سطوح فقه و اصول برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دروس خارج و محضر آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و مراجع دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل امامت و تدریس و اداره عده‌ای از محصلین علوم دینیه گرگان پرداخته و تا حال تحریر اشتغال به انجام وظائف دینی و روحی دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن مرحوم آقا شیخ حسین (معروف به شیخ رئیس) از علماء معاصر قوچان است. وی در سال ۱۳۱۲ قمری در قوچان متولـد شـده و مقدمات فارسـی و عربی را در قوچان تحصـیل کرده و فقه را نزد مرحوم آقا شـیخ محمد کبیر آموخته آنگاه به نجف اشـرف مشرق شده و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و خارج را خدمت آن مرحوم و آقا ضیاءالـدین عراقی خوانـده و بعـد به قوچان مراجعت و به تـدریس فقه و اصول پرداخته و پس از چنـدی به مشـهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنـده و تاکنون حدود سـی سالست که در ارض اقدس به تدریس مکاسب و رسائل و کفایه و امامت در مسـجد امین مشهد اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، ابوالثنا احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم. وی از علمای اهل سنت قرن دهم هجری می‌باشد که از آثارش کتاب «اعراب القرآن» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۵۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ زابلی).

زارجی یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر زارجی یزدی بنـابر نقـل نجوم السـماء امـام جمعه یزد از شاگردان سـید علی طباطبائی صاحب ریاض است و در سال ۱۲۹۶ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

زاهد قمی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ موسـی فرزنـد علی زاهد قمی در سال ۱۳۲۷ قمری در نجـف از صـبیه مرحـوم محمـد تقی قائم‌مقـام نوری که از اعیـان دولت

قاجاریه بوده متولـد شـده و در بیت علم و زهـد پرورش یافته و پس از خوانـدن مقـدمات و سـطوح از دراسات فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه میرزا محمود شیرازی سامرائی و شیخ محمدتقی آل‌راضی استفاده نموده است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما در قضاء حوائج اخوان و مساعدت به مسـتمندان سـعی بلیغ و همت عالی دارد دارای سه فرزند ذکور است ۱- آقا عبـدالصاحب خیاط ۲- آقا شـیخ محمدرضا ۳- آقا شـیخ عبـدالرسول که از فضـلاء و محصـلین جدی هسـتند ادام اللّه توفیقاتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و زهاد زمان خود بوده، در سال ۱۱۴۵ وفات یافته، جنب فاضل هندی مدفون گردیده.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از دهر چو شیخ قاسم زهد شعار

بگرفت ز امر حق به فردوس قرار

تاریخ وفات او رقم زد خادم

آسود ز عفو قاسم جنت و نار

برخی وی را ملا محمد قاسم بن حاج محمد حسن کلباسـی می‌دانند، و اشـتباه است. وی نیز از علمای راسخین، و زاهد و عابد بوده؛ و در قرن سیزدهم می‌زیسته، و ظاهرا در نجف از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زرآبادی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد جلیل حسـینی فرزنـد عالم جلیل سـید موسـی فرزند سـید علی فرزند سـید مهدی فرزند میر بزرگ ابن میر بابا بن میر فاضل که منسوب و منتهی به جناب زیـد شـهدید فرزنـد امام زین‌العابدین علیه‌السـلام می‌شود. در یازدهم ذیقعده الحرام ۱۳۳۱ قمری در شهر قزوین سالروز میلاد مسعود حضرت رضا علیه‌السلام به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پروش یافته و در حجر و دامن مادر موسویه با فضـیلت دختر عالم متقی حاج سـید احمـد تنکابنی تربیت شـده و مقـدمات و ادبیات را در خـدمت والـد ماجـدش خوانـده و پس از رحلت آن بزرگوار در تحت سرپرستی و ارشاد مجسمه تقوا و ورع عالم زاهد مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان که از نوادر عصر در محیـط قزوین بودنـد و تربیت روحی و معنـوی قرار گرفته و در همـان ایـام نیز از انفـاس قدسـیه و رهنمودهـائی دائی بزرگش اسـتاد اخلاقش مرحوم حاج شـیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان لقرآن بهره‌منـد گردیـده و سـطوح را در قزوین در خـدمت آیات عظام حاج سید ابوالحسن رفیعی و حاج آقا سـید هبه‌اللّه کلانتری و حاج سیدمحمد تنکابنی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۶۷ قمری مهاجرت به

قم نموده و از محضر و دروس اعلام قم چون مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید محمد حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرده و از درس و بحث اصول امام خمینی (ره) مدت ۸ سال حداکثر استفاده را نموده و همینطور مدت هفت سال از اسفار و تفسیر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض شده تا سال ۱۳۷۷ قمری که با مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مدت سه سال در آستانه اشرفیه لاهیجان اقامت و سرپرستی حوزه علمیه آن سامان و مراجعات حومه را به عهده داشته و در سال ۱۳۸۰ قمری به قزوین مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهاد و روایتی از آیات گذشته و حاضرین می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زرتشت بهرام پژدو

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند، پزشک، نویسنده و شاعر. اهل خواف خراسان و به قولی اهل ری بوده است. در دوران حکومت ایلخانان زندگی می‌کرد. در جوانی بین دبیری و علوم شرعی زرتشتی و نجوم و هیات و حساب را فراگرفت و بعد از آن به شاعری پرداخت. آنچه که از آثار وی باقی است، چند منظومه‌ی فارسی است که به جهت اشتمال بر مقدار زیادی لغات پهلوی و روایات دینی زرتشتی اهمیت خاص دارد. این منظومه‌ها عبارتند از: «ارداویرافنامه»؛ «منظومه‌ای در باب زرتشت و هزاره‌های زرتشتی»؛ «داستان چنگر نگهاجه»؛ «داستان شاهزاده‌ی ایران زمین و عمر خطاب»؛ بعضی اثری بنام «زرتشت نامه» به وی نسبت می‌دهند و این بخاطر افزودن اشعاری توسط همین بهرام است حال آن که این اثر از آن کیکاووس رازی، پسر کیخسرو، از شاعران گمنام زرتشتی است.[۱]

زردشت بهرام پژدو (زردشت پسر بهرام پسر پژدو) شاعر زردشتی (قر. ۷ ه.)، نخستین گوینده مسلم زردشتی که از او آثار مهمی به ما رسیده. نوشته‌های وی- که موضوع آنها بخشهایی از ادبیات مزدیسنا و مخصوصا داستان زردشت پیامبر است بر همه آثار زردشتیان ایران و هند برتری دارد. احتمالا خاندان او از خواف و خود وی ساکن ری بود. از آثارش «زراتشت‌نامه» (ه.م.)، «ارداویر افنامه» (۲ ارداویر افنامه) داستان چنگرنگهاجه، داستان شاهزاده ایران زمین با عمر بن خطاب، خمسه زردشت است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۷ -۵۰۶، ۴۳۵، ۳۳۸ -۳۳۷ /۳)، تذکره شاعران کرمان (۲۷۲ -۲۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۱/۱)، ستارگان کرمان (۲۲۰ -۲۱۲).

زرکوب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) شیرازی، شیخ‌الاسلام عزالدین مودود بن محمد بن محمود ذهبی (و. ۵۶۲- ف. ۶۶۳ ه.ق.). وی از اهل شیراز و جدش اصفهانی‌الاصل بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زرندی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن حسن زرندی دانشمندی فاضل از اعلام قم بوده است و در سال ۱۲۲۴ قمری در مدرسه فیضیه تدریس می‌نموده و از محضر مرحوم علامه محقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین استفاده نموده و در حدود سال ۱۲۳۰ در قم وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زروانداد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عالم دین. پسر مهرنارسه پسر ورازگ بود که نسبش به خانواده‌ی سپند یاد، یکی از هفت خاندان ممتاز اشکانی می‌رساند. وی از هیربدان هیربد بود که بعد از موبدان موبد، برترین مقام روحانی بود. در حاشیه کتاب «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» آمده که وی یکی از روحانیون مانوی است که نامه‌ای را خطاب به مارامو، رهبر مانویان در بخش‌های شرقی ایران می‌نویسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۳۴۱)، تمدن ساسانی (۶۹/۱).

زعیم‌الدوله تبریزی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، عالم، نویسنده و روزنامه‌نگار. مشهور به رییس الحکماء و دکترا میرزا مهدیخان زعیم‌الدوله. اهل تبریز بود. از استانبول به مصر رفت و در قاهره اقامت گزید و در آن جا به انتشار روزنامه فارسی «حکمت» مبادرت کرد. کتابی به زبان فارسی در اصول و فرع ادیان جهان نگاشت و در آن کتاب به تفصیل در رد فرقه بابیه سخن گفته است. وی نیز مفصلی در رد و تاریخ بابیه نوشته و آن را «باب الابواب» نامید. سپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامید. سپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامید. از دیگر آثار وی: «فرهنگ مهدی»؛ «جهان‌نمای مهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۵۱/۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۵۸۳، ۱۹۷، ۸۷)، تاریخ جراید (۲۳۰ -۲۲۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۹)، شرح حال رجال (۷-۶ /۴)، علماء معاصرین (۱۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۱ -۳۹۹ /۶).

زفره‌ای، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاجی آخوند، فرزند ملّا علی.

عالم فاضل زاهد متّقی، از مدّرسین سطوح در اصفهان، و محدّثین و واعظین بود. اغلب فضلای معاصر اصفهان از شاگردان ایشانند. کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱- رساله در اصول دین، که به طبع رسیده ۲- کتابی در قاعده دایره هندی ۳- کتابی در علوم غریبه ۴- کتابی در مکروهات موجب فقر.

صاحب عنوان در علوم غریبه و جفر و اعداد طلسمات نیز زحماتی کشیده و در این موارد، کارهایی بدو نسبت می‌دهند.

در روز دوشنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ به سنّ قریب به نود سال در اصفهان وفات یافته. در بقعه ی تکیه ی بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زفره‌ای، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، ساکن قریه برزان، از شاگردان شیخ مرتضی ریزی و آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی بوده، و در رمضان سال ۱۳۳۴ فوت شده، در صحن تکیه شیخ مرتضی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زکی غزنوی، ظهیرالدین، ابوالمحامد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، دانشمند. وی از دانشمندان قرن ششم هجری بود که در علم هیئت و نجوم مهارت داشت و کتابی به فارسی در نجوم نوشت. اثر وی: «کفایه التعلیم فی صناعه التنجیم» که از سال (۵۴۲ -۵۴۰ ق) مشغول تالیف آن بوده است و شرف بر سوی (وف ۶۳۶) آن را به نام «مفاتیح النجوم و مصابیح العلوم» تلخیص کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۹۰/۱۸).

زکی کرمانی، حیدرعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدرعلی بن محمد زکی کرمانی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۲۳ وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زمان کرمانی، اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملا اکبر زمان کرمانی از اعیان علماء زمان خود در یزد و معاصر سلطان محمد شاه قاجار بوده و در سفر خراسان و زیارت مشهدالرضا (ع) در حدود سال ۱۲۵۰ قمری وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالفضل زنجانی برادر حجهٔالاسلام حاج شیخ علی شمس زنجانی از دانشمندان فاضل و باتقوای حوزه علمیه قم است. وی در حدود سال ۱۳۴۰ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن دروس مقدماتی در سال ۱۳۵۸ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را خدمت آیت‌اللّه حاج سید احمد زنجانی و مدرسین سطوح قم خوانده و پس از آن از محضر و درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به امر زعماء و مراجع عظام حوزه علمیه قم به صحنه مهاجرت و به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و فضائل امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات المصلین اشتغال دارد.

نگارنده گوید. مترجم محترم ما از فضلاء پرهیزکار می‌باشد در سال ۱۳۶۱ ق باتفاق ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج سید قوام‌الدین موسوی زنجانی مسافرتی از طریق (صلوات) به عتبات عالیات نموده که خاطرات شیرین آن سفر پس از گذشت سی و سه سال هنوز از خاطرم نرفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوتراب زنجانی از علماء مقیم نجف و معاصر با مرحوم آیت‌اللّه آشیخ عبداللّه مازندرانی معروف بوده و در حدود ۱۳۳۰ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، اسحاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، دانشمند. وی در اکثر علوم دست داشت. از آثار وی: حاشیه بر «رساله‌ی الاسطرلاب» ابن ماردینی؛ «سراج القلوب» در شرح «ضیاء القلوب» در تصوف؛ «منظومه العقائد»؛ نظم «ترتیب العلوم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۳۲/۲)، هدیه العارفین (۲۰۱/۱).

زنجانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عالم و قاضی. وی مدت زیادی را در نجف برای تحصیل علم گذرانید، و در هما جا درگذشت. از آثار وی حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی است.[۱]

اسماعیل زنجانی متوفی ۱۳۳۲ ق از فضلاء حوزه نجف بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۹/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰ -۲۶۹ /۲).

زنجانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۴۵ ق)، عالم دینی. وی به خط خود «شرح الباب الحادی عشر» را نوشت و از نگارش آن در ۱۲۴۵ ق فراغت یافت و از آن فضل و بزرگی و پیشگامی‌اش معلوم می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲۱/۱۳).

زنجانی، زین‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌الدین زنجانی از فضلاء معاصر تهرانست وی در زنجان متولد و در حجر تربیت چنان پدری پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه مدتی در مشهد کسب علم نموده و پس از آن به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه حجت ره و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و به امر آن مرحوم برای تبلیغ دین چندی در آب گرم قزوین اقامت و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در آن عاصمه به خدمات دینی اشتغال دارند. آثار ارزنده علمی دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- رساله‌ای در غیبت

۲- الفوائد در مسائل متفرقه

۳- رساله‌ای در حق و حکم

۴- کتابی در رد صوفیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۸ ق)، عالم. از آثار وی: شرح «دعاء صباح»؛ حاشیه بر «رسائل».[۱]

عبدالعلی بن مولی عبدالصمد بن مولی علی‌اکبر بن محمد سعید زنجانی متولد ۱۲۶۸ و متوفی ۱۳۴۹ قمری دانشمندی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار از شاگردان ملا قربانعلی زنجانی و علامه شیخ محمدحسن مامقانی و علامه ملامحمد شربیانی و دارای تألیفات و آثار عدیده بوده است.

عبدالعلی بن علی نقی بن مصطفی سعدآبادی زنجانی متوفی حدود ۱۳۵۷ قمری عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار و کامل از شاگردان آیت‌اللّه آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) و شریعت اصفهانی بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] معجم المؤلفین (۲۲۶/۵).

زنجانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶- ح ۱۳۴۰ ق)، عالم و نویسنده. وی با دوستی علم، نشو و نما یافت. مبادی و مقدمات را نزد برخی اساتید آن زمان فراگرفت

و دروس عالی را نزد علمای اعلام و بزرگان زمان؛ تا اینکه به تألیف و تصنیف روی آورد. از آثارش: «انیس الطلاب»، در زندگی بسیاری از علمای زنجان؛ «تبیان البیان فی قواعد القران»؛ «توضیح المشکلات»، در نحو و صرف و عروض؛ «لوائح الادله فی فوائح العدیله»؛ «روشن ضمیر»، در شرح «دعاء جوشن صغیر»؛ «قسطاس المقادیر و مقیاس المعائیر»؛ «منهج الرشاد»، در شرح «الارشاد» شیخ مفید؛ «قنوان الصنوان»، در شرح «نصاب الصبیان»؛ «فرمایش محمدیه»، در تجوید؛ منظومه «تصریف» زنجانی، در سیصد بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۳/۱۸، ۸۱/۱۷، ۴۹۸/۴، ۳۳۲/۳، ۴۶۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۷ -۴۲۶ /۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۹ -۱۲۸)، معجم المؤلفین (۲۱۱ -۲۱۰ /۹).

زنجانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم. از اثرش: «المصائب و المواعظ»، در سه مجلد؛ «رسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۹/۱۳).

زواره‌ای، صفی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صفی‌الدین محمد بن عمدهٔ القضاهٔ غیاث‌الدین علی زواره‌ای عالم فاضل، معروف به قاضی صفی، متوفی در ۱۵ شعبان سال ۹۹۵.

ماده تاریخ وفاتش این است:

تاریخ فوت قاضی دنیا ودین که رفت

از مرگ او هر آینه بر روزگار حیف

جستم ز عقل گفت که بر لوح دل همین

حیف از جهان دانش و دین صد هزار حیف

ماده تاریخ دیگر: «وای از مرگ جانشین رسول».

در فهرست مؤلفین (۶۰۱:۵) وی را سید جلال‌الدین طباطبائی معرفی می‌کند، و گوید: از آثارش: توقیعات کسری انوشیروان عادل است که از عربی به فارسی ترجمه نموده، و چندین مرتبه‌ی در هند و تبریز و طهران به چاپ رسیده، و در لندن با ترجمه‌ی انگلیسی آن در ۱۳۱۰ قمری چاپ شده است.

در هر حال از عبارت سنگ قبر، عدم سیادت او ظاهر است. قبرش در ایوانچه‌ی غربی بقعه‌ی امام‌زاده اسماعیل در کنار جاده می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زین‌الدین محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در فهرست منتجب‌الدین است که وی مردی ادیب و فاضل و طبیب است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

زین‌الدینی، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی بن السید الاعلام آقا سید سیف‌الله مدفون در قریه رشیدی چاپلق در تاریخ ۲۵ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۵ قمری متولد شده و پس از پایان کودکی در حجر تربیت پدر معظم خود بتحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراغت از آن مقداری از مقدمات را نزد وی استفاده کرده آنگاه باراک آمده و مقدمات را نزد مرحوم حاج ملا عبدالحمید انجدانی که یکی از علماء نحو بوده استفاده و مقداری از سطح را خدمت مرحوم آقای حاج شیخ عباس اردیس آبادی مدرس که یکی از علماء جلیل و از صاحبان مقامات عالیه و کرامت باهره بوده خوانده و پس از چند سالی در سال ۱۳۴۱ بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و بعضی دیگر استفاده کرده و ثانیا باراک برگشته و از محضر مرحوم سلطان العلماء و مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن مجتهد بهره‌مند شده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی خارج فقه و اصول را استفاده کرده و اکنون بالغ بر چهل و پنج سال است که در اراک اقامه جماعت دارد و هم بتبلیغ احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام مشغول می‌باشد. فرزند ارجمند ایشان آقای عزالدینی از علماء و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

زینتی بلیانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. در استرآباد کسب دانش کرد و به همین جهت به استرآبادی معروف شد. علاوه بر آگاهی از دانشهای مختلف در سرودن شعر نیز توانا بود. از اوست:

به کف تیغ جفا، سویم عتاب‌آلود می‌آید

من از هجران او جان داده او بیهوده می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۷ -۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۴)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، مرآت الفصاحه (۲۵۶).

ساروی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جعفر از علماء عصر ناصرالدین شاه در ساری بوده و فاضل مراغی وی را در کتاب خود ذکر کرده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق ساروی از علماء معاصر ناصرالدین شاه بوده و بعد از ۱۳۰۶ ق وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ساروی از افاضل علماء معاصر ناصرالدین شاه بوده و فاضل مراغی او را در (المآثر والاثار) یاد کرده و گفته بعد از ۱۳۰۶ ق از دنیا رفته است.

علی ساروی معاصر ناصرالدین شاه بوده و بعد از ۱۳۰۶ وفات نموده است.[با علی ساروی که فاضل مراغی در (المآثر والاثار) او را ستوده اشتباه نشود]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی از اعلام گذشته ساری بوده و فاضل مراغی او را در (المآثر والاثار) بنام حاج ملا محمدتقی ذکر کرده و ظاهراً بعد ۱۳۰۶ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصادق ساروی در عصر ناصرالدین شاه بوده و در سال ۱۲۹۲ ق شاه مزبور را در مازندران ملاقات کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساغر شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم و شاعر، متخلص به ساغر. اصل وی از اعراب خزاعه بود که در شیراز متولد شد. وی به حسن خلق و زهد و تقوی و بذله‌گوئی و نیک محضری موصوف و در مسجد عتیق شیراز امامت جماعت بود. ساغر از معاصران رضا قلی خان هدایت بود و در سرودن شعر نیز توانا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲ -۱۰ /۳)، الذریعه (۴۱۶ -۴۱۵ /۹)، ریاض العارفین (۲۶۱)، ریحانه (۴۱۲ -۴۱۱ /۲)، سفینه المحمود (۵۴۷ -۵۴۶ /۲)، طرائق الحقائق (۶۱۴/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۸۴ -۱۰۸۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ساغر)، مجمع الفصحا (۴۰۱ -۴۰۰ /۴)، مرآت الفصاحه (۲۶۰ -۲۵۸)، مصطبه خراب (۷۸)، مکارم الآثار (۱۲۵۸/۴)، نگارستان دارا (۲۰۲).

سالکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد فرزند رکن‌الاسلام معروف بسالکی بابلی از فضلاء این شهر بوده و در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی حایری برای تحصیل و تکمیل مراتب علمی بقم آمده و پس از چند سال با احراز مقامات فضل و دانش از حیث فقه و اصول و حکمت و ادبیات مراجعت ببابل نموده و از راه منبر و وعظ و خطابه و تبلیغات و مبارزات با منحرفین خدماتی انجام داده تا در چند سال قبل از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سامان، علینقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عـالم امـامی. وی فقیهی همعصـر علامه‌ی مجلسی است. فتـاوای او در حاشـیه‌ی «سوال و جواب» علامه مجلسی نوشته شد. از دیگر آثار او حاشیه بر «اثبات الرجعه» میرمحمد مومن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲/۱۲، ۹/۶)، ریحانه (۴۱۵ -۴۱۴ /۲).

ساوجی، صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عـالم امـامی. وی از علمای بزرگ عهـد شاه سـلطان حسـین صـفوی و معاصـر صاحب «ریاض» بود. پس از وفات جدش نظام‌الدین محمد، صاحب «نظام الاقوال»، پدر ش ملا محمدمحسن به جای او عهده‌دار امر تدریس در حضـرت عبدالعظیم در شهر ری شد و چون پدرش از دنیا رفت صاحب عنوان به جای او نشـست و به تدریس مشغول شد. از آثارش: «الحدیده الحسینیه فی قطع لسـان اعوان الامـویه»، به عربی و ترجمه‌اش به فارسـی به نـام «المقمعه الحسـینیه»؛ «الـدره العلویه فی الامـامه»، در اثبات حقانیت طریقه‌ی اثنی عشریه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۰/۲۲، ۱۰۱/۸، ۳۷۹/۶)، ریحانه (۴۲۰ -۴۱۹ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷۳ -۳۷۲ /۱۲).

ساوجی، محسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین سـاوجی عالمی بزرگ و فاضـلی بزرگوار از شاگردان علامه ملا علی قارپوزآبادی زنجانی و متوفی حـدود ۱۳۰۰ قمری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن عبدالرزاق ساوجی عالمی فاضل بوده و در حدود ۱۲۹۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، هدایت‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هدایت‌اللّه مشهور به آغا بن هدایت‌اللّه ساوجی عالمی جلیل از شاگردان میرزا حسین خلیلی و علامتین یزدی و خراسانی بوده و در حدود ۱۳۳۳ قمری در کربلا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سایح علوی، ابوبکر علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، دانشمند. از احفاد حضر امام حسن مجتبی می‌باشد که در علم کیمیا بصیر بود، از بیم سلطان همیشه از شهری به شهری می‌رفت به همین جهت به سایح و سیاح شهرت یافت. از آثار وی: «الاصول»؛ «الحجر الطاهر»؛ «الحقیر النافع»؛ «الطاهر الخفی»؛ «الحقیر النافع»؛ «الشعر و الدم و البیض و عمل میاهها»؛ «رساله الیتیم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۱۰ -۴۰۹ /۲)، الفهرست لابن ندیم (۵۰۶)، لغت نامه (ذیل/ سائح، علی)، معجم المؤلفین (۱۹۴/۷)، هدیه العارفین (۶۷۶/۱).

سبزواری علوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن سید محمدعلی ده زمینی سبزواری علوی عالمی فاضل از شاگردان علامه شیخ هادی تهرانی و پسر خاله آیت‌اللّه شریعتمداری بوده و قبل از او در سال ۱۳۴۳ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۱۸ ق)، عالم شیعی. وی از مردم سبزوار و خواهرزاده‌ی سید محمد، فرزند میر شاه قاسم بود. سید جعفر امام جمعه‌ی مشهد بود و در آنجا زندگی می‌کرد و از معاصران وحید بهبهانی و میرزا مهدی شهید بود. در مشهد به تدریس علوم دینی و نشر احکام شرعی می‌پرداخت، پیش از کشته شدن میرزا مهدی درگذشت و پیکرش را در پایین پای امام رضا (ع) در کنار گور داییش

به خاک سپردنـد. از آثار وی: «ریاض الانوار فی احوال الائمه الاطهار»؛ «اسـرار الصـلاه»؛ «رساله‌ای در تجوید»؛ «رساله‌ای در حرمت کشیدن توتون».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۸/۴)، الذریعه (۳۲۰/۱۱، ۴۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۷/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۹/۳).

سبزواری، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد سبزواری عالمی جلیل و ادیبی فاضل و تقریظی به (عقبات‌الانوار) نوشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی سبزواری عالمی فاضل و پارسا از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه شریعتمدار سبزواری از قریه (بید) سبزوار بوده و در سال ۱۳۵۷ قمری وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید زین‌العابدین فقیه سبزواری وی در شب هشـتم ماه شعبان ۱۳۳۲ قمری در سبزوار متولد شده و تا شـش سالگی در آنجا پرورش یـافته و در سال ۱۳۳۸ ق در خـدمت والـدش مشـرف به نجف اشـرف گردید، و مقدمات و ادبیات فارسـی و عربی را فراگرفته و در ذی‌حجه ۱۳۴۷ ق با پـدرش عازم ایران گردیـده و مـدت سه ماه در سبزوار توقف و سـپس در ملازمت آن مرحوم به مشـهد آمده و بعد از اکمال مقدمات و سـطوح در خدمت علماء بزرگ مشـهد مانند والد ماجدش و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا مهدی شهید مرحوم الهی و دیگران استفاده نموده.

و بعد از رحلت و فقدان مرحوم والد بزرگوارش در مسـجد جامع گوهرشاد بجای پدر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت اشتغال دارند.

نگارنـده گویـد چنـانکه در کتاب خاطرات زنـدگانی آن مرحوم مـذکور است آقای حاج سـید زین‌العابـدین شخصـی لایق و واجد اخلاق و روش مرحوم پدر می‌باشند

و همچون آن مرحوم در مواقع فراغت در منزل پدرش برای رفع حوائج مراجعین جلوس نموده و آماده خدمت می‌باشند و درب منزل پدر را مانند زمان آن مرحوم بروی درماندگان و بیچارگان و مستمندان باز گذارده و هدف آن مرحوم را دنبال می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، عبدالصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصالح سبزواری از علماء و ائمه جماعت معاصر است در تویسرکان. وی در بیت علم تولد و پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تویسرکان مراجعت و تاکنون بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبزواری، عبدالقیوم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ عبدالقیوم بن علامه حکیم ملا هادی سبزواری عالمی ادیب بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آشیخ علی‌اصغر بن مولی حسین سبزواری عالمی فاضل از بزرگان سبزوار از تلامذه حکیم معروف حاج ملا هادی سبزواری بوده و در سبزوار از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم بن مولی عبدالوهاب الاسراری سبزواری عالمی جلیل و فاضلی متبحر بوده است.

وی در سال ۱۲۹۱ ق از دختر ملا محمد بزرگترین فرزندان حکیم سبزواری متولد شده و معقول را از جدامی خود و منقول را از علامه میرزا حسین سبزواری بزرگ شاگرد مجدد شیرازی و علامه سید ابراهیم علوی و ریاضیات را از میرزا اسماعیل تهرانی فراگرفته و تألیفات و آثار عدیده علمی از خود گذارده است.

۱- اصول الفقه و شرح آن منظوم ۲- منظومه حساب و شرح آن ۳- شرح دعاء کمیل عربی و فارسی که در سال ۱۳۴۰ ق تألیف نموده است ۴- شرح دعاء سمات ۵- شرح دعاء ابی‌حمزه ۶- دیوان شعر فارسی حدود هشتهزار بیت در عرفان و اخلاق و مصائب و غیره در حدود ۱۳۶۰ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن هادی دولت‌آبادی سبزواری عالمی فاضل و متقی بوده و در سال ۱۳۵۵ قمری در سبزوار وفات و در (مقبره سریز) مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۲ ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزوار اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می‌گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز درگذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهایی باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزوار بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسداللّه سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملاهادی، شعر فارسی و عربی را به روانی و نهایت سلامت می‌سرود. از ویژگیهای آثار وی شرح و تفسیر آثار

ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزوار درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می گویند؛ «اسرار العباده»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن‌مالک؛ حاشیه‌ی «شواهد الربوبیه‌ی» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛ حاشیه بر «مبدا و معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح/ مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین».[۱]

حاج ملا هادی سبزواری (و. سبزوار ۱۲۱۲- ف. ۱۲۸۹ ه.ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی‌المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرارالحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیهٔ و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۸۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲، ۱۸۷ /۵)، تاریخ فلاسفه ایران (۵۷۶ -۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۸ -۱۲۷ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۲۸/۲)، الذریعه (۲۹۲/۲۶، ۹۸، ۵۵/۱۴، ۲۵۶ -۲۵۵، ۱۷۹/۱۳، ۷۲/۹، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۴۴/۶، ۴۴/۲)، ریاض العارفین (۲۴۱)، ریحانه (۴۲۷ -۴۲۲ /۲)، شرح حال رجال (۳۲۶/۵)، طرائق الحقائق (۴۶۶ -۴۶۵ /۳)، فلاسفه‌ی شیعه (۲۶۱ -۲۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰ -۳۰۸ /۵)، لغت نامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (۱۴۷ -۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ -۷۳۱ /۶)، معجم المؤلفین (۱۲۷/۱۳)، مکارم الآثار (۴۶۹ -۴۵۰ /۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۸ -۴۳).

سجادی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد فرزند حجهٔالاسلام حاج سید محمود سجادی نجف‌آبادی از علماء و ائمه جماعت معاصر نجف‌آباد است.

وی در سال ۱۳۰۳ شمسی در نجف‌آباد متولد شده و پس از رسیدن به حد رشد مشغول به دروس ابتدائی و متوسطه گردیده و بعد به خواندن جامع المقدمات درب محل خویش پرداخته و پس از آن مشرف به بلده طیبه قم در سال ۱۳۱۹ شمسی گردیده و مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم حاج شیخ محمود سلیمانی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی و آقای الهی لاهیجانی و آقای شمس لنگرودی و آقا سید محمدعلی قزوینی و سطوح وسطی را خدمت حجهٔالاسلام حاج شیخ اسداللّه نوراللهی و آیت‌اللّه صدوقی یزدی و فاضل همدانی خوانده و در ایام تعطیلی تابستانی حوزه علمیه قم به اصفهان آمده و در خدمت مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر سده‌ی و حاج شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی اشتغال داشته و سطوح عالی را در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالرزاق قائنی مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی و آیت‌اللّه آقا سید محمدصادق شریعتمداری تلمذ نموده.

و پس از پایان سطوح به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و

آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اله حاج سید محمد داماد شرکت و استفاده نموده و بعد چند سال است که در نجف‌آباد در مدرسه مرحوم ریاضی به تدریس و اقامه جماعت در مسجد مرحوم والدش و خدمات دیگر دینی اشتغال دارد.

معظم‌له علاقه مفرطی به خط نویسی دارد و در هنر خط بخصوص نستعلیق تخصص و حظ وافری دارند، دارای تألیفات و آثار علمی می‌باشند که از آنهاست.

۱- شرح صمدیه به فارسی که به خط ایشان افست شده

۲- توضیح‌الخط که خطوط مختلفه و خطوط مشکله را با خط نستعلیق واضح می‌نماید.

۳- شرح تبصره علامه به فارسی

۴- زندگانی حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سجادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود فرزند آقا سیدجواد از علما جماعت و سادات خمینی شهرستان نجف‌آباد به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات در مل به اصفهان آمده و از محضر مدرسین بزرگ حوزه اصفهان مانند آیت‌اللَّه حاج میرزا بدیع و آیت‌اللَّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای (استاد آیت‌اللَّه العظمی بروجردی) و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید مهدی درچه‌ای و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدتقی مسجدشاهی معروف به (آقانجفی) استفاده نموده و پس از وصول مقام علم و کمال و معنویت به نجف‌آباد برگشته و به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشد انام پرداخته تا در شب سه‌شنبه اول ربیع‌الاخر ۱۳۸۶ ق در سن ۸۶ سالگی به رحمت حق و جوار اجداد طاهرین خویش پیوسته است.

مرحوم سجادی به واسطه قدس و تقوا و زهد و معنویت خاصی که داشت مورد علاقه و توجه عموم مردم نجف‌آباد و حومه آن بود و مردم به او به نظر (اجاق) می‌نگریسته و اعتقاد مخصوصی داشتند و او را صاحب نفس و مستجاب الدعوه می‌دانستند و لذا در مرگ او ازدحام عجیبی نموده و با آه و حسرت او را تشییع کردند.

مرحوم سجادی دارای منبر جذاب و مهیجی بودند و در ایام عاشوراء و شبهای قدر و جمعه که دعاء کمیل و غیره می‌خواندند صدای گریه و ناله مردم به اطراف نجف‌آباد می‌رسید.

و آن مرحوم سهم مبارک امام علیه‌السلام قبول نمی‌کردند و از سهم سادات هم حتی‌المقدور خودداری می‌کرد زیرا چنانچه اشاره نمودم مردم عقیده و ارادات خاصی به ایشان داشتند و همواره سیل نذورات از نجف‌آباد و اطراف آن به سوی آن مرحوم سرازیر بود و آنچه می‌رسید نمی‌گذاشت تا شب بماند.

بلکه به فقراء می‌داد عده‌ای نسبت کرامت به او می‌دادند و قضایای بسیاری از ایشان حکایت شده که موید این معنا می‌باشد از خصایص ایشان کثرت توسلش به ساحت قدس ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف بود که در شدایدش پیدا نموده و فورا به نتیجه می‌رسید.

از آثار ایشان مسجد بزرگ نجف‌آباد است که منظره آن گذشت و آن مزین به کاشیکاریهای درونی و بیرونی است که نصف آن در زمان حیات آن مرحوم بنا و مابقی بعد از فوت ایشان به دست فرزندش حجةالاسلام آقا سیدجواد سجادی به اتمام رسید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سدهی اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۳۰۶ ق)، عالم دینی، مدرس و زاهد. در طایفه معروف میرزا سیدهاشم در محله درب سید از محلات فروشان سده اصفهان به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و ملازم دائی خود، علامه میرزا عبدالرحیم، شد و مقدمات را نزد او خواند و آنگاه در ۱۳۲۸ ق عازم نجف گشت و به محضر درس ملا محمدکاظم خراسانی راه یافت. پس از او در حوزه‌ی درس فقه و اصول شیخ علی گنابادی و شیخ اسماعیل محلاتی و میرزای نایینی و شیخ آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. او رجال را نزد سید ابوتراب خوانساری و معقول را در خدمت شیخ عبدالحسین رشتی و سید محمدحسین بادکوبه‌ای فراگرفت. در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «تقریرات» استادانش در فقه و اصول و حکمت؛ رسائل مستقل ناتمام در فقه و اصول.[۱]

سید اسماعیل بن سید حسن بن سید اسماعیل بن رضا بن هاشم بن محمد شفیع بن عبدعلی بن ملك بن حبیب بن فصیح بن ابراهیم بن کریم بن رکن‌الدین بن زین‌الدین بن صالح بن عیسی بن حسن بن احمد بن یحیی بن ابراهیم بن حسن بن عبداللّٰه بن الامام موسی الکاظم (ع) از بیتی که در اصفهان معروف به طائفه (میرزا سیدهاشم) عالمی جلیل و مدرسی فاضل و ورعی پرهیزکار بوده است.

وی در سال ۱۳۰۶ ق در محله درب سید از محلات فروشان (خمینی‌شهر) متولد شده و پس از پرورش در آنجا به اصفهان آمده و ملازمت دائی خود علامه میرزا عبدالرحیم را اختیار و به تحصیل مقدمات پرداخته و پس از آن در سال ۱۳۲۸ ق در سن ۲۲ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه ملامحمد کاظم خراسانی و آقا شیخ علی گنابادی و علامه شیخ اسماعیل محلاتی و میرزا محمدحسین نائینی و شیخ آقاضیاءالدین عراقی و در رجال از آقاسید ابوتراب خونساری و در معقول از علامه آقا شیخ عبدالحسین رشتی و آقا سید محمدحسین بادکوبه‌ای استفاده نموده تا به مدارج عالیه در معقول و منقول رسیده است.

تقریراتی در فقه و اصول و غیر آن دارد وی در نجف اشرف بیمار شده و در پنجم ماه شوال ۱۳۷۳ ق به اجدادش ملحق و در صحن مطهر نزدیک مقبره معین التجار اصفهانی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره القبور (۱۳۷ -۱۳۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵/۱۴).

سدهی، غیاث‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غیاث‌الدین سدهی متولد ذی‌حجه ۱۳۱۱ و متوفی ۱۳۴۹ ق و مدفون در زاویه مسجد جامع سده از فضلاء سده و این بیت جلیل بوده تحصیل خود را در اصفهان و تهران و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و از راه منبر به تبلیغ دین پرداخته و خدماتی انجام

داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سدهی، محمد رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج آقا سدهی. عالم فاضل، از مؤثّقین نزد امام جمعه اصفهان بوده، در شب ۱۸ صفر سال ۱۳۳۷ در سفر زیارت در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سرابی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن سید میرزا آقا حسین سرابی عالمی جلیل و فاضلی فقیه از شاگردان آیت‌اللّه آشیخ محمدحسین کاظمی و آیت‌اللّه ملا محمد شرابیانی و غیر آنها از فقهاء اعلام و مردی صالح و پرهیزکار بوده و بعد ۱۳۴۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی سرابی بن العالم الجلیل آقا سید حسین مذکور از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و غیر آنها بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن یحیی سرابی عالمی جلیل و فاضلی متقی بود و در اوائل عمرش در مشهد مقدس تحصیل می‌کرد آنگاه مهاجرت به عراق نموده و مدتی در سامرا و مدتی هم در کربلا۔ از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و از

ملازمین آن بزرگوار گردیده تا سال ۱۳۶۶ ق که ایشان فوت نمودند به نجف اشرف وارد و به تدریس متون فقه و اصول پرداخته در مدرسه سید و جمع زیادی از طلاب از وی استفاده می‌نمودند تا در ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۴ قمری که از دنیا رفته و در وادی‌السلام نزدیک (مقام‌المهدی عجل اللّٰه فرجه) مدفون گردیده است.

دارای خلقی حسن و سیرتی نیکو و محامد آداب و محاسن اخلاق و بسیار متواضع بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، ولی‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۳۰ ق)، عالم دینی و نویسنده. در یکی از روستاهای سراب به دنیا آمد در هفده سالگی به تبریز رفت و به تحصیل مقدمات و سطوح پرداخت. بعد از چندی به سراب بازگشت و در محضر حاج میرزا محمدتقی سرابی نوری تلمذ کرد. پس از بهره‌گیری فراوان مجددا به تبریز بازگشت و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود دوزدوزانی استفاده‌ی کامل کرد و فقه و اصول را به طول کامل خواند. او همچنین از مجالس درس آیت‌اللّٰه حاج شید مرتضی خسروشاهی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا فتاح و آیت‌اللّٰه حاج سید کاظم شریعتمداری بهره‌مند گردید. از آثار وی: «اثبات الایات» یا «نسخ النسخ عن کرامه القرآن»؛ «اثبات رجعت»، در سه جلد؛ «اثبات الشفاعه»، بر اساس آیات قرآن؛ «کتاب النقص»؛ «کتاب المحکم و المتشابه»؛ «الوقایه فی شرح وصایه العروه»؛ تعلیقه بر «تبصره‌ی» علامه؛ شرح «باب حادی عشر».[۱]

ولی‌اللّٰه سرابی از علماء و مؤلفین سراب مقیم تبریز بودند تولد ایشان در یکی از دهات سراب در سال ۱۳۳۰ واقع شده و در سن ۱۷ سالگی به تبریز آمده و به تحصیل مقدمات و سطوح پرداخته و بعد از چندی به سراب آمده و در خدمت مرحوم حاج میرزا محمدتقی سرابی نوری تلمذ نموده و پس از استفاده فراوان مجدداً به تبریز برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود دوزدوزانی متوفی ۱۳۶۸ ق استفاده و تکمیل فقه و اصول سطحاً و خارجاً نموده و از مجالس درس مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید مرتضی خسرو شاهی متوفی ۱۳۷۲ قمری و آیت‌اللّٰه حاج میرزا فتاح متوفی سال مزبور و آیت‌اللّٰه حاج سید کاظم شریعتمداری بهره‌مند گردیده و با مواجه شدن با مشکلات استقامت و به خدمات دینی و تبلیغی و تدریس و تألیف پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ قمری که دعوت حق را اجابت و به سرای جاوید شتافت.

دارای تألیفات عدیده می‌باشد به این شرح.

۱- کتاب اثبات الایات یا نسخ النسخ عن کرامهٔ القرآن مطبوع

۲- کتاب اثبات رجعت در سه جلد

۳- اثبات الشفاعه با آیات قرآن

۴- کتاب النقض

۵- کتاب المحکم والمتشابه

۶- کتاب الوقایه فی شرح وصایهٔ العروه

۷- التعلیقه بر تبصره علامه

۸- شرح طهارت و زکوهٔ و صوم عروهٔ‌الوثقی

۹- شرح باب حادیعشر

۱۰- حواشی بر کتاب وقف وهبه عروة و حواشی دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۱ -۳۳۰ /۵).

سراج، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا معروف بسراج تهرانی از علماء و وعاظ مبرز معاصر تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۲ ق در تهران متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح از اساتید و علماء تهران به قم آمده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی و دیگران استفاده و پس از آن مدتی از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری مستفیض و پس از فوت آن مرحوم مستقیما و منقطعا از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به تهران و در خیابان شهباز ساکن و بناء مسجد سلمان را نموده و چندی در آنجا به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال داشته و بعد تعمیر مسجد سرچشمه را نموده و به آنجا آمده و تاکنون در آنجا مشغول خدمات دینی می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای سراج از مصادیق (عالم ناطق مستعمل لعلمه) زمان ما و بیانی نافذ و منبری جامع و مفید و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شدید و در گریانیدن مستمعین بسیار قوی و کم نظیر است. مجالس و محافلی را که اداره می‌کند پر شور و هیجان و انقلابی و کثیر البکاء خواهد بود.

در امر بمعروف و نهی از منکر لسانی صریح و بیانی ملیح دارد. در دوره سال و بالاخص دو ماه محرم و صفر و ایام فاطمیه ایفاء وظیفه نموده و معارف و حقایق دینی را با منطقی مؤثر بیان و تنویر افکار و قلوب می‌نمایند، و بیش از چهل سال است که باین سمت موفق و مفتخر است و صدها کیلوگرم از چشم مردم مسلمان و شیعه اشک در مصائب اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام گرفته است. جزاه اللّه عن اهلبیت نبیه خیرالجزاء.

قال الصادق علیه‌السلام فی دعاء ندبه... فعلی الاطائب من اهل‌بیت محمد و علی صلی اللّه علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع الی آخره.

از آثار ایشان ترجمه و تفسیر قرآن مجید است که در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سرخه‌ای، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد سرخه‌ای از علماء مبرز تهران در عصر خود و از شاگردان مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و آقای حاج شیخ علی مدرس نوری در علوم عقلی و از تلامذه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدحسن آشتیانی و آیت‌اللّه حاج ملا هادی تهرانی در رشته منقول

و در سامره هم چند سالی از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی مجدد شیرازی استفاده کرده بودند.

آثار علمی ایشان حواشی رشیقه‌ای بر اسفار صدرالمتألهین شیرازی و غیره می‌باشد.

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. از علمای دینی برجسته‌ی تهران در عصر خود و از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و حاج شیخ علی مدرس نوری در علوم عقلی و از شاگردان میرزا محمدحسن آشتیانی و حاج ملاهادی تهرانی در رشته‌ی منقول بود. وی چند سالی از محضر و درس و بحث میرزای بزرگ شیرازی در سامراء استفاده کرد. از آثارش: حواشی بر «اسفار» صدر المتالهین شیرازی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱/ ۴).

سریلی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۸۲ -۷۶۷ ق)، عالم از جانب مادر نسب وی به شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی و از جانب پدر به شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌رسید. از کودکی آثار جلالت از او ظاهر بود، در مدت پنج سال نحو و صرف و منطق و معانی و فقه و تفسیر و حدیث را متقن ساخت، در جبر و اعداد نیز سرآمد اهل زمان شد، کمتر کسی تاب معارضه با وی داشت. نماز شبش اصلا فوت نمی‌گردید، هفت مرتبه به زیارت بیت‌اللَّه الحرام مشرف شد و از شیخ محمد قلی و شیخ طائی که از اکابر عرفای وقت بوده‌اند بهره‌مند گشت، پس به سمرقند رفت و چند سالی ملازم خدمت شیخ حسن سمرقندی بود تا به مقامی عالی رسید و بعد از رحلت شیخ حسن جانشین وی گردید، بعد به زیارت بیت‌اللَّه مشرف گردید و در مراجعت به تبریز آمد و در نزدیکی پلی که بر در روی مهراندود است در کوی پل سنگین نامی از آن شهر اقامت کرد و تا آخر عمر همان جا ماند تا این که فوت کرد و در تکیه‌ای که در همان جا به سال ۸۵۰ ق ساخته شد، مدفون گردید گویا گاهی به نظم شعر نیز اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنان و جنات الجنان (۵۲۲ -۵۲۰ /۱)، ریحانه (۱۷۱ -۱۷۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹).

سعادت بوشهری، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ -۱۲۹۷ ق)، دانشمند و مولف. وی در نجف اشرف متولد شد و چون پدرش شیخ محمدعلی از پیشوایان مذهبی کازرون بود در سن هفت سالگی به آن شهر رفت و مقدمات فارسی و عربی را در آنجا آموخت و در سال ۱۳۱۶ ق برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و یکسال در مدارس قدیمی شیراز تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۷ ق به همراه برادرش شیخ محمدحسین سعادت برای تاسیس مدرسه سعادت به بوشهر رفت و در آن مدرسه سمت نظامت یافت و در قسمت علوم ادبی و ریاضی مشغول به تدریس شد و مدت دوازده سال بدین کار پرداخت تا در سال ۱۳۲۹ ق به نجف رفت و در آنجا به اصرار آخوند مولی محمدکاظم مجتهد خراسانی به مدیریت و تدریس در مدرسه علوی به مدت نه سال مشغول شد. بعد از پایان جنگ جهانی اول وی به شیراز رفت و از

سال ۱۳۳۸ ق در مدرسه منصوریه و دیگر مدارس قدیم و جدید شیراز به تدریس در رشته ادبیات و ریاضیات پرداخت و به مدت ده سال نیز ریاست اداره اوقات را بر عهده داشت. وی همچنین سردبیر روزنامه «عدالت» بود. سعادت علاوه بر احاطه به زبان عربی و آشنایی به زبان انگلیسی و مهارت در ادبیات تازی و فارسی و سایر علوم قدیمی و دینی در علم حساب و مسایل ریاضی نیز ید طولایی داشت. وی در سال ۱۳۳۹ ق در سن هفتاد سالگی بازنشسته شد و به امور زراعتی پرداخت. وی عضو انجمن کتابخانه ملی و اتحادیه فلاحتی و همچنین ریاست انجمن حمایت زندانیان را داشت. از آثار وی: «شرعیات»؛ «جغرافیای ابتدایی»؛ «خلاصه الصرف»؛ «حقوق بشری»، در اخلاق؛ «جامع الحساب»؛ «آداب پرورش جوانان»؛ «دوره حساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۰۰ -۹۸ /۳).

سعادت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد علی بن السید الاجل الحاج سید محمد هاشم بن العالم الجلیل عبدالهادی بن العالم العلام السید محمد بن السید هاشم بن السید ابوالحسن بن السید هاشم بن العلامه الفقیه المجتهد السید عبدالله بلاد بحرینی مشهور بسعادت از فضلاء کرام و علماء اعلام شهرستان بهبهان و اصدقاء این نگارنده است و ولادتش در بهبهان واقع شده و در خاندانی اصیل و نجیب و شریف تربیت یافته والدش گرچه تاجر و در کسوه روحانیت و از اخیار بهبهان بشمار میرود.

آقای سعادت بعد از فراغت از دروس جدید بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و مدت ده سال در مدرسه عالی سپهسالار و مدارس تهران مقدمات و ادبیات و سطوح را خوانده آنگاه بنجف اشرف مشرف و ده سال هم در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله کسب فیض و استفاده فقه و اصول نموده آنگاه بایران مراجعت و چند سالی است در وطن مألوف و مسقط الرأس خود بهبهان باقامه جماعت و ترویجات دینی و وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

دو هجرت بزرگ از بهبهان و آثار آن

جناب مترجم ما آقای سعادت برای نگارنده نقل کردند که دو نفر دانشمند بزرگوار برای خدا از بهبهان مهاجرت کردند و بریاست دنیوی و دینی رسیده‌اند.

اول- علامه کبیر آیه‌الله وحید فی‌العالمین آقا محمد باقر وحید بهبهانی و جریان هجرتش از این قرار است که این بزرگوار در مسجد خود نماز میخواندند و عالم دیگری که از جهت معلومات رتبه شاگردی او را هم نداشتند در محله‌ی دیگر نماز میخواندند جماعت او بسیار بودند پس کدخدای محل آقا باقر میرود و مردم آن محل و محله‌های دیگر را بزور و تهدید و غیره میآورد بطوریکه مسجد پر شده و مردم در خارج مسجد میایستند و چون آقای آقا باقر میآید و آن مردم را میبیند تعجب میکند که چطور این مردم اجتماع نموده‌اند، پس کد خدا نزدیک آمده و ابراز میکند که آقا این مردم را من جمع کرده‌ام که نماز شما پر جمعیت‌تر از نماز فلان آقا باشد، آقای آقا باقر ناراحت شده ولی چیزی نمیگوید، نماز مغرب را خوانده و ببهانه تجدید وضو بمنزل آمده و میگوید من رفتم کربلا و نماز عشا را در بقعه بشیر و نذیر که در یکفرسخی بهبهانست میخواند و با زحمت فراوان خود را بکربلا رسانیده و در اثر این مجاهده با نفس کم کم کارش بجائی میرسد که وحید علی‌الاطلاق گردیده و مرجع کل فی‌الکل میگردد.

دوم- آیه‌الله العظمی حاج سید اسماعیل موسوی بهبهانی که در مسجدی نماز خوانده و در مقابلش آیه‌الله حاج سید محمد صالح

طباطبائی در مسجد دیگر و همواره میان مریـدان وی و مریـدان آقا نزاع و اختلاف بوده تا جائیکه شبی مریدان آن آقا بروی مریدان وی آب گل و خاک پاشیده و آنها را توهین و اذیت میکنند.

مردم خدمت آقا سید اسمعیل رسیده جریان را گفته و اجازه میخواهند که متقابلا آنها را مورد حمله قرار دهند پس آقا سه روز مهلت میخواهد و در این سه روز تمام اموال خود را جمع کرده و مردم را دعوت میکنند آقا قصد حمله بآنها دارد وقتی حاضر میشوند میفرمایند بهبهان یک شهر کوچکی است و برای آن یک عالم مانند آیه‌الله آقا میر محمد صالح کافی است و من در اینجا وجودم بیهوده است، من بنجف خواهم رفت و هرچه مردم اصرار کردند نپذیرفت بنجف رفته و در درس شیخناالانصاری شرکت کرده و مورد توجه آن بزرگوار میشود تا وقتیکه ناصرالدین شاه مشرف شده از جناب شیخ عالم و مجتهدی برای تهران میخواهد شیخ انصاری ایشان را معرفی کرده و شاه ایشان را بتهران آورده و یکی از علماء و مراجع بزرگ تهران شده و بیت بهبهانی را در تهران تشکیل میدهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعید تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و

ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرۀالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.) الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعۀ المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللّه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶ –۱۳۳۸ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللّه حیکم و آیت‌اللّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللّه حلی؛ نشریه «دائرۀالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[۱]

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ

۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اوبند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌اللّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللّه عجل اللّه فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللّه عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار حضرت آیت‌اللّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳/ ۴).

سعید تهرانی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۱۹۳ ق)، عالم دینی. وی از برجستگان علمای تهران بود. که سالها نزد میرزای قمی تلمذ کرده بود. در تهران ریاست مذهبی مردم را داشت. در ۱۲۴۴ ق به حکم وی مردم تهران بر گریبایدوف، کنسول و ایلچی دولت روس، شوریده و او را کشتند. در تعقیب آن وی را از تهران تبعید کردند و او به عتبات رفت و بعد از آن در قم توطن نمود. پیکر او در نجف مدفون است. از آثارش: احداث شبستان چهلستون در مسجد جامع تهران بود. از آثار علمی وی: «کشف النقاب»، شرح «لمعه دمشقیه»؛ شرح «کشف النقاب»؛ کتابی در «اجتهاد و تقلید»؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ شرح «مختصر النافع» محقق حلی؛ «قواعد الاصولیه»؛ «کتاب فقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار حضرت آیت‌اللّه سعید (ره)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۷۵/۲)، الذریعه (۲۳/۱۴، ۲۷۳/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۲/۴)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، مکارم الآثار (۱۷۰۰/۵).

سعیدالعلماء لاریجانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۴۸ ش)، عالم، مدیر، مدرس و نویسنده. در آمل به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در همان جا فراگرفت. برای تکمیل تحصلات به تهران آمد و مدت پانزده سال معقول و منقول را آموخت و نزد استادانی چون میرزا محمدطاهر تنکابنی و سید عبداللّه بهبهانی و حاج شیخ علی مدرس نوری و میرزا ابوالحسن جلوه به تحصیل حکمت و فلسفه و در محضر میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ عبدالنبی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی بیش از نیم قرن مدیریت مدرسه‌ی قدسیه و اقدسیه و بعدها مدرسه پرورش و مدرسه تجارت را بر عهده داشت. از آثار وی: «جواهر الایمان»، در اصول عقاید، در نوبت خاصه براساس «انجیل برنابا»؛ ترجمه‌ی «انجیل برنابا» از عربی به فارسی؛ «تعلیم الحروف و ترکیب الحروف»؛ مقابله و تصحیح کتاب «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری، که با همکاری استادش میرزا محمدطاهر تنکابنی به پایان رسانیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۵ -۲۶۴ /۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸ -۶۷ /۱).

سعیدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۷۵/۱۲۷۴ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت وی در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۷، ص ۱۲ -۳ و س ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴ -۷۰۲ /۴)، نشر دانش (س ۹، ش ۱، ص ۱۰۳).

سعیدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد کاظم بن المرحوم حجه‌الاسلام آشیخ غلامحسین بن‌العلام آخوند ملا محمد فرشه‌ای از علماء اعلام معاصر آمل

است که در این شهرستان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۰۹ شمسی هجری در قریه فرشه بالا ولایت کاشمر خراسان متولد شده و مقداری از ادبیات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و سطوح را در کاشمر فرا گرفته و بمشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین بزرگ مشهد استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ شمسی بنابر دعوت و تقاضای عده‌ای از مؤمنین آمل مهاجرت باین شهر نموده و رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات روحی و دینی اشتغال دارد. آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان از این قرار است:

۱- تشکیل کتابخانه مجهز در محیط مسجد جامع. ۲- اداره حوزه علمیه آمل. ۳- تشکیل انجمن درس قرآن که تاکنون شصت شعبه در شهر و حومه آن دارد و در تمام شعبات هفته دو شب تشکیل جلسه داده و برنامه‌های مذهبی را از درس تفسیر و مسائل احکام و اعتقادات اجراء مینمایند. ۴- تأسیس دو دستگاه پایگاه تبلیغات معارف جعفری بنام سالن انجمن درس قرآن شهرستان آمل شماره ۱ و شماره ۲.

اما تألیفات ایشان: ۱- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن که ناظر کتاب فصل الخطاب حاجی نوری رحمه‌الله است. ۲- رساله‌ای در اعجاز عموما و در اعجاز قرآن خصوصا. ۳- کتابی بنام خطریکه اسلام را تهدید میکند که در آن کتاب از نیرنگهای کلیسا و استعمار پرده برداشته شده و خطراتی که از طرف اقلیت‌های مذهبی متوجه اسلام است شرح گردیده است. ۴- ترجمه کتاب المحاسن والمساوی ابراهیم بن محمد بیهقی بنام خوبیها و بدیها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سقازاده، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدرضا مشهور به سقازاده واعظ یکی از مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است.

مترجم ما در هشتم محرم ۱۳۲۹ قمری در تبریز تولد یافته و مرحوم والدش آقای شیخ محمد که در اوایل به تجارت اشتغال داشته و ورشکست می‌شود.

پس برای پرداخت قروض خود مشگ آبی تهیه کرده و به آب دادن منازل مشغول و برای هر مشگی یک شاهی رایج آن زمان (که ۲۰ شاهی یک قران بوده) با نهایت قناعت همه بدهی‌های خود را پرداخته و از این جهت مشهور به سقا و فرزندش سقازاده معروف می‌گردد.

وی تا کلاس ۱۲ را در دبیرستان فیوضات و فردوسی تبریز به اتمام رسانیده و به واسطه عشق و علاقه وافری که به منبر و ذکر مصائب وعظ و سخنرانی داشته در تحت نظر مرحوم مغفور خطیب شهیر حاج شیخ علی اکبر عزیزی در مدت قلیلی به مدارج عالیه وعظ و خطابه رسیده و از تبریز به تهران آمده و مدرسه وعظ و خطابه را تمام کرده از اساتید و مراجع تقلید برای نقل روایات و احادیث اجازات متعددی دارندو و چون علاقه وافری به علوم غریبه داشته و در این زمینه مطالعاتی نموده کتابهائی به اسم ادعیه و ادویه در چهار مجلد که یکی از آنها جفر است نوشته است.

کتاب دیگری به نام دریای سخن که سی مجلس وعظ و تاریخ است و کتاب دیگر به نام السرالمتسر و کتابی هم به نام از هر دری سخنی دارد که بعضی به طبع رسیده و برخی هم آماده طبع است.

منبری شیرین و لطیف دارد که شنونده را مجذوب نموده و کسل نمی‌کند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

سکاکی، یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ابی‌بکر بن محمد بن علی خوارزمی سکاکی.

در قسمت شمالی تکیه‌ی لسان الأرض حظیره‌ی کوچکی بوده، و در وسط آن دوازده ترک کوچکی به سبک بقعه‌ی بابارکن‌الدین، لکن کوچک‌تر قرار داشته، و به طوری که مطلعین نقل می‌کنند بعد از سال گرانی ۱۳۳۶ در اثر عدم مراقبت، بقعه کمی [رو به] خرابی رفته، و دروازده‌ی دهکده مجاور به نام «کوله پارچه» نیز خراب گردیده، و مردم نادان، بقعه‌ی نامبرده را ویران ساخته، و با آجرهای آن، دیوار قلعه را استوار می‌کنند. از آن پس کم‌کم آثار قبور مجاور و قبر داخل گنبد را نیز خراب نموده و تسطیح می‌نمایند، و در سالهای اخیر مالک ده، قبرستان را نیز به مردم فروخته، و آنجا را خانه ساختند، و فعلا به نام مفت آباد شهرت دارد.

مدفون در این بقعه، علی المشهور سکاکی نام داشته است، و سکاکی لقب مشهوری است برای عده‌ای از دانشمندان قرن هفتم و هشتم هجری، به طوری که برخی از ارباب فضل اظهارنظر می‌کنند مدفون در این محل سراج‌الدین ابویعقوب یوسف سکاکی مؤلف کتاب مفتاح العلوم، و متوفی در اوایل رجب ۶۲۶ - ۷ می‌باشد، (وی از مفاخر علمی، و دانایان به علوم جفر و رمل و اسطرلاب و کیمیا و غیره بوده است) لکن بر این ادعا دلیلی همراه نیست.

در هر حال آثار عظمت و جلال از مقبره ظاهر بوده، و وجود آن پس از صفویه، دلیل بر تشیع صاحب آن است، و جای تأسف است که مالک ده، با داشتن ثروت زیاد، به اسم سنی بودن صاحب قبر، از فروش قبرستان و از بین بردن آثار قبور مسلمین صرف‌نظر ننموده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سلطان القراء تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۵۵ ق)، قاری و عالم. وی در تبریز به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم برآمد و در جوانی برای دریافت درجات عالیه قرائت از تبریز به کشورهای مختلف مسافرت کرد و در خیوه‌ی ازبکستان در خدمت حاج شیخ محمد کسب علم کرد و با شیخ شامل داغستانی در نهضتی اسلامی علیه روسها شرکت کرد و پس از پیروزی مدتی در داغستان اقامت کرد. سپس به عربستان و مصر رفت. پس از دوازده سال به تبریز بازگشت و به آموزش علم تجوید و قرائت قرآن پرداخت و بزرگانی چون آقا شیخ میرزا فرج‌اللّه تبریزی و فاضل ایروانی و دیگر علماء از تلامذه‌ی وی بودند. وی را بنابر وصیتش در صفه الصفا در دامنه کوه سرخاب تبریز به خاک سپردند. پدرش مشهور به قاری بود و کتابخانه‌ای در تبریز بناء نمود که پس از وی در اختیار فرزندش قرار گرفت، و سلطان القراء به نوبه‌ی خود در تکمیل این کتابخانه کوشید و پس از وی به فرزندش شیخ ابوالقاسم سلطان القراء رسید. از آثارش: «الدر المنثور»، در علم تجوید؛ «دستور تجوید»، در علم تجوید، به فارسی؛ حاشیه‌ای بر «مقدمه منظومه فی التجوید» محمد جزری

شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۲، ۷۵ /۸، ۲۱۶/۶)، ریحانه (۶۱ -۶۰ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۲ -۱۱۰۱ /۱۴)، مکارم الآثار (۱۴۸۹/۵)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۵ -۱۰۴).

سلغر شاه سلغری

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود او را فریباش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح‌آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، الذریعه (۴۵۶/۹)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (۵۷/۱).

سلماسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بن اسماعیل بن شیخ زین‌العابدین سلماسی کاظمی از بیت علم و تقوا و جلالت بوده است.

وی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل بود و در ۱۲۷۴ ق متولد و در مهد والد علامه‌اش پرورش یافت و از محضر علامه بزرگ میرزاء شیرازی در سامره استفاده نمود و هم به بحث میرزا اسماعیل پسرعموی میرزاء مجدد شرکت کرده و در کاظمین به وظائف روحی و دینی اشتغال داشت تا در محرم ۱۳۴۲ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل بن علامه شیخ زین‌العابدین سلماسی عالمی جلیل بود در کاظمین (ع) محدث نوری او را در کتاب (جنۀالمأوی) ذکر کرده و گفته او اوثق اهل‌العلم والفضل و ائمه جماعت بود در مشهد حضرت کاظم (ع) و در شب یکشنبه سوم رجب ۱۳۱۸ ق وفات نموده و در رواق مطهر در کنار قبر والدش مدفون گردید.

و در ماه تاریخ فوتش شیخ محمدسعید کاظمی گفت.

قضی الجو اسماعیل فانفجعت به

محاربه تبکی اسا و مساجده

و اقسم بالبیت الحرام مورخا

(لفی الحبر اسماعیل ثکلی قواعده)

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابـدین بن العلامه میرزا محمـد سلماسـی از خواص اصـحاب آیت‌اللّه العظمی سـید مهـدی بحرالعلوم رحمه‌اللّه و وکیل علامه قزوینی سـید ابراهیم صاحب (ضوابط) در عمارهٔ سور سامرا و دارای کرامات و مکاشـفات بسـیاریست که علامه‌ی نوری کمی از آن را در کتاب (دارالسلام) خود نقل نموده و ما قسمتی از آن را در اینجا می‌آوریم.

آن بزرگوار در شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۲۶۶ ق در کاظمین (ع) وفات نموده و در صفه مقابل شیخ مفید علیه‌الرحمه مدفون گردیده است.

محـدث نوری در ص ۲۶۵ کتاب دارالسـلام گویـد که مرحوم شـیخ زین‌العابدین سلماسـی هیچ وقت در نزدش ذکر آغا محمدخان قاجـار نمی‌شـد مگر اینکه او را لعن کرده و بـد می‌گفت برای آن اعمال شـنیعه از کشـتار و غارتها و اسارتهای او پس شبی در عالم خواب دید که از طرف در طوسـی وارد صـحن شریف علوی می‌شود و خواست که کفش خود را کنده و داخل ایوان مقدس گردد ناگاه مردی را دیـد که بی‌مو و دنـدان‌های درازی داشت و او را مانع شد از وارد شدن و دست او را گرفت و آورد در مقابل بعضـی از حجرات نزدیک باب خضـراء و دیـد در حجره جماعتی در لباس و فرم سـلاطین هسـتند و در آخر مجلس مردی کوتاه‌قد با ریش گرد فراوان نشسته است.

پس به وی گفت ای شـیخ زین العابـدین خداوند آمرزید کسـی که از من کشـنده‌تر و بدتر بود و اشاره به آن شـخص کوتاه نمود و گفت این نادرشاه است.

پس برای چه مرا لعن می‌کنی و فحش می‌دهی.

پس نادرشاه سر خود را از حجره بیرون کرده و گفت آغا محمد خان تا کی دست از شوخی خود برنمی‌داری واگذار شیخ را برود عقب کارش او شـقاوت و درنـدگی ما را دیـده و اعمال شـنیعه ما را شـنیده ولی رحمت واسـعه خدا و وسـعت میدان عطوفت و مهر امیرالمؤمنین (ع) را ندیده.

پس شـیخ از خواب بیـدار شـده و بعـد از این نمی‌گـذاشت از در مقبره آغا محمـد مگر اینکه فاتحه خوانـده و طلب رحمت برای او می‌کرد.

تشرف سلماسی بلقاء الحجه (ع)

محدث نوری در کتاب دارالسلام ص ۲۶۴ گوید:

برای من حکایت کرد آقا محمد مجاور مشـهد عسـکریین از مادرش و او از صالحات عابدات بود گفت من در سرداب شریف بودم با خانواده مرحوم شـیخ زین‌العابـدین در روز جمعه و او دعاء نـدبه می‌خوانـد و ما با او می‌خواندیم و او گریه می‌کرد گریه شـخص

محزون و ناله می‌کرد ناله شخص مبتلا و بیچاره و ما با گریه او گریه می‌کردیم و کس دیگری با ما نبود که ناگاه بوی خوشی در سرداب منتشر شد و فضا را پر نمود و ما دعاء خود را به پایان رسانیدیم و چون به خانه برگشتیم از مرحوم سلماسی از آن عطر و بوی خوش پرسیدیم.

فرمود تو را به این سؤال چه و جواب مرا نداد و کتمان نمود.

نگارنده گوید هیچ بعید نیست که مرحوم شیخ زین‌العابدین سلماسی هم مانند استادش علامه بحرالعلوم به این فیض رسیده باشد چون ناقل تشرفهای مرحوم بحرالعلوم خود آن بزرگوار می‌باشد و مرحوم سلماسی با آن زهد و تقوا و علم و عمل از مرحوم شیخ زاهد عابد صالح حاج شیخ محمد شوشتری کوفی معاصر ما کمتر نبوده که آن همه موفقیت و تشرف برایش حاصل شد که بعضی از آن را نقل نمودم در مقدمه جلد چهارم و در جلد اول در ضمن ترجمه آیت‌اللَّه اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سلماسی اول شخصی است که از این بیت از آذربایجان منتقل به عراق شد چنانکه علامه خبیر حاج سید محسن عاملی در اعیان‌الشیعه در ترجمه ابراهیم بن اسماعیل بن شیخ زین‌العابدین بن مولی میرزا محمد سلماسی ذکر کرده و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) در کتاب (کرام البرره) او را یاد و از آثار خالده او عمارت قبه عسکریین و رواق و قبه سرداب مطهر و صحن آن و غیر آن را به هزینه احمد خان دنبلی و فرزندش حسینقلی خان و از شاگردان وحید بهبهانی و دارای نوادر و کراماتی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد بن شیخ زین‌العابدین بن میرزا محمد سلماسی عالمی فاضل و در اول ماه صفر ۱۳۰۷ در کاظمین وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سماکی استرآبادی، فخرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم امامی. از اهالی استرآباد بود. وی استاد میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) است و با وی مناظراتی داشته است. به گفته «روضه الصفا» و «تاریخ عالم‌آرای عباسی» وی در مجلس میر غیاث‌الدین منصور شیرازی تلمذ کرده است و حاشیه‌ای بر «الهیات تجرید»

دارد و مورد توجه شاه طهماسب صفوی بوده. اما پاره‌ای از کتب رجال، حاشیه بر «الهیات تجرید» را به فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرآبادی (قرن دهم ق) نسبت داده و این کتاب را تحت نام «اثبات‌اللّه» ذکر کرده‌اند، که به اسم شاه طهماسب صفوی تالیف یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۷۵ -۳۷۴)، الذریعه (۱۱۷/۶، ۳۳۱ -۳۳۰ /۴، ۸۶/۲، ۹۹/۱)، روضه الصفا (۵۷۴/۸)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ /۴، ۶۸ -۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۰ ،۱۷۹ /۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۴۶ -۱۴۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۸ -۴۱۷ /۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸/۹)، هدیه الاحباب (۱۵۱).

سمرقندی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۸۰ ق)، عالم دینی و قاری اصل او از سمرقند بود و در همدان به دنیا آمد و در بغداد اقامت گزید. از آثارش «الصنائع»؛ «القراآت السبع»؛ «المبسوط فی القراآت السبع» یا «المبسوط و المضبوط فی القراآت السبعه»؛ «کشف الاسرار فی رسم مصاحف الامصار»؛ «ایضاح الخوالف فی رسم مصاحف السوالف»؛ «التجرید فی التجوید»؛ «العقد الفرید فی نظم التجرید»، منظومه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۹/۷)، کشف الظنون (۱۶۱۵، ۱۳۵۹)، معجم المؤلفین (۵ -۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سمرقندی، محمد عالم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم و شاعر. از دانشمندان شهر سمرقند بود که با الغبیگ میرزا (م ۸۵۳ ق) مصاحب و همدرس بود. گویند به غایت دلیر و در سخن گفتن گستاخ بود و به همین سبب از سمرقند اخراج شد و به هرات رفت. در هرات او را گرامی داشتند و در همان جا درگذشت. وی در سرودن شعر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱۶)، الذریعه (۱۰۰۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۰)، مجالس النفائس (۱۹۰، ۱۵).

سمنانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم سمنانی عالمی فاضل و ادیب مقیم پتند هندوستان که نزدیک لکنهو بوده و بعد از ۱۲۷۳ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سمیعی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور مجید سمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶در شهرستان رشت در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود وی پس از اتمام دوران متوسطه در کشور در سال ۱۳۳۵برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد ودر آلمان غربی ساکن شد وتوانست در رشته بیولوژی وپزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود وادامه تحصیل وتخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفسور کورت شورمن تکمیل واعتلاء بخشد وسرانجام در سال ۱۳۴۹دراین رشته حائزشد . اودر سال ۱۳۵۱به درجه پروفسوری جراحی مغز واعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن وارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیرداشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیدن زندگی سالم و کاهش آلام ورنج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد وبه صفر برسد وهم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داستان چنین رقم خورد که توانست در پی سلسله مطالعات و تحقیقات علمی ، نخستین جراحی میکروسکوپی مغز را در سال ۱۳۵۶در دنیا ابداع و به سرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابداع کند ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد . پرفسور مجید سمیعی چهره ماندگارسال ۱۳۸۵ که روز ۲۲آبان ماه معرفی شد از استادان برجسته جهانی است که شرح حال ایشان در پی می آید :

پروفسور مجید سمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶در شهرستان رشت در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود وی پس از اتمام دوران متوسطه در کشور در سال ۱۳۳۵برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد ودر آلمان غربی ساکن شد وتوانست در رشته بیولوژی وپزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود وادامه تحصیل وتخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفسور کورت شورمن تکمیل واعتلاء بخشد وسرانجام در سال ۱۳۴۹دراین رشته حائزشد . اودر سال ۱۳۵۱به درجه پروفسوری جراحی مغز واعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن وارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیرداشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیدن زندگی سالم و کاهش آلام ورنج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد وبه صفر برسد وهم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داستان چنین رقم خورد که توانست در پی سلسله مطالعات و تحقیقات علمی ، نخستین جراحی میکروسکوپی مغز را در سال ۱۳۵۶در دنیا ابداع و به سرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابداع کند ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد .

عطش پروفسور به خدمت وصفتی هم چون خورشید واقیانوس داشتن موجب شد تا در وگهر های دانش و تجربه خویش را درقالب برگزاری ها ی دوره های آموزشی به دیگر جراحان دنیا انتقال دهد . برای ایرانیان دنیا وجمهوری اسلامی ایران همین بس که با

همت پروفسور سمیعی امروزه در تمام کشور های جهان انجمنی تحت عنوان جراحان قاعده جمجمه با ۱۲۰۰جراح حاذق تشکیل شده که هر سال در قالب کنگره علمی ، جراحی قاعده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دستاوردهای علمی جراحی پروفسورهستند و با استفاده از دوربین های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک های جدید پزشکی و آموزشی می بینند .

پروفسور سمیعی که دردهه ۱۳۵۰تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تامین کند و خوشبختانه در این کار هم موفق شد .پروفسور سمیعی در سال ۱۳۶۷کرسی جراحی مغز واعصاب هانوفر آلمان را پذیرفت وهمزمان با عنوان ریاست فدراسیون جهانی انجمن های قاعده جمجمه برگزیده شده در این سال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی د ر جراحی مغز واعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود .

پروفسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خودرا تاکنون د رقالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز واعصاب دنیا به شمار می آید .

پروفسور سمیعی ، در خصوص این که مهم ترین اهدافش از آموزش متخصصان ایرانی چیست گفت :« می خواهم تازه های پزشکی در زمینه مغز واعصاب هر چه سریع تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود .» شده که هر سال در قالب کنگره علمی ، جراحی قاعده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دستاوردهای علمی جراحی پروفسورهستند و با استفاده از دوربین های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک های جدید پزشکی و آموزشی می بینند .

پروفسور سمیعی که دردهه ۱۳۵۰تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تامین کند و خوشبختانه در این کار هم موفق شد .پروفسور سمیعی در سال ۱۳۶۷کرسی جراحی مغز واعصاب هانوفر آلمان را پذیرفت وهمزمان با عنوان ریاست فدراسیون جهانی انجمن های قاعده جمجمه برگزیده شده در این سال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی د رجراحی مغز واعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود .

پروفسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خودرا تاکنون د رقالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز واعصاب دنیا به شمار می آید .

پروفسور سمیعی ، در خصوص این که مهم ترین اهدافش از آموزش متخصصان ایرانی چیست گفت :« می خواهم تازه های پزشکی در زمینه مغز واعصاب هر چه سریع تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود .»

سنایی دامغانی، تاج‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر و دانشمند. معروف به صدرالحفاظ. وی از دانشمندان و شاعران نامی زمان خود بود که در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۶ -۳۲۵).

سنگلجی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۵ ق)، فقیه و استاد. در تهران متولد شد. وی در محضر اساتیدی چون میرزا خلیل طالقانی و میرزا غلامعلی نایینی ادبیات و علوم عربی را فراگرفت و سیر و سلوک و عرفان را در خدمت ملا محمد هیدجی و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر یزدی و میرزا حسن کرمانشاهی آموخت. دوره‌ی کامل فقه و اصول را نزد شیخ محمدرضا نوری و سید محمد تنکابنی و سید محمد یزدی فراگرفت. سنگلجی به همراه برادرش شریعت به نجف رفت و در حوزه‌ی درس میزای نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. پس از بازگشت به ایران در مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق فقه و اصول به تدریس مشغول شد از ۱۳۲۶ ش برای تدریس دوره‌ی دکترا انتخاب شد. از آثارش: «آیین دادرسی در اسلام»؛ «تشریع» یا «قانون‌گذاری در اسلام»؛ «تفسیر سوره حمد و اخلاص»؛ «دلائل السداد فی قواعد الفقه و الاجتهاد»؛ «الشرایع»؛ «عالم معنی»؛ «قانون رضاع در اسلام»؛ «قضاء در اسلام»؛ «کلیات عقود ایقاعات»؛ «مصباح المیزان»، در منطق؛ «مقاصد الاصول»، در اصول فقه، فارسی؛ «الوقایه فی تهذیب الکفایه».[۱]

محقق، استاد، عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۷۶.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

شیخ محمد سنگلجی، فرزند رضاقلی سنگلجی از روحانیون تهران)، سال‌های درازی با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به تدریس فقه اسلامی اشتغال داشت و متن درسش شرایع الاسلام بود. کانونی هم به نام رواق تأسیس کرد که در آنجا به تفسیر قرآن می‌پرداخت. تألیفات عمده‌ی او عبارتند از: مصباح المیزان در منطق (تهران، ۱۳۴۷)؛ دلائل السداد فی القواعد الفقه و الاجتهاد (تهران، ۱۳۱۳)؛ قانون رضاع در اسلام (تهران، ۱۳۱۵)؛ مقاصد الوصول (۱۳۱۷)؛ کلیات عقود و ایقاعات (تهران، ۱۳۲۴)؛ تفسیر سوره‌ی حمد (تهران، ۱۳۲۵)؛ آیین دادرسی در اسلام (تهران، ۱۳۲۹)؛ عالم معنی (تهران، ۱۳۳۱)؛ چهار رساله در وصیت، میراث، بیع فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه (تهران، ۱۳۳۳)؛ فضا در اسلام (۱۳۳۸)؛ سیری اجمالی در منطق و فلسفه الهی (تهران، ۱۳۵۵).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۹/۲۱، ۲۶، ۲۲/۱۷، ۲۵۰/۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۲-۷۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵-۵۱۲ /۵).

سودایی دستگردی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۱ ق)، عالم، نویسنده و شاعر. از اهالی دستگرد خیار اصفهان بود. ابتدا در دستگرد و سپس در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و صرف و نحو و غیره پرداخت. وی از شاگردان آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی بود و از وی اجازه داشت. او مرجع امور شرعی مردم دستگرد شد. شاعری توانا بود و در انجمن‌های ادبی اصفهان بخصوص انجمن شیدا شرکت می‌کرد. از وی دو فرزند

شاعر به نامهای ابراهیم و باقر با تخلصهای انواری و لمعه به جای ماند. او در زادگاهش به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» غزلیات و رباعیات، در شش هزار بیت؛ منظومه‌ی «انوار سهیلی»، در دوازده هزار بیت؛ «شمس و قهقهه»، در وزن «خسرو و شیرین» در بیست و چهار هزار بیت؛ ترجمه‌ی «الدرر»، نظم کلمات قصار امیرالمومنین (ع)؛ «ضیاء الابصار فی احوال الاطهار»؛ «خمسه‌ی طیبه»؛ «اجمالی در احوال حضرت رسول (ص)»؛ «ملتقط اللغه» که در آن پانزده هزار لغت عربی به فارسی ترجمه کرده؛ «گلزار»، در مصائب حضرت سیدالشهدا (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۲ -۲۵۰)، الذریعه (۴۷۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۷۴ -۴۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۱/۳).

سیادتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی سیادتی از علماء اعلام و مدرسین بنام معاصر سبزوار است.

دارای مقام علم و عمل و از محترمین و معینین این شهر می‌باشد و عده‌ای از فضلاء معاصر و گذشته از محضرشان کسب فیض و علم نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیبویه کربلائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند ملا علی‌اکبر سیبویه حایری کربلائی از مخلصین اهل‌بیت و مبلغین احکام و مروجین اسلام و خدام مخلص اهل‌البیت علیهم‌السلام بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌الصلوه والسلام است. ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ قمری در کربلا به دنیا آمده و در بیت علم و حدیث تربیت یافته و پس از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات سطوح را نزد والد ماجدش و عموی بزرگوارش مرحوم حاج شیخ محمدعلی سیبویه که از علماء محترم کربلا بودند خوانده و سطوح نهائی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علماء مبرز کربلا بودند استفاده نموده و در سال ۱۴۰۰ قمری برابر با ۱۳۵۹ شمسی از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر و رانده به ایران شده پس از ورود رحل اقامت به تهران انداخته و تا حال تحریر کتاب ۱۴۱۲ قمری در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوه والسلام از طریق منبر اشتغال دارند و جدا مخلصانه و خالصانه این وظیفه را ایفاء می‌کنند و لذا اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ محمدعلی فرزند آخوند ملا عباس یزدی ابرندآبادی از دانشمندان کربلا بوده که دولت بعث عراق او را با دهها هزار نفر دیگر به ایران رانده و ایشان رحل اقامت در مشهد مقدس انداخته و تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام نموده و به خدمات دینی در آنجا از اقامه جماعت و تدریس و اداره عده‌ای از طلاب و محصلین اشتغال دارند.

جد ایشان آخوند ملا عباس در ابرندآباد یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات به اتفاق آقا سید محمدکاظم یزدی که با او رفاقت تامی داشته به اصفهان هجرت نموده و قسمتی از سطوح در آنجا خوانده و مهاجرت به کربلا نموده و چندی که اقامت داشتند کسی از شخصیت ایشان مطلع نبوده تا آنکه کم‌کم مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر حجت کربلائی و آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر متوجه و مطلع می‌شوند از آمدن ایشان.

پس از ایشان دیدن کرده و تجلیل می‌کنند پس از آن شروع به تدریس و اقامه نماز جماعت در صحن شریف و بعضی از مساجد کربلا- می‌نمایند و بعد از آن برادر بزرگوارش مرحوم آخوند ملا-علی سیبویه از ایرندآباد یزد عازم کربلا شده و در آنجا اقامت نموده و پس از چندی قبل از برادرش مرحوم ملاعباس از دنیا می‌روند و لقب سیبویه اختصاص به ایشان داشت و پس از فوتشان علماء کربلا لقب مذکور را به ایشان دادند و این نام خانوادگی اولاد و اعقاب ایشان گردید و خلاصه هر دو آن بزرگوار از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ کربلا بودند و مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه عقیم و بدون اولاد بود و مرحوم آخوند ملاعباس دارای دو فرزند عالم و دانشمند به نام:

۱- حاج شیخ علی‌اکبر والد ماجد حاج شیخ احمد سیبویه مقیم تهران.

۲- حاج شیخ محمدعلی سیبویه والد ماجد مترجم ما بودند.

و این دو بزرگوار حاج شیخ علی‌اکبر و حاج شیخ محمدعلی از علماء مبرز کربلا بوده‌اند که در حوزه کربلا اشتغال به تدریس و امامت در صحن شریف و مسجد می‌نمودند.

و مرحوم حاج شیخ محمدعلی دارای فرزندانی بودند که بیشتر آنها در حال کودکی از دنیا رفتند و دو فرزند فاضل و دانشمند از ایشان به نام:

۱- حاج شیخ محمدحسن سیبویه که دانشمندی فاضل و ارزشمند بودند و پس از سفر به ایران در اثر ناراحتیها و صدمات وارد در مشهد بیمار شده و از دنیا رفته و در صحن نو مشهد مقدس مدفون شدند.

۲- مترجم ما جناب حاج شیخ حسین سیبویه که در کربلاء معلی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی و مقدماتی و سطوح را از مدرسین کربلا بالاخص مرحوم والدشان و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ محمدرضا جرقوئی اصفهانی و حاج شیخ محمدعلی منتظری و حاج شیخ محمد خطیب و دیگران خوانده سپس عزیمت به نجف اشرف نموده و سطوح عالی را از محضر حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آقا سید احمد اشکوری و حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و بعد به درس مرحوم میرزا باقر زنجانی و بعد از آن به درس میرزا حسن بجنوردی سپس درس آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری خوئی مد ظله و آقای خمینی استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و غیره پرداخته و مدرسه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام تأسیس و عده‌ای از محصلین و طلاب مشهد را تربیت و تعلیم می‌دهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیدی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحسین بن العلامه حاج میرزا فخرالدین قمی از علماء اعلام قم می‌باشند که در مهد علم و سیادت تولد یافته و ادب آموخته و سطوح را از محاضر علماء حوزه علمیه به پایان رسانیده و آنگاه به درس خارج آیاتی عظامی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تاکنون باکمال متانت و مناعت به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیستانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن محمدرضا سیستانی عالمی موثق و فاضلی بزرگوار ساکن (عبدل‌آباد) از محال مشهدالرضا (ع) خراسان و مرجع امور مردم و از علماء پرهیزکار بوده و عمر خود را در تألیف و ارشاد خلق و تدریس و وعظ و اندرز گذرانیده و در اواخر مقیم (فریمان) گردیده تا در سال ۱۳۳۴ قمری وفات نموده و دو فرزند فاضل و جلیل بنام آقا شیخ حسین و آقا شیخ مهدی داشته است.

از آثار اوست کتابی بنام (وقایع‌الایام) در سی هزار بیت و فرزند ارجمندش آقا شیخ مهدی نیز کتابی بنام (وقایع) دارد که محتمل است تتمیم و یا تذییل کتاب والدش باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سینی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و اتقیا بوده، در سال ۱۳۳۲ وفات یافته، قبرش در وسط صحن مقبره مزبور است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شاه جهان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۵۴ ق)، شاعر و عالم. تخلص او در زبان فارسی شاه جهان و در زبان اردو شیرین بود. وی از قبیله قبیله کرانی افغان بود و در قلعه اسلام‌نگر در نزدیکی بهوپال به دنیا آمد. وی در سن نه سالگی و بعد از مرگ پدر به جای او نشست و چون کودک بود مادرش وی را در حکومت کمک می کرد. شاه جهان خواندن و نوتشن شعر و انشای فارسی وارد و آداب و قواعد کشورداری را از مادر آموخت. در سال ۱۲۷۴ ق همسرش و یک سال بعد مادرش درگذشتند و او رسما راست بهوپال را در دست گرفت. سه سال بعد با مشورت و رضایت فرمانداری انگلیسی هند با محمد صدیق حسن خان که از فضلاء و نویسندگان مشهور بود ازدواج کرد. وی در دوران حکومتش در عمران و آبادی مملکت خود کوشید. از کارهای مم وی تشویق و حمایت و بخششهای او به شاعران و نویسندگان پارسی گوی برای مقابله با رشد زبان انگلیسی و نویسندگان پارسی گوی برای چاپ قرآن و کتب تفسیر و حدیث و لغت و علوم و فنون صرف بود. «مدرسه‌ی جهانگیری» را به نام پدرش ساخت. وی در حادثه جنگ میان روسیه و عثمانی دویست هزار روپیه برای کمک به مجروحهای مسلمان فرستاد. وی آثار ارزشمندی تالیف کرد و یا به نام او تالیف شد. مثل: «تاج الاقبال»؛ «تهذیب نسوان»؛ «خزانه اللغات» که فرهنگی هفت زبانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۵۹ -۱۵۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۴ -۳۹۰)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۰ -۲۱۶۹ /۳)، الذریعه (۴۹۶/۹، ۳۱/۴)، ریاحین الشریعه (۳۶۰ -۳۵۹ /۴)، زنان سخنور (۲۸۵ -۲۸۱ /۱)، صبح گلشن (۲۲۰ -۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹)، لغت نامه (ذیل/ شاه جهان بیگم)، مشاهیر زنان (۱۳۴ -۱۳۲).

شاه عبدالعظیمی نجفی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر بن العلامه الورع السید محمدعلی بن السید میرزا محمد بن السید میرزاجان المعروف بالمیرزا هدایةاللّه الحسینی الشاه عبدالعظیمی عالی فاضل و پرهیز کار و با ورع بود.

در سال ۱۲۸۶ قمری هزار و دویست و هشتاد و شش قمری در نجف اشرف متولد و در خدمت فضلاء عصرش اولیات و مقدمات علوم را خوانده آنگاه از محضر والدش و آیت‌اللّه التقی میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و از ملازمین وی گردیده و بعد از مرحوم میرزا ملازم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی شده تا از خواص اصحاب آن مرحوم بشمار آمد عالمی وسیع الصدر و میهمان دوست و خوش اخلاق و کریم النفس بود در جمادی‌الثانی هزار و سیصد و پنجاه و دو در نجف وفات نمود و در کنار قبر والدش در ایوان طلا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملا رضاقلی شاه عبدالعظیمی از اجلاء علماء عصر خود بوده در شهر ری عمده تلمذش خدمت آیت‌اللّه میرزا محمدحسن آشتیانی بوده در تهران و در مدرسه مروی حجره‌ای داشت و بتحصیل و تدریس در آن اشتغال داشت و دانشمندی متقی و صالح بود و بعد از تکمیل فقه و اصولش در محله سر تخت مسجد عالم بزرگوار میرزا محمود اندرمانی امامت می‌نمود و نزد مردم موثق و مورد توجه عموم بود تا در سال ۱۳۲۶ قمری که بقصد زیارت اعتاب عالیات مسافرت به عراق نمود و در کاظمین علیهماالسلام اجلش رسید و از دنیا رفت و در جوار ائمه معصومین علیهم‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه منصوری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عباس شاه منصوری مقیم حیدرآباد دکن (امام جماعت دربار حسینی آنجاست) وی بعد از غائله مسجد گوهرشاد ۱۳۵۳ ق به هندوستان رفته و در حیدرآباد مورد توجه مرحوم نظام حیدرآباد قرار گرفته و متعهد رهبری شیعیان ایرانی آن سامان گردیده است.

دارای چند زبان انگلیسی وارد و فارسی و غیره می‌باشد. نوشته‌هائی از ایشان به زبان اردو و فارسی در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد به طبع رسیده است در جلوی دربار حسینی که مسجد و عزاخانه شیعیان حیدرآباد است در شب آخر ماه محرم آتش بسیاری نمودند که طول آن پنج متر و عرضش سه متر بود دیدم با چشم خود که دسته سینه زن از دربار بیرون آمد و چند مرتبه در حال سینه زدن و نوحه خواندن اطراف آن آتش گردیده آنگاه عده‌ای از آنها وارد آتش شده و از این طرف به آن طرف دویده و به سلامت بیرون آمدند در حالی که ما از حرارت آتش ناراحت بودیم با اینکه بین ما و آتش بیش از ده متر فاصله بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه منصوری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا شاه منصوری خراسانی از علماء و ائمه جماعت محترم تهران است. وی در حدود سال ۱۳۲۷ ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات، ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه مشهد استفاده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی و دیگران کسب فیض نموده و بعد به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در مسجد (حجت) واقع در سر آسیاب دولاب باقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و نشر معارف و حقایق اسلام مشغول می‌باشد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از علماء باتقوا و فضیلت و دانشمندان موصوف بورع و دارای مقام معنوی و با حرارت و متعصب و غیور در دین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهچراغی، سید طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، محقق و شاعر. وی در قریه حسن‌آباد دامغان به دنیا آمد. نسب وی با سی و شش واسطه به جناب احمد بن موسی کاظم (ع) (شاهچراغ) می‌رسد. او از جوانی به سرودن شعر در مدح ائمه و اهل‌بیت (ع) پرداخت که تا سن بیست و پنج سالی «دیوان» شعری بالغ بر سیصد قصیده و مرثیه در احوال پیغمبر (ص) و آل وی (ع) فراهم آورد. در مدرسه آیت‌اللّه ترابی مقدمات و ادبیات را در محضر شیخ غلامحسین خیری فراگرفت و معانی را از محضر آیت‌اللّه ترابی و آقا شیخ علی‌رضا، مشهور به شیخ میرزا آقای عالمی، استفاده کرد. سپس سالیان دراز به وعظ و تدریس و تبلیغ امور دینی پرداخت. از آثارش: «اعلام دامغان» یا «ارمغان دامغان»؛ یک دوره «دایرهٔالمعارف» یا «فرهنگ قرآن» به ترتیب حروف معجم؛ «لطایف الطوائف»؛ «تحفه العلویین»؛ «محقق الدهور فی علائم الظهور»، از اخبار نبی (ص) تا امام زمان (عج)؛ کشکولی به نام «گنجینه» از اخبار و اشعار و لطایف متنوعه.[۱]

سید طاهر بن المرحوم السید الجلیل السید حسن شاه‌چراغی از علماء معاصر دامغانست وی در سال ۱۳۰۰ شمسی در قریه حسن‌آباد از قراء شهرستان دامغان بدنیا آمده و نسب وی با ۳۶ واسطه به جناب احمد بن موسی الکاظم (ع) (مدفون در شیراز) می‌رسد از طریق آل داود که در قصبه خور از محال جندق دارای گنبد و بارگاه و مورد توجه عامه مردم و با چند واسطه منتهی به حضرت شاه‌چراغ احمد بن موسی علیهماالسلام می‌شود. در سال گذشته ضریحی برای مزار او ساختند و چون خواستند بر مزارش در خور نصب کنند بعضی تردید و تشکیک می‌کردند تا قبر را نبش کردند دیدند بدن شریفش تازه است ارادت مردم بیش از پیش شد.

وی از اوائل بلوغ افتخار به شاعری اهل‌بیت (ع) را پیدا کرده به واسطه خوابی که دیده و در عالم خواب خدمت حضرت بقیهٔاللّه عجل اللّه فرجه الشریف مشرف و این موهبت را به وی مرحمت نمودند و تا سن ۲۵ سالگی دیوانی متجاوز از سیصد قصیده و مرثیه در احوال پیغمبر و آل او به نظم آورده و در مدرسه مرحوم حضرت آیت‌اللّه ترابی وارد و مقدمات و ادبیات را در محضر استاد مرحوم آقای آقا شیخ غلامحسین خیری که از اوتاد و فقیه و محدث و واعظ و مدرس رسمی بودند فراگرفته و معانی و بیان را از محضر حجهٔالاسلام آقای آقا شیخ محمدرضای خدائی استفاده نموده و سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه ترابی و حجهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ علیرضا مشهور به شیخ میرزا آقای عالمی فراگرفته و پس از سالیان دراز در رشته وعظ و منبر اشتغال پیدا کرده و تاکنون به همین سمت به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند دارای آثار قلمی عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱- دیوان اشعار

۲- اعلام دامغان یا ارمغان دامغان که بیوگرافی بسیاری از رجال گذشته از روات دوره ائمه علیهم‌السلام و از علماء عامه و خاصه و سفراء و نویسندگان و رجال سیاسی و قسمتی از ابنیه باستانی و آثار باستانی و علماء معاصر می‌باشد

۳- یک دوره دائرهٔالمعارف یا فرهنگ قرآن به ترتیب حروف معجم که آیات و روایات و لغات و حکایات متناسب در آن درج شده

۴- لطایف الطوائف که لطائف اصناف بسیاری از مردم از کتب متنوعه در آن درج شده است.

۵- تحفهٔالعلویین درباره سادات

۶- محقق الدهور فی علائم الظهور از اخبار النبی والائمه علیهم‌السلام تا امام عصر عجل‌اللّه‌فرجه

۷- کشکولی بنام گنجینه از اخبار و اشعار و لطائف متنوعه و نوشتجات دیگر که مخطوط می‌باشد دارای اجازه عدیده از مراجع

بزرگ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۵ -۱۲۳ /۵).

شاه‌چراغی، سید محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمدحسین شاه‌چراغی شیرازی از علماء بزرگوار معاصر تهران بوده و در خیابان مولوی اقامت و در مسجد قمی‌ها واقع در اول خیابان سیروس اقامه نماز جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین می‌نمودند.

ترجمه آن مرحوم چنانچه در کتاب مجمع السادات فی فضائل السادات نگاشته‌اند از این قرار است: سید محمدحسین موسوی شاه چراغی ابن العالم العلامه الفقیه المرحوم حاج سید علی نهاوندی و سبط حجهٔالاسلام و المسلمین زبده الفقهاء الراشدین الشیخ علی استرآبادی مشهور به شریعتمدار بن العلامه الشهیر حاج محمد جعفر استرآبادی که علماء عصر فتحعلی شاه قاجار صاحب تصانیف و تألیف بوده‌اند می‌باشد.

در سال ۱۳۲۰ ق در تهران متولد و یکسال و نیم پس از ولادت مادرش از دنیا رفته و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از تحصیل مقدمات اشتغال به سطوح فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۴۰ ق که والد ماجدش وفات نموده به قم مشرف و از محضر آیات آنجا استفاده نموده و پس از تکمیل اجازات به تهران مراجعت و بحال انزوال و اعتزال از مردم به مصداق (کونوا اجلاس بیوتکم) بعبادت و تألیف کتب مشغول گردیده تا در سال ۱۳۸۷ ق که بدرود حیات گفتند.

نگارنده گوید: مرحوم شاه چراغی دارای تألیفات و آثار چندیست که از آنها مجمع‌السعادات یا فضائل السادات بهمت و دقت فرزندش مرحوم ثقهٔالاسلام آقا سید علی شاه چراغی بطبع رسیده است و از مفاخر آن بزرگوار است که داماد ارجمندی چون حجهٔالاسلام والمسلمین علامه متتبع حاج سید احمد روضاتی دارد که ترجمه‌اش در سابق گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه‌چراغی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شاه‌چراغی که عمده تحصیلات ایشان از سطح و خارج و فقه و اصول در حوزه علمیه قم بوده و مدتها از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و خارج اصول را از آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری بهره‌مند شده و اخیراً بنابر درخواست جماعتی از اهالی سمنان از طرف آیت‌اللّه گلپایگانی اعزام به آن سامان گردیده و در مسجد عابدینه به اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال دارند گرچه ایشان از لحاظ سن کوچکتر ولی از جهت فضل و جهات علمی به مراتب از دو برادر خود بزرگتر و برتر است وی هم‌اکنون نماینده‌ی ولی فقیه و امام جمعه‌ی سمنان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی خراسانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالمی بـا زهـد و ورع و تقوا، گوشه‌گیر و معرض از دنیـا بود و در امور اجتماعی دخالت نمی‌کرد و به حالت انزوا بسـر می‌برد و به طاعات و عبادات سرگرم و خوشدل بود تا در سال ۱۳۳۳ قمری رحلت فرمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی خراسانی، شریف‌العلماء

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شریف‌العلماء اعلی اللَّه مقامه که از شاگردان میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بود و پس از تکمیل تحصیلات و رسیدن به مدارج عالیه به وطن خود شـاهرود برگشـته و ریـاست روحانی و سیاسـی آن بلـد را به عهـده گرفت و در دوران حیات خود با پاکی و بی‌نظری با مناعت طبع به حل و فصل امور مردم مشغول بود تا در سال ۱۳۲۵ قمری وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسـینی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی طاب اللَّه ثراه یکی از دانشمندان فعال و خدوم معاصر شهرستان شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت فقاهت و مرجعیت پرورش یافته و اولیات و ادبیات و سطح متوسط و عالی را از اساتید و مدرسین نجف بالاخص برادر بزرگوارش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی استفاده نموده و از دراسـات خارج فقه و اصول والـد ماجـدش بهره‌منـد شـده و متصـدی بسـیار از امور مرجوعه و مربوطه به پـدر بزرگوارش از قبیل پرداخت حقوق و شـهریه طلاب و محصـلین حوزه علمیه نجف و رسیـدگی به امور آنان را متعهـد بوده تا بعـد از رحلت معظم‌له در سال ۱۳۹۴ قمری که از طرف دولت ظالمانه بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و چندی در قم اقامت تا بنا بر دعوت بسیاری از مردم محترم شـاهرود منتقـل به وطن مـالوف خود و در مسـجد مرحوم آیت‌اللَّه حـاج سـید عباس شاهرودی (ره) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام گردیده و منشاء خدمات بسـیاری شده‌اند که از آنهاست تأسـیس بیمارسـتانی به نام حضـرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شاهرودی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر شاهرودی از علماء و بزرگان زمان خود بوده و فاضل مراغی آن را در (المآثر والاثار) ص ۱۷۱ در شماره علماء ناصرالدین شاه قاجار یاد کرده و در حدود ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن محمدعلی شاهرودی عالمی فاضل و جلیل‌القدر بوده و حدود ۱۳۴۱ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ مهدی شاهرودی مقیم بهشهر از علماء آنسامان بوده و دارای موقعیت و عظمت مخصوصی بودند و تا پایان عمر باقامه جماعت و ترویج احکام اشتغال داشته است.

فرزند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد شاهرودی اول عالم معاصر بهشهر است. وی پس از پایان تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علمی نجف اشرف و غیره به بهشهر مراجعت و بجای مرحوم والدش در مسجد جامع باقامه جماعت و ترویج دین و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شاهشاهان، علاءالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدبن محمدبن محمد، از علمای عالی‌قدر و متنفذ اصفهان بوده، و در سال ۸۵۰ به دستور شاهرخ در ساوه شهید گردیده، جنازه به اصفهان منتقل شده، در بقعه‌ی مخصوص در محله‌ی شهشهان مدفون گردید.

این محله قبلا به محله‌ی حسینیان معروف بوده، و پس از این تاریخ به نام شهشهان شهرت یافته است.

شرح شهادت او در تواریخ مسطور است، و تاریخچه‌ی بنای گنبد نیز در کتاب نفیس گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان مذکور است، طالبین رجوع فرمایند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شبستری، عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. وی در ریاضی دست داشت و ساکن ماوراءالنهر بود و ولی در سال ۹۲۶ ق به خاک عثمانی رفت و سلطان سلیم وی را اعزاز بسیار کرد و هر روز سی آقچه به او می‌داد و هر دو یا سه ماه پنج هزار آقچه برای او می‌فرستاد. او در این سفر مثنوی «شمع و پروانه» را به نام آن پادشاه سرود و نیز رساله‌ای در معما نوشت.[۱]

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر و نویسنده. از فرزندان شیخ محمود شبستری بود. وی علاوه بر شاعری در ریاضی نیز دست داشت. در سمرقند می‌زیست. در ۹۲۶ ق به عثمانی رفت و با قصیده‌ای به زبان فارسی بر تخت نشستن شاه سلیمان اول را شادباش گفت. سلطان روزی سی اقچه‌ی عثمانی برایش مستمری تعیین کرد. او در همان سالهای نخستین پادشاهی سلیمان درگذشت. از آثار وی: «شمع و پروانه»؛ «حاشیه‌ی شرح تجرید»؛ «حاشیه‌ی شرح مطالع» میرسید شریف؛ «رساله‌ای در چیستان».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۳۴۰ -۳۳۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶).

[۲] تاریخ نظم و نثر (۳۹۱ - ۳۹۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷ -۲۶۶).

شبستری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن حسن شبستری عالمی فاضل از رجال فضل در تبریز و از اهل علم و معرفت و کمال و صلاح و ورع بوده و دارای آثاری از جمله کتاب (جنهٔالصائمین) و کتاب (زبدهٔالانوار لتحفهٔالاخبار) بوده و در سال ۱۳۰۹ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، علی بن حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم دینی و زاهد. وی از رجال فضل و فضیلت تبریز بود. از آثار وی: «جنه الصائمین»، به فارسی؛ «زبده الانوار

لتحفه الاخبار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۹/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۸۵/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸ /۵).

شبستری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی بن السید الجلیل السید رضی‌الدین بن العلم العلام حاج سید محمد بن العلامهٔ الکبری حاج سید اسماعیل (شبستری معاصر شیخنا الانصاری) از علماء مبرز و گویندگان متبحر معاصر تهرانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شربیانی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شربیانی از بیت آیه الله العظمی مرحوم فاضل شربیانی نجفی و از علماء فضلاء معاصر تبریز است سالها در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل علوم داشته و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حجت و آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به تبریز مراجعت و باقامه جماعت و تدریس و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد. موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی شرعی از فضلاء بنام و مدرسین گرام حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در قم متولد شده و پس از فراگرفتن علوم فارسی و مقدمات و ادبیات سطوح فقه و اصول را از اساتید حوزه آموخته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و دیگران استفاده نموده و به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد آن مرحوم به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و هم سرپرستی مدرسه رضویه و محصلین آن را متعهد و نیز آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعت اصفهانی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، عالم شیعی. معروف به ابن شریعت اصفهانی. وی فرزند شیخ‌الشریعه اصفهانی و از علمای بزرگ بود. در نجف در زمان حیات پدر وفات یافت. از آثارش کتاب «الاعلام الاعلام بمولد خیر الانام» است که «تقریرات» پدرش را به رشته تحریر آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/۲)، ریحانه (۲۰۷/۳).

شریعت، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرزاق فرزند شیخ محمدتقی در سال ۱۳۵۰ قمری پس از چهار سال از فوت مرحوم والدش به قم مشرف و مقدمات را نزد بعضی از اساتید و سطوح را از مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی دام‌ظله و دیگران تلمذ نموده و بعد به درس مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر حاضر و بهره‌مند شده آنگاه مشرف به نجف اشرف و مقداری از درس آیت‌اللَّه اصفهانی را درک و بیشتر از آیت‌اللَّه آملی و آیت‌اللَّه آقا شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه شاهرودی استفاده و پس از چهارسال اقامت به واسطه کسالت مراجعت به ایران و چندی در مازندران اقامت آنگاه برای همیشه مهاجرت به قم و مجاورت حوزه علمیه را اختیار و از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و پس از ایشان تا حال حاضر از دراسات و مجالس آیت‌اللَّه شریعتمداری مستفیض می‌شوند. آقای شریعت دانشمندی خلیق و وارسته و دارای محاسن اخلاقی و محامد آداب و بسیار آرام و مانوس می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمدار سنندجی، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم، عارف و صوفی. در سمران، بین سنندج و کرمانشاهان، به دنیا آمد. به سنندج مهاجرت کرد و در مسجدی که به نامش مشهور است به تدریس پرداخت. شریعتمدار مردی بود عارف و طریقه نقشبندیه داشت. چند سالی در تهران زندگی کرد و مجددا به سنندج بازگشت. در مدت اقامت در تهران کتابی به نام «ریاض المعصومین»، درباره‌ی مناقب ائمه (ع) و یاران پیامبر (ص) به رشته تحریر درآورد. از دیگر آثار وی کتابی در «مسائل فقهی» و «عقاید» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر مرد (۱۷۲/۲).

شریعتمدار مازندرانی، محمد حمزه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی. معروف به شریعتمدار مازندرانی حمزه کلایی. وی از علمای بزرگ عصر خود و معاصر با سعیدالعلمای بارفروشی بود، ولی در مشرب فکری با هم اختلاف داشته‌اند. از آثارش: «اسرار الشهاده»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۳/۱۳).

شریعتمدار، کمال الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۳-۱۳۵۲) از علمای متنفّذ اصفهان. در شب دهم رمضان المبارک سال مرقوم در اصفهان وفات یافته، و جنازه به نجف اشرف منتقل گردیده، و در مقبره حاج سید اسداللّه در دالان نجف مدفون شده.

انصاری در تاریخ اصفهان و ری(:۴۰۹) درباره او گوید:

شریعتمدار اگر علم برادر بزرگش آقا جلال را داشت، و تواضع و لطف بیان آقای حاج آقا نوراللّه، و اقدام مرحوم آقای نجفی را در اصلاح امور عامّه، با قوّت قلب آنها شاید جای‌گیر پدر می‌شد.

تاریخ وفاتش را مرحوم انصاری گوید:

برای سال فوتش شد یکی بیرون و خوش گفتا

کمال الدین زیک رحلت کند اکمال این دین را

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شریعتمدار، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمدتقی شریعتمدار که از بزرگان علماء مازندران و از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی بوده است که پس از تکمیل سطوح نزد والدش مشرف به نجف اشرف شده و در خدمت اساتید مذکور سالها تلمذ نموده و سپس به وطن اصلی خود مراجعت و بر ترویج دینی پرداخته و مورد توجه و مراجعات عامه آن سامان شده تا در سال ۱۳۴۶ قمری نوزدهم ماه مبارک رمضان بدرود حیات گفته و مدتی در آنجا به عنوان امانت مدفون و بعد حمل به

قم و در جوار حضرت معصومه سلام‌اللّه علیها به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمداری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن ابن العالم الجلیل حاج میرزا محمدعلی فاضل ابن حاج میرزا ابوالقاسم شریعتمداری جهرمی از فضلاء معاصر قم و تهرانند. مرحوم آقا سید حسن که سالها در تهران مقیم و در مدرسه مروی تدریس می‌نمودند و در سال ۱۳۹۴ قمری بدرود حیات گفتند. با نگارنده صداقتی داشتند. تحصیلات مقدماتی خود را در جهرم و شیراز خوانده و به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و از درس خارج آیت‌اللّه حجت و خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و به تدریس در حوزه علمیه مروی پرداخته تا در سال مزبور از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید عبدالرسول فرزند میرزا محمدعلی فاضل، در سال ۱۳۰۷ شمسی در جهرم متولد شده و در بیت علم و سیادت و مادر عفیفه‌اش که دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری (دزفولی) پرورش یافته و در جهرم و شیراز مقدمات و قسمتی از سطوح را خوانده و در سال ۱۳۲۵ به قم مهاجرت و تتمه سطوح را از استاد مرتضی مطهری و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی آموخته و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ شمسی به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیت‌اللّه العظمی حکیم و خوئی و آقا شیخ حسین حلی بهره‌مند شده و آنگاه به قم مراجعت و از دروس خارج آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد و دیگران بهره‌مند و به تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریف روحانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا الشریف الروحانی بن حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامعلی بن العالم الجلیل ملا محمدصادق بن العالم العلام حاج ملا غلامعلی از علماء معمر و معاصر نجف‌آباد است:

تولد ایشان در روز دوشنبه هزار و سیصد و سه قمری در نجف‌آباد واقع شده و در سن ۱۲ سالگی در خدمت والد به تحصیل ادبیات

پرداخته و پس از آن عزیمت به اصـفهان نموده و در خدمت آقاشیخ علی یزدی و آقای سید آقا جان ریزی به تکمیل ادبیات اشتغال یافته و پس از آن سـطوح متوسطه (لمعه و قوانین و غیره) را از آقا سید احمد مدرسی اصفهانی و آقا سید مهدی درچه‌ای فراگرفته و بعـدا به درس آیت‌اللَّه آخونـد ملاـ عبـدالکریم کزی و آیت‌اللَّه حـاج سـید محمـدباقر درچه‌ای و آیت‌اللَّه حـاج میرزا محمـد صادق اصـفهانی مرحوم آخونـد ملاحسـین کربلائی به اقامه جماعت و ترویـج دین و تبلیغ احکام تا حال تحریر که حـدود نود و دو سال از آخر عمر شریفشان می گذرد اشتغال دارند.

و هرگز در این مدت از وجوهات شرعی سهم مبارك امام (ع) اعاشه و استفاده نموده و نمی‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شریف شاهرودی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. وی از بزرگان و فضلاء شاهرود بود. از آثارش کتابی به نام «الحجج الرضویه» به فارسی است که آن را به نام مظفرالدین‌شاه قاجار تالیف نموده است.[۱]

اسـماعیل شـریف شـاهرودی از فضـلاء اجلاـء شـاهرود است دارای تـألیفی بنام (الحـج الرضویه) بوده فارسـی که آن را بنام سـلطان مظفرالدین شاه قاجار تألیف نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۴۸/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۸/۵).

شریف عسکری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن بن العلامه المتتبع آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد عسکری تهرانی از علماء محترم معاصر شمیرانست.

وی در حدود سال ۱۳۲۴ قمری در سامرای متولـد شـده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و از محضـر مرحوم والدش و علماء دیگر سامرای چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود شیرازی و غیره استفاده نموده و پس از فوت والد ماجد و فرزند برومندش مهاجرت به ایران و چند سالی در قم رحل اقامت افکنده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمـدتقی خونساری بهره‌منـد گردیده و در حدود ۱۳۷۸ ق به تهران منتقل و در شـمیران سـکونت و در مسـجد ایسـتگاه رضائی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای شـریف عسـکری از دانشمندان غیور و متقی و موصوف بورع و پارسائی و نسبت بمرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سیـد ابوالقـاسم کاشـانی قـدس اللَّه سـره ارادت خاصـی داشت و جنـازه آن مرحـوم را از تهران بـا پـای برهنه تشـییع نمـوده و بحقیر می‌فرمود آقای کاشانی مجهول القـدر در تهران بود زیرا من شاهد و ناظر بودم که با آن مقام علمی چه فداکاریها و مبارزاتی بر علیه انگلیسها نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریف، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حکیم، عالم فاضل جلیل، و حکیم عارف، متوفی به سال ۱۲۸۶، و مدفون در جنب فاضلان در تخت فولاد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شریف، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم شیخ علی محمّد شریف نیز از علما و فضلا در نزد برادر و پدر تحصیل نموده، سالها در مدرسه ی میرزا مهدی ساکن، و به نوشتن مرجع امور شرعیّه بود. در اواخر عمر به نجف مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس در سال ۱۳۷۳ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شریفی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم شریفی زابلی از علماء ابرار زابل بوده که پس از خواندن مقدمات و سطوح در زابل و مشهد مقدس و اکمال متون فقه و اصول از اساتید بزرگ ارض اقدس و استفاده از درس و محضر مرحوم آقازاده کفائی و آیات دیگر مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و ضمناً از مباحث اخلاق و عرفان و سلوک مرحوم عالم ربانی و آیهٔ سبحانی حاج میرزا علی آقا قاضی تبریزی بهره‌مند و به آن بزرگوار اختصاص یافته تابه افتخار مصاهرت و دامادی آن مرحوم نائل و پس از فوت ایشان به ایران برگشته و گاهی در مشهد مقدس و اکثراً در زادگاه خود شهرستان زابل بسر برده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که از دنیا رفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریفی، عمادالاسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۲، ق. قریه‌ی کلاته سری قاینات.

درگذشت: شعبان ۱۴۰۰.

حجت‌الاسلام عمادالاسلام شریفی قرآن را نزد پدر فراگرفت و دروس ابتدایی را در قریه بیهود فراگرفت و سپس عازم مشهد شد و در آنجا مشغول تحصیل علوم اسلامی در محضر آیت‌الله سید علی مددی گردید و سپس به سفارش وی در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و در مدرسه حاج ملاـ صادق سکنی گزید و به تحصیل ادامه داد و دوره سطح را نزد آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی فراگرفت. همچنین از محضر آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حسن وحید خراسانی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی بهره فراوان گرفت. وی در اوایل ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم فعالیت‌های سیاسی داشت. به همین منظور چندین بار به زندان رفت و بارها مورد تعقیب قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ در سرابان فردوس بر علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرد و صراحتا به فعالیت‌های امام خمینی (ره) اشاره نمود، همانجا دستگیر شد و به ژاندارمری منتقل شد، در آنجا با رییس ژاندارمری درگیر شد، از آنجا به مشهد فرار کرد. در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در حرم حضرت رضا (ع) با بعضی از طلاب قم مجلس دعای توسل برگزار نمود و در ضمن آن مسائل روز را نیز مطرح می‌نمود.

از جمله تألیفات اوست: علم امام علی (ع) (چاپ نشده)؛ بیست اتهام علیه مجاهدین خلق.

حجت‌الاسلام شریفی بعد از انقلاب اسلامی در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت. در شعبان ۱۴۰۰ بعد از بررسی مشکلات منطقه به قم بازگشت و پس از ارسال گزارش فعالیت روزانه به دفتر تبلیغات بعد از یک شب مجددا به منطقه مراجعت کمرد با کمال تأسف در دلیجان تصادف نمود. وی مدت هیجده روز در بیمارستان بستری بود تا سرانجام جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شفتی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّه بن العلامهٔ الکبری حاج سید محمدباقر شفتی رشتی معروف به (حجهٔالاسلام) متولد ۱۲۲۷ قمری و متوفی ۱۲۹۰ ق و مدفون در نجف اشرف (مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری) و برای مدفن وی و استادش شیخ انصاری چه نیکو و مناسب گفته‌اند.

اسداللّه علی المرتضی اجتبی حبرین من نوابه اسداللّه عقیب المرتضی لیکونا بعد من بوابه

ترجمه احوال و آثار این بزرگوار زینت‌بخش کتب تراجم و تواریخ است دارای کرامت و فضائل بوده است از آثار اوست جریان آب که از کوفه و نهر فرات به نجف اشرف آورد و مردم نجف را از مضیقه بی‌آبی نجات داد و درباره این عمل حیاتی دانشمندان و ادباء اشعار و ماده تاریخ سروده که از آنها میرزا محمد امام‌الحرمین گفته است.

مذ اسداللّه الهمام السری

سلیل ساقی الناس من کوثر

(کرامتی از حجهٔالاسلام) اجری الی الغری ماء مری قدارخوه (جاء ماء العزی) (۱۲۸۲)

از بعضی از دانشمندان موثق شنیدم در هنگامی که آنجناب نجف مشرف بودند شب چهارشنبه یا (شب جمعه) مردم بسیاری برای

دعاء و عبادت در مسجد سهله بیتوته داشتند و شبها درب مسجد را از ترس اشرار و حیوانات می‌بستند موقع صبح خادم می‌آید در را باز کند می‌بیند شیر نر گرسنه‌ای پشت در خوابیده است در را بسته و با مردم به بالای بام آمده فریاد می کند که شیر برود ولی آن حیوان ابداً اعتنا نکرده و حرکت نمی‌کند در همین حال متوجه می‌شوند شخصی عبا به سر انداخته و از طرف مسجد کوفه به مسجد سهله می‌آید داد می‌زند نیا نیا سبع سبع (شیر شیر) آن شخص به این داد و فریادها اعتنا نمی‌کند و نزدیک می‌شود مردم همه صدا می‌کنند جلو نیا شیر است درنده است باز آن شخص به راه خود ادامه داده تا به درب مسجد می‌رسد و می‌آید گوش شیر را گرفته و می‌گوید (تلخ) یا اسدای شیر دور شو آن حیوان برخاسته و با کمال ادب و سرعت بجای خود (بیشه) می‌رود مردم تعجب می‌کنند که این آقا کیست آیا امام زمان عجل اللَّه فرجه الشریف است در را فوراً باز می‌کنند می‌بینند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید اسداللَّه (حجةالاسلام) است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شفتی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد رضا بن العالم العلام والحجه الاسلام الحاج السید محمد باقر الثانی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج السید اسدالله بن سید الفقهاء والمجتهدین و حجه‌الاسلام والمسلمین آیه‌الله فی العالمین الحاج السید محمد باقر الشفتی الاصفهانی المشهور بحجه‌الاسلام المطلق (صاحب مسجد السید در خیابان بیدآباد) از علماء عاملین معاصر اصفهانست.

تولدش در اصفهان واقع و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی دوران صبا و دروس فارسی، مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم والد گرامش و دیگران خوانده و سطوح وسطی و عالی را از علماء اعلام و مدرسین کرام اصفهان فرا گرفته و خارج فقه و اصول را نیز از آیات عظام آن سامان استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش که در سال ۱۳۳۳ ق واقع شده، بجای ایشان در مسجد جدشان باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و تاکنون در آنجا اشتغال بوظائف مقرره دینی و روحی دارند.

نگارنده گوید: گرچه تاکنون توفیق زیارت معظم‌له را از نزدیک نیافته‌ام ولکن بطوریکه از ثقات و دانشمندان قم و اصفهان شنیده‌ام آنجناب از علماء ربانی و آیات سبحانی و متصف بصفات روحانی و دارای مقامات معنوی میباشند و در خاطر دارم که در تابستان ۱۳۹۳ ق که برای امری باصفهان رفته بودم صبح برای اداء فریضه بمسجد سید رفته و در کناری انتظار وقت را میکشیدم که دیدم ایشان با چند نفر از دوستانش وارد بصحن مسجد شده و با حال مخصوصی شروع بزیارت استغاثه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه‌الشریف... سلام‌الله الکامل التام... نموده و دعاء بر فرج آن بزرگوار نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفیع بوشهری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی فرزند سید محمد تقی موسوی کازرونی بوشهری عالمی جامع و فاضلی جلیل بوده، در کازرون در سال ۱۲۷۰ ق متولد شده و

نزد والـدش که از صـلحاء بود تربیت یافته. آنگاه با پدرش در سال ۱۲۹۱ ق ببوشـهر منتقل شـده و از آنجا مهاجرت بعراق و پس از تشرف بزیارت مشاهد مشرفه در هنگام مهاجرت آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی بسامرا وی هجرت بآنجا نموده و ده سال تمام ملازم درس آن بزرگوار گشـته و حـداکثر اسـتفاده را نموده تا در فقه و اصول بمقام بلنـد و رتبه اعلی رسـیده و در اثناء آن نیز بعلم طب و ادب و غیره هم پرداخته تـا از اقران تفوق جسـته و مخصوصـا در طب که بسـیار مهـارت و حـذاقت یـافته و معالجـات غریبه‌ای نموده است.

در سال ۱۳۱۰ مراجعت ببوشـهر کرده و مرجع موجه امور شـرعی مردم گردیده و بتدریس و امامت و نشـر احکام پرداخته و در سال ۱۳۲۹ ق مشـرف بعتبات با تمام اهل بیتش گردیـد و در نجف مریض شده و در هفتم ربیع الاول سال مزبور وفات و در وادی‌السـلام مدفون گردید.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد، دارای دو فرزند ۱- آقای آقا سید محمد مهدی که نه ماه بعد از وی در سامرا وفات نموده و در رواق شریف دفن گردید. ۲- آقا سـید محمـد تقی که از شاگردان آیه‌الله میرزا محمـد تقی شـیرازی و علامه حاج محمد حسن کبه و غیر آنها بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفیعی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اصغر بن عالم عابدآقا شیخ ربیع شفیعی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر همدانست:

وی چنانچه در جلد دوم ص ۳۸۴ کتاب آثار الحجهٔ یاد نمودم در سال ۱۳۲۷ ق در همدان متولد شده و در تربیت و پرورش والدش که از علماء و زهاد همـدان بودنـد و در سن نود سالگی به رحمت حق پیوسـتند نشو و نما و تحصـیل مقـدمات و سـطوح را نموده و پس از پایـان سـطوح بـه قم مهـاجرت و از محضـر مرحـوم آیت‌اللَّه العظمی حـایری و آیت‌اللَّه حجت‌اللَّه خونسـاری و آیت‌اللَّه شـیخ محمدعلی حایری قمی استفاده کامل نمود.

و پس از دوازده سـال توقف در سـال ۱۳۵۷ قمری مراجعت به همـدان و تـاکنون به اقـامه نماز جماعت و تبلیغ دین و تـدریس فقه و اصول اشتغال دارد از آثار ایشانست کتب زیر.

۱- تفسیر سوره مبـارکه یس ۲- تفسیر سوره الرحمـان و سوره نبا ۳- اسـرار صلوت ۴- کتـابی در اخلاقیات ۵- حواشـی بر عبادات عروهٔ الواثقی با ذکر ادله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شمس خراسانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین شمس که از جهت نسب به حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه‌السلام می‌رسد در سال ۱۳۰۴ شمسی در ابرده که از

ییلاقات مشهد مقدس است به دنیا آمده و در خانواده روحانی آن منطقه پرورش یافته و پس از گذرانیدن دوره ابتدائی جهت تحصیل علوم دینی به مشهد آمده و در مدرسه نواب (که نگارنده هم مدتها در آن اقامت داشتم) اقامت نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و شرح لمعه و قوانین را نزد مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی خوانده و بعدا نواده ایشان صبیه مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید جلال‌الدین مدرس را ازدواج و به هم دامادی و باجناقی جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی و حجهٔ‌الاسلام صراف‌زاده درآمدند، و مرحوم (ابوالزوجه) پدر همسرشان از دانشمندان متقی و ائمه جماعت بزرگوار مسجد گوهرشاد بودند که به زیور علم و عمل آراسته و موصوف به فضل و کمال و معنویت بودند.

جناب آقای شمس کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم قزوینی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی خوانده و مدتی در درس خارج آقای قزوینی شرکت نموده و پس از آن به تهران عزیمت و علوم عقلی را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی خوانده و هم به درس خارج حضرت آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری (در مسجد حاج سید عزیزاللَّه بازار تهران) شرکت و بهره‌مند شده و پس از مدتی عزیمت به قم نموده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و خارج اصول آیت‌اللَّه خمینی و اسفار مرحوم علامه طباطبائی استفاده نموده و پس از دو سال اقامت بعد از ازدواج به مشهد مقدس مراجعت که عازم حوزه نجف اشرف که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی که از آیات عظام و مراجع بزرگ اعتاب عالیات بودند از کربلا مهاجرت به مشهد مقدس نموده و بنابر اصرار افاضل دانشمندان حوزه مشهد رحل اقامت افکندند از عزیمت باعتاب عالیات منصرف و مدت بیست سال از محضر آن بزرگوار فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و از سال ۱۳۴۷ شمسی پس از تدریس مدتی ادبیات و سطح به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال ورزیده و نیز تدریس فلسفه و تفسیر و اخلاق و اصول عقاید در حوزه و خارج آن برای برخی از اساتید دانشگاه و دانشجویان مشهد و دیگر اقشار پرداخته و شاگردان فاضل بسیاری تربیت نموده که بسیاری از آنان به مقامات عالیه روحی و اجتماعی و از معاریف معاصر شدند که از آنها مرحوم حجهٔ‌الاسلام شهید هاشمی‌نژاد و نیز خواهرزاده ایشان جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقا حاج سید محمد موسوی‌نژاد (باجناق نگارنده) خود یکی از افاضل بنام و مشهور مشهدند که دارای حوزه علمیه مستقلی می‌باشند و ایشان پدر همسر فرزند برومند ایشان آقای آقا سید احمد شمسند که اکنون در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل علوم دینی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شمس زنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی شمس (حایری) زنجانی (برادر معظم ایشان) از دانشمندان فعال و مبرز معاصر است در مشهد مقدس. وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در زنجان و قم در عصر ریاست و زعامت آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح فقه و اصول را از مدرسین آنجا خوانده آنگاه بدرس خارج آیت‌اللَّه اصفهانی و آیات دیگر مانند آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده تا به مدارج علم و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی به ایران مراجعت و چند سالی در تهران به خدمات دینی اشتغال داشتند ولی چند سالیست که منتقل به مشهد مقدس و مجاورت حضرت ثامن ائمه (ع) را اختیار و بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شنب غازانی، اسماعیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ -۸۵۶ ق)، عالم و دانشمند. اهل تبریز بود و مدتی در هرات نزد علاءالدین قوشچی و شیخ حسین منطقی تحصیل کرد و از آنجا به شیراز نزد ملا جلال دوانی رفت. مزارش در قبرستان کجیل در طرف غربی شارع قریه خسرو شاه سمت راست می‌باشد. از آثار وی: «شرح فصوص الحکم» به عربی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۹)، حبیب السیر (۶۰۰/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸/۱).

شورگشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شورگشتی از علماء فاضل و ائمه جماعت موصوف به تقوی نیشابور است.

وی در شور گشت از مضافات نیشابور است متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از محضر اساتید و مدرسن فراگرفته و در درس خارج آیات عظام بالاخص آیت‌اله بروجردی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به مشهد مقدس عزیمت و چند سالی از محضر و درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی میلانی استفاده و مورد توجه آن مرحوم واقع شده و بعد بنا به درخواست مردم نیشابور به اینجا آمده و تاکنون به خدمات دینی از امامت جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شوشتری، ابوالمعالی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۴۶ -۱۰۰۴ ق)، عالم و شاعر. وی برادر علاء الملک مرعشی شوشتری بود، در آگره متولد شد و در بنگاله وفات یافت. از آثار او: «النموذج العلم»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»؛ «رساله‌ی عدالت». علاوه بر اینها «دیوان» مدونی هم داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰ /۹)، ریحانه (۲۶۹ /۷)، صبح گلشن (۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۵)، کاروان هند (۱۴۶۹ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمعالی).

شوشتری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن عبداللّٰه بن سید محمدعلی بن عبدالسلام بن سید عبداللّٰه شوشتری عالمی بزرگوار بود و در سال ۱۲۶۹ قمری متولد و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده و در شوشتر مرجع امور شرعی بوده و در سن ۵۵ سالگی درگذشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، اسداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّٰه بن شیخ نظرعلی شوشتری عالمی جلیل از فضلاء شاگردان مجدد شیرازی بوده و بعد از فوت ایشان به نجف مراجعت کرده تا از دنیا رفته است.

مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا شیخ ابوالقاسم کاشانی مقیم بمبئی داماد ایشان بوده و از دختر وی مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدحسن نجفی را آورده و این پدر و پسر در بمبئی خدمات بسیاری نموده و موجب ارشاد هزارها نفر آقاخانی‌ها و بهره‌ای‌های هندوستان شدند.

مرحوم پدرش شیخ نظرعلی از شاگردان شیخ انصاری بوده و فرزندی هم موسوم بنام پدرش شیخ نظرعلی داشته که در سال ۱۳۳۳ ه در جوانی در نجف اشرف وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری.

عالم فاضل، از علمای ازکیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.

در ۱۲۱۱ متولد، و در ۲۱ ذی الجحه الحرام سال ۱۲۷۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» ۲- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. ۳- حواشی بر نقد الرجال.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، عبداللطیف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۱۷۲ ق)، عالم. در شوشتر متولد شد، مقدمات را در همان شهر فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل به کرمانشاهان رفت و چندی در آن شهر به تحصیل ادامه داد. جمعی از دانش‌پژوهان برای آموختن هیئت و رسائل نجومی و استخراج به حضورش رفتند. میر عبداللطیف دوباره به شوشتر بازگشت و در آنجا ادامه‌ی تحصیل داد. سپس به کربلا رفت و پس از دو سال تحصیل علم و کوشیدن درین راه به موطن بازگشت. پس از آن به شهرهای زیادی همچون بوشهر، بصره، بغداد، کلکته و دیگر شهرهای هندوستان برای انجام وظایف مذهبی سفر کرد و تا ۱۲۱۹ ق در آن سامان بود. کتاب «تحفه العالم» که در تاریخ شوشتر و تراجم احوال علمای آن شهر است، از آثار اوست. از دیگر آثارش «ذیل تحفه العالم» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۲ -۴۵۱ /۳)، شرح حال رجال (۱۴۴/۶)، فوائد الرضویه (۲۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۲ -۹۳۱ /۳).

شوشتری، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ غلام‌حسین. عالم زاهد، از علمای اخیار، و از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی بود، در ۸ شوال ۱۳۳۶ وفات یافته، در جنب لسان‌الارض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، محمدامین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدامین بن حسن بن اسداللّه شوشتری کاظمی عالمی جلیل در کاظمین بوده و تألیفی بنام (تحفۀالخواص) در شرح درۀالغواص داشته و در جمادی‌الاول سال ۱۳۳۴ وفات نموده و در ماده تاریخ فوتش گفته شده.

عفی شرع طه المصطفی و تهدمت

مبانیه و اندکت قواعد دینه

فخطب به صاح الامین مورخا

قضی دین طه یوم فقدامینه

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، عالم اسلامی.

تولد: مرداد ۱۲۸۱(۱۳۲۰ ق.) نجف.

درگذشت: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴، شوشتر.

علامه حلی تقی شیخ شوشتری، فرزند کاظم، در سال ۱۲۸۱ زمانی که پدر وی در نجف به کسب علم مشغول بود، در این شهر دیده به جهان گشود و تا سن هفت سالگی در آن شهر ساکن بود. در این مدت خواندن و نوشتن فارسی و قرآن را فراگرفت و پس از آن همراه خانواده به شوشتر مراجعت نمود. در شوشتر مقدمات علوم اسلامی را نزد حجت‌الاسلام سید حسین نوری و حجت‌الاسلام سید محمدعلی امام و سید علی‌اصغر حکیم فراگرفت و برای دوره سطح نزد اساتیدی چون حجت‌الاسلام آقا سید محمدتقی شیخ الاسلام و آیت‌الله سید مهدی آل‌طیب و والدشان تلمذ جست و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. به سال ۱۳۱۴ به علت مخالفت با کشف حجاب جلای وطن نمود و به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه داد. در عتبات با آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری داشت و در سال ۱۳۲۱ پس از سقوط رضاشاه به ایران بازگشت و در شوشتر ساکن شد. از آن پس علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم طلاب، به تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی صاحب تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) (نجف، ۱۳۶۹ ق.)؛ بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه (چهارده جلد، ۱۴۰۰ –۱۳۹۰ ق.)؛ قاموس الرجال (تعلیقات تنفیح المقال، در چهارده جلد برنده جایزه دهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ الاخبار الدخیله و مستدرک آن (در سه مجلد، این کتاب برنده جایزه نخستین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ آیات بینات فی حقیقهٔ بعض المنامات، الاربعون حدیثا (۱۴۰۰ ق.)؛ رسالهٔ سهو النبی (ص)؛ الرسالهٔ المبصرهٔ فی احوال الصیریهٔ (شرح احوال افراد مکنی به ابی‌بصیر، ۱۳۹۰ ق.)؛ جوامع احوال المعصومین؛ النجعهٔ فی شرح اللمعهٔ (یازده جلد)؛ الغرر و الدرر؛ رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید دریک مسأله کلامی (۱۳۹۰ ق.)؛ الاوائل (۱۴۰۵ ق.)؛ البدایع (زیر چاپ)؛ رسالهٔ فی تواریخ النبی و آلال؛ مقدمه بر توحید مفضل (ترجمه علامه محمدباقر مجلسی).

محمدتقی بن شیخ کاظم بن محمدعلی بن العلامه شیخ جعفر شوشتری (معروف) عالمی مصنف و متبحر بوده و در سال ۱۳۲۱ ه در نجف متولد و در بیت علم پرورش یافته و به قانون وراثت بحب علم و فضیلت نشو و نما یافته و در خدمت اعلام و افاضل با جدیت و کوشش بسیار اشتغال یافته تا به مقامات عالیه رسیده دارای تألیفات عدیده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد.

۱- تحقیق المسائل شرح بر (روضهٔالبهیهٔ)

۲- رسالهٔ المبصرهٔ در احوال ابی‌بصیر

۳- (رساله سهو النبی (ص))

۴- تعلیقات تنقیح المقال

۵- قضاء امیرالمؤمنین (ع) مطبوع

۶- الاربعینیات الثلاث

۷- جوامع احوال الائمه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهابی تربتی، عبدالسلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالسلام بن ملا علی‌اکبر تربتی خراسانی عالمی ادیب و فاضلی بارع و موصوف بتقوا و فضل بوده است.

والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام ملا علی‌اکبر از علماء فضلاء بوده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است. مترجم محترم ما نیز از رجال فضل و ادب و ادباء بزرگ و شعراء معروف و اهل کمال و بصیرت و روشنفکر خراسان بوده است.

آثار علمی و ادبی بنام (راز عشاق) ترجمه دعاء کمیل بن زیاد و (گنج نهفته یا راز نگفته) مثنوی دارد که بطبع رسیده است.

وی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات نمود و از خود غیر از آثار ادبی و علمی دو فرزند فاضل و ادیب گذارد.

۱- جناب دکتر محمود شهابی استاد دانشگاه که در سال ۱۳۲۱ قمری متولد شده است.

۲- جناب استاد علی‌اکبر شهابی مؤلف (تاریخچه وقف) متولد سال ۱۳۲۷ قمری مدیر اسبق اداره اوقاف ایران.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شهر بابکی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شهر بابکی که از علماء و مدرسین نجف و از شاگردان و اصحاب مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی بودند و جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد حسینی شاهرودی از شاگردان وی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرضا شهرستانی از دانشمندان متقی و علماء بزرگوار و ائمه جماعت حرم مطهر سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین علیه‌السلام بوده که به تفسیر دولت شوم عفلقی بعث عراق در سال ۱۳۹۷ قمری به ایران آمد و حل اقامت در مشهد مقدس جوار سرسیر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام افکنده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

این بزرگوار از بیت جلیل شهرستانی است که در میان آنان آیات عظامی چون آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا سید علی شهرستانی و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید هبه‌الدین شهرستانی و عالم ربانی آیت‌اللّٰه سید احمد شهرستانی و ده‌ها نفر دیگر برخاسته‌اند.

در سال ۱۲۲۹ قمری هجری در کربلاـ معلی به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و ادبیات و مقدمات را در خدمت اساتید آن سامان به پایان رسانیده و سطوح عالی فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا جرقویه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّه اسرارهم اتقان نموده و سپس تأسیس سه یا چند دیگر از افاضل کربلا تأسیس مجله اجویه المسائل الدینیه (پاسخ سوالات دینی) نموده و در مدت بیست سال ۱۴ جلد از آن جوابها را تدوین و منتشر ساخته است.

معظم‌له دارای تألیفات بسیار دیگری می‌باشند که مهمترین آنها ۴ جلد مقادیر الهدی در شرح عروه‌الوثقی است که چند جزو آن صادر شده است.

۲– المعارف الجلیه فی تبویب المسائل الدینیه.

۳– النیروز فی الاسلام.

۴– السجود علی التربیه الحسینیه.

۵– الصلوه معراج المومن.

۶– الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۷– نوروز در تاریخ و دین

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شهرستانی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و فضلا بوده، قبرش در تکیه‌ی صاحب روضات می‌باشد. پدرش: ملا حسن شهرستانی است که در سال ۱۰۹۴ وفات یافته، و قبرش در تکیه‌ی صاحب روضات است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهشهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به سیّد الاسلام، فرزند [سید ابوالحسن بن]سید ابراهیم بن سید عبدالصمد حسینی. عالم فاضل، از علمای متنفّذ اصفهان، و امام مسجد صفا در محلّه شهشهان بود.

در ۲۵ محرّم سال ۱۳۵۷ وفات یافته، در داخل بقعه ی میر سید محمّد شهشهانی، عمّ امجد خود مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته‌اند:

خواست چو تاریخ فوت بانوی محزونه گفت

شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهلای یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۶۰ ق)، شاعر و عالم، متخلص به شهلا. وی از بزرگان سادات طباطبایی و از سلسله‌ی مدرسان و از شاعران برجسته روزگار خود بود. از آثار وی: «تذکره‌ی شبستان» که ذیلی بر «آتشکده‌ی آذر» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۵۵ -۲۵۰ /۱)، تذکره سخنوران یزد (۱۷۲)، حدیقه الشعراء (۹۲۳ -۹۲۲ /۲)، الذریعه (۵۵۹/۹).

شهمیرزادی، آقابابا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۴۷ ق)، عالم و خطاط. با خط زیبایش کتاب «درّۀ الغواص فی اوهام الخواص» قاسم بن علی بن عثمان حریری بصری را نوشته و در ۱۲۴۷ ق از کتابت آن فراغت یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰ /۱۳)، کشف الظنون (۷۴۱).

شهیدی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داود بن العلامه میرزا مهدی شهید متولد ۱۱۹۰ و متوفی ۱۲۴۰ ق برادر کوچکتر میرزا هدایت‌اللّٰه مذکور است وی از غالب امور حظی وافر و بهره‌ای کامل داشت و در خدمت والد ماجدش تحصیل فضل و ادب و تکمیل اخلاق و حسب نموده و در فنون ریاضیه از هندسه و حساب و هیئت و غیرها ماهر بلکه سرآمد علماء معاصر بوده و برای تحصیل این علوم از اطراف بلاد در حضرتش فضلاء جمع و از محضرش استفاده می‌کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد بن العلامه الشهید میرزا مهدی و برادر کوچک میرزا هدایت‌اللّٰه و میرزا داود متولد ۱۱۸۸ و متوفی ۱۲۴۶ ق وی سیدی رفیع المنزله و فاضلی شریف المرتبه از اجله ارباب زهد و تقوا و اهالی علم و فتوی بوده و از محضر والد جلیلش هر نوع فضائل و مآثر را کسب و تکمیل نمود و پیوسته به نشر علوم رعیه و ترویج احکام و رعایت طلاب و حمایت صاحبان سداد و صوب را می‌نمود تا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج عبدالله بن العلامه العلام الحاج شیخ عبدالحسین امام جمعه بن العلامه شیخ مرتضی شهیدی بن میرزا محمدتقی امام جمعه بن آقا عبدالله بن العلامه الکبری حاج ملاتقی شهید داماد معظم مرحوم مبرور سیدنا الحجه العلامه المحقق الایه العظمی آقا سید محمد حجت رحمت‌الله از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه و خواص اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله موصوف به فضل و متانت و تقوا و مناعت است، در محرم‌الحرام ۱۳۴۰ قمری در قزوین متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد مرحوم والد و دیگران خوانده و آنگاه در سال ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به قم نموده است، و مخفی نیست که ایشان ایدالله از بیوتات اصیله و ریشه‌دار قزوین و حفید مرحوم مبرور علامه قمقام و المجاهد الفهام الایه الحجه الحاج ملا محمدتقی شهید ثالث صاحب تالیفات عدیده مفیده می‌باشد.

وی پس از مهاجرت به قم سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت شرکت کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی بالغ بر ۱۸ سال نیز به درک و بحث آن مرحوم حاضره شده و پس از فوت آن مرحوم به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی ایده‌الله پیوسته و تا هم اکنون که متجاوز از ده سال است از رفقاء صادق و اصحاب خاص آن جناب و مورد توجه و عنایت مخصوص آیه‌اللهی می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۲ ق به افتخار مصاهرت و دامادی سیدنا الاستاد آیت‌الله حجت نائل گردیده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن بزرگوار گردیدند.

آثار قلمی ایشان: ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- کتابی درباره معراج می‌باشد معظم‌له بعد از فوت مرحوم والد در آستانه مبارکه حضرت سلطان محمد که از اولاد حضرت صادق علیه‌السلام اقامه جماعت می‌نمودند و بنا بر پیشنهاد و تقاضای اهالی قزوین ظهرها را در مسجد جدشان (مسجد شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و چون آستانه مبارکه امامزاده سلطان محمد رو به انهدام و ویرانی گذارده بود به سعی و کوشش معظم‌له اصولا تجدید ساختمان شده و در جنب مزار آن امامزاده حسینیه‌ای هم در دست ساختمان دارند قسمتی از ترجمه مرحوم والد و نیاکانشان را در ضمن علماء شهرستان قزوین در جلد سوم خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شهیدی، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم بن آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت‌اللّه بن العلامه میرزا مهدی شهید متولد ۱۲۰۹ و متوفی ۱۲۶۹ ق از محضر والدش تحصیل فقه و تفسیر و کلام و غیره نموده تا به مدارج فضل و سداد در سیده و همواره به مباحثات علمیه و ترویج احکام شرعیه و رتق و فتق امور مسلمانان و انجاح مقاصد ایشان و کسب محاسن عادات و جلب محامد و سعادات می‌کوشید تا از دنیا رفت و به جوار مرحمت اسلافش شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شیخ الاسلام، رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم جلیل القدر.

پدرش: میرزا مرتضی شیخ الاسلام اصفهان بوده و در ۱۲۲۶ وفات یافته است.

مرحوم میرزا رحیم از رؤسای علمای اصفهان بوده، و در ۹ صفر سال ۱۲۴۹ وفات یافته، در بقعه تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

محمّد حسین ضیاء شاعر اصفهانی در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

ندای ارجعیش چون بگوش هوش رسانید

سروش عالم غیبی ز سوی جنّت مأوا

نوشت کلک ضیاء از برای تاریخش

(رحیم را که کند رحم جز رحیم بعقبا)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیخ‌الاسلام دامغانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی و شاعر. وی معاصر آیت‌اللّه میرزای رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی بود و از علمای عصر ناصری. وی دارای تالیفاتی می‌باشد از آن جمله‌اند: «فرق الملل» یا «بیان المذاهب»؛ رساله‌ای در بیان «احکام حلال و حرام» و «عبادات».[۱]

محمد بن حسین بن باقر معروف به شیخ‌الاسلام دامغانی معاصر با مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی و ناصرالدین شاه قاجار و بنابر مشهور وظیفه‌ای از شاه مزبور بنام شیخ‌الاسلامی داشته و در سال ۱۲۷۱ قمری می‌زیسته است.

دارای تألیفاتی که از آنهاست (فرق‌الملل یا بیان‌المذاهب) و رساله‌ای در بیان احکام حلال و حرام و عبادات و غیره بوده و آنها را با

کتب دیگرش بنام فرزندش عالم جلیل ملا عبدالرزاق که مورد علاقه‌اش بوده وقف نموده است
آن مرحوم از مردم شهر خود دلتنگ و ناراحت و همواره به غم و افسردگی روزگار خود را می‌گذرانیده چنانکه از این ابیاتش ظاهر است.

محمد بن حسین دامغانیست ولیکن

نمانده در دلش از دامغان و فاز کسانی

کنند دعوی علم و عمل ولیک ندارند

بغیر بخل و حسد از عمل بدهر نشانی

بر این قیاس نظر کن بحال پیر و جوانش

چه کوفه است شود کوفه آن بلد بزبانی

ز ناظرین بر این شرح ممکن است توقع

برند نام شریفم بخیر در همه آنی

بعارفان سخن سنج باد رحمت یزدان

که اوست باقی و جز ذات او بود همه فانی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۱/۵).

شیخ‌الاسلام، عبدالرحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ جعفربن مولی محمدباقر سبزواری، عالم جلیل، [از مشاهیر علما] در قرن ۱۲ بوده، و در سال ۱۱۵۴ در جزو علما که در سلطانیه جمع شدند بوده، و در [سال ۱۱۸۱ در] اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیرازی تهرانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۲۳- بعد از ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی و زاهد. در فارس متولد شد و در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت و در محضر شیخ محمدتقی، صاحب «حاشیه المعالم»، و حاج محمد ابراهیم کلباسی، صاحب «الاشارات»، تلمذ کرد. سپس به کربلا مهاجرت کرد. پس از تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر بود. از آثارش: «جامع الدعوات المنجی من الهلکات»؛ «درر اللالی»، در علوم مختلف؛ « الانوار الرضویه»، معروف به «شرح الرضوی»، که شرحی بر «نافع مختصر الشرایع» است؛ «العقائد» یا «عقایدالدین»؛ «مدائن العلوم»؛ «صباح الرضوی»؛ «صراط المتقین»؛ رساله‌ای در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۸۳ /۳۴، ۱۵ /۵۹، ۱۴ /۵۱، ۱۳ /۱۳۳، ۸ /۵۲، ۵ /۴۲۷، ۲)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۷۳۹ -۷۳۸، ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۰ -۴۲۹/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۴ -۱۳۳/ ۳).

شیرازی حائری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن محمدحسین شیرازی حایری عالمی ریاضی در کربلا بوده و در حدود ۱۲۸۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی حائری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید حسین ملقب به صدرالمعالی بن سید رضا الحسینی شیرازی حایری ادیبی فاضل بود و در حدود ۱۳۰۵ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی نجفی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۹۲/ ۱۲۹۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در کودکی به همراه پدر و مادر از شیراز به کربلا رفت و به آموختن مقدمات علوم دینی پرداخت. پس از دو سال، پدر و مادرش به شیراز بازگشتند ولی وی در آن شهر مدت چهار سال ادامه‌ی تحصیل داد. سپس به شیراز بازگشت و به تحصـیلات ادامه داد، ولی مجـددا به کربلا سـفر نمود. پس از درگـذشت میرزا محمدتقی شـیرازی، به کاظمین رفت و به تـدریس پرداخت. بعدها به نجف مهاجرت کرد و در همان شـهر نیز وفات یافت و در حجره‌ای از حجرات قسـمت شـرقی صحن شریف به خاك سپرده شد. از آثارش: «بلغه الطالب فی حاشیه المکاسب»؛ «رساله فی الخلل»؛ «رساله فی صلاه الجماعه»، همه به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۵ -۲۴/ ۵).

شیرازی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین صدرالدین بن آیت‌اللّه حاج سید صدرالدین بن العلامهٔ آقا سید ابوطالب از علماء معاصر شیراز است وی یکسال بعد از برادرش آقا سید علاءالدین مذکور در سال ۱۳۰۴ شمسی در شیراز متولد و در بیت علم و شرف تربیت یافته و مقدمات را در مدرسه خان خوانده و پس از آن به تحصیل فقه و اصول پرداخته و در تهران در دانشکده معقول و منقول قسمتی از منقول را فراگرفته و دوره دکترا را طی کرده و به دریافت آن نائل شده و هم در مسجد فاطمیه واقع در محله عربهای تهران به اقامه جماعت و موعظه و انجام وظائف شرعیه اشتغال دارد و نیز تدریس فقه و اصول را می‌نماید.

آثار ارج‌داری دارند که از نظر ارباب فضل می‌گذرانم.

۱- تفسیر سوره یوسف

۲- قصص و تواریخ قرآن مجید

۳- مشعل نجات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، شکراللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۸ ق)، خطاط و عالم. ملقب به افضل خان. از فحول علما بود که در علم حساب و هیئت و هندسه و سایر فنون ریاضی متبحر بود. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و در محضر پدرش به تصحیل علم و خط و حساب پرداخت. پس از فوت پدر، در دیوان خراج جانشین او شد و چندی بعد ترک خدمت گفت و با تقی‌الدین محمد شیرازی مصاحب شد و علم منطق و حکمت را از او آموخت. سپس به قزوین و همدان رفت و از محضر ابراهیم حسن همدانی کسب افاده کرد و از آنجا به عراق عرب رفت و پس از زیارت عتبات، رخت به هندوستان کشید و در شهر برهانپور مصاحب عبدالرحیم خان و به منصب دیوانی شاهزاده خرم، گماشته شد و لقب افضل خان را از او گرفت. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۱/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۱ -۲۹۰/ ۳)، مآثر رحیمی (۳۰ -۲۷/ ۳).

شیرازی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم شیرازی از مجاورین حایر حسینی در قرن سیزدهم ه بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیروانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۴ / ۱۲۵۳ -۱۱۹۴ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به تمکین. معروف به مست علیشاه. وی در شهر شماخی متولد شد. در پنج سالگی به همراه پدرش به عتبات عالیات رفت و تا سن هفده سالگی در آن سامان مشغول به تحصیل بود. سپس سفر و سیاحتی طولانی در پیش گرفت و بیشتر بلاد و شهرها را دید. او زمان این سیر و سفرها را سی و هفت سال نوشته و تفصیل آن و دیدار بزرگان و مشایخ و شرح عجایب و غرایب را نزدیک به صد هزار بیت به نظم آورده است. وقتی در قمشه قصد قتلش کردند، او فرار کرد و نسخه‌ی اشعارش به غارت رفت. در نهایت خدمت جعفر کبودر آهنگی مجذوب علیشاه رسیده و طریقه‌ی ایشان را اختیار کرد و بعد از فوت او خلیفه و جانشین وی و قطب آن سلسله شد. علمای شیراز با او به مخالفت برخاستند و او ناگزیر از شیراز به آذربایجان رفت و پس از چندی دیگر بار به شیراز بازگشت. از جمله کسانی که به او معتقد بوده‌اند، محمدشاه قاجار بوده است. وی معاصر صاحب «ریاض العارفین» بود. در اواخر حال، از تهران به شیراز و بعد از آن به مکه رفت او در وادی خلیص درگذشت و در جده در جوار قبر معروف به حضرت حوا دفن گردید. از آثار وی: «بستان السیاحه»؛ «حدیقه یا حدائق السیاحه»؛ «ریاض السیاحه».[۱]

زین‌العابدین شیروانی بن ملا اسکندر ادیبی فاضل مؤلفی جامع از شعراء و عرفاء و فضلا زمان خود و اهل شیروان قفقاز بوده است. وی در نیمه ماه شعبان ۱۱۹۳ ق در شیروان متولد شده و در سن پنج یا شش سالگی با پدر و خاندانش مهاجرت به کربلا نموده و پس از دوران کودکی علوم معموله ادبی و عربی و متون فقه و اصول را از علماء کربلاـ خوانده و به فکر سیاحت در روی زمین افتاده و اکثر بلاد شرق و غرب را دیده و مشاهدات و مطالعات خود را در چند کتاب به رشته تحریر و تألیف آورده که نام آنها را می‌نگارم

۱- بستان‌السیاحه ۲- حدیقهٔ‌السیاحهٔ ۳- ریاض‌السیاحهٔ. در سال ۱۲۵۲ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۶۶ -۱۶۵ / ۷)، حدیقه الشعراء (۱۰۵۷ -۱۰۵۵ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۱ -۱۶۹، ۸۷)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۱۴۷۱ / ۲)، الذریعه (۳۸۵/ ۶، ۱۰۶/ ۳)، شرح حال رجال (۵۲/ ۲)، ریاض العارفین (۲۴۶ -۲۴۵)، ریحانه (۳۳۷ -۳۳۶ / ۳)، طرائق الحقائق (۳۹۰ -۳۸۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۷۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۲ -۱۹۱)، لغت نامه (ذیل/ زین‌العابدین)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲ -۲۶۱/ ۳)، مجمع الفصحا (۱۸۴/ ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/ ۴)، مکارم الآثار (۲۳ -۱۵/ ۱).

شیروانی، محمدشریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدشریف بن رضای شیروانی تبریز دانشمندی بزرگ و مؤلفی فاضل از شاگردان علامه سید علی طباطبائی صاحب (ریاض) و غیر او بوده است. تألیفاتی دارد که از آنهاست:

۱- صدف الشحون در انواع علوم و فنون شبیه کشکول در سال ۱۳۱۴ ق طبع شده است.

۲- نورالانوار در اثبات امامت ائمه اطهار

۳- الشهاب الثاقب در مناقب علی بن ابیطالب (ع)

۴- دوحهٔالاخبار در ذکر اخبار اخیار و اخیار اخبار در آداب و سنن اخلاق مذموم و مستحسن.

۵- مصباح القلوب در فقه.

۶- مصباح‌الاصول در علم اصول

۷- مفتاح القباب

۸- تحفه در علم حساب

۹- رسالهٔ المساحهٔ.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صابری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای حاج شیخ احمد بن غیاث‌الدین صابری همدانی از افاضل دانشمندان و اکابر نویسندگان حوزه علمیه قم است در سال ۱۳۰۴ شمسی در یکی از مضافات همدان متولد شده و پس از طی دروس ابتدائی در محل خود در سال ۱۳۲۰ به همدان رفته و در مدرسه آیت‌الله آخوند ملاعلی مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۴ شمسی عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت در درس وی نموده و تقریرات آن مرحوم را تنظیم و مهذب کرده و سپس در درس زعیم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی فقها و اصولا شرکت نموده و آنها را به رشته تحریر آورده و به نظر شریفشان رسانیده و مورد تشویق و تمجیدشان قرار گرفته و در همان اوقات هم به درس آیت‌الله گلپایگانی حاضر شده و آنها را هم ایضا به عنوان تقریرات نوشته و به طبع رسانیده است.

در سال ۱۳۴۳ شمسی برحسب دعوت شیعیان ترکیه از طرف حوزه علمیه قم به عنوان نماینده مذهبی به کشور ترکیه اعزام گردیده و مدت ۷ سال در استانبول اقامت و منشاء آثار بزرگ و تحول و خدمات شایان مذهبی گردیده است.

مباحثات و مناظراتی با علماء اهل سنت ترکیه و بالاخص علماء حنفی استانبول مانند عمر نصوح انجام داده تا جائی که طرف را به زانوی تسلیم درآورده که بگوید

مگر کسی از علی به خلافت اعلی بوده ولی چه باید کرد اختلافی واقع شده و قابل رفع نیست آنگاه تقاضا نمود که کتابی درباره شخصیت امام صادق علیه‌السلام و مذهب جعفری تالیف نموده و به نظر وی یعنی عمر نصوح مفتی قدیم استانبول برساند و این کتاب هم برحسب خواهش این مفتی و وزارت امور داخله ترکیه نگارش یافته است.

جهت ارشاد گروه علویین کشور ترکیه که بالغ بر ۱۴ میلیون نفرند تصمیماتی اتخاذ کرده و چندین کتابی در این زمینه پرداخته و برای معرفی اهل بیت مذهب جعفری سعی بلیغ نموده نشریه به نام اهل‌بیت به همت عده‌ای از نویسندگان علاقمند به خاندان رسالت هر ۱۵ روزی منتشر می‌ساخت.

علامه صابری مترجم محترم در کشور ترکیه قدمهای بزرگی برای پیشرفت اهداف مقدس اسلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت برداشت که اگر ایادی مرموز استعمارگران و دشمنان اسلام و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام گذارده بود نتایج مهمی گرفته شده بود و بعید نبود که میلیونها نفر از علویین که از شیعیان پر حرارت و محبت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و اولاد معصوم اویند و بسیاری از افراد دیگر به حقیقت واقف شده و پیرو حضرت صادق و ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام شوند.

ولی در سال ۱۳۵۰ شمسی بر اثر مشکلات و فعالیتهای دستگاههای ضد دین ناچار شد ترکیه را ترک گفته و به ایران برگردد، و فعلا در شهر قم ساکن و به اشتغالات علمی و دینی و تالیفات پرداخته است.

ایشان را تالیفات و آثار ارزنده‌ایست که ذیلا نگاشته و به نظر اهل علم و ادب می‌رسانم:

۱- کتاب محمد و زمامداران پیرامون نامه‌های سیاسی پیغمبر اسلام ابتکاری دینی انتقادی سیاسی که مکرر چاپ شده است.

۲- الهدایه الی من له الولایه در موقعیت اجتماعی فقهاء به عربی چاپ شده و آن تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

۳- حول قصیده البرده که در اول قصیده برده که شیخ عبدالحسین وکیلی قمی تخمیس نموده چاپ شده است.

۴- تاریخ همدان در سه جلد در تراجم علماء و شعراء و ادباء و تاریخ بنای همدان.

۵- الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک تقریر درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به نظر آن مرحوم رسیده و تمجید نموده‌اند.

۶- نخبه الاشارات فی احکام الخیارات تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی.

۷- نصایح الاباء للابناء نصایح پدران را به فرزندان از انبیاء و حکماء و امامان و پادشاهان جمع‌آوری در این کتاب نموده است.

۸- حماسه الشهید اشعار و تمثیلات حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ضمیمه دیوان منسوب به آن حضرت که از کتاب خانه‌های اسلامبول به دست آورده.

۹- رساله لاضرر تقریر بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.

۱۰- صلوه مسافر تقریر بحث آیت‌الله بروجردی.

۱۱- خداشناسی مجموعه بحثهائی که در انجمن جوانان استانبول ایراد شده است.

۱۲- راه روشن در اسلام راه اهل‌بیت که به ترکی لاتین در استانبول چاپ شده.

۱۳- روزه در اسلام در فوائد طبی و روحی روزه و مسائل لازم اتفاقی بین فقهاء به ترکی لاتین چاپ شده.

۱۴- شخصیت امام صادق علیه‌السلام این کتاب مجموعه بحثهائی است درباره مذهب جعفری نوشته شده و پاسخ اشکالات به مذهب جعفری و تحقیق در اختلافات اصولی و فروعی است اصل کتاب فارسی و به ترکی لاتین ترجمه شده.

۱۵- رساله‌ای در عشق و حقوق درباره حقوق زن از نظر اسلام.

۱۶- طوبی الاخبار در اخباری که مصدر به لفظ طوبی است کتابی است بسیار ظریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج شیخ محمد گیلانی صابری از علماء اتقیاء قدماء از کیاء حوزه علمیه قم است تولدش در

گیلان واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین حوزه خوانده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری حاضر شده و استفاده نموده و از بدو ورود آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب فقها و اصولا در حوزه درس آن مرحوم شرکت نموده و نیز از آیات عظام و زعماء بعد از وی مانند آیت‌الله العظمی امام خمینی و مرعشی و گلپایگانی و شریعتمداری استفاده نموده و اکنون به مباحثات علمی و مطالعه کتب فقهی و غیره اشتغال دارد و به درس فقه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و بعضی دیگر حاضر می‌شود عالمی متین و متصف به تقوا می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صادقپور وجدی، عباسقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۵ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۱، تبریز.

عباسقلی صادقپور وجدی مشهور به واعظ چرندابی از فضلای تبریز است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی از فضلاء بنام و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در مهرماه ۱۳۲۳ شمسی در قریه (کچو مثقال) اردستان به دنیا آمده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۱ ش به قم مهاجرت نمود، و به تحصیل علوم اسلامی پرداخته و در ضمن تحصیل چون شوق سرشار و علاقه خستگی ناپذیرش او و را به سوی انجمنها و محافل ادبی و قلمی کشانید و در نتیجه در سن ۲۴ سالگی اولین اثر تاریخی و اخلاقی خود (سلمان فارسی) را به اجتماع تحویل داد.

سایر تألیفات و ترجمه‌های وی از این قرار است:

۱- در زمینه تاریخ شرح زندگی اولین مسلمان ایرانی و برگزیده‌ترین صحابی معروف رسول اکرم (ص) (سلمان فارسی)

۲- زندگی قهرمانانه‌ی مالک‌اشتر- سرگذشت پرماجرای (مالک‌اشتر) یاور و مدافع حریم مقدس اسلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام که جوشید و خروشید و سرانجام در راه اداء رسالت از ظرف معاویه شربت شهادت نوشید.

۳- حسین (ع) پرچمدار آزادی- تاریخ فشرده و طرح ساده‌ای از فلسفه شهادت و هدف عزادرای امام حسین (ع) ترجمه (الحسین اسوه) از آیت‌اللّه حاج سید محمد شیرازی

۴- به دنبال نور ظلمت، سرگذشت روانی از مردان تاریخ مانند حر ریاحی، میثم تمار. سعد وقاص که در زندگی بر سر دو راهی قرار گرفته‌اند.

۵- اخلاق خانواده- ترجمه و نگارش سلیس در مورد حقوق زن و شوهر.

۶- اسلام و مسائل جنسی- تجزیه و تحلیل دلنشینی از طرح زناشوئی در اسلام منافع متعه بهداشتی زناشوئی و فلسفه تعدد زوجات.
۷- نقش ثروت در پیشرفت اسلام- ترجمه از (انفقو الکی تتقدمو) تألیف آیت‌اللّٰه سید محمد شیرازی.
۸- طرح ساده‌ای از زیر بنای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام ترجمه‌ای از یکی از آثار شیرین و متین حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدابراهیم جنائی ساکن نجف (مقرر درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی).
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صادقی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۵، گرمه بجنورد.

شهادت: ۷ تیر، ۱۳۶۰ تهران.

حجت‌الاسلام قاسم صادقی، فرزند اسفندیار، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین دکترای الهیات داشت و استادیار دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد بود. وی در دبیرستان‌ها نیز تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم مشهد می‌شود.

از آثار اوست: مسلمان و مادی؛ سفر سیر تکاملی انسان: توحید؛ معاد؛ روح؛ معجزه؛ تکامل (۱۳۷۴)؛ از وی مقالاتی نیز به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام صادقی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد.
بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صافی گلپایگانی، لطف‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم و پانزدهم ق)، عالم دینی و نویسنده. در گلپایگان به دنیا آمد و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نمود و از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی در فقه و اصول استفاده نمود. آن‌گاه به همراه پدر در ۱۳۶۶ ق به نجف مشرف شد. وی از اساتید حوزه‌ی علمیه قم و داماد آیت‌الله گلپایگانی است. از آثارش: «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، در اثبات وجود حضرت امام زمان (عج)؛ «شهید آگاه»، رد بر «کتب شهید جاوید»؛ «ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا لطف‌الله صافی بن العلامه البارع الحاج شیخ محمدجواد گلپایگانی مذکور از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و داماد معظم آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

تولدش در گلپایگان واقع شده و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام و

بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی فقها و اصولا استفاده نموده و مانند برادر ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج‌آقا علی صافی به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد نظر مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شده و اثرات نفیس و ارزنده‌ای از خود منتشر نموده است:

۱- منتخب‌الاثر در اثبات وجود حضرت امام ثانی‌عشر حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء و عجل‌الله فرجه الشریف که مورد نظر و توجه مخصوص آیت‌الله بروجردی واقع و به امر آن جناب به طبع رسیده.

۲- شهید آگاه رد بر کتاب شهید جاوید.

۳- ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۶۷ / ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ -۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۹ / ۲).

صافی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا علی بن العلامه الورع الحاج شیخ محمد جواد گلپایگانی از علماء اعلام و مدرسین با کمال حوزه علمیه قم می‌باشد، در سال ۱۳۳۲ ق در گلپایگان متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات را نزد والد مرحوم خود به قم مهاجرت نموده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی طاب ثراه استفاده کرده و پس از اکمال آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت مدت ۱۶ سال حاضر شده و در میان تلامذه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و پس از آنها آیت‌الله العظمی بروجردی و بعد از وی منحصرا از آیت‌الله العظمی گلپایگانی استفاده کرده و می‌نماید. از آثار اوست: جزوات تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صالح مفتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. وی از دانشمندان ماوراءالنهر و از پیروان مسلک جبریه بود. مولانا صالح علوم دینی را درس می‌گفت و اقسام شعر، از جمله غزل و ماده تاریخ را نیکو می‌سرود. وی با عبیدالله‌خان ازبک (م ۹۴۶ ق) معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۲).

صالحی لاهیجانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ حسن صالحی لاهیجانی از فضلاء بارع و باکمال و دانش حوزه علمیه دارای تولای کامل و حال خوش و معنویت بوده و سالها از محضر آیات عظام حایری و حجت و خوانساری و صدر و فیض استفاده نموده و هم دو سالی به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در سال ۱۳۶۷ ق به مرض سرطان بدرود حیات گفته و در قبرستان حایری مدفون شده است.

مولف با وی مصاحبت و معاشرت بسیاری داشتم حقا اسم با مسمی بوده یعنی حقیقت صالح بود و حال توسل عجیبی داشت مقام حب و ولایش نسبت به خاندان وحی و رسالت بسیار بود منبر گرم و بیانات موثری داشت از او استفاده‌های معنوی زیادی نمودم.

کراماتی از مولای ما حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام درباره ایشان شده که در ص ۲۳۴ ج اول آثار الحجه و کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مطبوع سال ۱۳۶۸ ق یاد شده و در اینجا هم مجمل آن بیان می‌شود.

در گوش آن مرحوم زخم منکر و منتنی بود که چرک می‌کرد و بوی بدی داشت و مدتها در قم و تهران معالجه کرده ولی مفید نیفتاده بود عاقبت مراجعه به مرحوم دکتر لقمان متخصص مرض گوش نموده و وی تشخیص زخم سالك داده که بطی‌العلاج است و نسخه مفصلی از آمپول و روغن و غیره داده بود با تاکید اینکه حتما این دواها را باید بگیری و استعمال کنی تا شاید این زخم کم‌کم بهبود یابد.

مرحوم صالحی گفت از منزل دکتر بیرون آمدم گفتم من که از معالجه خسته شده‌ام چرا مراجعه به دکتر معنوی نکنم و چرا شب جمعه است به سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متوسل نشوم پس به جای رفتن دواخانه به شهر ری آمده و به زیارت حضرت مشرف و عرض حاجت نمودم و قدری از آن گردهای ضریح مطهر به زخم گوش مالیدم و از حرم بیرون آمده در صحن متوجه شدم درد نمی‌کند و دیگر چرکی ندارد گویا اصلا زخمی نبوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صالحی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا سید محمد صالحی امام جماعت مسجد جامعه بابلسر سالهای متمادی است که در این منطقه که تابستان تاریکی از جهت مسافرین دریائی دارد بوظائف دینی و روحی خود اشتغال دارد.

معظم‌له از سادات اصیل و نجیب و ریشه‌دار بابلسر است که در خاندانی توانگر و متمکن بدنیا آمده و والدش که در سلك تجار و مالکین محترم آن سامانست ویرا برای تحصیل علوم قدیمه پس از فراغت از علوم روز و جدید تشویق نموده و ایشان مدتی در بابل آنگاه مراجعت بمشهد مقدس نموده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مدرسین حوزه مشهد خوانده و بعد از آن بقم آمده و چند سالی از محضر آیات عظام و مراجع کرام حوزه آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و سایرین فقها و اصولا استفاده نموده و بعد بوطن مراجعت و تاکنون بانجام وظائف و خدمات دینی مشغول میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صائین قلعه‌ای، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم صائین قلعه‌ای نزیل نجف صاحب تاریخ زنجان متولد ۱۳۴۴ قمری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صبوری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد صبوری قمی از علماء معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۴۴ قمری در قم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و متون فقه و اصول را از علماء آن سامان تکمیل و چند سالی از محضر و درس خارج آیات عظام نجف مانند آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده و به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از چند سالی به تهران منتقل و در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی) بتدریس پرداخته و ضمنا شروع بتعمیر اساسی مسجد خیابان ناصر خسرو واقع در (در اندرون) که رو به ویرانی گذارده بود نموده و با مقاومت و استقامت عجیبی در مقابل سوداگران مسجد را با همت و مساعدت مردم خیر تهران و اصناف خیابان مزبور بصورت آبرومندی بنا و اکنون در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای صبوری از علماء فعال تهران و مورد توجه آیات عظام قم و نجف اشرف و تهران می‌باشد. آثار علمی چندی دارند که از آنها رساله‌ای در حکم و حرمت تراشیدن ریش است که در نجف بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

صبوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم شیخ محمد صبوری از دانشمندان و اصحاب مرحوم آیت‌الله بروجردی بودند که در قم تولد یافته و پس از خواندن مقدمات و تکمیل سطوح از آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و بس از ورود آیت‌الله بروجردی به ایشان اتصال یافته و از درس و بحث آن مرحوم استفاده نموده، پس از رحلت از این دیار فانی در بقعه العلماء قبرستان ابوحسین مدفون گردیده است.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر صبوری که از علماء معاصر تهرانست و در مسجد سه راه درب اندرون تهران واقع در خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت می‌کنند و در مدرسه فخریه مروی هم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند دارای تالیفاتی در حکم حلق لحیه (ریش تراشیدن) و غیره دارد وی تولدش در قم و تحصیلاتش در نجف اشرف و قم بوده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله بروجردی به تهران مهاجرت و تاکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صحاف، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۱۲ ق)، عالم دینی. بر کنارهای صفحات «الالفیه» شهید اول که به خط شیخ علی صحاف موجود می‌باشد و آن را در ۱۲۱۲ ق کتابت نموده است، شروح و تعلیقاتی نگاشته که بر فهم و وسعت اطلاعات وی دلالت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۰ / ۱۳).

صدر ترکه، افضل الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حبیب اللَّه، از مشاهیر این سلسله است که در ۱۳ رمضان المبارک سال ۸۵۰ بدستور شاهرخ در ساوه مقتول گردیده.

دولت شاه سمرقندی در تذکرةالشعراء(:۲۵۶) گوید: شاهرخ، شاه علاء الدین و قاضی امام و خواجه افضل الدین ترکه از بزرگان علمای اصفهان بودند را در شهر ساوه حکم کشتن کرد... گویند دو نوبت ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد و او فریاد می‌کرد که با شاهرخ بگویید که این عقوبت بر ما لحظه‌ای بیش نیست اما پنجاه ساله نام نیک خود را ضایع مساز.

صاحب عنوان را تألیفات و مصنّفاتی است که از آن جمله است ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی که به طبع رسیده است.

در روضات الجنات (:۵۹) وی را به نام فاضل حکیم نام می‌برد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدرالشریعه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. صدرالشریعه بخش ۲) برهان‌الدین محمود بن صدرالشریعه احمد بن جمال‌الدین عبیداللَّه محبوبی بخاری حنفی دانشمند معروف (قر. هفتم ه). ظهور او در حدود سال ۶۳۰ ه.ق. بود. اوراست: وقایة الروایة فی مسائل الهدایة که آن را شروح مفصل است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرالعلماء، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی صدرالعلماء متولد ۱۲۸۱ ق متوفی ۱۳۶۱ ق

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صدرزاده، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر صدرزاده که در جلد پنجم ص ۱۱۹ ترجمشان گذشت ولی عکس ایشان نبود در اینجا تدارک نمودم.

ولادت ایشان در یکی از دهات دامغان واقع ولی معرضا عنه به مشهد مقدس مهاجرت و سطوح اولیه را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و علامه محدث حاج شیخ محمود حلبی و اعلام دیگر به پایان رسانیده و مدت ۱۶ سال منحصرا از فقه و معارف عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی استاد العلماء العارفین و الفضلاء الکاملین آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده و از خرمن علوم و عرفان معظم‌له استفاده سرشار و فراوان بوده و ردیف شاگردان مبرز و ممتاز آن مرحوم درآمده و خود حوزه درس اخلاق و معارف و غیره گذارده تا پس از چهل سال اقامت در مشهد در سال ۱۳۸۴ قمری که بنابر تقدیر الهی به تهران منتقل و در کوچه دردار غربی (کوچه حمام نواب) کوی بیدل ساکن و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارند (و ایشان درک درس مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب و آقازاده کفائی (بزرگ) و آیت‌اللّه قمی را ننمودند).

علی‌اکبر صدرزاده دامغانی از علماء اعلام این شهر و فعلاً مقیم تهران می‌باشد. وی در یکی از مضافات دامغان متولد شده و در آن سامان مقدمات را خوانده و آنگاه مهاجرت به ارض اقدس رضوی نموده و متون فقه و اصول را از علماء بزرگ مشهد چون مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و مرحوم مدرس رضوی و مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و بالاخص مرحوم مبرور عالم ربانی و مدرس صمدانی و آیهٔ سبحانی آیت‌اللّه فی العالمین آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده کامل نموده و از اقیانوس علم و عرفان آیت‌اللّه غروی غرفه‌ها و جام‌ها نوشیده و به مراتب عالیه فضل و کمال ارتقاء یافته و خود به تدریس سطوح عالی مکاسب و رسائل و غیره پرداخته مخصوصاً حوزه درس اخلاقش در مدرسه نواب مربی نفوس و مزکی اخلاق و مهذب قلوب بود و خود نگارنده در سال ۱۳۶۴ قمری که در مشهد اشتغال به تحصیل در مدرسه مزبور داشتم از مجالس پرشور و انقلاب درس اخلاق و دعاء و توسل معظم له بهره‌مند گشته و روح دیگری در خود احساس می‌کردم آقای صدرزاده تا سال ۱۳۸۲ قمری در مشهد اقامت داشت و پس از آن به تهران منتقل و تااکنون در مرکز کشور به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: معظم له عالمی متین و دانشمندی با معنویت و صفاء باطن و متقی می‌باشد داماد ارجمندش جناب ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ محمدحسین بروجردی نجل مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ محمدحسن بروجردی از فضلاء اهل منبر تهرانست که پس از دوره تحصیلی و خواندن متون فقهی و اصولی از راه منبر به خدمات دینی پرداخته و تهران را برای سکونت و تبلیغات خویش اختیار نموده و تا هم‌اکنون مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صدیقین، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد اسماعیل بن محمد ربیع. عالم فاضل زاهد متقی، از علمای پرهیزکار که به زهد و تقوا معروف خاص و عام، و مورد وثوق و احترام کلیه‌ی طبقات بود.

در اصفهان خدمت جمعی از اکابر درس خوانده، و مراتب عرفان را خدمت حاج محمد جواد عارف بیدآبادی تکمیل نموده، و سال‌ها به ریاضت و تصفیه‌ی باطن گذرانیده، تا جامع مراتب صوری و مقامات معنوی شد. الحق ملکی بود به صورت بشر. در مسجد در کوشک امامت و در مدرسه آن تدریس می‌نمود. از طرف مرحوم آیهٔ الله آقاابوالحسن اصفهانی نماینده‌ی تام الاختیار بود.

در شب جمعه دوم صفر سال ۱۳۶۸ به سن متجاوز از هفتاد وفات یافته، در یکی از حجرات تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

از آثار ایشان حواشی مختصری بر تذکرهٔ القبور است.

تذکر: در این اطاق چند نفر از فضلا و دانشمندان معروف اصفهان مدفون می‌باشند که ذیلا به نام آنها اشاره می‌شود:

۱ – آقا میرزا محمد باقر فقیه ایمانی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صفائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین نخبه العلماء العاملین آقای حاج شیخ عباس بن العلامه الکبری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی حایری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) از علماء اعلام و دانشمندان عظام شهرستان قم معروف به فضل و کمال موصوف به علم و تقوا در سال ۱۳۲۲ ق در شهر سامرا متولد شده و تحصیلات خود را بیشتر نزد والد بزرگوار خود خوانده و هم از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۵۸ ق به جای آن مرحوم در (مسجد نو) واقع در خیابان شیخان به اقامه جماعت و ترویجات دینی قیام نموده و تاکنون که نزدیک هفتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به تدریس و تالیف و سایر خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صفرزاده، قنبرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجت‌الاسلام آقا شیخ قنبرعلی صفرزاده فرزند مرحوم قربانعلی نجف‌آبادی در تاریخ ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و از سن ده سالگی اشتغال به تحصیل علوم دینیه در مدرسه جده بزرگ اصفهان داشته و دروس مقدمات و سطوح را در خدمت عالمان بزرگ اصفهان به پایان رسانیده و هم از دروس خارج آیات عظام آنجا بهره‌مند و از طرف مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا ابوالحسن شهید شمس‌آبادی و بعضی آیات دیگر متصدی پرداخت و تقسیم شهریه طلاب حومه اصفهان گردیده تا در روز شنبه ۱۳۵۴/۱۲/۱۶ شمسی مفقود و بعد از شهادت مرحوم شمس‌آبادی در پنجم خردادماه ۱۳۵۴ شمسی جنازه‌اش در چاهی از اطراف نجف‌آباد کشف و پس از تحقیقات معلوم گرید که آن مرحوم هم مانند آیت‌اللّٰه شمس‌آبادی و بعضی دیگر به دست طرفداران ضد ولایت مقتول و شهید گردیده است. پس از انقلاب در دهه اول انقلاب مشخص شد قاتل وی نیز از عوامل مهدی هاشمی معدوم بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صنعانی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و واعظ کامل، در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بوده، در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده، در ۱۱۵۰ در شهر صنعاء یمن ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته است.

قبرش در جنوبی شهر صنعاء زیارتگاه است

مادّه تاریخ وفاتش را ادیب احمد بن حسین الرکیحی گفته است:

هذا صریح الواعظ المتقی

علاّمهٔ العصر فصیح اللسان

ناداه رضوان بتاریخه

یا خلد ابراهیم اسنی الجنان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صیقلانی رشتی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ق)، عالم دینی. اصل وی از صیقلان از توابع خمیران رشت است. به نجف رفت و در درس و بحث آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی مدت زیادی شرکت کرد و «تقریرات» درسها و بحثهای وی را نگاشت. وی در ملجس درس دیگر علمای نجف نیز حاضر شد. سپس به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. او در اواخر عمر برای زیارت عتبات مجددا به عراق رفت و در نجف درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۹/ ۱۴).

ضیاءالدین یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ -۸۸۲ ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند.[۱]

یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. ۸۷۳ ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولا به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیهٔ» نامزد کرده و نیز تحفهٔالاحرار خود را خطاب به همین فرزند- که در آن هنگام چهار سال داشت- به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲ / ۳)، از سعدی تا جامی (۷۷۴، ۷۶۳) بهارستان جامی (مقدمه/ ۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵، ۴۷۰ / ۴)، حبیب السیر (۳۸۶ / ۳)، رشحات عین الحیات (۲۸۵ -۲۸۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، نفحات الانس (مقدمه/ شانزده چهل و دو).

ضیائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر ضیائی از فضلاء معاصر است در آستانه.

وی سالهای متمادی در قم اقامت داشته و از آیات عظام گذشته چون مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از پایان تحصیلات به گیلان مراجعت و در آستانه رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

وی از اعضاء موثق انجمن ضد بهائیت است و در این رشته مطالعات بسیاری دارد و افراد زیادی از مبتدیها و حتی افراد متعصبی را ارشاد و از انحراف نجات و براه هدایت رهبری و از خرافات و موهومات بهائی گری خلاص و رهائی بخشیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ضیائی سقزی، عبدالرؤف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم.

تولد: ۱۲۷۲، سقز.

درگذشت: ۱۳۶۵، سقز.

ملا شیخ عبدالرؤف ضیائی متخلص به «عاشق» فرزند حاج شیخ مصطفی نقشبندی (قطب طریقه نقشیه سقز)، تحصیلات مقدماتی را نزد جد پدری آموخت و بعدها در محضر اساتید و علمایی چون ملا صالح فخرالعلما و ملا عبدالعظمی مجتهد و حاج شیخ محمود و ملا عبدالعزیز مفتی سقز، و ملا صالح امامزاده و استاد ملا عبدالقادر مدرس بیاره به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی معمول فراغت از تحصیل را دریافت کرد و شروع به تدریس نمود. در ابتدای جوانی به زراعت در ملک موروثی و شخصی سرگرم بود. در سال ۱۳۰۱ رییس اوقاف و صنایع مستظرفه شهرستان سقز شد .و در سال ۱۳۰۳ قاضی شرع دادگاه‌های سقز شد. در سال ۱۳۰۸ مسئولیت ریاست اداه فرهنگ و اوقاف را قبول نمود و پس از مدتی به ریاست اداره دارایی و دخانیات سقز منصوب و آخرین سمت او معاونت اداره حوالجات در خزانه‌داری کل بود. و چون سنوت خدمتی او به حد نصاب قانونی رسید با داشتن آخرین رتبه و مدارج اداری بازنشسته شد.

ملاـ ضیائی به زبان‌های فارسی و کردی شعر می‌سرود و آثاری از اشعارش به جای مانده است که منتشر نشده است. در فقه نیز دارای رسالاتی است. از جمله آثار به چاپ شده وی می‌توان به یادداشت‌هایی از کردستان اشاره نمود که پس از فوت وی در سال ۱۳۶۷ به اهتمام عمر فاروقی به چاپ رسید.

پیکر ملا شیخ عبدالرؤف ضیائی در سقز تشییع و در آرامگاه خانوادگی در کنار مرقد پدرش دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیائی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه ضیایی از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالیه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید حسین، پدر بزرگوار سید عبداللّه ضیایی مردی متدین و شب زنده‌دار بود و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج‌کاری) و نوغان داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعبدالله ضیایی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلمان طالقانی – که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند – قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سندِ اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کُشتی‌گیریِ گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید. آیت اللّه دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید. دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و سیره عملی معصومین (ع) بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود.آیت اللّه دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس

خارج آیت اللّه بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره‌مند شد.اقامت آیت اللّه ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه»و «رسائل» و «مکاسِب» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی۴ شرکت جست. وی در این باره می‌نویسد:«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی – که شاید در علم اصول بی‌نظیر بود –، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت اللّه خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلای تهران و قم – که از آن جمله شهید مطهری بود – در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.»خاطرات و وقایع تحصیل : سید عبداللّه ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد:«من به همراه عدّه‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجرّدی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم.در سال ۱۳۲۳ ه . ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». دکتر محمدضیایی در مورد تحصیل در آن دوران اینگونه می گوید که: «تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت اللّه خوانساری پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، وسوسه‌های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرید و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.»دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاةٰ» حُسن ظنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: (اهم یقسمون رحمهٔ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.)وقتی این آیه را دیدند، کانّه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء اللّه همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»استادان و مربیان : از استادانی که سید عبداللّه ضیایی در محفلشان کسب فیض نمود می توان به : آیت الله بروجردی، طالقانی، حاج سیداحمد خراسانی، حاج عماد الدین غروی رشتی، آقا باقر اشتیانی، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد.وقایع میانسالی : با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی‌نظیر سید عبداللّه ضیایی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و متعددی در همه شهرها، بخش‌ها و روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم

و... منعقد شد.فرزندان آیت اللّه ضیایی نقل کرده‌اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد ؛ به طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛ ولی پس از چندی، ایشان به هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا برگرداندید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده‌ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمّم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب بپاشید، مگر نمی‌بینید؟! و چندین بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قامت برخاستند و در حالی که می‌خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه می‌کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به یاد جمله امیرالمؤمنین (ع) افتادیم که فرمود:یا حار هَمْدانِ مَنْ یَمُتْ یَرَنی‌مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُنافِقٍ قُبلاًزمان و علت فوت : سید عبداللّه ضیایی، که به امراض معده و سرطان مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضرت ابی‌عبداللّه (ع) در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید عبداللّه ضیایی ، بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد از آیات عظام، به امر مراجع تقلید، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضرت امام خمینی (ره) ، مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.دکتر ضیایی مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی - که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود - ، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان به منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می‌کرد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم سید عبداللّه ضیایی از جمله شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلک‌ها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید دانشگاه‌ها، فرهنگیان، گروه‌های مختلف از قبیل توده‌ای‌ها، بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش به سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد ؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می‌رفت و در این راستا با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت اللّه احسان‌بخش، آیت اللّه قربانی و...، همکاری داشت. به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین برنامه جهت ساماندهی و قانون‌مندی دروس و امور مربوط به طلاب تدوین شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید عبداللّه ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خدمات وی است:.۱ بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، با تجهیزات کامل..۲ تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می‌کنند..۳ احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا..۴ احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه..۵ احداث و مرمت مساجد و حسینیه‌های فراوان در منطقه..۶ احداث پمپ بنزین..۷ احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و... .. ۸ اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های

پسندیده و موفق وی در این باب بود.از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می کنند.چگونگی عرضه آثار : سید عبداللّه ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

طارمی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ / ۹۸۱ ق). دانشمند و شاعر. متخلص به طارمی. اهل طارم و برادرزاده ملا صادق محدث بود. در ابتدای عمر و در زمان جلال‌الدین محمد اکبر به هندوستان رفت. چندی در آنجا بود. سپس به عربستان رفت و نه سال. در اماکن شریفه. کسب علوم متداوله و حدیث کرد و مجددا به هندوستان بازگشت و در آن دیار با عزت زیست تا درگذشت. در تذکره‌ی «روز روشن». شرح «مشکاه المصابیح» و شرح «فقه اکبر» از آثار وی دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۰ / ۲). تاریخ نظم و نثر (۵۴۸). تذکره‌ی روز روشن (۴۹۲). فرهنگ سخنوران (۵۷۹). کاروان هند (۷۵۸ –۷۵۷ / ۱). هفت اقلیم (۲۰۲ / ۳).

طالقانی کجوری مازندرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۴ ق)، عالم دینی و نویسنده. از آثار وی: «کشف الشکوک عن الشاك و المشکوك»، به عربی، که در زمان حیات مؤلف، در ۱۳۱۴ ق، به چاپ رسید؛ «الرساله فی قاعده الضمان»، به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰ / ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۳ / ۱).

طالقانی، عارف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل مراغی در (المأثر والاثار) ص ۲۲۳ گوید. میرزا عارف طالقانی در تهران کتب حکمت و کلام طب و منطق و ریاضیات را تکمیل می‌کرد و از چند سال قبل جناب مستطاب حسنعلی خان امیر نظام کروسی او را به سمت ملاباشی‌گری فرزند خود به دارالسلطنه تبریز احضار نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، محمد کاظم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسین. عالم زاهد فاضل، متوفی به سال ۱۱۱۷، قبرش در خارج تکیه‌ی میرزا رفیعا بوده؛ و اکنون جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طالقانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید العلامه السید احمد ابن العلامه الجلیل السید محمدتقی می‌باشد.

وی در سال فوت مرحوم جدش علامه سید محمدتقی ۱۳۲۵ ق در تهران متولد و لذا بنام جدش موسوم گردیده است والده ماجده‌اش خواهر زاده علامه بزرگوار تهرانی مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) بوده است.

(وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه. نسبش به امامزاده سید نصرالدین از فرزندزادگان امام باقر (ع) می‌رسد. در نجف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه کمری و دیگران استفاده نمود و از جمعی از علمای بزرگ همچون علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوه‌کمری و فاضل ایراوانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمی و علامه سید علی، مؤلف «البرهان» و دیگران به دریافت اجازه نایل شد. وی در حدود ۱۳۰۰ ق به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی پرداخت تا درگذشت. او در مسجد ماشاءالله شهر ری جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون شد. از آثار وی «المظاهر العقلیه»، در اصول دین و اجتهاد و تقلید و فروع فقهی است. بر این کتاب اجازه‌ی فاضل ایروانی و سید محمد تقی قزوینی، در ۱۲۹۵ ق، مکتوب است.[۱]

السید محمدتقی بن السید احمد بن السید محمد بن السید احمد الحسینی اوزانی طالقانی والد مرحوم سید احمد آنف الذکر که نسبش بامامزاده جلیل‌القدر سید نصیرالدین مدفون در خیابان (خیام) امروز منتهی و از آن بزرگوار بامامزاده واجب التعظیم و لازم التکریم حضرت سلطان علی بن الامام الهمام ابی‌جعفر محمد الباقر علیه‌السلام مدفون (در اردهال) کاشان و معروف به مشهد قالی منتهی میشود.

وی در نجف اشرف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران استفاده نموده و از جمعی از علماء بزرگ مانند علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوهکمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمدحسن

کاظمی و علامه سید علی مولف (البرهان) و دیگران بدریافت اجازه اجتهاد و غیره نائل شده و حدود ۱۳۰۰ ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی نموده تا در محرم سال ۱۳۲۵ ق وفات و در مسجد ماشاءاللّٰه شهر ری در جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون گردیده است.

دارای تألیفات عددیه مبسوطه که از آنها است (المظاهر العقلیه) می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶۴ / ۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ –۲۴۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۶ –۵۰۵ / ۴).

طالقانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدرضا آل محمد طالقانی از علماء اعلام قم و قدماء حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و سالهاست در قم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد نسب این بزرگوار به امامزاده سید نصرالدین مدفون در تهران در خیابان خیام دارای قبه و بارگاه می‌باشد می‌رسد و آن جناب با مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی و کلیه اعلام طالقان که در تهران و نقاط دیگرند بنی‌اعمام و از یک سلسله می‌باشند.

ولادت ایشان حدود ۱۳۳۰ قمری در طالقان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به تهران و از آنجا به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح از آیات عظام و مدرسین والامقام حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی به درس مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بعد بالغ بر هیجده سال از ابحاث علامه الکبری و زعیم الاعلی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمهم‌الله استفاده نموده و ضمنا در محل خود به ترویج دین و اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

نسب شریف ایشان و کلیه سادات طالقانی تهران و قم منتهی به امامزاده سید نصرالدین تهران و از او به امامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم جناب ابوالحسن سلطان علی بن امام الهمام ابی‌جعفر محمدالباقر علیه‌السلام مدفون در مشهد قالی کاشان شهید در روز هفدهم مهرماه (هفدهم پائیز) می‌شود و همه ساله در روز مذکور ده‌ها هزار نفر از اطراف بلاد در آن محل حاضر شده و مراسم خاصی را از برداشتن قالی و غیره انجام می‌دهند و نگارنده چندین مرتبه در آن مراسم شرکت داشته و ناظر بوده‌ام.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طالقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محی‌الدین طالقانی بن السید الجلیل سید کاظم از علماء با فضل و تقوای معاصر تهران بودند که در یکی از قراء طالقان بدنیا آمده و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته و پس از طی مقدمات در محل در سن شانزده سالگی به تهران آمده و ادبیات و سطوح را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی مذکور خوانده و در سال

۱۳۴۲ قمری مهـاجرت به قم نموده و مـدت ۹ سال از محضـر مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی حایری بهره‌منـد گردیـده علم اصول و اخلاـق را از مرحوم آیت‌اللّٰه حـاج شـیخ مهـدی حکمی قمی فراگرفته و در شوال ۱۳۵۱ ق بنابر تقـدیر الهی که مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی وفات نمود برای انجام وصیت ایشان به تهران آمده و پس از انفاذ وصیت مجددا معاودت به قم نموده و در آن موقع جمـاعتی از محترمین محله قنـات آبـاد تهران به قم آمـده و از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری تقاضای ایشان را نموده و آن مرحوم هم وی را ملزم برفتن تهران نمودنـد و ایشان پس از ورود به آنسامان تا آخر عمر به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد مقدس اقامه جماعت نموده و نشر معارف اسلام و مذهب جعفری نموده است.

از آثار ایشان است: ۱- شرح زیارات وارث ۲- شرح دعاء ندبه ۳- رساله مفتاح السعاده ۴- رساله در اثبات افضلیت مومنین عجم بر عرب.

(س چهـاردهم ق)، عـالم دینی. در یکی از روسـتاهای طالقان به دنیا آمـد. از کودکی به تحصـیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقـدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و ادبیات و سـطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سـید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و مـدت نه سال از محضـر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حایری بهره‌مند گردیـد. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شـیخ مهـدی حکمی قمی فراگرفت. برای مـدت کوتاهی به تهران آمـد ولی دوباره به قم بـازگشت.امـا به درخواست مردم قنات‌آباد تهران و الزام آیت‌الله حایری، مجـددا به تهران آمـد و در محله قنات‌آباد به انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: شـرح «زیارت وارث»؛ شـرح «دعاء ندبه»؛ رساله‌ی «مفتاح السعاده»؛ رساله در «اثبات افضلیت مؤمنین عجم بر عرب».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۵۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۲ -۵۱۱ / ۴).

طالقانی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مسـیح طالقـانی از علمـاء مبرز و مدرسـین ممتاز مـدرسه خان مروی تهران بوده و بسیاری از علماء بزرگ تهران ماننـد مرحوم آیت‌اللّٰه حـاج میرزا عبـداللّٰه سـعید تهرانی و مرحوم حجهٔ‌الاسـلام حاج شـیخ مرتضـی زاهـد (حمام گلشـنی) و دیگران از آن مرحوم استفاده نموده‌اند.

آن مرحوم در سـال ۱۳۲۷ قمری از دنیـا رفته و در قبرسـتان ابن‌بـابویه در ایوان مقبره فیلسوف بزرگ و حکیم سترک سـید المتالهین میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی مدفون گردیده و ماده تاریخ وفاتش آیه کریمه‌ی (لن یستنفک المسیح ان یکون عبداللّٰه) می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محی‌الدین طالقانی از علماء دانشمندان معاصر تهران است. تولدش در تهران واقع شده و پس از پرورش در بیت علم و سیادت و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر بزرگان و مراجع و مدرسین حوزه کسب علم و فضیلت نموده آنگاه به تهران مراجعت و بخدمات دینی و روحی پرداخته و در جای مرحوم والدش نیز اقامه جماعت و رهبری مردم آن محیط را بعهده دارند، دارای تألیفات عدیده و آثار بسیاریست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا هادی عبادی طالقانی بن العلامه الایه الحاج شیخ محمدحسن طالقانی از افاضل این خاندان و داماد معظم مرحوم آیت‌اللَّه العظمی صدر بودند تولدش در تهران واقع و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیلات علوم دینی به قم مهاجرت و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم شرکت نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به تهران آمده و از طریق جلسات و مباحثات دینی خدماتی در حدود خود انجام داده تا در سال ۱۳۸۸ قمری که در سنین جوانی بدرود حیات گفته جنازه‌اش حمل به قم و در مقبره شیخان بخاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا یحیی عبادی طالقانی بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه مرحوم حاج شیخ محمدحسن طالقانی از علماء بنام و افاضل کرام معاصر تهرانست در سال ۱۲۹۵ شمسی در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید تا پایه سیکل اول متوسطه شروع بتحصیل علوم عربی و دینی نموده و مقدمات را در تهران خوانده و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۳ قمری بامر مرحوم والدش مهاجرت به قم نموده و ادبیات را خدمت مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی و آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی تکمیل نموده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه صدر حاضر شده و چند سالی هم از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده کرده تا بدرجات سامیه علم رسیده و در سال ۱۳۷۱ قمری به تهران مراجعت و پس از فوت مرحوم والد در مسجد آن مرحوم که در خیابان ظهیرالاسلام شاه‌آباد واقع است به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب حجهٔالاسلام آقای عبادی از دانشمندان باتقوا و متانت و مانند والدش بملکات فاضله اخلاقی و کمالات نفسانی و معنوی متصف و موصوف می‌باشند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است ۱- رساله‌ای در جبر و تفویض ۲- اثبات امر بین‌الامرین ۳- تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حجت مباحث الفاظ در اصول و لباس مشکوک در فقه.

آثار خیر آن جناب بسیار من جمله ۱- تعمیر اساسی مسجد طالقان ۲- تعمیر مسجد کوچک سراج‌الملک واقع در خیابان ملت ۳- تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان ۴- مساعدت به تأسیس دبستان اسلامی کنی در حسین‌آباد مزبور.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهر اصفهانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم و شاعر. پدرش فرزند حوابیگم، دختر شاه عباس اول، بود. به تصریح مؤلف تذکره‌ی «نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) در سرودن شعر مهارت داشته است. طاهر گویا در اصفهان می‌زیسته و در همان شهر وفات یافته است. از آثار وی: « تقویم الصلاه، مجدول» که به خط محمد جواد شریفی، چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۹۷ -۳۹۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳)، الذریعه (۶۴۰ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ / ۳).

طاهر، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا طاهر در سال ۱۳۰۷ شمسی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد. وی ضمن تدریس در مدارس شهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسی پرداخته. آثاری نیزبه طبع ونشر رساند در اندک مدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشگاهی مطرح شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تصحیح تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصیلات مقدماتی . متوسطه . رشته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشغول گردید . استاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقایع میانسالی : غلامرضا طاهر در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ دچار عارضه سکته مغزی شد و این مساله باعث شد که زبانش از تکلم افتاده و دست راست و پای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهد . در این ایام و در بستر بیماری استاد طاهر جز مطالعه قرآن کریم ،حوصله مطالعه کتاب و نشریات دیگر نداشت . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرستان های شهر رضا ، از سال ۱۳۵۳ به دانشگاه اصفهان دعوت شد و تا سال ۱۳۵۷ با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت ۳۰سال

دبیر دبیرستانهای شهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعد ندید آن جا را ترک کرد و به زادگاه خود برگشت . آثار : تالیف فرهنگ لغات طبی یونانی در کتاب های فارسی ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .۲ ترجمه پنج داستان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شده و در نشریه یغما از سال ۲۲تا سال ۳۱ آن منتشر شده است .۳ ترجمه رمان اللقاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۴ ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .۵ تصحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تالیف حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم است و تصحیح انجام شده در سه جلد توسط بنیاد فرهنگ ایران در سالهای ۱۳۵۰و ۱۳۵۱ شمسی منتشر شد.۶ تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال ۱۳۵۵ توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دو جلد منتشر شد.۷ حدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه ۱۳۷۹ شماره ۳۶

طاهری خرم‌آبادی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوطالب طاهری خرم‌آبادی از علماء مبرز و مشهور این شهرستان بوده است که پس از آنکه سالها در بروجرد و نجف اشتغال به تحصیل داشته به خرم‌آباد مراجعت نموده و سالیان درازی در آن سامان به ترویج و تبلیغ احکام مشغول بوده‌اند.

معظم له نفوذ کلام عجیبی در میان عشایر و خوانین لرستان داشته‌اند به طوری که خوانین و عشایری که از حکومتهای وقت حساب نمی‌بردند از ایشان حساب برده و در فرمانش بودند چه بسیار اختلافات شدیدی که با دخالت ایشان به آسانی حل گشته و از عواقب وخیم آن جلوگیری به عمل می‌آمد و عمده عاملی که این نفوذ و تاثیر کلام را در ایشان بوجود آورد مقامات معنوی و روحانی ایشان بوده که در هرکس که یافت شود کم و بیش آثارش در جهات گوناگون دیده خواهد شد. مردی بود در کمال بی‌اعتنائی به دنیا و در روزگاری که به آسانی می‌توانست املاک و ثروت زیادی از طریق مشروع و از غیر وجوه شرعیه بدست آورد ولی به خاطر زهد و پارسائی و بی‌اهمیت بودن مظاهر مادی در نظرش قدمی در این راه برنداشت و یکی از علل معنویت وی علاقه عجیب او به ائمه‌ی اطهار و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بکاء شدید او در هنگام وعظ و تبلیغ و یا شنیدن مصائب آنان به او دست می‌داد عمری را در راه انجام وظیفه و تبلیغ و ارشاد مردم به پایان رسانیده و در سنه ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفته و به اجداد گرامش پیوست.

از باقیات الصالحات ایشان فرزند برومند وی جناب ثقةالاسلام و عمادالاعلام دانشمند گرام آقای حاج سید محمدصالح طاهری می‌باشد که اکنون در قم اشتغال به تحصیل و در مواعظ وعظ و تبلیغ ماه رمضان و محرم و صفر در شهرهای مختلفی که دعوت می‌شوند انجام وظیفه می‌نمایند. گوینده‌ی توانا و خطیبی ارجمند می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری خرم‌آبادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طاهری خرم‌آبادی فرزند مشهدی طاهر از فضلاء معروف و بنام حوزه علمیه قم است.

تولد ایشان در سال ۱۳۴۲ ق در یکی از مضافات خرم‌آباد واقع شده و والدش که از کشاورزان و متقین آن حومه است.

و اکنون حدود یکصد و پنج سال از عمر او می‌گذرد وی را تربیت و پس از خواندن دروس فارسی به خرم‌آباد آمده و مقدمات را در آنجا خوانده و در سال ۱۳۶۲ ق به بروجرد رفته و قسمتی از سطوح را در آنجا خواند.

سپس در سال ۱۳۶۵ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و اساتید دیگر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی کسب فیض می‌نماید.

آثارشان از اینقرار است:

۱- رساله‌ای در ایمان و اوصاف مؤمنین.

۲- رساله‌ای در فضائل امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم‌السلام که غالب آن از کتب عامه است.

۳- رساله‌ای در امور متفرقه.

۴- رساله‌ای در تقریرات آیت‌اللّه العظمی بروجردی.

۵- رساله‌ای در تقریرات درس خمس ایشان

۶- رساله‌ای در قضاء و شهادت تقریرات آن مرحوم که تاکنون مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری شاهرودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر فرزند عالم جلیل مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری شاهرودی (امام جمعه) شهرستان شاهرود از افاضل دانشمندان آن سامان و مدرسین حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در تاریخ ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۰ قمری بـه دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در شاهرود به قم عزیمت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی فقها و اصولا و نیز آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده.

و بعد از رحلت والد ماجدش در سال ۱۳۳۷ قمری به شاهرود آمده و پس از مدت کوتاهی توقف باز به نجف و ادامه به تحصیل

داده و جمعا حدود بیست و دو سال در شاهرود و قم و نجف اشرف جدیت و کوشش در راه علم و دانش نموده تا به مدارج عالیه رسیده و پس از آن به وطن مالوف برگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس فقه و اصول پرداخته و پس از پیروزی انقلاب و تبدیل حکومت شاهنشاهی به جمهوری اسلامی به سمت امام جمعه‌ای شاهرود منصوب گردیده و تا حال تحریر و تألیف این کتاب به خدمات یاد شده اشتغال دارند و ضمنا از سال ۱۴۰۸ قمری برابر ۱۳۶۶ شمسی برای تدرس به حوزه‌ی علمیه قم آمده و جز روزهای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل که باید در شاهرود ایفاء وظیفه کند در قم در مدرسه علمیه آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی به تدریس سطح عالی و خارج مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا احمدعلی طاهری سبط علامه آخوند ملا محمدطاهر قمی از فضلاء معاصر است در بردسیر کرمان ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در بلده طیبه قم به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی بتحصیل علوم و عربی پرداخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید قم مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و حجهْالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران فراگرفته و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و غیرهم فراگرفته و پس از پایان به درس خارج آیات نظام مخصوص آیهْاللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ی کامل نموده و به امر معظم له عزیمت به (بردسیر کرمان) و تا حال تحریر که نزدیک بیست سالست که در آن سامان به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارند.

آنجناب همسر سبط مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی (مؤسس) حوزه علمیه قم و داماد آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد تویسرکانی (و شوهر خواهر حجهْالاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد غروی سبط حایری می‌باشد) و به تقوا و فضل و متانت موصوف و در بردسیر و میناب و منطقه استان کرمان خدمات تبلیغی بسیار نموده و منشأ آثار بزرگی شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی طاهری قمی نیز از افاضل مبلغین و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند که اکنون از طرف آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی در (قروه کردستان) اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال دارند تولد ایشان نیز در قم واقع و سالیان دراز از محضر آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی و گلپایگانی و غیرهم استفاده و برای تبلیغ مسافرتها به کویت و بحرین و پاکستان و هندوستان و غیره نموده است در مرم سال ۱۳۸۸ قمری ایشان را در کراچی ملاقات و در انجمن ایرانیان آنجا از طریق منبر و موعظه مردم را ارشاد و تبلیغ می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قهدریجانی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فخرالدین طاهری قهدریجانی فرزند شیخ محمدتقی که خلفا عن سلف از خانواده علم و فضیلت بودند.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در قهدریجان نجف‌آباد اصفهان به دنیا آمده و پس از طی دروس ابتدائی در زادگاه خود برای فراگرفتن علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده ولی بیش از دو ماه نگذشت که پدرش از دنیا رفت و چهار پسر باقی گذارد که مرحوم طاهری بزرگترین آنها بود و پس از فوت پدر با مشکلات سختی مواجه شده بود از طرفی سرپرستی و تامین امور معاش برادران خردسال خود از طرفی هم مشکل ادامه تحصیل.

اما نامبرده با توکل بر خدا و تائیدات الهی استقامت کرده و هم ازدواج نمود و هم با تحمل فشارهای گوناگون زندگی به تحصیلات خود ادامه داد و علوم مقدمات و ادبیات را نزد اساتید اصفهان به انجام رسانیده و عزیمت به قم نموده و دروس سطح را از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم صدوقی یزدی و حاج شیخ عبدالرزاق قائینی فراگرفت و پس از طی دروس سطح از درس خارج حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نموده و هم مدتی از دروس فقه و اصول امام راحل بهره‌مند شده و در تعطیلات ماه مبارك رمضان و ایام عاشوراء محرم و ماه صفر برای تبلیغ دین و ترویج احکام مسافرت به اصفهان و حومه آن و نقاط دیگر نموده و از طریق سخنرانی و منبر نسبت به خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت حسین علیه‌الصلوه والسلام که علاقه مفرطی داشت انجام وظیفه می‌نمود که سرانجام در بازگشت از ماموریت تبلیغاتی خود در جاده قم به اصفهان در تاریخ چهارم صفرالمظفر ۱۴۰۰ قمری برابر با ۴ دی ماه پنجاه و هشت شمسی در سن پنجاه و شش سالگی به شهادت رسید و در گلستان شهداء اصفهان در جوار شهداء انقلاب اسلامی ایران به خاك سپرده شد و برخی از دانشمندان اصفهان در ماده تاریخ رحلت او چنین سروده‌اند:

طاهری آن یگانه حامی دین

فخر دین افتخار دین مبین

حافظ شعر و حجت اسلام

واعظ خلق و پیر و آئین

پیک حق را بجان اجابت کرد

شد به پاکان راه دوست قرین

بود از دست دوستان دلتنگ

از جهان شد سوی بهشت برین

چهارم ماه از صفر براه سفر

شد شهید از تصادف ماشین

دل به تاریخ او بگفتا وه

قد نجا الطاهری و فخرالدین

۱۴۰۰ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد طاهری برادر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حیدر و عمو و پدر همسر فاضل ارجمند آقای حاج سید حسن مذکور است وی چندین سال در قم تحصیل نموده و با مرحوم آیت‌اللَّه بافقی مانند برادرش ارادت تامی داشت و مورد توجه مخصوص آن مرحوم بود و پس از مهاجرت قهری ایشان به خرم‌آباد برگشته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و احکام شرع مبین اشتغال دارد.

نگارنده گوید مترجم معظم از روحانیون وارسته و بزرگوار خرم‌آباد و دارای محامد اخلاق و محاسن آداب می‌باشد ادام اللَّه توفیقاته و کثر اللَّه اقرانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، حبیب‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حبیب‌اللَّه طاهری گرگانی از علماء و ائمه جماعت معاصر گرگانست.

وی در گرگان متولد شده و مقدمات و ادبیات را در آنجا آموخته آنگاه به قم عزیمت و به تحصیل سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند و به نجف مهاجرت و از محضر دروس آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیات دیگر استفاده نموده پس از آن به وطن مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و غیره اشتغال و منشأ آثار و خدمات بزرگی در گرگان گردیده‌اند و ایشان افتخار مصاهرت با آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی را نیز دارا می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، عبدالغفور

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عبدالغفور طاهری از معمرین و علماء بزرگ و بنام یزد بوده و در شب پنجشنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی طاهری لرستانی از فضلاء بنام حوزه علمیه قم است تولـدش در حومه‌ی خرم‌آباد منطقه لرستان واقع و به قم مهاجرت نموده و از آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات عظام مرعشی نجفی و شریعتمداری استفاده نموده و هم‌اکنون از شرکاء درس علمین آیتین شریعتمداری و نجفی می‌باشد دارای مقام فضل و کمال و متعبد و موفق به جماعت و با استعداد و در مباحثات متکلم گاهی موید و گاهی متشکل می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طاهری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخر الدین بن آیت‌اللّه حاج سید محمد جعفر بن العالم الجلیل السید محمد طاهر طاهری شیرازی از علماء و ائمه جماعت معاصر شمیرانست و در مسجد دزایشیب به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

ایشان در شیراز تولـد و در بیت علم پرورش یافته و پس از خوانـدن مقـدمات و قسـمتی از سطوح به قم مهاجرت و سالها از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت عـده‌ای از مؤمنین شـمیران و تصویب آیت‌اللّه بروجردی بشمیران منتقل و در مسجد مزبور ایفاء وظیفه مینماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ طاهر طاهری قمی از علماء محترم معاصرند در شهر ورامین، وی در سال ۱۲۸۹ شمسی در شهر مـذهبی قم متولـد شـده و پس از رشـد و فراغت از دوره تحصیلات فارسی در سال ۱۳۰۴ شمسی درسن ۱۵ سالگی مشغول بتحصیل علوم دینیه گردیده و حدود ۱۳ سال سطوح وسطی و نهائی و غیره را در خدمت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهـدی مازنـدرانی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حـاج سید احمـد خونساری و غیره به پایـان رسانیـده و مـدت سه سال از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه عالم ربانی آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه فیض و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بنابر دعوت و اصرار جمعی از مردم متدین و اصناف شهر ورامین مهاجرت به این شهر نموده و تاکنون که

مدت سی و سه سالست در مسجد بزرگ ورامین (مسجد خاتم‌الانبیاء) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

آثار آن جناب از این قرار است:

۱- تأسیس مسجد بزرگ که در آن اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- تشکیل حوزه علمیه

۳- جامع التفاسیر

۴- راهنمای مبلغین و غیره

ایشان از غالب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازه روایتی و امور حسبیه می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن طاهری محمودی شاهرودی که در جلد پنجم فهرستی از ترجمشان گذشت در اینجا تفصیل آن تدارک می‌شود معظم‌له که سبط مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرمطلب بسطامی هستند.

در سال ۱۳۱۱ شمسی در شاهرود به دنیا آمده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی ابتدائی شروع به دروس عربی نموده و چهارسال در شاهرود تحصیل نموده و پس از آن به قم عزیمت و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین سطوح قم به پایان رسانیده و بعد از آن از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و مرحوم محقق داماد یزدی استفاده نموده و بعد از هشت سال اقامت در قم به نجف اشرف مهاجرت و مدت پنج سال در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّٰه بجنوردی تحصیل دروس خارج فقه و اصول نموده سپس به ایران مراجعت و باز چندی در قم توقف و از محاضر آیات عظام بهره‌مند شده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به شاهرود بازگشت و در مسجد مصلی به اقامه جماعت و درس تفسیر قرآن و وعظ و تبلیغ و در منزل به تدریس فقه و فلسفه و ادبیات اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طاهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمد جعفر طاهری (مجتهد) شیرازی برادر دانشمند طاهری مذکور است، وی نیز در شیراز متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح وسطی به قم عزیمت نموده و غالبا شریک تحصیل برادر خویش بوده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه مرعشی و دیگران بپایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم

زعیم اعظم حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده دروس خارج نموده و بنا بر تقدیر و تقاضای جماعتی از مردم متدین تجریش و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی مهاجرت به آن سامان نموده و تا هم‌اکنون در مسجد تکیه (پائین) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی تبریزی حائری، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۶ ق)، عالم دینی. مشهور به علامه. در تبریز به دنیا آمد. در ۱۳۰۰ ق به همراه پدر به عراق رفت و از علمای بزرگ کربلا- کسب علم کرد. در حرم حضرت سیدالشهداء، اقامه جماعت می‌نمود و مجلس درس و بحثی در منزلش برپا کرده بود برادرانش علم‌الهدی و مفید نیز از او بهره می‌گرفتند. برادر دیگر ایشان سید محمد فقیه بود که تمامی آنان از علمای تبریز بودند. علامه طباطبائی در اواخر عمر به نجف رفت و همان جا درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «اکلیل الرشاد فی تحقیق المعاد»؛ «دلائل الغیب»، در استخاره؛ «لسان الغیب»، در استخراجات نجومی؛ «انیس الادباء»؛ «منهج الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «الوجیز»، در فقه؛ «الاستصواب»، در استصحاب؛ «الریحانه»، در احتیاط و برائت؛«اکلیل الاصول»؛ «لمعات الهدایه»، در اصول؛ «تقویم الاصول»؛ «کرائم القرآن»؛«نفائس الدعوات»؛ «النوامیس الالهیه»، در احکام فقهی؛ «انموذج العلوم»؛ «مشجره‌ی علمای امامیه»؛ «الاشراقات»؛ رساله عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۷، ۳۴۲ / ۱۸ ،۱۵۱ ،۱۰۴ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۸ -۶۶ / ۱۴)،مؤلفین کتب چاپی (۲۶۷ -۲۶۶ / ۱).

طباطبائی نائینی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن نصرالله بن سعید، کتابفروش، عالم فاضل، از خدمتگزاران واقعی علم و دین، که پس از تحصیلات در اصفهان اقدم به تأسیس مدرسه و چاپخانه گلبهار نموده، و کتب زیادی به طبع رسانیده، در اواخر عمر در مشهد ساکن شده، و جهت مسجد گوهرشاد ایجاد کتابخانه‌ای نموده، و قسمتی از کتاب‌های خود را بر آنجا وقف کرده، و هم [در روز جمعه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۷۸] در آنجا وفات یافته و مدفون شد.

چندین مجلّد کتاب جهت مدارس جدید تألیف و چاپ کرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طباطبائی نجف‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر طباطبائی متخلص به هاشمی از علماء و ائمه جماعت و روحانیون خدوم معاصر شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۲۹ قمری هجری در یکی از روستاهای کرون نجف‌آباد به نام احمدرضا چشمه به دنیا آمده و از سن چهار سالگی در مکتب خانه‌ای مشغول به تحصیل شده و تا سن چهارده سالگی دروس فارسی و قرآن را آموخته آنگاه با تشویق جدشان مرحوم آقا سید اسدالله رحمه‌الله برای تحصیل علوم عربی به اصفهان آمده و در مدرسه جده بزرگ سکونت و خدمت مدارس آن مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی سطوح متوسط فقه و اصول را خوانده آنگاه به عللی به زادگاه خود مراجعت و پس از چند سال مجددا برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرستان نجف‌آباد مهاجرت نموده و در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی مشغول به تکمیل مبانی علمی گردیده و رسائل و ریاض و کفایه‌الاصول را خوانده و از محضر آن بزرگوار استفاده اخلاقی و تربیتی نموده است.

در حال حاضر ایشان در مسجد صفای نجف‌آباد به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند. و مورد توجه خاص و بسیاری از مردم این منطقه می‌باشند که در اجراء عقود شرعیه به ایشان مراجعه می‌نمایند دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- ارکان دین درباره اصول عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) که در سال ۱۳۶۳ به طبع رسیده است.

۲- باغستان که کشکولی است از احادیث و روایات مختلفه که مخطوط مانده است.

۳- دیوان شعر بنام دیوان هاشمی.

۴- دیوان انقلابی هاشمی که هر دو به طبع رسیده است.

۵- کلیات دیوان هاشمی

جناب آقای حاج سیدجعفر طباطبائی خاطرات آموزنده‌ای دارند که اگر به رشته تحریر آوردند به صورت کتاب مفید و سازنده‌ای خواهد بود.

دارای هفت فرزند می‌باشند که سه تن آنان در حوزه علمیه اشتغال به دروس خارج فقه و اصول دارند و یکی از فرزندانشان به نام سید محمدعلی در عملیات محرم به فیض شهادت رسیده‌اند و آقازادگان مقیم حوزه علمیه قم نامبردگان زیرند:

۱- جناب آقا سید محمدرضا

۲- جناب آقا سید محمدباقر

۳- جناب آقا سید محمدصادق حفظهم اللّه تعالی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید احمد مهریزی یزدی یکی از چهره‌های درخشان استان یزد و حوزه علمیه قم

می‌باشند که در دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی نماینده محترم مردم استان یزدند، تولد ایشان در روز جمعه نهم دی‌ماه ۱۳۲۲ شمسی در مهریز یزد واقع شده و پس از رشد و تربیت در سال ۱۳۳۵ شمسی در مدرسه مصلی مشغول به تحصیل گردیده و پس از یکسال در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و ضمن فراگرفتن درسهای حوزه تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم ادامه داده و با آغاز انقلاب به رهبری آیت‌اللّه خمینی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی فعالیتهای سیاسی خود را شروع کرده و بارها مورد تعقیب رژیم گذشته قرار گرفته و در رابطه با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۵ شمسی مخفیانه به عراق مسافرت و به نجف اشرف مشرف گردیده و پس از بازگشت به قم در همان سال به حوزه درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد شرکت و ضمنا فعالیتهای سیاسی خود را از طریق سخنرانی و سرود اشعار و تنظیم و تکثیر اعلامیه دنبال کرده و در آذر سال ۱۳۵۷ شمسی سفری به پاریس نموده و به محضر امام راحل راه یافته و نامه‌ها و اعلامیه‌هائی که همراه داشت تقدیم ایشان نموده و بعد از چند روز به منظور رسانیدن پیام انقلاب از پاریس به شهرهای لندن و هامبورگ و قاهره و دمشق و عمان مسافرت و از اردن با لباس مبدل و ناشناس به فلسطین اشغالی رفته و از شهرهای بیت‌المقدس و قدس خلیل و بیت‌اللحم دیدن نموده و طی تماس با جوانان فلسطینی به تشریح مواضع انقلاب اسلامی پرداخته و پس از آن مسافرت به عربستان و عمره مفرده بجا آورده و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ شمسی از طریق ترکیه به ایران برگشته و مدت چندین ماه در دفتر امام راحل در قم مشغول رسیدگی به برخی از مراجعات بوده و در طول اقامت خود در قم گذشته از اشتغال به تدریس به تألیف و ترجمه آثاری توفیق یافته که برخی از آنها به چاپ رسیده و آنها را می‌نگارم.

۱- حماسه جاوید

۲- فرهنگنامه حج و عمره دو جلد

۳- پرچم پیروزی حق

آقای طباطبائی به زبان عربی تسلط و به زبان انگلیسی آشنائی دارد و نیز چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه و غیر آنها از آثار خیر را بنا و باقیات الصالحاتی از خود به یادگار گذارده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر طباطبائی یزدی مقیم تهران و صاحب تالیفات عدیده مطبوع و غیره.

مانند کتاب خلاصه از دین اسلام که در سه مجلد مکرر به طبع رسیده است.

معظم‌له شجره و نسبنامه خود را در کتاب مذکور چنین یاد نموده‌اند.

سید محمدباقر فرزند حاج سید عبدالحی فرزند سید ابوالقاسم (که صاحب کرامات و مقامات بوده) فرزند سید سامع فرزند سید حسن فرزند سید سامع عالی فرزند امیر غیاث فرزند امیر محمد مومن فرزند سید نورالدین فرزند سید مرادالدین فرزند شاه اسداللّه فرزند سید جلال‌الدین امیر فرزند سید حسن فرزند مجدالدین فرزند قوام‌الدین فرزند سید اسماعیل فرزند عباد فرزند ابی‌المکارم فرزند ابی‌المجد فرزند عباد فرزند علی فرزند حمزه فرزند طاهر فرزند ابی‌الحسین علی شاعر فرزند ابی‌الحسن محمد شاعر اصفهانی فرزند احمد فرزند ابی‌جعفر محمد فرزند ابی‌عبداللّه احمد رئیس فرزند ابراهیم ملقب به طباطبا فرزند ابی‌ابراهیم شریف فرزند اسماعیل دیباج اکبر فرزند ابراهیم غمر حسنی حسینی فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرزند حضرت علی بن

ابی‌طالب امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه‌زهرا علیهاالسلام فرزند حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی صلی اللّه علیه و آله و سلم...

وی پس از پرورش در بیت علم مقدمات را در یزد خوانده و بعد از آن به مشهد مقدس مسافرت و پس از خواندن سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده و از آنجا به نجف اشرف مهاجرت و از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از پایان تحصیل به تهران منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تألیف کتب سودمند اشتغال دارند.

ایشان ترجمه والد خود را چنین مرقوم داشته‌اند.

حجۀالاسلام آقای حاج سید عبدالحی عدیل.... آیت‌اللّه بزرگ مرحوم آقاسید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی بودند.

و دوره تحصیلات دینی خود را در نجف اشرف به پایان رسانیده چندین ساله به نمایندگی آیت‌اللّه یزدی در شهر رنگون هندوستان مشغول ترویج بودند. و بعدا به وطن خود یزد مراجعت نموده با کوشش تامی به ترویج شریعت مصطفوی قیام داشته و نفوذ ایشان در مردمان آن اندازه بود که حاکم وقت بدون اجازه و امضاء ایشان در امور مهمه جامعه اقدامی نمی‌کرده با آنکه خود ایشان با اولیاء امور دولتی ابدا خلطه و آمیزشی نداشته‌اند.

و تمام اهالی یزد ایشان را به تقوا و پرهیزکاری می‌شناخته نماز جماعت پرجمعیت و شکوهی بپا می‌داشتند و علاقه تامی به حضرت سیدالشهداء (ع) داشته‌اند و در سنه ۱۳۴۸ هجری وفات نموده‌اند.

و تا به حال که متجاوز از سی سال از وفات ایشان می‌گذرد آداب و رسوم نیکی از ایشان در یزد باقی و اسم ایشان بر سر زبانهای اهالی یزد جاریست...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم حاج سید محمود قمی و برادر آیت‌اللّه حاج آقا حسین طباطبائی قمی است که (ترجمه و شرح احوالش خواهد آمد) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم حاج سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب (عروۀالوثقی) است در سال ۱۳۳۳ در سن کهولت و سالخوردگی از دنیا رفت و در شیخان قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پنج پسر مرحوم حاج سید محمود است وی نیز از علماء متقی قم بود و در صحن نو اقامه جماعت می‌نمود در سال ۱۳۳۴ در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

یکی از برادران ایشان مرحوم سیدالعباد آقای حاج سید ابراهیم طباطبائی بود که نگارنده او را زیارت کرده بودم سیدی پارسا و

متورع و از صلحاء و اخیار قم بود کراراً به مکه و عتبات عالیات مشرف گردیده بود در حدود سال ۱۳۶۰ وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبداالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی‌حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.

۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳- معجم اعلام‌الشیعه

۴- علی ضفاف الغدیر

۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه

۶- مستدرک الذریعه

۷- تعلیقات بر الذریعه

۸- تهذیب الذریعه

۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.

۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه

۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه

۱۲- الحسین والسنه

۱۳- نتایج الاسفار

۱۴- قید الاوابد

تصحیح متون

۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی

۲- فهرست شیخ طوسی

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل

۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.

۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.

۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر

شرکت در کنگره‌های علمی

۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد

۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.

فقیه.

تولد: ۱۳۰۸(۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴(۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعهٔ؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربهٔ فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنهٔ النبویهٔ، انباء السماء برزیهٔ کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبهٔ العربیهٔ (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعهٔ (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاهٔ الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیهٔ فی مکتبهٔ امیرالمؤمنین (ع) العامهٔ فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغهٔ (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغهٔ العربیهٔ؛ مستدرک الذریعهٔ، معجم اعلام الشیعهٔ؛ مکتبهٔ العلامهٔ الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمهٔ الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنهٔ (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمهٔ امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی

المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).

آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبائی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا طباطبائی زرندی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری در زرند متولد و پس از خواندن دروس فارسی به قم مهاجرت نموده و به تحصیل عربی صرف و نحو منطق پرداخته و پس از تکمیل آن سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین عالی حوزه علمیه به پایان رسانیده سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت حاضر شده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و تا حال تحریر از ابحاث علمین و آیتین شریعتمداری و گلپایگانی بهره‌مند می‌باشد و ضمناً خود به مباحثات فقه و اصول اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طبرستانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد علی طبرستانی یکی از علماء ممتاز و محترم معاصر بابل است.

وی نیز سالها از محضر آیات و مراجع بزرگ استفاده نموده آنگاه بوطن خود بازگشت و بانجام وظائف از قبیل اقامه جماعت و تدریس و گفتن تفسیر و غیره تاکنون اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابوذر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ اباذر بن‌المرحوم العالم الربانی آشیخ محمد طبرسی از علماء اخیار و فضلاء ابرار این شهرستان است و در سال ۱۳۰۰

شمسی تقریبا متولد شده و پس از آموختن تحصیلات ابتدائی و مقدماتی در خدمت والد مرحوم و عم کرام و دائی فاضلش آقای آقا محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۲۴ مسافرت بتهران نموده و پس از طی دوره شش ساله مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات با دریافت لیسانس مهاجرت بقم نموده و از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله فکور یزدی و آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ شمسی بعد از مراجعت از سفر بیت‌الله الحرام بوطن خود آمل برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات مذهبی و ترویج احکام پرداخته و تاکنون باین سمت افتخار دارد.

مؤلف گوید مترجم معظم از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و از خاندان زهد و تقوا و علم و فضیلت است و دارای مقام حسب و نسب میباشد.

والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام و ملجاءالانام آقای آقای شیخ محمد طبرسی از علماء مبرز آنسامان بوده و در سن ۶۶ سالگی در سال ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است و عموی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله آقا شیخ عزیزالله طبرسی از علماء موجه و محترم آنسامان بوده و در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۸۷ قمری در سن ۸۳ سالگی رحلت نموده است.

دائی فاضل و دانشمندش آقای میرزا محمد تقی دانش پژوه نیز از افاضل شمال است و بعد از فوت والدش چند سالی در قم استفاده نموده تا سال ۱۳۱۰ شمسی که بتهران آمده و فلسفه را از مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و دوره دانشکده الهیات را هم طی نموده و کرسی استادی را اشغال نموده و هم متخصص در کتاب شناسی در ایران میباشند.

و از این خاندانست مرحوم مبرور دانشمند پارسا و مجتهد فقیه حاج میرزا احمد درکائی بن العلامه میرزا مهدی فقیه که از شاگردان آیه‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی و سالها در آمل مشغول تدریس و ترویج دین بوده و در سن ۸۳ سالگی در ماه رمضاه ۱۳۴۷ قمری بدرود زندگی نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابونصر حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر حسن بن فضل طبرسی صاحب مکارم‌الاخلاق متوفی حدود ۵۸۰ هجری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علی بن ابیطالب ابومنصور طبرسی صاحب کتاب احتجاج متوفی حدود سنهٔ ۶۵۵ هجری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، ثقه لاسلام، ابوالفضل علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، عالم و فقیه امامی. او نوه‌ی امین الاسلام طبرسی صاحب «مجمع البیان» و از فقهای بزرگ امامیه است. وی صاحب کتاب «مشکاه الانوار فی غرر الاخبار» است، که به عنوان تتمیم کتاب پدرش «مکارم الاخلاق» نگاشته است.او در این کتاب از سید جلال‌الدین ابی‌علی بن حمزه موسوی روایت کرده است. از دیگر آثار وی کتاب «کنوز النجاح»، در ادعیه است، که سید ابن طاووس در کتاب «المجتنی» و کفعمی در «المصباح» از این کتاب نقل کرده‌اند.[۱]

ابوالفضل علی بن حسن طبرسی صاحب مشکوةالانوار در ادعیه متوفی بعد از ۶۰۰ هجری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۴ / ۸)، بحارالانوار (۹ / ۱)، الذریعه (۱۴۶ / ۲۲ ،۵۵-۵۴ / ۲۱ ،۱۷۶- ۱۷۵ / ۱۸)، ریاض العلماء (۴۰۸ -۴۰۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۳ / ۶، قرن ۱۰۴ / ۷) الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۰ / ۴).

طبری، ضیاءالدین، ابوعلی، ابومحمد هارون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم امامی. از علمای بزرگ قرن هشتم و از شاگردان علامه حلی (م ۷۲۸ ق) بود. طبری «قواعد» علامه حلی را با خط خود نوشت و آن را نز استاد خواند. استادش در ۷۰۱ ق، در پشت جلد «قواعد»، او را با القابی می‌ستاید و از او به عنوان فقیه فاضل نام می‌برد، آن‌گاه روایت «الوقاعد» و تمامی مصنفات خود را در علوم عقلی و نقلی به وی اجازه می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۷ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۵ / ۸)، لغت‌نامه (ذیل/ هارون).

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۳ -۹۷۶ ق)، عالم و ادیب شافعی. در مکه به دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن‌مالک و «اربعین» نووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه درگذشت. از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل »؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح «المقصوره الدریدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیات المقصوره»؛ «کشف النقاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السریره فی حسن

السیره»، در سیره پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کیف»؛ «کشف الخافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۴۶، ۳۷۹، ۳۶۸، ۱۳۵،۳۵۹، ۱۱۹، ۹۷، ۲۲ / ۲، ۴۰۴، ۱۰۸، ۶۸، ۷ / ۱)، ریحانه (۴۶ / ۴)، الکنی و الالقاب (۲۰۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۳۰۳ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۰ / ۱).

طبسی حایری، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علینقی فرزند مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید کاظم حایری طبسی از علماء و ائمه جماعت معاصر مسجد گوهرشاد مشهد می‌باشند وی در کربلا ـ متولد و پس از خواندن مقدمات و سطوح و درس خارج در خدمت علماء و آیات عظام کربلا و فوت مرحوم والدش به مشهد مهاجرت و اقامت نموده و به امامت در مسجد مزبور موفق و دارای آثاری مطبوع و مخطوط می‌باشند که از آنها دانستنیهای سودمند یا کشکول طبسی در دو مجلد کرارا به طبع رسیده و مورد استفاده و استقبال عموم طبقات می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طبسی خراسانی حائری، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰ ق)، عالم امامی. اصلش از طبس خراسان است که به هند مهاجرت کرد و ساکن حیدرآباد دکن شد. مدتی طولانی در آنجا مشغول به تدریس و تألیف و ارشاد و انجام سایر وظائف مذهبی بود. او در کربلا وفات یافت. از آثارش کتاب «انوار الابصار»، به فارسی است در رتبه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و اثبات برتری مقام امامت پیامبر (ص) بر مرتبه نبوت آن حضرت، که در ۱۳۰۲ ق از تألیف آن فارغ شده است. بر این کتاب میرزای بزرگ شیرزای و همچنین آیت‌الله میراز حبیب‌الله رشتی و سید میرزا ابوالقاسم حجت طباطبائی و ملا محمد فاضل شرابیانی تقریظهایی نوشته‌اند. از دیگر آثار طبسی کتاب «اثبات النبوه الخاصه»است که با کتاب «انوار الابصار» در ۱۳۰۸ ق در حیدرآباد به چاپ رسید. اثر دیگر وی کتاب «المسائل النثاریه» است که در جواب سوالات سید نثار حسین عظیم‌آبادی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۱ / ۲۰، ۴۱۴ / ۲، ۱۰۱ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۰۷ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۳–۳۰۲ / ۴).

طبسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم طبسی از علماء معاصر شهرستان طبس می‌باشد وی در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید ابوالحسن اصفهانی ره و آیات دیگر استفاده و در زمان حیات استادش به طبس آمده و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است.[۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۵ / ۸،۱۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طبسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم بن محمد علی طبسی از شاگردان میرزا محمد بن عبدالنبی اخباری مقتول در سال ۱۲۳۲ قمری بوده چنانچه در آخر جمله‌ای از رسائل استادش که بخط خود نوشته است تصریح نموده در مجموعه‌ای که نزد مرحوم محدث جلیل حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی بوده است و آن رسائل عبارتست از:

۱- المجالی و شرح آن ۲- نجم الولایه ۳- شمس الحقیقه ۴- حقیقهٔ الاعیان ۵- المطمر ۶- حقیقهٔ الشهود. علامه تهرانی در ج ۲ ص ۲۱ طبقات او را یاد نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه فقیه ملا شیخ محمدباقر طبسی وی برادر علامه فقیه ملا میرزا محمد ابراهیم طبسی می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصادق طبسی قبل از سال ۱۳۵۱ ق بوده و کتابی بنام (منهج السداد در ترجمه نجاه‌العباد) داشته چنانچه وی را صاحب الذریعه در طبقات ج ۱ ص ۸۵۵ یاد نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن محمد بن محمود بن مولانا علی طبسی صاحب کتاب (تکمله زبدؤالبیان) که در سال ۱۰۸۴ ق فراغت یافته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبیب احمد آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشهور به «ناصر حکمت» فرزند میرزا محمّد علی بن حاج محمّد.

عالم فاضل، و حکیم جامع، و طبیب حاذق، عابد زاهد ورع متقّی، از اطبّای مشهور، و مدّرسین طبّ قدیم در اصفهان به شمار می‌رفت. در تداوی امراض، مهارت و حذاقتی داشت و معالجات غریبه‌ای از او نقل می‌شود.

در نزد میرزا عبدالعلی هرندی، و میرزا ابوالقاسم مدّرس رشتی، و حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، و میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای، و مدّت زمانی نزد آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی تلمّذ نموده، و در دوشنبه دوّم ربیع الثانی سال ۱۳۷۱ بسنّ نود و سه سالگی در اصفهان وفات یافته، در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.

رساله «افیونیّه» از تألیفات او است که به فارسی تألیف نموده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طسوجی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید جلیل ملکی طسوجی از افاضل علماء معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند ایشان تحصیلات سطوح را در طسوج در خدمت برادر بزرگوارش آقای آقا سید علی‌اکبر و در شبستر در خدمت مرحوم حاج میرزا کاظم آقا شبستری انجام داده و سپس به قم مهاجرت و تا حال حاضر از محضر آیت‌اللّه شریعتمداری استفاده می‌نماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین موسوی طسوجی دارای پنج فرزند عالم به نامهای زیر که از علماء و دانشمندان معاصر حوزه علمیه قم محسوب می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی طسوجی عالم مطلق آن سامان و مورد توجه دولت و ملت و دارای برادری به نام آقا سید مرتضی موسوی مقیم اسلامبول بوده است.

مرحوم آقا سید محمد دو فرزند به نام آقا سید آقا موسوی و حاج سید عبداللّه داشته که هر دو از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

اما- حاج سید عبداللّه مرحوم که دانشمندی بزرگوار بود دارای سه فرزند عالم به اسامی زیر بوده است.

۱- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حبیب که از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و رفقاء درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی بوده.

۲- مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آسید هاشم که از علماء بزرگ شهرستان خوی و دارای تالیفات عدیده بوده که در باب خوی در جلد پنجم ذکرش گذشت.

۳- مرحوم ثقهٔالاسلام آقا سید مهدی که در جوانی در شهرستان مرند در ضمن اشتغال به تحصیل دار فانی را وداع نمود اما مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید آقا که عالمی جلیل‌القدر و مسلط در فروعات فقهیه بوده دارای پنج فرزند به نامهای زیر:

۱- آقا سید احمد ۲- آقا سید اسداللّه (که دارای کرامات باهرات بوده) ۳- آقا سید محمد ۴- آقا سید علی ۵- آقا سید حسین که اهل منبر و وعظ بوده و برادران مذکورش تمامی از علماء محترم و ائمه جماعت بنام طسوج بوده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، ملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد ملک موسوی که جامع معقول و منقول و دارای علوم غریبه بوده و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری در طسوج وفات نموده و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

سید ملک ملکی (طسوجی) از علماء و ائمه جماعت معاصر شیراز است.

وی در بیت علم و فضـیلت دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطـوح را از مدرسـین حـوزه تکمیـل و به درس خـارج آیـات عظـام حوزه بالاـخص آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه. العظمی شریعتمـداری و آیـت‌اللّٰه العظمی خمینی شـرکت و از خرمـن علـوم آنـان اسـتفاده و بهره‌هـای کـافی برده و پس از رحلـت آیـت‌اللّٰه بروجردی منحصراً از درس و بحث آقای شریعتمداری بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که حسب‌الامر معظم له به شیراز عزیمت و در مسجد امام حسین (ع) (خیابان شاه شیراز) به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ملکی که داماد عموی گرامش حجهٔالاسـلام والمسلمین حاج سید عباس ملکی طسوجی است. از افاضل وارسته این بیت است مرحوم والـدش آیت‌اللّٰه آقا سـید ملک موسوی طسوجی از علماء بزرگ و بنام طسوج بودند و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری وفات و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

و برایش مقبره‌ای بنـا و فرزنـد برومنـد و بزرگش آیت‌اللّٰه آقـای حـاج سـید محمـد جمـال که از علماء اعلام نجف و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّٰه آقا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و غیرهما می‌باشند مرتجلا در مدفن والد ماجد خود دوبیتی انشاد نموده و به کاشی بالای درب مقبره‌اش کتیبه شده است که در اینجا می‌نگارم.

زر جمال‌الدین فی هذا المقام

فهو للاسلام قد کان امام

فاراد اللّٰه ان یرفعه

فزهی کالنجم فی وادی‌السلام

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طواری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عباس طواری فرزند آقا محمد طواری یزدی یکی از فضـلاء معاصـر یزدی حوزه علمیه قم است که در حدود سال ۱۳۱۰ ش در یزد متولد شده و در سال ۱۳۲۵ شمسی در سن ۱۵ سالگی وارد تحصیل علوم دینیه شده و مقدمات و ادبیات و سطوح را در خدمت مدرسـین یزد مانند آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد علومی و آقا شیخ احمد علومی و آقایان مدرسـی‌ها آقای حاج سید محمد و مرحوم آقا سید احمد و آقا میرزا آقا و آیت‌اللّٰه حاج سـید علیرضا مدرسـی خوانده و پس از آن در سال ۱۳۳۵ شمسی مسافرت به نجف اشرف

نموده و از محاضر آیات عظام آقای خوئی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه حاج سید یحیی مدرسی و آمیرزا حسن و غیر آنان استفاده نموده و در سال ۱۳۳۹ شمسی به ایران مراجعت و در قم اقامت و از محاضر و دراسات آیات عظام امام خمینی و آقای مرعشی نجفی و آقای گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای داماد استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۵ شمسی که به وطن و زادگاه خود پس از سی سال تحصیل بازگشت و به تدریس سطوح عالی در حوزه علمیه یزد پرداخته و جز این رشته به هیچ شغلی دیگر مانند امامت و یا منبر را اختیار ننموده است.

آقای طواری در موقع اقامتش در نجف اشرف شاهد معجزه‌ای از حضرت علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده که برای اهل ولاء ذکر آن بی اجر و ثواب نیست. گویند: که روزی شخص گنگی که به کلی لال بود و یک کلمه نمی‌توانست سخن بگوید متوسل به حضرت علی علیه‌السلام شد و آن بزرگوار وی را شفا داده و قادر بر حرف زدن نمود و چون این معجزه مشهود شد مردم در بازار جشن بزرگی گرفته و چراغانی کردند.

تألیفات و آثار قلمی مترجم ما از اینقرار است.

۱- نهایت‌التذکره در شرح تبصره علامه از اول تا آخر در پنج جلد عربی.

۲- شرح مختصر نافع ملفق در دو جلد عربی.

۳- شرح مبسوط شیخ طوسی در طهارت و صلوت در دو جلد عربی.

۴- اقامه‌الشهود در شرح الجمل و العقود شیخ طوسی در دو جلد.

۵- شرح بیان شهید اول یک جلد عربی.

۶- حاشیه استدلالی بر عروۀالوثقی علامه طباطبائی یزدی در سه جلد عربی.

۷- حاشیه بر کفایه آخوند خراسانی در یک جلد عربی.

۸- حاشیه بر شرح حادی عشر فاضل مقداد یک جلد عربی.

۹- بزرگترین سعادت بشر در علم اخلاق یک جلد فارسی.

۱۰- انوارالسماء در برتری رسول اکرم (ص) بر انبیاء فارسی.

۱۱- آیت‌الکبری در برتری حضرت امیر (ع) بر تمام انبیاء غیر از نبی اکرم (ص).

۱۲- الکلمات‌النفیسه در پند و اندرز و سخنان حکمت‌آمیز.

۱۳- تربیت اولاد در یک جلد فارسی که در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده.

۱۴- جامع‌المنابر در سخنان و منابر ایشان است یک جلد فارسی.

۱۵- معجزات و کرامات ائمه و اولادشان که در قرون اخیر دیده شده و به چاپ رسیده.

۱۶- الحکایات و الفکاهیات در داستانهای دانشمندان فارسی.

۱۷- کشکول در متفرقات.

۱۸- زنبیل در متفرقات در دو جلد.

۱۹- سعادت‌الآفاق در علم اخلاق.

۲۰- هدایت‌الانام در علم کلام.

۲۱- طریقۀالصواب در رد یهودی و نصرانی و غیر آن.

۲۲- گل و ریاحین در اشعار و فکاهیات.

۲۳- سرگذشت زندگانی مؤلف از آغاز تا پایان.

۲۴- تقریرات دروس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد.

۲۵- روش آموزش و پرورش در اسلام که به چاپ رسیده.

۲۶- الصحاح من الآثار فی فضایل النبی و الائمهٔ الاطهار.

۲۷- جامع فضائل اهل البیت از طریق اهل سنت.

۲۸- عظمت اسلام و اسلامیان از نظر دانشمندان غیر اسلامی.

۲۹- اخلاق انسانی در علم اخلاق.

۳۰- گناه و آثار آن در پیرامون گناهان و آثار مترتبه بر آن.

۳۱- جامع‌الشتات در اخبار متفرقه در پنج جلد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طوسی، دختران شیخ

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، از زنان دانشمند شیعه. آنها فنون ادب و فقه و حدیث را از محضر پدرشان، شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ق) و برادرشان، شیخ ابوعلی حسن طوسی (پس از ۵۱۵ ق) فراگرفتند و در این رشته‌ها ترقی شایانی کردند. مادرشان، دختر شیخ مسعود بن ورام نیز از زنان دانشمند زمان خود بود. این دو دختر از علمای عصر خود، از جمله پدر یا برادرشان دارای اجازه بودند. دختر بزرگ، همسر محمد بن احمد بن شهریار، متولی و خازن حریم امیر مؤمنان علی (ع) بود. شیخ ابوطالب حمزه، فرزند آن دو. نوه شیخ طوسی است. دختر کوچک نیز ازدواج کرد. ابن ادریس، صاحب کتاب السرائر، و سید بن طاووس، از نوادگان او هستند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۴۲۴ / ۳؛ هزاره‌ی شیخ طوسی، ۲۲.

طوسی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد عابد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، و مورد وثوق عموم طبقات بوده، در نجف اشرف متولد شده، و در نجف و اصفهان تحصیل نموده، عمده‌ی تحصیلات او در خدمت آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی [و سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند فشارکی] در اصفهان بوده.

در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۳۷۹ به سن قریب به هشتاد وفات یافته، و در تکیه‌ی مجاور تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

گفت برنا از پی تاریخ او

(یوسف دین رفتی از مصر فنا)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ظهیری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن ظهیری امام جماعت مسجد سیمان ری از علماء و دانشمندان این شهر است ولی تولدش در تهران و بعد از خواندن مقدمات و اولیات به عراق مهاجرت نموده و مدتها در نجف و کربلا اقامت و از محضر آیات عظام آن سامان فقها و اصولا استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در سال ۱۳۶۶ قمری مراجعت به تهران و در مدرسه مروی بتدریس و مباحثات پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۶ قمری که برای امامت مسجد مزبور انتخاب و تاکنون در آنجا از طریق محراب و منبر به تزویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عاصی رشتی اصفهانی، محمد محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ -۱۲۷۰ ق)، عالم و شاعر، تخلص به عاصی. پدرش صاحب «جواهر الاصول» بود. وی در گیلان نشوونما یافت و برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت. شیخ محمد محسن نیز در اصفهان برآمد. او محققی کثیرالتألیف و شاعری ادیب و زاهدی عارف بود. در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر وفات یافت. جنازه‌اش به نجف منتقل شد و در آنجا دفن شد. شمار تألیفاتش، از کتاب و رساله، متجاوز از یکصدو شانزده مجلد می‌شود. از جمله آثارش: «جامع المصائب»،در دو مجلد؛ «وسیله النجاه فی رفع المهلکات»، به فارسی، در جبر و تفویض که در ۱۲۶۹ ق آن را به خواهش دوستش حاج محمد علی قزوینی نگاشته؛ «اربعین»؛ «بنیان الاصول»؛ «کشف المقال»؛ «القواعد و الفوائد»؛ «مجمع الاذکار»؛ «مجمع المعانی»؛ «مرجع الضمایر»، در دو مجلد؛ «منهاج‌الدین»، در اصول دین؛ «دیوان»شعر؛ «نظم المجالس»؛ مثنوی «شش دفتر»؛ مثنوی «شور و شیرین»، نظیر «نان و حلوا»؛ «معراج الشهاده»، نظیر «حمله حیدری». در «ریحانه الادب» و «نامها و نامدارهای گیلان» نام صاحب عنوان به اشتباه محمد حسن ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۴۲ -۳۴۱)، الذریعه (۹۰، ۶۷ / ۲۵، ۲۲۹، ۱۴۶ / ۲۴، ۱۹۶ / ۲۲، ۳۰۲، ۲۹۴ / ۲۰، ۱۴۲، ۶۳، ۲۷، ۲ / ۱۸، ۲۰۳، ۱۹۳ / ۱۷، ۱۰۰۴، ۶۷۴ -۶۷۳ / ۹، ۱۰۷ / ۸، ۷۱ -۷۰ / ۵)، ریحانه (۸۳ -۸۲ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عاصی)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۱۵).

عالمی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن شیخ اسداللّه عالمی ادیب در شیراز بوده و تالیفاتی مانند کتاب (بصیرالسعداء) در شهادت سیدالشهداء (ع) و (عقود الدار النضید) در مناقب حسین شهید (ع) داشته که با هم چاپ شده و در حدود ۱۳۴۰ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عالمی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن العالم الجلیل الشیخ جواد عالمی دامغانی از علماء محترم معاصر است در شهر سمنان.

وی در شب نیمه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۰۶ شمسی در قریه حجاجی دامغان متولد شده و پس از پرورش و دوران تحصیلات ابتدائی از شهریور سال ۱۳۲۲ خورشیدی در دامغان به تحصیل مقدمات علوم اسلامی پرداخته آنگاه مهاجرت به همدان نموده و در نزد اساتید بزرگ آنجا چون حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی دامغانی‌زاده و حجةالاسلام حاج شیخ ابوالقاسم شاهنجرینی و حجةالاسلام حاج میرزا اسداللّه شریعتمدار غروی سطح را به پایان رسانیده و یک سال هم از محضر درس آیت‌اللّه آقای آخوند ملا علی استفاده نموده و بعد از آن در سال ۱۳۳۰ شمسی به قم آمده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی موسوی فقها و اصولا بهره‌مند شده و علوم عقلی فلسفه و تفسیر کلام‌اللّه را از محضر علامه طباطبائی کامیاب شده.

و در سال ۱۳۴۲ شمسی حسب‌الامر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به سمنان منتقل و تا اکنون به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و اصول و اعتقادات و تدریس فقه و پرورش طلاب علوم اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده به شرح زیر می‌باشند.

۱- پیغمبر و یاران پنج مجلد بطبع رسیده است.

۲- جوانان چه می‌پرسند بطبع رسیده است.

۳- شاگردان مکتب امام بطبع رسیده است.

۴- صحنه‌های قیامت از دیدگاه قرآن ترجمه شاهد القیامه سید قطب مخطوط

۵- نهضتهای مقدس مخطوط

۶- تاریخ اجمالی ائمه علیهم‌السلام مخطوط

۷- مناظرات مأمون در امر فدک مخطوط

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عاملی صغیر، زین الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌علی بن محمد بن حسن بن شیخ زین الدین شهید ثانی عاملی اصفهانی.

در ظهر روز سه شنبه ۱۸ ذی حج ۱۰۷۸ متولد، و در حدود ۱۱۰۰ در جوانی وفات یافته. او را شیخ زین الدین صغیر گویند، و عم بزرگوارش شیخ زین الدین محمد را اوسط، و شهید ثانی را کبیر گویند.

فاضل صالح بوده، و پدرش در کتاب «درالمنثور» مجملی از شرح حال او را نوشته، گوید: در اصفهان متولد، و هم در این شهر وفات یافته، در مشهد مقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عبدالجلیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. بنده خدای بزرگوار) نصیرالدین ابوالرشید رازی دانشمند شیعه (قر. ۶ ه.) وی مؤلف کتاب النقض (نقض) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبدمنافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عبدمنافی از ائمه جماعت و مروجین دین و خدمتگذاران مذهب و ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام میباشد.

تولد ایشان در تهران واقع و در آنجا از محاضر دانشمندان و علماء اعلام کسب فیض و کمال نموده و بنا بر درخواست و اراده حق تعالی رحل اقامت بزرگنده افکنده و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد، دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده و مورد توجه مردم زرگنده و قلهک میباشند، فرزند برومند ایشان ثقةالاسلام آقا سید محسن عبدمنافی از محصلین بارع و مودب حوزه علمیه‌اند که بتحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عتبی اسعد، ابوابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۰۴ ق)، عالم و شاعر. منشی عهد سلجوقیان و غزنویان بود و تا آخر ایام نظام الملک در قید حیات بود. وی در مدرسه‌ی بیهقیه‌ی نیشابور که امام ابوالحسن محمد بن شعیب، فقیه شافعی بنا کرد، ساکن شد و در مدرسه‌ی منیعی همان شهر که ابوعلی

حسان بن سعد از بزرگان نیشابور ساخته بود، تدریس می‌کرد و مجلس املاء داشت. از آثار علمی وی: «تاج الرسائل»؛ «درّة التاج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴ /۱)، ریحانه (۱۰۹ -۱۰۸ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (۱۰۰ -۹۶ /۶)، معجم المؤلفین (۲۴۹ -۲۴۸ /۲).

عراقی، صابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه رازی در اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول ص ۸۵۰ گوید: وی شیخ آغا صابر بن مولی محمد حسین کوهرودی سلطان آبادی عالمی بارع و فاضل و جلیل، از معاصرین است فقه و اصول و غیر آنرا در نزد عده‌ای از علماء و رجال فضل و اعلام دین خوانده و بعد بوظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و نشر احکام و غیر آنها پرداخته است، و او از علماء موجه و موثق شهرستان اراک بوده است.
نگارنده گوید: مسجد وی در اراک بنام مسجد حاج آقا صابر از مساجد معموره اراک است که اکنون سلیل و فرید ایشان آقای صابری در آن اقامت جماعت و ترویج دین مینمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا مجتبی بن العلامه الزاهد الحاج آقا محمد العراقی الملقب بزین‌الدین متوفی ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق ابن العلامه الزاهد الورع (صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقی الکرهرودی الشهیر بالکبیر متوفی ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ هجری قمری که از طرف مادر به سادات صحیح النسب و جلیل القدر حسینی و از طرف جده امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قوامع و لوامع در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.
در سال ۱۳۲۳ ق در قریه کرهرود عراق متولد و در سن ۱۴ سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصر) به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال ۱۳۴۹ قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۳ مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمنا به تالیف کتابهائی که ذیلا ذکر می‌شود پرداخته تا در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۷۰ قمری که ثانیا به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت

و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب‌الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب ۱۳۷۷ دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز به معظم‌له واگذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.

کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت ۴۰ سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.

معظم‌له مسافرتهای تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال ۱۳۷۷ قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاده و تجلیل عظیم به قم آوردند

و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:

۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.

۲- وقایع الایام با سبک نوین.

۳- لیله‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

۴- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی‌صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.

۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای ۷۸ و ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عراقی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی مزبور فرزند علامه حاج آقا محسن عراقی است. مرحوم آیه‌الله فرید میفرمود جدم آقای حاج آقا محسن یکی از حکماء و فقهاء نامی ایران در عصر خویش بوده و تولد او ۱۲۴۸ قمری و در سال ۱۳۲۵ قمری در گذشت و در شهر اراک مدفون گردیده و مقبره او مشهور است نوشتجاتی از او در فقه و اصول در دست است که قسمتی از آنها در نزد حقیر میباشد تلمذ او در بروجرد نزد علماء آنجا بوده است و مرحوم حاج سید شفیع در کتاب رجال خویش از ایشان بخوبی یاد کرده است.

پدر بزرگوار این جانب مرحوم حاج آقا مصطفی در ربیع‌الاول ۱۲۹۲ قمری در شهر اراک متولد و پس از تکمیل مقدمات و سطح در سال ۱۳۱۱ قمری بعتبات عالیات مشرف و عمده تحصیل ایشان خدمت مرحوم آیه‌الله خراسانی بوده و مختصری هم درک محضر مرحوم آقا سید محمد فشارکی و مرحوم آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی را نموده در قسمت معقول هم از مرحوم آقا شیخ احمد

شیرازی استفاده نموده پس از سفر مختصری باراک در سال ۱۳۲۴ مجددا بنجف اشرف عزیمت نموده و در آنجا اقامت کرده و جزو نامیان و شاگردان درجه اول آیه‌الله خراسانی بشمار میآمده است. پس از آن مراجعت و بافاده و تدریس مشغول و در ۲۷ رجب ۱۳۷۱ قمری برحمت ایزدی واصل و جسد شریفش بنجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره شخصی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عرفانی، یونس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یونس عرفانی یکی دیگر از چهره‌های درخشان و دانشمندان مبارز و فعال معاصر است در تهران. ایشان در سال ۱۳۱۳ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در طوالش به دنیا آمده و در سال ۱۳۲۷ شمسی برای تحصیل به اردبیل رفته و پس از خواندن ادبیات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۲۹ شمسی مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را از آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی مشگینی و بعضی دیگر به پایان رسانیده سپس از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی فقهاً و اصولاً استفاده کامل نموده و در سال ۱۳۴۳ شمسی اوائل تبعید و گرفتاری امام به تهران منتقل و در منطقه غرب تهران خیابان هاشمی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضرت سیدالشهداء آنجا به اقامه نماز جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی پرداخته و خدمات چشمگیر و شایانی نموده و آثار گرانقدری از قبیل تأسیس کتابخانه و تهیه کتب سودمندی برای مطالعه عموم و بالاخص نسل جوان از خود به یادگار گذارده است آقای عرفانی علاوه بر این وظائف برای خدمت بیشتری مکرر به کشورهای پاکستان و مصر و لبنان و حجاز مسافرت نموده و در کنفرانسها و مؤتمرهای اسلامی شرکت و سخنرانیهای جالبی ایرد نموده که مورد اعجاب و تجلیل دانشمندان و روشنفکران و دانشجویان عالی قرار گرفته است و بالاخص در سفر اخیرشان به لبنان از طرف آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری برای شرکت در مجلس یادبودی که از طرف دانشمندان و دانشجویان لبنانی برای مرحوم مبرور استاد مرتضی مطهری شهید تشکیل شده بود سخنرانی عجیب و مهمی نمودند که در جرائد آن کشور و غیره منعکس گردید.

خلاصه معظم له یکی از ستاره‌های فروزان و مجاهدین فداکار است که شب و روز قولا و فعلا مشغول پیکار و مبارزه و خدمات دینی می‌باشند که شرح آن خود کتابی خواهد بود که متاسفانه اینجا مجال آن نیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

عریضی خراسانی، جمال‌الدین، سید حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و از مجاورین حائر شریف حسینی بود. از تألیفات وی: «اصول جوامع العلم» یا «جوامع العلم»، در چهار مبحث: شناخت رب و شناخت نفس و شناخت احکام و شناخت چیزهایی که انسان را از دین خارج می‌کند، که در ۱۲۴۰ ق تألیف شده؛ «الفواد الحائریه فی فقه الامامیه»، در شرح مبحث سوم «اصول جوامع العلم» ، در

معرفت احکام. او این کتاب «فوائد» را در ۱۲۴۷ ق وقف اولادش کرده است. صاحب ترجمه همان است که شیخ احمد احسائی رساله‌ی «العلم» را در جواب او نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۲ / ۱۶، ۱۸۰ / ۲)، ریحانه (۱۲۵ / ۴).

عریضی یزدی، محمدرفیع

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرفیع حسینی عریضی یزدی صاحب کتاب خاتم سلیمانی که در ادعیه نوشته و آداب نماز شب را در آن شرح داده و دیگر کتاب شمس‌العارفین که مشتمل بر عمل سه ماهه و اختیارات ایام و وقایع شهور است دیگر مرآت‌العبادات که در عمل شب جمعه و روز جمعه است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عسکر زاده، لطفی علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

لطفی علی‌عسکرزاده (لطفی زاده، لطفی عسکرزاده، لطفی ع. زاده) استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیا و بنیان‌گذار نظریه منطق فازی (Fuzzy Logic) است. در بخش یادکرد منابع اکثر متون فنی مربوط به منطق فازی نام او به صورت «Zadeh» ذکر می‌شود.

تولد و تحصیل

وی در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهر باکو در جمهوری آذربایجان متولد شد. پدرش روزنامه نگاری ایرانی و اهل اردبیل و مادرش اهل روسیه بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران (دبیرستان البرز) و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران انجام داد. لطفی زاده در امتحانات کنکور سراسری، مقام دوم را کسب نمود. در سال ۱۹۴۲ رشته الکترونیک دانشگاه تهران را با موفقیت به پایان رساند و در طی جنگ دوم جهانی برای ادامه تحصیلات به دانشگاه فنی ماساچوست (ام.آی.تی) در آمریکا رفت و در سال ۱۹۴۶ بود که درجه کارشناسی ارشد را در مهندسی برق دریافت کرد. در ام.آی.تی و دانشگاه کلمبیا به تحصیل ادامه داد.

پژوهش تخصصی

وی در دانشگاه کلمبیا با تدریس در زمینه «تئوری سیستم‌ها» کارش را آغاز کرد. سپس به تدریس در چند دانشگاه معتبر امریکا پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به برکلی رفت تا به تدریس الکتروتکنیک بپردازد. از سال ۱۹۶۳ ابتدا در رشته الکتروتکنیک و پس از آن در رشته علوم کامپیوتر کرسی استادی گرفت.

بازنشستگی

پروفسور لطفی زاده به طور رسمی از سال ۱۹۹۱ بازنشسته شده است، وی مقیم سانفرانسیسکو است و در آنجا به پروفسور «زاده» مشهور است. پروفسور لطفی زاده به هنگام فراغت به سرگرمی محبوبش عکاسی می‌پردازد. او عاشق عکاسی است و تاکنون

شخصیت‌های معروفی همچون رؤسای جمهور آمریکا، ترومن و نیکسون، رو به دوربین وی لبخند زده‌اند. سرگرمی دیگر پروفسور لطفی زاده HI FI است. او در اتاق نشیمن خود بیست و هشت بلندگوی حساس تعبیه نموده تا به موسیقی کلاسیک با کیفیت بالا گوش کند. سوابق و افتخارات

پروفسور لطفی زاده دارای بیست و پنج دکترای افتخاری از دانشگاه‌های معتبر دنیاست، بیش از دویست مقاله علمی را به تنهایی در کارنامه علمی خود دارد و در هیأت تحریریه پنجاه مجله علمی دنیا مقام «مشاور» را داراست. وی یکی از پژوهشگرانی است که دارای بیشترین یادکرد (Highly-Cited) در مقالات علمی دنیا می‌باشد. با توجه به نقش منطق فازی در پیشرفت‌های نظری و عملی علم، نام پروفسور زاده در کنار فیلسوفان تاریخ علم ازجمله ارسطو (بنیانگذار منطق صفر و یک) و افلاطون ثبت شده است.

عسکری، حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن محمد عسکری معروف به میرزا عسکری حسنی سمنانی عالمی جلیل از علماء اخیار و اتقیاء ابرار صاحب کرامات بوده است.

گویند وقتی ذوالفقار خان حاکم سمنان بر او غضب کرد و او را از شهر سمنان تبعید نمود فتحعلی شاه قاجار خواب عجیبی در بزرگواری و جلالت قدر سید دید پس حاکم را عزل و از سید تجلیل شایان نموده و عذرخواهی کرد و مسجد شاه سمنان را برای اقامه جماعت وی بنا نمود و تولیت آن را با او و فرزندان او سید ابراهیم و سید تقی و سید حسن ثانی و سید محسن و سید علی‌اکبر و در زمان ما با فرزندان مرحوم سید علی‌اکبر مرحوم میرزا مسیح و برادرش سید جواد مقیم تهران بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عسکری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحر بزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در ۱۳۹۱ ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش: «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «۱۵۰ صحابی ساختگی»، دو مجلد.[۱]

سید مرتضی عسکری بن آیت‌اللّه حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.

وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌اللّه العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف

کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال ۱۳۹۱ ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.

از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- عبداللّٰه بن سبا ج ۱- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.

۲- عبداللّٰه بن سبا ج ۲- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.

۳- احادیث عایشه ج ۱- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.

ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.

۴- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۱- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.

۵- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۲- آماده برای طبع میباشد.

نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.

نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه‌السلام) بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶۰ -۶۵۹ / ۴).

عطاردی، عزیزاللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزاللّٰه عطاردی قوچانی از دانشمندان محقق و نویسندگان متتبع معاصر است. وی حدود سال ۱۳۵۲ قمری در شهرستان قوچان دیده به جهان گشود.

پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی اولیات و ادبیات را در قوچان سپس در مشهد مقدس و نقاط دیگر سطوح متوسط و عالی را به پایان رسانیده و از محضر پر فیض آیات عظام مرحوم آقای میلانی و دیگران استفاده کامل کرده و در فکر به دست آوردن مواریث علمی و تراث بزرگان قدماء دینی افتاده و برای نیل به آن هدف مسافرتهای عدیده‌ای به کشورهای آسیائی پاکستان و هندوستان و کشمیر و غیره نموده و از کتابخانه‌های بزرگ نظام حیدرآباد و موزه سالار جنگ در حیدرآباد دیدن و از کتابخانه‌ای علامه سید حامد حسین صاحب عبقات در لکنهو بازدید و مبالغ بسیاری از ذخایر علمی به دست آورده و در این راه تلاشهای فراوانی کرده و متحمل شداید بسیاری گردیده و در بسیاری از کنگره‌ها و هزاره‌ها شرکت نموده و به تحقیق و تتبع پرداخته و از خود یادگارهای ارزنده‌ای گذارده که برخی از آنها را می‌نگارم:

۱- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی حیاته و مسنده یک جلد که به طبع رسیده.

۲- مسند امام رضا علیه‌السلام در دو مجلد که به چاپ رسیده است.

جناب آقای عطاردی از نویسندگان پرتلاش و کاوشگران پرجوش است که همواره با پشت کار طاقت فرسائی در سفر و حضر به

کار و رشته تحقیقات خود تداوم داده و آثار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا از خود به یادگار گذارده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

عظیمی زواره‌ای، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: دی ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۷۴، تهران.

احمد عظیمی زواره‌ای از دانشسرای عالی تهران به دریافت لیسانس ریاضی نایل آمد. وی بنیانگذار انتشارات نیل و گروه فرهنگی آذر بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عفیف‌الدین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عفیف‌الدین محمد بن یعقوب در پرهیزکاری و پاکدامنی سرآمد اقران خود بوده و بنابر نوشته مجمل فصیحی در سال ۷۵۳ که مسجد جامع کرمان به امر امیر مبارزالدین محمدمظفر بنا شد و به اتمام رسید. شاه مولا اعظم امام ربانی مولانا عفیف المله والدین محمد بن یعقوب را درخواست کرد از یزد به کرمان آمده و در روز جمعه با امامت خود مسجد را افتتاح نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علاءالدین گلستانه، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، عالم دینی، محدث و زاهد. معروف به میرزا علاءالدین گلستانه. وی بزرگ سادات گلستانه اصفهان بود و نسب به اما حسن مجتبی (ع) میرساند. گفته‌اند که او عالمی عابد و محققی جلیل‌القدر و از ثقات محدثین بود. وی تمام عمر را در عبادت به سر برد و دارای اخلاق و خصال نیکو و جامع علوم عقلی و نقلی بود. دو مرتبه به او صدارت را پیشنهاد و تکلیف نمودند، لیکن از کثرت عقل و زهد قبول ننمود. تصنیفات او در اثبات تبحر علمی او در زمینه‌های گوناگون کافی است. از آثارش: «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق » و «بهجه الحدائق»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «منهج الیقین» شرحی بر «رساله‌ی» وصیت حضرت صادق (ع) که آن حضرت برای اصحاب خویش نگاشته و آنان را در نمازخانه منزلشان قرار داده بودند و چون از نماز فارغ می‌شدند در آن نگریستند، این رساله در کتاب «بحارالانوار» ج ۷۵ آمده است؛ «روضه الشهداء»؛ «روضه العرفاء» یا «کاشف

الاسماء»، در شرح «الاسماء الحسنی»؛ «ترتیب مشیخه من لا یحضره الفقیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۱ / ۹)، بحارالانوار (۲۲۴ –۲۱۰ / ۷۵)، الذریعه (۴۲۷ / ۲۴، ۲۰۱ –۲۰۰ / ۲۳ ، ۱۷۰، ۱۴۵، ۱۴ / ۲۲۶، ۲۲۵ – ۲۱۴، ۸۹ / ۱۳ ، ۳۰۰ –۲۹۹، ۲۹۵، ۱۱ / ۲۸۵ –۲۸۴ / ۶ ، ۷۰–۶۹ / ۴ ،۱۶۱ / ۳)، ریحانه (۱۶۵ –۱۶۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۸ –۴۸۶/ ۱۲)، الکنی و الالقاب (۴۷۷ / ۲)، مواد التواریخ (۲۰۸)، هدیه الاحباب (۲۰۱).

علامه شهریاری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در حدود سال ۱۳۲۵ ق متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات در زادگاه خود و تهران در اوائل تاسیس حوزه علمیه قم مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول (شرح منظومه) و غیره را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین شهری استفاده و در درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت و غیرهم حاضر و کسب فیض نموده آنگاه برای خدمات دینی و اجتماعی و تبلیغ احکام مراجعت و در علیشاه عوض مرکز شهریار اقامت و تاکنون بانجام وظائف دینی و غیره اشتغال دارند.

دارای اجازات روایتی و غیره از مرحوم ثقهٔالمحدثین حاج شیخ عباس قمی و دیگران می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای علامه شهریاری عالمی بصیر و فاضلی روشن ضمیر و دارای طبع روان و ذوق فراوان و خوش مجلس و محاوره می‌باشند. دیوان اشعاری در مدایح و مراثی و نصایح و مواعظ دارند که بنظر آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری آقای مرعشی نجفی مد ظله رسیده و تقریظ جامع و کاملی که مقام علمی و ادبی مترجم معظم را معرفی می‌کنند بر آن مرقوم فرموده‌اند ولی متاسفانه تاکنون بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی هشترودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد علامی بن العلم العلام آقا شیخ محسن علامی از فضلاء آذربایجان مقیم قم می‌باشد.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در سراسکند که از محال هشترود می‌باشد و در سن پانزده سالگی به تبریز آمده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و در سن بیست سالگی مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی صاحب کتاب (هدایه الطالب الی اسرار المکاسب) و کتاب فرائد را محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود دوز دوزانی خوانده و ضمنا بتدریس مطول و لمعه اشتغال داشته و در سن ۲۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم آمده و کفایه را از محضر مبارك آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه العظمی برجرودی شرکت نموده و استفاده کامل کرده و

بتدریس رسائل و مکاسب پرداخته و چند سالی است که در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام حسین (کوچه شیخ مهدی) ترویج دین اشتغال دارد. معظم له حکمت و فلسفه را هم از محضر آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی و علامه بزرگوار آقای طباطبائی آموخته است.

دارای آثار علمی میباشد که از آنها است:

۱- ایضاح المطالب فی شرح المکاسب که بطبع رسیده است.

۲- جلد دوم غایه الایضاح که دارای پنجاه ماده است.

۳- رساله‌ای در اصول‌الدین که تحقیقی و اجتهادی و استدلالی نوشته‌اند.

۴- کتاب جامع الروایات والمطالب.

۵- تقریرات درس طهاره مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی.

۶- تقریرات بحث بیع مکاسب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علامی تبریزی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است وی در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در مدرسه طالبیه تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری حاضر و حدود ده سال استفاده نموده و مورد توجه مخصوص آنجناب گردیده تا سال ۱۳۹۴ قمری که پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن علامی مذکور به تقاضای اهالی مسجد آن مرحوم و حسب‌الامر آیت‌اللّه شریعتمداری به کرمانشاه مهاجرت و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد ترکها و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارند

نگارنده گوید: آقای علامی فاضلی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و صفا و صداقت می‌باشند

و در مسجد مزبور کتابخانه‌ای برای جوانان تأسیس و شبها جلسه پاسخ به پرسشها بعد از نماز مغرب و عشا دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علائی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدابراهیم علائی از فضلاء اهل منبر و دانشمندان خطباء معاصر می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۲ ق در اراک متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن دروس جدید تا درجه دیپلمی به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین اراک آموخته و متون و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقای

گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید و دانشمندان دیگر آن سامان فراگرفته و هم به بعضی از زبانهای زنده روز کاملا آشنا شده و بواسطه مطالعه در علوم و فنون مختلفه اطلاعات وسیعی در علوم روز کسب نموده و با اینکه فرهنگ اراک و غیره می‌خواست با دادن حقوق زیادی از مقام استادی وی برای تدریس دبیرستانها استفاده کند معظم له نپذیرفته و رشته منبر و سخنرانی را انتخاب و از این راه در اراک و غیره خدمات بارزی به دین نموده و بسیاری از نسل جوان و روشنفکر آن را ارشاد و از انحراف و مسیر غلط گردانیده است.

جناب آقای علائی از سال ۱۳۹۰ ق منتقل به تهران شده و تا حال حاضر از طریق منبر و وعظ در هیئت محترم (فاطمیون) تهران و مساجد و مجالس دیگر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

مؤلف گوید: قریب سی سالست که معظم له را از نزدیک می‌شناسم دانشمندی وارسته و واعظی شایسته و ادیبی فرزانه و خطیبی پرمایه و فاضلی خلیق و دوستی صدیق می‌باشد. بیانی ملیح و منطقی صریح دارد.

منبرش اخلاقی و آموزنده و در بحث ولایت و فضائل خاندان رسالت بسیار ارزنده می‌باشد. از خداوند بزرگ موقعیت و پیروزی امثال ایشان را خواسته و برادران دینی را به قدردانی از این گونه خدمتگذاران که زبان گویای شیعه و خلفاء رسول ص هستند توصیه می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ متولد گردید، و در شب ۵ شنبه ۱۷ جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.

عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و اماثل بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم النظیر بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضای قمی معروف به علماء از افاضل دانشمندان و قدماء حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان مذهبی قم است.

تولدش در قم واقع شده و سطوح را از مدرسین حوزه بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله فراگرفته و بالغ بر ۱۸ سال از ابحاث زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و بعد منحصرا به درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و می‌شود.

عالمی ظریف و دانشمندی لطیف و خوش اخلاق و محاوره است همواره چهره‌اش گشاده و لبانش متبسم و در اکثر بحثها و دروس سیدنا الاستاد فقیه اهل البیت علیهم‌السلام آقای مرعشی نجفی سلمه‌الله با ما شرکت داشته و دارند.

برادر ایشانست ثقه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا حسین علماء که نیز از شرکاء درس آیت‌اللهی مرعشی نجفی هستند و از طرف معظم‌له در هفته یکشنبه یا دوشنبه در مسجد جمکران اقامه جماعت نموده مردم را در پیرامون ولایت مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و نیز در شهر قم از طریق منبر ارشاد مردم نموده و بیان احکام و معارف اسلام می‌نمایند و همه روزه ظهر و شب در نماز جماعت آیت‌الله مرعشی شرکت نموده و استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علم‌الهدی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم بن سید محمدحسین معروف به (علم‌الهدی) سبزواری از فضلاء اصحاب حضرت آیت‌اللَّه العظمی میلانی مد ظله العالی و علماء اعلام معاصر مشهد مقدسند.

وی از طرف پدر منتهی میشود سلسله اجدادش به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین (ع).

قسمتی از نیاکان وی در قوچان زندگی میکردند و پس از زلزله‌های متوالیه که موجب ویرانی قسمتی از آن شهر گردیده یکی از اجدادش بنام میرزا ابراهیم با خویشان نزدیک خود از آنجا به سبزوار هجرت نموده و آنجا را برای خود وطن اتخاذ کرده است و مرحوم پدر و جدش در سبزوار از مزرعه‌ای که بنام کلاته خواجه علی داشتند اعاشه می کردند.

وی با اشتیاق بسیار مفرط پس از خواندن دروس فارسی به مدرسه حکیم بزرگ مرحوم حاج ملاهادی سبزواری وارد و مقدمات و ادبیات را خدمت مرحوم حاج میرزا محمد مهدی که از ادباء و معاریف سبزوار و مرحوم آقا شیخ نظام‌الدین رضوان‌اللَّه تعالی علیه که از اعلام و اکابر نیز به شمار می رفت تلمذ کرده و مقداری از منطق و مختصری از فلسفه را خدمت مرحوم آقای فاضل هاشمی ره خوانده و در سن بیست سالگی پس از از دست دادن مرحوم مرحوم والدش با رنج و زحمت فراوان و کمال مشقت عزیمت به عراق نموده و مدتی در کربلا معلی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی به تحصیل پرداخته و سطح کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی میلانی استفاده نموده و مقداری از رسائل را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی و مقداری از مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی شیرازی فراگرفته و بعد از چند سالی به نجف مشرف و سطوح نهائی کفایه و مکاسب را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ علی‌محمد بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا سیدعلی مدرس نوری و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله استفاده نموده و پس از چندی در اثر ابتلا به کسالت دوباره به کربلا مراجعت و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی شرکت و استفاده نموده و پس از تشرف معظم‌له به مشهد و آمدن آیت‌اللَّه خوئی به کربلا و مجلس درس گذاشتن به درس ایشان حاضر و از درس اصول معظم‌له استفاده نموده تا آیت‌اللَّه میلانی مراجعت به کربلاـ و آقای خوئی به نجف بازگشته ایشان به درس آقای میلانی حاضر شده و فقها و اصولا کسب فیض نموده و در خدمت آیت‌اللَّه میلانی به کربلا برگشته و از کلیه ابحاث آن جناب در فقه و اصول و تفسیر بهره‌مند شده و دراسات ایشان را به رشته تحریر برآورده تا هنگام مهاجرت آیت‌اللَّه میلانی به ارض اقدس ایشان هم بعد از ۱۷ سال توقف در اعتاب عالیات به اشاره معظم‌له به مشهد آمده و تا حال حاضر که حدود ۱۸ سالست از محضر ایشان استفاده نموده و کلیه افادات ایشان را مرقوم داشته‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علم‌الهدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد بن العالم الجلیل الحاج السید علی بن الحسین معروف بعلم الهدی خراسانی از علماء اعلام و وعاظ کرام معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۴۸ ق تقریبا در مشهد مقدس متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات (در خدمت آقای ادیب نیشابوری و محقق نوغانی) قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر و دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه موسوی و مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان برای تبلیغ احکام و تنویر افکار بنا بر دعوت به شهرستانها و بالاخص بمرکز و عاصمه تشیع (تهران) مسافرت و از راه منبر و بیان خدماتی انجام داده و مورد توجه بسیاری از مردم متدین و دانا و روشن فکر قرار گرفته که از ایشان برای اداره مسجد (صاحب الزمان) انتهای خیابان شاهپور دعوت و از سال ۱۳۹۰ ق تاکنون در مسجد مزبور به اقامه جماعت

و گفتن تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند و در مجالس بسیار دیگری از هیئات مذهبی انجام وظیفه می‌نمایند.

نگارنده گوید: آن جناب دارای منطقی گویا و بیانی شیوا و محامد آداب و محاسن اخلاق و موصوف بفضل و تقوا و با برادر ارجمندش که ترجمه‌اش ذیلا خواهم نوشت ستاره درخشان از آسمان علم قم و خراسان می‌باشند که در محیط تهران به نورافشانی و روشن کردن دلها و افکار روشنگران فروزندگی دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علم‌الهدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، عالم امامی. در کربلا به دنیا آمد و در مهد علم و شرافت پرورش یافت. به اتفاق پدرش به ایران آمد و به مشهد رضوی رهسپار شد. مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر معین‌الغرباء تحصیل نمود و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت کرد و در اثر تتبع و جدیت به مقام اجتهاد رسید و از آیت‌الله سید محمد عصار به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از پدر، به اقامه جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. چند سال بعد برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌ها برد و به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آن بزرگواران نیز نایل شد و به مشهد بازگشت. از آثارش: کتاب «رساله الوضوء»، عربی؛ «رساله المیاه»، عربی، در احکام آبها؛ «رایت رهنما»، در چهار جلد، در اصول عقاید، امامت و اثبات آن و نقل معجزات ائمه اطهار (ع)؛ کتاب «عدل و معاد»؛ کتاب «نهج‌الخطابه» که جلد اول آن به خطب پیامبر اکرم (ص) و جلد دوم به خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جلد سوم به خطبه‌های سایر ائمه اطهار (ع)به ضمیمه خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا (س) و خطبه‌های حضرت زینب (س) پرداخته است؛کتاب «مناظرات».[۱]

سید علی بن العالم الجلیل السید محمدحسین نجفی بن السید الاجله عماد التولیه معروف به علم الهدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار مشهد مقدس و آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء می‌باشد.

وی در نهم ماه شعبان المعظم سال ۱۳۱۲ قمری هزار و سیصد و دوازده قمری (سال فوت زعیم اعظم و پیشوای معظم شیعیان آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی) در کربلا ـ متولد شده و در مهد علم و شرافت پرورش یافته و به اتفاق مرحوم والدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در مسیر راه (همدان و غیره) مورد استقبال و احترام مردم واقع گردیده و چندی توقف سپس وارد ارض اقدس شده و پس از گذرانیدن دوران طفولیت وارد مرحله تحصیل و در کسوت مقدس روحانیت درآمده و مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر استاد بزرگ مرحوم معین الغرباء تحصیل نموده و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت و در اثر تتبع و حدیت به مقام رفیع اجتهاد رسیده و از مرحوم آیت‌اللَّه سید محمد عصار که از علماء بزرگ ایران بود نائل به اخذ اجتهاد گردیده و در آن اوقات کتابی در مرد استنباط احکام وضوء بنام رساله الوضوء نگاشت.

در سال ۱۳۳۹ قمری والد معظمش که از علماء بنام خراسان بود و در خصوص استخاره شهرت بسرائی داشت از دنیا رفت و راتبه اقامه جماعت آن مرحوم در جامع گوهرشاد به ایشان محول گردید و در عین حال پس از دو سه سال برای ادامه تحصیل مهاجرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و پس از مدتی با دریافت اجتهاد از آن بزرگواران به مشهد مراجعت و تا هم اکنون به ارشاد مردم و تألیف و تصنیف کتاب اشتغال دارند.

آثار قلمی معظم‌له از این قرار است.

۱- کتاب رساله الوضوء عربی مخطوط ۲- رسالت المیاه عربی در موضوع احکام آبها ۱ مخطوط.

۳- رایت رهنماج ۱- (فارسی) دو مرتبه طبع شده است این کتاب در اصول عقاید و اثبات توحید و دفع شبهات مادبین و طبیعین و گفتگو درباره نبوت عامه و نبوت خاصه.

۴- رایت رهنماج ۲ در موضوع امامت و اثبات خلافت بلا ـ فصل امیرالمومنین (ع) و امامت امام حسن مجتبی و امامت امام حسین علیه‌السلام و فلسفه نهضت آنجناب مطبوع.

۵- رایت رهنماج ۳ و ۴ درباره اثبات امامت و نقل معجزات سایر ائمه اطهار علیه السلام و دفع شبهات کیسانیه و واقفیه و مدعیان مهدویت و فرقه ضاله و مضله بهائیت و فلسفه غیبت و رمز طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.

۶- کتاب عدل و معاد درباره تشریح جهان آخرت و عالم پس از مرگ و عالم برزخ و سوال نکیرین و سیر ارواح و بعث و نشر در روز رستاخیز و بهشت و دوزخ از طریق روایات و آیات و دفع عموم شبهات و اشکالات وارده در این موارد و نیز درباره اثبات امر بین‌الامرین جبر و تفویض (مطبوع).

۷- کتاب نهج‌الخطابه در خطب النبی والائمه علیهم‌السلام فارسی و عربی ج ۱ در نقل کلیه خطبه‌های پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اخبار معراجیه و وصایای آن حضرت به امیرالمؤمنین (ع) و ابوذر به ضمیمه ترجمه.

۸- نهج‌الخطابه ج ۲- خطبات مولی الموحدین امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه موجود نیست- مخطوط.

۹- نهج‌الخطابه ج ۳- خطبات سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به ضمیمه خطبه‌های حضرت صدیقه کبری فاطمه سلام‌اللَّه علیهاسلام.

۱۰- کتاب مناظرات درباره نقل برخی از مناظراتی که خود ایشان با افراد خارج از دین نموده‌اند به ضمیمه نقل چند مورد از مناظرات قدماء و صحابه.

نگارنده گوید آقای علم‌الهدی مضافا بر آن آثار فرزندان دانشمندان و مروج چندی دارند که از باقیات‌الصالحات ایشانست و آنها از این قرار است.

۱- سید الاعلام آقای حاج سید کاظم علم‌الهدی مقیم مشهد از وعاظ و محدثین معاصر مشهد می باشند.

۲- حجهٔالاسلام آقای حاج‌آقا محمد علم‌الهدی مقیم تهران و امام مسجد الزهراء خیابان آب منگل.

۳- حجهٔالاسلام آقای حاج‌آقا جواد علم‌الهدی مقیم تهران و امام جماعت مسجد صاحب الزمان خیابان شاهپور.

۴- ثقهٔالاسلام آقای آقاسید احمد علم الهدی مشهد که از فضلاء و خطباء بلیغ اکنون مقیم تهران میباشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۶۴ -۱۶۶۳ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۷ -۱۴۴ / ۷).

علمی عراقی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی از علماء محترم و دانشمندان معظم و قدماء مکرم حوزه علمیه قم‌اند که به محامد آداب و محاسن اخلاق و متانت موصوف و و به فضل و تقوا معروف می‌باشند. در ربیع‌المولود ۱۳۲۳ قمری در اراک متولد شده و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۴۰ قمری به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم میرزا محمد ثابتی همدانی و آیت‌الله آخوند ملاـعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله صدر استفاده کرده و به درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالغ بر هیجده سال از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و چندین سال تصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف آن مرحوم با ایشان بوده است و پس از آن مرحوم به آیت‌الله العظمی شریعتمداری پیوسته و تا هم اکنون به مباحثه معظم‌له شرکت می‌نمایند.

حکایت کردند برای نگارنده که در ماه شوال ۱۳۹۲ ق شبی در خواب دیدم که حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند پس شرفیاب شدم حضورشان دیدم عده‌ای از آقایان هستند محضرشان که در میان آنها جناب آقای قاضی طباطبائی حاج سید حسین و آقای حاج سید مرتضی برقعی واعظ معروف بود و می‌خواستند قبل از قیامشان منبر بروند پس آقای قاضی گفتند منبر آقا را مقابل قبله بگذارند آقای برقعی گفتند منبر آقا را رو به کشور ترکیه بگذارید که آقا با مردم ترکیه صحبت کنند پس منبر را به سمت ترکیه گذاردند و آقا به منبر رفتند و من از خواب بیدار شدم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی فرزند حجهٔالاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید ابوالقاسم علوی دومین داماد آیت‌اللّه العظمی بروجردی و از بنی اعمام ایشان از خاندان طباطبائی بروجرد هستند. جد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدحسین از علماء بزرگ بروجرد و حوزه علمی ایشان در عصر خودش از حوزه‌های بزرگ بروجرد بوده است.

و نیز جد بزرگ او مرحوم حاج سید ابوتراب از بزرگان سلسله طباطبائی در جود سخا و حسن خلق زبانزد خاص و عام بوده است.

مقبره‌اش در نجف اشرف در بقعه مرحوم بحرالعلوم علیه‌الرحمه است.

مترجم گرامی ما در سال ۱۳۰۴ شمسی در بروجرد متولد شده و در دبستان و دبیرستان آن شهر تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده و بعد از تشرف مرحوم آیت‌اللّه فقید به قم بفاصله شش ماه به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینی نموده و بعد از فراغت از سطوح در نزد اساتید معظم حوزه هفت سال در محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی حاضر و از خرمن فضیلت آن مرد بزرگ خوشه‌ها چیده و در سال ۱۳۲۸ شمسی بمصاهرت آن بزرگوار مفتخر و پس از فوت آن مرحوم مهاجرت به تهران نموده و در مسجد فخریه تهران بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین و تنویر افکار جوانان و روشنفکران پرداخته و تا هم‌اکنون به این خدمات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای علوی علاوه بر تحصیلات جدید و قدیم بزبان انگلیسی نیز تسلط دارند و دانشمندی ادیب و آشنای به ادبیات عربی و فارسی می‌باشند و در نویسندگی نیز توانا هستند.

از آثار مطبوع ایشان کتاب خاطرات زندگانی حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی است که در بیست و پنج هزار نسخه منتشر گردیده.

و دیگر از آثار وی تأسیس حسینیه علوی در خیابان فرهنگ نزدیک به خیابان امیریه می‌باشد که پایگاه و مرکز حساسی برای نشر معارف اسلامی است و در روزهای جمعه از اول آفتاب تا قریب بظهر خطباء و گویندگان بزرگ برای صدها نفر مردم مرکز موعظه نموده و سخنرانی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی سبزواری، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۳۲۶ ق)، عالم دینی و نویسنده. در سبزوار به دنیا آمد. به کاظمین رفت و در آن شهر نشوونما یافت و از محضر شیخ علی شاهرودی و دیگران استفاده نمود. وی در زمان حیات پدرش، در جوانی، در سبزوار از دنیا رفت. از آثارش: کتاب «تاریخ طوس» یا «تاریخ مشهد الرضوی» که در ۱۳۴۶ ق در بغداد به چاپ رسید؛ رساله‌ای در «زندگانی علامه سید هبه‌الدین شهرستانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۶ / ۷)، الذریعه (۲۶۳ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴ / ۷).

علوی شهیدی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمّد باقر علوی شهیدی عالم فاضل زاهد، از ائمّه جماعت اصفهان که به جای پدر در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می‌فرمود.

از شاگردان پدر خود، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی بود.

در شب ۲۵ محرم سال ۱۳۸۵ بسنّ متجاوز از هفتاد و پنج وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

علوی فریدنی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی بن السید موسی علوی از علماء اعلام و قدماء عظام حوزه علمیه است که به زیور علم و کمال و خصال حمیده و ملکات فاضله آراسته‌اند مرحوم والدش آقا سید موسی از سادات و اشراف محال فریدن اصفهان بوده‌اند.
معظم‌له در سال ۱۳۲۸ قمری در فریدن به دنیا آمد و در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۴۴ مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مرحوم آقا سید مهدی کشفی و مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی استفاده نموده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و ضمنا تدریس سطوح عالی را هم نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی به مناسبت وصلت با مرجع بزرگوار آیت‌الله گلپایگانی منحصرا به درس آن جناب حاضر شده و از ملازمین و منقطعین به ایشان می‌باشد ادام‌الله برکاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی قزوینی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد فرزند عالم جلیل حاج آقا بزرگ علوی قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر دارالمؤمنین قزوین است. در سال ۱۳۰۷ شمسی در بلده طیبه قم متولد شده و تحصیلات مقدماتی و سطوح را در شهرستان قزوین نزد والد بزرگوارش و سایر اساتید گرانقدر آن سامان عموی آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن رفیعی و آقا سید محمد تنکابنی به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۳۵ شمسی برابر ۱۳۷۵ قمری عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگوار آن دیار بهره‌مند گردیده و بالاخص افتخار شرکت در درس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و نیز حکیم متاله و فیلسوف الهی و مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی صاحب تفسیر و زین المیزان و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ محمد فکوری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل مراتب علمی مراجعت به قزوین و به تدریس علوم مختلفه دینی و اقامه جماعت در مسجد سلطانی (مسجدالنبی- ص) و مسجد محله مسکونی خود (مسجد شیشه‌گرها) پرداخته و تاکنون اشتغال دارند. از آثار علمی ایشان تقریرات اساتید حوزه علمیه قم می‌باشد.
و از باقیات الصالحات معظم‌له:
۱- بناء حسینیه سیدالشهداء در قزوین است و واقف آن مرحوم آقا میر عبدالباقی است که تولیت آن را با علماء و دانشمندان از خاندان علوی می‌باشد و این حسینیه مدتها به صورت مخروبه درآمده و تعطیل بود که به همت والای ایشان تعمیر و به صورت عالی و باشکوهی درآمده و اکنون مورد استفاده عموم علاقمندان می‌باشد و در آن نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و ترویج احکام و

تفسیر قرآن و ذکر احادیث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی از دانشمندان و مستخرجین حوزه علمیه قم می‌باشند وی سالها از محاظر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم والدش و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به قزوین آمده و پس از چندی اقامت مهاجرت به تهران و تا حال تحریر در قسمت غرب تهران به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر ابوترابی علوی سومین فرزند آن مرحوم و دارای مقام فضل و تقوا و مانند مرحوم والدش متعبد و متقی می‌باشند. تولد ایشان در قم واقع شده و در حجر تربیت چنان پدر بزرگواری پرورش و دوران کودکی را گذرانیده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و از محضر مدرسین سطوح استفاده نموده و پس از تکمیل آن از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و دیگران بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری به قزوین وطن اصلی خود منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علوی قزوینی از علماء و فضلاء و شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری مرحوم بودند و در قزوین (زادگاه خود) به خدمات دینی و روحی اشتغال داشتند تا از دنیا رفتند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مشهور به (حاج آقا بزرگ) علوی موسوی بن العلم العلام میر سید محمدباقر بن العلامهٔ السید علی قزوینی صاحب (حاشیه بر قوانین) که ذکرش گذشت از علماء اخیار معاصر قزوین بودند. نسب آن مرحوم منتهی می‌شود به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام.

نسب کمثل الشمس اشرف نوره

فاضائت الاقطار بالنور الجلی

من حیث جدهم النبی محمد (ص)

و ابوهم الکرار حیدرهٔ علی

وی در سال ۱۲۸۱ شمسی در قزوین متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته آنگاه به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه و ترویج دین پرداخته است.

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی‌کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می‌نمود مانند بناء مساجد و اعانت به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت و غیر آنان از آنچه را که رضای امام (ع) را در آنست و برای خود و خاندان خود چیزی ازاین وجوه نمی‌گذاشت حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته نکرده و نداشت با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کان رحمه‌اللّٰه حافظاً لدینه فی حوادث دهره و داعیا الی اللّٰه بقوله و فعله و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً لدینه و تقویهٔ لعقائد الناس و کان موته ثلمهٔ فی الاسلام.

وی روز اربعین ۱۳۹۴ قمری از دنیا رفته و در تشییع جنازه‌اش بسیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل به قم نموده و در قبرستان نو. مرحوم حایری دفن نمودند.

دارای آثاری در مواعظ و اخلاق بوده‌اند که تاکنون بطبع نرسیده است. از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش جناب حجهٔ‌الاسلام آقای آسید جواد موسوی علوی که در رشته‌ی اسلاف و نیاکان خود و بجای والد مبرورش به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن میرزا یوسف بن حاج میرزا فتاح (توتونچی) بن حاج میرزا یوسف بزرگ از علماء و ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بودند.

وی در تبریز متولـد شـده و پس از پرورش و خوانـدن سـطوح از محضـر مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید علی مولینا و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی اسـتفاده نموده آنگاه مهاجرت به مشـهد و از محضـر مرحوم آقازاده کفائی و آیت‌اللّه آشتیانی استفاده نموده و در شبسـتا اول مسـجد به اقامه جماعت اشتغال داشته تا در سال دهم ربیع‌الاول ۱۳۸۱ قمری که بر اثر کسـالت برای معالجه به تهران رفته ولی اجل محتوم رسـید و در آنجا به رحمت ایزدی پیوسـته و جنازه او را با احترام تمام وارد به مشـهد و با تشییعی عظیم در یکی از حجرات صحن عتیق مدفون نمودند.

آثار مطبوع ایشان از این قرار است.

۱- الحجاب ۲- الرباء ۳- الغناء ۴- هدیه الاخوان فی تعالیم الاسلام ۵- کتابی در توحید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علویجه‌ای، عباس علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند غلامرضا. عالم فاضل، و فقیه جامع، در غره‌ی شعبان ۱۲۸۳ در علویجه از بلوک عربسـتان اصفهان متولد گردید، در اصفهان مقدمات علوم را فراگرفته، در ۱۳۰۸ به نجف اشرف مهاجرت نموده، به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شده، و به آیهٔاللاه صفهانی اختصاص یافته؛ در حسن خلق و تقوی و زهد معروف بوده.

سرانجام در ۷ شعبان ۱۳۵۵ وفات یافته، در وادی‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علیاری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۶۶ ق)، عالم. وی در روسـتای علیار تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی، علم رجال، درایه و ریاضـیات در نزد پـدرش علامه حاج ملاعلی مجتهد علیاری، برای ادامه و تکمیل تحصـیلات در ۱۲۹۷ ق به نجـف رفت.وی در نجف در نزد فاضـل ایروانی و فاضـل شـرابیانی و آقـا میرزا محمـدعلی رشتی و حاج‌ملا احمـد شـبستری و حاج میرزا ابوالقاسم حایری و آقا میرزا لطف‌الله مازندرنی و آقا میرزا محمدعلی حکیم الهی مرندی تلمذ نمود. او از فاضل شـرابیانی و ملا احمد شـبستری و میرزا ابوالقاسم حجت حایری و میرزا محمـدعلی رشتی و آقا ضـیاءالدین عراقی و آقت سـید ابوالحسن اصـفهانی اجازه اجتهاد و روایت گرفت و به تبریز بازگشت. از آثار وی: «احقاق الحق»؛ «نظم البرهان»، در تفسیر قرآن؛ «مجمع المعارف»، در تعیین مواقف، در دو جلد؛ «مشکاه الانوار فی اصول الـدین»، در دو جلـد؛ «مشـکاه الوصول الی علم الاصول»، در پنـج جلـد؛ «عقایـد الایمان»، در شـرح «دعای عدیله»؛ «صـراط النجـاه»؛ «محجه البیضـاء»؛ «مواهب السـنیه»، در دو جلـد؛ «حبل المتین»؛ «جامع السـعاده»، در سه جلـد؛ «زلال المقال»، در دو جلـد؛ «بـدائع الاسـلام»، در شـرح «شـرایع الاسـلام»؛ «اللآلی المخزونـه»، در تفسـیر «انـا اعطینـاک الکـوثر»؛ «کنز الغرائب»؛ «مصـائب الابرار»،در دو جلد؛ «دلائل الشهاده»، در سه جلد؛ تعلیقات بر «الریاض» و «الرسائل» و «المکاسب» و «القوانین».

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴ / ۲۱ ، ۱۴۰ ، ۱۳۹ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۸۱ -۱۸۰)، مکارم الآثار (۱۸۲۴ -۱۸۲۳ / ۶).

عماد الشریعه، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سیّد عباس، از احفاد میر محمّد اشرف که پس از این شرح حالش نگاشته خواهد شد.

عالم فاضل، در خدمت آخوند کاشی، و ملاّ عبدالکریم جزی، و آقا سید محمّد درچه‌ای، و آقا سید حسن مشکان طبسی (تولد حدود ۱۲۹۰ فوت شب سه شنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۶۸ در طهران) و غیره تحصیل نموده، در سال ۱۳۶۱ قمری به سنّ متجاوز از هفتاد در قریه خوزان مولد و موطن خویش وفات یافته، در مقبره امام زاده سید محمّد مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عنایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی عنایتی بن مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ جعفر عنایتی از علماء معاصر است در گنبد کاووس.

ایشان در سال ۱۳۱۱ شمسی در قریه «رودبار قانچی» از قراء گرگان متولد شده و پس از پرورش و خواندن قسمتی از مقدمات خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۵ قمری برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف گشته و ادبیات و سطوح را در محضر اساتید وقت دانشمند گرانمایه آقای ادیب نیشابوری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی و غیرهما به پایان رسانیده و در سال ۱۳۷۰ قمی به نجف اشرف مهاجرت و در حوزه درس فقه و اصول مرجع عالیقدر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی حاضر و استفاده نموده و یک دوره تقریر درس اصول و قسمتی از درس مکاسب آیت‌اللّه خوئی مدظله العالی را به رشته تحریر آورده و نیز از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حکیم بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۰ قمری به ایران مراجعت و در تهران اقامت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری با اصرار جمعی از مؤمنین گنبد کاووس به جهت امامت و تبلیغ دین و ارشاد مسلمین بدانجا آمده و تاکنون به خدمات دینی و انجام وظیفه روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست بناء مسجد رضوی گنبد که به سعی و اهتمام معظم له و همت مردم خیر گنبد توسعه و تجدید گردیده است.

اکثر اجداد ایشان از علماء زمان بوده است یکی از اجداد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام شیخ زین‌العابدین بن شیخ محمدباقر است که تعلیقات سودمندی بر شرایع محقق حلی نوشته و اکنون در حواشی نسخه نفیسی از شرایع که استنساخ آن هم بخط آن بزرگوار است و در تاریخ هفتم ذی‌الحجه ۱۲۱۷ قمری پایان یافته است در کتابخانه شخصی ایشان موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

عندلیب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی معروف به (عندلیب) از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر مشهد مقدسند.

وی پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات در سبزوار و مشهد متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ فراگرفته و از دروس خارج آیات عظام خراسان استفاده نموده و بعد چندین سال در سبزوار به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی پرداخته تا در این چند ساله اخیر که بنا بر دعوت حضرت آیت‌اللّٰه العظمی میلانی مدظله به مشهد منتقل و به وظائف دینی اشتغال و ضمنا غالب شبها در منزل معظم‌له آمده و متصدی قسمتی از کارهای معظم‌له از قبیل جواب استفتاءها و غیره می‌باشند.

آقای عندلیب از دانشمندان روشن و مطلع و مورد توجه مخصوص آیت‌اللّٰه العظمی میلانی بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عندلیب‌زاده، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن العالم الخطیب والفاضل الحسیب حاج شیخ محمدتقی عندلیب همدانی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر همدان است که در مسجد حاجی همدان به اقامه جماعت و ارشاد مرحوم و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارد. تولد ایشان در همدان واقع شده و تحصیلات خود را در آنجا و دارالعلم قم به پایان رسانیده آنگاه مراجعت به همدان و به خدمات دینی پرداخته است.

دارای تالیفات سودمندی می‌باشد برادر بزرگوار ایشان مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدحسن قوام الشریعه تهرانی بودند که در حومه شهر ری سکونت و شاغل وظائف روحی و اجتماعی بودند و در سال ۱۳۸۷ ق مشرف به نجف اشرف شده و پس از زیارت عتبات عالیات در نجف داعی حق را لبیک اجابت گفته و جان بجان آفرین تسلیم و در وادی‌السلام در جوار حضرت هود و صالح نبی علیهاالسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

عیدگاهی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن العالم الجلیل حاج سید عبدالحسین طباطبائی یزدی از سادات علماء و اجلاء معاصر در عیدگاه سکونت داشت و در مسجد

آنجا نماز جماعت می‌خوانـد و مورد توجه عموم طبقات بود. در سال ۱۳۶۷ به قصد زیارت اعتاب مقدسه از مشـهد حرکت کرده و در تهران بیمار شد و در روز دوشنبه چهارم ربیع‌الثانی وفات و در جار حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهر ری مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عیدگاهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضـی واعظ شـهیدی عیدگاهی طاب ثراه بن العلامه العلام والحجت الاسلام حاج شیخ عبدالرحیم شهید مدرس رحمه‌اللّه در سال ۱۳۰۳ ق در مشـهد مقـدس متولـد شده و پس از طی مراحل مقدماتی رشـته ادبیات را از مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شـیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشـابوری خوانـده و فقه و اصول را از مرحوم مبرور آیت‌اللّه برسـی و آیت‌اللّه‌زاده حـاج میرزا محمـد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه حاج شـیخ مرتضـی آشتیانی استفاده نموده و معقول و کلام را از مرحوم والدش آموخته و در رشته منبر و فن وعظ و خطابه زحمات فراوان کشـیده و سیر اخبار و تواریخ و تفاسـیر نموده تا یکی از برازنده‌ترین وعاظ آستان خراسان و آستان قدس گردیده و از این طریق خدمات ارزنده‌ای در حود خود با سـلام و مسـلمین نموده تا در روز پنجشنبه هفتم ماه ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۲ قمری که در سن نودسالگی بدرود حیات گفته و با تجلیل شایان و تشییع فراوان در دارالسلام رضوی مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

غروی دشتی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: کتاب الطلاق فروع متصیده (قم، ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شـیخ احمد بن العالم الجلیل الشیخ محمد توسرکانی و سبط آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و به متانت و مناعت طبع معروف می‌باشد.

در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشـرف تولد یافته و با والد خود که از اخیار و مقدسـین حقیقی و شخص فاضل و متدینی بود و سالها

در مسجد نو کربلاـ امامت داشت و از حافظین احادیث اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام (در زمان خود بوده) در سال ۱۳۳۹ قمری عزیمت به عراق و از آنجا در خدمت آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نموده و مرحوم والدش در مسجد عشقعلی به امامت و تدریس پرداخته تا سال ۱۳۴۳ قمری که بدرود زندگی گفت و مترجم محترم مستقیما در تحت کفالت و مهد تربیت جدامی خود آیت‌الله حایری درآمده و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی خوانده و سطوح عالی را از محضر مرحوم میرزای همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی خوانده و سالهای متمادی از ابحاث فقه و اصول علامه محقق مرحوم آیت‌الله حجت استفاده کامل نموده و بعد از ایشان منحصرا به درس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و چند سالی هم متصدی مدرسه فیضیه و دارالشفا بوده تا سال ۱۳۹۱ که به جهت پاره‌ای از جهات از این کار کناره نموده است.

از نوشته‌های ایشانست دراسات کتاب طهارت مرحوم آیت‌الله حایری و فقه و اصول آیت‌الله حجت قدس‌الله سر هما.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غروی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر غروی که سالها در نجف اشرف اقامت و در خدمت مراجع بزرگ و مدرسین عالیمقام و آیات عظام آنجا تلمذ نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم قدس اللّه سره به قصر آمده و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در قصر شیرین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

غروی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن غروی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر لاهیجانست.

وی در آن سامان متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و به درس خارج آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولاـ خوشه‌ها و توشه‌ها برداشته و پس از آن به لاهیجان مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و ترویج و تبلیغ اشتغال دارند.

برادر ارجمندشان مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ کاظم عترتی کوشالی نیز از علماء و ائمه جماعت لاهیجان بودند و در حدود ۱۳۹۲ قمری به رحمت حق پیوستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

غروی، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا یدالله غروی تبریزی از فضلاء مبرز حوزه و اتقیاء اصحاب و تلامذه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است، وی از تبریز مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده است.

از آثار اوست تعلیقات بر من لایحضره الفقیه شیخ بزرگوار صدوق ره که از ثلث مرحوم حاجی اصفهانی به طبع رسیده است.

(س چهاردهم ق)، فقیه و مدرس. وی از فضلای بزرگ و شاگردان آیت‌الله مرعشی نجفی بود. از تبریز به قم مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح، از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله مرعشی نجفی استفاده نمود. از آثارش تعلیقاتی بر «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ / ۲).

غزالی، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع.) علی بن محمد مکنی به ابن ابی‌قصیبه، دانشمند (ف. ۷۲۱ ه.ق). او راست: کتاب میزان الاستقامهٔ لاهل القرب والکرامهٔ (کشف‌الظنون، لغ.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غفاری‌نژاد، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن بن المولی المیرزا حمید غفاری نژاد تبریزی از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و خواص تلامذه و اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی است.

در سال ۱۳۴۵ قمری در شهرستان تبریز متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه تا سال نهم دیده و به تحصیل علوم قدیمه پرداخته و مقدمات و ادبیات از مرحوم شیخ علی‌اکبر نحوی و آیت‌الله میرزا مهدی انگجی و آیت‌الله میرزا محمود دوزدوزانی و آیت‌الله میرزا ارضـی مجتهد تبریزی فراگرفته و هم در جلسه درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فتاح شهیدی شرکت کرده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگوار علامه شهیر فقیه جامع آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم علامه محقق داماد استفاده فقه و اصول نموده و از بعد از فوت آیت‌الله بروجردی منقطع به آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی گشته و تا هم اکنون به جلسات درس و استفتاء آن جناب حاضر می‌شود و ضمنا سطوح عالی را هم تدریس می‌نماید آثار علمی ایشان از این قرار است.

۱- حدیث از نظر شیعه ۲- تعیین مبانی المختلفه بین العلمین شیخنا الانصاری و مولینا الخراسانی ۳- کاوشهای علمی که در رجال و اساتید روایات اهل سنت و جماعت بحث می کند و این کتاب مطبوع و در دسترس فضلاء و دانشمندان قرار گرفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غفوری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر علی گلزار غفوری نیز یکی از ستارگان فروزان آسمان علم و فضیلت است.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در قزوین متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و اولیات در زادگاه خود و تهران مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه فراگرفته و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و دیگران شرکت و از دراسات فقه و اصول معظم له استفاده نموده و چند سالی در گیلان دماوند اقامت و خدمات دینی و روحی نموده سپس منتقل به تهران و به تدریس و مطالعه پرداخته و برای دریافت مقام استادی و دکترا در دانشگاه تهران حضور و نیز به این منظور مسافرتی به اروپا و فرانسه نموده و به واسطه استعداد و نبوغ فکری دوره تخصصی را در مدت شش ماه طی و موفق به گرفتن گواهی‌نامه دکترا شده سپس مراجعت به تهران و به تالیف کتب سودمند عصری برای نسل جوان و روشنفکران گردیده و با اقران خود در وجود آوردن انقلاب و پیروزی آن همکاری داشته و دارد.

نگارنده گوید:

مترجم گرامی ما که از دیرزمانی آشنائی نزدیک با ایشان داشته‌ام در میان دوستان و افاضل حوزه معروف به تقوای و پرهیزکاری و محامد اخلاقی و محاسن آداب و کم‌گوئی و اندیشمندی بوده است.

در شب شنبه دوم تیرماه ۱۳۵۸ برابر بیست و هشتم رجب‌المرجب ۱۳۹۹ قمری مصاحبه تلویزیونی جالبی درباره قانون اساسی جمهوری اسلام نمودند که غالبا مشاهده کردند دارای تألیفات عدیده می‌باشند که قسمتی از آن را که به دست نویسنده رسید یاد نمودم.

۱- سرگذشت و شهادت هشتمین امام شیعیان حضرت امام رضا (ع) چاپ شده.

۲- شناخت اسلام- که با معیت استاد دکتر سید محمد بهشتی و دکتر محمد جواد باهنر نوشته‌اند چاپ شده.

۳- راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد علیه‌السلام چاپ شده.

۴- یادداشتهائی درباره نبهیلیسم- نه‌گرائی- پوچ‌گرائی چاپ شده.

۵- با دستورات اسلام آشنا شوید چاپ شده.

۶- بر نام ایمان آورده‌ها از یک تا ۵ چاپ شده.

۷- بیائید این گونه باشیم.

مقالات و جزوات سودمند دیگری دارند که متاسفانه تا حال نگارش به دستم نرسیده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

غلامحسین، آل آقا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

این شهرت از بیت اصیل و ریشه‌داری است که بالغ بر یکصد و پنجاه سال در عراق و ایران به برازندگی مشهور و معروف می‌باشند و آن منتسب به آیت‌الله العظمی و العلامه الکبری وحید علی الاطلاق مرحوم آقا باقر بهبهانی می‌باشند که در کربلا و کرمانشاه و تهران و قم و نهاوند و سایر نقاط سکونت دارند.

آل آقای کرمانشاه از اولاد مرحوم آیت‌الله آقا محمدعلی بن وحید بهبهانی می‌باشند ترجمه این خاندان را دوست عزیز ما دانشمند فاضل حاج شیخ علی دوانی به نام زندگانی وحید بهبهانی تالیف و طبع نموده است از همین سلسله و بیت است جناب آقای حاج شیخ غلامحسین اکبری معروف به معتمدالعلماء آل آقا کرمانشاهی که در شهر کرمانشاه متولد و در بیت علم آل‌آقا تربیت و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۶۳ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و زعماء حاضر دیگر استفاده نموده و می‌نماید از آثار اوست ۱- کتابی در اخلاق و آداب ۲- کتابی در دعوات ۳- تاریخ مختصر ایران ۴- شرح سفرنامه ۵- حدیث شریف کسا به نظم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غیاثی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی بن العلامه الورع الشیخ محمود غیاثی آملی از فضلاء بنام شمال و حوزه علمیه قم است که به فضل و تقوا موصوف می‌باشد، در سال ۱۳۴۸ قمری در قریه غیاث کلا از توابع آمل به دنیا آمده و عمده ادبیات فارسی و عربی را از محضر آیت‌الله آقا شیخ محمود غیاثی والد ماجد خود که از او تا دو رجال متدین و علماء اعلام آن سامان به شمار می‌آید فراگرفته است و پس از سه سال توقف در بابل به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید عظام بالاخص زعیم اعظم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۲ ق به نجف اشرف مشرف شده و از دروس آیات عظام آنجا مرحوم آیت‌العظمی سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و مخصوصا حضرت علامه متتبع وحید عصر آیه‌العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا بهره‌مند گردیده و دراسات و تقریرات فقه و اصول معظم‌له را به رشته تحریر آورده در مدت ۸ سال و در سال ۱۳۸۰ به وطن خود مراجعت و در ۱۳۸۲ مجددا به قم مهاجرت و تاکنون به تدریس و تدرس در خدمت مراجع عالیقدر حوزه علمیه قم می‌باشند دارای اجازات عدیده از زعماء و مراجع بزرگ قم هستند و در میان فضلاء مازندران به فضل و کمال مشهور و افتخاری برای محصلین مازندران هستند ادام‌الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فاضل برسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن از مدرسین بزرگ معاصر و از متنفذین آستان قدس رضوی بود و حوزه درس او از سایر حوزه‌ها با اهمیت‌تر و افاضل طلاب که اکنون از علماء و آیات بزرگ مشهدند از محضرش استفاده می‌نمودند وی در اثر کسالت چندی از مشهد به (برس) رفت و پس از مدتی با عتاب عالیات عزیمت نمود و در آنجا در سال ۱۳۵۳ وفات و در جوار ائمه عراق علیهم‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارجمندش مرحوم آقا شیخ عبدالجواد برسی از فضلاء مشهد بودند و چندی در عزلت و انزوا گذرانید تا در روز سه‌شنبه ۲۰ رجب ۱۳۸۲ وفات و در جوار روضه رضویه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فاضل بسطامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ محمد معروف بفاضل بسطامی از علماء و مدرسین معروف حوزه علمیه مشهد بوده و بسیاری از علماء حاضر مشهد و قم و نجف (۱۳۵۲ شمسی) از وی استفاده و روایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاضل سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم. اهل سمرقند و از علمای زمان سلطان حسین گورکانی بود. از آثار وی حاشیه‌ای بر «شرح شمسیه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۴ / ۴)، رجال حبیب السیر (۱۳۹)، کشف الظنون (۱۰۶۴).

فاضل کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود معروف به فاضل کاشانی فرزند ملا محمد حسین فاضل فرزند ملا علی‌اکبر فاضل از افاضل وعاظ و مشاهیر خطباء و اهل منبر معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۲ قمری در دارالمؤمنین کاشان به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و مقدمات و

ادبیات را در مدرسه مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا سید علی یثربی خوانده و به دست مبارک آن مرحوم معمم و ملبس به کسوت مقدس روحانیت گردیده و پس از فوت آن بزرگوار در سال ۱۳۸۰ قمری مهاجرت به تهران نموده و سطوح را از مرحوم حاج سید مرتضی لنگرودی امام مدرسه و مسجد حاج ابوالفتوح تهران و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد جناب آقای فلسفی واعظ استفاده نموده و حدود بیست سال از دروس نهائی و خارج آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد غروی کاشانی فقها و اصولا و تفسیرا و حدیثا بهره‌مند گردیده و حظ وافری از مقامات علمی و معنوی معظم‌له رحمه‌اللَّه برده و بعد به ترویج دین و تبلیغ احکام و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام گرویده و مورد توجه خاص دانشمندان و اهل ایمان خاصه پیروان قرآن و خاندان رسالت صلوات اللَّه علیهم اجمعین گردیده و تا حال تحریر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی فاضل اندرمانی بن العالم الجلیل ملا علی اندرمانی از علماء متقی شهر ری بوده است.

وی در تاریخ ۱۲۵۵ شمسی متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج ملا رضا قلی در شهر ری فراگرفته و سطوح وسطی را در مدرسه سید نصرالدین واقع در خیابان خیام خوانده و سطوح عالیه را در مدرسه مروی از مدرسین بزرگ آنجا چون مرحوم حاج میرزا مسیح طالقانی و حاج شیخ محمدباقر معزالدوله و دیگران آموخته و به مشهد مشرف و از آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد نهاوندی و ادیب بزرگ نیشابوری استفاده نموده و به تهران و ری مراجعت و در مدرسه بتدریس سطوح و مباحثات علمی پرداخته تا در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۳۲ شمسی برحمت ایزدی واصل و در جوار حضرت امامزاده حمزه جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون و روی سنگ قبرش این بیت نوشته است.

دنیا مثال بحر مهیب است و پر نهنگ

آسوده عارفان که گرفتند ساحلی

نگارنده گوید: مرحوم فاضل اندرمانی عالمی عامل و عارفی کامل بوده و در نهایت سادگی و بی‌آلایشی زندگی و متصدی هیچ یک از مناصب روحانی از اقامه جماعت و غیره جز تدریس و تألیف نشد و شاگردان بزرگی که امروز از رجال کشورند تربیت نمود و آثار علمی در فقه و اصول و ادبیات از خود گذارد که هنوز بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوطالب فاضلی بن حجهٔالاسلام آقا شیخ خلیل بن العلم العلام حاج شیخ عبداللَّه بن آیت‌اللَّه آخوند ملا ابوطالب از علماء

فضلاء معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در خوی متولد شده و مرحوم والدش از نظر دوراندیشی که به آینده ایشان داشت مشاراليه را بنام جد بزرگوار خود مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا ابوطالب- ره- موسوم کرده ایشان بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی فارسی و عربی و قسمتی از سطح در شهرستان خوی و تبریز جهت تکمیل مراتب عالیه بحوزه علمیه قم وارد و بعد از دادن امتحان از کتابین رسائل و مکاسب (مرحوم شیخ انصاری- ره-) و قبولی از طرف اساتید حوزه مدت ده سال از آیات عظام وقت بالاخص از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه استفاده نموده بطوری که مباحثی از تقریرات آن مرحوم را در دو قسمت اصول و کتاب صلوه نوشته‌اند بعد در سال ۱۳۷۴ ق بنابر دعوت حضرت بندگان سید الطائفه آیت‌اللّه العظمی خوئی دامت برکاته عازم نجف اشرف و قریب نه سال در آستان ملك پاسبان علوی از مباحثات آیت‌اللّه خوئی بهره‌های شایانی برده و غیر از عنوان استفاده‌های درسی از ملازمین خاص و مورد علاقه شدید آن بزرگوار بوده بطوریکه خاطرات فراوانی از آن شخصیت بزرگ دارند و اکنون چند سالیست که در یکی از مساجد و محله‌های معروف تهران موسوم به گذر مستوفی (مسجد مستوفی) مشغول انجام وظیفه هستند.

و اما آثار علمی ایشان در دو قسمت خلاصه می‌شود:

(تألیفی)

۱- القضاء فی الاسلام (ناتمام).

۲- الآیات المستشهد بها فی الکتب الادبیه (ناتمام).

۳- خاطرات من از استاد حاضر.

(تقریراتی)

۱- اصول یکدوره تمام تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۲- مباحثی از بیع و خیارات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۳- از اول طهاره الی احکام الاموات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

اجمالی از احوال اسره فاضلی در ذکر اعلام شهرستان خوی در جلد چهارم خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه فاضلی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوار می‌باشند. وی تحصیلات خود را در سبزوار و مشهد و مجامع علمی دیگر به پایان رسانیده و برای انجام وظیفه و خدمات دینی در سبزوار اقامت و تا حال حاضر به وظائف مقرره دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فاضلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فاضلی فرزند مرحوم علامه العلام والمحقق المدقق حاج شیخ محمد قائینی معروف به فاضل قائینی و سبط العلامه الفقیه حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه و حفید علامه الکبیر و المحدث الخبیر میرزا محمد عسکری تهرانی رحمه‌اللَّه.

از دانشمندان و روشنفکران حوزه علمیه قم می‌باشند که از نجف اشرف مهاجرت نموده و در قم رحل اقامت افکنده و اشتغال به انجام وظائف از تدریس و تدرس تعلیم و تعلم و تألیف کتب دینی و علمی دارند. وی در سال ۱۳۶۸ قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و دانش پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را در نجف اشرف خوانده و پس از هجرت به قم و تکمیل سطوح عالیه از دروس خارج آیات عظام منتظری و آیت‌اللَّه وحید خراسانی و دیگران استفاده نموده و به تألیف و تحقیق در علوم و فنون پرداخته و اشتغال دارند. آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- معجم مولفوا الشیعه- عربی

۲- علم الاصول تاریخا و تطورا

۳- بحثهائی درباره معاد فارسی مطبوع

۴- امامت و رهبری در اسلام- فارسی

۵- سیره پیامبر اسلام- فارسی

۶- رساله در حکم احتراق- فارسی

۷- فرهنگ معارف و عقاید اسلامی- فارسی

۸- پذیرش نظرهای نوین در علوم اسلامی- فارسی

۹- تحقیق کتاب عقل و جهل و علم و حیات صدیقه طاهره (ع)

۱۰- تحقیق کتاب اقطاب الدوائر

۱۱- تحقیق ارث مرحوم گنجوی

۱۲- تقریرات فقه و اصول عربی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاطمی، حسین زاهد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۸۹ ق)، عالم امامی، مدرس، عارف و زاهد. در قم به دنیا آمد و در همان شهر پرورش یافت. سالهای متمادی از مضحر آیت‌الله حاج میرزاجواد آقا ملکی تبریزی و آیت‌الله حایری استفاده نمود. وی از علماء اخلاق حوزه‌ی علیمه‌ی قم بو. بیشتر عمر خود را در تزکیه نفس و ترویج دین و تعظیم شعائر مذهبی و تدریس اخلاق و تربیت نفوس گذرانید. بنابر امر آیت‌الله حجت در مدرسه‌ی حجتیه در روزهای تعطیل درس اخلاق می‌گفت. فاطمی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان جنب مقبره‌ی زکریا بن آدم به خاک سپرده شده. از آثارش «درر الاخبار»، در دو جلد می‌باشد.[۱]

حاج آقا سید حسین زاهد فاطمی بن سید الاعلام آقا سید اسحق قمی از علماء و عباد و زهاد معروف قم و از علماء اخلاق حوزه علمیه قم بوده‌اند که کثرت زهد و قدسش او را از معاشرت مردم بازداشته و غالبا در زاویه منزل خود به تزکیه نفس و محاسبه خود

پرداخته و عده‌ای را نیز تربیت نموده است تولد آن مرحوم در قم شده و در مهد علم و سیادت و فضیلت پرورش یافته و سالهای متمادی از محضر مرحوم جمال‌السالکین و کمال‌الزاهدین آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی و آیت‌العظمی حایری استفاده نموده و اکثر عمر عزیز خود را صرف ترویج دین و تعظیم شعایر مذهبی و اقامه نماز جماعت و تدریس اخلاق و تربیت نفوس گذرانیده و چندین سال بنابر امریه مرحوم آیت‌الله حجت در مدرسه حجتیه در روزهای تعطیل درس اخلاق گفته و تا اواخر عمر عزیز در منزل شخصی خود به گفتن درس اخلاق و نصایح و مواعظ حسنه دلهای محصلین را روشن و صفا داده و در غالب سالها مسافرت به عتبات عراق و مشهد مقدس رضوی مشرف و از انوار عالیه حضرات ائمه علیهم‌السلام کسب نور و فیض نموده و تا ۲۷ ماه شوال ۱۳۸۹ ق دعوت حق را اجابت و در قبرستان شیخان جنب مقبره جناب زکریا بن آدم مدفون گردیده است از تالیفات مطبوع ایشان است دررالاخبار در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۳ -۲۱۲ / ۲).

فاطمی، عمیدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عمیدالدین فاطمی از فضلاء و علماء حوزه علمیه قم است. وی در تویسرکان متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین حوزه خوانده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و حضرت آیت الله العظیم بروجردی بالغ بر ۱۸ سال شرکت نموده و پس از آنان از محضر آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی بهره‌مند و تا هم اکنون در حوزه علمیه قم اشتغال دارند و نگارنده بالغ بر سی سال است که آن جناب را می‌شناسم (و ما رایت منه الا جمیلا) او را عالمی متین و فاضلی محمود دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فالی شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فرزند حاج سید عزیز فالی شیرازی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و شاکری جمیل از علماء کربلاء معلی و رانده شده به ایران و ساکن در قم می‌باشد.

تولدشان در بیستم جمادی‌الاول ۱۳۳۴ قمری سالروز ولادت سراسر سعادت حضرت زهرا سلام‌اللّه علیها در فال شیراز که از مضافات لار است واقع شده و در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات و ادبیات را اکثرا از مرحوم مدرس افغانی فراگرفته و سپس به کربلا رحل اقامت انداخته و سطوح را در خدمت حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ ابوالقاسم خوئی و مکاسب و دروس خارج را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی شیرازی و کفایه را از آیت‌اللّه حاج آقا حسن

طباطبائی قمی آموخته، و از محضر درس خارج آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و میرزا هادی خراسانی استفاده نموده و به تألیف و تصنیف کتب علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری از طرف دولت بعث عراقی تسفیر به ایران شده و پس از چند ماهی مراجعت سپس اخراج به ایران و باز برگشته و در سال ۱۳۸۷ قمری که اقامت در بلده طیبه قم را اختیار و تا حال تحریر این کتاب با مواجه شدن به مصیبت ناگهانی داغ فرزند برومند و فاضل فعالش مرحوم حاج سید علی فالی و فرزند دیگرش در موقع حمله هوائی عراق به ایران و قم در راه مشهد و شهید شدنشان اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

تألیفات ارزنده ایشان که به طبع رسیده است از این قرار است:

۱- قاطع البرهان فی الرد علی الجبهان

۲- البهایه حزب لا مبدائیه

۳- الاسلام والثلثات

۴- براهین الشیعه فی دحض الاباطیل الندویه و ابن تیمیه

۵- برای جوانان ۴ جلد

۶- تذکره الشباب ۲ جلد

۷- خلفاء الرسول الاثناعشر ۶ جلد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فائزی پور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اکبر بن مرحوم حاج محمد مهدی تهرانی از افاضل دانشمندی معاصر مقیم قصبه کن تهران می‌باشند.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بتحصیل دروس ابتدائی پرداخته و با شوق مفرطی قدم در سلک روحانیت گذارده و از اوائل بلوغ در خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدحسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله که از علماء عاملین تهران بود بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و سطوح فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر حاضر شده و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در میان فضلاء و محصلین تهرانی قم مشار بالبنان گردیده و بتدریس کفایه الاصول و مکاسب اشتغال یافته تا در ماه شعبان سال ۱۳۷۷ قمری که عده‌ای از اهالی کن از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی تقاضای یکنفر روحانی دانشمند و با تقوا نموده و معظم له ایشان را برای امورات دینی و سرپرستی مؤمنین قصبه کن و حومه آن انتخاب و اعزام نموده و با تجلیل شایسته بمحل مذکور عزیمت و اقامت نموده و تاکنون در آنجا مشغول به انجام وظائف دینی و روحی می‌باشند.

دارای آثار و تألیفات مفیده و ارزنده میباشند که اشاره به آنها می‌نمایم.

۱- جزوه‌ای در توحید ۲- نبوت عامه ۳- نبوت خاصه ۴- امامت خاصه ۵- امامت عامه ۶- معاد ۷- خاتمیت ۸- جبر و تفویض ۹- جزوه‌ای درباره امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما از افراد برجسته و دانشمندان متقی و پارسائی است که جمع علم و عمل و محامد آداب و محاسن

اخلاق نموده و از اول ورودش در قصبه کن (که پنج محل بزرگ بنام ۱- در قاضی ۲- سر آسیاب ۳- میان ده ۴- اسماعیلون ۵- بالون می‌باشد و همواره در میان آنان اختلاف و نزاع بوده که گاهی بقتل و جرح منجر می‌شده) ایجاد اتفاق و اتحاد و برادری انداخته و به آن چند دسته‌گی خاتمه داده و آنجا را یک محل آرام و دینی نموده است مردم قصبه کن و حومه آن علاقه شدید بایشان دارند و چون هر هفته به مسجد یکی از آن پنج محل برای اقامه جماعت می‌روند مردم محل‌های دیگر هم شرکت نموده و از وجود این عالم ربانی استفاده می‌کنند برادر ارجمند ایشان جناب حجهٔالاسلام و عماد الاعلام آقای حاج اصغر آقای تهرانی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ کاظم فائق از علماء اعلام و موصوف به تقوا و ورع تهران بودند و عمری را به قدس و پرهیزکاری و زهد و پارسائی و فضل و دانش و پاکی قلب و صفا و سادگی و متانت و انزوا به آخر رسانیده و بسهم خود ایفاء وظیفه روحی و دینی نموده و در سال ۱۳۹۳ ق بدرود حیات گفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مصطفی بن المرحوم العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج شیخ کاظم فائق از علماء بارع و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ ق در تهران متولد شده و در حجر علم و فضیلت تربیت و پس از خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و مسافرتهای عدیده بعتبات عالیات کرده و از محضر و دروس مراجع بزرگ نجف مانند آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اعلام دیگر بهره‌مند شده و به تهران بازگشت و در مسجد مرحوم والدش بنام (مسجد فائق) واقع در کوچه روحی خیابان عین‌الدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فخرالمحققین شیرازی، محمد هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عـالم امامی، واعظ، عارف و نویسـنده. در اصـطهبانات به دنیا آمـد و برای فراگیری علوم اسـلامی به شـیراز مهاجرت کرد. پس از تحصـیل معقول و منقول به وعـظ و خطـابه و تـألیف پرداخت. وی به اکثر شهرسـتانهای ایران برای تبلیغ و نشـر مبانی و معارف اسـلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بسـتان معرفت» یا «کشـکول شیخ‌الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش‌نامه‌ی شیخ‌الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه شهادت» یا «رمز محبت»، به عربی و ترجمه‌ی آن به فارسی.[۱]

شیخ محمدهادی شیخ‌الاسـلامی ملقب به فخرالمحققین بن میرزا احمد ملقب به شیخ المحققین اصطهباناتی از فضلاء و عرفا و وعاظ مشهور و نویسندگان معروف معاصر شیراز است.

وی در ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۸ ق در اصـطهبانات به دنیـا آمـده و برای تحصـیل علم و معرفت به شـیراز مهاجرت کرده و پس از تحصـیل معقول و منقول به وعـظ و خطـابه و تـالیف پرداخته و بـا کـثر بلاـد و شهرسـتانهای ایران برای تبلیغ و نشـر مبـانی و معـارف اسـلامی مسافرت کرده و از راه منبر خدمات ارزنده‌ای نموده است.

تألیفات و آثار عدیده دارد که بعضی مطبوع و برخی مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- بستان معرفت یا کشکول شیخ‌الاسلامی چند مجلد است که جلد اول آن بطبع رسیده است.

۲- دانش‌نامه شیخ‌الاسلامی (در اصول معارف پنج جلداست و تاکنون دو جلد آن در توحید و نبوت عامه و نبوت خاصه و امامت و معاد است).

۳- فلسفه شهادت یا رمز محبت (به عربی).

۴- ترجمه فارسی فلسفه شهادت.

معظم له برادر ارجمند جناب حاج آقای مجد واعظ شیرازیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۰۸ / ۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۵ / ۵).

فروغی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فروغ بخش ۱) نام خانـدانی است ایرانی که عده‌ای از دانشـمندان و رجال از آن برخاسـته‌اند (اولین کس از این خاندان که به نـام فروغی نامیـده شـده محمدحسـین است) فروغی حـاج ملا مؤمن. پشت دهم محمـدعلی ذکاءالملک فروغی و وی در عهد سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ه.ق) می‌زیسته.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فروئی یزدی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسـین بن محمدحسـین بفروئی یزدی صاحب شواهد ضـیائیه که کتاب مزبور در حدود قرن سـیزدهم به خط ابوطالب موسوی

نوشته شده و در کتابخانه ملک موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فرهنگ، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر فرهنگ، رئیس انجمن اقتصاددانان ایران و پدر علم اقتصاد ایران ، متولد ۱۲۹۸ در بابل و بزرگ شده گرگان است. وی مدرک دکترای اقتصاد خود را از فرانسه گرفته است. او اولین فردی است که کتاب معروف «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» جان مینارد کینز را به فارسی ترجمه کرد. این ترجمه در سال ۱۳۴۸ عنوان جایزه بهترین کتاب اقتصادی سال را از آن خود کرد. گروه : علوم انسانی رشته : اقتصاد والدین و انساب : منوچهر فرهنگ درباره تاثیر پدر و مادرش در زندگی علمی و اجتماعی اش چنین توصیف می کند ".: همین علم دوستی را من از خانواده دارم. پدرم با این که تحصیلات قدیمی داشت ولی فرانسه می دانست و به طور کلاسیک تفکر می کرد ".خاطرات کودکی" : من فرزند بزرگ بودم و جور دیگر برادران را هم کشیدم، چون پدرم بضاعتی نداشت. من به آنها کمک کردم ".دکتر منوچهر فرهنگ که اینک بیش از نود سال سن دارد در شرح زندگی خود میگوید: وطن من گرگان بوده و در سال ۱۲۹۹ در حالی که دو سال داشتم به دلیل شغل پدر به آنجا رفته و در گرگان بزرگ شده و به تحصیل پرداختم. تحصیلات رسمی و حرفه ای : وی دارای مدرک دکترای اقتصاد از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی پاریس بوده و بیش از ۱۰۰ کتاب اقتصادی ترجمه و تالیف کرده است. استادان و مربیان : دکتر محمد طبیبیان از شاگردان دکتر فرهنگ و معاون اقتصادی اسبق سازمان برنامه و بودجه با اشاره به تلاش های دکتر فرهنگ در گردآوری فرهنگ علوم اقتصادی گفت: »به یاد دارم که استاد ساعت های زیادی را بدون چشمداشت مالی، برای گردآوری فرهنگ علوم اقتصادی تلاش می کرد و در کار آموزش، ترجمه و تالیف بسیار تلاشگر و کوشا بود. «وی افزود: »باید حقوق استادان بازنشسته و کسانی که به اقتصاد ایران و جامعه ایران خدمت کرده اند را محترم بشماریم تا در تامین معاش و زندگی با مشکل مواجه نشوند و شأن آنها مورد احترام قرار گیرد. «طبیبیان خطاب به دکتر فرهنگ گفت: »از اینکه یک نسل از اقتصاددانان ایران را پرورش داده اید و در خدمت دانشگاه ها و مراکز اقتصادی قرار داده اید از شما سپاسگزاریم و قدردان زحمات شما هستیم و یاد و خاطره دوران آموزش و تلاش های شما را در توسعه علم اقتصاد کشور به یادها خواهیم سپرد. «مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر فرهنگ،از ابتدای تاسیس انجمن اقتصاددانان ایران عضو این تشکل بوده و به غیر از سال اول تاسیس انجمن که مسئولیت برعهده دکتر پیرنیا بوده در ادوار مختلف ریاست انجمن مذکور را برعهده داشته است. بسیاری از اعضای این انجمن اعتقاد دارند استمرار و پایداری انجمن اقتصاددانان ایران در طول سی و اندی سال عمر خود مرهون مدیریت مناسب دکتر فرهنگ بوده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرهنگ اقتصاددان نامی ایران و غریبه‌ای در موطن خویش گرگان زمین در شعر و ادب نیز دستی داشته و اشعار بسیاری سروده که از آن جمله است؛ گر پر و بالم شکنی سربکشم بر آسمان/ ور سر و ساقم بزنی، سایه زنم بر آسمان/ بحرم و بحر موجزا،ابرم و ابر اوج‌گیر/از پی دانشم روان،وز پی دانشم روان. شاگردان : دکتر فرهنگ درباره از بین شاگردان سابق و اساتید کنونی خود چنین می گوید: من همه دانشجویانم را دوست داشته و دارم. جایگاه تدریس من جایگاه محبت و علم بود و دانشجویان نسبت به من محبت و لطف داشتند. به خصوص با این گذشته دور و درازی که داشتم. از آنجمله آنها می توان به آقای دکتر دیهیم اشاره کرد ، چون من زبان چندان گویایی ندارم و به طور صحیحی نمی توانم صحبت بکنم کنار خود می نشانم تا او جلسات انجمن اقتصاددانان ایران را

اداره کند. ایشان اکنون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است. شاگردان من زیاد بودند مثلاً آقای دکتر پرویز داودی که اکنون معاون اول رئیس جمهور است شاگرد من بود. دکتر احمد مجتهد عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر موسسه پژوهش های پولی و بانکی بانک مرکزی نیز گفت: »تجلیل از دکتر منوچهر فرهنگ، تجلیل از علم اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی در ایران است. منوچهر فرهنگ دانشجویانی را در ۶۰ سال گذشته پرورش داده که استادان دانشگاه های امروز هستند و نسل چهارم دانشجویان ایشان در عرصه دانشگاه ها و فعالیت های اقتصادی حضور دارند. «مجتهد تصریح کرد: »اگر زکات علم به قول پیشوایان دینی، آموزش نسل های بعدی است منوچهر فرهنگ بیشترین زکات علم را تاکنون داده و تعداد زیادی از کارشناسان و دانشجویان و استادان امروز در دانشگاه ها و مراکز اقتصادی، پرورش یافته دکتر فرهنگ هستند. «جوائز و نشانها : شاگردان دکتر منوچهر فرهنگ پدر گرگانی علم اقتصاد ایران از مقام علمی وی و سالها تلاش او در جهت گسترش این رشته تجلیل کردند. در مراسم مذکور که با حضور شاگردان دهه های ۴۰ و ۵۰ استاد منوچهر فرهنگ در دانشکده های اقتصادی کشور که اکثرا اکنون از استادان صاحب نام اقتصاد ایران هستند برگزار شد، به تلاش های این چهره علمی ایران که در طول دوران تدریس خود هزاران متخصص و استاد و دانشجو را تربیت کرده و صدها کتاب، مقاله و تحقیق علمی را به رشته تحریر درآورده است ارج نهاده شد. چگونگی عرضه آثار : اولین کار دکتر منوچهر فرهنگ تالیف کتاب «برنامه گذاری اقتصادی» بود. وی درباره علل تالیف کتاب فوق چنین اذعان می کند":چون من «برنامه ریزی» اقتصادی را مغایر با تعبیر علمی اش می دانستم. «برنامه گذاری» یعنی تهیه و تدوین برنامه های علمی اقتصادی. دراین نوع «برنامه گذاری» ریخت و پاش جایی ندارد در حالی که در «برنامه ریزی» چنان که از نامش پیداست در اسمش ریخت و پاش وجود دارد. این اولین کتاب من بود که در دانشگاه هم تدریس شد. بعدها شاگردان من که به آمریکا رفته بودند گفته بودند که نظیر این کتاب در آمریکا هم پیدا نمی شود. بنابراین بنده جزو اولین کسانی بودم که راجع به «برنامه گذاری» اقتصادی در ایران کتاب نوشتم. این کتاب تالیف خودم بود ".دکتر فرهنگ همچنین کتاب «نظریه عمومی اشتغال ، بهره و پول»تالیف کینز را نیز ترجمه کرد.وی در این باره نیز چنین می گوید":این اولین کتاب من بود که ترجمه کردم. هنوز هیچ ملتی در دنیا نتوانسته کینز را در دنیا به زبان خودش ترجمه کند. آلمانها نتوانستند، اسپانیولی ها نتوانستند، لهستانی ها نتوانستند، روس ها نتوانستند".آثار : توسعه کشاورزی بین المللی ویژگی اثر : پدیدآورنده: کارل ایچر، جان استاتز، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی - ۱۳۸۱ ۲ زبان عمومی و تخصصی مهندسی صنایع: ویژه داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد گرایش های: صنایع - سیستمهای اقتصادی اجتماعی - مدیریت سیستم و بهره وری ویژگی اثر : پدیدآورنده: سیداباذر نورحسینی، منوچهر فرهنگ (زیرنظر) ناشر: سنجش (وابسته به موسسه فرهنگی هنری سنجش) - ۱۷ فروردین، ۱۳۸۷ ۳ سرگذشت یک علم، کالبدشکافی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران، گفتگو با برگزیدگان سه نسل از ... ویژگی اثر : پدیدآورنده: میکائیل عظیمی، منوچهر فرهنگ (مترجم)، محمد اسمعیل مطلق (مترجم) ناشر: کویر - ۱۳۸۲ ۴ فرهنگ علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منوچهر فرهنگ ناشر: آسیم - ۳۰ خرداد، ۱۳۸۶ ۵ فرهنگ فشرده علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منوچهر فرهنگ ناشر: البرز - ۳۰ آبان، ۱۳۸۵ ۶ قدرت و رونق: فزون رشدی کمونیستی و استبداد سرمایه داری ویژگی اثر : پدیدآورنده: مانکر اولسون، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی - ۱۱ تیر، ۱۳۸۵ ۷ نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان مینارد کینز، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: نشر نی - ۰۵ آذر، ۱۳۸۷

فشارکی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رحمت‌اللَّه فشارکی از فضلاء بارع و مدرسین فاضل معاصر حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در حدود سال ۱۳۴۸ قمری در فشارك اصفهان متولد و پس از رشد و پرورش دروس جدید و مقدمات را در آنجا و اصفهان خوانده آنگاه مهاجرت به مشهد مقدس نموده و در مدرسه نواب اقامت و به تحصیل سطوح و متون فقه و اصول و تدریس ادبیات پرداخته و پس از چند سال منتقل به قم و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری استفاده نموده و نیز تا حال تحریر از محضر آیات عظام و زعماء بزرگ حوزه استفاده نموده و خود به تدریس متون فقه و اصول اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب فاضل فشارکی عالمی عامل و فاضلی کامل و با تقوا و ورع موصوف و به محامد آداب و اخلاق معروف و به سادگی و بی‌آلایشی و متانت مشهور و مورد احترام تمام مراجع و اساتید و محصلین حوزه می‌باشد و حقیر از هنگام مشهدش تاکنون او را به این صفات حمیده شناخته و مکروهی از وی ندیده و نشنیده‌ام زاداللَّه فی توفیقاته و کثر اللَّه امثاله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فشارکی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا محمد مهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل زاهد، مردی خلیق و مهربان و در عین حال ساده بوده، حکایاتی از ساده لوحی او نقل می‌کنند که مجال نقل آنها نیست.

در دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در مقبره ی تکیه ی آقا حسین خوانساری پشت سر پدر مدفون گردید. وی داماد آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی بوده است.

فشارکی: به کسر اول و سکون چهارم منسوب است به قریه ی فشارك از بلوك قهپایه ی اصفهان، و از منسوبین بدانجا است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فضل سمرقندی، فضل‌الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و عالم. او را به واسطه کثرت دانش علم فقه ابوحنیفه ثانی می‌گفتند. وی اعلم علمای سمرقند و شاگرد امیر سید شریف بود و به شعر و معما نیز تمایل داشت. امیر علی‌شیر نوایی (م ۹۰۶ ق) شاگرد او بوده و می‌گوید که خواجه به من چندان التفات داشت که مرا فرزند خود می‌خواند. قبرش در خانقاه اجدادی وی در سمرقند است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲)، مجالس النفائس (۲۸۷، ۲۰۱، ۲۷، -۲۶).

فضه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ذوالقعده ۱۲۴۹ ق، از زنـان عـالم، فاضل، ادیب و خوشـنویس. پـدرش شـیخ احمـد بلاغی از علما و فقهای فاضل قرن سـیزدهم و همسرش شیخ حسن بلاغی (حدود ۱۲۸۰ ق) از فضـلای پرهیزگار زمان خود بودند. به نوشته اعیان‌الشیعه، وی قرآن و ادبیات عربی را نزد پـدرش و فقه و اصول را نزد علمـای خـانواده‌اش فراگرفت و از آنـان اجـازه دریـافت کرد. سـرپرستی تـدریس اصول و فقه و حدیث را برعهده داشت و بعضـی از طلبه‌ها به درس او حاضر می‌شدند. بعضی از علما کتاب قوانین میرزای قمی را نزد او خواندند، زیرا که او از میرزا اجازه داشت.

به نوشـته حسن صـدر در تکمله امل‌الامـل، این بـانوی فاضـل و جلیـل خط خوشـی داشت و از راه اسـتنساخ کتب، خانواده‌اش امرار معاش می‌کرد و کانت تسـتخرج المسودات الی البیاض لشدهٔ معرفتها و حسن سوادها... بعضـی کتابها را به خط خودش نوشـته اسـت که از جمله آنها کشف‌الغطاء (جمعه ۳ ذوالقعده ۱۲۴۹ ق) و کفایه حاج ملا هادی سبزواری است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات) ۱۶۴ / ۳؛ تکمله امل‌الامل، ۱۵۰؛ ریحانهٔ‌الادب.

فقاهتی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بن العلامه میرزا موسی فقاهتی (برادر بزرگ آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری) است.

وی در سـال ۱۳۰۵ ق در سامره متولـد شـده و تا سن ۱۳ سالگی در خـدمت والـد ماجـدش بوده و مقدمات و ادبیات را در سامره و نجف خوانده و در سن ۱۸ سالگی با مرحوم پدرش به سبزوار آمده و پس از تکمیل سطوح فقه و اصول از مرحوم والدش و دیگران و خواندن معقول و منقول در خدمت افتخارالحکماء به درس خارج والدش شـرکت کرده و در اثر ذوق و اسـتعداد وافری که داشت (بـا اینکه از سبزوار بعـد از آمـدن خارج نشـد) به مقام شامـخ علمی رسـید طبعی موزون داشت و خط نسـخ نیکو می‌نوشت در سال ۱۳۶۲ ق به رحمت حق واصل و در مقبره پدر بزرگوارش مدفون شد.

دارای چند فرزند روحانی می‌باشد.

۱- جناب حجهٔ‌الاسـلام آقای حاج سید محمدتقی فقاهتی که تحصیلات خود را در سبزوار و مشهد به پایان رسانیده و اکنون از ائمه جماعت سبزوار می‌باشد.

۲- جناب مستطاب شریعت مآب ثقهٔ‌الاسلام آقای حاج سید ابوالفضل فقاهتی که نیز از فضلاء معاصر سبزوار و اکثراً در ارض اقدس رضوی بسر می‌برند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیه امامی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فقیه امامی (معروف به امامی) فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید عطاءاللّه فقیه امامی العریضی در سال ۱۳۱۲ شمسی در اصفهان متولد شده و نسب شریفش به جناب علی بن جعفر عریضی فرزند کوچک امام جعفر صادق علیه‌السلام منتهی می‌شود وی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان گذرانیده و سطح را در اصفهان نزد اساتید ادبیات و والد ماجدش به پایان رسانده است.

در سال ۱۳۳۲ شمسی از اصفهان به قم آمده و بقیه سطوح عالی را در حوزه علمیه قم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان رسانیده و در ۱۴ صفر ۱۳۳۳ شمسی به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه علیه شرکت نموده و در همین ایام هم مدتی در جلسه درس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و مرحوم علامه طباطبائی حاضر و استفاده نموده و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۷۶ در جلسه درس خارج مکاسب آیت‌اللّه العظمی خمینی (که همان روز شروع شده بود) شرکت نموده و نیز از ابحاث خارج اصول معظم‌له استفاده کرده و تقریرات درسهای ایشان را تا روز سه‌شنبه ۱۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۸۴ قمری نوشته است.

در ماه شعبان همین سال به اصفهان مراجعت نموده و اشتغال به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت و تأسیس کتابخانه و تألیف کتب و رتق و فتق امور مردم فرموده و تا حال تحریر این کتاب و این ارقام چهارشنبه چهاردهم صفرالمظفر ۱۴۱۲ قمری موفق می‌باشند. ادام اللّه توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه ایمانی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال فقیه ایمانی (داماد معظم مرجع الشیعه و مدار الشریعه آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی مدظله العالی) از علماء مبرز و دانشمندان فعال و خدمتگذار معاصر اصفهانست.

وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در اصفهان متولد شده و در حجر علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در اصفهان نزد والد ماجدش که از علماء نامی اصفهان بودند و دیگران و در قم از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده و در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قده مهاجرت به نجف اشرف نموده و در دروس خارج آیات عظام آنجا بالاخص زعیم بزرگوار آیت‌اللّه علی الاطلاق آقای خوئی دامت برکاته فقها و اصولا و تفسیرا شرکت و استفاده سرشار نموده و تقریرات و دراسات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و به افتخار مصاهرت و دامادی آن جناب نائل شده و پس از چند سال اقامت در نجف در سال ۱۳۸۸ ق به واسطه کسالت مزاجش به امر و اجازه آن بزرگوار به اصفهان وطن خویش مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت در دو مسجد و غیره پرداخته و به واسطه حسن عمل و تقوا مورد وثوق و اعتماد مردم اصفهان که اکثرا مقلد آیت‌اللّه خوئی هستند قرار گرفته و به امر آن زعیم بزرگوار اقدام به کارهای بزرگی که ذیلا می‌نگارم نموده است.

۱- تهیه منازل عدیده‌ای برای عده‌ای از اهل علم اصفهان از معاودین و غیره.

۲- خریداری حدود چهارصدهزار متر زمین برای هزار منزل مدرن جهت علماء و دانشمندان بی‌منزل حوزه علمیه قم از معاودین محترم و غیره به نام (مدینه‌العلم) در شهرستان قم در مسیر راه قم به تهران.

۳- مدرسه بزرگی به مساحخت سه هزار متر در همان مکان.

۴- مسجد آبرومند و زیبائی در جنب منازل مذکوره که یکی از مقلدین ایشان با اجازه آیت‌اللهی بنا نموده و در حال اتمام است.

۵- درمانگاه مجهزی در همان مکان برای اهل علم و طلاب علوم دینیه.

۶- تکمیل طبع محجلدات باقیه کتاب نفیس جامع احادیث الشیعه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی.

نگارنده گوید: جامع‌الاحادیث نفیس‌ترین کتابیست که مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی با فکر صائب و نظیر دقیق و عمیق خود با صرف دەها هزار تومان و تشکیل لجنه‌ای از افاضل حوزه علمیه در بیست مجلد تألیف و دو جلد آن را به طبع رسانیده ولی عمر شریفش کفایت به طبع باقی ننمود و در پنج‌شنبه ۱۳ شوال‌المکرم ۱۳۸۰ وفات و از جلد سوم به امر آیت‌اللَّه العظمی خوئی و سعی و کوشش معظم‌له مرتبا به طبع رسیده و تاکنون جلد ششم و هفتم آن منتشر و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه ایمانی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین فقیه ایمانی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر اصفهانند و ایشان نیز تحصیلات خود را از سطح و خارج در اصفهان و قم فراگرفته و پس از آن در وطن خویش به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تدریس و خدمات عام المنفعه و شهریه دادن به طلاب اصفهان اشتغال دارند، تاکنون اقدام به تأسیس چندین بیمارستان نموده و بزرگترین مدرسه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دارالحکمه» نیز تحت اشراف وی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللَّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللَّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.

سید محمدرضا بن آیت‌اللّه مرحوم حاج سید اسداللّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه زانیانی، مصطفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد ورع، از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان. در مسجد تکیه‌ی ظلمات امامت می‌فرمود، و مورد وثوق و اعتماد عموم بود، از شاگردان حاج میر محمد صادق مدرس و حاج سید علی نجف‌آباد و دیگران بوده.

در ۲۶ ربیع الاول این سال وفات یافته، در نزدیک تکیه‌ی ملک، در روی سکویی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

الحق بجمع خمسهٔ ارخ و قل

فی الخلد عند المصطفی قد اسکنا

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه سبزواری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق فقیه سبزواری چهارمین فرزند روحانی مرحوم آیت‌اللّه فقیه مذکور می‌باشند.

وی در سوم ماه رجب سال ۱۳۴۹ ق در مشهد مقدس متولد و پس از گذشت دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی و خواندن دوره مقدمات و ادبیات از آقای ادیب نیشابوری و مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا احمد مدرس به حوزه علمیه قم عزیمت نموده و از محاضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله استفاده نموده و می‌نمایند.

نگارنده گوید مترجم محترم از فضلاء خراسانی مقیم حوزه علمیه و دارای مقام تقوا و متانت و مورد علاقه زعماء حوزه می‌باشند در خاطرم هست که وقتی مرحوم والدشان در مشهد رحلت نمودند آیت‌اللّه طباطبائی قمی تلگراف تسلیت به حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی زده و ایشان به وسیله حقیر آقای حاج سید محمد صادق فقیه مذکور را خواسته و با مقدماتی خبر وحشت اثر را داده و تسلیت گفتند و همان شب در مسجد امام قم مجلس باشکوهی گذاردند که عموم آیات و علماء و محصلین و طبقات مختلف

اصناف شرکت کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیه قمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.[۱]

حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر ۱۸ سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۲۳ -۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲ -۲۸۱)، گنیجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰ -۲۱۹ / ۲).

فقیه، رجب علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجب‌علی فقیه از علماء معاصر نیشابور بوده است.

وی در نیشابور به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و اولیات به قم مهاجرت و بالغ بر بیست سال اقامت و از محضر آیات عظام حایری یزدی و مرحوم آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ قمری بنا بر دعوت اهالی نیشابور به وطن برگشته و تا سال ۱۳۹۳ قمری به اقامه جماعت در مسجد جامع نیشابور و تبلیغ احکام اشتغال داشت تا در سال مزبور که از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالکریم فقیه از علماء بزرگ معاصر نیشابور و ائمه جماعت این شهر بوده که تا پایان عمر خود به خدمات دینی اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برخواری، عالم فاضل، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی [و جهانگیرخان] بوده. در شب جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در تکیه‌ی فاضل سراب مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیهی آملی، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ شکرالله بن کربلائی جعفر بن ملا- فرج‌الله ملقب به فقیه‌نیا و معروف به فقیهی از علماء آمل میباشند. در ۱۳۱۴ خورشیدی در یکی از مضافات آمل بدنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی بشهر آمل آمده و مدت سه سال در مسجد جامع آمل تحصیل سطوح وسطی نموده و آنگاه بمشهد مسافرت نموده و چند ماهی توقف کرده و در سال ۱۳۳۴ شمسی بنجف اشرف مهاجرت نموده و مدت ده سال اقامت و از محضر آیات عظام آنجا بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا

بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۴۴ شمسی مراجعت بایران و در شهرستان آمل اقامت نموده و در مسجد جامع باقامه جماعت و خدمات روحی و دینی پرداخته است.

دارای تألیفات ارزنده‌ای میباشد که فهرست آنها را مینگارم:

۱- تفسیر قرآن شریف ۲- شرح استدلالی بر لمعه شهید اول ۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۴- شرح استدلالی تبصره علامه حلی اعلی‌الله مقامه ۴- کشکول فقیه ۵- شرح دعاء سمات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فقیهی بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن مرحوم حاج آقا رضا فقیهی بروجردی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در سال ۱۲۹۳ شمسی در بروجرد متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید مقدمات را در آنجا خدمت مرحوم حجةالاسلام آقا میرزا لطف‌اللّه فقیهی خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از حضرت آیت‌اللّه العظمی آقا نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به پایان رسانیده و در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر معظم له شرکت نموده و بافتخار مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری نائل شده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی به تهران منتقل و تا اکنون در مسجد (خلیلی) به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

از نوشته‌های ایشانست مقداری از تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس اللّه سره دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ قم و نجف در امور حسبیه و روایتی و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیهی حبیبی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا حبیبی فقیهی از علماء قدماء حوزه و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حجت و آیات دیگر است که در سال ۱۲۹۵ شمسی در گیلان تولد یافته و پس از رشد برای تحصیل علم و کمال مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید عالیقدر خوانده و ۱۷ سال از محضر و ابحاث آیت‌الله حجت رحمه‌الله استفاده نموده و ۱۸ سال هم از فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و پس از ایشان به آیت‌الله العظمی شریعتمداری اتصال و انقطاع یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی از علماء اعلام حوزه علمیه بودند عالمی با فضل و تقوا بود که در سال ۱۳۲۱ قمری در قزوین متولد شده و از کودکی در دامان روحانیت تربیت یافته تا در سال ۱۳۴۴ به قم مهاجرت نموده و در مدرسه حاجی سکونت و مشغول به تحصیل گشته و در ایام تحصیل به اصفهان مسافرت و در مدرسه جده نیز اشتغال داشته و مدت قلیلی هم در نجف در مدرسه صدر توقف و از محضر آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر شده و مدت هیجده سال هم از محضر زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از ایشان چند سالی از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برای خدمات دینی و ترویج احکام و اقامه جماعت رحل اقامت به تهران افکنده تا سال ۱۳۸۵ که ترک دنیا گفته و به سرای جاودان شتافته است رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی فلسفی مرحوم درویش علی دارابی شیرازی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شیرازند که در مرکز استان فارس به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان داراب به دنیا آمده و در خانواده‌ای مومن و مسلمان پرورش یافته و پس از تحصیلات ابتدائی به تشویق مرحوم والدش به حوزه علمیه داراب وارد و پس از فراگرفتن مقدمات به همراهی پدر و مادر به شیراز آمده و در مدرسه علمیه خان به ادامه تحصیل پرداخته است.

و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) شیرازی واقع و در خدمت والدین خود عزیمت به کربلا نموده و حدود پنج سال اقامت کرده و ادبیات و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین کربلا چون حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ یوسف بیارجمندی (شاهرودی) فراگرفته و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالیه را در خدمت آیات و مدرسین نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید اسداللَّه (شهید) مدنی (امام جمعه شهر تبریز) و نیز مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی سرابی و آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم کوکبی و دیگران به پایان رسانیده و همدوش اساتید سطح به درسهای خارج فقه و اصول حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله الوارف و آیت‌اللَّه حاج آقا محمد روحانی و آیت‌اللَّه خمینی شرکت و استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۰ شمسی که از طرف دولت بعث عراق برابر ۱۳۹۰ قمری به تنهائی از بغداد اخراج و به شیراز وطن اصلی خود آمده و رحل اقامت افکنده و چون با استقبال گرم مردم شیراز بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی مواجه شدند که محل نماز جماعت خود را به ایشان واگذار فرمودند ایشان با همفکری معظم‌له به ارشاد مردم توصیه و جلسات جامعه روحانیت و کارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ارشادی بپردازند.

خدمات آقای فلسفی در عراق و ایران

۱– ایشان در ماه ذیقعده ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف به همراهی جمعی از فضلاء نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه دومین مجله

ماهنامه فارسی به نام پرتوهائی از اسلام منتشر کردند که متاسفانه بیش از ۱۲ مجله از آن منتشر نشد.

۲- در سال ۱۳۸۵ قمری به نمایندگی حضرت آیت‌اللّه العظمی حکیم رحمه‌اللّه به بغداد جدید آمده و به ارشاد اهالی آن منطقه پرداخته و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس علوم اسلامی برای طلاب علوم دینی پرداخته تا اینکه موفق شدند مدرسه سلومیه را در بغداد پایتخت کشور عراق تأسیس نمایند که جمعی از طلاب شیعه در آن به تحصیل مقدماتی پرداخته و بعد برای تکمیل به نجف اشرف عزیمت می‌نمودند.

۳- از آثار پر ارج ایشان تألیف دائره‌المعارف القرآنیه است که طبق لغت آیه شروع نموده و سپس به تفسیر آیه مربوط و ارجاع به کلیه تفاسیر می‌گردد که مع‌الاسف این کتاب با کتابخانه ایشان در بغداد مانده است و تاکنون توفیق چاپ آن را نیافته‌اند و آن حدود پنجاه جلد است که جلد اول و دوم آن فقط در حرف الف است.

آثار علمی مطبوع ایشان

۱- قصه الموجود که داستان وجود و فلسفه آن را با سبک رومانی نوشته و در سلسله منابع الثقافه الاسلام به طبع رسیده است. چاپ بغداد.

۲- جزوه‌های در فلسفه نماز- چاپ بغداد.

۳- فلسفه روزه.

۴- الامام الحسین و الحرکه الفکریه که در بغداد به طبع رسیده است.

اما خدمات اجتماعی و فرهنگی ایشان در شیراز

۱- تأسیس صندوق قرض‌الحسنه در داراب شیراز.

۲- ماهنامه دینی و ادبی پیام مهدی.

۳- صندوق قرض‌الحسنه مهدی موعود.

۴- خیریه مهدی موعود برای اداره جمعی از فقراء و مستمندان.

۵- کانون ازدواج که دفتر خاصی دارد و زیر نظر عده‌ای از خواهران مومن اداره می‌شود.

۶- خدمات مطبوعاتی مهدی موعود.

از آثار علمی ایشان پنج جلد از مستند الرسول الاعظم صلی اللّه علیه و آله به طبع رسیده است و این موسوعه حدود سی مجلد است که معظم‌له مشغول به تألیف آن هستند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه علمی است که جمعی از طلاب و محصلین در آنجا اشتغال به درس و بحث دارند و خود ایشان مشغول به تدریس فقه و اصول در آن می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فلسفی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۹ -۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر

تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی و منشوری او آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان ماینا که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلیران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسریست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدماء گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به

ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند دهها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت

(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید

کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت

در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت

از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت

ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش

انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۶۵ -۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰ -۳۸۷ / ۲).

فنای خوی، میرزا عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ / ۱۲۶۳ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به فنا. از سخنوران معروف خوی زنوز است. لذا به فنای زنوزی مشهور است. از دوازده سالگی تا هفتاد سالگی مشغول سیاحت بود و در سفر به عثمانی با میرزا سنگلاخ صاحب «تدکره الخطاطین» مصاحب و معاشر بوده و مدتی در کربلا نزد شیخ احمد احسایی و حاجی سید کاظم رشتی تصحیل و در اوایل حال، ذوقی تلخص می‌کرده و اشعاری که سروده بیشتر در مصائب حضرت سیدالشهداء (ع) است. علاوه بر «دیوان» شعر، از دیگر آثار وی می‌توان شرحی بر «شرح الزیاره» شیخ احمد احسایی و شرحی بر «شرح فواید» را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۹۲ -۱۳۸۶ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹۲ -۱۳۸۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۵).

فومنی اریب، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم اریب فومنی از علماء محترم شهرستان فومن می‌باشد. وی در این شهر متولد شده و در بیت سیادت و شرافت پرورش یافته است. اسلاف و نیاکان آنجناب همه از اشراف و اجلاء گیلان و منطقه فومن بوده‌اند. ایشان مقدمات را در فومن و سطوح را در شهرستان رشت خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حج شیخ محمدرضا تنکابنی (والد ماجد خطیب توانا و واعظ شهیر جناب آقای فلسفی) و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تنکابنی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه خود مراجعت و بیش از چهل سالست که در فومن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده. در حدود سی سال قبل که برای دیدن یکی از دوستان به فومن مسافرت کردم آنجناب را ملاقات او را دانشمندی ادیب و مانند شهرتش اریب یافتم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی حایری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجعفر فومنی حایری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و ائمه جماعت بزرگوار کربلای معلی بوده است. وی در فومن متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در فومن و رشت مهاجرت به عراق نموده و در نجف و پس از آن در کربلا اقامت و از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به اقامه جماعت و خدمات دینی و توسل به ذیل عنایت سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام پرداخته تا در ۱۳۵۷ قمری که به مولایش ملحق و در جوار حضرتش مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدجعفر فومنی مذکور از علماء فعال تهران بودند. وی در سال ۱۳۳۰ ق در کربلای معلی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات سطوح را در آنجا از مرحوم والدش و دیگران فراگرفته و پس از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران استفاده علمی نموده و در سن ۲۷ سالگی در سال ۱۳۵۷ قمری که والد مبرورش فوت نمود به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان اقامت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن در مسجدش و جلسات مذهبی پرداخته و در اثر مبارزات با فحشاء و منکرات مبتلاء به حوادث و طوفانها گردیده و سوانح و خاطرات عجیبی دیده تا در شب بیست و سوم ماه رمضان ۱۳۸۴ قمری در اثر کسالتهای روحی و جسمی بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه کم‌نظیری با دوش مردم عالم‌دوست تهران حمل به شهر ری و در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره واقع در قسمت شرقی صحن معروف به مقبره (علائی) مدفون گردید.

آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم

مرحوم فومنی با فداکاریها و پیگیریها و مجاهدات طاقت‌فرسائی که داشت آثار گرانمایه‌ای از مساجد و دبستانهای اسلامی و مجامع مذهبی از خود به یادگار گذاشت که ذیلا اشاره می‌شود.

۱- مسجد نو واقع در خیابان خراسان (شماره ۱)

۲- کودکستان فومنی در خیابان خراسان

۳- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (پسرانه)

۴- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (دخترانه)

۵- مسجد نو شماره (۲) واقع در کوچه نظام

۶- شرکت تعاونی روزی (دهشاهی).

۷- از آثار باقیه وجود فرزندان برومند مخصوص ثقهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ حسین فومنی فرزند ارشد ایشان می‌باشد که

اکنون به جای ایشان در مسجد نو خیابان خراسان امامت و به خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در تهران متولد شده و تحصیلات جدی و مقدماتی را در آنجا خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی به تحصیل سطوح وسطی و نهائی مشغول و پس از فوت مرحوم والدش دیگر نتوانست در قم مانده و ادامه به تحصیل دهد ناچار به تهران برگشته و به خدمات دینی و اداره‌ی مؤسسات مذهبی والدش اشتغال دارد و واقعاً مصداق حدیث نبوی (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رضا فومنی رشتی از علماء بزرگ و فضلاء جلیل و معروف به هندی از شاگردان علامه رشتی میرزا حبیب‌اللّه متوفی ۱۳۱۲ ق بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فهری زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فهری زنجانی ابن السید الجلیل و العالم النبیل الحاج سید سجاد فهری زنجانی از دانشمندان معاصر تهران می‌باشند.

وی در سال ۱۳۰۱ شمسی در زنجان متولد گردید. والد معظم ایشان در مقام منبر (به اعتراف همه شناسایان) شخصیت بارز و منحصر بفرد زنجان بوده و هستند و اکنون اواخر دهه‌ی هشتم یا اوائل دهه نهم عمر را می گذرانند.

حجةالاسلام سید احمد فهری تقریبا یکسال پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به قم مشرف شده و پس از یکسال و اندی توقف در آن دیار و استفاده از درس سطح حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی در سال ۱۳۲۰ شمسی تشرف به نجف اشرف حاصل کرده و از محضر آیات عظام آقای آقا میرزا باقر زنجانی سطحا و خارجا و آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه سید جمال گلپایگانی استفاده خارج نمود.

و پس از استماع یک دوره و نیم درس خارج اصول حضرت آیت‌اللّه خوئی در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت و مدت ۱۴ سال در کرمانشاه اقامت داشته و در مسجد جمعه کرمانشاه اقامه جماعت می‌نمود و ضمنا در زمینه‌ی تبلیغات مذهبی در کرمانشاه که مرکز فرقه‌ی علی‌اللهی‌ها می‌باشد زحمتی فراوان متحمل شدند.

و سپس در سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت نموده و اکنون نیز در آنجا به انجام وظایف مذهبی اشتغال دارند و در مدت اقامت در تهران آثاری علمی از ایشان به طبع رسیده که ذیلاً می‌خوانید.

۱- کتاب سالار شهیدان در تحلیل انگیزه واقعی امام شهید علیه‌السلام در خروج از مدینه و حرکت بکربلا.

۲- ترجمه‌ی خصال صدوق.

۳- ترجمه‌ی عبداللّه سبا در دو جلد تألیف آقای حاج سید مرتضی عسکری

۴- اسس المنطقیه.

۵- آهی سوزان بر مزار شهیدان ترجمه‌ی «اللهوف علی قتل الطفوف»

۶- معراج روحانی. معظم له در سال ۱۳۸۵ ه.ش وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فیروزآبادی، یعقوب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی ۸۱۷ و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.

وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالك روم و حجاز و غیرها سفرها نموده و با قبایل عرب مجالستها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.

شروحی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.

۱- تاج‌العروس فی شرح القاموس ۲- الجاموس ۳- الفانوس ۴- رجل الطاوس و...

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزکوهی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن مرحوم ثقهٔالاسلام آشیخ محمدباقر فیرزوکوهی متوفی ۱۳۲۸ شمسی و ۱۳۶۹ قمری از فضلاء معاصر است در حومه آمل- وی در سال ۱۳۴۰ قمری در قریه آسور فیروزکوه متولد شده و پس از رشد اصول عقاید و قرآن و کتب فارسی و غیره را نزد والدش و مکتب‌دار محل فراگرفته و در سال ۱۳۱۱ شمسی داخل دبستان دانش آمل شده و با استعداد زیادی که داشتند دروس فارسی جدید را در مدت کوتاهی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۱۴ شمسی مشغول به تحصیل مقدمات گردیده و در سال ۱۳۱۵ شمسی به قم مهاجرت نموده و در ایام تحصیلی در آنجا و ایام تعطیل هم در قصبه آسور به خواندن پرداخته و در قم ادبیات مانند مطول و غیره را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی فراگرفته و شرح لمعه را خدمت آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی خوانده و چندی هم در آمل توقف و بقیه شرح لمعه را نزد آیت‌اللّٰه آقای آقا محمد غروی تکمیل نموده و باز به قم آمده و رسائل را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و مرحو آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و بعد مشرف به عراق و در کربلای معلی از درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند گردیده ولی بواسطه موانعی از ادامه و اقامت در آنجا محروم و بوطن بر گشته و باز به قم آمده و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد داماد و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خوانساری و مقداری مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا روح‌اللّٰه کمالوند خرم‌آبادی استفاده نموده و بعد به درس خارج حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی

مازندرانی و خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه آقای داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی حاضر شده و از محاضر و خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و هم درس تفسیر قرآن را از مرحوم شیخ مهدی ذکور و آیت‌اللّه علامه طباطبائی آموخته و نیز درس معقول منظومه را از استاد منتظری و اسفار را از علامه طباطبائی مستفیض شده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار عده‌ای از مردم آمل و اهالی محترم محمودآباد که سابقه ممتدی در آنجا داشتند منتقل به محمود آباد شده و از سال ۱۳۴۹ تا حال تحریر در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض الاسلام، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۴ -۱۲۸۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال ۱۲۸۴، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج‌البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج‌البلاغه» فیض‌الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغرویه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید.[۱]

سید علینقی مشهور به (فیض‌الاسلام) صاحب ترجمه نهج‌البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سدهی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلاـ می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.

۱- ترجمه نهج‌البلاغه در ۶ جزء که در دو مجللد مکرر به طبع رسیده.

۲- ترجمه صحیفه سجادیه. ۳- تفسیر کلام‌اللّه مجید ۴- ترجمه صحیفه علویه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰ -۶۰۹ / ۴)، نهج‌البلاغه (مقدمه).

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللّٰه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌اللّٰه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللّٰه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللّٰه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللّٰه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجهٔ‌الاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۴۹ قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.

۱- کتاب کربلا یا کانون انقلاب ۲- مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم ۳- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت ۴- مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است ۵- شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.

سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال ۱۳۱۱ قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آشیخ محمدمهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌اللّٰه آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّٰه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.

آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّٰه حاج سید اسداللّٰه فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللّٰه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه اصفهانی قدس اللّٰه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللّٰه آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجهٔ‌الاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی

سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.

در سال ۱۳۶۱ قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجهٔالاسلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه ۱۲ ذیحجهٔالحرام ۱۳۹۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خونساری و مرحوم و آیت‌اللّٰه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللّٰه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن آقا محمدمحسن بن محمد سمیع بن ملا حسین بن علم‌الهدی بن العلامه محدث فیض کاشانی از علماء و مراجع امور شرعی کرمانشاه بوده و در سال ۱۳۰۸ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج‌آقا مهدی بن العلامه الکبری والایه العظمی حاج میرزا محمد فیض مذکور از علماء محترم و فضلاء مکرم شهرستان قم و حوزه علمیه است که در مسجد امام جای مرحوم والد اقامه جماعت می‌نماید.

تولد ایشان در قم واقع و در مهد علم و کمال تربیت و مقدمات و ادبیات را از مرحوم شیخ ابوالقاسم نحوی و دیگران خوانده و سطوح را خدمت مدرسین بزرگ تکمیل نموده و سالها از محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری استفاده نموده و واجد مقام شامخ علم و کمال شده و هم تدریس فقه و اصول نموده و بحمدالله تاکنون به انجام وظائف دینی و روحی و خدمات مذهبی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فیضی تربتی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم و شاعر. اهل تربت حیـدریه خراسان بود. در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و مداح وی بود و هدایای زیادی دریافت می‌کرد. به اکثر شـهرهای هند نیز مسافرت کرد. شـیخ فیضـی دکنی به استادی وی اعتراف داشت. وی دارای «دیوان» غزلیات و قصاید، در حدود پنج هزار بیت، است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تحفه سامی (۲۱۱)، الذریعه (۸۵۴ / ۹)، ریـاض العارفین (۲۲۸)، ریحانه (۳۸۴ / ۴)، صـبح گلشن (۳۲۴)، فرهنگ سخنوران (۷۲۵)، مجالس النفائس (۱۴۵).

قاآنی، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّٰه قـاآنی بن میرزا محمـدعلی شـیرازی متخلص به گلشن شاعری فاضل و ادیب از معاریف عصـر بوده و در سال ۱۳۷۲ وفات نموده و ایشان عموی آیت‌اللّٰه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی بوده است.

قاآنی قبرش در شـهر ری در نزدیکی مقبره ابوالفتوح رازیست. در قصـیده و مثنوی‌گوئی استاد عصر خود بوده و از فتحعلی شاه لقب مجتهدالشـعراء و از محمد شاه لقب (حسان‌الحجم) داشـته است و از اشـعار لطیف و ظریف او سـخن گفتن پیری گنگ است با طفل زیبای الکن که به جهت تنوع و تفریح دوستان می‌نگارم.

پیر گنگ و طفل الکن

پیر کی لال سحرگاه بطفلی الکن

می‌شنیدم که بدین نوع همی راند سخن

کای ز زلفت صصصبحم شاشاشام تاریک

وی ز چهرت شاشاشامم صصصبح روشن

تتریاکیم و بی ششهد للبت

صصصبر و تاتاتابم رررفت از تتتن

طفل گفتا ممن را تو تو تقلید مکن

گگگم شو ز برم ای کککمتر از زن

میمیخواهی ممشتی به ککلت بزنم

که بیفتد مممغزت بمیان ددهن

پیر گفتا وو واللّٰه مممعلوم است این

که که زادم من بیچاره ز مادر الکن
ههفتاد و ههشتاد و سه سالست فزون
که که گنگ و لالالالم ببخلاق ز من
طفل گفتا خخدا را صصصد بار ششکر
که برستم بجهان از مملال مممن
مممن هم گگگنگم مممثل تو تو تو
تو تو تو هم گگگنگی مممثل و ممحن
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قاضی بهجت افندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه تهرانی در (الذریعه) در ج اول طبقات اعلام‌الشیعه ص ۲۳۵ گوید:

قاضی محمد بهلول بهجت افندی ابن قاضی محمد مشهور به سعادهٔ بن قاضی محمد مؤلف (بفیهٔالفقیه) ابن قاضی سنان رومی نسبش منتهی می‌شود به ابی‌ایوب انصاری صحابی مشهور عالمی متبحر و مصنفی منصف می‌باشد.

در زنگه زور که شهری بین ترکیه و قفقاز است در ۱۲۸۸ متولد شده و چندی در آنجا قاضی بوده و پدرانش از حنفی مذهب‌ها بودند و خودش نیز حنفی بوده تا اینکه نور ولایت به قلبش تابیده و مستبصر می گردد و کتاب تاریخ آل محمد یا «تشریح و محاکمه» را می‌نویسد و آن بلغت ترکیه به طریق فلسفی بوده که در آن شرح داده سیره آنان را و ادیب اریب سید میرزا مهدی تبریزی آن را به فارسی ترجمه کرده و فاضل جلیل شیخ میرزا علی قمشه‌ای آن را به عربی ترجمه نموده.

دارای تألیفات دیگری بنام دمأئهٔ یوم) در واقعه صفین و (الارشاد الحمزوی) و کتاب (حجر بن عدی) و (الحقوق الارثیه) و (آثار آذربایجان) می‌باشد.

و چون کتب مذکوره مخصوصاً تاریخ آل محمد او منتشر شد سنیان متعصب وی را به جرم تشیع کشتند رحمه‌اللّه‌علیه و حشر اللّه مع امیرالمؤمنین و اولاده المعصومین علیهم صلوات المصلین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قاضی زاهدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن الشیخ عباس بن ملاعلی که دانشمندی فعال و مبلغی نامدار بوده برادر آخوند ملاعلی و عم حجتین حاج میرزا محمدمهدی و میرزا عباسعلی و صهر آیت‌اللّه العلامه آخوند ملا زین‌العابدین مشهور به حجهٔالاسلام بوده و عمر صدساله را در راه ترویج دین گذرانیده مقبول‌القول در نزد خاص و عام بوده در سیزدهم شوال ۱۳۴۷ از دار دنیا رفته و در یکی از حجرات شرقی

صحن هفده تن به خاک رفته وی دارای چهار فرزند روحانی بوده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی زاهدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم علامه فهام حجةالاسلام والمسلمین رضا قاضی زاهدی فرزند حاج میرزا ابوالقاسم مذکور و سبط آیت‌اللّه آخوند ملا زین‌العابدین (حجةالاسلام) می‌باشد. قسمتی از تحصیلات معظم‌له در گلپایگان بوده و از اساتید ایشان است. مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملاـ زین‌العابدین نخعی و آیت‌اللّه حاج ملاـعلی عمیدی بالجمله پس از سالها تدریس و تدرس در گلپایگان منتقل به دارالعلم اصفهان گردید و مدتها از اساتید بزرگ آن حوزه استفاده نموده بحیث صار صاحب الاجازات ثم رجع الی وطنه و اشتغل بالتدریس و ترویج الدین و اقامت الجماعة و اصلاح ذات البین و کان محتاطا فی دینه.

و بالجمله آن مرحوم دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده و ملکات فاضله و زهد و ورع بوده و از این روی محبوبیتی همگانی داشت و در شب جمعه هفتم ماه رجب ۱۳۸۴ ق دار فانی را بدرود گفت و با تشییع جنازه بی‌نظیری در یکی از حجرات جنوبی صحن هفده تن به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی زاهدی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی بن آخوند ملاعلی مذکور عالمی جلیل و دانشمندی جلیل و مرجع امورات شرعیه بوده و بعد از مرحوم والدش در مسجد او که مشهور است به مسجد قاضی زاهدی اقامه جماعت می‌نموده و چون در هفتم محرم ۱۳۳۴ ق بدرود حیات گفته در بقعه امامزاده هفده‌تن مدفون گردیده و ایشان اکبر اولاد آخوند ملاعلی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد قاضی طباطبائی عابدی عالم و زاهدی کامل بود که در تبریز سکونت داشت و از اجتماع کناره گرفته و در گوشه منزل خود به انزواء و تزکیه نفس و تهذیب روح و اخلاق خود پرداخته بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قاضی عسکر، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به داور پناه. عالم فاضل، و محقق جلیل، در خوانسار متولد گردیده، و در محل تولد خود و اصفهان و نجف تحصیل کرد، مجتهدی عالی مقدار، و مدرسی کامل بود. در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می‌فرمود، و در کشف معضلات علوم، ید بیضا می‌نمود. سال‌ها در مدرسه‌ی درکوشک، فرائد و متاجر و کفایه مباحثه می‌نمود، جمعی از افاضل این شهر خدمت او تحصیل نموده‌اند.

از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده، و بدین جهت مقامات علمی مشارالیه مجهول ماند، و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید.

در ارتش سال‌ها به عنوان قاضی عسکر خدمت می‌نمود.

نگارنده مدتی از محضر ایشان در علوم عربیت استفاده نموده است.

در رجب سال ۱۳۸۲ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، در این تکیه در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی منصور، تاج‌الدین، ابوعبدالله عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۹ ق)، عالم حنفی. اهل سیستان بود. از آثار وی: «البحر الجاری فی الفتاوی»، حاوی فتاوای مذاهب اربعه‌ی اهل سنت؛ «المختار»، در علم فقه، که در «کشف الظنون» نظم «المختار» مجدالدین موصلی را به وی نسبت داده است؛ «نظم السراجیه»، که کتاب «سراجیه»، در فرائض، را به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۲۵ / ۴)، کشف الظنون (۱۶۲۳، ۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین، قاضی منصور).

قاضی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ عبدالرحیم، از خاندان محقّق سبزواری، عالمی جلیل، و پدر زن مرحوم حاج آقا مجلس (فرزند آقا سید ابوجعفر بن علّامه سید صدر الدین عاملی) بوده، و در سال ۱۳۱۷ قمری وفات یافته است.

مشارالیه بانی ساختمان شبستان بزرگ مسجد علی قلی آقا است که خود را در آنجا اقامه جماعت می‌نموده است. تاریخ بنای

شبستان مرقوم، سال ۱۲۹۷ می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاضی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمّد، از سلسله مشایخ بیدآباد، عالم فاضل محقّق بوده، و در سال ۱۲۰۶ وفات یافته، در پشت بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قائمی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند ثقه‌الاسلام مرحوم شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای غفرالله له از مشاهیر علماء معاصر آبادان است.

وی در سوم ماه رمضان هزار و سیصد و بیست یک (۱۳۲۱ ق) متولد شده و در خدمت والدش که یکی از متوسطین اهل علم بوده پرورش یافته و پیش از بلوغ در قریه دیزچه درس مقدمات را خدمت مرحوم آقا شیخ فرج‌الله شریعت که یکی از اعلام محل بوده آموخته و در سن نوزده سالگی باصفهان آمده و سطوح فقه را در محضر حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد درب امامی و آقای آقا شیخ علی یزدی استفاده کرده و در درس خارج آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی و آیه‌الله العظمی حاج سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی (مقرر درس مرحوم آخوند خراسانی) استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ ق مشرف بمکه معظمه شد و در مراجعت از طریق کویت به آبادان وارد شده و چون عده‌ای از همراهان حجش اهل آبادان بودند چند روزی ایشانرا نگاهداشته و پذیرائی شایانی نموده و در این میان مطلع میشوند که حدود پنجهزار نفر از پیروان کسروی در آنجا هستند و بر خلاف ضروریات دین فعالیت میکنند و نسبت بمقدسات مذهبی جسارت میکنند ایشان تصمیم گرفتند چند شبی در مسجد مرحوم سید علینقی منبر رفته و مسلک کثیف و مرام باطل و مضلّه آن ملعون منحرف را بدون بردن اسم و عنوان بیان کرده تا جائیکه در مدت هشت شب پنچاه نفر از پیروان احمد کسروی توبه نمودند.

پس عده‌ای از متدینین آبادان بمرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قدس‌الله سره نوشتند که آنکس که بتواند با این گروه گمراه مبارزه کند آقای قائمی است.

و چون ایشان متوجه نامه اهالی آبادان شدند فورا حرکت باصفهان نمودند از طرف مرحوم آیه‌الله اصفهانی جواب آمد که باید آقای قائمی در آبادان بمانند. اهالی جواب نوشتند که ایشان باصفهان رفته‌اند و آدرس او را نوشتند مرحوم آیه‌الله مستقیما به آدرس اصفهان نامه نوشتند که لازم است شما به آبادان بروید و اقامت کنید و سد گمراهان گمراه‌کننده باشید ایشان معذرت خواستند که من مشغول تحصیل و هوای آنجا هم ناسازگار است با مزاج من. نامه‌ی دوم آیه‌الله- ره- آمد که تا شما بخواهید اسلحه تهیه کنید جنگ بر علیه اسلام تمام شده لازم است به آبادان بروید. ایشان عین نامه را به آیه‌الله خراسانی ارائه دادند فرمودند حکم نموده و

حکم آیه‌الله اصفهانی لازم‌الاجراء است و باید بروید، پس بر حسب امر مرجع علی‌الاطلاق شیعه آیه‌الله العظمی اصفهانی به آبادان آمده و به مبارزات دامنه داری پرداختند، از چند طریق:

۱- از طریق منبر خرافات و گفتار او را با بیان رسائی که همه عوام نیز استفاده می‌کردند تشریح می‌کرد که خرافات و مبانی او مخالف صریح قرآن مجید و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است.

۲- مضرات سیاسی برنامه احمد کسروی را بمتصدیان و مأمورین دولت تذکر میدادند و آنها را بعواقب وخیم برنامه‌های وی متوجه مینمودند.

۳- چند نفر از متدینین را دستور دادند در تیپ آنان وارد شده و از برنامه‌های آنها و کیفیت فعالیت آنها اطلاع تا بسهولت بتوان از آنها جلوگیری نمایند.

در یکی از شبها شخص مراقب آمد و در مسجد نو آبادان محل اقامت جماعت آقای قائمی خبر داد که امشب بناست چهل نفر در فلان منزل اجتماع نموده و برنامه کشتن شما را ترتیب دهند ایشان اعتنا نکرده ولی بعد از مغرب غیر از چند نفر پیر مرد و پیر زن همه‌ی مردم بخانه‌ی مزبور حمله کرده و آنها را تنبیه و مجازات و کیفری بسزا دادند تا بعضی از آنان فرار و بخانه‌ی عربها پناه بردند و زنهای عرب با چوب بجان آنها افتاده و آنها را کوبیده و بیرون کردند.

کسروی ملعون پس از اطلاع در تهران شکایت و فعالیت کرد تا عده‌ای از مسلمانان غیور و بعضی از گمراهان پیروان کسروی را بزندان بردند و در زندان نیز تحریکاتی شده تا آن بدبختها را کتک زدند تا مأمورین اتباع کسروی را در یک اطاق گرم زندانی کردند که کشته نشوند و مسلمانان با قید کفالت آزاد شدند و طولی نکشید که بحمدالله انحراف آنان روشن و شکست عجیبی بر آنها وارد و جز معدودی همه توبه کردند و فتنه آنان خوابیده و دیگر اثری از آنان در شهرستان آبادان نیست.

سپس جریان نهضت کمونیستها پیش آمد و آقای قائمی در مقابل آنها قیام نموده و دو مرتبه مسجد ایشانرا سنگباران کردند و ایشانهم بعد از مبارزات منبری و سیاسی در مقابل آنها قیام کرد و در یکشب که ۱۴ نفر آنها قصد خرابکاری در مسجد داشتند مورد حمله مردم متدین شده و مجروحانه فرار کردند و بخواست خداوند و قیام مردانه ملت مسلمان کوبیده شدند.

در تمام قهوه خانه‌های شهرستان آبادان قمارخانه دائر بود و بهمت ایشان فعلا بحمدالله وجود ندارد و البته این پیشرفتها از توجهات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف بود همانطور که در توقیع شریف آن حضرت است در اکمال الدین صدوق که میفرماید: (بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی).

در موقع ورود ایشان در آبادان غیر از چهار مسجد خرابه کوچک متروکه بیشتر نبود ولی فعلا از اقدامات علماء فعال و مردم متدین این شهرستان دارای ۳۳ مسجد مدرن با بهترین ساختمان و نظافت و پرجمعیت میباشد.

علماء آبادان دارای اتحاد و هم‌آهنگی عجیبی هستند و لذا مردم آن در اخوت و یگانگی و حسن معاشرت در ایران کم‌نظیر است و اکنون دوازده سالست که جلسات روزهای جمعه در مساجد این شهرستان دائر و تمام روحانیون شرکت میکنند و هر جمعه بطور سیار در یکی از مساجد است و همچنین دعاء ندبه صبح جمعه با کیفیت جالبی برگزار و ببرکت حضرت ولی‌عصر دائر و منتج نتیجه بوده و میباشد.

یکی از آثار آقای قائمی تأسیس پرورشگاه ایتام است که در سنه‌ی ۱۳۲۷ شمسی تأسیس نموده و فعلا قریب یکصد و شش نفر یتیم را تربیت نموده و چند نفری از همین ایتام از طلاب مبرز شده و در حال حاضر در بعضی از شهرستانها مشغول ترویج و اقامه جماعت هستند و برخی هم کاسب متدین شده و بعضی هم در رشته دکتری وارد و یا سخنگوی رادیو شد و چند نفری از آنها هم با زن و فرزند بمکه مشرف و ۳ نفر از آنها در دبیرستان انصاری که بدست علماء این شهرستان تأسیس شده و بهترین دبیرستانهاست فعلا مشغول تحصیل میباشند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه‌ی علمیه است که برای طلاب و وعاظ وارد بنا نموده و تمام وسائل تابستانی و زمستانی را دارد و در محرم و صفر قریب هفتاد نفر از واردین در آنجا اقامت و استفاده میکنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد حسن قائمی از ائمه جماعت و علماء اعلام معاصر بابل است که باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائنی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علی‌اکبر قائینی عالمی فقیه بوده علامه بیرجندی در کتاب (بغیۀالطالب) وی را یاد و فرموده وی در باب امر به معروف و نهی از منکر بسیار سخت بود و کتابی در شرح (اشارات) کلباسی دارد در سال ۱۲۵۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن میرزا سید حسن بن سید محمد قائنی عالمی جلیل و فاضلی با ورع و از شاگردان ملا محمدکاظم خراسانی و میرزا حسن خلیلی و غیرهما بوده و در سال (۱۳۳۹) ق در مشهد وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، حمزه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا حمزه قائینی از علماء شهرستان طبس بوده وی بنابر دعوت امیر محمدحسن خان حاکم از قائن مهاجرت به طبس نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات پرداخته تا هم‌اکنون که بیت او در آنجا موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید عبدالرحیم قائینی از اهل فضل و ادب و اشراف سادات موسویه قائنات و از احفاد سید محمد نوربخش و صاحب کتاب (الکافیه) در شرح لغز شیخ بهائی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب قائنی از فضلاء شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و برادر جناب آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالرزاق قائنی مقیم تهران بودند و در سال ۱۳۱۴ قمری در قائن متولد شده و پس از رشد به مشهد آمده و دروس سطوح را از مرحوم آشیخ محمدفاضل بسطامی و آقاسید جعفر شهرستانی و مرحوم آیت‌اللَّه قمی و آیت‌اللَّه آقامحمد آقازاده کفائی تلمذ نموده و پس از آن مهاجرت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم برای خدمت به دین و ارشاد مردم به محلات منتقل و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۷۰ ق به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قائنی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن ملا محمدحسن سرچاهی قائینی عالمی جلیل و فقیهی فاضل از شاگردان سید حسن مدرس اصفهانی و امام جمعه و جماعت قائن و در حدود ۱۳۱۵ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قائنی عالمی فقیه و ورع و بزرگوار از اهل خوسف از دهات قائن و بیرجند بوده است وی پس از تلمذ در نجف و مشهدالرضا به خوسف آمده و به وظائف دینی پرداخته تا حدود (۱۳۲۵) قمری که وفات نموده است کتابی در رد بابیه و کتابی در غیبت امام (زمان) (ع) نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا بن محمدباقر قائینی از احفاد مولی عبداللّٰه تونی صاحب (الوافیه) عالمی جلیل از شاگردان علامه سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی و ملا علی اکبر کرمانی و ملا علی‌اصغر قائینی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدسی دارابی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۸۸- متوفی ۱۳۶۱ ق

محمد حسینی شیرازی دارابی متخلص به (قدسی) فرزند میرزا سلطانعلی بن میرزا فتحعلی بن میرزا سلطانعلی دارابی از فضلاء و شعراء گذشته داراب بوده است.

وی به گفته فرصت در (آثار عجم) در خدمت مرحوم شیخ مفید از علوم ادبیه و کلام و حکمت و غیر آن بهره‌ها برده و کتابی در کلمات و کرامات آن استاد جلیل و مولای نبیل بنام (حظائر القدس) نام نهاده و کتاب دیگر بنام (فردوس الکمال) نوشته و دارای خط عالی و از خوشنویسان عصر خویش بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قدسی کاشی کاشانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، مقدّس زاهد، فرزند ملّا علی. در کاشان متولّد، و در خدمت ملّا حبیب اللّٰه تلمّذ کرده، و سپس به اصفهان مهاجرت نموده، در نزد جمعی از بزرگان همچون آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای و آقا سید ابوالقاسم دهکردی تحصیلات خویش را تکمیل نمود.

در یکشنبه دوّم رمضان المبارک ۱۳۷۷ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در ایوان بقعه تکیه تویسرکانی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قدسی گیلانی، مصطفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و عالم. مدتی در اصفهان به سر برد و از شاگردان علامه چلبی و در فنون حکمت علمی و عملی عالم بود. در زمان جلال‌الدین محمد اکبرشاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. از اوست:

با هر که هست طبع سخن‌رس غنیمت است

یک نکته‌ی درست زهر کس غنیمت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۸)، فرهنگ سخنوران (۷۴۱)، کاروان هند (۱۰۹۵ / ۲).

قدسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین زاهد قدسی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین می‌باشند که در این ظهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدوسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ علی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج الشیخ احمد نهاوندی معروف به حاج آخوند از فضلاء مشار بالبنان و مدرسین بزرگواری بود که جمع کرده حسب و نسب را از طرف فرزند برومند آن پدر عالیقدر و از طرف دیگر داماد معظم علامه محقق سید الحکماء و المتالهین قاضی طباطبائی سلمه‌الله بود.

تولدش در سال ۱۳۰۶ شمسی برابر ۱۳۴۷ قمری در شهر نهاوند واقع شده و پس از دوران ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۲۳ شمسی مهاجرت به قم نموده و بعد از طی مقدمات و سطوح ۹ سالی از درس آیت‌الله العظمی بروجردی اعلی‌الله مقامه و دوازده سالی از محضر آیت‌الله امام خمینی استفاده نموده و از سال ۱۳۴۴ شمسی به کار مدرسه منتظریه (حقانی) پرداخته

آثار قلمی و علمی ایشان به قرار زیر است:

۱- تقریرات فقه آیت‌الله العظمی بروجردی از لباس مصلی تا بحث جماعت در ۵۲۳ صفحه.

۲- رساله‌های مختصری در خمس- منجات مریض وصیت- طهاره- مقداری از حج مرحوم آیت‌الله بروجردی در ۱۳۲ صفحه.

۳- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در مباحث الفاظ در ۲۸۳ صفحه.

۴- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در اصوله عملیه در ۵۱۷ صفحه.

۵- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در مکاسب محرمه و بیع ۶۳۹ صفحه.

۶- مقالاتی در سالهای اوائل مکتب اسلام.

۷- مقالاتی در معارف جعفری مطبوع می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قربانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌العابدین قربانی از فضلاء مبلغین و افاضل نویسندگان معاصر گیلان و لاهیجانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۸ ق در لاهیجان متولد شده و دروس فارسی و مقدمات را در آنجا خوانده و پس از آن به قم مهاجرت و سطوح فقه و اصول از اساتید بزرگ حوزه تکمیل و درس فلسفه و تفسیر را از علامه طباطبائی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی خمینی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و بالاخص زعیم اعظم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ها نموده و به تألیف و تدریس و تبلیغ دین و نوشتن مقالات دینی در مجله مکتب اسلام پرداخته از آثار ارزنده و تالیفات ارج‌دار معظم‌له کتب زیر است.

۱- اسلام و صلح جهانی ۲- به سوی جهان ابدی ۳- بلاهای اجتماعی قرن ما ۴- زن و انتخابات (این دو کتاب اخیر به همکاری آقایان علی حجتی کرمانی و محمد شبستری و آقای عباسعلی عمید زنجانی و حسین حقانی نگارش یافته و کتاب اسلام و صلح جهانی به همکاری آقای حاج سید هادی خسروشاهی ترجمه شده ۵- اسلام و حقوق بشر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قرنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللّٰه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۳ ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی قدس اللّٰه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در

مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:
۱- سوقات سفر دو جلد مطبوع
۲- اسرار معراج دو جلد مطبوع
۳- منهاج الدموع دو جلد مطبوع
۴- منهاج‌السرور ۳ جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع
۵- منتهی المقال دو جلد مطبوع
۶- در المنظوم دو جلد مطبوع
۷- آینه عمر دو جلد مطبوع
۸- پیوند دو گل دو جلد مطبوع
۹- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع
(تو ۱۳۳۳ ق)، عـالم امـامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسـد. در روسـتای گوگـد گلپایگـان به دنیا آمـد و پس از فراگیری ادبیات فارسـی و مقـدمات در گلپایگان در ۱۳۵۷ ق بـه قم مهـاجرت نمـود و سـطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگـانی و آیت‌الله نجفی مرعشـی تکمیـل نمـود. پس از آن به نجـف رفت و مـدت سه سـال از محضـر آیت‌الله شـیخ محمـد علی کـاظمینی و آیت‌الله خویی اسـتفاده نمود. سـپس به قم مراجعت کرد و از محضـر آیت‌الله خوانسـاری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر اسـتفاده نمود. قرنی به دسـتور آیت‌الله بروجردی برای نشـر معارف اسـلامی به علیشاه عوض شـهریار رفت. از آثارش: «سوقات سـفر»، در دو جلـد؛ «اسـرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السـرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷۶ -۶۷۵ / ۴).

قرنی، محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شـیخ محمد قرنی گلپایگانی از علماء و فضـلاء محترم حوزه علمیه قم است در شهر ورامین، وی در گوگد که در یک فرسخی گلپایگان است در حـدود ۱۳۳۴ قمری متولـد شـده و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسـمتی از سـطوح در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه وحیـد به قم عزیمت نمـوده و متـون فقه و اصول را از آیت‌اللَّه گلپایگـانی و غیره تکمیـل و بـدرس خـارج مرحـوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضـر شده و از خرمن علوم آنان کامیاب گردیده تا حسـب الامر حضـرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی بشـهر ورامین اعزام و اکنون چنـد سالیست که در آن رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند.
و ناگفته نماند که ایشان با حجهٔ‌الاسـلام حاج شـیخ علی قرنی صاحب تألیفات عدیده مطبوعه مقیم علیشاه عوض پسر عمو و منسوب بتابعی جلیل القدر زاهد حقیقی و شهید راه علوی جناب اویس قرن رضی اللَّه عنه که رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله اشتیاق ملاقات

او را می‌نمود می‌باشند.

در حال حاضر بیش از بیست نفر از شهر ورامین و حومه آن در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند که از مشاهیر آنهاست جناب حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ احمد علی باغ خواصی ورامینی که بیش از سی سالست در قم سکونت دارد و بفضل و تقوا و حسن اعمال و اخلاق موصوف و معروف می‌باشند. وی در یکی از مساجد قم اقامه جماعت و تبلیغ دین نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی منحصراً استفاده نموده و می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قره‌باغی نجفی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی. از آثار وی: «مشکاه المسلمین»، در اثبات نبوت سید المرسلین، که در نجف، در ۱۲۹۵ ق، ازتألیف آن فراغت یافت و بزرگانی چون مامقانی، شرابیانی و ایروانی بر آن تقریظ نگاشتند. این کتاب به همراه اثر دیگر وی به نام رساله‌ی «ارشاد الکافرین» و «هدایه المسترشدین»، در پاسخگویی به اعتراضات مسیحیان، در ۱۳۱۸ ق، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱ / ۲۱ ،۵۸ / ۱۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۸ / ۱).

قزوینی اصفهانی، ابوطالب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، آشنا به علوم غریبه بوده، و کتاب فرائد الدرر را در جفر تألیف نموده، و دیگر رساله‌ای در نسبت بین حروف تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فقیه فاضل علّامه، از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر رشتی بیدآبادی است، و تاریخ اجازه سال ۱۲۴۶ می‌باشد.

سیّد مرحوم در این اجازه وی را بسیار ستوده، و تصدیق به اجتهادش فرموده.

صاحب عنوان در قزوین متولد شده و در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانیده است.

انصاری در تاریخ مختصر اصفهان(:۸۹) گوید: مرحوم حاج سید محمد باقر حجهٔ الاسلام گذشته از ملاحظه مقاماتشان در علم و

عمل، توجه خاصی نسبت به ایشان داشته تا جایی که مرحوم حاج محمد جعفر آباده‌ای با آن جلالت قدر، و مکانت علم و تقوی، و بستگی به مرحوم سید، باز غبطه مقام ایشان را می‌خورده، کتابخانه‌اش بعد از هشتاد سال (تا سال تألیف تاریخ که سال ۱۳۳۲ قمری باشد) که همه آکنده‌ها پراکنده شد به حال خود باقی است، و گرد پنجاه ساله بر آن متلاقی.

صاحب عنوان تا سال ۱۲۶۳ حیات داشته و سپس وفات یافته است.

از تألیفاتش حواشی است بر حدیث غمامه که آن را فرزندش شیخ محمّد حسین، مدّون نموده و به صورت کتابی خاص درآورده است.

وی را دو فرزند برومند و فاضل است:

۱- فرزند بزرگش حاج آقا محمد قزوینی که از ائمه جماعت اصفهان بوده، و در مسجد آقا نور پس از پدر اقامه جماعت می‌نموده، و در شب ۲۸ ذیحجه سال ۱۳۰۴ قمری وفات یافته است.

فرزند ایشان: مرحوم حاج محمد جواد قزوینی،

و نواده‌اش: حاج آقا باقر قزوینی نیز از علمای اصفهان و ائمه جماعت بودند که در این شهر شهرت و نفوذ داشته، و مرحوم حاج آقا باقر در سال ۱۳۶۲ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید که اخیراً به نام تکیه خلیلیان معروف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی خراسانی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۱۸ ق)، عالم امامی. در قزوین به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی در جوانی با پدرش، شیخ احمد تنکابنی، به نجف رفت و مدت هفت سال از محضر اساتیدی چون سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی بهره برد و در درس میرزای نایینی با آیت‌الله خویی شریک بحث بود. سپس شیخ به قزوین بازگشت و دو سال در آنجا ماند و توانست به محضر سید موسی زرآبادی قزوینی برسد. بعد از آن وی به قم رفت و مدت دو سال از محضر درس خارج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده کرد. آن‌گاه به مشهد رفت و در آن جا از استادان بزرگی چون حاج میرزا محد آقازاده کفائی خراسانی، حاج آقا حسین قمی طباطبائی، آقا بزرگ حکیم شهیدی و میرزا مهدی غروی اصفهانی خراسانی بهره‌مند گردید. وی از ۱۳۴۷ ق در حوزه‌ی مشهد شروع به تدریس کرد و چهل سال به تدریس و تربیت دانشجویان علوم دینی مشغول بود. او در ضمن درسهای فقه و اصول و فلسفه و اخلاق اسلامی با نقد علمی مبانی فلسفه و عرفان و تحریر خالص حقایق قرآن، ارکان مکتب تفکیک را استوار ساخت. شیخ مجتبی قزوینی در علوم غریبه استادی مسلم بود و دستی توانا داشت. وی در مشهد درگذشت و در صحن عتیق رضوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «بیان الفرقان»، در ۵ مجلد؛ «رساله‌ای در معرفه النفس»؛ رساله‌ای در نقد علمی و فلسفی اصول یازده‌گانه ملا صدرای شیرازی در مبانی فلسفه خویش؛ نسخه‌هایی در برخی علوم غریبه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۵ -۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۵ -۱۵۴ / ۷).

قزوینی ضیاءالدین، عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۰ ق)، دانشمند و شاعر. وی در معانی، بیان، فقه، اصول، کلام، تفسیر و علوم عربی استاد بود. عزالدین بن جماعه و ملا سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۹ -۸ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / ضیاءالدین)، مینو در (۴۸۵ -۴۸۴ / ۲).

قزوینی کاظمی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی. در کاظمین به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت،سپس در کویت ساکن شد. سرانجام به بصره منتقل شد و تا پایان عمر آنجا بود. پیکر وی در نجف دفن شد. از آثارش: «حلیه النجیب» یا «حلبه‌النجیب» یا «حلیه اللبیب»، در رد مادیون؛ «برهان‌الدین الوثیق»، در رد «عمده التحقیق»؛ «تبصره الحر الرشید»، در رد «الدر النضید»، در تقلید؛ «حی علی الحق»، در رد کتاب «المسیح فی الاسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۷ / ۸)، الذریعه (۱۲۸، ۸۵- ۸۴، ۶۲ / ۷، ۳۱۷، ۹۵ / ۳)، مینودر (۳۱۷، ۳۱۰، ۱۷۳ / ۲).

قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم بن سید محمدباقر موسوی قزوینی حایری متولد ۱۲۱۴ و متوفی ۱۲۶۲ هجری وحید عصرش از بزرگان علماء و اعاظم محققین صاحب کتاب (الضوابط) و ده‌ها کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، بهشتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید بهشتی از اعلام علماء قزوین و ائمه جماعت در مسجد جامع آن بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۶ ق)، عالم و شاعر. معروف به آقا رضی. از شاگردان ملا خلیل قزوینی و معاصر ملا محمدتقی مجلسی و شیخ حرّ عاملی بود. مهمترین اثر وی «لسان الخواص فی ذکر معانی الالفاظ الاصطلاحیهٔ للعلماء» است که در واقع دایرهٔالمعارفی است از علوم مختلف و در آن اصطلاحات رایج علمای آن عصر، مشکلات آیات و اخبار مطرح شده است. از این دایرهٔالمعارف تنها یک مجلد باقی مانده که در آن درباره‌ی تفسیر حروف ابجد، ابداع، اجماع، اجتهاد، اختیار، اراده، تناسب چهارگانه؛ نسبت اجسام و اختلاف وزنی و حجمی آنها؛ و احکام چهارگانه حرمت، نجاست، حلیت و طهارت؛ و حساب و خواص اعداد صحبت شده است. از دیگر آثار وی: «ضیافهٔ الاخوان و هدیهٔ الخلان»، یا «تاریخ علمای قزوین»؛ «رساله‌ی شیر و شکر»، به فارسی و عربی، درباره‌ی نکات متفرقه؛ «رسالهٔ المولودیه»، در تعیین تاریخ تولد حضرت محمد (ص)؛ «رساله‌ی نوروزیه»، در تعیین نوروز؛ «الوقتیه»؛ در تعیین اوقات نماز؛ «العیاریهٔ»، در تعیین عیار فلزات؛ «ابطال الرمل»؛ «قبله آفاق». از آقا رضی «دیوان» شعری نیز به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸ /۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۳ -۱۷۲)، الذریعه (۳۰۴ -۳۰۲ /۱۸، ۴۳ -۴۲ /۱۷، ۱۳۲ /۱۵، ۳۷۴ - ۳۷۳ /۹، ۲۶۷ /۳، ۶۸ /۱)، روضات الجنات (۱۱۵ -۱۱۳ /۷)، ریاض العلماء (۱۲ /۷، ۷۷ -۷۶ /۵)، ریحانه (۵۵ /۱)، فوائد الرضویه (۴۶۴)، مصفی المقال (۱۸۱ -۱۸۰)، مینو در (۳۴۰ /۲).

قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۶۳ ق)، نویسنده. معروف به ملا آقا. وی در گلیزور از توابع قزوین به دنیا آمد. ابتدا از مدرسین مدرسه دوتسعلی خان معیرالممالک در تهران بود و چون در علوم ادبی و شرح حال علما و رجال اسلام تبحر داشت، از طرف علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، به همراهی سه نفر دیگر برای نوشتن «نامه دانشوران» برگزیده می‌شود. بیشتر شرح احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور نوشته‌ی اوست. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثار او کتاب «رجال المولی عبدالوهاب» است که آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» آن را ذکر کرده است.[۱]

شیخ عبدالوهاب قزوینی بن عبدالعلی قزوینی عالمی متبحر بوده و در سال ۱۳۰۶ وفات کرده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۳۰ / ۱۰)، شرح حال رجال (۱۵۲ / ۶، ۳۱۷ / ۲)، المآثر و الآثار (۱۶۱)، مینو در (۹۵۶ / ۲)، نامه‌ی دانشوران (۱/ مقدمه)، یادگار (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۵).

قزوینی، علامه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علامهٔ بن ملا صالح برغانی قزوینی حایری عالمی کامل و فاضلی پارسا از شاگردان فاضل اردکانی در کربلاء و میرزاء رشتی و غیره در نجف بوده و در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر از مردان بافضیلت و علم و تقوا و ورع و از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۳۳ ق در قزوین وفات کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا علی‌اکبر بن شیخ حسین بن ملا صالح برغانی قزوینی عالمی فاضل و از بیت فضل و دانش ملقب به صدرالعلماء قزوینی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عیسی بن ملاـ محمدتقی برغانی قزوینی عالمی بزرگ و فقیهی متقی و صالح از بزرگان اهل فضل و علم و ورع و تقوا و از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیرهم بوده و در سال ۱۳۳۹ وفات کرده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، غلامعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامعلی قزوینی مشهور به حاج آخوند بن حسن بن رضا بن خدابنده بن رضابنده قزوینی عالمی خبیر و فاضلی روشن ضمیر بوده و در سال ۱۳۰۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید هاشم موسوی قزوینی حایری عالمی جلیل از علماء کربلا بوده و در سال ۱۳۴۸ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابراهیم بن سید هاشم بن محمدعلی موسوی قزوینی حایری عالمی فاضل بوده و در سال ۱۳۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه میلانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.

در سال ۱۳۹۳ هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال ۱۴۰۰

قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.

معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللّٰه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.

۱- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی

۲- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی

۳- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی

۴- حاج سید محسن موسوی قزوینی

۵- حاج سید جعفر موسوی قزوینی

تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:

۱- شرح نهج‌البلاغه- سه مجلد

۲- علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۳- فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

۴- الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور

۵- الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۶- الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۷- الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۸- سیره الرسول الاعظم (صلی اللّٰه علیه و آله و سلم)

۹- فاجعه الطف

۱۰- الاسلام والتعالیم

و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، ۱۳۷۰)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، ۱۳۷۰)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، ۱۳۷۱)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۷۱، ۱۳۶۵)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن میرزا مهدی بن سید محمدباقر موسوی قزوینی از علماء کربلاء و معروف (به حاج آقا میر) از شاگردان فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و سید محمدحسین شهرستانی بوده و در سال ۱۳۳۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قطب‌الدین یحیی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۷ ق)، عالم امامی. وی از اواخر سلطنت شاهرخ تا اوایل حکومت سلطان حسین بایقرا منصب شیخ‌الاسلامی داشت و به تدریس علوم دینی می‌پرداخت. او در هرات درگذشت و در کنار مزار خواجه عبدالله انصاری مدفون شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۶ / ۴).

قطب‌المحدثین، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی بن سید قاسم موسوی معروف به (قطب المحدثین) از معمرین و فضلاء اهل منبر معاصر مشهد مقدس است.

وی اصلا کشمیری و در ۱۳۰۸ قمری در آنجا متولد شده و از آنجا با مرحوم والدش مهاجرت به مشهد و پرورش یافته و پس از آن فنون متنوعه را نزد استادان وقت آموخته مثلا- صرف و نحو و معانی و بیان را نزد مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و حاج شیخ عبدالحسین سرولایتی و حاج محقق نوغانی و حاج شیخ محمد فاضل بسطامی و سید یحیی نحوی خوانده و منطق را از آقاشیخ غلامرضا طباخ خراسانی و آقا شیخ محمدرضا یزدی فراگرفته و فقه و اصول را نزد مرحوم حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی بزرگ و حاج شیخ حسن برسی متقن نموده و حکمت را سالهای متمادی از محضر مرحوم حکیم شهیدی معروف به آقا بزرگ تحصیل فرموده و بر حسب وظیفه از طریق منبر و موعظه به خدمات دینی و ترویج پرداخته تا اکنون که در اثر کبر سن دوران کهولت و تقاعد از خدمت را می گذراند و از معاریف وعاظ مشهد مقدس می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قطب‌آبادی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن حسین بن عبدالعلی قطب‌آبادی شهر بابکی از علماء معاصر آن منطقه بودند.

وی در سال ۱۳۰۷ و یا ۱۳۰۸ ه در قطب‌آباد شهر بابک متولد شده است پدران ایشان کشاورز و به دیانت و خوبی مشهور بودند. معظم له در سن پانزده سالگی از شهر بابک برای تحصیل علوم دینی عزیمت به رفسنجان نموده و در خدمت مرحوم حجهٔ‌الاسلام آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی شهر بابکی که عموزاده ایشان بودند مشغول به تحصیل مقدمات گشته و در سال ۱۳۲۹ ق از رفسنجان از طریق دریا به حج مشرف و در سال ۱۳۳۰ هجری به عتبات مقدسه ائمه طاهرین (ع) وارد نجف اشرف و در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه یزدی رحل اقامت افکنده و به درس و بحث و تدریس مشغول و در سال ۱۳۳۷ قمری متأهل و به خانه منتقل گردیدند.

اساتید آن مرحوم عبارت از آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا مرعشی والد ماجد اخوان مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم معروف به حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی می‌باشند در سال ۱۳۶۸ ق به قصد دیدار فرزند خود مرحوم میرزا احمد که در مرز مریض بودند به ایران آمده و در قم خدمت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مشرف شدند و حسب‌الامر معظم له به موطن اصلی خود شهر بابک مراجعت نمودند.

و به اقامه جماعت و تعلیم مسائل دینی و جواب مراجعات مردم در مدت ۲۳ سال بوده و در خلال این مدت دو سفر به حج بیت‌اللّه‌الحرام و عتبات عالیات مشرف تا در شب ۱۸ شوال ۱۳۹۱ قمری در شهر بابک بجوار رحمت الهی واصل و در قبرستان مشهور به تل مصلی مدفون گردیدند.

دارای سه فرزند اهل علم و منبر می‌باشند.

۱- جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام آقا میرزا محمد که فعلا در نجف اشرف به تحصیل و مباحثات اشتغال دارند.

۲- جناب مستطاب ثقهٔ‌الاسلام آقا میرزا احمد که در ۲۴ سالگی مرحوم گردیدند

۳- جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ علی نجفی که اکنون در شهر بابک به جای مرحوم والدش اشتغال به خدمات دینی دارند.

۴- عموزاده آن مرحوم جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدعلی شهر بابکی رفسنجانی از علماء بزرگ مقیم رفسنجان بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قطیفی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۵۱ ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ عصر خود و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. در بحرین درگذشت. از آثارش: «التحفه الاحمدیه للفرقه الجعفریه فی المنشآت الصادقیه و الدعوات الجعفریه» یا «الصحیفه الصادقیه»؛ رساله‌ای در «شرح احوال استادش شیخ مرتضی انصاری»؛ «دیوان» شعر.[۱]

احمد بن صالح بحرانی، عالم شیعی (ف. ۱۳۱۵ ه.ق) وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است. او راست: التحفهٔ‌الاحمدیهٔ، دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۲ -۲۱ / ۱۵ ،۸۸۶ / ۹ ،۴۱۳ -۴۱۱ / ۳)، ریحانه (۴۸۱ / ۴).

قمشه ای، آقا کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و عارف، و از اهالی قمیشه، و در اصفهان ساکن بوده، در سال ۱۲۹۷ قمری وفات یافته و در صحن تکیه مادر شاهزاده، جنب قبر حاج صادق تخت فولادی مدفون گردیده.

مادّه تاریخ وفاتش را مفتون شاعر اصفهانی گوید:

بهر تاریخ وفاتش کلک مفتون زد رقم

زبده آل سلوک اندر جنان شد رستگار

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمشه‌ای، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدتقی بن میرزا محمدحسین عالمی فاضل و بزرگوار بوده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید میرزا محمدهاشم چهارسوقی تلمذ نموده و بعد از فوت برادر ارجمندش مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدمهدی قمشه‌ای در شهرضا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا در حدود ۱۳۵۰ ق بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا ابوالحسن بن مولی صادق قمی از علماء و فضلاء شاگردان میرزا حسین خلیلی و غیره بوده و در قم به خدمات دینی به جای والدش مرحوم آیت‌اللّه حاج ملاـ صادق صاحب مدرسه (حاجی ملا صادق) قیام نموده تا از دنیا رفته و ایشان والد آیت‌اللّه حاج میرزا مصطفی صادقی قمی از علمای معاصر قم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلـده طیبه قم و از تلامـذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهـایت وثوق را به او داشـتند چنـانکه بسیاری از حکومـات شـرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمنـد و متمول بود که بسیاری از ارامل و ایتام و بینوایان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمنـد به آب بودند آب انبـار بزرگی در قم جنب میـدان کهنه بنـا نمود و بعـد از حیوهٔ خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال ۱۲۴۹ وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.

مرحوم میرزا علی‌اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی‌الاصل است فضلی باهر و قدسـی متکاثر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سـید حسین متولی‌باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیهاالسلام) از همان صبیه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.

(وف ۱۲۴۹ ق)، عـالم امـامی. اصـل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسـبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسـیاری از داوریهای شـرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایتام و بینوایان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میـدان کهنه بنا نهاد و وصـیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کننـد. وی در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[۱]

ایشـان مالک سه روسـتای اطراف قم بنام های زنبیل آباد ، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سـید الشهداء ، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف) وقف نموده است . زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شـهید صـدوقی حدود ۵۰۰ قطعه منزل و مغـازه گردیـده است و حاجی آباد هم بنام شـهر قنوات حـدود ۷۰ هکتار اراضـی کشـاورزی و مسکونی وقف می باشـدعلی آباد جنب مبارک آباد نیز حـدود ۱۶ و نیم هکتـار از اراضـی کشـاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می باشد.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۰ / ۱).

قمی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق قمی عالمی جلیل و متقی از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ میرزا حسن بن شـیخ باقر بن مولی محمد قمی نجفی عالم بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۷۰ ق وفات

نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه قمی عالمی عامل و عابدی پارسا و موثق از شاگردان میرزا آشتیانی و حاج میرزا حسین خلیلی و علامه یزدی و علامه خراسانی بوده و در قم به وظائف دینی و روحی اشتغال داشته تا در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه بن شیخ زین‌العابدین قمی ساکن زیران ورامین متولد ۱۲۸۹ و متوفی ۱۳۵۹ دارای تألیفات عدیده بنام ۱- اتمام‌النعمه ۲- انیس الذاکرین ۳- الایضاح ۴- جامع الاخبار ۵- جوامع الخیرات ۶- خلد برین ۷- درر الفوائد ۸- کشف‌الفوائد ۹- رد شبهات الجبریه ۱۰- زاد الناسکین ۱۱- شمس المشرقین ۱۲- الفوائد الحسینیه ۱۳- نهایهٔ الامال ۱۴- نتایج الافکار و غیره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا عبدالحسین بن سید جواد بن سید علیرضا حسینی طاهری قمی عالمی جلیل از شاگردان آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق بعد از مراجعت از نجف اشرف به قم وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آشیخ غلامحسین قمی عالمی متقی از فضلاء اجلاء دارای مقام علم و ورع از شاگردان میرزای آشتیانی در تهران و میرزا حسین

خلیلی و آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی در نجف اشرف بوده و در سال ۱۳۳۷ وفات نموده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی بن سید اسحاق قمی عالمی ادیب و دانشمندی پارسا و متقی بوده و در سال ۱۳۴۴ قمری وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن بهاءالدین محمد قمی عالمی متبحر از شاگردان میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین بوده و بر قوانین حاشیه‌ای بنام (توضیح القوانین) داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمیشه‌ای اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از تلامذه آقا سید محمّد کاظم یزدی و آخوند خراسانی در نجف بوده، و دارای تألیفاتی است و تقریرات اساتید خود را نیز نوشته، در ۱۳۲۷ در نجف اشرف وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتوح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسته است، و حواشی بر شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ ۲۶ شعبان سال ۱۱۳۳ از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند فتاح بن عبدالله. عالم فاضل، صاحب تألیفات متعدده، از فضلای قرن سیزدهم، و مؤلف شرح خلاصة الحساب، تاریخ فراغت ۱۲۵۲ قمری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قمیشه‌ای، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا عبدالله بن فتاح، از اعقاب ملا شمس‌الدین بحرینی.

عالم فاضل [حکیم] جلیل، از علمای معروف و متنفذ در دستگاه سلاطین بوده، چون در سال ۱۲۱۱ آقا محمد خان قاجار را کشتند، جنازه‌ی او را به نجف حمل کردند، مرحوم ملا مصطفی همراه جنازه بوده است.

در ماه رجب سال ۱۲۱۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید.

مشارالیه داماد میرزا محمد علی بن میرزا مظفر بوده است.

در نشریه‌ی فرهنگ شهرضا (سال ۱۳۲۹ خورشیدی) گوید: وی را اجزایی در تفسیر آیه‌ی نور می‌باشد که دلالت بر کمال و فضل او می‌کند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قوچانی صغیر، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن شیخ محمدرضا بن شیخ محمدعلی بن محمدصادق بن محمد بن اسماعیل بحرانی قوچانی عالمی فاضل و اصلا از بحرین بوده است. جد چارمش محمد بن اسماعیل از بحرین مهاجرت به خراسان نموده و ایشان در سال ۱۳۱۶ ق در قوچان به دنیا آمده است. وی در اوائل عمر به نجف مهاجرت نموده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر ملا محمدحسین قمشهی بزرگ و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی و دیگران استفاده نموده و بعد از فوت استادش به قوچان آمده و به وظائف دینی از اقامت جماعت و غیره پرداخته تا در یازدهم ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری وفات و در مزار سلطان ابراهیم قوچان قدیم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، ذبیح‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ذبیح‌اللَّه قوچانی نجفی از علماء اعلام و فضلاء کرام معاصر این شهرستان است در مشهد مقدس. معظم له در سال ۱۳۲۹ قمری در خیرآباد قوچان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی برای تحصیل به قوچان آمده و در مدت سه سال مقدمات و ادبیات را تحصیل کرده و در سال ۱۳۴۵ قمری به مشهد مقدس عزیمت نموده و در حوزه علمیه ارض اقدس به تکمیل سطوح پرداخته و بعد از شش سال توقف در مشهد در سال ۱۳۵۱ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محاضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۱ قمری به قوچان مراجعت و به امور شرعی از اقامه جماعت و تردس طلاب علوم دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۱ قمری به مشهد مقدس انتقال و تاکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه ذبیحی قوچانی از دانشمندان وارسته و دارای کمالات نفسانی و معنوی و مهذب و بارع می‌باشند دارای آثاری از جمله تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا قوچانی از علماء و ائمه جماعت مشهد رضوی و از شاگردان آخوند خراسانی بودند در مراجعت از نجف در ارض اقدس مقیم و متجاوز از سی سال در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت می‌کرده تا به نوشته آقای مروج در شب ۲۴ شوال ۱۳۶۸ وفات و در صحن جدید مدفون شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قوچانی، رمضانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و به زهد و تقوا مشهور و مورد توجه عوام و خواص بود و با حال انزوا زندگی می‌کرد وی از شاگردان آخوند ملاـ محمدکاظم خراسانی بود و در مسجد (معروف پیرزن) گوهرشاد که اکنون حوض مسجد است نماز جماعت می‌خواند و در ۲۸ ماه رجب ۱۳۶۶ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قوچانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد از علماء اعلام و مدرسین عالی مقام معاصر مشهد و از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در اواخر به انزوا و عزلت می گذرانید و در عصرها در مدرسه ابدالخان واقع در کوچه شور که منزل آن مرحوم بود تدریس می کرد عده‌ای از فضلا به درس او حاضر می‌شدند و از افادات عالیه او استفاده می کردند تا در ششم ماه صفر ۱۳۶۴ ق وفات و در دارالضیافه مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قهپایی طباطبایی، فیض‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم امامی. وی نزد مقدس اردبیلی تلمذ نمود و از سید حسین بن سید حیدر کرکی صاحب اجازه بود. او از مشایخ ملا محمد تقی مجلسی است. از آثارش: حاشیه بر مبحث «الهیات الشرح الجدید للتجرید» قوشچی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خاتمه مستدرک الوسائل (۱۵۶ / ۲)، الذریعه (۱۱۵ / ۶)، ریحانه (۴۹۸ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قهپایی).

کابلی، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از عموزادگان سیّد حجهٔ الاسلام بیدآبادی، سالها در اصفهان ساکن بوده و پس از وفات در مقبره کوچک مسجد سیّد مدفون گردیده است.

فرزندش سید عبدالحفیظ،

و نواده‌اش میرزا محمد علی نیز از فضلا و اتقیا بوده و در همین بقعه مدفون می‌باشند.

برخی از ساختمان مسجد سید زیر نظر ایشان و سرکاری او انجام گردیده است.

مرحوم آقا محمّد عماد الاسلام در آخر نسخه «هدایهٔ السالکین در شرح احادیث اربعین» از تألیفات خود که به خطّ آقا میرزا محمد علی کابلی است(نسخه خطی: ۱۹۸) می‌نویسد: جهت منسوب شدن به کابل آن مرحوم این است که مرحوم سیّد حجهٔ الاسلام در صدد بودند که کتاب «مدینهٔ العلم» مرحوم صدوق را به دست آورند، خدمت ایشان گفته شد که در کابل موجود است، لذا ایشان، آقا سید ابراهیم را بدان سمت روانه کردند، و ایشان مدّتی دراز در آنجا مقیم بوده، و بالاخره موفّق به تحصیل کتاب نشد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کازرونی ابوالعباس، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالعباس احمد بن منصور بن احمد بن عبداللَّه شافعی کازرونی از دانشـمندان قرن شـشم هجری است در ۵۱۶ تولد یافته و در ۵۷۸ وفات نموده از آثار او کتاب (معجم الشیوخ) در هفت جلد می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهـم ق)، عـالم دینی. گفته‌انـد که وی عمـوی فیروزآبـادی (۸۱۷/ ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، صـاحب «قـاموس»، بود. از آثـار وی: «شـفاء الاسقام فی سیرهٔ غوث الانام (الرفاعی)»؛ «المیزاب فی نسب سید الاقطاب»؛ «البرهان المؤید فی مناقب الامام الرفاعی احمد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۱، ۵۰/ ۲، ۱۸۰/ ۱)، معجم المؤلفین (۸۲/ ۱)، هدیهٔ العارفین (۱۹/ ۱).

کازرونی، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مـولی حکیـم ابوالقـاسم انصـاری امـامی کـازرونی متخلص بـه (قـاسم) فرزنـد ابوحامـد از دانشـمندان و شـعراء قرن دهـم و یـازدهم هجریست. تألیف پربهائی بنام (سلم السموات) در تراجم حکماء و شعراء است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، صدرالاسلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالاسلام کازرونی متوفی ۱۳۳۶ ق فرزند آیت‌اللَّه حاج سید علی مجتهد کازرونی از فضلاء و ادباء عصر خود بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر کازرونی عالمی فاضل از بزرگان زمان خود بوده و در حدود ۱۲۴۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اجلاء فضلاء و تلامذه مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و اقران وی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، عالم دینی. از علما و نویسندگان به نام کربلا ـ به شمار می‌آید. به گفته‌ی ملا ـ حبیب‌اللَّه بن علی مدد کاشانی، صاحب «لباب الالقاب»، سید محمد جعفر از شاگردان علی مدد کاشانی بوده و از شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ قاسم نجفی روایت کرده است. مدتی قبل از مهاجرتش به کربلا در نجف اقامت گزید. وی در کربلا درگذشت. از آثارش «الرسالهٔ المیراثیهٔ» و «الرسالهٔ الشرطیهٔ»، در اقسام و احکام شروط است که هر دو را با هم در ۱۳۱۵ ق به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۵/ ۹)، الذریعه (۱۴۵/ ۱۶، ۲۰۱/ ۱۱، ۴۴۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (۲۹۳ -۲۹۲/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۲۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۵۶/ ۹).

کاشانی، حبیب اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ملاـ) حبیب‌اللَّه بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد

شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا هادی سبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح‌الریاض (حاشیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرةالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانةالادب، لغ.)

حبیب‌اللّه الشریف بن ملا علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب‌الالقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در ۱۲ جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیةالاصول) و (درةالجمان) و تذکرةالشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجةالاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقةالاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقةالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.

در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبة التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی

منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[۱]

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۵۵۹/ ۴)، الذریعه (۴/ ۲۳ ،۲۷۷، ۲۱۵/ ۱۸ ،۲۸۲/ ۱۵ ،۲۱۴/ ۱۴ ،۳۲۴- ۳۲۳، ۶۷/ ۱۱ ،۲۳۱/ ۹ ،۹۸/ ۸ ،۲۷۱/ ۷ ،۴۹۲- ۴۹۱، ۱۸۲/ ۴)، ریحانه (۲۰ -۱۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱ -۳۶۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲ - ۲۵۰/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللَّه)، معجم المؤلفین (۱۸۷/ ۳).

کاشانی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌اللَّه ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌اللَّه ملا- حبیب‌اللَّه کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌اللَّه سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در ۱۳۴۰ ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌اللَّه آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»، در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفة العلویة»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحلة الحجازیة»؛ «النصیحة العالیة»؛ «حلیة المرتلین»؛ «پرتو نور»، در امامت، به فارسی.[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی‌اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعاظم اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال ۱۲۹۲ قمری در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماوای فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعاظم علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملامحمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا- حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.

در سال ۱۳۴۰ قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تالیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:

۱- تفسیر سوره یوسف ۲- تفسیر سوره عم ۳- تفسیر سوره جمعه ۴- تفسیر سوره یس ۵- ریاض الانس ۵ مجلد ۶- کشکول کاشانی ۷- مکارم الاثار ۸- التحفه العلویه ۹- مناقب آل محمد ۱۰- الرحله الحجازیه ۱۱- النصیحه العالیه ۱۲- حلیه المرتلین و دهها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.

جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است.

معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافا بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۵ قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا- برپا و تجلیل وافری از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.

از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیلش توصیه می‌فرمود که (ایاك و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت‌طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیك بتقوی الله فی السر و العلانیه وادع الی الله و روج دین اجدادك الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۶۰۸/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۰ –۲۳۸/ ۲).

کاشانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر کاشانی طاب اللّه ثراه از علماء مبرز خدوم بودند در خرمشهر. وی اصلا کاشانی ولی بعد از کسب علم و کمال در نجف اشرف و غیره برای خدمت بدین و تبلیغ احکام مبین و ترویج معارف اسلامی در این شهر توطن و در مسجد جامعه به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی پرداخته تا بعد از ۱۳۷۰ قمری وفات نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم کاشانی که در دو سفر به خرمشهر موفق به زیارت و درك فیض از محضرشان گردیدم دانشمندی عامل و عالمی کامل و ساعی در قضاء حوائج مؤمنین مخصوص حجاج و زوار بود و از هدایت و مساعدت با آنان کوتاهی نمی‌نمود.

درب خانه‌اش همواره برای عموم و بالا-خص مسافرین اعتاب عالیات باز و به گرمی و محبت از واردین و بالخصوص روحانیون پذیرائی و در محرم و ماه رمضان و ایام تبلیغی دیگر که اهل علم و منبر از نجف و قم برای امر تبلیغ به آنجا مسافرت می‌کردند به اطراف خرمشهر و یا خود شهر توصیه و معرفی فرموده که از وجود آنان استفاده بعمل آید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کاشمری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه کاشمری از علماء و خطباء و محدثین کاشمر بوده و با نگارنده هم عنایت و محبتی داشته است وی تحصیلات خود را در کاشمر و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و بیشتر از راه منبر تبلیغ دین و ترویج احکام مبین نموده تا حدود ۱۳۷۰ قمری که وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر کاشمری عالمی بارع و فاضلی جلیل از علماء کاشمر بوده و در اوائل ۱۳۰۰ قمری به سامرا وارد و از محضر آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی استفاده نموده و با مرحوم علامه آقا شیخ اسماعیل ترشیزی شریک بحث بوده و بعد ۱۳۰۰ قمری وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، واله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واله کاشمری از فضلاء اخیار و مبلغین ابرار معاصر مشهد مقدس است.

وی در کاشمر متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سطوح را تکمیل و پس از آن از دروس خارج آیات عظام مشهد بالاخص آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به ترویج دین و تبلیغ احکام و گفتن تفسیر قرآن و اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد مشهد پرداخته و تا حال حاضر به انجام وظائف مذکوره اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از دانشمندان و وعاظ با تقوای خراسان و به فضل و ورع موصوف و مورد وثوق و اعتماد مردم مشهد و بالاخص علماء و فضلاء مشهد می‌باشد که بعضی از آیات در نمازشان شرکت می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی موموندی هرسینی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. مقدمات را در نجف اشرف فراگرفت. چند سالی هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم در محضر اساتید سطح، به خواندن سطح فقه و اصول پرداخت. وی سپس بر اساس احساس وظیفه به تدریس در فرهنگ و آموزش عالی مشغول شد. او از خطبا و مبلغین اسلامی در محیط دانشگاه بود. از آثارش: «نقش اسلام در تمدن بشریت»؛ «مشاعره مذهبی».[۱]

محمدکاظم کاظمی موموندی که سالهای اول تحصیل در نجف اشرف بوده و مقدمات را خوانده و چند سالی هم در حوزه علمیه قم در محضر اساتید سطح اشتغال به خواندن سطح و علوم عربیت و فقه و اصول داشته تا در این اواخر به عنوان احساس وظیفه و

خدمت به جوانان در فرهنگ مشغول به تدریس گردیدند. نامبرده دارای روحی بلند و زبانی گویا و در محیط دانشگاه و فرهنگ از مبلغین اسلامی بشمار می‌روند و با ایراد سخنرانیهای مذهبی و تشکیل جلسات برای جوانان به خدمات مذهبی خود ادامه می‌دهند.

آثار قلمی ایشان که هنوز چاپ نشده عبارت از ۱- مشاعره مذهبی و ۲- نقش اسلام در تمدن بشریت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۳ -۳۷۲/ ۶).

کاظمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی کاظمی مومondی که در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان هرسین متولد شده و پس از تحصیل در مکتب و خواندن چند کلاس در مدارس اسلامی کرمانشاه و قم و گذرانیدن دوره ادبیات و مقدمات در کرمانشاه زیر نظر مرحوم والدشان مدت یکسال در حوزه خرم‌آباد تحصیل نموده و در سال ۱۳۸۱ قمری به قم مهاجرت و در مدرسه فیضیه سکونت و به ادامه تحصیل پرداخته و بعد از طی دوره سطح اکنون نزدیک هفت سالست که در درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت و ضمناً از فرصت ایام تعطیل تابستانی و غیره استفاده نموده و به تألیف و ترجمه بعضی از کتب دینی اشتغال و از این راه خدمات شایانی انجام داده‌اند که ذیلا قسمتی از آثار قلمی ایشان را اشاره می‌نمایم و آن مطبوع و مخطوط می‌باشد.

اما آثار خطوط: ۱- عون‌الادیب فی شرح مغنی اللبیب ۲- شرح فارسی بر معالم ۳- شرحی بر کبری در منطق ۴- شرح بر عوامل ملامحسن ۵- حقایق و اباطیل ۶- اخلاق اسلامی برای همه ۷- ترجمه الدرهٔ الباهرهٔ مرحوم شهید ۸- رساله طهارت اهل الکتاب ۹- رساله ملاک الانفعال فی عدم الانفعال ماءالقلیل.

اما آثار چاپ شده از جزوات و کتابها و رساله‌های کوچک از این قرار است.

۱- آنچه هر مسلمان باید بداند ۲- یکتا خدای جهان‌آفرین ۳- مناظره مسلمان و داروین ۴- گسترش اسلام در جهان ۵- نبوت و عقل ۶- در پرتو اسلام ۷- ارکان اسلام ۸- مفاسد شراب ۹- فلسفه نماز ۱۰- آداب و دستور نماز ۱۱- داستانهای قرآن در ۱۱ جزء ۱۲- راهی به سوی بانک اسلامی ۱۳- نظری به چهره‌ی اگزیستانسیالیسم ۱۴- نقش مدیریت در پیشرفت ملتها ۱۵- چرا و چگونه مسلمان شدند ۱۶- عقاید اسلامی برای همه ۱۷- ترجمه بلاغهٔ‌الحسین (ع) ۱۸- کربلائی که من دیدم ۱۹- راه سوم در موضوع قیام مقدس حسین بن علی علیهماالسلام ۲۰- اسلام در عصر قضا ۲۱- ترجمه زیارت عاشوراء ۲۲- چهل حدیث.

مضافاً بر آثار مذکوره. ایشان با همکاری جمعی اقدام به تأسیس کتابخانه سیار و نشر یک سلسله جزوه‌های مجانی نموده برای نشر معارف اسلامی در بین جوانان و تاکنون بیش از شش هزار جلد کتاب و بیست هزار جزوه به طور رایگان در اختیار محصلین شهرستانها گذارده‌اند.

از والده محترمه ایشان که زنی پاکدامن و متقی است نقل شده که در ایام شیرخوارگی ایشان هرگز بدون طهارت و بدون وضو پستان در دهانش نگذارده و از این رو امید موفقیت بیشتری به آینده ایشان دارد.

پدر همسر ایشان جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج میرزا محمدباقر حکمت‌نیا که از افاضل دانشمندان با معنویت است می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدعلی بن السید الجلیل و العالم النبیل آقای حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی تولدش در بروجرد واقع شده و در سن هیجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد و به تحصیلات علوم دینی پرداخته و پس از چهار سال به نجف مهاجرت و در مدرسه بادکوبه‌ای‌ها مشغول بتحصیل شده و لکن بواسطه عدم سازگاری هوای نجف با مزاج ایشان مبتلا بکسالت شدید گردیده و با این که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی عنایت مخصوص بایشان داشتند و در معالجات ایشان کوتاهی ننمودند نتوانستند در آنجا توقف و ادامه بتحصیل دهند پس بامر زعیم عالیقدر اسلام آیت‌اللَّه اصفهانی بهمراهی حجهْالاسلام حاج شیخ صادق ایروانی مراجعت به ایران و بروجرد نموده و با کوشش‌ها و دعاهای والد ماجدش پس از چند ماهی بهبودی یافته از بروجرد حرکت به قم نموده و حدود چهارده سال در قم اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم استفاده و در سال ۱۳۷۵ ق به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان بمرحوم حجهْالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر برهان وارد و در اثر تشریک مساعی آن مرحوم به اقامه جماعت در آن خیابان اشتغال و در مسجد بعد از نمازها بگفتن تفسیر و مسائل احکام و معارف اسلام ترویج دین و تنویر افکار نموده و بعد از چند سال بنابر دعوت بانی مسجد فروتن (مسجد نور) و عده‌ای از محترمین آن حدود بامامت مسجد مزبور منصوب و تا اکنون در آن مسجد که از مسجدهای زیبا و پر جمعیت شرق تهرانست بوظائف دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای کاظمینی که با حقیر عقد اخوت و برادری دارند دانشمندی است متین و بزرگوار و دارای مناعت طبع و سلامت نفس و خدمتگزار بخصوص در تعظیم شعائر دینی (ایحاء اعیاد مذهبی و موالید حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیار ساعی و جدی و همواره به ترویجات قولی و فعلی اشتغال دارد و تاکنون کتب آموزنده‌ای تألیف و منتشر نموده‌اند که ذیلا می‌نگارم:

۱- نهایه المقام لابناء الامام بطبع رسیده در سال ۱۳۸۱ ق.

۲- جلد دوم نهایه الکلام فی حق رسول الاسلام در سال ۱۳۸۲ ق بطبع رسیده.

۳- در سال ۱۳۸۴ ق جلد سوم (اسلام از نظر دیگران).

۴- جلد چهارم (منتخب اللئالی در سئوال و جواب و داستانهای اسلامی بطبع رسیده.

۵- جلد پنجم بنام (گنجینه معارف) در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند.

۶- جلد ششم بنام (منشورات) بطبع رسیده در سال ۱۳۹۰ ق.

۷- جلد هفتم بنام جواهر الولایه در امام شناسی در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده‌اند.

۸- جلد هشتم منشورات مقدس نور راجع بشیعه شناسی در نظر فریقین ادام اللَّه برکاته و توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللَّه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللَّه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللَّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۵ ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایة المقام لابناء الامام»؛ «نهایة الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایة»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[۱]

سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال ۱۳۷۶ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.

مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.

فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۱ -۵۳۰/ ۴).

کاظمینی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۴۹- صاحب (احسن‌الودیعه) در ج ۱ ص ۲۳ گوید سید عالم جلیل سید مصطفی نجل زکی سید ابراهیم کاظمی (آل حیدر) رضوان اللَّه علیهم سید جلیل و ورع نبیل بود کراراً با وی مجالست و مراراً ملاقات کرده‌ام.

کتابی در علائم ظهور امام غائب عجل اللَّه فرجه موسوم به (بشارةالاسلام) که دوبار در بغداد و سوریا طبع شده دارد وفاتش در ظهر روز جمعه یازدهم ماه رمضان ۱۳۳۹ ق واقع و در مقبره آل حیدر که در صحن مقدس کاظمین علیهماالسلام است مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کافی امامی فرزند مرحوم حاج ملا رمضان یزدی از علماء و ائمه جماعت محترم مشهد مقدس بوده‌اند. والدش یکی از زهاد و صلحاء یزد به شمار می‌رفته و در شهر یزد از دنیا رفته و در منزلش او را تجهیز نموده و غسل دادند و مردم آن سامان که به وی اعتقاد خاص داشتند می‌خواستند هر یک وی را تبرعا کفن نمایند که ناگاه از دری که به صحرا باز می‌شد کوبنده‌ای درب را کوبید و چون در را باز کردند سواره‌ای ساروق بسته‌ای را داد که در داخل آن کفن آماده‌ای برای حاج ملا رمضان بود و آن سوار از نظر غایب شد.

مرحوم حاج میرزا احمد در یزد متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را در آنجا خوانده و در مدرسه مصلی اشتغال به تدریس و ضمنا اقامه جماعت در بعضی از مساجد یزد می‌نمودند سپس به عزم زیارت مشهد مقدس حرکت نموده و چون رحل سکونت افکندند مبتلا به عارضه درد چشم شده و کم‌کم از دید افتاده و مدتها در این ناراحتی و زحمت به سر برده ناچارید به دکتر مراجعه و دکتر جواب یاس دادند.

فرمودند چون از دکتر مایوس شدم با خود گفتم من به امیدی به مشهد آمدم که دز جوار حضرت رضا (ع) باشم چنانچه برادرم حاج میرزا حسن هم به نجف اشرف مهاجرت نمود و در مدت سی سال در آنجا اقامت و به تدریس و مباحثه اشتغال داشت تا در زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی وفات نمود و من در اینجا از چشم عاجز باشم پس به زحمت و کمک عصا و بعضی از ارحام به حرم مشرف و پیش روی مبارک نشسته و شروع به تضرع نمود و عرض کردم آقاجان مردم کور و نابینا در جوار شما آمده و بینا می شوند و من که با چشم بینا آمدم که مجاور شما باشم کور و نابینا شوم آیا رسم میهمانداری و غریب‌نوازی همین است. از این مقوله سخنان به عنوان گلایه و التماس می‌گفتم که ناگاه حالت غشوه به من دست داد و در آن حال دیدم شترسواری نزد من آمد و فرمود یا شیخ حرکت کن. گفتم بگذار در دم را به دادرس بگویم. فرمودند برای چشمت میگوئی گفتم بلی آقا فرمودند بگیر این بسته را به چشمت بمال باز کردم آن بسته را گردی بود تا به چشم مالیدم باز شده و نورانیت پیدا کرد و تا آخر عمر به درد چشم مبتلا نشدم.

پس در بالا خیابان کوچه یزدیها سکونت و در مسجد جعفریها به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا پنج سال به آخر عمرش که سکته ناقص نموده و بستری گردیدند تا در شب دوشنبه مصادف با نیمه رجب (شب رحلت صدیقه صغراء حضرت زینب کبری (ع) سال ۱۳۸۹ قمری بدرود حیات گفتند و در موقع وفات سه مرتبه گفتند السلام علیك یا اباعبداللّه (ع) و جنازه‌اش را با تجلیل شایان در صحن مطهر مقابل قبر شیخ حر عاملی (صاحب وسائل الشیعه) دفن نمودند

از باقیات الصالحات آن مرحوم است فرزندان متقی و برومندی که اشهر آنها دو نفر می‌باشند.

۱- جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج شیخ زین‌العابدین کافی امامی که اکنون به جای والد مرحومش در مسجد جعفریها به اقامه جاعت و تبلیغات دینی اشتغال دارند.

۲- جناب ثقةالاسلام آقای حاج شیخ احمد کافی واعظ مشهور و مؤسس مهدیه تهران که ترجمه و آثارش در جلد دوم گنجینه گذشت.

نگارنده گوید مرحوم حاج میرزا احمد کافی یزدی عالمی پارسا و عابدی زاهد و دانشمندی متقی و موصوف به زهد و تقوا و به محامد اخلاق و آداب متصف و به این نویسنده (هیچ نیارزنده) لطف پدرانه و محبت مخصوص داشت و به چشم فرزندی مرا

نگریسته و تشویق می‌فرمود و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و توسل به ذیل عنایتشان از نوا در زمان خود بود حشره اللّه تعالی مع اولیائه الطاهرین و من انعم اللّه علیهم من الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کتاب‌فروش، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر سید محمد. عالم زاهد متقی، شاگرد و داماد سید حجهٔ‌الاسلام شفتی، از جمله‌ی فقهای ممتازین بوده، و در نزد علمای این شهر به علم و عمل و فقاهات شهرت داشته، در محله‌ی خواجو سکونت داشته، و عمر خویش را به تحصیل و تدریس و مطالعه و تألیف گذرانیده. سطوح فقه تدریس می‌نموده، و عده‌ی کثیری در خدمت ایشان تحصیل نموده‌اند.

کتب و رسائلی در فقه نوشته‌اند، شرحی بر شرایع دارد.

در حدود ۱۲۱۰ متولد، و در ۵شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص جنب تکیه‌ی میرزا رفیعا مدفون گردید که فعلا جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرباسی اصفهانی، محمد صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال‌ها در همدان ساکن بوده، از علمای معروف، از مجازین از محمدتقی مجلسی است، و تا سال ۱۰۶۰ حیات داشته، پس از این تاریخ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالقاسم کرمانشاهی داماد آیت‌اللّه آقا محمدعلی بهبهانی عالمی فاضل بوده و بعد از آقا محمدعلی در کرمانشاه وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد بن ملا عبدالاحد شیخ‌الاسلام کزازی کرمانشاهی از علماء عصر خود بوده و بعد ۱۳۲۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّه بن عبداللّه بن محمدجعفر بن محمدعلی کرمانشاهی عالمی فاضل از بیت آل‌آقا بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالعلی بن العلامه آشیخ عبدالرحیم کرمانشاهی عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۰۵ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه بن شیخ محمدتقی بن شیخ محمدمهدی کرمانشاهی عالمی بارع و فاضلی جلیل بوده و در ۱۳۰۸ وفات کرده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن ملا محمد بن عاشور کرمانشاهی عالمی بزرگ بوده و قبل از ۱۲۸۷ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ملا ـ محمدمحسن کرمانشاهی از احفاد فیض کاشانی عالمی جلیل دارای آثار گرانقدری بوده و قبل ۱۲۸۰ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی حایری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللَّه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللَّه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللَّه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص ۱۸ سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است ۲- مجمع‌الانوار مطبوع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳ –۲۴۲/ ۲).

کرمانی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوجعفر کرمانی عالمی جلیل و متبحر و مرجع عوام و خواص کرمان معاصر حاج محمدکریم خان شیخی بوده و با او مناظراتی

داشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده و او والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملا حیدرعلی کرمانی عالمی فاضل و حکیمی ریاضی و متکلم و طبیب ادیب از علماء و مدرسین اصفهان و اساتید آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، رحمت الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رحمت‌اللّه بن علی‌اکبر کرمانی عالمی فاضل و ادیبی کامل در همدان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. از آثارش: شرح «مراثی بحرالعلوم»، علامه سید مهدی بحرالعلوم، یا «شرح رحمت‌اللّه»؛ «مفتاح الجنان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۳۰۶۸،۲۱۳۵ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ -۱۰۸ /۳).

کرمانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصفهان خدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمد علی رنانی اصفهانی، و آقا سید محمود مغنی، و شیخ محمد حسن حکیم شیرازی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و میرزا محمد علی حکیم کاشانی اصفهانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و عبدالکریم جزی، و میرزا حسین

همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیهٔالله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهاجرت کرده، در آنجا خدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آخوند خراسانی تحصیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در ۱۳۳۰ به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.

در ذی حجه ۱۲۹۵ متولد، و در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۱ - رساله در مبحث الفاظ ۲ - رساله در استصحاب ۳ - رساله در تعادل و تراجیح ۴ - رساله در عدالت ۵ - رساله در بیع ۶ - رساله در مرجحات ۷ - رساله در وضو ۸ - رساله در مسح رجلین ۹ - رساله در دماء ثلاثه ۱۰ - رساله در تعرض استصحاب و ید ۱۱ - رساله در بیع معاطاهٔ ۱۲ - شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفهٔ الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر کرمانی سیرجانی معروف به لسان‌العلماء از شاگردان علامه یزدی صاحب عروهٔ دارای تألیفات عدیده‌ای از قبیل الکافیهٔ البهائیه در نحو و ترجمه تفسیر امام حسن عسکری (ع) و کتابی در سؤال و جواب مذهبی و کتابی در عقاید بنام (جواهر القوانین) و کتابی بنام (الفریدهٔ الوافیه) و الوجیزه در صرف که در سال ۱۳۱۷ در بمبئی طبع شد است فرزند آن مرحوم جناب حاج شیخ محمدجعفر از وعاظ و دانشمندان آن منطقه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کرمانی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن کاظم کرمانی مشهور به (مظفر علیشاه) یکی از علما و عرفاء بزرگ و جامع معقول و منقول از شاگردان شریف‌العلماء بوده و در ۱۲۱۵ ق در کرمانشاه وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر کرمانی عالمی متبحر و رئیسی جلیل از فضلاء شاگردان شیخ انصاری بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کروسی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحمید کروسی متوفی ۱۳۱۹ ق از بزرگـان علمـاء همـدان و جامع معقول و منقول و سائر فنون ادبیه و ریاضـیه از شاگردان علامه سـید حسـین کوه‌کمره‌ای و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و در سامرا از محضـر میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و آنگاه به همدان برگشته و قیام به وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و وعظ نموده است.

علامه تهرانی درباره وی گوید : و کان مقدما علی معاصریه جامعا للمعقول و المنقول و سائر الفنون الادبیه و الریاضیه و غیرها و کان واعظا بارعا و منشا بلیعا و شاغرا ادیبا ضابطا متضلعا عادلاثقه ورعا تقیا ذکیا عارفا مهذبا و کان خطه فی غایه الجوده ایضا...

وی را در اواخر ناصرالدین شاه جلب به تهران نمودند چنانچه قرین او آقا شیخ عبداللَّه همدانی را هم جلب نمودند در اثر معارضه بر علیه شـیخیه. پس در مسـجد جـامع تهران اقـامه جمـاعت نموده و بعـد به منبر رفته و مردم را موعظه و تبلیغ و ارشاد می‌نمود و عموم طبقات به وی توجه و اقبال مخصوص داشـتند تا در آخر ماه شوال ۱۳۱۹ ق در همدان وفات نمود و حواشی بسیاری بر کتب معقول و غیره از خود به یادگار گذارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کرونی مظاهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّـد، عالم فاضل زاهـد ورع، از فضـلای گوشه نشـین. در یکی از مساجد محّله پاچنار امامت می‌نمود. در شب ۱۲ ربیع الاول ۱۳۷۵ وفات یافته، در بیرون بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کشفی بروجردی، سینا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از فرزنـدان دوزاده‌گـانه‌ی سـید جعفر بن اسـحاق دارابی بروجردی معروف به کشـفی است. عـالم و فاضـل و جـامع بوده، و به

تفسیر و فقه تخصص داشته، در سال ۱۳۲۵ وفات یافته.
در اواخر عمر در اصفهان ساکن بوده، و در این شهر وفات یافته است. فرزندان و اعقاب برادرش سید محمود در اصفهان و نجف آباد ساکن و به کشفی معروفند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کشفی بروجردی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل السید محمد بن العلامه الورع السید ریحان‌اللّه بن العالم العلام و الحجه القمقام الایه العظمی السید جعفر کشفی بروجردی (صاحب کتاب تحفه الملوک و اجابت المضطرین و کتب دیگر از علماء اعلام و دانشمندان کرام معاصر تهرانست.
وی در ماه رجب ۱۳۲۱ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت و رشد در مهد علم و سیادت و شرف و اصالت و خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح در تهران به قم مشرف شده و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده کرده آنگاه به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و کسب فیض نموده و به تهران مراجعت و در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان امیرکبیر به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تا حال حاضر که قریب سی و پنج سال است بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. از آثار ایشانست تفسیر سوره یوسف علیه‌السلام و تقریرات اساتید قم و نجف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی بروجردی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی کشفی بن العلامه التقی السید ریحان‌اللّه بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید جعفر کشفی بروجردی از علماء گذشته تهران و عموی مترجم سابق‌الذکر است که در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران متولد شده و پس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی به تعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی تلمذ نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری استفاده کرده تا پس از فوت آن مرحوم که به تهران مراجعت و به ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر که در حوزه علمیه هم اشتغال داشت پرداخته و اثرات و خاطرات نیکوئی از خود در دل مردم تهران باقی گذارد تا سال ۱۳۶۷ قمری داعی حق را اجابت و با تجلیل فراوان جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان آیت‌اللّه حایری مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: مرحوم حاج سید مهدی کشفی مانند اسلاف پاکش از علماء مروج و پرهیزکار زمان خود بوده و شاگردان متدین و با تقوائی تربیت نموده و اجدادش دارای مقامات کشف و معنویت بودند مخصوصا مرحوم آیت‌اللّه آقا سید جعفر کشفی که صاحب تألیفات عدیده مفیده و واجد مراتب کمال و کرامت بودند و در بسیاری از کتب تراجم شرح احوالش مسطور می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشمیری، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن اسداللّه کشمیری متوفی ۱۳۵۱ عالمی فاضل و بارع و جلیل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن کشمیری متوفی حدود ۱۳۱۵ ق از افاضل علماء و شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، رضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضی بن سید مهدی بن سید محمد بن کرم‌اللّه رضوی کشمیری قمی نجفی متولد ۱۲۸۹ و متوفی حدود ۱۳۲۰ عالمی فاضل بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی کشمیری رضویست که از علماء و دانشمندان ورع معاصر می‌باشند.

وی نیز در کربلا۔ متولد و در حجر چنان پدری پرورش یافته و از محضر آقایان کربلا و نجف استفاده نموده و تا حال تحریر که گاهی در ایران و گاهی در هندوستان و یا عراق به سر می‌برند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضوی کشمیری نجفی که سبط علامه متتبع و فقیه نبیه محدث جلیل آیت‌اللّه حاج سید محمدعلی حسینی شاه عبدالعظیمی و داماد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی بوده‌اند.

ایشان در کربلاء متولد و در تحت تربیت چنان پدر بزرگوار و مادر علویه صبیه حاج سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی پرورش یافته و بعد از رشد از محضر والدش و آقایان کربلا و بعد نجف اشرف استفاده نموده و به مطالعه کتب علمی فقه و اصول و حدیث و رجال پرداخته و مانند والد مبرورش به عبادت و مراقبت و تزکیه نفس خویش مشغول گردیده تا به اجداد گرام خویش پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شید محمد رضی رضوی کشمیری که اکنون از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

تولد ایشان در نجف اشرف واقع شده و در حجر چنان پدر متقی و عالمی پرورش یافته و علوم معموله را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه نجف آموخته و به تألیف پرداخته تا در این تحولات و انقلابات اخیر عراق که ناچار به مهاجرت به ایران گشته و در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین از طریق بیان و قلم اشتغال دارد و از آثاری که از ایشان به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- التحفهٔ الرضویه فی مجربات الامامیه دو بار به طبع رسیده.

۲- الاولیات من الحادثات والمستحدثات ج ۱ به طبع رسیده.

۳- لماذا اخترناالدین الاسلامی ج ۱ به طبع رسیده.

و کتب دیگری که در شرف طبع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کفایی نجفی خراسانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۴ ق)، عالم و نویسنده. در نجف متولد شد. میرزا محمد آقازاده ملقب به آقازاده‌ی نجفی فرزند آخوند ملا محمدکاظم

خراسانی، یکی از بنیانگذاران مشروطیت در ایران و از مراجع سه‌گانه مقیم نجف بود. وی علوم مذهبی را نزد پدر خود تحصیل کرد و از محضر ایشان موفق به گرفتن درجه‌ی اجتهاد گردید. در سال ۱۳۲۵ ق به خراسان آمد. در مشهد مقیم شد و مجلس درسی در مسجد گوهرشاد برای تدریس علوم دینی به طلّاب دایر کرد. آیت‌اللّه آقازاده در برقراری و تقویت مشروطیت در ایران، در کنار پدر، بسیار کوشید. گرچه آقازاده در سال ۱۳۰۴ ش از شهر سبزوار به عنوان نماینده‌ی مجلس مؤسسان برگزیده شد ولی از سالهای ۱۳۱۰ ش به بعد یکی از مخالفین جدی رضاشاه محسوب می‌شد. آیت‌اللّه محمد آقازاده به دلیل مخالفت با رژیم بازداشت شد و به یزد تبعید گردید. پس از چهار ماه مجدداً به مشهد برگشت و بعد از چند روزی حبس در زندان مشهد به تهران انتقال یافت. او در طی محاکمات ابتدائی در تهران به اعدام محکوم شد، اما به دلیل نفوذی که در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف داشت و نیز تلاش عده‌ای از مراجع، این حکم لغو شد و ایشان به اقامت اجباری در تهران محکوم گردید. آقازاده در تهران همچنان تحت مراقبت بود تا این که دو سال پس از واقعه‌ی خونین گوهرشاد، به دنبال یک بیماری چشم از جهان فروبست. برخی تألیفات ایشان عبارت‌اند از: «القضاء والشهادات»؛ «مبحث الفاظ»؛ حاشیه‌ی «کفایهٔ الاصول»؛ «التقریرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴/ ۳۸۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۶ -۴۴/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۴ -۹۳/ ۷، ۲۴۴/ ۱).

کلباسی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا عبدالرحیم کلباسی، عالم و فاضل بوده، در ۹ شعبان ۱۲۵۴ متولد، و در ۹ شعبان ۱۳۳۵ وفات یافته، در اطاق کوچکی در دست راست وارد شونده در تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

در اصفهان و نجف در خدمت جمعی از فحول علما تلمذ فرموده.

کتب ذیل از اوست:

۱- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری ۲- تفسیر و معنی قرآن ۳- رساله در تیمم ۴- کشف الحجاب، در شرح خلاصهٔ الحساب ۵- مجموعه‌ای در اجازات ۶- مجموعه‌ای در مطالب متفرقه ۷- کتابی در مواعظ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمد رضا معروف به شیخ الاسلام، فرزند حاجی کلباسی، از علمای اتقیا بوده، و در شب ۱۴ رمضان ۱۲۱۹ متولد، و در شب جمعه ۱۴ شعبان ۱۲۸۴ وفات یافته، در بقعه‌ی پدر خود جنب مسجد حکیم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای متنفذ اصفهان بوده، و به آقای کلباسی، و در بین عوام به آقا مشدی شهرت داشته، و در قضایای رضاخان و جعفرقلی (دو نفر از یاغیان اصفهان در دوره‌ی جنگ بین‌الملل اول) مطالبی از او نقل می‌شود که مناسب ذکر نیست. شب ۱۲ صفر ۱۳۴۲ در اصفهان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل زاهد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، در مسجد حکیم امامت می‌نمود، و مورد وثوق قاطبه‌ی مردم از عارف و عامی بود.

در سال ۱۳۵۸ به سن قریب به هشتاد وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کماری تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۳۰۹ ق)، عالم دینی. در کمار از قرای تبریز به دنیا آمد. ابتدا نزد میرزا محمد علی قراچه داغی و حاج میرزا مصطفی درس خواند. سپس در اردوباد نزد آقا سید مرتضی مدرس تلمذ نمود. آن گاه به نجف رفت و خدمت حاج میرزا فرج‌اللّه تبریزی رسید و از محضر او و دیگر اساتید آنجا بهره گرفت. در ۱۳۴۸ ق به قم رفت و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود. از آثار وی حاشیه بر «رسائل» است که به طبع رسیده است.[۱]

سید محمد کماری از علماء معروف تبریز بودند که در اواخر عمر در تهران اقامت نموده و بتدریس و مباحث علمی و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در چند سال قبل رحلت و در مسجد موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده و او از احفاد مرحوم سید علی بن عبدالصمد است که در سال ۶۰۴ قمری از دنیا رفته و قبرش مزار و در یکی از مضافات تبریز واقع و بر روی آن نوشته است (هو الحی الذی لا یموت سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین) هذه الروضه الثمره الشجره النبوه المصطفویه و الولایه المرتضویه سلاله آل طاها و یس المرحوم المغفور الواصل الی رحمه‌اللّه الملک الغنی السید علی بن السید عبدالصمد الحجازی الموسوی طاب ثراهما و جعل الجنه مثواهما فی التاریخ ۶۰۴ قمری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۲۲/ ۱)، آینه‌ی دانشوران (۱۸۹ -۱۸۸).

کمپانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن معین التجار. از اعاظم علما، و اجلای فلاسفه، و اکابر ادبا و شعرا. در دوم محرم سال ۱۲۹۶ متولد، و در شب ۵ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در اطاق جنب مناره‌ی ایوان طلای نجف مدفون گردید.

از شاگردان: آقا سید محمد فشارکی، و حاج آقا رضا همدانی، و آخوند خراسانی، و در فلسفه از تلامذه‌ی میرزا محمد باقر اصطهباناتی و جمعی دیگر بوده، پس از فوت آخوند خراسانی حوزه‌ی درس و بحث تشکیل داده، و از نظر جامعیت و فلسفه و ادب شهرتی یافته، در فقه و اصول و تفسیر و ادب تدریس می‌نموده، و در ملکات نفسانی و اخلاق روحانی ممتاز بوده.

کتب زیر از اوست:

۱ - اجاره ۲ - الاجتهاد و التقلید ۳ - اصول الفقه ۴ - انوار القدسیه ۵ - ارجوزه در روزه ۶ - ارجوزه در اعتکاف ۷ - اربع قواعد فقهیه ۸ - تحفهٔ الحکیم، منظومه‌ای در فلسفه‌ی عالیه، [از] مهم‌ترین تألیفات او ۹ - تعلیقه بر رسالهٔ القطع شیخ انصاری ۱۰ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری ۱۱ - الحقیقهٔ الشرعیهٔ ۱۲ - دیوان شعر فارسی ۱۳ - دیوان غزلیات ۱۴ - دیوان اشعار عربی ۱۵ - رساله در عدالت ۱۶ - رساله در مشتق (دو رساله) ۱۷ - رساله در طلب و اراده ۱۸ - رساله در صحیح و اعم ۱۹ - رساله در شرط متأخر ۲۰ - رساله در اشتراک الفاظ ۲۱ - رساله در موضوع علم ۲۲ - رساله در تقسیم وضع به شخصی و نوعی ۲۳ - رساله در علائم حقیقت و مجاز ۲۴ - رساله در معاد ۲۵ - رساله در نماز جماعت ۲۶ - رساله در نماز مسافر ۲۷ - رساله در طهارت ۲۸ - نهایه الدرایهٔ، شرح بر کفایه ۲۹ - وسیله، نام رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است.

پدرش از جمله‌ی تجار و اخیار بوده، در کاظمین مجاور بوده، و در سال ۱۳۳۴ وفات یافته است.

فرزندش: حاج آقا محمد نیز از علمای کاملین ساکن نجف اشرف می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کمره‌ای، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الشیخ حسن خاتمی کمره‌ای بروجردی از علماء اعلام بروجرد دارای مقام علم و عمل و تقوا و ورع و با این نگارنده صداقت تام و عنایت تمام داشت. وی از اصحاب مرحوم آیه‌الله آقای شیخ محمد حسین بروجردی مذکور و آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و دارای صفاء قلب و معنویت و مقامات باطنی و محاسن اخلاقی و سجایای کریمانه بوده چند شبی را در بروجرد در منزل وی توقف و از روحانیت و حالات معنوی وی استفاده نمودم.

مترجم محترم والد ماجد فاضل معاصر فخرالاماثل والاقران آقای حاج شیخ محمد رضا خاتمی بروجردی مقیم شهر ری دوست

ارجمند نگارنده است. در بروجرد وفات نمود و جنازه‌اش حمل بقم و در قبرستان شیخان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کمیلی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسن کمیلی خراسانی یکی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر بوده‌اند. تولد ایشان در تاریخ ۱۳۲۹ قمری در مشهد واقع شده و مقدمات و اولیات را در مشهد خوانده سپس در سال ۱۳۵۹ ق در اثر فشار عمال جنایتکار رضاخان زندیق به روحانیون مشهد و متحدالشکل شدن مهاجرت به عراق نموده و پس از زیارت مشاهد عراق مجاورت عسکرین حضرت ابی‌الحسن امام علی‌النقی و حضرت ابی محمد امام حسن عسکری علیهماالسلام را در سامراء اختیار و رحل اقامت افکنده و از انوار جلیه و خفیه آنان و حضرت بقیهٔ‌اللَّه الاعظم ولی عصر حجت بن الحسن المهدی عجل اللَّه فرجه الشریف استضائه نموده و چندین بار مورد حمله و تهاجم سنیان متعصب آن سامان قرار گرفته تا در سال ۱۳۸۲ ق که مجبور به انتقال به نجف اشرف و در جوار مولی الکونین ابوالحسنین علی بن ابی‌طالب (ع) اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیت‌اللَّه العظمی نایب‌الامام خمینی و مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و دیگران استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که در اثر فشار دولت بعث عراق (به ایرانیان مقیم عراق) تسفیر و اخراج به ایران و در شهرستان مذهبی قم سکوت و از محاضر و دراسات آیات عظام مرعشی و گلپایگانی و شریعتمداری استفاده نموده تا در ۲۵ ماه شوال سال ۱۳۹۷ قمری سالروز شهادت رئیس مذهب حقه جعفری امام جعفر صادق علیه‌السلام در زادگاه خود شهر مقدس مشهدالرضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء دعوت حق را لبیک اجابت گفته و پس از تشییع با شکوهی از عموم طبقات بالاخص روحانیت مشهد در جوار مقبره و مزار خواجه ربیع رحمهٔ‌اللَّه (در نزدیکی قبر مرحوم مبرور سید السند و ثقهٔ المعتمد آقای حاج سید رضا ابطحی والد ماجد متعلقه نویسنده) رفیق صمیمی و خالص و هم‌دوره‌اش مدفون گردیده است. آثار و باقیات الصالحات مرحوم کمیلی بسیار است.
از جمله مجالس دعاء کمیل ایشان در شبهای جمعه در مشهد مقدس بود که خاطره‌های روح‌افزائی برای رفقا و هم‌دوره‌های ایشان دارد و برای همین به کمیلی شهرت یافته بود. و نیز دیوانی در مدایح و مرائی خاندان رسالت دارد و نیز جزواتی در فقه و غیره که به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

کنی سلطان العلماء، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی سلطان العلماء فرزند شیخ جواد شاه عبدالعظیمی کنی سالها در قم تحصیل کرده آنگاه به نجف مهاجرت و چندین سال در آن سامان از آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللَّه اصطهباناتی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ ق بوطن مراجعت و در مسجد بالاسر به اقامه جماعت اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۸۹ ق که از دنیا

رفته و در مسجد بالا سر محل نمازش مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی شاه عبدالعظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده مشرف به نجف شده و خدمت میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تلمذ نموده آنگاه مراجعت به ری و قیام بوظائف دینی از امامت و غیره نموده است تألیفاتی بنامهای زیر دارد:
۱- نور الافاق ۲- خصایص العظیمیه که طبع شده ۳- تذکره ری ۴- تحفه العظیمیه ۵- اخبار العظیمیه ۶- زبده الانساب و غیرها در سوم جمادی‌الثانی ۱۳۵۵ وفات نموده و در ایوان آئینیه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد رضای کنی داماد معظم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای امام مسجد جلیلی واقع در خیابان ایرانشهر، وی در کن در خاندان ایمان و تقوائی بدنیا آمده و پس از خواندن دروس جدید. به قم مهاجرت و مقدمات و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و بدرس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و بعض آیات دیگر شرکت نموده و پس از آن در تهران رحل اقامت و تاکنون در مسجد مذکور به امامت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کوچک، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و مدرس. وی از دانشمندان و مدرسان قم بود که مدتها در نجف اشرف نزد استادان آنجا تحصیل کرد و سپس به زادگاهش بازگشت و در محله سلطان محمد شریف سکنی گزید و به خدمات دینی پرداخت و عمر خود را در پارسایی و زهد به پایان برد. وی چند سال قبل از فوت آیت‌اللّه حایری در قم درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۹ /۱).

گرگانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب گرگانی از علماء متقی و مقدس گرگان بودند که تحصیلات خود را در محل و شهرستان قم نموده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی و دیگران استفاده و پس از آن به گرگان مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی خود پرداخته تا در حدود ۱۳۸۰ قمری به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، عزیزاللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزیزاللّٰه گرگانی استرآبادی از علماء اعلام و رجال فضل و صلاح از شاگردان آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و دارای فضائل اخلاقی بود و در ثوره عراق با علماء اعلام بر علیه انگلیسها شرکت نموده و دارای شجاعت قلبی و مهارت کامل در اوضاع جنگ و تمهید مقدمات و اسلحه بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصالح بن ملا محمدتقی بن ملا محمد اسماعیل گرگانی (استرآبادی) عالمی فاضل و جلیل بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گزی برخواری، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم، فاضل، حکیم، از شاگردان آخوند ملّا علی بن جمشید نوری حکیم مازندرانی می‌باشد. وی را رساله‌ای است در امتناع الترجیح بلامرجح و حاشیه بر کتب الرقیمه النوریه استادش موجود در مکتبهٔ‌النشریهٔ (متوفی ۱۲۴۶ هجری قمری).

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گلپایگانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ اسداللّه بن محمود گلپایگانی مقیم اصفهان عالمی عارف و مصنفی بارع متولد ۱۳۰۳ و متوفی ۱۳۶۶ ق و مدفون در تخت فولاد اصفهان صاحب کتاب (شمس‌التواریخ) و (مظاهرالانوار) و (السعادهٔالخفیه) و (گلزار اسرار) و (تحفهٔالسفر) و غیره بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از روستای سعیدآباد گلپایگان است. او از خواص شاگردان و ملازمان آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه رشتی در نجف بود. پس از درگذشت استادش، وی در ۱۳۱۴ ق، به تهران آمد و سالها به انجام وظایف دینی مشغول بود. او در اواخر عمر در مشهد مجاور گردید و در همان جا درگذشت. از آثارش شرح «نجاهٔ العباد» می‌باشد.[۱]

شیخ جعفر گلپایگانی از اجلاء علماء آن سامان از قریه سعیدآباد و شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مجاورین آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی نجف (۱۱۱۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/ ۳).

گلپایگانی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آشیخ محمدصادق گلپایگانی عالمی فاضل و جلیل از (وانشان) گلپایگان و شاگردان حاج آقا رضا فقیه همدانی صاحب (مصباح‌الفقیه) و میرزاء محمدتقی شیرازی بوده است

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلپایگانی عالمی فاضل و پرهیزکاری مقدس و بسیار خدوم و بزرگوار بوده و در ۱۳۲۰ ق از دنیا رفته است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدسعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدسعید بن ملا- محمدعلی بن آغا سعید گلپایگانی عالمی بارع و کامل جلیل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی و سید اسماعیل صدر بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق گلپایگانی از علماء و صالحین و اهل فضل و ورع و ائمه جماعت گلپایگان و بکائین بر حضرت سیدالشهداء (ع) بوده تا در حدود ۱۳۱۵ وفات و فرزندش آقا سید محمد بجای او قرار گرفته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی گلپایگانی از علماء بارع و رجال خیر و رؤساء دانشمندان گلپایگانی بوده و در سال ۱۳۱۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی گلپایگانی فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی از مشاغل فروزان و ستارگان درخشان آسمان فضیلت و بیت رفیع مرجعیت بود که ناگهان دست اجل نخل برومند و پرثمر او را به خاک و خون کشید و مرجع عالیقدر گلپایگانی را در سوکش نشانید. آن مرحوم در ۱۷ شعبان‌المعظم سال ۱۳۵۸ ه برابر با ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان مذهبی قم به دنیا آمده و در تربیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را تا متوسطه آموخته آنگاه به دروس عربی پرداخته و پس از خواندن مقدمات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه قم فراگرفته و در درس خارج والد ماجدش شرکت و استفاده نموده و به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال و ساعتی نیاسوده و به خدمت مردم و قضاء و حوائج محتاجین اهتمام می‌کرد.

زندگینامه و آثار این فقید سعید و شهید فی سبیل‌اللّه که در صبح جمعه نوزده ماه شوال‌المکرم ۱۳۹۸ قمری برابر اول مهرماه ۱۳۵۷ ش در راه یزد به طبس که به امر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی والد ماجدشان به قصد کمک به زلزله زدگان طبس و آوردن اطفال یتیم آنها جهت نگهداری و سرپرستی در قم در اثر تصادف ماشین اتفاق افتاد.

مناسب دیدم به پاس آثار و خدمات و باقیات الصالحات این روحانی خدوم و تعظیم مقام والای والد ماجدش که حق عظیمی بر مسلمین و خاصه شیعیان و این حقیر دارد یادی از آثار خالده ایشان که به امر و اذن والد گرامیش به یادگار گذارده بنمایم و آنها از اینقرار است

۱- سرپرستی و اداره بیمارستان یکصد تختخوابی آیت‌اللّه گلپایگانی در قم

۲- ساختمان مدرسه خیابان صفائیه

۳- ساختمان مدرسه خیابان چهار مردان

۴- ساختمان مدرسه علوم دینیه مخصوص بانوان

۵- ترمیم و تعمیر مدرسه علمیه (ملاصادق) الوندیه

۶- مدرسه ستیه

۷- مدرسه علمیه خیابان ارم

۸- تاسیس کتابخانه‌ای که تاکنون چندین هزار جلد کتاب چاپی و نسخ خطی در آن جمع‌آوری شده.

۹- تأسیس دارالقرآن الکریم در این مؤسسه صدها نسخه مختلف و آنهائی که در دنیا چاپ شده و نسخ نفیس و عتیق خطی قرآن گردآوری شده است که موضوع خود یک مؤسسه کم‌نظیر و موجب افتخار است.

۱۰- طبع یک نسخه نفیس قرآن مجید و نشر آن در بلاد اسلامی و اهداء آن به شخصیتهای بزرگ.

۱۱- طبع و نشر صحیفه سجادیه در چندین هزار نسخه.

۱۲- طبع و نشر کتابهای اسلامی و مذهبی و توزیع آن در کشورهای اسلامی مجانا و رایگان و اهداء آنها به کتابخانه‌های عمومی و اشخاص و دهها خدمت و آثار چشمگیر در داخل و خارج کشور

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

گلستانه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال ۱۳۲۲ وفات

یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۱ ق)، عالم دینی. از سادات موسوی اصفهان بود. پس از تکمیل تحصیلات در اصفهان و نجف به مشهد رفت و در آنجا ساکن گردید و به ترویج احکام و نشر عقاید پرداخت. او در همان جا درگذشت و در ایوان طلا دفن شد. از آثارش: «الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل»، در اثبات امامت ائمه (ع) که در ۱۳۳۹ ق آن را تألیف نموده است؛ «تحفهٔ الامامیهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۱۸۵)، الذریعه (۷۱/ ۲۵ ،۴۲۱/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۱۲/ ۱۴).

گلستانه، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از شاگردان حاج میرزا حبیب‌الله رشتی بوده، پس از تحصیل به اصفهان و سپس به طهران مهاجرت کرده و ریاستی یافته؛ در ۱۳۲۲ وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلسرخی کاشانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم روحانی.

تولد: ۱۳۱۱، کاشان.

درگذشت: ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام غلامرضا گلسرخی کاشانی دروس مقدماتی و متوسطه را در کاشان گذراند. سپس وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. به فداییان اسلام پیوست و هیچگاه اقدامات سیاسی را بیرون از رسالت خود نمی‌دانست تا آنکه در جلسات فداییان اسلام شرکت می‌جست و با شهید سید مجتبی نواب‌صفوی سر و سری داشت. در این عرصه به جرم دخالت در سیاست بارها مورد توبیخ قرار گرفت تا آنجا که شهریه‌اش قطع گردید. از وی مقالات متعددی در نشریات خصوصا در مجله «مکتب اسلام» منتشر گردیده است.

«شرح وی بر عهدنامه مالک اشتر» از جمله مقالات اوست. حجت‌الاسلام گلسرخی کاشانی صاحب کتابی است به نام: بازیگران قرون: برهه‌ای از تاریخ در قالب یک داستان (قم، ۱۳۶۰).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گلشنی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مرتضی بن آخوند ملا آقا بزرگ عالمی زاهد و فاضلی عابد و عارفی ناسک و سالکی متعبد از اوتاد دانشمندان و علماء تهران و مشهور به زاهد بود در سال ۱۲۷۶ قمری در تهران متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح را از مرحوم والدش و دیگران خوانده و بقیه سطوح را از مدرسین مدرسه مروی و بالاخص مرحوم حجهٔالاسلام میرزا مسیح طالقانی مدرس تکمیل نموده و هم از محضر عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌اللّه حاج سید عبدالکریم لاهیجانی گیلانی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّه نوری استفاده نموده تا در سن ۸۶ سالگی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات و جنازه‌اش را با تجلیل فراوان حمل به کربلاء و در صحن شریف حضرت ابی‌الفضل العباس (ع) دفن نمودند

نگارنده گوید منزل آنجناب واقع در کوچه حمام گلشن تهران در خیابان سیروس مقابل میدان امامزاده سید اسماعیل واقع و از این جهت به حمام گلشنی معروف شده بودند.

آن بزرگوار از رفقاء نزدیک و خصوصی مرحوم سلالهٔ السادات الاطیاب آسید کریم محمودی (معروف به پینه‌دوز) بود بسیاری از حکایات و تشرفات مرحوم آقا سید کریم بعد از فوت او بوسیله ایشان نقل شده است

کرامات آن مرحوم

مرحوم حاج شیخ مرتضی دارای مقام معنوی و کرامت بوده است. شنیدم از نجل دانشمند و باتقوای اوحناب حاج شیخ عبدالحسین جاودان که می‌گفت منزل موروثی ما که بیش از صد سال از عمر او می‌گذرد مرکز حشر موذی به نام ساس شده بود و به هر وسیله می‌خواستیم شر این حشره کم شود و از بین برود نمی‌شد شبی چنان آن مرحوم را اذیت کردند که برخاسته و درب اطاقی که معدن ساس بود ایستاده و خطاب به ساس‌ها نمود که خدا به شما اذن نداده که مرا آزار نمائید (مانند والده ماجده حضرت امام محمدباقر (ع) که به دیواری که می‌خواست بر سر آن بانوی مکرمه فروریزد خطاب فرمود بحق المصطفی که خدا اجازه نداده که بر سر من خراب شوی پس دیوار منحنی و کج ایستاد تا آن مخدره به سلامت گذشت).

پس از آن شب دیگر ساسی تاکنون در آن خانه دیده نشده و معلوم نشد که آن حیوان چگونه و کجا رفت.

مرحوم حاج شیخ محمد حمامی که از مقدسین همسایگان وی بود می‌گفت مرحوم حاج شیخ هادی مقدس تهرانی را خواب دیدم در یک باغ بسیار زیبا و حال بسیار خوب و از او احوال پرسیدم. گفت حالم خوبست و اینجا هم منزل و بهشت منست. گفتم حاج شیخ مرتضی حمام گلشنی کجاست. گفت او ردیف سلمان و اباذر است دست من به او نمی‌رسد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گنج افروزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محسنی‌پور از فضلاء و مروجین شهرستان بابل است که بخدمات دینی از خواندن نماز جماعت و غیره اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

گورانی، فاطمه

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۸۷۳ -۷۹۴ ق، از زنان دانشمند. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر ستیته خاتون گورانی و از نوادگان خضر گورانی بود. فاطمه خاتون اغلب علوم اسلامی را نزد استادان وقت در بغداد و دمشق فراگرفت و پس از آن به طلاب زن و مرد درس می‌داد.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۹ / ۱.

گوهر قراچه داغی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی و شاعر. او از شاگردان شیخ احمد بن زین‌الدین احسائی و سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ ق) بود و به دریافت اجازه از اساتیدش نایل شد. او به فرقه شیخیه گرایش یافت. عده‌ای دلیل این گرایش را شاگردی شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی می‌دانند. او در ردیه‌ای که بر ملا محمد جعفر استرآبادی نگاشت کلمات شیخ احمد احسائی را، در «شرح الزیارهٔ»، توجیه کرد. در مکه درگذشت و در وادی قریش (گورستان ابوطالب) دفن شد. از آثار وی: «لمعات انوار الهدایهٔ و الرشاد فی دقائق احوال المبدأ و المعاد»؛ «البراهین الساطعهٔ»، در مبدأ و معاد؛ شرح «حیاهٔ الارواح» محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی بر کلمات شیخ احمد احسائی، در مبدأ و معاد؛ «رسالهٔ فی الصلاهٔ»؛ «رسالهٔ فی الصوم»؛ شرح «خطبهٔ الرضا (ع)»، در توحید؛ «مخازن جواهر اسرار التنزیل».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۰ -۲۰۹/ ۵)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۸۳ -۱۴۸۲/ ۲)، الذریعه (۱۶۵/ ۲۰، ۱۱۵/ ۷، ۱۷۴/ ۵، ۸۱ -۸۰/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۲ -۳۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۳۳۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۵۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۴۳/ ۵، ۱۱۳۶/ ۴، ۲۱۸ -۲۱۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۲ -۶۰۱/ ۲).

گیلانی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل تحریر، به غایت ستوده خصال بود. در اواخر عهد صفویه در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، محمد شفیع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی. وی از محقق سبزواری و سید ماجد دشتکی و ملا محمد سراب صاحب اجازه بود. از آثارش: «البداء»؛ «تحدیق النظر فی کیفیهٔ ادراک البصر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۱، ۲۲۸- ۲۲۷، ۱۶۰/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۸ -۳۴۷/ ۱۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۱۶، ۵۱۵).

گیلکی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی. از آثارش «اثبات الواجب تعالی»، به فارسی، شرح «اثبات الواجب تعالی» ملا کمال‌الدین الهی اردبیلی (م ۹۴۰ ق) است که خود شرح «اثبات الواجب الجدید» دوانی می‌باشد. گیلکی در ۹۴۵ ق، از تألیف این شرح فراغت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶، ۱۰۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۳ -۲۳۲/ ۱۰).

لاری، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم لاری از علماء یزد و معروف به حاج آخوند طزرجانی بوده چون در طزرجان یزد سکونت داشته دارای منظومه‌ای در اصول عقاید بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید لاری از شاگردان میرزاء مجدد شیرازی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاری، کمال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، عالم دینی. کمال‌الدین عصر دوانی را درک کرده و به گمان آقا بزرگ تهرانی از شاگردان دوانی بوده است. او قبل از مصلح‌الدین لاری (م ۹۷۹ ق) و بعد از عبدالغفور لاری (م ۹۰۵ ق) وفات کرده است. از آثارش: «تحقیق الزوراء»، در شرح «الزوراء» جلال‌الدین محمد دوانی، که در ۹۲۸ ق از تألیف آن فراغت یافت. میر غیاث‌الدین منصور در «مجموعهٔ الرسائل» خود آن را رد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۳/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۳/ ۱۰)، کشف الظنون (۹۵۷).

لاله‌زاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری تهرانی از فضلاء معاصر تهران است. وی در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و به تحصیل علوم فارسی و دروس جدید پرداخته و پس از تکمیل آن مشغول به تحصیل علوم عربیه گردید. و برای همین منظور در عصر ریاست آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه آموخته و چندی از محضر آقای بروجردی و مدرسین خارج دیگر استفاده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دراسات آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بعد به ایران مراجعت و در تهران به اقامه جماعت در مسجد لاله‌زار و انجام وظائف دینی و روحی دیگر مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

لاهوتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسن لاهوتی یکی از فضلاء مجاهدین حوزه علمیه قم و مبلغین مبارز معاصر تهران است. تولد ایشان در یکی از مضافات

رودسر بوده و پس از خواندن اولیات مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را نزد مدرسین قم خوانده سپس از محضر و دراسات آیات عظام قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیات دیگر استفاده نموده سپس تهران را مرکز خدمات و تبلیغات خود قرار داده و از اول نهضت روحانیت در تأسیس انجمنهای ولایتی و ایالتی در صف روحانیون مبارز واقع شده و در تمام محافل و مجالس تبلیغی خود از انتقاد دولت و اعتراض به هیئت حاکمه رژیم منحوس طاغوتی و اربابان امریکائی و اسرائیلی آن خودداری نکرده و کراراً از طرف عمال جنایتکار و سازمان (ضد) امنیتی بازداشت و تحت شکنجه قرار گرفته و در زندان کمیته و ایوین چند سالی به سر برده تا در موقع فشار مردم به دولت برای آزادی زندانیهای سیاسی آزاد و باز به ادامه مبارزات خود بر علیه دستگاه پرداخته تا به فضل خدا رژیم طاغوتی شاهی سرنگون و پهلوی فرار را برقرار اختیار و نایب‌الامام از پاریس به وطن بازگشت و جناب لاهوتی به اتفاق مرحوم شهید استاد مطهری در فرودگاه مهرآباد تهران که حقیر هم حاضر بودم وارد هواپیمای حامل امام شده و خیر مقدم گفتند و در تمام مراحل فعالیتهای چشمگیری داشته و از طرف رهبر بزرگ شاغل پستهای بزرگی از قبیل سرپرستی سربازخانه (باغشاه) و تشکیل سپاه انقلاب و غیره را داشته‌اند

نویسنده گوید: مترجم گرامی از دانشمندان باتقوا و فضیلت گیلان و موصوف به ورع و پارسائی و محاسن اخلاق می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

لاهیجانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید اسماعیل لاهیجانی عالمی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده و بعد ۱۳۲۰ وفات نموده و در جنب قبر والدش که از علماء ابرار بوده در لاهیجان مدفون شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن لاهیجانی عالمی فقیه از افاضل تلامذ میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مراجع شهرستان لاهیجان بوده تا وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، صفرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ صفر علی لاهیجانی قزوینی از شاگردان سید مجاهد و حجهٔالاسلام شفتی و صاحب شرح معالم الاصول و رساله در علم درایه بوده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس لاهیجانی عالمی فاضل و صالحی جلیل از شاگردان میرزا حبیب بوده و حدود ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا محمدرضا لاهیجانی عالمی کامل و فاضلی جلیل از افاضل شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده و بعد از ۱۳۳۰ ق از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا لاهیجی از علماء فاضل و شاگردان میرزاء رشتی و بعد از ۱۳۲۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لبیبی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا لبیبی کرمانی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شهرستان کرمانند. ایشان در کرمان به دنیا آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در آن سامان خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و از دروس خارج آیات عظام حوزه نیز استفاده کرده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه هزار ساله نجف

از محضـر آیـات عظـام و بالا‌خص زعیم اعظم و مرجع اعلاء جهان تشیع حضـرت آیت‌اللّه خوئی و متع اللّه المسـلمین به طول بقاه استفاده کرده و سپس به زادگاه خود مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لنجانی، تاج الدین حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاج الـدین حسن بن محمّـد لنجانی. عالم جلیل زاهـد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در ۱۰۹۸ یا ۱۰۸۵ وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.
وی مؤلّف کتـاب: - بحر موّاج، در تفسیر قرآن ۱- تزویـج النـبی زینب و رقیه من عثمـان ۲- شـرح شافیه ۳- شـرح کافیه ۴- شرح صحیفه سجّادیّه می‌باشد.
در ریحانـهٔ الادب (۳۸۱:۵) نقـل از مسـتدرک الوسائـل گویـد: تاج ارباب العمامه، فوتش در ۱۰۸۵ روی داده ظـاهراً وی تاج الـدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمّد تقی مجلسی می‌باشد.
فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبداللّه تستری می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنکرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج میرزا جعفر بن العـالم الجلیـل حجهٔالاسـلام مرحوم حـاج ملا رجب طاب ثراه لنکرانی از علماء معاصـر تهران و دارای کمالات نفسانی و متصف بعلم و تقوا می‌باشد.
وی در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ ق تولد یافته و تا سن ۱۵ سالگی در لنکران خـدمت والد خود بوده و مقداری از ادبیات را خوانده و در ماه صفر سال ۱۳۳۷ ق به تهران عزیمت و حـدود هشت سال خـدمت اساتید فقه و اصول و معقول تهران تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۵ ق به قم مهاجرت و از مرحوم میرزای همدانی و آیت‌اللّه حایری یزدی حدود سه سال استفاده آنگاه به نجف اشرف مشرف و از محضـر درس مرحوم آیت‌اللّه نـائینی و آیت‌اللّه اصـفهانی و آیت‌اللّه ایروانی سالهـا بهره‌منـد شـده و در اثر کسـالت مزاج به تهران مراجعت و در خیابـان خـانی آبـاد اقامت و در مسـجد (وزیر دفتر) بامامت و ترویـج دین و نشـر معارف شـرع مبین و تفسـیر کلام‌اللّه مجید و سایر وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنـده گویـد: جنـاب آقـای لنکرانی دانشـمندی فاضـل و دارای رشـته‌های معقـول و منقول و بسـیار مـتین و بزرگوار و پرهیزکـار می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا بن سید محمد موسوی لنکرانی عالمی بارع و فاضلی جلیلی بوده وی در حدود ۱۲۵۰ قمری در لنکران متولد شده و در ۱۳۲۲ قمری به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن المرحوم ابراهیم لنکرانی از علماء معاصر مقیم شهرستان سمنانست.

آنجناب در سال ۱۳۲۷ قمری در یکی از قراء لنکران بنام بلاقاجی متولد شده و تا ده سالگی در زایشگاه خود مشغول کارهای خانگی و دامچرانی بوده است.

سپس قصد تحصیل نموده و در حضور جناب حجهٔالاسلام و ملاذالانام مرحوم شیخ علی لنکرانی دائی محترم خود مشغول خواندن قرآن بوده و در مدت شش ماه از خواندن آن فارغ شده و به تحصیل علوم ادبی و فارسی پرداخته و در سال دوم از تحصیلش دائی معظم خود را از دست داده پس مدتی دروس مقدمات عربی را نزد چند نفر از علماء لنکران آموخته و در سال ۱۳۴۰ قمری به اتفاق پسر عمه‌اش شیخ کامل کاملی در اثر فشار دولت شوروی و غدغن شدن علوم دینی عازم اردبیل شده.

و مدت ده سال تمام در اردبیل در مدرسه مرحوم میرزا ابراهیم سطوح اولیه را تا سطوح عالیه نزد علماء بزرگ آنجا خوانده و ضمناً یک جلسه دینی برای یک عده از جوانان تشکیل داده و انجام وظیفه دینی نموده و از نظر معاشرت با مردم اردبیل بسیار مأنوس و مورد توجه آنان تا جائی که مورد غبطه دوستان و بعضی از اساتید بزرگ گردیده تا در اوائل ۱۳۵۵ قمری در ماه صفر ایام اربعین بدون جهت معلوم و مشخصی با یک عده‌ای از طلاب لنکران از اردبیل به سمنان تبعید شده و مدت سه سال در تبعیدگاه سمنان با هزاران رنج و ملال و ناراحتیهای روحی و جسمی بسر برده و در سال سوم قدری با مردم سمنان مأنوس و توسعه نسبی حاصل شده بود.

تا در سال ۱۳۵۷ قمری از سمنان به زنجان تبعید شده و مدت چهار سال در آنجا اقامت قهری داشته و رنجهای فراوان و شکنجه‌های گوناگون دیده و در اواخر در اثر محبت علماء زنجان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید محمود امام جمعه جا باز کرده مخصوصاً اینکه آن مرحوم مسجد خویش را در ظهر و عصر به ایشان محول فرموده و در مواقع مساعد نبودن حال ایشان و یا در مسافرت بودنشان شبها هم نیز بجای ایشان امامت نموده و این موضوع وسیله رشد و نمو و تقویت اجتماعی ایشان گردید.

و بالاخره در سال ۱۳۲۰ شمسی بعد از بیستم شهریور از زنجان به قم مشرف شده و از محضر آیات ثلاثه حجت و خوانساری و صدر و نیز آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری مدظله استفاده نموده.

ولی بیشتر از درس و بحث آیت‌اللّه العظمی حجت بهره‌مند گردید و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در اکثر جلسات

خصوصی معظم له شرکت می‌کرده و تا اواخر فوت آن مرحوم در درس فقه و اصول وی شرکت کرده و دوره کامل آن دو رشته را خدمت ایشان دیده و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی به درسشان حاضر و مورد توجه مخصوص آن بزرگوار گردیده تا بعد از رحلت آن مرحوم که منتقل به شهرستان سمنان گردیده و اکنون در رأس روحانیت این شهر قرار دارد.

دارای آثار قلمی چندیست که می‌نگارم.

۱- تقریرات فقه آیت‌اللّٰه حجت

۲- تقریرات اصول آن مرحوم

۳- مقداری از دراسات آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی

۴- اندیشه ما

۵- خطب نماز جمعه و مقدمه وجوب بر نماز جمعه

۶- حاشیه بر توضیح‌المسائل آیت‌اللّٰه بروجردی

۷- ترجمه تفسیر صافی.

در شهرستان سمنان غیر از نامبردگان بعضی دیگر از دانشمندان متقی مانند حجهٔ‌الاسلام حاج آقای نجات و جناب حجهٔ‌الاسلام سبزواری که ترجمه‌اش در ذکر سبزوار گذشت هستند که در مساجد اقامه جماعت نموده و به تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند. (تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی. در بلاقاجی از قرای لنکران به دنیا آمد. در ده سالگی قرآن را از دایی خود شیخ علی لنکرانی فراگرفت. مقدمات را نزد علمای لنکران آموخت. سپس بر اثر فشار دولت شوروی در ممنوعیت علوم دینی به همراه پسر عمه‌اش، شیخ کامل کاملی، در ۱۳۴۰ ق به اردبیل رفت. در مدرسه‌ی میرزا ابراهیم سطوح اولیه تا سطوح عالیه را به مدت ده سال نزد علمای بزرگ آنجا فراگرفت. در ۱۳۵۵ ق به همراه عده‌ای از علما به سمنان تبعید شد. پس از سه سال در ۱۳۵۷ ق از آنجا به زنجان تبعید شد. در زنجان تحت حمایت آیت‌اللّٰه سید محمود امام جمعه به امامت جماعت پرداخت. وی در ۱۳۶۱ ق به قم رفت و از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خوانساری استفاده نمود. او بیشتر از درس و بحث آیت‌اللّٰه حجت بهره گرفت. پس از ورود آیت‌اللّٰه بروجردی به قم در درس ایشان حاضر شد و بعد از درگذشت آیت‌اللّٰه بروجردی به سمنان رفت و به وظائف دینی مشغول گردید. از آثارش: «تقریرات فقه» و «تقریرات اصول» آیت‌اللّٰه حجت؛ بخشی از «دراسات آیت‌اللّٰه بروجردی»؛ حاشیه بر «توضیح المسائل» آیت‌اللّٰه بروجردی؛ ترجمه‌ی «تفسیر صافی»؛ «اندیشه ما»؛ «نماز جمعه»، خطب و مقدمه وجوب.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۱ - ۳۴۰/ ۵).

لنکرانی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ عبدالغفار بن مولی ابراهیم لنکرانی متوفی ۱۲۷۶ ق عالمی متقی و فاضلی جلیل بوده است دارای فرزندان عالمی به نام شیخ علی‌اکبر و شیخ غلامعلی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بن العالم العلام حجةالاسلام آقا شیخ محمدرضا بن حسن اللنکرانی از علماء متین و با تقوای معاصر تهران مقیم خیابان خراسان میباشد.

تولدش در ۱۳۳۶ ق در لنکران واقع شده و در زمان انقلاب شوروی حرکت به مشهد و در آنجا مقدمات را نزد والد خود و دیگران خوانده و در سن ۱۷ سالگی به قم مشرف و مدتی توقف و از مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران استفاده نموده و بعد به تهران منتقل و در مسجد طوس خیابان خراسان به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته است.

از آثار اوست تعمیر و توسعه مسجد طوس و تأسیس کتابخانه در آنجا و از نوادر توفیقات ایشانست نماز خواند بر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی‌اکبر برهان که در جده فوت کرد و ایشان مطلع شد (در آن محیط تعصب وهابیت) و در تجهیز و تغسیل و نماز آن مرحوم شرکت و نگذارد بروش وهابیت و مرام باطل وی را دفن کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب آقا سید محمدحسن مرتضوی نیز از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم است که در مهد علم و تقوا تولد یافته و تربیت شده و سطوح و مبانی تحلیلی فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و از درس مرحوم والد استفاده کرده و سالها به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و اکنون به تدریس فقه و صول و سایر خدمت دینی و روحی اشتغال دارند.

سید محمدحسن مرتضوی ابن آیت‌اللّٰه لنگرودی از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمدحسین مرتضوی که پس از فوت مرحوم والدشان، آیت‌الله سیدمرتضی لنگرودی بنا بر تقاضای مردم تهران عزیمت به مرکز نموده و در مسجد حاج ابوالفتح که مرحوم والدشان سالها اقامه جماعت داشتند به امامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند حقا جوانی فاضل و دانشمند و آراسته به زیور علم و علم و تقوا و فضیلت حسبی و نسیب می‌باشند.

سید محمدحسین مرتضوی لنگرودی فرزند بزرگ آیت‌اللّٰه لنگرودی از ائمه جماعت تهران و فضلاء بارع معاصر و در مسجد حاج

ابوالفتح میدان شاه تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر لنگرودی از علماء بزرگ تهران و ماهر در معقول و منقول از شاگردان حاج شیخ علی نوری و استاد میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص العلماء) بوده و شرحی بر حکمت عرشیه ملا صدر داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لواسانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مصطفی بن السید العلام الایه القمقام حاج سید محمد لواسانی از علماء صالحین و دانشمندان ناسکین این سلسله موصوف به تقوا و تزکیه نفس و معروف به تأثیر نفس و اجابت دعا و مقامات معنوی و مورد ابتلاء مردم بوده و همه روزه از تهران و حومه و حتی نقاط دیگر مردم بمنزلش واقع در گذر لوطی صالح آمده و طلب دعا نموده و حل مشکلات مادی و احیانا معنوی خود را می‌خواستند و بوی معتقد بودند.

شبهای پنجشبنه در منزلش مجلس تفسیر و جلسه دینی برقرار و گویندگان معروف مانند مرحوم حاج قوام و دیگران و گاهی هم این نگارنده بیان معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده و مردم را بهره‌مند می‌نمودند مجلس بسیار با حال و پر فایده و ارزنده‌ای بود در مسجد محل نامبرده اقامه جماعت و ترویج دین می‌کرد و اکنون بجای ایشان فرزند برومندش حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید مهدی لواسانی امامت نموده و به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارد. وی دانشمندی فعال و نیکو خصال می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مازندرانی ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب مازندرانی از شاگردان علامه ملا لطف‌اللّه لاریجانی و سید مجدد شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، ابو تراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ علی محمّد مازندرانی، از سلسله مشایخ بیدآباد، عالم و فاضل، فوتش در ۴ شنبه ۲۹ ذیقعده سال ۱۳۶۳.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن شاه محمد بن عبدالهادی مازندرانی حایری متوفی حدود ۱۳۰۶ ق عالمی جلیل و مقدسی متقی از اصحاب شیخ انصاری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقا سید ابوالقاسم مازندرانی معروف به (سید محمد مجتهد) متوفی حدود ۱۲۶۰ ق عالمی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر بن سید حمزة بن الحسین الحسینی مازندرانی عالمی جلیل بوده و در حدود ۱۳۰۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، حسام‌الدین، ابوالفضایل محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۶/ ۱۰۸۱/ ۱۰۸۰ ق)، عالم دینی، عابد، زاهد و محقق. معروف به ملا صالح مازندرانی. وی از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و شوهر آمنه بیگم، دختر دانشمند و فاضل و مجتهد مجلسی اول، بود. ملاـ صالح در محضر شیخ بهائی و ملا عبداللّٰه شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری نیز تلمذ نمود. وی جامع معقول و منقول و در اصول و فروع متبحر و دارای اخلاق فاضله و صفات حمیده بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثارش: شرح «اصول کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه و شرح بر «معالم»؛ شرح «زبدهٔ الاصول» شیخ بهائی؛ شرح «قصیده‌ی برده».[۱]

محمدصالح بن احمد ساروی مازندرانی داماد علامه ملاـ محمدتقی مجلسی اول و صاحب شرح اصول کافی از مفاخر این شهرستانست تألیفات عدیده داشته و در سال ۱۰۸۰ ق هجری در اصفهان فوت نموده و ماده تاریخش این بیت است (صالح دین محمد شده فوت) قبرش در مقبره علامه مجلسی زیارتگاه عموم مردم اصفهانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۶۹/ ۷)، تذکرهٔ القبور (۳۸۵ -۳۸۴)، الذریعه (۷۱، ۲۷، ۶/ ۱۴ ، ۳۰۰، ۹۸ -۹۷/ ۱۳ ،۲۰۷، ۹۴/ ۶)، روضات الجنات (۱۱۷ -۱۱۵/ ۴)، ریحانه (۱۴۷ -۱۴۶/ ۵)، فوائد الرضویه (۵۴۵ -۵۴۲)، لغت نامه (ذیل/ مازندرانی)، مفاخر اسلام (۳۴۷ -۳۴۳/ ۸).

مازندرانی، حمزه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزهٔ بن ملا بخشعلی مازندرانی از علماء صلحاء و متقین عصر خود و از اصحاب علامه سید مهدی بن صاحب ریاض بوده و حدود ۱۲۸۵ به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، روح‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ روح‌اللّٰه مازندرانی از علماء اعلام و مراجع امور در مازندران بوده و در سال ۱۳۶۸ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد طاهر. عالم فاضل متقی، در ۱۰ ربیع الثانی در سال ۱۱۹۰ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک قبر ملا اسماعیل خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۶ ق)، عالم دینی، مدرس و مرجع تقلید. در بارفروش مازندران به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت. سپس به عراق مهاجرت کرد و در کربلا از محضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نمود. از آنجا به نجف رفت و نزد شیخ مهدی کاشف الغطاء و ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ حبیب‌اللّه رشتی و دیگران تلمذ نمود. شیخ شعبان رشتی و میرزا محمد رضا کرباسی از شاگردان او بودند و شیخ اسماعیل تبریزی و میرزا هادی خراسانی از وی روایت کرده‌اند. او مرجع تقلید مردم مازندران بود. شیخ عبداللّه مازندرانی از علما و مدرسین بزرگ نجف و یکی از پیشگامانی بود که حرکت حوزه‌ی علمیه نجف را سرپرستی می‌کرد. وی از ارکان سه‌گانه‌ی نهضت ملی ایران (آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ عبداللّه مازندرانی) و طرفدار حکومت مشروطه بود. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی شیخ جعفر شوشتری در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اهبهٔ العباد فی یوم المعاد»، رساله‌ی عملیه؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ رساله‌ی «الوقف»؛ شرح «الشرائع»؛ کتاب «التجارهٔ»، «الرهن» و «الطلاق»؛ حاشیه بر «نجاهٔ العباد»؛ حاشیه بر «النخبهٔ» کرباسی؛ حاشیه بر «جامع عباسی».[۱]

شیخ عبداللّه بن محمد نصیر مازندرانی از اکابر علماء از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و در ۱۳۳۰ وفات نموده.

وی یکی از ارکان سه گانه نهضت ملی ایران و مشروطه بوده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۴۸۲/ ۲)، ریحانه (۱۴۶/ ۵)، شرح حال رجال (۲۷۶/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲۰ -۱۲۱۹/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۹ -۱۱۳۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۵۳۱ -۱۵۳۰/ ۵)، یادگار (س ۵، ش ۸ و ۹، ص ۷۱).

مازندرانی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی بن ملا ابوالحسن مازندرانی حایری عالمی جلیل و متقی و معروف بوده و در سال ۱۳۵۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام شیخ علی‌اکبر مازندرانی از اعلام و افاضل و رجال تقوا و صلاح از شاگردان میرزا محمدحسن آشتیانی بوده و در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم مازندرانی عالمی فاضل بوده و علامه سید شفیع جاپلقی در (روضة البهیه) وی را یاد نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید علی بن محمد بن محمد تقی حسینی مازندرانی اصفهانی. عالم زاهد ورع متقی، در اصفهان خدمت آقا میر سید حسن مدرس و جمعی دیگر تلمذ نموده، در نجف به درس شیخ انصاری حاضر شده، سپس در مدرسه‌ی صدر نجف به تدریس اشتغال جسته، و در ۲۱ رمضان ۱۲۹۲ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

از آثارش تعلیقاتی است بر عده‌ای از کتب، مانند: قوانین و مکاسب و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمّد صالح بن ملا عبدالباقی بن مولی محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل، از احفاد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است.

کتاب اخلاق (تهذیب الاخلاق) را نواده او میرزا حیدر علی مجلسی در اجازه کبیره خود به او نسبت داده است، و چنان که از تذکرةالانساب برمی‌آید در سال تألیف کتاب مزبور (۱۱۹۴ ه.ق) صاحب عنوان وفات یافته بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید محمد بن سید رضا بن حسین موسوی مازندرانی عالمی فاضل و مقدسی متقی از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۷۱ قمری به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقهٔالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللَّه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللَّه شاه آبادی و آیت‌اللَّه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رساله‌ای در طهاره ۳- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن ۵- رساله در صوم ۶- رساله‌ای در غصب ۷- رساله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللَّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر

تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹ -۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰ ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۹/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴ -۵۵۳/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۱/ ۳).

مامقانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از حوزه‌ی درس پدرش و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره برد. سپس خود مستقلا به بحث و تدریس پرداخت. او در اخلاق از محضر ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرد. او در نجف درگذشت و در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «غایة المأمول فی علم الاصول»، از مباحث الفاظ تا آخر تعادل و تراجیح؛ شرح «دعای کمیل»؛ «مقباس الکرامة»، در شرح «التبصرة» علامه حلی، در فقه. این کتاب در «معجم رجال الفکر» تحت نام «مصباح الکرامة» ذکر شده است.[۱]

ابوالقاسم بن آیت‌اللّه العظمی آقا شیخ محمدحسن مامقانی نجفی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۵۱ ق عالمی موثق و مقدسی بزرگوار از شاگردان والد ماجدش و علامه خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی و در اخلاق ملا اسماعیل قره‌باغی بوده و دارای تألیفاتی در فقه بنام (مقباس الکرامه) در شرح تبصره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶/ ۲۲ ،۱۶ -۱۵/ ۱۶ ،۲۵۸/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴ -۱۱۴۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۷/ ۸).

مامقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مدرس مامقانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۲۶ قمری متولد شده و ادبیات و متون فقهیه را خوانده و پس از آن از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه میرزا نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد (شهاب‌الملك) واقع در سه راه خیابان ری و بوذر جمهری نو به اقامه جماعت و خدمات دینی و مباحثات کمپانی با علماء محترم تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب مدرس مامقانی که افتخار قرابت سببی با ایشان را دارم سیدی جلیل و عالمی نبیل و موصوف بمتانت و مناعت و بزرگوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محی‌الدین بن العلامه الرجالی حاج شیخ عبداللّه بن العلامه الکبری و الایه العظمی و الفقیه البارع الحاج شیخ محمدحسن مامقانی نجفی از علماء معاصر فعلی تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۸ قمری در نجف اشرف در بیت علم و تقوا متولد شده و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات و سطوح وسطی و نهائی از مرحوم والدش و آیات دیگر از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده نموده و از بعد فوت مرحوم اصفهانی به آیت‌اللّه حکیم پیوسته و مورد توجه مخصوص آن مرحوم گردیده و جزو اصحاب خاص معظم له محسوب بودند و ضمنا بتألیف کتب مختلف علمی و تدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۱ قمری که دولت بعث عراق ایشان را مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی اصیل دیگر به ایران اخراج و آن جناب بنا بر اصرار دوستان روحانی و غیره رحل اقامت به تهران افکنده و تاکنون به مباحثات علمی و تألیفات و خدمات دینی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، یوسف علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یوسف علی مامقانی از علماء معاصر بوده و به سادگی و بی‌آلایشی معروف و بیش از مراتب دانش خود ادعاء داشته و

بعد از ۱۳۷۰ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

متانت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا متانت از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۱۰ شمسی در (کنجد جان گلپایگان) متولد شده و تحصیلات مقدمات و ادبیات خود را نزد مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی به پایان رسانده و در کرمانشاه فقه و اصول و فلسفه را از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسن علامی استفاده نموده و از ابتداء تأسیس مدرسه مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی تا به حال به تدریس سطوح عالیه مشغول بوده و در مسجد صباغ مشغول به امامت مسجد و ارشاد و تبلیغ مردم کرمانشاه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مجاهد، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد مجاهد خوئینی متوفی ۱۲۴۵ ق

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهدی سیستانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود فرزند عالم زاهد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محمدباقر فرزند علامه متقی آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید علی مجتهد سیستانی طاب اللَّه ثراه از فضلاء معاصر مشهد مقدسند.

والد ماجدش مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر سیستانی نیز از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار مسجد جامعه گوهرشاد بوده و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی از شاگردان مبرز و متعصب و غیور میرزا بزرگ شیرازی و از مراجع تقلید زمان خود و مخالف سرسخت مشروطه و مشروطه‌خواهان بوده که شرح احوالش در کتاب علماء خراسان و کرام البرره و سایر تراجم می‌باشد.

مترجم محترم در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مشهد مقدس در بیت علم و تقوا متولد و پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و مرحوم حاج شیخ

هاشم قزوینی و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نموده است.

و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّه سره حاضر و استفاده نموده و مدتی هم در قم از محضر برخی از آیات عظام بهره‌مند شده و سفری هم به اعتاب عالیات نموده و مدتی اقامه و از دروس خارج آقایان آنجا مستفیض گشته و پس از آن به زادگاهش مشهد مقدس مراجعت نموده و به خدمات دینی و روحی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف و فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام در حسینیه منزلش و نیز مسجد و جلساتش اشتغال دارند.

سید محمود بن العالم الجلیل حاج سید محمدباقر بن العلامه الحجه آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی معروف به (مجتهدی) ای افاضل علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود ۱۳۵۴ قمری در مشهد متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب نیشابوری معاصر فراگرفته و سطوح را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران آموخته آنگاه به درس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیات دیگر شرکت و استفاده کامل نموده و خود به تدریس پرداخته و هم به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارد.

برادر ارجمندشان آیت‌اللّه حاج سیدعلی مجتهدی سیستانی از مدرسین و فضلاء بنام نجف اشرف‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مجتهدی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالهادی مجتهد بهبهانی از علماء محترم بهبهان و مراجع بزرگ آن سامان ابن‌العلامه الشیخ محمد حسین بهبهانی عسکری در سال ۱۳۰۰ ق در نجف متولد شده و در سن ۷ سالگی با والد معظم خود بسامرا رفته و چون والدش از شاگردان آیه‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمد حسن شیرازی قدس‌الله سره‌الشریف بوده چندین سال در آنجا اقامت و تحصیل علم نموده تا در سال وبائی والدش مرحوم و پس از مدتی در سن ۲۰ سالگی به بهبهان آمده و بعد از دو سال مراجعت بنجف و چندین سال از محضر مرحومین علمین آیتین یزدی و خراسانی و مرحوم محقق آقا سید محسن کوهکمری که شاگرد مبرز مخصوص آیه‌الله حاج شیخ هادی تهرانی بوده استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به بهبهان نموده و در آنجا اقامه جماعت و تربیت طلاب و تدریس دروس عالی فقه و اصول و فصل دعاوی و حکومات شرعیه نموده تا در سال ۱۳۷۲ ق که برای خرابی اوضاع بهبهان و دودستگی بین قنوات و بهبهان آنجا را ترک و بحرم اهل‌بیت علیهم‌السلام که حرم امن خداست مهاجرت و بتدریس پرداخته و پس از چند سال مراجعت بوطن و در آنجا بدرود حیات گفته و فرزند ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد حسین مجتهدی معروف به (آقا شیخ بزرگ) بجای خود گذارده که اقامه جماعت و تربیت محصلین بهبهان را نموده و بوظائف دینی و روحی ادامه دهد.

معظم‌له که چندی در قم اقامه داشتند و از محضر آیات عظام حجت کوهکمری و آیه‌الله بروجردی استفاده کامل نمودند اکنون بالغ بر بیست سال است که بجای والد مرحومش مشغول خدمات و در مدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم که در محله قنوات است اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجد الاسلام کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۲ -۱۲۵۰ ش)، عالم دینی، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به اصفهان رفت و از محضر آخوند ملا محمدباقر فشارکی و آقا میر محمدتقی مدرس استفاده نمود و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. در آن موقع به طبع و نشر چندین جلد کتاب از قبیل: «کشف الغطاء»، «کشف القناع» و «شرح نهج‌البلاغه» اقدام کرد و با همکاری ملك المتكلمين و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا علینقی خان سرتیپ به تأسیس مدرسه‌ای برای نوجوانان در اصفهان همت گماشت. وی در آغاز مشروطیت در تهران روزنامه‌ی «ندای وطن» را تأسیس و مدتی نیز روزنامه‌ی «ادب» را مدیریت و سردبیری کرد. وی در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌های «کشکول» و «محاکمات» را منتشر کرد. شیخ احمد پس از حوادث تهران، از جمله به توپ بستن مجلس و توقیف جراید به اصفهان عزیمت نمود و در ۱۳۲۷ ق اقدام به انتشار روزنامه‌ی «کشکول» کرد. مجدالاسلام در زمان صدارت عین‌الدوله با حاج میرزا حسن رشدیه و میرزا آقا اصفهانی به کلات نادری تبعید شد تا اینکه در زمان صدارت مشیرالدوله، میرزا نصراللّٰه خان، به تهران بازگشت. وی در سرودن شعر توانا بود و بیشتر هنرش در سرودن قطعات تاریخی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» مجدالاسلام را یک جا با شهرت گرگانی و در جای دیگر با نام فتح‌اللّٰه ذکر کرده است. از دیگر آثار وی: منظومه‌ی «شهر خاموشان»، یا «اوضاع عدلیه سابق»؛ «تاریخ انحلال مجلس»؛ «تاریخ انقلاب مشروطیت»؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۹۴ -۲۸۸، ۱۹۴ -۱۹۲، ۱۴۰ -۱۳۵/ ۴، ۹۴ -۸۹/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۳۶ -۴۳۳)، الذریعه (۲۶۰/ ۱۴ ، ۹۶۰/ ۹)، ستارگان کرمان (۳۲۷ -۳۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ -۱۸۳/ ۵).

مجد خرقانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل المرحوم السید رجب مجد العلماء قزوینی خرقانی از علماء محترم معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در خرقان قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات در قزوین به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین و اعلام حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی و دیگران تکمیل نموده و چندی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری استفاده نموده و پس از آن مرحوم از آیات عظام مرحوم آقای حجت و آقای خونساری و آقای صدر رضوان اللّٰه علیهم بهره‌مند گردیده و در اوائل ۱۳۶۴ قمری به تهران منتقل و تاکنون در خیابان عباسی کوچه مجد اقامت و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

والد مرحومش حجةالاسلام مجدالعلماء از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی بودند و از قزوین برای ارشاد

و هدایت مردم بخرقان هجرت نموده و تا آخر عمر در آن حدود ایفاء وظیفه نمودند.

آن مرحوم دارای فرزندان دانشمندی بودند که از علماء معاصر قم و تهران و دماوند می‌باشند و آنها از این قرارند:

۱- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالحمید مجد

۲- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید محمدعلی مجد مقیم قم

۳- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی محمد مجد مترجم محترم ما

۴- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی مجد مقیم قم

۵- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا جمال‌الدین مجد مقیم دماوند

۶- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا کمال‌الدین مجد (مشکور) مقیم تهران

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجد، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین بن مرحوم مجد العلماء مزلفانی معروف به آقای مجد عالمی برجسته و فاضلی شایسته است.

وی دارای پنج برادر روحانی میباشد که در ضمن ترجمه برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید علی محمد مجد ص... یاد نمودم. وی در بیت علم و سیادت تولد و پرورش یافته و برای تحصیل کمال به قم آمده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت مردم دماوند و امریه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی عزیمت بدماوند نموده و تاکنون در آن سامان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجلسی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عزیزالله، از علمای معروف زمان خود بوده، و در بین سلسله‌ی مجلسی به کثرت علم، و وفور فضل، و احاطه بر انساب خانواده مشهور است. از شاگردان میر عبدالباقی امام جمعه است.

در ۳ شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۱۴۶ متولد، و در سال ۱۲۱۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را آقا محمد کاظم واله ضمن قطعه‌ای چنین گفته است:

خواست واله در دو مصرع سال تاریخش زمن

تا بود هریک به فوتش رهنمای اهل علم

گفتمش: شد سوی جنت پیشوای اهل زهد

گفتمش: سوی جنان شد مقتدای اهل علم

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ – اجازه‌ی کبیر ۲ – تذکرهٔ الانساب، در انساب سلسله‌ی مجلسی، به طبع رسیده است ۳ – رساله در مفقود الخبر ۴ – رساله در منتسب از طرف مادر به جناب هاشم ۵ – منتخب الؤلؤهٔ، اجازه جهت پنج نفر از فرزندان اوست ۶ – اجازات دیگری جهت شاگردان خود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجلسی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۴ –۱۱۴۶ ق)، عالم دینی. جدش نوه‌ی ملاـ عزیزاللّه، برادر علامه مجلسی ثانی، و از جانب مادر از نوادگان علامه‌ی مجلسی ثانی است. وی از شاگردان میر عبدالباقی امام جمعه، فرزند میر محمدحسین خاتون‌آبادی، و از علمای بزرگ امامیه در زمان خود بود. آقا احمد کرمانشاهی در «مرآت الاـحوال» او را ستوده و جامع معقول و منقول خوانده است. میرزا غلامحسین بن محمد اسماعیل، از نوادگان ملاـ محمدصالح مازندرانی، از او روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری دفن شد. در برخی از مآخذ، سال وفات وی حدود ۱۲۲۰ ق ذکر شده که با توجه به ماده تاریخ وفاتش (برابر با ۱۲۱۴ ق) که توسط شاعران معاصرش سروده شده معتبر نمی‌باشد. از آثارش: «تذکرهٔ الانساب» یا «انساب المجلسی» یا «انساب السلسلهٔ المجلسیهٔ» یا «انساب خاندان مجلسی»؛ «منتخب اللؤلؤهٔ»، در انتخاب و اختصار «لؤلؤهٔ البحرین» شیخ یوسف بحرینی؛ رساله‌ای در «مفقود الخبر»؛ رساله در منتسبین از طرف مادر به جناب هاشم (جد پیامبر ص)؛ «اجازه» به فرزندان و عموزادگانش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳/ ۶)، انساب خاندان مجلسی (مقدمه)، تذکرهٔ القبور (۳۰۹ –۳۰۸)، الذریعه (۳۸۲/ ۲ ،۱۹۱ –۱۹۰/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۲ –۴۵۱/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۶۷ –۱۶۶)، مفاخر اسلام (۶۰۱ –۵۹۷/ ۸)، مرآت الاحوال (۱۳۳ ، ۱۳۱ ،۱۲۶ ،۱۲۳ ،۱۱۱ ،۱۰۶ ،۱۰۵ ،۱۰۴ ،۱۰۳ ، ۱۰۰ ،۹۶)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۴)، مکارم الآثار (۵۳۲ –۵۲۹/ ۲).

محاسب‌الدوله، آقاخان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ –۱۲۷۴ ق)، عارف و دانشمند. وی از اهالی تهران و جزو مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهیه صفی علیشاهی در اصفهان بود که از طرف ظهیرالدوله اجازه‌ی ارشاد و دستگیری داشت و در اواخر عمر جزو پیروان آقا میرزا عباس صابر علی پای قلعه‌ای شد. آقاخان در تهران از محضر استادانی از جمله میرز عبدالغفارخان نجم‌الدوله اصفهانی استفاده کرد و از سال ۱۳۱۲ ق به صفهان رفت و در بانک شاهی اشتغال یافت. وی به دستیاری حاج شیخ علی‌اکبر شیخ‌الاسلام میرزا مسیح‌خان حافظ‌الصحه و میرزا علی‌اکبرخان سرتیپ، که همگی از مردان آزادیخواه و خوش‌نام بودند، مدرسه‌ی «ایتام» را تأسیس نمود که از سال ۱۳۲۳ ق نام مدرسه به دو

مدرسه‌ی «علیه» و «ایتام» تغییر یافت و در این اواخر «ایتام» نیز از آن حذف شده و به نام مدرسه‌ی «علیه» معروف گردید. آقاخان را پس از مرگ در ایوان بقعه آقا میر سید حسن مدرس در جنب مسجد رحیم‌خان به خاک سپردند. از آثارش: «اصول علم جبر و مقابله»؛ «اصول علم جغرافیای کره‌ی زمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷ /۲)، تذکرهٔ القبور (۱۴ -۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۲، ۲۶۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۸۲- ۴۸۳).

محامدی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم و فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقا شیخ جواد محامدی از ائمه جماعت و علماء محترم این شهرستانند که بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محدث، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محدث (پسر خاله حجهٔالاسلام حاج میرزا محمد حقی) از فضلاء آذربایجانی حوزه علمیه قم و علماء و ائمه جماعت معاصر شهرستان گنبد می‌باشند.

ایشان سالهای متمادی در قم اشتغال به تحصیل داشته و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده آنگاه از طرف آیت‌اللّٰه شریعتمداری در سال ۱۳۸۷ قمری به گنبد عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محدث، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محدث از نامداران منبریهای عصر حاضر بود و منبر پرشور و مفیدی داشت و از آثار او دو مجلد خورشید تابانست که در معارف اسلامی نوشته و او از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی و سایر اعلام بود و در ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۷۸ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محدث، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محدث که از خطباء و منبریهای معروف معاصر مشهد می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محدث‌زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن العالم الجلیل و المحدث النبیل آقای حاج شیخ عباس محدث قمی از علماء معاصر تهرانست که در شهباز جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

وی در سال ۱۳۴۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در سن یازده سالگی به قم آمده و پس از چند ماه توقف در بلده طیبه قم در سال ۱۳۵۴ قمری باتفاق مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات را نزد آن مرحوم و علامه مرعشی و سطوح را از آیت‌اللّٰه حاج سید محمد روحانی قمی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج سید سجاد علوی گرگانی و بعضی اعلام دیگر فراگرفته و تا سال ۱۳۶۸ قمری در آنجا اشتغال بتحصیل داشته و مورد توجه خاص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا میراز عبدالهادی شیرازی بوده و در سال مذکور به ایران مراجعت و در قم اقامت و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ قمری باصرار جمعی از مؤمنین به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در محل سابق الذکر تهران در مسجدی که بامر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تأسیس شده بخدمات دینی اشتغال دارد و ضمنا از محضر درس آیت‌اللّٰه العظمی خونساری و آیت‌اللّٰه رفیعی قزوینی و آیت‌اللّٰه آشتیانی استفاده نموده و می‌نمایند.

از خدمات ارزنده ایشانست کلاسهای درسی برای دانشجویان که در مسجد مزبور تاسیس نموده و حدود چهارصد دانشجو در آنجا شرکت می‌نمایند که صد نفر آنها به فراگرفتن دروس عربی و دینی اشتغال دارند.

از خداوند توفیق امثال معظم له را خواستارم زیرا ایشان واقعا مجسمه تقوا و اخلاق و فضیلت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محدثی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی محدثی از معمرین علماء خراسان و در باخرز که در بین تربت جام و طیبات واقع است سکونت دارند.

وی در پنجم ماه رجب ۱۳۰۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و تحصیلات مقدماتی و ادبیات و سطوح وسطی و نهائی از مرحوم

آشیخ عبدالجواد ادیب بزرگ و فاضل بسطامی و آقا شیخ محمدحسن قائینی و آقا شیخ محمد قوچانی و آقا شیخ حسن برسی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی تلمذ نموده و در قضیه بهلول سبزواری و غائله مسجد گوهرشاد تبعید به باخرز گردیده و تاکنون که نود و دو سال از عمر مبارکش می‌گذرد در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محدثی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد محدثی جامی از دانشمندان خدوم معاصر است که در تأیباد خراسان میباشد. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در تربت جام متولد شده و پس از پرورش در سن ۱۶ سالگی بنجف اشرف مهاجرت و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و ادبیات و مقدمات را خوانده سپس مراجعت بمشهد نموده و در حوزه آستان قدس رضوی علیه آلاف‌التحیه والثناء با مواجه شدن با مشکلات و آشفتگی‌های زندگی ادامه بتحصیل داده و بعد از پایان دوره مقدمات سطوح را از عالم ربّانی حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و علامه جلیل معاصر آقای وحیدی خراسانی و اساتید دیگر تکمیل نموده و از محضر و درس خارج حضرت آیه‌الله العظمی میلانی مدظله‌العالی کسب فیض کرده و برای ترویج دین و تبلیغ احکام آئین مقدس اسلامی بشهر مرزی تأیباد (طیبات) مهاجرت و تاکنون در آن ناحیه بخدمات دینی اشتغال دارد بطوریکه از بعضی از ثقات دانشمندان مشهد شنیدم جناب آقای محدثی خدمات ارزنده‌ای در تأیباد و حومه آن انجام داده و بسیاری از اهل سنت آنجا را بمحبت و ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نزدیک و هدایت و از پیشرفت فرقه ضاله و مضلّه بهائی در آن نواحی جلوگیری نموده‌اند.

آثار قلمی معظم‌له یک سلسله مقالاتی بنام (بوستان دوستان) و غیره میباشد طبع سلیس و روانی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محفوظی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس محفوظی برادرزاده آقای مقدم است وی در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در رودسر متولد شده و پس از پرورش و تحصیل جدید و مقدمات به قم هجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ خوانده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه داماد و بالاخص آیت‌اللّه العظمی امام خمینی شرکت نموده و مورد توجه مخصوص معظم له قرار گرفته تا از اصحاب خاص ایشان بشمار آمده است.

مؤلف گوید: وی یکی از مدرسین و فضلاء حوزه علمیه قم است و در میان دانشمندان و دانشجویان شمالی حوزه به فضل و متانت و اخلاق حسنه موصوف می‌باشند و در حال تحریر این سطور برای موقت در شهرستان رفسنجان بسر می‌برند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محفوظی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محفوظی از علماء و قدماء حوزه علمیه قم و اهل رودسر می‌باشند این عالم عابد در حدود ۱۳۳۲ قمری در رودسر متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین سطح حوزه آموخته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات عظام حوزه چون آیت‌اللَّه خمینی و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه گلپایگانی و شریعتمداری شرکت نموده و تا حال تحریر نیز از شرکاء درس آیت‌اللَّه العظمی مرعشی می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای محفوظی دانشمندی متین و بزرگوار و متواضع و خلیق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محقق اصطهباناتی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۵۵ ق)، عالم امامی، مفسر، ریاضیدان، متکلم و عارف. ملقب به محقق العلماء. نسبتش به اصطهبانات فارس می‌رسد. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی بود. در اصطهبانات به دنیا آمد. مدتی در یزد و مشهد و اصفهان در محضر آقا محمدجعفر کرمانی، شاگرد شیخ انصاری، و میرزا محمدرضا یزدی، شاگرد صاحب «جواهر»، و دیگران تلمذ نمود. او از حکمای زمان خود و عالم معقول و منقول بود که در ادب و ریاضی نیز دستی توانا داشت. در اصطهبانات درگذشت و در کنار قبر مغربی تبریزی، به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه‌ی «تحریر اقلیدس» خواجه نصیر طوسی؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ «السلسبیل»، در عرفان؛ «دعاء کمیل»، که در حاشیه «زاد المعاد» به چاپ رسیده؛ «الحصن الحصین»، در شرح «البلد الامین»، در توحید؛ «مطالع الانوار»؛ «لمعات النور»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ رساله‌ای در «هیئت»؛ رساله‌ای در «قبله»، که آن را به خواست میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی در رد بر میرزا محمدباقر اصطهباناتی نگاشت.[۱]

الشیخ میرزا ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی لاری معروف بمحقق عالمی جلیل و فاضلی مصنّف است.

وی از صبیّه فاضله آیه‌الله حاج سید جعفر کشفی متولد شده و جماعتی از بزرگان مانند میرزا محمد رضا یزدی و آقا محمد جعفر کرمانی از وی استفاده نموده‌اند. تألیفاتی دارد مانند (السلسبیل) و شرح دعاء کمیل و زادالمعاد والحصن الحصین و مطالع الانوار و لمعات النور و شرح تشریح الافلاک و حاشیه تحریر اقلیدس در ماه ذی‌الحجه ۱۳۳۸ ق از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۳۶، ۳۲۳/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱ -۹۰/ ۱)، الذریعه (۲۵۸، ۱۴۶/ ۱۳، ۱۴۲/ ۲۱ ،۳۴۷/ ۱۸، ۲۱۴/ ۱۲، ۱۴/ ۷، ۳۳/ ۶)، ریحانه (۲۳۶/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷، ۳۵/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۶/ ۳)، مکارم الآثار (۱۵۰۱ -۱۵۰۰/ ۵).

محقق تهرانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال ۱۳۶۵ قمری عصر ریاست آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان اللّه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.

و ایشان عدیل و باجناق حجهٔالاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.

آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:

(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.

محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۵۸ شمسی که

به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خراسانی، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ عباس علی محقق واعظ خراسانی از اساتید و مشاهیر وعاظ ایران در تاریخ چهارشنبه پانزدهم ماه صفر ۱۳۱۰ ق در مشهد مقدس متولد گردیده و در مراحل تحصیل ادبیات را نزد والد محترمش عالم کامل و ادیب فاضل مرحوم حاج ملا بمانعلی محقق که از وعاظ عالی مقام خراسان بودند فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن برسی اعلی اللَّه مقامهما و فلسفه را از مرحوم قدوه المتألهین آقای آقا بزرگ شهیدی و اسوه الحکماء آقای حاج شیخ محمدعلی فاضل خراسانی رضوان اللَّه علیهما استفاده نموده سپس از طریق وعظ و تبلیغ بارشاد و هدایت مردم پرداخته و عمر پر برکت خود را بالغ بر شصت سال صرف مطالعه کتب مختلف نموده و با ذوق سرشار مخصوص بخود در بیان مطالب متنوع الحق محقق بود.

مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب و دلها بسیار مؤثر به طوری که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار داده بالاخص اهل فضل و کمال منبر ایشان را مغتنم می‌شمردند.

استاد نکته سنج خردمندی

کاندر سخن سرآمد اقران بود

در بوستان ذوق و سخن گفتن

باغی پر از بنفشه و ریحان بود

فردی ادیب و فاضل و دانشمند

مردی سخن‌شناس و سخندان بود

سرمایه فضیلت و تقوا داشت

سرچشمه‌ی حقیقت و ایمان بود

در سایه مناعت و استغناء

وارسته از علایق دوران بود

در سال ۱۳۵۲ ه.ق با عتاب مقدسه مشرف در نجف اشرف شبها بعد از نماز مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی در صحن مطهر منبر رفته و حضرت آیت‌اللَّه با حضور خود در آن مجلس علاقه خود را بمنبر ایشان ابراز و به آقایان فضلاء و طلاب توصیه می‌فرمودند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند.

معظم له تا سال ۱۳۵۳ هجری در مشهد مقدس سکونت داشته و مسافرتهائی بنقاط مختلف و شهرهای شمال و جنوب ایران نموده و مورد توجه مردم خاصه آقایان علماء اعلام بوده و از آن سال به بعد در تهران رحل اقامت افکنده و در بسط معارف اسلامی و انجام

وظیفه تبلیغ سعی کافی و جهد وافی داشته‌اند.

در سال ۱۳۶۳ ق مجدداً با عتاب مقدسه تشرف حاصل در کربلاء مجلسی که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بمناسبت اربعین و دهه آخر ماه صفر منعقد نموده و سایر مجالس در نجف مسجد مرحوم شیخ انصاری قدس سره بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید عبدالهادی شیرازی بیست و پنج شب منبر رفته و آن مرحوم درس شب را تعطیل و خود در مجلس حاضر بودند و بر اثر ازدحام و کثرت جمعیت جائی در مسجد باقی نمانده و مردم در کوچه ایستاده و استماع می‌نمودند.

و مدت توقف در نجف در ضیافت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد محترمشان مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج سید جواد اشکوری از ایشان پذیرائی می‌نمودند.

در سال ۱۳۶۴ ق طبق دعوت آقای حاج آقا محمد آقازاده برای مجلس ایام فاطمیه ایشان به قم آمده و پس از پایان آن مجلس باصرار آقایان علماء و فضلاء دو ماه در قم توقف نموده و به خواهش آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری که از علماء و شخصیت‌های بارز حوزه علمیه هستند در مجلس مدرسه فیضیه ایشان پس از علامه بزرگوار خطیب توانا مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی در منبر مطالب معظم له را کاملا تعقیب و مورد قدردانی و تحسین واقع و خاطره آن منابر جامع هنوز محو نشده است.

در سال ۱۳۶۵ ق نیز با عتاب مقدسه مشرف و قریب دو ماه بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی در منبر سوره یوسف را بیان کرده تا آنجا که برادرها یوسف را در چاه انداختند سال بعد مرحوم آیت‌اللّه گلپایگانی پیغام دادند که منبر شما سال گذشته به آنجا رسید که یوسف در چاه انداخته شد امسال مشرف شوید و یوسف را از چاه بیرون آورید سال ۱۳۶۶ ق هم تشرف پیدا کرده و متجاوز از پنجاه شب منبر رفته و سوره یوسف را ختم نمودند.

در اواخر عمر چند سال متوالی بخواسته و امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی سه ماه ذیحجه و محرم و صفر را به قم آمده و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر میرفتند یکسال بخواهش طلاب از شب اول ذیحجه معراج پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله را شروع نموده و تا آخر ماه صفر در ایام مجالس این بحث ادامه داشت سالی دگر مبادی هجرت را بیان نموده آنهم تا پایان ماه صفر ادامه یافت و آقایان طلاب منابرشان را می‌نوشتند و معتقد بودند که یک منبر ایشان از لحاظ مواد مطابق ده منبر است.

آن مرحوم در صبح سه‌شنبه دوم شهر ذیقعده ۱۳۸۳ ق ندای حق را لبیک گفته و در بلده طیبه قم در حجره قبرستان بیات در مجاورت آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیهاالسلام سر بخاک سپرد.

از ایشان چهار فرزند ذکور باقی مانده که ارشد آنها دانشمند معظم آقای حاج آقا هادی محقق واعظ است که چند سال در قم بتحصیل اشتغال داشته ثمری از آن شجره هستند و از جهات اخلاق و فضائل و عمل بر رویه پدر ثابت و مستمر و اکنون از فضلاء اهل منبر تهران میباشند.

و دیگر آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهرانست که سه سال مقام استادی دانشگاه مک گیل کانادا را داشته و در آنجا خدمات ارزنده‌ای بعالم تشیع نموده و در شناساندن علماء شیعه مخصوصا مرحوم حاج ملا هادی سبزواری و آثار علمی آن مرحوم سهم بسزائی داشته موسسه‌ای بنام مطالعات علوم اسلامی در تهران تشکیل داده و با تشریک مساعی دانشگاه مک گیل منظومه حاجی را با سبک نوینی چاپ و همکار ژاپونی خود پرفسور ایزستو مقدمه جامعی بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته‌اند.

دو فرزند دیگر ایشان در رشته‌ی کسب و بازار هستند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق دامغانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمود محقق دامغانی در حومه دامغان متولد شده و پس از رشد به کوهسان بهشهر عزیمت نموده و مقدمات را در حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد کوهستانی خوانده و از انفاس قدسیه آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه به دامغان آمده و تا انتهای ادبیات را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه ترابی طاب ثراه استفاده نموده و بعد به مشهد مقدس مشرف شده و دوران سطح را از محضر مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده نموده سپس در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه میلانی از اول بحث اجتهاد و تقلید شرکت و بهره‌مند شده است.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و یکدوره کامل اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در درس فقه مرحوم آیت‌اللَّه آقای خمینی هم حاضر شده و دوره کامل مکاسب را بهره‌مند گردیده و حدود ده سال اقامتش در نجف اشرف از محضر و ابحاث فقهی حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و بعد مانند دهها هزار نفر دیگر از طرف دولت بعث عراق به ایران رانده شده و رحل اقامت به قم افکنده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس‌اللَّه سره و نیز آیت‌اللَّه گلپایگانی نموده و ضمنا به تدریس سطوح عالی از لمعه تا کفایه اشتغال ورزیده و تاکنون موفق می‌باشند.

دارای تألیفاتی می‌باشند که از آنهاست:

۱- فلسفه احکام در سه مجلد از صلوه تا امر به معروف و نهی از منکر.

۲- کتابی در نجوم و اخترشناسی.

۳- کشکول در علوم مختلفه و مطالب متنوعه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محقق، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا محقق از افاضل علماء و دانشمندان بنام معاصر نیشابور بوده است مرحوم محقق چند سالی در قم اقامت داشتند و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه صدر و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن مراجعت و به تدریس و تبلیغ دین از راه منبر پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محققی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام استاد بزرگوار مرحوم حاج محمد محققی لاهیجانی از علماء ابرار و فضلاء اخیار در علوم جدیده استاد و دارای رتبه

دکترا و در علوم قدیمه مجتهد و مدرس سطوح عالی معقول و منقل بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ ق در لاهیجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید تا پایان متوسطه و گرفتن دیپلم به دروس قدیمه پرداخته و برای تکمیل آن به شهر مقدس مهاجرت و چندین سال در آنجا اقامت و سطوح اولیه و وسطی را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح را در نزد میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خوانساری و دیگران تکمیل نموده و به درس آیت‌الله العظمی حایری شرکت و بعد از فوت آن مرحوم در اثر فشار زندگی و دولت وقت چندی به تجارت پرداخته تا در سفری که به شهر ری آمده و در خدمتشان به دیدن مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی رفتیم و ایشان را شناختند بیاناتی کردند که مرحوم محقق را تحت‌تاثیر قرار داده در مراجعت به قم کار را تعطیل و مجدانه مشغول به تدریس علوم عقلی و نقلی و هیئت و تشریح شدند تا اینکه ابوالزوجه ایشان آقای مدرسی که یکی از علماء محترم یزد بودند فوت نموده و ایشان عزیمت یزد کرده و چندی در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت و ترویج دین و تربیت عده‌ای از جوانان را نموده تا در سال ۱۳۷۱ قمری که مهاجرت به تهران و چند سالی به تدریس در دانشکده معقول و منقول و هم وظائف دیگر روحی و دینی نموده تا در سال ۱۳۷۵ ق از طرف زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی اعزام به آلمان غربی و هامبورگ گشته و در آنجا مسجد بزرگ اسلامی آلمان را بنا و صدها نفر پرفسور و دکتر و مهندس را مسلمان و به آئین جعفری آشنا نموده و خدمات بزرگ دیگر انجام داده و منشوراتی به زبان آلمانی و غیره در مبانی و حقایق اسلامی منتشر و موجب توجه مردم اروپا گردیده که یکی از علماء مسیح گفته بود که اگر استاد محققی در آلمان بماند ملت اروپا را عموما و یا اکثرا به اسلام می‌کشد.

آن مرحوم تا یکسال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در آنجا مانده ولی در سال ۱۳۸۳ ق به واسطه بعضی از حوادث ناچار به مراجعت گردیده و در قم سکونت گزیده و با متانت طبع و آقائی زندگی کرده تا در بیست و هشت ج ۱۳۸۹ ۱ ق که به سکته قلبی دارفانی را وداع و در مقبره ابوحسین (بقعه علماء) مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محلاتی شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ملا محمدعلی بن احمد محلاتی شیرازی از تلامذه میرزای شیرازی بوده در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال‌الدین بن شیخ جعفر مجتهد محلاتی شیرازی، از دانشمندان معاصر است و در بیست و یکم ذی‌قعده ۱۳۳۰ ق در شیراز متولد شده و تحصیلات دینی را در محضر مرحوم حاج حکیم و شیخ احمد دارابی و آقای شیخ محمدعلی موحد حکیم و شیخ محمدرضا آموخت و به اصفهان رفت و سالی در خدمت شیخ میرزا حسن قاضی عسکر و آقا سید صدرالدین کوپائی فقه و کمی حکمت الهی

و در محضر آیت‌اللَّه میرزا محمـدعلی شاه‌آبادی کفایهٔالاصول و سـطوح فقه و اصول را تکمیل کرده سپس به زراعت و کشاورزی پرداخت و خدمات اجتماعی بسیاری نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالـدین فرزنـد علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حـاج شیخ بهاءالـدین محلاتی فرزنـد عالم جلیل حاج شیخ جعفر محلاتی از علماء بزرگ و معروف استان فارس و بالاخص شیراز است که در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در خدمت والد ماجدش به شیراز آمده و در بیت شریف محلاتی که سابقه سیصد ساله دارد پرورش یافته و مقدمات و دروس جدید را خوانـده و در سن بیست سالگی در سال ۱۳۶۵ قمری سال رحلت آیت‌اللَّه العظمی اصـفهان به قم عزیمت نموده و مقداری از سطوح را در خدمت مرحوم حاج شیخ مرتضی حایری یزدی و حاج آقا سلطانی بروجردی تکمیل نموده و جلد اول کفایه را از مرحوم حاج سید زین‌العابدین کاشانی و جلد دوم را از محضر مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم میرزا محمد مجاهد تبریزی آموخته و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی استفاده نموده و به درس خارج آقای محقق داماد و امام راحل و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و بهره‌مند شده و شرح تجرید را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری فراگرفته است.

در سال ۱۳۸۰ قمری به شیراز برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین در مسجد مولا مسجد آبائی و اجدادی و نیز مسجد ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف واقع در خیابان داریوش شیراز که از آثار خیر خودشان می‌باشد مشغول شده و به واسطه اعـتراض و روشـن کردن افکـار مردم بـالخصوص نسـل جـوان بـه جنایـات رژیم شـاه از طرف دولت بـازداشت و تبعیـد به ایرانشـهر بلوچسـتان و زاهدان شده و پس از چندین ماه آزاد و در نهضت امام راحل و قیام پانزده خرداد با والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و خطیب توانا و واعظ برنای شیرازی حاج سید مجدالدین مصباحی دستگیر و به زندان ارتش تهران برده شدنـد و پس از چنـد مـاه آزاد و به وطن بـازگشت باز به خـدمات دینی پرداخته تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۲ قمری و ۱۳۷۰ شمسی اشتغال دارند.

دارای آثار علمی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و باقیات الصالحات ایشان

۱- تفسیر بعضی از سور قرآنیه.

۲- ترجمه کتاب (ثم اهتدیت) دکتر تیجانی تونسی.

۳- ترجمه کتاب کونوا مع الصادقین دکتر تیجانی.

۴- درس عقاید برای دانشگاهی‌ها.

۵- تأسیس خیریه اسلامیه در سال ۱۳۴۳ شمسی.

۶- تأسیس مدرسه حضرت ولی‌عصر در خیابان نمازی نو (شهید دستغیب).

۷- تأسیس کتابخانه مدرسه امام عصر (ع) که بیش از بیست هزار جلد کتاب دارد.

داماد معظم ایشان فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند جناب حاج سید حسین مدرسی است که از افاضل آقازادگان حوزه علمیه است

که چندین سال است در دانشگاه واشنگتن امریکا مشغول به تدریس و خدمات دینی می‌باشند ادام‌اللَّه عزهم و توفیقاتهم.
مجدالدین محلاتی بن العلامهٔ الورع آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی از علماء فعال و موثر و خدمتگذار معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری ه در شیراز متولد شده و در بیت علم و فضیلت آیت‌اللَّه محلاتی پرورش یافته و دروس جدید را تا متوسطه خوانده و به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و مقدمات و سطوح وسطی را در شیراز نزد والد ماجدش و مدرسین دیگر فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح عالی را از اساتید بزرگ به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران حاضر و از دروس فقه و اصول آنان استفاده نموده است مترجم محترم ما (جناب مستطاب حاج آقا مجدالدین محلاتی) با داشتن استعداد فوق‌العاده به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و بر بسیاری از اقران فائق و مشار بالبنان گردیده و بعد از فوت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به شیراز مراجعت و به خدمات دینی و اجتماعی از قبیل امامت در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف که به همت و سعی وی بنا شده و تدریس در مدرسه خان و گفتن تفسیر قرآن و تنویر افکار روشنفکران و نسل جوان پرداخته و خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده است.
آثار و باقیات الصالحات معظم له از بناء و تعمیر مساجد در شیراز و حومه آن بسیار است.
و از خدمات اجتماعی ایشان تأسیس درمانگاه بزرگ و مهمی است بنام درمانگاه «ولی عصر» که برای بینوایان و مستمندان تأسیس نموده و تاکنون هزارها نفر بیمار را به رایگان معالجه و مداوا نموده است.
نگارنده گوید: مترجم محترم که در میان روحانیون شیراز و حوزه علمیه قم و غیره معروف به فضل و دیانت و در شیراز بسیار موجه و مانند نیاکان و اسلاف گرامش مورد علاقه و توجه مردم عالم‌دوست شیراز است.
در خلال خدماتش سوانحی برای وی پیش آمده که قهراً قریب دو سال در ایرانشهر بلوچستان و زاهدان و شهر بابک و یزد اقامت داشته و در آنجا هم اشتغال به وظائف روحی خود داشته و در حال حاضر یکی از دانشمندان و علماء نافذ و ممتاز استان فارس و شیراز محسوب می‌شود.
ایشان غیر از جزوات تقریرات درسی فقه و اصول اساتید حوزه علمیه قم تالیفات دیگری دارند که بطبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محلاتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد معروف به (یارقلی) بن العلامه حاج شیخ اسماعیل محلاتی عالمی فاضل صاحب کتاب (خوش یارقلی) در ۱۳۳۷ ق در زمان والدش از دنیا رفته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل محقّق از آثارش [کتابت] شـرح حدیث غمامه (معروف به حدیث بساط) است که قاضـی سعید قمی فرزند محمد مفید شاگرد فیض کاشانی در سال ۱۰۹۹ در اصفهان تألیف نموده، و صاحب عنوان آن را در سال ۱۲۶۳، برای خود نوشته، و در کنار آن حواشی پدر خویش را در این کتاب نقل نموده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد حسین بن ملا عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در جمعه غره‌ی شوال المکرم (عید فطر) سال ۱۲۸۳ وفات یافته، در تکیه‌ی مادر شاهزاده مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او بهای حزین گفت

شیخ حسین از زمانه کام ندیدی

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد صالح، آقابزرگ

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۴ ق)، عالم دینی. از نوادگان ملا محمـدباقر مجلسـی و از فضـلای قرن دوازدهم بود. نواده او میرزا حیدرعلی مجلسـی در کتاب خود «اجازه‌ی کبیر» از «تهذیب الاخلاق» و «اخلاق المولی محمدصالح» آقابزرگ، در باب اخلاق، یاد کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۱۳ -۱۲)، الذریعه (۵۰۷ /۴، ۳۷۶- ۳۷۵ /۱)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱۳۵، ۱۳۴ /۱).

محمدی عراقی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر مشـهور به آقا بهاءالدین محمدی فرزند آیت‌اللّه حاج‌آقا بزرگ بن العالم الجلیل حاج شـیخ محمد ابن العلامه الورع حاج شیخ محمدباقر کرهرودی عراقی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.

وی در روز هفتم ماه صـفر ۱۳۴۷ قمری (سالروز ولادت باب‌الحوائـج موسـی بن جعفر علیهاالسـلام) در بیت علم و تقوی در کگناور دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و فراغت دروس جدید ابتدائی مدت یکسال مقدمات و ادبیات را در زادگاه خود در خدمت

والد ماجد و عموی گرامش حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج آقا مجتبی عراقی خوانده و در روز نیمه‌ماه ذی‌القعده ۱۳۶۳ قمری مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از پایان آن در درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و از اول بحث لباس مشکوک تا آخر کتاب صلوه از آن جناب استفاده نموده و نیز کتاب طهاره و خمس و قضاء ایشان را به رشته تحریر آورده و در خلال آن یکدوره از اصول آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی را در دو جلد و بحث مکاسب و بیع معظم‌له را در دو جلد به رشته تحریر اورده و یکدوره اصول هم از محضر آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی استفاده نموده و در اول ماه رمضان ۱۳۸۸ ق مشرف به عتبات عالیات شده و از آنجا حسب‌الامر آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی به کرمانشاه مراجعت و در مدرسه آیت‌اللَّه بروجردی کرمانشاه به تدریس رسائل و مکاسب پرداخته و در مسجد اعتمادی (خیابان خیام) به اقامه جماعت و ترویج دین تا حال حاضر اشتغال دارند.

از آثار و خدمات ایشان گذشته بر تبلیغات تأسیس کتابخانه برای مطالعه عموم مردم بالاخص نسل جوانان می‌باشند و دیگر از باقیات الصالحات آن جناب فرزند برومند و فاضلی به نام آقا شیخ محمود محمدی عراقی از فضلاء جوان حوزه علمیه و فارغ‌التحصیلان مدرسه حقانی (منتظریه) می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محمدی هیدجی، عبدالرحمن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن محمدی هیدجی متولد ۱۳۰۴ شمسی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مخبر، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس مخبر (امام جمعه دزفول) در سال ۱۳۰۷ شمسی در دزفول متولد شده و در شهر خون و قیام و مقاومت در برابر دشمن پرورش یافته و مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و آیات عظام زیر استفاده نموده تا به رتبه‌ای از علم و دانش و حدیث رسیده است.

۱- آیت‌اللَّه معزی دزفولی

۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ منصور سبط شیخ انصاری

۳- آیت‌اللَّه نبوی دزفولی (ره)

مرحوم خبر از دانشمندان و گویندگان مجاهد و مبارز استان خوزستان به ویژه شهرستان دزفول بوده و با بیان گرم مردم را سوق به انقلاب داده و خود سنگری برای به ثمر رسیدن انقلاب بود و همواره پیش قافله و پیش آهنگ مردم مقاوم آن سامان بوده و جدا که زیر توپ و موشک عجیب استقامتی نمود.

و چندی هم امام جمعه این شهرستان بود و هرگز این سنگر را رها نکرد تا در سال ۱۴۱۰ قمری که از دنیا رفته و به اولیاء حق پیوست.

آثاری از تألیفات خود گذارده که از نظرتان می گذرانم.

۱- قاموس الفقه

۲- شرح دعا مکارم‌الاخلاق به اسم مدینه فاضله

۳- امام سجاد (ع) سخنرانی یک ماه رمضان در جامعه اهواز

۴- راهنما و فلسفه حج

۵- شاگردی در مکتب استاد

۶- آغاز دانش

۷- روش نوین در فلسفه

۸- ارمغان شهید ترجمه مسکن الفواد و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مددی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن آیت‌اللَّه آقا سید علی مدد قائنی مددی از دانشمندان معاصر قائن می‌باشد وی در سال ۱۳۴۸ ق هجری در نجف مشرف و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از دراسات خارج آیات عظام چون آیت‌اللَّه اصفهانی و والدش و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در خدمت والدش در سال ۱۳۷۵ قمری به ایران و خراسان آمده و بنابر دعوت و استدعاء مردم بندر پهلوی به آنجا (بندر امام فعلی) عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مددی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن العلامهٔ الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید علی مدد قائینی مددی از علماء موصوف به تقوای معاصر مشهد مقدسند وی در دهم رجب ۱۳۳۹ در نجف متولد و در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و اولیات را نزد فضلاء نجف خوانده و سطوح را از علماء و مدرسین آنجا تکمیل و از خارج ابحاث آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه والدش و آیت‌اللَّه آقا سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در مصاحبت والد مبرورش به مشهد آمده و به تدریس و مباحثات سطوح پرداخته و پس از فوت والدش به جای ایشان به اقامه جماعت در مسجد بالاسر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مدرس بیدآبادی اصفهانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۹ -۱۲۵۴ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به یحیی. معروف به کاشی‌پز. وی از نوادگان ملا محمدباقر محقق سبزواری بود. در کربلا به دنیا آمد. مقدمات را در عراق فراگرفت. در شانزده سالگی به همراه خانواده‌اش به اصفهان رفت و در آنجا ساکن گردید و به تحصیل مقدمات پرداخت. او معاصر با حاج میرزا رضا کرباسی بود. در اصفهان و نجف از محضر علمای بزرگی چون شیخ انصاری و شیخ محمدباقر مسجد شاهی و شیخ محمدباقر همدانی و آقا میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوقی و آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و آخوند ملا محمد کاشانی تلمذ نمود. او علوم غریبه را از ملا هادی سدهی آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی و ادبی و ریاضیات و هیئت و نجوم متبحر بود. او سالها در خانه خود، جنب مسجد سید، حوزه‌ی درس داشت. به عربی و فارسی شعر می‌گفت. در اصفهان درگذشت و در صحن تکیه‌ی میرزا رفیعا دفن شد. از آثارش: «مرآة المصنف»، در شرح حال میرزا محمد رضا کرباسی مؤلف «انیس اللیل»، که در حاشیه‌ی همین کتاب به چاپ رسیده است؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، نزدیک به شش هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۵۴۸ -۵۴۷)، الذریعه (۲۸۷/ ۲۰ ،۱۳۰۸/ ۹ ،۴۶۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۲۰ -۳۲۱۶/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۱ -۸۲۰/ ۶).

مدرس تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۶ ق)، عالم دینی و محقق. معروف به مدرس. در تبریز به دنیا آمد. ادبیات عرب و مقدمات و فقه و اصول را در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز فراگرفت. او ریاضیات را در محضر میرزا عبدالعلی منجم و معقول را در محضر آقا میرزا علی لنکرانی، از شاگردان میرزا ابوالحسن انگجی و آیت‌اللّٰه میرزا صادق مجتهد تبریزی، که هر دو از مراجع تقلید بودند، استفاده نمود. وی از سید محمد حجت تبریزی و سید صدرالدین صدر و شیخ محمدعلی مجتهد شاه‌آبادی و شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران اجازه اجتهاد گرفت و از شیخ محمدحسین آل‌کاشف الغطاء و سید محمدعلی هبة‌الدین شهرستانی و شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت. او مدت دوازده سال، در اواخر عمرش، در مدرسه‌ی سپهسالار تهران به بحث و تألیف و تحقیق پرداخت. در تبریز درگذشت و در طوبائیه دفن شد. از آثارش: «ریحانة الادب»، در شرح حال بیش از پنج هزار نفر از علما و فضلا؛ «کفایة المحصلین»، در شرح «تبصرة المتعلمین» علامه حلی؛ «کفایة المحصلین»، در شرح «تبصرة المتعلمین» علامه حلی؛ «نثر اللآلی»، در شرح «نظم اللآلی» میرابوالقاسم قاری عصر شاه عباس ثانی، در تجوید؛ «غایة المنی فی تحقیق الکنی»؛ «قاموس المعارف»؛ «حیاض الزلائل»، که حاشیه‌ی طهارت «ریاض المسائل» است؛ «فرهنگ نوبهار»؛ «فرهنگ بهارستان»؛ «فرهنگ نگارستان»؛ «الدر الثمین» یا «دیوان

المعصومین (ع)»؛ «امثال و حکم ترکی آذربایجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۴/ ۲۴ ،۹۹/ ۱۸ ،۱۷/ ۱۷ ،۲۱۹، ۱۹۳، ۲۳/ ۱۶ ،۳۴۲/ ۱۱ ،۶۶/ ۸ ،۴۷۵ -۷۴۷/ ۳)، ریحانه (۳۷ -۲ / ۸ ،۲۷۱ -۲۶۹ / ۵)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۹ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵۹ -۱۴۵۷ / ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ مدرس)، مستدرکات اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۱)، معجم المؤلفین (۵۱/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۶ -۳۹۴/ ۴).

مدرس خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد اسماعیل، عالم فاضل، و حکیم محقّق، از مدرّسین مدرسه ی چهارباغ اصفهان است.

در خدمت آقا محمد بید آبادی، و ملا اسماعیل خواجوئی، و حاج سید مهدی بحر العلوم درس خوانده است.

در اعیان الشیعه (۷: ۱۰۳) به نقل از تجربهٔ الاحرار گوید: احدی شرح دروس آقا حسین خوانساری را مانند او تدریس نمی‌نموده است.

وی را کتب و رسائلی است، از آن جمله است:

۱- تعلیقات بر کتاب کافی ۲- تعلیقات بر کتاب من لا یحضره الفقیه ۳- تعلیقات بر تهذیب ۴- تعلیقات بر استبصار ۵- تفسیر قرآن مجید ۶- حاشیه بر تفسیر کاشی ۷- شرح نهج البلاغه؛ و غیره

صاحب عنوان در اواخر ذیحجّه سال ۱۲۰۲ و یا علی المشهور [؟] ۱۲۰۳ وفات یافته، در ایوان علما در نجف اشرف مدفون گردید.

خاندان خاتون آبادی یکی از خانواده‌های علمی و روحانی اصفهان می‌باشد که مدّت چهار قرن در اصفهان ریاست علمی و روحانی داشته و عدّه‌ای کثیر عالم و ادیب و شاعر و مجتهد در بین آنها بوده است که ذیلاً به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس خراسانی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و حکما و مدرّسین حکمت در اصفهان، و از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده، و در شب غرّه ماه صفر سال ۱۲۸۱ وفات یافته است. تدریس کتب حکمت در عصر او بدو منتهی می‌شده است

در مآثر و الآثار (:۱۸۳) درباره گوید: از علمای مشهور اصفهان بود، در فقه و اصول و طبّ و ریاضیّات و ادبیّات جمله مهارت کلّی، و تدرّبی عظیم داشت.

صاحب عنوان: طبیبی فقیه، و فقیهی حکیم، و عالمی ادیب بود. در نزد پدر، و میرسید محمّد شهشهانی، و ملاّ حسین علی تویسرکانی، و میر محمّد صادق کتابفروش، و حاج سید اسداللّه بیدآبادی و دیگران در طبّ و حکمت تحصیل نموده است.

در مداوای بیماران و علاج امراض، نفسی عیسوی داشته، و تدریس طبّ قدیم در زمان او بدون منحصر بوده است.

در ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ قمری وفات یافته، در یکی از اطاقهای غربی تکیه مزبور مدفون شد.

از آثارش کتابی مختصر در وبا به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس قراچه‌داغی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مدرس قراچه‌داغی فرزند حجةالاسلام ملا علی از علماء بزرگ و مدرسین سطوح عالیه تبریز بوده‌اند.

تولـد مرحوم در حدود ۱۲۶۵ قمری- در آوانسرا از مضافات تبریز واقع شـده و مرحوم والـدش ایشـان را در سن چهارده سالگی به تبریز آورده و در مدرسه طالبیه که مرکز محصـلین علوم دینیه آذربایجان است مشغول به تحصیل شد و در سن بیست و پنج سالگی از مقـدمات و سـطوح فارغ گردیـد و مـدت پنـج سال از محضـر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج میرزا محمدعلی بزرگ خاندان قراچه داغی و آیت‌اللّٰه العظمی آقـای حاج میرزا حسن مجتهـد به تحصـیلات خارج فقه و اصول پرداخته و چون عازم رفتن به نجف اشـرف شدند و آیات عظام مذکور ایشان را مستغنی دانسـته و از هجرت به آن سامان منع و امر به تدریس فقه و اصول و ادبیات در حوزه علمیه تبریز نمودنـد و جماعتی از فضـلاء آذربایجان و بالاخص تبریز که بعضـی از آنان در قیـد حیاتند در خدمت ایشان تلمذ نموده‌اند.

سفری در مصاحبت مرحوم شـمس‌العلماء به مکه معظمه مشـرف و پس از مراجعت چنـد روزی در اسـلامبول اقامت نموده و پس از آن مراجعت به تبریز و به تـدریس مشـغول شدنـد و بـا اینکه آن مرحوم معاصـر آیـات عظـام تبریز ماننـد مرحوم آقا سـید ابوالحسـن انگجی و آقا میرزا محسن مجتهد و میرزا صادق و میرزا رضـی زنوزی و حاج سـید محمد مولانا و حاج سـید مرتضـی خسروشاهی و غیر هم بودند درس آن مرحوم شهرت بسزائی داشته و مورد قبول عامه بوده است.

بعـد از قیـام تـبریز در زمـان رضاخـان (زنـدیق قزوینی) که اکثـر معممین مجبـور به تغییر لبـاس و اتحادالشـکل شدنـد. آن مرحوم با تصویب و تائیـد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی به تصدی تدریس معاف از تغییر شده و با لباس مقدس روحانیت انجام وظیفه داده تا در شب چهاردهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ قمری بدرود حیات گفته و بنابر وصیتش در قم در جوار شاهزاده ابراهیم به خاک سپرده شده است.

دارای شـش فرزند ذکور و اناث بوده و دو نفر از دختران آن مرحوم دارای مقام فضل و کمال بوده و در خدمت آن مرحوم تحصیل ادبیات و شرایع نموده بودند.

پسران آن مرحوم که اکنون در قید حیاتند به نام:

۱- ثقةالاسلام والمحدثین حاج میرزا محمود مدرس ساکن تهران و از راه منبر به ارشاد مردم مشغولند.

۲- میرزا محمد ساکن قم که از طلاب قدیمی قم بوده و بعداً به کار فرهنگ و غیره پرداخته و اکنون بازنشسته است.

۳- آقای حاج میرزا علی مدرس که از صلحاء و مقیم شهر ری می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مدرس قمیشه‌ای، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی.

عالم مجاهد جلیل، و مجتهد سیاسی، جامع معقول و منقول، فقیه متکلّم. اصل ایشان از سرایه از دهات کچویه بلوک اردستان می‌باشد، به شهرضا منتقل شده و میر عبدالباقی در آنجا از دنیا رفته و مدفون شده است.

مدّرس در حدود سال ۱۲۸۷ در سرایه متولّد گردیده، و در نزد پدرش که از افاضل خطبا و فضلا بوده مقدّمات علوم را بیاموخته، در شش سالگی به اتفّاق خاندانش به شهرضا منتقل گردید. در حدود ۱۳۰۸ پدرش وفات یافته است.

مشارالیه مدّت سیزده سال در اصفهان نزد فضلای این شهر مانند: میرزا عبدالعلی نحوی، و جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آقا محمود مغنی و دیگران تحصیل نموده، و مدّت هفت سال در نجف به درس آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و ملاّ علی نهاوندی حاضر شده، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه جدّه سکونت کرده، و در فقه و اصول به تدریس اشتغال جسته.

سپس در دوره دوّم انتخابات مجلس شورای ملّی، به عنوان مجتهد طراز اول از طرف علما انتخاب و شرکت نموده، و در دوره بعد، از طرف مردم طهران انتخاب گردیده، و جمعاً ۵ دوره در مجلس شرکت داشته، ضمناً در مدرسه سپهسالار نیز تدریس می‌نموده است.

در این ادوار به عنوان لیدر اقلّیّت شناخته شده، و دو مرتبه او را می‌خواسته‌اند ترور کنند که در هر دو دفعه جان بدر برده. سالها در شهرهای مختلف زندان بوده، سرانجام در شب ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۳۵۷ در کاشمر شهید شده، در امام زاده آنجا مدفون گردید.

آقای ابراهیم خواجه نوری در کتاب: «بازیگران عصر طلایی»، و آقای حسین مکّی در کتاب: «مدّرس قهرمان آزادی»، و آقای عبدالحسین هوشمند راد شیرازی در کتاب «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس»، و مرحوم عبداللَّه مستوفی در «شرح زندگانی من» و دیگران شرح حال او را نوشته‌اند، طالبین مراجعه نمایند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس یزدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مدرس یزدی از علماء اعلام و مدرسین عظام حوزه علمیه مشهد مقدس بودند.

وی در سال ۱۲۸۲ و یا ۸۳ قمری در یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به مشهد نموده و متون فقهی را تکمیل و به درس خارج مرحوم آقازاده کفائی و آیت‌اللَّه قمی و آیات دیگر شرکت نموده و از مبانی علمی آنان بهره‌ها برده و ضمنا به تدریس سطوح متوسط و عالی پرداخته و غالب فضلاء خراسان از محضرش استفاده نموده و هم در مسجد حاج ملا هاشم اقامه جماعت نموده تا در هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۹۱ قمری بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه مجلل و کم‌نظیری در دارالسیاده حضرت رضا (ع) مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم مدرس یزدی عالمی پارسا و متقی و مورد توجه عموم مردم مشـهد و بالاخص حوزه علمیه بودند و در مراسم تشییعش بیش از بیست هزار نفر شرکت نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس یزدی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد حسن بن میرزا محمدعلی مدرس یزدی از شاگردان مرحوم صاحب جواهر است و در علم و دانش مقامی ارجمند دارد. از آثار علمی اوست کتاب شوارع‌الاسـلام الی شرایع‌الاسـلام که بعض از کتب شـرایع محقق را شرح کرده است. وی در سن سی سالگی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد آقا محمـد. عالم فاضل محقّق زاهـد متّقی، تمام سـطوح فقه و ادبیّات عرب را در مـدرسه صـدر تدریس می‌فرموده، و عدّه‌ای کثیر از محضرش مستفید می‌شدند. عمری را به قناعت و زهد و استغنای طبع گذرانید، و از راه تصحیح کتب، اعاشه می‌فرمود.

در ۱۵ شعبان سال ۱۳۵۳ وفات یافته، در یکی از اطاقهای شمالی تکیه بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال بن حجة‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا احمد مدرس یزدی از علماء ابرار و فضلاء اخیار مشهد بودند.

وی در سال ۱۳۲۷ قمری متولـد شـده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات از درس خارج آیات و مدرسـین بزرگ اسـتفاده نموده و خود به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت نموده تا در ۲۳ محرم سال ۱۳۷۹ قمری از دنیا رفته و در غرفه آخر شمالی صحن عتیق مدفون گردیدند.

دارای طبع شـعر بودنـد و گاه و بیگاه اشـعاری در مدح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السـلام می‌سـرودند از آثار او دیوان کوچکی موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر سید حسن مدرس. عالم فاضل صالح، در ۱۲۵۳ متولّد، و در ۱۳۱۹ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید. مقدّمات علوم را در اصفهان آموخته، و در سال ۱۲۷۱ به عتبات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، و نزد شیخ انصاری و دیگران تحصیل نموده، و در ۱۲۹۱ به اصفهان مراجعت کرده، به درس و بحث و اقامه جماعت پرداخته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرسی سعیدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن سید هاشم بن محمد بن محمدعلی بن علینقی بن حسین بن محمدسعید بن محمدامین بن محمدکبیر بن محمدرضی بن محمدمحسن بن غیاث‌الدین الحسینی الحسنی: از علماء و ائمه جماعت شهرستان یزد بودند.
وی در روز یکشنبه ۲۸ ج ۲ سال ۱۲۸۴ قمری در یزد به دنیا آمده و در همانجا تحصیل علم و کمال نموده و از محضر علماء بزرگ شهرستان یزد مانند ابوالزوجه‌اش آیت‌اللّه حاج سید مرتضی مدرس و دیگران استفاده علمی نموده و بعد به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا در شب جمعه ۱۸ محرم ۱۳۶۵ قمری که در سن ۷۱ سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره عطارها واقع در قبرستان (جوی هرهر) یزد مدفون شده است.
آن مرحوم دارای دو پسر که از دانشمندان و مروجین معاصرند و یک دختر که همسر مرحوم مبرور حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدتقی محققی لاهیجانی که حدود ده سال از طرف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رهبری مردم مسلمان (هامبورک) آلمان را داشتند بودند.
آقای محققی داماد مرحوم آیت‌اللّه مدرس سعیدی از دانشمندان روشنفکر و دارای علوم قدیم و جدید و استاد در علم هندسه و هیئت و تشریح در قم بودند و سالها در مسجد مرحوم سعیدی در یزد اقامه جماعت می‌نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مدرسی حسنی طباطبائی یزدی فرزند آیت‌اللّه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی (طاب‌اللّه ثراه) از علماء محترم و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف در قم می‌باشند.

ایشان در شب جمعه اول جمادی‌الاول سال ۱۳۵۸ قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در سن هفت سالگی به مکتب خانه قدیم رفته و در مدت چهار سال خواندن و نوشتن را تکمیل نموده و به تحصیل مقدمات پرداخته و در خدمت والد ماجدش و نیز داماد بزرگشان حاج سید محمدباقر مدرسی ادبیات را به پایان رسانیده و سطوح متوسطه و نهائی را در خدمت حاج شیخ علی‌اصغر اراکی و آیت‌اللّٰه حاج سید مرتضی خلخالی خوانده و نیز خیارات مکاسب را در خدمت آیت‌اللّٰه حاج شیخ غلامرضای باقری نجف‌آبادی (مقیم مشهد مقدس) تلمذ نموده و جلدین کفایه را از محضر والدش استفاده نموده و به درس خارج اصول آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمود شاهرودی شرکت و هم به خارج اصول و فقه والد خود حاضر شده و در سال ۱۳۸۳ قمری به دریافت اجازه اجتهاد مطلق از مرحوم آقای شاهرودی و والد بزرگوارش نائل گردیده و در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که والدش فوت کردند به درس خارج اصول آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسن بجنوردی حاضر شده و یکدوره اصول را از ایشان استفاده نموده و هم از محضر آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر زنجانی بهره‌مند و چندی هم از ابحاث فقه مرحوم آیت اللّٰه العظمی حاج سید محسن حکیم استفاده کرده و عمده مبنا و آراء ایشان همان نظریات و مبانی والد بزرگوارش حاج سید یحیی مرحوم بوده و می‌باشد و حضور در دراسات آیات عظام مذکور مبدل و مغیر نظریات ایشان نشده بلکه بیشتر معتقد به صحت مبناء آن مرحوم گردیده و در سن بیست و پنج سالگی مشغول به تدریس خارج فقه و اصول شده و پس از تسفیر به ایران هم که در حوزه علمیه قم اقامت نموده به گفتن درس خارج اشتغال دارند و عده‌ای از محضرشان استفاده می‌کنند.

آثار علمی ایشان

۱- حاشیه بر عروه الوثقی علامه یزدی از اول تا آخر.

۲- کتاب مضاربه در حدود هشت صد صفحه که آماده چاپ است.

والد ماجدشان آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی یکی از اکابر فقهاء و مجتهدین بیت جلیل مدرسی یزدی بوده‌اند. ایشان در یزد متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح نهائی در سال ۱۳۴۱ قمری راس دومین سال تأسیس حوزه علمیه قم از یزد به قم آمده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری مجتهدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و مستقیما به درس مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت و استفاده نموده و خود مستقیما به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از اساتید و مدرسین بزرگ حوزه علمیه گردیده تا در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که بدرود حیات گفته و در جوار جد گرامیش در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمند بوده است.

۱- جناب حاج سید محمدعلی یاد شده.

۲- حاج سید عباس مدرسی یزدی که ذکرش درگذشت.

سید محمدعلی متولد ۱۳۵۸ ق از فضلاء حوزه علمیه نجف و مانند والدش دارای ملکات فاضله و اخلاق حمیده و متواضع می‌باشد از آثار اوست تقریرات درس والدش در فقه و اصول و نیز تقریرات مرحوم آیت‌اللّٰه شاهرودی و آیت‌اللّٰه بجنوردی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فرزند فاضل کامل آقا سید محمد مدرس طباطبائی یزدی از سلسله جلیله مدرسیه از علماء معاصر یزد است.

وی در سال ۱۲۹۵ قمری متولد و پس از دوران مکتب و پرورش در حجر والد مبرورش که از علماء معروف یزد به شمار می‌رفتند تربیت علمی و اخلاقی یافته و نیز از محضر اساتید دیگر یزد کسب مقدمات و فقه نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید یحیی موسوی که از مفاخر علماء و آیات عظام یزد بودند بالغ بیست سال استفاده نموده و سالیان دراز در مدرسه مصلی صفدرخان به تدریس سطوح پرداخته و عده بسیاری که به مقامات عالیه علمی نائل شدند از محضر ایشان کسب علم و فیض نموده‌اند.

و نیز ایشان سالهای متمادی در مسجد مصلی و مسجد بیاقخان و مسجد فرط در سه وقت اقامه جماعت نموده و ضمنا مردم را با بیانات خود مستفیض می‌نمودند و در طول عمر جز به کار تحصیل و تدریس و امامت اشتغال نداشتند تا در اواخر عمر که به واسطه ضعف و کسالت بستری و متقاعد از خدمت گردیده و بالاخره در سال ۱۳۸۰ قمری وفات و در جنب امامزاده جعفر یزد مدفون و از خود دو فرزند روحانی به نام آقا سید محمد و آقا سید جواد به یادگار گذارده که هر دو به انجام وظائف روحانی خود موفق می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد مدرسی فرزند حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید احمد مدرسی مذکور از ائمه جماعت معاصر یزد می‌باشند.

وی در سال ۱۳۴۴ قمری در یزد متولد شده و در تحصیلات ابتدائی و فارسی را تا حدود کلاس ۹ خوانده و پس از آن به تحصیل علوم دینی پرداخته و بیشتر از مرحوم والدش استفاده نموده.

و چند ماه قبل از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی در سال ۱۳۶۴ ق در سن بیست سالگی به قم مهاجرت و از محضر اساتید بزرگ بالخصوص مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا روح‌اللّٰه کمالوند و آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی بهره‌مند شده و بعد از آن از ابحاث مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه گلپایگانی مستفیض گردیده.

ولی به واسطه عروض کسالت در سال ۱۳۷۲ قمری به یزد مراجعت و تا هم‌اکنون به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل امامت در مسجد بیاق‌خان و تدریس در جامع امیر چقماق و مدرسه مصلی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین مدرسی یزدی فرزند مرحوم عالم ربانی حجهٔالاسلام حاج سید محمود مدرسی یزدی (داماد معظم آیت‌اللّٰه حاج آقا مجدالدین محلاتی شیرازی) یکی از چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل و متانت و مناعت طبع و

بزرگواری آراسته است و اکنون سالیان دراز است که در آمریکا (واشنگتن) به خدمات دینی و فرهنگی در آن منطقه باختری اشتغال دارد و خدمات چشمگیری هم انجام داده است.

آقای مدرسی در سال ۱۳۱۴ شمسی در قم به دنیا آمده و در بیت دانش و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه و عالیه را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه آموخته و چند سالی هم از دروس آیات عظام استفاده کرده و زبان انگلیسی و غیره را نیز فراگرفته و برای خدمت بیشتر سفر به اروپا و امریکا نموده و چندین سالست که در امریکا و در دانشگاه واشنگتن اشتغال به تدریس علوم و فنون اسلامی و تبلیغ احکام و ترویج دین مبین اسلام و تنویر افکار دانشجویان و غیره دارند.

آقای مدرسی با بیت شریف محلاتی شیراز وصلت نموده و صبیه آیت‌اللّه حاج شیخ مجدالدین محلاتی فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی را در اختیار دارند و بسیار مورد علاقه این بیت مخصوصا پدر همسر خود می‌باشند.

آقای مدرسی دارای تألیفات ارزنده هستند که به زبان فارسی و انگلیسی به طبع رسیده است و متاسفانه تاکنون فهرست آن به دست حقیر نرسیده که در اینجا منعکس نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس متولد ۱۳۶۳ ق فاضلی جلیل و خوش مجلس و محاوره و مانند برادر مذکورش دارای محامد اخلاق می‌باشد از آثار او تقریرات درس میرزا باقر زنجانی در فقه و اصول و رساله‌ای در فروع علم اجمالی و رساله‌ای در جوائز سلطان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن آیت‌اللّه آقا سید احمد مدرسی متولد ۱۳۳۵ قمری از علماء و ائمه جماعت معاصر یزدند.

وی غالب تحصیلاتش را در یزد از مرحوم والدش فراگرفته و پس از آن به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی استفاده نموده و بعد به واسطه عوارضی به یزد مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا سید علی مدرس که از مفاخر علماء شیعه در عصر خود بودند و نیز آیت‌اللّه حاج میرزا آقا مدرس فرزند گرامی آن مرحوم استفاده نموده سپس در مدرسه مصلی یزد به تدریس سطوح عالی پرداخته و در مسجد فرط اقامه جماعت نموده و قریب بیست سال است که در تابستانها در طرزجان یزد که نسبتا منطقه ییلاقی آنجاست امامت و تدریس در مدرسه علمیه توفیقیه که به همت و مساعی جمیله ایشان بنا شده می‌نمایند.

دارای چهار پسر به نامهای زیر ۱- آقا سید محمدحسین که از محصلین علوم دینیه است ۲- آقا سید محمدصادق ۳- آقا سید

محمدکاظم ۴- آقا سید احمد می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مدرسی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اصحاب عالیمقدار مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی بوده که در قم می‌زیسته و به فضل و تقوا و پرهیزکاری موصوف بوده فرزندان ارجمندی دارد که در میان آنها آقای حاج سید حسین مدرسی از افاضل محصلین و نویسندگان بنام حوزه علمیه است و تالیفات مطبوع و مخطوطی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدقق خراسانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر واعظ معروف (به حاج مدقق) از اساتید منبر و بزرگان وعاظ مشهد و خراسان بودند. آن مرحوم عمری را در جوار حضرت رضا (ع) به تبلیغ دین و تنویر افکار و نشر معارف اسلام گذرانیده و بعد از ۱۳۸۰ قمری وفات نموده و در آستانه مقدسه رضوی به خاک رفته است. از یادگارها و باقیات الصالحات او فرزند ارجمندش جناب دانشمند گرامی آقای حاج شیخ محمد مدقق است که از وعاظ و محدثین معاصر می‌باشد و چند سالست که از مشهد به تهران منتقل و اشتغال به منبر و خدمات دینی و تبلیغی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد مدنی گنابادی از علماء مبارز و مروجین مجاهد معاصر خراسانست در شهرستان گناباد. وی در حدود ۱۳۴۵ قمری در گناباد به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در مشهد مقدس و استفاده از محاضر مدرسین حوزه علمیه مشهد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی فقهاً و اصولاً استفاده کامل نموده و مفتخر به دریافت اجازات و مدارک علمی شده سپس مراجعت به ایران و زادگاه خود منطقه گناباد که مرکز تبلیغات سوء و خرافات و موهومات صوفیهای گنابادی (ملا سلطانعلی) و فرزند ضال و گمراه او شده بودند و نیاز کامل و احتیاج مبرمی به یک رهبر صالح و آگاه و مبلغ مبارز و مجاهد پارسائی مانند ایشان داشت و جداً به مضمون و مفاد آیه نفر (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم...) مصداق آن بود نموده و به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و بدعتهای صوفیها را فاش و برملا

کرده و سرسختانه بـا آن مبـارزه نموده به طوری که در آن منطقه خـط بطلان بر آنان کشـیده و عموم مردم آن ناحیه را روشن و از گمراه شدن نجات و از تبلیغات باطله آنان جلوگیری به عمل آورده است.

آقـای مـدنی گذشـته از مبـارزه با دراویش و صوفی گری خـدمات چشم گیری در مناطق آسـیب دیـده و زلزله‌زده قاینات و گناباد و طبس از خانه‌سازی و تـداوی مجروحین و مصـدومین حادثه مولمه زلزله نموده و عده‌ای را از مرگ نجات داده و کمکهای بسـیاری به نجـات یافته گـان از مرگ نموده و در انقلاـب اخیر ایران هم در آن منطقه سـهم بزرگی دارد زیرا رهبری رزمنـدگان و جوانـان و مردم غیور و مسـلمان مبارز آن حدود بر علیه طاغوت و عمال جنایتکار آن را به عهده داشته و قاطعانه با رژیم کثیف شاهنشاهی شاه مخلوع (محمـدرضا پهلوی) پیکـار نموده تـا به فضل خـدا پیروزی و سـقوط سـلطنت دیکتاتوری و اعلام جمهوری اسـلام به رهبری آیت‌اللّه العظمی امام خمینی مدظله گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مراغه ای، سعادت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سعادت مراغه‌ای از علماء خدوم و مبارز آذربایجان است در شهرستان مراغه. ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در یکی از مضافات مراغه به دنیا آمـده و پس از خواندن اولیات در شـهر مراغه به تبریز عزیمت و از آنجا مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سـطوح از مدرسـین بزرگ به درس خـارج آیات عظام مرحوم بروجردی و آیت‌اللّه شـریعتمداری و دیگران حاضـر شـده و از محاضـر آنان اسـتفاده‌ها نموده آنگـاه به وطن مراجعت و به خـدمات دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته و در اثر فعالیتهای طاقت‌فرسا و حسن نیت محبوبیت خاصی پیدا نموده و مورد اعتماد مراجع و بالاخص آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری گردیده.

حاج آقای سعادت در مراغه و حومه آن آثار زیادی از خود به یادگار گذارده و همواره درب منزلش به‌روی مردم آشنا و بیگانه باز و با آغوش باز از واردین پذیرائی و سعی بلیغ در انجام مقاصد آنان می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مراغه‌ای، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم مراغه (داماد مرحوم شیخ مرتضی برادر محدث قمی حاج شیخ عباس) از علماء قدماء حوزه علمیه قم و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران می‌باشند وی عالمی فاضل و دانشمندی ورع و متقی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مراغه‌ای از علماء و ائمه جماعت معاصر مراغه است.

وی در مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و اولیات و قسمتی از سطوح در مراغه و تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت کوهکمری فقها و اصولا استفاده نموده و بعد مراجعت به مراغه و تاکنون به خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آشیخ میرزا رضا مراغه‌ای عالمی جلیل و فاضلی کامل از معاصرین معروف (به صدر مراغه‌ای) بوده و در مراغه خدمات بسیار و ترویج بی‌شمار نموده تا بعد ۱۳۳۵ به رحمت حق پیوسته

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، طرماح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ طرماح مراغه‌ای عالمی فاضل و خطیبی کبیر از ائمه جماعت مراغه بوده و در مسجد (آقا محمدتقی) اقامه جماعت داشته و در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عباسعلی مشهور (بثقه‌الاسلام) بن شیخ عبدالائمه بن ملا زین‌العابدین بن ملامحمد مجتهد مراغه‌ای متولد ۱۳۰۳ فقیهی بارع و عالمی فاضل از شاگردان آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی بوده و در سال ۱۳۲۶ به مراغه مراجعت و مرجعیت عامه پیدا نموده تا در ۲۵ ذی‌القعده ۱۳۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عبدالائمه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالائمه بن ملا زین‌العابدین مشهور به حاج ملازینال بن ملامحمد مجتهد مراغه‌ای متولد ۱۲۵۵ ق عالمی جلیل از شاگردان علامه حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی در کربلا بوده و در سال ۱۳۰۵ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن ملا- عباسعلی مراغه‌ای عالمی فقیه و زاهدی عابد از شاگردان ملا- محمد فاضل ایروانی در نجف و میرزا بزرگ شیرازی در سامرا بوده و در مراغه ریاست و مورد توجه عموم بالخصوص نماز جماعتش پرجمعیت و بااهمیت بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن آغا جعفر (پیش نماز) بن ملا- عباسعلی بن آغا جعفر بنابی مراغه‌ای عالمی بزرگ بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده. مرحوم جدش ملاعباسعلی صاحب مسجد و موقوفات و آثار خیر بسیاری بوده که تاکنون باقی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، اسحاق

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسحاق مراغی از اجلاء علماء و معروف به مجتهد مراغی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن عباسعلی بن جعفر مراغی بنابی عالمی بزرگ معروف به پیشنماز بوده و در حدود ۱۲۸۰ ق به رحمت حق پیوسته و مرحوم والدش ملاعباسعلی از بزرگان علماء و اهل تصنیف و صاحب کرامت بوده و در حدود ۱۲۶۰ وفات نموده است.

وی فرزند دانشمند و خطیبی به نام آشیخ محمدعلی داشته که در سال ۱۳۳۷ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مراغی از علماء ادباء و اتقیا و مقدسین مراغه و بسیار متعصب و متصلب در دین بوده و در حدود ۱۳۳۰ قمری وفات نموده و مسجد آقا محمدتقی مراغه منسوب به ایشانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرتضوی کرونی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسین بن سید عبدالله.

عالم جلیل، و محدث بی‌بدیل، فقیه ادیب مفسر متکلم، از مفاخر علمی عصر حاضر. در اصفهان و طهران و نجف اشرف تحصیل نموده، به اصفهان مهاجرت کرده، و پس از سال‌ها به طهران منتقل شده، و تا آخر عمر در آن شهر به وعظ و ارشاد و تفسیر پرداخته، جلسه‌ی تفسیر قرآن ایشان از هر حیث ممتاز بوده، و عده‌ای زیاد از فضلا از آن مستفید می‌شدند.

در ذی قعده‌ی سال ۱۳۶۷ به سن متجاوز از هفتاد و پنج سالگی در طهران وفات یافته، در قم مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مرتضوی میانجی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی و مصحح. در یکی از روستاهای میانه‌ی آذربایجان به دنیا آمد. مقدمات را در قم فراگرفت و در ۱۳۵۵ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه خویی استفاده نمود. در حدود ۱۳۶۹ ق

به ایران آمد و در تهران سکنی گزید و در یکی از مساجد به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «العیون العبری»، در مقتل سید الشهداء (ع)؛ «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام»، در حالات چهارده معصوم (ع)؛ تصحیح کتابهای «وسائل الشیعه»، « شرح نهج‌البلاغه» خوئی، «احقاق الحق» آیت‌اللّه مرعشی و کتاب «بحارالانوار» علامه مجلسی؛ مقدمه و پاورقی بر کتاب «حقایق» علامه فیض کاشانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۷ -۵۷۶/ ۴).

مرتضوی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مرتضوی است که از افاضل خطباء و رعاظ معاصر تهران می‌باشند.

ایشان در تهران متولد شده و در بیت چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح فقه و اصول را از اساتید و مدرسین فراگرفته و از راه منبر به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام بالاخص اهل‌البیت علیهم‌السلام با بیانی شیوا پرداخته و شنوندگان و شیفتگان خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان را مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و واقعا مصداق حدیث شریف نبوی صلوات اللّه علیه و آله هستند. (و ولد صالح یستغفر له).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین مرتضوی معروف به حاج آقا کمال مرتضوی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل مرحوم حاج سید محمدکاظم مرتضوی انار اللّه برهانه از معاریف دانشمندان و مشاهیر علماء و گویندگان تهرانست. مرحوم والدش میلاد او را چنین یاد نموده است.

ولادت نور چشم سید محمدحسین ملقب به کمال‌الدین صانه اللّه عن آفات السموات والارضین وجعله من العلماء العاملین لشریعه جده سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله الطاهرین خاتم النبیین و المهتدین بعده امیرالمؤمنین واحد عشر من ولده ائمه المعصومین، بعد طلوع صبح صادق من شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ هجری قمری واقع شده.

وی پس از پرورش در بیت و حجر چنین پدر بزرگواری دروس اولیه و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم آموخته سپس به تهران برگشته به خدمات دینی از قبیل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه خیابان هفده شهریور (شهباز سابق) و گفتن تفسیر و معارف اسلامی و معارف اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و از این راه ایفاء وظیفه نموده تا در این اواخر که به واسطه کسالت اعصاب حلیف بیت و جلیس خانه‌اش گردیده است.

دارای تألیفاتی مخطوط می‌باشند که به واسطه کسالت و موانع دیگر ناتمام مانده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی نجفی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدجواد ملقب به نجم‌الدین مرعشی نجفی سومین فرزند آیت‌اللّه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره، در فروردین ۱۳۲۶ شمسی دیده به جهان گشوده، و در حجر و دامن مادر عفیفه و با تقوایش صبیه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا عباس فقیه مبرقع مدفون در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام که نوه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبائی برادر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده پرورش یافته و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه و گرفتن دیپلم به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را از اساتید یاد شده:

حاج شیخ مهدی بیگدلی و حاج سید محمدتقی جواهری و حاج شیخ محمدصادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و آقای صلواتی و علوی گرگانی و قسمت عمده سطح و خارج فقه و اصول را از محضر والد ماجدش استفاده نموده و در زمان حیات آن بزرگوار به امر معظم‌له در دو نوبت صبح و ظهر به جای ایشان در مسجد بالا ـ سر و مسجد موزه آستانه مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام اقامه جماعت نموده و پس از رحلت آن بزرگوار در شبها هم به جای ایشان نماز و مانند زمان آن مرحوم مردم مجاور قم و غیره به نماز او اقبال و توجه و از جهت کثرت اول نماز جماعت قم می‌باشد.

ایشان مضافا بر فضیلت نسبی شرافت سببی هم دارند زیرا داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدعلی سبط انصاری از علماء محترم تهران و مدرس و امام مسجد و مدرسه مروی تهران می‌باشند که آن مرحوم داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدحسین و مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا مصطفی و حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا مسیح مسجد جامعی بوده‌اند.

از طرف مرحوم والدش متولی و سرپرست مدرسه مؤمنیه و مدرسه مهدیه و حسینیه آن مرحوم می‌باشد.

آثار و تألیفات ایشان

مترجم محترم ما دارای تألیفات ارزنده‌ای هستند که از نظر خوانندگان می‌گذرانم .

۱- چهره درخشان امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف (در ترجمه الزام الناصب ۳ جلد).

۲- نهضت خونین حسین علیه‌السلام ترجمه مع الحسین فی نهضه سید حیدر ۱ جلد.

۳- مناقب امام امیرالمؤمنین (ع) ترجمه مناقب ابن مغازلی.

۴- قهرمان کربلا زینب کبری (ع) ترجمه السیده زینب.

۵- اخبار الزینبات یحیی عبیدلی.

۶- خورشید پنهان ترجمه البیان گنجی شافعی- که همه اینها به طبع رسیده است.

آثار مخطوط

۱- رساله راس الحسین علیه‌السلام.

۲- تقریرات درس والدشان کتاب حدود و قصاص و دیات وارث و ودیعه.

۳- شروح کتب درسی تقریر درس آقای کریمی.

۴- ترجمه لالی الاخبار تویسرکانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید اسمعیل بن العلامه العلام آیه‌الله فی‌الانام حاج سید احمد مرعشی نزیل سامری از علماء خدوم و مروجین اسلام و خدمتگزاران حقیقی معاصر است در شهرستان اهواز.

وی در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۴۰ قمری در سامری متولد شده و در سن ۷ سالگی قرآن و تجوید آن را نزد یک نفر از قراء جماعت اهل سنت سامری فرا گرفته و دروس فارسی را نزد آقای شیخ ابوالقاسم مروج یزدی آموخته آنگاه در کاظمین دروس ابتدائی و متوسطه را فرا گرفته و با مرحوم والدش بسامری مراجعت و بتحصیل علوم عربی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین سامرا آقای شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکوئی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصرالله گلستان اصفهانی و مرحوم آیه‌الله میرزا حبیب‌الله اشتهاردی و آیه‌الله حاج سید محمد رضا شوشتری و حکمت را از مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمود شیرازی فرا گرفته و در نجف اشرف بدرس خارج مرجع اعلی آیه‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیه‌الله کاشف الغطاء و در اهواز مدت ده سال در درس آیه‌الله العظمی بهبهانی حاضر شده تا بدرجه رفیعه علم و اجتهاد نائل و از بعضی از اساتید مذکور مفتخر باجازه اجتهاد گردیده است.

در ماه رمضان ۱۳۷۲ قمری بمشهد مقدس مشرف و چند ماهی توقف و در محضر علماء اعلام شهر حاضر و در کتابخانه آستانه قدس بمطالعات کتب متفرقه در علوم مختلفه مشغول و در همانجا شروع بتألیف شرح مبسوط اربعین حدیث گردیده و در سال ۱۳۷۳ قمری بنا بر دعوت اهالی شهرستان اهواز و بالاخص سادات مرعشی و امر عموی معظم آیه‌الله حاج سید محمود مرعشی مقیم قم باهواز مراجعت و در مسجد آیه‌الله مرعشی مزبور اقامه جماعت و نماز جمعه نموده و ضمنا بتدریس طلاب علوم دینیه پرداخته و در سال ۱۳۸۱ قمری بکمک اهالی اهواز بناء مدرسه علمیه مرعشی را در خیابان کاوه اهواز گذارده و اکنون دارای چهل نفر طلبه میباشد که مشغول بتحصیل علوم دینیه میباشند و در ایام تعطیل جهت تبلیغ اعزام بدهات اطراف میشوند.

جناب حجه‌الاسلام حاج سید جمال‌الدین صهری واعظ شهیر اصفهان در بناء و ماده تاریخ مدرسه مزبور گفته است.

دین و دانش خطه‌ی اهواز را آراست بزم

با جنود جهل و نادانی بسختی داشت رزم

رایت حق جعفر صادق نهاد این پایه را

بانی خیر و فقیه مرعشی با جد و حزم

بهر تاریخ بنایش خامه صهری سرود

آفتاب علم در اهواز طالع شد بعزم

۱۳۸۱ قمری

آثار و تألیفات آنجناب از این قرار است:

۱- شرح کتاب اربعین حدیث ۲- ترجمه استدراک فصل الخطاب حاجی نوری ۳- عنوان الطاعه فی اقامه الجمعه والجماعه عربی

استدلالی ۴- اجوبه المسائل التستریه. ۵- حاشیه بر لمعه و بر شرح آن ۶- کتابی از مبدء تا معاد سه جلد در معارف و اصول عقاید که جلد اول آن بچاپ رسیده است.

اجازات اجتهاد و روایتی معظم‌له از آیه‌الله مدرس شیرازی سامره و آیه‌الله کاشف الغطماء و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله بروجردی خداوند بر توفیقات این مؤسس محترم علمّیه مرعشی بیافزاید و وجود ذیجودش را برای مسلمین باقی بدارد.

(تو ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی. در سامرا به دنیا آمد. قرآن و تجوید را نزد یکی از قراء اهل سنت و دروس فارسی را نزد شیخ ابوالقاسم مروج یزدی فراگرفت. آنگاه به کاظمین رفت و در آنجا دروس ابتدایی و متوسطه را تحصیل نمود. سپس به سامراء بازگشت و به تحصیل علوم عربی پرداخت. ادبیات و سطوح را در محضر آقا شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکویی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصراللّه گلستان اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه اشتهاردی و آیت‌اللّه سید محمدرضا شوشتری و حکمت را در محضر آیت‌اللّه حاج میرزا محمود شیرازی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و در درس خارج آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه کاشف الغطاء شرکت نمود. او همچنین مدت ده سال نیز در اهواز در درس آیت‌اللّه بهبهانی شرکت کرد و به مقام اجتهاد نایل گشت و از آیت‌اللّه کاشف الغطاء و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه بروجردی اجازه گرفت. در ۱۳۷۲ ق به مشهد رفت و در همان جا به تحقیق و نیز تألف «شرح اربعین حدیث» پرداخت. در ۱۳۷۳ ق به دعوت سادات مرعشی ساکن اهواز و مردم آن شهر و به امر عمویش، آیت‌اللّه سید محمود مرعشی، به اهواز رفت و در مسجد آیت‌اللّه مرعشی به اقامه‌ی جماعت و به تدریس پرداخت. در ۱۳۸۱ ق مدرسه‌ی علمیه مرعشی را به کمک مردم در اهواز بنا نمود. از دیگر آثارش: «عنوان الطاعهٔ فی اقامهٔ الجمعهٔ و الجماعهٔ»، استدلالی به عربی؛ «اجوبهٔ المسائل التستریهٔ»؛ حاشیه بر «لمعه» و بر شرح آن؛ «از مبداء تا معاد»، در معارف و اصول عقاید، در سه مجلد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶ -۱۵۴/ ۳).

مرعشی، کمال‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۹۴ ق)، عالم و شاعر، متخلص به محزون. وی دومین پادشاه از سلسله‌ی سادات مرعشیه‌ی طبرستان و فرزند میر قوام‌الدین مشهور به میربزرگ و از نوادگان سید علی مرعش بود. او در حدیث، فقه، اصول، عرفان، معقول، تجوید و ریاضیات متبحر بود و به خوبی شعر می‌گفت. در ۷۹۴ ق در جنگ با امیر تیمور گورکانی (م ۸۰۷ ق) خود و نزدیکانش به اسارت درآمدند. از آثارش: «زاد القراء»، در تجوید؛ «هدایهٔ الادیب»، در علوم بلاغت؛ «منیهٔ الحکیم»، در حکمت؛ «دلیل الحیران»، در سیر و سلوک؛ «بغیهٔ الفقیه»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۹ / ۲۵ ،۲۰۲ / ۲۳ ،۶ / ۱۲ ،۲۵۷ / ۸)، ریحانه (۲۹۱ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۸ / ۸)، مجالس المؤمنین (۳۸۱ -۳۸۰/ ۲)، معجم المؤلفین (۴۱۴/ ۱۳).

مرندی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن مرندی عالمی فاضل از شاگردان فاضل شربیانی و معاصرین او بود، و بعد از فوت آن مرحوم به ایران مراجعت و در زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم) شهر ری رحل اقامت افکند، و در صحن مطهر اقامه جماعت داشت و مردم ری و تهران به او اقبال و توجه مخصوصی داشتند.

آن مرحوم در محرم سال ۱۳۴۹ ق به رحمت حق پیوست و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار مدفون گردید.

از تالیفات وی کتاب ۱- نوارالانوار در چند مجلد به طبع رسیده ۲- بستان الابرار و یالمعات الانوار ۳- مجمع النورین ۴- لوامع الانوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل بن نجف حسینی مرندی تبریزی عالمی جلیل و معمر از شاگردان شیخ انصاری بوده و در ۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۸ وفات نموده. تالیفات علمی بسیاری داشته که از آنهاست.

۱- رساله‌ای در تعادل و تراجیح ۲- درر الفوائد در اخلاق ۳- مفتاح‌الریاض ۴- الموازین در شرح قوانین و کتب دیگر که در نزد احفادش در تبریز موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن ملاحسین مرندی متولد ۱۲۱۶ ق و متوفی ۱۳۲۰ ق عالمی معمر بوده و در سن یکصد و چهار سالگی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید صادق الحسینی المرندی بن العالم الجلیل میر ابراهیم ابن السید شریف السید علی بن السید الجلیل الحاج السید

زین‌العابدین الحسینی المرندی از فضلاء نویسندگان حوزه علمیه قم است، وی در حدود سال ۱۳۵۰ ق در بلده مرند متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات فارسی از مرحوم والدش و مرحوم ملا-زین‌العابدین و مروج الاحکام آقای شیخ حسن و غیره فراگرفته و در سن ۱۲ سالگی به تبریز آمده و به مدرسه طالبیه اقامت و دوره صرف و نحو و معانی بیان و منطق را تا مقداری از قوانین الاصول و رسائل شیخ انصاری و کشف‌المراد علامه را از اساتید بزرگ خوانده تا ماه صفر سال ۱۳۶۷ ق که مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را در محضر اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن به دروس خارج آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و می‌نماید.

وی دارای تالیفات ارزنده مطبوع و مخطوط می‌باشد که از نظر دانشمندان می گذرانم:

۱- گناهان بزرگ در اسلام از نظر خاصه و عامه که در سال ۱۳۸۸ ق به زیور طبع و نشر رسیده است.

۲-قوانین کیفری: حدود، قصاص، دیات در اسلام که در سال ۱۳۹۳ به طبع رسیده است.

معظم‌له، در ایام تعطیل و اوقات ترویج ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر برای تبلیغ احکام و نشر معارف به تهران و رضائیه مسافرت و نیز در قم جلسات خصوصی دارند که از راه بیان خدمات نموده و می‌نمایند و به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحمید مرندی از علماء اعلام و دانشمندان کرام حوزه علمیه قم و اصحاب و حواریین حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است که در حدود سال ۱۳۳۵ ق در مرند متولد شده و پس از طی مقدمات و ادبیات مهاجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و به حوزه‌ی درس مرحوم علامه محقق آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و بیش از ده سال از فیض تحقیقات آن فقیه بزرگوار استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله متصل و منقطع به فقیه اهل بیت مرجع بزرگوار آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله گردیده و در بسیاری از خدمات دینی و روحی معظم‌له شرکت نموده و همه روزه مرتبا به بیت‌العلم والفقاهه و السیاده آن جناب آمده و به قسمتی از آثار علمی ایشان با عده‌ای از افاضل دیگر مساعدت نموده و در مسجد خیابان آبشار اقامه جماعت نموده و ترویج از شعایر دینی می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن احمد، سید جلیل، علم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا شیخ مرتضی ریزی بوده، و در ۱۳۵۴ وفات

یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی مرحوم ریزی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرندی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مرندی از علماء اعلام و اجلاء فقهاء و مدرسین کربلا و از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و غیرهم بوده و در کربلا وفات نموده است.
از آثار اوست حاشیه کفایه و حاشیه طهارت شیخ و حاشیه مکاسب.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدباقر بن ثقه‌الاسلام حاج ملا عبدالمجید الواعظ متوفی ۱۳۴۴ ق بن العلم العلام حاج ملاـ عبدمناف که از علماء اعلام و حجج اسلامی آذربایجان بوده و در سال ۱۳۲۸ ق دیده از جهان بسته و دارای کراماتی بوده است.
عالمی کامل و دانشمندی فاضل و دارای مقام فضل و ادب و کمال و حسب و نسب می‌باشد. در سال ۱۳۲۸ ق در مرند متولد شده و مقدمات و ادبیات را از والد مرحومش خوانده و سطوح را در شبستر و تبریز دیده و مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل به درس مرحوم آیت‌الله حایری شرکت کرده و بعد از مدتی به وطن برگشته و چهارسال اقامت نموده و باز به قم آمده و چند ماهی توقف مجددا به مرند برگشته و ده سالی توقف نموده آنگاه رسما مهاجرت به قم کرده و به درس مرحومین آیتین حجت و بروجردی رحمهماالله شرکت نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی چندی هم به درس و بحث آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و در خدمت آن جناب مسافرت جالبی به کاشان و مشهد اردهال نموده و خاطره آن سفر را در کتابی به نام نور باهر تالیف و منتشر نمود و هم مسافرتی در خدمت معظم‌له به شهر ری کرد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علی مرندی عالمی خطیب و از ائمه جماعت موثق مرند بوده و در سال ۱۳۴۱ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروارید، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقةالسلام آقا شیخ علی‌اکبر مروارید یکی از ستارگان فروزان آسمان فضل و دانش حوزه علمیه قم در شمال غربی تهران و خیابان تاج است. تولد ایشان در حدود ۱۳۴۴ قمری در شهر مقدس مشهد واقع شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در اوائل ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین عالی قم آموخته آنگاه به درس خارج فقه و اصول آیات عظام آقای بروجردی و مرحوم محقق داماد و بالاخص آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله حاضر و چندین سال از دراسات و محاضر آنان استفاده کامل نموده و از اول نهضت و قیام رهبر انقلاب و قائد عظیم‌الشأن امام خمینی پس از رحلت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس سره وارد صحنه مبارزه علیه فساد و امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی پهلوی گردیده و چند سالی در تبعید و یا زندان عوامل جبار شاهنشاهی (ساواک) بسر برده ولی هرگز تسلیم آنان نشده و از وظیفه مقدس جهاد با منافقین و ضد توحیدی و خلقی شانه خالی نکرده تا در دو سال اخیر که آزاد ولی ادامه به مبارزات خود داده تا به فضل پروردگار و عنایت حضرت بقیةاللّه الاعظم عجل اللّه فرجه الشریف و همت والای مردم به رهبری امام خمینی مدظله و پیکار نمودن شبانه‌روزی رزمندگانی که جز توکل بر خدا سلاحی نداشتند در بیست و سوم بهمن ماه دولت منحوس بختیار را ساقط و جمهوری اسلام اعلان گردید.

جناب آقای حاج مروارید بیانی گرم و قاطع و صریح دارند و در سخنرانی و خطابه‌سرائی ورزیده و تسلط کامل و حافظ اکثر قرآن مجید می‌باشند. و در حال حاضر در مسجد خیابان تاج نزدیکی خیابان (شهید) نواب صفوی به امامت و خدمات دینی اشتغال و ریاست کمیته منطقه شمال غربی تهران که یکی از کمیته‌های چهارده گانه تهران است به عهده دارند و شب و روز مشغول فعالیت و انجام وظیفه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مروج خراسانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر مروج متخلص به (شفیق) صاحب تألیفات کثیره از علماء و محدثین بزرگ معاصر خراسانند.

صاحب علماء و معاصرین در ص ۲۹۷ گوید: حاج شیخ علی‌اکبر واعظ الشهیر به مروج الاسلام، هو العالم المحقق الالمعی و الفاضل المدقق اللوذعی قدوه الوعاظ و نخبه الحفاظ صدیقنا الاعز الاکرم و شفیقنا الاجل الافخم صاحب المصنفات المتقنه و المولفات المحکمه...

این بزرگوار در حدود ۱۳۱۰ قمری در مشهد متولد شده و پس از پرورش به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ آن عصر فراگرفته و از محضر آیات عظام خراسان فقهاء و اصولا استفاده نموده و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج

احکام پرداخته و از این رو مشهور به (مروج الاسلام) گردیده و ضمنا به تألیف و تصنیف اشتغال و بسی درر گرانبهائی از خود به یادگار گذارده که برخی از آن به طبع رسیده و بعضی مخطوط مانده است من جمله از کتب آن جناب کتب زیر است.

۱- نفائس اللباب در دو مجلد که از دو هزار جلد کتاب جمع‌آوری و تألیف نموده است.

۲- هدیهٔ المحدثین ۳- تاریخ المعصومین ۴- کرامات الرضویه در دو جلد ۵- سوانح در دوازده جلد

جناب آقای مروج دارای طبع فراوان و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح و مرثیه و مواعظ و ظرایف دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروی، عبدالصاحب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصاحب مروی بن العالم الفقیه آقا شیخ محمدتقی نیشابوری از دانشمندان متقی و مروجین عاملین معاصر نیشابور است.

وی در نیشابور متولد شده و در آنجا ادبیات و سطوح اولی را خوانده آنگاه مسافرت به قم نموده و چند سالی اقامت و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه چون آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و دیگران فراگرفته و پس از آن به وطن مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروی، محمدعلی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مروی بن آیت‌اللّه آقا شیخ محمدتقی از محدثین و مروجین موثق نیشابور بوده و در شهر و حومه خدمات دینی بسیاری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مستجاب الدعوه، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد سعید بن محمّد صادق بن ابوالقاسم بن محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی.

عالم فاضل زاهد. پدرانش گاهی در یزد و زمانی در اصفهان ساکن بوده، و برخی از بنی اعمام او در یزد متوطّن بوده، و هنوز هم در اعقابشان در آنجا ساکن هستند.

صاحب عنوان از علمای کاملین، و اهل زهد و تقوی و عزلت و انزوا بوده، و در نزد حاجی کلباسی و سیّد حجّهٔ الاسلام مقبول القول

و محترم بوده، خدمت آقا محمّد بید آبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و در محلّه خواجو سکونت داشته.

در سال ۱۲۳۶ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در تخت فولاد جنب تکیه خاتون آبادی در تکیه‌ای مخصوص مدفون شده است.

اشعار زیر منسوب به اوست:

زارت بلا موعدٍ فی غیهب الغسق

کأنّها الکوکب الدّریّ فی الافق

فقلت أهلًا بک یا خیر زائرهٔ

أما خشیت من الحرّاس فی الطرق

فأنشأت بلسان الحال قائمهٔ

من یرکب البحر لا یخشی من الغرق

فقلت نمّا رأت عینی محاسنها

سبحان من خلق الانسان من علق

اعیذها من عیون الناس کلّهم

بقل اعوذ بربّ الناس و الفلق

جدّش: مرحوم میر محمّد باقر از فضلای اواخر صفویّه بوده، و در ۲۵ جمادی الثانیه ۱۱۱۱ وفات یافته، در تخت فولاد حوالی تکیه خاتون آبادی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مسترحمی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هدایت‌اللّه مسترحمی از فضلاء معاصر تهرانست که در کتب عدیده‌ای تعلیقه و بسیاری از کتب را هم تصحیح نموده‌اند در کتاب: مرآةالدهور- در- وقایع ایام و شهور، که از تألیفات ایشان است ترجمه خود را مبسوطا نوشته‌اند که نگارنده تلخیص آن را می‌نگارم:

الحاج السید محمد المشهور والملقب بالحاج السید هدایهٔاللّه المسترحمی الحسینی بن العلم الاعلام الحاج السید محمد الرضا بن العلم الحجه الحاج السید الحسین المشهور بحاج آغا بزرگ بن السید محمد الشهیر بسید آقا جان بن السید ابی‌طالب بن السید سلیمان بن المیر ابوطالب بن المیر فتوح بن المیر فتاح (المدفونین بقریه بندر آباد یزد فی بقعه سلطان).

تولد خود را چنین مرقوم نموده بودند: تولد این بنده در شب شنبه سال ۱۳۵۱ قمری، در قریه حسن آباد جرقویه‌ی علیای اصفهان، و دروس ابتدائیه از همزه باء و قرآن و فارسی را در مسقط الرأس خوانده و در ده سالگی باصفهان آمدم برای تحصیل علوم دینیه و مدتی در مسجد نو و چندی در مدرسه صدر پا قلعه و چند سالی در مدرسه کاسه گران در خدمت عالم فاضل محقق آقای شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی صاحب تألیفات مطبوعه و غیر مطبوعه و حواشی بر کتب علمیه و رجالیه، اشتغال بکتب مقدماتی داشته و سپس در خدمت عالم لبیب حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی و غیره اشتغال به سطح داشته، و در روز جمعه

۲۶ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۰ پس از بازگشت از زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیهم‌السلام در تهران اقامت گزیده و چندی در مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی و مدتی در مدرسه آقا محمود اشتغال به تحصیل و تدریس داشته.

و درباره‌ی خدمات خود چنین نوشته‌اند: تاکنون نتوانسته‌ام آنچنان که شاید و باید است خدمت به مسلمین و اسلام نمایم مگر چند مورد جزئی که از جمله تعمیر و توسعه مسجد جامع حسن‌آباد جرقویه و تعمیر و اضافات مسجد مرحوم ملاـ باقر و مسجد حمام یخچال در قریه مزبور، و تعمیر و توسعه مسجد جامع و تهیه برق رامشه جرقویه که آقای آسید مهدی حسینی در این باره اشعاری سروده‌اند، و تعمیر و سفید کاری مسجد حاج محمدعلی و حسینیه حسین‌آباد جرقویه در سال ۱۳۸۷ قمری که کربلائی رضاقلی داستانی در این موضوع اشعاری سروده‌اند و بثمر رسانیدن هیجده نفر از آقایان طلاب در حوزه علمیه قم و اصفهان و تهران و ساختن مسجد الزهراء علیهاالسلام در بی‌سیم نجف‌آباد تهران که فعلاً در همان مسجد اقامه جماعت و تبلیغ و تدریس می‌نمایند.

و تألیفات چاپ شده خود را چنین نوشته‌اند:

۱- ترجمه علل‌الشرایع جلد اول، ۲- ترجمه ارشادالقلوب دیلمی جلد اول، ۳- ترجمه ارشادالقلوب جلد دوم، ۴- راهنمای قرائت، ۵- اصول و فروع دین یا نماز فرمان خدا، ۶- احکام الحج با فتاوی مراجع، ۷- مناسک حج با فتاوی مراجع، ۸- عیش الاخره یا وصیت نامه، ۹- عیش الاخره یا وصیت نامه کامل، ۱۰- فهرست بحارالانوار جلد اول، ۱۱- فهرست بحارالانوار جلد دوم، ۱۲- فهرست بحارالانوار جلد سوم، ۱۳- کتابی جیبی حاوی ۵۵ حدیث با ترجمه، ۱۴- کتابی حاوی ۶۹ حدیث با ترجمه.

و تألیفات غیر مطبوعه خود را چنین نوشته‌اند، ۱- دروغ و مفاسد آن، ۲- ترجمه علل‌الشرایع جلد دوم، ۳- ترجمه علل‌الشرایع جلد سوم، ۴- ترجمه علل الشرایع جلد چهارم، ۵- ترجمه جامع الاخبار، ۶- مرآةالدهور در وقایع أیام و شهور، ۷- گفتاری از چهارده معصوم علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مستوفی همدانی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا اسحاق بن رحیم بن کاظم مستوفی همدانی عالمی جلیل از شاگردان علامه میرزا محمدحسن آشتیانی و میرزای رشتی و میرزا بزرگ شیرازی (در سامره) بوده که پس از پایان تحصیله به همدان برگشته و مورد توجه عموم مردم همدان قرار گرفته و تا در سال ۱۳۲۲ ق از دنیا رفته است.

و جدش میرزا کاظم وزیر محمدعلی میرزا فرزند سلطان فتحعلی شاه قاجار بود و ایشان در همدان معروف به سادات کمالان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مستوفی‌الممالک، محمدعباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعباس بن میرزا احمد بن محمدتقی بن محمدعلی خان مستوفی‌الممالک بن میرزا ابراهیم همدانی یمنی شیروانی هندی عالمی ادیب و در سال ۱۲۴۱ ق قمری متولد شده است.

جدش میرزا ابراهیم وزیر نادرشاه افشار بوده و چون او را معزول کرد ساکن نجف اشرف گردید و فرزندش محمدعلی خان مستوفی‌الممالک بدست نادرشاه کشته شد پسرش محمدتقی فرار به شیروان نموده و خود را شیخ محمد شیروانی معرفی نمود.

آنگاه مسافرت به هند نمود و اول به شهر بنارس وارد شد و پس از آن به لکنهو آمد و بعد از آن به یمن هجرت نمود و فرزندش احمد متولد شد و لذا معروف به یمنی گردید و شیخ احمد مدتی در کلکته هندوستان در سال ۱۲۲۰ ق اقامت نمود و از آنجا به لکنهو رفته و مترجم ما شیخ محمدعباس متولد شد.

در ۲۲ شوال ۱۲۴۱ ق و در حجر پدر پرورش و تعلیم گرفت تا والدش در شهر پونه وفات نمود در سال ۱۳۵۶ قمری و پس از آن مدتی در بلاد هند گردیده و تألیفات بسیاری نموده که از آنهاست

۱- آثار العجم ۲- باغ چهار چمن در تاریخ دکن فارسی که طبع شده ۳- تاریخ الافاغنه ۴- تاریخ بهوپال بنام تاج‌الاخبار ۵- تاریخ نگو موسوم به (قلائد الجواهر در تاریخ جواهر) ۶- تاریخ سر ندیب ۷- تاریخ التواریخ در تاریخ ملوک آل عثمان ۸- تاریخ‌النفیس ۹- سلطان نامه گرامی در تاریخ آل عثمان و جنگ آنها با روس ۱۰- منهج‌البیان الشافی در علم عروض و قوافی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مسجد جامعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمدحسین بن العلم العلام و الحجه الاسلام المرحوم حاج میرزا محمود مسجد جامعی تهرانی از علماء مبرز و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم است.

در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین و علماء حوزه علمیه آموخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و چندین سال از محضر آیات عظام و مراجع کرام نجف چون آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده سپس در سال ۱۳۷۸ قمری مراجعت به ایران و در (قم حرم آل‌محمد علیهم‌السلام) رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن جناب استفاده نموده و پس از رحلت آن مرحوم منحصرا به درس فقه و اصلو حضرت آیت‌الله العظمی اراکی شرکت و ضمنا به تدریس سطوح عالیه اشتغال دارند.

و از خصایص آنجنابست که متون علوم ادبیه و فقه و اصول و فلسفه و بالاخص تمام کلام‌الله مجید رامن البدوالی الختم از حفظ دارند و این از نوادر روحانیت و افتخارات جامعه تشیع است.

نگارنده گوید علامه مسجد جامعی از دانشمندان بسیار آراسته و دارای ملکات فاضله اخلاقی و واجد محاسن آداب و مکارم اخلاق و معرض از شئونات روحی از امامت و غیره می‌باشند و غالبا هم در منزل خود به مطالعات و مباحثات علمی اشتغال دارند و کمتر در اجتماعات شرکت می‌نمایند.

از آثار ایشانست تقریرات و در اسات دروس فقه و اصول استادش آیت‌الله العظمی اراکی که به رشته تحریر درآورده است.

برادر ارجمند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مصطفی مسجد جامعی از علماء فعال و خدمتگذار تهران است

که در مسجد المصطفی (همت‌آباد سابق) اقامه جماعت نموده و تبلیغ دین و احکام مبین اسلامی را می‌نمایند.
و مخفی نماند که این دو برادر از بیوتات اصیل و ریشه‌دار روحانیت تهران است که از چند قرن قبل تاکنون ریاست علمی و روحانی مرکز را داشته و دارند. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی عموی معظم آنان و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی دائی گرامی ایشان می‌باشد.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسجد جامعی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا مصطفی بن المرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است.
وی در حدود سال ۱۳۴۳ ق در تهران متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین تهران مانند مرحوم آقا شیخ رضا قاضی و حجةالاسلام حاج شیخ کاظم معزی دزفولی و غیره خوانده و چندین سال از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللَّه العظمی رفیعی قزوینی استفاده نموده و پس از آن در مسجد المصطفی جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار با بیانی شیوا و منطقی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم محترم ما و دو برادر ارجمندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدحسین مقیم قم و ثقةالاسلام والمسلمین آقا میرزا مسیح مقیم تهران از بیت علم و فضیلت تهرانند که آباء آنها تا چندین پشت از علماء اعلام مرکز بوده و خدمات شایسته‌ای بدین نموده‌اند.
آثار ایشان بقرار زیر است:

۱- تعمیر اساسی و توسعه مسجد المصطفی

۲- تأسیس کتابخانه آن مسجد و جمع کتب برای مطالعه جوانان و غیره.

۳- تاسیس مجلس دعای ندبه در صبحهای جمعه و برنامه سخنرانی که از مجالس بسیار آبرومند و جالب تهران محسوب میشود که از هزارها نفر از مردم متدین فهمیده تهران تشکیل میشود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مسعود بخارایی، مسعود بیگ

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، دانشمند و شاعر. از مردم روستای بک، از توابع بخارا، بود. وی سالها در ماوراءالنهر حکومت کرد و مدتها نیز به کسب علم پرداخت. سرانجام، پس از مدتی سیاحت، به دهلی رفت و از مریدان عارف مشهور نصیرالدین چراغ دهلی (م ۷۵۴ ق)، شد و مدتی در خانقاه او ریاضت کشید. از آثار وی: «نورالعیون»؛ «ام الصفایح»؛ «مرآة العارفین»، در نظم و نثر، به فارسی، در مراتب

سه گانه‌ی عرفان: علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۵)، الذریعه (۲۷۷/ ۲۰، ۱۰۳۵/ ۹)، ریاض العارفین (۱۳۳ -۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۸).

مسعود شروانی، کمال‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۵ ق)، دانشمند و شاعر. اصلش از شروان بود. از شاگردان شاه فتح‌اللّه شروانی و همچنین جامی به حساب می‌آمد. وی در کلام و منطق و حکمت از دانشمندان زمان خود بود و سالها در هرات در مدارس گوهرشاد بیگم و اخلاصیه تدریس کرد. بعد از فوت قاضی نظام‌الدین، تدریس در مدرسه‌ی گوهرشاد را ترک و شروع به کار در مدرسه‌ی غیاثیه نمود. او عاقبت در هرات از دنیا رفت و در مزار پیر سیصد ساله به خاک سپرده شد. به گفته «مزارات هرات» اکنون نه مزار وی پیداست نه خاک پیر سیصد ساله. از آثارش: حاشیه بر «شرح طوالع»؛ حاشیه بر «شرح مواقف»؛ حاشیه بر «شرح حکمهٔ العین»؛ شرح «آداب البحث» سمرقندی؛ «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه»، شرح حال وی را تحت دو عنوان کمال‌الدین مسعود شیروانی و مسعود شیروانی آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۵/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۲)، حبیب السیر (۳۴۳/ ۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۲)، الذریعه (۱۰۳۷، ۹۲۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، مجالس النفائس (۲۶۶، ۹۲ -۹۱)، مزارات هرات (۱۱۹)، هدیهٔ العارفین (۴۶۰/ ۲)، هفت اقلیم (۲۹۷/ ۳).

مشرف تهرانی، احمد بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. از اعیان دربار صفویه و از کارگزاران دستگاه شاه محمد خدابنده و از نویسندگان آن دربار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۰).

مشکاهٔ المحبهٔ، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۱ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به مشکاهٔ المحبهٔ. تحصیلاتش را در مشهد و سبزوار به پایان رسانید. او در کاشمر مقیم گشت و به انجام خدمات مذهبی مشغول شد. وی علاوه بر تبحر در علوم عقلی و نقلی دارای قریحه‌ی شارعی نیز بود و «دیوان» شعر

داشت. از آثارش: «مشکاة الجنان» یا «شعله‌ی سوزان»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۵۱/ ۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۱/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۱/ ۴).

مشکور نجفی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین مشکور فرزند مرحوم شیخ محمدجواد بن العلامه شیخ مشکور نجفی حولاوی در حدود سال ۱۳۳۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و در دامن و بیت والدش شیخ محمدجواد مشکور که از علماء نجف و شوهر خواهر عالم عابد آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی نجفی معروف (امام مسجد هندی نجف اشرف) که دختر عموی شیخ مشکور بود که نامزد او شده و او برای زیارت آمده بود و او را خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود.

پس برای او دو دختر آورد یکی مادر عبدالکریم و محمدرضا و مرتضی و مجتبی مشکور شد که ساکن مشهد هستند. فرزندان شیخ تقی مشکور پسرعموهایی شیخ مشکور می‌باشند. پس شوهر او از دنیا رفت و او با برادرش شیخ علی قمی نجفی به نجف آمده و شیخ مشکور او را خواستگاری کرده و او را پذیرفت.

پس برای او فرزندی آورد موسوم به حسین و فرزندان دیگری که همه آنها از دنیا رفتند جز او حسین ماندند او هم برای این بود که قبل از ولادتش پدرش مسافرت کرده بود و او در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بسیار گریه می‌کرده پس نذر نموده اگر فرزندش پسر بود او را حسین بنامد. پس او را حسین نامید و او سخت مریض شد پس پدر و مادرش برای او قربانی کرده و روزه گرفتند که خدا او را شفا دهد و خداوند دعای آنها را اجابت و او را شفا بخشید.

و شیخ مشکور معروف به بزرگواری و دوستار خیر و احسان به خلق خدا بوده است. روزی در وادی السلام مردی را دید که از قبر ابن ملجم مرادی اشقی‌الاولین والاخرین می‌پرسید پس به او می‌گوید بیا تا او را به تو نشان دهم پس او را به حفره‌ای برده و می‌کشد و به جهنم می‌فرستد پیش ابن ملجم مرادی ملعون و در مراجعت به یک شرطه (پلیس) برمی‌خورد.

و از او می‌پرسد: رفیق تو کو؟

می‌گوید: من تنها بودم.

می‌گوید: خیر من دیدم شما دو نفر بودید.

می‌گوید: سگی با من بود که اذیت می‌کرد پس او را کشتم.

او می‌گوید: خیر انسانی با تو بود.

پس به او می‌گوید: خیر سگ بود.

می‌گوید: برویم ببینیم.

پس چون به آن حفره می‌رسند کشته سگی را می‌نگرند، پس به او می‌گوید جریان چیست؟ من انسانی را با تو می‌دیدم حال سگ می‌بینم، می‌گوید او از خوارج و طرفداران ابن‌ملجم مرادی بود و قبر او را می‌خواست پس من او را کشتم تا به این ملجم ملحق شود و خدا او را مسخ به صورت سگ نمود پس آن شرطه (پلیس) سنی، شیعه و محب علی علیه‌السلام می‌شود.

مترجم ما از این بیت است که در نجف نشو و نما یافته و از محضر آیات عظام استفاده نموده و سالها در صحن شریف به جای

والـدش اقـامه جماعت نموده و در سال ۱۳۹۲ قمری از طرف حکومت بعث به ایران آمـده و در قم رحـل اقـامت افکنـده و تـا حـال حاضر در حسینیه نجفیها به اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مشکینی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل فیض مشکینی از اصحاب خاص و شاگردان آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری می‌باشند.

وی در مشـکین شـهر متولـد شده و پس از خواندن اولیات مهاجرت به قم نموده و سـطوح و متون فقه را از مدرسـین حوزه فراگرفته آنگاه به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آقا حاج سید کاظم شـریعتمداری شرکت و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم بروجرد از ملازمین و منقطعین به آیت‌اللّه العظمی شـریعتمداری و مباشـر قسـمت از کارهـای معظم‌له از قبیـل تقسـیم شـهریه و غیره پرداخته و تا هم اکنون مورد توجه و وثوق معظم‌له می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکینی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسـین مشـکینی معروف به (امام) از شاگردان و خواص اصـحاب آیت‌اللّه فاضل شـربیانی بوده و در روز دوشنبه ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ ق در نجف وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکینی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام میرزا محسن مشـکینی بن العلامه حاج شیخ هاشم مشکینی از علماء قدماء و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله العظمی حجت می‌باشند که در سال ۱۳۲۴ ق در مشکین شهر متولد شده و پس از دیدن قسمتی از ادبیات و مقدمات در سال ۱۳۴۸ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مرحوم میرزا محمد همدانی خوانده و فقه و اصول تحلیلی را در حدود ۱۸ سال از محضر مرحوم آیت‌الله حجـت اسـتفاده کرد و نیز بـالغ بر ۱۸ سـال بـه درس آیت‌الله العظمی بروجردی شـرکـت کرده است. از نوشـته‌های ایشـان قسـمتی از تقریرات مکاسب آیت‌الله حجت رحمه‌الله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مشکینی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ علی بن شیخ ابوالقاسم عاملی، از اعقاب شهید ثانی، عالم فاضل، مدرس معقول، از شاگردان: حاج میر سید علی مجتهد نجف‌آبادی، و آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی، و حاج میر محمد صادق خاتون‌آبادی بوده، و در مدرسه‌ی جده کوچک، فقه و اصول و حکمت تدریس می‌نمود، و در مسجد کوچه‌ی تل عاشقان امامت می‌فرمود.

از علمای گمنام و منزوی بود، که عمری را به زهد و قناعت و اعراض از مردم به سر برد، و سرانجام در شب شنبه ۲۳ شوال سال ۱۳۸۶ به سن قریب به ۷۵ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی آقا باقر دردشتی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مشهدی، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند. وی از سادات موسوی مشهد است که در جوانی از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا خدمت سه پادشاه گورکانی هند (بابر، همایون و اکبر) کرد. میر عبدالحی خط اختراعی محمد بابرشاه را که بدان مصحف نوشته بود،خوب می‌دانست. در زمان همایون پادشاه منصب دارت یافت. در دهلی درگذشت. او در سرودن شعر توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴۹)، کاروان هند (۸۶۲ / ۲).

مصباح، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسدالله موسوی بیارجمندی شاهرودی از علماء و ائمه گذشته مشهد مقدس بودند وی در ۱۲۹۲ قمری در یکی از مضافات شاهرود بنام دستجر بیارجمند متولد شده و در سال ۱۳۱۰ قمری پس از خواندن علوم فارسی و قسمتی از مقدمات مهاجرت به مشهد نموده و در مدرسه تراب به تحصیل پرداخته و از محضر مرحوم مدرس رضوی و مرحوم آیت‌الله حاج میر سید علی حایری و آیت‌الله زاده خراسانی آقای آقامحمد کفائی استفاده نموده و در محله پائین خیابان اقامت و در مسجد آنجا اولا و بعد از چندی در مسجد خیابان سفلی مشهور به مسجد (فیل) به اقامه جماعت و تبلیغ دین در مدرسه نواب هم به تدریس سطوح وسطی شرح لمعه و غیره پرداخته تا در سن ۷۰ سالگی در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۲ ق بدرود حیات گفته و در جوار هم گرامش حضرت ثامن‌الحجج علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: معظم‌له بنا بر نقل بعضی از ثقات و معاصرین آن مرحوم از زهاد و عباد عصر خویش و در قدس و ورع و زهد و تقوی و محاسن اخلاق و حسن سلوک و معاشرت مشهور و مورد توجه همگان و بالخصوص محله پائین خیابان بودند و مراجع بزرگ آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللَّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و بعد از آنان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی کمال وثوق و اطمینان را به وی داشته و وکالت را به ایشان مرحمت فرموده و از این جهت غالب وجوه بریه خراسان نزد ایشان جمع گردیده و آن جناب به نجف فرستاده و یا بر حسب دستور به حوزه علمیه مشهد تقسیم می‌فرمودند

آن مرحوم دارای چهار دختر و دو پسر لایق و فاضل و خدمتگذار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباح، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین بن العالم الجلیل حاج سید اسداللَّه معظم‌له که با سی‌ونه (۳۹) واسطه با امام هفتم (ع) منتهی می‌گردد اکنون یکی از علماء مبرز و ممتاز معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

ولادت ایشان در سال ۱۳۴۱ ق هجری در مشهد مقدس واقع شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و ادبیات را در خدمت آقای ادب نیشابوری و محقق نوغانی و سطوح وسطی چون شرح لمعه و غیره را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران تکمیل و خارج را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم قزوینی و غیره استفاده نموده تا به مراتب عالیه از علم و عمل رسیده و خود به تدریس سطوح پرداخته و پس از فوت مرحوم برادرش حجهٔ‌الاسلام حاج سید مرتضی مصباح در مسجد فیل به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و به واسطه حسن عمل و متانت و ورع مانند مرحوم والد گرام و برادر ارجمندش مورد وثوق و اطمینان مردم مشهد و مرجع اعلی و زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی واقع شده و آن مرحوم معظم‌له را از سال ۱۳۶۸ ق به بعد وکیل مطلق خود در مشهد معرفی فرمودند.

و بر اثر جدیت ایشان حضرت آیت‌اللَّه بروجردی در پرداخت شهریه مرتب موافقت فرمودند در حالی که تا آن وقت روحانیت و اهل علم مشهد شهریه مرتبی نداشتند فقط گاه‌گاهی تقسیمی بین آنها می‌شد.

در واقع مؤسس شهریه همیشگی حوزه علمیه مشهد مقدس حضرت حاج آقای صمباح دامت برکاته می‌باشند و اخیرا هم که برای تشویق و جدیت بیشتر آقایان طلاب هیئت ممتحنه تشکیل و مزایائی برای افراد شایسته مقرر نمودند و قهرا در کوشش آقایان محصلین و تهذیب اخلاق آنان نقش موثری را حائز گردیده است.

صحت عمل و حسن تدبیر ایشان موجب شد که همه مراجع مثل آیت‌اللَّه العظمی حکیم و شاهرودی و خونساری و خوئی مدظلهما ایشان را مورد نمایندگی خود قرار دهند و ایشان معتمد المراجع گذشته و مراجع عصر گردیدند که بعضی از اوقات که از شهرستانها به مشهد مشرف می‌شوند و تقسیمی با آقایان طلاب می‌نمایند به وسیله ایشان توزیع می‌فرمایند و درب منزل ایشان همیشه برای رسیدگی به فقراء و مستمندان باز می‌باشند.

ضمنا فرزندان ایشان همه اهل علم و مشغول به تحصیل علوم دینیه مخصوصا آقای حاج سید محمدباقر که از افراد فاضل و روشن و شایسته و آینده درخشانی دارند جعله اللَّه من العلماء العاملین آمین یا رب العالمین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباح، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضـی مصـباح موسوی اولین فرزند ذکور ایشان است که در سال ۱۳۲۴ ق در مشـهد متولد شده و پس از پرورش به تحصیل علم و کمال پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسـجد فیل به اقامه جماعت و خدمات دینی اشـتغال دارند و هم تدریس شرح لمعه و مکـاسب و غیره نموده و مقام نیابت از مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی و پس از ایشان آیت‌اللّه العظمی بروجردی داشـته و مورد توجه مردم خراسان و بالاخص مشـهد مقـدس گردیـده ولی مبتلا به کسالت سل سـینه شده و در سن چهل و هشت سالگی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات و در دارالضیافه آستانه مقدسه مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباحی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مصـباحی از علماء متقی شـیراز بوده فقید سـعید با همکاری مرحوم حجهٔالاسـلام شـیخ محمدعلی موحد در تقویت حوزه مدرسه آقاباباخان و تربیت طلاب نقش موثری داشت که هم اکنون آنان از چهره‌های علمی عصرند.

مدفن این روحانی بزرگوار در صحن حضرت علی بن حمزه مورد توجه عموم مردم شیراز است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سـید جواد مصباحی که نیز از علماء مشهور و روحانیون خدوم شیراز بوده و مدفن او در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه و از فرزنـدان این مرحوم که روحانی هسـتند جناب حجهٔالاسـلام آقای سـید نورالدین مصـباحی می‌باشـند که در شـیراز در مسـجد حاج عباس به اقامه نماز و تدریس مشغولند، می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم مصباحی است که با مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید یوسف مصباحی در نشر دین و دانش نقش موثری داشتند. فرزندان نامی این مرحوم از مدیران با فعالیت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجدالدین فرزند سید جلیل و عالم نبیل آقا سید جمال‌الدین مصباحی فرزند آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی از دانشمندان به نام و مبلغین و خطباء سامی و وعاظ گرامی استان فارس به ویژه شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش و از کودکی آثار نبوغ در ایشان متجلی و از بدو جوانی به تحصیلات علوم دینی و غیره اشتغال و با آیت‌اللّه مکارم و مرحوم آیت‌اللّه ربانی و غیرهما هم دوره بوده و از شاگردان مبرز مرحومین آیت‌اللّه حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی ارسنجانی بوده و از آنان استفاده کرده و چند سال هم در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین خادمی و آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده است.

مدت کوتاهی هم در نجف اشرف اشتغال داشته و از بدو جوانی به علت اعتماد علماء اعلام شیراز به امامت جماعت در بقعه سید ذوالفقار مشغول شده، و چون در فن خطابه شهرت بسزائی یافت از طرف مراجع و علماء اعلام و شخصیتهای مذهبی به خارج دعوت می‌شدند تا جائیکه در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سن شباب نقش موثری داشته و در سی‌ام تیرماه با کفن‌پوشی در قیام خونین شرکت نمود که مورد تقدیر مرحوم آیت‌اللّه کاشانی قرار گرفت و بعد از ۲۸ مرداد بازداشت و بعد از آزادی مرتبا تحت تعقیب بود تا در انقلاب اسلامی حرکت تبلیغی و تهاجمی وی به قدری شدید بود که در شب ۱۶ خرداد ماه سال ۴۲ بعد از سخنرانی تاریخی در مسجد نو دستگیر و به اتفاق مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّه دستغیب (شهید) از شیراز به زندان انفرادی عشرت‌آباد تهران منتقل و سپس دستجمعی محبوس و محاکمه گردیدند و بعد از آزادی در سنگر منبر و محراب با موقعیت و محبوبیت خاصی در شیراز و بنادر و کویت به خدمت اسلام و مردم مشغول و مجددا در قیام و نهضت روحانیت و انقلاب اسلامی رهبر انقلاب معظم‌له شرکت و به تصدیق علماء اعلام و تاریخ فعالیت ایشان به قدری موثر بود که بعد از جمعه سیاه تهران شبانه دستگیر و به اتفاق آیت‌اللّه شهید دستغیب در تهران در زندان کمیته بازداشت و محاکمه شده و بعد از آزادی و بازگشت به شیراز و به اتفاق مرحوم دستغیب به مشهد مشرف شده و آنجا هم نامبرده با استقبال بی‌سابقه مردم و سخنرانی دگرگونی عجیبی ایجاد نمود و از آنجا شبانه در اوج حکومتی نظامی به شیراز وارد شده و از اول محرم سرنوشت ساز در مسجد مولا با حمایت علماء و مردم سخنرانی نموده تا به تصدیق علماء و جرائد روز در تظاهرات صد هزار نفری را آقای مصباحی اداره می‌نمود تا روز پیروزی انقلاب نقش یک سرباز نامی داشته که زبانزد روحانیون و مردم شیراز است.

نقش مشارالیه در حفظ امنیت شهر شیراز بوده که از ساعت ۸ شب تا صبح با صدها اتومبیل و مردم مومن در سراسر شهر شیراز به گشت و حفظ مال و جان و ناموس مردم مشغول بوده مشارالیه به خاطر عشق به اصل انقلاب اسلامی و نخواستن پست و مقام و

خدمت به دین و مستمندان و احیاء مسجد و اماکن خیریه از محبوبیت خاصی برخوردار است.

معظم‌له از بدو جوانی تاکنون در ساختن بقعه سید ذوالفقار و مسجد رمضان‌خان و مسجد شکراللّه‌خان و مسجد حاج عباس و مسجد جوکار و تأسیس مسجد و کتابخانه مسجد الصادق موفق بوده است و کتاب رمز ملل اولین اثریست که از مشارالیه در اصول عقاید منتشر شده است.

مشارالیه از طرف مراجع عالیقدر شیعه ۱- آیت‌اللّه حکیم ۲- آیت‌اللّه میلانی ۳- آیت‌اللّه شریعتمداری ۴- آیت‌اللّه مرعشی نجفی دارای اجازات روایتی و امور حسبیه می‌باشند.

نگارنده گوید: بیت سادات مصباحی در شیراز از بیوتات رشیقه بوده و شخصیتهای برجسته‌ای که چون نامشان مصباح مردم فارس بوده‌اند که چند نفر از منظر دیدگان شما عزیزان می‌گذرانم.

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی پدربزرگ حجهٔالاسلام حاج سید مجدالدین مترجم ما از اکابر علماء و مجتهدین عصر خود در شیراز بوده و در نجف اشرف از محضر مرحومین علمین حاج شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در اصول و مرحوم حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی و آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی با دریافت اجازه اجتهاد صاحب مقام علم و تقوای خاص بوده و زاهد آن بزرگوار چنان بوده که به علت خشکسالی مردم شیراز ایشان را برای نماز استسقاء و دعای باران به صحرا عبیرآمیز برده و در اثر دعا این مرحوم و متدینین باران شدیدی می‌بارد که موجب خوشحالی مردم و مزید شهرت و محبوبیت ایشان می‌گردد. مدفن این بزرگوار در حافظیه در بین علماء بزرگ است.

سید مجدالدین بن السید الجلیل والعالم النبیل سید جمال‌الدین مصباحی شیرازی از خطباء نامی و گویندگان گرامی معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد شده و پس از خواندن تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) و آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی استفاده نموده و چند مدتی هم در اصفهان از درس خارج آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی و سایر علماء برجسته اصفهان بهره‌مند گردیده و بعد از آن به وطن برگشته و از طریق منبر و سخنرانی خدمات تبلیغی بسیار نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای مصباحی واعظ یکی از مفاخر وعاظ و سخنوران استان فارس می‌باشند بیانی بلیغ و زبانی صریح و نطقی فصیح و پرحرارت و مؤثر و نافذ دارند. وی را تألیفی بنام (رهبر ملل) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مصباحی است که داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی بوده و این مرد از اوتاد بوده و پدر ایشان نیز از اتقیاء زمان خود بوده که قبرشان در کازرون مزار مردم آن سامانست. و سادات حقیقت مصباحی از این سلسله‌اند و مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر ناصری جهرمی که از فضلاء عصر بودند در تهران و در مدرسه مروی تدریس می‌کردند و در مسجد ناصری جنوب دروازه دولاب تهران اقامه جماعت می‌کردند و از شاگردان مبرز آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی داماد این مرحوم بودند.

کتاب امامت و شفاعت و بازگشت به سوی خدا و رساله حقوق از آثار این مرحوم است. مدفن ایشان در صحن حضرت علی بن حمزه شیراز است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نبی مصباحی که از روحانیون متقی و زاهد شیراز به شمار می‌روند و از خدمات آن مرحوم تربیت محصلین و همکاری با مرحوم برادرش حاج سید یوسف مصباحی در مدرسه سادات و حافظ شیراز بوده، فرزندان این مرحوم همه در شیراز در کار تدریس و تربیت جوانان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی مصباحی است، این بزرگوار با اینکه در کسوت روحانیت بوده و اشتغال به تجارت هم داشته و مدت چهل و پنج سال در آبادان و خرمشهر در نشر معارف اسلامی و همکاری با روحانیون در تأسیس مساجد و تشکیل مجالس دینی سهم بسزائی داشت جلسه دعای کمیل سادات مصباحی در خرمشهر زبانزد مردم بود در آن جلسه جوانان آن هم در آن محیط و جو به شدت به مردم به خوبی جذب می‌شدند.

و این مجالس تا آخر عمر آن مرحوم ادامه داشت و چون او از دنیا رفت مردم خرمشهر جنازه او را با احترام به نجف اشرف برده و در وادی السلام به خاک سپردند.

فرزندان آن مرحوم در انقلاب اسلامی خاصه بعد از جنگ تحمیلی عراق به ایران سهم بسزائی دارند از ابتداء هجوم به خرمشهر و مهاجرت برادران و خواهران جنگ زده به شیراز به تصدیق مردم عزیز خوزستان نقش سادات مصباحی و حجهٔالاسلام سید مجدالدین مصباحی در کمک و پذیرائی از جنگ‌زدگان بسیار چشمگیر بوده از اول جنگ تاکنون سید مصطفی مصباحی و بالاخص سید هاشم مصباحی و سید محمد مصباحی و سید علی مصباحی و سید عبدالرضا مصباحی پسران آن مرحوم بزرگترین خدمت و فداکاری را انجام داده که سید مرتضی مصباحی در دفاع از سقوط خرمشهر شهید شد و سید محمد مصباحی فرمانده فتح‌المبین شهید و سید علی مصباحی معلول گردید و سید عباس حقیقت مصباحی نیز شهید شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف مصباحی که از روحانیون بنام شهر و بنیانگذار فرهنگ نوین و دینی شیراز بوده که در شهرک سعدی مدرسه‌ای بنام سید یوسف مصباحی از طرف اداره فرهنگ نامگذاری شده فرزندان این مرحوم در خدمت به جامعه معروفند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصدرالاموری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد تقی بن المرحوم العالم العلام حاج شیخ محمد جاپلقی از علماء اعلام و فضلاء کرام قم و نجف معاصر است در شهرستان صنعتی آبادان. وی در شهر مذهبی قم بدنیا آمده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح بنجف مسافرت نموده و از محاضر مراجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و مراجعت بایران و حدود دو سالی در قم توقف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و مجددا به نجف مراجعت و در سال ۱۳۳۷ شمسی بنا بر دعوت عده‌ای از متدینین آبادان بایران برگشته و در شهر آبادان رحل اقامت فکنده و به خدمات دینی پرداخته است.

معظم‌له عالمی فعال و در امور دینی بسیار ساعی است و از اول ورودش بآبادان اقدام بتأسیس مسجد جامع کارون نموده که از مساجد بزرگ و با شکوه این شهرستان محسوب میشود.

آثار دیگر این دانشمند در آبادان از این قرار است:

۱- مسجد جامع کارون که ذکر گردید. ۲- مسجد امام حسن علیه‌السلام ۳- مسجد امام حسین علیه‌السلام ۴- دبستان متین. ۵- دبستان وحید. ۶- دبستان زهره. ۷- دبیرستانی که آنرا با معیت سه نفر از علماء محترم آبادان تأسیس نموده که از هر جهت مجهز و جامع از تمام جهات و دارای کتابخانه و مسجد زیبائی میباشد.

و اما آثار قلمی آنجناب بقرار زیر است:

۱- بخش گهرها، یا نثراللئالی که بطبع رسیده است.

۲- القران فی کل موضوع.

۳- اشعه الفوائد فی قانون لاتعاد.

۴- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.

۵- تأسیس کانون عقاید و مذاهب که شامل برنامه‌های اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن بن العالم المتقی الشیخ محمد رحیم اهری تبریزی از دانشمندان با معنویت و صفای معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۳۴ قمری هجری در تبریز متولد و از کودکی مشغول بتحصیل و در پانزده سالگی بمرگ والد مبتلا و در سال ۱۳۵۳ قمری پس از فراغت علوم مقدمات به قم مهاجرت و سطوح عالی را از محضر اساتید حوزه فراگرفته و مدت هفت سال از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت کوهکمری استفاده و ضمنا بتدریس سطوح عالی اشتغال و در خلال آن بمطالعات فنون مختلفه پرداخته و نوادر و عجائبی را برخورد کرده و اشخاص بزرگ معنوی را ملاقات و از هر کدام بهره‌ها و از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده و در جستجوی مطلوب مسافرتها بداخل و خارج کشور نموده و پایان کار رحل اقامت در تهران افکنده و بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه و تزکیه‌ی خود و قسمتی را هم مصرف نشر و طبع کتب دینی و اخلاقی و علمی مصروف می‌نماید.

نگارنده گوید: استاد مصطفوی از افراد مجهول القدر و افرادی است که قریب چهل سالست او را میشناسم و ما رایت منه مکروها و ما رایت منه الا جمیلا جدا فاضل کامل و عالم عامل و دارای قدس و ورع و بسیار مودب و متواضع و در استخاره با قرآن مجید ید طولا و در استنباط و استخراج خیر و شر مراد از کتاب خدا مهارت کامل و بسیار مجرب و مبتلا به همه طبقاتست.

آثار مطبوع آن جناب از این قرار است:

۱- رهنمای گمشدگان ۲- پاورقیهای مختلف و اصلاحات کتاب اسلام و دانش ناشر الاسلام ۳- مقالات متعددی در پیرامون خاتمیت و بشارات مسیح ۴- تصحیح و ضبط لغات منیه المرید ۵- تصحیح و تذییل متشابهات القرآن ۶- تعلیمات دینی شش جلد ۷- ترجمه چهل حدیث ۸- ترجمه و شرح چهل حدیث علوی ۹- سرگذشت یک دوشیزه شرقی ۱۰- ترجمه و شرح بر کتاب تفسیر آیه نور حاج شیخ هادی تهرانی بنام اشعه نور ۱۱- حکایت و سخنان بهلول ۱۲- سی و دو مجلس در تفسیر سوره حشر ۱۳- مجموعه قصه‌های شیرین ۱۴- ترجمه و پاورقی احتجاج طبرسی ۱۵- توضیح و تکمیل صرف میر ۱۶- خودآموز قرآن مجید ۱۷- مناظره مأمون با علماء عصر ۱۸- مقدسه و تحقیق و تصحیح و ضبط جامع الاخبار ۱۹- مقدمه و تصحیح و تحقیق مصباح‌الشریعه ۲۰- مقدمه و تصحیح و فهرست مفصل اختیار الرجال کشی ۲۱- محاکمه و برسی در عقاید و احکام و تاریخ باب و بهاء از کتب خودشان در سه مجلد و آثار دیگر مختصری نیز که مطبوع است.

و آنچه بطبع نرسیده است از این قرار است:

۱- الحقایق فی تاریخ الاسلام والبدع والاحداث ۲- الامام المجتبی ابومحمد الحسن المجتبی ۳- مناظره در پیرامون چند ملت و مذهب ۴- ازدواج در اسلام ۵- اثبات حجاب ۶- الملاحم و علائم آخر زمان ۷- شیعه و عقاید و احکام آن ۸- توضیح و تکمیل عوامل ۹- جلد دوم تفسیر سوره حشر ۱۰- جلد سوم مجموعه قصه‌های شیرین و قصه‌های علمی و آثار علمی دیگر در فقه و اصول و تفسیر و ادیان و اخلاق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مصطفوی، شهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب بن آقا حسن مصطفوی همدانی از علماء محترم معاصر بودند در ملایر.

ایشان در قریه سوزن از قراء دره جزین همدان در نیمه ماه شعبان ۱۳۲۳ قمری متولد شده و از کودکی اشتغال به تحصیل نموده و

پس از خواندن صرف و نحو به همدان آمده و تا یکسال در آنجا تحصیل نموده و بعد مدتی در دره جزین از محضر عالم زاهد حاج میرزا مقیم زنجانی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم نموده و فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقامیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه آقاشیخ محمدعلی حایری و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و بالاخص آیت‌اللّه فقید سیدنا الاستاد آقا سید محمدحجت کوهکمری استفاده نموده و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند گردیده و چون آیت‌اللّه حجت رضوان‌اللّه علیه را از دیگران از جهانی شایسته تردید ملازمت ایشان را اختیار و در شمار اصحاب خاص و خواص حواریین ایشان درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق معظم‌له گردیده و در سال ۱۳۶۴ قمری که خشک سالی شد و مردم را علماء دعاء باران خواستند و مرحوم آیت‌اللّه خونساری با تشریفات زیادی با استسقاء رفتند به ایشان هم با مرحوم آیت‌اللّه حجت با جماعتی به مسجد جمکران رفتند و حدود پنج ساعت دعاء و نماز خوانده و تضرع نمودند تا از الطاف الهی بارانی شدیدی باریده به طوری که با زحمت فراوان برگشته و مورد استقبال و تقدیر آیت‌اللّه شدند در خدمت آن بزرگوار بودند تا مردم ملایر از آن مرحوم تقاضای عالم و پیشوائی نمودند ایشان هم معظم‌له را انتخاب و اعزام به ملایر نمودند و آن مرحوم تا اواخر عمر گرچه مواجه با کم‌لطفی‌های بعضی از مراجع عصر گردیدند به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تأسیس مدرسه دینی در ملایر و تربیت طلاب و محصلین و تبلیغ دین و ترویج احکام داشتند تا در حدود ۱۳۷۸ با دلی پر از غصه از دنیا رفته و به موالیان خویش پیوستند.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- رساله جامعی در تجارت از اول بیع تا آخر خیارات ۲- رساله‌ای در اصول دین ۳- رساله در قاعده لاضرر ۴- حواشی بر مصباح الفقیه همدانی ۵- مقدمه‌ای در تفسیر قرآن و غیره

(۱۳۷۸ -۱۳۲۳/ ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی. در قریه‌ی سوزن از قرای دره جزین همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو به همدان رفت و مدت یک سال در آنجا تحصیل کرد. از محضر حاج شیخ هاشم همدانی استفاده نمود. او مدتی نیز در دره جزین از محضر میرزا مقیم زنجانی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و فقه و اصول را از محضر میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی حایری یزدی و آیت‌اللّه شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللّه سید محمد حجت و حکمت را از محضر میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفت. وی از شاگردان برجسته‌ی آیت‌اللّه حجت بود. در ملایر درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «تجارت»، از اول «بیع» تا آخر «خیارات»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ حواشی بر «مصباح الفقیه» همدانی؛ «مقدمه‌ای در تفسیر قرآن».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۷ -۲۱۶/ ۷).

مصطفوی، فرج‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فرج‌الله مصطفوی بهبهانی از علماء مبرز معاصر بهبهان و داماد معظم حضرت آیه‌الله العظمی حاج میرزا سید علی بهبهانی است.

وی در بهبهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد علماء و مدرسین بزرگ بهبهان از محضر آیه‌الله العظمی بهبهانی مذکور (ابوالزوجه) خود و دیگران استفاده نموده تا بمراتب سامیه علم رسیده و در وطن خویش بخدمات دینی از اقامه

جماعت و تبلیغات و انجام سایر وظائف روحی پرداخته و ضمنا تألیفات عدیده‌ای هم از خود بیادگار گذاشته و آنها بشرح زیر است:

۱- رساله قاعده لاضرر مشتمل بر ۱۲ ذخیره که یکی از آن در باب تیمم و استدلال باخبار آن.

۲- کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله.

۳- کتابی در رد شبهه فاضل جبهان سنّی که در رد دعاء شریف ندبه نوشته بنام کلمه الجواب.

۴- کتابی در بیان شک در نماز جماعت و رجوع امام بمأموم و مأموم بامام در مواقع خود.

۵- کتابی در نقل کلمات صاحب جواهر و اشکالات مرحوم صاحب حدائق و صاحب ریاض.

مؤلف گوید: مترجم محترم عالمی بسیار ساده و بی‌آلایش و متین و بزرگوار بوده و در شهر بهبهان بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در میان مردم بهبهان بفضل و تقوا معروف میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر مصطفوی بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد بن مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد مجتهد (مدفون در شیخان قم) بن مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین کاشانی (مدفون در وادی‌السلام نجف)

معظم له در سال ۱۳۱۰ شمسی در کاشان متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس جدید در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه آقا میر سید علی یثربی به تحصیل پرداخته و مقدمات و سیوطی و شرح جامی و شرح نظام و حاشیه و شرح شمسیه را در آنجا فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدت دو سال و نیم تقریباً در محضر اساتید حاضر شده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل مکاسب و کفایه در محضر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی شرکت نموده و در آن موقع که معظم له سه درس می‌فرمودند ۱- صلوهٔ ۲- مکاسب ۳- اصول مترجم محترم ما هر سه درس را حاضر شده و بالاخره بعد از بیست سال استفاده از محضر درس ایشان در سال ۱۳۴۹ شمسی برای معالجه به ایران آمده و چون برای ایرانیها مراجعت ممکن نبود به استدعاء اهالی کاشان به مسقط الرأس خود اقامت و اکنون قریب چهار سال است که در کاشان به تدریس مشغول و عده‌ای از فضلاء و طلاب علوم دینی از محضرش استفاده می‌نمایند.

خدمات ارزنده ایشان در کاشان به اهالی و معاودین عراقی بسیار و به قدریست که جز با توفیق الهی در کمتر از بیست سال جدا مشکل بزرگیست

و آنها از این قرار است

۱- تجدید ساختمان مسجد معظمی در دو طبقه با دستگاه تهویه که در شهر کاشان کم‌نظیر است

۲- تعمیر تمام دکاکین گذر (درب یلان) و ترتیب مغازه‌ای که مورد لزوم طلاب علوم دینی و سکنه محل است

۳- واگذاری قطعه زمینی جنب مسجد مذکور و ساختن سالونی برای تبلیغات و کتابخانه مسجد.

۴- تعمیر مدرسه علمیه جد اعلای خود مرحوم زعیم مجاهد آمیر محمدعلی کاشانی

۵- تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در مدرسه علمیه

۶- خریدن قطعه زمینی به مساحت ۵۰۰ متر تقریباً در خیابان شاه‌عباس کاشان (پشت مشهد) بعنوان مهدیه که انشاءاللَّه مجهز به تمام وسائل برای تبلیغ در اعیاد و سوگواریها باشد

۷- تعمیر مسجد آسید شکراللَّه جنب منزل مترجم.

۸- کمک در ساختمانهای منازل برای معاودین و خدمات عالیه

اما آثار علمی معظم له بقرار ذیل است.

۱- رساله در اجتهاد دو تقلید ۲- رساله در قاعده لا ضرر ۳- رساله در جبر و تفویض ۴- رساله در دماء ثلاثه ۵- رساله در طهارت ثلاث.

و نوشته‌های فارسی که ناتمام است.

۱- رد و انتقاد بر مقاله دکتر... پیدایش خلقت ۲- رد بر نوشته شیخ محمد خالصی.

۳- رساله در مطهریت ارض ۴- تقریرات اصول و مکاسب و طهارت و قسمتی از صلوهٔ حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مطهری ساوجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مطهری (امام جمعه شهرستان ساوه) یکی از ستارگان فروزان حوزه علمیه قم و افاضل نویسندگان معاصر است.

وی در سال ۱۳۱۷ شمسی در ساوه متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی وارد حوزه علمیه ساوه که به مدیریت آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای اداره می‌شد گردیده و دو سال از محضر معظم‌له و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی قمی استفاده نموده سپس عزیمت به قم نموده و مدت شش سال در حوزه علمیه قم به تکمیل دروس نهائی و سطح پرداخته و پس از پایان آن یک سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی کسب فیض نموده است.

پس از رحلت آقای بروجردی در سال ۱۳۸۲ قمری به نجف اشرف مهاجرت و مدت یازده سال اقامت و از محاضر آیات عظام خمینی و خوئی و شاهرودی و حاج سید نصراللَّه مستنبط و حاج میرزا باقر زنجانی رحمه‌اللَّه علیه فقها و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۹۳ قمری از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و رحل اقامت به قم انداخته و مشغول تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللَّه گلپایگانی و حاج شیخ مرتضی حایری یزدی گردیده تا در انقلاب اسلامی ایران چند سالی مسئول دادگاه‌های انقلاب اسلامی مشهد و برخی از شهرهای دیگر شده تا در سال ۱۴۰۱ که به امام جمعه‌ای ساوه منصوب ولی در خلال این مسئولیت از روز شنبه تا پنجشنبه همه هفته برای تدریس به قم آمده و تدریس خارج فقه و اصول برای عده‌ای از طلاب و محصلین نموده و در روزهای جمعه اقامه نماز جمعه در ساوه فرموده و در ایام تعطیل تابستانی در ساوه به رتق و فتق امور اجتماعی و روحی اشتغال دارند و خدمات چشمگیری که ذیلا بیان می‌شود نموده است.

۱- یکدوره سی جلدی به نام مستند تحریرالوسیله که یازده جلد آن به طبع رسیده است و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

۲- طرحهای رسالت در پیرامون مسئله خلاقت و زمامداری ۶ جلد که پنج مجلد آن در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یک جلد درباره امام حسن علیه‌السلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره روابط در جامعه اسلامی در ضمن ۸ جلد که به چاپ رسیده است به شرح زیر:

(۱- رابطه اقتصادی عمومی ۲- رابطه اقتصادی خانوادگی ۳- تامین رابطه جنسی ۴- کنترل رابطه جنسی ۵- رابطه دوستی و محبت ۶- رابطه وراثت و تربیت ۷- رابطه ولایت و حکومت).

۴- کتاب پیرامون علم پیامبر و امام صلی اللّه علیهم در مسائل غیبی.

۵- کتاب شفاعت

۶- نماز جمعه و احکام آن

۷- کتاب جهاد

۸- کنگره اسلامی حج

۹- هدف حکومت اسلامی

آثار خیر و خدمات اجتماعی

۱- بناء دو مدرسه در شهرستان ساوه بنام مدرسه الزهراء و مدرسه ولی عصر (ع).

۲- پانزده دستگاه منزل برای رفاه طلاب و مدرسین حوزه علمیه ساوه.

۳- مسجدی بنام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه در کنار میدان آزادی.

۴- دعوت سه مدرس برای تدریس حوزه علمیه ساوه.

۵- اداره و تامین شهریه صد نفر از طلاب حوزه ساوه.

۶- دفتر شهریه برای سادات مستحق ساوه و حومه آن.

۷- صندوق قرض‌الحسنه بنام حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام در ساوه برای کمک به مستحقین.

۸- دفتر نان برای تامین نان فقراء شهر ساوه و حومه آن.

۹- تجدید بناء ساختمان مدرسه انقلاب در کنار مسجد انقلاب ساوه.

۱۰- بناء کتابخانه حوزه علمیه ساوه در همان مدرسه در مرکز شهر.

۱۱- تهیه زمین برای بناء خانه‌های مسکونی برای افرادی که توان تهیه منزل ندارند.

متاسفانه معظم‌له با این محاسن و اخلاق و محامد آداب و فضائل انسانی و ملکات فاضله و آثار و خدمات مبتلا به سرطان شده و در سن پنجاه و دو سالگی در روز اول ماه رمضان ۱۴۱۱ قمری برابر بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۶۹ شمسی از دنیا رفته و در شهرستان ساوه در کنار مزار شهداء آن به خاک رفت رحمه‌اللّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مطهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۷، ساوه.

درگذشت: ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی

سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی‌عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.

از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، ۱۳۶۹)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظلله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، ۱۳۶۴)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، ۱۳۶۷)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، ۱۳۶۳).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۷ / ۲۴، ۱۱۲ / ۲۱، ۲۹۳ / ۱۵، ۱۹۷ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱ / ۶، ۱۹۶ -۱۹۳ / ۲).

مطهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجةالاسلام آقای حاج شیخ حسین مطهری فریمانی از علماء بنام این منطقه است وی در حدود ۱۳۸۸ قمری در فریمان وفات نموده است.

دارای دو فرزند دانشمند و روحانی می‌باشد که هر دو از باقیات الصالحات آن عالم متقی هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مظاهری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا حسن نیز از علما و مجتهدین، و از شاگردان میرزا محمد هاشم و از مجازین از ایشان بود. در حدود سال ۱۳۶۸ در تیران کرون اصفهان به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۹۳ ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت

کرد. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ش در دانشگه سن کلووشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۱۲ ش پایان‌نـامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خـانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسـلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعـد از پایان جنگ به عنوان کارشـناس نسخ خطی فارسـی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در ۱۳۲۷ ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در ۱۳۳۶ ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالیه‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسـکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهـده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیـده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد تمیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشـناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشـد وی سـرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشـگاه پاریس ارائه شـد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقـدمه‌ای بر تاریـخ ایران»؛ «اسـتخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسـلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سـیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جاده‌ی ابریشم (۱/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س ۴، ش ۴، ص ۱۷۵ -۱۶۸، س ۵، ش ۴، ص ۱۶۲).

معرف اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل متقی. در ۹۳۶ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معصومی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله معصومی فرزند نامی مرحوم آیه‌الله معصومی که اکنون بجای آن مرحوم اقامه جماعت مینماید از علماء معاصـر بهبهان است. وی در بیت علم و تقوا پرورش یـافته و مقـدمات را در بهبهان خوانـده و پس از پایان سـطوح و اسـتفاده از محضـر آیات و مدرسـین بجای مرحوم والدش بخدمات دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه‌ای بنام حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل‌الله فرجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی معلم فرزند مرحوم زین‌العابدین بن حسین بن علی‌اکبر بن محمد بن حسین حبیب‌آبادی متولد ۱۳۰۸ و متوفی ۱۳۹۶ قمری یکی از دانشمندان و نویسندگان گمنام و ادباء عظام استان اصفهانند.

ترجمه و آثار ارزنده آن مرحوم چنانچه در رساله یادنامه چهلمین روز درگذشت آن فقید سعید است به طور خلاصه از قلم آن مرحوم از این قرار است وی در محرم سال ۱۳۰۸ قمری در حبیب‌آباد که در سه فرسخی اصفهان قرار دارد در خانواده کشاورزی به دنیا آمده و از سن هفت سالگی در مکتب شروع به درس کرده و تا سال ۱۳۲۲ قمری برخی از علوم را آموخته و مدتی ترک تحصیل نموده و مجدداً در سال ۱۳۲۸ ق باز به تحصیل پرداخته و بیشتر علوم را از اشخاص متفرقه فراگرفته و اکثر کتب را به مطالعه اتقان نموده و مشکلات آن را از اهل آن پرسیده و رفع مشکل و اشکال خود نموده است.

مرحوم معلم که قبلاً به مستعصم و آذر تخلص می‌نموده یکی از چهره‌های دانش و ادب و تاریخ اصفهان است و این نویسنده گرچه توفیق درک محضرشان را ننموده اما آنطور که از بعضی از بزرگان شنیده‌ام یکی از دانشمندان ادیب و ادباء حسیب اصفهان و از مفاخر حبیب آباد و بلکه اصفهان بوده و دارای آثار گرانقدری است که خود آنها معرف آن فقید سعید است که فهرست آن را که خود آن مرحوم برای بعضی از تذکره‌نویسان تهران مرقوم داشته‌اند از نظر اهل ادب می‌گذرانم.

تألیفات علامه متتبع معلم حبیب‌آبادی.

۱- اجزائی در احادیث و مطالب متفرقه.

۲- احوال چهار نفر از علماء مسجد شاهی اصفهان.

۳- احوال سید محمدحسن موسوی اصفهانی.

۴- احوال شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی.

۵- احوال شیخ‌الاسلام‌های اصفهان.

۶- اربعین در ذکر چهل حدیث.

۷- اشعار متفرقه از شعراء عدیده در مجموعه.

۸- کتاب امالی در مطالب رجالی در احوال بعضی از علماء متفرقه و مطالب دیگر مربوط بدانها.

۹- کتاب جعبه در مطالب متفرقه که به طور معروف و معمولی کشکول می‌باشد.

۱۰- جمع عدد گندمهای شطرنج.

۱۱- حواشی بر بسیاری از کتب که عمده و اغلب آنها کتب احوال علماء و بزرگان می‌باشد (که اسامی آنها در یادنامه ذکر شده است.

۱۲- رساله‌ای در احوال اولاد حاج سید محمدباقر حجةالاسلام بیدآبادی اعلی اللّه مقامه.

۱۳- کتاب «رشحات سمائی» در احوال شیخ بهائی.

۱۴- کتاب عراضةالاخوان در سفرنامه خراسان.

۱۵- فهرست اسماء رواه اشعریین قم در صده سیم و چهارم.

۱۶- فهرست باب دهم المآثر والآثار.

۱۷- فهرست کتب مؤلفه خود آن مرحوم با اساتید و مشایخ اجازه.

۱۸- فهرست کتب ملکی آن مرحوم و اجمالی از احوال مؤلفین آنها.

۱۹- فهرست کتاب مجالس‌المؤمنین.

۲۰- کتـاب قبور عتبـات عالیات و قبور واقعه در بین راه آن از اصـفهان به طریق نطنز و کاشان و قم و کرمانشاه تا کاظمین و سامره و کربلاء معلی و نجف اشرف. ۲۱- کتاب کشف‌الخبیه از مقبره زینبیه).

۲۲- کتاب الکلمات‌الطیبات در فهرست (روضات‌الجنات).

۲۳- الکلمات‌العالیه در حاشیه بر روضات‌الجنات.

۲۴- کتاب لآلی‌البحور در توقیعات ایام شهور.

۲۵- دیوان اشعار در سه مجموعه سه جلد از اشعار عربی و فارسی آن مرحوم.

۲۶- کتاب الطعام‌المری در تطبیق تاریخ شمسی و قمری از هجرت تا ۱۴۰۰ سال قمری.

۲۷- مختصرالتواریخ.

۲۸- کتاب مختصرالمکارم.

۲۹- کتاب مقالات مبسوط.

۳۰- مرسله‌های علمی و جوابهای آن با چندین نفر از علماء و فضلاء و غیره.

۳۱- مقالات متفرقه در احوال علماء و غیره.

۳۲- مقالات معنوی.

۳۳- مکارم‌الآثار در اعیان علمی دوره قاجار.

۳۴- کتاب مکمل الافهام در ذکر فضلاء اعلام.

۳۵- نمونه مختصـر المکارم... نویسنده گوید حقیر هیچ کدام از تألیفات آن مرحوم را زیارت نکرده ولی از توضیح خود آن مرحوم چنین معلوم می‌شود که بیشتر آن مکررات باشـد بـا نامهـای مختلف و غالب آنها درباره رجال و دانشـمندان است تألیفات متنوع آن کمتر است.

(۱۳۹۶ -۱۳۰۸ ق)، رجـالی، معلم، محقق و شاعر، متخلص به معلم. در روسـتای حبیب‌آباد برخوار اصـفهان به دنیا آمـد. تحصـیلات خود را در حبیب‌آبـاد و اصفهان به اتمام رسانیـد. او مـدتی در روسـتای خود ساکن بود. در ۱۳۵۸ ق بـه اصـفهان رفت و در قرائت خـانه‌ی شـهرداری و مـدرسه‌ی کـاسه‌گران به تـدریس پرداخت. بیشتر اوقات وی در لغت، ادبیات، تاریـخ، هیئت، ریاضـیات و شـعر صرف شد. او از آخوند ملا محمدحسین مجتهد فشارکی اصفهانی و حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و حـاج میرزا محمـدرضا کرباسـی و حـاج سید محمـدتقی یزدآبـادی اصـفهانی اجازه‌ی روایت داشت. او در علم رجال و شـرح حال بزرگان، محقق و متتبعی کم‌نظیر بود و کتب زیادی در این موضوع نگاشت. به عربی و فارسـی شـعر می‌گفت و در اوایل مسـتعصم، سپس آذر و بعـدها معلـم تخلص می‌کرد. کتب و رسایـل تـألیفی معلم حبیب‌آبـادی متجـاوز از یکصـد مجلـد می‌باشـد. از آثـارش: «مکارم الآثار»، در احوال رجال دوره‌ی قاجار؛ «اربعین»؛ «امالی»، در متفرقات رجالی؛ «رشـحات سـمائی»، در شـرح حال شیخ بهائی؛ «کشف الخبیه عن مقبرهٔ الزینبیه»؛ «مختصـر التواریـخ»؛ «لئـالی البحور»، در توقیعـات ایـام و شـهور؛ «عراضه‌ی اخوان»، در سـفرنامه‌ی خراسـان؛ «مختصـر المکـارم»، فهرست کامـل اعلاـم «روضات الجنات»؛ «الکلمات العالیات»، حاشـیه بر «روضات الجنات»؛ حاشـیه بر «قصـص العلمـاء»؛ حاشیه بر «طریق البکاء»؛ حاشـیه بر «تـذکرهٔ القبور» ملا عبـدالکریم گزی؛ حواشـی غیر مـدون بر بسـیاری از کتب رجالی؛ «دیوان» شعر.[۱]

فرزنـد سـید زین‌العابـدین در ۱۳۰۸ ه.ق در دهکـده‌ی حبیب‌آبـاد از دهسـتان «برخـوار» اصـفهان متولـد شـد. از سـن هفـت سـالگی

تحصیلات خود را در مکتب‌خانه آغاز نمود. مقدمات فارسی و عربی را به انضمام مقدماتی از صرف و نحو فرا گرفت، سپس وارد اصفهان شد و در مدرسه‌ی کاسه‌گران اصفهان حجره‌ای گرفته تحصیلات خود را ادامه داد و دوره سطح را بطور کامل فرا گرفت و در دروس خارج عده‌ای از علماء اصفهان را زیارت کرد. سید محمد علی روضاتی در مقدمه‌ی جلد سوم مکارم‌الآثار درباره‌ی حبیب‌آبادی می‌نویسد: «علاو بر ملاقات جمعی از علمای اعلام و فضلا و دانشمندان اصفهان و جاهای دیگر و استفاده از آثار و مآثر آنان حضورا و یا به مکاتبه، از پنج نفر از علماء بزرگوار اجازه روایت دارد.»

علمائی که به وی اجازه روایت داده‌اند عبارتند از: مرحوم آخوند ملامحمد حسین مجتهد فشارکی اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نجفی، مرحوم حاج میرزا محمد کلباسی اصفهانی و مرحوم حاج سید محمد تقی یزدآبادی اصفهانی.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی به چند تن از شاگردان خود اجازه‌ی روایت داده‌اند.

مرحوم حبیب‌آبادی از جوانی کار خود را براساس تحقیق و تألیف قرار داد و تحقیقا در طول عمر پربرکت خود بالغ بر سی مجلد کتاب نوشت که از مهمترین تألیفات وی کتابی است در ده جلد تحت عنوان مکارم‌الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ که تاکنون هفت مجلد آن به همت آقای محمد علی روضاتی چاپ شده و در دسترس دانش‌پژوهان قرار گرفته است. مبنای تألیف این کتاب بر احوال رجال علمی و گاهی بندرت مشاهیر دیگر از ابتدای دوره‌ی قاجاره تا عصر حاضر است.

مرحوم جلال‌الدین همائی در مجله راهنمای کتاب سال بیستم از شماره ۸ تا ۱۰ مقاله مفصلی نگاشته‌اند و تصویر زیبائی از نویسنده‌ی مکارم‌الآثار نشان می‌دهد، از جمله می‌نویسد: در فن اختصاصی منحصر بفرد که قسم تراجم احوال از اقسام فنون ادبی است بی‌حد شیفتگی و دل‌باختگی داشت. وقتی که از نام و نسب و تاریخ ولادت و وفات یکی از بزرگان دین و دنیا باشند متقن معتبر اطلاع حاصل می‌کرد او را چندان شعف و وجد و حال دست می‌داد که وصف کردنی نیست. در آن روزگار که اوائل آشنائی و معاشرت ما بود هنوز به تألیف کتاب عظیم مکارم آثار دست نزده و اصلا به این فکر نیفتاده بود. بعدها کم‌کم به این کار افتاد و حوالی پنجاه سال متوالی بدون فترت و انقطاع زیت عمر سوخت و رنج تتبع و تحقیق و زحمت خواندن و نوشتن کشید تا کتابی چنین مهم و ارزشمند که برای تاریخ رجال قرن ۱۳ و ۱۴ است آماده گردید.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی در ۱۳ رجب ۱۳۹۶ ه.ق درگذشت. بقرار اطلاع آقای حاج سید محمد علی روضاتی که مردی فاضل و دانشمند است تقبل نموده‌اند تمام مجلدات مکارم‌الاثار را بچاپ برسانند و تاکنون در اثر همت والای ایشان ۷ جلد چاپ شده است و گویا در این ایام در اثر کهولت نمی‌توانند این مهم را انجام دهند. خوشبختانه فرزندان برومند ایشان عمل خیر پدر بزرگوار خود را ادامه خواهند داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶۰ -۴۵۸)، الذریعه (۱۴۶ -۱۴۵/ ۲۲ ،۱۹۲/ ۲۰ ،۲۵۸ ،۳۳/ ۱۸ ،۲۴۱/ ۱۵)، مکارم الآثار (ج ۱/ مقدمه، ۳ ،۱۲ -۹/ مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۸۱/ ۴).

معین‌الغرباء، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مشهور و ملقب به (معین الغرباء) از مشاهیر علماء گذشته خراسان و روسا عصر خود بوده است.

وی بنا بر نقل آقای مروج در (سوانح) سطوح را در مشهد خوانده و بعد به نجف مهاجرت و از محضر میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آخوند ملاعلی نهاوندی استفاده کرده و علم اخلاق و سلوک را از مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی و آقا سید محمدرضا فراگرفته و پس از آن به مشهد مراجعت و به ترویج و تدریس پرداخته تا در چهارم صفر ۱۳۳۹ وفات و در دارالسیاده مدفون شده است و آقای مروج در ماده تاریخش گفته است.

زین جهان رفت معین الغرباء

دل ما گشت پر از شور و نوا

(دل) برون کن پی تاریخ وفات

فاش بر گو تو (معین الغرباء)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

معینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا سید حسن بن السید الجلیل مرحوم حاج سید طاهر معینی از علماء تبریز و معروف معاصر شهرستان ری میباشد.

وی در سال ۱۳۰۹ (هزار و سیصد و نه) قمری در زاویه مقدسه متولد شده و در بیت شرف و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در ری خوانده و آنگاه به تهران رفته و سطوح وسطی و نهائی را از آقا شیخ آقا بزرگ ساوه‌ای و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی لواسانی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفته و در سال ۱۳۴۳ ق مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه موسس حایری و آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری استفاده نموده و با دریافت گواهی علم و تصدیق جامعی در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت بشهر ری نموده و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج مذهب و تبلیغ احکام پرداخته لکن چند سالی اعتزال و انزواء را اختیار نموده فقط گاهی برای جماعت اگر حالشان مقتضی باشد می‌آیند و اکنون دوران نقاهت و سالخوردگی را می‌پیماید.

نگارنده گوید: جناب آقای معینی که حق استادی و تربیت بر این حقیر دارد بسیار منیع الطبع و بزرگوار و محتاط در امور می‌باشد و ایشان داماد مرحوم حاج آقای موسی کنی حفید مرحوم آیت‌اللَّه العظمی علامه کنی می‌باشد و دارای سه دختر فقط هستند که یکی از آنها همسر برادر زاده حقیر است.

مرحوم والدش از امناء و روساء آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و با مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی نجفی که ذکرش گذشت انتساب و از یک سلسله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مقبل کرمانی، شرف‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۵۰ ق)، عالم و شاعر. وی در زمان سلطان قطب‌الدین محمد، حاکم کرمان، می‌زیست و در ۶۵۰ ق، از طرف سلطان، ریاست دیوان انشاء به او تفویض شد. او در شعر مدیحه‌سرای ائمه اطهار (ع) بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۷۹)، الذریعه (۱۰۸۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۳۶۲)، صبح گلشن (۴۳۸)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸).

مقدّس، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملّا مهدی، از علما و فضلا و مدّرسین [؟] اصفهان بوده، و در جمادی الثانیه سال ۱۲۸۹ وفات یافته، و در مقبره فیض در تخت فولاد مذفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مقدس، طاها

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید طاها مشهور به (مقدس) از علماء و ائمه جماعت معاصر محلات می‌باشند.

تولد ایشان در حدود سال ۱۳۵۰ قمری در محلات واقع شده و پس از پرورش و خواندن دروس ابتدائی و مقدمات به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از محاضر مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مقدس، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید ابراهیم حسینی، از علما و ائمّه جماعت، در ذیحجه سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در بیرون بقعه مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مقدس، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی حسین‌زاده (مقدس) فرزند مرحوم حاج شیخ علی مقدس رشتی نجفی از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و سطوح را نزد افاضل نجف و قم خوانده و در درس خارج اکثر عظام علما نجف و قم مخصوصا آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه گلپایگانی استفاده نموده و اکنون سالهای درازیست که در حوزه علمیه قم اشتغال به تألیف کتب سودمندی که ذیلا می‌نگارم دارند.

۱- منیه‌الاحباب

۲- مرقاه‌الکمال، در دو مجلد که در سال ۱۳۹۸ قمری در قم به طبع رسیده است.

۳- کتاب خودسازی انسان در ترجمه مرقاه‌الکمال در پنج جلد.

۴- احسن الحکایات.

۵- بهترین دانستنیها ترجمه احسن الحکایات.

۶- کتاب الطهاره تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۷- کتاب الحج- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۸- کتاب البیع- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۹- کتاب القضاء- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۰- کتاب الشهادات- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۱- کتاب الحدود- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۲- تقریرات درس آیت‌اللَّه بروجردی رحمه‌اللَّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مقیم اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.

عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوهٔ البهیهٔ فی الفرائد القرآنیهٔ». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتری برده شده، و او وی را ستوده است.

درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در ۹۳۹ از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملا آقابابا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۳ ق)، عالم و خطاط. در «فارسنامه‌ی ناصری» آمده که در تمامی کمالات خصوصاً در خط تحریر و انشاء و نجوم به پدر خویش اقتدا کرده است. وی در ۱۲۹۳ ق هنگام تألیف «فارسنامه» در قید حیات بود. آخوند آقابابا بیشتر در خط شکسته و نستعلیق مهارت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۹ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۷۸ /۲).

ملا باشی، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی. عالم فاضل، مدّرس مدرسه ی چهار باغ (اوّلین مدرّس مدرسه ی مزبور) در ربیع الاول سال ۱۱۲۷ وفات یافته، در تکیه ی خاتون آبادی‌ها در اطاق دوّم دست چپ مدفون گردید.

مشار الیه استاد شاه سلطان حسین صفوی و جمعی کثیر از فضلای زمان خود بوده که از آن جمله است:

سید نور الدین بن سید نعمت اللّه جزائری و دیگران. وی را تألیفاتی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا باشی، محمود

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از شاگردان آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران بوده، و داماد حاج میرزا هاشم امام جمعه اصفهان می‌باشد.

در () وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا باشی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا رضا. عالم فاضل، در ۱۳۸۷ در اصفهان وفات یافته، جنازه به مشهد منتقل گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاباشی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا نصرالله. عالم فاضل، در شنبه ۲۵ شعبان ۱۲۸۷ وفات یافته، در ایوانچه‌ی بالای حوض، در تکیه‌ی مادر شاهزاده مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش این است:

بنوشت وحیدی از پی تاریخش

در کوی محمد و علی گشت مکین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملاباشی، نصیر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل معروف به صدرالاسلام، از علمای متنفذ عهد ظل السلطان بوده، در اصفهان ریاستی داشته و پس از فوت، در بقعه‌ی متبرکه‌ی هارون ولایت مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را سینا کرونی گوید:

سینا پی تاریخ وفاتش گفتا

شد قصر جنان مکان صدر الاسلام

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملایری، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین (رئوف) ملایری فرزند آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم ملایری مذکور که از علماء عوائمه جماعت معاصر تهرانست. در ماه صفر ۱۳۵۰ ق در شهر مشهد متولد شده و بعد از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات نزد ادبی نیشابوری سطح فقه و اصول را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و چند سالی از خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی میلانی (عافاه اللّه) استفاده و در سال ۱۳۷۳ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر و دراسات آیت‌اللّه العظمی

حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی چند دوره فقه و اصول استفاده نموده تا از فضلاء مشار بالبنان گردیده تا ذی‌القعده سال ۱۳۹۱ قمری که به اتفاق جمعی زیاد از اهل علم عراق قهرا و جبرا به ایران آمده و با اینکه در تهران عزیمت خراسان نموده ولکن در اثر درخواست و اصرار مردم آریاشهر رحلت اقامت در غرب تهران افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام صادق (ع) آنجا و خدمات دیگر دینی تا هم اکنون اشتغال دارند.

از آثار ایشانست تعمیر و تکمیل مسجد مزبور و تأسیس کتابخانه و سالن سخنرانی و همچنین درمانگاه برای بینوایان و مخفی نماند که معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج آقا حسن طباطبائی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملبوبی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و محدث خبیر آقای حاج شیخ محمدباقر بن العالم العلام حاج شیخ محمدتقی ملبویی متوفی ۱۳۲۴ شمسی از فضلاء دانشمندان و افاضل نویسندگان اراکی حوزه علمیه است که در تیرماه سال ۱۳۰۸ شمسی متولد شده و پس از خواندن دروس جدید دبستانی وارد رشته روحانیت گردیده و در مدرسه سپهدار و مدرسه حاج محمد ابراهیم و مدرسه آقاضیاء مقدمات و ادبیات را نزد آقا شیخ قنبر رفیعی و حاج سید اسمعیل و آقای محمدی آموخته و در سال ۱۳۲۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و شروع به خواندن سطوح وسطی لمعه و قوانین و پس از آن سطوح عالی در خدمت اساتید حوزه چون آیت‌الله صدوقی و آقای بدلاء و آقای حاج شیخ اسدالله اصفهانی و مرحوم آقای نحوی و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی و آیت‌الله کرمانی و آقا سید محمدصادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خوانده و پس از تکمیل سطوح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و با مناعت طبع و قناعت و تعفف تحصیل نموده و در سختی‌ها و فشارها و امتحانهای الهی استقامت ورزیده تا به مدارج علم و کمال رسیده و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قرار گرفته است.

اما آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی بروجردی بدین شرح- مکان مصلی- لباس مصلی- قواطع صلوه- فروع علم اجمالی- صلوه جماعت- قضاء ۲- شرح دعاء کمیل ۳- الوقایع والحوادث ج ۱- صیام ج ۲ و ۳ و ۴- محرم‌الحرام ۵- دهه اول صفر.

۴- حقیقت جاودان شرح خطبه حضرت زهرا علیهاسلام ج ۱ مطبوع و ج ۳ در شرف طبع.

۵- زندگانی آیت‌الله بروجردی- و آثار دیگری که بدان اشتغال دارد.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: الوقایع و الحوادث (قم، ۱۳۶۹)؛ حدیث حدیث، چهل حدیث (تهیه و تنظیم کامران ملبوبی؛ قم، ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملک اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد ملک اصفهانی که پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت و چندین سال از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر کسب فیض نموده سپس به قصر آمده و به خدمات دینی از قبیل امامت و تبلیغ احکام و تدریس و تنویر افکار نسل جوان در دبیرستان آنجا مشغول می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ملک افضلی اردکانی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم بن المرحوم آقا علی ملک افضلی اردکانی از علماء معاصر است در شهر میناب استان کرمان که در سی فرسخی بندرعباس واقع است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در اردکان یزد در خانواده اعیان و اشراف آن سامان متولد شده در سن ۱۷ سالگی پس از فراگرفتن صرف و نحو و تجوید عازم اصفهان شد و سه سال در اصفهان اشتغال بتحصیل قسمتی از نحو و معانی بیان و اصول داشته است و اساتید مشهور آنجا مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و مرحوم محقق اصفهانی بودند و سپس به اردکان و یزد مراجعت نموده در اردکان خدمت مرحوم حاج ملا محمد حایری و در یزد خدمت آیه‌الله مرحوم حاج شیخ غلامرضا خراسانی یزدی تلمذ نموده سپس عازم قم شده و بقیه سطوح را در قم خدمت حضرت آیه‌الله آقای حاج سید احمد موسوی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و درس خارج را خدمت مرحومین آیتین حاج سید محمد تقی خوانساری و آقای سید محمد حجت تبریزی خوانده و پس از فترت چهار سال مراجعت باردکان نموده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بقم مراجعت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت و آیه‌الله صدر و بالاخص آیه‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمرش استفاده نموده و قسمتی از خارج صلوه مرحوم آیه‌الله بروجردی را نوشته و بعد فوت مرحوم تا بحال قسمتی از سال در حوزه علمیه قم و قسمتی در خارج قم (در شهر میناب) بسر برده و بخدمات دینی و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ملکه جهان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۲۴ ق از زنان فاضل. وی دختر کامران میرزا، نایب‌السلطنه ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) و همسر محمدعلی شاه قاجار (۱۳۲۷ -۱۳۲۴ ق) بود. کتاب برهان‌الایمان که مجموعه‌ای از ادعیه، اذکار و تجوید است، از آثار اوست (۱۳۲۴ ق)[۱]

دختر کامران میرزا نایب‌السلطنه و زوجه محمدعلی شاه قاجار و مادر احمدشاه قاجار. وی بعد از عزل محمدعلی شاه در ۱۳۲۶ قمری، در اروپا در حال تبعید می‌گذراند و در سن قریب ۷۰ به سکته قلبی درگذشت. او شش فرزند داشت. احمدشاه، محمدحسن میرزا ولیعهد (این دو قبل از او درگذشتند)، سلطان محمود میرزا، سلطان عبدالحمید میرزا، و یک دختر که زوجه مجید میرزا پسر سالارالدوله است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۲۸۸ / ۶.

ملکی شمیرانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ مصطفی ملکی شمیرانی از فضلاء متقی و ائمه جماعت معاصر تجریش است.

وی در حدود سال ۱۴۳۶ ق در تجریش متولد شده و دروس جدیده را خوانده آنگاه بتشویق و تصویب مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی چیذری (سابق الذکر) بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم آمده و سطوح متوسط و عالی را از حضرت آیت‌اللَّه مرعشی مدظله و آیات دیگر بپایان رسانیده و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران شرکت نموده و به افتخار و مصاهرت مرحوم آیت‌اللَّه فاضل لنکرانی نائل و چون محصلی با تقوا و جدی بودند بمراتب عالیه علم و کمال ارتقا یافته آنگاه به زادگاه خود تجریش برگشته و بحکم (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم) به وظائف تبلیغی و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته است.

نگارنده گوید: حقیر آقای ملکی را از قبل از ورود به تحصیل علوم دینی می‌شناسم و جز تقوا و پاکی و دیانت و فضل و کمال از وی ندیده و نشنیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ملکی طسوجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن ملکی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج سید عباس ملکی طسوجی از فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در شهر تبریز متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و در سال ۱۳۳۰ شمسی در معیت والد ماجدش به شهرستان خوی آمده و مدتی در آنجا اقامت و پس از فراگرفتن تحصیلات دوره ابتدائی و مقدمات در مدرسه نمازی خوی در سال ۱۳۳۹ شمسی برای ادامه تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم مهاجرت نموده است.

سطوح نهائی را از آقای اعتمادی و آقای نوری و اکثرا از عموی گرامیش حاج سید جلیل ملکی استفاده نموده و به درس خارج آیات عظام شرکت و بهره‌های کافی برده و به تدریس سطوح عالی فقه و اصول پرداخته و تا حال حاضر اشتغال دارند .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ممیز، غدیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غدیرعلی ممیز از علماء و دانشمندان معاصر خدوم و مروج شهرستان (شهرضا) می‌باشند تولد ایشان در ذی‌الحجه ۱۳۴۹ ق در شهرضا واقع شده و مقدمات را در آنجا در خدمت حجهٔ‌الاسلام آقای حاج میرزا نصراللّه- زارعان و سطوح را از محضر انور آیت‌اللّه حاج سید مهدی کماری در مدرسه شیخ عبدالحسین تهران خوانده و هم در مشهد مقدس از محضر مرحومین آیتین حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج آقا جلال مدرس تکمیل نموده و ادبیات را از جناب آقای هاشمی و هیئت و تفسیر از استاد بزرگوار علامه میرجهانی بهره‌مند و منظومه سبزواری را در نجف اشرف از مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقای حاج میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی و سطوح عالیه را از مرحوم حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای رحمهٔ اللّه علیه و حجهٔ‌الاسلام حاج سید ابوالقاسم کوکبی بهره‌مند شده و دروس خارج را از آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری استفاده نموده و با دریافت اجازات از نجف اشرف مراجعت به شهرضا و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تعظیم شعائر مذهبی پرداخته و تا حال تحریر و تالیف گنجینه موفق و شاغل این خدمات می‌باشند.

آثار خالده معظم له.

۱- قسمتی تقریرات دروس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی.

۲- تعمیرات حسینیه سادات شهرضا در سال ۱۳۴۶.

۳- ساختمان حسینیه باغ ملی شهرضا در سال ۴۷ -۴۶.

۴- تاسیس مسجد صدری در خیابان ولیعهد غربی شهرضا ۴۹ -۴۸.

۵- مسجد امام حسین (ع) در خیابان چهل متری شهرضا ۵۴ - ۵۵.

۶- فرستادن مبلغینی به اطراف شهرضا از سال ۱۳۴۶.

۷- تاسیس کتابخانه عمومی.

۸- تاسیس مدرسه علمیه مدینه العلم شهرضا که اکنون مملو از طلاب و روحانیون برای درس و مباحثه است .

غدیرعلی ممیزی عالمی عامل و مروجی کامل است که تحصیلات خود را در شهرضا و اصفهان و حوزه‌های علمی دیگر تمام نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارد. وی عالمی باصفا و دانشمندی متواضع و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق می باشد.

ایشان در نیمه شب ۷ آذر ۱۳۸۸ برابر با شام عرفه و شب عید سعید قربان دعوت حق رالبیک گفت و در جوار رحمت الهی آرمید .

قبر ایشان بنا به وصیت خود در قبرستان عمومی شهرضا واقع شده است .

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منتظری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: بهمن ۱۳۲۳، نجف‌آباد.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدعلی منتظری نجف‌آبادی درس و کار را توأما آغاز کرد. در ابتدا، برای امرار معاش و کمک به وضع مادی خانواده، اول در کار کشاورزی و سپس به عنوان کارگری ساده در یک کارگاه کوچک ریخته‌گری قاشق و چنگال، مشغول کار شد، گاه نیز به کار کشاورزی می‌پرداخت. از طرف دیگر توانست تا سیزده سالگی کلاس پنجم را به پایان برساند. سپس راهی مدرسه علمیه شد و به فراگیری علوم اسلامی در محضر استادانی چون آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله جنتی، و بعدها امام خمینی (ره)، و دیگر اساتید حوزه علمیه قم و نجف پرداخت. وی عمده‌ی آموزش‌های خود را از آیت‌الله منتظری فراگرفت. به گونه‌ای که قسمت اعظمی از دروس خود، به ویژه دروس «سطح» و تا اندازه‌ای «خارج» را پیش پدرش آموخت. علاوه بر این علوم، همراه پدرش به مسافرت‌ها و دیدار با علما می‌رفت. وی همچنین با اقتصاد اسلامی آشنایی کامل یافت و در این رشته استاد گشت. وی در زمینه‌ی حکومت اسلامی هم مطالعاتی داشت. موضوع نخستین درسش برای طلاب در تابستان سال ۱۳۴۸، حکومت اسلامی بود و درس اقتصاد اسلامی را نیز در تابستان سال ۱۳۴۹ تا بهار سال ۱۳۵۰ تدریس می کرد.

حجت‌الاسلام منتظری از سال ۱۳۴۱ وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی گشت. در این سال از نوشتن اعلامیه شروع کرد و بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افراد برای مبارزه پرداخت. در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به پخش اعلامیه‌های گوناگون به وسیله دستگاهی ساده که خود ساخته بود، پرداخت. اولین بار در تهران هنگام شعار علیه رژیم در مجلسی، دستگیر شد و روانه زندان گردید. این بازداشت چندان دوام نیافت و به زودی آزاد گردید. وی پس از این مسافرت‌هایی به شهرستان‌ها به منظورهای تبلیغ سیاسی داشت، دسته‌های

کوچکی از افراد جوان و متدین ایجاد کرد؛ و در عین حال شروع به خواندن زبان انگلیسی و مطالعه مکتب‌ها و نهضت‌ها و تحولات کشورهـای دیگر پرداخت. وی در اول فروردین سـال ۱۳۴۵ همراه عـده‌ای از طلاـب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هنگـام پخش اعلامیه‌های ضد رژیم در صـحن حضرت معصومه (س) دستگیر و روانه بازداشتگاه شد. بعد از سه روز وی را تحویل زندان قزل قلعه دادند. وی تا پانزده روز به شدت شـکنجه شد و مدت سه سال در زندان به سـر برد. در اواخر سال ۱۳۴۷ از زندان آزاد شد. به وی گفته بودند حق اقامت در شهر قم را ندارد. اما وی اهمیتی نداد و به قم رفت. از جمله فعالیت‌های این دوره وی این بود که در سال‌های ۱۳۴۹ – ۱۳۴۸ در با همکاری عده‌ای از جوانان نجف‌آباد کتابخانه‌ای سـیار تأسیس کرد. او کلاس‌هایی برای طلاب جوان مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد ترتیب داد. اما ساواک هم مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد و هم کتابخانه‌ی موجود در آن را تعطیل نمود. کار کتابخانه سـیار هم به تعطیلی کشـید. در همـان سال‌هـا به تکثیر و توزیع اعلامیه‌هـای امام خمینی و دیگر علما مشـغول بود. در این دوره همچنین به فکر فعالیت‌های تشـکیلاتی و در پی انجام اقدامات مسلحانه بود. هنوز در این امر پیشرفتی نکرده بود که در سال ۱۳۵۰ شناسایی شد و مجبور به فرار گشت، به پاکستان و سپس به عراق و بعد کشورهای عربی و سپس به افغانستان و بعد از آن به اروپا رفت. و در این سفرها به افشاگری درباره‌ی رژیم می‌پرداخت. در پاکسـتان در شهر کویته بود. با شخصیت‌های پاکستانی ملاقات داشت، از جمله با مولانـا ابوالاـعلی مودودی در ارتباط بود. مسافرت‌هایی به افغانسـتان نیز داشت. پس از مـدتی از کویت به کراچی رفت و با سازمان آزادی بخش فلسطین (فتـح) در پاکسـتان آشـنا شـد. ایـن آشـنایی بـه برقراری رابطـه‌ای محکم و طولاـنی انجامیـد. پس از دو سـال سرگردانی در پاکستان و عراق سرانجام در سال ۱۳۵۲ به عراق رسید. در عراق، ضمن شرکت در درس امام خمینی (ع) به مبارزات خود ادامه داد. چون با اوضاع افغانسـتان آشـنا بود، به جمع انقلابیون مسلمان افغانی پیوست، راهی افغانستان شد و به مبارزه خود در آنجا ادامه داد. مدتی نیز در زندان آن کشور بود.

حجت‌الاسـلام محمـد منتظری در عراق همراه عـده‌ای از طلاب قسـمتی از برنامه‌های فارسـی رادیو بغداد را به دست گرفت و از آن علیه رژیم فعـالیت می‌کرد. همچنین در عراق به مبـارزان ایرانی تعلیمات چریکی آموزش می‌داد. با بهبود روابط ایران و عراق، راهی کشورهای دیگر عرب زبان شـد. او با ابتکارات جالب به جعل گذرنامه می‌پرداخت. او در کشورهای خلیج فارس، عراق و سوریه و لبنـان و افغانسـتان در حرکت بـود و کتـاب و نوار و نشـریه پخش می‌نمود و به افراد آموزش‌هـای نظـامی می‌داد. او بارهـا در عراق، لبنـان، سوریه و کلیه کشورهـای خلیـج به زنـدان افتـاد و شـکنجه‌ها دیـد. ایشان در لبنان و سوریه در کنار رزمنـدگان فلسـطینی قرار داشت و در دو جنگ لبنان شـرکت داشت. انقلابیون منطقه به ایشان لقب «ابواحمـد» داده بودند. وی همچنین تشـکیلات «روحانیت مبـارز خـارج از کشور» را پایه‌ریزی کرد. در سال ۱۳۵۶ به هنگام شـهادت فرزنـد امام خمینی، تظاهرات گسترده‌ای را در لنـدن برپا نمود. ضـمنا در همان سال در بیروت به مناسبت چهلم فقدان دکتر علی شریعتی مجلس ختمی در بیروت برپا کرد. در تابستان ۱۳۵۶ در کلیسای سـنت مری پاریس به یاری روحانیت و دانشـجویان عضو انجمن‌های اسلامی خارج از کشور سمینار و تحصن بزرگی را شکل داد که در آن خواستار آن بودند که عده‌ای از زندانیان آزاد شوند.

در سال ۱۳۵۷ محمد به طور ناشناس به ایران آمد. سپس در دی ماه ۱۳۵۷ که همراه پدرش به دیدار امام خمینی به پاریس رفته بود، از طریق سوریه و عراق به کشور بـازگشت. در ایران پس از انقلاب اسـلامی به فعالیت پرداخت. او چون معتقـد به فعالیت در سـطح جهان بود، از همان بدو تأسـیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌ای برای تداوم فعالیت‌هایش داشت (تأسیس واحد نهضت‌های آزادی بخش). وی همچنین تشـکیلاتی برای مسـلمانان جهـان تأسـیس نمود به نام «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری‌های اسـلامی (ساتجا)» و خود رهبری آن را به عهده داشت. وی همچنین دست به انتشار نشـریه‌ای به نام «شـهید» زد که چهار شـماره بیشتر منتشـر نشد. سـپس دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پیام شـهید» زد که این هم چندان طولانی نکشـید. سـرانجام در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ دادسـتان انقلاـب اسـلامی آن زمان طی حکمی دسـتور توقیف این روزنامه را داد. وی دلیل این کار را کوشـش در تضـعیف دولت

بیان کرد. وی برای کمک به مردم لبنان، دست به تشکیل سپاهی از جوانان زد و این گروه را پس از تعلیم آموزش‌های نظامی و جنگ‌های چریکی، برای جنگ با اسرائیل روانه جنوب لبنان ساخت. اعزام این افرار سر و صدای بسیاری در محافل داخل و خارج کرد. در لبنان مسئله ورود حجت‌الاسلام منتظری بسیار پر سر و صدا شد.

در جریان انتخابات اولین مجلس شورای اسلامی از نجف‌آباد نامزد انتخاباتی می‌شود و با آوردن ۹۵ درصد آرا به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. در مجلس شورا عضو کمیسیون خارجه بود. و در هیئت بررسی شکنجه در ایران نماینده‌ی امام بود. وی همچنین نماینده مجلس در شورای عالی دفاع بود. از وی مقاله‌هایی در نشریات و جراید به جا مانده است.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به سبب انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منجم فاضلی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد (منجم) رشتی بن محمدحسن بن محمدعلی فاضلی جلیل و منجمی ماهر بوده و بعد از ۱۳۱۳ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منجم، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سیّد محمّد بن هادی بن محسن بن هادی بن محسن بن کریم بن سید علی (برادر شاه مراد).

عالم فاضل، و منجّم کامل، در سال ۱۲۴۴ بلا عقب وفات یافته.

از آثارش دفتر تقویم است که مدّت هفتاد سال از زیج الغ بیک استخراج نموده است.

در مآثر و الآثار در ضمن شرح حال حاج میرزا احمد ملا باشی نامی از او برده شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

منصوری، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین فرزند مرحوم ابراهیم عالمی جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله از علماء و ائمه جماعت معاصر نجف‌آباد یکی از همان افرادی بود که به تشویق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد حججی وارد تحصیل علوم دینیه گردیده و پس از خواندن مقدمات و سطوح عازم نجف اشرف گشته و بعد از کسب علم و معلومات از اساتید بزرگ نجف اشرف به نجف‌آباد بازگشت نموده و پیوسته در

نجف‌آباد به وسیله تشکیل جلسات دینیه و بیانات شافیه خود مردم را متوجه به امور دینیه و مذهبی می‌نمود و همواره در اثر علاقه شدید به گفتار ائمه اطهار (ع) به دروس طلاب علوم دینیه اشتغال داشتند. در نجف‌آباد و همیشه طلاب و محصلین شیفته بیانات آن مرحوم بودند و از درس وی استفاده می‌کردند تا در ۲۵ ماه شعبان وفات نموده و در نجف‌آباد به خاک سپرده شده و مزارش معروف است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موحدی قمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد بن العلامه آخوند ملاعبدالله موحدی قمی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و عدلی کم‌بدیل است که در سال ۱۳۱۴ ق متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی و عالیه را نزد اساتید قم خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات عظام دیگر استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و در منزل آن مرحوم متصدی امور استفتاء و جمع و تالیف فتاوی و مسائل و رسائل علمیه معظم‌له از جمله کتاب جامع الفروع و مصابیح الفروع و فرائض المناسک و مناهج الفروع از طرف آن مرحوم گردیده و پس از فوت آن مرحوم بلادرنگ بزعیم الشیعه و محی الشریعه و مرجع الاعلی الادینی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و همان سمتی را که در دستگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی داشت در منزل آیه‌اللهی مرعشی هم متعهد شده و حاشیه عروه‌الوثقی معظم‌له را که تاکنون چنین حاشیه‌ای بر آن نشده بنام دغایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی) در دو مجلد بزرگ تنظیم نموده که اکنون منتشر و در دسترس همه اهل علم است و توضیح‌المسائل و مناسک حج معظم‌له را ترتیب داده است.

در مسجد امام علیه‌السلام در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله برکاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی محمد موحدی از علماء اعلام و دانشمندان کرام و مدرسین والامقام و مروجین احکام حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۲۲ قمری در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت و تحصیل مقدمات و سطوح نموده و پس از پایان آن از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری مرحوم و بعضی دیگر استفاده کرده و چند سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در خلال آن تدریس ادبیات و سطوح را کرده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد مراجع عظام و زعماء حوزه علمیه قم بوده و از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چندی اعزام به آباده شیراز و چندی هم به چالوس و در سال ۱۳۷۰ قمری به مسجد سلیمان خوزستان رفته و چندین سال در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و مسجد بزرگ و آبرومندی که خود این نگارنده دیده‌ام در آنجا بنا و خدمات ارزنده‌ای انجام داده ولی چند سالی است که به وطن خود

مراجعت و از شرکاء درس حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی است و هم در یکی از مساجد قم اقامه جماعت می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن موسوی اصفهانی فرزند مرحوم ثقه المحدثین حاج سید اسماعیل فرزند آقا سید عبداللّه موسوی از افاضل دانشمندان معاصرند که در سال ۱۳۵۲ هجری قمری در آدریان اصفهان به دنیا آمده‌اند.

و در بیت علم و تقوای والـدش که از خطباء و محدثین و مخلصـین اهل‌بیت علیهم‌السـلام بودند پرورش یافته و اولیات را از ایشان تا سن ۱۳ سالگی آموخته. سپس به تحصیل علوم عربیه در سال ۱۳۶۶ قمری در اصفهان در مسجد معروف به (مسجد سید) پرداخته و پس از خوانـدن مقـدمات و سـیوطی سـطوح متوسط و عالی را در خـدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید مصـطفی مهـدوی (مدفون در صحن قم) در مدرسه جده بزرگ و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ جمال‌الدین خوانساری خوانده است.

آنگاه در سال ۱۳۶۹ قمری به قم عزیمت نموده و سه سال اقامت و به خواندن قسـمتی دیگر از سـطوح نزد اساتید حوزه مشغول شده و پس از آن در سـال ۱۳۷۲ قمری مهـاجرت بـا عتـاب عالیـات و در کربلاء معلی اقامت نموده و بقیه سـطوح را در خـدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا سید اسداللّه صدر بنی‌هاشمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج‌آقا محمد شیرازی و حجهٔ‌الاسلام کابلی و علامه محقق حاج شیخ محمدحسین مازندرانی و آیت‌اللّه آقا شـیخ محمد شاهرودی خوانده سپس در سال ۱۳۷۵ قمری راهی نجف شـده و حدود ۱۶ سال اقامت و از محضـر آیت‌اللّه حاج شـیخ کاظم تبریزی و آیت‌اللّه حاج سـید مرتضـی خلخالی و آیت‌اللّه حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و آیت‌اللّه حاج سـید علی سیسـتانی و عالم جلیل حاج سید هاشم حسینی تهرانی و آیت‌اللّه رضوانی خمینی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسلم ملکـوتی (امـام جمعه تـبریز) و دروس خـارج را از محضـر زعیم اعظم و مرجع اعلی و فقیه اهـل‌البیت آیت‌اللّه العظمی خوئی مـدظله مدت ۱۴ سال اسـتفاده نموده و هم مدتی به درس و بحث امام راحل آیت‌اللّه العظمی خمینی شـرکت نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که به واسـطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق مجبور به مراجعت به ایران گردیده و مدتی در زادگاه خود اقامت و تأسـیس مدرسه علمی نموده و مدتی هم در تهران توقف و اکنون در قم سکونت و به خدمات دینی و روحی از تألیف و غیره اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- ثقات الرجال ۴ جلد که جلد اول آن در نجف اشرف در سال ۱۳۸۷ قمری به طبع رسیده است.

۲- الامامه والولایه که در موضوع خود بسـیار نفیس و مسـتدل و متقن می‌باشـد و جریانی دارد که از آن معلوم شود این کتاب مورد توجه اهل‌البیت علیهم‌السلام قرار گرفته و دانستن او بی‌فایده نیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی الموتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمدعلی بن السید علینقی بن سید کبیر بن السید احمد بن سید هادی موسوی از علماء محترم کنونی شهر ری می‌باشند. وی در روز جمعه سوم شوال‌المکرم ۱۳۳۱ قمری در گرمارود الموت بدنیا آمده و مقدمات را در محل مزیر دشت تنکابن خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر مشایخی خوانده سپس در ربیع‌الاول ۱۳۴۹ ق به قم آمده و سطوح را نزد جمعی مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و علامه قمی و آقا سید ناصر قمی و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالرزاق قائینی و حجهٔالاسلام عالم زاهد حاج شیخ علی‌اکبر الهیان بپایان رسانیده و در سال ۱۳۵۶ قمری مشرف به نجف و مدت شش ماه از محضر آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی بهره‌مند و به قم بازگشت نموده و بالغ بر نه سال از آیات عظام ثلاثه مرحوم آیت‌اللَّه حجه و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر استفاده و ضمنا تدریس متون فقه و اصول نموده تا در سال ۱۳۸۲ ق که منتقل بشهر ری و مجاور سید الکریم حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه‌السلام را اختیار و از شرکت در اجتماعات و مراوده با این و آن خودداری و بنا بر فرمایش (کونوا احلاس بیوتکم) حلیس بیت خویش گردیده و در منزل برای برخی از محصلین تدریس متون فقه و اصولی و معقول می‌نماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی بفروئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید یحیی موسوی برادر ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی مقیم قم میباشند.

وی از فضلاء تلامذه و شاگردان بزرگوار مرحوم آیه‌الله حایری یزدیست که پس از پایان تحصیلات و وصول بمقامات عالیه علمی بوطن خویش مراجعت و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای مقام فضل و تقوا و فضل و سیادت و حسب و نسب عالی میباشد. از اردکان و حومه آن بفرو و غیره حدود سی طلبه در قم اشتغال بتحصیل دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی خادم، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بن السید الجلیل السید محمد بن العالم التقی السید مراد (امام جمعه) آمل از سادات بزرگوار شهر ری و دارای نفس قدسی و از خدام والا مقام حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بوده‌اند، وی تولدش در حدود ۱۲۸۰ ق در شهر ری واقع شده و در بیت عزت پرورش یافته و مانند مرحوم والدش افتخار خدمت سید الکریم را داشته و از جهت تقوا و پاکی مورد توجه و علاقه شدید مردم ری بوده و مردم بدعاء و تأثیر نفس او توجه مخصوصی داشتند (حضرت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی فقیه) و نسابه عصر میفرمودند ایشان از سادات مرعشی آمل هستند که بموسوی شهرت یافته‌اند) وی بیش از هشتاد سال با مجد و عزت زندگی و در سال ۱۳۶۳ قمری رحلت نموده و در بین‌الحرمین در پای درب مقبره (ناصرالدین شاه) مدفون گردید.

دارای فرزندان متعددی میباشد که دو نفر آنها در سلک لباس روحانیت بوده‌اند: ۱- مرحوم ثقه‌الذاکرین آقا سید تقی موسوی ۲- جناب سید الاطیاب حاج سید حسن موسوی، و از احفاد آن مرحوم است دانشمند و خطیب شهیر حاج سید محمد موسوی واعظ.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خلخالی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محسن موسوی خلخالی از علماء و خدمتگذاران دینی شمیرانست.

وی در نجف متولد و سالها در حوزه علمیه آن سامان کسب فیض و کمال نموده و از محاضر آیات عظام حکیم و خوئی و شیرازی و شاهرودی و غیرهم فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و رحل اقامت به تجریش انداخته و در مسجد گیاهی اول خیابان سعدآباد (سر پل تجریش) به اقامه جماعت و وظائف دینی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی زنجانی، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید یعقوب از علماء اخیار و دانشمندان ابرار عالمی متقی و فاضلی پارساست: بالغ بر چهل سال است که وی را می‌شناسم مکروهی از او ندیده‌ام در حدود سی‌سال قبل سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد مقدس (مدرسه نواب) اقامت داشتم و از دروس اساتید مشهد چون مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی استفاده می‌کردم ایشان به عزم زیارت مشرف و به منزل نگارنده وارد شدند از اخلاق حسنه و انفاس قدسیه او استفاده کردم از همان وقت او را دانشمندی پرهیزکار و اهل مطالعه و ذاکر یافتم در یک هفته کنزالعرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد را از اول تا آخر مطالعه کرده و مقداری هم با هم مذاکره نمودیم.

معظم‌له از مسقط الراس خود در اواخر مرحوم آیت‌الله حایری مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه و عالی را از اساتید حوزه آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله داماد و آیت‌الله گلپایگانی و بعضی دیگر فراگرفته و به درس سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و بالغ بر ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و تا هم اکنون از شرکاء درس آن جناب می‌باشد و ضمنا تدریس فقه و اصول هم می کنند.

آثار علمی ایشان تقریرات و دراسات فقه و اصول آیات عظام و اساتید کرام حوزه است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی شاهرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شاهرودی فرزند سید جلیل و عالم نبیل آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی فرزند آقاسید محمد فرزند عالم ربانی حاج سید علی موسوی ابرسجی (شاه چراغی) (صاحب مزار معروف در ابرسج شاهرود) از افاضل و مدرسین سطوح عالی و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۲ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و تا چهار سالگی را در آنجا بوده و در سال ۱۳۵۸ قمری در معیت والد ماجدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در تحت پرورش پدر بزرگوارش تربیت یافته و بعد از خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۶ قمری پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف عزیمت نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه نجف تکمیل سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی حاضر و استفاده کافی نموده و آنگاه به ایران مراجعت و در حوزه مشهد مقدس به تدریس سطوح عالی و سایر و وظایف روحی خود بالخصوص اقامه جماعت در مسجد (حوض لقمان میدان شهداء) که مرحوم والدش اقامه جماعت می‌نمود پرداخته و تا حال تحریر (سال ۱۴۱۲ قمری برابر ۱۳۷۰ شمسی) اشتغال دارند.

دارای فرزندانی فاضل می‌باشند که دو نفر آنان ۱- سید محمود موسوی ۲- آقا سید مرتضی در قم مشغول به تحصیل و تکمیل مبانی علمی می‌باشند و آقا مرتضی داماد حجهٔالاسلام حاج سید کاظم لواسانی فرزند آیت‌اللّه حاج میرزا حسن لواسانی است. برادران بزرگوار ایشان نیز آقایان حاج سید باقر و حاج سید هادی موسوی از فضلای معاصرند که در مشهد مقدس و قم اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

دامادهای ارجمندی دارند به نامهای زیر:

۱- حاج شیخ حسن عامری شاهرودی

۲- حاج شیخ علی صدیق شاهرودی

۳- حاج شیخ مهدی بخارائی مشهدی

۴- آقا حاج سید مصطفی حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمد شاهرودی از افاضل و دانشمندان معاصرند که در مشهد و شاهرود و قم و تهران به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

خواهرزاده ایشان جناب حاج شیخ محسن کافی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام و واعظ شهیر حاج شیخ احمد کافی داماد گرامی نگارنده است که نعم‌الخلف مرحوم کافی دارای مقام فضل و کمال خصوص از سخنوران و خطیبان معاصر در حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی شیرازی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن سید عبدالکریم موسوی شیرازی عالمی متبحر بوده تالیفاتی دارد که از آنهاست (کشف‌الاسرار) در جبر و اختیار و

فضاء و در حدود ۱۲۵۰ ق وفات نموده است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی فضیلت، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مهدی بن المرحوم الحاج السید جواد موسوی از فضلاء مروجین و ائمه‌ی جماعت معاصر شهر ری می‌باشند. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد و پس از خواندن دروس جدید تا ششم ابتدائی بتشویق و ترغیب نگارنده برای تحصیل علوم عربی و ادبی به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته و متون فقه و اصول نهائی را آموخته و چندی از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ قمری در شهر ری بخدمات دینی و روحی و اجتماعی از قبیل تربیت و تعلیم اطفال به اشاره و تصویب مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت- ره- پرداخته و برای این منظور تاسیس دبستان ملی (موسوی فضیلت) و از این راه خدمتی به فرزندان مسلیمن نموده و ضمنا در مسجد حضرت (مسلم بن عقیل علیه‌السلام) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای موسوی فضیلت از روحانیون اخیار و علماء ابرار و مروجین عالی مقدار شهر ری و مورد علاقه مردم ری می‌باشند و حقیر که نزدیک چهل سال است با وی دوستی و اخوت دارم مکروهی از او ندیده و وی را یه تقوا و ورع یافته و اهل توسل و ولایت دیده‌ام.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی کرمانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم موسوی کرمانی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمان می‌باشند وی در کرمان متولد و در بیت سیادت پرورش و پس از خواندن دروس جدید در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم دینی پرداخته سپس مهاجرت به قم و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ آموخته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه گلپایگانی و دیگران شرکت و استفاده سرشار نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به وطن خویش مراجعت و به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس در مدرسه معصومیه پرداخته است.
نگارنده گوید: جناب آقای موسوی کرمانی از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به ورع و متانت و فضائل اخلاقی و دور از تظاهرات می‌باشد.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی ملایری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد موسوی ملایری فرزند مرحوم حجهٔالاسلام آقای سید محمود ملایری از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران در خزانه فرح آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۱ شمسی متولد و پس از تحصیلات مقدماتی در خدمت مرحوم برادرش حاج سید هادی ملایری مدت چهار سال در زمان مراجع ثلاث آیت‌اللَّه حجت و خونساری و صدر در قم اشتغال داشته و مدت سه سال در همدان در مدرسه آیت‌اللَّه آخوند ملا علی مشغول تحصیل و مدتی هم با برادرش مرحوم حاج سید هادی در قریه پری ملایر اقامت و از آن مرحوم استفاده و بعد به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و نیز آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی بنابر دعوت عده‌ای از ملایریهای مقیم تهران به تهران آمده و با همت و سعی و کوشش ایشان زمینی در خزانه فرح‌آباد واقع در جنوب تهران خریداری و مسجدی به نام حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بنا نموده و پس از پایان و تکمیل آن مسجد به اتفاق اهالی آن سامان به امامت در آن مسجد و خدمات دینی و تأسیس کتابخانه‌ای برای استفاده عموم موفق می‌باشند. کثراللَّه امثالهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی ملایری، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هادی موسوی ملایری فرزند مرحوم سید محمود از فضلاء گذشته حوزه علمیه قم و از دوستان قدیمی این نگارنده است وی در سال ۱۳۳۶ قمری در ملایر متولد شده و در خانواده روحانی پرورش یافته و پس از دوران مکتب در سال ۱۳۴۹ قمری برای ادامه تحصیل علوم دینیه به شهرستان بروجرد در زمانی که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی در آن شهر بودند تحصیلات مقدماتی را در مدت چهار سال نموده و با توصیه مرحوم آقای بروجردی قدس سره در سال ۱۳۵۳ ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی به قم مهاجرت و تا سال ۱۳۶۵ ق در قم اقامت و از محضر آیات عظام حجت و خونساری و صدر استفاده و در سال مزبور به نجف مشرف و چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌مند و پس از دریافت اجازه جامع از آن مرحوم به ایران مراجعت و مدت سه سال در همدان اقامت و از محضر آیت‌اللَّه آقای آخوند ملاعلی همدانی مدظله استفاده نموده و بعد بنابر تقاضای اهالی قریه پری ملایر مدتی در آنجا مشغول ترویج احکام و بنای مساجد متعدد در روستاهای اطراف آن نموده مجدداً به قم آمده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی ره و مراجع دیگر استفاده نموده و هم به تدریس سطوح پرداخته و بنابر دعوت اهالی قریه جوزان ملایر به آن محل رفته و قسمتی از سال را در آنجا و قسمتی هم در قم توقف نموده تا در سال ۱۳۸۳ قمری که به مرض سکته قلبی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش از ملایر به قم منتقل و در قبرستان ابوحسین به خاک رفته است.

مؤلف گوید مرحوم حاج سید هادی ملایری گذشته از مقام فضل عالمی متقی و پرهیزکار و با جود و بخشش بوده و هر چه دستش می‌آمد به فقراء و مستمندان داده و برای خود و خاندانش انداخته نمی‌نمود. وی دارای فرزندانی می‌باشند که دو نفر از آنان به نام حاج سید رضا و حاج سید حسین موسوی در کسوه مقدس روحانیت مقیم تهران و به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جّد ایشان مرحوم سید عبدالحمید از علمای ازکیا، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر بوده، و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته.

وی را شرحی است بر کتاب شرایع الاسلام تألیف محقّق حلّی علیه الرحمه.

پدر ایشان مرحوم آقا سید محمّد نیز از علمای کاملین بوده و قبرش در خوانسار است.

صاحب عنوان از اکابر علما و مجتهدین، و اعاظم فقها، و در اواخر زمان حیات خود مرجع وحید شیعه، و زعیم بزرگ دینی بود. از حیث قدرت و ریاست و نفوذ امر از جمیع مراجع تقلید گذرانید.

در سال ۱۲۸۴ قمری در اصفهان متولّد گردیده و مقدمات علوم را نزد جمعی از بزرگان که از جمله آنهاست مرحوم حاج سید مهدی نحوی فرا گرفته، و در سال ۱۳۰۷ به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا خدمت اساتید بزرگ سالها درس خوانده، مدّت دو سال در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی مرحوم حاج میرزا محمّد حسن (۱۳۱۲-۱۲۳۰) حاضر شده، سپس در نجف به درس آخوند ملا کاظم خراسانی (۱۳۲۹-۱۲۵۵) حاضر شده و از خواص ایشان، و مشهورترین شاگردان وی به شمار می‌رود، و از آخوند خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدر کاظمینی اجازه روایت احادیث یافته، و مرکز درس و بحث و فتوی قرار گرفت.

در احسن الودیعه(۱۰۹:۲) درباره او گوید: صاحب الاخلاق النبوّیهٔ و الغیرهٔ الهاشمیّهٔ، کریم الطبع، سخی النفس...حسن السلیقه فی المسائل العلمیّهٔ، فلتفتخر اصفهان بأنّ منها مثل هذا المولی العظیم الشأن.

در نقباء البشر(۱۴۳:۱) شخصیّت و بزرگواری او را ستوده، و از حفظ و اخاق و صفات و ملکات او شطری بیان داشته.

در ریحانهٔ الادب(۸۴:۱) و دیگر کتب رجال همگی از او به بزرگی یاد نموده‌اند.

در آثار الحجهٔ(۱۳۴:۱) درباره او فرماید: مرحوم اصفهانی - رضوان اللّه علیه - از مؤیّدین فقهای عالم تشیع بود که از غیب به او کمک شده و تأیید می‌شدند، واعلی حضرت ولیّ عصر - ارواحنا له الفداء - به او نظر مخصوص داشت، و از آن بزرگوار به وسیله ثقه الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل سفر به مکّه مشّرف شده، توقیعی برای سیّد آمد.

در هر حال، عالمی است جلیل القدر، و منشرح الصدر، و عدیم النظیر، در اخلاق و کمالات سرآمد علمای زمان، بلکه در کمتر زمانی عالمی بدین پایه و مقام رسیده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- انیس المقّدین که آن را سید ابوالقاسم اصفهانی جمع کرده است ۱- حاشیه بر تبصره علامه ۳- حاشیه عروهٔ الوثقی ۴- حاشیه نجاهٔ العباد تألیف شیخ محمد حسن صاحب جواهر ۵- ذخیرهٔ الصالحین ۶- ذخیرهٔ العباد ۷- شرح کفایهٔ الاصول استادش مرحوم خراسانی - صراط النجاهٔ، و آن ترجمه وسیلهٔ النجاهٔ است که مرحوم آقا سید ابوالقاسم اصفهانی ترجمه کرده و به نظر ایشان رسانیده. ۸- منتخب الرسائل ۹- مناسک حج ۱۰- وسیلهٔ النجاهٔ، یکدوره فقه در دو مجلد ۱۱- وسیلهٔ النجاهٔ صغری، رساله عملیّه مختصر.

و این کتب، همگی چندین مرتبه بطبع رسیده و در تمام ممالک اسلامی و شیعه منتشر گردیده، که مثلاً رساله ذخیرهٔ العباد ایشان

هفتاد و یک مرتبه به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد حسین بن السید الجلیل آقا سید محمد باقر موسوی از علماء معاصر شهرستان بهبهان است. وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در بهبهان متولد شده و پس از طی دوران دروس جدید مدت سه سال در بهبهان مقدمات و ادبیات و سطوح متوسط را خوانده آنگاه بقم مسافرت و مدت هشت سال از محضر اساتید عظام حوزه علمیه قم چون حضرت آیه‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و آیه‌الله العظمی آقای... و زعیم اعظم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و بعد از آن مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت چهار سال اقامت و از محضر دروس حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیه‌الله العظمی مرحوم حاج سید محسن حکیم بهره‌مند شده سپس بمنظور انجام وظیفه در سال ۱۳۷۴ ق به بهبهان مراجعت و مدت بیست سال است که در این شهرستان در مسجد (مصلی) باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشانست:

۱- تأسیس کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد مصلی.

۲- مدرسه علمیه موسوی که مجهز بتمام وسائل آسایش برای طلاب علوم دینی و واردین از اهل علم و منبر میباشد.

۳- کتابخانه مدرسه علمیه مزبور برای محصلین این مدرسه.

جناب آقای موسوی، از حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله العظمی شاهرودی مجاز باجازه امور حسبیه و وکالت در امور شرعیه دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی، محمد خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسین. عالم فاضل جلیل، و محدث خبیر، آشنا به علوم حدیث و اخبار بوده، و در موقع چاپ «بحارالانوار» از طرف حاج محمد حسن امین الضرب اصفهانی متصدی تصحیح و مقابله‌ی آنها شده، و از این راه خدمتی شایان به علم و دین نموده. در سال ۱۳۱۴ وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای اخیار، و فضلای ابرار بوده، و در سال ۱۲۰۳ وفات یافته، در تکیه‌ی خاتون‌آبادی‌ها مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی‌نژاد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی نژاد از فضلاء بارع و بزرگوار مشهد مقدس می‌باشند.

تولد ایشان در قریه (ابراده) که از مضافات و ییلاق مشهد است واقع شده و در بیت سیادت و دیانت پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و سطوح را از مدرسین مشهد فراگرفته سپس مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی اقامت نموده و از محضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حاج شید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به مشهد و زادگاه خود نموده و تشکیل مدرسه داده و به تربیت جمعی از طلاب و محصلین مبتدی مشهد با برنامه صحیح و مراقبت فراوان پرداخته و اکنون موفقیتهای بزرگی در این امر خیر نصیبشان شده و عده چشم‌گیری از طلاب حوزه ایشان به متانت و ورع و تهذیب اخلاق و با استعداد اشتغال به دروس سطوح متوسط و عالی دارند.

نگارنده گوید آقای موسوی نژاد که از نزدیک افتخار آشنایی و قرابت ایشان را دارم بسیار وارسته و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و در بین دانشمندان مشهد هم به پاکی و بزرگواری و ورع معروف می‌باشند.

یکی دیگر از آثار ارزنده ایشان صندوق تعاون و قرض‌الحسنه است که با معیت چند نفر دیگر از فضلاء تأسیس و بکار راه‌اندازی ارباب حوائج مشغول و دائر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موسیوند، توفیق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور توفیق موسیوند،متولد سال ۱۳۱۵در روستای ورکانه همدان،فارغ التحصیل رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران و فوق لیسانس مهندسی مکانیک از کانادا و دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب از کانادا می‌باشد.او صاحب اختراعاتی چون قلب مصنوعی،امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب،تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر،عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و انگلستان و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور،رئیس بخش قلب و عروق انستیو تحقیقات قلب دانشگاه اوتاوا (پایتخت کانادا) است.او بعد از ۳۷ سال،در

سال ۱۳۸۱ و در همایش بین المللی بوعلی سینا به زادگاهش (همدان) بازگشت.کسی که آمادگی خود را برای تأسیس دانشگاه و بیمارستانی بزرگ در کیش اعلام کرده است؛بیمارستانی که با بزرگترین دانشگاه و بیمارستان جهان قابل رقابت باشد،و کمترین و کوچک‌ترین هزینه‌ای برای دولت ایران در برنداشته باشد و تمام منابع آن از اعتبارات شخصی او تأمین شود.او درباره زندگی خود می‌گوید: «خانواده شلوغی بودیم،ساده زندگی کردن را دوست دارم،گله چرانی و دعوا و آشتی و عید نوروز و ...من خیلی خوشبخت بودم که پدرم گذاشت درس بخوانم،فرصتی که نصیب خواهرانم نشد.بعد،از چوپانی‌هایش می‌گوید و شب‌هایی که نتوانسته بود بخوابد و اینکه چرا پیامبران بیشتر چوپان و یا نجار بودند.او می‌گوید:«به یاد کودکی آرامش پیدا می‌کنم،آنجا (کانادا) هم،همیشه دنبال خاطراتی بوده‌ام که در دنیای مدرن و پیچیده به من آرامش بدهد.آنها را در چوپانی و همان شب‌های مهتابی می‌یافتم.یک چوپان به خدا نزدیکتر از دیگران است و همیشه به خلقت فکر می‌کند.آن وقت‌ها،من خدای گوسفندانم بودم.چوپانی،انسان را به اصل خود،خدا و طبیعت نزدیک می‌کند و به همین خاطر خدا دوستی و ذهن من مترادف با چوپانی است،وقتی برای کارهایم جوابی نمی‌یابم،به خدا بیشتر التماس می‌کنم.این حالت اغلب،وقتی پیش می‌اید که جواب مسأله‌ای را نمی‌دانم و از پس حل آن بر نمی‌ایم.من خیلی سجده شکر به جای می‌آورم و در جراحی‌هایم که انگار دخالت در کار خدا است. فکر می‌کنم که خداوند به همه آدم‌ها مغز داده که از آن استفاده کنند و برای کمک به خود و دیگران از آن بهره ببرند.با این حال عده‌ای قدرت وعده‌ای شهرت،وعدّه‌ای ثروت را دوست دارند.عدّه‌ای هم دلشان می‌خواهد به مردم خدمت کنند،حتی بیشتر از آنچه که مردم انتظار دارند،احساس وظیفه می‌کنند و بس.[چیزی شبیه سکوت میان خالق و مخلوق!]

قلب مصنوعی و دیگر اختراعات پروفسور موسیوند جان هزارها تن را نجات داده است.او به کسانی که می‌خواهند از وی قدردانی کنند می‌گوید:اگر راستی می‌خواهید به من هدیه بدهید،آن موقع که به خدا نزدیک می‌شوید،برای من دعا کنید که چاقی‌ام کم شود و عمرم زیاد!(با اشاره طنزآمیز) زندگی پروفسور فراز و فرودهای زیادی داشته است که مجال کوتاهی را از زبان خود ایشان می‌آوریم:«من اول برای تحصیل به دانش‌سرای معلمی همدان رفتم .همه انتظار داشتند،من معلم بشوم و خودم دوست داشتم نفر اول بشوم که نشدم و با خدا دعوا کردم که چرا اینطور نشد.بعد رفتم سراغ مهندسی مکانیک و بعد از آن،سراغ رشته کشاورزی و دست آخر از ایران خارج شدم و ۳۰ سال بعد بود که به حکمت خدا پی بردم و دیدم اگر در دانش‌سرای تربیت معلم نفر اول می‌شدم،این فرصت را نمی‌یافتم که این همه یاد بگیرم و به مردم خدمت کنم. بعدها فهمیدم که ما،چه عامی و چه دانشمند،حکمت خدا را نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و این یک واقعیت است.من فکر می‌کنم مذهب و علم با هم اختلاف ندارند.اینها دست به دست هم، پیش می‌روند.علم ابزاری است که خدا ایجاد کرده و مذهب دستوری است که باید انجامش بدهیم.سپس در پایان گفته‌هایش،رباعی معروف بوعلی سینا را می‌خواند که:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت

انـدر دل من هـزار خـورشید بتافت آخـر بـه کـمـال ذره‌ای راه نیـافت

موگوئی شوشتری، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق) عالم و عارف. وی از دانشمندان عهد فتحعلی‌خان و اخشنوخان، حاکم شوشتر، بود. مدتی در شیراز و اصفهان تحصیل علم کرد. وی از شاگردان محقق خوانساری است. در جوانی به هندوستان رفت و پس از چندی به شوشتر بازگشت. آخوند

ملا علی از زاهدان و پارسایان بود. او در شوشتر درگذشت و در جوار مسجد جامع دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷ /۱۲).

مولانا، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد آقا مولانا قدس سره و سلسله‌ی نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد شب شانزدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری در بلده‌ی طیبه‌ی نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) متولد تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداوله و سطوح را در تبریز به اتمام رسانده در سال ۱۳۴۰ جهت ادامه‌ی تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم و از محضر استادان عالیقدر آیات الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء- آقا سید محمد حجت کوه کمری (موقع اقامت معظم له در نجف)- آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء- آقا ضیاء عراقی- آقا شیخ محمد حسین کمپانی (اصفهانی) و سایر فقهاء عصر استفاده و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۶ به وطن عزیز خود تبریز مراجعت- از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال داشته- روز چهارشنبه ۲۲ شوال المکرم سال ۱۳۹۲ در تهران (جهت معالجه به آن شهر تشریف فرما شده بود) داعی حق را لبیک گفته.

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول

بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

در شهر مذهبی قم و جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفون گردید. عمر شریفش و ۷۲ سال ۷ ماه و ۶ روز بوده.

چون تراب تیره شد آرامگاه و مضجعش

عرش گفتا آن زمان یالیتنی کنت تراب

اولاد ذکور آن بزرگوار: جنابان حجه الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن و حاج سید ابوالقاسم آقا که هر دو به نوبه‌ی خود از جمله علمای اعلام و فضلای تبریز به شمار می‌روند و در دریای علم و تقوای آن فقید می‌باشند.

و نیز آقای حاج سید ابوالفضل جوان فعال پرهیزکار فرزند آن مرحوم و نور دیده‌ی مردم است.

تألیفات فقید سعید آنچه در حال حیاتش به زبان فارسی به چاپ رسیده ۱۸ جلد بشرح زیر:

۱- صحت و سعادت- اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

۲- آثار المعاصی- در بیان اثرات دنیوی گناهان.

۳- نصایح المعصومین- اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۴- الملاحم- پیشگوئی‌های واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۵- لطائف الاخبار- برگزیده‌ی اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۶- مرآة الحج- بیان احکام و مناسک حج.

۷- شرط و جزاء- بیان احادیث وارده در نتیجه‌ی بعضی اعمال.

۸- الفروق- بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.

۹- البرکات- اخباری که کلمه‌ی برکت در آنها ذکر شده.

۱۰- سیره‌ی حسنه- ذکر فوائدی در موضوعات مختلفه.

۱۱- حکایات المعصومین- قسمتی از حکایات گذشتگان خدائی.

۱۲- کیف اصبحت- اخبار و احادیث.

۱۳- چهل حدیث- احادیث و بحث اجمالی در امامت.

۱۴- خدا نه طبیعت- منظوم در اثبات صانع.

۱۵- حج نامه- منظوم در اعمال حج و سفرنامه.

۱۶ و ۱۷- بخش اول و دوم در منظوم- در حالات پنج تن آل عبا (ع).

۱۸- تعدیل المیزان- بیان اوزان و اندازه‌های معمول دنیا.

علاوه بیشتر از ده جلد کتب علمی و فقهی من جمله (منجزات المریض) یک بحث مهم که هنوز به چاپ نرسیده و از آثار باقیه‌ی آن فقیه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مومن شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن احمد بن غلامحسین معروف به مومن شیرازی از افاضل اخیار و علماء ابرار حوزه علمیه است در سال ۱۳۰۵ شمسی در شیراز متولد شده و مقدمات و ادبیات را در شیراز خوانده و در عهد زعامت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام بروجردی امام خمینی و مرحوم داماد یزدی استفاده نموده و دراسات و تقریرات آنان مخصوص آیت‌الله بروجردی را به رشته تحریر درآورده است.

آثار قلمی ایشان بدین قرار است:

۱- تقریرات اصول آیت‌الله امام خمینی خطی و غیر مرتب.

۲- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله بروجردی مخصوص لباس مشکوک خطی و غیر مرتب.

۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله داماد.

۴- رساله‌ای در عفت و غیرت ناتمام.

۵- رساله‌ای در عقاید صوفیه از مدارک خودشان ناتمام.

۶- شرح مختصری بر خطبه حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام و ذکر مدارک و اسناد آن از کتب عامه و خاصه.

۷- استخراج روایات بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی و مقابله با مصادر و مدارک آن از اواسط جلد ۵ چاپ کمپانی تا جلد ۸ که تقریبا از اواسط ج ۱۳ تا جلد ۲۷ طبع جدید می‌شود با معیت آقای حاج شیخ حسین کرمانی دارابی و آثار و خدمات دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مهاجرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا جعفر ابن آیت‌اللّه حاج میرزا محمـد باقر مهاجرانی همدانی از فضـلاء حوزه علمیه قم می‌باشـند. وی در سال ۱۳۵۲ قمری در همـدان متولـد شـده و پس از پایان دوره ابتـدائی مقدمات را در مدرسه مرحوم آخوند ملا علی همدانی خوانده و در سال ۱۳۶۷ قمری به قم آمـده و سـطوح را از مدرسـین بزرگ حوزه علمیه خوانـده و پس از آن مدت سه سال از محضـر و درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اسـتفاده نموده و بعـد از فوت ایشـان از درس خـارج آیـات عظـام خمینی و شـریعتمداری و گلپایگانی و آقـای نجفی مرعشـی مـدظلهم بهره‌منـد و در بین آن سـفری به نجف اشـرف نموده و چنـدی توقف و از محضـر و دراسات آیت‌اللّه العظمی خوئی و نایب‌الامام خمینی دامت برکاتهم مستفیض گردیده و در دوره انقلاب برای بیدار کردن مردم مسافرتهائی به اطراف نموده و متحمل مشقات و رنجهای فراوانی گردیده است.

آثار خالده و تالیفات ایشان.

۱- مسجدی در لاکمه‌سر لاهیجان ۲- مسجدی در کوریجان همدان ۳- مسجدی به نام حضرت ولی عصر (ع) در مهاجران.

تالیفات: ۱- مناسک حج بر طبق مذاهب پنجگانه اسلام: ۱- جعفری ۲- حنفی ۳- شافعی ۴- مالکی ۵- حنبلی.

۲- جزواتی در تقریرات دروس آیات عظام و اساتید حوزه علمیه قم، مخطوط.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مهاجری، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت‌اللّه مهاجری کردستانی نیز از اهل آن حدود است و بیشتر در مرکز کردستان بوده.

وی نیز یکی از از برادران اهـل سـنت مـا بـوده و در مهابـاد و سـنندج و منطقـه سنی‌نشـین کردسـتان پرورش یـافته و بالاـخره در اثر مطالعات و مصاحبات با دانشمندان شیعه مستبصر گردیده (بعد از آنکه سالها در راه مذهب اهل تسنن فعالیت کرده و تبلیغ نموده) و کتاب (چرا ولایت را پذیرفتم) نوشته است.

و بعـد چون ماننـد مرحوم قاضـی بهجت تهدیـد به قتـل شـده و جـانش به خطر افتاده از این جهت مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه به تحصیل علوم دینی اهل بیت (ع) اشتغال دارد.

ترجمه خود را در ص ۱۸ کتاب خود مرقوم نموده است و اسـتبصار وی موجب بصـیرت پدر او که از علماء کردستان بود گردیده و خاندان خود را به مذهب حقه جعفری ارشاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهدوی قزوینی، نعمت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ نعمت‌الله مهدوی از علماء و اکابر دانشمندان و قدماء حوزه علمیه است تولدش در قزوین واقع شده و پس از پایان مقدمات و بعضی از سطوح به قم مهاجرت نموده و سطوح خود را از اساتید مهمه مانند: میرزای همدانی و دیگران تکمیل و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری آنگاه مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و حدود ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و تا به مقام شامخ علم و کمال رسیده و بالغ بر سی سال است

که به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد و از مدرسین بزرگوار و برجسته حوزه محسوب می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز ۵ شنبه ۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:

چون در جهان هستی قانون مرگ دم زد

نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، بحر اعطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل، از علمای سده‌ی ماربین، در یکشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۷۱ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

مشارالیه در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و از ائمه‌ی جماعت و موثقین به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میانچی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم مرتضوی میانجی از افاضل معاصرین تهرانست. وی در ماه صفر ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات میانه متولد شده

و تحصیل مقدمات را در قم انجام داده و در سال ۱۳۵۵ قمری مشرف به نجف اشرف شده و از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۹ قمری به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در یکی از مساجد مرکز به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و انجام وظیفه اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده میباشند که بعضی بطبع رسیده است و از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب «العیون العبری» در مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام.

۲- کتاب «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام» در حالات چهارده معصوم علیهم‌السلام.

۳- تصحیح چاپی کتاب وسائل‌الشیعه در بیست مجلد.

۴- تصحیح چاپی کتاب شرح نهج‌البلاغه خوئی در بیست و یک جلد.

۵- تصحیح چاپی کتاب احقاق الحق آیت‌اللّه مرعشی که تاکنون ۱۱ جلد آن بطبع رسیده است.

۶- تصحیح چاپی کتاب بحارالانوار چاپ جدید (۶۰) مجلد.

۷- مقدمه و پاورقی به کتاب حقایق علامه فیض کاشانی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میر عظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای از علمای معاصر تهرانند. ایشان در ماه رجب ۱۳۴۰ ه. ق، در مراغه بدنیا آمدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا طی و بعد مقدمات را نزد جناب آقای شیخ حسین پیشنماز بالوقیه مراغه و آقای حاج شیخ ابراهیم بادکوبه‌ای و عالم ربانی حاج شیخ محمد تقوی خوانده و از کمالات روحی آنان رضوان اللّه علیهم شمه‌ای بهره بردند.

سپس بعزم تکمیل مقدمات سه سال در شهر تبریز متوطن شده و در حوزه‌ی تدریس اساطین فقها و اصولا حاضر شدند. سپس بامر و توصیه یکی از اساتید عظام نوراللّه مرقده بقصد تکمیل سطح و اخذ معقول به مشهد تشرف حاصل نموده و سه سال در حوزه تدریس حضرت الاستاد الحاج سید احمد یزدی معروف باستاد و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی عطراللّه مرافدهم فقه و اصول و معقول را آموختند و تفسیر و اخلاق و مقداری از خارج متاجر را محضر مرحوم آیت‌اللّه ربانی میرزا مهدی الاصفهانی آموخته بودند.

در سنه‌ی ۱۳۶۷ ه.ق در قم متوطن گردیده در مجلس تدریس بعضی از اعاظم حوزه مبارکه حاضر شدند. معظم له در مدت اقامت خود در قم به تدریس و اقامه جماعت حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حجت در مسجد حاج میرزا عبداللّه کیهانی در محله‌ی در بهشت اشتغال داشتند.

آثار علمی و قلمی عدیده‌ای دارند که ذیلاً بعضی از آنها از نظرتان می‌گذرد.

۱- تلخیص الفراید للشیخ الانصاری قده

۲- تلخیص التقریرات قسمت اصول علمیه للنائینی قده.

۳- کتاب کفارات در اسلام فارسی استدلالی.

۴- ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر الصادق علیه‌السلام و آن اولین حدیث کتاب روضه کافی است.

۵- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت سجاد علیه‌السلام.

۶- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام.

۷- دو نشریه بنام جریمه‌ی روزه خواران.

۸- جریمه‌ی مرتکبین محرمات حج.

۹- مجموعه‌هایی در فنون مختلفه.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزند برومند و مؤدب ایشان آقای سید میر حسین میر عظیمی حسینی است که از محصلین متدین و جدی حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میر لوحی سبزواری اصفهانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از ۱۰۰۰- بعد از ۱۰۸۳ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به نقیبی. ملقب به مطهر، نسبش به حضرت ابراهیم، فرزند امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. وی با مجلسی معاصر بود. به مشهد رفت و به آورده‌ی آقا بزرگ تهرانی «تهذیب الاحکام» را در خدمت میر محمدجعفر رضوی، پدر میر محمد زمان رضوی صاحب «صحیفة الرشاد»، خواند. سپس به اصفهان بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. از آثارش: «کفایة المهتدی فی معرفة المهدی (عج)؛ «زاد العقبی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «تنبیه الغافلین»، در رد صوفیه؛ «اعلام المحبین»، در رد صوفیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۹/ ۹)، الذریعه (۱۰۲ -۱۰۱/ ۱۸، ۶/ ۱۲ ۱۲۲۲، -۱۲۲۰/ ۹ ،۱۵۱ -۱۵۰/ ۴)، ریحانه (۲۳۶ -۲۳۵/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۱ -۴۷۹/ ۱۱).

میر محمد صادقی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید جعفر، عالم فاضل، ساکن قریه‌ی زمان‌آباد. برخوار، عالم فاضل، در جمعه ۲۰ شعبان ۱۳۳۱ وفات یافته، در حرم امامزاده نرمی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میر محمد صادقی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و از احفاد اوست: حاج سید محمّد باقر بن حیدر بن میر سید بن میر علی نقی که از جمله علما و فضلا و ائمّه ی جماعت اصفهان، در نزد حاج آقا مشیر الدین بروجردی تلمّذ نموده و به دامادی او مفتخر گردیده، و در مسجد ایلچی امامت می‌فرموده. (مسجد از آثار صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام الدین محمّد ملقب به حکیم الملک ایلچی در سال ۱۰۹۷ بنا شده است.)

در شب ۴ ماه صفر المظفر سال ۱۳۶۳ وفات یافته، در جنب تکیه ی ملک مدفون گردید، و بعداً در آنجا تکیه‌ای احداث نمودند به نام تکیه میر محمّد صادقیها.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میرباقری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم میرباقری فرزند مرحوم حاج سید حسن میرباقی (خیاط) شاهرودی برادرزاده حاج سید علی میرباقری واعظ معروف تهران از فضلاء و نویسندگان و خطباء و اساتید معاصر دانشگاه است.

تولد ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی در شاهرود واقع شده و در یک خانواده با دیانت و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را در زادگاه خود خوانده و پس از آن در خدمت والد ماجدش در سال ۱۳۲۷ شمسی به شهرستان قم مهاجرت نموده و دوران دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی (که امروز به نام دبیرستان امام صادق علیه‌السلام است) گذرانیده است.

در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد حوزه علمیه و به تحصیل علوم عربی و ادبی و منطق و فقه و اصول پرداخته و دروس یاد شده را از محضر آیاتی چون آقای سلطانی بروجردی و مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی فراگرفته و بعد به درس خارج آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و محقق داماد شرکت و استفاده نموده و علوم عقلی و فلسفی را از محضر آیت‌اللّه طباطبائی قاضی آموخته و در سال ۱۳۴۷ شمسی به تهران عزیمت نموده و دوره الهیات را در دانشگاه به پایان رسانیده و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات نائل شده و در حال حاضر به تدریس در آنجا و نیز تبلیغ و ترویج از طریق منبر و خطابه‌خوانی اشتغال دارند.

دارای آثار گرانقدری می‌باشند که از آنها ترجمه کتاب احتجاج طبرسی در دو مجلد به طبع رسیده است.

والد ماجد جناب آقای دکتر میرباقی مرحوم حاج سید حسن که از بیت مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسین موسوی شاهرودی ابرسجی بودند از اخیار و ابرار شهرستان قم و اشتغال به خیاطی و دوختن لباس روحانیت داشتند که در سال ۱۴۱۱ قمری در اثر تصادف به رحمت حق پیوسته و به لقاء اجداد خویش شتافتند.

دارای دو برادر روحانی بزرگوارند.

۱- جناب آقای حاج سید محمد میرباقری که در شاهرود از طریق وعظ و خطابه به خدمات دینی اشتغال دارند.

۲- جناب آقای حاج سید علی میرباقری امام مسجد قنات‌آباد تهران که از خطباء و وعاظ محترم تهران به شمار می‌روند بیانی آموزنده و منبری سازنده دارند و ایشان تحصیلات خود را در شاهرود و بعد قم به پایان رسانیده و در تهران رحل اقامت افکنده و به خدمات روحی و دینی خود از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج اسلام اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرخانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰(۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲(۹ جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خونساری و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی قدس اللّٰه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّٰه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و

مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ -۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶ -۵۷۵/ ۴).

میردامادی سدهی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد رحیم کبیربن میر مرتضی بن میر محمد اشرف.

عالم فاضل، در چهارشنبه ۱۰ صفر ۱۱۶۵ متولد، و در ۲۲ محرم ۱۲۴۳ وفات یافته، د مقبره‌ی خوزان سده مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱ - انیس المحتاجین، در علوم غریبه ۲ - ترصیع الاسماء ۳ - کتابی در رجال.

مشارالیه از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی بوده، و به سید حجهْالاسلام و حاجی کلباسی اختصاص داشته، در سده‌ی امامت داشته، و بیشتر مواقع در شهر ساکن بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میردامادی سدهی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمد جعفر. عالم فاضل، و ادیب زاهد شاعر، در شب جمعه ۲۳ ربیع الثانی سال ۱۳۰۳ متولد، و در شب جمعه اول ربیع الثانی سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در جنب امامزاده سید محمد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و آخوند گزی، و حاج میر محمد صادق احمدآبادی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و مدتی در قم به درس حاج شیخ عبدالکریم یزدی حاضر شده، و در نجف به درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا محمد حسین نائینی رفته، پس از تکمیل فضائل به اصفهان مراجعت نموده، در سده ساکن، و به ارشاد و هدایت مردم و اقامه‌ی جماعت پرداخته. کتب زیر از اوست:

۱ - دیوان اشعار با تخلص «آیت» ۲ - رساله در قاعده‌ی علی الید، تقریرات مرحوم نائینی ۳ - صومیه، در مواعظ ماه رمضان ۴ - عشریه؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن میردامادی معروف به نجف‌آبادی متولد ۱۳۱۰ در شهر مقدس مشهد فرزند سید هاشم میردامادی نجف‌آبادی است. تحصیلات ابتدائی را در سمنان و حضرت عبدالعظیم گذارنیده پس از رفتن متفقین از ایران در الزام پدر از ری به مشهد مقدس منتقل و در مدرسه خیراتخان و بعد در مدرسه‌ی نواب به تحصیلات عربی مشغول و قسمت عمده ادبیات را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نموده پس از دیدن کتب معموله صرف و نحو و منطق و معانی بیان سطح را نزد مرحوم حاج سیداحمد مدرس و مرحوم پدرم طبق معمول شروع نموده ابتداء لمعتیین و قوانین و معالم و بعد رسائل و مکاسب و کفایه‌الاصول را از محضر پدر و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی اعلی‌اللّه مقامه استفاده کرده و در سال ۱۳۶۸ از مشهد به قصد ادامه تحصیل رهسپار قم شد.

در آن زمان حوزه علمیه قم به برکت وجود مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی رونق و گرمی بخصوصی داشت از ابتدای ورود به درس معظم‌له حاضر و در آن وقت صلوات مسافر را تدریس می کردند چند روز درس ایشان را نوشته حضورشان تقدیم کردم و معظم‌له پس از مطالعه دو روز بعد حقیر را طلبیده نوشته را مرحمت کرده‌ام فرمودند نام اینجانب را در دفتر وارد سازند سال بعد به درس حضرت آیت‌اللّه امام خمینی که تازه به درس خارج شروع کرده بودند حاضر شدم و تا اواخری که در قم بودند از محضر این دو استاد استفاده‌ها بردم و تا هنگامیکه مرحوم فقید سعید آیت‌اللّه بروجردی قدس‌سره اصول می‌گفتند به درسشان رفته همه را نوشته و بعد از اینکه ایشان بر اثر مشاغل زیاد نتوانسته درس اصول بگویند منحصر شد درس اصول به درس اصول آیت‌اللّه امام خمینی صبحها از دروس فلسفه حضرت آیت‌اللّه علامه طباطبایی حفظه‌اللّه در تمام مدت تدریس وی بهره برد و در روزهای تعطیلی از درس تفسیر وی حظ وافر می برد

و مدتی هم از محضر درس آیت‌اللّه داماد استفاده کرد و با رفقای فاضل و متدین مباحثات دروس را پس از هر درسی ترتیب داده و با بعضی از رفقا که در مقام تهذیب خود بودند نزد بعضی از اساتید اخلاق بطور خصوصی حاضر و از مواعظ شافیه و دستورات اخلاقی استفاده‌های معنوی برد با مرحوم والد سفری به عراق و به سفر حج مشرف شد.

و بعد از سفر حج در مشهد بطور موقت توقف کرد چند ماهی نگذشته بود که پدر وی مریض شده در گذشتند و بنا بتقاضای رفقای مرحوم و انتخاب علماء طراز اول مشهد به امامت در جامع گوهرشاد جای مرحوم والد مشغول و برنامه تفسیری ایشان را در شبها کماکان ادامه داد و از آن تاریخ بیش از هفت سال در محضر در درس آیت‌اللّه میلانی در مشهد حاضر شده اصول و فقه ایشان را می‌نوشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میردامادی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علی محمّد، عالم فاضل زاهد، در نزد علمای اصفهان تحصیل نموده، بالاخص نزد آخوند گزی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای. در سال ۱۳۵۲ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میرزایی زنجانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی. در زنجان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح به تهران آمد و معقول را از میرزا طاهر تنکابنی و علامه میرزا مهدی آشتیانی و اصول را از سید محمد تنکابنی فراگرفت. او مدت زمان کوتاهی نیز از محضر علمای مشهد استفاده نمود. آنگاه به قم مهاجرت کرد و در محضر آیت‌اللَّه حایری یزدی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه بروجردی تلمذ نمود. سپس برای انجام امور دینی به رشت رفت و به اقامه‌ی جماعت در مسجد حضرت صاحب‌الزمان (عج) پرداخت. وی عهده‌دار سرپرستی و اداره‌ی مدرسه‌ی جامع رشت گردید. از آثارش: «حقائق التوحید»، استدلالی در دو جلد؛ «برهان الولایهٔ»، به عربی در دو جلد؛ «فروغ تجلی در امامت»؛ « راه ترقی»، در امور اجتماعی به فارسی؛ «نفس و راه تکامل آن»، در روان‌شناسی؛ رساله‌ای در «لباس مشکوک»، به عربی؛ رساله‌ی «صلاهٔ»؛ «العبر فی مسئلهٔ الجبر و القدر»، رساله‌ای در جبر و تفویض؛ رساله‌ی «التحلی فی حقیقهٔ التحلی»؛ رساله‌ی «قاعدهٔ لا ضرر»؛ حواشی بر «اسفار» ملا صدرا؛ «النور الساطع»، در نبوت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۶ -۲۵۵/ ۵).

میرفخرائی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی میرفخرائی جندقی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام حاج آقای جندقی طاب‌اللَّه ثراه از خطباء مشهور و وعاظ معروف معاصر تهرانست. عالمیست خطیب و ادیبیست اریب دانشمندیست بصیر وسنخوریست خبیر بیانی دارد سازنده و منبری دارد آموزنده در مجالس خواص از دانشمندان سخن می‌گوید و با بیان شیوایش در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات‌اللَّه دلهای مرده را زنده و روح و دل افسرده را پرواز می‌دهد.

خاندان رسالت سلام‌اللَّه علیهم اجمعین را به نورانیت و حقیقت معرفی می‌نماید و آنچه می‌گوید اعتقاد و عرفان است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم فندرسـکی، معروف به میرفندرسکی (ح ۹۷۰ – ۱۰۵۰ ق/ ۱۵۶۳ – ۱۶۴۰م)، حکیم و دانشـمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصـفهان. پـدران او از بزرگان سادات استراباد بودنـد و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استراباد صاحب املاکی بود و بعـد از جلوس شاه عباس اول (۹۶۶ ق) به دربار او پیوست. پـدرش میرزا بیک نیز در دسـتگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، ۵/۵۰۰، قمی، ۳/۳۵ – ۳۶).

ابوالقاسم در قصـبه فنـدرسک زاده شـد (نک: ارحـدی، ۱۵۱، افنـدی، ۵/۵۰۱ – ۵۰۲) و ظـاهراً مقـدمات علـوم را در همـان نواحی فراگرفت، ولی بعـداً برای ادامه تحصـیل به اصـفهان رفت و نزد علامـه چلبی بیـک تبریزی (د ۱۰۴۱) که خود از شـاگردان افضـل الـدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصـیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، ۱۵۱، ۱۶۸، ۲۸۲). وی سپس در همانجا به تـدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیـک تبریزی و بسیاری دیگر از اهـل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوسـتان شـد (نک: حمر، ۱۵۱، نصرآبادی، ۱۵۳). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست « صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتمـاعی مردمـان نقـاط دیگر را به سوی خود می کشـید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصـبات مـذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد انـدیش جایگاهی امن و دلخواه بود. ظاهراً سـفر اول میر به هنـد در ۱۰۱۵ ق و به همراهی اوحـدی بلیانی (مولف تـذکره عرفات العاشـقین) بوده است (اوحدی، ۱۲، ۱۵۱)، به گفته اوحـدی هنگـامی که میر به هنـد رسـید، به دسـتگاه میرزا جعفر آصف خـان (ه م) که خود از شـاعران و ادیبـان ایرانی بود و به هنـد مهـاجرت کرده و در آنجـا به صـدارت و وزارت رسیده بود، نزدیـک شـد. آصف خـان بـا رعـایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگـذشت که میر دوباره عازم سفر هنـد شـد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشـغول نوشـتن عرفات العاشـقین بوده – یعنی در فاصله سالهای ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ ق – می نویسـد که میر مکرر به جـانب هنـد سـفر کرده و در این ازمنه نیز به هنـد آمـده، باز به عراق مراجعت نمـوده و بـاز در هنـد است (ص ۱۵۰). میرفندرسـکی بعـد از این تاریـخ نیز تا اواخر عمر همواره به هنـد سـفر می کرده و ظاهراً یک بار در ۱۰۳۷ ق و بار دیگر در ۱۰۴۶ ق به معرفی ابوالحسن اصـفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/۸۱۵). میرفندرسـکی در دربـار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصـرآبادی هنگـامی که از هنـد به اصـفهان بـازگشت، شاه صـفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در ۱۰۵۰ ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، ۵۱۴) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاـد و تکیه میر معروف است، به خـاک سپرده شـد. مزار او در فضـای بـاز قرار دارد و بر روی خـاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده انـد که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسـته مورخ به سال ۱۰۵۰ ق نوشته شده است، ولی در پایان نسـخه رساله صناعیه (شم ۸۸۷) موجود در کتابخانه آسـتان قدس، تاریخ وفات میر ۱۰۴۹ قید شده و در مصـراع آخر یک ربـاعی به صورت مـاده تاریـخ آمـده است (نک: گلچین معانی، ۳۵، حاشـیه). مقبره میر همیشه در اصـفهان حرمت خـاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته انـد که پس از مرگ وی طبق وصـیتش کتابهای او به کتابخانه سـلطنتی شاه صـفی منتقل شد (قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۹).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زنـدگانی شخصـی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقـاب او چه کسـانی بوده انـد. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیـک معروف است که از شـاگردان علاـمه مجلسـی، و مردی فاضـل و شـاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افنـدی، ۵/۵۰۰– ۵۰۱، قمی، ۳/۳۶، مـدرس، ۴/۳۶۰) و بازمانـدگان این خانـدان، تـا همین اواخر از سـادات محـترم منطقه استرابـاد بـوده انـد (نـک:

هـدایت، روضه، ۹/۱۱۲، ۴۸۹). میرفندرسـکی از معاصـران میرداماد و شـیخ بهـایی بوده و چنـدین تن از مـدرسان علوم و حکمای معروف آن عصـر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده انـد (نک: خوانساری، ۲/۳۵۴، خاتون آبادی، همانجا، هـدایت، همان، ۸/۵۸۶، آشتیانی، ۸۵). بعضی از مولفان صدرالـدین شـیرازی، حکیم بزرگ عصـر صـفوی را نیز در شـمار شاگردان او آورده انـد (مـدرس، ۳/۴۱۸، براون، IV/۴۳۵)، ولی صدرالـدین در هیـچ یـک از آثـار خود از او نـامی نمی برد، درصورتی که در مقـدمه شـرح بر اصول کافی از دو اسـتاد دیگر خود، میرداماد و شـیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می کنـد (نک: آشتیانی، ۸۳ – ۸۴، ۸۷ – ۸۸). با این همه، به هیـچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هنـد پـذیرفته و دریافت هایی که از تامل در مسائل فلسـفی هنـدی حاصـل کرده بود، به نوعی از طریق مباحثـات و مـذاکرات علمی به مجـامع فرهنگی ایران راه یـافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسـنده کتاب دبسـتان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صـحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسـیدند که « با استطاعت چرا به حج نمی روی؟ جواب داد: برای آن نمی روم کـه آنجـا گوسـپندی به دست خـود بایـد کشت » (۱/۴۷).در ایـن کتـاب چنـد تن از آذر کیوانیـان نیز از دوسـتان و نزدیکـان میرفندرسکی شمرده شده اند (۱/۳۳۷ – ۳۳۸). ارتباط میرفندرسـکی با شاگردان آذر کیوان در هند دور از احتمال نیست،ولی این که وی از افکار و آرای آذر کیوانی تاثیر پـذیرفته باشـد درست به نظر نمی رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تـاثیری از افکار آذر کیوانی و از اصـطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیـده نمی شود، ثانیاً در هیـچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره ای به نام میرفندرسـکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که بر کـتیبه سـنگ مزار او دیـده می شـود، حکـایت از آن دارد که وی در دوران حیـات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خـاص داشـته است و نه تنهـا در حکمت و علوم رسـمی بلکه در معـارف الهی و سـیر و سـلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلنـد می دانسته اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده انـد (نک: زنوزی، ۴(۱)۵۲۱، نراقی، ۱۹۵ – ۲۰۲، تنکابنی، ۲۳۶ – ۲۳۷، معصوم علیشاه، ۳/۱۵۸، صبا، ۲۵) و این شـهرت تا آنجا بوده است که داسـتان آمـدن شـیر به مجلس او و شـیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمـدانها نقش می کرده انـد (تنکابنی، همانجا، نفیسی، ۶۲ – ۶۶) و داسـتان رفتن او به معبـد کفار موضوع منظومه ای دلکش در طاقـدیس ملا احمـد نراقی شده است (همانجا). حکایـاتی که دربـاره تیزهوشـی، عزت نفس، حاضـر جـوابی و بی پروایی او در پاسـخ گفتن به خرده گیریهـای امیران و شاهـان نقل کرده اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شـجاعت اخلاقی، وارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، ۵/۴۹۹، ۵۰۱، واله، گ ۳۵ ب، زنوزی، ۴(۱)/۵۲۰ – ۵۲۱، دبستان مذاهب، ۱/۴۷، خوانساری، ۱/۲۴۶، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، ۲۶۷ – ۲۶۸، قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۷ – ۳۵۸). گفته اند که روزی در مجلس او مساله ای از علم هندسه بنابر نظر خواجه نصـیرالدین طوسی مطرح شـد. میر برهـانی در باب آن آورد و پرسـید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتنـد: نه. سـپس چنـدین برهان دیگر در همـان بـاب اقـامه و در پی هر برهـانی همان پرسـش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شـنیده بود (نک: افنـدی، ۵/۵۰۱، قمی، مـدرس، همـان جاهـا). از اشارات کوتاهی که در تـذکره ها و کتب رجال به احوال او شـده است، معلوم می شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصـی بسیار ساده و بی تکلف می زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می گویـد که وی « اکثر لباس نمد می پوشیـد و با اوباش و اجامره صـحبت می داشت، در حلقه معرکه خروس بـازان حاضـر شـده، خروسـی در زیر بغـل خود می گرفت » (همان جا). واله در پی این سـخن، داسـتان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی باکانه و صـریح او را به اعتراض پوشـیده و مودبانه شاه – که در کتابهای دیگر نیز آمـده

است – نقـل می کنـد (همانجا، نك: هـدايت، مـدرس، همانجاها). مير در علوم زمان خود خصوصاً در هنـدسه و رياضـيات و كيميا صـاحب نظر بـوده و در پـاره ای از ایـن موضوعـات آثـاری بـه او منسـوب اسـت. از آثـاری که از او در دست است و نيز از روش و ديدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تاليف آنان معلوم می شود که مير در کار تعليم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سينا را تدريس می کرده است (نك: آشتيانی،۸۶ – ۸۸)، ولی ظاهراً گه گاه از اشارات طعن آميز و تعريضات تلخ درباره ابن سـينا و خـواجه نصـيرالدين طوسـی – کـه هر دو از بزرگـان ایـن مکتـب بـوده انـد – خـودداری نمی کرده است (نـك: افنـدی، همانجـا، خوانساری، ۳/۱۸۵). او در بيتی از قصـيده معروف خود فـارابی و ابن سـينا را به « فهم ظـاهری » منسوب می کنـد (نـك: مـدرس، ۴/۳۵۹) و بـا آنکه در برخی از آثار فلسـفی خود به شـيوه مشائيان قول به مثل افلاطونی را باطل می دانـد (نك: « منتخباتی از رساله حرکت »، ۸۱، ۸۶ – ۸۷)، اما قصيده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می کند:

چرخ بـا اين اختران خوب و خوش و زيبـاستی صورتی در زير دارد آنچه در بالاستی صورت زيرين اگر با نردبان معرفت بر رود بالا همان با اصل خود همتاستی

آثار: از ميرفندرسـکی چنـد رساله مختصـر در موضوعات علمی و فلسـفی، مقـداری حواشـی و توضـيحات بر ترجمه جوگ بسشـت هنـدويی و بعضـی اشـعار و قطعه های منظوم بر جای مانده است: ۱. مهم ترين اثر مير رسـاله فارسـی معروف به صـناعيه است که به عنوان حقايق الصـنايع نيز شـهرت دارد. وی در اين رساله صـناعت را به مفهومی بسيار گسترده و به معنی هر چيز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پيونـدد، گرفته و در ۲۴ باب و يك خاتمه به بيان حد صـناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فايده و غايت هريك، درجات سودمندی و شـرف و خست آنها و سهم و محل هريك از اهل حرف و صنايع در جامعه پرداخته و ترتيب و ترتب صـنايع را بر حسب شرف و غايت تا صناعتی که خود غايت غائی است و برای آن غايتی نيست، تعيين نموده است. در اين رساله قوای نفسانی و انـدامهای پيکر انسانی (عالم صـغير) و وظيفه و عمل هريك از آنها از يك سو با اجزاء و عناصـر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبير) برابر و موازی قرار داده شـده، و از سوی ديگربا طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظيفه هريك از آنها در هيات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. مير در اين رساله مطالب علمی و فلسفی دقيق را بـا زبـانی روشن و فصـيح آميخته بـا آيـات و احـاديث و اقوال بزرگان و حکما بيان داشـته است (برای بحث و تحليلی درباره اين رساله، نك: کربن، ۴۴ – ۳۲، نيز نك: نصر، ۴۵۹ – ۴۶۰). رساله صـناعيه يك بار در هند (۱۲۶۷) با اخلاق ناصری در يك مجلد به چـاپ سـنگی طبع و نشـر شـد و بـار دوم به کوشـش علی اکبر شـهابی در تهران (۱۳۱۷ ش) به طبع رسـيده است. جلال الـدين آشتيانی نيز گزيده هايی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ايران (۶۳ – ۸۱) درج کرده است. محمدتقی نصـيری طوسـی ترجمه عربی رساله صناعيه را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نك: حقوق، ۴۳۷). ۲. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در ۵ فصل در تعريف حرکت و اقسام آن و بيان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلًا بايـد محرکی واحـد آغاز شونـد که محرك اول است و خود محرکی نـدارد. مير اين رساله را از ديدگاه طريقه مشاء نوشـته و در آن به رد و انکـار نظريه مثـل افلاطـونی پرداخته است. منتخبـاتی از اين رساله با حواشـی مفيـد به کوشـش جلال الـدين آشتيانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ايران (۸۱ – ۹۰) طبع و نشر شده است. ۳. رساله در تشکيك، نامه ای است رساله مانند که مير در پاسخ به سـئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشـکيك در ذاتيات از او کرده بود، نوشـته است. مير در اين نامه به شـيوه مشائيان سخن می گويد و برخلاف اشراقيان که به تشکيك در ذاتيات قائلند، وی ذاتيات را مقول به تشکيك نمی داند. اين نامه نيز با تعليقات جلال الـدين آشتيانی در همان منتخبات (۹۰ – ۹۷) انتشار يافته است. ۴. رساله در کيميا، به فارسـی. ظاهراً رساله هايی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زيبق و کبريت و باب الاصـغر در کتابخانه ها موجود است بايد نسـخه ها يا تحريرهايی از همين رساله باشـد. منظومه ای به زبان عربی نيز در کيميا به او نسـبت داده شده است (مرکزی، ۲/۹۶). ۵. حواشی بر جوگ بشست. متنی

که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام لگهویوگه واسیشتهه۱، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه رامایته۲ نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت گفت و گویی است میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف « راما » یا « راماچندره » - که حماسه دینی بزرگ هند، رامایته، شرح کارها و جنگهای اوست — و در سراسر آن، استادحکیم در ضمن بیان داستانهایی پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق۳ است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره۴ است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده ۹ به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، « روابط فرهنگی ۱» ، ۸۱ – ۸۴). هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، « میرفندرسکی در هند »، ۶۵). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در ۱۳۶۰ ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندویی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، ۲۸۳ — ۲۸۴، « میرفندرسکی در هند »، ۶۲ — ۶۳)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیزآشنا بوده است(همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگ بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگ ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۰۱۵). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام منتخب جوگ بشست در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم ۶۴۰) مورخ ۱۲۶۲ و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ ۱۲۳۱ ق — که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است — که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، ۶ ۸). در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگ بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندویی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده ۱۳ ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، ۶۷ – ۶۸). این کتاب در ۱۳۴۸ ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام

مولف یا گردآورنده، از روی نسخه هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. ۶. اشعار. در اغلب تذکره ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده اند (نک: منزوی، خطی مشترک، ۹/۲۲۱۱ — ۲۲۱۲). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده ۱۲ ق، در ۱۳۱۲ ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لوایح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل الله لایق در تهران (۱۳۳۷ ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته های دیگر (نک: مدرس، ۴/۳۵۸، امین، ۲/۴۰۳) به نام میر ذکر کرده اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میریونسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقای حاج آقا عباس میریونسی عراقی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ مذکور) از فضلاء عراقی حوزه علمیه قم و ائمه جماعت معاصر کنگاور می‌باشند.

تولد ایشان در یکی از مضافات اراک واقع شده و پس از رشد برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت و متون فقه و اصول را از مدرسین فراگرفته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده.

آنگاه بنابر درخواست ابوالزوجه خود به کنگاور مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در یکی از مساجد آن به اقامه جماعت و ارشاد مردم و خدمات دینی اشتغال دارند.

و قبل از ایشان چند سالی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر رفیعی عراقی (خواهرزاده آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ محمدی) مقیم کنونی شهر ری در کنگاور اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال داشته‌اند.

چنانچه قبل از ایشان جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی محمدی عراقی (برادر معظم له) در آنجا سکونت و خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند و خود حقیر در محرم ۱۳۶۸ ق چند شبی در ضیافت آنجناب در کنگاور بوده و ناظر آثارشان بوده‌ام.

و مخفی نباشد که بیت جلیل محمدی عراقی بیش از یکصد سال است که در کنگاور به وظائف شرعی و خدمات دینی اشتغال دارند زیرا مرحوم مبرور علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فرزند آقا محمد کرهرودی سلطان‌آبادی متولد ۱۲۵۷ ق که عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان شیخنا الانصاری بوده پس از وصول به مقامات عالیه علم و کمال و استفاده از محضر شیخ و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران به ایران مراجعت و در کنگاور سکونت نموده و به خدمات دینی پرداخته تا در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوسته و در آنجا مدفون و قبرش مزار عموم و معروف (به قبر آقا) می‌باشد.

دارای آثار علمی چندی در فقه و اصولست که ذیلا به آن اشاره می گردد.

۱- رساله در قسامه و احکام آن ۲- رساله عملیه فارسی در عبادات ۳- شرح دره سید بحرالعلوم ۴- شرح قصیده میمیه ابن‌فارض موسوم به (کشف‌الرموز) ۵- الاشارات ۶- فرائدالدرر در علم لوح و قدر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میلانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالـدین (آیت‌اللَّه زاده میلانی) بن العلامه الورع آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (مقیم مشـهد) از علماء معاصر شهر ری می‌باشد. وی در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ ق در نجف اشرف متولد و در ۱۳۵۵ ق منتقل بکربلاء معلی و در سال ۱۳۹۳ روی جریانـات اخیر عراق کوچ نموده و مقیم حضـرت عبـدالعظیم علیه‌السـلام شـهر ری شده‌انـد معظم له پس از ختم قرآن مجیـد خـط و ادبیـات فارســی را در مکبـت خـانه جنـاب و مرحـوم شـیخ علی‌اکـبر کـه از مشـاهیر بودنـد فراگرفتـه و بـا اسـتفاده از مـوقعیت والد بزرگوارشان نزد اساتید عظام تلمذ نموده و پس از فراغ از مقدمات کفایه را در محضـر آقای والد شروع نموده و رسائل را از مرحوم آیت‌اللَّه آقـا سـید زین‌العابـدین کاشانی که از معاریف کربلا و عضو اسـتفتاء آیتین قمی و بروجردی بودنـد آموخته و مکاسب را از آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی اردبیلی و فلسفه را از وحید عصر آقا میرزا غلامحسین تبریزی که از شـاگردان بنـام مرحوم آیت‌اللَّه حـاج شـیخ محمدحسـین اصـفهانی (کمپـانی) و مـدتی هم از آیت‌اللَّه العظمی حاج شـیخ علی محمـد بروجردی (که اکنـون مرجع عالیقـدر مقیم بروجرد میباشـند) اسـتفاده نموده سپس خـارج فقه را از محضـر آیت‌اللَّه العظمی والدشان و خارج اصول را از محضـر آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله بهره‌مند گردیده است، پس از هجرت والد بزرگوارشان در سال ۱۳۷۴ ق از کربلاء معلی به مشـهد مقدس رضوی باصـرار جمعی از محترمین کربلاء بجای والدشان در جنب ضـریح مطهر حضـرت سیدالشـهداء ارواحنا له الفـداء امام جماعت شـده و روی سوابق خانـدان و اهتمام بمسائل اجتماعی و رسـیدگی به احتیاجات مردم از رجال بنام و محبوب غالب طبقات گردیده بطوری که منزلش مرکز رفت و آمد مردم و در ایام محرم دسته‌جات و مواکب زنجیر زن و غیره به خانه ایشان آمده و عزاداری می‌نمودند.

لـذا آن جناب از این موقعیت اسـتفاده کرده و در امور عامه دخالت و اقدامات اساسـی و مهمی از قبیل اسـتقلال کشـمیر را مکررا به سازمان ملل مخابره کرده و مخصوصا با چهار زبان بر علیه اسرائیل ایراد نطق نموده که نظر محافل سیاسی و همگانی معطوف به وی میگردد.

اجمالا این که معظم له هم از نظر مراجع بزرگوار گذشته و هم حاضرین محترم و در نزد غالب مردم عراق و مسلمین هند و پاکستان و آفریقا و ایران و خلیج‌نشین‌ها و غیره معزز و محبوب می‌باشد.

آقای میلانی درباره زندانیهای مذهبی در هر نقطه بسیار حساس و اقدامات لازمه برای استخلاص آنها نموده چنانچه دو واعظ لاهور را که به ششـماه زندان محکوم شده بودند توسط سـفیر پاکسـتان در بغداد سجاد حیدر حنفی آزاد و نیز سی و سه نفر از رجال نامی شیعه همان کشور را که در اثر نزاع با اهل تسنن زندانی شده بودند توسط سید محمدحسن سفیر دیگر پاکستان آزاد می‌نماید.

آقـای میلـانی دو سـفر مـذهبی به هندوسـتان نموده و قـدمهای مؤثری برداشـته و خـدماتی انجـام داده‌انـد که شـرحش مفصـل و در روزنامه‌های هندوسـتان به زبان اردو و انگلیسـی و سانسـکریت از ایشان تجلیل شده و عکسهای مجالس جشن بنام ایشان در آگره و لکهنو و بمبئی و غیره موجود می‌باشد.

و نیز مسافرتهـای جـالبی بافغانسـتان و لبنـان و سوریـا و کـویت و مکه معظمه نموده و خـدماتی انجـام داده که از ذکر آن خودداری می‌نمایم.

در کربلاء معلی آثار ارزنده‌ای دارند که از همه مهمتر تأسیس کتابخانه بنام حضرت سیدالشهداء الحسین علیه‌السلام است.

این کتابخاه خود دار الارشادی بود که جوانان را بدین وسیله و بتوسط حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ فرج‌اللَّه اصفهانی مدیر کتابخانه و احیانا شخصا تربیت دینی می‌نمود مخصوصاً محصلین جدید را بیشتر مورد علاقه و اهتمام مطالعه قرار می‌داد.

کتابخانه مزبور مرکز نشر معارف بود زیرا جلسه هفتگی برای مسابقه سخنرانی و کتابت و مسائل مذهبی و سؤال و جواب دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها بود.

کتابی بنام (لحظه‌ای با امام عصر عجل اللَّه فرجه) و ارواحنا فداه دارد که سالها در جمع و تنظیم آن زحمت کشیده و بیش از بیست فصل می‌باشد و در آن تشرف جماعتی از بزرگان علم و غیره را یاد کرده ولی هنوز باتمام نرسیده است و تألیف این سفر جمیل اوقاتشان را مستغرق نموده که نوشتجاتی که در مرور عمر و تحصیل دارند مهجور مانده است و در اثر عشق و علاقه شدید بناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه بهیچ کدام عنایتی نشان نمی‌دهند فقط همت را گماشته‌اند که توجه افراد را بسوی آقای عالم معطوف بنمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میمندی مشهدی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، عالم دینی، عابد و شاعر. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود. از حر عاملی و علامه مجلسی و احمد مقابی و عبدالصمد بن عبدالقادر بحرینی روایت نمود. ابوالحسن فتونی شریف، در ۱۱۰۷ ق، از وی اجازه گرفته است. او به دو زبان فارسی و عربی شعر سروده است. از آثارش: «اشرف العقاید»، در معرفهٔ اللَّه؛ «ترجمهٔ الصلاهٔ»، «حدائق الاحباب»، در ادعیه؛ «حیاهٔ القلوب»، در معرفهٔاللَّه؛ «سلاح المؤمن»، «القول الثابت»، «الکلم الطیب» و «المقام الامین»، در دعا؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۱/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۷، ۳۷۹، ۲۴۷، ۲۰/ ۲، ۴۲۴، ۳۹۴، ۸۷/ ۱)، الذریعه (۵/ ۲۲، ۱۲۷/ ۱۸، ۲۰۹/ ۱۷، ۲۰۹/ ۱۲، ۱۰۱۳/ ۹، ۱۲۳/ ۷، ۲۸۱/ ۶، ۱۱۴/ ۴، ۱۰۷- ۱۰۶/ ۲)، ریاض العلماء (۲۰۵- ۲۰۴/ ۵)، ریحانه (۸۲/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۵/ ۱۲)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۱۶/ ۲).

نادری، فیروز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیروز نادری در ۲۶ اسفند سال ۱۳۲۴ در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن به آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا به اتمام رساند.

نادری از سال ۱۹۹۶ مـدیر برنامه منشاء حیات ناسا بود. وی در سال ۱۹۷۶ به JPL پیوست و به عنوان مدیر آزمایشات پروازی علوم فضا و مدیر طرح تفرق‌سنج (Scatterometer) ناسا به کار پرداخت. علاوه بر اینها وی در مرکز مدیریت ناسا، سرپرستی برنامه فنـاوری ارتباطات پیشـرفته ماهواره‌ای را بر عهـده داشت و در JPL نیز مـدیر برنـامه ماهواره‌هـای متحرك بود. وی از سال ۲۰۰۰ نیز مـدیریت برنامه تازه تأسـیس برنامه مریـخ را بر عهده گرفت. وظیفه مرکز برنامه مریخ آن است که تمام تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه ریزی کند. وی، در فروردین ماه ۱۳۷۹ به سمت مدیر پروژه‌های اکتشاف مریخ منصوب شد و هم اکنون مدیر ارشد برنامه‌ریزی راهبردی JPL آژانس فضـایی آمریکـا (ناسا) است. وی هم اکنون به سـمت مـدیر پژوهش‌های کل منظومه خورشـیدی منصوب گشته‌است.

بازهم نام ایران و ایرانیان در میان است .در جایی که بشر در علاج یافتن چاره ای برای شکسـتن دردهاست و موانع و مشـکلاتی که او را به پیشـرفت در علم و علوم ، رهنمون شود.بازهم سـخن فخر و غروری است ملی .هرچند که در تلاطم امواج سیاست و سیاست زدگی رسانه ها گم شود.هر چند که از فرط گرفتاری های روزمره و تکراری حوصله شنیدن و خواندنش را نداشته باشیم.

سخن از فیروز نادری است که چون فیروزه ای در آسـمان علم جهان مـدرن امروزی می درخشد و تلالو درخشـش را ما نمی توانیم ببینیم.چه برای مـا مهم تر و محترم تر از علم ، فرهنـگ و تمـدن ، چنـد قـدمی است که پیش پای مان می بینیم و قـدرمان را دیگران بیشتر می دانند و قدرتمان را غریبه ها باورتر دارند.

اجازه بدهیـد به پنـج سال پیش برگردیم. به سال ۲۰۰۰ میلادی و درمانـدگی تمام دانشـمندان ناسا و پروژه عظیم مریـخ.دکتر چارلز آلاچی را همه می شناسند.دانشمند بزرگ نجوم و مدیر آزمایشگاه پیشرانش جت.

مرد شـماره دو ناسا درباره نادری و پنـج سال پیش می گویـد ":نادری پنـج سال پیش در شـرایطی هـدایت برنامه مریـخ را بر عهـده گرفت که این برنـامه بـا مشـکلات اساسـی روبرو شـده بـود و همه مـا از خودمـان می پرسـیدیم علاـج این همه مشـکل کجـاست و چیست؟که یک دفعه نگاهمان متوجه فیروز نادری شد.او چشم اندازهای موفقی را در مقابل این مشـکلات مطرح کرد و پاسخ های دقیق و راه گشایی را فرا روی این برنامه قرار داد و اینکه ما زمینه وسـیعتری برای بهره گیری از توانمنـدی های فیروز که پیش از این در طراحی راهبردی برنامه مریخ نشان داده شده فراهم می کنیم".

و حالاـ مزد نبوغ ایران را فیروز نـادری از هفـدهم اسـفند دریـافت خواهـد کرد.او که بـا ارائه طرح هـای راهبردی اش از سال ۲۰۰۰ میلادی مدیریت ماموریت های مریخ را با موفقیت بر عهده داشـته ،در سـمت جدید به یکی از کلیدی ترین پست های ناسا منصوب می شـود و قرار است به عنوان معـاون آزمایشـگاه پیشـرانش تجـارب خود را در راه مطـالعه سـایر بخش هـای جهـان ، از زمین تا کهکشان دور به کار ببندد.

دکـتر چـارلز آلاـچی در مـورد ایـن انتصـاب می گویـد: فیروز در سـمت جدیـد به تقـویت جایگـاه آزمایشـگاه پیشـرانش جت ، در هماهنگی با سایر بخش های ناسا و پیشبرد چشم انـداز جدیـد فضایی ناسا خواهـد پرداخت.جالب اینجاست که دکتر فیوك کی لی معاون دکتر نادری در برنامه اکتشافی مریخ به عنوان مدیر جدید این برنامه معرفی شده است .

و این همه در حالی اتفاق می افتـد که در بهمن ماه گذشـته فیروز نادری موفق به دریافت عالی ترین نشان سازمان فضایی ناسا شـده است و این نشـان یـا مـدال را که مـدال خـدمات برجسته ناسـا می نامنـدش نـادری به دلیـل ایفـای نقش برجسـته در پیشبرد علوم و اکتشافـات فضـایی دریافت کرده است .نشانی که کمتر به غیر خودی های علم فضا تعلق می گیرد و غربی ها خساست فراوانی برای خرج آن قائلند.

فیروز نادری ، شیرازی است و همشهری شعرای معروف و مشهوری که ذوق و هنر ایرانی بودن را به عالم معرفی کرده اند و اگر این دو نامشـان به واسـطه روح لطیف و طبع ظریف ایرانی خود بر قله رفیع علم پرچم ایران را برافراشـته و این جملاـت بیش از آنکه غلو

احساس باشد .قدردانی و قدرشناسی از فیروز نادری است .

خودش درباره مسیر زندگی اش می گوید": من در سال ۱۳۲۵ در شیراز به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و دوره متوسطه را در دبیرستان اندیشه تهران به اتمام رساندم. سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و پس از تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مهندسی برق ،در سال ۱۹۷۶ تحصیلات دکترای خود را در رشته مهندسی الکترونیک به پایان رساندم".

فیروز نادری پس از اتمام تحصیلات خود در سال ۱۹۷۶ به وطن باز می گردد و فعالیت خود را در مرکز سنجش از دور ایران " در تهران آغاز می کند و پس از سه سال فعالیت در ایران به دلیل نبود امکانات مورد نیازش برای بسط تحقیقات و پژوهش هایش و شرایط نامطمئن ناشی از بحرانهای سیاسی ، کشور را به مقصد آمریکا ترک می کند و در سال ۱۹۷۹، یعنی حدود ۲۶ سال پیش فعالیت خود را در ناسا آغاز می کند.

او در این مدت مشاغل فنی و مدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره های مخابراتی متحرک ، رادارهای سنجش از دور اقیانوسی ، رصد خانه های تحقیقاتی اختر فیزیک و اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت .

نادری علاوه بر اینکه مدیریت طرح سرمنشاء را برای جستجوی سیارات فراخورشیدی بر عهده داشت ، مدیریت آزمونهای علمی پروازهای فضایی را که وظیفه اصلی اش رصد و بررسی بادهای زمین از جو بود را نیز بر عهده داشت.

مدیر ماموریت مریخی ناسا درباره دوره کاری خودش در ناسا می گوید:من قبل از اینکه مدیر برنامه origin یا همان منشاءها را بر عهده داشتم که هدف آن مطالعه نحوه پیدایش و تکامل تدریجی عالم و جست و جوی حیات در سراسر جهان است. از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم ، جست و جوی حیات در سراسر جهان است .از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم ، جست و جوی حیات در بیرون منظومه شمسی از طریق تکنیک های سنجش از دور به وسیله تلسکوپها و اسپکترومترها یا همان طیف سنج های فضایی فوق العاده قوی انجام می شود.

او می گوید ":مرحله اول این تحقِقات ، یافتن سیارات دیگر در سایر منظومه های خورشیدی است.در این راستا ، تا اواسط دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۵۰ سیاره دیگر در بیرون منظومه شمسی ما ردیابی شده است و ما در حال حاضر روی تلسکوپ و اینترفرومترها و تداخل سنج های قویتر کار می کنیم که می توانند این سیارات را به تصویر بکشند و اتمسفر آنها را آزمایش کنند.

او و همکارانش امیدوارند تا با استفاده از نشانه ها ی شیمیایی موجود در اتمسفر آن سیارات به فعالیت بیولوژیکی آنها پی ببرند.نادری در این باره می گوید ":البته پاسخ به این سوالات لااقل ۲۰ سال دیگر طول می کشد و من اعتقاد دارم که حیات به کره زمین محدود نمی شود".

درباره احتمال وجود حیات در بیرون منظومه شمسی و داخل آن نادری می گوید: همانطور که گفتم به وجود حیات در خرج از منظومه شمسی بنده خیلی اعتقاد دارم و مطمئن هستم که حیات به کره زمین محدود نمی شود .در خصوص حیات و وجود آن در داخل منظومه شمسی هم محتمل ترین محل ها برای وجود حیات ، مریخ و یکی از اقمار مشتری موسوم به اروپا است .بطور کلی ، جایی که بتوانید آب مایع پیدا کنید ، احتمال پیدا کردن حیات بیشتر می شود.به همین دلیل است که اکتشاف اخیر ما در مریخ بر یافتن نشانه هایی از وجود آب در زمان حال یا دوره های باستانی متمرکز شده است.

به همین منظور ما در جست و جوی مواد معدنی هستیم که تنها در صورت وجود آب ، تشکیل می شوند.این واضح است که در داخل منظومه شمسی نمی توان نمونه کاملا تکامل یافته ای از حیات آنطور که در زمین وجود دارد را پیدا کنیم و اگر حیاتی وجود داشته باشد به شکل چند سلولی یا multicells است . مدیریت نادری در ماموریت های مریخ در حالی با موفقیت فراوان و غیر قابل تصور روبرو بوده است که ناسا و شوروی سابق از ۴۰ سال پیش می خواستند به مریخ بروند. اما بیش از دو سوم ماموریت ها به

دلیل دشواریهای بسِار زیاد آن با شکست مواجه شده بود و در سال ۲۰۰۱ او و تیم تحت مدیریتش موفق شدند" مدار گرد " اودیسه را به مـدار مریـخ بفرسـتند و مریـخ نـورد spirit (روح) را در سـطح مریــخ فرود بیاورنـد و مریـخ نـورد دو قلوی آن بـه نـام opportunity هم پنجم بهمن ماه سال قبل در مریخ بر زمین نشست و حالا زمینی ها می توانند هر دو سال یکبار به مریخ بروند و در سال ۲۰۱۵ نمونه هایی از این سیاره را به زمین بیاورنـد. فیروز نادری در این باره می گوید ":ما قصد داریم هر دو سال یکبار به مریـخ برویم و در سـال جـاری ، یک مـدار گرد، در سال ۲۰۰۷ یک مریـخ نشـین ، در سال ۲۰۰۹ یک مریـخ گرد بسـیار بزرگتر و کاراتر از مریخ نشـین های دو قلوی روح و فرصت و به دنبال آن مریخ نشـین دیگری در سال ۲۰۱۱ به اکتشاف سیاره سرخ خواهند پرداخت و تا سال ۲۰۱۵ نمونه هایی را از مریخ به زمین باز می گردانند".

نادری در خصوص احتمال وجود آب در کره مریـخ می گویـد:اطلاعات مـدار گرد اودیسه نشان می دهـد که مقـدار زیادی آب به صورت یخ های سطحی (کم آب) در زیر سطح مریخ در عرضـهای جغرافیایی بالای آن وجود دارد.ما در سال ۲۰۰۷ مریخ نشینی دیگر در نزدیکی قطب شـمال کره مریـخ فرود خواهیم آورد که این مساله را پیگیری کند.اگر در مریخ آب پیدا کنیم ،می توانیم به جست و جوی میکروارگانیزم ها بپردازیم.

با این همه یکی از آرزوهای انسان قدم گذاشـتن بر سیاره سرخ است و این آرزو از همان لحظه فرود او بر کره ماه در ذهن جست و جوگر و مشـتاق علمیش نقش بسته و این نقش هر روزکه می گذرد پر رنگ تر و پر رنگ تر می شود .با این حال از نظر نادری این امکـان سالهـا بطول خواهـد انجامیـد و هنوز بشـر برای رسیدن به این آرزوی تقریبا صـد ساله از توانایی و امکانات کافی برخوردار نیست.

فیروز نادری می گوید ":من سفر انسان به مریخ را تا پیش از سال ۲۰۳۰ محتمل نمی دانم و هدف از چنین سفری البته فراهم کردن امکان کاوش در منظومه شمسی خواهد بود".

البته او معتقد است که انسان می تواند زندگی در ماه را تا سال ۲۰۱۵ برآورده سازد و این امکان به او کمک می کند تا او از همان کره ماه بتواند به جست و جو و کاوش در سایر کرات و منظومه های کهکشان بپردازد.

بله ! حقیقت دارد .فیروز نادری ، فیروزه ای نادر است در عالم علم و نجوم و تمـدن امروز بشـر.تمدنی که ما ایرانی ها هم به واسـطه امثال نادری در رشد و گسترش و پیشـرفت آن نقشـی مهم و ارزنده و قابل فخر فروشی را ایفا کرده ایم .برای جمله آخر این کلمات به ذهنم می رسد که فیروز نادری را باید به حق ارباب سیاره سرخ نامید.آیا او آرزوی رسیدن به کرات منظومه های ماورای منظومه شمسی را برای بشر به ارمغان می آورد.

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.

مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسـلام معاصـر ما می باشـند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج

مـذهب گذرانیـده و تحمل مشاق و شدایـدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.

در سال ۱۳۰۵ قمری یعنی ۸۸ سال قبل در شهر شوشتر متولد شـده و در مهـد علم و شـرافت و مجـد و سیادت نشو و نما یافته و مقـدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانـده در سال ۱۳۷۷ قمری مهـاجرت به عراق کرده و مـدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشـرف عزیمت کرده و از محضـر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شـیخ محمـدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السـید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعـد از مـدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصـفهانی از سـفر ایشـان به وسیله ارسـال نـامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شـیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسـگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که ۷ سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسـجد (قوه الاسلام) آنجا امـامت نموده و از آنجـا به مکه مشـرف و پس از اداء مناسک به نجف اشـرف مراجعت کرده و در عصـر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسـافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقایـد و اخلاـق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضـعف و انکسار در وی بارز گشـته از افریقا مراجعت به نجف اشـرف نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.

آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:

۱- بسـتان اسـلام در اخلاـق بلغت کجراتی که دو بار در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ به طبع رسیده ۲- نورالهـدایه در فقه بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ طبع شده است.

۳- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ منتشر شده ۴- کشکول الناشریه در لغت فارسی.

۵- اسلام و دانش در اجتماع فارسی ۶- عشرات ناشریه در مواعظ ۷- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ۹- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم ۱۰- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.

و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.

(۱۳۰۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در ۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللَّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یـک سـال به نجف بـازگشت و مجـدداً به آفریقـا مسـافرت نمود. وی به دسـتور آیت‌اللَّه سـید ابوالحسن اصـفهانی عهـده‌دار زعامت شـیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسـکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوۀالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللَّه بروجردی برای بار سوم به آفریقـا رفت و مـدت دو سـال در آنجـا به تبلیغ و تـألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیـان اخراجی از عراق در قم سـکونت گزیـد. از آثـارش: «بوسـتان اثنی عشـری»؛ «بوسـتان اسـلام»، در اخلاـق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایـهٔ»، در فقـه، بـه زبـان گجراتی، «وسیلهٔ الناشـریهٔ»، در اصـول، بـه زبـان گجراتی، «کشـکول الناشـریهٔ»، فارسـی؛ «العشـرات الناشـریهٔ»، در مواعظ؛ «ساختمـان بشـر»، در شـرح حـدیث «من عرف نفسه...»؛ «حـدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۸۵/ ۲۵، ۳۸۵/ ۲۴، ۲۶۴/ ۱۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۵۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی

دانشمندان (۲۸۱ -۲۸۰/ ۲).

ناصح سمنانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ناصح سمنانی بن محمد شاه عبدالعظیمی طبیبی ادیب و مؤلفی اریب بوده و در حدود ۱۲۸۶ در شاه عبدالعظیم (شهر ری) متولد شده و حدود ۱۳۶۳ ق وفات نموده است.

تألیفات بسیاری در طب و امراض و معالجه آن داشته که علامه تهرانی در (الذریعه) و ص ۱۵۱۶ طبقات اعلام‌الشیعه ذکر کرده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ناصرالاسلام بربرودی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللّه ناصرالاسلام بربرودی الیگودرزی از علماء معاصر بوده‌اند. آن مرحوم در سال ۱۲۷۶ شمسی در قصبه گندمیه الیگودرز بربرود به دنیا آمده و مقدمات را در اراک خوانده و بعد از آمدن حضرت آیت‌اللّه حایری به قم از اراک به قم آمده و سطوح فقه و اصول و خارج را از مدرسین بزرگ قم و مرحوم حایری استفاده نموده و آنگاه برای خدمات دینی و ارشاد به زادگاه خود الیگودرز مراجعت و تا آخر عمر به ایفاء وظیفه از امامت جماعت و تبلیغ دین اشتغال داشته تا ماه ذیحجه ۱۳۹۷ قمری دعوت حق را اجابت و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت علی بن جعفر (ع) (در بهشت) مدفون گردیده است.

آن مرحوم با تمام مراجع قم بالاخص آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه گلپایگانی مراوده و مورد توجه مخصوص آنان بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

ناصری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران پروفسور ناصری اولین پزشك ایرانی است ، كه پیوند دست انسان را در اروپا انجام داده اند.

بیو گرافی پرفسور ناصری و اعمال جراحی ویژه در برلین

پرفسور دكتر مجتبی ناصری در تار یخ ۱۳۰۷ (۱۳۲۸) در زنجان، متولد شده است ۱۳۱۳ـ ۱۳۱۹ آموزش در دبستان سعادت زنجان. ۱۳۲۰ استخدام در شركت پخش دخانیات ایران د رزنجان وتهران برای تامین زندگی . ۱۳۲۶ـ ۱۳۳۰ آموزش در كلاسهای متفرقه وگرفتن دیپلم نهایی درتهران . ۱۳۳۰ شركت دركنكور هنر سرای عالی دانشگاه تهرا ن وشروع تحصیلات شیمی عالی در دانشگاه

تهران . ۱۹۵۱ پس از غلبه به مشکلات خروج از کشوردر دسامبر همان سال، ایران را ترک کرده ودر شهر گوتینگن آلمان تحصیلات پزشکی را شروع کرد. ۱۹۵۷پس از ۱۰ ترم (زیمستر)امتحانات نهایی را داده با ارایه تزی در باره تغیرات خون پس از بکاربردن دستگاه قلب و ریه درجه دکترای خودرا به دست آورد. ۱۹۵۷ شروع کارهای تحقیقاتی در انستیتوی ماکس پلانک گوتینگن با موضوعات اندازه گیری جریان گردش خون درعروق کرونر قلبی ومتابولیسم قلب. ۱۹۵۸ اولین کرونروگرافی بادرست کردن کاتتر مخصوص برای سرخرگهای قلبی، اندازه گیری جریان خون کرونر باکمک کاردیوگرین به متد همیلتون . ۱۹۵۹ درست کردن الکترودهای مخصوص برای اندازه گیری پی اچ خون، همراه با پرفسور بارتل و شواب . ۱۹۶۰ ورود به تیم جراحی قلب در دانشگاه برلین تحت نظر پرفسور لیندر. ۱۹۶۰ شروع تجربیات آزمایشی بوسیله پیوند ریه درحیوانات، به همراه پرفسور بوشرل. ۱۹۶۱ شروع تجربیات آزمایشی با پیوند قلب که نتایج آن در کنگره های ملی و بین المللی به اطلاع عموم رسانده شد. ۱۹۶۱ جراحی قلب و آزمایشات با دستگاه قلب و ریه . ۱۹۶۴ پس از اقامت کوتاه در شهر کور / سویس در نزد پرفسور آلگوور متد استیو سینتز آموخته و در بیمارستان نوی کلن برلین بنیان گذاری شد. ۱۹۶۴ انتخاب به معاونت بیمارستان نوی کلن. ۱۹۶۷ نوشتن تز مخصوص راجع به هیپر اوکسیژناسیون در انواع حیوات و گرفتن درجه استادی دانشگاه آزاد برلین. ۱۹۶۷/۶۸ به دست آوردن تخصصی جراحی عمومی(۱)،تخصصی جراحی قلب ـ ریه وعروق(۲) و تخصصی جراحی عروق محیطی (۳) ۱۹۶۸ پیوند اندام پایین برای اولین بار در آلمان فدرال دربیمارستان نوی کلن . ۱۹۶۸ اولین پیوند ریه روی جوانی که در اثر تصادف به هر دو ریه وی صدمه شدید خورده بود به همراه پرفسور بوشرل . ۱۹۶۹ برگشت به بیمارستان دانشگاهی وست اند و انتخاب به معاونت و کارمند رسمی دولت . ۱۹۶۹ اولین پیوند بازوی قطع شده در آلمان فدرال . ۱۹۷۰ مسافرت به دانشگاه های مختلف آمریکا برای کار آموزی جراحی کرونر (کلولند، نیویورک، سانفرانسیسکو، یوستن تکزاس) . ۱۹۷۱ شروع وبنیانگذاری جراحی کرونر در برلین . ۱۹۷۱ به دست آوردن رتبه پرفسوری دانشگاه آزاد برلین. ۱۹۷۲ برای اولین بار پیوند آزمایشی قلب ثانوی به عنوان بایپاس قلب چپ و گزارش آن درکنگره بین المللی بارسلون (اسپانیا) . ۱۹۷۵ انتساب به ریاست بیمارستان آموزشی دانشگاهی شلوس پارک کلینیک برلین شروع جراحی عمومی، قفسه سینه و عروق دراین بیمارستان وتدریس در دانشگاه. ۱۹۹۰ اهدای مدال شایستگی آلمان فدرال برای کارهای تحقیقاتی. ۱۹۹۳ بازنشستگی و ترک بیمارستان شلوس پارک کلینیک. ۱۹۹۵-۹۹ریاست کانون پزشکان، دندانپزشکان و داروسازان ایرانی در برلین. ۱۹۹۹ دریافت مدال نور تدریس پس از بیست سال تدریس جراحی در دانشگاههای آلمان. تاحال بیش از ۳۰۰ سخنرانی، انتشارات در مجلات علمی ملی و بین المللی و مقالات در کتابهای مختلف و آخرین انتشار کتابی بنام دانشنامه جراحی به زبان فارسی که در تهران در نشریه علمی بچاپ رسیده است. از دو ازدواج دارای دو پسر ویک دختر است . از ۱۹۹۰ کمک به بیمارستان ولی العصر زنجان وسخنرانی برای پزشکان جوان .اهدای میکروسکوپ اطاق عمل برای اعمال جراحی چشم در زنجان

نائینی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملّا ابراهیم. از علما و فضلای ساکن اصفهان، و در دستگاه آقایان مسجد شاه بود؛ و خدمت آنان تحصیل نموده، در سال ۱۳۴۸ وفات یافته، در تکیه ملك نزدیك قبر استادش آخوند کاشی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نائینی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.
در ۱۳۴۴ به سن ۷۸ سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نائینی، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میر محمد رفیع بن محمد مهدی بن بهاء الدین محمد بن میرزا رفیعا. عالم فاضل، و ادیب شاعر، از علمای معروف زمان خود در اصفهان بوده، و در روز عاشورا در سال ۱۱۹۵ در اصفهان وفات یافته، در قبرستان ستی فاطمه مدفون شده، قبرش تاکنون باقی است.
کتب زیر از اوست:
۱- حواشی بر تفسیر بیضاوی ۲- رساله در حرمت تراشیدن ریش ۳- رساله در وجو عینی نماز جمعه ۴- رساله در رجعت، و آن را از ضروریات مذهب شیعه دانسته است.
محقق عالیقدر آقای آقا ملا محمد علی معلم حبیب آبادی در کتاب نفیس مکارم الاثار (۲۹:۱) شرح حال او را عنوان فرموده، و شرحی مبسوط درباره‌ی نسب او مرقوم فرموده‌اند، طالبین مراجعه نمایند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نائینی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا بن شیخ علی بن حسین بن تقی نائینی عالمی فقیه (داماد عالم ربانی ملافتحعلی سلطان‌آبادی) از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی بوده و در سال ۱۳۶۱ قمری در کاظمین وفات و حمل به نجف اشرف و در مقبره آخوند ملافتحعلی مذکور مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نبوی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسینعلی نبوی بن العلامه الورع آیه‌الله مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی بهشهری عالم معاصر بندر گز است و در مسجد جامع آن اقامت جماعت مینمایند.

وی در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و سیادت نشو و نما و دروس مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه سطوح را از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله آقای آقا میرزا هاشم آملی داماد والد ماجدش و مرحوم والد و دیگران خوانده و بدروس خارج بعضی از آیات شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والد بایران مراجعت و چندی در بهشهر وطن پدری خود اقامت نموده آنگاه بنابر تقدیر و امر بعضی از آیات و استدعاء مردم بندر گز بآنجا عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست توسعه مسجد جامعه بندرگز و تأسیس کتابخانه آنجا و خدمات ارزنده‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجابت، حسن‌علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب ملجأ السالکین و شیخ العرفاء الشامخین، قدوهٔ الاولیاء و زبدهٔ العرفاء، معدن العلم، محیی آثار الأنبیاء و الأوصیاء، شیخ المجاهدین، فقیه أهل بیت العصمهٔ و شمس فلك المحبّهٔ و قمر سماء المعرفهٔ، مخلص للّٰه، فانی فی اللّٰه، باقی باللّٰه، مجاهد فی سبیل اللّٰه و فی اللّٰه، عالم عامل و فقیه کامل حضرت آیت اللّٰه العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی –قدّس سرّه الشریف– فرزند مرحوم حاج غلامحسین نجابت در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی در خانواده‌ای کریم الاصل و نجیب النسل در شیراز متولّد شدند. پس از گذراندن دوره مقدّماتی در مدرسه علمیه خان شیراز که تحت نظر آیت اللّٰه العظمی سیّد عبداللّٰه شیرازی اداره می‌شد به نجف اشرف مشرّف شدند.

مقام علمی و اساتید ایشان: بیش از یک دهه از ورود ایشان به نجف نگذشته بود که بعنوان مجتهدی ورِع و فقیهی صاحب‌نام آن هم در حوزه علمیه نجف اشرف مطرح می‌شوند و در کلّیه علوم ظاهری (فقه و اصول، تفسیر، کلام...) در محضر مراجع بزرگ آن زمان زبانزد خاصّ و عام بوده تا جایی که در هیئت استفتائیه مراجع، زمانی را سپری می‌کنند و شهرت علمی ایشان در نجف به حدّی بود که معروف بود که ایشان اگر نجف می‌ماندند از نظر همان علوم متعارف فقه و اصول و... در حدّی بالا‌تر از مرحوم آقاضیاء عراقی (استاد مراجع آن زمان) بودند. استادان بنام ایشان در فقه و اصول و ... آیت‌اللّٰه العظمی سیّد عبدالهادی شیرازی، آیت‌اللّٰه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی، آیت‌اللّٰه العظمی سیّد ابوالقاسم خوئی و آیت‌اللّٰه العظمی شیخ علی‌محمّد بروجردی بودند. ایشان در سنّ ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل شدند و عمده اجازات ایشان از نامبردگان فوق می‌باشد.

اساتید عرفانی: چنانچه ذکر کردیم حضرت آیت اللّٰه نجابت(ره) با آن همه معلومات اگر می‌خواستند در همان نجف اشرف ادامه درس و بحث حوزوی داشته باشند یکی از نوادر عصر خود و یکی از استوانه‌های مرجع و ملجأ مردم و طلّاب می‌بودند، امّا چون طالب مطلوب واقعی بوده و علوم ظاهری را مقدّمه برای ورود به علم واقعی می‌دانستند، جویای انسانی کامل از اولیاء الهی بودند که از زلال معرفت و هدایت خاصّ وی برخوردار شوند، که در همین راستا خداوند تبارك و تعالی به اراده و مشیّت خاصّه خود

شخص محترم و عزیز و کاملی را جهت ارائه طریق به مرحوم آیت اللّه نجابت معرّفی می‌فرمایـد، یعنی ایشان به خـدمت اسـتاد کلّ و مرجع و ملجأ مراجع تقلید آن زمان از هر جهت –چه ظاهری و چه واقعی و معنوی– یعنی مرحوم حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سیّد علی قاضـی طباطبائی –قدّس سرّه الشـریف– می‌رسـند که سـیر واقعی و حرکت متّصل به سوی حضرت احدیّت شروع می‌شود. اگر بخواهیم به زنـدگانی فیلسوف، حکیم الهی، مجاهـد فی سبیـل اللّه، عـالم کامل و فقیه جامع مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سـیّد علی قاضـی بپردازیم، باید گفت: مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بنابراین به فرموده مرحوم حضـرت آیت‌اللّه نجابت که از شاگردان برجسته محضر عرفانی ایشان بودند اکتفا می‌کنیم: وقتی صحبت از استقامت و پایمردی و صبر می‌شد، نام این بزرگوار را به عظمت و تکریم و وقار می‌آوردنـد بطوری که چهره‌شان تغییر می‌کرد، آنچنان با قدرت و از اعماق جانشان سـخن می‌گفتند که سـخن به جان انسان اثر می‌کرد و تغییر می‌داد وضع شـخص را، یعنی به دنبال سخن یک اتّصال معنوی با ربّ‌الارباب حاصل می‌شد. خود بیان نام و ذکر احوالات حضـرت آیت‌اللّه قاضی آنچنان انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که حضور حضرت آیت‌اللّه قاضی را انسان درک می‌کرد، علّتش فقـط حضور آیت‌اللّه نجـابت در مقـام بیـان حالات آیت‌اللّه قاضـی گویا در حضور آیت‌اللّه قاضـی است. آنچنان اتّصال بین آیت‌اللّه نجابت و آیت‌اللّه قاضـی بود که سـخن آیت‌اللّه نجابت همان سـخن آیت‌اللّه قاضـی می‌شـد و اثر همان اثر. شاگردان ایشان زیـاد ملاحظه می‌کردنـد که در حقیقت سـخن از حالات خود آیت‌اللّه نجـابت بود، امّا هنر ایشـان در این بود که این حالات را و کرامات را به مرحوم آیت‌اللّه قاضـی نسـبت می‌دادند. الحق هم باید شخصی مثل آیت‌اللّه نجابت معرّف آیت‌اللّه قاضی باشد، کسی که در همان چنـد سال محضـر آن بزرگوار کمال اسـتفاده را ببرنـد. ایشان می‌فرمودنـد: «اگر بخواهیم راجع به صبر آیت‌اللّه قاضـی صحبت کنیم بایـد به این نکته توجّه کامـل داشـته باشـیم که ایشان از نظر علمیّت بی‌نظیر بودنـد یعنی یکی از مدرّسـین فقه و اصول حوزه نجف اشـرف بودنـد و شاگردان بسـیاری تربیت کردنـد، در تمام علوم احاطه کامل داشـتند، تقوا و زهـد ایشان انسان را به یاد جـدّش امیرالمؤمنین(ع) می‌انداخت، از نظر مخارج منزل سـخت تحمّل می‌کردند ناملایمات را، فشار زندگی طاقت فرسا بود، با این همـه فضیلت و تقـوا و علـم، امّا هرگز ایـن مراتـب را جهت اسـتراحت خـود قرار ندادنـد، راضـی بودنـد به رضـای خـدا، یعنی اگر می‌خواسـتند جلب مال کنند عدّه زیادی بودند که آرزو داشـتند مرحوم آیت‌اللّه قاضـی تقاضایی کنند، امّا هرگز سـخن راجع به این امور نفرمودند. در مرتبه خواب و مکاشـفات که بعضـی از بزرگان در طول زندگی از خواب خوب و مکاشفه تا اندازه‌ای برخوردار بودند، امّا این بزرگوار اسوه صبر و اسـتقامت خودشان می‌فرمودند: چهل سال از عمرم گذشته بود، یک خواب، یک مکاشفه خوب نداشتم که لااقل دل خوش کنم به آن.

امّا از آنجـایی که صـبر ایشـان صـبر ایّوب و جـدّشان رسول اکرم(ص) بود هرگز نسبت به راه تزلزلی و سـستی راه ندادنـد و اراده خداونـد و رضای خداونـد را بر تمام مطالب خود مقدّم داشـتند، تا اینکه خداوند جلیل عنایت خود را به این محترم عطا نمود که در آن زمان عـدّه زیادی بهره‌مند شدند و اکنون هم از برکات آن محترم طالبین معرفت خداوند متنعّم هسـتند. حضـرت آیت‌اللّه نجابت می‌فرمودنـد: روز اوّل که خـدمت این بزرگوار (حضـرت آیت‌اللّه قاضـی) رسـیدم فرمونـد: فرزند چه کسـی هستی؟ بدون هیچ‌گونه معطّلی عرض کردم: فرزند شما. بسیار این مرد بزرگ از جواب من خوشحال شد.(۱)

همچنین می‌فرمودنـد: همین که نزدیک می‌شد ماه محرّم مرحوم آیت اللّه قاضـی دیگر قرار نداشـتند، همه می‌دانسـتند آن جذبه ربّ الارباب، آن عنایات حضـرت ابا عبـداللّه الحسـین(ع)، این آتش عشق به خداونـد و ائمّه این بزرگوار را از خود بی‌خود می‌کرد، لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می‌کردند اهل منزل و این بزرگوار از منزل خارج می‌شدند و پیوسته محزون و گریان بودند. نقل است که چنـد ماهی پیش از شـرفیابی آیت‌اللّه نجابت به خـدمت مرحوم قاضـی نگذشـته بود که مرحوم قاضـی می‌فرمود: شـیخ حسـنعلی نجابت اهل حرم است. بعد از فوت مرحوم آیت اللّه قاضی از آنجایی که خداوند هرگز انسان را رها نمی‌کند، طالب را رها نمی‌کند و عنـایت عامّ و خاصّ خداونـد به زمان و مکان بسـتگی نـدارد، به خـدمت سرسلسـله عشّاق، آن متّصل به مبـدأ اجلّ، آن سوخته بقا

یافته، آن وارد در اسرار الهی یعنی مرحوم آیت اللّه العظمی حاج شیخ محمّدجواد انصاری همدانی -قدّس سرّه الشریف- رسیدند، که الحق می‌باید گفت: نمی‌شود کسی در واقع خدمت این بزرگوار برسد و معرفت خداوند نصیب او نشود. و راجع به این مرد بزرگ هم باید گفت: معرّف ایشان باید آن شاگرد صددرصد تسلیم و مطیع آن بزرگوار یعنی حضرت آیت‌اللّه نجابت باشد، چون این وضع را ایشان از همه بیشتر متوجّه بودند. ایشان می‌فرمودند: مرحوم آیت اللّه انصاری از نوادر و افراد انگشت شمار اهل معرفت بودند، یعنی خداوند تبارک و تعالی متکفّل تمام مراتب ایشان بود. استاد ایشان حسب نقل بزرگواران و آیت اللّه نجابت خود خداوند تبارک و تعالی بود که ایشان هم نقل قول می کردند از مرحوم آیت اللّه قاضی که می‌فرمودند: این مرد بزرگ (آیت اللّه انصاری) خدا را به یگانگی شناخته است. آیت‌اللّه نجابت می‌فرمودند: بعد از رحلت حضرت آیت اللّه قاضی همراه شهید محراب آیت اللّه دستغیب به خدمت حضرت آیت اللّه انصاری رسیدیم، مرحوم آیت اللّه انصاری فرمودند: چرا، و برای چه اینجا آمده‌اید؟ عرض کردیم: برای کسب معرفت خداوند آمده‌ایم. و اصرار ورزیدیم. بعد از مدّتی مرحوم آیت‌اللّه انصاری فرمودند: بنده مدّتها است از خداوند تبارک و تعالی تقاضا داشتم که هیچ کس مرا نشناسد، امّا چه کنم که امر و اراده خداوند غیر از این شد. به هر جهت بهره بسیار زیادی از این مرد کامل داشتند. مرحوم آیت اللّه نجابت می‌فرمودند: مرحوم آیت اللّه انصاری در عشق به خداوند بی‌نظیر بودند، و ایشان را هم ردیف حافظ شیرازی که زبانزد خاصّ و عامّ است از عشق به خداوند می‌دانستند. معروف است که آیت اللّه انصاری در باره آیت‌اللّه نجابت فرمودند: اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند سیر نمی‌شود.

نظری به ابعاد وجودی ایشان: وقتی به ابعاد و شخصیت این مرد خدا (حضرت آیت‌اللّه نجابت) مراجعه می‌شود در می‌یابیم که ایشان مجتهد در تمام امور است. یعنی نیاز یک جامعه را از هر جهت رفع می کند و در حقیقت هدایت می کند. حقیقتاً خداوند هادی است، امّا چون این افراد به خداوند متّصل و در سرّ خداوند وارد و آگاه از اسرار الهی هستند، مردم را به حقیقت آگاه می کنند. دیگر نمی‌توان گفت این شخص فقط مجتهد است در فقه و اصول و احکام شرع، خیر، ایشان به تمام امور زندگی آگاه است، یعنی امور همه به دست خداست و اینها هادیان طریق الی اللّه هستند. اینگونه افراد فقط رضای خداوند را مدّ نظر دارند و هر لحظه از خداوند کمک می‌خواهند و مردم را به حق یعنی سنّت رسول خدا(ص) دعوت می کنند، به کتاب خدا و اهل بیت عترت و طهارت دعوت می کنند نه به شخص خودشان، و از این جهت هیچ وقت نسبت به اعمال خودشان پشیمان نیستند چنانکه امام خمینی(قدس سره) می‌فرمودند: ما به وظیفه عمل می کنیم پیروزی ظاهری باشد یا نباشد. خداوند تبارک و تعالی چنین قرار داده که همچنان که قرآنش را تنزّل داده، تمام اوصافش را هم تنزّل داد تا همچون محترمینی مثل آیت‌اللّه نجابت جلوه خدا باشند، پس جلوه در تمام اوصاف امکان دارد حاصل شود، چون اراده خداوند به چنین شخصی تعلّق گرفت، خداوند حسب حال این محترم و گنجایش این محترم او را ذوجهات قرار می‌دهد که به نحو ایجاب جزئی می‌تواند احتیاجات اشخاص طالب معرفت خداوند را برطرف کند، چرا که در اثر بندگی خدا اگر خداوند اجازه دهد هر جنبنده‌ای دراختیار این محترم به حرکت در می‌آید، آسمان و زمین و مافیها در اختیار این محترمین است و به اذن خداوند می‌توانند در هر چیز و هر کس که بخواهند تصرّف کنند. چنانکه دیده می‌شد امر و نهی ایشان بر شخص تسلیم امر خداوند، شخصی که صد در صد از تعلّقات دنیوی دست کشیده بود آنچنان مؤثّر واقع می‌شد که به اندک مدّتی به نتیجه و مطلوب می‌رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجار شوشتری، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۱/ ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمهٔاللّه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایهٔالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّه جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۹/ ۱۰)، الذریعه (۲۴/ ۲۰، ۱۷/ ۱۸، ۱۹ -۱۸/ ۱۶، ۳۰۵/ ۱۵، ۲۴۹/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷ - ۷۰۶/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۶۷ -۶۶/ ۱۱).

نجف‌آبادی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بن محمدصادق بن نجف‌آبادی نجفی عالمی مؤلف و فاضلی خبیر از علماء این شهر بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۰۰ ق در کربلاـ متولد شده و در آنجا پرورش و از علماء کربلاء استفاده علوم معموله نموده و در اخبار و آثار و تواریخ حظ وافری برده آنگاه به نجف منتقل به تألیف و خدمات علمیه پردامته تا در اواخر محرم ۱۳۴۵ در سن ۳۵ سالگی از دنیا رفته است.

آثار علمی او از این قرار است.

۱- سفن النجاه در ۱۴ مجلد که هر جلد را منحصر و خصوص تاریخ یکی از معصومین (ع) قرار داده و پنجمی آن را موسوم به (سفینه النجاه) چون متعلق به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام است و چهاردهمی آن را موسوم به (الشمس الطالعه) در ظهور صاحب الانوار الساطعه نموده است.

۲- (وقایع الایام) بزرگ.

۳- (مجموعه الغلام فی احوال سادات الانام) در احوال معصومین در دو مجلد

۴- منتخبات از (روضات الجنات) و خاتمه مستدرک الوسائل در احوال مشایخ و العلماء و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی اصفهانی از علماء اعلام استان کرمانشاه و مقیم شهرستان هرسین می‌باشند.

معظم له در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از مضافات اصفهان متولد شده و پس از دوران مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در آن سامان مهاجرت به نجف اشرف نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به تشویق مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فرج‌اللَّه کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی شوشتری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ سمیع نجفی شوشتری عالمی کامل و فاضلی ماهر از تلامذه شیخ مرتضی انصاری دارای تألیفاتی است که از آنهاست رساله‌ای در بداء فارسی و دوازده امام و غیره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نجفی عاملی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاءالدین نجفی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی عاملی از آقازادگان فاضل و ائمه جماعت محترم معاصر تهرانند.

ایشان در پنجم فروردین ۱۳۲۵ شمسی برابر سال ۱۳۶۵ قمری در نجف اشرف در سال رحلت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در بیت شریف آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد معروف به (علیکم‌السلام) به دنیا آمده و در حجر والدش علامه نجفی عاملی پرورش یافته است.

و دو سال پس از درگذشت مرجعیت عامه آیت‌اللَّه اصفهانی (ره) در اوائل زعامت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس‌اللَّه سره در معیت والدش به ایران آمده و با اقامت آن مرحوم در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن به فراگرفتن علوم عربیه و سطوح اولیه (معالم و لمعه و مقداری از قوانین) در خدمت مرحوم پدرش و دیگران در مدرسه مروی خوانده و سپس با اجازه آن مرحوم عزیمت به قم نموده و سطوح عالیه فقه و اصول رسال و مکاسب و کفایه و منظومه حاجی سبزواری و اشارات بوعلی سینا و قسمتی از اسفار اربعه ملاصدرا و نیز شرح تجرید و هیئت و منطق تخصصی و تفسیر و اخلاق را از محضر اساتید معروف حوزه علمیه قم استفاده نموده سپس به درس خارج آیات عظام ۱- آیت‌اللَّه گلپایگانی ۲- آیت‌اللَّه اراکی ۳- آیت‌اللَّه میرزا هاشم آملی ۳- آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری ۵- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و سایر مراجع شرکت و بهره‌های فراوانی برده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و همواره در ضمن تحصیل علوم و فنون در حوزه علمیه قم و تهران تدریس دروس اولیه عربیه و سطوح متوسطه و عالی را داشته و اکنون چند سالی است از طرف آیت‌اللَّه گلپایگانی در تهران در مسجد (خاتم النبیین) خیابان شیوا که قبلا مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی بطحائی گلپایگانی رحمه‌اللَّه علیه اقامه جماعت می‌نمودند امامت

نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام و گفتن تفسیر در آن اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان

چنانچه مرقوم داشته‌اند از این قرار است:

۱- دوره تقریرات اصول در دو جلد.

۲- تقریرات مبحث طهاره در دو جلد.

۳- تقریرات مبحث بیع (خارج مکاسب) ۱ جلد.

۴- مباحث مختلفه فقه و اصول و کلام و تفسیر و غیره که برخی از آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸(۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۸۶ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.

معظم له در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللَّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللَّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.

و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللَّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.

آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.

از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (۴۸) از آنان یاد نموده است.

والد ماجدش آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.

جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللَّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللَّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی مسجد شاهی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمّد تقی بن عبدالرحیم طهرانی. از بزران علما و مجتهدن، و رؤسای ملّت و دین، در سال ۱۲۳۵ متولّد، و در نزد علمای اصهفان و عراق همچون: صاحب جواهر، و شیخ انصاری، و شیخ حسن کاشف الغطاء (دائی خود) تلمذ کرده تا خود عالمی جلیل، و محقّقی بی بدیل گردید. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج اشتغال جسته، عدّه‌ای کثیر از بزرگان علما و فضلا از محضر او استفاده نموده سرانجام در مسافرت عتبات عالیات در شب ۵ صفر سال ۱۱۳۰ در نجف اشرف وفات یافته در مقبره جد خود کاشف الغطاء مدفون گردید.

کتب و رسائل چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- شرح رساله در حجّیّت مظنّه از کتاب هدایهٔ المسترشدین تألیف پدرش (مطبوع) ۲- لبّ الاصول ۳- لبّ الفقه و غیره.

در مآثر و الآثار (: ۱۴۲) درباره ی او گوید: ریاست شرعیّات اصفهان و مضافات آن در اواخر این عالم جلیل القدر به او انحصار یافت. اولاد او تاکنون ریاست علمی و دینی اصفهان را دارند. و به نام برخی از آنها اشاره خواهد شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، جمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر. عالم جلیل، از رؤسای علمای اصفهان، در سال ۱۲۸۴ متولّد شده، در خدمت پدر خود در اصفهان، و حاج میرزا حبیب اللَّه رشتی و آخوند خراسانی در نجف تحصیل نموده، سپس به اصفهان مراجعت کرد، در جنگ بین الملل اول در سال ۱۳۳۲ روسها به طهرانش بردند، و تا اواخر عمر در آنجا ساکن، و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت.

یکی دو سال قبل از وفات به اصفهان معاودت نموده، در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ وفات یافته، در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.

مشاراليه از علماء متنفّذ و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود، شب‌های جمعه در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیا می‌گرفت، و جمعی کثیر در آن شرکت می‌نمودند. در اصفهان در مسجد شیخ لطف اللَّه، و در طهران، مسجد سیّد عزیز اللَّه امامت می‌فرمود.

مادّه تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلّم حبیب آبادی ضمن قطعه‌ای فرماید:

به ماه و سال تاریخش معلّم

بگفت این شعر با حالی مرفّه

جمادیّ یکم در بیست و پنجم

جمال دین به جنّت رفت ناگه

در مقالات الحنفاء (:۲۴۷) درباره او گوید: آن جناب در اواخر عمر، در اوقات مختلفه از حقایق عرفان راز می‌جست، و مولانا شمس العرفا شمّه‌ای از عوالم درویشی را در اواخر با ایشان در میان گذارده بود.

مادرش مخدّره‌ای از سادات اخوی طهران، و زوجه اوّلیّه‌اش دختر مرحوم حاج آقا محسن عراقی (۱۳۲۵-۱۲۴۷) عالم معروف بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نجفی بن آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی نیشابوری از علماء فعال و خدوم نیشابور بوده است ولادت آن مرحوم در نجف واقع شده و پس از خواندن اولیات و سطوح دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به جای او به خدمات دینی و ارشاد و تبلیغ پرداخته تا در اوائل

۱۳۹۵ قمی به رحمت حق پیوسته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید شمس‌الدین نجفی نجل مرحوم حجهٔالاسلام آسید عبدالعظیم الحسینی کابلی از دانشمندان معاصر خراسان و عالم خدمتگذار و مروج فریمانست. وی در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و بعد از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف تکمیل و به درس خارج زعیم اعظم و مرجع اعلی آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آقا سید محمود شاهرودی و حلی شیرازی و حاج سید جواد تبریزی کسب فیض نموده آنگاه به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ مسائل احکام در یکی از مساجد نجف اشرف پرداخته تا در سال ۱۳۸۲ قمری که به قصد زیارت حضرت ثامن‌الحجج (ع) به مشهد مقدس عزیمت و بنابر پیشنهاد و اصرار حجهٔالاسلام آقای حاج سید نورالدین میلانی و حسب‌الاراده حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی مدظله برای ارشاد و هدایت مردم فریمان و حومه آن به فریمان رحل اقامت افکنده و تا حال تحریر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد نجفی از دانشمندان و نویسندگان عالی مقام معاصر تهرانست.

وی در دیماه هزار و سیصد و چهل و دو (۱۳۴۲) قمری در یکی از قراء خمین متولد شده و در سن هیجده سالگی شروع بتحصیل نموده و مقدمات و ادبیات را در اراک در تحت سرپرستی آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از اساتید آنجا خوانده و بعد به تهران آمده و علوم مختلفه را از علماء مبرز تهران تحصیل نموده و برای تکمیل نمودن تحصیلات عالیه خود چند سالی سفر باعتاب عالیات نموده آنگاه در تهران اقامت و بوظائف روحی و تألیفات پرداخته است.

دارای تألیفات و آثار عدیده و ارزنده‌ای میباشد که مشروح آنرا می‌نگارم:

۱- لطائف الصلوه.

۲- مصابح الشیعه.

۳- فلسفه احکام اسلام.

۴- بهداشت اسلام.

۵- خواص خوراکیها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.

۶- ترجمه کتاب ملاحم و فتن- تألیف سید بن طاوس.

۷- ترجمه دیوان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۸- ترجمه کتاب اثبات الوصیه تألیف مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب.

۹- ستارگان درخشان در شرح احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام- ۱۶ جلد.

۱۰- مصلح جهان. مهدی صاحب الزمان علیه‌السلام.

۱۱- ترجمه کتاب المهدی تألیف مرحوم آیت‌اللّه صدر.

۱۲- تلخیص و تحریر کتاب اختران تابناک.

۱۳- ترجمه جلد اول کنی و الالقاب محدث قمی در دو جلد.

۱۴- زندگانی حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۱۵- خوراکی‌های شفابخش از نظر امام جعفر صادق علیه‌السلام.

۱۶- جزوه‌ای درباره‌ی اصول و فروع و احکام دین.

۱۷- معالجات طبیعی بوسیله‌ی گیاهان.

۱۸- کتب دیگری که در مد نظر و آماده‌ی چاپ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد جلیل، آقا شیخ محمد حسین فرزند شیخ محمد باقر مسجد شاهی در ۲ محرم ۱۲۶۶ متولد، و در غره‌ی محرم سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در یکی از اطاقهای صحن نجف مدفون گردید.

وی خدمت پدر خویش مقدمات علوم را آموخته، و در سامرا به درس میرزای شیرازی حاضر شده، و ضمنا از محضر حاج میرزا حبیب الله رشتی و شیخ راضی نجفی و میرزا باقر شکی و دیگران نیز استفاده نموده، به اصفهان مراجعت نموده و در این شهر مورد توجه و عنایت عموم طبقات گشته، و ریاست کلی یافته، از غایت زهد و ورع، ترک ریاست نموده، در سال ۱۳۰۳ به نجف مراجعت کرده، به تکمیل نفس و ریاضت پرداخته، و از همه‌ی مردم اعراض نمود.

کتبی تألیف نموده: ۱- جزواتی دراصل برائت ۲- رساله‌ای در معارف واصول عقاید ۳- تفسیر قرآن که قسمتی از آن به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجفی‌یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۶، نجف اشرف.

درگذشت: ۱۳۷۱.

سید علی نجفی‌یزدی فرزند سید محمدباقر، در تهران از حوزه‌ی درس اساتیدی چون آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی و آیت‌الله یحیی تهرانی بهره‌مند شد و در کنار آن با علوم متداوله روز آشنا گردید. مراتب تهذیب نفس و تخلق اسلامی را در محضر آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس سپری کرد، در محضر درس آیت‌الله سید اسماعیل شفیعی‌تهرانی و نیز آیت‌الله جوادی‌آملی برای فراگیری تفسیر قرآن و فلسفه اسلامی حاضر شد. علاوه بر جلسات وعظ در مساجد، در کرسی تدریس دانشگاه «شریف» و «امیرکبیر» نیز حضور یافت. در سال‌های جنگ نیز بارها و بارها به سوی جبهه‌ها رفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند معظم و نویسنده گرامی شیخ محمدصادق بن ثقه‌الاسلام شیخ احمد الواعظ از فضلاء و دانشمندان و نویسندگان توانای حوزه علمیه است که در ماه رجب ۱۳۵۶ ق در آذربایجان متولد گردیده و در خاندانی که تا چندین پشت همه از خدمتگذاران دین و علماء و گویندگان مذهبی بودند در دامان مادر علویه‌ای که از تیره و سلسله سادات حسینی آذربایجان که از آنها افرادی مانند علامه کبری سید حسین کوه کمری و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدحجت رضوان‌الله تعالی علیهما می‌باشد تربیت یافته و مقدمات در خدمت والد ارجمندش قرار گرفته و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت کوتاهی از سطوح عالی و متون فقهی فارغ شده و به دروس خارج مراجع عالیقدر شرکت نموده است.

و در ضمن ادامه تحصیل به موفقیتهای دیگری از راه تبلیغی نائل گردیده که نمونه‌ای از آن ساختن چندین مسجد در اطراف کاشان و همدان و مباحثات طولانی با مبلغین فرقه ضاله که منجر به شکست آنان و مسلمان شدن چند تن از جوانانشان گردیده است.

تالیفات و آثار ارزنده‌ای در خلال تحصیل خود به رشته تحریر درآورده در قسمتهای مختلفی مانند تفسیر و تاریخ و حدیث مخصوصا مطالعاتی در کتب اهل سنت نموده و نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را به صورت کتابهای زیر درآورده است:

۱- سیری در صحیحین این کتاب در ۳ مجلد می‌باشد در این کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم که مهمترین کتاب و مدرک اهل سنت است مورد بررسی قرار گرفته و جلد اول آن که توحید از نظر صحیحین است منتشر و مورد استقبال محافل علمی و دانشمندان قرار گرفته است.

۲- جلد دوم و سوم این کتاب که به ترتیب نبوت و خلافت از نظر صحیحین و مباحثات متفرقه به زودی به طبع خواهد رسید انشاءالله.

۳- مباحثی از قرآن، این کتاب نیز که در دو جلد و قسمتهای جالبی از آیات را مورد بررسی قرار داده است در موضوع خود ابتکاری است.

۴- شخصیت سیاسی عمروبن‌عاص. این کتاب چهره واقعی عمرو بن عاص و فعالیتهای مخرب و ضد دینی او را به خوبی ظاهر می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحاس رازی اصفهانی، ابوالمعالی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲ /۵۰۸ ق)، عالم، شاعر و خطاط. ازشعرای ایرانی دانشمند عهد سلاجقه‌ی بود و معاصر ابوالمفاخر رازی و منجیک. در خط و استیفا نیز سرآمد زمانه بود. بیشتر عمر خدمت سلاجقه کرد و منصب عارض سپاه داشت؛ مدتی نیز وزیر خلیفه وقت شد اما دولت او نپایید و بعد از یک ماه به حبس افتاد، از محبس به همدان گریخت و تا پایان عمر همان جا بماند. سال وفات را بین سالها ۵۰۸ تا ۵۴۱ ق نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیدایش خط و خطاطان (۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۱)، تذکرهٔ الشعراء (۸۸)، تذکرهٔ القبور (۱۱۰)، دستور الوزراء (۹۱ -۹۰)، الذریعه (۱۱۷۸، ۵۰ /۹)، ری باستان (۳۹۸ -۳۹۷ /۲)، ریحانه (۲۷۰ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمعالی)، مجمع الفصحا (۱۹۷ - ۱۹۵ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۱۲)، هفت اقلیم (۳۵۹ -۳۵۸ /۲).

نحوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشد، تولدش در سال ۱۳۰۰ ق در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله علیهم درس خوانده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زندگانی نموده و وارد هیچ دسته و سر و صدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتب دیگر وی استفاده کرده و چند سالی هم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی- ره- برای اداره حوزه علمیه شهرستان ساوه با آن سامان توقف نموده آنگاه به قم وطن مالوف خود برگشته و به خدمات دینی و روحی پرداخته تا در ماه رجب سال ۱۳۸۵ قمری که بدرود زندگی گفته و در صحن جدید اتابکی در محل نماز حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله مدفون گردید.

مرحوم حجه‌الاسلام نحوی از رفقای بسیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال ۱۲۶۳ متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.

مقدمات و سطوح را نزد برادر خود: حاج سید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سید محمد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ وفات یافته است) فراگرفته؛ سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهشهانی حاضر شده، سال‌ها از محضر آنان مستفید گشته، ضمنا به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضر شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمنا مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.

سپس تا آخر عمر به خدمت خلق، و عبادت خالق پرداخته، مورد احترام خاص و عامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسمت ۱- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر

۲- مجموعه‌ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بید آبادی که به علما و غیره نوشته، و این قسمت شایسته‌ی کمال توجه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا ـ محمدعلی نحوی (فاضل اردکانی) بن محمدحسن یزدی صاحب کتاب (مرآه الرائی) و ترجمه کتاب توحید صدوق و کتاب مصائب‌الاسلام ترجمه جلد دهم عوالم و کتاب مدارک الایات و غیره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری وفات نموده و در قبرستان قدیم اردکان (باغ ملی فعلی) مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نخعی گلپایگانی، ریحان‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا ریحان‌اللّٰه نخعی فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی از علماء و دانشمندان با فضل و تقوای معاصر تهرانست.

که در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۸ قمری به شهرستان عراق آمده و از محضر علماء حوزه عراق چون میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمدعلی خان و آخوند ملا محمدعلی گلپایگانی استفاده نموده و در

سال ۱۳۴۰ قمری سال تأسیس حوزه به قم مشرف و تا آخر عمر آیت‌اللّه المؤسس حایری حدود ۱۵ سال از محضرش فقها و اصولا کامیاب و بهره‌مند شده و پنج سال بعد از فوت آن مرحوم به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده و بعد از چند سال به قم مراجعت و از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از محضر و دروسش بهره‌برداری کرده و ضمنا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که بنابر تقاضای عده‌ای از مردم تهران عزیمت بمرکز نموده و در آن عاصمه رحل اقامت افکنده و در مسجد قلعه وزیر واقع در خیابان امیریه امامت و به ترویج دین و انجام وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید جناب آقای نخعی از علماء اصیل و ریشه‌دار و از دودمان سردار لشگر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام جناب مالک اشتر صحابی جلیل‌القدر می‌باشد و بر این نویسنده هم حقی دارد زیرا مقداری از خیارات مکاسب را در نجف اشرف خدمت معظم له خوانده‌ام.

دارای طبع شعر و ذوق سرشاری می‌باشند و اشعاری در مدایح دارند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نراقی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدجواد بن ملاـ احمد (فاضل نراقی) بن ملا مهدی بن ابی‌ذر کاشانی نراقی از اعاظم علماء بوده وی در ۱۲۲۲ تولد و در ۱۲۷۸ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نصرآبادی، شمس الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و حکیم کامل بوده، در ۱۱۵۰ وفات یافته، قبرش در وسط قبرستان طوقچی قرار داشته که اکنون از بین رفته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و حاج سید مهدی نحوی بوده، در ۱۰ رجب ۱۳۳۸ وفات یافته، در جنب قبر استاد خود جهانگیرخان مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نصیرالاسلام دارابی، زکریا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زکریا انصاری نودایجانی دارابی ملقب به (نصیرالاسلام) و معروف به شیخ بزرگ فرزند حاج شیخ عبدالرحمن زاهد (جد استاد حاج شیخ یحیی انصاری معاصر) از فضلاء گذشته داراب بوده است وی در سال ۱۲۷۹ شمسی در نودایجان سرکوه از محال داراب متولد شد و پس از تحصیل علوم متداوله عصر به مأموریت از جانب مرحوم آخوند خراسانی و آقا شیخ عبداللّه مازندرانی و حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّه لاری در شهرستانهای داراب و فساولارونی‌ریز بر علیه مستبدین قیام نموده و هم در رکاب آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین لاری به شیراز آمده و در همه جا مبارزه نموده و از طرف مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی ملقب به نصیرالاسلام گردیده تا در یکی از مضافات داراب بنام (لای گردو) بدست دو نفر از منحرفین فرقه ضاله بهائیه خذلهم اللّه بنام یوسف و جعفرقلی در سن پنجاه و دو سالگی مقتول و جنازه‌اش حمل به زادگاهش نودایجان و در مقبره خانوادگی (مشایخ انصاری) مدفون گردیده است رحمهٔ‌اللّه‌علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نصیرالاسلامی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللّه (نصیرالاسلامی) اراکی از علماء مبرز و محترم معاصر اراک است.

وی در جاپلق متولد شده و پس از پرورش به اراک مهاجرت و به تحصیل علوم دینی پرداخته و متون فقه و اصول و خارج آن را از علماء و دانشمندان بزرگ اراک مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد سلطان و مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا مصطفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا حسن فرید محسنی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم حاج میرزا جعفر به اداره امور مدرسه حاج ابراهیم منصوب و اشتغال یافته و تا حال حاضر در آنجا به تدریس و تربیت طلاب اراک و اقامه جماعت در مسجد آن موفق می‌باشند.

نگارنده گوید: معظم‌له از دانشمندان موصوف به فضل و تقوای اراک و مورد علاقه و ارادت مرحوم آن سامان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نصیری طوسی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالحسین. از علمای قرن یازدهم هجری در اصفهان است که نسب او به شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن می‌پیوندند.

عالم فاضل زاهد عابد، مؤلّف کتابی است به نام: ۱- العقال فی مکارم الخصال، فارسی. تاریخ اتمام تألیف: یک شنبه ۲۸ ربیع الثانی ۱۰۸۰ در اصفهان می‌باشد. ۲- المبدأ و المعاد ۳- تحریر و تلخیص اخلاق ناصری تألیف خواجه طوسی ۴- [لب الاباب].

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصیری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی و مدرس. در سراب آذربایجان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در خدمت پدرش، در ۱۳۴۹ ق به قم رفت. دروس سطح را در محضر آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی و ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج مولانا تبریزی و آیت‌اللّٰه فاضل موحدی لنکرانی و آیت‌اللّٰه زنجانی و معقول را نزد امام خمینی فراگرفت. وی از ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۱ ق در درس فقه و اصول آیت‌اللّٰه سید محمد حجت شرکت نمود و حدود هجده سال نیز در محضر آیت‌اللّٰه بروجردی تلمذ کرد. او پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّٰه بروجردی، از محضر آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی نیز استفاده نمود و از خواص آیت‌اللّٰه مرعشی گردید. پس از رسیدن به درجات علمی بالا، در قم به تدریس سطوح عالی پرداخت. از آثارش: «تقریرات و دراسات» آیت‌اللّٰه حجت شامل: رساله‌ی «ترتب»، رساله‌ی «اجتماع امر و نهی»، رساله‌ی «لباس مشکوک»، «قاعده‌ی لا ضرر» و متفرقات دیگر.[۱]

آقای حاج میرزا صادق نصیری از علماء اعلام و دانشمندان عالی مقام حوزه علمیه و اصحاب و حواریین مخصوص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی است.

در سال ۱۲۹۱ شمسی در سراب آذربایجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس مقدماتی و بعضی از کتب عربی در خدمت والد خود در سال ۱۳۴۹ ق مهاجرت به قم نموده و دروس سطح را از مدرسین بزرگ چون مردم آیت‌الله میرزا محمد همدانی و مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی و حاج مولینا تبریزی و مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله زنجانی فراگرفته و معقول را خدمت آیت‌الله العظمی حاج‌آقا روح‌الله تلمذ نموده و از سال ۱۳۵۶ ق تا سال ۱۳۷۱ ق مرتبا به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت رضوان‌الله علیه حاضر شده و در حوزه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و حدود ۱۸ سال هم از درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند و پس از فوت آن مرحوم بسیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و تا حال حاضر از رفقا و اصحاب خاص معظم‌له می باشد و منحصرا به درس و منزل آن جناب حاضر می‌شود و ضمنا به تدریس سطوح عالی اشتغال و با چند نفر از اقران خود مباحثه کمپانی دارد و جزء اعضاء لجنه احقاق الحق می‌باشند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌الله حجت که ذیلا شرح داده می‌شود:

۱- رساله ترتب ۲- رساله اجتماع امر و نهی ۳- رساله لباس مشکوک ۴- قاعده لاضرر ۵- متفرقات دیگر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹۴ -۲۹۳/ ۲).

نطنزی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد نطنزی از اجله علماء این سامانند که در کاشان اقامت داشتند و مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه وی را در (لباب الالقاب یاد و توصیف به عالم جلیل و فاضل نبیل نموده و گفته که وی شاگرد و داماد علامه ملا احمد فاضل نراقی بوده و از دختر آن مرحوم فرزند دانشمندی به نام میرزا آقا ابوتراب داشته.

اجمالا آن مرحوم (آقا میرزا ابوتراب) در ۲۲ شعبان ۱۲۲۱ متولد و در شوال ۱۲۶۲ وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در نزدیکی قبر جناب هود و صالح درروادی مدفون شده است.

وی فقه و اصول را از والدش و فاضل نراقی ملااحمد (جد مادریش) فراگرفته و معقول را از شیخ عبدالرزاق کاشی و ریاضیات را از میرزا مهدی منجم و از عموی مادرش ملا مهدی دوم اجازه داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نطنزی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین نطنزی از اجلاء علماء و افاضل دانشمندان نطنز و مقیم در همدان معاصر ملا رضا همدانی (مفتاح النبوة) و خود صاحب تألیفاتی به نام (نورالانوار) و غیره بوده و نیز آثاری از بناء مسجد و مدرسه در همدان از وی مانده است.

وی در سال ۱۲۷۰ ق به وبا از دنیا رفت و به جای او فرزند عالم و فاضلش آقامحمد که از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری و غیر آنها بوده قرار گرفت و خدماتی انجام داد تا در ۱۲۸۰ ق وفات و جایگزین او برادرش آقامیرزا بهاءالدین متوفی ۱۳۰۳ گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نظام الدوله، امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۶۹ متولّد، و در ۱۳۳۰ وفات یافته، در اطاق صحن مطهّر مدفون گردید. در زمره علما و فضلا معدود بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام‌زاده فسائی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمود نظام‌زاده سبط علامه کبیر حاج میرزا محمود شیرازی عسکری و حفید عالم بزرگوار حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء فسائی می‌باشند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی در سامری به دنیا آمده و دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذارده و در خدمت والد ماجدش عزیمت به نجف اشرف نموده و دروس مقدماتی و ادبیات را در آن سامان به پایان رسانیده سپس در خدمت پدرش در سال ۱۳۴۶ شمسی به شیراز آمده و مدت شش سال اقامت و سطوح را در این شهرستان نزد اساتید و مدرسین خوانده و در سال ۱۳۵۲ شمسی مهاجرت به قم نموده است.

و در درس خارج مرحوم علامه نسابه فقیه اهل‌البیت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی قدس‌اللَّه سره و نیز آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی عافاه اللَّه و ادام اللَّه ظله شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ شمسی که والد بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود نظام‌زاده رحلت نمودند و به فساء برگشته و به جای معظم‌له به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اسلامی و قضاء حوائج برادران دینی اشتغال دارند. ادام‌اللَّه توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نقابشکی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا ابراهیم نقابشکی از مدرسین شرح لمعه و قوانین و بسیار متقی و وارسته بوده است.

مرحوم آیت‌اللَّه سیادتی و بسیاری از علماء مبرز دیگر سبزوار سطوح را نزد وی خوانده و از شاگردان او بوده‌اند.

نگارنده گوید: مضافاً بر مذکورین بعضی دیگر هم از فضلاء جدید هستند که از قم و مشهد در سبزوار اقامت نموده و به وظائف دینی از امامت جماعت و ترویج دین اشتغال دارند و از مفاخر گویندگان و وعاظ نامی سبزوار جنابان ثقهًالاسلام آقای حاج سید عباس افتخاری و ثقهًالاسلام آقای حاج شیخ صادق صدیقی می‌باشند آقای افتخاری چند سالی است که در حوزه علمیه قم اقامت نموده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده و آقای صدیقی در سبزوار به تبلیغ و ارشاد اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نقشبندی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۰ ق. هرمزگان.

درگذشت: ۲۵ دی ۱۳۶۶.

ملا عبدالله بن شیخ حسن کوهجی بستکی نقشبندی به سال ۱۳۰۰ ق. در روستای کوهج از توابع بستک هرمزگان متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه‌ی عملی کوهج گذراند و سپس به مدینه و جامع‌الازهر مصر روی آورد و در آن دیار به شیخ عبدالله نقشبندی الفارسی معروف شد.

مدتی استاد دانشگاه جامع الازهر بود. تألیفات متعددی دارد که اغلب به عربی است. المنهاج یکی از کتب فقهی است که به زبان

عربی است که شیخ عبدالله بر آن شرحی تحت عنوان زاد المحتاج شرح المنهاج نوشته است. کتاب دیگرش سلم الواعظین است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نقنه‌ای، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا محمّد. عالم فاضل مجتهد، از علمای محضر آقایان مسجد شاهی بود که در خدمت آنان تحصیل نموده، و سپس به رتق و فتق امور اشتغال داشته، و در ۱۳۵۰ وفات یافته، در بقعه تکیه ی آباده‌ای مدفون شده.

پدرش نیز از علمای ازکیا، و از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی بوده، و هم در آن دستگاه به خدمات دینی اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نمازی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنـده این کتـاب چون مـدتی در مـدرسه نواب مشـهد با ایشان همسایه و مرواده داشـتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تألیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متاسفانه این دانشـمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشـنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسـی از دنیا رفته و در جوار سـلطان سـریر ارتضا حضـرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سـپس رهپسار مشـهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سـر گذاشت به گونه‌ای که در

بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفهٔ الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(تو ح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینهٔالبحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعهٔ الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللّه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللّه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا-خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقی‌الجمان ۷- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی ۱۰- مناسك حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳ -۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴ -۱۸۳/ ۷، ۳۷۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷/ ۴).

نمازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند عالم ربانی و محدث خبیر و نویسنده بصیر حاج شیخ علی نمازی شاهرودی طاب‌اللَّه ثراه. از ائمه جماعت تهران و افاضل عصر و زمان در عاصمه تشیع تهران می‌باشند.

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر چنان پدر بزرگواری مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه مشهد در محضر والدش و مدرسین دیگر خوانده و دروس جدید را هم در خلال دروس علمی دینی ادامه داده. آنگاه عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید آنجا چون آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده است.

و پس از ده سال اقامت از طرف دولت بعث عراق مانند صدها هزار نفر دیگر به ایران اخراج شده و مدتی در قم توقف و بعد به دعوت جمعی از مؤمنین تهران عزیمت به سوی آن شهر نموده و در ناحیه غرب تهران به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مضافا بر این وظائف اقدام به طبع و نشر پنج جلد مستدرك سفینه البحار (ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) تألیف والد ماجدش نموده و منتشر ساخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نواب، محمد هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میرزا محمّد تقی خلیفه سلطانی. در غرّه رمضان ۱۲۳۷ وفات یافته، در عالم و عمل از اکابر عصر خود بشمار می‌رفته، قبرش در

خارج صحن ستّی فاطمه است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوائی خوئی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در قریه نواء که یک فرسخی خوی واقع است بدنیا آمد فقیهی بود فاضل و عالمی متقی و مورد وثوق و احترام اهالی شهرستان خوی و حومه آن بود و مردم عموماً از فیض حضورش بهره‌مند می‌شدند در سال ۱۲۵۹ قمری وفات نمود و تاکنون قبرش زیارتگاه مردم آن سامانست و کراماتی حیاً و میتاً از وی صادر شده که معروف بابین اهل محل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نوبختی، حسین ابوالقاسم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۶ ق)، عالم دینی. سومین نایب خاص امام زمان (عج)، اصل وی از قم بود و به خاندان نوبختی وابسته. این خاندان عهده‌دار وزارت مقتدر عباسی بودند. بعد از فوت نایب دوم، ابوجعفر محمد بن عثمان به سال ۳۰۵ ق، نیابت و وکالت امام غایب به وی واگذار شد. ابن روح منازعات میان درباریان شیعی را فیصله می‌داد و در سال ۳۱۲ ق به مدت پنج سال به اتهام مراوده با قرامطه زندانی شد. مونس المظفر او را آزاد کرد و در خلافت راضی مورد توجه دربار عباسی قرار گرفت. وی را در نوبختیه‌ی بغداد در محله‌ی «سوق العطارین» به خاک سپردند. اثر وی کتاب «التادیب» است که آن را برای فقهای قم جهت تایید فرستاد و ایشان آن را صحیح دانستند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲ -۲۱ /۶)، خاندان نوبختی (۲۲۴ -۲۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۰۰/۴)، دایرۀالمعارف فارسی (۸۵۲/۱)، الذریعه (۲۱۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (۱۱۳/۱)، طبقات خلفا و اصحاب (وقایع س چهارم)، معجم المولفین (۸/۴).

نوراللهی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّه نجف‌آبادی از علماء و ائمه جماعت غرب تهران سرآسیاب مهرآباد می‌باشد.

وی در سال ۱۲۹۶ شمسی در نجف متولد شده و در سن ۱۷ سالگی پس از خواندن دروس کلاسی به اصفهان آمده و بعد از خواندن مقدمات در آنجا به قم مهاجرت نموده و سالهای طولانی با جدیت تمام و زندگی مختصر در رشته‌های مختلف علوم دینی

مشغول تعلیم و تعلم بوده و از محضر عده‌ای از اساتید بزرگ درس خارج ابواب فقه و اصول را استفاده نموده و از همان اوائل اشتغال به تحصیل دروس پائین‌تر و خوانده را با داشتن شاگردان زیاد تدریس نموده و از مدرسین معروف سطح به شمار آمده و وی را در حوزه علمیه قم طلبه بحاث و بااستعداد و خوش‌بیان می‌دانستند.

ولی متأسفانه در اثر عوارض و فشارهای گوناگون ناگهانی مبتلا به ضعف اعصاب مخصوص اعصاب مغزی گردید و متوقف شدند. ناچار به امر پرچمدار عالم اسلام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی برای انجام وظائف روحانیت به شهرستان ملایر رفته و در مدت دو سال در آنجا خدماتی انجام داده بعد به قم مراجعت و مدت دو سال در قم مختصری به تدریس اشتغال داشته تا اینکه دست تقدیر او را در تاریخ ۱۳۴۳ شمسی به غرب تهران محله سرآسیاب مهرآباد افکنده و تاکنون که یازده سالست در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای نوراللهی از افاضل باتقوا و ورع معاصر است که در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و در مدت اقامتش در قم از مدرسین بنام بودند که سطوح عالی مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس نموده و صدها نفر از محضرش استفاده علمی و اخلاقی نموده‌اند.

از نجف‌آباد و حومه آن در حال حاضر بالغ بر پنجاه طلبه و محصل در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل و تدریس دارند که در میان آنان نامبردگان زیر موصوف به فضل و سابقه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نورانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ مصطفی بن العلم العلام میرزا شکرالله نورانی از فضلاء نویسندگان حوزه علمیه قم می‌باشد در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در یکی از مضافات اردبیل متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده ولی در خدمت برادر دانشمندی چون میرزا عیسی نورانی تربیت یافته و مقدمات را آموخته و هم در صرف و نحو از مرحوم حجه‌الاسلام میرزا عبدالحسین واعظ استفاده کرده و در سال ۱۳۶۱ قمری به اردبیل آمده و از علماء آنجا چون حاج شیخ عبدالغفور و حاج شیخ محمدصادق و مرحوم حاج میرزا ابراهیم کلانتر و آیت‌الله آقا شیخ غلامحسین و غیرهم بیشتر سطوح را خوانده و در سال ۱۳۶۷ به قم مهاجرت نموده و در دروس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت نموده و در سال ۱۳۳۴ شمسی به نجف اشرف عزیمت و در آنجا از آیت‌الله العظمی شاهرودی و مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۵ شمسی به قم مراجعت و علاوه بر استفاده از محضر آیات قم به تدریس و تالیف اشتغال یافته است.

آثار و تالیفات ایشان از این قرار است ۱- کتاب العقد و الحل درباره صیغ عقود و بحث متعه از نظر عامه و خاصه و در سال ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

۲- کتاب در پیرامون مطالب مشکله مکاسب شیخ انصاری که جلد اول آن در سال ۱۳۸۲ ق چاپ شده و جلد دوم در سال ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده و جلد سوم آماده طبع است.

۳- بررسی عقاید در پاسخ بعضی از شبهات که در سال ۱۳۸۶ ق منتشر گردیده است.

۴- تلخیص صرف به نام قواعدالصرف که نیز در سال ۱۳۹۰ چاپ شده است.

۵- خلاصه اقوال علماء در اصول دو جلد.

۶- قوانین اسلام درباره علل کیفر محرمات دو جلد که جلد اول آن در محرمات اخلاقی است و در سال ۱۳۹۰ و جلد دوم در سال ۱۳۹۲ به طبع رسیده است.

۷- کتب دیگر درباره فحشا و زناشوئی‌های ناصحیح.

۸- تفسیر قرآن ۹- قواعدالفقه ۱۰- آیات الاحکام ۱۱- مناسک حج و اسرار آن ۱۲- ندای شرق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوربخش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی نوربخش لاهیجانی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر گیلان و شهرستان آستانه لاهیجانست.

تولد ایشان در حدود ۱۳۴۷ قمری در حومه لاهیجان واقع شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی و اولیات و مقدمات در مدرسه لاهیجان و آستانه به قم مهاجرت نموده و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین حوزه آموخته و در درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و دیگران شرکت و استفاده نموده و پس از آن بنابر درخواست مردم لاهیجان و آستانه به وطن مراجعت و تا حال تحریر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار و خدمات دیگر اشتغال دارد دارای طبع روان و ذوق شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نوری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی نوری مازندرانی. عالم فاضل محقّق، در ۱۳۱۹ قمری در اصفهان وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا حسن بن العالم العلام و ملاذالانام مرحوم حاج شیخ ابراهیم نوری از افاضل دانشمندان حوزه‌ی علمیه و اصحاب

مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر همدان در خانواده علم و کمال تولد و در مهد فضیلت پرورش و پس از رشد دروس مقدماتی و ادبیات را خدمت والد بزرگوارش خوانده و قسمتی از سطوح اولیه را در مدرسه آخوند همدان آموخته آنگاه به قم مهاجرت و سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری حاضر شده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی معروف به آقای داماد استفاده کرده و پس از ورود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر حیات آن جناب بالغ بر ۱۸ سال درک فیض از ابحاث فقه و اصول معظم نموده و نیز سالهای متمادی از دروس و تحقیقات آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اطال‌الله بقاه بهره‌مند و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخته مخصوصا در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در ایام مناسب وفیات و سوگواریها افاده می‌فرمایند بیانی شیوا و تحقیقاتی دقیق در تواریخ و اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند.

استاد نوری آثار و خدمات ارزنده‌ای دارند که از آنهاست:

۱- مکتب ولی عصر عجل‌الله فرجه که تحت برنامه‌ای تربیت جوانان و روشنفکران می‌نمایند.

۲- تنظیم فهرست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله.

۳- تالیفات و تصنیفات در رشته‌های مختلف که متاسفانه از تعداد و اسامی آنها بی‌اطلاع هستم زیرا ده‌ها بار مراجعه کردم و پیام دادم و وعده هم فرمودند که مرقوم دارند ولی در اثر گرفتاریها مرقوم ننمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از معروفین این خاندان، مرحوم میرزا محمّد تقی فرزند میرزا محمّد علی است. عالم و فاضل بوده، و در فنّ تعبیر خواب، ابن سیرین زمان خود بوده، از تعبیرات او حکایتها نقل می‌کنند.

در سال ۱۳۲۹ وفات یافته، در پشت بقعه تکیه بابا رکن الدین مدفون گردید. معروف است که مردی قبل از کشته شدن ناصر الدین شاه او را در خواب، به لباس اهل علم دید، تعبیر خواب خود را از مرحوم نوری خواست. فرمود: ناصر الدین شاه کشته می‌شود. پس از وقوع قضیّه، دلیل تعبیر را از او پرسیدند، حدیث «فمن خرج عن زیّه فدمه هدر» را فرموده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم نوری متوفی حدود ۱۳۲۲ قمری مدفون در رواق عسکریین علیهماالسلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نوری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الزکی الصالح مرحوم حاج میرزا اسماعیل نوری از افاضل دانشمندان معاصر و مشهور به علامه نوری می‌باشند.

وی در حدود ۱۳۴۵ قمری متولد و در بیت تقوا و دیانت تحت تربیت صحیح پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و قدیمه پرداخته و متون فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکمت را از مدرسین بزرگ تهران فراگرفته و علوم نظری و تحلیلی را از آیات عظام و فقهاء کرام استفاده نموده تا به مدارج عالیه و مقام استادی رسیده و خود به تدریس علوم پرداخته است.

استاد علامه نوری امروز یکی از مفاخر دانشمندان تهران محسوب می‌شود دارای تألیفات عدیده در علوم مختلف می‌باشد که قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمت دیگر آماده برای طبع و نشر می‌باشد.

از تألیفات و آثار ارزنده و گرانقدر معظم له که کراراً به طبع رسیده کتب زیر است.

۱– اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام چهار مرتبه چاپ و منتشر شده

۲– حقوق زن در سالام و جهان در ۴۲۰ صفحه به قطع معمولی شش بار چاپ شده است.

۳– فلسفه انقلاب حسین علیه‌السلام با متن عربی آن به قلم ایشان در ۲۸۰ صفحه

۴– خداشناسی و افکار روز سه بار چاپ و منتشر شده است.

۵– تحقیق در آئین یهود و مسیحیت چاپ سوم با تصرفات جدید به قلم معظم له

۶– تحقیقی کوتاه درباره شیعه چاپ دوم

۷– سیستم حکومت اسلامی چاپ سوم

۸– ستارگان فروزان به قطع وزیری در تاریخ علوم ادبی و منطق و تراجم ادباء چاپ اول.

۹– متونی از معارف اسلام به قطع معمولی.

۱۰– مضافاً بر کتب یاد شده رسالات و حواشی و مقدمه‌هائی بر آثار مختلف علمی به طبع رسیده است.

۱۱– تفسیر کامل و جامع قرآن در دو زبان آماده طبع می‌باشد.

نگارنده گوید: علامه نوری گذشته از مقامات علمی و اطلاعات وسیع در علوم مختلف دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و سجایای حمیده می‌باشد و علاوه بر کرسی تدریس جلسات عدیده سخنرانی در بعضی از هیآت مذهبی مانند هیئت محترم محبان الائمه علیهم‌السلام در شبهای شنبه در خیابان زیبا دارند که پس از اقامه جماعت با بیانی رسا و منطقی سودمند برای صدها نفر از همه طبقات مخصوص نسل جوان و روشنفکران بیان معارف اسلام و مبانی اخلاق می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نوقانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی آقای نوغانی بن العلامه البصیر الخیر آیت‌اللّه حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از علماء و مدرسین معاصر مشهد است که بزیور علم و ادب و فضل و حسب آراسته است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب ثانی فراگرفته و از محضر مرحوم والدش و آیات دیگر و بالاخص آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده کامل نموده و در ورود معظم‌له به مشهد مقدس چند ماهی افتخار ضیافت و میزبانی آن جناب را داشته و از مبانی اصول و فقه ایشان بهره‌مند گردیده است.

آقای نوقانی امروز یکی از مدرسین بنام مشهد است و ضمنا اقامه جماعت نموده و از راه گفتن تفسیر قرآن مجید و مبانی اعتقادی و دروس اخلاقی ایفاء وظیفه می‌نماید و در میان عموم طبقات مردم خراسان و خصوص دانشمندان محبوبیت خاصی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا نهاوندی عالمی ذوفنون و عارف از شاگردان علامه آقاسید شفیع جابلقی و شاگردان آقا سید اسداللّه حجهٔ‌الاسلام شفتی اصفهانی و بسیار منزوی و منعزل از دنیا و اهل آن بوده تا حدود ۱۲۲۵ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه نهاوندی عالمی جلیل و رئیسی مطاع در نهاوند بوده و در سال ۱۳۳۱ ق وفات نموده و دو فرزندش عالمان جلیلان آقاهادی و آقاباقر قائم‌مقام او شده و به خدمات دینی پرداخته و آقا میرزا اسداللّه برادرزاده حاج‌آقا نهاوندی از احفاد میربزرگ مدفون در همدان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا زین‌العابدین بن سید آغاحسن مشهور به (حاج‌آقا بزرگ) نهاوندی از احفاد سید زکی همدانی عالمی جلیل در نهاوند بود و در آنجا به وظائف دینی و روحی عمل نمود تا از دنیا رفت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیری بروجردی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالرحیم نیری بروجردی از علماء باتقوا و فضیلت حوزه علمیه قم است که در اطراف بروجرد به دنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات در بروجرد به قم هجرت نموده و سطوح را از محضر علامه فقیه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و بعضی دیگر استفاده نموده و از ورود آیت‌الله المرحوم بروجردی حاضر ابحاث فقه و اصول وی شده تا آخر عمر آن جناب و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیات و زعماء سه گانه حوزه آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی تا هم اکنون استفاده می‌نمایند از آثار ایشان است تصحیح ایضاح الفوائد فخر المحققین که با معیت حجه‌الاسلام آقای آقاسید حسین کرمانی و حجه‌الاسلام حاج شیخ علی پناه اشتهاردی نموده‌اند و نوشته‌های دیگر در فقه و اصول.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نیشابوری خراسانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم درودی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام آقای سید محمدحسین بن العلامه الحجه آیت‌اللّٰه آقا سید ابراهیم درودی نیشابوری از ائمه جماعت و علماء معاصر کاظمین است. معظم له در سال ۱۳۴۴ قمری هجری در درود نیشابور متولد شده و در بیت علم و سیاست پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح در مشهد مقدس در سال ۱۳۶۴ قمری در سن بیست سالگی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف سطوح را از آقا شیخ محمدتقی آل راضی و آقای حاج شیخ فاضل نائینی فراگرفته و مدت کمی هم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّٰه محقق آقا میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم عمویش آیت‌اللّٰه آقا سید مهدی خراسانی در کاظمین در سال ۱۳۶۹ قمری رحل اقامت به کاظمین افکنده و در حرم امامین همامین جواد بن حضرت امام موسی بن جعفر و حضرت امام محمدتقی علیهماالسلام به اقامه جماعت و تدریس مکاسب و اصول مظفر پراخته و تا حال حاضر اشتغال دارند.

مرحوم والدش حجهٔالاسلام آقای آقا سید محمدحسین از علماء کاظمین بوده است که در سامره در عصر مرحوم میرزاء بزرگ متولد شده و در سال ۱۳۷۰ قمری در درود نیشابور از دنیا رفته و در همانجا مدفون شده است.

جد مترجم گرام ما مرحوم علامه آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابراهیم درودی از علماء بزرگ کاظمین و زهاد و عباد معروف (مانند آیت‌اللّٰه آقا سید محسن اعرجی کاظمینی) از شاگردان مبرز آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا محمد حسن شیرازی (مجدد دین) در سامره بوده و از کثرت علم و زهد مستغنی از توصیف این نویسنده و ترجمه‌اش زینت‌بخش کتب تراجم اعیان‌الشیعه و غیره می‌باشد.

آن بزرگوار در سال ۱۳۲۸ قمری وفات نموده و در رواق شریف کاظمین مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند دانشمند به نام ۱- مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید مهدی درودی از علماء کاظمین ۲- حجهٔالاسلام آقا سید

محمدحسین والد صاحب ترجمه می‌باشند.
و مترجم مذکور ما نیز دارای دو فرزند روحانی بزرگوار- به نام ۱- حجۀالاسلام آقا سید علی که از فضلاء نجف اشرف از شاگردان مبرز آیت‌اللّٰه العظمی خوئی ۲- حجۀالاسلام آقا سید حسن که در کاظمین اشتغال به مکاسب و اصول فقه مظفر در حال حاضر دارند.
نویسنده گوید: حجۀالاسلام خراسانی دانشمندی ستوده و عالمی بزرگوار و به محامد اخلاقی و موصوف و به محاسن آداب معروف ساعی در قضاء حوائج اخوان مؤمنین می‌باشند.
حقیر در سفر اخیرم در ربیع الثانی ۱۳۹۹ قمری که مشرف به زیارت عتبات عالیات شدم چند جلسه در کتابخانه ایشان در صحن مطهر کاظمین توفیق زیارتشان یافته از فیض محضر و حسن اخلاق و برخوردشان بهره‌مند گردیدم. ادام اللّٰه ظله و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

نیشابوری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم الحسینی نیشابوری مشهدی عالمی محقق و ماهر در علوم ریاضیه و مدرس آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۱۲ ق وفات و در روضه مقدسه مدفون گردیده است دارای تألیفاتی به نام ۱- رساله‌ای در نماز جمعه ۲- رساله در تحقیق درباره روز نوروز ۳- رساله در میلاد پیغمبر (ص) که در روز ۱۷ ربیع‌الاول است به فارسی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».[۱]
جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۳ /۳۲۵، ۶ /۲۹۴، ۲ /۲۰۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۳ /۲۸۴)، معجم‌المؤلفین (۳ /۱۶۶).

نیشابوری، فتال

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن علی مکنی بابوعلی و معروف بفتال نیشابوری عالمی نبیل و واعظی جلیل صاحب کتاب (روضه‌الواعظین و کتاب التنویر فی التفسیر) و او از مشایخ ابن شهرآشوب بوده است.

ابن‌داود گوید: ابوالمحاسن عبدالرزاق رئیس نیشابور ملقب به (شهاب‌الاسلام) وی را به جرم ولایت و تشیع شهید کرد و این بزرگوار را به واسطه طلاقت لسان و صراحت لهجه او در مقام موعظه فتال گفته‌اند و فتال یکی از اسامی بلبل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبهٔ» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[۱]

محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۵۱/ ۲۳ ،۳۵۶/ ۱۹ ،۲۲۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۷۲/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۸- ۱۵۷)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم‌المؤلفین (۳۱۸- ۳۱۷/ ۱۰).

نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مروی نیشابوری عالمی جلیل و بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و عدیل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری صفائی قمی بوده که پس از پایان تحصیل به وطن برگشته و به وظائف دینی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته.

و چند نفری از مبلغین فرقه ضاله اسماعیلیه را که در اطراف نیشابور اضلال مردم نموده و تبلیغ مرام باطل آقاخانی‌ها را می‌نمودند. پس از نصیحت و موعظه فراوان که متنبه نشدند خود شخصا به قتل رسانیده و مجازات نموده است.

وی پس از ۱۳۶۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، یحیی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الحسن العلوی نیشابوری مکنی بابو محمد عالمی متکلم و زاهدی عابد صاحب کتاب المسح علی الرجلین و کتاب ابطال القیاس و کتاب التوحید و کتب بسیاری در امامت بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واحدی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا واحدی القمی الکرمانشاهی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم والدش و علماء دیگر کرمانشاه خوانده، سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه مراجعت به کرمانشاه و از راه قلم و نوشتن مقالات و مجله دینی و بیان بخدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۷۵ ق که بواسطه بعضی از جهات به تهران منتقل و بنا بر اصرار عده‌ای از تجار و مومنین و امریه بعضی از آیات عظام در سمنگان نارمک ساکن و در مسجد جامعه آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و تبلیغ دین و نشر مبانی اخلاق سید المرسیلین علیه و آله صلوات المصلین تاکنون اشتغال دارند و مسجد جامعه نارمک یکی از پایگاهها و سنگرهای بزرگ اسلامی تهرانست که در دوره سال خصوصا ماه رمضان و ماه محرم و صفر و جمعه‌ها و اعیاد مذهبی در آن مجالس دینی منعقد و صدها نفر از مردم آن منطقه و نقاط دیگر اجتماع کرده و از بیانات سودمند وعاظ نامی و خطباء اسلامی بهره‌مند میشوند، و بالاخص روزهای جمعه که در آن دعاء شریفه و مأثوره ندبه با سوز و گدازی خوانده شده و اقامه نماز جمعه با شکوه خاصی میگردد و شاید اول نماز جمعه تهران باشد از حیث جمعیت و شخصیت‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی و غیره.

جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مودب میباشند دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از آنست: ترجمه کتاب مستطاب (الغدیر) که چند جلد آن بطبع رسیده است. و در تاسیس کتابخانه مسجد جامع نارمک و توسعه و تزیینات مسجد گامهای مؤثری برداشته و خدمات ارزنده‌ای نموده‌اند.

جناب آقای واحدی دارای سه برادر برومند میباشند: ۱- مرحوم آقا سید عبدالحسین واحدی ۲- مرحوم آقا سید محمد واحدی که در سنین جوانی در حادثه‌ای بدرود حیات گفتند. ۳- ثقهًالاسلام آقای حاج سید جواد واحدی که اکنون از راه تبلیغ بخدمات دینی اشتغال دارند.

خانـدان واحـدی مـذکور از بیوتات اصـیله و ریشه‌دار و روحانیت و از احفاد و ذراری امامزاده شاه بدلا که در جاپلق مدفون و مورد توجه عموم مردم آن ناحیه هستند می‌باشند.

آقای واحدی با جناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید حسین بدلاء قمی پسر عمو و قرابت نزدیک دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واسعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ محمدحسـین بن العالم الجلیل آخونـد ملا عبـدالواسع قائینی از علماء محترم معاصـر شـهر ری بودند، وی در قائن متولد شده و تحصـیلات خود را در زادگـاه خود نزد دائی مرحوم قاضـی که یکی از دانشـمندان پارسـا و زهـاد بودنـد شـروع نموده و در سن ۱۷ سالگی بـدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید حسـین فقیه معروف به (امام) که از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی صاحب (کفایه الاصول) حاضر شده و استفاده نموده آنگاه به مشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین و آیات آن سامان بهره‌مند شده آنگاه به نجف مشرف شده و بعد از مدتی به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران کسب فیض نموده، و مورد لطـف مخصـوص آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفته و در سـال ۱۳۲۸ شمسـی بشـهر ری اعزام و در محله حسـین آباد (بی‌بی زبیـده) در مسـجد ملک افضـلی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و ضـمنا در مدرسه برهانیه شهر ری بتدریس فقه پرداخته تا در روز عید قربان ۱۳۸۹ ق که بدرود زندگی گفته، و با تشییع جنازه با شکوهی به قم و در دارالسلام مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم آقای واسـعی از علماء متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند و از بیت‌المال و سهم مبارک امام علیه‌السلام کمتر مصرف می‌نمودند.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقهٔالاسـلام حاج شـیخ محمدعلی واسـعی که در مسـجد ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واصف، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۵.

محمد بن ابی‌القاسم الجیلانی، معروف به شـیخ محمد واصف لاهیجی- در فقه، اصول، فلسـفه، منطق کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود لذا اکثر علوم را به نظم کشید. وی بیش از هفتصد اثر از خود به جای گذاشت که بالغ بر دویست اثر از آنها به طبع رسیده از جمله: دیوان اشعار؛ حضرت رقیه (س) (در حالات حضرت)؛ بیت الاحزان عاشقان (در موضوع حسن و عشق و غصه...)؛ راهنمای میراث؛ رسالـهٔ الانسان (بهـداشت صورت)، ارجوزهٔ القیامهٔ (بحث معاد)، دروس العقائد؛ دلیل البقاء (خواص بقاء از نظر اسـلام؛ طب

النب (ص)؛ اسرار الشهادة؛ باب الولایة؛ مناجات نامه؛ چهارده معصوم (ص)، ترایخ الائمه (ع)؛ زکاة در اسلام و... کتاب احراق لانه‌های فساد (۱۳۳۱). باقی آنها به صورت خطی مضبوط است. واصف لاهیجی مسایل ریاضی ارث را در کتاب میراث خود حل نمود و مبتکر میراث شجری است. وی کتابی در رضاع دارد و رضاع و حج شجری است را مطابق با مذاهب پنجگانه تدوین نماید. او علم و هنر را درهم آمیخت. علامه واصف لاهیجی در سرودن اشعار علمی به زبان عربی تسلط داشت و برخی از علما او را عرب زبان می‌پنداشتند زیرا در نظم کشیدن مسائل علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت؛ کتابهای شواهد العقاید؛ دلیل البکاء الحب؛ شواهد الاولایه و... نموداری از گفتار فوق است. کتاب الفیة علی هامش علم الامام (ع) را در اثبات علم حضوری امام به زبان عربی به رشته تحریر درآورد.

آیت‌الله واصف لاهیجی تدر زمان آیت‌الله بروجردی به اذن آن بزرگوار با همکاری روحانیت محترم منطقه، بیمارستان ولی عصر (ع) را بنا نمود.

حجه‌الاسلام و محقق عالیمقام آقای حاج شیخ محمد بن میرزا ابی‌القاسم آستانی مشهور به واصف در سال ۱۳۲۵ شمسی متولد شده و بعد از تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۳۳ شمسی به عزم فراگرفتن علوم عالیه اسلامی وارد حوزه مقدسه علمیه قم گردیده و پس از دیدن مقدمات و سطوح در مدت چهار سال به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و مدت ۸ سال از آن نابغه فقاهت استفاده کرده و ضمنا به تدریس بعضی از کتب سطحیه از قبیل رسائل و مکاسب پرداخته و بعد از فوت مرحوم بروجردی از آیات دیگر نیز استفاده نموده و بیشتر اوقات خود را به تالیف کتب علمیه و به مقالات دینیه می گذراند.

مولف گوید. علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلاء برجسته عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.

و آثاری که تاکنون از ایشان منتشر شده از این قرار است:

۱- پیرامون زندگانی امیرالمومنین علیه‌السلام ۲- راهنمای میراث لمعه ۳- زکوه در اسلام ۴- هامش الحاشیه ۵- حسن و حسین علیهماالسلام ۶- انقلاب مقدس حسین علیه‌السلام ۷- از چه شخصی باید تقلید کنیم ۸- احراق لانه‌های فساد ۹- شراب ننگین منظوم ۱۰- فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن ۱۱- فاطمه زهراء از نظر روایات اهل سنت ۱۲- توضیح المراح ۱۳- راهنمای شرح نظام ۱۴- چهارده معصوم منظوم ۱۵- افیونیه در مذمت تریاک کشیدن ۱۶- بشر و آزادی ۱۷- حقایق گفتنی ۱۸- یگانه دختر رسول خدا علیهاسلام ۱۹- رساله در توضیح معنای جعل ۲۰- فضیلت علم و عالم در اسلام ۲۱- الانسان واللحیه با ترجمه‌های متعدد ۲۲- راهنمای علم اعلال ۲۳- راهنمای تصریف ۲۴- در اعلال بی‌نقطه ۲۵- طب النبی ۲۶- یادی از گذشته منظوم ۲۷- تجدد و عوام فریبی ۲۸- المناجات المنظوم ۲۹- تاثیر دعا از نظر ابن‌سینا ۳۰- حاشیه بر رسائل مبحث قطع ۳۱- کفایه المیزان در منطق ۳۲- به مناسبت زمین خواری ۳۳- اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت ۳۴- عود کثیری از جزوات و مقالات و مقدمات و الشجریات.

مولف محترم کتب و رسائل بسیار دیگری نوشته و آماده برای طبع دارد که از آنها الفلک المستبد بسیار نفیس و ارزنده است که به نظر این بنده قاصر رسیده است و تاکنون مثل آن را ندیده‌ام.

۲- ترجمه لمعه شهید اول ۳- بضعة النبی صلی الله علیه و آله در سه مجلد ۴- احراق لانه‌های فساد جلد دوم ۵- راز فداکاری سالار شهیدان علیه‌السلام ۶- فی حوله الدم المتوسط ۷- ترجمه علل الشرایع در دو جلد ۸- الفیه در اخلاق و آداب النفس ۹- الفیه در اصول الفقه ۱۰- شرح مبحث البرائه فارسی ۱۱- شرح مبحث استصحاب ۱۲- رساله در تحقیق ماوضع له الکل ۱۳- فی هامش علم الامام ۱۴- دیوان اشعار بیش از ده هزار بیت ۵۱ رساله فی العقود ۱۶- شمع الجمع فی نعت الائمه الاطهار ۱۷- دروس الاعتقاد ۱۸- تعبیر الرویا منسوب به امام صادق علیه‌السلام ۱۹- رساله فی المقادیر ۲۰- پیام قرآن ۲۱- راهنمای علم الکتابه ۲۲- چگونه به جهان دیگر راه توان یافت ۲۳- ثقات الرجال مشجرات ۲۴- منظومه فی الکلام ۲۵- منظومه فی الصرف ۲۶- محرمات النکاح ۲۷-

اندیشه‌های نوابغ ۲۸- رساله‌ای در لبس خز ۲۹- تاریخ کشفیات و اختراعات ۲ جلد ۳۰- منظومه در منطق فارسی ۳۱- اصطلاحات العلوم الشرعیه ۳۲- تقریرات اساتیدش در فقه و اصول.

مترجم گرامی ما در امور اجتماعی نیز فعالیتهائی نموده و مساجد و درمانگاه و انجمنهای دینی و کتابخانه و چاپخانه و غیره تاسیس نموده‌اند ادام‌الله توفیقه.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

واعظ خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی فرزند کربلائی حسینعلی (والد ماجد حاج شیخ عبدالحسین واعظ معاصر خراسانی نجفی) از اکابر علماء و محدثین و اعاظم وعاظ و خطباء عصر خود در نجف اشرف و از مصادیق واقعی یکی از قوام الدنیا (عالم ناطق مستعمل لعلمه) بوده است.

تولدش در سال ۱۲۷۵ قمری در یکی از روستاهای نیشابور به نام سیمان بوده و مادرش قبل از ولادتش در خواب می‌بیند که درختی از پشت او روئیده و سر به طرف آسمان کشیده و بلند و بارو گشته است. پس با وحشت از خواب برخاسته و به مشهد نزد بعضی از علماء رفته و خواب خود را می گوید آن عالم می‌فرماید: ناراحت مباش خدا به تو پسری مرحمت می کند که از علماء و دانشمندان خدمتگزار به اسلام خواهد بود.

ایشان در قریه سیمان مذکور نشو و نما یافته و به خواندن قرآن مشغول و پس از خواندن دروس مکتبی قدیم در اوائل بلوغ به تحصیل علوم عربیه دینیه پرداخته و برای ادامه به آن به سبزوار عزیمت و در آنجا مقدمات را خوانده و ضمنا از همان اوان به روستاهای سبزوار برای تبلیغ و ذکر مصائب سالار شهیدان به منبر رفته و ترویج دین نموده تا در سال ۱۳۱۱ قمری در سن ۳۶ سالگی مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست میرزای بزرگ به سامرا عزیمت و به محضر آن بزرگوار رسیده و مورد تفقد و عنایت خاص ایشان قرار گرفته و سپس به نجف اشرف برگشته و مشغول به تحصیل شده تا به درجه عالیه علم رسیده و همواره منبر رفته و با مواعظ حسنه خود مستعمین و بالاخص روحانیون را مستفیض و بهره‌مند می‌نمود.

اساتید ایشان چنانچه فرزند اکبرش حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظزاده فرمودند علامه کبیر حاج شیخ محمدحسن مامقانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و آخوند خراسانی صاحب کفایه قبل از پیدایش مشروطه بوده است.

ایشان مجالس آیات عظام در ایام عاشورا و غیره را اداره می‌نمود و منبر می‌رفت و عموما از بیاناتش مستفیض می‌شدند اهل حال و معنویت بود.

نگارنده شبی موقع سحر که مشرف به حرم مطهر می‌شوم از درب مسجد هندی که از مساجد معروف نجف و محل نماز جماعت بزرگانی چون حاج شیخ علی زاهد قمی و حاج سید عبدالغفار مازندرانی و امثالهم بود و مجتمع کلیه آیات عظام گذشته و معاصر بود می گذشتم که صدای مناجات و ذکری مرا از رفتن متوقف نمود پس به مسجد هندی آمدم و دیدم گویا تمام مسجد در ذکر و مناجات است و همه با گوینده و ذاکری هماهنگ و می گویند ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم. پس وارد مسجد شدم در اثر صدا پیش رفتم در انتهای مسجد پشت ستونی آن مرحوم را دیدم مشغول نماز و با تمام وجودش آیات مذکور را تکرار می کند و آن محیط با او هماهنگی دارد. پیرمردان و معاصرین او از دانشمندان و غیره و بالاخص فرزند برومندش خاطرات عجیبی از او دارند.

باقیات الصالحات ایشان

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند ارجمندشان می‌باشند:

۱- حاج شیخ محمدتقی واعظزاده مقیم نجف.

۲- حاج شیخ عبدالحسین واعظ نجفی است که از معاودین نجف اشرف و گاهی در قم و اکثرا در مشهد مقدس اقامت و مردم را عموما و علماء را خصوصا از بیانات و مواعظ حسنه خود بهره‌مند می‌سازد، آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف از دنیا رفته و در جوار حضرت علی (علیه‌السلام) در صحن مطهر مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

واعظ خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی خراسانی از معاریف و وعاظ و محدثین معاصر و از موجهین و مطلعین سلسله اهل منبر و مورد توجه عموم طبقات بودند و سالیان دراز مردم خراسان و ایران را از کمالات و بیانات خود بهره‌مند ساختند تا در شب جمعه پنجم ربیع‌الاول ۱۳۷۰ ق وفات نموده و به موالیان خویش خاندان رسالت پیوستند و بعضی از دانشمندان در مرثیه او ابیاتی سروده که از آنها این بیت در ماده تاریخ اوست.

قلب پس بشکست و ساعد بهر تاریخش سرود

(مهدی ماحشر او با خواجه عالم بود)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ شوشتری، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن ملا محمد واعظ شوشتری عالمی جلیل از اصحاب سید مجاهد بوده و در حدود ۱۲۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واعظ کبیر، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وعاظ و معاریف این سلسله در عصر حاضر بودند در ۲۲ ذیقعده سال ۱۲۵۵ به دنیا آمده و در روز پنج‌شنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۰ ق وفات نموده است.

حاج محقق در تاریخش گفته (بر عرشه منبر فلک گام نهاد) و از آثار او کتابی است به نام (بحرالمحیط) ذو کشکول العارفین.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ کرمانشاهی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی از وعاظ معروف و عالی‌مقام معاصر بودند و مدتی در مشهد مقدس سکونت داشتند منبری عرفانی داشته و اشعار و غزلیات بسیاری سرود و به (مظلوم) تخلص می‌نمود تا به نقل آقای مروج در صبح روز بیستم جمادی‌الثانیه سال ۱۳۴۷ ق در مشهد وفات و در حجره اول صحن کهنه طرف راست متصل به بازار مدفون شد.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ یزدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۷، مهرجرد یزد.

درگذشت: ۱۳۷۰.

عبدالله واعظ یزدی متخلص به «شهودی»، فرزند غلامرضا از وعاظ و گویندگان بود. او عمر خود را در تحصیل علوم اهل بیت (ع) و تبلیغ معارف اسلام صرف کرد. تألیفاتش عبارتند از: رساله‌ای در منطق به فارسی، رساله‌ای در رد فلاسفه و صوفیه که دو جلد آن به نام معارف القرآن به چاپ رسید، رساله‌ای در مطالب متفرقه، و اشعاری که تمام آنها خطی و به چاپ نرسیده است.
عبداللَّه فرزند مرحوم غلامرضا متخلص به (شهودی) از وعاظ نامی و گویندگان سامی معاصر مشهدند.
وی در سال ۱۲۸۷ شمسی در مهرجرد یزد (زادگاه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی) مؤسس حوزه علمیه قم تولد یافته و تحصیلات مقدماتی خود را در یزد فراگرفته آنگاه به عزم زیارت مشهد مقدس مشرف به ارض اقدس شده و با برخورد کردن به عنایات رضویه عزم رحیلش مبدل به اقامت گردیده و تحصیلات بعدی خود را ادامه داده و از علماء عظام و بالخصوص مربی بزرگ مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی (ره) کسب فیض نموده و عمر خود را در علوم اهل‌البیت علیهم‌السلام و تبلیغ معارف حقه صرف کرده و تا حال تحریر اشتغال به این وظیفه حساس دارد و مردم خراسان و بلاد دیگر را از بیانات سودمند خود بهره‌مند می‌سازد.
دارای آثار و تألیفات عدیده به نامهای زیر می‌باشد.
۱- رساله‌ای در منطق فارسی ۲- رساله‌ای در رد فلاسفه و صوفیه که تاکنون دو جلد آن به نام معارف‌القرآن به چاپ رسیده است ۳- رساله‌ای در مطالب متفقه و اشعار که تمام آنها خطی است و به چاپ رسیده است ۳- رساله‌ای در مطالب متفقه و اشعار که تمام آنها خطی است و به چاپ نرسیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ یزدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی احمدآبادی یزدی رحمه‌اللّٰه علیه از بزرگان وعاظ و گویندگان نامی استان یزد و استاد اهل منبر و حدیث عصر خود بوده و بسیاری از مبلغین و محدثین افتخار شاگردی وی را داشته‌اند.

مرحوم حاج سید یحیی واعظ یزدی چند سفری در عصر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی و بعد از فوت ایشان به قم نموده و در مدرسه فیضیه و مسجد بالاسر و غیره مردم قم و بالاخص علماء و دانشمندان را از بیانات سودمند خود بهره‌مند نموده است.

آن مرحوم در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان و تهران و شیراز و کرمان و مشهد و غیره برای تبلیغ و ارشاد مردم دعوت و در هر کجا خدمات ارزنده نموده و در بعضی خاطره جالبی داشته است. از جمله مسافرت ایشان به کرمان در زمان مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی و سوءقصد نسبت به او و توسلش به حضرت صدیقه طاهره سلام‌اللّٰه علیها و نجات وی را در جلد اول گنجینه ص ۲۴۱ یاد نمودیم.

وی بعد از ۱۳۶۲ قمری در یزد وفات نمود و به اجداد گرام خویش پیوست و در قبرستان (جوی هرهر) مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظی، فرج‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ فرج‌اللّٰه واعظی زنجانی از فضلاء و وعاظ و محدثین بزرگوار معاصر تهران است.

وی در یکی از مضافات زنجان متولد شده و مقدمات و ادبیات را تا حدودی در آن سامان خوانده، آنگاه به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از حضرت آیت‌اللّٰه العظیم نجفی مرعشی مد ظله و مدرسین دیگر بپایان رسانیده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیات دیگر نموده و پس از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نیز از محضر و دروس معظم له بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه سره منتقل به تهران گردیده و تاکنون بوظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تدریس علوم دینی و بالاخص از طریق منبر و موعظه ارشاد مردم مینماید.

نگارنده گوید: جناب آقای واعظی از علماء با فضل و موصوف بکمال و تقوی و دارای مقام قدس و ورع و خالص در ولاء اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌باشد و با منکرین و مخالفین ولایت تکوینی حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و ائمه‌ی معصومین علیهم صلوات المصلین و وهابی‌ها وطنی و سنی مآب‌ها مبارز و مخالف و مجادله حسنه نموده و مینمایند و حقیر که قریب چهل سال است ایشان را میشناسم جز متانت و پرهیزکاری و صفات حمیده از وی ندیده و ما رایت منه مذ عرفته الا جمیلا کثر اللّٰه امثاله فرزند برومندی دارد که در سلک محصلین حوزه علمیه قم و از مشتغلین جدی حوزه میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وامق یزدی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، شاعر، متخلص به وامق. مشهور به وامق‌زاده. از احفاد میرزا محمدعلی مدرس بود. تحصیلاتش را بیشتر در اصفهان گذراند و سپس سالها در یزد به امر تدریس پرداخت. وی را از عرفای بزرگ شیعه دانسته‌اند و گویند که در مقامات معنوی، صاحب مرتبه‌ای والا بود. او در یزد درگذشت و در مقبره جوی هرهر دفن شد. بعضی از مؤلفین، کتابی به نام تذکره‌ی «میخانه» را به او نسبت می‌دهند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.[۱]

سید حسین وامق بن سید یحیی (فدائی) بن العالم عارف آقا میرزا محمدعلی وامق از دانشمندان بزرگ و علاوه از مراتب علمی در زهد و پارسائی نیز شخص مسلم بوده، وی بیشتر تحصیلاتش را در اصفهان نموده و سالها در یزد اشتغال به تدریس داشته و در مرتبه عرفان به حد کمال و از عرفای شیعه محسوب و صاحب مقامات معنوی بوده است. وی در سال ۱۳۰۷ ق در یزد وفات و در قبرستان (جوی هرهر) مدفون گردیده‌اند.

جد آن مرحوم آقامیرزا محمدعلی وامق از سادات حسینی حسنی یزد و از دودمان میرزا سعید یزدی بوده است ریحان اجمالی از ترجمه ایشان را به قلم خودش در ص ۳۴۸ کتابش نبشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۰۷ -۱۰۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۳۱)، الذریعه (۱۲۵۹/ ۹)، ریحانه (۳۰۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۶۲/ ۷).

وجدانی فخر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۰.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

آیت‌الله وجدانی فخر از شاگردان علامه طباطبایی و حضرت امام (ره) بود و حدود چهل و هشت سال به تدریس سطوح مختلف علوم حوزوی در قم اشتغال داشت. از جمله خدمات وی تدریس بیست و دو دوره شرح لمعه بود که مورد استقبال طلاب قرار می‌گرفت.

از آثار فقهی ایشان می‌توان به کتاب جواهر الفخریه (در شرح لمعه) اشاره نمود که در پانزده جلد به چاپ رسیده است. اثر دیگر ایشان الایضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی درباره صیغه‌های نکاح و طلاق (قم، ۱۳۷۰) نام دارد.

آیت‌الله وجدانی فخر در شصت سالگی در تهران در بیمارستان خاتم الانبیاء دار فانی را وداع گفت و پیکر ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

قدرت‌اللّه وجدانی فخر سرابی یکی از فضلاء برجسته و مدرسین شایسته و به نام حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در حدود ۱۳۴۷ قمری در سراب متولد شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات در زادگاه خود و شهر تبریز و استفاده از دانشمندان آن دو شهر در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از محاضر مدرسین بزرگ آن روز که از آیات عظام و مراجع تقلید امروز شیعیانند استفاده نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمدحجت صاحب مدرسه و مسجد (حجتیه) شرکت در جلسات درس آن مرحوم نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۷۰ قمری از محضر و درس اصول و فقه مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا شیخ عبدالنبی عراقی که افتخار دامادی معظم له را نیز داشته) و حضرات آیات عظام شریعتمداری و نایب‌الامام آقای خمینی و آقای آقا نجفی مرعشی مدظلهم استفاده و بهره‌های کافی و وافی برده و ضمنا خود به تدریس متون فقه و اصول و منطق پرداخته و تاکنون چندین دوره شرح لمعه و رسائل و مکاسب و مطول و مغنی سبزواری را تدریس نموده و حد حدود دویست تا سیصد نفر طلاب و محصلین حوزه علمیه قم از دروسش استفاده می‌نمایند.

در مباحثه و تدریس بیانی شیرین و جامع و قاطع دارند و شاگردانش به خوبی درک مطالب را می‌نمایند.

آثار و تألیفات چندی دارد که دو جلد آن به نامهای زیر به طبع رسیده است.

۱- آداب معاشرت که ۱۶ سال قبل چاپ شده.

۲- اجتهاد که هشت سال پیش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید تهرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اصغر وحید تهرانی یکی از علماء و مدرسین و محدثین معاصر تهران است معظم له در حدود ۱۳۳۴ ق در عاصمه تشیع تهران دیده به جهان گشود، و پس از پرورش به تحصیل ادبیات و علوم معموله پرداخته و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین تهران آموخته آنگاه به درس خارج مراجع و آیات حاضر شده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و به مدارج کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم از طریق منبر و جلسات مذهبی نشر معارف دین و حقایق شرع مبین نموده و تاکنون شاغل این پست خطیر و مسئولیت سنگین می‌باشد.

مدرسه حاج ابوالفتح میدان شاه نیز در تحت سرپرستی و تدبیر نظر آنجناب اداره می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر وحید یکی از اهل منبر و ارشاد تهرانست و سالها در عصر ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به

تحصیل داشتند و متون فقه چون شرح لمعه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظلله و دیگران استفاده و هم از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی کسب فیض نموده و پس از آن به تهران مراجعت و تا حال حاضر افتخار خدمت و نوکری آستان ولایت و حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین علیه‌السلام را دارند. و حقاً این دو برادر در تواضع و پاکدامنی و متانت و مناعت طبع وحید و اسم با مسمی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[۱]

حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.

در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.

آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.

۲- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.

۳- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.

۴- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.

۵- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.

۸- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۷- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.

۸- کتاب مباهله.

۹- کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.

۱۰- کتابی در مقتل.

۱۱- کتاب احادیث نبویه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۴ -۲۳۳ / ۲).

وفایی، عبدالمجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید وفایی زنجانی از دانشمندان و ائمه جماعت شمال و استان مازندران است.

وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده روحانی بی‌بضاعت در یکی از روستاهای زنجان متولد شده و تا سن بیست سالگی در خلال اشتغال به امور فلاحت مقدمات فارسی و قرآن را از پدر آموخته و در سال ۱۳۲۴ ش جهت ادامه تحصیل به زنجان عزیمت و دو سال در مدرسه سید با وضع فلاکت‌باری مقدمات عربی را تمام و در سال ۱۳۲۶ مشرف به قم شده و تا سال ۱۳۳۹ شمسی از اساتید حوزه علمیه قم استفاده علوم اصول و فقه و تفسیر نموده.

و در سال مزبور بر حسب دعوت اهالی شهرستان نوشهر از طرف مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی قدس‌سره به سمت امامت مسجد جامع این شهرستان عزیمت به آن سامان نموده و تا هم اکنون به وظایف دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشان است کتاب ترجمه قوانین کیفری اسلام که در سال ۱۳۴۱ ش به طبع رسیده است و دیگر کتاب مفتخواران یا انگلهای اجتماع که به واسطه اشکالهای گوناگون مخطوط مانده است.

و دیگر از خدمات ایشان بناء مسجدی است زیبا که مظهر شکوه نوشهر و مایه آبروی اسلام است که در اثر تبلیغات ایشان به همت مردان باایمان ساخته شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هاشمی حائری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: الترتب، تقریر بحث احمد سبط الشیخ انصاری (دزفول، ۱۳۶۳)؛ الصلاهٔ الجمعه (قم، ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمی خوئی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حبیب‌اللّه بن سید محمد بن سید هاشم خوئی متولد سال ۱۲۶۸ و متوفی سال ۱۳۲۴ قمری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار خوی است که پس از تحصیلات مقدمات در خوی به نجف اشرف مهاجرت نموده و در درس میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه مجدد شیرازی حاضر شده و پس از تکمیل معلومات به خوی باز گشته و مشغول تألیف کتاب منهاج‌البراعه شد و پس از اتمام آن به تهران رفت که آن را بطبع رساند و مقدار کمی از این کتاب در زمان حیات او بطبع رسید ولی اجلش مهلت نداد که این امر را به انجام رساند و ناگهان فوت کرد و در قم مدفون شد و در این سالها دوره شرح نهج‌البلاغه آن مرحوم به همت والای حاج سید اسماعیل و اخوان کتابچی در ۲۲ جلد وزیری بطبع رسید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هاشمی سنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۹۰، سنجان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام علی هاشمی سنجانی، فرزند محمود، تا خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. در اولین دروه‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم اراک بود.

از جمله آثار ایشان است: تقریرات فقهی، جزواتی در زمینه‌های اخلاق و وعظ، سروده‌ها و اشعار وی به مناسبت‌های مختلف.

حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی در جریان بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمی لاری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی لاری فرزند مرحوم حاج سید ابوطالب لاری که پدر و پسر در زمان حیات خود مورد احترام قاطبه سیرجانیها و به امور روحانیت اشتغال داشته و مورد اعتماد اعلام عصر بوده‌اند.

و آن مرحوم از طرف مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و بروجردی و حکیم و شاهرودی وکالت داشته و در سال ۱۳۹۳ ق در سن ۸۰ سالگی وفات نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هاشمی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید علی اکبرین مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسن موسوی طالحونچه‌ای طاب ثرا هما از علماء محترم اصفهان بوده و در سال ۱۳۱۸ ق در قریه مذکور متولد شد و دروس فارسی و مقداری مقدمات را خدمت مرحوم والدش و مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسین (جد مادری خود) فرا گرفته و مخصوصا در سه خط (۱) نسخ قرآنی (۲) شکسته (۳) نستعلیق که از جد مادری خود تعلیم گرفته خیلی ممتاز بودند سپس برای تکمیل مقدمات عربی و سطح باصفهان حرکت و در مدسه جده بزرگ و مدرسه ناصریه به مسجد شاه و مدرسه‌ی مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد علی نجفی اقامت و نزد اساتید بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد علی یزدی و مرحوم حجه‌الاسلام آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران تلمذ نموده تا در سال ۱۳۴۶ ق که مرحوم والدشان مریض سخت گردیدند ناچار برای عیادت ایشان بمحل معاودت نموده و بالاخره بعد از چند روز هم وفات نمودند بواسطه‌ی مراجعات و احتیاجات مردم و تقاضای اهالی وظیفه شرعی خود را تشخیص در توقف در محل داده و با جدیت تمام مشغول ترویج و انجام رتق و فتق امور محل گردیده تا زمانیکه اختناق اهل علم و طلاب پیش آمده و مسئله جواز عمامه و اتحاد شکل پیش آمده و این موضوع سبب شد که خانوادگی از محل مهاجرت و بعزم اقامت در اعتاب مقدسه به بلاد نجف حرکت نموده و موقعیکه وارد بشهر مذهبی قم شدند زمان ریاست و مرجعیت مرحوم آیه‌الله حایری قدس‌الله سره بود پس از اقامت چندی حوزه قم را مجهز برای تحصیل دیده از رفتن بعتبات عالیات منصرف و در قم توقف نموده و با برادر ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی مشغول خواند سطوح گردیده و دو برادر دیگرش آقای آقا طاها هاشمی و مرحوم ثقه‌الاسلام آقا حسین هاشمی نیز بتکمیل مقدمات پرداخته و مرحوم آقا حسین که در استعداد و ذکاوت بر همه فائق بود در شب عاشورا ۱۳۵۵ ق در اصفهان بدرود حیات گفته و برادر بزرگوارش حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی در ماده تاریخ فوت او بفارسی گوید: (بعاشورا حسین آسوده مأوی در جنان دارد)

مرحوم آقای هاشمی ثانیا بر حسب تقاضای اهالی از مرحوم آیه‌الله حایری -ره- بوطن برگشته و بخدمات دینی پرداخته و از خود آثاری بیادگار گذاشتند.

از قبیل تعمیر مساجد و تربیت جوانها و غیره. آثار قلمی ایشان منشأت است که هرگاه جمع‌آوری شود مورد استفاده خواهد بود، در اواخر عمر چند سالی مقیم اصفهان شدند تا در شب ۱۴ ماه رمضان موقع سحر بمرض سکته از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، فاضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل هاشمی از علماء و مدرسین معاصر سبزوار بودند و در سال ۱۳۸۳ قمری به رحمت حق واصل و در یکی از اطاقهای امامزاده شعیب به خاک رفت.

وی دانشمندی باذوق و استعداد و از بسیاری علوم بهره داشت و در فقه و اصول و معقول و حساب و هیئت و ادبیات مهارتی کامل داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هرسینی کرمانشاهی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر کرمانشاه برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فرج‌اللَّه هرسینی مذکور می‌باشند.

وی حدود سال ۱۳۲۶ ق در محیط عشایری و خوانین لرستان بدنیا آمده و پس از طی دوران صباوت در حدود سال ۱۳۳۷ قمری در خدمت برادر معظم خود به عتبات عالیات مشرف و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد رشتی و حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن و تا حدود چهار سال در آن محیط تیره و تار به تبلیغات و ارشاد الوار آن سامان و بخصوص علویون و غلات پرداخته و در سال ۱۳۵۴ مهاجرت به قم نموده و تا حدود ۶ سال از محضر و درس آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر و بعضی دیگر استفاده نموده و در حدود ۱۳۶۰ ق مهاجرت به کرمانشاه و تا اکنون که ۱۳۹۵ قمریست بالغ بر سی و پنج سال به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

هرندی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم هرندی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۳۸ قمری در هرند اصفهان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات در اصفهان به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه نایب‌الامام خمینی به پایان رسانیده و در اوائل ورود آیت‌اللَّه العظمی

بروجردی به قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات آیت عظام شاهرودی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده کامل نموده و پس از اقامت سالهای متمادی در جوار باب مدینه علم حضرت علی (ع) و کامیابی از دروس فقه و اصول آیات مذکوره به ایران مراجعت و رحل اقامت در اصفهان افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی پرداخته و تا حال تحریر نیز اشتغال به خدمات مربوطه روحی دارند نگارنده بیش از چهل سال است که آنجناب را می‌شناسم مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده بلکه سید عالی نسب و عالمی فاضل و بزرگوار دیده‌ام کرارا مراجعه کردم شفاها و کتبا که ترجمه و زندگینامه خود را مرقوم دارند که در گنجینه درج نمایم روی احتیاط و پارسائی خودداری کردند ولی حقیر برای اداء بعضی از حقوق دوستی و مراوده قدیمی با ایشان کتابم را جایز ندانستم که از نام ایشان خالی باشد پس مبادرت به این چند سطر از بیوگرافی اجمالی معظم له نمودم باشد که مرا بعد از گذشت عمر اجر و ثوابی عاید گردد.

برادر گرامی ایشان جناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید محمد هرندی نیز از افاضل معاصر اصفهانند که سالهای متمادی در قم و بالاخص در نجف اشرف به کسب علم و کمال کرده و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده و پس از آن به اصفهان مراجعت و به ارشاد مردم از طریق منبر و غیره اشتغال دارند. ایشان هم مانند برادر بزرگوارش در میان روحانیون و هیئت علمیه اصفهان به محاسن اخلاقی و محامد آداب و تقوا موصوف می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

هرندی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد ظهیر. از علمای بزرگ زمان خود بوده، و از میر محمّد حسین خاتون آبادی اجازه روایت داشته، و در ۹ جمادی الثانیه ۱۱۸۰ وفات یافته.

قبرش در صندوق چوبی واقع در کنار ایوانچه غربی بقعه مجلسی، جنب مسجد جامع است. وی را فوائد متفرّقه‌ای است بر اصول کافی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، هبهٔ اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمدعلی بن شیخ علی. عالم فاضل و مدرس، از فضلای اصفهان به شمار می‌رفت. نزد جمعی از بزرگان همچون حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی تحصیل نموده، در مدرسه‌ی صدر کلیه‌ی سطوح فقه و ادبیات را تدریس می‌نمود.

در ۴ شنبه ۲۲ ماه صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در اطاق تکیه‌ی کازرونی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، نجم‌الدین، مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عـالم و شاعر. از علمای معروف عصـر خود و ملازم همایون‌شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) می‌باشد. از وی اشـعاری در تذکره‌ها نقل شـده است. در «کاروان هنـد» آمـده که ممکن است وی با مولانا مسـعود حصاری، که ماده تاریخ فوت همایون پادشاه را یافته، یکی باشد. از اوست:

ای زلف تو از ابجد خوبی جیمی

وز میم عدم دهان تنگت نیمی

اوراق گل و لاله به دور رخ تو

افتاده ز کار، چون کهن تقویمی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، صبح گلشن (۴۰۷ -۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، کاروان هند (۱۲۹۲ -۱۲۹۱/ ۲).

هزار جریبی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از جمله علما و اخیار بوده، در ۱۲۰۳ وفات یافته، قبرش در صحن تکیه میرزا رفیعا قرار داشت که فعلاً آثار آن از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هسته‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد رضا، از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خوانساری.

عـالم فاضل، و واعظ کامل، از معمرین اهل علم و فضل، سال‌ها در نجف خـدمت علمای آن سامان تلمـذ فرموده، و در حـدود سال ۱۳۲۵ به اصـفهان مراجعت کرده، و سال‌ها در این شهر امامت و تدریس نموده، سپس به طهران مسافرت کرده، و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید وارد شده، و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده.

پس از وقعه‌ی شـهادت او به اصـفهان آمده، و تا آخر عمر گاهی در اصفهان، و زمانی در طهران ساکن، و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ پرداخته، و الحق واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای طلیق اللسان بوده.

در دوشنبه ۱۶ ربیع الثانی سال ۱۳۸۷ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه‌ی مجلسی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هفت ده‌ای، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل هفت ده‌ای اراکی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک است.

وی در هفت ده اراک متولد شده و در اراک و غیره به تحصیل علم و کمال پرداخته و از محضر علماء بزرگ اراک استفاده نموده و پس از آن به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام پرداخته و تا هم‌اکنون که در مسجد آقا ضیاء اشتغال به نماز جماعت و خدمات دینی دارند

نگارنده گوید: در ماه صفر سال ۱۳۶۳ قمری مسافرتی به شهر اراک نموده و به خدمت ایشان رسیده و درک فیض از محضرشان نمودم وی را عالمی مروج و دانشمندی خدمتگذار و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق دیدم و نیز در سفر دوم که ماه صفر (ایام اربعین) سال ۱۳۶۸ ق بود و میهمان مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسن فرید محسنی بودم در مجالس عدیده به فیض ملاقاتشان نائل شده و از اخلاق حمیده ایشان بهره‌مند گردیدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، تراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تراب بن میرزا تقی بن سید حسن مقیم نهاوند از احفاد میرزا سید زکی همدانی صاحب مزار معروف فاضلی جلیل و رئیسی بزرگ بوده و وی از علماء بزرگ نجف استفاده نموده و بعد از آن به نهاوند مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی بن سید حسن مقیم نهاوند از احفاد میرزا سید ذکی همدانی صاحب مزار معروف عالمی جلیل و داماد حاج میرزا خلیل تهرانی جد خاندان خلیلی تهرانی بوده و در نهاوند موقعیت بزرگی داشته و حدود ۱۳۱۰ ق وفات نموده و به جای او فرزند او آقا سید تراب قرار گرفت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن سید صادق طباطبائی همدانی تهرانی مشهور (به سنگلجی) عالمی جلیل از فضلاء شاگردان میرزا شیرازی با برادرش آقا سید محمد طباطبائی سنگلجی معاصر علامه حاج ملاعلی کنی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، صفرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ غلام علی، عالم فاضل معمر، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، و مجاز از ایشان است.

در همدان متولد گردیده، و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نموده، خدمت اساتید این شهر تحصیل نموده، در محله‌ی دردشت ساکن، و در مسجد کوچه‌ی باغ دردشت امامت می‌نمود.

در سال ۱۳۵۰ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی ملک بالای سر قبر مرحوم آخوند کاشی استاد خود مدفون گردید.

مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔالمعاد»، در شرح «نجاهٔالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیهٔ»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن

محمـد شـفیع متمم کتاب والـده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الـدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصـفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصـفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خـدمت آن مرحوم در کربلا به مقـدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همـدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشـتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شـرح نجاه العباد در طهاره ۲- السـیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الـدینی رد شـیخیه ۶- الهـدایه. در رد صوفیه ۷- المقـاله الاسـلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱، ۱۶۶/ ۲۵، ۲۳۲/ ۲۳، ۳۹۵/ ۲۱، ۵۹/ ۱۷، ۳۸۴/ ۱۶، ۲۸۸، ۲۴۵، ۲۱۰/ ۱۲، ۳۲ -۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۴ -۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ -۸۴۳/ ۳).

همدانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن میرزا شیر محمد همدانی عالمی مصنف و فاضلی جلیل متولد ۱۲۷۰ و متوفی ۱۳۲۵ ق بوده است.

وی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و به حوزه اخلاق و درس و تعلیم عالم اخلاقی آخوند ملاحسینقلی پیوسته و بعد از او از محضر آقا شیخ رضا فقیه همدانی و مرحوم شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۲۲ به همدان مراجعت ولی طولی نکشیده در سال ۱۳۲۵ ق وفات نموده است.

وی دارای آثـار زیر بوده است ۱- (آب حیـاهٔ) نظیر نان حلوا ۲- الدعوه الحسـنی فی الادعیه الحسنا ۳- تکالیف الانام فی عصـر غیبه الامام ۴- اخوان الصفا در اخلاق ۵- خرابات شبیه کشکول ۶- ناسخ التفاسیر ۷- رساله‌ای در جفر ۸- رساله‌ای در اعداد ۹- ردی بر فرائد گلپایگانی ۱۰- ردی بر بابیه و غیره.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بن میرزا علی محمد بن محمدعلی همدانی متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ عالمی صالح و فاضلی وارسته از شاگردان شیخ عبداللّه همدانی و غیر او بوده و در سال ۱۳۰۵ در همدان ساکن و به خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۴۳ وفات و در سال ۱۳۴۵ بدنش را حمل به نجف و در جوار علی (ع) مدفون نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمد حسن همدانی، عالم زاهد ورع، از اخیار روزگار بود. در اصفهان متولد، و نزد: پدر، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی (درچه‌ای) و آقا سید محمد نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی تحصیل نموده، در مسجد پدر امامت می‌نمود.

در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافتند در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی متصل به تکیه‌ی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن ملامحمد کاظم همدانی عالمی فقیه از شاگردان میرزا شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، ولی‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، عارف و عالم. اصلاً مازندرانی بود. در اصفهان به حضور حسین علیشاه از مشایخ نعمهٔاللهیه رسید و در همدان سکنی گزید. گویا در اواخر عمر نابینا شد. میرزا عبدالعظیم قریب گرگانی، از میرزا عبدالحسین‌خان افضل الملک، از اعتماد السلطنه، مکاشفه‌ای از او نقل کرده است. مزارش در همدان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۰۳ -۱۰۲ /۲)، طرائق الحقائق (۲۳۸ /۳)، المآثر والآثار (۱۶۷).

همدانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف همدانی از علماء و دانشمندان معاصر همدانند.

وی در سال ۱۳۲۸ ق در درجزین (زادگاه عالم ربانی و فقیه اخلاقی آخوند ملاحسینقلی درجزینی همدانی) متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات در سال ۱۳۴۶ ق به قم مهاجرت و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون مرحوم آیت‌اللَّه آقامیرزا محمد همدانی سطوح را به پایان رسانیده و بعد چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی و نیز مرحوم آیت‌اللَّه صدرالدین صدر و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی خونساری استفاده نموده و از سال ۱۳۵۵ ق منحصرا از جلسات و دروس خارج فقه و اصول یگانه محقق اصولی فقیه اهل‌بیت نادره زمان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمدحجت کوه‌کمره‌ای (که تا زنده بود قدرش مجهول بود) استفاده کامل نموده و غالب تقریرات درس معظم‌له را به رشته تحریر آورده است.

و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی طاب ثراه به قم تا رحلت وی نیز شرکت در حوزه درس آن مرحوم نموده تا پس از فوت آن جناب بنابر درخواست مردم حومه همدان به امر آیت‌اللَّه شریعتمداری و حسب‌الوظیفه به آنجا منتقل و تا حال تحریر به اقامه جماعت و ارشاد آن مردم اشتغال دارند.

از آثار و تألیفات ایشان کتب زیر است:

۱- کتاب بیع ۲- رساله در قاعده لاضرر ۳- رساله در درایه و رجال ۴- تقریرات اصول استادش مرحوم آیت‌اللَّه حجت.

نگارنده گوید: جناب آقا میرزا یوسف احدی همدانی نیز از علماء و فضلاء با متانت و موصوف به تقوی و ورع حوزه و در محامد آداب و اخلاق قرین و عدیل دوست قدیمی خود جناب حجهًْالاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا یحیی فاضل همدانی می‌باشند.

و در موقع اقامتشان در قم همواره محشور و مصاحب با ایشان بوده و در ایاب و ذهاب غالبا مانند سایه با هم بودند و کمتر وقتی می‌شود که در خارج تنها و جدای از هم دیده شوند. اطال اللَّه عمرهما.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هوشیار، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید هوشیار که گذشته از مقام فضل و دانش مردی مبارز و مجاهد در اه ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد و به واسطه همین محبت و ایمانش از ناحیه بعضی از همشهریهایش (طرفداران کتاب ضال شهید جاوید) صدماتی دیده ولی از میان نرفته و با زبان حال و قالش گفته است.

روزی اگر ولای تو گردد بلای جان

من می‌خرم به قیمت جان این بلاحسین

آقای هوشیاری فاضلی باوفا و رفیقی باصفاست و در تحصیل اعلام معاصر نجف‌آباد با هما همکاری و تشریک مساعی نمود از این

جهت ما به سهم خود از ایشان قدردانی کرده و سپاسگذاریم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هیدجی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید شمس‌الدین کاظمی هیدجی از فضلاء و علماء حوزه علمیه و حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری مدظله است که به فضل و علم و تقوا موصوف می‌باشد در سال ۱۳۳۴ قمری در هیدج زنجان متولد شده و فنون ادبیات را در مدرسه هیدج از مرحوم حجه‌الاسلام حاج ملامحمد حسین فخمی و حجه‌الاسلام حاج شیخ بهاءالدین مهدوی فراگرفته و در سال ۱۳۵۹ به ارض اقدس مشرف و بقیه سطوح را در خدمت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تکمیل نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری و بالغ بر ۱۸ سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و قسمتی از معقول را هم از آیت‌الله مجاهد امام خمینی فراگرفته و تا هم اکنون از محضر آیت‌الله العظمی شریعتمداری بهره‌مند و ضمنا به تدریس سطوح وسطی و نهائی اشتغال دارند.
دارای آثار علمی می‌باشد که فهرست آن را می‌نگارم.
۱- برهان دانش ۲- ریاض دانش چاپ شده است ۳- مطلع الشمس ۴- ارمغان رمضان آماده برای طبع می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن یثربی ابن آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی از فضلاء این بیت است.
وی در کاشان متولد و از محضر مرحوم برادر ارجمندش آیت‌اللّه العظمی آقا میر سید علی یثربی استفاده کرده آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل سطوح از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و از طرف آن مرحوم برای ارشاد مردم (ایوان کیف) تهران به آنجا عزیمت و چند سالی انجام وظیفه دینی و روحی داده تا در سال ۱۳۸۶ در قم بدرود حیات گفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین یثربی قمی از علماء و ائمه جماعت محترم قم می‌باشد که در حدود ۱۸ سال

۱۳۲۳ ق در قم متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را نزد مدرسین قم خوانده و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت الله فیض و آیت‌الله حجت و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده استفاده کرده و تاکنون هم از شرکاء درس معظم‌له می‌باشند و در مسجد حضرت شاحمزه قم هم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

فرزندان برومندی دارند که در سلک روحانیت و از وعاظ می‌باشند که از آنها جناب آقای حاج سید ابوالفضل یثربی واعظی متین و خطیبی بلیغ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۷۹ قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.

در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.

جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا عبداللّه آل آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.

وی در حدود ۱۳۴۷ قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللّه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم

آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۷۹ قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللّه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.

دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.

بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.

از سال ۱۳۸۰ قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.

دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقهٔالاسلام و زبدهٔالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجهٔالاسلام آقای حاج سید اسداللّه خراسانی و حجهٔالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.

و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی شرف‌الدین، یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم. وی از بزرگان علمای عصر خود و از شاگردان محقق کرکی بود و از طرف استاد اجازه داشت، و از طرف او در شهر یزد به کارهای دینی می‌پرداخت. سبط محقق کرکی، حسین بن حسن موسوی، از شاگردان و راویان وی است. از آثارش: شرح رساله‌ی «الجعفریه» استادش محقق کرکی به نام «التحفه الرضویه»؛ «اثبات الرجعه»؛ «اسامی المشایخ»، در ذکر «مشایخ الشیعه»؛ تلخیص «ارشاد القلوب» دیلمی؛ تلخیص «تفسیر طبرسی»؛ تلخیص «علل الشرایع» شیخ صدوق؛ تلخیص «کشف الغمه»، با زیادات؛ تلخیص «المعارف» ابن قتیبه؛ «زیاره الرضا (ع)»؛ «کتاب السعادات»، در دعا؛ «مقتل امیرالمومنین (ع)»؛ «مقتل فاطمه الزهراء (س)»؛ نهج الرشاد فی معرفه حجج‌اللّه من آدم الی امامنا القائم المهدی (عج)»؛ «وفات الحسن الزکی (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۷/۱۴، ۱۷/۱۲، ۱۲/۲)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ -۲۷۴ /۱۰).

یزدی موسوی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی‌اکبر موسوی بن العالم الجلیل حاج سید عبدالوهاب یزدی آنف الذکر از فضلاء برجسته و دانشمندان شایسته داماد محترم مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی نورالله مضجعه می‌باشد کمه به فضل و دیانت و صدق و امانت موصوف و مقسم شهریه حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری مدظله العالی است.
در قم متولد شده و در خاندان فضل و سیادت پرورش یافته و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ قم آموخته و بالغ بر ده سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و هم سالها از فقه و اصول علامه متتبع آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی استفاده نموده و مضمنا تدریس فقه و اصول هم می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یزدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن جعفر یزدی از علمای صاحب اثر است و کتابی به نام (ثمره‌الجنان) به زبان عربی تألیف کرده که از آن به خط مؤلف مورخ ۱۲۷۵ به شماره ۱۴۰۶ در کتابخانه ملک موجود است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب یزدی مؤلف کتاب تذکره خلاصه الافکار است که نادر الحسینی در سال ۱۲۴۰ در ۳۸۷ صفحه نبشته و به شماره ۴۳۰۳ کتابخانه ملک ثبت است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حیدرعلی یزدی از علماء محترم این شهرستانست.

وی از یزد مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّٰه حاج سید یحیی مدرسی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و حکیم و شاهرودی و دیگران کسب علم و کمال نموده آنگاه به ایران برگشته و بنابر دعوت یزدیهای مقیم کرج رحل اقامت باین شهر انداخته و در مسجد یزدیها واقع در خیابان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یزدی، رستم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، دانمشند و شاعر. از اهالی قریه‌ی خرمشاه حومه‌ی یزد است. در کودکی به هند رفت و با جوکیان یار و دمساز شد و به نام نوبر همن بین هندیها و درویش حیات بین ایرانیان معروف گردید. وی طبع شعر داشت و زبان سنسکریت را به خوبی می‌دانست در علم رمل و اسطرلاب و نجوم و جفر مهارت کامل داشت. کتابی در همین موضوع تدوین نمود که در دسترس نیست. اثر دیگر وی رساله «ظاهر الذکر رستم» است در مورد ذکر رام رام وست ناراین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۲ -۱۴۱).

یزدی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس بن رضا بن احمد ابرند آبادی یزدی حایری معروف (باخفش) متبحر در علوم عربیت بود.

وی بنابر گفته صاحب الذریعه عالمی بارع و ادیبی از علماء کربلا-و ائمه جماعت و موثقین آن دیار و صاحب ورع و صلاح از شاگردان علامه ملاحسین اردکانی و علامه آقاشیخ علی مدرس یزدی و در علوم ادبیت مهارت کامل داشته و لذا مشهور باخفش شده و در ۱۳ ماه رمضان ۱۳۲۹ وفات نمود و دو فرزند به نام شیخ علی‌اکبر و شیخ محمدعلی به یادگار گذارد که هر دو اهل فضل و کمال و منبر کربلا بوده‌اند.

وی دارای طبع شعر بوده و اشعاری از جمله مخمسی در مدح حضرت امیرالمؤمنین (ع) دارد که این مخمس از آن است.

یا علیا علت بک العلیاء

و تناهی فی وصفک الاطراء

کل شییء سوی و لاک هباء

كنت نورا تجلى به الظلماء

حين لا آدم و لا حواء

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی از علماء محترم و قدماء حوزه علمیه قم و موصوف به وثاقت و امانت و پاکی نفس و معروف به تقوا و فضیلت است.

در سال ۱۳۲۳ ق در یزد متولد شده و پس از رشد در سن ۱۷ سالگی سال تاسیس حوزه یعنی سنه ۱۳۴۰ ق مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم ادیب تهرانی خوانده و رسائل و مکاسب شیخ را از مرحوم میرزا محمد همدانی استفاده کرده و پس از تکمیل سطوح به درس آیت‌الله حایری و مرحوم آیت‌الله حجت طاب ثراهما شرکت کرده و بالغ بر ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و اکنون از ائمه جماعت قم می‌باشد.

مولف گوید: آقای یزدی عالمی متواضع و موثوق به کلیه مراجع بوده و می‌باشد و بالغ بر سی سال مقسم شهریه مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یزدی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل جلیل، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان و غیره بوده، در ۱۸ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

مشارالیه در یزد متولد شده، و جهت تکمیل تحصیلات به اصفهان آمده، در محله‌ی جوییاره ساکن، و در یک از مساجد آنجا امامت می‌فرمود، و مورد وثوق قاطبه‌ی اهالی بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

یزدی، معین‌الدین، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۹ ق)، دانشمند، نویسنده و عالم. معروف به معلم. اهل یزد و از وزرای آل‌مظفر (۷۹۵ -۷۱۳ ق)، در عهد امیر مبارزالدین

محمد (۷۵۹ -۷۱۳ ق) و فرزندش، شاه شجاع (۷۸۶ -۷۵۹ ق)، بود. پدر وی از علمای عصر خود از ملازمان امیر مبارزالدین محمد بود. معین‌الدین پس از کسب مقدمات علوم مدتی در خدمت قاضی عضدالدین ایجی تحصیل کرد و نزد وی «مفتاح العلوم» سکاکی و «شرح اصول» ابن حاجب و «کشاف» زمخشری و همچنین شرح کتابهای «مواقف» و «جواهر» را در اصول و کلام، خواند. او به همین دلیل قاضی عضدالدین ایجی را استاد واقعی خود می‌داند. پس از تکمیل تحصیلات، به معرفی یکی از امرا، در ۷۴۴ ق در یزد، به خدمت آل‌مظفر درآمد و یک سال پس از آن در کرمان مجلس درسی تشکیل داد و به همین دلیل به معلم معروف شد. در ۷۵۵ ق به حج رفت و در بازگشت، به امر امیر مبارزالدین، در دارالسیاده‌ای که شاه در یزد ساخته بود، به تدریس پرداخت. از این سال به بعد مقدمات تألیف کتاب خود را فراهم کرد و تا پایان عمر در خدمت آل‌مظفر بود. از آثار وی کتاب «مواهب الهی» یا «مواهب الهیه»، در تاریخ آل‌مظفر است که به «تاریخ مظفری» یا «تاریخ آل‌مظفر» نیز معروف می‌باشد. معین‌الدین این کتاب را در ۷۵۷ ق آغاز و یک سال پس از مرگ امیر مبارزالدین (۷۶۶ ق) به نام شاه شجاع به پایان رسانید. این کتاب در قرن نهم قمری اساس تألیف کتاب دیگری در تاریخ آل‌مظفر گردید و مؤلفی بنام محمود کتبی آن را تلخیص کرد و بقیه‌ی وقایع دوران آل‌مظفر را تا پایان عهد آن سلسله بر آن افزود. از دیگر آثار وی: ترجمه‌ی «رشف النصائح الایمانیه و کشف الفضائح الیونانیه» سهروردی، که در ۷۷۴ ق برای شاه یحیی ترجمه کرده است؛ رساله‌ای به نام «نزهة السرور»، که در ۷۵۷ ق نگاشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۹۱ -۴۸۸)، تاریخ آل مظفر (مقدمه/ ۳ -۱)، تاریخ آل‌مظفر کتبی (مقدمه)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۰ -۱۲۹۷ / ۳)، تاریخ عصر حافظ (۱۹۶، ۱۸۶، ۷۴/ ۱)، تاریخ مغول (۵۲۸ -۵۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۲/ ۲)، الذریعه (۱۱۸/ ۲۴، ۲۳۸/ ۲۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۸۲/ ۲، ۶۵۸/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین یزدی)، مواهب الهی (مقدمه/ ۱۳ -۹، ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۴ -۲۶۳/ ۶).

کلام، ادیان، مذاهب

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان

گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد .

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید .

۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد : گنبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را

در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می‌گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ ـ ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجهٔالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجهٔ الاسلام حاجیانی (تبصرهٔ المتعلمین را) و حجهٔ الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجهٔ الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایهٔ الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایهٔ الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایهٔ الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایهٔ الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد.

کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایهٔ الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایهٔ الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹ ـ ۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایهٔ الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا ابراهیمی فر

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۷/۱

ابن راوندی، ابوالحسین احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۵ ق)، متکلم و فیلسوف. برخی منابع وی را اهل راونـد، میان اصـفهان و کاشان، و برخی اهل مرورود می‌داننـد. از زنـدگی شخصـی وی اطلاع چنـدانی در دست نیست. گویا نخست معتزلی بوده و پس از مـدتی به شدت با معتزلیان درافتاده است. ایشان نیز ردّیه‌های شدیـدی بر ضـد وی نوشـته‌اند. پیروی ابن‌راونـدی از تشـیع نیز ناپایـدار بود. گفته‌اند که اسـتقرار به مذهبی نداشـته. برخی معتقدند که پدر وی از یهودیان بوده ولی، خودش اسـلام آورده است. از نظر علمای عامه ابن‌راوندی ملحد و زندیق است و به گفته آنان شـهرت بی‌دینی وی از جهان اسلام فراتر رفت و برخی از یهودیان نیز وی را مذمت کردند. به هر حال وی یکی از شخصیتهای پیچیـده و ناشـناخته کلام اسـلامی است. ابن‌رواندی دَر ادبیات اسـتادی کم‌نظیر بود. ابن‌خلکان آثار وی را بالغ بر ۱۱۴ اثر دانسته، و حمداللَّه مستوفی گوید که وی ۱۲۴ کتاب تصـنیف کرده است. بسـیاری از آثار وی از میان رفته‌اند. تنها بخشی از آنها در ردیه‌های مخالفـانش باقی مانـده است: از جمله آثار وی: «فضـیحهٔ المعتزله»؛ «التاج»، در قـدم عالم؛ «نعت الحکمـهٔ»؛ «قضـیب الـذهب». دوازده کتاب به او نسـبت داده‌اند که در طعن اصول شریعت است و گروهی از علما در رد آنها کتابهای بسیاری نوشته‌اند. ابن‌راوندی خود گـاه در رد کتب خود نیز ردیه‌ی نوشـته است. از آن جمله: «کتـاب نقض کتـاب الزمرد علی نفسه»؛ «کتاب نقض المرجان». برخی از کتابهـای او در تأییـد دین است: «کتاب الامامـهٔ»؛ «کتاب الاسـماء والاحکام»؛ «کتاب الابتـداء والاعادهٔ». در تاریـخ وفات ابن‌راونـدی اکثریت بر نظر ابن‌خلکان در «وفیات الاعیان» و مسـعودی در «مروج الـذهب» هسـتند ولی، صاحب «البدایهٔ والنهایهٔ» نظر ابن‌خلکان و مسعودی را اشتباه و نظر ابن‌جوزی (۲۹۸ ق) را صحیح می‌داند.[۱]

ابوالحسـین احمـد بن یحیی، اصـلا از مردم راوند (میان اصـفهان و کاشان) و در زمره متکلمان معروف به شـمار است (و. ۲۰۵– ف. ۲۴۵ ه.ق.) وی عقایدی خاص داشته، از تألیفات او: التاج، خلق‌القرآن، الفضیحهٔالمعتزله را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۳ –۲۵۲ /۱)، اعیان الشیعه (۲۰۶ –۲۰۴ /۳)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۸۶ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۹ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۳ –۵۷۱ /۴)، روضات الجنات (۲۰۴ –۲۰۳ /۱)، ریاض العلماء (۱۹ /۶)، ریحانه (۵۳۰ –۵۲۸ /۷)، سیر النبلاء (۶۲ –۵۹ /۱۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۱۸ –۳۱۶)، کشف الظنون (۱۴۵۰، ۱۴۲۳، ۱۴۰۳، ۱۲۷۴)، الکنی والالقاب (۲۸۸ –۲۸۷ /۱)، لسان المیزان (۴۹۲ –۴۹۱ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راوندی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۲ –۸۱)، معجم المؤلفین (۲۰۰ /۲)، الملل والنحل (۱۵۱، ۱۰۵، ۵۷)، هدیهٔ العارفین (۵۵ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۵۹)، الوافی بالوفیات (۲۳۸ –۲۳۲ /۸)، وفیات الاعیان (۹۵ –۹۴ /۱).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۸ –۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[۱]

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نوراللّه مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملهٔ والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابیطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاوصاف ۸- و مائدهٔ الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۷ /۷)، اعیان الشیعه (۱۷ /۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱ /۲، ۱۰۳، ۶۹ /۱)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۶۰ –۵۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳ –۶۶۲ /۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴ /۲۳، ۳۱۹ –۳۱۸ /۲۲، ۲۰۱، ۹۹ –۹۸ /۲۱، ۲۳۱، ۷۶، ۷۳، ۶۳ –۶۲، ۱۱ –۱۰ /۱۹، ۱۷۸ –۱۷۷ /۳، ۴۷۷، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲ /۲)، روضات الجنات (۲۷۲ –۲۶۹ /۶)، ریاض

العلماء (۱۲۸ -۱۲۴ /۵)، ریحانه (۶۰ -۵۸ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱ -۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۹ -۴۲۸)، کشف الظنون (۱۵۸۴، ۱۲۶۹، ۷۷)، الکنی والالقاب (۳۳۳ -۳۳۲ /۱)، لسان المیزان (۳۹۵ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵ -۶۲۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۷ -۱۶ /۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶ -۴۵ /۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴ /۴)، هدیهٔ الاحباب (۶۹)، هدیهٔ العارفین (۱۰۲ /۲).

ابن فاذِشاه اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۱ ق)، متلکم و فقیه شافعی اشعری. وی اهل اصفهان بود که به بصره مهاجرت کرد. او آثار زیادی در فقه و اصول و احکام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۷ /۷)، معجم المؤلفین (۱۳۶ -۱۳۵ /۱۱).

ابن‌بُندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۸ -۳۹۳ ق)، مفسر، متکلم و محدث معتزلی. اصلاً قزوینی است و در آنجا به دنیا آمد. ابتدا در زادگاهش به تحصیل پرداخت. وی از شاگردان برجسته قاضی عبدالجبار همدانی بود و در نزد وی کلام خواند و مذهب اعتزال را از او اخذ کرد. در همدان از ابوطاهر بن سَلِمهٔ و در اصفهان از ابونعیم، و نیز از اساتید دیگر بهره گرفت. گرانمایه، خوش محضر و ظریف بود. ابوالقاسم بن سمرقندی ابوغالب بن بنّاء، هبهٔ اللّه بن طاووس و اسماعیل بن محمد تیمی و أبوسَعْد بغدادی و دیگران از وی حدیث شنیدند. سالیان بسیاری در مصر به سر برد. چندی هم در طرابلس (شام) سکنی کرد. از دمشق دیدار کرد و آن شهر را بَلَدِالنَّصْب، شهر دشمنان امیرالمؤمنین و خاندانش (ع) نامید. در اواخر عمر مقیم بغداد شد، و در همان جا درگذشت و در گورستان خیزران دفن شد. ابن‌اثیر تاریخ تولد وی را ۴۱۱ ق ذکر کرده است و در «هدیهٔ العارفین» نیز به تبع آن چنین آمده است. ازآثار وی: «حدائق ذات بهجهٔ»، تفسیر قرآن در سیصد جزء که هفت جزء آن درباره‌ی سوره فاتحه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۱ /۴)، سیر النبلاء (۶۲۰ -۶۱۶ /۱۸)، الکامل (۱۷۸ /۸)، کشف الظنون (۶۳۴)، لسان المیزان (۳۶۲، ۳۵۰ -۳۴۷ /۴)، معجم المؤلفین (۲۳۱ /۵)، هدیهٔ العارفین (۵۶۹ /۱).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۰ ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلهٔ الی نیل الفضیلهٔ» و «الواسطهٔ»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلهٔ» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلهٔ» نمی‌برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۴ -۲۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۳۱ /۲)، بحارالانوار (۳۸، ۱۹ /۱)، تنقیح المقال (۱۵۶ -۱۵۵ ، ۱۰۱ /۳)، الذریعه (۷۶ -۷۵، ۱۱ /۲۵، ۶۶ /۱۰، ۵ /۵)، رجال النجاشی (۳۳۴ -۳۳۳ /۲)، روضات الجنات (۲۵۴ -۲۴۳ /۶)، ریاض العلماء (۱۷ -۱۶ /۶، ۱۲۴ -۱۲۲ /۵)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۰۶ -۱۰۳)، فوائد الرضویه (۵۶۶ -۵۶۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴)، الکنی والالقاب (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۰ -۶۱۹ /۵)، معجم رجال الحدیث (۳۲۷ /۱۶)، معجم المؤلفین (۴ /۱۱).

ابن‌حَیّ همدانی، ابوعبداللّه حسن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۰۰- وف ۱۶۹ -۱۶۷ ق)، فقیه و متکلم شیعی. اصل او از نواحی همدان است. خروج مسلحانه بر زمامداران ظالم را روا می‌دانست. مهدی عباسی در طلب او و عیسی بن زید بود. و وی از بیم اسارت در کوفه پنهانی می‌زیست و هفت سال با عیسی بن زید در یک خانه پنهان بود. او فقیهی پرهیزکار و عابدی والا بود. وکیع او را امام می‌داند و در بیان عبادت او گوید: حسن با برادرش علی و مادرشان شب را به سه بخش تقسیم کرده بودند و هر کدام در یک سوم آن به عبادت برمی‌خواستند. وقتی مادرشان مرد، دو برادر شب را بین خود به دو نیم تقسیم کردند؛ و آنگاه که علی مرد، حسن تمام شب را بیدار ماند و به عبادت مشغول بود. به گفته ابوزرعه، راستی، درستی، فقه، عبادت و زهد در او جمع بود. ابن‌حَیّ از اقران سفیان ثوری، بلکه مقدم بر او، و از محدثان بزرگ و مورد اعتماد است که از پدرش و برادرش، علی بن صالح، و عبداللّه بن دینار و علی بن اَقمر و ابواسحاق سبیعی روایت می‌کرد. ابن‌مبارک و وَکیع و ابونعیم و علی بن جَعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در پنج «صحیح» از «صحاح ششگانه» حدیث او آورده شده است. احمد حنبل گوید که او و برادرش علی هر دو از محدثان مورد اعتمادند. در کوفه، در حال اختفا، شش ماه پس از درگذشت عیسی بن زید، درگذشت. از کلمات اوست که گوید: گاه شیطان ۹۹ در خیر بر انسان می‌گشاید تا بتواند دری از شر باز کند. از آثار وی: «التوحید»؛ «امامهٔ ولد علیّ من فاطمه»؛ «الجامع»، در فقه. به گفته‌ی شیخ طوسی او دارای «اصل» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۳۶ -۱۳۱ /۱۷۰ -۱۶۱)، التاریخ الکبیر (۲۹۵ /۲)، تهذیب التهذیب

(۲۶۴ -۲۶۱ /۲)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۱۸ /۲)، حلیهٔ الاولیاء (۳۳۵ -۳۲۷ /۷)، رجال الطوسی (۱۶۶)، سیر النبلاء (۳۷۱ -۳۶۱ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۳)، الفهرست للطوسی (۹۰)، لسان المیزان (۲۶۹ /۸)، المعارف (۲۲۲)، معجم المؤلفین (۲۳۱ /۳)، میزان الاعتدال (۴۹۹ -۴۹۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۶۰ -۵۹ /۱۲).

ابن‌سُرَیج، ابوالعباس احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۶ /۳۰۵ -۲۴۹ ق)، متکلّم، محدث و فقیه شافعی. معروف به باز اشهب. از مردم شیراز و پس از اصحاب خاص شافعی، بزرگ‌ترین عالم فرقه‌ی شافعی بود. در جوانی مدتی در شیراز منصب قضاء داشت. نزد عثمان بن سعید انماطی درس خواند. با محمد بن داوود بن خلف در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مباحثه داشت. علی بن عیسی خواست که وی را قاضی بغداد کند و او نپذیرفت. مدتی در درسهای جنید حاضر شد، ولی به تصوف گرایشی نشان نداد. در قضیه‌ی منصور حلاج بی‌طرف ماند و از دادن فتوا خودداری کرد. در بغداد تدریس می‌کرد. و همان جا درگذشت. بیش از چهار صد اثر به او نسبت می‌دهند که ظاهراً تعداد کمی از آنها باقی مانده است. از آن جمله: کتاب «الانتصار»؛ کتاب «الزیادات»؛ کتاب «الودایع»، در امانات؛ کتاب «المختصر فی الفقه»؛ کتاب «العین والدین»؛ کتاب «الرد علی محمد بن حسن»؛ کتاب «الرد علی عیسی بن ابان» عالم حنفی، کتاب «جواب کاشانی». در ترجمه‌ی «الفهرست» ابن‌ندیم، و نه در اصل کتاب به عربی، و همچنین در «کشف الظنون» ذیل کتاب «العین والدین» و نیز در متن و پانوشت «فارسنامه» از او به عنوان ابن‌شریح یاد شده است که با توجه به دیگر منابع، ضبط ابن‌سریج صحیح‌تر به نظر می‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۹ -۱۷۸ /۱)، تاریخ بغداد (۲۹۰ -۲۸۷ /۴)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۸۶)، دائرةالمعارف البستانی (۲۱۶ -۲۱۵ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۲۷ -۶۲۶ /۴)، روضات الجنات (۲۱۸ -۲۱۶ /۱)، ریحانه (۲۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۴ -۲۰۱ /۱۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۰ -۲۹۹)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الکنی والالقاب (۳۰۶ /۱)، کشف الظنون (۲۰۰۵، ۱۴۴۴، ۱۲۵۸، -۱۲۵۷، ۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سریج)، معجم المؤلفین (۳۲ -۳۱ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۱۹۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۲۶۱ -۲۶۰ /۷)، وفیات الاعیان (۶۷ -۶۶ /۱)، هدیهٔ العارفین (۵۷ /۱).

ابن‌سینا، ابوعلی حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷ /۴۲۸ -۳۷۰ ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن‌سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجهٔالحق، شیخ‌الرییس، شرف‌الملک و امام الحکما. ابن‌سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن‌سینا، عبداللّٰه، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن‌سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایشی به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابوعبداللّٰه ناتلی

پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زیردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروضی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن‌سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن‌سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن‌خمار و ابوالفرج بن طیّب را نام برد و از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن‌زیله، ابوعبداللّه معصومی، ابوعبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن‌سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیهات»، در منطق و حکمت؛ «الشفا» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتهار ابن‌سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقالة فی آلة رصدیه». در کل ۲۷۶ عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که ۱۳۱ اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند.[۱]

شیخ‌الرئیس حجةالحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبداللّه بن حسن بن علی معروف به ابن‌سینا (و. افشنه یا خرمیثن ۳۷۰– ف. همدان ۴۲۸ ه.ق.) پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن‌سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبداللّه ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد در گذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانبهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال ۱۳۳۱، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا– کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب اشارات، کتاب‌النجاة، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آثـار الباقیه (۳۹۵)، از فردوسـی تا سعدی (۱۵۷ –۱۵۲)، استادان موسیقی (۳۳ –۳۲)، الاعلام (۲۶۲ –۲۶۱ /۲)، اعیان الشیعه (۸۰ –۶۹ /۶)، ایضاح المکنون (۶۷۲، ۵۵۵ /۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۴۹ –۱۴۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷ –۳۴۶، ۳۴۳ –۳۴۲، ۳۱۹، ۳۰۳ –۳۰۳ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۷۰ –۵۵۵)، تاریخ طب (۶۳۳ –۴۷۷ /۲)، تاریخ فلسفه در اسلام (۷۲۱ –۶۸۳ /۱)، تاریخ گزیده (۶۸۹ –۶۸۸)، تاریخ موسیقی (۱۵۳ –۱۴۸ /۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۱ –۳۲۰، ۳۱۳، ۴۵، ۳۸، ۳۵ –۳۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۴۳ –۲۹)، حبیب السیر (۴۴۹ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۵۳۹ –۵۳۵ /۱)، الذریعه (۲۳۲، ۲۲۳ –۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۱۷ –۲۱۵، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۴۸، ۲۶، ۲۵ –۲۴ /۱۷، ۳۸۱ /۱۵، ۲۰۱ /۱۴، ۲۴۰، ۲۳۹ /۱۰، ۴۷ /۸، ۱۸۴، ۱۳۰، ۱۲۸ /۷، ۲۸۶، ۴۳ /۵، ۴۸۴، ۴۰۷، ۳۷۱ /۱)، روضات الجنات (۱۷۳ –۱۵۹ /۳)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴ –۲۹)، سرگذشت ابن‌سینا (۱۹ –۱)، سیر النبلاء (۵۳۷ –۵۳۱ /۱۷)، فوائـد الرضویه (۴۵۹ –۴۵۸ /۲)، کشف الظنون (۲۰۳۱، ۱۹۰۰، ۱۷۹۳، ۱۷۸۳، ۱۶۲۱، ۱۵۵۰، ۱۵۳۳، ۱۵۲۰، ۱۴۶۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۴، ۱۴۴۰، ۱۴۳۰، ۱۴۰۸، ۱۳۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۲۷، ۱۳۱۱، ۱۱۸۶، ۱۰۵۵، ۹۵۳، ۹۰۰، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۴، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۰ –۸۷۹، ۸۷۶، ۸۷۰، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۳، ۸۴۱، ۷۶۶، ۷۵۷، ۷۳۶، ۶۸۵، ۶۲۴، ۴۶۳، ۴۵۱، ۴۴۹، ۳۸۰، ۳۷۷، ۲۳۸، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۴، ۶۳، ۵۱، ۳۷، ۳۶ –۱۲)، الکنی والالقاب (۳۲۳ –۳۲۰ /۱)، لسان المیزان (۵۴۱ –۵۳۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (۱۸۹ –۱۸۱ /۲)، معجم المؤلفین (۲۳ –۲۰ /۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۸۱۸ –۸۱۶ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۰ –۷۷۹ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۶ –۸۹ /۱)، وفیات الاعیان (۱۶۲ –۱۵۷ /۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۲ –۳۹۱ /۱۲)، هدیهٔ الاحباب (۶۷ –۶۶)، هدیهٔ العارفین (۳۰۹ –۳۰۸ /۱).

ابن‌شاذان نیشابوری، ابومحمد فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۶۰ ق)، محـدث، کلامی و فقیه شیعی. نیاکانش از قبیله‌ی ازد یمن بودند و پس از فتح خراسان به آنجا آمدند. پدرش نیز از فقهای شیعه و از یاران یونس بن عبدالرحمان بود. خود وی از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود. برخی از محدثین وی را از اصـحاب امام رضا (ع) نیز دانسته‌اند. یک بار زمانی که پوشنجی در محضر امام حسن عسکری (ع) در حال خارج شـدن بود، یکی از کتابهای فضل بن شاذان را که با خود داشت از دسـتش بر زمین افتاد. امام وقتی کتاب را مشاهـده می‌کنـد از آن تعریف و نویسنده‌ی آن را دعا می‌کند. عبداللّه بن طاهر ذوالیمینین امیر خراسان فضل را به جرم تشیع به بیهق تبعید کرد، اما پس از چنـدی از او دلجویی کرد. ابن‌داوود و کشّی و نجاشـی و طوسـی او را از ثقه‌ترین محـدثان عصـر می‌دانند و ابن‌ندیم از او به عنوان یکی از پیشوایـان در قرآن و روایـات نـام می‌برد. فضل به هنگام حمله‌ی خوارج به بیهق از آنجا بیرون رفت و در راه بیهق به نیشابور درگذشت. آرامگاه وی در یک فرسنگی نیشابور است. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، سهل بن بحر فارسی و برادرانش علی و محمد از شاگردان وی بودند. شمار آثار وی را بیش از ۱۸۰ تصنیف و تألیف دانسته‌اند، و نجاشی چهل و هشت اثر وی را نام برده است. از آن جمله: «اثبات الرجعهٔ»؛ «التوحیـد»؛ «تبیان اصل الضُـلالهٔ» که نجاشـی از آن به نام «تبیان اهل الضـلالهٔ» یاد کرده؛ «حذو النعل بالنعل»؛ «فرائض الکبیر»؛ «فرائض الاوسط»؛ «فرائض الصـغیر»؛ «فضائل امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الاـعراض والجوهر»؛ «کتـاب الایمان»؛ «ایضاح»، در رد فرق مختلف و یکی از کتب مهم و تقریباً کامل‌ترین اثر به جا مانـده از فضـل بن شاذان؛ «کتاب الطلاق»؛ «کتاب الملاحم»؛ «کتاب النجاح»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵/ ۳۵۵)، ایضاح المکنون (۶۷۵، ۵۱۳، ۴۷۴، ۴۴۵، ۳۴۲، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۲۵، ۳۲۱، ۳۱۵، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۳، ۲۹۲، ۲۸۴، ۲۸۲، ۲۷۷، ۲۶۹، ۱۹۷، ۱۸۵، ۱۸۴ /۲ ، ۴۰۰، ۲۲۳، ۲۳، ۲۳ /۱)، الذریعه (۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۵، ۱۴۵، ۶۴، -۶۳ /۲۴، ۳۷۳، ۳۵۹، ۳۵۶، ۳۴۳، ۳۳۹، ۳۳۶ /۲۰، ۶۷ /۱۹، ۳۲۵ /۱۸، ۵۲، ۱ /۱۷، ۱۴۷، ۷۸ /۱۶، ۵۱۰، ۴۹۱ – ۴۹۰ /۲، ۹۳ /۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۲۷۳ – ۲۷۲ /۱)، رجال الطوسی (۴۳۴، ۴۲۰)، رجال الکشّی (۵۴۵ –۵۳۷)، رجال النجاشی (۱۶۹ –۱۶۸ /۲)، ریحانه (۴۲ –۴۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۲۱ –۴۲۰ ، ۶۱، ۴۵، ۴۴)، الفهرست للطوسی (۲۵۵ –۲۵۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، الملل والنحل (۱۵۱)، مجالس المؤمنین (۴۰۴ –۴۰۰ /۱)، معجم المؤلفین (۶۹ /۸)، معجم رجال الحدیث (۳۰۱ –۲۸۹ /۳)، مفاخر اسلام (۱۶۴ –۱۲۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۸۱۸ –۸۱۷ /۱).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹ /۷)، اعیان الشیعه (۴۳۸ –۴۳۷ /۹)، الذریعه (۱۸۳ /۱۰، ۲۴۴ /۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ /۱)، رجال النجاشی (۳۰۱ –۳۰۰ /۲)، ریحانه (۱۰۳ /۸)، الفهرست للطوسی (۳۶۸، ۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸، ۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱ /۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶ /۱۱).

ابن‌فورک اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۰۶ –۳۳۰ ق)، متکلم، محدث و فقیه شافعی. در اصفهان متولد شد. همراه باقلانی واسفراینی نزد ابوالحسن باهلی کلام خواند. برای تکمیل کلام و شنیدن حدیث به بصره، بغداد، ری و نیشابور سفر کرد. در کنار خانقاه پوشنجی، در نیشابور به تدریس پرداخت. در ۴۰۶ ق محمود غزنوی او را به غزنین فراخواند تا با کرامیه آن شهر یعنی پیروان ابوعبداللّه محمد بن کرام که معتقد به جسمیت و فرق بین صفات و ذات الهی بودند، مناظره کند. وی به آسانی در مناظره پیروز شد، اما گویند که در راه بازگشت وی را به زهر کشتند. ابن‌فورک برای بسط کلام اشعری در خراسان بسیار کوشید. ابوالقاسم قشیری از برجسته‌ترین شاگردان او بود. ابوبکر بیهقی و قشیری از وی روایت کرده‌اند. مدفن وی محله‌ی حیره نیشابور مشهور است. ابن‌عساکر تصنیفات وی را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن بالغ بر صد اثر می‌داند. از آثار او: «مشکل الحدیث و غریبه»؛ «النظامی»؛ «الحدود»؛ «اسماء الرجال»؛ «التفسیر»؛ «حل آیات المتشابهات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۳ /۶)، ایضاح المکنون (۴۸۹ /۲، ۴۷۵ /۱)، تاریخ نیشابور (۲۲۶ -۲۲۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۶۸ -۷۶۷ /۶)، ریحانه (۱۴۳ -۱۴۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۱۶ -۲۱۴ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۶۰، ۱۱۰۶، ۴۳۹، ۲۰۰)، الکنی والالقاب (۳۸۰ /۱)، معجم المؤلفین (۲۰۸ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۴۴ /۲)، وفیات الاعیان (۲۷۳ -۲۷۲ /۴)، هدیهٔ الاحباب (۸۱)، هدیهٔ العارفین (۶۰ /۲).

ابن‌فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۳ -۶۴۲ ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مروروود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن‌فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در ۶۷۹ ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال ۷۰۴ ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکته و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن‌فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن‌صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید است. از آثارش: «الحوادث الجامعهٔ والتجارب النافعهٔ فی المائهٔ السابعهٔ»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکرهٔ الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «دررالاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء والالقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعهٔ فی شعراء المائهٔ السابعهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۷۰ -۷۶۸ /۶)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۸)، کشف الظنون (۱۷۳۶، ۱۵۹۷، ۷۵۰، ۶۹۳، ۵۷۳)، لسان المیزان (۳۴۷ -۳۴۶ /۴)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ /۵)، هدیهٔ العارفین (۵۶۷ -۵۶۶ /۱).

ابن‌قبه‌ی رازی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و متکلم شیعی. با کلینی معاصر بود. نزد ابوالقاسم کعبی بلخی، متکلم معتزلی، درس خواند. نخست معتزلی بود، اما پس از مدتی شیعه شد. ابن‌بطه و ابوالحسن سوسنجردی از شاگردان وی بودند. ابن ابی‌الحدید، شیخ‌مفید و سید مرتضی از کتاب «الانصاف فی الامامهٔ» روایت کرده‌اند. سوسنجردی در ملاقاتی که با ابوالقاسم بلخی داشت، کتاب «الانصاف» ابن‌قبه را به وی تسلیم کرد، بلخی ردّی بر آن نوشت به نام «المسترشد». سوسنجردی «المسترشد» را نزد ابن‌قبه آورد. ابن‌قبه نیز ردّی بر آن

نوشت به نام «المستثبت» سوسنجردی دیگر بار به نزد بلخی رفت و «المستثبت» را به وی داد. بلخی نیز ردّی بر آن نوشت، اما ابن‌قبه قبل از آنکه این ردیه را دریافت کند، وفات کرد. از دیگر آثارش: «الامامة»؛ «الرد علی الزیدیه»؛ «الرد علی ابی‌علی الجبائی»؛ «المسألة المفردة فی الامامة»؛ «التعریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۰ /۹)، الذریعه (۲ -۱ /۲۱، ۳۹۴ /۲۰ ، ۲۰۰ /۱۰ ، ۲۱۶ /۴ ،۳۹۷ -۳۹۶ ،۳۳۵ /۲) رجال النجاشی (۲۸۹ -۲۸۸ /۲)، ری باستان (۳۶۹ /۲)، ریحانه (۱۵۰ -۱۴۹ /۸)، الفهرست للطوسی (۲۹۸ -۲۹۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۰)، الکنی والالقاب (۳۸۳ -۳۸۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌قبه)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۱۰ -۲۸۲ /۴)، هدیة العارفین (۱۰۶ /۲).

ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمفاخر عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۲ -۶۳۲ ق)، دانشمند، محدث و متکلم. معروف به حکیم. وی در ادبیات، فقه، نجوم، پزشکی، ریاضی و دانشهای دیگر استادی داشت. از شاگردان قاضی سراج‌الدین ابوالعز مکرم بن ابی‌العلاء و معاصر امام فخر رازی بود. وی امام فخر را می‌ستود و کتابهای او را انتشار می‌داد و با او مکاتبه داشت. از شیخ ابوالفتوح منتجب‌الدین محمود بن خلف عجلی و شیخ عبدالرحیم سروستانی و شیخ عبدالوهاب ابن‌سکینه بغدادی و شهاب‌الدین سهروردی، عارف معروف، روایت می‌کرد. با شیخ سهروردی دیدار کرد و با او به سفر حج و از آنجا به بغداد رفت. وی بخشی از کتاب «عوارف المعارف» شیخ شهاب‌الدین را پیش او خواند. شمس‌الدین نویسنده‌ای پرکار بود و از هیجده سالگی به نوشتن روی آورد. به خط خود بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد. شمس‌الدین برای اینکه علم را همگانی سازد این علوم را به شعر درآورد تا فراگرفتنش برای دانشجویان آسانتر باشد. وی در عبارت نیز کوشا بود. در شیراز درگذشت و در مقبره باغ نو شیراز در کنار پدر و برادر مدفون است. از آثار وی: کتاب «الاربعین» به نام «دارالسلام فی مدار الاسلام»؛ «المحصل فی شرح المفصل»؛ «الهدایة»؛ «التبیان»؛ «الفرائض»؛ «زبدة الادراک فی هیئة الافلاک»؛ «المدخل فی النجوم»؛ «تلخیص البیان فی تخلیص الابدان»؛ «منهاج الاریب فی احتیاج الی الطبیب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۶)، بزرگان نامی پارس (۳۵۹ -۳۵۷ ،۲۹۴ /۱)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۸۵ -۲۸۴ ،۲۰ -۱۹)، شیرازنامه (۱۸۰ -۱۷۹)، معجم المؤلفین (۴ -۳ /۸).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲ -۲۷۷ /۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در

عروض؛ کتاب «النیروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۳ /۵)، ریحانه (۲۶۷ /۸ ،۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۱۵۵۹ ،۱۴۶۸ ، ۱۲۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۱۲۰ -۱۱۲ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۶ /۷)، وفیات الاعیان (۳۷۶ -۳۷۵ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۰ /۱).

ابوالبرکات کازرونی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالبرکات تاج‌الدین محمد بن احمد بن ابراهیم مدنی شافعی کازرونی معروف به (حاج هراس) از دانشمندان قرن هشتم و نهم هجریست زیرا تولدش ۷۵۷ و وفاتش ۸۴۳ می‌باشد. تألیفات عدیده دارد که از آنهاست.

۱- بحرالساده فی الاخلاق والادب (فارسی) ۲- تفسیر القرآن ۳- شرح التنبیه (تألیف ابواسحاق اسفراینی) ۴- شرح فروع (ابن ابی‌الحدید) ۵- شرح مختصر التنبیه (در سه جلد) ۶- مختصر المعنی (للبارزی در فروع دین).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوحنیفه نعمان

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۰ -۸۰ ق)، فقیه، محدث، مؤسس مذهب حنفیه و متکلم. مشهور به امام اصحاب رای و امام اعظم. نژاد ایرانی داشت. جدّ وی از موالی تیم بود که از کابل به کوفه آورده شده بود. ابوحنیفه در کوفه متولد شد، و مدتی به تجارت خز مشغول بود. وی از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و حّماد بن ابی‌سلیمان و عطاء بن ابی‌رباح بود. ابوحنیفه پس از مرگ حمّاد مرجع عمده‌ی مکتب فقهی کوفه گردید. ابوحنیفه خود کتابی در فقه ننوشته است ولی آراء و بحثهایش از سوی شاگردان وی جمع‌آوری شده و به همین جهت بعضی از تألیفات شاگردان او باید به عنوان منابع اصلی مذهب حنفی تلّقی شود. فقه ابوحنیفه دارای چنان مطالب تازه و صریحی است که قسمت مهمّی از آن را شاگردانش محکوم و مردود شناخته‌اند. آرای فقهی او، در مقایسه با موارد اصولی آرای معاصرانش، مشروح‌تر و دوراندیشانه‌تر است. فقه او به طور کلی از جهت استدلال عالی و غالباً قاطع است و کمتر جنبه‌ی عملی را در نظر می‌آورد. او علاوه بر به کارگیری رأی و قیاس کمتر حاضر است که مانند ارباب مذاهب دیگر از سنّت در برابر احادیث آحاد دست بکشد. ابوحنیفه در کلام نیز دست داشته است. وی مدتی زندانی شد و سرانجام در زندان وفات کرد. مقبره‌ی وی در اعظمیه‌ی بغداد است. او شاگردان زیادی داشت از جمله: زفر بن هذیل، داوود طائی، ابویوسف قاضی، ابومطیع بلخی، محمد بن حسین شیبانی، اسد بن عمرو بجلی، حسن بن زیاد لؤلؤی و پسرش حمّاد بن ابی‌حنیفه و عبداللّه بن مبارك و جارود نیشابوری و عبدالکریم جرجانی و ابونعیم و وکیع. از آثار او: کتاب «مسند»، در حدیث که جمع‌آوری شاگردان اوست؛ «المخارج»، در فقه که

روایت ابویوسف از اوست. برخی به غلط کتابهایی را به او نسبت داده‌اند از جمله: «فقه الاکبر»، که عقاید اصیل ابوحنیفه را نشان می‌دهد؛ «العالم والمتعلّم»؛ «فقه الأبسَط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵ -۴ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷ -۷۶ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۴۰۲/۱)، تاریخ بغداد (۴۵۴ -۳۲۳ /۱۳)، التاریخ الکبیر (۸۱/۸)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۵۴)، تهذیب التهذیب (۴۰۳ -۴۰۱ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۵۰ -۴۴۹ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹ -۱۰۲۷ /۸)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۳۲۲ -۳۳۰ /۱)، روضات الجنات (۱۶۲ -۱۵۳ /۸)، سیر النبلاء (۴۰۳ -۳۹۰ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۷۵ -۳۷۳)، الکامل (۳۰/۵)، کشف الظنون (۱۶۸۰، ۱۴۳۷، ۱۲۸۷)، کشف المحجوب (۱۱۲)، الکنی والالقاب (۵۶ -۵۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۸۰ و ۱۵۰)، معجم المؤلفین (۱۰۵ - ۱۰۴ /۱۳)، وفیات الاعیان (۴۱۵ -۴۰۵ /۵)، هدیة العارفین (۴۹۵/۲).

ابویعقوب سجستانی، اسحاق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۸۶ ق)، متکلم و داعی اسماعیلی. ملقب به خیشفوج. وی از بزرگان متکلم اسماعیلی سده‌ی چهارم قمری است. تحقیق کامل آثار ابویعقوب امری است ضروری زیرا، ابویعقوب تنها مرجع عمده‌ی ما برای اطلاع از عقاید جناح فلسفی اسماعیلیه در سده‌ی چهارم است. رویه‌ی فلسفی ابویعقوب به طور کلی براساس عقدید فلسفی نسفی قرار دارد. نسفی ظاهرا نخستین کسی بود که فلسفه‌ی نور افلاطونی را در حدود سال ۳۰۰ ق وارد عقاید اسماعیلیه کرد. از کتابهای متعددی که از ابویعقوب به جا مانده ظاهرا، مهمترین آنها «کشف المحجوب» و «الافتخار» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات درایران (۶۳۳ /۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۷۰ -۱۶۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۳۱ -۱۱۳۰ /۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵ /۱)، گنج و گنجینه (۶۵).

احمدپناهی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال احمد پناهی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ – ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.

در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.

در حال حاضر مسؤولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدوند، معروف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف علی احمدوند

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معروف علی احمدوند در سال ۱۳۴۲ در روستای دهلق از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگاه خود آموختم و برای تحصیل در دوره راهنمائی به دهستان آورزمان با فاصله ۸ کیلومتر از روستای خودمان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم. و همزمان با تحصیل در حوزه در جبهه های جنگ نیز شرکت می نمودم. از سال ۱۳۶۵ در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت ۵ سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم. در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته شدم. تا سال ۱۳۷۶ تحصیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت ۴ سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم که در حال حاضر پس از گذراندن دوره آموزشی به نگارش پایان نامه اشتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

اخباری نیشابوری اکبرآبادی، جمال‌الدین، ابواحمد محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۷۸- مقتول ۱۲۳۲ ق)، متکلم، فقیه، محدث و شاعر. مشهور به محدث اخباری و به خاطر پدر نیشابوری‌اش مشهور به محدث نیشابوری است. در اکبرآباد هند به دنیا آمد. در ۱۱۹۸ ق از هند به زیارت خانه خدا رفت و در بازگشت در نجف و کربلا و کاظمین برای تحصیل علوم دینی اقامت گزید و در کلام و الهیات و فقه و دیگر علوم تبحر یافت. در عهد فتحعلی‌شاه برای مدتی به ایران آمد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود. ملا عبدالحسین و ملافتحعلی‌خان شیرازی، از نوادگان کریم خان زند، مولف «الفوائد الشیرازیه»، و ملا محمد باقر لاری دشتی، شارح رساله‌ی «البرهانیه»، و ملا عبدالصاحب دوانی، مولف «الفوائد الذهبیه»، و سید محمد جواد سیاه پوش از شاگردان وی هستند در علوم عقلی و نقلی دارای هشتاد تألیف است. از جمله آثار وی: «تسلیهٔ القلوب الحزینهٔ»، به سبک و سیاق کشکول در ۱۰ مجلد، «الکتاب المبین»، در اثبات امامت طاهرین؛ «آیینه‌ی عباسی» یا «امالی عباسی»؛ «دوائر العلوم» یا «تحفه الخاقان»؛ «التحفه»، در فقه، از طهارت تا دیات؛ «الدرّ الفرید و معراج التوحید»؛ «البرهان فی التکلیف و البیان» یا «البرهانیه»، در تقویت مسلک اخباری؛ «قلع الاساس»، در نقض «اساس الاصول» سید دلدار علی هندی؛ «الدمدمهٔ الکبری»، در ردّ زنارقه صغری، که به گفته‌ی شاگردش ملافتحعلی در ردّ اصولیین است؛ «قبسه العجول فی الاخبار و الاصول» که میرزای قمی کتاب «عین العین» را در ردّ آن نوشت و میرزامحمد اخباری در ردّ کتاب میرزای قمی کتاب «انسان العین فی ردّ کتاب عین العین» را نگاشت؛ «مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار»؛ «کوثر الاسرار فی شرح معضلات الاخبار»؛ «فصل الخطاب فی نقض مقاله ابن عبدالوهاب»؛ «کلیات الرجال»؛ «ذخیرهٔ الالباب»؛ رساله «الاعتذار»؛ «دیوان» بزرگ شعر فارسی و «دیوان» شعر به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۲/ ۹)، ایضاح المکنون (۶۶۳، ۵۹۷، ۴۹۰، ۴۳۰، ۳۹۲، ۳۸۰، ۳۲۷، ۲۳۹، ۲۲۰، ۱۹۱، ۱۵۹، ۸۹، ۷۲، ۶۲، ۶۰، ۵۵، ۴۹/ ۲، ۵۵۹ ۵۴۱، ۴۸۱، ۴۴۷، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۰۳، ۴۰۰، ۳۱۵ ۲۸۷، ۲۵۵، ۲۴۲، ۱۳۷، ۱۳۲، ۱۲۴/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۴۴ -۲۴۳/ ۴)، الذریعه (۳۷۳/۱۹، ۱۸۲، ۱۲۹، ۱۸/ ۱۸۰، ۱۷/ ۳۴۴، ۲۲۹، ۱۶/ ۱۰۴، ۱۵/ ۲۵۲، ۱۴/ ۱۴، ۱۰/ ۹۶۸، ۶۱ -۶۰/ ۹، ۲۶۷، ۲۶۳، ۶۹، ۶۷، ۸/ ۵۳، ۱/) روضات الجنات (۱۳۸ -۱۲۱/ ۷)، ریحانه (۸۶ -۸۵/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد اخباری)، مکارم الآثار (۹۴۴ -۹۲۵/ ۳).

اخویان، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اخویان

محل تولد : کوهدشت لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

ادیب آل علی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ادیب آل علی

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد ادیب آل علی در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال ۱۳۶۴ راهی قم شد.

در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را گذراند و در سال ۱۳۶۹ درس خارج را با بهره گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.

نیاز به پاسخگویی معقول و متداول به پرسش های نسل جوان و به ویژه دانشجویان او را به تحصیل در رشته های تخصصی کلام کشاند و طی ۵ سال از مباحثات علمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام والمسلمین ربانی گلپایگانی و فیاضی و هادوی و دیگر اساتید استفاده نمود. رساله علمی سطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی استاد حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجهٔالاسلام و المسلمین محسن غرویان، در آستانه دفاع می باشد.

علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۵، و مقاله ای با عنوان (مقایسه دکترین منجی گرایی اسلام و مسیحیت)، منتشر شده در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند. وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است.

در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

اردبیلی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۶۹ ق)، عالم، متکلم و ادیب. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در سال ۱۲۹۴ ق به عتبات رفت و مدتی نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی، فاضل ایروانی و دیگران شاگردی کرد. سپس به اردبیل بازگشت. در جریان نهضت مشروطیت، وی نخست از طرفداران آن بود، ولی بعدا از در مخالفت درآمد. در ۱۳۳۸ ق که لشکریان روسیه وارد انزلی شدند، علیه آنان فرمان جهاد داد. آقا میرزا علی‌اکبر مشرب کلامی داشت، بدان پایه که تحصیل آن را واجب می‌شمرد. وی عالم و کامل و عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. وی در اردبیل وفات یافت. از آثار اوست: «اصول‌الدین مسلمین»؛ «البعث و النشور»، در اثبات معاد جسمانی؛ «جواب السؤال عن وقعهٔ زید و زینب»؛ «رسالهٔ فی تقلید المیت»؛ «عمود النور»، در رد شیخیه و بابیه و صوفیه. وی چند کتاب نیز به زبان ترکی نوشته که به طبع رسیده است، از جمله: «اصول‌الدین عوامی»؛ «رساله‌ی عوام الناس»، در رد بابیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشروطه (۴۰۲ -۴۰۰، ۱۹۷)، الذریعه (۱۲۹ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۲ /۱)، طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۶ -۱۶۰۵ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۹۵ -۳۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ /۴)، مکارم الآثار (۱۹۳۳ /۶).

اردوبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۷۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم. در تبریز متولد شد. در چهار سالگی همراه پدر به نجف رفت، و در آنجا شروع به

تحصیل علم و کمال کرد. وی نزد ملامحمد ایروانی و ملاعلی نهاوندی و شیخ محمد حسین کاظمی درس خواند و از محضر فاضل اردکانی و میرزای شیرازی بهره‌مند شد. او از شیخ محمد طه نجف اجازه روایت و از فاضل شربیانی و شیخ زین‌العابدین و شیخ لطف‌اللّه مازندرانی و میرزای شیرازی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از رسیدن به مقامات عالیه به تبریز بازگشت و به تدریس و نشر احکام در آن دیار مشغول شد و از مراجع تقلید آن سامان گشت. مجددا به نجف رفت و در آن شهر زیست و به تدریس مشغول شد. تا اینکه در راه سفر به خراسان در همدان درگذشت. و پس از چند سال جنازه‌اش به نجف منتقل شد. در «اعیان الشیعه» پنجاه و دو اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: « القبسات فی اصول‌الدین»؛ «مناهج الیقین فی الرد علی النصاری»؛ «الشهاب المبین فی اعجاز القرآن»؛ «اصول‌الدین»؛ «الدّرة البیضاء»؛ «النجم الثاقب فی نفائس المناقب»؛ رساله‌ای در «احتکار»؛ رساله‌ای در «اوزان و مقادیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۱ -۴۱۰ /۲)، الذریعه (۱۸۷ /۱۵، ۹۳ /۸ -۱۸۲ /۲)، ریحانه (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۱۱۶ /۸).

اردوبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۲ ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود ۱۴ سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی‌آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعهٔ فی نسمیهٔ حجهٔ‌اللّه القاطعهٔ»؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۸ /۹)، الذریعه (۴۲۸ /۲)، ریحانه (۲۰۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ -۲۰ /۲).

ارشاد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرهٔ المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۲ -۵۹۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم شافعی. اصل وی از ارومیه بود. در موصل تحصیل کرد و در دمشق ساکن شد و عهده‌دار قضا آنجا گردید. سپس به آسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در همان جا درگذشت. معروفترین اثرش کتاب «مطالع الانوار» در منطق و کلام است، شرحهای متعدد بر آن نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» قطب‌الدین رازی است که به «شرح مطالع» معروف و از کتابهای رایج تعلیمی است. برخی دیگر از آثارش: «بیان الحق»؛ «المناهج»؛ «شرح الوجیز» غزالی، در فروع فقه شافعی؛ «تلخیص اربعین» یا «مختصر الاربعین»، «التحصیل» مختصر «المحصول» فخررازی در اصول فقه؛ «لطائف الحکمهٔ»، در حکمت به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۲ -۴۱ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴ -۲۴۳ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۱ -۱۵۰)، روضات الجنات (۱۰۸ /۸)، ریحانه (۱۰۸ /۱)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۸۴۶، ۱۷۱۵، ۱۶۱۵، ۱۵۶۷، ۹۰۲، ۸۴۸، ۲۶۱، ۹۵، ۹۲، ۶۱)، الکنی و الالقاب

(۲۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۵۵ /۱۲)، نام‌آوران فرهنگ (۵ -۴)، هدیة العارفین (۴۰۶ /۲).

اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۱ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحمِش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیة» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس درگذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیة عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۰ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سیر النبلاء (۴۰۲ -۴۰۱ /۱۸)، کشف الظنون (۱۸۲۰، ۴۴۲، ۳۴۰، ۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۱)، معجم المؤلفین (۳۸ /۵، ۳۱۰ /۴)، هدیة العارفین (۴۳۰ /۱).

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. ملقب به رکن‌الدین و مشهور به استاد. او در اسفراین نشو و نما یافت و نزد ابوبکر اسماعیلی در خراسان و ابومحمد دعلج اسفراینی سجزی در عراق تحصیل کرد. وی از معاصران صاحب بن عباد، شیخ مفید و سید مرتضی بود. اکثر علمای عصر و شیوخ نیشابور کلام و اصول را نزد وی آموختند و جمله‌ی علمای عراق و خراسان به فضل و علم او اقرار کرده و او را مجتهد و پیرایه ملک خاور خوانده‌اند. صاحب بن عباد در حقش گوید که او آتشی است سوزنده. قاضی ابوالطیب طبری هنگامی که در اسفراین بود اصول فقه را از وی آموخت. و ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری از وی حدیث روایت کردند. زمانی که اسفراین در نیشابور اقامت داشت مدرسه‌ی بنامی برای تدریس او بنا کردند. او در اصول اشعری بود و با معتزلیان از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی مناظراتی داشت. به گفته ابوالقاسم قشیری او کرامات اولیاء را منکر بود. وی در روز عاشورا در نیشابور درگذشت و همان طور که آرزو داشت مردم آن شهر بر جنازه‌ی او نماز گزاردند؛ سپس جنازه او را به اسفراین انتقال دادند. از آثار وی: «الجامع»، در «اصول الدین و الرد علی الملحدین»؛ «العقیدة»؛ شرح «الفروغ» ابن‌حداد؛ «معالم الاسلام»؛ «نورالعین فی مشهد الحسین»؛ «ادب الجدل»؛ «تعلیقه»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۹ /۱)، تاریخ نیشابور (۱۵۶)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۴۲ /۲)، روضات الجنات (۱۷۶ -۱۷۵ /۱)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۵۶ -۳۵۳ /۱۷)، کشف الظنون (۱۷۲۵، ۱۴۱۸، ۱۲۵۷، ۱۱۵۷، ۵۷۲، ۵۳۹، ۴۵)، الکنی و الالقاب (۲۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق اسفراینی و اسفراینی)، معجم البلدان (۲۱۱ /۱)، معجم المؤلفین (۸۳ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۳۴ -۲۳۲

۲/)، الوافی بالوفیات (۱۰۵ -۱۰۴ /۶)، وفیات الاعیان (۲۸ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۹۸)، هدیهٔ العارفین (۸ /۱).

اسفراینی، خواجه نصیرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ملک الشعرا خواجه نصیر الدین اسفراینی معروف به احول ازشاعران و استاد معروف قرن ۷ه.ق است وی شاعر دربارهای ممالیک دهلی، آل صاعد دراصفهان و اتابکان سلغری فارسی و مداح خواجه شمس الدین محمدجوینی بوده است. و قصیده سرایی مداح و ماهر در وصف طبیعت بوده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : شعرسنتی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک الشعرا خواجه فریدالدین اسفراینی ازشاعران معروف قرن ۷ه.ق است. وی را به سبب اقامت ممتد در اصفهان فرید اصفهانی و به علت زاده شدن دراسفراین، فرید اسفراینی گفته اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدالدین احول پس از کسب معلومات از خراسان درطب درگاه پادشاهان مداح بیرون رفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : فریدالدین احول از خراسانی سفری به هندوستان رفت و به خدمت ناصر الدین قباجه از سلاطین غوری مملوک رسید که تاسال۶۲۴ه.ش درناحیه سند فرمانروایی داشت . وی عین الملک حسین بن ابوبکر انسوی وزیرناصرالدین را در قصیده ای مدح گفت

فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدالدین احول در کنار تحصیل علم به مطالعه دورانهای شاعران پیش از خود می پرداخت.

هم دوره ای ها و همکاران : تذکره نویسان فریدالدین احول را از اوان و مصاحبان امامی هروی دانسته اند.

وقایع میانسالی : فریدالدین احول سالها در اصفهان زیسته و درآنجا به ملازمت آل صاعد (صاعدیه) که ریاست حنیفیان اصفهان داشتند درآمد آنان را مدح گفت. بعضی محققان تصور کرده اند که فرید از خراسان نخست به شیراز نزد اتابکان سلغری پس از چندگانی از آنجا به اصفهان رفت و در خدمت آل صاعد درآمد و تا زمان مرگ در آنجاماند

زمان و علت فوت : به نظر نمی رسد که فریدالدین احول دیرگاهی پس از سال۶۶۳ه.ق زیسته باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدالدین احول از شاعران دربارهای آل صاعد دراصفهان، اتابکان سلغری فارسی و همچنین ناصر الدین قباجه سلطان ملوک دهلی بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدالدین احول درکنار شاعری به مطالعه دیوانهای شاعران بزرگ پیش ازخود و جواب گویی شعر آنان می پرداخته است.

همفکران فرد : فریدالدین احول از معاصران امامی هروی وسعدی شیرازی بوده است.

آرا و گرایشهای خاص : فریدالدین احول به شیوه غالب شاعران پایان قرن ششم و هفتم هجری به سردون قصاید مصنوع علاقه خاصی داشت و سخن او جامع جمیع شرایطی است که در نزد شعرای مشابه وی می بینیم ومخصوصا در وصف طبیعت مهارت خاصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : فریدالدین احول قصاید و مدایح خود رابه کسانی چون ناصرالدین قباجه سلطان مملوک خاصی و وزیرش

عین الملک حسین بن ابوبکر اشعری، سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی و جانشینانش تا ابش خاتون و همچنین شمس الدین محمدصاحب دیوان جوینی را مدح گفته است______________________________________ .

آثار :

۱ دیوان فرید احول(اسفراینی)

ویژگی اثر : دیوان فرید احول موجود و شامل بیش از سه هزار بیت است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اسفندیاری، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی اسفندیاری

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای مصطفی اسفندیاری مشهور به فقیه در اول فروردین سال ۱۳۵۱هجری شمسی در خانواده ای متدین، کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در برگه به دنیا آمد. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، برگه از توابع شهرستان ساری با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده، مخصوصا پدرش و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی و برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد. پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چوت آیت الله مروی و و اعظی در سال ۱۳۷۵ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله علی فلسفی، آیت الله سیدعبدالهادی مرتضوی، آیت الله اشرفی کسب فیض کرد. از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تاکنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش باعنوان" بررسی مهم ترین اختلاف های سنی و شیعه در مهدویت "دفاع کرد و هم اکنون در مقطع دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشغول تحصیل است.

ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی و آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که کتاب" حجت موجه" یکی از آثار گرانبهای ایشان است.

اسکافی، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۰ ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سمرقند بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرابیسی داشته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «فضائل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب. «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهة»؛ کتاب «اللطیف»؛ کتاب «النقض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۲ /۷)، تاریخ بغداد (۴۱۶ /۵)، خاندان نوبختی (۸۵، ۸۱)، ریحانه (۱۲۲ /۱)، الکنی والالقاب (۲۷ /۲)، لسان المیزان (۲۲۷ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (۵۱۲ /۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷-۳۳۶ /۳)، هدیة الاحباب (۹۸).

اسلامی، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال ۱۳۶۶ آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسول موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱ به پایان بردم.

از سال ۱۳۷۰ به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس‌های درس خارج شرکت می‌کردم. تا این که رسماً از سال ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم.

سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را

ادامه داد) سال ۱۳۷۱ (سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی ۷۶ ـ۷۵ در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۸۰ با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان" نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی "فارغ التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال ۱۳۷۸ آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.

پس از فارغ التحصیلی ابتدا حدود ۸ ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسماعیلی ایولی

محل تولد : ساری

شهرت : اسماعیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.

هم اکنون با جامعهٔ الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرهٔ

المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال ۹۳۰ ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در ۹۵۹ ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال ۹۵۹ ق تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۶۱۵ -۶۱۴ /۴)، الذریعه (۱۳۹، ۸۹ /۶، ۸۱ /۴، ۱۸۹ /۲)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، ریاض العلماء (۹۰ -۸۷ /۳)، ریحانه (۲۰۲ -۲۰۱ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، معجم المؤلفین (۱۰۸ /۵)، هدیه العارفین (۵۰۸ /۱).

اصفهانی ، سید ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد. در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت.

آیت الله اصـفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس ازفوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضـلای متعدد قرار گرفت. آیت الله اصـفهانی مجتهدی اصولی، محققی مدبر، استادی کامل و دانشـمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسـمه ای از فضائـل انسـانی و معـالم دینی و اخلاـقی بود. این پیکر تقوی و صبر و اسـتقامت، از مسـیر علم و عبادت چنان پیشـرفتی نمود که مورد توجه خـاص اولیـای خـدا قرار گرفت و از امـدادهای غیبی و توجهـات خـاصه بقیـهٔ الله الاعظم ارواحنا فـداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سـرپرستی کرامات و عجایبی مشاهـده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت. مرحوم آیت الله اصـفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت اسـتعمار کند. سـفیر آنها به اتفاق نوری سعیـد تقاضـای ملاقاتی درخلوت به او پیشـنهاد نمود نپـذیرفت.آخر الامر سـفیر به اتفاق نوری سـعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودنـد به خـدمت رسـید و ضـمن سـخنانی مزورانه چکی سـنگین از طرف دولت متبوع خود تقـدیم آقا نمود. مرحوم اصـفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسـلمانان و شـیعیان مستضـعف و مسـتمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینهـا در راه اسـلام و مسـلمین مصـرف می نمودیم. سـفیر در مراجعت از خـانه آقـا، گفته بود مـا خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خریـد!! جهانیان زعما و سـران مختلف ممالك و مذاهب را با زعمای شـیعه مقایسـه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسـلام و تشـیع سـرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسـلام و علی و اولادش علیهم السـلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریعی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسـلام پی ببرنـد. مرحوم آیت الله اصـفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسـلام و مسـلمین به خوبی پیش رفت و خود وسـیله نجات بود و وسـیلهٔ النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشـته تحریر برد و فضـلا و دانشـمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزنـد عـالم و مجتهـد او سـید حسن موسـوی اصـفهانی را بعـد از نمـاز مغرب در حضور آقـا به دسـتور اسـتعمارگران و نوکران ابله سربریدنـد و او که در مقابـل خـدا بود خم به ابرو نیـاورد. معظم له که خواسـتار رضای خـدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعـد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشـید. مرحوم آیت الله اصـفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مـدتی تبعیـدی کشـید و از دست ددمنشـان منـافق ناراحتیها و آزارهای روحی دیـد ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسـلمین و شـیعیان غافل نبود، خود عمری ایسـتاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سـرانجام در ششم ذیحجه سـال ۱۳۶۵ روانش از زنـدان تن آزاد شـد و به لقـای حق نائـل گردیـد و در کنـار صـحن مرتضوی مـدفون شـد. با مرگ او همـانگونه که به یـاد داریـد جهـان اسـلام و تشـیع به مـاتم عظیمی فرو رفت که فقـدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسـلام که لایسـدها شـیء. یادآوری: بعـد از مرحوم آیت الله العظمی اصـفهانی رحمهٔ الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

اصفهانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد.

در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس ازفوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضلای متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محققی مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود.

این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیهٔ الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت.

مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری سعید تقاضای ملاقاتی درخلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت.آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالک و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریعی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند.

مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیلهٔ النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید.

مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال ۱۳۶۵ روانش از زندان تن

آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد دارید جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء.

یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمهٔ الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌اللّه ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفهٔ الوضع و الاستعمال» یا «جلیهٔ الحال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایهٔ الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیهٔاللّه بحرالعلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۳ /۲۵، ۲۷۷ /۲۴، ۲۸۷ /۱۲، ۳۶۳ /۹، ۷۹ /۷، ۱۲۷ /۵، ۴۵۲، ۲۱۳ /۴، ۴۸۸ /۲)، ریحانه (۲۵۳ -۲۵۲ /۷).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل‌طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛«وقایه الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۷ /۵، ۴۵۲ /۴)، ریحانه (۲۵۳- ۲۵۲ /۷).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۹ -۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹ /۳)، حبیب السیر (۲۳۲ /۳)، الذریعه (۱۴۰ /۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷ /۸)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۳۴۶، ۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹ /۲).

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۴/۳۰۲ -۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۶/۲)، اعیان الشیعه (۱۸۴ -۱۷۹ /۵)، الذریعه (۲۹۹/۱۶، ۲۶۱/۴، ۳۱۵، ۳۰۸ /۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱ -۱۷۰ /۱)، روضات الجنات (۲۵۳ -۲۵۱ /۲)، ریحانه (۹۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۲/۴)، الکامل (۱۴۸/۶)، الکنی و الالقاب (۲۳۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۶۹۰/۲)، معجم المولفین (۲۵۲/۳).

اعرافی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شیخ محمد ابراهیم اعرافی فرزند عباس یزدی شورکی یکی دیگر از عالمان دینی دیار دارالعباده یزد است که در اواخر سده ۱۳ و سده ۱۴ می زیسته. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در خانواده ای مذهبی متولد شد. جد وی حاج آقا محمد در واقعه مبارزه با خوانین شرور به شهادت رسید.

ایشان بعد از مقدمات به حوزه های علمیه یزد و مشهد مقدس و سپس به حوزه علمیه قم مراجعه و با استفاده از دروس اساتیدی چون آیات عظام مرعشی نجفی، حایری یزدی، امام خمینی و سید صدرالدین صدر به مقامی رسید که اجازات متعددی از آیات عظام دریافت داشت که در همان ایام از سوی وزارت فرهنگ وقت مدرک لیسانس به وی اعطا شد. از آن پس به تدریس سطوح روی آورد که هم اکنون شاگردان وی از فضلای حوزه به شمار می روند.

وی از پیشگامان مبارزه با رژیم فاسد بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از طرف حضرت امام (ره) به امامت جمعه میبد منصوب شد. آیت الله اعرافی فقیهی برجسته و پرهیزگار و گشاده دست بود، شب زنده داری و تواضع نیز از دیگر خصوصیات آن مرحوم بود. احداث چندین مسجد، مدرسه، درمانگاه، آب انبار و تأسیس حوزه علمیه شهرستان میبد از همت ایشان می باشد. این عالم متقی سرانجام صبح روز شنبه بیست و هشتم شهریور ماه سال ۱۳۷۱ چشم از جهان فرو بست. روحش شاد. افتخارات:

کتاب چهل حدیث و رساله های اخلاقی و تصویری از آثار اوست.

منابع زندگینامه :http://www.tebyan-yazd.ir

اکبری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اکبری

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

الله بداشتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی الله بداشتی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

الهی منش، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الهی منش

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.

اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت الله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان" نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن "دفاع نمودم.

در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان" ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

امام‌الحرمین جوینی، ابوالمعالی عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۴۱۹ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری. ملقب به ضیاءالدین و مشهور به امام‌الحرمین. در جوین نیشابور متولد شد. پدرش رکن‌الاسلام ابومحمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقهای بزرگ عصر خود بودند. در کودکی در محضر پدرش یادگیری فقه را آغاز کرد تا آنجا که تمامی تألیفات او را بازبینی کرد و بر تحقیقات پدرش افزود. چون پدرش درگذشت بیست ساله بود که بر کرسی تدریس وی نشست. او از استاد ابوالقاسم اسکافی اسفراینی در مدرسه‌ی بیهقی علم اصول آموخت و از ابونعیم اصفهانی کسب فیض نمود و اجازه دریافت کرد. بر اثر تعصبات و دشمنی‌هایی که به تحریک عمیدالملک کندری بر ضد شیعه و اشاعره می‌شد، به بغداد رفت و در آنجا با علمای بزرگ ملاقات کرد. وی سپس به حجاز رفت و نزدیک چهار سال در مکه و مدینه مجاورت گزید، و تمامی مسائل فقه را موافق هر کدام از مذاهب اربعه که سؤال می‌کردند فتوی می‌داد و پاسخ می‌نوشت، به همین جهت به امام‌الحرمین مشهور شد. در اوایل سلطنت آلب ارسلان سلجوقی به نیشابور بازگشت. خواجه نظام‌الملک مدرسه‌ی نظامیه را در آن شهر برای وی بنا نهاد و ریاست عالیه و علمیه را در اختیار وی قرار داد و تا سی سال، در کمال استقلال، تمامی‌امور مذهبی را بر عهده داشت. وی تا پایان عمر در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. اکابر فضلای آن دیار در درسش حاضر می‌شدند و هر روزه متجاوز از سیصد فقیه در برابرش حاضر می‌نشستند. مجموع شاگردان وی را چهارصد تن نوشته‌اند که از آن میان می‌توان از ابوحامد غزالی، شمس‌الاسلام عمادالدین کیای هراسی، ابوالمظفر ابیوردی، ابوالقاسم حکمی، ابوالقاسم انصاری، ابوالمظفر خوافی، زاهر شحامی، احمد بن سهل مسجدی و ابوعبداللّه فراوی نام برد. چون بیمار شد او را

به ده زادگاهش بشتنقان که از اعتدال هوا برخوردار بود منتقل کردند. وی همان جا درگذشت. جنازه‌اش را به نیشابور آوردند و در جوار مزار تلاجرد دفن کردنـد. به گفته‌ی ابن‌خلکان چنـد سال بعـد پیکرش را به کربلا انتقال دادنـد. شاگردانش در مرگ او قلم و دوات را شکستند و یک سال در سوگش نشستند. باخرزی گوید: امام الحرمین در فقه همچون شافعی، در ادبیات همچون اصمعی و در وعظ همچون حسن بصـری بود. برخی از آثار وی: «ارشاد»، در اصول فقه؛ «تلخیص التقریب»؛ «الشامل»، در اصول دین؛ بر اساس مـذهب اشاعره؛ «نهایـهٔ المطلب فی درایـهٔ المـذهب»، در فقه شافعی، ۱۲ مجلـد؛ «غیـاث الامم»، در امامت؛ «غُنیـهٔ المستر شـدین»؛ در خلاف؛ «مغیث الخلق فی اختیار الاَحق»، در اصول؛ «الورقات»، در اصول فقه؛ «العقیدهٔ النظامیهٔ» یا «الرسالهٔ النظامیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۶ /۴)، ایضاح المکنون (۲۸۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۸ /۲)، تاریخ گزیده (۶۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۶۱)، روضـات الجنات (۱۶۰ –۱۵۸ /۵)، ریحانه (۱۷۱ –۱۷۰ /۱)، سـرآمدان فرهنگ (۱۸۰ –۱۷۹ /۱)، سـیر النبلاء (۴۷۷ –۴۶۸ /۱۸)، الکامل (۱۲۹ /۸)، کشف الظنون (۲۰۰۵ ،۱۹۹۰ ،۱۷۵۴ ،۱۶۴۱ ،۱۵۶۲ ،۱۵۶۱ ،۱۱۵۹ ،۱۰۲۴ ،۸۹۶ ،۴۶۶ ،۴۴۳ ،۲۵۳ ،۲۴۲ ،۷۵ ،۷۰ ،۶۸)، الکنی والالقـاب (۵۵ –۵۴ /۲)، لغت‌نـامه (ذیـل/ امـام‌الحرمین و ابوالمعالی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۴۱۹ و ۴۷۸)، مدارس نظامیه (۹۴ –۹۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۵ –۱۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵ –۱۸۴ /۶)، نفحات الانس (۸۵۱ –۸۵۰)، وفیات الاعیان (۱۷۰ –۱۶۷ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۱۰۱ –۱۰۰)، هدیهٔ العارفین (۶۲۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۰۴ –۳۰۳ /۲).

امامی فر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امامی فر

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی را در روستـا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در حوزه علمیه نوربخش که الان به نـام امـام صـادق (ع) تغییر نـام داده مشـغول تحصـیل شـدم و شب‌هـا در مـدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر ۵۶ انقلاب شروع شد و در سال ۵۷ که انقلاب ادامه داشت در سال ۵۸ به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.

سال ۶۲ در موسـسه در راه حق در برنامه‌های آموزشـی آیت الله مصـباح شـرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسـیس موسـسه امام خمینی (ره) به صورت مسـتقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصـی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسـی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال ۷۴). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصـلی به حسـاب می‌آمدنـد. لمعتین را در محضـر آیـت الله اشـتهاردی و مرحـوم وجـدانی، مکـاسب و رسائـل را خـدمت آیـت الله پایـانی و

محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال ۷۴ در دانشگاههای شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود ۱۰ سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امامی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امامی نیا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال ۱۳۷۴به حوزه علمیه قم تشرف یافته و تا سا ل ۷۶ در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.

در سال ۷۶ در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح ۴ پذیرفته شده و به مدت ۴ سال این دوره را با معدل ۶۱/۱۹گذراندم.

از سال ۸۰ به مدت ۲ سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال ۸۱ تاکنون در دو سطح ۲ و ۳ فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می کنم. در موسسه مذاهب اسلامی سطح ۳ چند دوره فلسفه تدریس کرده ام. در مدرسه بقیهٔ الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت ۳سال فلسفه اسلامی تدریس کرده ام.

ازسال ۸۵ تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می کنم.

از سال ۸۲ تاکنون در مرکز پژوهشی دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تالیف کرده ام. از سال ۸۲ در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تالیف مقاله فعالیت می کنم. به سفارش داانشنامه جهان اسلام مقاله" ذمیه "را تالیف کرده ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال ۸۵ نیز راهنمائی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده ام.

امامی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود امامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.

شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایهٔ الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایهٔ الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۴ سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتا مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.

در مدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

مدت ۵ سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با

۱۲۰ منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و مدتی پس از ورود به قم به کارهای تحقیقی پیرامون متون روایی و ترجمه آنها (ترجمه و تحقیق فضائل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.
مدت ۷ سال است که با موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امین، نصرت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ -۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللَّه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللَّه حائری یزدی و آیت‌اللَّه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللَّه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ کُنّ النّساء بِمثلِ هذی

لَفضّلت النّساءِ عَلی الرّجال

فلا التّأنیث لاسم الشمس عار

و لا التّذکیر فخر للهِلال

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارهٔ الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءِاللَّه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[۱]

۱۳۰۸ ق– ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایهٔ و خارج صلأت و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری

می کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّٰه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیهٔ (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوك در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن‌العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یك بانوی ایرانی» منتشر می کرد.[۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوك؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] تذکرهٔ القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴۸/۲۴، ۲۲۹/۲۰)، علماء معاصرین (۳۲۵ –۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶ – ۱۱۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹ –۵۵۷ /۶).

[۲] منبع: دایرةالمعارف تشیع، ۵۲۷ /۲.

انجوی حسینی شیرازی، ابوالولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، فقیه امامی و متکلم. معروف به صدر کبیر. در تشیع غیرتمند و از علمای دولت شاه طهماسب صفوی بود. در اول متولی روضه مقدسه رضویه شد. پس از عزل، به مشارکت برادر خود، امیر شاه ابومحمد، متولی اوقاف غازانی شد، و سپس در اواخر سلطنت شاه طهماسب متولی بقعه صفی‌الدین اردبیلی شد. در زمان سلطان محمد خدابنده منصب سپاه به او داده شد و در اوایل سلطنت شاه عباس اول به منصب صدارت ارتقاء یافت. شیخ بهائی درنامه‌ای که به او نوشت از او تبجیل و تکریم کرد. وی از خواجه جمال‌الدین شیرازی و سید صفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل کرد و به واسطه پدر خود از شیخ ابراهیم قطیفی روایت می‌کند. سید حسین کرکی از شاگردان شیخ بهائی، و سید نعمة اللّه جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۳ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۶۵ /۸)، ریاض العلماء (۵۲۸ -۵۲۷ /۵)، ریحانه (۲۹۳ /۷)، عالم آرای عباسی (۱۴۸ /۱)، الکنی و الالقاب (۱۷۴ -۱۷۳ /۱).

انصاریپور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید

عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

اوجاقی، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین اوجاقی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در سال ۱۳۷۴ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.

در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال ۱۳۸۰ مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه ۱۰ حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال ۱۳۸۶ مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.

اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرهٔ المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۸/۷۰۱- ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر

مبارزالـدین برای انصـراف وی از حمله به شـیراز رفت مورد احترام فوق‌العـاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشـری را که در نحو است به فرزندش شاه شـجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزیـد. کـار او به سـختی رسـید و توسـط والی کرمان زنـدانی شـد و در زنـدان قلعیه دریمیان کرمان درگـذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الـدین محمد بن رشـیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشـریف جرجانی نیز شـرحی بر آن نوشـته است؛ شـرح «مختصـر الاـصول» ابن حاجب؛ «الفوائـد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسـمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالهٔ العضدیهٔ»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۲ -۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضـاح المکنون (۵۶۵، ۳۷۸ /۱)، بزرگان شـیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیـات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریـخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السـیر (۲۲۱/۳)، دایرهٔالمعارف فارسـی (۳۲۳/۱)، روضـات الجنات (۵۱ -۴۷ /۵)، ریحـانه (۱۴۴ -۱۴۲ /۴)، فارسـنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشـف الظنون (۱۸۹۱ ،۱۷۶۴ ،۱۲۹۹ ،۱۱۴۴، ۸۹۸، ۱۰۴، ۴۱، ۳۷)، الکنی والالقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبـدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیهٔ العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹ -۱۶۸ /۱).

ایزد پناه، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلاـم و تفسیر به پایـان رسانـده و وارد دوره اشـارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شـدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاسـتها و احزاب را انتشـار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسـفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشـگاه تربیت معلم تبریز تـدریس فلسـفه و کلاـم و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشـگاه قم شـدم. ابتـدا عضو هیأت علمی- پژوهشـی شـدم و پس از آن به تـدریس پرداختم.از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگرهٔ علامهٔ طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شـماره به چاپ رسـید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشـگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سـال مقالاـت علمی ام در روزنـامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسـید که به حـدود ۹۰ مقاله می

رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامهٔ علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفهٔ علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغهٔ اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزدپور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ایزد پور

محل تولد : قم

شهرت : ایزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال ۱۳۷۰ شمسی علوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت ۱۶- ۱۵ سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت الله وحید مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته ام.

ایزدجو، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی ایزدجو

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم(ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال ۷۳ انجام شد.در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللبیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال ۱۳۷۳ به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال ۷۳ پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

آریا، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامعلی آریا در سال ۱۳۱۶ در شهر فسا به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته ادیان و عرفان از دانشکده الهیات دانشگاه (؟) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

گرایش : ادیان و عرفان

والدین و انساب : خانواده پدری غلامعلی آریا از تیره فائدیهای چهرلنگ بختیاری بودند که در اثر اختلافی که بعد از فتح اصفهان با کریم خان زند پیدا کرده بودند به روستای خیرآباد در سه کیلومتری شهر فسا تبعید شد. بنابراین نیای دکتر آریا در حدود دو قرن پیش در آنجا سکنی گزیده اند.خانواده مادری دکتر آریا نیز از روستای مجاور بنام کوشک قاضی بود.

خاطرات کودکی : دوران کودکی غلامعلی آریا با جنگ جهانی دوم و نابسامانی های موجود مصادف بود ایشان از آن دوران چنین می گوید ":دوران کودکی من مصادف با جنگ جهانی دوم بود از این رو دولت مرکزی قدرتی چندانی برای تامین امنیت و بهداشت نداشت. ناامنی، دزدی و بیماری لااقل در ناحیه فسا و مناطق فارس وجود داشت. افزون بر این قحطی و ملخ خوراکی نیز مزید بر علت بود. بیشتر خانواده های روستای ما مهاجرت کردند و تنها چند خانواده نسبتا متمکن باقی ماندند. این تعداد خانواده ها را اندك هم از دزدان گوناگون در امام نبودند. من خودم شاهد بودم که گروهی از دزدان از ده مجاور به خانه ما هجوم آوردند و شبانه از گاو و گوسفند و هرچه که بود به غارت بردند".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده غلامعلی آریا علاوه بر کشاورزی به دامداری سنتی و عصاری نیز مشغول بودند پدرش هم زمینهای مالکان غیر بومی را اجاره می‌کرد و به کشاورزی می‌پرداخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی آریا کلاس سوم ابتدایی را تا سوم متوسطه را در شهر فسا گذراند. سپس در شیراز وارد دانشسرای مقدماتی گردید. کارشناسی رشته حقوق را از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد و دکتری رشته ادیان وعرفان را از دانشکده الهیات دانشگاه تهران اخذ کرد. او همچنین دبیری ادبیات را از دانشسرای عالی تهران دریافت کرده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامعلی آریا از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد": مهمترین خاطرات من مربوط به دوران تحصیل در فسا می باشد که می بایست روزانه در هوای سرد و بارانی و بدون امکانات از روستا تا شهر حدود نیم فرسنگ صبح

زود برویم و غروب برگردیم.معمولاـ روزانه نان محلی را برای نهار می بردیم و گاهی هم شاگردان غیر بومی آن را از ما می دزدیدند".

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت‌های حین تحصیل غلامعلی آریا به دو بخش تقسیم می‌شود. اولی در دوره دبیرستان بود که با تدریس خصوصی و یا کار در تابستانها سپری شد و دیگری تحصیل در دانشگاه بود که در حین تحصیل در مدارس تهران و مراکز تربیت معلم تدریس می کردند.

استادان و مربیان : نخستین معلم غلامعلی آریا پیرزنی بود که در روستای خیر آباد به او خواندن قرآن و الفبای فارسی را آموخت. اساتید غلامعلی آریا در دانشکده حقوق، مرحوم دکتر حمید عنایت و در دانشکده الهیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، دکتر فتح الله مجتبایی بود که در زندگی علمی وی نقش بسزایی داشته‌اند.

همسر و فرزندان : غلامعلی آریا در سال ۱۳۴۰ با همسرش (بازنشسته آموزش و پرورش) ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج ۶ فرزند می باشد که دو فرزند آخرش در دانشگاه مشغول تحصیل هستند و دو فرزند بزرگتر دارای تحصیلات عالیه می باشند و دو فرزند دیگرش در شرکتهای نیمه دولتی به کار مشغول هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری غلامعلی آریا به قرار زیر است: مدیر دبستانهای روستای بیضای فارس، نماینده فرهنگ (آموزش و پرورش) دبستانها کام فیروز و ابرج و رامجرد فارس از سال ۱۳۳۷-۱۳۴۲،مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، رئیس دانشکده تربیت معلم همان واحد، معاون آموزش واحد شهر ری از سال ۱۳۸۱ تاکنون، رئیس دانشکده معارف اسلامی (خواهران) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، مدیر گروه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشکده معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس غلامعلی آریا به ترتیب زیر است: مدیر و آموزگار نواحی اطراف شیراز از سال ۱۳۳۷، از سال ۱۳۴۳-۱۳۴۵ آموزگار دبستانهای شیراز، از سال ۱۳۴۶ آموزگار دبستانهای شهر تهران، از سال ۱۳۵۰ دبیر دبیرستانهای شهر تهران (تدریس ریاضی)، از سال ۱۳۵۳ مربی مراکز تربیت معلم (تدریس ادبیات و معارف اسلامی)، پس از انقلاب فرهنگی تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت معلم، دانشگاه تهران و سرانجام از سال ۱۳۶۴ به بعد ضمن تدریس در دانشگاههای مذکور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری (با درجه استادی). او همچنین مسئولیت دانشکده الهیات دانشگاه تهران شمال را هم بر عهده دارد و دروس ادیان و تاریخ تصوف و متون عرفان را تدریس می کند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : غلامعلی آریا در تاسیس دبستانهای نوبنیاد جعفر آباد بیضا و درودزن ابرج سهم بسزایی داشتند. ایشان در دوران اشتغال در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد ادیان و عرفان را به راه انداخت. دکتر آریا همچنین بانی همین رشته (ادیان و عرفان) در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی آریا در کنار تدریس با دایره المعارف بزرگ اسلامی در تالیف مقاله های عرفانی همکاری داشته است. او همچنین در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش شبه قاره بطوره پاره وقت به فعالیت می پردازد.

جوائز و نشانها : غلامعلی آریا چندین مورد لوح تقدیر به خاطر انتخاب او بعنوان استاد نمونه دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه سخنرانی : بیش از ۵ مورد - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : بیش از ۷ مورد --

آثار :

۱ آشنایی با تاریخ ادیان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا – ۱۳۸۲

۲ برگزیده متون عرفان فارسی

ویژگی اثر : تهران– ۱۳۸۰

۳ تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا – ۱۳۸۲

۴ جغرافیای تاریخی ،حافظ ابرو(تصحیح و تعلیق بخش سرزمین فارسی)

ویژگی اثر : زیر چاپ

۵ سلک السلوک

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا، ضیاء الدین نخشبی ناشر: زوار – ۱۳۸۲

۶ شیخ روزبهان فسایی

ویژگی اثر : انتشارات روزبهان۱۳۶۳

۷ طریقه چشتیه هند و پاکستان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: زوار – ۱۳۸۳

۸ طوطی نامه

ویژگی اثر : پدید آورنده گان : ضیاء بخشی ،منوچهری و دکتر مجتبایی ،غلامعلی آریا–۱۳۷۲

۹ فارسی (۲) دوره تکمیلی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا، بشیر خزامی پور، علی النقی بافنده، رضا خوشنویسان، مصطفی سالاری (خطاط) ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی – ۱۶ مهر

۱۰ کلیاتی در مبانی عرفان و تصوف، مطابق سرفصلهای کارشناسی ادبیات و گرایش دبیری رشته الهیات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا – ۱۳۸۲

۱۱ متون روضه العقول (مرزبان نامه کهن)

ویژگی اثر : تصحیح–با همکاری دکتر مجتبایی_ خوارزمی زیر چاپ

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ –۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی

را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملك‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱ -۲۲۰ /۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷ -۱۸).

آل‌طاهر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم آل طاهر، پس از تکمیل مقدمات و حفظ تمامی قرآن در خونسار نزد اساتید محل به امر مرحوم والد خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و چند سالی از محضر علماء و رجال علمی کسب علم و دانش نموده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و پس از آن به خونسار مراجعت و به خدمات دینی از ارشاد مردم پرداخته و برای اصلاح دو طائفه بزرگ بختیار به منطقه بختیار مسافرت و میان آنها التیام داده و صفا و دوستی کامل ایجاد و با اصرار مردم آن سامان و احساس وظیفه دینی در دولت‌آباد توقف و خدمات ارزنده‌ای نموده و در آن محل دورافتاده و نبودن امکانات کمال مراقبت را در تربیت فرزندان خود مبذول داشته و آنها را به تحصیل وامی‌دارد.

و چون آن مرحوم علاقه و استعداد در فرزند ارشد خود حاج شیخ احمد مشاهده می‌کند ایشان را برای ادامه تحصیل به اراک

فرستاده و مدت چهار سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مصطفی محسنی اراکی کسب دانش نموده سپس با کسب اجازه از پدر به اصفهان رفته و مدت ۱۴ سال از محضر اساتید و آیات اصفهان مانند مرحوم آیت‌اللّه آقانجفی اصفهانی و مرحوم آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش که حوادث ناگواری برای جامعه روحانیت اتفاق افتاد روحانیون با مشکلات سختی مواجه شدنی برای اینکه بتواند در گوشه و کنار به خدمات روحانی خود انجام وظیفه نماید.

مدت چند سال در یکی از قراء خمین در ملک شخصی خود رحل اقامت افکند. و با اخلاق ملکوتی خود موفق می‌شود قتل و غارت و دزدی را در قسمتی از طوایف بختیاری برانداخته و خدمات ارزنده‌اش در تمام آن نواحی زبانزد خاص و عام قرار گیرد تا عده‌ای از تجار محترم خمین با معیت حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد امامی اراکی به ایشان مراجعه و تقاضای آمدن به شهر خمین را از آن مرحوم می‌نمایند.

و ایشان پس از موافقت استخاره قبول و با تجلیل و احترام زیاد وارد خمین و در مسجد جامع به انجام وظائف دینی و روحانی مشغول و به حسن اخلاق و رفتار نیک موفق می‌شود چهل نفر از مسیحیان و یهود آنجا را به دین اسلام هدایت و وارد نمایند تا در سال ۱۳۷۴ قمری از دنیا رفته و در مقبره شخصی دفن شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

آل‌عصفور، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۱۶ ق)، فقیه، محدث، متکلم و شاعر. از سوی مادر نوه‌ی شیخ حسین ماحوزی بود. نزد عمویش یوسف آل‌عصفور درس خواند. و از او و عموی دیگرش عبدعلی آل‌عصفور روایت می‌کرد. او در شاخوره اقامت داشت و به تدریس و مرجعیت دینی و تحقیق و تألیف اشتغال یافت. از بزرگ‌ترین فقهای اخباری زمان خود بود، این که برخی او را مجدد دین در آغاز سده‌ی سیزدهم قمری دانسته‌اند گویای موقعیت علمی و فقهی و نقش وی در ترویج دیانت است. بر بیشتر دانشهای متداول روزگار خود احاطه‌ی کافی داشت طالبان علوم دینی از همه جا به ویژه از قطیف و احساء به حوزه‌ی درس او می‌آمدند. از این رو شاگردان بسیاری در این حوزه پرورش یافتند و خود از عالمان بنام دین شدند. شیخ‌احمد احسائی از او روایت می‌کند. او در پارسایی شهره بود و بویژه در عرض اخلاص به امام حسین (ع) و شهیدان کربلا کوشش بسیار داشت و اشعار بسیاری در رثای آن حضرت می‌سرود و دارای «دیوان» است. وی را شهید نیز نامیده‌اند چون توسط یکی از خوارج کشته شد. کتابهای بسیاری در موضوعات مختلف روایی، کلامی و فقهی نوشته است. تألیفات او را بیش از پنجحاه کتاب دانسته‌اند که جز معدودی در دست نیست. از جمله: «اجازهٔ»؛ «الاشراف»؛ «انوار اللوامع»؛ «باهرهٔ العقول»؛ «مصابیح اللوامع»؛ «الحدق الناظرهٔ» یا «عیون الحقائق الناظرهٔ»، در تتمیم «الحدائق الناظرهٔ»؛ «منظومهٔ فی ظن و اخواتها»؛ «منظومهٔ فی الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۳۵۸)، الذریعه (۱۲۷ ،۱۲۲ /۲۳ ،۹۱ /۲۱ ،۳۷۹ ،۳۶۰ /۱۵ ،۲۹۲ /۶ ،۴۰۴ /۴ ،۱۵ /۳ ،۴۳۹ /۲ ،۱۰۲ /۲ ،۱۸۸ /۱)، ریحانه (۴۱۷ -۴۷۰ /۸ ،۵۹ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۱ -۴۵۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۹ -۴۲۷ /۱۳)، فوائد الرضویه (۱۴۹ -۱۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۴ /۲)، مکارم الآثار (۵۷۳ -۵۶۹ /۲).

آل‌عصفور، خلف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۸ ق)، فقیه، محدث، متکلم، نویسنده و از عالمان اخباری. در بحرین متولد شد. پس از فراگیری علوم به قطیف مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. پس از چندی به بوشهر رفت. وی نزد عمویش یوسف آل‌عصفور درس خواند. به پیروی از اندیشه‌های اخباریان، تنها سنت (حدیث) را قابل استناد می‌دانست و معتقد بود که قرآن به دلیل این که فقط معصومان (ع) می‌توانند آن را دریابند، نمی‌تواند مورد استناد باشد. وی در بوشهر درگذشت. اثر وی شرحی مفصل بر «بحارالانوار» است. او حاشیه‌هایی بر جلد چهارم «بحارالانوار» دارد. از او «مجموعه‌ی رسائل» نیز باقی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶/ ۳۳۰)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۱ - ۵۰۰ /۱۳).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۶ -۱۱۰۷ ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیخ احمد بن عبداللّه بلادی و شیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیخ حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید»؛ «الدررالنجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۶ /۹) ایضاح المکنون (۲۰ /۲، ۱۰۳ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۹ /۴)، الذریعه (۳۸۰ –۳۷۹ /۱۸ ۲۱۱، –۲۱۰ /۱۲ ، ۱۴۰ /۸ ، ۲۹۰ –۲۸۹ /۶ ، ۴۶۶ –۴۶۵ ،۲۳۹ /۲)، روضات الجنات (۱۹۰ –۱۸۶ /۸)، ریحانه، (۴۷۲ /۸) ،(۳۶۱ –۳۶۰ /۳) ،(۲۳۴ /۱)، شـهیدان راه فضیلت (۴۶۶)، طرائق الحقائق (۱۸۶ –۱۸۰ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۷ –۱۴۰۶ /۲)، فوائد الرضویه (۷۱۶ –۷۱۳)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۳۲۴ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹ –۸۷۶ /۶)، مصفی المقال (۵۰۵)، معجم المؤلفین (۲۶۹ – ۲۶۸ /۱۳)، هدیهٔ الاحباب (۱۷۲)، هدیهٔ العارفین (۵۶۹ /۲).

آملی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، محدث، فقیه، اصولی، متکلم و شاعر. نزد پدرش، خلیفه سلطان، که از علما و دانشمندان بنام عهد خویش بود تلمذ کرد. وی تعلیقات و حواشـی بسـیاری بر کتابهای فقهی و کلامی و اصولی نوشت که بهترین آنها حاشـیه‌ای بر «شرح لمعه»، تا کتاب طهارت، است. او همچنین حواشـی متفرقه‌ای بر کتاب «المدارک» نوشته که از آنها گستره‌ی فکر و اندیشه و دقت‌نظر و حسن سلیقه او پدیدار است. وی با اینکه در سه سالگی بینایی خود را از دست داده بود با پشـتکار و جدیت به دنبال دانش رفت و بر بسـیاری از صاحبان دیده تفوق یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشـیعه (۱۳۶ –۱۳۵ /۲)، ریاض العلماء (۵۳ /۲)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۲ –۱ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۴ /۱).

آیت نجف آبادی، میر سید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم مجاهد آیت‌اللَّه میرسید علی آیت نجف‌آبادی در سال ۱۲۴۷ش (۱۲۸۷ق) در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. ایشان بعد از سن بیست سالگی در اثر حادثه‌ای، به علم و دانش علاقه‌مند شد و وارد حوزه علمیه اصـفهان گردید. وی در اصـفهان از محضر استادانی همچون: سـید محمد فشارکی، سـید ابوالحسن جلوه و سید مهدی نحوی استفاده برد و پس از آن رهسپار نجف اشرف گردید. آیت اللَّه نجف آبادی در نجف از محضـر استادان بزرگی همچون: سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخونـد ملاـ محمـد کـاظم خراسـانی و سـید محمـد کـاظم یزدی کسب فیض کرد و در مـدت کوتاهی با طی مراحل رشـد، در فقه، اصول، فلسـفه و عرفان و اخلاق به مقام تبحّر و استادی رسید. وی از آن پس عازم اصفهان گردید و حلقه درس خود را تشکیل داد. آیت‌اللَّه نجف‌آبادی یکی از مشهورترین استادان حوزه اصفهان در دوره سرکوب این پایگاه دینی توسط رضاخان بوده است. ایشان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت خاصی می‌داد و با حاکمان مستبد محلی و خوانین زورگو مبارزه می‌کرد. همچنین در مقطعی که ایران توسط بیگانگان اشـغال شـد، آیت اللَّه نجف آبادی با خودکامگی روس‌ها مجاهـده و مبارزه زیادی کرد؛ در نتیجه خـانه‌اش توسط اوباشِ تحریک شـده و مزدوران و مأمورانشان غارت شـد و خودش نیز در کنسولگری شوروی در اصـفهان زنـدانی

گردید. در آن ایام که در اثر حضور متفقین در ایران، قحطی و گرانی بیداد می‌کرد، ایشان و عالم دیگر اصفهان، میرسید حسن چهارسوقی، ابتکاری به خرج داده و مشترکاً طی اعلامیه‌ای از مردم مسلمان و بازاریان متمکن خواستند در نقاط مختلف شهر، انجمن‌های خیریه تشکیل داده و از بینوایان، بیکاران و گرسنگان، حمایتِ برنامه‌ریزی شده کنند. این برنامه در بین مردم بسیار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که اغلب انجمن‌های خیریه فعلی اصفهان نیز از بقایای همان انجمن‌ها هستند. در کنار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حلقه درس آیت اللّه نجف‌آبادی، محفل فضلا و فرهیختگان بود و شاگردان نامداری در آن پرورش یافتند که حضرات آیات ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، شیخ احمد فیاض، حیدرعلی صلواتی، سید روح‌اللّه خاتمی، سید علی علامه فانی و سید مرتضی پسندیده از آن جمله‌اند. ایشان مسائل فقه و اصول را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کرد و در کلام نیز تبحّر وافی داشت. آیت اللّه میرسید علی آیت نجف آبادی سرانجام در ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ ش برابر سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در ۷۴ سالگی در اصفهان وفات یافت و پس از تشییعی باشکوه، در قبرستان تخت فولاد مدفون گشت. این عالم مجاهد و فقیه سترگ، جدّ مادری شهید دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول و عضو حزب جمهوری اسلامی است که در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ ش توسط منافقین کوردل به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۷ –۱۳۱۰ ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال ۱۳۳۱ ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال ۱۳۴۳ ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایة الاصول» علامه خراسانی؛ «درّالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۷۷ –۳۶۷/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۸ –۴۸۶/ ۲)، الذریعه (۱۳/ ۲۲)، صد سال شعر خراسان (۵۵ –۵۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۸ –۲۶۶/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ –۶۸۷/ ۲).

بابکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابکی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سال ۱۳۶۶ به درس های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه های مختلف فقهی اشتغال دارم

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ /۹۹۴ ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغنو شیراز می‌زیست به باغنوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۲/۲)، بزرگان شیراز (۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۹)، الذریعه (۱۰/۶)، روضات الجنات (۱۲/۳)، ریحانه (۶۳/۶)، صبح گلشن (۴۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۰ -۹۵۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰)، کشف الظنون (۱۸۵۳، ۱۷۱۶، ۸۴۲، ۶۸۵، ۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۵، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۲۲۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲)، هدیهٔ العارفین (۲۶۳ -۲۶۲ /۱).

بافقی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجاهد ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدتقی بافقی یکی از آیات بزرگ وعلمای معروف قرن اخیر در شهرستان قم بود. در سال ۱۲۹۲ در بافق یزد متولد شد و در خاندانی از محبین به اسلام و اهل بیت نشو و نما نمود. بافقی در آغاز از شاگردان میرزا سید علی مدرس (لب جندقی) در شهرستان یزد بود.

بافقی جوانی پرشور، فعال و مجاهد بود، و با مخالفین اسلام و روحانیت در ستیز! نوشته اند به دنبال یک سلسله فعالیتهای اسلامی علیه ستمگران در یزد تحت تعقیب عمال دولتی قرار گرفت. ناگزیر پای پیاده یزد را به سوی نجف اشرف ترک نمود. مقدم او را علمای نجف مخصوصا علامه یزدی گرامی داشتند و از مجاهدت و فعالیتهای اسلامی او خرسند گشتند. بافقی سالها در نجف از محضر آخوند خراسانی و علامه یزدی و سید احمد کربلائی به تکمیل خارج اصول فقهی و دروس اعتقادی مشغول بود تا در فنون علمی به درجه اجتهاد ارتقاء یافت و در مراجعت به ایران ساکن قم گردید.

مرحوم بافقی دانشمندی فعال و پرشور و مجاهدی نستوه بود. موقعی که آیت الله حائری در اراک بود، برای هجرت او به قم و تأسیس حوزه فعالیتهای چشم گیری می نمود و سرانجام هم با همکاری امثال این مجاهد ربانی حوزه علمیه قم به خوبی پی ریزی شد. هدف این علما و مجاهدین تأسیس پایگاهی عظیم در راه گسترش حقایق مذهبی و علوم اسلامی، و هم سدی عظیم در مقابل افکار و اعمال استعمارگران و نوکر جدید آنها رضا خان قلدر بود. مرحوم بافقی در امر به معروف و نهی از منکرات به خوبی کمر همت بست و با شجاعت و شهامت در مقابل اعمال ضد اسلامی و خفت بار ننگین پهلوی قدعلم نمود. در قم امثال ایشان و در مشهد آیت الله قمی رحمهٔ الله علیه علیه مظالم، بی عفتیها و بی ناموسی های دربار مردم را هشدار دادند. در شب نوروز ۱۳۰۶ شمسی که خاندان ننگین سلطنت بدون حجاب در صحن مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها اجتماع نمودند. امثال آیت الله بافقی با شجاعت و حرارت ضمن سخنرانی و با پخش اعلامیه های متعدد بدون ترس واهمه وظیفه اسلامی خویش را به خوبی ایفاء نمودند.

سرانجام این ایت مجاهد به دستور عمال رضاخانی به تهران (و شهر ری) تبعید شد!! دوری معظم له از حوزه قم و علمای هم فکر برای او عذابی الیم و رنجی قلبی بود. هر چند در شهر ری نیز از وظایف و تعهد دین خویش دست بر نداشت. اما متأسفانه به علت دیکته کردن دستورات اجانب ناراحتیهای گوناگون به وسیله رضا خان وایادی او به حوزه ها و اعلام شیعیان یکی پس از دیگری روی آور می شد. نوشته اند با حادثه مسجد گوهر شاد مرحوم بافقی قلبش از کار افتاد و در بیمارستان فیروز آبادی بعد از یک عمل جراحی متأسفانه جان سپرد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com/nikan.htm

باقری، مهری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهری باقری درسال ۱۳۳۴، در تهران متولد شد. وی پس از اخذدیپلم وارد دانشگاه تهران شد و تحصیلاتش را در زمینه ادبیات فارسی ادامه داد . در سال ۱۳۵۰ه.ش کارشناسی ارشد زبانهای باستانی و زبان شناسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد او در ۱۳۵۳عضویت هیات علمی دانشگاه تبریز در آمد.در سال ۱۳۵۵دکتری ادیان و عرفان را از دانشگاه تهران اخذ نمود .نامبرده از آن پس در دانشگاه تبریز به امر تدریس اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی گرایش : فرهنگ و زبانهای باستانی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهری باقری درسال ۱۳۲۴ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. و این زمانی بود که دانشگاه تهران رو به گسترش نهاده بود و تحت تاثیر افکار ناسیونالیسی ، علومی چون تاریخ، باستان شناسی و زبان شناسی (زبانهای باستانی) مورد توجه قرار گرفت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهری باقری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان خواجه نظام الملک به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۳از دبیرستان شاهدختاخذ کرد .پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه تهران شدو در سال ۱۳۴۷ه.ش کارشناسی زبان وادبیات فارسی گرفت. در سال ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد دررشته زبانهای باستانی و درسال۱۳۵۵ دکترای ادیان وعرفان را از دانشگاه تهران دریافت کرد. عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد:روایات داراب هرمز دیار ب– دکتری: آفرینش و رستاخیز در ادیان ایرانی پیش از اسلام و دریافت مشابهت های آن با ادیان مسیحی خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم روزگار تحصیل دکتر مهری باقری در مقطع دکتری، تدریس و استخدام در دانشگاه تبریز بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : مهری باقری علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاه تبریز می پرداخت. او همچنین دراین زمان از شرکت در مجامع علمی داخلی و بین المللی غافل نمی شد.همسر و فرزندان : مهری باقری متاهل و دارای دوفرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تبریز – مدیر گروههای آموزشی ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی – مدیر گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تبریز – عضو یت در هیئت ممیزه دانشگاه پیام نور دانشگاه پیام نور تهران – ریاست کتابخانه دانشکده های ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز – استاد اعزامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای تدریس ایرانشناسی و زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بارسلون اسپانیا – عضو یت در هیئت مدیره انجمن زبان و ادبیات فارسی – عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز – عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه – عضویت در هیئت تحریریه مجله گوهر گویا (انتشارات انجمن ترویج زبان و ادبیا فارسی) – عضویت در شورای عالی کتابخانه های آذربایجان شرقی – عضو پیوسته انجمن فولکور در آکادمی علوم و ادبیات فنلاند – عضویت در هیئت مشاوران انجمن جهانی فولکور ،دانشگاه هلسینکی –فنلاند – عضویت هیئت تحریریه مجله فولکور دانشگاه میسور هندوستان – عضویت در هیئت مشاوران بین المللی مجله فولکور دانشگاه منچستر انگلستان – معاون انجمن جهانی تحقیقات در زمینه فرهنگ عامه و روایات سنتی و رئیس بخش آسیا و اقیانوسیه در مجمع یاد شده.فعالیتهای آموزشی : مهری باقری از سال ۱۳۵۳ به عضویت هیات علمی در دانشگاه تبریز در آمد.او در دانشکده ادبیات و نیز در دانشکده زبانهای خارجی این دانشگاه به تدریس دروس ادبی، تاریخ ادیان و عرفان اسلامی پرداخته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهری باقری دوره کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی را در دانشگاه تبریز ار تاسیس کرده اند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تدوین کتبی درزمینه فرهنگ و زبانهای ایران پیش از اسلام از امور مورد علاقه مهری باقری می باشد.آرا و گرایشهای خاص : مهری باقری درزمینه زبان شناسی به اصوات زبان فارسی وتحولات آن توجه خاص نشان داده و در زمینه فرهنگ علاوه بر تحقیقاتی در زمینه فرهنگ عامه، به عرفان اسلامی نیز نگاه خود را معطوف داشته است.جوائز و نشانها : – استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۵– نهاد ریاست جمهوری – وزارت علوم و تحقیقات و فناوری – نخبه برگزیده سال ۱۳۸۶– نهاد ریاست جمهوری – ستاد بزرگداشت –مرکز امور زنان و خانواده – پژوهشگر نمونه دانشگاه تبریز – استاد منتخب در رشته زبان شناسی و ادبیات – نخستین همایش چهرهای ماندگار مهرماه

۱۳۸۰چگونگی عرضه آثار : مهری باقری دارای ۸ تالیف ، ۲۳ مقاله چاپ شده در نشریات معتبر داخلی ،۱۰ مقاله انگلیسی چاپ شده در نشریات خارجی ، یک مقاله اسپانیولی چاپ شده در نشریه دانشگاه کمپولتنسه مادرید می باشد. ایشان همچنین دارای ۲ طرح تحقیقاتی انجام یافته است.وی ۱۷ مقاله در سمینارهای داخلی و ۲۹ مقاله در سمینارهای خارجی ارائه کرده است.آثار : ایران: تاریخ، فرهنگ، هنر ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی بهرامیان، حسن رضایی باغ بیدی، عبدالحسین زرین کوب، زهره زرشناس، مهری باقری، سیدحسین نصر، قمر آریان، اصغر دادبه، روزبه زرین کوب، یونس کرامتی، علی بلوکباشی، احمد پاکتچی، محمدحسن گنجی، محمدحسن سمسار، فاطمه لاجوردی، محمدکاظم موسوی بجنوردی (زیرنظر)ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - ۰۴ مرداد، ۱۳۸۵۲ تاریخ زبان فارسی ویژگی اثر : کتاب تاریخ زبان فارسی شامل تاریخ تحولات زبان فارسی از ادوار پیش از اسلام تا فارسی امروزی است.۳ تاریخ زبان فارسی، رشته ادبیات ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن انوری، مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۲۴ دین های ایران باستان ویژگی اثر : تهران- نشریه قطره ۱۳۸۵۵ دین های ایران پیش از اسلام ویژگی اثر : دکتر مهری باقری در کتاب دین های ایران پیش از اسلام به بررسی انواع دین های رایج، در جهان ایرانی (آریایی) پیش از اسلام می پردازد.۶ طرح شناسی تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : کتاب طرح شناسی تاریخی زبان فارسی یا تحولات تاریخی اصوات زبان فارسی، به سیر تحول و دگر گونی دستگاه اصوات زبان فارسی در طول تاریخ می پردازد.۷ کارنامه اردشیر بابکان ویژگی اثر : ترجمه از پهلوی -تهران نشر قطره ۱۳۷۸۸ مقدمات زبانشناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: قطره - ۰۱ خرداد، ۱۳۸۶۹ مقدمات زبانشناسی، رشته زبان و ادبیات فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳۱۰ واج شناسی تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تالیف- تهران نشر قطره ۱۳۸۰

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

بحرانی، ماجد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در ۱۳۰۱ ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶ -۲۳۵ /۱۶، ۱۴۵- ۱۴۴ /۱۴، ۴۴۲ - ۴۴۱ /۳)، ریحانه (۲۳۲ - ۲۳۱ /۱).

بحری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بحری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبّی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعهٔ الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بختیاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد : تاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ ـ ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

براتی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارده حوزه شدم حدود ۱۲ سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

بردعی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۵۰ ق)، متکلم. وی پدر شمس‌الدین بردعی، «شارح هدایة الحکمة»، و از متکلمان مشهور سده نهم است که حاشیه‌ای «بر شرح ایساغوجی» و حاشیه‌ای بر «شرح عقاید نسفی تفتازانی» نوشته است. در «کشف الظنون» از احمد بردعی نام برده شده که احتمال می‌رود با صاحب عنوان یکی باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۱۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۷۳/۱)، حبیب السیر (۳۸۵/۴).

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان نور شدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹موفق به اتمام پایه ۹و سطح سه حوزه شدم که در این دوران علاوه بر گذراندن دروس اصلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسفه بدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰دروس خارج فقه واصول حوزه را شروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسفه اسفار، شرح اشارات ، بخشهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷موفق به اخذ پایان نامه آن شدم و در طی سالهای ۸۲تا ۸۴در دانشگاههای کرج و اراک دروس معارف اسلامی را تدریس نمودم .

برغانی علوی قزوینی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، فقیه و حکیم. در قزوین به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات، فقه و اصول را نزد پدرش ملاعلی برغانی و عمویش، شهید ثالث و عموی دیگرش ملا محمد صالح برغانی آموخت. حکمت و فلسفه را نیز در محضر ملا آقا حکمی و آخوند ملا یوسف حکمی و آخوند ملاصفر علی لاهیجی تلمذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در درس سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» حاضر شد و از حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی استفاده کرد. در کربلا عهده‌دار مقام زعامت امور شرعی و فتوا و تدریس بود. سپس به قزوین بازگشت و از مدرسان مدرسه صالحیه شد و پس از وفات پدرش از مراجع تقلید گشت. او داماد عمویش، ملا صالح برغانی، و شوهر قرةالعین بود. فرزندش، شیخ رضا، شیخ الاسلام قزوین و متولی اوقاف برغانی‌ها بود. از جمله آثارش: «نفحات الالهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ شرح «القواعد» علامه‌ی حلی؛ از اول «طهارت» تا «کتاب المتاجر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۷/۲۴، ۱۹/۱۴، ۷۷/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۳ -۷۱۲ /۱۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۳/۲)، مکارم الآثار (۱۷۰۹/۵)، مینودر (۷۴۹/۲).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

بروجردی، علی اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۶ –۱۲۳۱ ق)، عالم، متکلم امامی و شاعر، متخلص به اصغر و نیر. در بروجرد به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس به نجف رفت و از بزرگانی همچون شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمد حسین، صاحب «فصول»، و سید ابراهیم موسوی، صاحب «ضوابط» و شیخ حسن فقیه، فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء، استفاده کامل برد، و فیض حضور اکثر محدثان و مفسران و حکمای عصر خود را یافت. او شعر می‌سرود و در مثنوی‌اش اصغر تخلص می کرد، اما در «دیوان» خود تخلص نیر داشته است. وی آثار سودمندی به جای گذاشت، از جمله: «الافاضات الرضویهٔ»، در نشئات مختلفه، از بدو خلقت تا محشر؛ «البوارق اللامعهٔ»، در خلافت امیرالمؤمنین (ع)؛ «التیمم»؛ «در مکنون»، مثنوی عرفانی؛ «سیف الشیعهٔ»؛ «سیف المجاهدین»، در احکام جهاد و دفاع؛ «شرح منظومه فقهیه»؛ «ضیاء النور»، مثنوی عرفانی عرفانی و اخلاقی؛ «عقائد الشیعهٔ»؛ «اللؤلؤ المنثور»، در بعض خطب امیرالمؤمنین (ع)؛ «لآلی الکلام»، در فروع و احکام؛ «مخزن الاسرار»؛ «معدن الحکمهٔ»؛ «منهج الحق»، در مسائل مختلفه بین الفریقین؛ «مهمات الاصول»، در اصول فقه؛ «نور الانوار»، در احوال حضرت قائم (عج).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۷/۸)، تاریخ بروجرد (۳۵۲ –۳۴۸ /۲)، الذریعه (۱۷۶/۱۹ ،۳۸۶/۱۸، ۶۳/۱۶، ۲۸۴/۱۵، ۱۲۴۱/۹، ۷۳/۵)، ریحانه (۲۵۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی اصغر بروجردی)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ –۴۸۰ /۴). معجم المؤلفین (۳۸/۷)، مکارم الآثار (۹۲۲ –۹۲۱ /۳).

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۰- ح ۸۳۰ ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیهٔ العارفین» سال وفات وی ۸۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشاف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۹۴، ۱۴۷۹، ۱۲۴۷، ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۹۲/۴)، هدیهٔ العارفین (۳۴۲ –۳۴۱ /۱).

بزنجانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بزنجانی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴ /۲)، ریحانه (۲۷۸ –۲۷۷ /۷)، سیرالنبلاء (۵۷۳ –۵۷۲ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۷۰، ۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰، ۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱، ۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱، ۴۶۳– ۴۶۲، ۴۴۱، ۳۹۸، ۳۳۵، ۲۵۴)، وفیات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیهٔ العارفین (۶۰۶/۱).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق .(۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.

آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.

جرعه نوش علم و معرفت .

محمـد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سـر گـذاشت در بوسـتان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردیـد. علوم مقـدماتی را در حضور نورانی علمـای نجف فراگرفت و تـا ۲۴ سـالگی از اساتیـد بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پـاک بلاغی که شـیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق . مجبور به ترک زادگـاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شـهر مقـدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.

ایشان شـش سال از عمر مبارکش را در این شـهر صـرف تحصـیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق . در کاظمین مانـد. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سـی سالگی به زادگاهش نجف اشـرف بازگشت و در درس سـرآمدترین اسـتوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صـفای آن حوزه طراوت بخشـید و مـدت ۱۴ سال در این دانشـگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیـخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهـد و رهبر انقلابی ، میرزا محمـد تقی شـیرازی شـرکت جست و ده سال بر سـفره علمی این مجتهـد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق .)

۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق .)

۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق .)

۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق .)

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق .)(۸۱)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهـد وظیفه شـناس از تبـار روحانیتی بیـدار و آگاه بود که در پی اسـتقلال طلبی کشور عراق از یوغ اسـتعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق . - برای بـار دوم - آهنگ شـهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسـلامی حضور یافت و به صف مجاهـدان پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .

۱. آیهٔ الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)

۲. آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)

۳. آیهٔ الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)

۶. آیهٔ الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)

۷. آیهٔ الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)

۸. آیهٔ الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)

۱۰. آیهٔ الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق ۱۴۰۵ ق .)

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیهٔ الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیهٔ الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیهٔ الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است . نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاءالرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیث ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. نورالهدی ۱۵. مسئلهٔ فی البداء ۱۶. اجوبهٔ المسائل البغدادیهٔ ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ ۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰ رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی ۵۱ رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را

بـا قلم و سـبکی ابتکـاری و جدیـد و در قالبهـای ادبی و شـعر، داسـتان ، رمـان و منـاظره به رشـته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .

- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.

- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .

- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)

- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .

- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .

- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(۸۸)

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(۹۰) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق .(۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاءالرحمن

الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیث

اعاجیب الاکاذیب

انوارالهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئلة فی البداء

نورالهدی

اجوبة المسائل البغدادیة

داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح))

رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

بلخی ابوزید، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۲ -۲۳۵ ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستیان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابومحمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعلیم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرایع الادیان»؛ «رسالهٔ حدود فلسفه»؛ «فضیلهٔ علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء».[۱]

احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. ۳۲۲ ه.ق.) گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فسلفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفهٔ، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صورالاقالیم در جغرافیا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۱ /۱)، اعیان الشیعه (۲۱۹ -۲۱۶ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۷ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۸ - ۶۵)، تاریخنگاران ایران (۴۴ -۴۳ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۴۴ -۱۰۴۳ /۸)، الذریعه (۳۳۰ /۱۸، ۲۵۵ -۲۵۳ /۴)، روضات الجنات (۵۰ -۴۹ /۴)، ریحانه (۱۲۰ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۲۹ -۲۲۸)، کشف الظنون (۱۴۴۰، ۱۰۸۴، ۶۰۲، ۲۲۷)، الکنی و الالقاب (۸۱ /۱)، لسان المیزان (۲۷۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزید)، معجم الادباء (۸۶ -۶۴ /۳)، معجم المؤلفین (۲۴۰ /۱)، الملل و النحل (۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۴۱۳ -۴۰۹ /۶)، هدیه العارفین (۵۹ /۱).

بلخی خراسانی، ابوالجیش مظفر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۷ ق)، متکلم شیعی. از متکلمان و دانشمندان بنام شیعه در سده چهارم بود که در بلخ می‌زیست. او از شاگردان ابوسهل نوبختی است. از وی آثار بسیاری به جای مانده است. نجاشی تمام آثار ابوالجیش را از طریق شیخ خود، شیخ مفید، نقل کرده و تصریح کرده که ابوالجیش از مشایخ و اساتید مفید بوده است. از جمله آثار وی: «الارزاق و الاجال»؛ «الاعراض و النکت» یا «النکت و الاغراض فی الامامه»؛ «الانسان»؛ «نقض العثمانیه علی الجاحظ»؛ «فدک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۵/۸)، الذریعه (۳۸۹، ۳۳۸– ۳۳۷، ۲۳۶/ ۲، ۵۰۷/۱)، رجال النجاشی (۳۷۴– ۳۷۳/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۴۶۳/۲).

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بهبهانی پور

محل تولد : عماره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ دیپلم تجربی گرفتم در سال ۷۰ وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد مؤسسه اما خمینی شدم . در سال ۱۳۸۰ پایان نامه ام را در موضوع اندیشه کلامی شهید صدر دفاع کردم. در سال ۷۸ کتاب تنبیه الامه و تنزیه امله اثر محقق نائینی را به عربی ترجمه کردم . با مرکز مطالعات حوزه علمیه مدتی در نوشتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشتم و سه مقاله نوشتم. حدود ۴ کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم.

هم اکنون در رشته مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول .

اساتید بنده در حوزه علمیه :

۱. استاد مددی.

۲. استاد کعبی.

۳. استاد احمد عابدی.

بهبهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ -۱۳۳۲ ق)، عالم و متکلم. ساکن همدان بود و در آنجا معروف به آقایی. وی در همدان درگذشت. آثارش: «الرد علی الفادری (پادری) النصرانی»؛ «الرد علی الفضل بن روزبهان» دانشمند اشعری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۶ -۲۱۴ /۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۹۹/۱۴)، معجم‌المؤلفین (۹۱/۹).

بهبهانی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۶ -۱۱۴۴ ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبهانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محققی بی‌نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاءالدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال ۱۱۹۲ ق به رشت رفت و با هدایت‌اللّه خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقامع» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقامع الفضل»، شامل هزار و دویست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبهانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنة الهدایة لهدایة السنة»؛ «سهوالاقلام»؛ «الفائدة فی مصرف رد المظالم»؛ «الفذالک فی شرح المدارک»؛ «رسالة فی الفیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحة البلاد»؛ «مشکاةالعارفین»؛ «مظهر المختار»؛ «معترک الاقوال»؛ «معرفةالائمة»؛ «مفتاح/فتاح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[۱]

دوانی در زندگانی وحید ص ۳۶۲ گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبهانی و نابغه عظیم‌الشأنی است که تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد

کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن ۱۳ و ۱۴ وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند.

او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و دراویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبهانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم

خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی اللَّه علیه و آله سال ۱۲۱۶ قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست

تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است

۱- منع‌المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها اذیت خواهند شد و ایذاء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) ۲- پنج رساله به فارسی در مناسک حج ۳- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار ۴- مقامع الفضل ۵- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع ۶- رساله در امامت ۷- فذالک حاشیه بر مدارک و مسالک ۸- (خوان الاخوان اخوا لکشکول والمخلات و ریاض الجنان) ۴ مجلد ۹- قطع‌المقال ۱۰- ملتقط الدر فی تحقیق الکر ۱۱- معترک المقال فی علم الرجال ۱۲- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جبلیه ۱۳- الرغایب در فوائد غریبه ۱۴- رساله تفضیلیه ۱۵- رساله خیاریه ۱۶- رساله خیراتیهٔ در رد صوفیه ۱۷- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری ۱۸- الفوائد در اصول عقاید ۱۹- شرح تجرید و دهها رساله دیگر

فرزندان آقا محمدعلی

آن مرحوم دارای ۹ فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی ۱- آقا محمدجعفر ۲- آقا احمد ۳- آقا اسماعیل ۴- آقا محمود ۵- آقا محمد بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۲۶ -۲۵ /۱۰)، ایضاح‌المکنون (۵۰۷/۲). تاریخ بروجرد (۱۵۱ -۱۴۵ /۱)، الذریعه (۱۷۷/۲۵، ۱۴/۲۲، ۳۴۸، ۳۴۷، ۲۴۶، ۲۰۹، ۱۷۰- ۱۶۹، ۲۱/ ۵۹، ۳۷۵/۲۰، ۱۵۸/۱۷، ۴۰۵، ۱۳۰، ۱۰۱، ۱۶/ ۸۹، ۲۶۶، ۱۲/ ۲۳۴، ۹۵/۶، ۲۴۹/۳، ۳۵۹/۲)، روضات‌الجنات (۱۴۵ -۱۴۲ /۷)، ریحانه (۳۹۹ -۱۹۸ /۳)، شرح حال رجال (۴۲۳/۳)، طرائق‌الحقائق (۱۸۵ -۱۸۴ /۱)، فوائد الرضویه (۵۷۶ -۵۷۴)، الکنی والالقاب (۱۱۰ -۱۰۹ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶ -۳۵۵ /۶)، مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفین (۴۴ - ۴۳ /۱۱)، مکارم‌الآثار (۵۶۷ -۵۶۱ /۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۳ -۱۸۲)، هدیهٔ‌العارفین (۳۶۸/۲).

بهدار، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهدار

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا بهدار در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دا ئم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر . از این رو در سال ۱۳۶۶ به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال ۱۳۶۹به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول درسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال ۱۳۷۲برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال ۱۳۷۶دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. درسال ۱۳۷۸در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام)شدم و در سال ۱۳۸۱فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای ۱۳۷۹تاکنون با برخی از موسسات علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال ۱۳۸۱تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهروز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره

های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذرانـدم و جزء شـاگردان ممتـاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسـفه از محضـر اساتیـد بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضـر درس جنـاب آقـای انصاری شـیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بـدایه و نهایه را از محضـر آقایان فیاضـی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضـر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسـفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضـر عضو هیئت علمی پژوهشـگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسـخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهـات دینی مشـغولم. که می توان به مسـنجر بیلوکس ،پـال تـاک، ال فور ای، ارتبـاط شـیعی و یـاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیـادی بـا مراجعه به این سـایت هـا پاسـخ هـای خـود را در یـافت می نماینـد و از اسـتقبال فراوانی برخـوردار است در حالحاضـر با همکـاری دوسـتان زیرمجموعه در شـبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسـخگویی به سوالات دینی اشـتغال دارم و درگذشـته نیز در مـدت بیش از چهـار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوعهای اینترنتی حضور فعال داشـته ام . در عرصه ژاسـخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعـداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهشتی مهر، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بهشتی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شـدم در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه قم شدم و درکنار دروس حوزوی مقطع کارشناسـی الهیات را در موسسـه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم . در سال ۱۳۷۹ درس خارج مشغول شدم . در سال ۱۳۸۱ در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسـی ارشـد پیوسته پـذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ بـا دفـاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصـیل شـدم .دروس تحقیقا ت و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال ۱۳۷۷ با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشـگاهها می پردازم . پیش از سال ۷۷ هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم منـاطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم .

بهشتی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، قاری، عالم و متکلم امامی. از مشاهیر عصر شاه اسماعیل بود. آنگونه که از «ریاض» نقل شده وی عالمی فاضل و متکلمی برجسته و از شاگردان شمس‌الدین محمد، پسر سیدشریف جرجانی، بود. از آثار وی: کتاب «تجوید القرآن»؛ «کتاب الحساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۵۹/۶)، الذریعه (۶/۷، ۳۶۶/۳/)، ریحانه (۲۹۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین بهشتی).

بهمنی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید بهمنی

محل تولد : باجیگران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال۶۱-۶۰وارد حوزه علمیه قم شدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال ۷۱-۷۰ در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بیرجندی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر، متخلص به صافی، و صافی قاینی. در قریه‌ی گازار بیرجند متولد شد. تحصیلات خود را در قاین، مشهد و نجف به پایان برد و از حوزه‌های درسی استادانی چون میرزا علی رضا مدرس سبزواری، حاج میرزا هدایت الله مجتهد ابهری و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و سید مرتضی یزدی قاینی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی

و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و سرانجام میرزای شیرازی بهره گرفت. وی پس از کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت به بیرجند مراجعت کرد. در بیرجند با آخوند ملا ابراهیم حنفی از افاضل اهل سنت در مسأله‌ی امامت مباحثه کرد و این جلسات سبب شهرت وی شد. او از مشایخ اجازه‌ی آیت الله مرعشی نجفی بود. محمد باقر بیرجندی در بیرجند وفات کرد. از آثار وی: «اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد»؛ «زهر الریاض»؛ «فصل الخطاب»؛ «وثیقة الفقهاء»، در شرح «الارشاد»؛ «نور المعرفة»، در عقاید؛ «رساله رجبیه»؛ «ایضاح الطریق»؛ «فوائد الطوسیه»، در رجال؛ «وقایع الایام»؛ «کبریت الاحمر»؛ «عوائد الغرویه»؛ «فاکهة الذاکرین»؛ «ذخیرة المعاد»؛ «ازاحة الریبة»؛ «مفتاح الفردوس»، در مواعظ و اخلاق.[۱]

حاج شیخ محمد باقر مجتهد بیرجندی اعلی‌الله مقامه الشریف، از معاریف علماء اعلام و فقهاء اسلام بود که صیت فقاهتش در اقطار و بلدان پیچیده و مقام درایتش در علوم اسلامی بهمه جا رسیده بود مصنفات و مؤلفات ایشان مطبوع خواص و عوام و محررات ایشان مورد توجه فضلاء عظام است. تبحرش در فقه برتبه‌ای بود که میفرمود از برای من میسر است بدون مراجعه به کتب مهمات فقه را از طهارت تادیات با اشاره بفتاوی معظم فقهاء در هر مسئله بنویسم.

در وقوف بر اقاویل ارباب ملل و نحل و کتب مذاهب عالمی بی‌بدیل بود پیوسته در مسائل دینی طائفه شیعه و فرقه حنفیه بایشان رجوع داشتند و در مرقومات دولتی هرات از آن جناب بمفتی‌الفریقین تعبیر میشد و نماز جمعه را در زمان غیبت واجب میدانست بوجهی که ترک نمینمود و غالبا بتدریس فقه و اصول و مطالعه کتب معقول و منقول و اقامه جمعه و جماعت و موعظه و جواب مسائل حلال و حرام عمر عزیز خود را گذرانید.

مؤلفات و مصنفات عدیده برشته تألیف و تصنیف آورد که از آنجمله است:

(نورالمعرفه) در معارف خمسه و در آن جمع کرده است مابین اخبار وارده از ائمه

۱- کتاب معصومین و کلمات محققین از حکماء و متکلمین

۲- کتاب صمصام مهدوی در رد رساله شمس‌الدین هروی در اثبات عقاید شیعه و رد عامه بهترین کتابیست که تألیف شده.

۳- کتاب اکفاءالمکائد در رد عقاید باطله بعضی از مشایخ صوفیه.

۴- کتاب زهرالریاض حواشی بر ریاض فقه است.

۵- کتاب فصل‌الخطاب در اثبات نبوت خاصه از کتاب سماویه.

۶- ذخیره‌المعاد جامع طرق و اجازات.

۷- کتاب بغیه‌الطالب دراثبات وجود امام غایب علیه‌السلام.

۸- رساله رجبیه شرح زیارت رجبیه مشاهد مقدسه.

۹- کتاب وثیقه‌الفقهاء در فقه استدلالی بر طریقه مدارک، عبادات آن تمام است.

۱۰- فوائد الکاظمیه در علم رجال.

۱۱- کتاب ایضاح الطریق در محاکمه بین اصولیین و اخباریین از فقها.

۱۲- فوائد الطوسیه در علوم رجال.

۱۳- عوائد الغرویه در شرح فوائد الغرویه مرحوم آقا سید ابوطالب قاینی در علم درایه الحدیث.

۱۴- کتاب ازاحه الریبه در وجوب صلوه الجمعه فی زمن الغیبه.

۱۵- نصح الاستغاثه در حرمت افیون و شراب و حشیش که از آن بملاعین ثلاثه تعبیر فرموده.

۱۶- کتاب کبریت‌الاحمر فی شرایط المنبر در سه مجلد که یکی از آنها بنام مکین الاساس در احوال حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام.

۱۷- کتاب مفتاح الفردوس در اخبار فضائل و مصائب ائمه طاهرین بر نهج کبریت الاحمر.

۱۸- وقایع الایام.

۱۹- فاکهه الذاکرین در ادعیه و زیارات.

۲۰- رساله‌ای در سیر و سلوک.

۲۱- سفینه‌القماش حاوی لطائف بسیار نظیر کشکول شیخنا البهائی و غیر از اینها و از این کتب هفت مجلد بطبع رسیده بقیه مخطوط مانده است.

مرحوم آیه‌الله بیرجندی طبعی روان و ذوقی فراوان داشته و بصافی تخلص مینموده و حدود دو هزار بیت از اشعار ایشان جمع‌آوری شده ولی بطبع نرسیده است.

آن جناب در سال ۱۲۷۶ ق در بیرجند متولد و در ۱۲ سالگی در تحت تربیت برادر بزرگش حاج ملا محمد علی برای تحصیل بقاین رفته و در مدرسه جعفریه مشغول تحصیل شده و در آنوقت چنان اتفاق افتاد که مرحوم خانلرخان اعتصام‌الملک که از برای تعدیل مالیات قاینات و سیستان از طرف دولت مأمور بود بمدرسه‌ی قائن رفته و از فضلاء و طلاب مدرسه سئوالاتی کرده و جماعت فضلاء از جواب عاجز مشارالیه با صغر سن از عهده‌ی جواب برآمده و جوابهای شافی و کافی داد که مرحوم خانلرخان ایشان را اعزام بمشهد مقدس نموده و در اثر مساعدت آن مرحوم در مدرسه میرزا جعفر در مدرس مرحوم شیخ‌الرئیس شاهزاده ابوالحسن میرزای قاجار ساکن گردید و چند سالی در آنجا اقامت داشت تا از سطوح فقه و اصول فراغت یافت و در خلال این احوال بدرس حکمت و معقول مرحوم میرزا علی رضا مدرس سبزواری نیز حاضر و امور عامه و طبیعیات و الهیات نزد آن مرحوم تلمذ کرده و نیز از محضر مرحوم حاج میرزا هدایت‌الله مجتهد ابهری و مدرس معروف خراسان استفاده نموده و آن مرحوم مکرر میفرمود که من فقط درس را از برای ایشان میگویم زیرا که شیخ بهائی در عالم خواب توصیه او را بمن فرمود، پس از مشهد مهاجرت بنجف اشرف نموده و بدرس مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد منتقل بسر من رای گردیده و بدرس مرحوم آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی شرکت نموده و علم حدیث را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری تکمیل کرده و در سال ۱۳۰۵ ق بعد از تشرف بمکه معظمه بایران مراجعت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار کرده و در اوائل ورودش در مجلس امیر علم خان حکومت وقت با آخوند ملا ابراهیم حنفی که از افاضل نامی اهل سنت بوده در مسئله امامت و دیگر مسائل خلافیه مذهبی در جلسات عدیده مباحثه کرده و در تمام جلسات غلبه و پیروزی با ایشان بوده و این خود وسیله شهرت مقامات علمی ایشان گردیده و در آن شهرستان بوظائف دینی و روحانی قیام نموده تا در سال ۱۳۵۲ ق در شب جمعه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام در وقت سحر داعی حق را اجابت گفته و در تشییع جنازه ایشان تجلیلی بعمل آمد که نظیر آن کمتر دیده شده است.

مقارن فوت ایشان کرامات عدیده بظهور پیوست و منامات عدیده دیده شد که بالجمله کاشف از علو- مقام و درجات اوست. معظم‌له از آیات عظام نجف چون حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و حاج میرزا حسین نوری و آیه‌الله صدر اصفهانی و آیه‌الله سید حسن صدر کاظمینی و دیگر اعلام اجارات جامع اجتهاد و روایتی دارند.

نگارنده این سطور هم بیک واسطه از آن جناب اجازه دارم اعلی‌الله مقامه و رفع‌الله درجاته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۱/۹)، بهارستان آیتی (۳۱۸ -۳۰۵)، الذریعه (۱۲۷/۲۵، ۳۷۷/۲۴، ۹۷/۱۶، ۵۹/۳)، ریحانه (۳۰۴/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۵، ۱۴۴ /۲)، علماء معاصرین (۱۶۸ -۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۵۴۱)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۶ -۲۶۳ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹ -۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۹۳ -۹۲ /۹)، مکارم الآثار

(۲۱۰۴/۶).

بینا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن بینا در سال ۱۲۹۰ه.ش در همدان زاده شد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه و فراگیری زبانهای عربی و انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد و در رشته علوم عقلی و عرفانی لیسانس گرفت. از آن پس به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرستانها مشغول به تدریس شد. وی رئیس کتابخانه آرامگاه ابوعلی سینا همدان است و تحقیقات بسیاری پیرامون علوم عرفانی و آثار ابوعلی سینا دارد.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محسن بینا درسال ۱۲۹۰ه.ش در همدان متولد شد. او در مکتب خانه های همدان شروع به تحصیل مقدمات علوم که چیزی جز قرآن و علوم دینی نبود، کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن بینا پس از گذراندن تحصیلات اولیه در مکتب خانه های همدان و ادامه تحصیل تا اخذ دیپلم، واردمدرسه آخوند همدان شد و به فراگیری زبان عربی و انگلیسی پرداخت. سپس وارد دانشگاه تهران شدو در رشته علوم عقلی و عرفانی لیسانس گرفت و از آن پس به تحقیق و تالیف آثاری درزمینه عرفانی اسلامی پرداخت.فعالیتهای ضمن تحصیل : محسن بینا درهنگام تحصیل در رشته علوم عقلی وعرفانی در دانشگاه تهران به مطالعه آثاری عرفانی گذشته ایران و نیز آثار شیخ الرئیس بوعلی سینا پرداخت.استادان و مربیان : محسن بینا در هنگام تحصیل دررشته علوم عقلی و عرفانی در دانشگاه تهران، از محضر اساتید برجسته ای چون مرحوم عصار، الهی قمشه ای، شهابی و ... بهره مند گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن بینا پس از فراغت از تحصیل در رشته علوم عقلی و عرفانی از دانشگاه تهران، به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای آنجا به تدریس پرداخت. وی در حال حاضر ریاست کتابخانه بوعلی سینا را برعهده دارد.فعالیتهای آموزشی : محسن بینا پس از فراغت از اخذ مدرک لیسانس، به عنوان دبیر در دبیرستانهای شهر همدان به تدریس مشغول شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محسن بینا به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری درزمینه عرفان اسلامی و نیز تصحیح متون گذشته عرفانی ایران بسیار علاقمند بوده و دراین زمینه فعالیت چشمگیری داشته است.آرا و گرایشهای خاص : محسن بینا در تصحیح متون عرفانی و تحقیق در عرفان اسلامی ایران، به آثار خواجه عبدالله انصاری و شیخ شبستری توجه ویژه ای دارد.

آثار : ۱ اصول فراگیری قواعد زبان عربی ۲ البدایه و النهایه ۳ تعلیم و تربیت در محدوده های روستایی ۴ سراج الصعود لمعاریج الشهود ۵ عیسی از دیدگاه قرآن ۶ مجموعه گل ویژگی اثر : کتاب مجموعه گل، اثری است که استاد محسن بینا در آن شرح اشعار خواجه شمس الدین حافظ شیرازی را با دیدگاهی عرفانی ، در آمیخته است.۷ مرد مشرق ۸ مقامات معنوی ویژگی اثر : کتاب مقامات معنوی اثری است از استاد محسن بینا که در واقع ترجمه کتاب عربی منازل السائرین اثر خواجه عبدالله انصاری عارف ایران قرون چهارم و پنجم هجری است.۹ موسی از دیدگاه قرآن

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۸ /۴۵۴ -۳۸۴ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فزاری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یکهزار ساله تصنیف کرد. از جمله‌ی آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۳/۱)، اعیان الشیعه (۵۶۹ -۵۶۸ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴/۱)، دائرةالمعارف اسلامیة (۴۳۰ -۴۲۹ /۴)، روضات الجنات (۲۶۴ -۲۶۰ /۱)، ریحانه (۳۰۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۳/۱)، سیرالنبلاء (۱۷۰ -۱۶۳ /۱۸)، الکامل (۱۰۴/۸)، کشف الظنون (۲۰۵۱، ۱۹۵۷، ۱۸۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۲۶، ۱۶۲۱، ۱۵۸۲، ۱۴۵۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۱، ۱۰۴۷، ۱۰۰۷، ۷۶۰، ۷۲۱، ۵۷۴، ۴۰۰، ۲۶۱، ۱۷۵، ۵۳، ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن حسین)، معجم البلدان (۴۲۴/۲)، معجم المؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۵۴/۶)، وفیات الاعیان (۷۶ -۷۵ /۱)، هدیة العارفین (۷۸/۱).

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۶۵ -۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله

آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفهٔالکرهٔ و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلهٔ الاعمال النجومیهٔ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰ /۲، ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳، ۱/)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ -۹۹۳، ۳۱۲ -۳۱۱ /۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ -۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمهٔ (مقدمه و ۷۲ -۷۱)، دائرهٔالمعارف الاسلامیهٔ (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ /۲۱، ۱۱۴ -۱۱۳ /۷، ۱۴۹ /۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ -۳۳۴ /۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ -۳۶۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ -۶۱ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ -۱۸۹ /۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۲۵۷ /۴)، معجم الادباء (۲۴۰ -۲۱۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷ -۹۶/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۰ -۶۹۹).

بیهقی، ابوالقاسم زید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. او پدر علی بن زید بیهقی، ابن‌فندق، صاحب «تاریخ بیهق»، شارح «النهج» است. ابوالقاسم بیهقی از مشایخ ابن شهرآشوب مازندرانی بوده است. از آثارش: «حلیهٔ الاشراف»؛ «لباب الالباب»؛ «حدائق الحدائق»؛ «مفتاح باب الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶ /۷)، تاریخ بیهق (۲)، الذریعه (۲۸۰/۱۸، ۸۰/۷، ۲۸۳/۶)، ریحانه (۳۰۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ -۱۱۳ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۸۱).

پاکپور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پاکپور

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم. سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کاورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پرور، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل پرور

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی- شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پورمحمد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن پور محمد

محل تولد : --

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد ۱۳۶۸ ، حسین متولد ۱۳۷۳ ، محمّد مهدی متولد۱۳۸۱ و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده ، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی(ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.

با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجّت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ باحفظ سمت به عنوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پهلوانیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .

از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودك و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

تربتی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۷ -۱۱۵۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. وی در تربت حیدریه به دنیا آمد و در آن شهر و مشهد رضوی تحصیل کرد تا در فقه و اصول و معقول و منقول استادی یافت. پس از آن به تدریس و ارشاد شاگردان پرداخت. تا سالها در آن شهر ساکن بود، در اواخر عمر به سفر حج رفت، اندکی پس از بازگشت از سفر حج از دنیا رفت. از جمله آثارش: حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه» شهید ثانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲ -۱۲۱ /۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲)، مکارم الآثار (۱۰۴۲/۴)، منتخب التواریخ (۶۲۵ -۶۲۴).

ترخان، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم ترخان

محل تولد : بن جی کول ، نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

ترکاشوند، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ترکاشوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ سوم راهنمائی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی ، نظری، به تحصیل ادبیات عرب ، منطق ، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم .

در سال ۱۳۷۴ به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم لمعه را در نزد استاد قاسمی و اصول را در نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده ، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم.در سال ۱۳۸۰ توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال ۸۱ همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از

محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح ۳ مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی ،خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان" بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه "مشغول شدم.

از سال ۱۳۸۱ همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکزی همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه ، موسسه تحقیقاتی ولی عصر ، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال ۱۳۸۳ ضمن تدوین و آمده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی ۸۵ نیز به صلاحدید مسئوولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارك و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲ –۱۹۱ /۱۳ ،۹۱/۴)، ریاض العلماء (۳۳۲ –۳۳۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۳/۱۱).

تقدیری بشرویه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقدیری بشرویه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله

شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجهٔ السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین رفیعان نیشابوری و دیگراستادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل دروس حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیهٔ الله پایانی (ره) ، مرحوم آیهٔ الله صالحی مازندرانی (ره) ودروس خارج حوزه را در محضرحضرات اساتید آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، آیهٔالله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم.در حین تحصیل به جهت علاقه وافربه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون ازسرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام وهمچنین به عضویت گروه پژوهش کودک و نوجوان صدا وسیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجهٔ الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی درراه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. وپس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدریابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم.ازتوفیقات بنده در راه خدمت به معارف اهل بیت علهیم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی وتخصصی مذاهب اسلامی بوده است. ودرتبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق اهل سنت و مرزی واجرای برنامه ی کلاسی و اردویی ونویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقدیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در ۵ مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:

۱- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک در دبیرستان امام صادق(ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی(ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهایه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد

آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت ۵ سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.

۲- تحقیق: به طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، خانواده، حزن، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.

۳- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.

۴- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.

۵- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً ۲۰ سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال ۱۳۷۹ که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در ۶ دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم.

در سال ۱۳۷۹ به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران –) تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی – تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقوی قزوینی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه حاج سیدمحمدتقی تقوی قزوینی به سال ۱۱۵۹ هـش (هـ.ق) ، در قزوین دیده به جهان گشود. پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت. سیدمحمدتقی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار ، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می رسد. وی سرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری دیده از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علامه حاج سیدمحمد تقی قزوینی پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف

شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت.استادان و مربیان : سیدمحمد تقی تقوی قزوینی علوم کلام و حکمت را از محضر علامه مازندرانی معروف به «جدلی» فراگرفت. وی همچنین از محضر سیدمحمد مجاهد که در اصفهان عهده دار تدریس فقه و اصول بود و نیز از محضر شیخ ابراهیم کرباسی بهره های فراوان برد. او پس از آنکه از اصفهان به موطن خود بازگشت ، وارد مدرسه صالحیه شد و در محضر درس بزرگانی چون شهید ثالث و شیخ محمد صالح برغانی حائری و نیز ملاآقا حکمی قزوینی حاضر شد ، و بعد از آن عازم عتبات عالیات گردید. او ابتدا در کربلا از حوزه درس شریف العلما مازندری حائری (م ۱۲۴۶ق) و سپس از محضر سیدباقر بن سیداحمد قزوینی و ملا اسماعیل عقدایی و سید سلیمان طباطبایی یزدی بهره مند گشت و در کاظمین به حوزه درس سیدعبدالله شبر و دیگران ملحق گردید و به مقام عالی علمی نائل گردید و از مشایخ خود و همچنین شیخ احمد احسایی اجازه دریافت کرد.زمان و علت فوت : وفات علامه حاج سید محمدتقی تقوی قزوینی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد. جسد وی را پس از تشیع با شکوهی به کربلا حمل نموده و در آنجا به خاک سپردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدتقی تقوی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار ، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می رسد. او همچنین به شعر و شاعری نیز نزدیک بود ، مجموعهٔ از سروده های فارسی او در جنگ نفیسی متعلق به کتابخانه امام صادق (ع) قزوین وجود دارد که در آنها با نام « رفیع » و گاه « موفق » تخلص کرده است.آرا و گرایشهای خاص : شیخ جابرکاظمی در کتاب خود سلوه الغریب در مورد سیدمحمدتقی تقوی چنین می گوید: « وی در حکمت و فقه و اصول و فنون اسلامی به سرحد کمال رسیده بود و مردم از اقصی بلاد جهت اخذ دعا به زیارت وی می شتافتند... » آثار : ارجوزه هایی در صرف و نحو ، فقه ، معانی و بیان ، کلام ، منطق و عرفان ، التجلیات ، انوار الاشراق ، برهان العصمه ، تذکرهٔ انبیای بنی اسرائیل مدفون در قزوین ، ترجمه نهج البلاغه ، خلاصه التفاسیر، ظرایف الحکمه ، نهایه التحریر فی شرح التجرید

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی ، ج ۱ ، تهران: دوستان و ناهید ، ۱۳۷۷ ، ص۸۰۲۲ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم

تقوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۵۱ در خانواده ای روحانی در قم متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در حالی به مدرسه رفت که پس از چند ماه مدارس تعطیل شد. پس از گذراندن سیکل وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و همزمان با دروس حوزوی در دبیرستان شبانه مشغول به تحصیل شد و پس از أخذ دیپلم در دانشگاه پیام نور موفق،به أخذمدرک لیسانس در رشتهٔ جغرافیا(برنامه ریزی شهری و روستایی) شد.

او دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون علیدوست، محمدی، موسوی تهرانی، فقیهی و پایانی به پایان رساند و دروس فلسفه

را در محضـر آقـای اسـحاق نیا فرا گرفت. پس از گذرانـدن دورهٔ سـطح در دروس خارج آیات عظام وحیـد خراسانی ، شـیخ جواد تبریزی، کرباسـی و هادوی تهرانی شرکت نمود و همزمان در مؤسسهٔ تخصصی کلام اسلامی موفق به گذراندن دورهٔ سطح ۴ حوزه شد. او از سال ۱۳۸۰ به بعد به پژوهش در فقه، اصول و کلام پرداخت و با مؤسـساتی مانند مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزهٔ علمیه قم، معاونت تبلیغ حوزهٔ علمیه، مجلهٔ تخصصی مبلغان، مؤسسه امام صادق زیر نظر آیت الله سبحانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) همکاری نموده و می نماید.

تنکابنی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشـک ایرانی. مقـدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شـهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصـفهان شـد و بیست و دو سال در خـدمت آخونـد ملاعلی نوری مازنـدرانی شاگردی کرد و کتب ملاصـدرا را نزد وی فراگرفت. «شـرح لمعه» را نزد ملا محمـدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تـدریس روی آورد و در اصـفهان «تجریـد الکلام»؛ «شوارق»؛ «شـرح لمعه» و «تفسـیر قاضـی بیضـاوی» را درس می‌گفت. میرزا سـلیمان به آموختن دانش پزشـکی پرداخت و در رشـته‌ی پزشـکی شـاگرد میرزا اسـماعیل اعرج اصـفهانی بـود. میرزا اسـماعیل بـه تنکـابنی طب آمـوخت و خـود نیز نزد او شـرح «تجریـد الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصـص العلمـاء»، است. از جمله آثـار وی: حاشـیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشـیه بر «مفاتیـح الشـرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشـیه بر «الفوائد الضـیائیه» جامی، حاشـیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :قصص العلماء (۷۳-۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۹/۱۳).

توتونچی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰-۱۲۹۰ ق)، فقیه و متکلم شـیعی. وی در تبریز به دنیا آمـد و مقـدمات علوم را همان جا فراگرفت. در سال ۱۳۱۴ ق به نجف کوچ کرد و در خـدمت اسـتادانی چون محمـدحسن مامقانی و شیخ‌الشـریعه‌ی اصـفهانی به تکمیل دانشـهای دینی خود پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به زادگـاهش بـازگشت و به تـدریس و تصـنیف و امـامت و ارشاد مردم روی آورد. توتونچی از بزرگان علمای تبریز بود. از جمله آثـار وی: «ازاله الوساوس و الاوهام عن قـدس ساحه الاسـلام»، در رد نصارا و ابطال؛ «بحر الفوائـد»، به فارسـی؛ «الادله العقلیه»، در اصول؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ «هدایه الانام الی حقیقه الایمان و الاسلام»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۲۵ ،۴۴/۳ ،۵۳۰/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷/۱۴)، معجم المولفین (۱۸/۴).

تونی، موسی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، متکلم، عالم و حکیم امامی. وی از فحول متکلمان و اکابر علما و حکمای امامیه بود. پس از اخذ مقدمات متداوله و علوم اسلامی فقه و حدیث را از مولی محمد مومن که از شاگردان شیخ بهایی بود فراگرفت و از ائمه فتوی و تقلید در مشهد شد. سپس به تدریس پرداخت و عالمان بسیار از محضر وی بهره می‌بردند. مولا محمد صادق نیشابوری از شاگردان وی بود که از وی اجازه داشت. از آثار وی: رساله‌ای در «زکاه»، به فارسی؛ تعلیقات بر کتاب «الاحتجاج» طبرسی؛ حواشی بر «تفسیر صافی» ملامحسن فیض کاشانی؛ شرح مجلس ابن‌بابویه با رکن‌الدوله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۲۲۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۵ -۶۰۴ /۱۱).

جاودان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جاودان

محل تولد : میناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴ سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.

سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه

وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده ام.با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگواری چون آیت آلله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح ۲ و ۳ تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاقه ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسما "به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم.در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جراذینی رازی، علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، متکلم، فقیه و محدث امامی. وی از مردم خراذین یا جراذین ری بود. از زندگی وی و روزگاری که در آن بوده، چیزی نمی‌دانیم. نجاشی (م ۴۵۰ ق)، با چهار واسطه از وی روایت می‌کند. بیشتر رجال‌نویسان شیعه وی را به غلو متهم و نکوهش کرده‌اند و احادیثی را که از وی روایت شده ضعیف دانسته‌اند. علامه حلی نام وی را خراذینی آورده و در دیگر کتب رجال تحت عنوان خرادینی نیز آمده. وی در ری مقیم بود و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «آداب و المروات»؛ «الرد علی سلمانیه» یا «سلیمانیه» که یکی از فرق غالی شیعه است. این کتاب که ردی بر غلات شیعه است غالی بودن وی را نفی می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۱/۱۰، ۱۲/۱)، رجال ابن داود (قسم ۴۸۴ /۲)، رجال النجاشی (۷۹ -۷۸ /۲)، ریحانه (۱۲۳/۲ -۳۹۹/۱)، ری باستان (۳۳۱/۲)، الفهرست للطوسی (۲۲۳)، لغت‌نامه (ذیل/ جراذینی)، معجم رجال الحدیث (۶۸/۱۲).

جرجانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم و متکلم امامی. وی اصلا از مردم جرجان بود که در اصفهان سکنی داشت. او در ابتدا معتزلی بود که به دست عبدالرحمان بن احمد جیرویه رجوع به مذهب امامیه کرد. نجاشی در کتاب «رجال» حود وی را ستوده و می‌نویسد: از اصحاب جلیل و عظیم‌القدر است. از جمله آثار وی «الجامع فی سائر ابواب الکلام کبیر»؛ «المسائل و الجوابات فی الامامه»؛ «موالید الائمه (ع)»؛ «مجالس مع ابی‌علی الجبائی»؛ «الامامه»؛ «النقض علی الجبائی»، در امامت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۹/۲۴، ۲۳۶/۲۳، ۳۶۶/۱۹، ۳۳۵/۲)، رجال النجاشی (۲۹۸ -۲۹۷، ۴۷ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۲ -۲۸۱، ۱۴۷ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۶/۱۶).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۹ ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در ۹۲۹ ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۶/۱۳)، روضات الجنات (۲۱۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۴).

جرجانی، شریف‌الدین، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۶ -۷۴۰ ق)، شاعر، متکلم، حکیم و محدث حنفی. در قریه‌ی طاعون استرآباد تولد یافت. در همان جا به کسب علوم پرداخت و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و در آنجا نزد قطب‌الدین رازی و محقق دوانی بود و از استادش قطب‌الدین روایت کرد. پسرش و جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز الشافعی و شیخ منصور بن حسن کازرونی نیز از او روایت کرده‌اند. قاضی نورالله به گواهی شاگردان جرجانی، سید محمد نوربخش و شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسایی، او را شیعه می‌داند. شاه شجاع در سال ۷۷۹ ق او را به شیراز برد و در مدرسه‌ی دارالشفاء به تدریس گماشت. جرجانی بعد از فتح شیراز به دست تیمور گورکانی به سمرقند فرستاده شد و در این شهر با سعدالدین تفتازانی محاورات و مباحثاتی داشت. بعد از مرگ تیمور به شیراز آمد و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «الاصول المنطقیه»؛ «المترجمان فی لغات القرآن»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی شرح حکمه العین»؛ «حاشیه آداب البحث»؛ «رساله‌ی القدر»؛ «حاشیه شرح شمسیه»؛ «حاشیه مشکاه المصابیح»؛ «رساله در تقسیم علوم»؛ «رساله در وجود»؛ «شرح التذکره النسیریه»؛ «تعریفات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۰ -۱۵۹ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲، ۹۱، ۸۸ /۴، ۲۹۲ -۲۹۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۱ -۱۹۰)، حبیب السیر (۵۴۷ -۵۴۶ /۲)، رشحات عین الحیات (۱۹۰ -۱۸۶ /۱)، روضات الجنات (۲۹۴ -۲۸۷ /۵)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، الذریعه (۱۸۵، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۷۰ /۶، ۴۲/۱۵، ۷۳/۲۳، ۲۲۲/۲۴، ۳۲۴، ۳۰۸، ۱۹/ ۲۰۵/۵، ۳۸۴/۲۲، ۵۶/۲۵، ۴۹/۱۷)، ریحانه (۲۱۷ -۲۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۰/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۲ -۱۶۱)، کشف الظنون (۲۲۹)، الکنی والالقاب (۳۶۰ -۳۵۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۰ -۲۱۷ /۲)، معجم المولفین (۲۱۶/۷)، هدیه الاحباب (۱۶۱)، هدیه العارفین (۷۲۹ -۷۲۸ /۱).

جرجانی، شمس‌الدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، ادیب نحوی، متکلم و نویسنده. ملقب به میر سید شمس‌الدین و معروف به ابن شریف. در شیراز متولد شد. وی پس از تحصیل دانش، برخلاف مذهب پدر، تشیع اختیار کرد. شمس‌الدین ادیب و حکیمی زبده بود و آثار بسیاری تالیف و تصنیف کرد، از جمله: شرح «هدایه الحکمه» ابهری؛ شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ شرح «الفوائد الغیاثیه»، «غره» و «دره» در منطق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۷)، الذریعه (۱۷۵/۱۴، ۸۱/۱۳، ۷۷/۷)، ریحانه (۲۴۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۱ -۲۲۰ /۲)، هدیه العارفین ۱۸۹/۲).

جزایری شیرازی، محمد مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۰ -۱۰۷۴ ق)، عالم، محقق، متکلم، محدث، فقیه و شاعر امامی. وی در شیراز به دنیا آمد و در آن شهر به کسب علم و تحصیل معارف پرداخت، سپس به دیگر شهرها سفر کرد و از محضر بزرگانی چون مولی شاه محمد شیرازی و مولی مسیح‌الزمان فسوی و حکیم محمدهادی بهره گرفت و از علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و امثال آنها به دریافت اجازه نایل شد. سید عبدالحیّ در «نزهۀ الخواطر» استادان وی را در هر رشته به تفصیل آورده است. محمدمحسن شیرازی از شاگردان او است. تألیفات و آثار وی بالغ بر سی و نه کتاب و رساله است که برخی از آنها به چاپ رسیده. از جمله: «مجالس الاخبار و مجالس الاخیار» در هفت جلد؛ «خزانۀ الخیال المشحونۀ من طرق المعانی والالفاظ الموزونۀ بامثال اللال»، در سه مجلد؛ «طیف الخیال فی مناظره بین العلم والمال»، و شرح آن «تعبیر طیف الخیال»؛ «تمیمه لفوائد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۲۹ /۲ ،۴۲۸، ۳۴۷ -۳۲۲ /۱)، الذریعه (۳۵۸ -۳۵۷ /۱۹، ۱۹۶/۱۵ ، ۱۵۶/۷، ۴۳۵ ، ۲۱۰ -۲۰۸ /۴)، فوائد الرضویه (۶۰۰ -۵۹۹)، معجم المؤلفین (۶۹/۱۲)، هدیه العارفین (۳۱۰/۲).

جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، محدث، متکلم شافعی، قاری و مورخ. معروف به ابن جزری. در دمشق به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در زهد و تقوی معروف بود و در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد و بعد از آن اوقات خود را صرف تحصیل حدیث کرد. جزری در نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت، مهارتی به دست آورد. از ابوالفدا و ضیاءالدین و شیخ‌السلام بلقینی اجازه‌ی فتوی گرفت. او در دوره‌ی تیموری به سمرقند دعوت شد و تا زمان امیرتیمور در ماوراءالنهر ماند و بعد از مرگ وی به دارالسلطنه هرات شتافت و در آخر عمر به شیراز رفت و متصدی قضاوت شیراز شد و همان جا درگذشت. برخی از آثار وی: «المقدمه الجزریه»، در تجوید؛ «التمهید فی علم التجوید»؛ «النشر فی القرآت العشر»؛ «غایه النهایه فی طبقات القراء»؛ «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب»؛ «الهدایه فی علم الروایه»؛ «المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد»، در حدیث؛ «التاریخ»؛ «عقداللألی فی الاحادیث المسلسلۀ العوالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۵ -۲۷۴ /۷)، ایضاح المکنون (۷۲۳، ۵۴۴، ۴۸۱، ۴۴۷، ۲۲۷ ، ۱۱۰ /۲ ،۵۳۹، ۳۱۵، ۱۶۸، ۱۵۱ ، ۸۱، ۲۶، ۸ /۱)، حبیب السیر (۵۴۸/۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۶ -۴۷۵ /۳)، دایرۀالمعارف الاسلامیه (۱۲۰ -۱۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۷ -۱۰۶ /۸)، ریحانه (۴۱۰ -۴۰۸ /۱)، کشف الظنون (۲۰۴۲، ۲۰۲۸، ۱۹۵۲، ۱۸۵۹، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، ۱۶۹۹، ۱۴۹۷، ۱۳۲۳، ۱۱۵۰ ، ۱۱۳۲ ، ۱۱۱۸، ۱۱۰۵، ۷۴۳، ۶۶۹، ۶۲۱ ، ۵۲۰ ، ۴۸۴، ۴۲۱ ، ۳۸۹، ۲۹۵، ۲۹۰ ، ۲۷۷، ۲۱۱ ، ۲۰۰ ، ۱۵۲، ۱۵۰ ، ۱۲۸، ۱۱۴، ۵۳)، الکنی و

الالقاب (۱۴۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزری)، معجم الموفین (۲۹۲ -۲۹۱ /۱۱)، هدیه الاحباب (۱۱۹)، هدیه العارفین (۱۸۸ -۱۸۷ /۲).

جعفری، ابوالقاسم زید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، محدث و متکلم امامی. معروف به جعفری. پس از تکمیل مقدمات و فنون ادب نزد افاضل علمای خاندان خود، فقه و حدیث را از حوزه‌ی درس امام شمس‌الاسلام ابومحمد حسن ابن بابویه معروف به حسکا، جدّ شیخ منتجب‌الدین، فراگرفت و به مقام علمی نائل شد. سپس به تألیف و تدریس پرداخت و کرسی فتوی را به دست گرفت و جمعی از علمای امامیه در حوزه‌ی او تربیت یافتند. از جمله آثار وی: «الدعوات عن زین‌العابدین (ع)» که این کتاب غیر از ادعیه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه» است؛ «المغازی والسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۱ /۲۱ ،۲۰۲/۸)، فهرست منتجب الدین (۸۰)، معجم رجال الحدیث (۳۳۵/۷).

جعفری، محمد صابر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صابر جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود . کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیایی دانشگاه باقر العلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم . با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم حوزه فعالیتم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمنا جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، وهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گذری بر زندگی نامه حجةالاسلام جعفری دانشمند محترم حضرت حجةالاسلام و المسلمین میرزا وهاب جعفری از فضلا و نویسندگان حوزه علوم دینی در سن ۷۶ سالگی در شهر قم بدرود حیات گفت.

ایشان در ذی قعده ۱۳۵۳ ق / ۱۲ اسفند ۱۳۱۳ ش در روستای بیلوردی از توابع شهرستان هریس (استان آذربایجان شرقی) دیده به جهان گشود. پدرش حاج خلیل فرزند محمد از کشاورزان و پارسایان بود. میرزا وهاب مقدمات را در شهر تبریز نزد میرزا عمران علیزاده، شیخ مصطفی اعتمادی و شیخ حسین نجفی فرا گرفت و شرح لمعه را نزد میرزا محمد توتونچی و سید محمد کاظم طباطبائی(مفید)به پایان رساند. وی پس از پنج سال توقف در تبریز در حدود سال ۱۳۵۵ ش رهسپار حوزه قم شد و در مدرسه حجتیه سکنی گزید و دروس سطوح را نزد حضرات آیات شیخ احمد پایانی اردبیلی، سید محمد باقر سلطانی طباطبائی، سید جواد خطیبی تبریزی وشیخ ابوالفضل علمائی سرابی سپری کرد و به درس خارج حضرات آیات سید کاظم شریعتمداری و سید محمد شیرازی راه یافت. در ضمن علوم عقلی را نزد سید حسن قاضی طباطبائی، شهید شیخ مرتضی مطهری و دکتر مهدی حائری یزدی و دروس تفسیری را از محضر سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی) استفاده نمود.

جعفری از استادش شیرازی اجازه اجتهاد و از سید شهاب الدین مرعشی، سید عبدالله موسوی شبستری و سید صادق شیرازی اجازات روایی دریافت کرده بود. آثار قلمی ایشان عبارتند از:

۱-ترسیمی از شخصیت بزرگ اسلامی عبدالله بن عباس، چاپ شده در قم؛

۲-داستان های مروج الذهب، قم، ۱۳۷۶ش؛

۳-اهل بیت (علیه السلام) در نهج البلاغه، قم،۱۳۸۱ش؛

۴-عبرت های تاریخ، قم، ۱۳۸۱ش؛

۵-ذکر در قرآن و نهج البلاغه، قم، ۱۳۸۵ش؛

۶-ده فرمان قرآن، نشر اندیشه هادی قم، ۱۳۸۶ش؛

۷-چهل حدیث، تاکنون مخطوط می باشد؛

۸-تقریرات درس فقه، نیز مخطوط است.

شایان ذکر است نامبرده نیم قرن درحوزه علمیه قم سکونت داشته و در طول این سال ها علاوه بر تدریس مقدمات و برخی از کتب سطح در خدمت اسلام مرجعیت و مشغول ترویج مذهب و تقدیم خدمات اجتماعی نیز بوده است.

حجةالاسلام جعفری در پی بیماری در غروب روز سه شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۴۲۹ ق/ ۱۳ فروردین ۱۳۸۷ش درسن ۷۶ سالگی در شهر قم دیده از جهان فرو بست. پیکرش صبح روز پنجشنبه تشییع و در جوار علی بن جعفر (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

نویسنده: عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه :آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

جمالی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جمالی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا ـ دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم . درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایهٔ الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی

ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .

البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جوادی آملی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللّه جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللّه شعرانی (ره) و آیت‌اللّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّه‌علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استَنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّه هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّه اَخَذَ. ۳ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ

ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. ۴ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. ۵ ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّه لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. ۶ ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. ۷ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمَةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّه‌له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸ ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. ۹ ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰ ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد،

جایز است و آیه مبارك و كريم، لاينهاكم اللّه عن الّذين لم يقاتلوكم فى الدّين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبرّوهم و تقسطوا اليهم انّ اللّه يحبّ المقسطين، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیـهٔاللّه نجفی مرعشـی) پشت مسجد آیـهٔاللّه گلپایگـانی، جنب مـدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شـرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشـگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوهٔ، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزنـدم جناب حاج شیخ مرتضـی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مـدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزنـد بزرگ این خانـدان خواهـد بود. تمـام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسـراء است. ایجاب و قبول، اقبـاض و قبض، حاصل، و صـیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شـد، ربّنا تقبل منّا و خـذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جهانگیری، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی جهانگیری

محل تولد : سهرورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

یحیی جهانگیری سـهروردی به سال ۱۳۵۹ در سـهرورد زنجان دیده به جهان گشود روسـتایی که مهد پرورش عرفان ، فلسـفه و هنر اسـلامی است شـیخ اشـراق سـهروردی شـیخ عمر شـهاب الدین سهروردی و احمد خطاط سهروردی از زادگان این دیارند.ایشان به خاطر نبوغ علمی هماره مورد تحسین اهالی و معلمان بود علی رغم علاقه معلمان به تحصیر او در دبیرستانهای نمونه وی راه مطالعه علوم حوزوی را آغاز نمود .سال سوم به دعوت مسـئولین حوزه خدابنده به تدریس رسمی نیز مشغول شد، در حالیکه ۱۷ سال بیشتر نداشت.

تـدریس همزمـان بـا تحصـیل او را از آگـاهی یـابی به علوم جدیـد بـاز نـداشت لـذا همگـام با حوزه دبیرسـتان را نیز تمام نمود و به یادگیری زبان انگلیسـی پرداخت. با پایان دوره مقدمات عازم قم شد و افزون بر دروس رسـمی ضمن قبول شدن در مرکز تخصصی کلام اسـلامی در آنجا مشـغول شـد و فارغ التحصـیل گشت.اینک ایشان فارغ التحصـیل رشـته ادیان از دانشـگاه در مقـدطع ارشد و خارج حوزوی بوده و به زبانهای انگلیسـی و عربی مسلط میباشد .مصاحبه با مطبوعات و شبکه سحر به زبان انگلیسی و کسب جوائز

در مسابقات شعر از سوابق ایشان است .ایشان علاوه بر اینها به تبلیغ درمناطق محروم و دبیرستانها و پایگاههای بسیج و کانونها مشغول بوده و با سایت شخصی پاسخگوی پرسشها می باشند.

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ –۹۱۸ ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور هَمْدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان جا درگذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و

یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدقم حسینی و شیخ رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «الفیه» الشهید؛ «مناظرة مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایة الحدیث» یا «وصول الاخیار الی اصول الاخبار»؛ «تحفة اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله‌ی «الوسواسیة»؛ «الرضاعیة»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۰/۲)، اعیان الشیعه (۵۶/۶)، ایضاح المکنون (۵۱۶، ۳۴۶ /۱)، تکمله امل الآمل (۱۸۶ –۱۸۲)، الذریعه (۷۰/۱۵، ۳۸/۱۱، ۲۴۹/۹، ۱۶۳ –۱۶۲ /۶، ۱۷۵/۵، ۴۱۴/۱)، روضات الجنات (۳۳۶ –۳۹۲ /۲)، ریحانه (۱۳۰ –۱۲۶ /۴)، فوائد الرضویه (۱۴۰ –۱۳۸)، الکنی والالقاب (۱۰۵ –۱۰۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (۱۷/۴)، هدیة العارفین (۳۲۰/۱).

حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۷۰ ق)، متکلم، فقیه، محدث و قاضی. مشهور به ابن حداد یا ابن حذاء. او از نوادگان عبداللّه بن عامر، فاتح خراسان، بود. برخی وی را حنفی پنداشته‌اند، اما بیشتر رجال‌نویسان شیعی بر تشیع وی حکم کرده‌اند. او معاصر صدوق دوریستی بود و از جد خود و از ابوالحسن علوی و ابوعبداللّه حاکم و ابوطاهر بن محمش و ابن فنجویه دینوری و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. وی از ملازمان ابوبکر بن حارث اصفهانی نحوی بود و از احمد بن علی بن منجویه نیز بهره گرفت، اما فقه را از قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد آموخت. ابن شهرآشوب در «معالم العلماء» به شرح حال او پرداخته است. از آثار وی: «تصحیح خبر ردالشمس لعلی (ع)»؛ «خصایص علی بن ابی‌طالب (ع) فی القرآن» و «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»؛ «دعاء الهداة الی اداء حق الموالات»، ذکر حدیث غدیر خم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۷ –۱۳۶ /۸)، الذریعه (۲۴۳ –۲۴۲ /۱۴، ۱۹۶/۸، ۱۶۶/۷، ۱۹۵ –۱۹۴ /۴)، ریاض العلماء (۲۵۷ –۲۵۶ /۳)، سیر النبلاء (۲۶۹ –۲۶۸ /۱۸)، الغدیر (۱۴۶/۱)، معجم رجال الحدیث (۷۵ –۷۴ /۱۱)، هدیة الاحباب (۱۱۶).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ –۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه

او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامهٔ الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعهٔ الغراء»، در فقه: «الشعلهٔ الجوالهٔ»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالهٔ الغین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۵ ،۲۳/۱۰، ۲۵۷، ۳۱ /۲)، ریحانه (۳۷۹ -۳۷۷ /۳)، فوائد الرضویه (۹۲ -۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حائری قمی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد علی حائری قمی، یکی از مدرسین و علمای بزرگ قم در قرن اخیر است، فقیهی محقق و مجتهدی اصولی، دانشمندی زاهد و متقی با معاصر با مرحوم حاج شیخ بود. مرحوم حائری قمی در سال ۱۲۹۹ در شهرستان قم متولد شد و پس از پیمودن مقدمات علوم وارد تهران شد و مدتها از محضر آیت الله آشتیانی بزرگ استفاده نمود و سپس عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر آخوند خراسانی، علامه یزدی و اعلام دیگر بهره مند بود و بعد از آنکه به درجه اجتهاد و استادی رسید حدود ۲۵ سال در کربلا و سامرا از مدرسین و مروجین مکتب بود. وی با مرحوم میرزای مجاهد خیلی مأنوس بود و با همدیگر اخوت و صمیمیت زیادی داشتند و سالها از همکاران میرزا محمد تقی در سامرا بود.

نوشته اند در سال ۱۳۴۹ به قصد زیارت ثامن الحجج روحی له الفداء عازم ایران شد و بعد از زیارت به زادگاه خویش آمد و در جمله همکاران آیت الله حائری قرار گرفت. مرحوم قمی شخصیت جامع و مرجعی کامل و مجتهدی مدرس بود. از دیدگاه علما و فقها پس از فوت مرحوم حاج شیخ تنها معظم له لایق زعامت و اعلمیت بود که متأسفانه اجل مهلتش نداد، بعد از ماهها کسالت سرانجام در سال ۱۳۵۸ وفات نمود و در مسجد بالا سر جنب علما مدفون شد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

حبلرودی رازی، نجم‌الدین خضر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۵۰ ق)، متکلم و فقیه امامی. در حبلرود ری متولد شد و در نجف ساکن. وی از شاگردان شمس‌الدین محمد بن سید شریف جرجانی بود و معاصر با علامه دوانی و شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. از آثار وی: «التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدین»، در اصول؛ «جامع الاصول»، در شرح کتاب «الفصول فی الاصول»؛ «حقایق العرفان فی خلاصه الاصول و المیزان»؛ «توضیح الانور»؛ «تحفه المتقین فی اصول‌الدین»؛ «جامع الدقائق»، در منطق؛ «القوانین»؛ «جامع الدرر»، در شرح «الباب الحادی عشر»

علامه، خلاصه‌ی آن: «مفتاح الغرر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲۳/۶)، الذریعه (۳۳۷ -۳۳۶ /۲۱ ،۴۱/۵، ۴۹۱/۴، ۴۸۴/۳)، روضات الجنات (۲۵۱/۳)، ریاض العلماء (۲۳۹ -۲۳۶ /۲)، ریحانه (۱۳۸ -۱۳۷ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶ -۵۵ /۹)، لغت نامه (ذیل/ خضر)، معجم المولفین (۱۰۲/۴).

حبیب اللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حبیب اللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حسن بگی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حسن بگی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی حسن بگی در سال ۱۳۴۸ در شهر علم و صنعت، در خانواده‌ای مذهبی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام قدم به عرصه گیتی گذاشت، دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیت به پایان رساند که در کنار تحصیلات متوسطه از شرکت در جلسات مذهبی و هیئتها را غافل نماند و با عشق هرچه تمامتر به خدمت گذاری و تبلیغ در امر دین پرداخت. لذا با این مقدمه و شوق فراوان به فراگیری علوم دینی سبب شد در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اراک گردید پس از مدتی شوق ادامه تحصیل بیشتر او را به قم کشاند و پس از اتمام موفقیت آمیز دروس سطح در سال ۱۳۷۰ در پای درس اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم و وحید خراسانی حاضر گشت و از محضر این بزرگان کسب فیض کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس دینی در حوزه علمیه قم و اراک مشغول تدریس شد و طلاب فراوانی از تدریس ایشان بهره های علمی بردند.

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفۀ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاۀ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الاَسرار لسلّاك الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغهٔ علی تجرد النفس الناطقهٔ

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّهٔ

رساله رؤیا

من کیستم

رسالهٔ فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسك حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعهٔ الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفهٔ العسجدیّهٔ فی آلاتٍ رصدیّهٔ

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفهٔ الأجِلَهٔ فی معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّهٔ الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رسالهٔ فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج

رسالهٔ فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعلیق شرح جغمینی

تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس

تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس

تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاة

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

– الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

– الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

– الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

– الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود ؛و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ؛و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ؛» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی آملی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسنی آملی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

فرزنـدی از پدر و مادری متدین در سال ۱۳۵۴ دیـده به جهان گشود او را علی نامیدنـد او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضـایی بی آلا‌یش روسـتا سپری کرد و بـا اتمام دوره راهنمایی عازم شـهری بزرگ و معروف که تاریـخ طولانی در تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شـهیدین (بهشتی و قدوسـی ره) مشغول به تحصـیل در علوم دینی شـد. در حـدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سـطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شـروع به تحصـیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشـغول به تحصـیل در دوره کارشناسـی معارف اسـلامی گردیـد.بعـد از اتمام دروس سـطح حوزه در دوره تخصصـی فقه و اصو ل مدرسه شهیدین شرکت کرده واز سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشـته ادیان در سـطح دکتری همان مرکز شد.لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاهای کشور نیز می پرداخت

حسنی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسـنی فرزند حبیب الله ، اسـفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولـد شـدم و تا کلاس هفتم دبیرسـتان را همان جا

گذراندم . در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنیه

قرن:۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوم هجری، از زنان فاضل، عالم و متکلم. وی از کنیزانی بود که به اسارت مسلمانان درآمد و در زمان هارون‌الرشید (۱۹۳ – ۱۷۰ ق) مسلمان شد و در اخبار، روایات و اصول اعتقادات، معلومات فراوانی کسب کرد. شیخ ابوالفتوح رازی (۵۲۵ – ۴۸۰ ق) مناظره‌ای که او در مجلس هارون کرده در رساله فارسی خود آورده است. به نوشته رازی وی مذهب اهل سنت را طبق عقاید خودشان رد کرد و مذهب شیعه را ثابت نمود. برخی نویسندگان بر این نظرند که اصولا شخصیتی به نام حسنیه وجود خارجی نداشته است و رازی برای طرح نظرات کلامی مذهب شیعه، چنان داستانی را ساخته و پرداخته کرده است، چنانکه سید بن طاووس در کتاب طرائف خود از زبان یک نفر اهل ذمه چنین کاری نموده است.[۱]

(ز ۱۹۳ ق)، دانشمند، عارف، متکلم و حکیم. وی از زنان ایرانی تبار بود که به اسارت مسلمانان درآمد و بعضی او را تربیت شده‌ی خاندان عصمت و طهارت (ع) دانسته‌اند که از محضر امام صادق (ع) بخصوص بهره‌مند گردیده است. وی در اخبار مذاهب چهارگانه عامه و علم کلام وقوف کامل داشته است. حسنیه در حضور هارون‌الرشید با شیخ ابواسحاق نظام معتزلی و محمد بن ادریس شافعی و ابویوسف قاضی مناظره کرد و بر آنها پیروز شد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «احیاء الداثر» هنگام شرح حال شیخ ابراهیم استرآبادی می‌نویسد: وی در ۹۸۵ ق در سفر حج رساله‌ی این مناظره را نزد بعضی از سادات علوی دمشق یافت و به ایران آورد و به نام شاه طهماسب ترجمه کرد. علامه مجلسی ترجمه‌ی این رساله را به فارسی در انتهای کتاب «حلیه المتقین» خود به طور کامل ذکر کرده است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منابع: اعلام‌النساء، ۲۶۴ / ۱؛ ریحانهٔ‌الادب، ۴۵ / ۲؛ زنان سخنور، ۱۱۴ / ۱؛ النساءالمؤمنات، ۳۰۲ – ۳۰۰.

[۲] اعیان الشیعه (۴۰۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۰/ ۷، ۹۷/ ۴)، روضات الجنات (۱۶۳/ ۱)، ریاحین الشریعه (۱۴۸/ ۴)، ریاض العماء (۴۰۶/ ۵)، ریحانه (۴۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حسنیه)، مشاهیر زنان (۷۵).

حسین زاده، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حسین زاده

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آبـادان، جایی بود که در سال ۱۳۵۹ دیپلم گرفتم، عشق فراگیری به معـارف دین من را به کیلومترهـا آن طرف‌تر، به قم کشانـد. در ابتـدا در مـدرسه رسالت مشـغول به تحصـیل شـدم، اما چنـد ماهی از شـروع درس نگذشـته بود که آژیر جنگ نواخته شد. وظیفه و تکلیـف شـرعی خود دیـدم که به جبهه بروم، حـدود سه سـال پی‌در پی در منطقه جنگی حضور داشـتم.در سـال ۱۳۶۲ مجـدد به قم بازگشـتم مقـدمات را در مدرسه رضویه و دوره سـطح را در نزد اساتید بزرگواری همچون هادوی، آل‌غفور، اسـتادی، طاهری خرم آبادی، شب‌زنده‌دار، پایانی، اعتمادی، گنجی و غیره گذراندم و از حضور آنان حداکثر اسـتفاده را بردم.بعد از آن یک دوره خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را در نزد آیت الله سـبحانی دام عزه فراگرفتم در ضـمن در درس خارج فقه و تفسیر آیت الله جوادی آملی دام عزه شرکت داشتم و بهره‌های فراوان از آن بردم.در سال ۱۳۷۶ به دوره تخصصی کلام رفتم و در سال ۱۳۸۰ با نمره عالی فارغ التحصیل شدم و پایان‌نامه سطح چهار را به نام «رابطه فقه و کلام» دفاع کردم فعالیت پژوهشی خود را از سال ۱۳۶۹ آغاز کردم و در مراکز متعـددی همچـون مرکز تحقیقـات جـامعه مدرسـین، پژوهشـگاه فرهنـگ و انـدیشه اسـلامی، مرکز مـدیریت خواهران و موسـسه امام صادق(ع) بوده‌ام. آثاری از آنها به چاپ رسـیده است. از سال ۱۳۷۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به عنوان استادیار گروه معارف اسلامی و در حوزه‌های علمیه مختلف تدریس نموده‌ام.

حسین زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین زاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسین زاده در مرداد ۱۳۴۰ در شهر مقدس قم به دنیا آمد . پس از اتمام دوزه راهنمایی حدود سالهای ۱۳۵۳.۵۴دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنج سال و اندی در سال ۱۳۵۹ توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد . در دوره تحصیل سطح علاوه بر دروس رایج . فلسفتنا . اقتصادنا. عربی جدید . انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت . فقه و اصول را در مقطع عالی سطح از محضر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله قافی فرا گرفت . از سال ۵۹تا ۷۴ به مدت ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید بر جسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری . شبیری زنجانی . و... مشارکت فعال داشت در طول تحصیل و پژوهش به طور مستمر در دروس اخلاق و فلسفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغاز تحصیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمایی های معظم له بهره بسیاری برد به علاوه او در درس های اسفار حضرت آیت الله جوادی نیز چند سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز استفاده کرد . حدود سال ۱۳۶۵ به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم(ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت . از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج ۶ و نیز شناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال ۱۳۷۱معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال ۱۳۶۹برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسی . همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانستند در آن نشست شرکت کنند . اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال ۱۳۷۴ علاوه بر تحقیق در رشته فلسفه در بنیاد باقر العلوم . تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد که تاکنون ادامه دارد . در سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی(ره) گردید . او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسینی خلخالی، ملا حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، متکلم و مفسر. از شاگردان بنام میرزاجان شیرازی بود و استاد عبدالکریم بن سلیمان کورانی. تالیفاتی چند به فارسی و عربی از وی به جای مانده، از جمله: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی؛ «رساله فی المبدا الاول و صفاته»؛ حاشیه بر رساله «اثبات الواجب» دوانی؛ حاشیه بر «شرح العقاید العضدیه‌ی» دوانی؛ حاشیه بر «شرح تهذیب المنطق» دوانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۶ -۱۶۵ /۱۱)، کشف الظنون (۱۱۴۴، ۸۸۸، ۵۱۶، ۱۹۲)، معجم المولفین (۳۱۹، ۲۲۱ /۳)، هدیه العارفین (۲۹۱/۱).

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهرری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهرری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۳ –۱۰۸۰ ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۵/۱)، تذکره القبور (۴۷۷)، الذریعه (۱۹۴/۲۴، ۳۶۲/۱۳، ۶۱/۱۲، ۱۵۳/۴)، روضات الجنات (۱۱۶ –۱۱۵ /۷)، ریحانه (۳۹۰/۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، معجم المولفین (۱۹۶/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۰۹)، هدیه العارفین (۳۱۶/۲).

حسینی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کاشان شدم . بعد از اتمام لمعه در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده به ادامه تحصیل پرداختم . مکاسب را نزد استاد پایانی و رسائل را نزد استاد اعتمادی و کفایتین را نزد استاد مازندرانی به اتمام رساندم .همزمان با تحصیل در همان کاشان از سال ۵۸ به تدریس مقدمات پرداختم و تا سال ۶۲ صمدیه و بخشی از سیوطی را نیز تدریس کردم .با ورود به قم به صورت آزاد ، شرح لمعه و حلقات را و در مدرسه امام باقر (ع) معالم را تدریس می کردم و بعد از شرح لمعه و معالم به تدریس بدایه المعارف ، تفسیر ، و مکاسب پرداختم که هنوز هم در مدرسه مذکور و به صورت آزاد ادامه دارد .در تاریخ ۳/۲/۱۳۷۱ موفق به اخذ رتبه دوره اول خارج از دفتر تبلیغات اسلامی شدم .

درس های خارج را هم ازمحضر آیات عظام : فاضل لنکرانی ، میرزا جواد تبریزی (یک دوره اصول) و فقه ادامه دارد وحید خراسانی بهره برده و می برم .در سال ۱۳۷۳ در دوره تخصصی کلام شرکت نموده و بعد از چهار سال موفق به اخذ مدرک سطح چهار کلام شدم .از سال ۱۳۷۸ به صورت رسمی دست به قلم بردم و در مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه بخش کلام و تفسیر مشغول پاسخگویی به شبهات شدم که تا کنون بیش از ۴۰۰ پرسش ، پاسخ داده شده است .قابل ذکر است گاه به جهت تعدد مقالات در مجله مبلغان از اسم مستعار جواد خرمی، حسین تربتی و ... استفاده شده است .

حسینی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی حسینی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از شش ماه در مدرسه مبارکه رضویه نزد اساتید آنجا مشغول به تحصیل گردیدم و اتمام مقدمات تا سطح در آنجا گذراندم و سطح را نزد اساتید بزرگواری چون مرحوم پایانی آیه الله استادی . موسوی گرگانی . تهرانی .گنجی . میر باقر به اتمام رساندم و بیشتر در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ العظیمی مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و بعد از آن در دو موسسه فقه و کلام وارد شدم و به حول و قوه الهی هر دو را به پایان رساندم و به نوشتن پایان نامه

دوره فقه و اصول اشتغال دارم و ضمناَ در دفتر همکار ، حوزه دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) در گروه فلسفه علوم اجتماعی یک دوره در این زمینه با دیگر دوستان در گروه به مطالعه و پژوهش حول موضوع فلسفه علوم اجتماعی پرداختم و نیز برای تدریس در دانشگا ه امتحان معارف دادم و در مرکز مطالعات نمایندگی ولی فقه در جهاد کشاورزی ضمن کمک به آن مرکز برای تألیف مجله جهاد با همکاری دیگر همکاران کتاب جلوه ها ی خدا محوری در زندگی را در زمینه اخلاق تألیف نموده ام و نیز مقالاتی چاپ نشده از قبیل دین کار و کتاب ناتمامی را تحت عنوان شادی و سرور در اسلام و نیز آسیب شناسی تربیتی در خانواده را دارم . (ذکر حج ، مهشر) و (ارکان استصحاب) و (ضرورت یابی ریشهای پژوهشهای فقهی) و تفسیر موضوع مقاله) نسخ در قرآن) فارق بین علوم اجتماعی و تجربی و... را نوشته و در حوزه تدریس به تدریس سطح بصورت نا منظم پرداخته و دو سال به تدریس در دروس عمومی (روش مناظره) مدرسه مجید (مرکز جهانی) اشتغال داشته ام و نیز یک دوره کلام جدید را در بنیان امام رضا علیه السلام گذرانده ام و کار می کنم .

حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۶ ق)، فقیه، محدث، مفسر و متکلم شافعی. معروف به شیخ‌الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانی بود، به احمد حفید نیز شهرت داشت. وی مدت سی سال در زمان سلطان حسین بایقرا عهده‌دار قضای هرات بود. شاه اسماعیل صفوی، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو کشت. وی در بیشتر علوم زمان، بویژه فقه و حدیث و تفسیر یگانه‌ی زمان و فرید عصر بود. از آثار وی: «شرحی بر تهذیب المنطق و الکلام»؛ «تعلیقه بر شرح عقاید نسفیه»؛ «حاشیه بر مختصر»؛ «حاشیه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجیه»؛ «حاشیه بر شرح الوقایه لصدر الشریعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۹/۴)، روضات الجنات (۳۵۳ -۳۵۲ /۱)، کشف الظنون (۲۰۲۳ ، ۱۴۸۰ ، ۱۲۴۷ ، ۱۱۴۴، ۵۱۶، ۴۷۵)، الکنی و الالقاب (۱۲۲ -۱۲۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المولفین (۲۰۶ -۲۰۵ /۲)، هدیه العارفین (۱۳۸/۱).

حقانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیهٔ الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام

است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیهٔ الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیهٔ الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیهٔ الله مجاهدی و آیهٔ الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیهٔ الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیهٔ الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایهٔ الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیهٔ الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیهٔ الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایهٔ الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاك او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیهٔ الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایهٔ الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاهٔ ، صوم ، زکوهٔ ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارك خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی

همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیهٔ العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیهٔ الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، کلامی، حکیم و ریاضیدان. در تهران متولد شد. تحصیلات وی در سبزوار، نزد حاج ملاهادی سبزواری بود. در سال ۱۲۷۶ ق به تهران مراجعت کرد و در همین شهر درگذشت و در صفاییه دفن شد. وی در علم کلام و حکمت و ریاضی مهارت تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۵۲/۲).

حکیم شاه قزوینی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، حکیم، متکلم، طبیب، نحوی و شاعر. مشهور به حکیم شاه محمد. نخست در شیراز می‌زیست. اجدادش پزشک بودند و خود نیز در پزشکی دست داشت. وی مدتی نیز در مکه زندگی کرد و بنا به تعریف و تحسین مولی ابن الموید که از علمای بنام دربار بایزید دوم، پادشاه عثمانی بود، توسط پادشاه مذکور به استانبول دعوت شد و پزشک دربار گشت و تذکره‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی در سالهای ۹۲۹ -۹۲۷ ق به نام سلطان سلیم بن بایزید عثمانی ترجمه کرد. او از شاگردان علامه‌ی دوانی بود و در اکثر علوم زمان خود دست داشت. حکیم مولفات خود را به دو زبان فارسی و تازی تالیف می‌کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «تفسیر سوره‌ی النحل تا آخر قرآن»؛ «ربط السور و الآیات»؛ حواشی بر «تهافت» مولی خواجه‌زاده مصطفی بن یونس، حواشی بر «شرح العقاید نسفی» تفتازانی؛ ترجمه‌ی فارسی و ترکی «حیوه الحیوان» دمیری، به نام «حیوه الانسان» که برای سلطان سلیمان نگاشته؛ ترجمه‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی یا «ذیل تذکره الشعراء»؛ «شرح عقاید ملاجلال دوانی»؛ شرح «ایساغوجی»، در منطق؛ شرح «کافیه‌ی» ابن‌حاجب؛ «نصیحت نامه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۲۳ -۱۲۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۷ -۲۷۶)، الذریعه (۱۰۲/۹)، ریحانه (۴۵۵ -۴۵۴ /۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۴۵)، کشف الظنون (۱۹۵۸، ۱۸۹۳، ۱۳۷۱، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۸۳۲ -۲۰۸)، لغت نامه (ذیل/ حکیم شاه)، مجالس النفائس (مقدمه، لا- مج)، معجم المولفین (۱۷۰/۱۱)، هدیه العارفین (۲۲۹/۲).

حکیم یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و متکلم. در یزد و تهران درس خواند، در معقول شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای در منقول شاگرد میرزا ابوالقاسم کلانتری و میرزا محمد حسن آشتیانی بود و از میرزای آشتیانی اجازه اجتهاد داشت. پس از پایان تحصیلات در قم ساکن شد و به تدریس پرداخت. بیشتر آوازه‌ی شهرت او به خاطر مهارت او در حکمت بود. شیخ محمد علی، فرزند محمد جعفر قمی، از شاگردان اوست که «رسائل» شیخ مرتضی انصاری را در خدمت وی فراگرفت. حکمی در قم درگذشت و پیکرش در مقبره‌ی شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الرساله الرضاعیه» یا «الرضاعیات»، به فارسی؛ شرح «الشواهد الربوبیه» ملاصدرا؛ شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «بدایع الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۶/۸)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۱)، الذریعه (۱۹۲/۱۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۷/۱۴).

حکیم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حکیم

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در یازده سالگی پس از شرکت در اولین جلسه تعلیم قرآن که از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در سراسر قم بود شرکت کردم در تابستان بعدی اولین تدریس قرآن را آغاز کردم. پس از آن در همان سال تحصیلی علاقمند به حوزه شدم و در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و کنار درس به مسائل رفتاری توجه خاصی داشتم و قبل از آغاز جنگ به مطالعه روانشناسی روی آوردم پس از دو سال جبهه که مسئولیتهای نسبتاً سنگین مانند قائم مقامی سازمان تبلیغات استان خوزستان و مسئولیت توزیع روحانیان به سپاه و ارتش برعهده اینجانب بود که به خاطر مسئله تربیت کادر و نیروی آینده احساس تکلیف کردم به قم برگردم (در اثر اصرار برخی از اساتید) و طرح تربیت الگو و مدرسه آزمایشی راه انداختم هدف از طرح انتقال رفتار و تغییر سریع رفتار در نوجوانان از طریق الگوی همسن طرح بسیار موفق و جامعی بود و کاملاً علمی در کنار اجرای طرح طراحی مدرسه نمونه نیز مد نظر بود ولی متأسفانه جو عمومی علمی نبود این طرح را سازمان تبلیغات قم پوشش حمایتی می‌داد و آموزش و پرورش همکاری می‌کرد به هرحال خیلی بار علمی و عملی داشت تا سال ۱۳۶۶ ادامه یافت و برخی خروجی‌های آن اکنون در حوزه و دانشگاه که برخی پزشک نمونه کشور شدند و سایر رشته‌ها و برخی که در دولت کنون افغانستان در وزارت آموزش و پرورش آن در حد برنامه ریزی درسی مدیرکل و معاون وزیر شدند به هرحال تأسف آور این است که این تجربه مدفون ماند در حالیکه کشور به آن نیاز داشت وضع تربیت اکنون نتیجه عدم برنامه‌ریزی علمی است و تربیت آشفته دینی ما هم از همین امر ناشی می‌گردد.

در کنار دروس حوزه که حتی در جبهه قطع نشد درقم کنار حوزه و مطالعات رفتاری به بررسی متدهای تغییر رفتار در از مدت در بزرگسالان و بحث روان درمانی هم نیز پرداختم در بیمار اضطراب حاد و بسیار وسواس داشتیم و نتایج فوق‌العاده جالب بود و حاکی از اهمیت تغییر رفتار پیش از بلوغ و تا ۲۱ سالگی بود در حوزه از روش‌های هم دروس قدیم اصول و دروس حلقات اصول همزمان پیش می‌بردم در سال ۶۸ وارد بحث خارج شدم و در آن زمان نیز اولین تدریس دانشگاه را آغاز نمودم که به اصرار آیت الله اراکی بود چندان مشتاق نبودم و تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ هزار دانشجو را در زمینه‌های مختلف معارف تفسیر قرآن اخلاق و تربیت عقاید و دفع شبهات هر مقطع پرداختم که در هر دانشگاه همیشه از نظر دانشجویی رتبه اول را داشتم در کنار آن بحث خارجم تا سال ۸۲ قطع نشد و پس از آن به خارج اعزام شدم و نزدیک یک سال در فنلاند امامت جمعه و تبلیغ و تدریس داشتم و فوق‌العاده با جوانان مسلمان رابطه صمیمانه و با خانواده ما برقرار شد ولی محیط غرب را اصلاً تحمل نکردم برای من حکم زندان را داشت در سال‌های ۱۳۷۶ مدیر گروه کلام واحد کلام و فلسفه را داشتم.

و در سال ۱۳۷۹ مدیر گروه فلسفه و کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران را برعهده‌ام گذاشتند و در همان سال نیز مدیریت گروه اخلاق و تربیت برعهده داشتم که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت یعنی تا سفر خارج کشور در کنار آن سه دوره تدریس کلام استدلالی در سطح عالی برای تربیت مدرس خواهران داشتم که از نظر روش تدریس از اساتید بزرگ دیگر نیز پیشی گرفته بودم و در دوره سطح سه کلام و فلسفه دفتر تبلیغات تدریس متون قدیم کلام و تدریس عقاید استدلالی را داشتم.و از سال ۱۳۷۵ یا ۷۶

اولین کارهـای علمی در اینترنت در کتب بـا وهابیـان و مسیحیان عرب زبان بود شـروع و تاکنون ادامه دارد هر وقت فرصت کنم به چت های داغ و علمی رفته و مـدت چهارماه برای مجمع اهل بیت هم نظارت و هم اداره علمی مباحث اینترنت را برعهده داشـتم که استقبال بسیاری داشت والحمدالله رب العالمین.

حکیمی – محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السـر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشـهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آسـتان امـام رضا –ع – پناه برده بود، از محترمین بازار مشـهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صـد کلمه (از کلمـات قصـار امیرالمـؤمنین علی –ع– بـا ترجمه‌ی منظـوم)، و نیز مقـداری از دیـوان حافـظ، درسـهای دوره‌ی ابتـدایی را در مـدرسه فرا گرفت. درسال ۱۳۲۶ به حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد وارد شـد و بیست سال در آنجا به علم انـدوزی و خود سـازی پرداخت. هشت سـال به درسـهای مقـدمات و سـطح و دوازده سال به درس خارج اشـتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چنـد تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شـیخ محمـد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضـر آیت الله میرزا احمـد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاونـدش بود، و آیت الله علی نمـازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سـطح و مقـداری از خارج را، از جمله خـارج کفایه، در محضـر آیت الله شـیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سـال از افاضات آیت الله شـیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسـفه (شرح اشارات و اسـفار) و نقد فلسـفه را از محضـر او فرا گرفت و ضـمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سـید محمـد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضـر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصـیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشـر را از بعضـی از فضـلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شـرح منظومه را از شیخ غلامحسـین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آمـوخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سـری هم در علوم دیگر کشـید که مبادا چیزی را فروهشـته باشـد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شـیخ اسـماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضـر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.

گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشـی حکیمی نمایان بود و: بالای سـرش ز هوشـمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهـد اینکه در نوزده سـالگی، هنگامی که درسـهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصـیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پـاس مقام اسـتاد را، سـرود و در شب نوروز ۱۳۳۳، بـه وی پیشـکش کرد. آنکـه کـه آن ادیب اریب، آن قصـیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشـهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع

خواهد آمد.).

نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲.).

این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.

همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی کرد؛ می گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.

آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.

این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامهٔ الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:

زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).

در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا –ع– در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.

هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک – دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:

در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق – ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار

بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...

باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص ۳۶۹-۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳.).

استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.

حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲.) و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایتهایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).

از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشید مغرب:، ص ۲۰۵.) از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محصر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از

این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاة (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاة «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاة، ج ۳، ص ۴-۳. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاة را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاة، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).

هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

استاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۲-۲۱، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»

همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»

در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک،

تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاة (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

حلبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی

بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.

پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت

ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(علامه) ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق اول یا محقق حلی، از بزرگان فقیهان شیعه (ف. ۶۷۶ ه.ق.). وی معاصر نصیرالدین طوسی بود و از او و پدر خویش اجازه گرفت. از تألیفات او شرایع الاسلام، نافع، معتبر، مسالك (در اصول دین)، نکت النهایهٔ (شرح نهایه شیخ طوسی)، معارج (اصول فقه)، تنبیه (منطق)، و نهج الاصول را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۵ ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلا از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ‌الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول‌الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»؛ «ذخائر العقبی»، در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵ -۱۱۴ /۴)، الذریعه (۶/۱۰، ۹۳ -۹۲ /۶)، روضات الجنات (۱۹۲ -۱۸۸ /۲)، ریحانه (۸۷ -۸۵ /۲)، معجم المولفین (۱۴۱ -۱۴۰ /۳).

حویزی، خلف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۴ ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت‌گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق الیقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۴ -۳۳۰ /۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۱، ۳۰۰/۹، ۴۰/۷، ۲۵۸/۶)، روضات الجنات (۷۰۴ -۶۹۹ /۳)، ریحانه (۸۹ -۷۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، معجم المولفین (۱۰۵/۴).

حویزی، فرج اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۰ -۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ -۳۹۹ /۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (۵۹/۸)،هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیدرپور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حیدر پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد حیدر پور در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را نزد اساتید مانند آقایان مدرس افغانی، صالحی افغانی، مهدی زاده ، اعتمادی،وجدانی فخر و استاد پایانی به پایان رساندم. سپس در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، سبحانی،جوادی آملی تلمذ نمودم. به دلیل علاقه شدید به علوم عقلی و به ویژه فلسفه در رشته تخصصی کلام و فلسفه حوزه شرکت نمودم و در سال ۱۳۷۶ دوره را به پایان رساندم. در دروس فلسفه استاد فیاضی حضور مستمر داشتم و در سال ۱۳۷۸ در مدرسه معصومیه مشغول به تدریس عقاید شدم و از آن هنگام تاکنون به صورت مستمر به تدریس کلام و فلسفه مشغول هستم. در سال ۱۳۷۷ با مرکز دایرهٔ المعارف علوم عقلی شروع به همکاری کردم و از آن زمان تاکنون مشغول تحقیق در کلام و فلسفه اسلامی هستم.ضمناً در سال ۱۳۸۰ از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاها اجازه تدریس اخذ کرده ام .

حیدری، حبیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب حیدری دستجردی

محل تولد : آبادان

شهرت : حیدری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان آبادان و اصفهان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پس از دو سال جهت ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از اساتید بزرگواری همچون جناب آیت الله استادی در فقه و گرگانی در ادبیات ، مدرس افغانی در ادبیات عرب و آیت الله سبحانی و جوادی املی و تبریزی و محمدی استفاده نمودم.

و پس از شرکت ۴ سال در خارج اصول و فقه به تخصصی کلام در موسسه امام صادق ع تحت اشراف آیت الله سبحانی مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان تحصیلات به عنوان محقق دائر المعارف کلام اسلامی با این موسسه همکاری نمودم. در سال ۱۳۸۴ جهت سامان دادن به حوزه علمیه آبادان با جمعی از دوستان به آنجا رفتیم که ضمن تدریس اصول و منطق به اصلاح سیستم آموزشی نیز مبادرت کردم. و همکنون با نهاد رهبری در معاونت امور اساتید معارف اسلامی در بخش ارزشیابی اساتید معارف همکاری می نمایم.

خادمیان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس خادمیان

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸–۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خاکی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا خاکی قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خاکی قراملکی با ورود به حوزه علمیه قم مطالعات و تحصیلات خود را در دروس حوزوی و مباحث آزاد آغاز کردم. پس از طی مدتی از تحصیلات و مطالعات اولین بار در سال ۱۳۷۴ دست به قلم شدم هر چند آنها را به چاپ نرساندم اما با ادامه مطالعه و تحقیق همراه با دروس حوزوی اولین مقاله علمی خود در سال ۱۳۸۱ با عنوان تحلیل مفهومی ایدئولوژی به چاپ رساندم. بنده از سال ۱۳۷۳ به مطالعه مباحث اجتماعی به ویژه مباحث سنت و تجدد و غرب شناسی علاقمند شدم مطالعه و تحقیقات قابل توجهی در این حوزه انجام دادم که توانستم در این حوزه به ارائه مقالات و تدوین کتاب نائل آیم.

از سوی دیگر بنده در کنار مطالعات آزاد در رشته تخصصی کلام در سال ۱۳۷۹ وارد مؤسسه تخصصی کلام شده در سطح کارشناسی ارشد سه سال به طور مرتب مشغول تحصیل در آن نهاد شدم. و در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل شده و پایان نامه آن را با عنوان تحلیل هویت علم دین و علم مدرن در حال تکمیل است.

در کنار اشتغال به تحصیل در مؤسسه مذکور توانستم در نهاد علمی یعنی دفتر فرهنگستان علوم با برخی از مباحث جدید این نهاد آشنایی پیدا کنم.اینک مشغول تحقیق و پژوهش در حوزه دین شناسی ، غرب شناسی و مباحث علم و دین و معرفت شناسی و فلسفه و مبحث علم دین هستم.

خرازی تهرانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی تهرانی فرزند مرحوم حاج سید مهدی خرازی، از فضلاء حوزه علمیه قم و مدرسین و مروجین معارف اسلامی و مؤسس مؤسسه راه حق حوزه علمیه قم می‌باشند.

در سال ۱۳۱۶ شمسی برابر سال ۱۳۵۷ قمری (سال هجرت نویسنده این کتاب از تهران به قم) در تهران به دنیا آمده و در بیت سیادت و شرافت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در سال ۱۳۷۵ قمری برابر ۱۳۳۴ شمسی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و دروس اخلاقی را در تهران از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و حاج شیخ احمد مجتهدی و آقا میردامادی و حاج میرزا علی آقای فلسفی خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین حوزه چون حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج شیخ محمدشاه آبادی و حاج میرزا علی مشکینی و حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی و حاج شیخ محمد کاظم معزی و حاج سید محمدباقر سلطانی به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام مرحوم محقق داماد و حاج آقاحسن فرید محسنی و حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی مخصوصا استفاده نموده و مورد توجه خاص معظم‌له گردیده است.

آثار علمی آقای خرازی

الف:

۱- کتاب احیاء الموات فی شرح شرایع الاسلام که در سال ۱۳۹۶ قمری به طبع رسیده است.

۲- حکمه حول نقض حکم الحاکم که در سال ۱۳۶۶ شمسی که در سه شماره نور علم چاپ شده.

۳- حکمه حول العرف نیز در مجله التوحید شماره ۳۴ چاپ شده است.

۴- ولایت فقیه در زمان غیبت که در مجله کنگره آستان قدس به طبع رسیده است.

۵- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری از اول بیع تا خیارات.

۶- حاشیه بر دو جلد کفایه الاصول.

۷- تعلیقه بر نکاح مستمسک العروه.

۸- تعلیقه کتاب الهادی فی شرح شرایع الاسلام.

۹- کتاب الربا فی شرح ملحقات العروه الوثقی.

۱۰- کتاب الخمس فی شرح خمس العروه الوثقی.

۱۱- کتاب الضمان فی شرح ضمان العروه الوثقی.

۱۲- انواع و اشکال که خلاصه از آن در کتاب بازشناسی خبرهای تجاوز و دفاع به چاپ رسیده است.

۱۳- انواع تشریح و احکام آن.

۱۴- کتاب الاجتهاد و التقلید.

۱۵- تعلیقه بر تعلیقه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی بر مکاسب و کفایه.

۱۶- تعلیقه بر چند جلد از جامع المدارک.

۱۷- شرکت در تدوین کتاب الحکومه الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق با همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.

۱۸- پذیرش و تولی از ولی فقیه.

ب: اصول عقاید

۹۱- بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقاید الامامیه تألیف شیخ محمدرضا مظفر در دو جلد که توسط شوراء مدیریت حوزه به چاپ رسیده است.

۲۰- نمونه‌ای از اصول حکمی عقلی- اعتقادی مستفاد از روایات امام کاظم علیه‌السلام

۲۱- معاد این رساله فارسی برای دبیران استان مرکزی تهیه و تدوین شده و در سال ۱۳۶۲ شمسی به چاپ رسیده است.

۲۲- تعلیقه بر شرح تجرید الاعتقاد قسمت الالهیات بالمعنی الاخص.

۲۳- تعلیقه بر شرح باب الحادی عشر.

۲۴- شرکت در تدوین و تنظیم کتاب اصول دین که توسط مؤسسه در راه حق با همکاری چند نفر از اساتید و فضلاء به چند زبان فارسی عربی- اردو- انگلیسی و غیره به چاپ رسیده است.

۲۵- شرکت در تدوین کتاب بیان عقیدتی اسلامی که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با همکاری جمعی از اعضاء جامعه برای تدریس در دانشگاههای کشور جمهوری اسلامی ایران تألیف گردید و توسط مرکز نشر دانشگاهی چند بار به چاپ رسیده است.

۲۶- تعلیقه بر الهیات بمعنی الاخص منظومه حاجی سبزواری.

۲۷- حاشیه بر قسمتی از درر الفوائد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی.

د: اخلاق

۲۸- چند مقاله درباره موضوع علم اخلاق که توسط مجله نور علم به چاپ رسیده است.

۲۹- شرح خطبه المتقین به زبان عربی.

۳۰- شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام.

ه: اقتصاد

۳۱- اقتصاد، حاشیه بر جلد دوم کتاب اقتصادنا مرحوم آیت‌اللّه شهید صدر.

۳۲- شرکت در بحث و جمع‌آوری کتاب التوازن فی الاقتصاد الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق و همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.

۳۳- تأسیس مؤسسه در راه حق در سال ۱۳۴۴ -۴۵ با همکاری عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح ۴ رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسی ارشد فلسفه وکلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی ، دارای مقاله دردائرة المعارف قرآن کریم وتألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد ۱۵سال .

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس

خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزهٔ علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرهٔ المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعهٔ الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، که فیلسوف، متکلم و شاعر معتزلی. از مردم خفر فارس و ساکن کاشان بود، مدتی نیز در هرات نزد سلطان بایقرا به سر برد و از آنجا به عربستان رفت. پس از چندی به کاشان بازگشت و همان جا درگذشت. وی شاگرد صدرالدین دشتکی شیرازی و استاد سید شاه طاهر بن رضی‌الدین اسماعیل حسینی و معاصر علی بن عبدالعالی بود. خفری در کسب دانش دارای همت عالی بود و شعر نیز می‌سرود. آثار وی: «رساله در اثبات واجب»؛ «منتهی الادراک» در هیات؛ «رساله‌ای در علم رمل»؛ «رساله‌ی الهیات».[۱]

شمس‌الدین محمد بن احمد شیرازی، دانشمند و فیلسوف (ف. حدود ۹۶۰ ه.ق.) از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی و ساکن کاشان بود. از آثار وی تذکره خواجه به نام تکمله‌ی رساله‌ی اثبات الواجب و حواشی بر شرح هدایهٔ الحکمهٔ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۱۹/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۴۱)، حیب السیر (۶۱۱/۴)، الذریعه (۲۴۰/۱۲، ۳۳۱/۴، ۱۰۶/۱)، ریحانه (۱۵۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۳۳ -۳۲۹ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ /۲۱۸)، طرائق

الحقائق (۱۳۳/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۲۱۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ خفری)، مجالس المومنین (۲۳۴ -۲۳۳ /۲)، معجم المولفین (۲۵۴/۸).

خلعتبری، حسام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلیلی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خلیلی

محل تولد : بهشهر

شهرت : خلیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در سن ۶ سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن ۱۸سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن ۱۹ سالگی(۱۳۶۵ شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیّه منتظریه (حقانی) سطح ۱ و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح ۲ شده و در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح ۳ را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی(گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصّی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حدّ نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلائلی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال ۱۳۷۲ هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح ۳ و سطح ۴ حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی(ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خمینی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱(۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

درسال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایهٔ الی الخلافهٔ والولایهٔ، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوهٔ (صلاهٔ العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوهٔ)، رسالهٔ لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایهٔ فی التعلیقهٔ علی الکفایهٔ، بدایع الدرر فی قاعدهٔ نفی الضرر، رسالهٔ الاستصحاب، رسالهٔ فی التعادل و التراجیع، رسالهٔ الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالهٔ فی الطلب و الارادهٔ، رسالهٔ فی التقیهٔ، رسالهٔ فی قاعدهٔ من ملک، رسالهٔ فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره، کتاب الطهارهٔ (چهار جلد)، تعلیقه علی العروهٔ الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقهٔ علی وسیلهٔ النجاهٔ، رسالهٔ نجاهٔالعباد)، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیهٔ)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوهٔ، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمهٔ (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰ -۱۳۷۵ ق.).

حضرت آیهٔاللّه العظمی امام سید روح‌اللّه موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیهٔاللّه سید مصطفی خمینی- در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیهٔاللّه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیهٔاللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیهٔاللّه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت

و از محضر آیةاللَّه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللَّه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.

در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیةاللَّه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوهٔ، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایهٔ (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ -۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللَّه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللَّه حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللَّه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللَّه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان،

این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷ –۱۸۵)، الذریعه (۵۲ / ۲۲، ۱۲۳ / ۲۱، ۱۳ / ۱۸، ۶۹ / ۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷ – ۳۴۰ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵ –۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹ –۱۲ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ –۲۳۱ / ۳).

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمد اسماعیل خواجوئی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به " فاضل هندی "و ملا محمد تنکابنی مشهور به " فاضل سراب "تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجوئی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. دراین سالها (۱۱۳۴—۱۱۳۷) هـ ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه ، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجوئی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجوئی در فقه ، اصول، کلام، حکمت، ریاضی ، هیات و ادبیات ، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل های بعد انتقال داد.از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر "مفتاح الفلاح "در شرح دعای صباح"، جامع الشتات " ، "ابطال الزمان الموهوم "و" حاشیه بر اربعین "شیخ بهائی را می توان نام برد". ملا محمد مهدی نراقی"، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس "و

"ملا محراب گیلانی "مشهورترین شاگردان خواجوئی به شمار می روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال ۱۱۷۳ هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد.در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه ای بر سرمزار او بنیاد نهاده است.

خواص، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خواص

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر خواص دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود یعنی تهران سپری کردم .سال چهارم دبیرستان دررشته علوم تجربی ، همزمان با آغاز تحصیلات حوزوی بود از سال ۶۲ تحصیلات حوزوی را بطور جدی در قم آغاز نمودم و در سال ۷۲ دروس سطح را با موفقیت سپری کردم. از سال ۷۳ تا سال ۸۰ به مدت ۷ سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

از سال ۱۳۷۱ که مشغول درس کفایه الاصول بودم وارد موسسه در راه حق شدم و درسال ۱۳۷۴ به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتقل شدم و در سال ۱۳۷۵ در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون ، ارسطو غزالی با رتبه ممتاز دفاع نموده و فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۸۲ به عضویت هیئت علمی موسسه و آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) درآمدم. در سال ۱۳۸۳ در رشته فلسفه دین در مقطع دکترا شرکت نموده و پذیرفته شدم و هم اکنون در ترم اول مشغول تحصیل هستم.

کارهای پژوهشی را از سال ۱۳۷۶ آغاز نمودم و حدود ۳ سال در زمینه فلسفه اخلاق به پژوهش و مطالعه پرداختم که محصول آن ترجمه مقالاتی از دایره المعارف فلسفه اخلاق بکر بود که دفتر اول آن در سال ۸۰ از سوی موسسه امام خمینی(ره) منتشر شده است در سال ۷۷ به همراه جناب آقای اکبر حسینی کتاب دین و اخلاق را تالیف نمودیم که این اثر برای چاپ آماده شد اما متاسفانه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مدت دو سه سالی مفقود شد و پس از مدت ها که پیدا شد منتظر فرصتی برای به روز کردن آن و چاپ هستیم.

هم چنین کتاب منشأ دین را به همراه آقای سید اکبر حسینی تالیف نموده ام که بزودی منتشر خواهد شد.

مقالات جلد دوم فلسفه اخلاق هم در حال آماده شدن است که به همراه مقالات برخی دوستان چاپ خواهد شد.

کتابها و مقالات دیگری هم تالیف شده است که برخی چاپ شده اند و برخی هنوز منتشر نشده اند. موضوعات و زمینه های تدریس این جانب عبارتند از: فلسفه اسلامی ، کلام اسلامی، فلسفه دین، کلام تطبیقی ادیان ابراهیمی و شرقی.

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۵/۱۱۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی‌اش ملاـ محمدباقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمدتقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزاری که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۵ ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۱ ق می‌داند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی ۱۱۲۱». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول‌الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۳۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶/۵)، تذکره القبور (۲۳۸)، الذریعه (۴۴۰/۲۴، ۱۹۲/۱۳، ۸۲/۱۴، ۵۳/۶، ۵۰۶، ۱۲۲ /۴، ۳۶۷/۱)، روضات الجنات (۲۱۰ –۲۰۸ /۲)، ریاض العلماء (۱۱/۷، ۱۱۴/۱)، ریحانه (۵۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸ –۱۴۶ /۱۲)، فوائد الرضویه (۸۴ –۸۳)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (۳۸۳ –۳۸۱ /۲)، معجم المولفین (۲۵۵/۹، ۱۵۴/۳)، هدیه الاحباب (۱۲۰)، هدیه العارفین (۳۲۱/۲).

خوانساری، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۳ ق)، عالم، فقیه، متکلم و شاعر. برادر کهتر آقا جمال خوانساری است و هر دو به نام محمد نامیده شده‌اند و هر دو در اصفهان نشو و نما یافتند، و هر دو محضر پدر بزرگوارشان، محقق خوانساری و دایی دانشمندشان، ملا محمدباقر سبزواری، علم

آموختند. وی قبل از برادرش در جوانی درگذشت. او از کسانی است که حکم شاه سلطان حسین را در نهی از منکرات امضاء کرد. آقا خلیل اصفهانی قاینی از شاگردان اوست. از آثار وی: «المائده السماویه» یا «الاطعمه و الاشربه» که برای شاه سلیمان صفوی به زبان فارسی تالیف کرد، این کتاب متمم «مشارق الشموس فی شرح الدورس» پدرش آقا حسین خوانساری است؛ «شرح حدیث البیضه»، که در «کافی» آمده است، در احوال سفرا و کیفیت غیبت به زبان فارسی، که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشت؛ «شرح کتاب الصوم و الاعتکاف» از «شرح الدورس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶/۲۱، ۱۹۳/۱۳، ۲۱۸/۲)، ریحانه (۲۳۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۱۲)، فوائد الرضویه (۱۸۳ -۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ رضی‌الدین).

خوانساری، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.

سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .

و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیهٔ الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیهٔ الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیهٔ الله نائینی ، آیهٔ اللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیهٔ الله در گرفتن

اجتهادنـامه خود از اساتیـدش کوشـش نکرد. امـا آقـا ضـیاء عراقی – که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهـداری شؤ ونات آقای خوانساری راماننـد علمای متاءخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشـته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شـروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شـد و در صف متحـدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق . بصـره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمـانی از روحـانیون کمـک طلبیـد علمـای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانسـتند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سـرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسـیاری از مراجع فتوای جهاد دادنـد و چون خود در سـنین پیری بودنـد فرزنـدانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردنـد و گروه دیگری از مجتهـدان نیز خود راهی صـحنه جهاد گشـتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیهٔ الله سـید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سـنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سـید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مسـتقر گشت . او در نبرد بـا هزار تیری که داشت و بـا مهـارتی که در تیرانـدازی یـافته بود سـینه سپاهیان دشـمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سـایه رخوت بر گروهی از جنگـاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشـینی در برابر دشـمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شـگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصـره دشـمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشـمن پیروزیهـای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شـکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .

بـا اشـغال بغـداد که مقـارن بـا پیروزیهـای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسـید. از آن سو اشـغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دسـتگیریهای وسـیعی آغاز گشت و سـرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسـمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهـدان عرب تنهـا بـا سپردن تعهـدی آزاد گشـتند اما برخورد با مجاهـدان دیگر متفاوت بود. انگلیسـی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدنـد. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشـغالگران اسـرای جنگی را در بندر بصـره جمع نموده ، آنجا با کشتی هایی به اسـرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسـراء به جزیره سـنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زنـدانی صـحرایی قرار داده شدنـد. در این زنـدان گروهی از مردمان وحشـی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صـبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسـرا سرشـماری می شدند. در آن محیط خش آقـای خوانسـاری به تلاـش علمی روی آورد. او علاـوه بر تـدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبـان انگلیسـی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشـنایی او به زبان انگلیسـی از او خواست کتـابی گمراه سـاز را ترجمه کنـد. او بـا آنکه روزهای سـختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :

((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .

مرجعیت

آیهٔ الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیهٔ الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیهٔ الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی) آیهٔ الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیهٔ الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت و همچنین آیهٔ الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیهٔ الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیهٔ الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیهٔ الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیهٔ الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.

سالهای طولانی تدریس آیهٔ الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیهٔ الله محمد علی اراکی و درس صلوهٔ که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .

نماز

نماز آیهٔ الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیهٔ الله سید احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واهمه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیهٔ الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیهٔ الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد

امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیهٔ الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیهٔ الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبپاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیهٔ الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند

در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجهٔ العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیهٔ الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیهٔ الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیهٔ الله خوانساری جای آمد و شد هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیهٔ الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیهٔ الله خوانساری همگام با آیهٔ الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیهٔ الله خوانساری با فریاد آیهٔ الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیهٔ الله خوانساری با آیهٔ الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیهٔ الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیهٔ الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیهٔ الله خوانساری با همراهانش آیهٔ الله اراکی ، آیهٔ الله آخوند ملاعلی همدانی ، آیهٔ الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیهٔ الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است . و چنین شد که رؤ یای آیهٔ الله بروجردی نیز تعبیر گشت . او در رؤ یای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیهٔ الله حائری قرار دارد.

خوشحال، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم خوشحال

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای ابوالقاسم خوشحال در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای کاملا مذهبی دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد گذراند در پی تشویق پدر و علاقه خود به فراگیری زبان عربی و علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از خرمن بزرگان علم وادب حوزه علمیه مشهد خوشه چینی کرد.

پس از مدتی تحصیل در مشهد به منظور ادامه تحصیل و بهره‌گیری از محضرعالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، شاهرودی بهره ها برد. استاد ضمن تحصیل دروس حوزوی به فکر تحصیلات دانشگاهی افتاد و در رشته کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیلات به زادگاه خویش بازگشت و بر کرسیّ تدریس در دانشگاه مشهد تکیه زد، در این مدت دانشجویان فراوانی از محضر ایشان بهره های فراوان علمی برده اند. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که کتابهای" امّهات فلسفه اخلاق "و" تصحیح رساله ابهری "از جمله آثار ایشان است.

دادجو، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله دادجو

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله دادجو در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم.سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از ۱۲ سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و

اصول شدم ضمنا در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال ۱۳۸۲ مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام.از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگه علوم بزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب

و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

دامغانی، رضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاء دامغانی عالمی مصنف و متکلمی فاضل از علماء معاصر ناصرالدین شاه قاجار دارای آثار ارزنده‌ای می‌باشند که از آنهاست ترجمه (العقاید الوثنیه) در رد نصاری که از تألیفات شیخ محمدطاهر تبریزیست.

فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) نیز ص ۱۷۰ وی را یاد کرده و او را عالم ربانی مجتهد ذکر کرده و از علماء عصر ناصری شمرده و ظاهراً وفاتش در سال ۱۳۰۶ واقع شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

داوود پور، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی داود پور

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال دوم دبیرستان، رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان طالقانی شهرستان بیجار را تمام کرده بودم و یکی دوماه سال تحصیلی سال سوم را سپری کردم که شیفته حوزه شده بودم و درس را رها کرده و به حوزه امام صادق(ع) شهرستان بیجار وارد شدم، یک سال و چند ماهی را در آنجا به تحصیل مشغول بودم که احساس کردم اینجا جوابگوی نیازهای معنوی و علمیم نمی تواند باشد، لذا در سال ۱۳۶۹-۷۰ وارد مدرسه جانبازان قم شدم و از ابتدا دوباره دروس حوزوی را با جدیت بیشتر ادامه دادم و مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم.

در سالهایی که مشغول دروس مقدمات در مدرسه جانبازان بودم، در مدرسه شهید زین الدین قم دیپلم ریاضی را گرفتم. دروس سطح را نیز در مدرسه مرحوم گلپایگانی در خدمت اساتید: موسوی تهرانی، خسروشاهی، سرافراز، عالی و... گذراندم که در این میان بیشتر از محضر حجهٔ الاسلام خسروشاهی و سرافراز بهره مند شدم. در سال۱۳۷۷ بنابر احساس وظیفه در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در رشته معارف و جامعه شناسی مشغول تحصیل شدم و بعد از ۴ سال مرحله کارشناسی را تمام کردم.

در سال ۱۳۸۰ دروس خارج فقه و اصول حوزه را شرکت کردم و در ابتدا حدود یک سال در درس اصول حاج آقا سبحانی شرکت

کرده و در درس فقه آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم و در سالهای بعد نیز دروس فقه آیهٔ الله مکارم را تا کنون که قریب ۵ سال است ادامه دادم و حدود ۴سال هم در محضر آیهٔ الله وحید خراسانی در دروس خارج اصول ایشان توفیق حضور داشته ام و حدود سه سال هم در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی زانوی تلمذ بر زمین نهاده ام. در سال ۱۳۸۲ نیز در کنار دروس عمومی حوزه در رشته تخصصی کلام اسلامی در موسسه امام صادق(ع) تحت اشراف حضرت آیهٔ الله سبحانی در سطح ۳ حوزه حضور یافته و در سال جاری نیز آن را تمام کرده و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

حدود یک سال است که با مؤسسه آینده روشن(پژوهشکده مهدویت) در گروه جامعه شناسی همکاری داشته ام که آخرین مقاله به نام«نقش انتظار فرج در کاهش نا هنجاریهای اجتماعی»در کنفرانس همایش بین المللی مهدویت در تهران در جلد اول مجلدات آن چاپ شد. در ضمن مقالات دیگری نیز در گروه از حقیر موجود است.

دستیاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید دستیاری

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اواخر سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به حوزه علمیه قم وارد شدم و در مدرسه علمیه رسالت و سال بعد در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس در مدرسه رسالت دروس مقدماتی و ادبیات را فرا گرفتم. شرح لمعتمین را خدمت حضرات آیات شب زنده دار، مرحوم آیت الله محامی و حجهٔ الاسلام سیداحمد خاتمی فرا گرفتم. رسائل را از محضر حضرات آیات استادی و اعتمادی بهره برده و مکاسب را در نزد حضرات آیات، پایانی و طاهر شمس(رحمت الله علیه) استفاده کردم. کفایه را نیز در نزد حجهٔ الاسلام گنجی خوانده ام. به علت شوق فراوان به فلسفه وکلام همزمان با رسائل به درس شرح منظومه حضرت آیت الله ممدوحی ایده الله تعالی حاضر شدم و بعد از شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی و همچنین مجلدات اسفار را در نزد ایشان تلمذ نمودم. دوره تخصصی کلام را نیز در این موسسه به پایان بردم و از آنجا که از مدرک گرایی در حوزه به شدت نگرانم علاقه ای به نوشتن پایان نامه از خود نشان ندادم و اخیراً به سفارش اساتید محترم اقدام به ارئه مدارک نموده تا با طی مراحل اداری، موضوع پایان نامه را اخذ نمایم. به تدریس علاقه فراوانی دارم و از سال دوم طلبگی به تدریس روی آوردم و سالهای متمادی کتب ادبیات را تدریس نمودم و همچنین منطق، شرح لمعتین، تفسیر، فلسفه و کلام را نیز متوالیاً تدریس کردم. در طول زندگی طلبگی به غیر از تحصیل، تدریس و تبلیغ به هیچ کار دیگری اشتغال نداشتم. با پایان دوره سطح، در درس خارج فقه آیت الله تبریزی (ره)، خارج اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی(ره) و سپس حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم.

دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۸ -۹۴۰ ق)، متکلم نـامی، حکیم الهی و عـالم امـامی. معروف به خـاتم الحکماء و اسـتاد البشـر و عقل حادی عشـر (الامام الائـمه) و مشـهور به غیـاث الحکمـاء و غیاث‌الـدین. نزد پـدر و دیگر عالمـان زمـان دانشهای عقلی و نقلی را فراگرفت. در چهارده سـالگی داعیه‌ی جـدل و منـاظره بـا علمه دوانی داشت و در بیست سـالگی از تحصـیل و کسب علوم فراغت یـافت و در چهل و سه سـالگی از طرف شـاه اسـماعیل مـامور تعمیر رصـدخانه مراغه شـد. در ۹۳۶ ق بـه صـدارت شـاه طهمـاسب صـفوی رسـید و پس از مباحثات علمی با محقق کرکی از صـدارت کنار رفت و در شـیراز اقامت گزیـد تا درگـذشت. وی مـدرسه‌ی منصوریه را در شـیراز تاسـیس کرد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی» به نام «المشارق»؛ «اخلاق مصنوری»، به فارسی؛ «الاساس»، در هندسه؛ «الاشارات و التلویحات» و «التجریـد»، در حکمت؛ «معالم الشـفاء» «و مختصـر آن «الشافیه» در طب؛ «تحفه شاهی»؛ «تعـدیل المیزان» و مختصـر آن «معیـار الافکـار»، در منطق؛ «جـام جهـان نما»؛ «آداب البحث و المناظره»، شـرح «آداب البحث» عضـدایجی؛ «اشـراق هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور»، در شـرح «هیاکل النور» سـهروردی؛ «کشف الحفقایق المحمـدیه»؛ «تفسیر سوره‌ی هل اتی»؛ «حجه الکلام»؛ «اللوامع و المعـارج» و «سـفیر الغبراء و الخضـراء»، در هیئت؛ «هئیت دشـتکی»؛ «التصوف و الاخلاـق»؛ «تکمله المجسـطی»؛ «تسـطیح الاسـطرلاب»؛ حاشـیه بر «الهیات شفاء»؛ حاشیه بر « شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «شرح حکمه العین»؛ حاشیه بر اوایل تفسیر «الکشاف»؛ «مقالات العارفین»؛ «المحاکمات» بین حواشـی پدرش امیر صدرالدین و حواشی علامه دوانی بر «شرح التجرید» و بین حواشی آن دو بر «شرح المطالع» و بر «شرح مختصر الاصول»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (۳۹۴ -۳۹۱)، الاعلام (۲۴۵ -۲۴۴ /۸)، اعیان الشعیه (۱۴۱/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۳، ۵۱۶، ۵۱۵ ، ۵۰۵، ۴۸۴، ۴۴۱، ۴۱۵، ۳۷۴، ۲۱۹ /۲ ، ۶۰۱، ۲۹۵، ۲۷۹، ۱۶۰ ، ۸۴، ۶۸، ۵۰ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴ -۲۹۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۶ -۳۷۵)، حبیب السیر (۶۰۴/۴)، الذریعه (۲۵۷/۲۵، ۲۷۸ ، ۲۰۰ /۲۱، ۳۷۰/۱۸، ۹۱/۱۵، ۱۹۲/۱۲، ۱۸۶/۱۰ ، ۱۱۰۹، ۷۹۵، /۹ ، ۲۱۴، ۱۴۳، ۷۸، ۷۳، ۶۷، ۶۰ ، ۴۶، ۱۱، ۹/۶، ۲۹۵/۵، ۴۱۶، ۳۴۴، ۲۱۱، ۱۹۹/۴، ۴۴۳، ۳۵۱ -۳۵۰/۳، ۱۰۴ -۱۰۳، ۹۶، ۴/۲، ۳۷۹ - ۳۷۸، ۲۵۲، ۱۰۹، ۱۴/۱)، روضات الجنات (۱۸۸ -۱۶۶/۷)، ریحانه (۲۶۰ -۲۵۸/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۷ -۲۵۴/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۲۲ -۱۲۱/۳)، فارسـنامه‌ی ناصـری (۱۰۴۰ -۱۰۳۹/۲)، فرهنـگ سـخنوران (۴۴۲)، فوائـد الرضـویه (۶۶۹ -۶۶۸)، کشف الظنون (۲۰۴۷، ۱۵۰۱، ۱۱۴۱، ۱۱۱۷، ۸۸۶، ۴۴۹، ۳۵۰)، الکنی و الالقـاب (۴۹۸ -۴۹۷/۲)، لغت نامه (ذیل/ غیاث‌الـدین)، مجالس المومنین (۲۳۳ -۲۳۰/۲)، معجم المؤلفین (۱۹/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۵/۲).

دشتی رحمت‌آبادی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادیان و عرفان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی حوزوی در حوزه علمیه قم به مدت ۱۵ سال، کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۴۸ و دکترا در رشته ادیان و عرفان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرق اسلامی و انشعابات آن، ادیان و عقاید ایران باستان، سیری در علوم اسلامی، مذاهب چهارگانه اهل تسنن، یهود و مسیحیت، ادیان هند و بودا، آداب و عقاید عرب جاهلی، ادیان ابتدائی، معارف شیعه، آشنایی با ادیان بزرگ، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

آئین قربانی در میان اقوام و ملل پیشین و اسلام، منع ازدواج با محارم از دیدگاه اقوام و ملل، سیمای محمد (ص) در تورات و انجیل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دکنی انجدانی، شاه طاهر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۶ -۹۵۲ ق)، متکلم، دانشمند، شاعر. وی در همدان متولد شد. در محلی به نام خند (خواند) نزدیک قزوین روزگار می‌گذراند، با گذشت زمان به خاطر علم و تقوایی که داشت محبوبیت زیادی یافت. تا حدی که معروفترین امام سلسله نزاری شاخه‌ی محمدشاهی شد. وی وارد دربار شاه اسماعیل صفوی شد در حالی که شاه صفوی از نفوذ او بیمناک بود، چند بار توسط میرزا حسین اصفهانی که از درباریان بانفوذ و حامی شاه طاهر بود، حمایت شد. شاه طاهر پس از آن به کاشان به عنوان مدرس علوم دینی راهی شد، در کاشان علمای اثنی عشری، اخباری از شاه طاهر به دربار فرستادند که باعث شد فرمان قتل وی صادر شود. ولی وی به هند گریخت و به دربار اسماعیل عادلشاه حاکم بیجاپور راه یافت. ولی چون توجهی ندید قصد خانه خدا کرد در راه به پیر محمد شیروانی برخورد و تاثیری در وی گذاشت که باعث خوانده شدنش به احمدنگر دربار نظامشاه شد وی پس از مدتی از معتمدترین یاران نظامشاه شد، در عین حال در آن شهر به ایراد درس در موضوعات مختلف مذهبی می‌پرداخت. وی گویا به خاطر شفا دادن معجزه‌آسای پسر نظامشاه مرتبه‌ای بلند یافت و نظامشاه به تشیع گروید. در بادی امر تبلیغ مذهب اثنی عشری توسط یک امام نزاری شگفت جلوه می‌کند اما باید به خاطر داشت که شاه طاهر و دیگر پیشوایان نزاری آن عهد ناچار به مراعات تقیه به

صورت شدید بودند. نظامشاه پس از این تغییر تشیع را مذهب رسمی مملکت خود کرد. وی از دانشمندان و ادیبان و عارفان معروف عهد خود بود. در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و حکمت و ریاضی مهارت داشت. دانشهای عقلی را نزد شمس‌الدین محمد خضری فراگرفت و در مجموعه‌ی «منشآتش» نامه‌یی به همین استاد می‌بینیم. وی در احمدنگر درگذشت. استخوان او را بعدها به کربلا بردند و در جوار امام حسین (ع) به خاك سپردند. از آثارش: «منشآت شاه طاهر» یا «انشاء روحافزا»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ شرح بر «تهذیب الاصول»؛ «شرح باب حادی عشر» در کلام، شرح «رساله‌ی جعفریه»، در فقه؛ حاشیه بر «تفسیر» قاضی بیضاوی؛ رساله‌ی «النموزج العلوم» و رساله فارسی در احوال معاد. «دیوان» شعری هم دارد که اشعاری لطیف را شامل است از آن جمله قصایدی که در مدح علی (ع) و نبی اکرم (ص) دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۷۲ –۱۲۶۶ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۳ –۱۶۲۹ ، ۶۷۰ –۶۶۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۷)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۶۰ –۵۵۴)، تحفه‌ی سامی (۴۴ –۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۴۴/۲)، الذریعه (۶۴۱ ،۵۰۰ –۴۹۹ /۹ ، ۱۴۲/۶ ،۴۰۶/۲)، ریاض العارفین (۱۰۴ –۱۰۳)، ریحانه (۱۷۳/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳ –۵۸۲)، کاروان هند (۸۰۲ –۷۹۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ طاهر)، هفت اقلیم (۲۰۷ –۲۰۳ /۳).

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۰– ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸

ه.ق.). پدرش قاضـی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثـار اوست: اخلاـق جلالـی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدیـد، اثبات الواجب القـدیم، افعال اللّه تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۲۵ -۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴ -۱۲۲ /۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشعیه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰ -۹۹ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷ -۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵ -۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضـات الجنات (۵۴۸ -۵۴۱ /۲)، ریحـانه (۲۳۶ -۲۳۲ /۲)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۲۲۲ -۲۲۰ /۱۰)، کشـف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نـامه (ذیـل/ دوانی)، مجـالس المومنین (۲۲۹ -۲۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دیانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد دیانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۹

زندگینامه علمی

شهریور سال ۱۳۴۱ در روسـتای سـعید آباد از توابع شهرسـتان ساری متولد شدم و تا پنجم ابتدائی در آن روستا تحصیل کردم بعلت نبود مـدرسه راهنمـائی در آن روسـتا، جهت تحصـیلات راهنمـائی بـا خـانواده سـاکن شهرسـتان ساری شـدم و دوره راهنمائی را در مـدرسه«دهه انقلاب» گذرانـدم، در دوره ابتدائی راهنمائی معمولا شاگرد ممتاز مدرسه بودم، برای ادامه تحصـیل بعلت فهم خوب و علاقه شدیـد و با تشویق راهنمای مدرسه رشـته ریاضـی را انتخاب کردم و سه سال دبیرسـتان را با موفقیت طی کردم، در این دوران بعلت شـرکت در فعالیتهای انقلابی و مقابله با منافقین و چپی ها که در شمال خیلی فعال بودند، دیگر از ممتازین بحساب نمی آمدم سال تحصـیلی ۶۰-۵۹ که سـال چهـارم ریاضـی مشـغول بودم با شـروع جنگ به جبهه رفتم(آذر ۵۹) و خرداد ۶۰ برای شـرکت در امتحانـات برگشـتم که موفق به قبولی در تمـام دروس نشـدم، دوبـاره به جبهه رفتم و با تصـمیم قبلی به حوزه علمیه آمـدم(با تشویق عمو، دائی، اخوی و خانواده و با احساس نیاز به آموختن علوم دینی برای مقابله بهتر با منافقین و گروههای چپ به حوزه آمدم).

بـا ارشاد مرحوم شـهید بهشتی و آیت الله حائری شـیرازی مـدرسه حقانی قم را انتخاب نمودم و در آنجا قبول شـدم، بـدین ترتیب از سال تحصیلی ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از ورود به حوزه در جلسات مذهبی، آموزش قرآن، احکام، عقائد دینی و تفسیر قرآن شهرسـتان ساری شـرکت می کردم و از اطلاعات دینی خوبی برخودار بودم و حتی برای دانش آموزان کلاسـهایی برپا می کردم. در مـدرسه حقـانی طبق برنـامه مـدون مـدرسه تحصـیل کردم بـا انتقـال این برنامه به مـدرسه شـهیدین، من نیز به مدرسـه شهیـدین منتقـل شـدم و همه مبـاحث را به دقت و علاـقه دنبال می کردم و مخصوصاً به علوم معقول(عقائـد، منطق، اصول و فلسـفه)

علاقه بیشتری داشتم، تا سال ۶۸ فقط به تحصیل دروس حوزوی و گاهی تدریس آن مشغول بودم و در این مدت حدود ۱۶ ماه در جبهه ها حضور داشتم.

در این مدت از اساتید وارسته و عالمی همچون آقایان محمد شبیری زنجانی، نیازی ، محمد رضا طباطبائی ، مسجد جامعی، حسین کاشانی علوی، جواد محدثی ،حسن آقا تهرانی ره،مدرس زاده،محسن اراکی،موسوی هوائی،اسلامی آیت الله خز علی و آقای فیاضی و ... و درس مکاسب و کفایه را از محضر حضرات آیات احمدی میانجی ره ،مصلحی ره و استادی زید عزه استفاده کردم. بنده حدود یازده سال در درس خارج شرکت کردم، درس فقه و اصول آیات محترم زید عزهم،سید کاظمی حائری سید محمود شاهرودی،میرزا جواد آقا تبریزی ره، آیت الله وحید،و آیت الله جوادی آملی.

اینجانب سال ۶۸ در کنار دروس حوزوی در دوره دوم کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی مرکز تربیت مدرس قم شرکت کردم و با گذارندان۷۲ واحد و دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم، و مجددا بعد از حدود ۱۰ سال کار اجرائی از بهمن ۸۴ به تحصیل دکترای کلام اسلامی در همین مرکز مشغول می باشم.

بمدت دو سال و نیم در گروه کلام جدید یا دین شناسی بنیاد فرهنگی باقر العلوم یعنی نطفه های اولیه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تحصیل کردم.از بچگی به تدریس علاقه داشتم لذا از سال سوم ابتدائی برای همکلاسی های ضعیف تر درسها را مجددا تدریس می کردم در دوران تحصیل دبستان، راهنمائی و دبیرستان چنین مسؤلیتهایی را بعهده گرفتم، گاهی کلاس خصوصی ریاضی در منزل داشتم (قبل از انقلاب)، در مدرسه و مسجد و حسینه های ساری کلاسهای احکام و عقائد تدریس می کردم از سال دوم نیز چنین نقشهایی را در مدرسه ایفاء می کردم، از سال ۶۵ رسما به تدریس در حوزه مشغول شدم و از آن وقت همیشه بی وقفه حداقل هفته ای ۵ ساعت تدریس داشتم، اینجانب در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مدرسه صدوق و اخیرا در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و نیز در مرکز ادیان قم تدریس داشتم، و در این مدت بیشتر موضوعات زیر را تدریس نمودم، نحو، معانی بیان، عقائد،منطق، فلسفه، اصول و فقه و بعضی دروس علوم سیاسی، کتابهای سیوطی، مغنی، مبادی ۴ و۲ ، مختصر المعانی، تهذیب البلاغه، جواهر البلاغه، تحریر الوسیله لمعه، مکاسب محرمه، معالم، اصول فقه، حلقه ثانیه شهید صدر، رسائل شیخ انصاری، آموزش عقائد، عقائد الامامیه، شیعه در اسلام، معارف اسلامی دانشگاهها و شرح تجرید، باب حادیعشر ، منطق شهید مطهری، منطق هادی فضلی، منطق مظفر بخشهایی از حاشیه، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، آموزش فلسفه و... را تدریس کردم.

از سال تحصیلی ۷۸-۷۷ دروس معارف اسلامی را در دانشگاه پزشکی تهران و یکسال در دانشگاه پزشکی بابل تدریس می کنم(هفته ای ۶ ساعت) از نظر مسئولیتها علمی اجرائی، بعد از انقلاب و قبل از ورود به حوزه مسئولیت فرهنگی تبلیغی در انجمنهای اسلامی مدرسه، محله و شهر ساری را عهده دار بودم از آذر ۷۴ وارد جامعهٔ الزهرا شدم، و بمدت ۸ سال با عنوان قائم مقام معاونت آموزش عملاً عهده دار معاونت آموزش جامعهٔ الزهرا بودم،در این مدت چند سالی بعضی از مسئولیتهای پذیرش نیز بر عهده بنده بود. در معاونت آموزش کارهای برنامه نویسی،آئین نامه نویسی، تعیین متون درسی و اجرای ضوابط را عهده دار بودم و از سال ۸۲ مسئول برنامه ریزی درس جامعهٔ الزهرا و از ۸۳ تا ۸۵ مسئول طرح و برنامه هیات امنای جامعهٔ الزهرا بودم که در این مدت در تدوین برنامه سطح ۲ و برنامه رشته های سطح ۳ حوزه های خواهران مشارکت داشتم و عضو کمیته برنامه ریزی حوزه های علمیه خواهران در دبیر خانه شورای عالی و عضو بعضی از شوراهای مرکز مدیریت خواهران(شورای برنامه ریزی و شورای پژوهش) بود ه و هستم. ازمرداد ۸۵ عضو هیات علمی مرکز ادیان هستم و مسئولیت دفتر سازمان سمت در قم را از دی ماه ۸۴ عهده دار هستم. یاد آوری شود اینجانب سال تحصیلی ۸۸- ۷۷ عضو هیات علمی و مدیر گروه معارف اسلامی بابل بودم(با حفظ مسئولیت در جامعهٔ الزهرا) که بدلیل سختی کار و پیدا نشدن جایگزین در قم، استعفا دادم. از جمله دوران شیرین زندگی اینجانب در سال اول درس خارج

بود که در مدرسه شهیدین تحت اشراف حضرات آیات خرازی، مصلحی و استادی به تحقیق فقهی یا اصول مشغول بودم که ثمره آن برای خود، تحقیق در ۴ یا پنج موضوع بود که آموزشهای فراوانی را برای اینجانب به همراه داشت ،که متاسفانه ادامه ندادم.

دیلمی، شمس‌الدین، ابوثابت محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۸۹ ق)، متکلم و صوفی. وی از علمای قرن ششم هجری بود که دارای تصانیف بسیاری است. از جمله آثارش: «اصلاح الاخلاق»؛ «اصول مذاهب العرفاء بالله»؛ «برهان المحبه»، در تصوف؛ «التجرید و التعظیم»؛ «جواهر الاسرار»؛ «عجائب المعارف»؛ «عیون المعارف»؛ «تصدیق المعارف»؛ «محک النفس»؛ «مهمات الواصلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۰، ۵۱۲، ۴۷۵، ۳۵۹، ۳۳۶، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۹، ۱۳۵، ۹۴، ۳۰/۲، ۳۷۵، ۳۵۷، ۳۱۷، ۲۶۹، ۱۷۹/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۶، ۱۹۱۶، ۶۰۱، ۳۵۱، ۱۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۱۰)، هدیه العارفین (۱۰۳/۲).

ذوالفقاری، شهاب الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب الدین ذوفقاری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب شهاب الدین ذوالفقاری در سال ۱۳۴۰ شمسی در اصفهان تولد یافته و از دوران کودکی ضمن قرار گرفتن تحت تربیت دینی والدین گرامی ام (حفظهما الله تعالی) با ورود به مدرسه و طی نمودن دوران دبستان و راهنمائی از جانب آنان جهت ورود به حوزه علمیه بسیار تشویق می‌شدم. با مشورت با علمای اعلام قرار شد پس از اخذ دیپلم متوسطه وارد حوزه گردم تا سرعت بیشتری در فراگیری علوم دینی داشته باشم. دوران دبیرستان را در فاصله سالهای ۵۴ تا ۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در یکی از بهترین دبیرستانهای اصفهان به نام دبیرستان حکیم سنائی سپری نمودم در حالیکه از فعالان انجمن اسلامی مدرسه در آن سالها بودم. مطالعه کتب دینی را از سال دوم راهنمائی آغاز نمودم و به زودی با وضعیت اسلام و مسلمانان در سراسر جهان آشنا شدم . همچنین با پدیده استعمار و نقش آن در عقب ماندن مدل جهان از همان سنین آشنا بودم. با پایان گرفتن دوره دبیرستان در اولین کنکور سراسری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۸۵ شرکت نموده و با رتبه خوب در رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی اصفهان

پذیرفته شدم. حلاوت تحقیقات قرآنی را با نوشتن مقاله ای در دوره دبیرستان تحت عنوان حب در قرآن چشیدم ضمن آنکه در آن دوران مطالعات گسترده ای در زمینه مکتب مارکسیسم داشتم. با ورود به د انشگاه دروس مقدمات حوزه را به طور پراکنده آغاز نمودم و با شروع انقلاب فرهنگی از سال ۵۹ رسما وارد حوزه علمیه اصفهان شدم . دروس مقدمات را نزد مرحوم حجت الاسلام فخرالدین کلباسی و آقایان حجج اسلام رحیمی و باقری و حکیم الهی و داوری و کلاهدوزان طی نمودم. اینجانب به طور آزاد و تحت نظارت مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) درس می‌خواندم. فقه و اصول سطوح را نزد حجج اسلام سید محمد فقیه ، حکیم الهی ، سید رضا کلاهدوزان و ... و منطق و کلام و فلسفه را نزد مرحوم حجت الا سلام شیخ باقر صدیقین (ره) و حجج اسلام شیخ حسین عشاقی و سید رضا کلاهدوزان و حجت الاسلام محزون و تفسیر قرآن را نزد مرحوم آیت الله سید محمد باقر ابطحی (ره) تلمذ می کردم. با بازگشائی دانشگاه ها (پس از انقلاب فرهنگی) در سال ۶۱ به طور همزمان در همان رشته مهندسی برق شاخه مخابرات ادامه تحصیل داده و در سال ۶۶ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم و در همان سال با پایان گرفتن دروس سطوح در درس خارج فقه واصول مرحوم آیت الله سید محمد صادقی (ره) به مدت دو سال و آنگاه در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی به مدت چهار سال شرکت نموده تقریرات دروس این دو بزرگوار را به زبان عربی نوشته ام. اینجانب از سال ۵۹ تدریس رادر آموزش و پرورش نواحی یک و دو اصفهان در سطح راهنمائی و دبیرستان با تدریس دروس دینی و عربی آغاز نمودم از سال ۶۸ تا ۷۰ در صنایع دفاع هسا برای کادر رسمی دروس عقیدتی سیاسی تدریس می‌نمودم. مدت دو سال ۷۱ تا ۷۳ در نیروی مقاومت بسیج ناحیه اصفهان برای فرماندهان این نیرو دروس عقیدتی (کد ۲۴۱) را تدریس می کردم و از سال ۷۰ تا کنون (۸۶) در موسسه آموزش عالی دارالقرآن الکریم اصفهان که اکنون دانشکده معارف قرآن اصفهان نامیده می‌شود مشغول به تدریس انواع دروس کلام و تفسیر و علوم قرآن و تعلیم و تربیت بوده ام. در طول سالهای گذشته از سال ۷۲ تا کنون درحوزه علمیه اصفهان، دارالحکمه حضرت باقرالعلوم (ع)، دفتر تبلیغات اسلامی و مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان شرح لمعه و اصول الفقه و رسائل و بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه و بدایهٔ المعارف و کلام جدید و شرح نهج البلاغه و تفسیر تدریس می‌نموده ام. در دانشکده معارف قرآنی اصفهان بیش از ۱۲ سال مدیر گروه های کلام و تفسیر و فقه بوده ام که به حمد الله در این دانشکده تا کنون هزاران مربی قرآن و احکام و عقاید تربیت شده اند. از سال ۷۳ تا ۷۶ در رشته کارشناسی ارشد ، فلسفه و کلام اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تحصیل و پایان نامه خود را تحت راهنمائی جناب حجت الا سلام آقای دکتر احمد بهشتی به نام" عقل در کتاب و سنّت "با نمره عالی دفاع نمودم و اکنون دانشجوی دوره دکترای کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم هستم. اینجانب از سال ۸۴ به عضویت رسمی هیئت علمی وزارت علوم پذیرفته شده و در حال حاضر معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده معارف قرآن اصفهان می‌باشم .

رازی، ضیاءالدین، ابوالقاسم عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۹ ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۰۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۷ -۳۳۶ /۲)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۴/۱).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درةُ التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعهٔ الی مکارم الشریعهٔ (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۶۲ -۱۶۰ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۶/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۶۱/۱)، الذریعه (۳۶۴/۲۱ -۱۲۸/۲۰ ، ۲۸/۱۰، ۴۶ -۴۵ /۵)، روضات الجنات (۲۱۶ -۱۸۶ /۳)، ریاض العلماء (۱۰۱/۷ ،۱۷۲/۲)، ریحانه (۲۹۳ -۲۹۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ -۳۷۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۲۱ -۱۲۰ /۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ -۸۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۶۲، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ -۲۶۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۲/۲)، معجم المؤلفین (۵۹/۴)، هدیه الاحباب (۱۴۰ -۱۳۹)، هدیه العارفین (۳۱۱/۱).

رانکوهی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم و متکلم امامی. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نمو یافت. وی با ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی (م س یازدهم ق) معاصر بود. از آثار وی: «تحریر القواعد الکلامیه»، که شرح «قواعد العقائد» محقق طوسی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷۱/۷)، الذریعه (۳۸۸ –۳۸۷ /۳)، روضات الجنات (۱۹۴/۴)، ریحانه (۲۹۷/۲).

ربابه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

حدود ۱۲۹۷ ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قرۀالعین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضلای مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.

وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قرۀالعین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبۀاللّه رفیعی قزوینی ازدواج نمود.

او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ –۱۲۶۴ ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۰۵ –۱۰۴ / ۴.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان- محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمهٔ الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاهٔ و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربیع نیا، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب ربیع نیا قمی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب ربیع نیا درسال ۱۳۵۵ برای تحصیل درعلوم دینی و حوزوی وارد حوزۀعلمیه شهرستان چالوس شدم و دروس مقدماتی حوزه را در آن جا گذراندم. در سال۱۳۷۵ ،هم زمان با اوج گیری نهضت اسلامی برای ادامه تحصیل عازم قم شدم. دروس حوزه را در مقطع سطح و سطوح عالی در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم خواندم و سالهاست که در مقطع خارج به تحصیل اشتغال دارم . در کنار دروس اصلی حوزه ،درسها ی فلسفی، کلام و تفسیر را نیز به طور جدی پی گیری کردم. حقیر در کنار اشتغال به تحصیل، ازسال۱۳۶۲تا به امروز همواره به کار تحقیقی و پژوهش در موضوعات مختلف علمی و فرهنگی پرداخته و با مؤسسات علمی وفرهنگی همکاری داشته و دارم. برخی از مهمترین مراکز علمی و فرهنگی که حقیر به عنوان محقق و نویسنده با آنها همکاری داشته ، از این قرار است : ۱.همکاری با گروه محققان معجم بحارالانوار به عنوان محقق. ۲.بنیاد نهج البلاغه ،محقق. ۳.همکاری با ماهنامه بنیان وابسته به مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور به عنوان نویسندۀ مقالات . ۴.همکاری با گروه فلسفه و کلام دائرۀالمعارف قرآن کریم ،وابسته به مرکزفرهنگ قرآن دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان نویسندۀ برخی از مدخل های قرآنی. ۵.همکاری با پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی(پارسا)به عنوان چکیده نویس. ۶.همکاری با مؤسسه تنظیم و نشرآثارامام خمینی (ره)دفترقم ،دربخش دانشنا مۀ امام خمینی وعضویت درگروه فلسفه و کلام ،اخلاق و عرفان دانشنامه و تهیه مدخل های فلسفی ،کلامی ،عرفانی ،و اخلاقی دانشنامه . ۷.همکاری با گروه محققان مؤسسۀ فرهنگی وعلمی رواق حکمت.

رجایی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید محمد علی رجایی ، در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی را تا اخذ گواهینامه ششم ابتدای در همین شهرستان به انجام رساند. در سن چهار سالگی از وجود داشتن نعمت پدر محروم شد و تحت تکفل مادر مهربان و منیع الطبع قرار گرفت . در سال ۱۳۲۷ به تهران مهاجرت کرد و سال بعد یعنی در ۱۳۲۸ وارد نیروی هوایی شد. در مدت ۵ سال خدمت در نیروی هوایی ، دوره متوسطه را با تحصیل شبانه گذراند، سپس در سال ۱۳۳۵ به دانشسرای عالی رفت و به سال ۱۳۳۸ دوره لیسانس خود را در رشته ریاضی به پایان برد و به سمت دبیر ریاضی به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به ترتیب در شهرستانهای خوانسار، قزوین و تهران به تدریس ، اشتغال ورزید.

شهید رجائی در مدت تدریس ، همیشه آموزگاری دلسوز، پرکار و شایسته بود و ضمن تدریس ، به فرا گرفتن علوم اسلامی و انجام فعالیتهای سیاسی همت می گماشت . در سال ۱۳۴۰ به عضویت نهضت آزادی در آمد که منجر به دستگیری وی (در اردیبهشت ۱۳۴۲) و پنجاه روز زندان شد. پس آزادی از زندان با شهید باهنر به سازماندهی مجدد هیات موتلفه پرداخت و برای پرورش افرادی که بتوانند نبردی مسلحانه را اداره نمایند به اعزام داوطلبانی به جبهه فلسطین دست زد. در همین رابطه و برای تکمیل

برنامه مزبور (در سال ۱۳۵۰) خود شخصا به خارج از کشور سفر کرد. ابتدا به فرانسه و ترکیه رفت و از آنجا عازم سوریه شد. شهید رجایی همگام با فعالیتهای سیاسی لحظه ای نیز از خدمات فرهنگی غافل نبود از آن جمله تدریس در مدارس کمال و رفاه ، همکاری با بنیاد رفاه و تعاون اسلامی با همکاری شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر و آیت الله هاشمی رفسنجانی .

ایشان با نهایت شجاعت و شهامت مدت دو سال ، در زندانهای انفرادی رژیم پهلوی انواع و اقسام شکنجه ها را تحمل نمود و چون کوهی استوار مقاومت کرد. در اثر این مقاومتها او را به زندان قصر و سپس به اوین فرستادند. او در زندان به ماهیت واقعی منافقین پی برد و از آنها تبری جست . دوران زندان مجموعا چهار سال به درازا کشید و شهید رجائی در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری انقلاب اسلامی همراه دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد و بلافاصله وارد مبارزات سیاسی و فرهنگی گردید و به اتفاق عده ای از همکارانش برای بسیج و سازماندهی مبارزات مخفی معلمان مسلمان ، تلاش گسترده ای را آغاز کرد و موفق به ایجاد انجمن اسلامی معلمان شد. او در راه پیماییهای عظیم سال ۱۳۵۷ مخلصانه و با تمام توان کوشید و نقش موثری در فعالیتهای تبلیغاتی آنها داشت .

شهید رجائی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸، مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت و در زمان وزارت خود موفق به دولتی کردن کلیه مدارس شد. سپس به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید و به دنبال تمایل مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۵۹ به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران به مجلس معرفی و با رای قاطع به نخست وزیری انتخاب شد. شهید رجائی در این مسئولیت خطیر، علی رغم این که به فاصله بسیار کوتاهی با توطئه عظیم استکبار جهانی در ایجاد جنگ تحمیلی از سوی رژیم صدام روبرو شد و همچنین کارشکنی های بنی صدر و متحدانش و خرابکاریهای منافقین و ساواکیها را در پیش رو داشت ، اما توانست به بهترین وجه از عهده انجام وظایف و مسئولیتهای سنگین خود بر آید.

به دنبال عزل بنی صدر از ریاست جمهوری ، شهید رجائی با رای اکثریت مردم محرومی که شاهد تلاشهای صادقانه ((این فرزند صدیق ملت و مقلد با وفای امام ((ره)) بودند به ریاست جمهوری انتخاب شد. دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی که توان تحمل وجود این مایه امید مستضعفان و عنصر ارزشمند و دلسوز را نداشتند در هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ او را به همراه یار قدیمی اش شهید باهنر در انفجار دفتر نخست وزیری به شهادت رساندند.

رجبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رجبی

محل تولد : خواف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه تربت حیدریه و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه مشهد وارد شد ودرس های سطح را به پایان رساند

.در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شـده و درس هـای گونـاگون حوزوی را تا کنون ادامه می دهـد ؛ درس های فقه و اصول را نزد آیت الله فاضـل لنکرانی ، آیت الله شـیخ جواد تبریزی و آیت الله وحیـد خراسـانی در مـدت ۲۰ سال فرا گرفت ؛ در این فرصـت بیشترین بهره برداری را از محضر استاد وحید خراسانی داشته است درس های فلسفه و عرفان را بمدت ۸ سال در محضر استاد حسن زاده آملی و استاد انصاری شیرازی بود .

همزمان با اشـتغال به تحصیل دو کار مهم دیگر را مورد توجه و عنایت قرار داده است : ۱. حضور در صحنه تبلیغات بویژه در مناطق محروم مرزی ؛۲. پرداختن به فعالیت های پژوهشـی کاربردی که مورد نیاز مناطق مختلف کشور بود ؛ از این رو نیاز ها و پرسـش ها ی مـذهبی که در مناطق مختلف کشور بویژه مناطق محروم و مرزی کشور به چشم می خورد ، ایشان را به فعالیتهای پژوهشـی وادار نمود . در این راسـتا کتـاب هـا و مقالاـت گونـاگونی را تـالیف و ارائه داده است که مورد بهره برداری تمـامی مبلغـان ، فرهنگیان و حوزویـان قرار گرفته است . البته این تالیفـات از دو قسـمت تشـکیل می شود : ۱. کتاب هایی که به طور مسـتقل و جداگانه بوسـیله خود ایشان تدوین شده است ،۲. نوشته هایی که با طرح ، نظارت و در نهایت تکمیل انجام شده است .

ایشان از سال ۱۳۶۱ به فعالیت های فرهنگی ، تبلیغی در سپاه پاسـداران و جهاد سازنـدگی مشـغول بوده است و در سال ۱۳۷۰ نهاد رهبری در امور اهل سـنت را با همکاری دوستان پایه گذاری نمودند. در سال ۱۳۸۳ با همکاری گروهی از فضلای حوزه ، موسسه فرهنگی نجم الهـدی را تاسیس کردنـد که در مسائـل فرهنگی ، دینی و مـذهبی فعالیت می نماینـد و در این راسـتا از سال ۱۳۷۴ تا کنون با اعزام گروهی از فضلای حوزه به مناطق محروم و مرزی ، به فعالیت تبلیغی و فرهنگی مشغول می با شند .

رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحمانی

محل تولد : بن چنار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم. لمعه و اصول فقه را در آنجا تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس عمومی فقه و اصول، تفسیر و اخلاـق که توسط اساتیـد مجرب از قبیل حضـرات آیات و حجـج اسـلام جوادی، مکارم ، سبحانی ، سـتوده ،اعتمادی و ...برگزار می شـد شـرکت کردم و در سال ۶۲ حدود ۲ سـال در موسـسه در راه حق که زیر نظر آقای مصباح بود حضور یافتم و از سال ۶۷ به درس خارج مشـغول شدم و در سالهای ۶۹ تا ۷۴ به دروس تخصصی کلام در مقطع دکترا (سطح ۴) مشغول بودم و نیز در سال ۶۹ تا ۷۰ دوره کار آموزی قضایی در مقطع محاکم را به پایان رساندم و از سال ۱۳۷۴ تا کنون با مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی گاهی به عنوان محقق و گاهی به عنوان مسئول گروه مشغول تحقیق در مورد علوم اسلامی بوده ام در امـور تبلیغی از سـال ۵۸ تـاکنون در شـهرها و روسـتا ها و مراکز سـپاه و نیز از سال ۷۴ تـا کنون در دانشـگا هها در ایام تبلیغی

مشغول تبلیغ بوده ام و به عنوان روحانی حج و عمره نیز انجام وظیفه می کنم. از اول جنگ تا آخر جنگ تحصیلی حدود ۲۳ نوبت در جبهه ها حضور یافتم که در عملیات والفجر ۸ در نزدیکی فاو مجروح شیمیایی شدم.

رحیم لو، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحیم لو

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحیم لو در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شدم. در سال ۱۳۵۴ در مدرسه آیت الله مجتهدی تهرانی به طور شبانه مقداری از جامع المقدمات را خواندم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم.دروس سطح را نزد اساتیدی چون مدرس افغانی ، کوه کمره ای، اشتهاردی، اعتمادی و سید رسول تهرانی و مرحوم علی صفایی حائری خواندم و دروس خارج را نزد اساتیدی چون سید جواد تبریزی، سید موسی شبیری زنجانی، سید محمد روحانی، مرحوم علی صفایی حائری و دوره دروس معارف اسلامی را در موسسه امام خمینی گذراندم و در زمینه های فلسفه و کلام شروع به تحقیق کردم.

رزاقی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد : طالقان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد

حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقانی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی ،مرحوم جوادآقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کرم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبسی،بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و همزمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رزمخواه، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رزمخواه

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

آقای احمد رزمخواه در سال۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده‌ای متدین ومذهبی در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد، برای ادامه تحصیل در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت کرد. پس از پذیرش در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد.

نامبرده ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) در طی دوران تحصیل رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مروی، کفایه و خارج اصول را نزد آیت الله رضا زاده و مرحوم آیت الله فلسفی و خارج فقه را نزد آیت‌الله مرتضوی آموخت. استاد رزمخواه پس از اتمام تحصیلات بر کرسیّ تدریس تکیه زد و در این مدت طلاب بسیاری درحوزه علمیه مشهد و دانشجویان بی شماری در دانشگاه های مشهد ازمحضر این استاد بزرگ بهره های فراوان علمی برده اند که حاصل این زحمات پرورش استعدادهای فراوان در زمینه علوم اسلامی می باشد.

رستگار فر، عطاءالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاءالله رستگارفر

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۷۱ کانون مهر قرآن کریم را در شهرستان خوانسار را افتتاح کرده و حدود دو سال و اندی مسئولیت افراد را به عهده گرفتم. در این مدت حدود ۱۲۰۰ نسفر قرآن پژوه را در سطح شهرستان و روستاهای اطراف تحت پوشش قرار داده که حاصل آن پرورش حافظان قرآن از یک جزء تا ۲۰ جزء بود که این روند ادامه یافت.

بعد از آن علاوه بر ادامه بر دروس حوزوی در مقطع سطح و درس خارج، به همکاری با دفتر فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان محقق در بخش پاسخ به پرسش‌های قرآنی مشغول شده و حدود ده سال نیز در آن مرکز فعالیت داشتم و در همان زمان نیز به تدریس دروس عمومی (معارف اسلامی) در دانشگاه مشغول شدم، در سال ۱۳۸۲ در رشته تخصصی کلام جدید در سطح کارشناسی ارشد در موسسه نشر آثار امام خمینی(ره) مشغول شدم و این دوره را نیز به پایان رسانده و بعد از آن در مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم که هم‌اکنون نیز در این مرکز مشغول می‌باشم.

از سال ۱۳۷۰ در زمینه امر تبلیغ به فعالیت پرداخته و تاکنون مرتباً و هر ساله در مناسبت‌های مختلف از جمله ماه مبارک رمضان، محرم و صفر به مناطق مختلف و استان‌های متعددی در کشور سفر کرده و انجام وظیفه نمودم که به نظر خودم در این زمینه هم موفق و در حد مطلوبی به این امر خطیر مبادرت نمودم.

رستمی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور رستمی

محل تولد : اسلام آبادغرب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رستمی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه کرمانشاه گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین‌روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی،

آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله اعتمادی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۶از دانشگاه رازی کرمانشاه فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد

استاد پس از مدتها تحصیل برای تدریس عازم دانشگاه قشم گردید. وی درطول حیات علمی خود نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل " باقیات و صالحات"و"فلسفه نهضت امام حسین علیه السلام"را به رشته تحریر در آورده است.

رستمیان، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رستمیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی رستمیان در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. همزمان با شروع قیام مردم در سال‌های قبل از انقلاب با اینکه نوجوان بودم در راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌های بر ضد رژیم شاهنشاهی، از جمله تعطیلی کلاس‌های درس، شرکت می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت‌های بسیج مدارس و مسجد، و راهپیمایی‌ها، در راستای پاسداری از انقلاب شرکت می‌کردم. در همین ایام، در کنار کارهای بسیج و به خاطر حضور بعضی از روحانیون محل در بسیج، در کنار درس‌های دبیرستان به درس‌های حوزوی نیز مشغول شدم و بعد از دیپلم به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. با توجه به حضور در بسیج توفیق داشتم که مدتی را در کنار رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد شرکت کنم. در سال ۱۳۶۶ به قم آمدم و به ادامه تحصیل پرداختم و تا سطوح عالی حوزه را خواندم و به مدت ده سال نیز در درس خارج شرکت کردم. علاقه به فلسفه و بحث‌های کلامی موجب شد که در این مدت در کنار فقه و اصول، در درس‌های فلسفه نیز شرکت و به مطالعه کتاب‌های فلسفی و کلامی نیز بپردازم. با توجه به احساس نیازهای دانشگاهی جهت تدریس برای دانشجویان و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۷۰ در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به تحصیل مشغول شدم و بعد از فارغ التحصیلی در مراکز مختلف حوزی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشتم. همزمان برای اینکه علوم فراگرفته را در زمینه کاربردی نیز استفاده نمایم با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در کار تدوین نرم‌افزارهای علوم اسلامی در رشته فلسفه و کلام همکاری داشته و چند سالی نیز مسوولیت بخش علوم عقلی را بر عهده داشتم. با توجه به علاقه‌ای که به شناخت آرا و نظرات دیگران داشتم، با توجه به شکل‌گیری مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۵ با این مرکز در راه شناخت ادیان و مذاهب مختلف همکاری داشته‌ام و اکنون نیز که چند سالی است که دانشگاه ادیان و مذاهب تشکیل شده است، با این دانشگاه همکاری دارم. با توجه به نیازهای علمی و کاری، دوره دکترا را در رشته کلام با گرایش فلسفه دین در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم، که اینک در آستانه دفاع از پایان‌نامه دکتری هستم. در طول سالیان گذشته در کنار درس، به کار تبلیغ دینی در میان مردم و رزمندگان نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین در

هر جا که احساس کردم که حضور من برای انقلاب و جامعه موثر است، سعی کردم که در آنجا حضور جدی داشته باشم.

رشتی نجفی کاظمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، فقیه، اصولی، متکم و محدث. او در نجف نزد علامه طباطبائی یزدی فقه، و در نزد محقق خراسانی اصول فراگرفت و بعد از استادان خود مدرس بزرگی شد. به خاطر مشکلات، نجف را به قصد کاظمین ترک کرد و در آنجا مجلس درس تشکیل داد و در کنار آن به انجام دیگر وظائف شرعی می‌پرداخت تا اینکه در همان جا درگذشت و در صحن دفن شد. سید محمدمهدی خوانساری اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول، از شاگردان او بود. از آثار وی: «خلاصه الفقه» که کتاب بزرگی در فقه استدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتواییه بر بسیاری از رساله‌های عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۱/۷)، علماء معاصرین (۱۴۶ -۱۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۹ -۵۹۸ /۱۴).

رشتی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ -۳۳۲ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید شاهد و آیت باهر حاج علی رشتی فرزند حجت کبری آیت الله فومنی طاب ثراه یکی از دانشمندان بزرگ و شهدای عزیز

مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است. او در سال ۱۲۶۸ در بیت علم به جهان دیده گشود. مقدمات علوم فقهی و دانشهای عقلی را در ایران به پایان برد و در بیست سالگی عازم کربلا گردید و از حضور علامه مازندرانی مدتها درس اجتهاد آموخت و سپس عازم نجف اشرف گردید و چند سال نیز از محضر اساتید عظام این حوزه مانند آیت الله رشتی و دیگران برخوردار بود. و از اعلام عصر به دریافت اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردید. سرانجام این آیت بزرگ الهی در تمام علوم متداوله فقه و اصول و حدیث فلسفه و حکمت و اصول عقاید مهارت یافت و ضمن تدریس علما یک دوره رسائلی در اصول فقه (در چهار جلد) به رشته تحریر برد و تقریرات درسی حاج میرزا حبیب الله رشتی را مدون نمود و پس از فوت استاد به درخواست مردم عازم زادگاه خویش گردید. سالها در استان گیلان در مقام قضاوت و زعامت، اقامه جمعه و جماعت مواظبت کامل می نمود.

علامه امینی در شهداء الفضیله ضمن تجلیل از مقام علمی او می نویسد: این آیت بزرگ الهی در تعظیم شعائر مذهبی و انجام فرائض الهی امر به معروف و نهی از منکرات جدیتی کامل به خرج می داد. از گفتن سخن حق هراسی نداشت، و از ملامت ملامت کنندگان بیمی به دل راه نداد. اما متأسفانه عمال کثیف استعمارگران درصدد برآمدند چراغ حق را به خیال خویش خاموش کنند، لذا در جریان مشروطیت شباهنگام گروهی از اشرار ناگهان به منزلش ریختند و او را هدف گلوله قرار دادند. بلافاصله شهید نشد و زبان دلداری و نصیحت گشود، مجددا همان جانیان سنگدل در دلهای شب به خانه اش ریختند، و ضمن تهدید و ارعاب اهل و عیالش این آیت حق را به شهادت رسانیدند و به ظاهر از چنگ انتقام گریختند و عذاب ابد برای خویش خریدند. شهید رشت در دم آخر کلامش آیه شریفه انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض... بود که به لقای معبود نائل شد. جنازه خون آلود او را سالهای بعد از گیلان به کنار سالار شهیدان مدفون نمودند.

منابع زندگینامه: http://www.shaaer.com/nikan.htm

رشیدی، علیقلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی قلی رشیدی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۲۳

زندگینامه علمی

در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم . در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان راهم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال ۵۶ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۱ دوره سطوح عالیه را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دروس دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم در دوران جنگ تحمیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم

و در سال ۱۷/۶/۱۳۶۵ به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاههای لرستان و حوزه علمیه پلدختر هستم.

رضاپور، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم رضاپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علیمه فیضیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تا لمعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید برزگواری مثل حجج اسلام وجدانی فخر ، دوستی زنجانی ، حسینی بوشهری ، محلاتی ، پایانی و سیفی گذراندم. در سال ۶۸ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم ، پس از ۶ سال یعنی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۰ شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی ، دوستی زنجانی، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی و ... بهره بردم و در سال ۱۳۸۶ در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیرید.

رضانژاد، عزالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزالدین رضانژاد امیردهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

عزالـدین رضـا نژاد امیر دهی در سال ۱۳۳۹ در شـهر بابل به دنیا آمـد. او پس از اتمام تحصـیلات ابتـدائی به تحصـیل علوم حوزوی پرداخت،ابتدا در حوزه علمیه حاج سـیف الله امیری در پادشاه امیر در بخش بند پی شـرقی (روسـتای سـید نظام الدین و حوزه شهید محمدحسن امیری فعلی) و سـپس در سال تحصیلی ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه صـدر بابل (حوزه ی خاتم الانبیاء – فعلی) شـد، پس از پیروزی انقلاب اسـلامی در سال ۱۳۵۸ رهسپار حوزه علمیه قم گردیدو با موفقیت در امتحانات کلیه پایه های دروه های سـطح، در سال ۱۳۶۴ دروس خـارج فقه و اصول را آغاز کرده، پس از اتمام شـش سال درس خارج فقه و اصول و سه بار شـرکت در مصاحبه دروس خـارج، در سال ۱۳۷۲ از رسـاله علمی و تحقیقی سـطح چهـار حوزه در موضوع (صـلاه الجمعه دراسه فقهیه و تاریخیه) دفاع کرد. وی علاـوه بر گذرانـدن دروس رایـج حوزه های علمیه عالی قم به آموزش های کاربردی و تحقیقی دیگر روی آورد از همین رو، بـا گذرانـدن دوره مکـالمه، خطـابه و انشـاء عربی در واحـد آموزش عربی دفتر تبلیغـات اسـلامی حوزه علمیه قم زیر نظر اساتید متخصـص به اخـذ پایـان نامه اتمام دوره آموزش زبان عربی در تاریـخ ۲۵/۱۱/۱۳۶۳ نایـل گردیـد. در ادامه فعالیت آموزش زبانی ، زبـان انگلیسـی را زیر نظر مرکز زبانهـای خـارجی دانشـگاه تهران و نیروی هوایی جمهوری اسـلامی و مرکز زبانهـای خـارجی دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم با موفقیت به پایان رسانیـد و در تاریـخ ۲۹/۱/۱۳۶۶ گواهینامه اتمام دوره عالی زبان انگلیسـی را از سوی مراکز مـذکور دریـاقت کرد از سـال ۱۳۶۶ بـا همکـاری مرکز تحقیقات شـهید محلاتی (دانشـکده سپاه قم) آثاری به صورت تـالیف کتب درسـی منتشـر کرد ،از سال تحصـیلی ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۰ بـا شـرکت در رشـته تخصصـی کلاـم اسـلامی و پایان بردن دوره چهارسـاله آن جهت اخـذ مـدرك دکتری در کلاـم اسـلامی و با عنایت به مصوبه ۳۶۸ تاریخ ۳/۱۱/۱۳۷۴ به تـدوین پایـان نامه در موضع" برهـان وجودی برای اثبات وجود خـدا "پرداخت و بعـد از فارغ التحصـیل شـدن در این رشـته به تـدریس و تحقیق و تالیف مباحث کلام اسـلامی و فرقه های مذهبی و شـرکت در نشست های علمی پرداخت. هم اینک، عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسـلامی با سـمت اسـتاد یاری ، مدیر کل « برنامه ریزی و تدوین متون درسـی» مرکز مذکور ، به تدریس و پژوهش می پردازد. وی تاکنون بیش از چهل رساله علمی در سطح سه (کارشناسی ارشد) و چهار (دکتری) را راهنمایی ، مشاوره و داوری کرده است.

رضانیا، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رضانیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی سال ۱۳۴۴شمسی در یک خانواده معمولی در شیراز متولد شدم. مادرم از نوادگان مجاهد نستوه آیت الله سید علی اکبر فال اسـیری اعلی الله مقامه – از پیشـگامان نهضت تنباکو در فارس و از همرزمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمت الله علیه – بود، همچنین پدرم انسانی روشن بین و از نوادگان ملا واعظ شیرازی که او نیز از نیاکان زمان خود به شمار می رفت، بود، مرحوم پدرم در مسیر زندگی خود مبارزه با ظلم دستگاه طاغوت و تلاش در گسترش عدالت را سیره عملی خود قرار داده بود و در این راه

سالیانی از زندگانی خود را در بند دژخیمان ستم شاهی سپری کرد و به همین سبب کانون خانواده ام همواره برخوردار از روشنگری و کاوش در مسیر کشف حقیقت بوده است.شروع دوران تحصیلات متوسطه ام مصادف بود با آغاز نهضت بزرگ اسلام مردم ایران، که در کنار دیگر دوستانم در اتحادیه انجمن های اسلامی مدارس شیراز که امروزه بسیاری از ایشان مدال پر افتخار شهادت را به گردن آویخته اند به فعالیت های فرهنگی و اعتقادی روی آوردم، دقیقا پس از اولین تجربه ام در جبهه های جنگ که مصادف با سوم خرداد ۱۳۶۱ و آزاد سازی خرمشهر بود که علاقه وافر و آرزوی بزرگم یعنی فراگیری علوم اسلامی تحقق عملی پیدا کرد و در حوزه شیراز و در مدرسه قوام به تحصیل مشغول شدم ولی چون با فوت پدرم مصادف شد پس از اتمام دوره دبیرستان با انصراف از قبولی در دانشگاه، به حوزه مشهد و مدرسه استاد آیت الله موسوی نژاد عزیمت کردم که در آنجا ضمن خوشه چینی از خرمن اساتید آن دیار در جوار ملکوتی آستان قدس رضوی علیه السلام بهره مند شدم که از این میان اساتید بزرگواری چون آیت الله مرواریـد، آیت الله میرزا جواد تهرانی، آیت الله فلسفی ، عارف بزرگ استاد مولوی افغانی و نیز برخی از شاگردان مرحوم رجبعلی خیاط را می توان یاد کرد.همچنین سطوح عالیه و دروس خارج را در قم در محضر آیات عظام و اساتید بزرگواری چون وحید خراسانی، تبریزی ، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی، لاریجانی، پایانی، اعتمادی و وجدانی فرا گرفتم. در بخش دانشگاهی؛ در رشته علوم تربیتی مدیریت آموزش تا مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با اشراف استاد فرزانه آیت الله مصباح یزدی، کارشناسی ارشد ناپیوسته فلسفه و کلام را از دانشگاه باقر العلوم (ع) و تحصیل در مقطع دکترا رشته فلسفه که ادامه دارد. الان در خارج مشغول به تحصیل در مقطع دکتری هستم و در چند سمینار نیز شرکت داشته ام .

رضانیا، ذبیح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذبیح الله رضانیا

محل تولد : آباده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذبیح الله رضانیا درتاریخ ۱۳۳۲متولد شده و پس ازگذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید وحضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی ،سبحانی، ربانی گلپایگانی،مومن ....کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام درحال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که درقسمت آثار آمده است.

رضایی آدریانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضایی آدریانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۰ در نجف اشرف، از سال ۱۳۵۸ ساکن در قم علمی/حوزوی : از سال ۱۳۶۵ پس از پایان سیکل وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه المهدی(عج) وابسته به حضرت آیت الله گلپایگانی تا اواسط سطح در این مدرسه بوده و از آن پس سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی(روبروی شهرداری سابق) در محضر اساتیدی همچون عندلیب همدانی(فقه) موسوی تهرانی، حسینی خراسانی، علوی بروجردی، نظری منفرد (اصول) را گذرانده و از سال ۷۹ در درس خارج آیات عظام مرحوم آقای تبریزی(فقه) و آیت الله العظمی وحید خراسانی(اصول) شرکت نموده و یکسال هم(۸۴) در مدرسه فقهی آیت الله وحید خراسانی (مدرسه امام باقر در کوچه سیاه) به مباحث تخصصی اصول پرداخته....

از سال ۷۰ به موازات شروع تبلیغ و احساس آشنایی تخصصی با تبلیغ برای نونهالان وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان شده و ۲-۳ سالی را به تحصیل، تحقیق و تألیف های داخلی آن مرکز پرداختم به گونه ای که یکی از چهره های علمی آن مرکز بودم.

پس از آن به موازات راه اندازی سمینارهای هم اندیشی سینما و دین از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات به مدّت ۲ سال به آشنایی و پژوهش در حوزه فیلم و هنر و هنر دینی پرداخته و وارد عرصه فعّالیّت های هنری و رسانه ای گردیده، به طوری که پس از حوزه هنری و پایان سمینارهای هم اندیشی، به همکاری با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما در قم پرداخته و در دو حوزه آثار تاریخی تلویزیونی و آثار مذهبی و دینی تلوزیونی به پژوهش / نقد و یا مشاوره پرداختم که اهم فعّالیّت های این دوران چنین است:

پژوهش های گسترده درباره عاشورا و امام حسین(ع) ، جهت سریال امام حسین(ع) نقد و بررسی سریال ولایت عشق نقد و بررسی سریال مختار پژوهشگر سیره نبوی جهت مجموعه تلوزیونی آیینه(۱۸۰ قسمتی جهت معرفی سیره نبوی در شبکه ۱ سیما) طراح مستندهای عاشورایی حضور و میزگردهای بازشناسی حرکت امام حسین(ویژه دهه محرم ۸۵ از شبکه ۱ سیما) کارشناسی علمی و همراه کاروان عاشورائی شبکه ۱(ویژه محرم ۸۵ که فرهنگ های عزاداری ۱۰ شهر را به تصویر کشید.)

از سال ۸۰ به مناسبت مطالعه و پژوهش درباره فرقه ماتریدیه از فرق کلامی اهل سنت و در خواست مرکز جهانی یک دوره کلام اهل سنت را به صورت مقارن برای طلاب اهل سنت مدرسه امام خمینی(ره) تدریس نموده و از آن پس ۲ سال هم کلام شیعی را تدریس نموده ام.

از سال ۸۰ با ورود به مرکز تخصصی مهدویت و تحصیل در آنجا و سپس در پژوهشکده مهدویت(مؤسسه آینده روشن) به فعالیت های گوناگون علمی پژوهشی و رسانه ای پرداخته ام که شرح مهمترین آنها چنین است:

معاونت هنری مرکز تخصصی مهدویت(در زمان کوتاه – نیم سال)

سردبیری نشریه انتظار نوجوان

کارشناس و مشاور هنری موسسه آینده روشن، کارشناس مستند تلوزیونی: ساحل بیکران،

کارشناس و مشاور بخش هنری: دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت

طراح و مدیریت پروژه کتابهای ۶ جلدی یه دنیای قشنگتر ویژه کودکان

رضایی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی رضایی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمد مهدی رضایی در سال ۱۳۶۴ پس از اتمام سوم راهنمائی، با شوق و علاقه درونی خود و نه با اجبار اطرافیان و محیط، وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه کرمانی ها تحصیلات پایه خود را آغاز نمودم و از استادان نه چندان معروفی که عموما از دانش آموختگان همان مدرسه بودند، استفاده کردم و تا لمعه را در آنجا خواندم و آن گاه در مدرسه علمیه امام باقر(ع) لمعه و اصول استنباط و غیره را درس گرفتم. مکاسب و رسائل را در بیرون، پای درس استادانی چون محمدی خراسانی و استاد اعتمادی، تا حدودی آموختم و باقیمانده را با نوارهای درسی و مباحثه گذراندم. همچنین کفایه الاصول را با مباحثه به پایان بردم و پس از آن چند سالی حدود سه – چهار سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی و اصول آیت الله مرحوم صالحی مازندرانی حاضر شدم و ... . هم اکنون در موسسه امام صادق(ع) مشغول سپری کردن سال سوم از دوره فوق لیسانس کلام اسلامی هستم.آغاز کار قلمی بنده با گفتن شعر و نوشتن نقد داستان و مقالاتی به صورت تالیف و ترجمه در مجلات بود و ترجمه کتاب درباره حفظ قرآن کریم به نام" کیف نحفظ القرآن "و آنگاه ترجمه ای دیگر گون از" صحیفه سجادیه "که طی دو سال به چاپ ششم رسیده است. بخش هایی از کتاب گرانقدر "مصابیح الجنان "تالیف علامه کبیر آیت الله سید عباس حسینی کاشانی را نیز بنده انجام داده ام که چاپ شده است. در طول این سال ها با مجلات گوناگونی در ارتباط بوده ام، به خصوص مجله " پرسمان "و از همین رهگذروبه پیشنهاد و همکاری نشر معارف، اخیرا ترجمه مناجات امیر مومنان و مناجات خمس عشره از بنده چاپ و منتشر شده است.

رضوی قمی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۸ ق)، عـالم، متکلم، اصولی و شاعر. اصل وی از قم است، اما متولـد و ساکن همـدان بود. نسـبش به موسـی مبرقع، فرزند امام جواد (ع)، می‌رسد. وی برادرزاده‌ی سـید صدرالدین قمی، شارح «وافیه» است. او را از بزرگان علمای قرن سـیزدهم شـمرده‌اند. وی شـعر را نیکو می‌سرود. در همدان درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در دارالحفاظ دفن شد. از آثار وی: «شرح اصول کافی»؛ رساله‌ای در «معاد جسمانی ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۸/۹)، الذریعه (۱۷۲/۲۱، ۹۶/۱۳)، روضـات الجنات (۱۲۲/۴)، ریحانه (۳۱۴/۲)، لغت نـامه (ذیل/ رضوی)، معجم المؤلفین (۸۵/۹)، مکارم الآثار (۶۴۲ -۶۴۱ /۳).

رضوی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول رضوی

محل تولد : نقده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبسـتان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصـر تبریز مشـغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشـغول به تحصـیل شدم. دوره سـطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ... شرکت کردم. در سـال ۱۳۷۸ شـروع به تحصـیل در دوره نهم رشـته تخصصـی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال ۱۳۸۲ این دوره را به اتمـام رسانـدم. در مرکز مطالعـات و پژوهش های فرهنگی حوزه به عنوان مـدیر گروه ادیان و مـذاهب مشغول به تحقیق شـدم . در موسـسه آینـده روشن مـدیر گروه تاریـخ بوده و تاریـخ غیبت کبری تـدریس می‌کردم و در موسـسه امام صادق(ع) یعنی تخصصـی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح و مشرق موعود می باشم.

رضوی، محمدمهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن السید محسن الرضوی المذکور و از علماء مبرز قم بوده و محقق ثانی شیخ علی کرکی در سنه ۹۳۶ هنگام رفتن به کاشان در قم

به ایشان اجازه داد و قبر شریفش علی‌الظاهر در جنب تکیه کوچه حرم که اکنون به صورت مسجد زیبائی درآمده در مقبره کوچکی که معروف به محمدیه است می‌باشد املاک بسیاری وقف بر مزار کثیرالانوارش بوده که حالیه از بین رفته است و از احفاد اوست میرزا محمدباقر ابن میرزا محمد ابراهیم بن میر محمدعلی بن میر محمدمهدی بن السید محسن الرضوی القمی که از جمله علماء بوده است.

صاحب روضات الجنات گوید: میرزا محمد نیشابوری در رجالش آورده که آن سید جلیل شرحی بر اصول کافی نوشته و ساکن همدان بوده و در هیجدهم ماه صفر ۱۲۱۸ در همدان وفات نموده و جنازه او را به قم آورده و در دارالحفاظ دفن نمودند. والد ماجدش میرمحمد ابراهیم نیز از جمله علماء بوده و او جد سادات همدانست و او راست کتاب «نجات المسلمین» در اصول دین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رفیعا نایینی، رفیع‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۰۰۰– وف ۱۰۸۲ –۱۰۸۰ ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلا نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایی بود و از ملا عبداللّه شوشتری و شیخ‌بهایی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفعیا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او ۱۰۹۹ ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در ۱۰۸۹ ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در ۱۰۴۷ ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ حاشیه «شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «صحیفه سجادیه»؛ حاشیه «مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه‌ی مدارک الاحکام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۴۴ –۳۴۳)، الذریعه (۲۹ –۲۸ /۱۳ ،۱۹۵/۶ ،۱۳/۵)، روضات الجنات (۸۲ –۸۱ /۷)، ریاض العلماء (۱۰۶/۷)، ریحانه (۱۲۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۶/۱۱)، فوائد الرضویه (۵۳۲ –۵۳۱)، الکنی و الالقاب (۲۷۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷ –۴۴۶ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۳ –۱۴۲)، هدیه العارفین (۲۹۳/۲).

رفیعی، حمیدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الله رفیعی

محل تولد : زابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسهای ابتدائی وراهنمائی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم وتحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال ۱۳۵۵بعد از امتحان کنکور دردانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج درکشور مجبور به ترک کشور گردیده و د رسال ۱۳۵۹وارد خاک ایران شدم. برای مدّت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال ۱۳۶۳درس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم .هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد .و در سال ۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم گردیده ،بعد از اتمام سطوح درسال ۱۳۷۲درس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی ،آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم .در سال۱۳۷۳درس تخصصی کلام را درمؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام ودر حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رودسرابی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ ـ ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و

برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.
در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبهانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روزبهانی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه شدم که تا سال ۱۳۷۶در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد.
تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد . تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد ۲ جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است.
هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روشن تن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل روشن تن

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸-۶۹وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال ۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال ۷۷ موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال ۷۹-۷۸ وارد رشته تخصصی سطح ۴ حوزه شدم و سال ۲-۸۱ فارغ التحصیل گشته و هم اینك موضوع رساله سطح ۴ خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصرحامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده‌است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرك حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینك علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

رهبر اسلامی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رهبر اسلامی

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۳/۸

زندگینامه علمی

در سال ۵۳ دبیرستان را رها کرده و برای تحقیق علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم (رسالت) شدم. تا سال ۵۶ و تا دروس لمعه و حلقات شهید صدر پیش آمدم اما پیروزی انقلاب اسلامی کار را متوقف کرد. بعد از فعالیت‌های سیاسی در اصفهان وارد سپاه پاسداران (مسئول آموزش) و تا ۱۳۶۲ مشغول تحقیق و تدوین و تدریس و امور اجرایی شدم.

تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه زرین شهر را از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۲ به عشق دروس حوزه بـا قم مرتبط شـدم و تا سال ۱۳۷۳ بـا دفاع از پایان‌نامه با عنوان «الفاظ عموم» سـطح ۳ حوزه را اخـذ کردم و در سال ۱۳۷۸ با آزمون دانشـگاهی مدرک اخذ نمودم. سال ۱۳۶۹ به قم بازگشـته ولی به علت کسالت به زرین شـهر بازگشتم. تدریس دوباره در حوزه و شروع به تدریس در دانشگاه‌ها را از سال ۷۰ آغاز کرده و از همان سال کارشناسی برنامه کلام نور قرآنی صدا و سیمای مرکز اصفهان را جرقه زدم.

در سال ۱۳۷۲ تدریس در دانشـگاه صـنعتی اصـفهان را شـروع و در حال حاضـر مدیر گروه و عضو رسمی مقطعی هیئت علمی این دانشگاه هستم.

سخنرانی‌های تبلیغی، علمی، کلاسی و کارشناسی در دانشگاههای سراسر کشور و رسانه ملی ادامه دارد.

مقالات حقیر به ۵۰ مورد و کتاب‌های به ۵ و مصاحبه‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد.

در حال حاضر در سن ۵۰ سالگی هستم و دارای ۳ فرزند و یک نوه می‌باشم.

زارع، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زارع قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۹ در راسـتای اسـتفاده از معـارف اهـل بیت(ع) و خـدمت به مکتب شـیعه و بـا انگیزه جهـاد علمی در حفظ و حراست از دسـتاورد قرنها تلاش و کوشـش ائمه اطهار و علما رساتین شـیعه وارد حوزه علمیه مدرسه عالی حضرت ولی عصر (عج) تبریز شدم.

در مدت حدود چهار و نیم سال سـطح یک اتمام لمعه را تمام کردم . در اوایل سال ۱۳۷۴ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شـدم و در جوار حضـرت معصومه(ع) و در مـدرسه دارالشـفاء به ادامه دروس فقه و اصول در سـطح عالی پرداختم. از همان ابتدا به مبـاحث انـدیشه سیاسـی اسـلام علاقـه وافر داشـتم بنـابراین حوزه مطالعـاتم را به انـدیشه سیاسـی اسـلام متمرکز کردم. البته در طول تحصـیل در کنـار مبـاحث فقه و اصول در دوره هـای تخصصـی کوتاه مـدت از قبیل ادیان و مـذاهب مرکز تخصصـی ادیان زیر نظر جناب حجهٔ الاسـلام آقای نواب شـرکت کردم و همچنین دوره های فلسفه علم، عرفان اسلامی، منطق فهم دین که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار می شد استفاده نمودم.

زارعی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی زارعی

محل تولد : سبزه وار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباسعلی زارعی مشهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسنامه در سال ۱۳۴۸ در روستای گاچ از توابع شهرستان سبزه وار متولّد شدم. نام پدرم محمد و نام مادرم ماندگار زهرائی می باشد. وران کودکی را در آغوش پدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنج سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس ۱۳۵۶ در شهرستان سبزه وار به دبستان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال ۱۳۶۲ به طور رسمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال ۱۳۶۵ در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشبیری، شیخ حسین طالبی درس سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۵ در امتحان ورودی مشهد مقدس شرکت نموده و پذیرفته شدم.در مشهد مقدس از محضر حضرات حجج الاسلام آقای جوهری، علامه زاهدی،سنا بادی، علمی و حضرات آیات مرتضوی و فلسفی و آشتیانی و خلخالی تتلمذ نمودم. در مشهد مقدس به تقاضای بعضی از طلاب درسهای مقدمات تا لمعه را تدریس می نمودم و در سال ۱۳۶۸ اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. درطول مدتی که در مشهد بودم یعنی مدت نزدیک به پنج سال با جدیت تمام به امر تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصیب بنده شد.در شبانه روز فقط ۵یا ۶ ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم.در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.

و در اواخر سال ۱۳۶۹ به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.

در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال ۱۳۷۱ در مدرسه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب،رسائل، بدایهٔ الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه،بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم.تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم .

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللَّه، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زرآبادی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم‌السلام بود.

در سال ۱۳۱۱ قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی‌اکبر ایزدی متوفی ۱۳۳۰ فقها و اصولاـ استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی ۱۳۱۴ قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی ۱۳۳۶ قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی ۱۳۳۵ بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می‌باشند.

۱- اصول دین

۲- اعتقادات

۳- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری

۴- حاشیه بر منظومه سبزواری

۵- حاشیه بر الهیات اشارات

۶- حاشیه بر منطق اشارات

و رساله‌های دیگری در مواعظ و علوم فلسفه و غیر اینها.

معظم‌له در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۵۳ هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.

(۱۳۵۳ -۱۲۹۴ ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملاـ علی‌اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادان وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌اللّه نوری کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم

بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن‌سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول‌الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۲۷ -۲۶ ،۵).

زمانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود زمانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته" دین شناسی "از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان" ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن "دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۸ -۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جاراللّه. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جاراللّه (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبداللّه خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث».[۱] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۸۶/۲، ۶۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷، ۱۰۲، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲ -۴۲۹ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲۲۲ -۲۲۲۱ /۲ ، ۱۱۸۰ /۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲ -۳۷۹ /۲)، سفرنامه ابن‌بطوطه (۵۷۱، ۴۳۶ /۱)، سیر النبلاء (۱۵۶ -۱۵۱ /۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸، ۱۹۵۵، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷، ۱۲۰۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۲، ۱۰۵۶، ۱۰۲۲، ۱۰۰۹، ۹۱۵، ۸۹۵، ۸۳۲، ۸۳۱، ۷۹۱، ۷۸۱، ۶۱۶، ۱۸۵، ۱۶۴، ۱۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰ - ۲۹۸ /۲)، لسان المیزان (۶۵۳ -۶۵۱ /۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷ -۶۶ /۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادباء (۱۳۵ -۱۲۶ /۱۹)، معجم البلدان (۱۶۶ -۱۶۵ /۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷ -۱۸۶ /۱۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹ -۲۲۸)، وفیات الاعیان (۱۷۴ -۱۶۸ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۶ -۱۴۵)، هدیه العارفین (۴۰۳ -۴۰۲ /۲).

زنگویی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی زنگویی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی زنگوئی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی و از سوی دیگر شوق زیارت و همجواری با بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد ولی شوق فراوان او به کسب علم او را راهی حوزه علمیه قم گردانید.وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج ستارگان علم وادب آن دیار راه یافت. در حوزه علمیه از درس بزرگانی همچون آیت الله مکارم ، آیت الله صادق لاریجانی،مرحوم آیت الله وحید، آیت الله گنجی و مرحوم پایانی بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هرمنو تیک و تفسیر از نظر علمای اسلام "دفاع کرد استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است و چند ماهی هم برای این مهم به کشور سریلانکا رفت.استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه بیرجند مشغول است، وی در زندگی سراسر علمی خود به تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری نیندیشیده که مقالات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملاـ فتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۴۱۳، ۲/ ۲۸۱/۱، ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶ -۱۶۲۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵، ۳۵۵/۲۱، ۳۶۲، ۳۶۱- ۱۸/ ۱۵۹/۱۵/۲۸۵/۱۱، ۲۲۷/۷، ۳۱۵/۵، ۱۴۰ -۱۳۹، ۷۵ /۴)، روضات الجنات (۳۶۲ -۳۶۱ /۴)، ریاض العلماء (۳۹۶ -۳۹۴ /۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳ -۳۰۲ /۳)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ ۱۵۲/)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

زهادت، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید زهادت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ به مدرسه عالی شهید مطهری وارد شده و تا سال ۱۳۶۶ دوره مقدمات و سطح را تا پایان مبحث قطع وظن رسائل در آنجا به پایان رساندم و با اخذ مدرك لیسانس و تحصیل را با شکل سنتی حوزوی در قم ادامه دادم و اساتید معظم و با سابقه‌ای مانند استاد اعتمادی در رسائل و استاد ستوده و کفایه و استاد پایانی در مکاسب کسب فیض نمودم پس از آن از درس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی به مدت ۱۲ سال و خارج فقه کتاب البیع و کتاب الصلاهٔ بمدت ۴ سال و خارج فقه آیت الله العظمی صافی کتاب الحج بمدت ۶ سال و خارج فقه آیت الله شاهرودی کتاب البیع بمدت ۱ سال کسب فیض نمودم همزمان به تدریس سطح کتابهای منطق، اصول فقه و معالم، رسائل و کفایه در حوزهٔ علمیه قم اشتغال داشته و دارم و در کنار این تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی بیش از ده سال است که به تدریس فقه و اصول و نهج البلاغه و عقائد و کلام بصورت مستمر اشتغال دارم علاوه بر این‌ها به تحقیق در فقه در مرکز فقهی آیت الله گلپایگانی بمدت ۳ سال اشتغال داشتم و در تدوین جلد اول معجم فقهی و کتاب فقه ابن ابی عقیل عمانی همکاری داشتم. در تنظیم بیش از ۱۰ جلد از کتابهای آیت الله العظمی صافی (۴ جلد فقه الحج، ۲ جلد معارف دینی ۲ جلد جامع الاحکام و استفتائات عربی و پزشکی و قضائی نقش عمده داشتم. در کتاب شریف نهج البلاغه تحقیق داشته و دارم و تا کنون دو کتاب بوسیله بوستان کتاب بنام اینجانب نشر یافته است.بحمد الله تعالی

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا زیبایی نژاد

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرك دیپلم در شیراز شدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال ۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شدم . سال ۶۱ – ۶۲ در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مدرسه رضویه . از سال ۶۴ به مدت ۱۱ سال مشغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشیه بودم . شرکت در ده ها سمینار و همایش به عنوان سخنران و یا شرکت در میز گرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال ۷۶ تا کنون بوده ، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح ۳ حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشگاه و اعضای نهادهای تخصصی زنان از جمله این فعالیتها ، از سال ۷۷ تا کنون بوده است. (حداقل ۵ دوره آموزشی)

همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال ۸۱ از جمله فعالیت هاست. در سال های ۷۴، ۷۵ و ۸۰ به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات ، روایات و متون) و آثار مسیحی انجام دادم که نتیجه آن ۲ جلد کتاب در این موضوع شد. در سال ۷۸ هم پیشنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسلام محمد تقی سبحانی) بود. در سال ۱۳۶۷ رتبه دوم پایه ۷ حوزه در سال ۱۳۶۸ رتبه اول پایه ۸ حوزه شدم. همچنین ایشان در سال ۷۷ مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ‌بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ‌بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ‌بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینهٔ‌المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ‌بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۵۳ -۲۵۲/ ۹)، الذریعه (۱۹۱/ ۲۴، ۱۵/ ۱۵، ۹۵/ ۱۲ ،۴۵۲ ، ۳۴۰/ ۳)، ریاض‌العلماء (۲۴۳ -۲۴۲/ ۵)، ریحانه (۲۰۴ -۲۰۳ / ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۱۸/ ۱۱)، الکنی والالقاب (۲۵۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (۲۵۰/ ۹)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۷).

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیهٔ الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوسعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبحانی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال سبحانی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال سبحانی در نخستین روز از مرداد ماه سال ۱۳۴۶ به دنیا آمدم . تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان محل تولد خود (کنگاور) به پایان بردم . در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم دینی عازم قم شدم . تحصیلات مقدّماتی حوزه را در مدرسه علمیّه رسالت گذراندم و سطح را در محضر استادان و بزرگانی همچون آقایان استادی ، عراقچی ، موسوی تبریزی ، مرحوم اعتمادی و مرحوم ستوده فرا گرفتم .

حدود ۷ سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیات عظام شبیری زنجانی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم .کار نوشتن را از سال ۱۳۷۰ و با مقاله نویسی آغاز کردم و در سالیان پس از آن همراه با کارهای انفرادی به همکاری با نهادها و مراکز پژوهشی رو آوردم . که این امر تا کنون نیز ادامه دارد .

سبحانی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم سبحانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در کنار تحصیلات حوزوی که از سال ۱۳۷۵ به آن اشتغال داشتم، تقریبا در سال ۱۳۶۹ چندی با تشکیلات تحقیقاتی حزب الله زیر نظر حجت الاسلام سید محمد باقر خرازی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ تا کنون با مجموعه آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ علاوه بر ویرایش و نگارش بخشی از سخنرانی های ایشان به تدوین و نگارش ۱۹ اثر از ایشان پرداخته ام که ۱۸ اثر آن به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۹ تا کنون با دائرهٔ المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی(ره) نیز همکاری دارم و در این مدت در بخش کتاب شناسی به توصیف و نمایه زنی بر چند اثر کلامی پرداخته ام.

سبزواری، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۲ ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزوار اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز درگذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهایی باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزوار بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ

معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسداللّه سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حـاج ملاهـادی، شـعر فارسـی و عربی را به روانی و نهایت سـلامت می‌سـرود. از ویژگیهای آثار وی شـرح و تفسـیر آثار ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزوار درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می‌گویند؛ «اسرار العباده»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن‌مالـک؛ حاشـیه‌ی «شواهـد الربوبیه‌ی» ملاصـدرا، که در حواشـی خود آن کتاب چاپ شـده؛ حاشـیه بر «مبـدا و معاد» ملاصـدرا، که در حواشـی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شـرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشـیه «مفتاح/ مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین».[۱]

حـاج ملاـ هادی سبزواری (و. سبزوار ۱۲۱۲- ف. ۱۲۸۹ ه.ق) متخلص به اسـرار پسر حاج محمـد سبزواری از دانشـمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسـمت که قسمت اول آن «اللالی‌المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شـرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرارالحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشـی متعددی بر شواهد الربوبیهٔ و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۸/۹)، اعیان الشـیعه (۲۳۴/۱۰)، تاریـخ ادبیات ایران، براون (۲۸۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲ ، ۱۸۷ /۵)، تاریخ فلاسفه ایران (۵۷۶ -۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۸ -۱۲۷ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۲۸/۲)، الذریعه (۲۹۲/۲۶، ۹۸، ۵۵/۱۴، ۲۵۶ -۲۵۵، ۱۷۹/۱۳، ۷۲/۹، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۴۴/۶، ۴۴/۲)، ریاض العارفین (۲۴۱)، ریحانه (۴۲۷ -۴۲۲ /۲)، شرح حال رجال (۳۲۶/۵)، طرائق الحقـائق (۴۶۶ -۴۶۵ /۳)، فلاسـفه‌ی شیعه (۲۶۱ -۲۵۱)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۳۱۰ -۳۰۸ /۵)، لغت نـامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (۱۴۷ -۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ -۷۳۱ /۶)، معجم المؤلفین (۱۲۷/۱۳)، مکارم الآثار (۴۶۹ -۴۵۰ /۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۸ -۴۳).

سجستانی، ابوسلیمان محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۹۱ -۳۸۰ ق)، فیلسوف، حکیم و عقایـد نگـار. معروف به سـگزی و مشـهور به منطقی. او به بغـداد رفت و در آنجـا رحل اقامت افکند و نزد متی بن یونس و امثال او درس خواند و مدتی نیز با یحیی بن عدی به سر برد و از او حکمت و منطق کسب کرد. وی نزد عضدالدوله‌ی دیلمی دومین سـلطان آل‌بویه بسـیار محترم بود. ابوسـلیمان اسـتاد ابوحیان توحیدی و در ادب و شـعر و طب و حکمت مردی مطلع بود، برخی تألیفات او عبارت است از: «صوان الحکمه»؛ «مقاله‌ای در مراتب قوای انسان»؛ «کیفیـهٔ الانذارات التی تنـذربها النفس ممـا یحـدث فی عالم الکون»؛ «کلام فی المنطق»؛ «تعالیق حکمّیه»؛ «مقالـهٔ فی الاجرام العلویه طبیعتها طبیعـهٔ خامسـهٔ»؛ «ملح و نوادر»؛ «اقتصاص طرق الفضائل»؛ «شرح کتاب ارسطو».[۱]

منطقی، محمد بن طاهر بن بهرام سجسـتانی (سیستانی) منطقی و فیلسوف قرن چهارم (ف. پس از سال ۳۹۱ ه.ق.) وی با عضدالدوله و صمصام‌الدوله معاصر و از اقبال و توجه مرا و وزرای آل بویه برخوردار بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۴۱/۷)، بزرگان نامی پارس (۹۴، ۹۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۱۲، ۳۱۳، ۱۱۹، ۵۳)، تاریخ طب (۶۷۴ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۴)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۵۶ -۱۴۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۳۱ /۱)، الذریعه (۹۵ / ۱۵)، ریحانه (۱۴۱ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسلیمان)، معجم المؤلفین (۹۶ /۱۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۱۶ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۵ /۳).

سراب تنکابنی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۲۴ -۱۰۴۰ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبوزاری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعه»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، ایضاح المکنون (۲۴/۱)، تذکره القبور (۴۵۵ -۴۵۴)، تلامذه العلامه المجلسی (۶۶)، الذریعه (۲۰۳/۱۲، ۲۶۹/۶، ۹۶/۱)، روضات الجنات (۱۰۴ -۱۰۱ /۷)، ریحانه (۵/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۳ -۶۷۱ /۱۲)، فوائد الرضویه (۵۵۳ -۵۵۰)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۱۰)، هدیه العارفین (۳۱۲/۲).

سرخسی، شمس الائمه، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریع، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، ریحانه (۱۲/۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، کشف الظنون (۱۶۲۸ ، ۱۶۲۰ ، ۱۵۸۰، ۱۴۵۲، ۱۴۱۴ ، ۱۰۷۹ ، ۱۰۱۴، ۹۶۳، ۵۶۸، ۵۶۱، ۱۱۲، ۴۶)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی) معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷، ۲۳۹ /۸).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تصحیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۳۴۰/۲ ، ۲۰۰ -۱۹۷ /۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، الذریعه (۲۸۳/۲۲ ، ۱۱۶/۲۱، ۴۶، ۱۷، ۱۱/۱۶ ، ۱۳۹ ، ۸۰ -۷۹ /۸ ، ۴۱۰، ۳۱۷ /۳، ۳۶۶/۲، ۴۹۳، ۴۱۵ /۱)، ریحانه (۷ -۵ /۵ ، ۱۵ -۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹ -۶۹۳ /۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶ -۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ -۲۲۵ /۶).

سکندری، علی جان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جان سکندری

محل تولد : اسلام آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۲/۱۵

زندگینامه علمی

علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد ۱۳۴۱ ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمک می نمود .

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یک سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایلی گذراند.

در سال ۱۳۶۶ ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد درگرایش تاریخ ادیان ادامه تحصل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها ومجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سلطان الواعظین شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، متکلم، نویسنده و واعظ. در تهران به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه پامنار تهران فراگرفت و در ۱۳۲۶ ق همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا توقف کرد و سطوح متوسطه را نزد فاضل مرندی و شهرستانی خواند و در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به تبلیغ شریعت پرداخت. او برای تکمیل علم و دانش و انجام وظائف و افاضه و استفاضه

مسافرتهائی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان نمود و با بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی و علمای هند و همچنین با قادیانیها و بهائی‌ها مناظرات ینی و مذهبی کرد که مهمترین آنها دو مناظره‌ی بزرگ وی، در ۱۳۴۵ ق، یکی با برهمائیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب بود. جریان مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. سلطان الواعظین در تهران درگذشت و در قم دفن شد. از آثارش: «شبهای پیشاور»، در یک هزار و پنجاه صفحه، گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله سلطانی»، در بر یهود و نصارا؛ «گروه رستگاران یا فرقه‌ی ناجیه»، در دو مجلد.[۱]

معروف به سلطان الواعظین شیرازی طاب الله ثراه عالمی کامل و واعظی عامل از جمله ستارگان درخشنده و مشعلهای فروزان حوزه علمیه قم است

وی فرزند ارجمند مرحوم حاج سید علی‌اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبر شاه می‌باشد در ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۴ قمری در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال ۱۳۲۶ قمری با والد مبرورش مشرف با عتاب عالیات شده و مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرندی و شهرستانی خاتمه داده و در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرتهای بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائیها و قادیانیها مناظرات دینی و مذهبی نموده که اهم آنها دو مناظره بزرگ در سال ۱۳۴۵ قمری در هندوستان بوده است.

۱- در دهلی (پایتخت امروز هندوستان) با دانشمندان و براهمه بت‌پرستان هند در حضور زعیم و قائد هند (گاندی) معروف که به اثبات حقانیت دین مقدس اسلام و خاتمیت پیغمبر عظیم‌الشان مسلمین خاتمه پذیرفت که در تمام جرائد آن زمان درج گردیده است.

۲- مجلس مناظره بزرگی با حضور دویست نفر تقریبا از رجال و بزرگان فریقین (شیعه و سنی) در شهر پیشاور پنجاب هند (پاکستان امروز) با دو عالم بزرگ از هشت ساعت انجام داده شد که مخبرین چهار روزنامه و مجله بزرگ گفتگوی طرفین را نوشته و در جرائد و مجلات خود نشر می‌دادند که در پایان شب دهم شش نفر از اکابر بازرگانان و اصناف و ملاکین و اشراف پیشاور فی المجلس مذهب حقه جعفریه را اختیار نمودند و همان مناظرات که در مجلات و روزنامه‌های پاکستان چاپ شده با تجدید نظری به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت کتابی بزرگ به نام شبهای پیشاور به طبع رسیده است.

مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می‌شدم وی را عالمی بلندهمت و منیع‌الطبع و کریم‌النفس می‌دیدم حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه‌نشین و قادر بر حرکت نبود ولی باز در همین بازنشستگی از راه تالیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیده‌ی گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱- کتاب شبهای پیشاور در یکهزار و پنجاه صفحه که تاکنون بیش از بیست مرتبه به طبع رسیده و موجب استبصار هزاران نفر سنی ایران و افغان و پاکستان و غیره شده است.

۲- صد مقاله سلطانی رد بر یهود و نصاری مکرر به طبع رسیده است.

۳- گروه رستگاران جلد اول در بیش از پانصد صفحه.

۴- گروه رستگاران جلد دوم در بیش از پانصد صفحه.

مرحوم سلطان‌الواعظین در ماه شعبان سال ۱۳۹۱ ق در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله از آن جناب شد در مقبره ابوحسین مدفون گردید حشره الله مع اجداده

الطاهرین و رزقنا الله شفاعته یوم الدین.

پس از فوتش جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حایری تهرانی مرحوم ثقه‌الاسلام حاج سید جواد سه‌دهی را که از منبریهای برجسته تهران بودند در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است می گوید آقای سه‌دهی چطوری می گوید بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان‌الواعظین آمده است به هر کدام از ما یکدرجه داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۵۴ –۱۵۰ /۲)، الذریعه (۲۰۶/۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ –۳۷۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۷ –۵۰۶ /۵).

سلیمان اف، معصوم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمانی الموتی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی سلیمانی الموتی قزوینی در سال ۱۳۰۰ ، در الموت قزوین به دنیا آمد. پس از مراحل مقدماتی تحصیل ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. وی بعد از آن به منظور تحصیل از قزوین خارج شد و پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام ، به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت. او همچنین از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. آیت الله حاج شیخ هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸ ، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست.گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : اجداد هادی سلیمانی الموتی قزوینی غالباً روحانی و از رجال با نفوذ منطقه الموت بودند و مردم آن سامان از وجود این خاندان اهل علم و ایمان بهره مند می شدند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از طی طفولیت و کسب مراحل مقدماتی معلومات ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. همین جا بود که پایه های اساسی فکری و اعتلای علمی اش پایه ریزی شد و پس از سال ها تحصیل مدارج و مراحل علوی حوزوی به بلوغ نبوغ و کمال معنوی رسید. و سپس به قم رفته و تحصیلات خود را در حوزه ی علمیه ی این شهر پی گرفت.استادان و مربیان : هادی سلیمانی الموتی قزوینی دروس سطوح عالی را نزد اساتید برجسته و معروف قزوین ، آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و دیگر علمی وقت فراگرفت. وی پس از اقامت در نجف از محضر فقها و مراجع بزرگی چون آیت الله بروجردی ، آیت الله شاهرودی ، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی ، امام خمینی (ره) را درک نمود و به فراگیری علوم فقهی و فلسفی و کلامی پرداخت. او از اکثر مراجع زمان همچون آیت الله مرعشی نجفی ، آیت الله سیدابوالقاسم خویی ، آیت الله شاهرودی ، آیت الله طباطبایی و... اجازه دریافت نمود.زمان و علت فوت : هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸ ، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : هادی سلیمانی الموتی قزوینی از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام و چند سال تحصیل پیاپی به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۱۶۰

سلیمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سلیمانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

حسین سلیمانی در تابستان سال ۱۳۴۹ در شهرستان اردستان به دنیا آمد . در ۱۵ سالگی ، پس از تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی ، برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت کرد و به طور همزمان تحصیلات جدید را نیز ادامه داد . در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم به تحصیل مشغول شد و پس از اتمام دوره کارشناسی ، در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره) ، مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شد . اکنون نیز در مقطع دکتری در همین دانشگاه به تحصیل مشغول است .

وی از سال ۱۳۷۵ در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به مطالعه و پژوهش در حوزه ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی مشغول شده که حاصل آن چندین اثر چاپ شده یا در آستانه چاپ است . وی اکنون عضو

هیئت علمی مرکز فوق الذکر است و در کنار پژوهش در حوزه ادیان ابراهیمی ، سمت سرویراستارمرکز ادیان را نیز داراست . دلمشغولی فعلی وی مطالعات تطبیقی در زمینه حقوق کیفری در قوانین ایران، شریعت اسلامی و مقایسه با حقوق یهودی است .

سلیمانی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم سلیمانی

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان بهبهان متولد شدم. تحصیلات خود را تا دیپلم در آن شهر ادامه دادم. همدوش با سایر جوانان در فعالیتهای علیه نظام طاغوت در قبل از انقلاب شرکت کرده و با پیروزی انقلاب عضو فعال بسیج و سپس در زمان جنگ تحمیلی برای مدتی (حدود یکسال) عضو سپاه پاسداران شهرستان بهبهان شدم و در همین مدت دروس طلبگی را نیز نزد پدر بزرگوارم (رحمهٔ الله علیه) و برخی علمای شهر بهبهان آغاز کردم. سال ۱۳۶۱ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و در کنار دروس حوزه ، به جبهه های جنگ رفته و در عملیات های مختلف شرکت می کردم. تدریس دروس حوزوی را به طور رسمی از سال ۷۰ -۱۳۶۹ و از مدرسه علمیه حقانی آغاز کردم . در همین سال سطح را تمام کرده و وارد درس خارج شدم. سال ۱۳۷۲ همزمان با آغاز فعالیت مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم به عنوان اولین دوره این مرکز مشغول به تحصیل در این رشته شدم. سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل این مرکز در سطح ۴ شده و در همان مرکز به عنوان استاد ، به ادامه همکاری پرداختم. از سال تحصیلی ۸۰ – ۱۳۷۹ به عنوان مدیر مرکز تخصصی کلام در کنار تدریس به خدمت پرداختم. عضو هیات علمی مؤسس انجمن علمی تازه تاسیس کلام بوده و با مراکز مختلف علمی ، پژوهشی همکاری دارم. دارای تعدادی مقاله چاپ شده و کتاب در حال تدوین می باشم. راهنمایی و مشاوره تعداد زیادی رساله علمی طلاب حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی را در سطح ۳ و ۴ به عهده دارم.

سمرقندی، ابواللیث نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۵/۳۷۳ ق)، محدث، متکلم و فقیه حنفی. معروف به امام الهدی. وی از محدثان بنام خراسان بود که در رشته‌های مختلف

علوم اسلامی تالیفات داشت و کتابهای او از مراکش تا اندونزی رایج بود. در برخی منابع او را با حافظ سمرقندی که معاصر وی بود و مانند او نام ابوللیث نصر داشت اشتباه کرده‌اند. ابواللیث از محمد بن فضل بخاری و یگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن فضل بخاری و دیگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن عبدالرحمان ترمذی از وی روایت کرده است. آثار عمده‌ی وی عبارتند از: «تفسیر» که به وسیله ابن عربشاه به ترکی عثمانی ترجمه شده؛ «خزانه الفقه»، در فقه حنفی؛ «مختلف الروایه»، درباره اختلاف تعلیمات علمای قدیم حنفی؛ «المقدمه فی الصلاه»، در آداب نماز؛ «تنبیه الغافلین» و «البستان» یا «بستان العارفین»، هر دو در اخلاق و زهد؛ «صحائف الالهیات»؛ «مختصر مقدمات الصلوات»؛ «النوازل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۹ -۳۴۸ /۸)، ایضاح المکنون (۴۷۴/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، دانشنامه ایران و اسلام (۹۹۱/۷)، ریحانه (۷۳/۳)، سیر النبلاء (۳۲۳ -۳۲۲ /۱۶)، کشف الظنون (۱۹۸۱ ، ۱۹۸۰، ۱۷۹۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۴ ، ۱۵۸۰ ، ۱۲۰، ۱۱۸۷، ۷۰۳، ۶۶۸، ۵۶۸، ۵۶۳، ۴۸۷، ۴۴۱، ۳۳۴، ۲۴۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۰/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابولیث)، معجم المؤلفین (۹۱/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

سند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.

در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاهٔ و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاهٔ و غیره

همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاهٔ و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۹- مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به المویـد بـالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالبا شیخ اشراق یـا المقتول یـا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحاد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متاثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن‌سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»؛ «التلویحات»؛ «التنقیحات»؛ «حکمه الاشراق»؛ «رساله فی اعتقاد الحکما»؛ «طوارق الانوار»؛ «قصه الغربه الغربیه»؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیا کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن‌سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صفیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[۱]

یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد ۵۴۹- مقت. ۵۸۷ ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباج شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند

و وی در حبس در سن ۳۸ سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التحلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمهٔ الاشراق (ه.م.) رسالهٔ فی اعتقاد الحکماء قصهٔ الغربهٔ الغربیهٔ، آواز پر جبرئیل، رسالهٔ العشق، لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسالهٔ الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریهٔ، الالواح العمادیهٔ، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیهٔ، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فسلفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار علهٔ العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیما پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک‌الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در بر گرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند.در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمهٔ التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می‌کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که بیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمهٔالاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمهٔ الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوشتر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می‌کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به‌جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۰ -۱۶۹ /۹)، ایضاح المکنون (۶۰۷، ۵۰۳ /۲ ، ۳۳۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۷ -۹۹۶، ۳۰۵ - ۲۹۷ /۲)، تاریخ فلاسفه (۳۸۱ -۳۶۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۵۶۰ -۵۲۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴ - ۴۴۳)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (۱۰۴ -۱۰۳)، دایرﺓالمعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۱۵۳ -۱۵۲ /۱۳ ، ۲۷۷/۲۵، ۵۵۴/۹)، روضات الجنات (۱۹۷/۸)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۳۰۰ -۲۹۸ /۳)، سیر النبلاء (۲۱۱ -۲۰۷ /۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹ - ۵۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۰ ، ۷۱۹۷، ۶۸۴، ۴۸۲ ، ۳۶۱، ۱۵۹)، الکنی و الالقاب (۳۲۶/۲)، لسان المیزان (۵۱۱ -۵۱۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ ابوالفتوح)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ -۸۲۳ /۶)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم الادبا (۳۲۰ -۳۱۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۹۰ -۱۸۹ /۱۳)، نفحات الانس (۵۸۶ -۵۸۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۳ -۳۱۸ /۲)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۶۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۲۱/۲)، هفت اقلیم (۲۰۱/۳).

سید موسوی، سیدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدابراهیم سیدموسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیك رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل بررسی تفاسیر قرآن، تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدند. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به نفع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند. در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی(موسسه امام ره) شرکت کردم.

سید هاشمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد سیدهاشمی

محل تولد : کاظمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ ـ ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ‌التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶ ـ ۸۵) در جامعهٔ الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیفی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد : بابلسر

شهرت : سیفی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازندران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.
پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئوول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازندارن بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

شاکری، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد : قم

شهرت : شاکری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگواری که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیهًالله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیهًالله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیهًالله العظمی شیرازی– مدظله – به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیهًالله العظمی سبحانی– مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصی مشغول و در دانشگاه هم درعلوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته ،شهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سنتی ،غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانظری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر شانظری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفرشانظری فرزند محمد متولد ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گروه الهیات پس از گذراندن مراحل تحصیل علوم جدید درسال ۱۳۴۹ بر اساس علاقه و اشتیاق خود، به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم حوزوی وارد و در سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت نمودم. در سال ۱۳۶۰ دوره سطح حوزه را تمام و به سطح عالی (درس خارج فقه و اصول) شرکت کردم و به مدت ۱۶ سال درس خارج فقه و اصول را از محضر استادان گرامی حضرت آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی کسب فیض نموده و در درس منطق، فلسفه، کلام و تفسیر نیز شرکت کرده و از محضر استادان انصاری شیرازی، جوادی آملی و حسن حسن زاده آملی بهرمند شدم. در سال تحصیلی ۶۸ ـ ۱۳۶۷ در کنکور مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم جهت دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شرکت و پس از قبولی و پذیرش به تحصیل ادامه داده و در سال ۷۱ ـ ۷۰ پس از گذراندن واحدهای آموزشی و دفاع پایان نامه تحت عنوان «نفس در عرفان » فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای ادامه تحصیل در دروه دکترای فلسفه و کلام اسلامی در امتحان دانشکده الهیات دانشگاه تهران به سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ شرکت و بعد از پذیرش دوره آموزشی را گذرانده سرانجام پس از امتحان جامع و دفاع پایان نامه تحت عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب المبدء و المعاد ملا صدرا و مقایسه علمی با مبدء و معاد ابن سینا» در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی گردیدم.

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۲ ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[۱]

مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.

صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.

وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه آباد ساکن و از این رو بشاه آبادی معروف گردیده و در سال ۱۳۴۷ به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال ۱۳۵۴ ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در ۱۳۶۹ ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.

(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)

از آثار اوست: ۱- الانسان و الفطره ۲- الایمان و الرجعه ۳- القرآن و العتره ۴- حاشیه کفایه ۵- مرام اسلامی ۶- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.

از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:

۱- مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.

۲- حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص ۱۷۸ یاد نموده‌ام.

۳- حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.

۴- حجهٔ‌الاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.

۵- حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ روح‌الله شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.

۶- حجهٔ‌الاسلام آقای حاج نورالله شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۱۸ -۲۱۷ /۱)، تذکره القبور (۱۱۹ -۱۱۸)، الذریعه (۵۹/۱۷)، ریحانه (۱۶۸ -۱۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷۱ -۱۳۷۰ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۵ -۴۸۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳ /۴)، معجم المؤلفین (۴۷/۱۱).

شجاعی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شجاعی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد شجاعی فرزند حسن در سال ۱۳۴۵ در یکی از روستاهای دور افتاده آذربایجان شرقی شهرستان اهر، بخش هوراند، روستای هوای متولد شدم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطهٔ در منطقه خود به اتمام رساندم، پس از پایان دورهٔ متوسطه، به علّت شدّت علاقه به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) تبریز شدم. مقدمات و یک دوره اصول فقه مقدماتی رابه مدت ۵ سال در حوزهٔ یاد شده گذراندم، سپس جهت ادامهٔ تحصیل، در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه عملیه قم شدم و طی مدت ۴ سال سطوح عالی را به پایان رسانیده و وارد درس خارج شدم، در دروس خارج فقه و اصول و تفسیر از محضر حضرات آیات، جوادی آملی، جعفر سبحانی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی

بهره بردم، در کنار دروس خارج به علت علاقه شدید به علوم عقلی و اعتقادی متون فلسفی همچون، بدایه، نهایه، شرح اشارات و اسفار اربعه را فرا گرفته و به صورت کلاسیک سطح چهار تخصصی کلام اسلامی را سپری کردم پس از پایان تحصیلات در تخصصی کلام، به دعوت دوستان، مسئولیت معاونت پژوهشی تخصصی کلام را عهده دار شدم و تا حال در خدمت دانش پژوهشان مرکز به انجام وظیفه مشغول هستم.

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹ /۲)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۱۰۳ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۳۳۴ -۳۳۳ /۵)، اعیان الشیعه (۳۹۲ -۳۹۱ /۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴ -۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶ /۳)، شـرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصـرین (۱۲۴ -۱۲۲)، فوائـد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹ -۱۸۱۶ /۵).

شریعتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شـریعتی در تاریـخ (مقاله‌ی حاضـر مفصـلترین سالشـمار زنـدگی دکتر شـریعتی و اجمالی از تحقیق نویسـنده درباره‌ی زندگی اوست که در سـال ۱۳۶۵ نوشـته و سـپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شـریعتی، از اطلاعات شخصـی دوسـتان نزدیک شـریعتی، از اطلاعات شخصـی دوسـتان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات منـدرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامـده و جدیـد است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شـریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است.این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضـر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است.).

زنـدگی من، مجموعا، عبارت است از چنـدین برنامه‌ی پنـج ساله. همیشه کاری شـروع می‌کرده‌ام و به اوج می‌رسانـده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال.

از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از ۱۳۳۷ به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال.

از ۳۸ تا ۴۳؛ در اروپا پنج سال.

از ۴۳ تا ۴۸؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.

دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا ۵۱.

پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.

با مخاطبهای آشنا، ص ۲۶۲.

۱۳۱۲

پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.

مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.

۱۳۱۹

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.

۱۳۲۵

ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.

۱۳۲۷

به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.

۱۳۲۹

سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.

۱۳۳۱

دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.

۱۳۳۱

انجمن اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.

۱۳۳۱

در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.

۱۳۳۲

عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.

۱۳۳۲

ثبت‌نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی

۱۳۳۳

پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.

۱۳۳۴

هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.

۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵

ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.

۱۳۳۵

پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان قامت برافراشت.

۱۳۳۵

ازدواج با بی‌بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی‌اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال ۱۳۲۰) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲).

۱۳۳۶

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

۱۳۳۷

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

۱۳۳۷

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

۱۳۳۸

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

۱۳۳۸

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

۱۳۳۸

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضروبش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

۱۳۳۸

تولد نخستین فرزندش، احسان.

۱۳۴۱-۱۳۳۹

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

۱۳۳۹

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

۱۳۴۰

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان سیته افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.

۱۳۴۰

شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.

۱۳۴۱

در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.

۱۳۴۱

با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام‌خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.

۱۳۴۱

شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگره‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.

۱۳۴۱

تولد دومین فرزندش، سوسن.

۱۳۴۲

پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تتبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لوئی ماسینیون، ژرژ گورویچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.

۱۳۴۲

تولد سومین فرزندش، سارا.

۱۳۴۳

به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

۱۳۴۳

تقاضایش برای تردیس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

۱۳۴۴

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

۱۳۴۴

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

۱۳۴۵

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

۱۳۴۷

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

۱۳۴۷

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

۱۳۴۷

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینیه‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینیه‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

۱۳۴۸

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضتهای آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.

۱۳۴۹

دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.

۱۳۴۹

با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خداپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند وبازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.

۱۳۴۹

دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد.

۱۳۵۰

به دستور ساواک درسهای شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق بپردازد.

۱۳۵۰

برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.

۱۳۵۰

سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)

۱۳۵۰

تولد چهارمین فرزندش، مونا.

۱۳۵۰

سومین وآخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او ممانعت گردید.

۱۳۵۰

در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیرپرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینیه‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.

۱۳۵۱

نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله‌اکبر و با حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشانی نباید داشته باشد.

۱۳۵۱

نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

مخالفت شخصیتهای واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی -ع - را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.

۱۳۵۱

سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این‌که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستیگر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد.

۱۳۵۱

به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲ در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.

۱۳۵۲

ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای

شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.

۱۳۵۲

اقامت خانواده‌اش در تهران.

۱۳۵۲

سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد،همین مدت از عمر خود را، یعنی دوسال و دو ماه، از آغاز سال ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۶، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند.).

۱۳۵۲

چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.

۱۳۵۶-۱۳۵۳

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال ۱۳۵۶)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و...چاپ می‌شد.

۱۳۵۳

سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.

۱۳۵۳

در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیتهای دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سویس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.

۱۳۵۴

رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.

۱۳۵۴

رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین منتشر شده بود، با عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر

حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا و خنثی شد.

۱۳۵۶-۱۳۵۴

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.

۱۳۵۵

پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.

۱۳۵۶

به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای کاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.

۱۳۵۶

بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.

۱۳۵۶

در ۲۶ اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و باحتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگلستان رفت تا از همسر و فرزندانش، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقابل کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب ۲۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود ۲۸ خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.

۱۳۵۶

سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.

در روز ۲۸ خرداد همسر و فرزندان شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش (سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.

۱۳۵۶

در ۲۸ خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند. ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۹ خرداد پیکر دکتر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.

۱۳۵۶

سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال ۳۱ خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در ۵۶/۳/۲۹ بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملا سالم است.

۱۳۵۶

گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ای «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی‌گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.

۱۳۵۶

پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزاردند.

۱۳۵۶

خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزادند و پس از طواف در حرم حضرت زینب – س – در کنار آن حضرت به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۶ ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ حشایه‌ی «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی‌زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را ۹۵۰ ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۴ -۳۷۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۲/۷)، الذریعه (۳۴۶ -۳۴۵، ۳۱۴، ۲۱/ ۴۹/۱۵، ۱۳۳، ۵۹/۶، ۲۷۷/۴، ۲۶۱/۳، ۲۰۲/۲، ۴۱/۱)، ریحانه (۲۲۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۶/۱۰).

شقانی حسنوی ابوالعباس، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، صوفی و متکلم. از روستای شقان نیشابور بود. در مدرسه سوری نیشابوری زندگی می‌کرد و بسیار قانع بود. وی از بزرگان مشایخ صوفیه و جامع علوم و در اصول و فروع استاد بود. و با شیوخی بزرگی چون شیخ ابوسعید ابوالخیر و ابوالحسن خرقانی هم عصر گویند در سماع حالت‌های خاص داشته و حاضران را تحت تأثیر می‌گذاشته است. در رادکان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تعلیقات اسرار التوحید (۶۶۰)، کشف المحجوب (۵۲۷، ۲۵۹، ۱۸۹، ۲۱۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۲۰ -۳۱۹ /۵)، نفحات الانس (۳۲۰ -۳۱۹).

شکراللهی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر شکراللهی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶دیپلم برق(تهران هنرستان شهید موافق) لیسانس علوم سیاسی، فوق لیسانس فلسفه و کلام دکترای فلسفه تطبیقی. از سال

۱۳۶۴وارد حوزه علمیه شدم و تا هفت سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و کتاب های عرفانی و فلسفی مثل فصوص و اسفار را خوانده ام . از همان ابتدا در حوزه به تدریس مقدمات و بعد سطح مشغول بودم و از سال ۱۳۸۲در دانشگاهها مشغول تدریس هستم و عضو هیئت علمی پاره وقت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هستم و از سال ۱۳۷۶جزء اولین افراد شبکه رادیوئی معارف بودم، و در سمت های نویسندگی، سر دبیری، کارشناسی و مجری کارشناسی مشغول فعالیت بودم .تاکنون یک کتاب با عنوان آسیب شناسی حکومت دینی از بنده منتشر شده و ۲مقاله هم ترجمه کردم که چاپ شده است و چندین مقاله نوشته شده و ترجمه شده آماده چاپ دارم .

شهاب، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی شهاب

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۲ در رشته ریاضی و فیزیک در مقطع دیپلم از دبیرستان آیت الله طالقانی بیرجند فارغ التحصیل شده و در همانسال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم.

پس از یک سال به مدرسه رضویه قم انتقال پیدا کردم سطوح مقدماتی و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۰ پشت سر گذاشتم و همزمان با تحصیل حوزوی و شرکت در دروس خارج در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران رشته فلسفه شدم و با حضور هفته ای یک روز در میان این دوره را ادامه داده در سال ۱۳۷۲ بلافاصله در کارشناسی ارشد همان رشته در همان دانشگاه به ادامه تحصیل مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ در موسسه اموزش و پژوهش امام خمینی (که آن موقع با عنوان موسسه باقرالعلوم فعالیت می کرد) در گروه تازه تأسیس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شدم و از جلسات درس حضرات آقایان لاریجانی ، ملکیان بهره بردم.

از سال ۱۳۷۵ مدتی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و سپس در پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) به کارهای تحقیقاتی در گروههای فلسفه – فلسفه دین – مشغول شده و این همکاری تا مدتی که در قم بودم ادامه داشت در همین سالها از سال ۱۳۷۴ تا کنون در مراکز مختلفحوزوی و دانشگاهی قم و تهران به تدریس دروس منطق و فلسفه و کلام و .... مشغول شدم. و سرانجام در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری کلام جدید تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۸۴ از رساله خود دفاع کردم . در سال ۱۳۸۰ به دلیل پاره ای مشکلات به بیرجند آمدم و در دانشگاه بیرجند در گروه معارف اسلامی به تدریس مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد.

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ -۴۷۹/۴۶۷ ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شارستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اخرم حدیث شنید. در ۵۱۰ ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس وعظش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعد عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان درگذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البینات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ الحکماء»؛ «المبداء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام».[۱]

(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمندان اشعری (و. شهرستان ۴۷۹- ف. ۵۴۸ ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (ه.م.) والمصارعه (ه.م.) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا درگذشت. دیگر از آثار او نهایهٔالاقدام (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۸۴ -۸۳ /۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۷ -۲۹۶، ۲۸۶ -۲۸۵ ، ۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، تاریخ علم کلام در ایران (۲۶۶ -۲۴۶)، روضات الجنات (۲۸ -۲۴ /۸)، ریحانه (۲۷۲/۳)، سیر النبلاء (۲۸۸ -۲۸۶ /۲۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۴/۲)، لسان المیزان (۳۰۶ -۳۰۴ /۶)، لغت نامه (ذیل/ شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۸ /۵)، مدارس نظامیه (۱۷۳ ،۱۰۵)، معجم المؤلفین (۱۸۷/۱۰)، معجم البلدان (۴۲۸ -۴۲۷ /۳)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (۲۷۹ -۲۷۸ /۳)، وفیات الاعیان (۲۷۵ - ۲۷۳ /۴)، هدیه الاحباب (۱۶۵ -۱۶۴).

شهرستانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر محمد حسین فرزند عالم بزرگوار حاج میرزا محمد علی فرزند علامه امیر محمد حسین مرعشی حائری، معروف به آیت الله شهرستانی، یکی از بزرگان علما و مشاهیر مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است.

دانشمند محقق، فقیه محدث، رکن معتمد و سید متتبع، بزرگواری که در احاطه به فنون مختلف علمی معروف، و تألیفاتش احاطه به

دانشهایش را معلوم، و ذکر جمیلش در جهان تشیع همه را مشهور، و سیمای ملکوتیش بر همگان مقبول، و اخلاصش در نزد خدای دو جهان منظور است. پدرش از سادات عظام خاندان مرعشی، و نسب شریفش به حضرت سجاد علیه السلام منتهی و مادرش سبط وحید بهبهانی است. از اوایل کودکی و نوجوانی به دنبال تحصیل دانشهای دینی و اسلامی بود و سالها از اساتید متعدد در عتبات عالیات برخوردار گشت و مراتب علمی او بیشتر از محضر علامه اردکانی عاید او گشت. جناب او یکی از اساتید بزرگ عراق گردید که شهرت و آوازه تدریس او به همه جا پیچید و آثار گرانبهایش به نقاط مختلف دست به دست چرخید: در اصول فقه غایهٔ مسؤل، در شرح شرایع کتاب شوارع، و در تحقیق ادله: لباب الاجتهاد، و در اثبات امام منتظر جنهٔ نعیم، و در نکاح کتاب در نضید را به رشته تحریر برد، و از دیگر آثار اوست: تلخیص و تلویح، کوکب دری، صحیفه حسنیه، مواقع النجوم، موائد، سبیل الرشاد، عنصر متین، تبنه الانام، ارشاد عوام، تذکرهٔ النفس و غیره. شهرستانی در نوجوانی به درجه اجتهاد رسید و در سن دوازده سالگی شروع به تألیفات نمود، و سالها در نجف اشرف از حوزهٔ درس او بهره ها بردند، و از خرمن وجودش خوشه های مختلف چیدند، و اکثر صاحب تراجم علما به اوصافش قلمفرسائیها نمودند، ولی سرانجام آن صورت زیبا چون ماه بدر تمام لاجرم افول نمود و آفتاب جمالش به شب پنجشنبه سوم شوال ۱۳۱۵ غروب نمود، و به کنار تربت جد عزیزش سالار شهیدان مدفون گشت، ولی تألیفات او و فرزندان و احفاد او برای همیشه، جاویدش کرد. فرزندش حاج میرزا محمد علی و آقا زاده هاو احفاد او، و تمام بیت او از اعلام بزرگ و پرچمداران مذهب تشیع بوده و هستند. فرزند مجتهد او صاحب کتاب تبیان در تفسیر است، و تحفه علوی و تحفه مؤمن و بیان مبرهن او معروف است. وفات حاج میرزا محمد علی آقازاده را در سال ۱۳۴۴ نوشته اند.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام – قدس سره– جوائزی دریافت کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیهٔ الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام

جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)،معاون پژوهشی آن سازمان ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می گوید.

شهمردان، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۴، یزد.

درگذشت: ۲۱ آذر ۱۳۶۲، آمریکا.

رشید شهمردان سال‌هایی چند در هندوستان می‌زیست و از دانشمندان زردشتی‌شناس ایرانی‌نژاد (پارسیان) آن مرز و بوم بهره‌ی علمی برد. نوشته‌هایی از او به صورت کتاب به جا مانده است: دساتیر کتاب آسمانی نیست، حرف راست؛ تعلیمات زرتشت؛ خرده اوستا به خط دین دبیره؛ راماین؛ (ترجمه از انگلیسی به فارسی)؛ مجله‌ی «جهان امروز»، پیامبر زرتشت، دین‌نامه‌های (شماره‌ی ۱ و ۲ و ۳)؛ فرزانگان زرتشتی؛ خرده اوستا با آوانویسی و معنی؛ فهرست کتاب‌های دینی موجود در کتابخانه اردشیر یگانگی؛ پرستش گاه‌های زرتشتیان؛ دانستنی‌های آیین زرتشتی (ترجمه)؛ زرتشت و همزمان او در ودا (ترجمه)؛ سال دینی زرتشتیان (ترجمه)؛ دین پایه زرتشتی (با همکاری دکتر حسین وحیدی)؛ تجدید چاپ خرده اوستا با آوانویسی (با همکاری دکتر حسن وحیدی)؛ تاریخ زردتشتیان از پایان دوره‌ی ساسانیان تا به امروز.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهید بلخی، ابوالحسن شهید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۵ ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط. معاصر رودکی، به فارسی و عربی شعر می گفت وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود وی با رازی نیز مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته‌اند. اسم او را سهیل و

علی نیز نگاشته‌اند. وی در خط نیز استاد بود و فرخی او را بدین هنر ستود. عوفی نظم اشعار عربی را به وی نسبت داده و قطعه‌ای از او به تازی نقل کرده است. وی در استادی هم‌ردیف و همانند رودکی بود و علی‌الخصوص غزلهای وی شهرت داشت بنا به نقل یاقوت حموی وی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده. رودکی او را مرثیه گفته است و او را شاعر علی‌الطلاق خوانده است و حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و تذکره به جای مانده است.[۱]

(بخش ۱) بلخی. ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم ه. (ف. ۳۲۵ ه.ق.) او را با ابوبکر محمد بن زکریای رازی مناظراتی بوده و هر یک بر دیگری نقضی وردی داشته است. شهید در خط نیز استاد بود و اشعار عربی هم می‌سرود. وی از بلخ به چغانیان نزد ابوعلی محتاج رفت و از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را ذکر کرده‌اند. رودکی در رثای او قطعه‌ای سروده. شهید مانند رودکی نزد شعرای بعد از خود مورد احترام بوده و او را در ردیف رودکی قرار داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۳ -۳۸۹ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۱۹/۲)، الذریعه (۵۶۱ -۵۶۰ /۹)، ریحانه (۲۷۸/۳)، سخن و سخنوران (۱۸ -۱۶)، سیری در شعر فارسی (۲۲۱ -۲۲۰)، شاعران بی‌دیوان (۳۷ -۲۶)، شخصیتهای نامی (۲۶۹ -۲۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۱/۲)، گنج سخن (۱۷ -۱۵ /۱)، لباب الالباب (۵ -۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (۸۰۴ -۸۰۳ /۱)، معجم المؤلفین (۳۱۰/۴)، هفت اقلیم (۶۰ -۵۹ /۲).

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.

و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال ۱۲۶۳ قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال ۱۲۶۴ قمری.

و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.

آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.

۱- حجةالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه ۲- حجةالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه ۳- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد ۴- حجةالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم ۵- حجةالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم ۶- ثقةالاسلام آقا میرزا محمود ۷- ثقةالاسلام آقا شیخ جعفر ۸- ثقةالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر ۹- ثقةالاسلام آقا تقی ۱۰- حجةالاسلام

والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.

۱- عیون‌الاصول ۲ جلد ۲- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل ۲۴ جلد ۳- شرح بر شرح لمعتین ۱ جلد ۴- رساله‌ای در نماز جمعه ۵- رساله‌ای در دیات ۶- مجالس المتقین.

مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی از آن را می‌نگارم ۱- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء ۲- اجازه به خط العلامهٔ الفقیه السید محمد بن العلامهٔ صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.

۳- اجازه به خط محقق الشهیر به علامهٔ بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهیدی زندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر شهیدی زندی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر شهیدی زندی متولد ۱۳۴۷ ، از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شده و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم ادامه دادم. در دروس حوزوی همزمان با شروع درس خارج وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه اسلامی شده و موفق به دریافت سطح چهار فلسفه و کلام اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۹ از طریق کنکور در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۸۲ موفق به دریافت کارشناسی این رشته شدم.از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز تحقیقات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری شده و در ابتدا مسئولیت کتابخانه دبیرخانه را به عهده داشتم و در ادامه مسئول دفتر مرکز تحقیقات بودم. همچنین به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده هدی وارد جامعه الزهرا (س) شدم و همزمان در دانشکده و تحصیلات تکمیلی آن مشغول به تدریس شدم.

در حال حاضر مسئول گروه کلام اسلامی و مسئول دفتر برنامه ریزی درسی جامعه الزهرا(س) می باشم. در سال ۱۳۸۶ نیز معاون آموزشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم بودم که اخیرا به دلیل مسئولیت جدید در معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از آن سمت استعفا دادم. در حال حاضر در دانشگاه مفید و مدرسه علمیه حجتیه مختصری تدریس دارم و طی دو سال قبل هفته ای یک روز در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده

ام.

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال ۱۲۳۹ ،در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، در حرکتهای سیاسی زمان خود شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در ۳۰ ذی القعده ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی ، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث ،در قزوین متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود.استادان و مربیان : میرزا ابوتراب شهیدی ابندا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمدکاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد.وقایع میانسالی : مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت.زمان و علت فوت : میرزا ابوتراب شهیدی در ۳۰ ذی القعده ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.فعالیتهای آموزشی : میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف ، در سال ۱۳۳۰ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، مدتی هم در حرکتهای سیاسی شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد.آرا و گرایشهای خاص : شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی ، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث هایی فلسفی نیز دارد ، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت ، فلسفه ، کلام ، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود.آثار : التوحید ،المبین و تبین فی شرح المواعظ البراهین ویژگی اثر : این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۱۹۳۲قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۳۶-۱۳۷

شیخ الاسلامی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شیخ الاسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در حین تحصیل دروس متوسطه را اخذ نمودم و مدتی توفیق حضور جبهه را داشتم در سال ۱۳۷۱ به تحصیل کفایتین و مکاسب اشتغال داشتم و به دست مقام معظم رهبری به لباس روحانیت ملبس شدم و در سال ۱۳۷۲ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی،مکارم به تلمذ مشغول شدم ودر این همه سالها به تبلیغ و ارشاد هم موفق بودم در سال ۱۳۷۴در دروس تخصصی کلام در موسسه امام صادق تحت اشراف آیت الله سبحانی پذیرفته شدم و پس از فارغ التحصیلی به تدریس در حوزه و دانشگاه اشتغال یافتم در سال ۸۵بعنوان عضو هیات علمی در دانشگاه پیام نور پذیرفته ودر مرکز نطنز ادای وظیفه می کنم و در خدمت دانشجویان و اساتید فرهیخته هستم .

شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۳۰۳ ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجانی فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللَّه زنجانی حضور یافت. در ۱۳۳۱ ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌اللَّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللَّه شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۳۹ ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌اللَّه سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۳۹۰ -۳۸۹)، علماء معاصرین (۲۲۸ -۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱ -۸۷۰/ ۴).

شیخانی، علی باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.

از سال ۷۱ به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ، محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ -۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شیهد ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق./ ۱۵۴۶ م.- ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصۀالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷ -۹۲۶ /۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹ - ۲۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷ -۱۰۳۹ /۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵ -۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲ -۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱ -۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶ -۴۹۵)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹/ ۲۴۱، ۲۴۰ - ۶/ ۲۲۵، ۲۲۴ - ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹ /۶، ۳۰۲ -۳۰۱، ۶۳ -۶۲ /۵، ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶ -۱۸۵ /۴، ۴۲۵، ۳۶ -۳۵ /۳، ۴۲/۲، ۱۱۸ -۱۱۷، ۱۱۵، ۸۵ /۱)، روضات الجنات (۸۰ -۵۴ /۷)، ریاض العارفین (۴۹ -۴۵)، ریاض العلماء (۹۷ -۸۸ /۵)، ریحانه (۳۲۰ -۳۰۱ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲ -۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴ -۳۸۳)، شخصیتهای نامی (۲۷۳ -۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ -۸۵ /۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱ -۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸ -۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱ -۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹ -۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵ -۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ -۴۲۱ /۵)، مجمع الخواص (۴۱ -۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵ -۱۲ /۴)، مطلع الشمس (۳۸۸ -۳۸۶ /۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶ -۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵ -۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶ -۱۴۳).

شیرازی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی یکی از علما و مجتهدین و اساتید بزرگ عتبات در قرن اخیر بود. شیرازی عالمی فقیه و مجتهدی اصولی معاصر با آیت الله اصفهانی رحمۀ الله علیه بود.

مرحوم خوانساری در احسن الودیعه (دوم) می نویسد: شیخ کاظم نجفی شیرازی از اکابر علما و مجتهدین و از علمای فقهای متتبعین است. جمعی از اصحاب و گروهی از فضلا به بحث او حاضر می شوند. مجتهدی که تحریر و تقریر او خیلی زیباست. خوانساری اضافه می کند که از گفتگو و معاشرت او لذت می بردیم...

شیخ کاظم رحمۀ الله علیه در سال ۱۲۹۰ قمری در شیراز متولد شد و در ده سالگی به معیت پدر و خاندان خویش ساکن کربلا گردید و مدت چهارده سال پی در پی سرگرم مطالعات و مباحثات فقهی و اصولی و ادبیات عرب بود. شیخ کاظم ابتدا از شاگردان سید کازرونی بود و از سال ۱۳۱۰ به بعد در سلک تلامذه آیت الله شیرازی بزرگ و شیرازی مجاهد و حاج حسینعلی تهرانی درآمد و خود به درجه اجتهاد رسید.

شیخ کاظم تا مادامیکه میرزا محمد تقی مجاهد در قید حیات بود از ملازمین معظم له در سامرا و کربلا بود. پس از فوت میرزای مجاهد عازم نجف اشرف گردید ودر سلک اصحاب آیت الله اصفهانی قرار گرفت، و از ملازمین این سید عالی مقام بود. غالب استفتاهائی که از سید اصفهانی می شد، به خط زیبای شیخ کاظم که مجتهدی محل وثوق بود پاسخ داده می شد، و آقا پس از مطالعه مهر می نمود. سرانجام این شیخ جلیل القدر نیز در سال ۱۳۶۷ به رحمت ایزدی رفت و در نجف اشرف در کنار مولا امیرالمومنین علی علیه السلام جنب علما مدفون شد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

شیروانی هرندی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شیروانی هرندی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در تهران متولد شد. در سال ۵۶ به فراگیری علوم حوزوی علاقمند گشته، فراگیری علوم حوزوی را در مدرسه ملامحمد جعفر (معروف به مدرسه مجتهدی) آغاز کرد، و همزمان با گذراندن دوره دبیرستان ـ در رشته ریاضی فیزیک ـ صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و اصول فقه و فقه را نزد اساتید برجسته حوزه تهران (آیت الله ضیاء آبادی، آیت الله رحمانی، آیت الله رئوفی و دیگران) فرا گرفت. در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. در سال تحصیلی ۶۴ـ ۶۵، بنا بر تقاضای امام جمعه وقت و مدیر مدرسه، برای تدریس به حوزه علمیه مسجد سلیمان عزیمت نمود. وی در آنجا دروس مختلف ـ از جمله منطق، معالم الاصول و شرح لمعه ـ را تدریس کرد. در سال ۶۵ با کسب امتیاز عالی و درجه ممتازی دوره سطح حوزه را به پایان رساند و به طور فعال و جدی، دوره خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از محضر آیات عظام وحید خراسانی و میرزاد جواد آقا تبریزی بهره‌مند شد.

به سبب علاقه فراوان به دیدگاههای اصولی شهید صدر، به حوزه اصولی ایشان راه یافت و از محضر شاگردان برجسته آن شهید سعید ـ آیت الله حائری و آیت الله شاهرودی ـ بهره برد. همزمان با تحصیل فقه و اصول، فلسفه، کلام و تفسیر را از محضر اساتید بزرگوار، آیات معظم : حسن‌زاده و جوادی آموخت. وی از همان آغاز به تدریس علاقه داشت. در بدو ورود به قم (سال ۶۱) معالم الاـصول را تدریس کرد، و پیش از آن در تهران، ادبیات و منطق می گفت. از سال ۶۱ تا کنون (سال ۸۱) علاوه بر کتابهای رسمی حوزه (مانند اصول فقه، معالم الاصول، شرح لمعه، حاشیه، رسائل و کفایت الاصول) حلقات اصول شهید صدر، بدایت الحکمه، نهایت الحکمه، کشف المراد، اشارات و تنبیهات و بسیاری کتابهای دیگر را در حوزه و یا دانشگاه تدریس کرد.و اینک به تدریس اسفار اشتغال دارد. در دوران تحصیل به چیزی جز کسب دانش نمی‌اندیشید و برای تبلیغ جز به جبهه نرفت. وی همزمان با حضور فعال در حوزه علمیه قم ـ که تا کنون ادامه دارد ـ در دانشگاه نیز به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.

در سال ۷۰ از میان تقریبا ۵۰۰ تن از فضلای شرکت کننده در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف، رتبه نخست را به دست آورد، و در سال ۷۹ از رساله دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرد، و در رشته فلسفه و کلام فارغ التحصیل شد. ایشان در عرصه تحقیق و نگارش حضوری فعال و جدی داشته و دارد. از میان نوشته‌هایش برخی رسما و برخی عملا به عنوان متن درسی در حوزه و یا دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله: کلیات فلسفه و تحریر منطق (در حوزه‌های علمیه خواهران در سراسر کشور)، درسنامه عقاید (در مرکز جهانی علوم اسلامی برای عموم طلاب غیر ایرانی)، منطق و شرح بدایت الحکمه (که هر دو کتاب برگزیده سال ۷۳ بود در رشته‌های الهیات و فلسفه) ترجمه لمعه دمشقیه (در رشته‌های حقوق و نیز در حوزه‌های علمیه) معارف اسلامی در آثار شهید مطهری و اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن (در دروس عمومی معارف و اخلاق)تحریر الاسفار(در

مقطع دکترای فلسفه اسلامی) . کتابهای سرشت انسان، منابع اندیشه مذهبی شیعه، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، ترجمه الروضات لبهیت (تا کنون ۷ جلد آن منتشر شده) شرح نهایت الحکمه و شرح منازل السائرین از دیگر آثار قلمی نامبرده است. از ایشان چندین مقاله در مجله‌های علمی معتبر (مانند خردنامه صدرا، قبسات، نامه مفید، ذهن ومعرفت،پژوهشهای فلسفی و کلامی) منتشر شده است. آخرین نوشته ایشان، که پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان بوده است، به نام مبانی نظری تجربه دینی توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است.

شیرین، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال شیرین

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمائی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان ۱۹ دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل ۲/۱۵ در رشته ریاضی فیزیک به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه ۷ مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه ۴-۵-۶ سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشاد در سازمان حوزه هاو مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم .کار ها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین . نگارش . تلفیق . و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی . فرانسه . عربی . چینی . وغیره ... این حقیر همچنین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم .

صاحبی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد صاحبی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

محمد جواد صاحبی در سال ۱۳۳۳ در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند ،همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر فضلای بزرگواری همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندی و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بودو از سال ۱۳۵۷ در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.

ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتی شفق، بیانی افغانی،سید محمود طالقانی، سید عباس موسوی و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودی، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکا سب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوی گرگانی و صالحی افغانی و خارج اصول و بخشی از ابحاث فلسفی و عرفانی را از آیت الله علی عابدی شاهرودی بهره برد

در درس خارج فقه آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتی نیز شرکت نمود .

ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیواری شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال ۱۳۵۵ فرستاد که با نشر آن،به نگارش و تألیف علاقمند شد،در سال ۱۳۵۷ دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی» منتشر ساخت.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسی عقیدتی نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجددا به قم مراجعت کرد.

در سال ۱۳۶۴ مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله ۱۴ سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت ومقالات بسیاری از ایشان در روزنامه ها و سایر نشریات علمی و فرهنگی نیز به چاپ رسیده است.

در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین درکنگره های علمی و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله های آموزشی و پژوهشی مشارکت کرده اند.

صادق نیا، مهراب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهراب صادق نیا

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود رادر رشته ریاضی فیزیک سپری کرد . در سال ۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح درسال ۶۹ وارد درس خارج شد . از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی(ره) ، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی(ره) بهره برده است . علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال ۷۲ در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود . در سال ۷۶ و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد(مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است . تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال ۷۹ با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال ۸۱ با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد . در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سرگذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای ازمراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیتهای نامبرده در شمار است.

صادقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین صادقی

محل تولد : بیجگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین صادقی در سال ۱۳۵۳در روستای بیجگان حومه دلیجان متولد شدم و به علت علاقه شدید پدرم به حضرت امام

خمینی (ره) ایشان تصمیم می گیرند که من را به حوزه علمیه بفرستند تا در کسوت روحانیت درآیم .دراین راستا پس از گذراندن تحصیلات راهنمائی در سال۱۳۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه رضویه مشغول تحصیل گردیدم و درس ها را با علاقه خاص پیگیری کردم و پس از گذراندن سطح وارد تخصصی کلام امام صادق (ع)شدم و دوره تخصصی الهیات را در آنجا سپری کردم وهم اکنون مشغول پایان نامه دکترای خود می باشم و در حال حاضر به کارهای تحقیقی وتبلیغی مشغول می باشم .

صالحی امیری، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی صالحی امیری

محل تولد : فریدونکنار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی صالحی امیری درتاریخ ۱۰/۶/۱۳۵۶ در روستای مهلبان از توابع فریدونکنار استان مازندران متولد شدم .تحصیلات ابتدایئ وراهنمایئ را در روستای محل سکونت گذراندم. و در سال ۶۹ برای تحصیلات دروس حوزوی به مدرسه خاتم الانبیا (صدر)بابل رفتم .بعد ازاتمام تحصیلات مقدماتی جهت ادامه تحصیلات در سال ۷۵ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم .وهمزمان در رشته کارشناسی ارشد الهیات ومعارف اسلام در موسسه آموزشی وپژُوهشی قم پذیرفته شدم. ودر بهار ۸۱ از پایان نامه خود دفاع کردم .از بهمن ماه ۱۳۸۰ به عنوان مسئول گروه دین پژوهی مرکزمطالعات وپژوهشهای فرهنگی مشغول به خدمت هستم .ازسال ۱۳۸۳ با ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دین در امر تحقق و پژوهش همکاری می نمایم واز تیرماه ۱۳۸۵ با معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلام جهت ارزیابی پروژَه ها همکاری می نمایم .

صباح، حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صباح از ایرانیانی بود که در دوره سلجوقی قیام کردند وی از مخالفان سرسخت تسلط اعراب بر ایران بود. مذهب وی و پیروانش اسماعیلیه بود که شاخه‌ای از پیروان امامان است با این تفاوت که اینان به هفت امام اعتقاد دارند و امامت را بعد از امام جعفر صادق حق فرزند وی اسماعیل دانسته و او را مهدی موعود (امام زمان) و امام آخر می‌دانند. مرکز قدرت اینان در مصر بود که خلفای فاطمی مصر این مذهب را در این کشور رسمی اعلام کرده بودند. حسن صباح رهبر و داعی این فرقه شهرت جهانی دارد که زندگی و عقاید و رفتار و منش وی آمیزه ای از افسانه و راز و واقعیت است که با افسانه های حشاشین ، فدائیان و بهشت موعود اسماعیلیه شکل گرفته است و در پندارها به شکل واقعیت یافته و باور کنونی مردم منطقه و جهانیان در آمده است . گویند حسن

صباح در قم در یک خانواده شیعی امامی به دنیا آمد ، پدرش علی بن محمدبن جعفربن حسین بن محمدبن صباح حمیری ، عربی از مردم کوفه بود که برای خویشتن نسب یمنی ادعا می کرد. خانواده صباح از قم به ری رفتند ، در آنجا که از مراکز فعالیت های اسماعیلی بود ، مردی به نام امیره ضراب ؛ حسن را به کیش اسماعیلی رهنمون کرد . در سال ۴۶۹ وی به مدت سه سال در قاهره تعلیم یافت ، پس از آن به ایران بازگشت و فعالیت خود را با سفر در سراسر ایران آغاز کرد وبارفتن به الموت بانام دهخدا و با گرفتن الموت و استقرار در دژ الموت ، شاخه اسماعیلیان نزاری را پایه گزاری کرد . دولت نزاری ایران را حسن صبا ح و هفت تن جانشینان وی که به خداوندگاران الموت معروفند اداره می کردند .. وی از سال ۱۰۹۰/۴۸۳ تا زمان مرگ ربیع الثانی ۱۱۲۴/۵۱۸ میلادی به مدت ۳۵ سال در دژ حسن صباح زیست و به فراخواندن مردم به کیش خود و مبارزه پادشاهان سلجوقی و خلفای بغداد ادامه داد . حسن صباح مردی برجسته و شگرف بود ، سیاستمداری مدیر و مدبر ، سازمان دهنده ای توانمند، متفکر ، پارسا و مردی پرهیزکار بوده است . وی را سیدنا " سرور ما " می نامیدند . گویند حسن صباح کتابخانه ای در الموت داشته و دانشمندی بوده است که به دانش های ستاره شناسی و داروسازی گرایش داشته است . حسن صباح تا زمان مرگ به مدت ۳۵ سال در دژ الموت زیست و به مبارزه ، مقاومت ، آموزش ، تبلیغ مرام و اندیسه خود پرداخت . وی و پیروان فدائی او در سراسر سرزمین های اسلامی در تاریخ سیاسی و نظامی این مقطع تعیین کننده و تاریخ ساز بوده اند . پس ازوی جانشین او بزرگ کیا امید که ازمردم رودبار بود راه وی راتداوم دادومدت ۱۴ سال حکومت کرد در۵۳۲ / ۱۱۳۸ میلادی درگذشت دردوره او سده ششم هجری نیز تغییراتی درمعماری دژ انجام شد وتاسیساتی به آن افزود پس ازبزرگ کیا امید پسرش محمد فرمانروای الموت گردید وتاسال ۵۵۷ / ۱۱۶۲ حکومت کرد پس از او حسن دوم فرمانروای الموت گردید وی دررمضان ۵۵۹ اعلام قیامت کرد وحسن دوم در فراخوان پیروان خود درالموت وامام خواندن خود, انقلابی بزرگ دراندیشه فلسفی —عرفانی مذهب اسلام به–وجودآ ورد وی درسال ۵۶۱ کشته شد . پس ازاوپسرش نورالدین محمد به مدت ۴۴ سال حکومت کرد . ورا پدررا ادامه داد وپدررا امام خواند محمد دوم در ۶۰۷ / ۱۲۱۰ درگذشت وپسرش حسن سوم بالقب جلال الدین فرمانروای الموت گردید . حسن سوم پس از ۱۱ سال حکومت درسال ۶۱۸درگذشت پسر اوعلاالدین محمد جانشین اوگردید . وی درسال ۶۵۳ درشیرکوه الموت کشته شد وپس از او پسرش رکن الدین خورشاه که آخرین فرمانروای الموت است به حکومت رسید , . مرکزیت وپایگاه مقاومت این فرقه دربرابر خلفای عباسی بغداد وحکومت های ترک نژاد وسنی مذهب الموت ودژحسن صباح بوده ا ستُ این پایداری ومقاومت, به این دژ,هویت فرهنگی —ملی بخشیده ودراین دوران ازفرهنگ وزبان فارسی پاسداری شده است . ومدیریت حسن صباح و جانشینان وی درشکل گیری منظر فرهنگی دره الموت نقش تعیین کننده ای داشته است .

درسده هفتم هجری علاء الدین محمد نیز تغییرات عمده ای درفضا ها به ویژه درتزئینات دژ به وجودآورد که آثار آن درکاوشهای باستانشناسی دژ حسن صباح به دست آمده است که دردوره ۱۷۰ ساله حضور اسماعیلیان دردژ حسن صباح دست کم سه دوره ساخت وساز عمده وجود داشته است که درمعماری کاوش شده وبه جا مانده دژ به خوبی قابل پیگیری است .

درسال ۶۵۴ هجری قمری/۱۲۵۷ میلادی , پس از دوسده مقاومت , درزمان رکن الدین خورشاه آخرین فرمانروای اسماعیلیان الموت , این دره تسلیم هلاکوخان مغول گردید ؛ هلاکوخان دستور داداین کاخ دژ باشکوه وباابهت که نزدیک به دوسده مراکز قدرت فرمانروایان عرب وترک را تهدید میکرد با خاک یکسان کنند وبه نوشه تاریخ نگاران آن را غارت وآتش زدند وآثار وبقایای آنراجاروکردند تاازصحنه روزگار محو شود وآن رامرکز شیطان خوانده اند . که نشانه های آتش سوزی و تخریب آن درکاوشها به دست آمده است .

دردوران صفوی , بخشی ازاین دژها مورد استفاده قرار گرفته است , برای نمونه دژحسن صباح به عنوان تبعیدگاه مخالفان سیاسی استفاده شده است که درمتون ازآن به نام فراموشخانه یاد شده است , وبرروی ویران ها وآوار دژ حسن صباح بناهایی ساخته اند که

مانع شناسایی دقیق معماری دژحسن صباح دردوره اسماعیلیه شده است . ود ربرخی بخشها ازهمان فضاها ودیوارهاباتغییراتی استفاده شده است .

دردوران قاجار ازاین دژها به عنوان قلعه های املاك وروستاها استفاده شده است و شاهزادگان قاجار مالکین وبهره وران زمین ها ومحصولات آن بودند که به شکار وگنج یابی دردژها به ویژه دژ حسن صباح می پرداختند وازعوامل ویرانی آن بوده اند. .ونیز ازمصالح آن برای ساخت وساز املاك وروستاها استفاده می شده است .

تاپیش از ناصرالدین شاه قاجار , آنها درالموت املاك خالصه نداشتند , ناصرالدین شاه بخشی از دهات الموت رابه اراده شخصی خالصه کرد وازآن زمان میان رعایای الموت ودولت کشمکش ایجاد شد . عبدالصمد میرزای عزالدوله به عنوان تیول درسال ۱۳۰۶ در املاك الموت دخالت کرد . پس از کشته شدن ناصرالدین شاه درسال ۱۳۱۳ باقیام دهقانان الموت به رهبری جلال بیك کلانی باهمکاری ولی خان خواجوی بساط شاهزاده های قاجارراازالموت برچیدند .دردوران قاجار حفاری برای یافتن عتیقه برای تفریح وسرگرمی دردژ حسن صباح و شکار رواج داشت , وزمانی که خزانه آنها تهی میشد املاك راهمراه با رعایا ودهقانان می فروختند وبه روستائیان الموت ظلم بسیار می شد .عین السلطنه حاکم قزوین نیز دراداره الموت بامشکلات فراوان روبرو بود– . آثار دوره های متفرقه زیستی موقت با تنورها واجاق های پراکنده ازدوران قاجار تاچند دهه پیش برروی دژ دیده میشود . همچنین این دژ محل چرای دام وعلف چین روستائیان گازرخان است .

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوك و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛

«تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰ -۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰ -۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵ -۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵ -۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹ -۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵ -۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰ -۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹ -۲۰۱۵ / ۶).

صدریه، زینب

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۷ ق)، عالم، متکلم، فیلسوف، عارف و زاهد. وی خواهر بدریه و زبیده، و همسر ملا محسن فیض کاشانی بود. زینب نزد برادرش، میرزا ابراهیم، علم و دانش آموخت و در کنار پدر خور، صدر المتألهین، و همسر خود، فیض کاشانی، به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرسش دارای سه فرزند به نامهای محمد علم‌الهدی و محمد نورالهدی و احمد معین‌الدین شد که همگی از علمای زمان خود بودند و شرح آن در مقدمه کتاب «معاذن الحکمه» آمده است.[۱]

۲۰ جمادی‌الاولی ۱۰۰۷ ق، زینب، از زنان عالم، متکلم، فیلسوف، عارف، زاهد و سخنور. وی دختر ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ ق) و خواهر بدریه و زبیده و همسر ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ -۱۰۰۷ ق) بود. زینب نزد برادرش میرزا ابراهیم علم و دانش آموخت و در کنار پدر و همسرش به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند شد که همگی از علمای زمان خود بودند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مستدرکات اعیان (۸۴ -۸۳ / ۳)، مشاهیر زنان (۱۴۲)، معادن الحکمه (مقدمه)، مفاخر اسلام (۳۵ -۳۴ / ۷).

[۲] منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸۴ -۸۳ / ۳؛ مفاخر اسلام، ۳۵ -۳۴ / ۷.

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۴ / ۳۸۷ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ / ۳)،روضات الجنات (۹۴ / ۴)، ریحانه (۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۷ / ۱۷، شذرات الذهب (۱۷۳ -۱۷۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۲۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۴۵)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (۲۸۴ / ۴)، نفخات الانس (۳۱۸)، الوافی بالوفیات (۱۳ -۱۲ / ۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، هدیه العارفین (۴۱۲ / ۱).

صفار بخاری، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۴ -۴۶۰ ق)، زاهد، متکلم و فقیه حنفی. معروف به زاهد صفار. وی در خرده‌گیری به پادشاهان دلیر بود. به همین دلیل به فرمان سلطان سنجر از بخارا به مرو تبعید شد. اما مجددا به بخارا بازگشت. از آثارش: کتاب «السنه و الجماعه»؛ «صک الجنه»، به فارسی؛ «تخلیص الزاهد»؛ «تخلیص الادله لقواعد التوحید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۴۸ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۷۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۰۸۰، ۴۷۲)، هدیه العارفین (۹ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۳ / ۱).

صفاری، سعدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعدی صفاری

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقتصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم

مرخصـی گرفتم و بعـد از آن از رفتن به دانشـگاه منصـرف شـدم و درس‌هـای حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیـل مشـکلات اقتصادی ناچـار شـدم به منطقه الموت برگردم و مشـغول کارهای تبلیغی باشـم. اما شوق ادامه تحصـیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جـایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایـان دهم در دروه کارشناسـی ارشـد مرکز تربیت مـدرس نیز شـرکت کردم و همزمـان با دروس خارج حوزه در کارشناسـی ارشـد مدرسـی الهیات مرکز تربیت مـدرس دانشـگاه قم فارغ التحصـیل شـدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسـی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشـغول شـدم، قابـل ذکر است که قبـل از آن در حوزه علمیه صـدوق قم نیز تـدریس می‌کردم و در حال حاضـر نیز به عنوان عضـو هیئت علمی دانشـگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تـا چهـار روز در آن دانشـگاه تـدریس دارم و در کنـار تـدریس گـاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفایی ملایری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ / ۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگـار، نویسـنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمـد و تحصـیلات ابتـدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسـطه را در مـدرسه‌ی آمریکایی همـدان به پایان رسانیـد. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرسـتان به فراگرفتن علوم مقـدماتی عرب همـت گمـاشت و رمـوز فن شـعر را از آزاد همـدانی و وحیـد دسـتگردی در تهران آمـوخت و از آن پس به اسـتخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هتفه نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثـارش: «اسـناد سیاسـی دوران قاجـار»؛ «اسـناد مشـروطه»؛ «اسـناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریـخ»؛ «دادگری و دادرسـی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان و سخن‌سـرایان همدان (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، سـخنوران نامی معاصر (۲۳۲ -۲۳۱۶ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۴۳، ۱۸۰۱ -۱۷۹۷ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۹ -۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹ / ۱).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ / ۴۸۴ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سـلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهـد و سـلوک روی آورد و از دیدار سـلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سـلجوقی در مسـجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صـندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شـما با زیارت علماء از اخیار ملوک باشـید نه این که ما با زیارت ملوک از اشـرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی

به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۸۲ -۸۱ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (۶۷ / ۷)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱).

صنعتگر، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل صنعتگر

محل تولد : کامو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر برجسته اساتید مدرسه امثال حضرات حج اسلام، خراسانی،حسینی،بار فروش تحصیل نمودم.در سال ۱۳۵۷ در نیمه دوم آن وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از پیروزی انقلاب از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله نورانی،ستوده ، علوی گرگانی،محفوظی، سطح را به اتمام رساندم و در ادامه جهت درس خارج از محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام مکارم شیرازی،سبحانی،نوری همدانی،تلمذ نموده ام و همچنین دو سال متوالی از درس تفسیر ارزشمند حضرت آیت الله جوادی کسب فیض نموده ام .در کنار درس اصلی حوزه آشنایی با مبانی اهل سنت و حوزه تخصصی مذاهب اسلامی را گذرانده که به علت بعضی تغییرات در حال طی نمودن مقدمات پایان نامه آن می باشم .دوره زبان عربی را در سال ۱۳۶۰ و انگلیسی را در سال ۱۳۷۲ گذرانده ام.

صنیعی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صنیعی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پشت سر گذاشتن دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه سنایی قم، مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی امام موسی صدر شدم.سال او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان صدر و سال دوم را در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان حکیم نظامی و سال سوم دبیرستان را در تابستان سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم.پس از دریافت مدرک دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد ماه ۱۳۶۱، در اولین دوره آزمون ورودی دانشگاهها پس از انقلاب اسلامی شرکت کرده و همزمان در چندین مرکز آموزش عالی پذیرفته شدم و از طرف دولت، پیشنهاد تحصیل در خارج از کشور را به صورت بورسیه دریافت کردم.سرانجام در مهرماه ۱۳۶۲ در دانشگاه شیراز در رشته پتروشیمی با رتبه بالا پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم.شوق به تحصیل در حوزه علمیه، مانع از ادامه تحصیل در دانشگاه شد و در همان ماه اول ورود به دانشگاه، درخواست انصراف دائم دادم و علی رغم ممانعت جدی از سوی مسوولان وقت دانشگاه شیراز خود را در آغوش گرم حوزه علمیه قم قرار دادم.با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۲ دوره مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رساندم و سطوح بعدی را در خدمت اساتید بزرگواری که نام آنها در لیست اساتید آمده است تلمذ کردم.همزمان با تحصیلات حوزوی ، در سال ۱۳۶۶ در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت کرده و پس از پذیرش در دانشگاه تهران در رشته الهیات و معارف اسلامی – گرایش علوم قرآن و حدیث – مشغول تحصیل شده و در تیرماه ۱۳۷۰ فارغ التحصیل گردیدم. (در مقطع کارشناسی)

پس از گذراندن دوران سطح در حوزه علمیه قم و همزمان با شرکت در دروس خارج فقه و اصول، از سال ۱۳۷۵ در رشته تخصصی علم کلام ، سطح جهار مشغول تحصیل و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم.از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ به مدت پنج سال در کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول ارزیابی و کارشناسی آثار بودم.تدریس در مباحث اعتقادی حوزه علمیه قم نیز از فعالیت های علمی اینجانب است.

والسلام.

ضابطی پور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ضابطی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای احمد ضابطی پور در سال ۱۳۳۸هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در مشهد مقدس به دنیا آمد. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا بر حوزه های علمیه بدون هیچ ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد تا پاسدار دین خویش

و اقتداگر مولای خود باشد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چون آیت الله شاهرودی، فاضل لنکرانی و میزرا علی آقای فلسفی در سال ۱۳۵۷ سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله وحید و آیت الله لنگروی کسب فیض کرد واز دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۶از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد فارغ التحصیل گردید و باموفقیت از پایان نامه خویش باعنوان" ارشاد در فقه اسلامی و قانون مدنی "دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی مشهد و مراکز آموزش عالی علمی کاربردی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که مقالاتی مانند" وظایف متقابل نهاد حاکمیت و مردم" ، "جستاری در دموکراسی دینی "و ولایت فقیه ، فقه تاریخ یا کلام"در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است.

ضیایی فر، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید ضیائی فر

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدّت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

طارمی زنجانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ .۴۱۸ / ۴ .۲۵۹. ۱۸۰ -۱۷۹ / ۲ .۴۴۳ / ۱). ریحانه (۳۸۶ -۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طالقانی، نظر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشتراط الحس فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیة الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیةاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیةاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نموده و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظرعلی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.

و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گردبادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد.

پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و

فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بینند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲ ،۲۳۴ / ۱۷ ،۱۵۹ / ۱۵ ،۶۲ / ۱۶ ،۲۶۹ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸ -۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان

(۱۷ –۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طباطبایی پور، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا طباطبایی پور

محل تولد : مهدی شهر سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۲۲

زندگینامه علمی

سیدعلی طباطبائی در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۶ ه . ق برابر با ۲۲/۷/۱۳۴۵ در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال ۱۳۶۰ همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.

در فروردین ۱۳۶۶ به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.

بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلَکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی‌که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.

در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود.

در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایهٔ الحکمهٔ بعد نهایهٔ الحکمهٔ این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیهٔ الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشأن شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من

نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من

چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشارات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشأن آیت الله حسن‌زده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متحیّر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن تُرکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلهٔ‌القدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامهٔ قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این‌جا می‌آوریم:

«در سحر روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۲ برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناهُ من جانِبِ الطُّور الاَیمن و قربناهُ نجّینا) (مریم: ۵۲) ساعت ۱۰ صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».

به حول و قوه الهی حدود ۱۵ سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال ۱۳۸۵ مشغول تدریس شرح اشارات و نهایهٔ الحکمهٔ (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.

از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.

اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس

را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.

هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.

در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این‌که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی‌کسی دلِ شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر(عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.

من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی فر، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد : نطنز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال ۱۳۴۱درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال ۱۳۵۹ از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،درردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی– واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد

آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها بزگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها نوشته وچاپ میشود .ضمناً ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاً محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعهٔالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبایی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۴ رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند ۱۰ سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف

در سال ۱۳۰۴ علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مأنوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبودِ آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آ نها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه

طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود.

وضعیت معیشتی

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کردو دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی

قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقّت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می‌کشد هرجا که خاطرخواه اوست

رشته برگردن نه از بی‌مهری است

رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هرچه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدتها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب وا داشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیّه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزل‌شان

وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دویست سال ارزش این کتاب معلوم خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیت فرهنگی برای یک جامعه زنده از

ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پاگذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمّت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت اللّه مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید ۵۰ تا ۶۰ سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد

تو مپندار که مجنون سرِ خود مجنون گشت

از سَمَک تا به سمایش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذرّه‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی(رحمت الله علیه)

آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی اللّه، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی(ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم و از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی(رحمت الله علیه)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال ۱۳۲۴ از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلأیی را در

زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می فرمایند:

«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. ازسوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».

این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال ۱۳۲۵ ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان درسال ۱۳۳۴ منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود ۱۷ سال به طول انجامید.

تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.

آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوردیم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی درخصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه تضحیه کرد یعنی قربانی قرآن نمود.

مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است.

یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دویست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی

ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می کند».

همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتها دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت(علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت(علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.

مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می کند».

و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود

که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد

و در جای دیگری می فرماید:

تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت

از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت

همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب می‌شد.

تحمل مخالفتهای دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.

علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می آورند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.

علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۵ هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که

خود ایشان می فرماید: «وقتی درسال ۱۳۰۴ هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی ازعلمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع ـ آیت الله حاج سیدعلی قاضی ـ چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می گرفتم».

عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.

وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان بکار می برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.

از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است:

بدایهٔ الحکمهٔ: کتابی که یک دوره تدریس فشردهٔ فلسفه برای دوستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاههای کشور گردید.

نهایهٔ الحکمهٔ: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیتر تدوین شده است. بر کتابهای بدایهٔ الحکمت و نهایهٔ الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که درسده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آرودن این اثر گردید . این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.

حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.

شیعه در اسلام: دوره‌ای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم میخورد؛ این کتاب گرانبها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.

مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن.

خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.

روابط اجتماعی در اسلام : انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایهٔ زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.

بررسیهای اسلامی: مجموعه‌ای است زرّین از مقالات استاد که بسان دائرهٔ المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.

آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.

رسالهٔ انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانهٔ ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.

رسالههایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

دیوان شعر فارسی: مجموعه‌ای از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.

سنن النبی: سیره و روش رسول الله ـ صلّی الله علیه و آله ـ در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم میخورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.

لُبّ اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلای حوزهٔ قم بیان فرموده‌اند.

حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت اللّه امینی(حفظه الله)

آیت اللّه امینی(حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرمایند:

علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبَهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت(ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند.

سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت ۱ ـ پایه‌های‌اند یشه استاد را تنها براهین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. ۲ ـ حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. ۳ ـ امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود ۴ ـ اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثّل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. ۵ ـ روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. ۶ ـ در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. ۷ ـ از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی(حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست‌بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی

موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (۱) راه این است و جز این نیست. و دقیقا بدین جهت، رفتار او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقا آثار وجودی او، حکایت کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.

انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث‌شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیما: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (۲)

آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله – که خودش عالم عظیم است – او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.

بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس

به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود ؛زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این ۲۴ ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج‌برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم». (۳)

حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است.

در این باره، مصباح الشریعهٔ می‌فرماید که: «العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله ؛» عارف بدنش با خلق و دلش با خداست «؛و لامونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود ؛» توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.

چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد.

از خاطرم نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت‌شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی ها

علامه سید محمد حسین طباطبایی مردی ساده و بی آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد. هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.

برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد باشاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.

در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه درعین حالی که سعی داشت متناسب بادرک واستعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.

اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف وحقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.

علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.

پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتِی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تابا کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم.

اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.

وخلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت

علامه طباطبایی، سرانجام پس از ۸۱ سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش از این جهان رخت بربست و جهان تشیع را در سوگ خود نشاند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیدار دلان، حضرت امام خمینی(ره) با اظهار همدردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود.

پی نوشت: ۱) سوره اسراء/۹

۲) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج ۱، ص ۲۷.

۳) سوره حشر/۱۹

طباطبائی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منتشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش

رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی» (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[۱]

صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه الحکمه در فسلفه ۱۴- نهایه الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹(۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب

استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایهٔ الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی یا شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایهٔ الحکه و نهایهٔ الحکمه (کتاب بدایهٔ الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایهٔ الحکمهٔ به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالهٔ الولایهٔ؛ رسالهٔ النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰ -۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶ -۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶ -۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ -۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ / ۲)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتوح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»،در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الائمه».[۱]

احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. ۶ ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود.

شهید اول غایةالمراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه ۴ و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخرالطالبیة، تاریخ الائمة، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۳۰ –۲۹ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۵۹، ۱۹۶/ ۲، ۲۱۳، ۳۱ / ۱)، بحارالانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، دایرەالمعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۳۱۱ –۳۱۰ / ۲۱ ،۲۴۸ –۲۴۷ / ۱۷ ،۲۵۸ / ۱۶ ،۲۳۶ / ۱۴ ، ۲۱۳ / ۳ ،۲۸۲ –۲۸ / ۱)، روضات الجنات (۷۴ –۷۲ / ۱)، ریاض العلماء (۴۹ –۴۸ / ۱)، ریحانه (۳۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ –۱۱ / ۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۵ –۴۴۴/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۹۴)، هدیه العارفین (۹۱ / ۱).

طبرسی، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علی بن ابیطالب ابومنصور طبرسی صاحب کتاب احتجاج متوفی حدود سنهٔ ۶۵۵ هجری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید اسماعیل نوری طبرسی صاحب کتاب کفایةالموحدین در اصول دین محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۴۴- گوید اسماعیل بن احمد العلوی العقیلی الطبرسی النوری سید جلیل فقیه و محدث کامل بی‌بدیل صاحب کفایةالموحدین در چند جلد و شرح کبیری بر نجات العباد که از ملاحظه این دو معلوم می‌شود کثرت اطلاع و تبحر آنجناب ساکن در نجف اشرف بود در غره ماه شعبان ۱۳۲۱ ق در بلده شریفه کاظمین فات کرد جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف کردند و در صحن مطهر در پائین ایوان مبارک دفن نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبریل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ - ۴۶۸ ه.ق.- ف. ۵۴۸ ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیهٔ للخزانهٔ المعینیهٔ در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدهٔ در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامهٔ (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیه للخزانهٔ المعنیه ۶- غنیهٔ العابد ۷- منیهٔ الزاهد ۸- تاج الموالید ۹- کنوز النجاح ۱۰- عدهٔ السفر ۱۱- عمدهٔ الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوهٔ‌الانوار در

ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت.

جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند

صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۵۳ –۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱ –۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰ ،۲۴۹ –۲۴۸ / ۵ ،۲۴۲ ،۲۴۰/ ۲ ،۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹ –۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱ –۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ –۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲ –۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲ ،۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷ –۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴– ۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰ –۲۷۷ / ۵).

طبرسی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدره فی صلاه الجمعه» را به وی نسبت داده است.[۱]

شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.

۱- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است ۲- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی ۳- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی ۴- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب ۵- سراج الامه فی شرح اللمعه ۶- شرح تصریف ملاسعد ۷- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال ۱۳۴۵ قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۵۹/۹)، الذریعه (۵۰/۲۴، ۱۴۹/۱۳، ۱۵۶/۱۲، ۳۸۷، ۱۵۶/۶)، ریحانه (۳۳۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۴/۱۴)، فوائد الرضویه (۴۵۲)، المآثر و الآثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۹۵/۹).

طبری، ابوعلی حسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن ابی‌هریره فراگرفت و پس از استادش به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که اولین کتاب در خلاف مجرد است، تصنیف کرد که در «کشف الظنون»به نام «المجرد فی النظر» نیز آمده است. از دیگر آثارش: کتاب «الافصاح»، در فروع فقه شافعی، که شرح «مختصر المزنی» است؛ «الایضاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «العده»: در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جدل»؛ کتابی در «اصول الفقه». خطیب بغدادی در «تاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را ۳۵۰ ق ذکر کرده است، و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین با اشتراکات و اختلافات آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۴، ۲۲۷ / ۲) تاریخ بغداد (۸۷ / ۸)، رجال الطوسی (۳۷۴)، روضات الجنات (۵۶ / ۳)، ریحانه (۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۳ -۶۲ / ۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۱۲، ۱۵۹۳، ۲۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۶ -۴۴۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۵ -۲۰۴ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۷۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۰ / ۱).

طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۹۸ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسی یا عماد طبری. از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم و از معاصرین محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق) است. در فقه و حدیث و تحقیق حقایق اصول مذهب و دیگر

فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوای وی در کتب فقهی متأخرین نقل شده است. در ۶۷۰ ق مناظره‌ای- در تنزیه خداوند از تشبیه- با اهل بروجرد کرد. در ۶۷۲ ق به دستور وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و علمای اصفهان و شیراز و ابرقو و یزد و شهرهای آذربایجان بر گردش جمع شدند و علوم دینی را نزد وی تکمیل کردند. از آثار وی:«الاربعون حدیثا فی فضائیل امیرالمومنین (ع) و اثبات امامته» یا «اربعین بهائی »؛ «کامل السقیفه» یا «کامل بهائی»، که در ۶۷۵ ق تألیف شده و دوازده سال جمع‌آوری آن به درازا کشیده است. چون این دو کتابه به خواهش و نام وزیر بهاءالدین محمد بن وزیر شمس‌الدین محمد جوینی معروف به صاحب دیوان تألیف شده بهائی نام گرفته است. از دیگر آثارش: «اسرار الائمه» یا «اسرار الامامه» یا «الاسرار فی امامه الاطهار»، که در ۶۹۸ ق تألیف شده؛ «جوامع الدلائل»؛ «الکافیه فی الامامه»؛ «تحفه الابرار»؛ «العمده»، در اصول دین و فروع آن؛ «المنهج»، در فقه عبادات و ادعیه؛ «معارف الحقائق»؛ «نهج الفرقان الی هدایه الایمان »؛ «نقض معالم التنزیل» فخر رازی؛ «عیون المحاسن»؛ «بضاعه الفردوس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۴ -۲۱۲ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۳،۷۳۴)، الذریعه (۲۵۳ -۲۵۲ / ۱۷ ،۳۳۳ / ۱۵ ،۴۰۵ / ۳ ،۴۱ -۴۰ / ۲ ،۴۱۴ / ۱)، روضات الجنات (۲۶۰ -۲۵۶ / ۲)، ریاض العلماء (۲۷۴ -۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۱۹۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱ / ۷)، فوائد الرضویه (۱۱۷ -۱۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن و حسین طبری)، معجم المؤلفین (۲۶۲ - ۲۶۱ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۲ / ۱).

طوسی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس ۳۸۵- ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدهٔ فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبهٔ، فهرست کتب الشیعهٔ و اسماء المصنفین، النهایهٔ، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلهٔ، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰ -۳۸۵ ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (۴۴۸ ق) در بغداد درگرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بینان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شعیه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان

شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیدالله بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۶۷ –۱۵۹/ ۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶، ۲۶۶، ۲۱۲، ۹۵/ ۲، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۲۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۸/ ۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۶ –۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (۲۵۹ –۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵ –۴۸۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۳۷۸ –۳۷۶/ ۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۶۳۴/ ۲)، الذریعه (۲۳۵/ ۷، ۱۴۵/ ۵، ۳۳۱ –۳۲۸/ ۳، ۴۸۶، ۲۶۹، ۱۴/ ۲، ۳۶۵/ ۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۰۶/ ۱)، رجال النجاشی (۳۳۳ –۳۳۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۳۱ –۲۰۱/ ۶)، ریحانه (۳۲۸ –۳۲۵/ ۳)، سیر النبلاء (۳۳۵ –۳۳۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ –۱۶۱/ ۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹ –۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳ –۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱ –۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵ –۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶ –۴۱۴)، الکامل (۱۰۶/ ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲ –۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷ –۳۹۴/ ۲)، لسان المیزان (۵۲/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶ –۴۰۲/ ۵)، مجالس المومنین (۴۸۲ –۴۸۰/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲۰۲/ ۹)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷ –۲۴۳/ ۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰ –۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۳۹۴/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۷۲/ ۲).

طوسی، محقق

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی‌الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌نویسد: وی مردی فاضل و ماهر و عالم و متکلم محقق در عقلیات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است ۱- کتاب «تجرید الاعتقاد» ۲- تذکره «در هیئت» ۳- تحریر کتاب اقلیدس ۴- تحریر مجسطی ۵- شرح اشارات ۶- «فصول نصیریه» ۷- «فرائض نصیریه» ۸- «آداب المتعلمین»

۹- رساله اسطرلاب ۱۰- رساله جواهر ۱۱- نقد المحصل ۱۲- رساله معینیه در هیئت به فارسی ۱۳- شرح آن به فارسی ۱۴- رساله خلق اعمال ۱۵- شرح ساله العلم میثم بحرانی ۱۶- اخلاق ناصری ۱۷- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می کند از او علامه حلی که در اجازه بنی‌زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیده‌ایم که نورانی کند خدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم قدس اللّه‌روحه.

نگارنده گوید: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعله «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغداد آمد سپس هلاکو را بعد از قتل آخرین خلفاء بنی‌عباس و ابن‌حاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسلامی منصرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج ۱ سال ۵۹۷ ه.ق واقع و در روز عید غدیر سال ۶۷۲ در بغداد از دنیا رفت و در قسمت بالا سر حضرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهماالسلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نزاد

بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه

بروز هیجدهمش درگذشت در بغداد

ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. ۵۹۷- ف. ۶۷۲ ه.ق) از علمای بزرگ ریاضی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصر است. مدتی در دستگاه اسماعیلیه بود و هنگام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خدمت او درآمد و با تدابیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیدی که بعداً به زیج ایلخانی مشهور گردید و خود تصدی این کار را برعهده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعددی در رشته‌ی علوم ریاضی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسطی باقی مانده است. او یکی از شارحان و مفسران کتاب «اشارات» ابوعلی سینا است. از مشهورترین تألیف‌های او در عربی شرح اشارات ابن‌سینا و در فارسی کتاب «اخلاق ناصری» است که در غایت نیکویی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجریدالکلام فی تحریر عقایدالاسلام» و این تجرید که در الهیات است طرف توجه عده‌ی کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیریه» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.

(۶۷۲ -۵۹۷ ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد.

پزشـ از فقهـا و علمـای طوس بود. نصـیرالدین علوم نقلی را نزد پـدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیـل معلومـات به نیشابور رفت. در آنجا به محضـر فریدالـدین عطار نیشابوری رسـید و گوینـد حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضـیات را از کمال‌الـدین محمـد حاسب و فقه را نزد معین‌الـدین سالم بن بدران مصـری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضـر درس دانشـمندانی چون کمال‌الـدین بن یونس موصـلی، ابوالسـعادات اصـفهانی، اسـعد بن عبدالقاهر اصـفهانی و نجم‌الدین محقـق حلی اسـتفاده کرد. بـا صدرالـدین قونیـوی معاصـر و معاشـر بوده است. اعتمادالسـلطنه در «مطلع الشـمس»، سـید غیاث‌الـدین عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسـعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلی، را از شاگردان وی می‌شـمرد. او چنـد سـال پس از واقعـه‌ی حملـه‌ی چنگیز، بـه قلاـع اسـماعیلیه پنـاه برد و بـه خـدمت ناصـرالدین عبـدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسـید و به خواهش او کتاب «الطهارهٔ» ابوعلی مسـکویه را به فارسـی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس تـألیف «اخلاـق ناصـری» قرار داد. سـپس به دعوت علاءالـدین محمـد، فرمانروای اسـماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکوخـان به قلاـع اسـماعیلیه در ۶۵۴ بـه خـدمت او پیوست و همـواره در ملازمت وی بـود. در مـورد تصـمیم به سـاختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرسـتادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کنـد تا در مغولسـتان این رصـدخانه تأسـیس شود، اما هولاکو صـلاح دیـد که این کار به امر او باشـد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعـد از فتـح بغداد، خواجه در ۶۵۷ ق از جـانب هلاـکو مأموریت یافت تا رصـدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهـد. او هم جماعتی از ریاضـیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کـار احـداث رصـدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنـده بودنـد، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصـدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمـده بود و به تصـریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خـدمات علمی گـذشت. خواجه وزارت هولاـکو را نیز به عهـده داشت و بـا تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشـگیری کرد. نصـیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شـیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسـفه‌ی مشاء بـود. در حکمـت و فلسفه بزرگـترین کـار او تأییـد و تسـجیل حکمت ابـوعلی سـینا است و برای این کـار به شـرح مشـکلات «اشـارات» ابـوعلی سینا و اثبـات مبـاحث آن همت گمـاشت. خـواجه اولین دانشـمندی بـود که حالاـت ششـگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسـر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصـدخانه، متروک گشت تـا این زمـان که تنهـا نـامی از آن بـاقی مانـده است. نصـیرالدین در بغـداد درگـذشت و جنازه وی را در کـاظمین به خاک سپردنـد. از دیگر آثار وی: «تجریـد الکلام» یا «تجریـد العقائـد» یا «تجریـد الاعتقاد» یا «تحریر العقایـد»، در اصول دین؛ «زیـج ایلخانی»، به فارسـی؛ «اوصاف الاشـراف»، در اخلاق به فارسـی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیـدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسـطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصـیریه»، در هیئت؛ شـرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سـی فصل»، در نجوم؛ «رسالهٔ فی اثبـات الفرقـهٔ الناجیـهٔ»؛ «رسالـهٔ فی حصـر الحق بمقالـهٔ الامامیـهٔ»، به فارسـی؛ «الاـثنی عشـریهٔ»؛ «تحریر اکرمانالاوس» یا «تحریر کتاب مانالاـوس فی الاشـکال الکرویـهٔ»؛ «تجریـد المنطق»؛ «البارع فی التقویم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجریـد فی الهنـدسه»؛ «معیـار الاشـعار»، در عروض فارسـی؛ «زبـدهٔ الاـدراک فی هیئت الافلاـک»؛ «جـامع الحسـاب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بـالتخت والتراب»؛ «ظـاهرات الفلـک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسـطرلاب؛ «دیوان» شـعر. به قول صاحب «زنـدگینامه‌ی ریاضـیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۸ –۲۵۷/ ۷)، اعیان‌الشیعه (۴۲۰ –۴۱۴/ ۹)، ایضاح‌المکنون (۳۵۳ –۳۵۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۵ –۱۱۹۸، ۲۷۱ –۲۵۷، ۲۵۴، ۲۵۲ –۲۳۱، ۲۲۹ –۲۲۹/ ۳)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۴۱ –۴۱۷)، تاریخ گزیده (۷۰۶ –۷۰۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۴۶، ۵۲، ۴۷، ۴۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۴۶۷ –۴۶۵)، دائرةالمعارف بستانی (۳۵۹/ ۱۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۵/ ۱۳، ۱۱۹۹ –۱۱۹۸، ۹۸۹، ۶۵۱، ۶۰۳، ۹/ ۳۰۶، ۳۵۳ –۳۵۲، ۳/۸، ۶ –۵ / ۲، ۲۶ / ۱)، روضات‌الجنات (۲۹۷ –۲۷۸ / ۶)، ریاض‌العارفین (۲۳۵ –۲۳۴)، ریاض‌العلما (۱۶۴ –۱۵۹ / ۵)، ریحانه (۱۸۲ –۱۷۱ / ۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۵۰۶ –۴۸۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۵۷ –۳۴۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۷۰ –۱۶۸/ ۷)، العبر (۳۲۶/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۹ –۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۲۳ –۴۹۰)، فوات الوفیات (۲۵۲ –۲۴۶/ ۳)، فواید الرضویه (۶۱۲ –۶۰۲)، کشف‌الظنون (۱۶۴۴، ۱۴۳۶، ۹۶۹، ۹۵۰، ۳۹۱، ۳۵۷، ۳۵۲ –۳۵۱، ۳۵۱ –۳۴۶، ۱۴۲، ۱۳۹)، الکنی والالقاب (۲۵۲ –۲۵۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (۲۱۰ –۲۰۱/ ۲)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۷ –۱۴۰۶/ ۳)، مطلع‌الشمس (۲۳۱ –۲۱۹/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۲۰۸ –۲۰۷/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴ –۷۳۰/ ۵)، نتایج‌الافکار (۷۰۹ –۷۰۸)، الوافی بالوفیات (۱۸۳ –۱۷۹/ ۱)، هدیةالاحباب (۱۹۶ –۱۹۵)، هدیةالعارفین (۱۳۱/ ۲).

طیب نیا، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صالح طیب نیا

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۶/۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ در رشته مهندسی آبیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. از همان زمان علاقه زیادی به علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی و اعتقادی داشتم. در دوران تحصیل کتب شهید مطهری و برخی از کتب فلسفی را مطالعه می کردم.

در همین ایام در محضر یکی از اساتید مبرز حوزه علمیه المنوق منظومه سبزواری و سپس نهایهٔ الحکمه را گذراندم. در اواخر سال ۱۳۷۷ همزمان با تحصیل در دانشگاه دروس حوزوی را نیز شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۹ نیز به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم. (در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه فارغ التحصیل گشتم.)

بخاطر علاقه ایجاد شده به فلسفه در سال ۱۳۸۱ذ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم پذیرفته شدم. علیرغم آنکه رشته کارشناسی بنده علوم انسانی نبود اما دانشجوی ممتاز و رتبه اول گروه بودم و در سال ۱۳۸۳ با معدل ۹۸/۱۸ فارغ التحصیل شدم. موضوع پایان نامه ؛ خدا در آینه خود آگاهی بود که در واقع تبیین فلسفی و دینی از روایت شریف (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بحساب می آید.

بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی ، تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم و با اخذ مجوزهای لازم به تدریس در دانشگاه

جامع علمی – کاربردی و سپس آزاد نجف آباد پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه صنعتی اصفهان به عنوان هیأت علمی گروه معارف مشغول شدم.

در سال ۱۳۸۳ به همت برخی از اساتید دانشگاه اصفهان و سایر دوستان ، مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه را راه اندازی نمودیم که تا پایان سال ۱۳۸۴ مدیریت مجموعه را بر عهده داشتم.

عالیشوندی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عالیشوندی

محل تولد : فراشبند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب درسال ۱۳۵۷در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمودم و در امتحانات ورودی مدارس حقانی و رسالت که در آن زمان از بهترین و منظم ترین و مطابق نیازهای جامعه برنامه ریزی شده بودند، شرکت نمودم و در هر دو مدرسه با رتبه خوب(۱۹ و ۱۶) قبول گردیدم. ولی چون مدرسه رسالت زودتر نتایج خود را اعلام نمود در آن مدرسه ثبت نام نمودم و تا پایان سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰ به مدت سه سال در آن مدرسه حضور داشتم و دوره مقدمات را که مطابق برنامه جدید حوزه پایه ۴ محسوب می شود به پایان رساندم. از تاریخ اول مهرماه ۱۳۶۱ در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی که عصرها برنامه های فوق برنامه همچون کشف المراد (شرح تجرید) علامه، درس تفسیر قرآن، نهج البلاغه، اصول فلسفه و روش رئالیسم که توسط اساتید مجرب از جمله حضرت آیت الله مکارم تدریس می گردید، شرکت میکردم.

در حوزه نیز به صورت آزاد دروسی همچون شرح لمعه و اصول فقه مظفر و باب هادی عشر و... را به مدت دو سال نزد اساتیدی همچون مرحوم وجدانی فخر، صالحی افغانی و سید مرتضی مهری تحصیل نمودم. سپس به مدت سه سال دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتید معروف حوزه از جمله آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و... خواندم. سپس به مدت دو سال کفایتین آیت الله آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله ستوده تحصیل نمودم. در این مدت در دروس جنبی نیز شرکت می نمودم، از جمله اصول عقاید را نزد آیت الله مصباح یزدی، نهج البلاغه را نزد آیت الله مکارم شیرازی، رجال را نزد آیه الله سبحانی تبریزی خواندم و همه این دروس را امتحان داده و تا سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ به پایان رساندم و دوره سطح به مدت ۱۰ سال به اتمام رسید. از سال ۶۹-۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول آیات، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و... به مدت ۱۵-۱۴ سال شرکت نموده ام.

در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه شرکت نمودم و به مدت ۴ سال دوره سطح ۴ تفسیر و علوم قرآنی را در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به پایان رساندم. پس از اتمام سطح ۴ حوزه در رشته فوق، در

رشته تخصصی تازه تاسیس کلام، گرایش مهدویت شرکت نمودم و پس از ۴-۳ سال این دوره را به عنوان اولین گروه در سال ۱۳۸۳ به پایان رساندم. از آن پس تا شهریور ۱۳۸۴ در مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشکده مهدویت در موضوعات و مباحث مهدوی به تحقیق و مطالعه مشغول بودم و در فصل نامه انتظار موعود وابسته به مرکز تخصصی مهدویت از شماره ۴ تا ۸ در موضوع (کلام جدید و مهدویت) مباحثی را تنظیم نمودم که به چاپ رسید، همچنین در واحد پاسخ گویی به پرسشها در پژوهشکده مهدویت مشغول بودم. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا تابستان۱۳۸۴ در بخش تحقیقات و تهیه جزوات در مرکز مشاوره حوزه علمیه قم ساعاتی به امر تحقیق مشغول بودم که حاصل آن تهیه جزوات متعددی بود که توسط آن مرکز به چاپ رسیدند. از سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تاکنون نیز در دانشکده علوم قرآنی به تدریس دروس تفسیر و علوم قرآنی مشغول بوده ام. همچنین در سال۱۳۸۵ در دانشگاه آزاد زاهدان و دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان به تدریس دروس مختلف از جمله متون عرفان عربی، تاریخ قرآن و نظامهای اقتصادی صدر اسلام مشغول بوده و هستم.

عامری شهرابی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی عامری شهرابی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی عامری شهرابی درسال ۱۳۴۶ درتهران متولد شدم. پس ازاتمام تحصیلات کلاسیک درسال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم وازاساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمود م، همراه با دروس رسمی حوزه دررشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و درسال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل شدم وپایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان باتحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار درصفحات بعد آمده است.

عاملی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث مشهور شیعی (و. مشعر) از قرای جبل عامل (۱۰۳۳- ف./ مشهد ۱۱۱۴ ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ

عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از ۴۰ سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهدایهٔ، هدایهٔ الامهٔ، جواهر السنیهٔ (احادیث شیعه)، نزههٔ السماع (در حکم اجماع)، بدایهٔ الهدایهٔ، فصول المهمهٔ، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.

محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغر جبل‌عامل ۱۰۳۳ ه.ق.- ف. مشهد ۱۱۰۴ ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل‌عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداهٔ بالنصوص و المعجزات، الاثنا عشریهٔ فی رد الصوفیه، الاجازات، احوال الصحابهٔ، اربعین حدیث، ارجوزهٔ در زکات، ارجوزهٔ در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲ ، ۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱، ۱۳۸ / ۱۶، ۲۸۳، ۵۱ / ۱۵، ۲۲۷ / ۱۲، ۳۲۱، ۲۴۳ / ۱۱، ۶۹۲ / ۹، ۱۳۸ / ۷، ۴۳ / ۶)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳ -۹۲ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۷ / ۱).

عبادی، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل عبادی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم ولکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب وکارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح استصحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایهٔ الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد ولکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است ولکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عباسی، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله عباسی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیةالله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجةالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید.با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال ۷۸–۷۷ برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سال ۷۱ به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. ازسال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متاسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: ۱. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴ . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال ۸۵ ازسوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای ۲۶ صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود.در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله ۱۰ صفحه ای نوشتم تحت عنوان: ۱. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی ؛ ۲. راه کارهای فقرزدایی که در سال ۸۴ در روز نامه کیهان به چاپ رسید.همچنین از سال ۸۳ تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات

مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه، اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح ۳ حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خارج نکردم ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عبداللهی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عبداللهی

محل تولد : ماکو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۰ / ۷ / ۱۳۴۵ در روستای قره تپه از توابع شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی چشم به جهان گشودم .تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود، و دبیرستان را تا سوم نظری در شهر ماکو به اتمام رساندم . مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل در کنار یاوران خمینی کبیر (ره) به جهاد مشغول بودم و در این مدّت دو بار از چند ناحیه ی بدنم مجروح شدم و جانباز ۴۰٪ هستم .پس از برقراری صلح در سال ۱۳۶۷ تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولی عصر (عج) تبریز شروع کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس ده ساله حوزه را در مدت شش سال به اتمام رساندم. یک دور کامل درس خارج اصول فقه و مدتی درس خارج فقه را از افاضات علمی حضرت آیت الله فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و جعفر سبحانی استفاده نمودم . نیز دوره چهار ساله سطح ۴ تخصصی علم کلام را به پایان رساندم و رساله سطح ۳ حوزه را در موضوع قاعده لا ضرر و لا ضرار با موفقیت دفاع کردم .

در سال ۱۳۷۷ در امتحانات کتبی اجتهاد مجلس خبرگان رهبری با معدل ۵/۱۷ قبول شدم .مدتی است تحقیقات گسترده ای در موضوع علم رجال انجام داده ام و اکنون مشغول تالیف کتابی در موضوع تحول در علم رجال هستم .ویژگی بارز این کتاب این

است که با شواهد و دلائل محکم ثابت می کند اقوال رجالیون (توثیقات و تضعیفات آنها) شرایط حجیت را دارا نیستند و ایرادات و اشکالاتی بر آنها وارد است به طوری که بی اساس بودن عقیده طرفداران علم رجال آشکار است . و هم چنین این حقیقت را روشن می کند که وجود روایت در یکی از کتب معتبر قدماء اصحاب بی اشکال بودن آن از جهت سند را می رساند و دیگر نیازی نیست که اسناد آن روایت با عنایت به اقوال رجالیون بررسی شود .

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۷۹ ،۱۷۳۲ ،۱۷۰۹، ۱۷۰۴، ۱۱۹۲، ۱۱۱۶، ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۶ / ۶).

عرب محفوظی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی عرب محفوظی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۳/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی عرب محفوظی در سال ۱۳۷۴تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ابا صالح(عج) آغاز کردم و از همان سالهای آغازین تحصیل، به تدریس علوم حوزوی از ادبیات عرب گرفته تا منطق و...پرداختم. همچنین به خاطر علاقه قبلی به ادبیات فارسی در کلاسهای درس استاد سیدابوالقاسم حسینی شرکت کردم و دست به قلم بردم. در طول این سالها در برخی نشریات داخلی مدرسه قلم زدم و چند شماره از نشریه قلم را نیز به همکاری دوستان منتشر کردم. در سالهای پس از مدرسه در ضمن ادامه جدی فقه و اصول در محضر اساتید فن به موسسه امام صادق رفتم و به تحصیل در علم کلام پرداختم و این رشته تخصصی را تا انتهای سطح سه در سال ۱۳۸۵دنبال نمودم و در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ به سمت استادی در این موسسه انتخاب

شدم. همچنین به مدت یک و نیم سال در موسسه تربیت مدرس حوزه تدریس نمودم و همچنان در برخی از مدارس حوزوی اشتغال به تدریس دارم. در طول این سالها مقالات و نوشته های متعددی را ویرایش نمودم و در زمینه مباحث اعتقادی و کلامی و ادبی تحقیقاتی انجام دادم و مقالاتی نگاشتم و اکنون نیز مقالاتی در دست نگارش دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

عرفانی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل عرفانی

محل تولد : عراق- کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۳ در شهر مقدس کربلا می‌باشم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اهواز گذراندم و از همان سنین نوجوانی و دوره راهنمایی جذب جلسات مذهبی و علمی شدم و در سال ۱۳۵۷ رتبه نخست قرائت قرآن در مقطع مدارس راهنمایی استان خوزستان را کسب کرده و برای مسابقات کشوری به شهر مقدس مشهد اعزام شدم. در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه اهواز شدم. سپس در سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شده و از اساتید حوزه بهره‌مند شدم در مقطع سطح از اساتیدی همچون حضرات آقایان: پایانی، ستوده، اعتمادی، دوزدوزانی، صالحی مازندانی بهره بردم. و در دوره خارج از حضرات آیات: وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی.دروس معقول را نزد حضرات آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، حسن‌زاده آملی گذراندم.در اولین دوره چهار ساله تخصصی علم کلام زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی شرکت کردم و با معدل ۲۵/۱۹ با رتبه ممتاز در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

عسکری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحر بزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به

انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در ۱۳۹۱ ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش: «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «۱۵۰ صحابی ساختگی»، دو مجلد.[۱]

سید مرتضی عسکری بن آیت‌اللّه حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.

وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌اللّه العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال ۱۳۹۱ ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.

از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- عبداللّه بن سبا ج ۱- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.

۲- عبداللّه بن سبا ج ۲- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.

۳- احادیث عایشه ج ۱- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.

ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.

۴- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۱- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.

۵- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۲- آماده برای طبع میباشد.

نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.

نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه‌السلام) بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶۰ -۶۵۹ / ۴).

عقاب شوشتری خراسانی، شهاب‌الدین عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۹۹۷ ق)، عالم، متکلم و فقیه امامی. معروف به شهید ثالث. از علمای عهد شاه‌طهماسب صفوی بود. وی در شوشتر به دنیا آمد. در جوانی در شیراز به تحصیل علوم عقلی پرداخت، سپس به شامات رفت و در نزد عده‌ای از علماء و فقهای جبل‌عامل درس خواند تا به مدارج عالی رسید. آن‌گاه به ایران بازگشت و در خراسان سکنی گزید. شهاب‌الدین از ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی روایت کرده و نظام‌الدین ابوالفتح عامر بن فیاض جزایری مشهدی و ابومحمد علی بن عنایت‌الله مشهور به بایزید بسطامی و تاج‌الدین حسین صاعدی از شاگردان و راویان عقاب می‌باشند. مدتی در مشهد به موعظه و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود

تا در ۹۹۷ ق به دستور ازبکان که در آن زمان بر خراسان استیلا یافته بودند دستگیر شد و به بخارا فرستاده شد، تا با علمای عامه مناظره نماید. او با علمای آنجا بحث نمود و چون از مقابله با وی درماندند به عبدالله‌خان ازبک گفتند که باید از گفتگو با او دوری کرد، مبادا که عامه‌ی مردم فریب خورند و بشورند، پس او را با چاقو و خنجر کشتند و جسد پاکش را در میدان بخارا به آتش کشیدند. از آثارش: کتابی در «امامت»؛ کتاب «الاربعین فی فضائل امیرالمومنین (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۹ / ۴)، اعیان الشیعه (۵۰ / ۸)، تکمله امل الآمل (۸۲)، الذریعه (۴۲۱ -۴۲۰، ۲۰۶، ۱۶۱/ ۱)، روضات الجنات (۲۲۸ -۲۲۴ / ۴)، ریاض العلماء (۲۵۳ -۲۴۸ / ۳)، ریحانه (۱۵۲.۴)، شهیدان راه فضیلت (۲۸۱ -۲۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۹ -۱۲۸ / ۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۵۵ -۱۵۴ / ۱)، فوائد الرضویه (۲۵۶)، معجم المؤلفین (۱۴۷ -۱۴۶ / ۶).

عقیلی بخاری، شرف‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۶ ق)، متلکم و فقیه حنفی. از آثارش: «منهاج التفاوی»، در فقه؛ «الهادی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳ / ۵)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۷۷)، معجم المؤلفین (۳۱۶ / ۷)، هدیه العارفین (۷۸۴ / ۱).

علاء اسمندی سمرقندی، علاءالدین ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۳ / ۵۵۲ -۴۸۸ ق)، متکلم و فقیه حنفی. معروف به علاء عالم. در اسمند از نواحی سمرقند به دنیا آمد. او از ابن‌مازه بخاری حدیث روایت کرده و ابوالبرکات محمد بن علی بن محمد انصاری، قاضی اسیوط، از وی روایت کرده است. اما ابوسعد سمعانی گوید که چون علاء شرب‌خمر می‌کرد. از وی روایت نکردم. علاء از بزرگان فقه حنفی و از چیره‌دست‌ترین متکلمان زمان خود بود. او به بغداد رفت و با علمای آنجا به مناظره نشست، و در «خلاف» تصنیفاتی نمود. از آثار وی: «مختلف الروایه»، در خلاف؛ «التعلیقه»، در چند مجلد به نام «العالمی»؛ «بذل النظر»، در اصول؛ «الهدایه»، در کلام؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حصر المسائل و قصر الدلائل»، در شرح «منظومه» نسفی، در خلاف، و گفته شده که این کتاب در شرح «عیون المسائل» ابی‌لیث سمرقندی است؛ «الفوائد العلائیه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۸ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۷۵ / ۱)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۶۸، ۱۶۳۶، ۱۱۸۷، ۵۶۹)، لسان المیران (۲۶۹ -۲۶۸ / ۶)، معجم المؤلفین ۱۳۱ -۱۳۰ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۳۵۹ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۸ / ۳)، هدیه العارفین (۹۲ / ۲).

علوی سبزواری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ / ۱۳۵۲ -۱۲۶۸ ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن‌گاه به عراق رفت و در محضر درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزوار بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به او در قبال حاج میرزاحسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزوار درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی:«الارجوزه فی الفلسفه العالیه»؛ حاشیه بر «فرائد» شیخ انصاری؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النذر»؛ «مشکاه الضیاء»، در بداء؛ تفسیر «آیه الخلافه»: (انی جاعل فی لارض خلیفه...).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۶ / ۶، ۴۹۱ / ۱)، ریحانه (۱۹۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۰ -۵۶۹ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، مکارم الآثار (۱۸۹۷ -۱۸۹۶ / ۶).

علوی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسین فرزند سید محسن علوی (سبزواری) یکی از اساتید و علما و محدثین در قرن اخیر بود. میرزا حسین در فقه و اصول و رجال و حدیث و حکمت و کلام تبحر و مهارت کامل داشت. میرزا حسین از شاگردان میرزای بزرگ و فاضل اردکانی بود که خود در تمام فنون علمی، عقلی و نقلی استاد گردید و سالها از کرسی درس او علما برخوردار بودند. میرزا حسین سبزواری یکی از اساتید و مشایخ اجازه به آیت الله شهاب الدین نجفی مرعشی است. او آثاری در فقه و فلسفه و حکمت و رجال از خویش به جا گذاشت و سرانجام در سال ۱۳۵۲ اواسط قرن چهاردهم وفات نمود.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

علوی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی علوی

محل تولد : دایکندی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید موسی علوی فرزند سید کاظم در سال ۵۱ در کشور افغانستان استان دایکندی مرکز نیلی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پس از فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن فارسی و قسمت از ادبیات عرب در زادگاهی خودم در سال ۷۰ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه مقدسه قم و مشول درسهای مستداول حوزه شدم و تا سال ۷۹ موفق به اتمام سطوح عالی حوزه شدم و از سال ۸۰ تا حالا مشغول درسهای خارج فقه و اصول می باشم البته با انجام ۵ سال مصاحبه درس خارج از نظر مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی فارغ التحصیل هستم.

از محضر اساتید مرحوم وجدانی فخر، حسینی میانجی، علی محمدی، حسینی بوشهری، نظری میانجی و حضرات آیات مکارم شیرازی و حید خراسانی ، جعفر سیبحانی و جوادی املی دامت برکاتهم استفاده کردم.

در ضمن درسهای معمولی حوزه در رشته فلسفه و کلام در سطح کارشناسی ارشد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام صادق (ع) تحصل نموده ام در این رشته از استاد علی ربانی گلپایگانی در کلام قدیم و جدید و از استاد خسرو پناه در معرفت شناسی و فلسفه غرب استفاده نمودم.

علیاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛ شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵ ، ۴۱۰ / ۲۴ ،۶۴ / ۲۱ ، ۲۵۰ / ۱۳ ، ۷۶۰ / ۹ ، ۱۶۰ -۱۵۹ / ۳ ،۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ -۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ -۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ - ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیزاده، اکبر اسد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمام دوره سطوح در سال ۱۳۷۲در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰ اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. وی در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رضی‌الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام‌الدین احمد ابن شیخ جمال‌الدین محمود

حصیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. وی در بخارا درگذشت. از آثارش: «الجست»؛ کتاب «الارشاد»، در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشق، شمس‌الدین احمد خویی، و بدرالدین مراغی و اوحدالدین دونی و نجم‌الدین و ابن‌مرندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «النفائس»،در جدل، که قاضی شمس‌الدین خوبی آن را مختصر کرد و «عرائس النفائس» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۸ -۹۷، ۷۷ -۷۶ / ۲۲)، شذرات الذهب (۶۴ / ۵)، العبر (۱۶۷ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۶۹)، معجم المؤلفین (۲۸۷ / ۱۱).

عمیق، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن عمیق

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فعالیت علمی و آموزش حوزوی را شروع کرده و در مدارس معصومیه و الهادی و امام باقر علیه السلام دوران مقدمات و لمعه ها را به اتمام رسانده و رسائل و مکاسب را در محضر اساتیدی همچون محسن وحید خراسانی و حسینی خراسانی و محمدی و .. به اتمام رساندم. و از سال ۱۳۷۴ دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مکارم شیرازی و تبریزی و سبحانی ، نوری همدانی و درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت داشته و در سال ۱۳۷۶ دوره تخصصی کلام اسلامی را در مؤسسه امام صادق علیه السلام شروع کرده و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شدم و پایان نامه سطح ۴ حوزه در حال دفاع می باشد در این مدت همکاریهایی با برخی از مؤسسات علمی پژوهشی همچون نشر آثار حضرت امام(ره) و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و ... داشتم و در کتاب تا بحال منتشر شده یکی فلسفه خلقت و دیگر اخلاق زیست محیطی در اسلام و مقالاتی نیز منتشر داشته ام. و از سال ۱۳۸۴ در مرکز جهانی معاونت پژوهش مدارس تخصصی فقه و اصول اشتغال اجرائی و علمی دارم و در کنار حوزه فعالیتهای تبلیغی و تدریس نیز داشته ام .

عندلیبی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند معظم فقیه فرزانه شیخ محمد تقی عندلیبی که از علمای برجسته و بقیۀالسلف مشهد مقدس بود در سن ۹۷ سالگی دار فانی را وداع گفت.

حاج شیخ محمد تقی فرزند شیخ نعمت الله و نوه ی شیخ محمد حسین قاضی سبزواری معروف به عندلیبی و ملقب به «خواستار» می باشد. در اواخر سال ۱۳۳۲ ق / ۱۲۹۳ش در شهر سبزوار پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش از فضلا و واعظان معروف سبزوار که در فصاحت و بلاغت و داشتن صوت و لحن خوش کم نظیر بود. او در سال ۱۳۳۸ ش در سبزوار در حدود ۷۰ سالگی در گذشت و در امامزاده شعیب به خاک سپرده شد.

شیخ محمد تقی مقدمات را نزد پدر ارجمند خود وشیخ علیرضا مدرس در زادگاهش بیاموخت و به سوی مشهد رهسپار شد و ادبیات را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری به پایان برد. سطوح را نزد حضرات آیات شیخ هاشم قزوینی، سید حسین فقیه سبزواری و شیخ آقا بزرگ شاهرودی طی نمود.

ایشان در سال ۱۳۵۵ ق/ ۱۳۱۵ ش عازم نجف اشرف گردید و خارج را از محضر شیخ ضیا ءالدین عراقی و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود، سپس به کربلای معلی رفت و از محضر سید حسین طباطبائی قمی و سید محمد هادی میلانی بهره ها برد. آن گاه در سال ۱۳۶۴ ق/۱۳۲۴ ش به زادگاه خود مراجعت نمود و مشغول تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع شد. مخفی نماند که ایشان از حضرات آیات سیدابوالحسن اصفهانی، استادش عراقی، میرزا عبدالهادی شیرازی، میرزا محمدهادی میلانی و سید محمود شاهرودی دارای اجازاتی بوده است.

جناب عندلیبی جهت تعمیر و کاشیکاری مسجد جامع سبزوار در سال های چهل شمسی به همت حاج محمود مسلم اقداماتی نمود و کار تعمیر در محرم ۱۳۸۹ ق به پایان رسید. نامبرده در سال ۱۳۹۰ق/۱۳۴۹ش در پی دعوت آیۀ الله سید محمد های میلانی جهت شرکت در جلسه استفتا رحل اقامت خود را برای همیشه در مشهد مقدس برگزید و در مسجد امام حسین (علیه السلام) به اقامه جماعت و انجام وظیفه دینی پرداخت. در ضمن درس های شرح منظومه، کفایه، مکاسب وخارج فقه مقارن و تطبیقی را بر عهده گرفت. او فردی دانشمند، زاهد، مهربان و دارای خصال اخلاقی حقیقی بود.

از آثار او

۱–تقریرات درس عراقی؛

۲–تقریرات درس قمی؛

۳–تقریرات درس میلانی؛

۴–تعالیف علی شرح المنظومهٔ (ملا هادی سبزواری).

عندلیبی بر اثر کهولت سن در غروب جمعه ۸ رجب ۱۴۲۹ق/۲۱ تیر۱۳۸۷ش در سن ۹۷ سالگی در مشهد مقدس دار فانی را وداع گفت. پیکرش پس از تشییع در صحن امام رضا (علیه السلام)، صحن جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد. نویسنده: عبدالحسین جواهرالکلام منابع زندگینامه : آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

عیسی لو، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله عیسی لو

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ همزمان با اخذ دیپلم ـ با توجه به اشتیاق فراوان به تحصیل و تبلیغ علوم دینی ـ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) تبریز گردیدم و پس از مدت دو سال و اندی تحصیل در آن حوزه مبارکه و آموختن درسهایی از مقدمات علوم دینی، در پاییز سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و نخست در مدرسه علمیه بعثت ساکن و به ناچار شروع به تحصیل در برخی موضوعات درسی که اندکی متفاوت با آنچه که در تبریز فراگرفته بودم بود، کردم؛ و حتی آشناییام با جناب استاد علی مؤمنی ارموی که سالها در محضر مرحوم مدرس افغانی تلمذ کرده و ادیبی بارع و مدرس فاضل گشته بود. تصمیم به تقویت پایه علمی در زمینه ادبیات عرب و منطق گرفتم (نخست در خدمت استاد ربانی گلپایگانی که در حسینیه آیت الله نجفی مرعشی منطقه مظفر تدریس می‌کرد عمده مباحث آن را فراگرفتم). از این رو در خدمت استاد مومنی تا چندین سال به فراگیری (حاشیه ملا عبدالله) و مطول تفتازانی و سپس مباحثی از اوائل کتاب رسائل شیخ انصاری و پس از آن نمط اول شرح اشارات (طبیعیات) را در خدمت ایشان تلمذ کردیم در این میان در حال حیات مرحوم مدرس افغانی مدتی در درس شرح تصریف ایشان شرکت کردیم و بخشی از کتاب سیوطی را نزد ایشان فراگرفتیم و با توجه به این‌که در سالهای قبل از آن و در زمان سلامت احوال مدرس، درسهای ادبیات را تدر یس کرده بود و در نوارهای کاست ضبط گردیده بود، از آن نوارها هم تا اندازه‌ای بهره بردم. پس از آن‌که مباحثی از طبیعیات شرح اشارات بوعلی را فراگرفتم. درس نمط سوم شرح اشارات را در خدمت استاد علی مؤمنی شروع کرده و در مدت دو سال مباحثی مهم از آن را بهره بردیم.

و به دنبال آن نهایة الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را نزد همان استاد (علی مؤمنی ارموی) شروع کردیم که حدود بیش از دو سال طول کشید. و به دلیل همین درس‌ها بود که هنگامی که وارد مرکز تخصصی کلام اسلامی برای شرکت در دوره هشتم سطح چهار گردیدم، در سال اول برایم خسته کننده و تکراری بود و لذا با درخواست از مدیر آموزشی آن مرکز در سال دوم به همراه دوره هفتم به ادامه تحصیل در آن مرکز پرداختم و تنها در امتحانات سال اول به صورت ارتقائی شرکت نمودم. درس‌های سطح حوزه را نیز عمدتاً به صورت آزاد ـ و در نزد اساتیدی از جمله مرحوم استاد پایانی، استاد مسجد ارموی، استاد صلواتی، استاد موسوی تهرانی، استاد مدرس یزدی و... فراگرفتم و به طور مرتب در امتحانات کتبی و شفاهی حوزه علمیه شرکت می‌کردم.

غرویان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن غرویان

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بـدنیا آمد و پس از اخذ مدرك دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شـد و در سال ۱۳۵۸ رسـما شـروع به تحصـیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقـدمات و سـطح را به پایان رسانیـد و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تـا اینکه برای کاندیـداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شـرکت نموده و آن را با موفقیت پشـت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینك عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و اسـتاد موسـسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسـیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسـیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبـان انگلیسـی و عربی آشـناست و تـاکنون در همایشـها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشـان هم اکنون به تـدریس خـارج اصول و اسـفار ملا صـدرا اشـتغال دارد و در کناراشـتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسـی با ارائه کنفرانس و سـخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسـنده ای است که مسـتمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشـریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسـیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقـام معظم رهبری به حـج اعزام شـده است. علاـوه بر این با سـفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره هـای علمی و فرهنگی نشســتها و گفتگوهـای علمی در بـاب ادیـان و ملـل و نحـل داشــته اسـت. محســن غرویـان یکی از داوران و صـاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسـفه است و بعنوان عضو شورای بررسـی کتاب اسـتان قم نیز بر رونـد چاپ و نشـر کتب نظارت داشـته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خـود را صـرف پاسـخگویی به سوالاـت و شـبهات علمی – اعتقـادی می کنـد و بـا شـماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشـهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غفاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن غفاری

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالحسن غفاری درسال۱۳۶۴شمسی در شهرستان سراب موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی شدم وپس ازآن در حوزه علمیه حاج صفرعلی تبریز مشغول تحصیل شده وهمزمان باآن به تحصیل رشته های دانشگاهی پرداخته ومدرک فوق دینی وعربی را اخذکردم دوسال بعد به حوزه علمیه المهدی سراب رفته وبه ادامه تحصیل پرداخته ودرس فقه را نزدمرحوم حاج آقا رسولی وحاج آقا کمالی امام جمعه محترم سراب خوانده وهمچنین بخشی از فلسفه وشرح منظومه رانزدآقا کمالی خواندم درحین تحصیل دروس ادبیات ومنطق را تدریس نمودم درسال۷۱و۷۲به قم مهاجرت و در درس رسائل آیت اله محمد کوه کمره ای ومکاسب مرحوم آیت اله پایانی شرکت کردم، پس از مکاسب کفایه رادرنزد مرحوم پایانی خوانده وهمزمان باآن دردرس تفسیر حضرت آیت اله جوادی املی ودروس فلسفه دکتر بهشتی وعرفان آقای نکونام شرکت نمودم پس از پایان سطح به درس خارج فقه حضرت آیت اله جوادی املی واصول آیت اله ملکوتی حاضرشده وهم اینک نیز در محضر آنان ودرس فلسفه حضرت آیت اله انصاری شیرازی شرکت دارم از سال ۱۳۷۲وهمزمان باتحصیلات حوزه درکنکورشرکت کرده ودر رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم درسال ۱۳۷۶موفق به اخذ مدرک لیسانس شده ودرسال۱۳۷۷پس از موفقیت در امتحان ورودی دررشته فلسفه همان دانشگاه در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده ودرسال ۱۳۸۰موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شدم ، درسال۱۳۸۴دررشته فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کرده ودردوره دکتری پذیرفته شدم وهم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری درآن دانشگاه هستم. ازسال۱۳۷۷دردانشگاه آزاداسلامی مشغول تدریس دروس فقه، فلسفه، ومعارف شدم واز سال۱۳۸۲درمرکز جهانی علوم اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دروس فلسفه وکلام ومتون مثل نهایه الحکمه وشرح تجرید وفلسفه غرب را تدریس می نمایم .

فاضل شرابیانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملا محمد فرزند فضلعلی معروف به فاضل شرابیانی یکی از آیات و مراجع بزرگ بلاد ترک در اوایل قرن چهاردهم هجری بود. فاضل مجتهدی جامع، فقیهی کامل، محققی دانشمند و متبحر در اصول، فقه و تفسیر و حدیث و علم رجال بود. فاضل از فکری صائب، حافظه ای قادر و ذهنی وافر و قلبی ذاکر برخوردار بود. این آیت عظمی در سال ۱۲۴۵ در شرابیان آذربایجان متولد شد و

پس از پیمودن مقدمات علوم عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر سید حسین ترک و علامه شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه استفاده نمود و خود در استنباط احکام فقهی متبحر و استاد گردید و در ردیف مراجع بزرگ قرار داشت. پس از فوت آیت کبری مرحوم سید حسین کوه کمره ای، فاضل شرابیانی و فاضل مامقانی مرجع خاص و عام اغلب شیعیان مخصوصا اهالی آذربایجان و قفقاز و دیگر بلاد تشیع گردیدند. فاضل شرابیانی در مراجعت از عتبات چند سالی در آذربایجان ساکن بود. مرحوم مدرس تبریزی در ریحانهٔ الادب می نویسد: فاضل شرابیانی در اصول بحری بی پایان بود، و ضمن تجلیل از مقام علمی او می افزاید: اگر تمام کتب فقهی و اصولی را به دریا می شستند، فاضل مذکور قادر بود با حافظه و ذهن قوی خویش تمام آنها را مجددا به رشته تحریر برد.

فاضل شرابیانی عمری طولانی یافت و سالیانی چند سال از فوت شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه تقریرات بررسی او را برای علما مدرسی عالم و شرحی سودمند بود و در این زمینه کتابی در شرح رسائل و مکاسب در نه جلد به رشته تحریر برد. همچنین رسائلی در فروع و عبادات از خویش به یادگار گذاشت، و سرانجام در بین الطلوعین جمعه ۱۷ رمضان ۱۳۲۲ ندای حق را لبیک گفت.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

فاضل مراغی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵، ۱۱۵ / ۱۴، ۲۰۲، ۱۷۴، ۱۵۳، ۳۴ / ۶، ۴۷۰- ۴۶۹ / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد : بیارجمند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندك رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۶۰۶ -۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماوراالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیك هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح

اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[۱]

رازی، ابوعبداللّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴– ف. هرات ۶۰۶ ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایهٔ‌العقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیهٔ، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیهٔ فی المطالب المعادیهٔ، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدهٔ، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایهٔ‌الاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمهٔ، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷ –۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۱۳ –۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ –۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴ –۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱ –۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷ –۳۷۴ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۱ –۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴ –۳۶۳)، شذرات الذهب (۲۲ –۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۶۸ – ۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲ ،۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶ ، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸، ۱۵۷۷– ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴ ، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶ –۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵ –۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰ –۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴ –۶۴۲ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۶ –۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲ –۲۴۸/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۵۲ –۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

فخرالاسلام ارومی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ق)، عالم، متکلم و نویسنده. اصل وی از ارومیه آذربایجان بود. پدرش و خود وی مسیحی بودند، و از کشیشان دانشمند به شمار می‌رفتند. او پس از مطالعات به دین اسلام گروید، و در تهران ساکن شد. وی از جانب ناصرالدین‌شاه قاجار ملقب به فخرالاسلام و مسمی به محمدصادق گردید. وی صاحب تألیفاتی دقیق و محققانه در حقانیت اسلام و قرآن و رد نصاری است. از جمله آثار وی: «انیس الاعلام فی نصره الاسلام و الرد علی النصاری»، به فارسی، در دو مجلد؛ «برهان المسلمین»، در رد نصاری، به فارسی، مشتمل بر سوال و جواب با مسیحیان در تهران است؛ «بیان الحق و الصدق المطلق»، به فارسی، در ده مجلد، که چهار مجلد آن در اثبات قرآن مجید و نبوت پیامبر (ص) می‌باشد؛ «تعجیز المسیحیین فی تایید برهان المسلمین»؛ «خلاصه الکلام فی افتخار الاسلام»؛ «وجوب الحجاب و حرمه الشراب»؛ «السیاسه الاسلامیه»، در اخلاق و مصائب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲ / ۲۵، ۲۷۱ / ۱۲، ۲۳۲ / ۷، ۲۱۰ / ۴، ۱۸۰، ۱۰۲ -۱۰۱ / ۳، ۴۵۳ -۴۵۲ / ۲)،ریحانه (۳۰۲ -۳۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۱ -۸۵۰ / ۱۴).

فخرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، متلکم و عالم امامی. از علمای بزرگ زمان خود بود که کتاب «سلیمانیه» را در کلام و اصول دین در ۹۷۰ ق در مراغه برای سلطان سلیمان‌میرزا،شاهزاده صفوی، نگاشت. از دیگر آثار وی «الشوارق اللامعه» یا «المشارق اللامعه» و «السبحات الساطعه» است در دو بخش: بخش اول آن در کلام پنج شارقه به ترتیب اصول دین و بخش دوم آن در اخلاق در سه سبحه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۴)، الذریعه (۳۶ / ۲۱، ۲۴۰ -۲۳۸ / ۱۴، ۲۲۸ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸ / ۱۰).

فرمانیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فرمانیان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی فرمانیان اهل کاشان متولد ۱۳۵۲، بعد ازسیکل به حوزه علمیّه قمصر وارد شده و تا سال ۱۳۷۱ در قمصر تا لمعه را

خواندم. سال تحصیلی ۱۳۷۱–۱۳۷۲را در مدرسه علمیّه آیت الله یثربی کاشان سپری کردم و از سال ۱۳۷۲ تا کنون در قم اقامت دارم. در سال ۱۳۷۲ به مؤسسه در راه حق وارد شده ولی بیشتر از یک ترم نماندم و آنجا را ترک کرده و به مطالعه شخصی پرداختم و چند سال به درس خارج رفتم. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مسئول کانون فرهنگی در مسجد صفائی کاشان بودم و با بسیج نیز همکاری داشتم. در سال ۱۳۷۶ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وارد شده و در رشته مذاهب اسلامی مشغول به تحصیل شدم که تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۸ در کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم رشته فلسفه و کلام شرکت کرده و قبول شده ام و در سال ۱۳۸۱ از پایان نامه خود با عنوان «اندیشه های کلامی قاضی سعید قمی» دفاع کردم. از این سال به بعد جزو هیئت علمی مرکز ادیان و مذاهب شدم که هنوز هم ادامه دارد. از سال ۱۳۸۱ در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس مذاهب پرداخته و در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سطح دوم و سوّم تدریس کردم. امامیه، تاریخ تشیع، اسماعیلیه، فرق تسنن، وهابیت، زیدیه، گرایشهای فکری جهان اسلام معاصر، فرق نخستین و روش تحقیق در مذاهب را تدریس کرده ام. از سال ۱۳۸۲ در مؤسسه مذاهب اسلامی در سطح سوم به تدریس اسماعیلیه و زیدیه پرداخته و در سال ۱۳۸۳ مذاهب کلامی دیگر همچون خوارج، غلات، وهابیت، قادیانیه، یزیدیان، نصیریه و ... را تدریس کرده ام (تدریس در معاونت تبلیغ: وهابیت). همچنین در مرکز تخصصی تاریخ دفتر تبلیغات، تاریخ تشیع تدریس نموده ام، در مرکز ادیان روش تحقیق در مذاهب، تاریخ فرق اسلامی، فرق نخستین، تاریخ کلام شیعه و فرق تسنن در مقطع کارشناسی ارشد تدریس کرده ام و در حال تدریسم. از سال ۱۳۷۸ به تحقیق روی آورده و مقالات زیادی را تألیف و به چاپ رسانده ام.

فقیهی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا فقیهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا فقیهی در سال ۱۳۳۴در شهر اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۴۹طلبگی را درهمین شهر شروع کردم. پس از دو سال به قم آمده و دروس حوزوی را در قم دنبال کردم در سال ۵۷ در اوج مبارزات مردمی دستگیر و زندانی شدم در پایان بهمن ماه آزاد درس خارج را پس از انقلاب شروع کردم علاقه شدیدی به مباحث قرآنی داشتم سعی کردم قرآن را مباحثه کنم در محضر آیت الله جوادی بیش از ده سال تفسیر را آموختم سپس کار تفسیر گروهی را با متد جدیدی در دفتر تبلیغات شروع کردیم که نتیجه آن ۲۰ جلد تفسیر راهنما می باشد خمیر مایه اصلی این کار تلاش جناب هاشمی رفسنجانی در زندان بود که گروهی کار را بازنگری کردند و نهایتا "پس از ده سال کار به اتمام رسید در کنار آن به درس اخلاق فقه و اصول نیز مشغول بودم وسپس به

فعالیت اجرائی فرهنگی مشغول شدم حدود ۱۴سال فعالیت فرهنگی را در دانشگاهها شروع کردم .

فکور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فکور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین فکور در سال ۱۳۵۸ با شروع انقلاب اسلامی در ایران و علاقه به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه شدم و به تحصیل پرداختم و مانند سایر محصلین و طلاب حوزه های علمیه به خواندن درسهای سطح پرداخته درا ین بین با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به مدت یک سال تمام در جبهه ها حضور یافتم پس از آن مجددا به تحصیل ادامه دادم و از اساتیدی همانند آیات عظام سید محسن خرازی، ستوده، پایانی، موسوی تهرانی، اعتمادی و فیاضی در دروس سطح بهره بردم سپس به درس خارج پرداخته و از اساتیدی همانند آیت الله شیخ محمد علی اسماعیل پور شهرضایی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و آیت الله بهجت بهره بردم در این بین در لجنه تحقیقاتی کتاب وزین جامع احادیث الشیعه که به امر آیت الله بروجردی در حال تالیف بود و تا سالیان اخیر نیز ادامه داشت به مدت چند سال شرکت کرده و از این لجنه استفاده فراوانی بردم با توجه به علاقه ذاتی به ادبیات و نویسندگی به مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ ایران و جهان پرداخته که این امر در ارتقای مساله نویسندگی در این جانب نقشی اساسی داشت در سالهای بعد با دعوت سردبیر مجلات کودک و نوجوان، پوپک و سلام بچه ها در آنجا به فعالیت پرداختم که این مساله تا کنون ادامه دارد. همزمان به تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه قم نیز پرداختم و در سال ۱۳۸۳ موفق به دفاع از پایان نامه خود با درجه عالی با عنوان خداشناسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام شدم.

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح رزومی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فلاح رزومی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی فلاح رزومی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در ساری گذرانده و در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال ۱۳۷۸ در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می توان چون عربستان و نامبیا نام برد.

فلاح نژاد، عبدالحمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید فلاح نژاد

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شـدم و دروس مقـدماتی را همراه با سال سوم راهنمائی شـروع کردم درسال ۵۸ به مدرسه علمیه ولی عصـر (عج) بروجرد عزیمت کردم. در سال ۵۹ به حوزه علمیه مقـدسه قم منتقل شـدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال ۶۰ وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بودم سپس وارد درسـهای عمومی حوزه شـده وتا سال ۱۳۶۸ دوره سـطح عالی گذرانـدم. در سال ۶۸ در درس اصـول آیت الله فاضـل لنکرانی شرکت کردم و ازسال ۶۹ در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت ۲سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال ۷۲ تاکنون دردرس خارج فقه واصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد۱اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات ۲ تا ۹ اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده بردم. در سال ۷۰ به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال ۷۶ در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده ودر سال ۸۰ این دوره را به پایان رساندم ودر حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح ۴حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می بـاشم. در سال ۸۰ در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسـی ارشد شـرکت کردم و بارتبه دوم در رشـته فلسـفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ این مقطع را به پایـان رسانـدم و پایـان نـامه ای تحت عنوان مبـانی ولایت از دیـدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم . از سال دوم طلبگی تـدریس دروس مقـدماتی را آغاز کردم و در سال ۷۴ در دانشـگاه مشـغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال ۷۵ در مدارس تحت پوشـش حوزه علمیه قم تـدریس ادبیات عرب شـدم و سـپس فقه و اصول را شـروع کردم از سال ۸۰ تاکنون نیز دروس سـطح عالی حوزه را تـدریس می کنم. چنـد مقاله در موضوعات ارتـداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسـفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسـلامی به رشـته تحریر در آوردم که بعضـی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاحتی، احمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدحسین فلاحی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم در یکی از روستاهای سربند اراک سپری و در سال ۱۳۶۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه اراک و همزمان تا دیپلم تحصیلات را ادامه دادم در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون مرحوم شیخ حسن تهرانی، موسوسی تهرانی، بیگدلی ، فقیهی، آل غفور و .... گذراندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج و از محضر حضرات آیات: آیة الله سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، وحید خراسانی و سید احمد خاتمی بهره مند شدم. یک دوره درس خارج اصول را از محضر آیت الله سبحانی و ۸ سال خارج فقه آیت الله مکارم و ۲ سال خارج فقه آقای خاتمی و مدتی کمتر از یک سال هم از محضر حضرات آیات جوادی آملی و وحید خراسانی بهره بردم. در سال ۷۶ همزمان با درس خارج وارد موسسه کلام اسلامی شدم و دوره سطح ۴ را در آنجا سپری کردم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله سبحانی و ربانی گلپایگانی بهره مند شدم با فارغ التحصیل شدن از آنجا همزمان با تدوین پایان نامه سطح ۴ دوره تخصصی مذاهب اسلامی و اهمیت اطلاعات بیشتر در سطح ۳ گذراندم و مدت دو سال بعنوان پژوهشگر با مرکز مطالعات حوزه و موسسه مذاهب و موسسه تنظیم آثار امام همکاری داشتم. با دفاع از پایان نامه در سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه پیام نور شدم و با عضویت هیئت علمی تاکنون در استان همدان مشغول فعالیت بوده و از حوزه علمیه همدان هم در سطح حوزه مشغول تدریس می باشم.

فلاحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فلاحی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره مقدمات را در مدرسه حقانی سپری کردم و دوره سطح را در مدرسه علمیه معصومیه در سال ۱۳۷۲ آغاز نمودم پس از اتمام لمعتین رسائل و مکاسب را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در سال ۱۳۷۵ آغاز کردم

و در محضر اساتیدی نظیر موسوی تهرانی، نکونام، حسینی خراسانی و ... کسب فیض کردم. حدودا از سال ۱۳۸۰ در درس خارج آیات عظام شیخ صادق لاریجانی، مکارم، سبحانی و عابدی نجف آبادی شرکت نمودم. همزمان در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۴ دوره کارشناسی ارشد رشته دین شناسی را گذراندم. هم اکنون در موسسه شیعه شناسی به عنوان مدیر ترجمه همکاری می کنم.

فلسفی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۹ –۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسریست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدماء گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.

چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت

(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید

کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت

در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت

از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت

ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش

انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۶۵ -۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰ -۳۸۷ / ۲).

فنایی نعمت سرا، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی فنایی نعمت سرا

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۶۵ که در دبیرستان مشغول تحصیل بودم به مطالعات دینی پرداختم و همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی و پدید آمدن گروههای مارکیستی والتقاطی به مطالعه آثار آنها پرداختم تا در مناظرات با آنها با مشکلی مواجه نباشم، تقریبا مارکسیست را یک دوره به طور کامل مطالعه کردم و در کنارش آثار فلسفی و کلامی متکلمین و فیلسوفانی را که به زبان فارسی بود مطالعه کردم عطش مطالعات علوم اسلامی مرا وادار نمود که به حوزه علمیه وارد شوم و به صورت فنی بحث را ادامه بدهم، پس از ورود

به حوزه علمیه همزمان با دروس کلاسیک حوزه و مطالعات دینی به مطالعه پیرامون آثار روشنفکران مسلمان پرداختم چون گفتمان غالب در مناظرات دهه شصت و هفتاد مباحث روشنفکری بود که به اعتقاد بنده با بیماری مواجه است و نشناختن آن موجبات کج فهمی در داوریها خواهد شد. برای تعمیق بخشیدن این مباحث رشته کلام و فلسفه را به صورت تخصصی در حوزه ادامه دادم و خوشبختانه بیشترین استفاده را در این حوزه برده ام و به برکت اندوخته های همین حوزه امروز در دانشگاهها مشغول تدریس هستم. البته در کنار دروس فلسفه و کلام، دروس حوزه را تا مرحله یک دوره خارج اصول و چند کتاب فقهی به پایان رساندم.

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملاـ محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷ -۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸ -۱۰۵۲ ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیبه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹ -۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱ -۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴ -۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲ -۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایرهالمعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو درتصوف (۲۵۴ -۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴، ۱۶۱ / ۱۳، ۸۵۳- ۸۵۲ / ۹، ۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات

(۱۹۴ -۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۳۶۳ -۳۶۱ / ۴)، سیر در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۶ -۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۳۰ -۴۲۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلاسفه شیعه (۳۷۷ - ۳۷۵)، الکنی و الالقاب (۳۷ -۳۶ / ۳)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۲ -۸۴۱ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۴ -۲۱۳).

فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۶ -۳۹۳ ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، عارف و شاعر. در فیروزآباد فارس به دنیا آمد. از ابوعبدالله بیضاوی و عبدالوهاب بن رامین در شیراز و از خزری در بصره فقه آموخت. در ۴۱۵ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب طبری شد و از او بهره‌ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شاذان و ابوبکر احمد برقانی و محمد بن عبیدالله خرجوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. او مرجع دانش‌پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام احمد بن سهل مسجدی و ابوبکر فارمذی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حمان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نظام‌الملک وزیر مدرسه نظامیه‌ی بغداد را در ۴۵۹ ق برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد درگذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرز دفن شد. به روایتی او مدفون در شیراز است. از آثار وی: «التنبیه فی فروع الشافعیه» و «المهذب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتابهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»، در اصول فقه؛ «المعونه فی الجدل»؛ «التبصره»؛ «الملخص» یا «التلخیص»؛ «النکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤلین فی الخلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۵ -۴۴ / ۱)، انساب سمعانی (۴۱۸ -۴۱۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴، ۲۳۸ -۲۳۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۸۱ -۱۷۹ / ۱)، ریحانه (۱۲ -۱۱ / ۷)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۵۲ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۱ -۳۴۹ / ۳)، صفه الصفوه (۲۸۰ / ۲)، الکامل (۱۳۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۱۲، ۱۸۱۸، ۱۷۴۳، ۱۵۶۲، ۱۱۰۵، ۱۱۰۰، ۴۸۹، ۳۹۱، ۳۳۹)، الکنی و الالقاب (۸ -۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۶ -۴۲ / ۱۹)، معجم البلدان (۴۳۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۶۹ - ۶۸ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۱۶ / ۵)، الوافی بالوفیات (۶۶ -۶۲ / ۶)، وفیات الاعیان (۳۱ -۲۹ / ۱)، هدیه العارفین (۸ / ۱).

قاسملو خویی، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب قاسملو خویی

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حقیر در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم وپس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهانق تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیك مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال ۱۳۶۴ به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیش در ذهنم بود وهنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هردو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کاملان و ادیب بهره های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام ولمسلمین محمد باقری شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال ۱۳۸۵ به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. ۱. دین و آزادی ۲. طبیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) ۳. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) ۴. خلاصه الغدیر ۵. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی ۶. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ د فتر تبلیغات اسلامی.

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ / ۴۱۴ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام

قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷ -۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲ ،۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۹، ۲۷۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵ -۱۱۳ / ۱۱)،روضات الجنات (۱۸ -۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶ -۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵ - ۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳ -۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۳)، لسان المیزان (۲۱۳ -۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴ -۳۱/ ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹ -۴۹۸ / ۱).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی.

تولد: ۱۲۸۹(۱۳۳۱ ق.)، تبریز.

شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشان در سال ۱۳۴۷ ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضاشاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید، مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به ویژه در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می روند تا امام

خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجددا در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: الاجتهاد و التقلید (عربی و خطی)؛ الفوائد (فقهی و تاریخی)؛ خاندان عبدالوهاب (فارسی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارة (عربی، خطی)؛ اجوبهٔ الشبهات الواهیه (فارسی، خطی)، رسالهٔ فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سفرنامه بافت (فارسی، خطی)المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ مرتضی انصاری و کفایهٔ الاصول محمدکاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریخ قضاء در اسلام؛ صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهر علیهماالسلام؛ حدیقهٔ الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالهٔ فی مسألهٔ التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیهٔ تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت

الصلوة، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنهٔ الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیهٔ فی المباحث الکلامیهٔ اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانهٔ النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریهٔ (اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.

سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی ۱۳۴۸ قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال ۱۳۵۷ در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال ۱۳۵۹ که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال ۱۳۶۹ قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال ۱۳۷۲ که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.

آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:

۱- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد ۲- تقریرات اصول آیت الله حجت. ۳- تقریرات فقه آن مرحوم. ۴- تاریخ قضاء در اسلام بفارسی ۵- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهماالسلام بفارسی ۶- حدیقه الصالحین که در ج ۶ کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص ۳۷۸ ذکر شد ۷- تقریرات دروس اساتید نجف ۸- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. ۹- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. ۱۰- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) ۱۱- الاجازات

که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست ۱۲- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.

۱۳- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.

۱۴- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در ۴ جلد.

۱۵- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است

۱۶- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام

۱۷- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.

۱۸ سفرنامه بافت.

۱۹- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.

(۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۸۸ -۳۸۷ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸ ص ۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۵ -۳۲۲ / ۳).

قاضی‌زاده کرهرودی، علاءالدین عبدالخالق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، متکلم، محقق، صوفی و شاعر. معروف به قاضی‌زاده یا قاضی علای کرهرودی. نسبت وی به کروهرود از روستاهای مابین همدان و اصفهان می‌رسد. وی از شاگردان شیخ بهائی و مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود. در مجلس شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) با قاضی‌زاده‌ی خوارزمی مناظره کرد و کتابی در همین باب به خواست شاه‌عباس اول نوشت. از آثارش: «الامامه»، کتابی بزرگ در مبحث امامت؛ «التحفه الشاهیه»، به فارسی، مشتمل بر مناظرات وی؛ «الاعتقادیه»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۸ / ۷)، تحفه‌ی سامی (۸۴)، روضات الجنات (۳۷۶ -۳۷۵ / ۱)، الذریعه (۸۷۱ / ۹، ۱۱۵ -۱۱۴، ۱۱ / ۶، ۴۴۴ -۴۴۳ / ۳، ۳۲۸، ۲۲۸ / ۲)، ریاض العلماء (۹۱ / ۳)، ریحانه (۴۱۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۶ / ۱۱)، کشف الظنون (۸۴۲)، الکنی و الالقاب (۵۰ -۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده گرهرودی)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ -۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸ -۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در ۱۱۳۴ ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۸۷ –۱۸۰)، بهارستان آیتی (۲۵۳ –۲۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۹۹ / ۲)، الذریعه (۳۶۴ / ۲۴ ۲۰۴، –۲۰۳ / ۱۳ ۲۳۲، / ۱۰ ۱۱۱، / ۶ ۵۵، –۵۴ / ۳ ۲۸۵، –۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ –۲۴۳ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قاینی).

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۰– شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملاـ عبدالحسین قاینی و نجف بن علی‌اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خمسه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴ / ۲)، بزرگان قائن (۹۱ –۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۲ –۲۸۱)، الذریعه (۲۹۱ –۲۹۰ / ۲۵ ۲۵۴، – ۲۵۳ ۱۵۰، / ۲۲ ۲۸۸، / ۲۰ ۱۸، –۱۷ / ۱۹ ۸۳، / ۱۵ ۲۴۲، / ۱۲ ۱۴۴، ۹۰، ۸۸/ ۸)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲– ۴۰ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ –۱۳۲ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳ –۱۸۲ / ۱).

قاینی، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و متکلم. از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری است. او در رجال و حدیث مردی

مورد اطمینان و وثوق می‌باشد و کتاب وی به نام «السابقین فی اعتقاد اهل البیت الطاهرین» مورد قبول علمای شیعه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۵۰۰)، الذریعه (۹۹ / ۱۲)، ریاض العلماء (۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۱).

قاینی، ابوشریف محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس.چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالیه خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۵۳۷ -۵۳۱)، الذریعه (۳۶ / ۲۵ ،۱۱۶ -۱۱۵ / ۶ ،۳۲۷ -۳۲۶ / ۲)، ریحانه (۶۰ -۵۹ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۷ -۳۱۶ / ۱۲).

قاینی، سبحانعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۵ / ۱۲۶۰ ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی‌خان. وی در شهر لکنهو ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی‌خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م ۱۳۰۹ ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م ۱۲۴۶ ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطافه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطافه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی‌خان کتاب «فذلکه الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض‌آبادی؛ «فیوضات سحبانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۰۹ –۲۰۷)، الذریعه (۵۰ –۴۹ / ۲۵ ،۳۲۳ / ۱۸ ،۲۴۹ ،۱۳۰ / ۱۶ ،۱۹۸ ،۱۹۵ ،۱۸۷ –۱۸۶ / ۱۳ ،۲۱۱ / ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷ –۵۹۶ / ۱۳).

قربانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر قربانی ده برزوئی

محل تولد : ده برزو

شهرت : قربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضر استاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را)و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تقسیر ایشان را هم شرکت کردم. درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال ۶۰ رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندرانی رحمهٔ الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با

شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاهٔ و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاهٔ بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۲۵- ز ۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است.قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خاتمه مستدرکات (۱۰۶ -۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴ / ۲۱ ،۲۶۳ -۲۶۲ / ۲۰ ،۸۹ / ۶ ،۳۳۹ -۳۳۷ / ۳ ،۲۰۷ / ۱)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷۹ -۴۷۶ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۶)، هدیه الاحباب (۱۷۱).

قزوینی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۹ -۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ

بهـایی و میرداماد است. او شـریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حـاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصـران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضـی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضـرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بـازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگـذشت و در مـدرسه‌اش دفن شـد. از آثار وی: حاشـیه بر «مجمع البیـان» طبرسـی؛ «رموز التفاسـیر الواقعه فی الکـافی و الروضه»؛ «الصافی فی شـرح الکافی»، به فارسـی؛ «الشافی فی شـرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرح «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۹ -۳۶۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۵۶ -۳۵۵ / ۶)، الذریعه (۴۸ -۴۷ / ۲۰ ،۵ -۴ / ۱۵ ،۳۶۸ ،۶ -۵ / ۱۳ ،۲۵۱ / ۱۱ ،۱۹۱ ،۱۴۸ / ۶ ،۱۴۲ / ۵ ،۸۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۶۲ -۲۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۶۶ -۲۶۱ / ۲)، ریحانه (۴۵۲ -۴۵۰ / ۴)، طبقـات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۱)، لغت‌نـامه (ذیـل/ خلیـل)، معجم المؤلفین (۱۲۵ / ۴)، مینـو در (۱۷۳ / ۲)، هدیه العارفین (۳۵۴ / ۱).

قشقاوی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قشقاوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شـدم در طی ۵ سال دروس مقـدمات و سـطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت ۳ سال در درس خارج فقه و اصول حضـرت آیهٔ الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سـپس در قم در دروس خارج حضـرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از ۱۲ سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسـفه، بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔ الحکمهٔ اشارات شواهد الربوبیهٔ، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات آیهٔ الله مصباح، حجهٔ الاسـلام میانجی، اسـتاد حشـمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتا به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال ۱۳۶۸ تـاکنون به تـدریس دروس مقـدمات و سـطح از ادبیـات و منطق، فقه و اصول کتابهـای سیوطی، حاشیه ملاـ عبـدالله، معـالم الاصول،اصول فقه،شـرح لعمه،مکاسب و رسائل و کفایه مشـغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۱ به تهیه و تنظیم و تـالیف و بازنویسـی مقالاـت فقهی در مورد امـام می‌بـاشم، موضوعـات فقهی چون اتلاـف، اجهاض (سـقط جنین)،استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶ -۶۹۴ ق)، عـالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الـدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمـد و چون در آنجا نشوونمـا پیـدا کرد به رازی شـهرت یـافت. بـدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شـهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتـاب «قواعـد الاحکام» علامه را به خط خود نوشـته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشـته و با عبـارات بلنـدی او را سـتوده است. قطب رازی از مشایـخ شـهید اول محمـد بن مکی است. از دیگر شـاگردان او می‌توان به میرسـید شریف جرجانی و سـعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شـیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضـی شوشتری و شـیخ حر عاملی او را شـیعه دانسـته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سـنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شـافعی به حساب آمـده است. قطب رازی مـدتی در خـدمت سـلطان ابوسـعید و وزیرش خواجه غیاث‌الـدین محمـد بود و دو کتاب «شـرح شمسـیه» و «شـرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثـار وی: «المحاکمات بین شـرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شـرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصـیر طوسـی است او این کتاب را به خواست اسـتادش، قطب شـیرازی، به تحریر کشـید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شـحر الشمسـیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطـالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشـراف» و «بحر الاصـداف» دو حاشـیه بزرگ و کوچـک بر «الکشـاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[۱] رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سـلطان المحققین دانشـمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعـد علامه را به خط خود اسـتنساخ کرده و علامه در پشت همان نسـخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضـعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشـیه و شـرح تفسـیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیهٔ در شرح شمسیهٔ، تحفهٔالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشـهور به حواشـی قطبیه، شـرح‌الاشارات، شـرح مطالع که شـرحی است بر مطالع‌الانوار قاضـی سـراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ / ۷)، اعیان الشیعه (۴۱۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۴۰۳، ۵۶ / ۲، ۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳- ۲۴۶، ۲۴۴- ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسـیس الشیعه (۴۰۱ -۴۰۰)، حبیب السـیر (۲۲۱ / ۳)، دایرهالمعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، الذریعه (۱۰۷ / ۲۰، ۳۵۹ / ۱۸، ۱۵۶ / ۱۷، ۶۹ / ۱۴، ۳۳۷ / ۱۳، ۱۹۹ -۱۹۸ / ۴، ۳۸۸ / ۳)، روضات ا لجنات (۴۷ -۳۷ / ۶)، ریاض العلماء (۱۷۲ -۱۶۸، ۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۶۷ -۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱ -۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسـی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۲۰۲ -۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹ -۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸ -۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و

الالقاب (۷۱ -۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳ -۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹ -۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸ -۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی،و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهرآشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات لاحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخرایج و الجرایح»،در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه»؛ «الرایع فی الشرایع»؛ «المستقصی»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».[۱]

راوندی، سعید بن هبهٔ‌اللَّه بن حسن مکنی به ابومحسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. قم. ۵۷۳ ه.ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهرآشوب و شیخ منتخب‌الدین است. او راست: آیات‌الاحکام، احکام‌الاحکام، الاختلافات الواقعهٔ بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیهٔ، اسباب النزول، ام‌القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصهٔ التفاسیر، المغنی فی شرح النهایهٔ، منهاج‌البراعهٔ فی شرح نهج‌البلاغهٔ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] خاتمه مستدرک الوسائل (۹۰ -۷۹ / ۳)، الذریعه (۴۳۱، ۲۴۴، ۱۴ / ۲۴، ۱۵۸- ۱۵۷ / ۲۳، ۲۹۶، ۶۶، ۱۳ / ۲۱، ۲۸۹، ۲۸۰ / ۱۸، ۱۰۵ / ۱۷، ۲۹۵ / ۱۶، ۱۲۴- ۱۲۳ / ۱۵، ۱۲۶، ۱۱۰، ۴۱ / ۱۴، ۳۷۲، ۳۴۴، ۲۷۷، ۱۱۶، ۵۶ -۵۵ / ۱۳، ۲۲۳، ۷۲ -۷۱ / ۱۲، ۶۶ / ۱۰، ۲۰۱ / ۸، ۲۲۰، ۱۴۶- ۱۴۵ / ۷، ۲۷۷ / ۵، ۵۰۲، ۳۰۲- ۳۰۱، ۲۲۸ / ۴، ۴۵۶، ۱۷۶، ۲۹ / ۳، ۳۶۴، ۳۰۳، ۲۵۱، ۲۳۴، ۱۲ / ۲، ۳۶۲- ۳۶۱، ۲۹۱، ۴۲ / ۱)، روضات الجنات (۱۰ -۷ / ۴)، ریحانه (۴۶۹ -۴۶۷ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۰۲ -۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۷۳-۷۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۹ -۲۱۸).

قمرزاده، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی قمرزاده

محل تولد : اهواز

شهرت : حاج قمر

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۲/۱۴

زندگینامه علمی

بنده پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس وارد حوزه علمیه شدم و ابتدا در شهرستان دزفول حوزه آیت الله قاضی و سپس در قم اشتغال به تحصیل پیدا کردم. گرچه از قبل به مطالعه علاقه وافری داشتم و از همان دوران نوجوانی و در جبهه و سپاه پیوسته برنامه مطالعاتی داشتم ولی با آمدن به حوزه به این علاقه افزوده شد. هنوز مشغول به تحصیل در دوره سطح ۱ بودم که کار تدریس را نیز رسماً در مدارس شروع کردم و از همان سال تا کنون همه ساله درس یا دروسی را مشغول به تدریس بوده ام. علاقه ام بیشتر به مطالعه و تحقیق در حوزهٔ علوم عقلی و سپس نقلی بوده و در کنار آن به تحقیقات پیرامون تاریخ خصوصا تاریخ معاصر میپردازم. در زمینه موضوعاتی که تدریس کرده ام تحقیق و مطالعهٔ گسترده نیز انجام می دهم و در حال تهیهٔ مطالبی نیز هستم. در زمینه تاریخ معاصر نیز مجموعه ای در قالب کتاب در دست نوشتن دارم. همچنین جلد اول خاطرات دفاع مقدس با عنوان حدیث وصل و هجران را به چاپ رسانده ام که در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس بعنوان کتاب برگزیده انتخاب شد دفتر دوم کتاب خاطراتم نیز در حال آماده شدن برای چاپ است و در زمینه ادبیات نیز کتاب نجوا با شلمچه به چاپ رسید که چاپ دوم آن در حال حاضر منتشر شده است.

قمی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ / ۱۰۹۸ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم و محدث. وی شیخ الاسلام و امام جمعه‌ی رسمی قم و استاد شیخ حر عاملی و علامه‌ی مجلسی بود و این دو از وی روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در پشت مرقد زکریا بن آدم دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا دلیلا»، در امامت ائمه (ع)، که در کنار چهل حدیث، چهل دلیل در اثبات امامت امیرالمومنین (ع) ذکر کرده و عقاید عامه را در اصول و فروع به نقد کشیده و آن را «الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامه الائمه الطاهرین (ع)» نامیده است؛ «بهجه الدارین»، در جبر و تفویض و امر بین الآمرین؛ «حجه‌الاسلام»، در شرح «تهذیب الاحکام»؛ «فرحه الدارین»، در تحقیق معنی عدالت بر مذهب امامیه؛ «حکمه العارفین فی رد شبه المخالفین من المتصوفین و المتفلسفین»؛ «مونس الابرار»، قصیده‌ای به فارسی در مدح امیرالمومنین (ع) و شرح آن به نام «تحفه الابرار» یا «تحفه الاخیار»؛ رساله «الجمعه»؛ رساله «الفوائد الدینیه»؛ رساله در معنی نماز به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۰۵ / ۲ ۴۱۴، ۳۹۲، ۲۰۰، ۵۵ / ۱)، الذریعه (۲۸۱ - ۲۸۰، ۲۷۲ / ۲۳ ،۱۵۸، ۱۶ / ۲۷۸، ۷۳ - ۷۲ / ۱۵ ،۱۵۷ / ۱۳ ،۵۸، ۴۱ - ۴۰ / ۷ ،۲۵۷ / ۶ ،۴۹۸ / ۴ ،۴۱۷، ۱۶۲ / ۳ ،۴۱۹، ۲۰۰ / ۱)، ریاض العلماء (۱۱۱ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۳ - ۳۰۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵۴۸)، معجم المؤلفین (۱۰۱ / ۱۰)، هدیه العارفین (۳۰۱ / ۲).

قمی، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی، در کتاب امل‌الامل است که وی از اعیان فضلاء معاصرین و مردی عالم و محقق و مدقق و بسیار ثقه و فقیه و متکلم و محدث و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأنست.

او را کتبی است که از آنهاست «شرح تهذیب الحدیث» و کتاب «حکمهٔ العارفین» در رد شبه مخالفین و کتاب «اربعین» در فضائل امیرالمؤمنین و امامت ائمه‌ی طاهرین و «رساله جمعه» و رساله «فوائد دینیه» در رد حکماء و صوفیه و کتاب «حجهٔالاسلام» و غیر اینها از کتب و رسائل که ما آنها را از او روایت می‌کنیم.

نگارنده گوید: این بزرگوار که معاصر با محقق فیض کاشانی و دولت صفویه است در زمان خود شیخ‌الاسلام قم و امام جمعه بوده در سفری که به اصفهان نموده علامه مجلسی صاحب بحارالانوار از وی اجازه گرفته که در کتاب اجازات بحار آن را ذکر کرده است و در کاشان نیز دانشمند عظیم‌الشأن مرحوم ملا محسن فیض به ملاقاتش رفت و از اینجا میزان شخصیت و موفقیت ممتاز این عالم جلیل‌القدر معلوم می‌گردد.

کتاب دیگری به نام «تحفهٔ‌الاخیار» که به فارسی بسیار سلیس و متین در رد صوفیه نوشته است که مرحوم عاملی آن را ذکر نکرده و این از بهترین کتب رد صوفیه است و این کتاب مطبوع می‌باشد قبر شریف این بزرگوار در شیخان قم در بقعه جناب زکریا بن آدم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۹ ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و ریاضیدان. معروف به ملا- علی قوشچی و فاضل قوشچی. چون در نوجوانی مرغبان سلطان الغبیگ و موظف به حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اغلب علوم متداول از جمله هئیت و ریاضیات را از قاضی‌زاده‌ی رومی و الغبیگ بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد از تکمیل تحصیلات علمی‌اش به سمرقند بازگشت و به ارائه «رساله فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده باقی مانده بود دوباره به الغبیگ نزدیک شد. وی از تقرب بسیاری که در نزد سلطان الغبیگ داشت به فرزندی وی مخاطب بود. سلطان الغبیگ وی را به تکمیل رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده

بود واداشت، و «زیـج الغبیگی»، یا «زیج جدید» را که غیاث‌الدین جمشـید و قاضـی‌زاده‌ی رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و قبل از مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که شرح «زیج الغبیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ میرزا الغبیگ عازم حج شد و در تبریز مورد توجه اوزون حسن، از حکمرانان آق قویونلو، قرار گرفت و باری عقد مصالحه اوزون حسن و سـلطان محمدخان ثانی عثمانی به استانبول رفت و پس از انجام وظیفه به تبریز بازگشت و به درخواست سلطان محمد فاتح به استانبول رفت و در آن جـا ساکن شـد و «الرساله محمـدیه»، در علم حساب، به عربی، را به نام همین پادشاه نوشت و بعـدها به مدرسـی مـدرسه‌ی ایاصوفیـا منسوب شـد. در اسـتانبول درگـذشت و در جوار قبر ابوایوب انصاری دفن شـد.از دیگر آثار وی: حاشیه بر «شـرح کشاف تفتـازانی»، در تفسیر؛ شـرح «تجریـد الکلام» خواجه نصیر طوسـی، که به «شـرح جدیـد» نیز معروف است؛ «العنقود الزواهر فی نظم الجـواهر»، در علـم صـرف؛ «محبـوب الحمائـل فی کشـف المسائـل»؛ «الرسـاله الفتحیـه»، در علـم هئیـت، بـه عربی، کـه آن را به نـام فتح‌السـلطان نامگـذاری کرد؛ «رسـاله فی علـم الهیئـه»، بـه فارسـی، معروف بـه «هیئـت فارسـی»، از کتـب درسـی علـم هئیت؛ «تفسـر الزهراوین»، سوره بقره و آل‌عمران؛ «رساله فی الحمد»؛ «میزان الحساب»، در علم حساب، فارسی.[۱]

(قوشچی؛ تر. بخش ۱، وی باز مخصوص الغبیگ را در شـکارگاه نگاه می‌داشـته) (ملا) علی علاءالـدین علی بن محمد سـمرقندی، عالم و ریاضـی و متکلم ایرانی (ف. اسـتانبول ۸۷۹ ه.ق). وی به فرمان سـلطان الغبیگ مأمور تشـکیل رصدخانه‌ی سـمرقند گردید و زیج الغبیگی را به پایان رسانید. پس از مرگ سـلطان به سـفر حج رفت و مورد توجه اوزون حسن آق‌قویونلو شد و از جانب وی به سفارت و عقد مصالحه به دربار سـلطان محمدخان ثانی به استانبول رفت. پس از عقد صلح بار دیگر به استانبول بازگشت و مدرس مـدرسه‌ی ایاصوفیا شـد. از تألیفات اوست: حاشـیه‌ی شـرح کشاف تفتازانی، شـرح تجریـد خواجه، رساله‌ی محمدیه، هیئت فارسـی، العقود الزواهر، محبوب الحمایل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶ -۱۰۵ / ۴)، تاریخ نظم و نثر ۲۷۰ -۲۶۹)، دایره‌المعارف (۲۰۹۳ -۲۰۹۲ / ۲)، الذریعه (۲۵۸، ۲۴۷ / ۲۵، ۱۱۳ / ۶)، ریحانه (۴۹۶ -۴۹۵ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۶۴ -۳۶۱)، کشف الظنون (۱۶۷۶، ۱۶۱۱، ۱۴۷۹، ۱۲۳۶، ۱۱۷۴، ۹۶۶، ۹۵۲، ۸۹۴، ۸۸۹، ۸۸۴، ۸۶۲، ۴۹۷، ۴۴۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۹۶ -۹۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین قوشچی، قوشچی سمرقندی)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۷)، هدیه الاحباب (۲۲۲ -۲۲۱)، هدیه العارفین (۷۳۶ / ۱).

قیوم زاده، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود قیوم زاده

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۱۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در حوالی شهرستان یزد روستای حزانق متولد شدم در دوران کودکی به یزد هجرت نمودیم. در سال ۱۳۵۷ در حالی که کلاس پنجم ابتدایی بودم با شکل گیری مبارزات انقلابی اسلامی مردم جذب آنها تدبیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله و در مدت کوتاهی قرآن را فرا گرفته و در حالی که ۱۲ سال داشتم در یزد تدریس قرآن می کردم . در سال ۱۳۶۱ پس از گرفتن سیکل وارد حوزه یزد شدم همیشه در حوزه شاگرد ممتاز بودم و در کنار تحصیل تدریس داشتم. در حوزه علمیه یزد عمدتاً ادبیات و منطق و اصول مظفر تدریس می کردم در سال ۱۳۶۶ و امتحان اصول مظفر و لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. و بلافاصله شروع به تصحیل نموده و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج آیهٔالله مکارم رفتم. در مدت ۱۴ سال شرکت در درس خارج به تدریس در حوزه نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۱ در رشته تخصصی کلام حوزه وارد شدم و این دوره را با موفقیت طی کردم و با نوشتن پایان نامه در سال ۱۳۸۰ مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کردم. در دوره آشنایی با فقه و کلام اهل سنت که نمایندگی رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در سال ۱۳۶۹ تشکیل داده بود به مدت دو سال شرکت کردم در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدم و الان هم در کنار تحصیل در دوره های درس خارج و فلسفه به تدریس در حوزه (لمعه، بدایهٔ، اصول فقه و دانشگاه (معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، تعدی اسلامی، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی) مشغول هستم. به لحاظ علاقه به مطالعات و تحقیقات فلسفی کتب منظومه (منطق و فلسفه) بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔالحکمه، اشارات، شفاء، اسفار را خوانده ام و هم اکنون هم در حال پویای اندیشه فلسفی و دین خود هستم.

قیومی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر قیومی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه بدر و اسلامی بابل گذراندم. دروه متوسطه در رشته تجربی تا دوم تجربی را در مدرسه آیت الله طالقانی گذراندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه روح بابل شدم و کتب صرف و نحو (جامع المقدمات، سیوطی، ملا هادی، مبادی، مغنی و مختصر المعانی) را درس گرفتم. تقریبا چند ماه پس از ورود به تدریس مشغول شدم و تا کنون (تقریبا بدون وقفه) تدریس در زمینه های گوناگون اشتغال دارم. درسال ۱۳۶۵ به قم برای ادامه تحصیل در سطح بیع مکاسب مسافرت کردم. از سال ۱۳۶۷ به طور رسمی در درس خارج شرکت جستم. در سال ۱۳۷۰ به گروه کلام جدید در بنیاد فرهنگی باقر العلوم علیه السلام (بخش تخصصی موسسه در راه حق) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۵ درسهای کارشناسی ارشد رشته دین شناسی موسسه امام خمینی

(ره) را به اتمام رساندم. درسال ۱۳۷۲ وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم شدم. در سال ۱۳۷۴ به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. سال ۱۳۷۶ برای کمک در اداره حوزه شهرستان بابل رفتم و در آنجا مدیر مدرسه و مدرس آنجا گردیدم همچنین در دانشگاه و جامعه الزهرای بابل نیز درس می گفتم و بعضا کارهای اجتماعی و نیز امامت جماعت مسجدی در بابل را بعهده داشتم. از سال ۱۳۷۷ در دوره دکتری فلسفه تطبیقی تربیت مدرس قم پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۲ پس از اتمام دوره آموزشی امتحان جامع را داده و موضوع پایان نامه با اصالت فاعل شناسایی در هایدگر ملا صدرا را مشغول شدم. از سال ۱۳۸۱ هیات علمی تمام وقت مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و در گروه ادیان و مذاهب مدرسه عالی امام خمینی (ره) عهده دار تدریس و اداره گروه بودم. در این دوره ها موضوعاتی چند در زمینه های کلام، فلسفه، (اسلام و غرب) معرفت شناسی، مباحث ادیان و مذاهب (بویژه ادیان ابراهیمی) ذهن مرا اشغال کرد. و بعضا صفحات زندگی را قلمی نمودم. مکتوب پایانی دوره کارشناسی ارشد درباره متکلمان قرن بیستم مسیحی بود. امروزه تا حدی آشنا با موضوعات ذیل می باشم: ادبیات عرب، فقه، اصول، ادیان ابراهیمی، مذاهب معتزله، اشاعره، ماتریدیه، تاریخ فقه، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی و تاریخ آن، تاریخ فلسفه غرب، معرفت شناسی، مباحث کلام تطبیقی بین الادیان و المذاهب البته در هیچ حوزه ای ادعای تخصص نمی توانم داشته باشم. عمده اساتید بنده در حوزه های علمیه سنتی، آیات محمدی بابلی، مرحوم حاج سید حسن محقق بهشتی، محمد فاضل، حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، حاج سید علی محقق و... بودند. شاهرودی در دوره دروس جدید، جناب آقای آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام فیاضی، جوادی آملی، شیخ صادق لاریجانی، شیخ علی عابدی، دکتر اخوان، دکتر پازوکی، دکتر احمدی، دکتر حداد عادل، حجت السلام توفیقی، مصطفی ملکیان، دکتر لگنهاوزن، دکتر مجتبایی، دکتر ضیاء موحدی، دکتر دینانی

کازرونی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۰ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در ۸۵۸ ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه درگذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف الالطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجهٔ السفرهٔ البررهٔ علی المبتدعهٔ الفجرهٔ»، در نقد «الفصوص» ابن عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۶/ ۸)، ایضاح المکنون (۴۰۳/ ۲)، شذرات الذهب (۲۹۷/ ۷)، معجم المؤلفین (۱۲ -۱۱ / ۱۳).

کاشانی، ابوالحسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحانهٔ الادب» ملا محمد، از علمای منطق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملاـ ابوالحسن از ابیورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملاـ ابوالحسن از

پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در ۹۶۳ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضهٔ الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان»، مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالهٔ الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الدیات و احکامها»؛ «المنطق».[۱]

(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ابیوردی‌الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۰ ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. ۹۶۰ ه.ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض‌الجنان (یا روضهٔ‌الجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانهٔ‌الادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۲۲/ ۲)، الذریعه (۲۷۴/ ۱۱ ،۳۷۷ –۳۷۶/ ۳ ،۵۲۶ –۵۲۵/ ۲ ،۱۰۲/ ۱)، ریاض العلماء (۴۳۷ –۴۳۵/ ۵)، ریحانه (۱۸ –۱۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶/ ۱۰)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی).

کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هجری شمسی در محله گذر حاجی، یکی از محله‌های قدیمی دارالمؤمنین کاشان خانه محمد حسین و بتول آغا از ارادتمندان آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی، پسری به دنیا آمد که او را علی نام نهادند .اطلاعات وسیع از مسائل و موضوعات فقه، اصول و کلام و عرفان، طریقه نقد و بررسی آراء و نظریات فقیهان و اصولیان در مناظه‌های علمی و استدلالی او با مخالفان دارا بودن کمالات و فضایل معنوی، او را در شمار نوابغی قرار داد که در آغاز جوانی به رتبه عالی و قله رفیع اجتهاد در آورد .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نهادند بیش از شش روز از ولادت شیخ علی کاشانی نگذشته بود که مادر را از دست داد ، نام پدرش هم محمد حسین است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی کاشانی در نه سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در آستانه سیزدهمین بهار زندگی به توصیه پدر و تشویق آیت الله رضوی، برای کسب معارف دینی، عازم اصفهان گردید. در آنجا نیز اساتید گرانمایه دروس حوزوی را، تا مرحله سطح، گذراند. آنگاه برای بهره وریهای علمی بیشتر و کسب کمالات بیشتر راهی آستان قدس رضوی (ع) شد و در مدرسه علمیه نواب ساکن شد.مدت اقامتش در مشهد چهار سال بود که در این دوره از محضر اساتید بزرگی همچون؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی، آقا سید محمد یزدی و در کوهستان اطراف بهشهر نزد عالم مهذب حضرت آیت الله سید محمد کوهستانی استفاده‌ها برد. شیخ علی ضمن کسب در مدرسه میرزا جعفر که اسم اکنون بخشی از دانشگاه علوم رضوی تبدیل شده است، به تدریس و تعلیم طلاب و مشتاقان علم و در همان دوران جزو چهره‌های سر شناس علمی مردان با تقوای حوزه به شمار آمد.پس از اقامتی کوتاه در مشهد آهنگ هجرت به حوزه علمیه قم کرد. در قم امامت مسجد کیهان را به عهده داشت و در منزل جنب مسجد، با شهید هاشمی نژاد و... به سر برد بعد از آن در یکی از حجره‌های قست شرقی مدرسه حجتیه سکنی گزید. با جدیت تمام در سالهای ۱۳۲۵ ش در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی شرکت کرد و در کنار آن

در مسجد کوچک گذر خان به تدریس دروس سطح عالی و درس خارج خصوصی برای شهید هاشمی نژاد پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : نامادری شیخ علی می گوید: چند ماهی پس از در گذشت مادر شیخ من به عقد پدرش در آمدم در حد توان کارهای او را انجام می‌دادم ولی پدرش بیشتر مواظب او بود.آن موقع‌ها که برای تحصیل به مشهد و قم می‌رفت گاهی به کاشان می‌آمد و از زمان آشنایی شیخ با آقای هاشمی نژاد با هم به کاشان می‌آمدند و بیشتر ماه مبارک یا محرم مدتی می‌ماندند شیخ در خانه به مطالعه و عبادت مشغول بود و آقای هاشمی نژاد منبر و جلسه داشت.آقا شیخ علی به آیت الله رضوی علاقه بسیار داشت و به دیدن او می‌رفت.استادان و مربیان : شیخ علی کاشانی، نزد اساتید و بزرگان سه حوزه مهم، اصفهان، مشهد و قم، به تحصیل پرداخت. برخی از اساتید او عبارتند از :آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی؛ آیت الله سید محمد علوی بروجردی معروف به باغ ؛آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی؛ آیت الله شیخ محمد کوهستانی؛ آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی؛ امام خمینی؛زمان و علت فوت : شیخ علی کاشانی در مسافرتی که محرم سال ۱۳۷۴ به رودسر کرده بود در شب ۱۴ آن ماه پس از ادای فریضه مغرب و عشاء در منزل یکی از آشنایان دچار سکته قلبی گردید و ندای ارجعی را لبیک گفت. جنازه آن مرحوم را به قم آورده‌اند و پس از تشییع در قسمت جنوبی قبرستان نو به خاک سپردند.شاگردان : از شاگردان معروف فریدهٔ الاسلام کاشانی که بیشترین بهره‌های علمی و معنوی را در مکتب وی کسب کردند؛ شهید والا مقام حجت الاسلام و المسلمین سید عبد الکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش) است. در بین دیگر شاگردان می‌توان از وی حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ابطحی خراسانی، سید حبیب الله اهری گرگانی، حاج شیخ غلامرضا عرفانیان خراسانی، حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی، حاج شیخ حسن شریعتی نیاسری، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نام برد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ علی شانزده سال زندگی طلبگی را با پشتکار تمام در کسب علوم و فضائل و در نهایت سادگی و بی آلایشی سپری کرد. او نسبت به دنیا و امور دنیوی بی توجه بود، در ارتباط با خالق و اولیای الهی آنچنان عاشق بود که سر از پا نمی‌شناخت.او عاشق عبادت، تهجد و سجده‌های طولانی، ناله و زمزمه‌های شبانه بود لباسها ساده و وصله دار و حرراش معمولی بود برای خود خانه نخرید و زن اختیار نکرد. در مباحثات و مناظرات علمی با جرئت و درود یافت مطالب و سرعت انتقال قوی و پر استعداد بود.آثار : تعلیقه بر فرائد الاصول شیخ انصاری ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۲ رساله و جزواتی در مبحث فقه و اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۳ رساله‌ای در لباس مشکوک ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۴ مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۵ منظومه مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۶ منظومه‌ای در علم اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۷ منظومه‌ای در علم کلام ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

کاشانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد

بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصهٔ المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدهٔ التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرهٔ العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[۱]

(ملا) فتح‌اللّه بن شکراللّه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرهٔ‌العارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصهٔ‌النهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدهٔ‌التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانهٔ‌الادب، لغ.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۹۲/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۹۲/ ۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰ -۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴ -۱۹۳/ ۲۳، ۸ -۷/ ۱۸، ۲۳/ ۱۲، ۲۳۴ -۲۳۳/ ۷، ۴۴۷/ ۴)، روضات الجنات (۳۳۱ -۳۳۰/ ۵)، ریاض العلماء (۳۱۹ -۳۱۸/ ۴)، ریحانه (۲۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸ -۱۷۷/ ۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶ -۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (۵۱/ ۸)، هدیهٔ العارفین (۸۱۵/ ۱).

کاظمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظمی

محل تولد : کرکوک

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیهٔ التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید

مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کافی الکفاۀ طالقانی، اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب اسماعیل بن عباد بن عباس طالقانی معروف به صاحب بن عباد منسوب به این ناحیه است و اگر نداشت طالقان کسی را جز این یک نفر برای او کافی بود که به اکثر مناطق و اماکن فخر و مباهات کند.

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۴۵- گوید: یا به فضل و کمال و معالی و افضال آن قدوه ارباب جلال از آن گذشته است که زبان بتواند ثنای او گوید چه ظاهرست که چون جمال بغایت رسد دست مشاطه بیکار ماند و چون بزرگی و جلال بحد کمال رسد بازار وصافان شکسته گردد.

آنجناب از وزراء آل‌بویه و ملجاء عوام و خواص و مرجع ملت و دولت و از خانواده شرف و عزت بوده و سالها وزارت فخرالدوله و مجدالدوله دیلمی را داشته و خدمات بسیاری به دین و مذهب نموده است.

ورث الوزراۀ کابراً عن کابر

موصولۀ الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عباد و زا

رته و اسماعیل عن عباد

و یگانه عصر خویش در فضل و کمال و علم و ادبیت بود، علویین و سادات و علماء و فضلا نزد او محلی منیع و منزلتی رفیع داشتند.

و از علماء ترویج می‌کرد و ایشان را به تصنیف و تألیف تشویق می‌نمود.

بجهت خاطر او شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمد قمی تاریخ قم را تألیف کرده و در اول آن برخی از فضائل جناب صاحب را ذکر کرده.

و نیز شیخ صدوق برای او عیون اخبارالرضا (ع) را تألیف نموده و اول آن را به ذکر دو قصیده‌ای از او در اهداء اسلام به سوی مولانا الرضا (ع) مزین ساخته.

و هم ابن‌فارس کتاب (الصاحبی) را که در لغت است به اسم او معنون کرده است و نیز شیخ اجل حسین بن علی بن بابویه برادر شیخ صدوق کتابی به اسم او نوشته و ثعالبی کتاب (یتیمهٔ الدهر) را در احوال شعراء برای او تصنیف نمود.

عده‌ای از علماء اهل سنت هم به مدح و ستایش او کتابهای خود را زینت داده‌اند.

ثعالبی در وصف آن جناب گوید. لیست تحضرنی عبارهٔ ارضاها للافصاح عن علو محله فی العلم والادب و جلالهٔ شانه فی الجنود والکرم وتفرده بالغایات فی المحاسن و جمعه اشتات المفاخر لان همهٔ قولی تخفض عن بلوغ ادنی فضایله و معالیه و جهد وصفی یقصر عن ایسر فواضله و معالیه...

خلاصه وی اعجوبه زمان و ناده دوران و در تشیع و حب اهل‌بیت علیهم‌السلام یکتای عصر بود حتی مردم اصفهان آن روز مذهب تشیع را نسبت به او می‌دادند و می گفتند فلانی بر دین ابن‌عباد است.

آن بزرگوار تألیفات بسیار دارد از جمله کتاب محیط در لغت که هفت جلد است و کتاب الکافی در وسائل و کتاب اعیاد. و فضائل نوروز و رساله‌ای در احوال حضرت عبدالعظیم (ع) و نیز کتاب تذکره و کتاب الوزراء و کتاب الانوار و کتاب جوهرهٔ الجمهره و کتاب الشواهد و کتاب القضاء والقدر و کتاب الامامه که در آن ذکر کرده تفضیل امیرالمؤمنین (ع) و تثبیت امامت آن حضرت را و غیر اینها.

اشعار بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام و تبری از دشمنان آنان گفته که برخی از آن را می‌نگارم.

ابیات جناب صاحب

حب علی بن ابیطالب

هو الذی یهدی الی الجنهٔ

ان کان تفضیلی له بدعهٔ

فلعنهٔ اللّه علی السنهٔ

و نیز گوید

لو شق عن قلبی یری وسطه

سطران قد خطا بلا کاتب

العدل والتوحید فی جانب

و حب اهل البیت فی جانب

و نیز فرموده

قالت تحب معاویه قلت اسکت یازانیه

قالت اسأت جوابیه فاعدت قولی ثانیه

یا زانیه یا زانیه یا بنت الهی زانیه

احب من شتم الوصی علانیه

فعلی یزید لعنهٔ و علی ابیه ثمانیه

آن بزرگوار در سال ۳۲۶ در طالقان متولد و در ۲۴ صفر ۳۸۵ در ری وفات و جنازه‌اش حمل به اصفهان و در خانه خودش او را دفن نمودند صاحب روضات گوید قبر صاحب در اصفهان در محله‌ای معروف به باب طوقچی در میدان کهنه است و قبه‌ای دارد و در زمان ما چون منهدم گردید شیخ علامه حاج ملا محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت او مداومتی داشت و عامه مردم تجربه کرده‌اند که هرکس به زیارت او رود یک هفته نمی گذرد که خیری عاجل نصیب او می‌شود.

ابوالحسن جوهری در مدح او گوید.

هلم للخبر المأثور مسنده

فی الطالقان فغرت عین ناقله

فذلک الکنز عباد و قد وضحت

عنه الامامهٔ فی اولی مخایله

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاوه نافچی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاوه نافچی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال ۱۳۶۹ موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال ۶۹ در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه ۵۰۰ در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.

در سال ۷۴ در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه ۱۴ را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال ۷۸ توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.

در سال ۷۹، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.

لازم به ذکر است اینجانب از سال ۱۳۷۸ مشغول تدریس دانشگاههای: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم. در سال ۱۳۸۳ مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کرامتی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی کرامتی

محل تولد : بابل

شهرت : کرامتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران به سرپرستی «آیهٔ الله فاضل استر آبادی» شدم. پس از آن به حوزه علمیه امام صادق دماوند رفتم و تا سال ۶۸ را در آن حوزه به تحصیل و تدریس دروس پایه های پایین تر اشتغال داشتم و تقریبا پس از اتمام لمعتین و اصولین به قم مهاجرت کرده و دروس رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید برجسته حوزه: حضرت آیت الله استادی، آیت الله مرحوم طاهر شمس، آیت الله طاهری خرم آبادی و استاد رحمانی گذراندم. کتاب های: (بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، اشارات، شواهد الربوبیه و حکمهٔالاشراق) را نزد اساتیدی همچون: فیاضی، نیکزاد، حشمت پور و دکتر بهشتی گذراندم.

پس از پایان دروس سطح، در دروس خارج فقه و اصول به مدت پنج، شش سال شرکت و نزد اساتیدی همچون: آیت الله فاضل لنکرانی، استاد شیخ جواد تبریزی، صادق لاریجانی و استاد شهیدی بهره جستم. همزمان با ادامه تحصیلات دانشگاهی به مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم وارد شدم و مقطع فوق لیسانس را در رشته «مدرسی الهیات و معارف اسلامی و گرایش فلسفه و کلام» گذراندم و با دفاع پایان نامه ام تحت عنوان «تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتالمین» با نمره ۱۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. در همان سال های پایانی، امتحان تدریس در دانشگاه توسط نهاد نمایندگی ولی فقیه را نیز با عنایت الهی پشت سر نهاده و موفق به اخذ مجوز تدریس در دانشگاهها شدم.

به دلیل حضور مستمر در جنگ و پس از آن در عرصه انقلاب و نیز علاقه به مقوله تالیف، وارد این حوزه ها نیز گردیدم. در مجموع، مدت ۶ - ۷ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه شهرستان دماوند، مرکز جهانی علوم اسلامی قم، تدریسی آزاد و حوزه علمیه شهرستان فریدن را دارم. کتابها ی مورد تدریس: دروس سطح اول حوزه، کلام اسلامی و فلسفه می باشد و اکنون نیز امام جمعه شهرستان فریدن اصفهان هستم.

کرامی سجستانی نیشابوری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۵ ق)، محدث، متکلم، عابد و زاهد. شیخ و پیشوای کرامیه بود. اصل او از زرنج، از نواحی سجستان، است. در سجستان نشو و نما یافت. سپس به شهرهای خراسان رفت. در بلخ از ابراهیم بن یوسف ماکیانی، در مرو از علی بن حجر، در هرات از مالک

بن سلیمان و عبداللّه بن مالک بن سلیمان و در نیشابور از احمد بن حرب حدیث شنید. وی در نیشابور سکنی گزید. او با احمد بن عبداللّه بن خالد جویباری معاشرت و مجالست نمود و از وی و محمد بن تمیم سعدی که هر دو از حدیث‌سازان مشهورند، احادیث بسیاری فراگرفت. محمد بن اسماعیل بن اسحاق و عبداللّه بن محمد قیراطی و ابراهیم بن محمد بن سفیان و ابراهیم بن حجاج و احمد بن محمد بن یحیی دهان از او روایت کرده‌اند. کرامی مدت پنج سال در مکه مجاور بود. وی از جمله متکلمینی است که به سبب اظهار مطالبی در باب توصیف، تشبیه و حتی تجسیم خداوند مذهب خاصی را پدید آورده است. او به علت اظهار عقاید کفرآمیزش مدت هشت سال در نیشابور زندانی گشت و چون آزاد شد به بیت‌المقدس رفت و در آن دیار درگذشت و در قبرستان باب اریحا دفن شد. شاگردانش مدتی بر قبر وی معتکف بودند. کرامیه، که طایفه‌ای از مشبهه هستند، منسوب به وی می‌باشند. از آثارش «عذاب القبر» است که در آن به پاره‌ای از عقاید خود اشاره کرده است. در «الوافی بالوفیات»، سال وفات وی ۲۵۶ ق و در حواشی «تاریخ بیهقی»، کتاب «السر» نیز از جمله تألیفات وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۶/ ۷)، انساب سمعانی (۴۴ -۴۳/ ۵)، تاریخ مذاهب اسلام (۱۶۹ -۱۵۶)، تذکرة الحفاظ (۵۳۶/ ۲)، تلبیس ابلیس (۶۹)، حواشی تاریخ بیهقی (۹۶۸ -۹۱۵/ ۲)، سیر النبلاء (۵۲۴ -۵۲۳/ ۱۱)، شذرات الذهب (۱۳۱/ ۲)، العبر (۳۶۶/ ۱)، الکامل (۳۵۱/ ۵)، لسان المیزان (۴۸۲ -۴۷۸/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ کرامیه)، معجم المؤلفین (۱۶۲ -۱۶۱/ ۱۱)، میزان الاعتدال (۲۰ -۱۹/ ۴)، النجوم الزاهرة (۳۱/ ۳)، الوافی بالوفیات (۳۷۷ -۳۷۵/ ۴).

کرمانی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوجعفر کرمانی عالمی جلیل و متبحر و مرجع عوام و خواص کرمان معاصر حاج محمدکریم خان شیخی بوده و با او مناظراتی داشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده و او والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۶ -۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار

مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ -۲۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱ ،۱۶۶۲ ،۱۲۹۹ ،۵۴۶ ،۱۸۹ ،۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۱۷۲/ ۲).

کرمانی، محمد کریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ -۱۲۲۵ ق)، عالم دینی، متکلم، محدث و شاعر. از علمای فرقه‌ی شیخیه بود. در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به کربلا رفت و در محضر سید کاظم رشتی، رئیس فرقه‌ی شیخیه، تلمذ نمود و از وی به دریافت اجازه نایل شد. به دستور سید کاظم رشتی در کرمان به تبلیغ آن فرقه پرداخت و پس از درگذشت سید جانشین او گردید. وی یکی از بزرگترین مخالفان فرقه‌ی بابیه در ایران بود. زمانی که عازم مکه بود درگذشت و پیکرش به عتبات انتقال یافت. از آثارش: «فصل الخطاب فی الاخبار»، در حدیث؛ «علم الیقین»، در رد فرقه‌ی بابیه؛ «ارشاد العوام»، در عقائد؛ «ازهاق الباطل»؛ «اسرار الحج»؛ رساله‌ی «ایقاظ الغافل»؛ «الجامع لاحکام الشرایع»؛ تفسیر «سوره‌ی حجرات»؛ «حقایق الطب» و جلد دوم آن «دقایق العلاج»، در طب؛ «رجوم الشیاطین»، در رد بابیه؛ «طریق النجاهٔ»؛ «دیوان» شعر عربی، در مراثی؛ «مثنوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۱۹۰ ،۱۱۹/ ۲ ،۶۱/ ۱)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۶ ،۱۷۰/ ۱۵ ،۱۶۵ -۱۶۴/ ۱۰ ، ۲۳۵/ ۸ ،۳۴/ ۷ ،۵۱۵/ ۱)، شرح حال رجال (۵ -۱ / ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۰/ ۶)، المآثر و الآثار (۱۴۷)، معجم المؤلفین (۱۶۲/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱ -۵۷/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۳۸۰ -۳۷۹/ ۲).

کریمی، علیجان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیجان کریمی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات ابتدایی با تشویق والد بزرگوارم راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل مقدمات علوم حوزوی پرداختم و از اساتید نامی چون: (حاج حسن آقا تهرانی، صلواتی، کریمی جهرمی، تقوی اشتهاردی و

...) بهره وافر بردم. در سال ۱۳۵۶ با شروع انقلاب اسلامی به حوزه آزاد وارد شده و در دروس فقه و اصول: «آیت الله بنی فضل» و «وجدانی فخر» شرکت جستم.

در سال ۱۳۵۹ در اولین دوره مدرسه «عالی تربیتی و قضایی طلاب قم» که به منظور تربیت مربی و دبیر بینش دینی از سوی شورای انقلاب تأسیس گردید؛ شرکت کرده و پس از فارغ التحصیلی در دوره کوتاه مدّت، برای تدریس در دبیرستان‌ها راهی شهرستان ایلام شده و به مدّت سه سال در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداختم. در کنار آن به تدریس دروس حوزوی نیز تا حدودی می‌پرداختم.

از سال ۱۳۶۴ مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت نموده و بخشی از دروس حوزه را مجدداً بازخوانی کردم. در سال ۱۳۶۷ در اولین دوره مرکز تربیت مدرس که به منظور تربیت استاد معارف برای دانشگاهها تاسیس گردید شرکت نمودم. پس از فارغ التحصیلی به مدّت پنج ترم در دانشگاه اصفهان و نیز در دانشگاه آزاد اراک، پیام نور ساوه و دانشگاه آزاد محلات به تدریس (معارف، تاریخ اسلام و متون ادبی) پرداختم. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ ـ ۱۳۶۸ از دروس فقه «آیت الله ستوده» و «علوی گرگانی» بهره می‌بردم.

در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه «آیت الله منتظری» حاضر شدم و به مدّت هفت سال از محضر ایشان استفاده کردم، از سال ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۳ در درس خارج اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» شرکت جستم و از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به پژوهشهای قرآنی اشتغال دارم، حاصل کار تحقیقات این دوره که به صورت کار جمعی صورت می‌پذیرد عبارتند از:

۱. فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد.

۲. فرهنگ موضوعی قرآن (۱۰ جلد آن تاکنون چاپ شده) که پیش‌بینی می‌شود به ۳۰ جلد برسد.

در همین سالها مقالاتی نیز تدوین نموده‌ام از جمله: مقاله «مبانی تفسیر عرفانی امام خمینی (ره)» که در سلسله مقالات کنگره اخلاقی عرفانی امام خمینی به چاپ رسید. و در مقاله با عنوان «ویژگیهای جامعه الهی» به ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارائه گردید تا در رسانه‌های مکتوب به چاپ رسد. مقاله‌ای نیز با عنوان «حقوق خانواده در قرآن» به بنیاد پژوهشهای مشهد مقدس ارائه شد تا در مجموعه‌ای به چاپ رسد. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ ـ ۱۳۷۰ از دروس تفسیر «آیت الله جوادی»، درس اسفار «مصباح یزدی» (از طریق نوار)، شفای «بوعلی» (تدریس مصباح یزدی و از طریق نوار)، استفاده بردم و چندی نیز در درس اسفار «انصاری شیرازی» شرکت جسته‌ام.

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با وجود مأموریت‌هایی که برای تبلیغ در جبهه داشتم و با توجه به فاصله چند ساله‌ای که با دروس حوزه داشتم مجدداً در امتحانات حوزه از پایه چهارم تا نهم شرکت کردم و در سال ۱۳۶۷ رتبه سوم را کسب نموده و از جانب امام خمینی و آیت الله گلپایگانی (همه ممتازین و از جمله اینجانب) مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی به اینجانب اهدا شد و در روزنامه جمهوری آن زمان نیز لیست ممتازین منتشر شد. چند بار در امتحان تفسیر که از سوی ستاد تفسیر قرآن برگزار شده، شرکت کرده و هر بار جز ممتازین بوده و جوایزی دریافت کرده‌ام.

در سال ۱۳۸۲ جهت آماده کردن پرونده خود در شورای مدیریت، جهت نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم حوزه در مصاحبه درس خارج شرکت کردم و پس از آن به عنوان کسب رتبه ممتاز از این حین، فوق‌العاده و نیز افزایش شهریه مقام رهبری به مدت یک سال بهره‌مند شدم. اکنون نیز در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به عنوان عضو شورای علمی گروه به تحقیق در علوم و تفسیر قرآن اشتغال دارم و امیدوارم که خداوند متعال در ظل عنایات خود و حضرت ولی عصر این توفیق را از اینجانب سلب نکرده که تا آخر عمر در خدمت قرآن کریم بوده باشم.

کریمی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی کریمی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی کریمی متولد ۱۳۶۰ پس از اخذ سیکل در شهرستان اردکان در سال ۱۳۷۴ به قم عزیمت کردم و در مدرسه شهیدین، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کردم. دوره سطح را در طول ۷ سال به پایان رساندم. همزمان از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی رشته کلام در مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تحصیل شدم. از سال ۱۳۸۱ درس خارج را آغاز کردم و در این راستا در دوره تخصصی فقه و اصول مدرسه شهیدین شرکت کردم و از محضر آقای عندلیب و آیت الله تبریزی کسب فیض کردم. پس از اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۸۴ از مؤسسه امام خمینی (ره)، در ۴ آزمون کارشناسی ارشد شرکت کردم که در همه آنها رتبه اول را کسب کردم که عبارتند از:

۱. ارشد دین شناسی موسسه امام خمینی (ره)

۲. فلسفه و کلام اسلامی

۳. کلام

۴. ادیان ابراهیمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب که از سال ۱۳۸۴ در مرکز اخیر مشغول به تحصیل در رشته ادیان ابراهیمی شده ام. در طول تحصیل در مدرسه شهیدین در دوره های زبان عربی (۲ سال) و انگلیسی (۳ سال) شرکت کردم و چند سالی است به عنوان مترجم زبان انگلیسی با مراکزی همکاری دارم. چند سالی نیز به عنوان محقق سایت یهود شناسی مؤسسه لوح و قلم با این موسسه و مدتی نیز به عنوان محقق بخش پرسش و پاسخ سایت حوزه نت با این مرکز همکاری داشته ام. آخرین کارهای علمی بنده عبارت است از: ترجمه مدخل ایران از دایرۀ المعارف اسلام که به زودی به صورت کتاب چاپ خواهد شد و نیز ترجمه مقالاتی پیرامون هولاکاست که با همکاری عده ای از دوستان و با هزینه موسسه لوح و قلم به صورت کتاب چاپ خواهد شد.

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۶۷ -۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبهٔ المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابهٔ المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفهٔ الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیهٔ»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایهٔ الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبهٔ العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[۱]

مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۸۵/ ۴)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/ ۲، ۲۵۹/ ۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶ - ۳۰۳، ۲۹۶ - ۲۸۰، ۲۷۳ -۲۷۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰ -۸۸/ ۲)، الذریعه (۹۷/ ۲۴، ۳۲۷ -۳۲۶، ۴۹/ ۲۳، ۲۲۵/ ۲۱، ۸۹ -۸۸/ ۱۸، ۱۰۵/ ۱۵، ۲۵۹/ ۱۴، ۲۳۲/ ۱۲، ۱۷۷ -۱۷۶/ ۱۰، ۹۱۱/ ۹، ۴۷۱، ۸۷/ ۳، ۱۲۱ - ۱۲۰/ ۱)، ریحانه (۶۱ - ۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲ -۲۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۵/ ۳)، فارسنامه (۱۲۶۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)،

معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸ -۱۸۵۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶/ ۱).

کعبی بلخی خراسانی، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ / ۳۲۷ / ۳۱۹ / ۳۱۷ ق)، متکلم معتزلی و سر سلسله‌ی فرقه کعبیه. نسبت وی به قبیله‌ی بنی کعب می‌رسد. اصلش از بلخ بود. وی در علم کلام آراء و عقاید بخصوصی داشت. ابوالعباس مستغفری در «تاریخ نسف» گوید که کعبی در زمان ریاست ابوعثمان سعید بن ابراهیم وارد نسف شد و در رباط جوبق منزل گرفت. ابوعثمان برای وی مجلس املاء برپا ساخت. محمد بن زکریا بن حسین نسفی از وی روایت کرده است. مدتی در بغداد ساکن گشت. سپس به بلخ بازگشت و در همان جا درگذشت. در «ایضاح المکنون» ذیل نام کتاب «قبول الاخیار فی معرفهٔ الرجال» سال وفات وی ۴۸۸ ق ذکر شده است. خطیب بغدادی گوید که او در کلام کتب بسیاری تصنیف کرد و آنها را در بغداد منتشر ساخت. از آثارش: کتاب «التفسیر القرآن»؛ «المقالات»؛ کتاب «الغرر»؛ کتاب «استدلال بالشاهد علی الغائب»؛ کتاب «فی الرد علی متنبی»؛ کتاب «الامامهٔ»؛ «المسترشد فی الامامهٔ»؛ کتابی در نقض رازی در «الفسلفهٔ الآلهیهٔ»؛ «اوائل الادلهٔ فی اصول الدین»؛ «مفاخر خراسان»؛ «عیون المسائل»؛ «محاسن آل طاهر»؛ «الطعن علی المحدثین»؛ «تأیید مقاله ابی‌الهذیل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۹/ ۴)، انساب سمعانی (۸۰/ ۵)، ایضاح المکنون (۲۲۰/ ۲)، تاریخ بغداد (۳۸۴/ ۹)، ریحانه (۶۶ -۶۵/ ۵)، العبر (۴/ ۲)، سیر النبلاء (۲۵۶ -۲۵۵/ ۱۵ ،۳۱۳/ ۱۴)، شذرات الذهب (۲۸۱/ ۲)، طبقات المعتزله (۸۹ -۸۸)، الکامل (۲۱۷/ ۶)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۷۵۸، ۱۶۰۸، ۱۱۸۷، ۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۱۱۶/ ۳)، لسان المیزان (۷۱۹ -۷۱۶/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ عبداللّه)، المنتظم (۱۱۱/ ۸)، معجم المؤلفین (۳۱/ ۶)، وفیات الاعیان (۴۵/ ۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۷ -۲۲۶)، هدیهٔ العارفین (۴۴۴/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۳۸ -۲۳۶/ ۶).

کمره‌ای فراهانی، عزالدین، زین‌الدین علینقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم و محدث. از محضر سید ماجد بحرانی و عده‌ای از فضلای شیراز استفاده نمود. در عهد شاه صفی مدتی در شیراز عهده‌دار نصب قضاوت بود. لذا به شیرازی نیز معروف است. سپس در دوران شاه عباس دوم شیخ الاسلام اصفهان گردید و به اصفهانی نیز شهرت یافت. وی معاصر با میرداماد و شیخ بهائی و ملا محسن فیض کاشانی بود. در فقه و اصول و تفسیر و ادب تبحر داشت. در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی آقا رضی شیرازی دفن شد. از آثار وی: «مسار الشیعهٔ»، در امامت، در رد نوح افندی حنفی، مفتی روم، که حکم به کفر شیعه کرده و جان و مال و ناموس ایشان را حلال و قتل و اسیر کردن و کنیز و بنده نمودن زنان و فرزندان ایشان را مباح دانسته بود؛ «المقاصد العالیهٔ فی الحکمهٔ الیمانیهٔ»، در کلام و حکمت، در چند مقصد که

نهمین آن به صورت مستقل و به نام «حدوث العالم» تصنیف یافت؛ «مناسک حج»؛ «همم الثواقب»؛ «حرمت دخانیات»، رساله‌ای در تحریم توتون؛ «نماز جمعه در زمان غیبت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۲/ ۵)، ایضاح المکنون (۵۳۲/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۰ -۱۰۱۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)، تذکرهٔ القبور (۴۴۳)، الذریعه (۲۴۳/ ۲۵، ۳۸۱/ ۲۱، ۳۷۶/ ۲۰، ۱۲۲۳ -۱۲۲۲، ۹۲۲/ ۹، ۲۹۵ -۲۹۴/ ۶)، روضات الجنات (۳۷۴ -۳۶۶/ ۴)، ریاض العلماء (۲۷۶ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۵ -۲۳۴/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علینقی شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۷۵۷/ ۱).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸ -۲۷/ ۱۸، ۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶ - ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/ اعجاز)، معجم المولفین (۳۰۳/۲).

کوسه قراباغی محمد شاهی، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۴ ق)، عالم دینی، متکلم و شاعر. معروف به کوسج. وی از اهالی قراباغ بود. سال وفات وی در «هدیهٔ العارفین» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» ۱۰۳۵ ق ذکر شده است. از آثار وی: حواشی و تعلیقات بر شرح مولانا جلال‌الدین دوانی بر «العقائد العضدیهٔ»، که به نام «خانقاهی» معروف است، زیرا آن را در خانقاه حسینیه‌ی سمرقند تألیف کرده، و به ابوحامد خلیل‌اللّه تقدیم کرده است؛ «تتمهٔ الحواشی فی ازالهٔ الغواشی»، در جواب انتقادات آقا حسین خلخالی بر کتاب «خانقاهی» وی که در ۱۰۳۳ ق در شهر بخارا آن را نگاشت؛ شرح «الرسالهٔ الحنفیهٔ» محمد حنفی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۰۶/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۴)، کشف الظنون (۱۱۴۴)، معجم المؤلفین (۳۳۲ -۳۳۱/ ۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۶۶/ ۲).

گرگانی، ابوالمحاسن حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم، محدث و مفسّر. از مشاهیر علمای امامیه بود و مؤلف تفسیری به نام «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن»، که حاوی اخبار ائمه (ع) و روایات امامیه و یکی از معروفترین کتابهای تفسیر فارسی است. تفسیر «جلاء الاذهان» همان تفسیری است که به «تفسیر گازر» مشهور است. قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از این تفسیر، چه در ایران و چه در خارج از ایران، باقی مانده است تاریخ قرن دهم را دارد؛ لذا به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف کتاب در همان قرن یا قرن قبل از آن بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۲)، تفسیر گازر (۱/ مقدمه)، الذریعه (۱۲۳/ ۵، ۳۱۰-۳۰۹/ ۴)، ریاض العلماء (۸۶-۸۵/ ۲)، ریحانه (۴۰۰/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲-۶۱/ ۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین جرجانی).

گلایری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلایری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۵ شهریور ۶۵ وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت ۴ سال تا لمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظله بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت ۴ سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت ۴ سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال ۸۲ همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح ۱۰۳۰ ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آمد. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «الآیات البینات فی خلق اللّه الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلی علیین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالة»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیة النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنة النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاة»، در اسرار نماز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۱/ ۸)، الذریعه (۳۱۵/ ۲۳ ،۴۶/ ۱۸ ،۱۴۳/ ۱۵ ،۲۳۹/ ۶ ،۲۴۳ ،۵۴ ،۴۳/ ۲ ،۹۶ ،۵۴ -۵۳ ،۴۷- ۴۶/ ۱)، ریاض العلماء (۲۸۶ -۲۸۴/ ۳)، ریحانه (۱۱۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۳ -۳۶۱/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۲۶۰).

لاریجانی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق لاریجانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبهٔ اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل

دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Apostol . Tom و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده بردهام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدویننند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوهٔ مسافر» به شکل شرحی بر عروهٔ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...

ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاریجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اردشیر لاریجانی (۱۳۳۶ در نجف[۱]) ، استاد دانشگاه و سیاست‌مدار ایرانی است. وی هم‌اکنون، نماینده و رئیس هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی[۲] از حوزه انتخابیه قم است.[۳] زندگی خانوادگی علی لاریجانی فرزند حاج میرزا هاشم آملی است. پدر او متولد لاریجان بود. برادران او نیز هر کدام راهی جداگانه در پیش گرفتند. محمد جواد، با خواندن ریاضی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی شد. او همچنین رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی است. یکی دیگر از برادران او، صادق، استاد حوزه علمیه قم و عضو شورای نگهبان و مجلس خبرگان شد. باقر لاریجانی هم پزشکی خواند، و رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. فاضل لاریجانی نیز کارمند وزارت امور خارجه و از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی است. خواهر علی لاریجانی همسر مصطفی محقق داماد است. پسرخاله وی احمد توکلی فعال سیاسی ایرانی است.[۴]

علی لاریجانی در سن ۲۰ سالگی با فریده دختر ۱۵ ساله مرتضی مطهری ازدواج کرد.[۱] وی چهار فرزند دارد؛ دو دختر با نام‌های

فاطمه و سارا و دو پسر با نام‌های مرتضی و محمدرضا.[نیازمند منبع]

زندگی دانشگاهی

وی دانش‌آموختهٔ دانشگاه صنعتی شریف در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشتهٔ کاربرد کامپیوتر در ریاضی و دانش‌آموخته در مقطع دکتری در رشتهٔ فلسفه غرب است.

او در سال ۱۳۵۸ رتبهٔ اول رشته ریاضیات و علوم کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف را کسب کرد. وی همچنین دو کتاب علمی با عناوین متافیزیک و علوم دقیقه در فلسفهٔ کانت[۱] و روش ریاضی در فلسفهٔ کانت[۵] و کتابی دیگر با عنوان دولت مدرن؛ پیمانی با مردم[۶] و همچنین پانزده مقالهٔ پژوهشی در موضوعات مختلف علمی نگاشته‌است.[۷]

سابقهٔ اجرایی

اولین سمت‌های اجرایی

اولین سمت اجرایی مدیریت کل برون مرزی و واحد مرکزی خبر صدا و سیما بود. بین سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰[۷]، وی معاون وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و پست و تلگراف و تلفن (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات فعلی) و همچنین سپاه را بر عهده گرفت و سپس جانشین ستاد کل سپاه بود وی همچنین از بنیانگذاران پایگاه مقاومت بسیج مسجدالمهدی مرداویج اصفهان می‌باشد..[۱]

در سال ۱۳۷۰ و در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و پس از استعفای سید محمد خاتمی از سمت وزارت ارشاد ، لاریجانی در این سمت قرار گرفت و تا بهمن ۱۳۷۲ به‌عنوان وزیر در این وزارتخانه حضور داشت. در سال ۱۳۷۳ وی با حکم رهبری، ریاست سازمان صدا و سیما را برعهده گرفت.[۱]

ریاست صدا و سیما

وی ده سال ریاست سازمان صدا و سیما را بعهده داشت و در این مدت تغییرات بارزی در این سازمان به‌وجود آورد. در طی این دوران تعداد شبکه‌های تلویزیونی این سازمان از سه شبکه به ۷ شبکه رسید. در پایان دوران ریاست او بر این سازمان، ۷ شبکهٔ تلویزیونی، ۸ شبکهٔ رادیویی ملّی و سراسری، ۳۰ شبکهٔ رادیویی استانی، ۴ شبکهٔ تلویزیونی استانی، و هفت شبکهٔ جهانی توسط صدا و سیما اداره می‌شد. علاوه بر این شبکه‌ها، روزنامهٔ جام جم و شرکت تولید فیلم سیما فیلم هم در دوران مدیریت وی توسط سازمان صدا و سیما تأسیس شدند.[۱]

نتقدان

منتقدان عملکرد لاریجانی در صدا و سیما معتقدند که دولت خاتمی و مجلس ششم در تمام دوران خود نه تنها از رسانه ملی محروم بودند بلکه آنرا در مقابل خود میدیدند.[۸]

عبدالله رمضان زاده سخنگوی دولت خاتمی می گوید: «روزی آقای محمود احمدی‌نژاد که شهردار تهران بودند پل عابر پیاده برقی میدان هفت تیر را افتتاح کردند که حدود ۴۰ میلیون تومان در یک مدت زمان طولانی صورت گرفت که البته همین هم نیازمند انجام تحقیق و تفحص است و همان روز آقای دکتر عارف کارخانه توربین سازی نیروگاه‌های ما را در کرج با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان افتتاح کردند و ایران به جمع ۱۰ کشور صاحب این فناوری دست یافت. ولی صدا و سیما از پل عابر پیاده ۴۰ میلیون تومانی شهردار احمدی نژاد ۱۵ دقیقه در ۵ بخش خبری پخش کرد و پروژه ۲۰۰ میلیارد تومانی را که معاون اول رئیس جمهوری افتتاح کرد در ۴۵ ثانیه و در ۴ بخش خبری پوشش داد...از این مصادیق بسیار است و به طور مثال در عسلویه ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه شد که تمام آن در دولت آقای خاتمی اتفاق افتاد ولی چه کسی از آن اطلاع دارد.»[۹]

تحقیق و تفحص مجلس ششم

نمایندگان مجلس ششم که اکثریت آن را اصلاح طلبان تشکیل می‌دادند خواستار تحقیق و تفحص از صدا و سیما شدند اما شورای نگهبان با این تفسیر که رهبر فوق همه قواست مانع از تحقیق و تفحص مجلس گردید. با اصرار نمایندگان، علی خامنه‌ای نهایتاً تحقیق و تفحص را پذیرفت و مجلس توانست تنها در سه موضوع شامل: میزان ونحوه هزینه کردن درامدهای اگهی‌ها، خریدهای خارج از کشور و اهدای هدایا تحقیق کند. گرچه به گفته نمایندگان طرح تحقیق با کارشکنی‌های متعدد سازمان مواجه گردید و بیش از یکسال بطول انجامید، صداو سیما و قوه قضائیه نمایندگان را تهدید به محاکمه کرده و پرونده تخلفات صداو سیما در مجلس هفتم بدون پیگیری بسته شد. گزارش تحقیق و تفحص مجلس تنها از ۵ حساب بانکی صدا و سیما (از مجموع ۲۰۰ حساب بانکی) حاکی از تخلفات مالی به ارزش ۵۲۵۰ میلیارد ریال در این سازمان بود.لاریجانی تحقیق و تحفص نمایندگان را به تمسخر گرفته و آنرا «کشکی» خواند. [۱۰] [۱۱]

نمایندگان در بیانیه‌ای که در آخرین روزهای عمر مجلس ششم منتشر گردید خواستار پیگیری و رسیدگی به گزارش تحقیق و تفحص توسط یک قاضی «خداترس، عادل و بی‌طرف» شدند. قوه قضائیه هیچگاه به این گزارش رسیدگی نکرد و مجلس اصولگرای هفتم نیز علاقه‌ای به پیگیری آن نداشت.[۱۲]

قرائت گزارش تحقیق و تفحص مجلس از صداو سیما همزمان با روزهای پایانی فعالیت مجلس ششم و برگزاری انتخابات مجلس هفتم بود.صدا و سیما در جریان انتخابات اخبار رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح طلب، اعتراضات احزاب و گروه‌ها به عملکرد شورای نگهبان، تحصن نمایندگان و نهایتا تحریم انتخابات توسط اصلاح طلبان را با نگاهی جانبدارانه پوشش داد تا جاییکه به سانسور بیانیه مشترک روسای دو قوه(خاتمی رییس جمهور و کروبی رییس مجلس) رسید. اصلاح طلبان ضمن آنکه لاریجانی را متهم می‌کردند که مغز متفکر جناح راست (اصولگرا) است و صداو سیما را به دستگاه تبلیغانی محافظه کاران تبدیل کرده‌است، ریشه بخشی از تلاشهای وی را در نگرانی از احتمال پیگیری گزارش تحقیق و تفحص مجلس و تخلفات ۵۲۵۰ میلیارد ریالی اش می‌جستند. خاتمی رییس جمهور و اکبر اعلمی (رییس هیات نظارت بر صداو سیما) در بیانیه‌های جداگانه‌ای به این اقدام لاریجانی اعتراض کردند. [۱۳] [۱۴] [۱۵]

امزدی انتخابات ریاست جمهوری

او در انتخابات سال ۱۳۸۴ برای نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت کرد. او در این انتخابات شکست خورد.

شورای عالی امنیت ملی

لاریجانی که پس از پایان دوران ریاستش در صدا و سیما، همچنان عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود، در ۵ خرداد ۱۳۸۳ با حکم سید علی خامنه‌ای به‌عنوان نماینده‌ٔ رهبر در شورای عالی امنیت ملی منصوب شد. سپس در ۲۴ مرداد ۱۳۸۴، به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. اما در سال ۱۳۸۶ پس از چندین بار درخواست او برای استعفا از ریاست شورای عالی امنیت ملی، در روز ۲۸ مهر ۱۳۸۶ درخواست استعفای او پذیرفته شد و مسؤولیت ۲۶ ماههٔ او در این پست پایان یافت.[۱۶] در آن زمان که محمود احمدی‌نژاد پرونده هسته‌ای ایران را در شورای امنیت سازمان ملل پایان یافته دانسته بود، علی لاریجانی در میان راه مذاکرات خود با خاویر سولانا قرار داشت. ماجرای استعفای او پس از دیدار ولادمیر پوتین از ایران و دیدار او با علی خامنه‌ای رخ داد.

استعفای وی بازتاب گسترده در رسانه‌های جهان داشت.[۱۷]

یاست مجلس

علی لاریجانی پس از کسب نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی، در چهارمین جلسه علنی مجلس هشتم با کسب اکثریت آرا برای یک سال به عنوان رییس هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. او که تنها نامزد ریاست مجلس بود موفق به

کسب ۲۳۷ رأی از ۲۵۹ رأی مأخوذه شد. در این انتخابات از مجموع آرای ریخته شده به گلدان‌ها ۲۲ رای سفید بود [۱۸]. او پیش از این از سوی اصولگرایان، جناح اکثریت مجلس، برای نامزدی ریاست مجلس برگزیده شده بود. او توانسته بود رقیبش غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس هفتم، را در انتخابات داخلی فراکسیون اصول گرایان مجلس با ۱۶۱ در مقابل ۵۰ رأی شکست دهد [۱۹].

لاهیجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بن شیخ مهدی لاهیجانی عالمی بارع و متکلمی فاضل صاحب کتاب (مخزن الفوائد فی اصول العقائد) بوده و در سال ۱۳۴۶ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث‌العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات‌الطیبهٔ» در اصالت ماهیت وجود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۳ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. مشهور به امام المتکلمین. نسبتش به ماترید می‌رسد که به گفته‌ی سمعانی ماترید یا ماتریت از محلات سمرقند بوده است. ماتریدی از پیشگامان علم کلام بود. وی با سه واسطه از ابوحنیفه روایت کرده است. در سمرقند درگذشت. از آثارش: «تأویلات اهل السنة»؛ کتاب «التوحید و اثبات الصفات»؛ «اوهام المعتزلة»؛ «الرد علی القرامطة»؛ «الدرر فی اصول الدین»؛ «مأخذ الشرائع»، در اصول فقه؛ «تأویلات القرآن»؛ شرح «الفقه الاکبر» ابوحنیفه؛ «کتاب الجدل»؛ ردی بر «تهذیب» کعبی، در «الجدل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۲/ ۷)، انساب سمعانی (۱۵۵/ ۵)، ریحانه (۱۴۲/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۵۷۳، ۱۴۰۸، ۱۴۰۶، ۷۵۱، ۵۱۸، ۳۳۶ -۳۳۵، ۲۶۲)، لباب الالباب (۲۹۲، ۱۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ماتریدی)، معجم المؤلفین (۳۰۰/ ۱۱)، هدیة العارفین (۳۷ - ۳۶/ ۲).

مازندرانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقةالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رساله‌ای در طهاره ۳- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن ۵- رساله در صوم ۶- رساله‌ای در غصب ۷- رساله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹ -۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّٰه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّٰه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّٰه شاه آبادی و آیت‌اللّٰه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّٰه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰ ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه نایینی و آیت‌اللّٰه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۹/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴ -۵۵۳/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۱/ ۳).

مبلغی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید مبلغی

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دوره مقدمات و سطح که نام برخی از اساتید آنرا در کادر

وضعیت تحصیلات حوزوی آورده ام در سال ۶۹ به درس خارج فقه واصول مشغول شدم. کتابهای مقدماتی را تدریس کرده ام. ۴ سال در مجمع التقریب به تحقیق دیدگاههای اصولی و فقهی مشغول بوده ام. دوره تخصصی کلام اسلامی را گذرانده ام ولی پایان نامه آنرا تکیمل نکرده ام. بیش از ده سال در دانشگاهها به تدریس دروس اسلامی اشتغال داشته ام و اخیرا نیز در پژوهشگاه دفتر تبلیغات بنای همکاری دارم.

مبینی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متقی زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.

تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود ۱۶ مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضا به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود ۱ سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود ۱۲ سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود ۵ سال عهده دار بوده ام و حدود ۷ سال درصدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

متولی نیشابوری، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷-۴۷۸/ ۴۲۶ ق)، عالم اصولی، فقیه شافعی و متکلم. او شیخ شافعیان بود. در نیشابور به دنیا آمد و در خراسان علوم اسلامی را فراگرفت. وی فقه را در مرو از ابوالقاسم عبدالرحمان فورانی و در مرورود از قاضی حسین بن محمد مروزی و در بخارا از ابوسهل احمد بن علی ابیوردی فراگرفت و در فقه و اصول و خلاف برآمد و سرآمد اقران خود شد. او از ابوالقاسم قشیری و ابوعثمان صابونی و ابوحسین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابوعبداللّه طبری و ابوعمرو محمد بن عبدالعزیز قنطری و دیگران حدیث شنید. در نظامیه بغداد پس از درگذشت ابواسحاق شیرازی تدریس کرد تا اینکه در ۴۷۶ ق عزل گردید و ابن‌صباغ، صاحب «الشامل»، جای او را گرفت. در ۴۷۷ ق با عزل ابن‌صباغ مجددا منصوب گردید و تا زمان وفات به تدریس در آنجا مشغول بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز دفن شد. از آثارش: «الغنیهٔ فی الاصول»؛ «تتمهٔ الابانهٔ»، در تکمیل «الابانهٔ» استادش، ابوالقاسم فورانی؛ کتابی مختصر در فرائض، به نام «فرائض المتولی»؛ کتابی بزرگ در «خلاف»؛ کتابی مختصر در «اصول‌الدین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۸/ ۴)، ایضاح المکنون (۱۵۰/ ۲)، ریحانه (۱۷۵ -۱۷۴/ ۵)، سیر النبلاء (۵۸۶ -۵۸۵/ ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۸/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۰۸ -۱۰۶/ ۵)، العبر (۳۳۸/ ۲)، الکامل (۱۳۹/ ۸)، کشف الظنون (۱۲۵۱، ۱)، الکنی و الالقاب (۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۵)، المنتظم (۵۸۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲۲۵ -۲۲۴/ ۱۸)، وفیات الاعیان (۲۷۷/ ۱)، هدیهٔ العارفین (۵۱۸/ ۱).

مجاهد، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۰-۱۲۴۲ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به آقا سید محمد مجاهد (به جهت صادر کردن حکم جهاد در جنگ ایران و روس، در زمان فتحعلی‌شاه قاجار) و مشهور به صاحب «مناهل». او دخترزاده‌ی وحید بهبهانی است. در کربلا به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، سید علی صاحب «ریاض»، و سید مهدی بحرالعلوم استفاده نمود. او داماد سید بحرالعلوم بود. در زمان حیات پدرش به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چون خبر وفات پدرش رسید عازم عراق شد و در کاظمین مقیم گشت و به انجام وظائف علمی پرداخت. در جنگ ایران و روس همراه با محقق نراقی به ایران آمد و مورد عنایت عام و خاص قرار گرفت. وی در قزوین به هنگام مراجعت از جنگ روس درگذشت و پیکرش به کربلا- منتقل و در آنجا دفن شد. مؤلفات وی متجاوز از هفتصد هزار سطر است. از آثارش: «المناهل»، در فقه؛ «مفاتیح الاصول»؛ «الوسائل الی النجاة» یا «وسائل الاصول»، در اصول فقه؛ «المقلاد»، رساله ای در «حجیة الظن المطلق»؛ «اصلاح العمل»، در فقه عبادات؛ «الجهادیة»؛ «المصابیح»، در فقه؛ «عمدة المقال فی تحقیق احوال الرجال»، در حدود یکصد شرح حال؛ «جامع العبائر»، در فقه؛ «جامع المسائل»، سؤال و جواب فقهی؛ کتاب بیان «اغلاط مشهوره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۳/ ۹)، الذریعه (۷۰ -۶۹/ ۲۵، ۳۵۳ -۳۵۲، ۱۱۹ -۱۱۸/ ۲۲، ۳۰۰، ۸۰/ ۲۱، ۳۴۱ -۳۴۰/ ۱۵، ۲۷۹، ۲۷۲، ۲۰۸/ ۶، ۲۹۷، ۷۰/ ۵، ۲۵۳، ۱۷۱ -۱۷۰، ۲۵/ ۲)، روضات الجنات (۱۴۰ -۱۳۸/ ۷)، ریحانه (۱۷۶/ ۵، ۴۰۲ -۴۰۱/ ۳)، فوائد الرضویه (۵۸۲ -۵۷۹)، معجم المؤلفین (۵۶/ ۱۱)، هدیة العارفین (۳۶۳/ ۲).

مجاهد، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمد تقی فرزند محب علی فرزند محمد علی گلشن شیرازی، معروف به (میرزای مجاهد) از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. میرزا دانشمندی جامع، فقیهی کامل، مجتهدی متبحر و مرجعی مجاهد و سیدی عظیم الشأن بود. میرزا پس از آنکه مقدمات علوم فقهی را در شیراز به پایان برد، سالها از کرسی درس فاضل اردکانی، سید استاد و میرزای قهرمان و دیگر آیات عراق به خوبی برخوردار بود، و خود در ردیف اکابر علما و اساتید فقها قرار گرفت و در آغاز زعامت علامه یزدی برخی از معظم له تقلید می نمودند و پس از فوت میرزای بزرگ در رأس حوزه سامرا قرار گرفت. سید استاد که خود فقیهی اعظم اما اورعی محتاط بود، موقعی که تصدی حوزه و زعامت شیعیان را قبول نفرمود، علما و شیعیان را بوی ارجاع داد. معظم له سالها در جمله آیات از مراجع بزرگ عصر خویش بود و تصدی و تدریس اعلام سامرا بوی منتهی گردید.

میرزای مجاهد: رئیس نهضت مجاهدین انقلاب اسلامی عراق در جنگ جهانی بین الملل اول بود. معظم له علیه تجاوزگران قائدی دلسوز، مجاهدی نستوه، مرجعی پرشور و رزمنده ای عازم بود که به صف اول مجاهدین پیوست و علیه معاندین کمر همت بست و تا مرز شهادت پیش رفت.

میرزای مجاهد: قصائد فاخره را در فضائل عترة طاهره و شرحی بر منظومه عاملی نوشت. او شرحی مبسوط بر مکاسب شیخ نیز به رشته تحریر برد و پس از فوت علامه یزدی مرجعیت تمام شیعیان جهان به معظم له منتهی شد، اما اجل مهلتش نداد، و در دهه اول

ذیحجه سال ۱۳۳۸ (چند ماه پس از فوت علامه یزدی) وفات نمود و به کنار سالار شهیدان در کربلا مدفون شد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

مجتبائی، فتح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: عرفان و ادیان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجتهد تبریزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیرهٔ المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۲/ ۱۳ ،۱۸/ ۱۰ ،۶/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶۷ -۱۵۶۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۷ -۱۲۶)، مستدرکات اعیان الشیعه (۱۵۰/ ۳).

مجتهد تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعهٔ البیضاء»، در شرح «خطبهٔ الزهراء (ع)»، و این شرح گستردگی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمهٔ»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر

قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیهٔ»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقهٔ البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضهٔ البهیهٔ»، به نام «حدیقهٔ الروضهٔ»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینهٔ»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «الفتوحات الرضویهٔ»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیهٔ»؛ «التحفهٔ المحمدیهٔ»، در عربیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵/ ۱۰)، الذریعه (۳۵۰/ ۱۸ /۲۷۳، ۱۶ /۲۵۹، ۱۹۷، ۳۶/ ۱۵ /۳۶۳، ۱۳ /۳۸۲، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۰۱، ۹۵، ۶۱/ ۶ /۴۶۸، ۳۴۴، ۳۰۱/ ۴ /۲۱۳، ۲ /۴۲۲، ۱)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۴۵ -۳۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۶ - ۱۷۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۸۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۵/ ۱۱).

مجتهد کرکی، ابوعبداللّه حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، فقیه و متکلم. معروف به امیر سید حسین مجتهد. دخترزاده‌ی محقق کرکی بود. در عصر شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به ایران آمد و مدتی در قزوین سکونت داشت. به دستور شاه عباس اول به اردبیل رفت و شیخ‌الاسلام آنجا گردید. شیخ شمس‌الدین محمد بحرانی از شاگردان او می‌باشد. در اردبیل به بیماری طاعون درگذشت. پیکرش به عتبات حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «دفع المناواهٔ»؛ «ایمان ابی‌طالب»؛ «رفع البدعهٔ»؛ «سیاده الاشراف» یا «السید و السیادهٔ» یا «تحقیق معنی السیادهٔ»؛ «تبصرهٔ المؤمنین»؛ «تذکرهٔ الموقنین»، در اصول دین و عقاید؛ «تفسیر آیهٔ احل لکم الطیبات»؛ حاشیه بر «صحیفه» و شرح آن؛ حاشیه بر «عیون اخبار الرضا»؛ «دعامهٔ الخلاف»؛ شرح «روضه» کافی؛ «التوحید»؛ «النیهٔ»؛ «النفحات القدسیهٔ»؛ «النفحات الصمدیهٔ»؛ «الرسالهٔ الطهماسبیهٔ»، در امامت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۴ -۴۷۳/ ۵)، الذریعه (۲۸۷، ۲۴۸/ ۲۴ /۲۷۶، ۲۷۵- ۲۷۰، ۲۶۹- /۱۲ /۲۴۲، ۱۱ /۲۳۲، ۱۹۹/ ۸ /۴۹، ۴ /۳۲۵، ۳۲۴- ۳۱۵/ ۳ /۱۸۲، ۱)، روضات الجنات (۳۱۸ -۳۱۲/ ۲)، ریاض العلماء (۱۲۱۷، ۷۵ -۶۲/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲ -۷۱/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۴۵، ۱۲۴ -۱۲۳/ ۱).

مجلسی، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۱۱ / ۱۱۱۰ -۱۰۳۸ / ۱۰۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم و شاعر، متخلص به مشتاق. مشهور به علامه مجلسی. شیخ‌الاسلام اصفهان بود. وی از دانشمندان بزرگ اواخر خکومت صفوی است که با پشتکار فوق‌العاده و تصنیف و تألیف کتب و تدریس علوم اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، بزرگترین خدمات را به جامعه اسلامی عرضه نمود. ملا محمدباقر در آخرین سال سلطنت شاه عباس و در عصر مرجعیت میر داماد در اصفهان به دنیا آمد. او دروه‌ی چهار تن از سلاطین صفوی: شاه صفی، شاه

عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین را درک نموده است. نسبش از جانب پدر به حافظ ابونعیم اصفهانی می‌رسد و جد مادریش کمال‌الدین درویش محمد عاملی اصفهانی است. او بیشتر تحصیلاتش را در حوزه‌ی پدرش، علامه مجلسی اول، گذراند و بارها از وی اجازه گرفت و در علوم معقول و منقول از محضر استادانی چون ملا حسنعلی شوشتری و آقا حسین محقق خوانساری و میرزا رفیع‌الدین محمد طباطبایی نایینی و ملا محمد شریف رویدشتی اصفهانی و شیخ عبداللّه بن جابر عاملی و شیخ علی بن شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی و میر محمد قاسم طباطبایی قهپایی و ملا محسن فیض کاشانی و ملا محمدصالح مازندرانی و میر شرف‌الدین علی شولستانی و سید محمد مشهور به سید میرزا جزایری و میر فیض‌اللّه طباطبایی قهپایی و میر محمد مؤمن استرآبادی و ملا محمدمحسن استرآبادی و سید نورالدین علی عاملی و ملا محمدطاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و سید علی خان شیرازی و شیخ حر عاملی استفاده نمود و از جانب آنها به دریافت اجازه نایل شد. او جامع معقول و منقول و در فقه و تفسیر و حدیث و درایه و رجال و اصول فقه و کلام و دیگر علوم دینی متبحر بود. میرزا عبداللّه اصفهانی، صاحب «ریاض العلماء» و سید نعمت‌اللّه جزایری و میر محمدصالح خاتون‌آبادی و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی و ملا محمد بن علی اردبیلی و ملا محمد سراب تنکابنی و میر محمدحسین خاتون‌آبادی و ملا رفیعا گیلانی و سید ابوالقاسم خوانساری و میرزا علاءالدین محمد گلستانه و مولانا جمشید گسکری و ملا محمدقاسم بن محمدرضا هزار جریبی و سلطان محمود طبسی و میر ابوطالب فندرسکی و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و ملا ابراهیم گیلانی و ملا محمد فاضل مشهدی و بسیاری دیگر از بزرگان در محضرش تلمذ نمودند و از حوزه‌ی درسش بهره بردند. شاگردان مسلم او را متجاوز از دویست نفر می‌دانند. صاحب «ریاض العلماء» آنها را در حدود یکهزار نفر و سید نعمت‌اللّه جزایری آنان را بیش از هزار نفر می‌داند. او در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق، در بقعه‌ی پدرش، ملا محمدتقی مجلسی، به خاک سپرده شد. گفته شده که آثار او تنها به فارسی در حدود پنجاه تألیف و تصنیف است. از آثارش: «بحارالانوار»، جامع‌ترین کتاب حدیث، در یکصد و ده مجلد؛ «مرآة العقول»، در شرح اخبار آل رسول (ع)، شرح «اصول، فروع و روضه‌ی کافی»؛ «ملاذ الاخیار فی شرح التهذیب الاخبار»، حاشیه بر «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ «الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة»؛ «الوجیزة»، در رجال؛ «زاد المعاد»؛ «تحفة الزائر»؛ «حق الیقین»؛ «عین الحیاة»، در شرح وصایا و مواعظ پیامبر (ص) به ابوذر و مختصر آن، در سه هزار سطر؛ «مشکاة الانوار»، در فضیلت قرائت قرآن؛ «اختیارات الایام و الساعات»؛ «مفاتیح الغیب فی الاستخارة»؛ «حیات القلوب»؛ رساله‌ی «الاعتقادات»؛ «آداب الحج»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «الاجازات»؛ «جلاء العیون»؛ «تفسیر آیة النور»؛ «میزان المقادیر»؛ حاشیه بر «امل الآمل»؛ «حلیة المتقین»؛ شرح «دعاء جوشن کبیر»؛ ترجمه‌ی «الزیارة الجامعة»؛ «صراط النجاة»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ «مقیاس المصابیح».[۱]

ملا محمدباقر، فرزند ملا محمدتقی مجلسی (ه.م) از اجله‌ی علمای شیعه‌ی عهد صفویه است که به سال ۱۰۳۷ هجری قمری (یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر) متولد و در روز بیست و هفت رمضان سال ۱۱۱۰ و یا ۱۱۱۱ هجری قمری وفات یافته است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. تعداد تألیفات وی از شصت مجلد متجاوز است و بحارالانوار فی اخبارالائمة الاطهار از همه معروفتر است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و شامل ۲۶ جلد می‌باشد و متضمن اخبار و احادیث متنوع می‌باشد. عین‌الحیات (مشتمل بر مواعظ راجع به ترک دنیا)- مشکوةالانوار- حلیةالمتقین (در اخلاق و اعمال)- حیوةالقلوب- تحفةالزائر- جلاءالعیون- مقیاس‌المصابیح در تعقیبات نمازهای یومیه- ربیع‌الاسابیع- زادالمعاد- حق‌الیقین را به زبان فارسی تحریر کرد و به علاوه رسالات کوچک بسیار از او باقی است؛ مجلسی دوم، مجلسی پسر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۳/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۸۴ -۱۸۲/ ۹)، ایضاح المکنون (۵۲۱ ،۴۶۰، ۲۸۴، ۲۰۷/ ۲، ۶۰۷، ۵۴۸، ۴۲۱ ، ۴۱۰ ،۳۹۹، ۳۷۴، ۳۶۳، ۲۴۹، ۱۶۳/ ۱)، بحارالانوار (۶۷ -۳۷/ ۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۳، ۲۵۸ -۲۵۷/ ۴)، تاریخ ادبیات در

ایران (۱۷۳ / ۵)، تـذکرهٔ العلمـاء (۱۶۴ –۱۵۹)، تـذکرهٔ القبـور (۱۶۴ –۱۶۲)، تـذکرهٔ المعاصـرین (۳۲۱)، تلامـذهٔ العلامهٔ المجلسـی، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۵۸، ۵۱، ۴۹/ ۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۷۴، ۴۷۳)، الذریعه (۴۷/ ۲۵، ۳۲۰ –۳۱۸/ ۲۳، ۱۹۲ – ۱۹۱/ ۲۲، ۳۰۴، ۵۴/ ۲۱، ۲۸۰ –۲۷۹/ ۲۰، ۳۴۷، ۱۷۶/ ۱۶، ۳۷۰، ۹۵، ۳۸، ۳۷/ ۱۵، ۲۴۷، ۱۵۶، ۹۰/ ۱۳، ۱۱/ ۱۲، ۷۵/ ۱۰، ۱۹۳/ ۸، ۱۲۲ –۱۲۱، ۸۳، ۴۰/ ۷، ۱۸۱، ۵۱، ۲۵/ ۶، ۲۸۷، ۲۰۲، ۱۸۷، ۱۲۵ –۱۲۴/ ۵، ۵۰۵، ۴۷۷، ۳۵۸، ۸۳/ ۴، ۴۳۸، ۲۷ –۱۶/ ۳، ۴۸۰ –۴۷۹، ۲۲۴ / ۲، ۴۱۲، ۴۱۱، ۳۶۷، ۱۲۴، ۸۸، ۱۹، ۱۶ –۱۵، ۱۴/ ۱)، روضات الجنات (۹۱ –۷۶/ ۲)، ریاض العلماء (۴۵۰ –۳۹/ ۵)، ریحانه (۱۹۷ –۱۹۱/ ۵)، سبک شناسی (۳۰۴ –۳۰۳/ ۳)، صبح گلشن (۴۱۳ –۴۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۵/ ۱۲)، فرهنگ سخنوران (۸۴۴، ۸۰۲، ۱۱۷)، فوائـد الرضویه (۴۱۸ –۴۱۰)، قصـص العلماء (۲۲۸ –۲۰۴)، الکنی و الالقـاب (۱۵۰ –۱۴۷/ ۳)، لغت نـامه (ذیل/ مجلسـی)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۹)، مفاخر اسـلام (جلـد هشـتم)، منتخب التواریخ (۶۷۲ –۶۷۰)، مؤلفین کتب چـاپی (۴۲ –۲۳/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۵۵۱، ۵۰۸)، هدیهٔ العارفین (۳۰۷ –۳۰۶/ ۲).

محسنی ملایری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۴ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۲ مهر ۱۳۷۴، تهران.

آیت‌الله محمدباقر محسـنی ملایری پس از گذراندن دوره مقدمات و سـطح حوزه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله خراسانی، حاج شیخ حسن قرسـی، آیت‌الله آقـازاده خراسـانی، ابوالقاسم قمی، میرزا مهـدی اصـفهانی و حاج آقا بزرگ حکیم الهی در حکمت و فلسـفه تلمـذ نمود. بـا تأسـیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به این شـهر هجرت کرد و در محضـر آیـات عظام حائری یزدی و بروجردی به تحصـیل پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی دارای چهارده اجازه‌ی اجتهاد از مراجع مسلم از جمله آیت‌الله اصفهانی بود.

آیت‌الله محسـنی ملاـیری در رسـیدگی به امور مردم اهتمـام داشت و احـداث حوزه علمیه بـاقریه، حسـینیه و کتابخانه‌ای در ملایر از اموال شخصی خود و تعیین موقوفات برای آن را می‌توان از خدمات اجتماعی وی دانست.

از آثار قلمی ایشان گذشته از تقریر و تلخیص مطالب مستفاد از اساتید، رساله‌ای به نام تطبیق الادیان را می‌توان نام برد.

آیت‌الله محمـدباقر محسـنی ملاـیری در سن نود و دو سـالگی پس از یـک دوره بیمـاری و بر اثر سـکته قلبی در بیمارسـتان ساسـان درگذشت.

محمدباقر محسنی فرزند مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم از علماء مبرز و بنام معاصر است در ملایر.

وی در حـدود ۱۳۲۴ قمری در نجـف اشـرف متولـد شـده و در خـدمت والـدش که از اعـاظم و اجلاـء حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند خراسانی بوده است به ایران آمده و در ملایر اقامت نموده و دروس مقدماتی و سـطوح را از محضـر آن مرحوم و سایر اعلام مانند مرحوم آمیرزا هدایت‌اللّه مشـهور به (آقانجفی) اسـتفاده نموده سپس برای تکمیل تحصیل به ارض مقدسه خراسان مشرف و از محضـر اساتید بزرگ مانند مرحوم آقا شیخ حسن برسی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّه قمی و عـالم ربـانی مرحوم آیت‌اللّه آقـامیرزا مهـدی اصـفهانی (در فقه و اصول) و نیز حکیم المتاله آقابزرگ حکیم (در حکمت و فلسـفه) اسـتفاده نموده و در خلال آن تـدریس سـطوح داشـته و پس از آن به قم آمـده و برهه‌ای از زمان را از محضـر مرحوم آیت العظمی

حایری و مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نموده و هم در این اواخر چندی از محضر آیت العظمی بروجردی مستفیض و تا حال تحریر در ملایر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال دارد.

آثار علمی و خدمات اجتماعی معظم‌له از این قرار است ۱- تقریرات و تلخیص مطالب مستفاده از اساتیدشان ۲- تطبیق‌الادیان.

و اما آثار خالده و باقیات‌الصالحات ایشان به قرار ذیل است.

۱- احداث بناء مدرسه باقریه ملایر که به نام چهارده معصوم (ع) دارای چهارده اطاق و مدرس و کتابخانه از مال شخصی خودش.

۲- بناء مسجد در جنب همان مدرسه بنام مسجد سجاد که اکنون مفروش و معمور می‌باشد.

۳- ساختمان عمارتی با کتابخانه در جنب مدرسه و مسجد مزبور برای استفاده عموم و مدرس مدرسه و امام مسجد مزبور که دائما در آن ساختمان سکونت داشته باشد به مخارج شخصی.

۴- ساختمان مسجدی بنام صفی بادوازده باب دکان کنار میدان پهلوی ملایر که واقف آن مرحوم حاج اصغر صفی و تولیت آن با ایشانست.

۵- تعمیرات مدرسه و مسجد شیخ‌الملوکی فرزندن مغفور فتحعلی شاه قاجار که بانی و مؤسس مدرسه و مسجد و تکیه و شانزده باب دکان و حمام و سرای بوده و نظارات و تولیت آن با اعلم علماء شهر ملایر معظم‌له می‌باشد.

۶- احیاء موقوفات مرحوم حاج عیسی‌خان بیگدلی که در تهران نیز موقوفاتی دارد و قریب یکصد و بیست سالست وقف نموده و تولیت آن را با اعلم علماء شهر قرار داده که اکنون دست ایشانست.

۷- احیاء موقوفات دیگر از قبیل موقوفات حاج شیخ محمدعلی افصحی و حاج رئیس‌التجار و حاج عبداللَّه و احداث موسسات خیر در قراء و قصبات از محل موقوفات و آثار و خدمات دیگر ادام اللَّه عمره و توفیقه.

نگارنده گوید: جناب آیت‌اللَّه محسنی مضافاً از مراتب علمی و خدمات دینی در موضوع استخاره ید طولائی دارند و از غالب شهرها مردم راجع به حوائج خود کتبا و یا شفاها به ایشان رجوع کرده و طلب استخاره می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محفوظ، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان :نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نویسنده : عبدالحسین طالعی(*)

چکیده :این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ ، استاد فقید عراقی(۱۳۴۴-۱۴۳۰) هجری قمری /۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او ، کوشش پی گیر او در احیای سنّت حسنه روایت حدیث ، فهرستی از مشایخ روایتی او ، در این گفتار آمده و در پایان ،منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.

کلید واژه : محفوظ، حسین علی /دانشگاه بغداد/ اجازه روایت حدیث/ محدث ارموی ، سیدجلال الدین /تاریخ عراق ، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

علی ابن جعفر(علیه السلام) : عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.(۱)

سرکشید از خاک ، آن دانا که داشت در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری

پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری(۲)

۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف ، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و درهرجای ، آثار و برکات حضورش نمایان بود.

خاندان

آل محفوظ ، خاندان علمی است ، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حلّه»

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امّت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشّاح بن محمد اسدی حلّی ، جدّ اعلای این خاندان ـ در قرن هفتم ـ یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا ، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب حبیب بن مظاهر اسدی ، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند ، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ ، از سوی دیگر ، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند ، که علّامه حلی و فرزندش فخرالمحققین ، از این خاندان هستند. صاحب کتاب «غررالدلائل» ـ که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته ـ در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد ، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره ، شیخ حر عاملی در امل الامل ، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علّامه امینی در الغدیر ، مراتب علمی او را ستوده اند. وبزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمدبن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الآمل ، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود ، او را ستوده اند . و قصیده ی صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است . وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاه حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ ،از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ درهرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد ودر کاظمیه سکنی گزید. اونزد سید عبدالله شبّر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله ی امل الآمل ، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی ، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند .

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها ، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.

علاوه بر عراق ، در جای جای لبنان و سوریه نیز ، بزرگانی از این خاندان می توان یافت . از جمله نسب پطرس بستانی(متوفی ۱۸۸۳ میلادی) ، سلیمان بستانی (م۱۹۲۵) ، ودیع بستانی(م۱۹۵۴) ، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد(۱۳۵۸ق) ابن الشیخ موسی(۱۳۲۰ق) ابن الشیخ حسین(۱۲۶۲ق) ابن الشیخ علی(۱۲۲۲ق) ابن الشیخ محمدابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ ، در روز دوشنبه ۲۰شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه ، محله الشیوخ ، شارع قریش ، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه(م۱۴۱۰ق) دخت سید هاشم صائغ(م۱۳۷۴ق) ، از کتاب دودمان جناب زیدبن علی بن الحسین(علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی درکتاب «جمهره انساب العرب» ، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت . در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵ ، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت . درسال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبیّ و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان ، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ ،در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد . علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی ، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت . در کنار آن ، دروسی همچون علم انساب ، نجوم ، ریاضیات ، طب قدیم ، منطق ، فلسفه را نیز آموخت . در طول سالهای تهران ، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود ، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود ، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی ـ که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود ـ طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکترمشکاه ، پس از آن ، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت . دکتر محفوظ ، با وجود تبحّر در علوم مختلف ـ که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت ـ خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود ، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱-۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه ، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت ، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات ، مصطلحات المکتبه العربیه ، مصطلحات المخطوطات ، مصطلاحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزویق ، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق ، ایران ، آذربایجان و روسیه در این زمینه ،بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد ، چندین اثر ماندگار درعلم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود ، مانند : دائره الاهلّه(۱۹۷۸) ، دائره التقویم (۱۹۷۹)،تقویم القرآن الخامس عشر الهجری(۱۹۷۹) ، جدول الأدوار و الکبائس ستّه آلاف سنه الهجریه (۱۹۷۹) ، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر(۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه ، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر ، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪ ، زبان تاجیکی۴۶/۳۹٪ ، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪

نیز : از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده ی شرقی(غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان ، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر به کار رفته است .

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی یـد طولایی داشت ، از جمله : معجم الآلات و الأدوات ، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد ،معجم الالوان ،

مصطلحات النقود ، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترفین ، معجم الموسیقی العربیه.

به تاریخ شـهرهای اسـلامی اهتمـامی تمـام داشت ، به ویژه تاریـخ عتبات عالیات ، که تحقیقات او در این زمینه ، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسه» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب ، بسـیار می کوشـید ، مانند : هزاره ی کندی فیلسوف ، هزاره سید رضی ، هزاره ی شـیخ صدوق ، هزاره ی صاحب بن عباد ، هزاره ی شـیخ مفید، بزرگداشت صـفی الدین ارموی وابن رحمه حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...

در طول این سالها ، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون ومعجم المطبوعات نوشت.

عضـویت در فرهنگسـتان زبـان ایران (۱۹۵۲) ، جمعیت سـلطنتی آسـیایی لنـدن مجمع(۱۹۵۴) ، مجمـع اللغـه العربیه قـاهره(۱۹۵۶) ، ممجمع علمی علیگره هند(۱۹۷۶)، علمی عربی دمشق(۱۹۹۳) و مجامع دیگر ، در کارنامه ی اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه ، به تصـحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکلمه امل الآمل » نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او ـ در عین تصـلب به مبانی شـیعی ـ بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصـد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مـذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۰/۵۶٪ از آن ، حکم مختص شـیعه امامیه است.(متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنـده ی این سـطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص۱۸۲-۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن ، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ ، رساله ای درباره ثقه الاسـلام کلینی و کتاب شـریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد:«هی معربه عن مکانه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضلّعه و براعته فی الدرایه و الحدیث . فزیّنا الکتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إکباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد:«از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار ، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسـی ترجمه شـده ودر ابتـدای نخستین مجلّـد ترجمه انگلیسـی اصول کافی (ترجمه آیت الله شـیخ محمدرضـا جعفری نجفی تحت عنوان" Al-Kulayni and Al Kafi" درج شده است.

(چاپ تهران : سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis ، ج۱، ص۲۷ تا۴۶)

ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود:«وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام ، همراه با من دفن شود

، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم.»

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در بر پاییِ رایتِ اجازه ی حدیث است . وی ، از زمانی که نخستین اجازه ی روایی خود را در سنّ بیست سالگی ، از شیخ آقا بزرگ گرفت ، تا آخر عمر پربار خود ، نزدیک به صد اجازه ی روایتی ، ، از محدثان شیعه امامی زیدی ، اسماعیلی ، حنفی ، حنبلی ، مالکی ، شافعی در زمینه های حدیث ، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه ، خط ، استخاره ، علوم غریبه گرفت . و خود به صدها تن اجازه ی روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله : نجف ، کاظمین ، سامرا ، صور (لبنان) ، طنجه ، فاس (مغرب) ، تهران ، قم ، زنجان ، بغداد، دمشق ، اصفهان ، سمنان ، سبزوار ، پطرزبورگ ، مدینه ، بعلبک ، بصره ، موصل ، علیگره ، إربیل (عراق) ، لندن ، صنعاء(یمن) ، تلمسان(الجزایر) ، بعقوبه (عراق) ،هرمل (لبنان)

دکتر محفوظ ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی ، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازه ی آنها از خود را ، نشانه ی تواضع آنها می دانست . از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم ، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم ، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث ، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم ، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، ازهمین مجلس چنین یاد می کند:

قال :«أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لمّا استجزته انا

قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً

وهیبه و خجلاً و رهبا

أکاد من فرط الحیا أذوب

والقلب قد قطّعه الوجیب

و مالمثلی أن یجیز مثله

و کلّ و بل لایجاری طلّه

لکنّه تواضع الکبار

اذا حنوا فضلاً علی الصغار

و هو تواضع الأعزّ الأجلل

ما یخفض الجناح إلّا أمثل

و انّها روایه الأکابر

إذا روی الشیخ عن الأصاغر

و ذاک حقّاً شرف عظیم أرفع لا تناله النجوم

قد خصّنی بلطفه إحساناً

و من یضاهی ء الحیا تهتانا

پی نوشت ها:

*عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۱-کافی،کتاب فضل العلم ؛باب صفهٔ العلم و فضله و فضل العلماء ،حدیث ۸.

۲-بخشی از قصیده ی استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمد خان قزوینی.

منابع زندگینامه :فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه،شماره ۲۱.

محقق اصطهباناتی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۵۵ ق)، عالم امامی، مفسر، ریاضیدان، متکلم و عارف. ملقب به محقق العلماء. نسبتش به اصطهبانات فارس می‌رسد. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی بود. در اصطهبانات به دنیا آمد. مدتی در یزد و مشهد و اصفهان در محضر آقا محمدجعفر کرمانی، شاگرد شیخ انصاری، و میرزا محمدرضا یزدی، شاگرد صاحب «جواهر»، و دیگران تلمذ نمود. او از حکمای زمان خود و عالم معقول و منقول بود که در ادب و ریاضی نیز دستی توانا داشت. در اصطهبانات درگذشت و در کنار قبر مغربی تبریزی، به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه‌ی «تحریر اقلیدس» خواجه نصیر طوسی؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ «السلسبیل»، در عرفان؛ «دعاء کمیل»، که در حاشیه «زاد المعاد» به چاپ رسیده؛ «الحصن الحصین»، در شرح «البلد الامین»، در توحید؛ «مطالع الانوار»؛ «لمعات النور»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ رساله‌ای در «هیئت»؛ رساله‌ای در «قبله»، که آن را به خواست میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی در رد بر میرزا محمدباقر اصطهباناتی نگاشت.[۱]

الشیخ میرزا ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی لاری معروف بمحقق عالمی جلیل و فاضلی مصنّف است.

وی از صبیّه فاضله آیه‌الله حاج سید جعفر کشفی متولد شده و جماعتی از بزرگان مانند میرزا محمد رضا یزدی و آقا محمد جعفر کرمانی از وی استفاده نموده‌اند. تألیفاتی دارد مانند (السلسبیل) و شرح دعاء کمیل و زادالمعاد والحصن الحصین و مطالع الانوار و لمعات النور و شرح تشریح الافلاک و حاشیه تحریر اقلیدس در ماه ذی‌الحجه ۱۳۳۸ ق از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۳۶،۳۲۳/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱ -۹۰/ ۱)، الذریعه (۲۵۸، ۱۴۶/ ۱۳، ۱۴۲/ ۲۱ ،۳۴۷/ ۱۸، ۲۱۴/ ۱۲، ۱۴/ ۷، ۳۳/ ۶)، ریحانه (۲۳۶/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷، ۳۵/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۶/ ۳)، مکارم الآثار (۱۵۰۱ -۱۵۰۰/ ۵).

محقق خوانساری، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ -۱۰۱۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الکل فی الکل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا ـ محمدتقی مجلسی و

خلیفةالسلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌اللّه جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سورة الفاتحة»؛ ترجمه‌ی «صحیفة السجادیة»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ وفیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمة الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبهة الایمان و الکفر»، «شبهة الطفرة» و «شبهة الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۰ -۱۴۸/ ۶)، ایضاح المکنون (۴۸۵/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶ -۳۱۴/ ۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۶ -۲۳)، تذکرة القبور (۲۹۸ -۲۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۳ -۱۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۳، ۵۱/ ۲)، الذریعه (۱۰۶/ ۲۲ /۳۶، ۲۱ ۱۳۳، -۱۳۲/ ۲۰ ۲۴۴، ۹۱، ۲۵/ ۱۳ ۲۴۷، ۹ /۱۹، ۷ ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۱۱، ۶۸/ ۶ ،۸۱/ ۵ ،۳۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲/ ۴)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۳۹/ ۲)، ریاض العارفین (۱۸۷)، ریاض العلماء (۶۰ -۵۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲ -۲۳۹/ ۵)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۸ -۴۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۷ -۱۶۶/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۸ -۲۳۴)، فوائد الرضویه (۱۵۵ - ۱۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۹ -۱۵۸/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (۴۸/ ۴)، مواد التواریخ (۱۷۴ -۱۷۳)، هدیة الاحباب (۲۳۵ -۲۳۴)، هدیة العارفین (۳۲۴/ ۱).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۰ -۱۰۱۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزوار بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میر فندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملا-حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبداللّه شوشتری به وی تفویض شد. وی همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبداللّه اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان درگذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایة الاحکام» یا «کفایة الفقه» یا «کفایة المعتقد» یا «کفایة المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در

فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبله»؛ شرح «زبدهٔ الاصول» شیخ بهائی؛ «رسالهٔ الخلافیهٔ»، در عبادات؛ «روضهٔ الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاهٔ»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲/ ۶)، ایضاح المکنون (۵۴۲/ ۱)، الذریعه (۲۵۶/ ۲۲ ،۳۰۸/ ۲۱ ،۲۱ ،۹۹، ۹۶، ۸۸/ ۱۸ ، ۲۹۰ -۲۸۹/ ۱۱ ، ۱۹/ ۱۰ ،۲۳۹/ ۷ ،۱۴۱ ، ۱۱۰/ ۶ ،۵۷/ ۵)، روضات الجنات (۷۶ -۶۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲ -۷۱/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۲ -۲۳۰)، فوائد الرضویه (۴۲۶ -۴۲۵)، الکنی و الالقاب (۱۶۱ -۱۵۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ سبزواری)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۷/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۹۷/ ۲).

محلاتی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. در محلات به دنیا آمد. در تهران و بروجرد از محضر پدرش و چند تن از علما استفاده نمود. سپس به عراق رفت و یک سال در سامرا ملازم بحث میرزای شیرازی شد. سپس به نجف رفت و نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی مدتی تلمذ نمود. او همچنین از میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید حسین کوه کمری بهره برد تا به مراتب علمی عالی رسید. آنگاه خود مستقلا به بحث و تدریس فقه و اصول و تصنیف پرداخت. او در نجف درگذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول و اشعار زیادی در مدایح و مراثی ائمه (ع) باقی مانده است. از آثارش: «تنقیح الابحاث»؛ «نفائس الفوائد»، در مهمات اصول فقه؛ «لباب الاصول»؛ حاشیه بر «الملل و النحل»؛ «اللآلی المربوطهٔ»؛ «انوار العلم و المعرفهٔ»، در اصول دین که نخست نام آن «نور العلم و المعرفهٔ»، بود؛ «الدرر اللوامع»، در فقه و اصول و رجال؛ «الکلمات الموجزهٔ»، در کلام، سیاست و تاریخ؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ حاشیه بر «الرسائل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

اسماعیل بن محمدعلی بن زین‌العابدین محلاتی نجفی عالمی کبیر و محققی دقیق متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ قمری از شاگردان میرزا شیرازی بزرگ و میرزا حبیب‌اللّه رشتی دارای تالیفاتی عدیده مانند تنقیح الابحاث ۲- نفائس الفوائد ۳- لباب الاصول ۴- اللئالی المربوطه ۵- انوار العلم و المعرفه ۶- نور العلم و الایمان ۷- الدرر اللوامع ۸- الکلمات الموجزه بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۲۴/ ۹ ،۴۰۵ -۴۰۴/ ۳)، تاریخ بروجرد (۵۲۳/ ۲)، الذریعه (۲۷۶، ۲۶۳ ، ۱۲۰/ ۱۸ ،۱۳۴/ ۸ ،۲۲۱/ ۶ ، ۴۶۰ -۴۵۹/ ۴ ،۴۴۴/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/ ۷)، معجم المؤلین (۶۱/ ۹ ،۲۹۳ - ۲۹۲/ ۲)، مکارم الآثار (۱۹۱۷/ ۶)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللَّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللَّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللَّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللَّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللَّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعهٔ»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرهٔالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیهٔ»؛ «کشف الهاویهٔ»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمهٔ التامهٔ»، در احوال اکابر عامه.[۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.

۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.

۳- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.

۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.

۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.

۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.

۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.

۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.

۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.

۱۰- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

۱۱- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.

۱۲- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.

۱۳- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.

۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.

۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.

۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.

۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.

۱۸- کشف‌التهمه.

۱۹- السیوف البارقه.

۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.

۲۱- شرافهٔ الاسخیاء و رذالهٔ البخلاء.

و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمهٔ التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرهٔ المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرهٔ العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرهٔ الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در

چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۵ ،۶/ ۱۹ ،۱۲۲ ،۴۴ ،۴۲/ ۱۸ ،۱۶۵ ،۱۵۲ -۱۵۱ ،۷۲/ ۱۷ ،۱۶۸/ ۱۶ ،۲۹۳ ،۹۹/ ۱۲ ،۳۱۴ -۳۱۳/ ۱۱ ،۲۸۵ ،۳۸/ ۷ ،۲۵۵/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶ -۷۱۵/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/ ۳).

محمدرضایی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمد رضایی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد محمد رضایی در اول فرودین ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس قم به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قم گذراندم. در سال ۵۷- ۱۳۵۶ در رشته علوم تجربی از دبیرستان حکیم نظامی قم، دیپلم گرفتم. در دانشگاه، جهت ادامه تحصیل، رشته شیمی را انتخاب کردم. حدود ۸۰ واحد درسی را در این رشته پاس نمودم. که به جهت علاقه و نیاز دانشگاهها به مسائل فکری و عقیدتی به رشته فلسفه غرب روی آورده و لیسانس و فوق لیسانس را در همین رشته در دانشگاه تهران به اتمام رساندم. بعد از اتمام فوق لیسانس، دکترای فلسفه و کلام را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ نمودم. به جهت آشنایی با تفکر اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۸ در حوزه علمیه قم به تحصیل در دوره سطح و خارج فقه و اصول و فلسفه اشتغال داشته ام

محمدی مظفر، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن محمدی مظفر

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه رشت وارد شدم و تا سال ۱۳۷۰ به تحصیل دروس مقدماتی و سطح در آنجا اشتغال داشتم و همزمان دروس مقدماتی را نیز تدریس می کردم(عمدتاً معانی و بیان) و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به مدّت دو سال برای ادامه تحصیلات حوزوی، به حوزه علمیه مشهد رفتم و پس از آن از سال ۱۳۷۲ به حوزه علمیه قم آمدم و همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه مفید قم پرداختم و با پایان یافتن این دوره در سال ۱۳۷۶ به مرحله بعد یعنی کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم راه یافتم و این دوره را نیز با اتمام پایان نامه که موضوعش تصحیح الفرقة الناجیه شیخ ابراهیم قطیفی بود، در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۴ در رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و هم اکنون در این دوره به تحصیل اشتغال دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۷۶ که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به طور رسمی و عمومی کار خود را آغاز کرد، در این مرکز به آموزش و پژوهش مجله هفت آسمان نیز به بنده سپرده شده است. علاوه بر اینها تاکنون سعی کرده ام که با دروس حوزوی قطع رابطه نکنم و تا حد امکان سعی می کنم در درس خارج حوزه شرکت کنم.همچنین از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مدت سه ترم در مدرسه امام خمینی(ره) برای رشته مذاهب به تدریس زبان تخصصی در رشته مذاهب اسلامی اشتغال دارم. در سالهای اخیر آثاری نیز اعم از کتاب یا مقاله در قالب تصحیح، تألیف و ترجمه داشته ام که برخی از آنها چاپ شده و برخی چاپ نشده است و فهرستی از آنها را در صفحه مربوط به آنها عرضه کرده ام.

محمدی ملایری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محمدی ملایری در سال ۱۳۰۶ه.ش در ملایر متولدشد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی زادگاه خویش و عزیمت به اراک واخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۶۶ و در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳ لیسانس و وفوق لیسانس و دکتری ادبیات را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی مدتی را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشگاه آمریکایی بیروت تدریس کرد. وی کتابهایی چون ترجمه کتاب عرفان مولوی، بررسی اندیشه های عرفانی عطار، اصول و مبانی تصوف و عرفان را منتشر کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیگرایش : ادبیات عرفانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد محمدی ملایری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود ملایر و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۹و ۱۳۵۳ه.ش موفق به دریافت مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.خاطرات و وقایع تحصیل : احمد محمدی ملایری بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۳ که به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تنران مشغول بود، شاهد اواسط و اواخر سلطنت محمدرضا

شاه پهلوی در ایران بوده است. در آن زمان جریانهای شعر نو و شعر سنتی نیز به جدال خود اداهمه می دادند.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد محمدی ملایری در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به مطالعه وسیع آثار عرفانی ادبیات فارسی و نیز آثار دراماتیک (نمایشنامه های اروپایی) مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد محمدی ملایری پس از دریافت دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول بود.فعالیتهای آموزشی : احمد محمدی ملایری پس از اخذ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز در دانشگاههای اروپایی بیروت پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد محمدی ملایری در کنار تدریس ادبیات فارسی، به ترجمه و تالیف اثاری دربارهٔ عرفان اسلامی ایران و ادبیات فارسی مشغول بوده است و وی به فعالیت های تحقیقاتی خود ادامه می دهد.آرا و گرایشهای خاص : احمد محمدی ملایری در رشته ادبیات فارسی بیشتر به عرفان اسلامی -ایرانی و آثار ادبی مربوط به آن (مولوی ، عطار) علاقمند است و دراین زمینه تحقیقات و تالیفاتی دارد .

آثار : ۱ آیین نگارش و سخنوری ۲ اصول و مبانی تصوف و عرفان ۳ بررس اندیشه های عرفانی عطار ۴ پایتخت های نامی ایران در دوران تاریخ ۵ ترجمه کتاب عرفان مولوی

محمدی، اردشیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اردشیر محمدی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردشیر محمدی متولد ۱۳۵۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمدم .دوران ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون ۸ سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم .از سال ۱۳۷۸تا ۱۳۸۲ دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد .در ضمن حدود ۵ سال است که در دانشگاههای مختلف مشغول تبلیغ وتدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم .

محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محمدی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۲

زندگینامه علمی

آقای حسین محمدی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر گرگان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه گرگان به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید.

از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله استادی، آیت الله خاتمی ،استاد علی محمدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۶از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گرگان و حوزه علمیه گرگان به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" بررسی نگرش دانشجویان نسبت به نماز "و" تجربه دینی و شهود عرفانی "را به رشته تحریر در آورده است.

محمدی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۴۱در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در

سن ۴ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ درآنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقاضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطم با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل‌مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام(ره) را نزد آقای رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.

دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال ۱۳۷۴ به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نهایهٔ الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنبهات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریهٔ المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالهٔ الفطرهٔ و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیهٔ الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدرس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای

انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صادق محمدی

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیهٔ الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، عزت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزت الله محمدی

محل تولد : فیروزآباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۱

در شهرستان فیروزآباد فارس – پس از دوره راهنمایی در حوزه علمیه شهرستان مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم در مدرسه آیت الله گلپایگانی ره مشغول به تحصیل مقدمات شدم پس از اتمام معالم و مختصر در حوزه (دروس

آزاد بیرون از مدارس مقدماتی) در درسهای اصول فقه و لمعه و رسائل و کفایه. استادان محترم محمدی، سعیدی، خاتمی، علیدوست، استادی، اشتهاردی، وجدانی فخر ره، حسینی بوشهری، حسینی تهرانی، اعتمادی، پایانی ره، شرکت نموده و درسهای الهیات ، رجال، آیین واهبیت، تفسیر از استادها معظم آیت الله سبحانی، ربانی گلپایگانی، خرازی، استادی بهره مند شدم و درس خارج فقه واصول اساتید معظم : آیت الله فاضل ره ، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله تبریزی، و آیت الله وحید شرکت نموده و از محضر آنان فیض برده و همه را نوشتم و مکتوب نمودم. و با شرکت در تخصصی کلام دوره ۴ ساله را طی نموده و پایان نامه اخذ که هنوز موفق به نوشتن آن نشده ام و در دانشگاه کارشناسی مدیریت را تحصیل کردم. علاوه به تحقیقاتی که خودم داشته ام فقط با پژوهشگاه حوزه مدتی همکاری نمودم.

محمدی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم محمدی

محل تولد : اردل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال ۱۳۶۵تا سال ۱۳۷۰سطوح مقدماتی را د رحوزه های علمیه استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال ۱۳۷۰تا کنون در حوزه علمیه قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال ۱۳۷۹وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح ۴شدم و اکنون د رحال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبیت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است .مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی د رحوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال ۱۳۸۱تا سال ۱۳۸۳مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام د رحال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم .

لازم به ذکر است از سال ۱۳۶۸تاکنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس ،مناطق عشایری ،روستاها ،نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم. لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو ،منطق وفلسفه تدریس داشته ام،هم د رحوزه های شهرستان و هم قم . و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم .همچنین مدتی د رسال۱۳۷۲مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال ۱۳۸۱تا۱۳۸۳ تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام را عهده دار بودم و سال۱۳۸۴تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم ،و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده

دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام .

محمدیان، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی محمدیان

محل تولد : نورآباد لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی محمدیان در سال ۱۳۵۱ در یک خانواده مذهبی در شهرستان نورآباد لرستان متولد شدم. دوران ابتدایی را در سال ۱۳۶۲ تمام کردم. سال اول و دوم و سوم راهنمایی را در دوران جنگ سپری کردم. حال و هوای جبهه و شهادت برادر بزرگم بر روحیه من تأثیر عمیقی گذاشت و باعث شد که این حقیر ، سال سوم راهنمایی عازم جبهه شوم برای اولین بار. در پاییز ۱۳۶۶ به حوزه علمیه سید مرتضی علم الهدی نورآباد رفته و ثبت نام کردم. اما آن سال را نیز با رفتن به جبهه گذراندم و اصولا حال و هوای جبهه نمی گذاشت به درس فکر کنیم.

در طول سال ۱۳۶۶ فقط صرف میر را خواندیم . مجدداً در بهار سال ۱۳۶۷ به جبهه رفتیم که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. سال ۶۷ و ۶۸ را در نورآباد با موفقیت تمام درس خواندیم هدایه و صمدیه را پیش استاد بزرگوار آقای رضوانی (از طلاب مهاجر افغانی) که مدرس حوزه علمیه بودند با موفقیت تمام کردیم. سیوطی و باب رابع مغنی ، حاشیه ملاعبدالله در منطق و ... یادم هست که در اکثر امتحانات نمره خیلی خوبی می گرفتم. در امتحان باب رابع مغنی بیست گرفتم و همین باعث شد که یک تخته پتوی یک نفر به من جایزه دهند.

عطش زیادی به تحصیل در قم داشتم چندین بار اقدام می کردم اما میسر نمی شد. با دو نفر از دوستان همشهری تصمیم گرفتیم که به حوزه علمیه جعفریه پاکدشت (تهران) بریم. علت این تصمیم این بود که امام جمعه و مسئول حوزه این شهرستان حجهٔ الاسلام و المسلمین کاظمی (آل کاظمی) از همشهریان ما بود. عالم فاضل و وارسته ای است. مخصوصا خلف مرحوم آیت الله شیخ فرج الله موموندی است که ایشان از شاگردان آیهٔ الله نائینی و آیت الله اصفهانی قدس سره هم بوده اند و در منطقه غرب دارای آوازه و نفوذ زیادی هستند و همین جاذبه معنوی آن مرحوم ما را به حوز ه علمیه فرزندانشان کشاند. یک سال در آنجا درس خواندم و البته ادبیات هم تدریس می کردم. ولی دوری راه و محیط این حوزه علمیه که محیط حوزه و ..... نمی توانست ذهن و جان مرا که نام قم در گوشه گوشه ی قلبم نوشته شده بود سیراب کند لذا بعد از یک سال به بروجرد برگشتم. ریاست حوزه با مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین نواب بود، که خود ایشان و مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حسین دوست هم استاد بودند و به این حقیر و به حجهٔ الاسلام والمسمین حقیان که اکنون امام جمعه شهر کرج است عنایت بسیار داشتند . شرح لمعه و اصول مظفر را در نزد این دو

بزرگوار خوانـدیم. در عین حال بنـده در بروجرد تدریس هم می کردم . ادبیات ، جامع المقدمات، منطق و ... و حتی باعث تدریس حقوق می گرفتم. بعد از اتمام لمعتین و اصول به فکر آمدن به قم افتادم. ثبت نام کردم و به طور متفرقه در امتحانات قم شرکت می کردم تـا اینکه در سال ۱۳۷۳ با نمرات عالی قبول شـدم و وارد حوزه علمیه قم (المقـدسه) شـدم. دو سال در خوابگاه جعفریه پشـت بیمارستان آیةالله گلپایگانی ساکن بودم.

و در سـال ۱۳۷۴ ازدواج کردم امـا بـاز آن سـال در خوابگـاه بودم. از سال ۱۳۷۵ خـانواده را به قم منتقـل کردم تـا با دقت و حـدت بیشتری به تحصیل بپردازم. دوران سـختی را داشتیم بـا هفـده هزار تومـان شـهریه که ده هزار تومـان آن را به کرایه خـانه می دادیم روزگار سپری می کردیم و البته فضل خدا همواره کمک و مدد بوده و هست.

به شدت به تحصیل مشغول بودم درسها را مباحثه می کردم می خواندم و می نوشتم گاهی مباحثه های ما ساعت ۹ و ۱۰ شب طول می کشید در این سالها تصمیم گرفتم که پرونـده تحصیلات کلاسیک را از بروجرد (مـدرسه ایثارگران) به مـدرسه ایثارگران قم منتقل کنم.

و نم نمک دوره دبیرسـتان را هم می خواندم. در سال ۱۳۷۷ در آزمون ورودی دانشـگاه مفید ثبت نام کردم و در رشـته فلسفه قبول شدم . دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی از نظر علمی ، دانشگاه خوب است و اساتید قوی را دعوت می کند.

دوره کارشناسـی را با رتبه الف در سال ۱۳۸۰ (بهمن ماه) تمام کردم. و همان سال در امتحانات کارشناسـی ارشد سراسـری شرکت کردم و با رتبه دو رقمی ۱۷ قبول شدم. رشته فلسفه را در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه دادم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه خود که در حوزه فلسـفه دین (بررسـی مسأله فناناپـذیری روح) که چنـدین مقاله از فیلسوفان غربی در باره جـاودانگی روح و حیـات پس از مرگ بود ترجمه کردم و بر اساس مبانی اسـلامی و فلسـفه صـدرایی و .... مشایی نقـد کردم. نمره پایان نامه من عالی شد. قصد داشتـم همان سال دکترای فلسـفه را هم ادامه دهم اما برخی مشـکلات زندگی مانع شد. در همان سال آخر دانشـگاه به عنوان محقق با موسسه پژوهشـی – آموزشی امام خمینی (ره) در قم همکاری می کردم و در بخش دائرة المعارف علوم عقلی به عنوان محقق در اصـطلاح یابی فلسـفی مشـغول بودم دو سالی در آنجا همراه با تحصـیل در حوزه به حیات علمی خود ادامه می دادم.

در اول سـال ۱۳۸۵ تحصـیلی تقاضای سـطح چهار نمودم بعد از بررسـی پایان نامه کارشناسـی ارشد دانشـگاه آن را پذیرفته و اجازه دادند که به دنبال موضوع برای سطح چهار حوزه علمیه قم باشم.

موضوع را انتخاب کردم « تعامل فلسـفه و تفسـیر» و موضوع تصویب شد و طرح آن را هم نوشـتم و طرح نیز پس از نقضـی و ابرامی تایید شده بالاخره هم اکنون مشـغول نوشتن رساله سطح ۴ هسـتم و اسـتاد راهنمای این طرح آقای دکتر محمد حسن زمانی است. و استاد مشاوره بنده هم دکتر احمد عابدی می باشد.

لازم به یادآوری است که مدت یک سال است که در دانشـگاه علوم پزشـکی رفسنجان هم به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به تدریس هستم و هم اکنون هفته ای سه روز برای تدریس به دانشگاه رفسنجان می روم.

و از تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۶ هم در واحد ترجمه پژوهشـگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم مشغول به خدمت هستم.باشد تا خداوند سبحان عاقبت امر ما را ختم به خیر نماید. آمین. و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و الحمدلله رب العالمین.

محمودی اصل، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید محمودی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

من در شهر تبریز مدرسه طالبیه از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شده ام.بعد از یک سال و نیم وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را تا سال ۱۳۶۸ تمام کردم.در کنار دروس معمول حوزه از اساتید برجسته اخلاق همچون آیت الله مشکینی، امینی و کربلائی و مظاهری بهره جستم. درس خارج را از سال ۱۳۷۴ در خدمت استاد سبحانی (اصول) و استاد مکارم (فقه) بودم. فلسفه بدایه و نهایه را با آقای ممدوحی و مقداری از منظومه را از استاد شیرازی تلمذ کرده ام. فلسفه غرب را از استاد خاتمی و ملکیان استفاده کرده ام. شرح تجرید و کلام جدید را به ترتیب در حوزه و دانشگاه قم (تربیت مدرس) خوانده ام مطالعات زیادی (ده سال) در زمینه روانشناسی رفتاری شروع کرده ام و الان تحقیقات و تدریس و سمینارهای فراوان در تبریز برگزار می کنم.در حوزه هنر فیلم بینی و مطالعات سینمایی را از سال ۱۳۷۵ در حوزه هنری قم شروع کردم و الان نیز با کارگردانهای جهان همچون اسکوریزی و کوبریک ارتباط فکری دارم. الان در تبریز مورد مشاوره سازمانهای صنعتی و کارشناس کلینیک خانواده و مشاوره جمعیت هلال احمر در حوزه مهارتهای زندگی در خدمت جوانان هستم. عمده دغدغه من استخراج از منابع دینی در خصوص مهارتهای رفتاری می باشد.

مخدوم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مخدوم

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۱وارد حوزه شدم وتا سال ۱۳۷۶ و پس از پایان سطح (لمعتین) درحوزه علمیه دزفول از سال ۱۳۷۷وارد حوزه علمیه قم شدم . مکاسب وکفایه را در محضر درس استاد نکونام گلپایگانی و رسائل را در درس آیهٔ الله استادی شرکت کردم . نهایهٔالحکمه

را از اسـتاد معلمی بهره بردم .در کلاسهای پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی از درس های کلام جدید استاد خسروپناه ،منطق فهم دین اسـتاد رشاد ،عرفان نظری دکتر شیری و فلسفه علم دکتر قوام صـفوی شـرکت کردم . از موسـسه امام صادق (مرکز تخصصـی کلام) در دوره ۲/۳ درمقطع سطح ۳ فارغ التحصـیل شدم .از سال ۱۳۸۱ با گروه کلام و فلسـفه مرکز مطالعات و پژوهشـهای حوزه علمیه همکـاری می کنم .در مجموع این سالها فعالیت در دانشـگاه ها (بین دانشـجویان) وطلاب جوانان اولویت های کاری ام بوده است . اکنون در مرکز پاسخگوئی تلفنی به سئوالات دینی دفتر تبلیغات به عنوان معاون مرکز مشغول به همکاری هستم و در موسسه امام صادق (ع) درس کلام جدید تدریس می کنم .

مدرس، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۸۷ ه.ق در قریه سرابه کچو از توابع اردستان تولد یافت. پدرش اسماعیل و جدش میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین بود. پدر و اجـدادش متـدین و مبلغ احکـام الهی بودنـد. در شـش سـالگی به قمشه هجرت داده شـد و تـا ۱۴ سـالگی در آنجا به تحصـیل علوم مختلف اشتغال داشت. در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصـیل وارد حوزه علمیه اصفهان شد قریب سیزده سال در اصفهان در محضر سی استاد تملذ نمود. استادان برجسته وی میرزا عبدالعلی هرندی و میرزا جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملا محمد کاشانی بودند.

مـدرس سـپس برای ادامه تحصـیل عازم نجف اشـرف شـد و مـدت هفت سال نیز در آنجا تحصـیل نمود. محاضـر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سـید کاظم یزدی را طی کرد و از چند مرجع تقلید درجه اجتهاد گرفت. سـپس به اصـفهان بازگشت و در مدرسه جده به تدریس فقه و اصول مشـغول گردید. یکبار در آن مدرسه به وی سوءقصد شد و چهارگلوله به سـمت او شـلیک شد ولی آسیب به مدرس نرسید و موضوع را نیز تعقیب نکرد.

مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی که انتخابات آن بعد از اسـتبداد صـغیر به صورت دو درجه‌ای انجام گرفت از طرف علمای اعلاـم نجف به عنوان هیئت روحـانیه نظار در اجرای اصل دوم قانون اساسـی انتخاب گردیـد. مجموعا منتخبین علماء نجف پنـج نفر بودنـد، یکی مـدرس و چهار نفر دیگر عبارت بودند از: حاج سـید زین‌العابدین قمی، حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، حاج سید ابوالحسن اصـفهانی و حاج شـیخ باقر همـدانی. ناگفته نمانـد که دو نفر اخیر به مجلس وارد نشدنـد. مدرس پس از ورود به تهران و مشـارکت در جلسـات شورای ملی خیلی زود جـای خود را باز کرد. وی در آن مجلس مسـلک اعتـدالی را انتخاب نمود ولی رسـما داخل تشـکیلات آنها نشـد. مرحوم ملک الشـعرای بهار در جلـد اول تاریـخ احزاب سیاسـی می‌نویسد: «دموکراتها که ۲۸ نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالوین را که ۳۶ تن می‌شدند ارتجاعی می‌نامیدند؛ زیرا آن حزب هوادار روش ملایمتر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشـتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعیوان نـداشت از این رو بیشتر اعیان بـدان حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سـردار محیی، دولت‌آبادیها، سـید عبدالله بزرگ بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبائی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصـرالملک نایب‌السـلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند...» مجلس دوم در طول دو سـال عمر حوادث مهمی را پشت سـر گـذاشت و به ترتیب سـپهدار تنکـابنی، مسـتوفی‌الممالک، سـپهدار تنکابنی و صمصام‌السـلطنه را به روی کار آورد. دو نایب‌السـلطنه در آن دوران معرفی و انتخاب شدند. محمد علی شاه و دو برادرش به خاک ایران تجـاوز نمودنـد و سـرانجام اولتیمـاتوم روسـیه برای اخراج شوستر عمر آن مجلس را پایان بخشـید. سـید حسن مـدرس در تمام

مسائل مهم مطروحه در مجلس دوم دست اندرکار بود و با نطقهای طولانی و بحثهای مختلف در حل مشکلات دولت را یاری می‌داد و در مقابل خواستهای غیرقانونی امنای دولت سرسختانه مبارزه و از انجام آن جلوگیری می کرد.

وقتی مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت قانون اصول محاکمات را تهیه و به مجلس تقدیم کرد در کمیسیون عدلیه که ریاست آن با مدرس بود قانون را رد کردند و موجب قهر مشیرالدوله شد و در وزارتخانه حضور نیافت. عده‌ای از وکلای متنفذ مجلس باری اصلاح ذات‌البین به تلاش افتادند و از دیوانعالی کشور هم عده‌ای دست به کار شدند. سرانجام مدرس تصویب قانون اصول محاکمات را موکول بر آن نمود که هشت ماده‌ای که او پیشنهاد می کند در ابتدای قانون آورده شود. مشیرالدوله سرسختانه در مقابل هشت ماده پیشنهادی مدرس ایستادگی کرد ولی بالاخره چاره و پیشرفت قانون را منحصرا در قبول کلیه مواد دید و ناچار تسلیم مدرس شد.

در اواخر دوره دوم مجلس که قسمتی از کشور تحت سلطه سربازان روسی بود بطور ناگهانی اولتیماتومی در سه اصل به دولت ایران داده شد که اصل اول آن اخراج موردگان شوشتر امریکایی بود. دولت صمصام‌السلطنه اولتیماتوم را به مجلس برد و در اثر نطق تند و احساساتی شیخ محمد خیابانی مجلس به اتفاق آرا اولتیماتوم را رد کرد و روسها قوای نظامی خود را به سمت تهران حرکت دادند. جلسات مجلس شب و روز تشکیل می‌شد، در این جلسات مدرس نقش بسیار سازنده‌ای پیش گرفت تا موضوع به نفع ایران خاتمه یابد، چند نطقی که مدرس در این زمینه ایراد کرد بسیار سنجیده و پخته بود و راه‌حلهایی ارائه نمود.

پس از تعطیل قهری مجلس دوم به شغل اصلی خود که تدریس فقه و اصول بود پرداخت و همه روز در مدرسه عالی سپهسالار حضور یافته برای شاگردان خود درس می گفت. ضمنا با محافل سیاسی تهران نیز در رفت و آمد بود و در حقیقت از شخصیتهای برجسته سیاسی و روحانی تهران محسوب می‌شد. ناصرالملك نایب‌السلطنه وقت برای ادامه دیکتاتوریهای خود هرگز به فکر انتخابات دوره سوم نیفتاد تا بالاخره پس از سه سال فترت در دوره رئیس‌الوزرایی علاءالسلطنه فرمان انتخابات دوره سوم صادر شد و عین‌الدوله وزیر داخله وقت دستور اجرای آن را به حکام صادر نمود. در این دوره سید حسن مدرس به علت حسن شهرت از تهران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و پس از اخذ آراء و شمارش آن وکیل دوم تهران گردید.

مجلس سوم مجموعا قریب یکسال دوام کرد و در همان یکسال با مشکلات عظیمی مواجه بود. مدرس در رأس هیئت علمیه قرار داشت که تعداد نمایندگان آن در مجلس متجاوز از پانزده نفر بودند. در این دوره از مجلس وزیران مختار روس و انگلیس به زور فرمان رئیس‌الوزرائی سعدالدوله را از احمد شاه گرفتند ولی در اثر تلاش سفیر عثمانی و وزیر مختار آلمان فرمان باطل شد و آزادیخواهان مجلس عین‌الدوله را به ریاست وزرائی منصوب کردند. مدرس در این انتصاب نقشی مهم و عمده داشت. در کابینه عین‌الدوله که به اتفاق مورد تأیید مجلس قرار گرفته بود پس از دو ماه فرمانفرما وزیر داخله راجع به جریانات کرمانشاه مورد استیضاح دموکراتها قرار گرفت و عین‌الدوله نخست‌وزیر به موجب مسؤولیت مشترك وزیران استیضاح را متوجه هیئت وزیران کرد و در روز موعود به اتفاق وزیران به استیضاح پاسخ داد و در اثر گفتگوهای تندی که بین سلیمان محسن لیدر دموکراتها و عین‌الدوله رد و بدل شد تعرضا مجلس را ترك و استعفا داد. مدرس به حمایت عین‌الدوله نطق مهم و مستدلی ایراد کرد و سخنان عین‌الدوله را تأیید نمود. در اثر سخنان مؤثر مدرس مجلس مجددا به عین‌الدوله ابراز اعتماد کرد ولی عین‌الدوله زیر بار نرفت و نخست‌وزیری را نپذیرفت.

در نیمه‌های آبان ماه ۱۲۹۴ ش به دنبال حرکت قوای قزاق روس به سمت تهران احمد شاه تصمیم به ترك تهران و تغییر پایتخت گرفت و نیت و قصد خود را به کاخ‌نشینان لندن و پطرود گراد تلگرافی اطلاع داد. در آن موقع رجال ایران به دو دسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای با تغییر پایتخت موافق بودند و عده‌ای مخالف این تصمیم بوده و پافشاری می‌نمودند که شاه تهران را ترك نکند. قبل از حرکت شاه از تهران عده زیادی از رجال و روحانیون و نمایندگان مجلس به سمت قم حرکت کردند، مدرس جزو لیدران

مهاجرین بود. چندی در قم و کاشان و اصفهان توقف نمودند ولی چون قوای روس در تعقیب آنها بود به سمت کرمانشاه حرکت کردند. وزیران مختار روس و انگلیس احمدشاه را در تغییر پایتخت منصرف ساختند و به دستور احمدشاه مهاجرین تلگرافی به تهران احضار گردیدند ولی هیچکدام آنها دعوت شاه را نپذیرفته و درصدد دفاع از حیثیت کشور شدند. کمیسیونهای متعددی برای جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه تشکیل شد تا سرانجام رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با یک عده قوا وارد صحنه کرمانشاه شد. وی ریاست کل قوای ایران را برعهده گرفت و وزیرانی برای خود تعیین کرد که عبارت بودند از: سید حسن مدرس وزیر عدلیه و اوقاف، رضا قلی سالار نظام وزیر امور خارجه، میرزا حسین خان ادیب‌السلطنه وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف، محمد علی خان کلوپ وزیر مالیه و حاج عزالممالک وزی فوائد عامه.

مدرس ظاهرا وزارت عدلیه و اوقاف را توامان عهده‌دار بود، ولی عملا نظام‌السلطنه در تمام تصمیمات او را مشارکت می‌داد. این هیئت به روس و انگلیس اعلان جنگ داد. در چند منطقه بین قوای ژاندارم و نیروی ملی با قوای روسیه زد و خورد شدید شد و روسها قصد تسخیر کرمانشاه را نمودند. دولت موقتی و قوای او به سمت کرند و قصر شیرین رفتند و از آنجا به بصره و بغداد رفته سرانجام وارد استانبول شدند. در تمام مدت جنگ مدرس در استانبول بسر می‌برد و چندین بار با سلطان عثمانی و رئیس‌الوزراء و مقامات درجه اول آن کشور ملاقات و مذاکره کرد.

در سال ۱۲۹۵ که میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله به رئیس‌الوزرایی انتخاب شد فرمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی را صادر کرد و انتخابات بعضی از نقاط در همان موقع انجام گرفت. انتخابات تهران در مهرماه ۱۲۹۶ پایان گرفت و مدرس وکیل تهران شد در حالی که در آن ایام مدرس در استانبول اقامت داشت ولی وجهه و شخصیت وی موجب گردید مردم تهران او را به وکالت خود انتخاب نمایند. پس از پایان جنگ جهانگیر اول، مدرس و عده‌ای از مهاجرین از استانبول به تهران بازگشتند. بعد از وثوق‌الدوله به ترتیب علاءالسلطنه، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و صمصام‌السلطنه هریک مدت کوتاهی به زمامداری رسیدند ولی دردی دوا نشد.

در اوایل ۱۲۹۷ که صمصام‌السلطنه زمام امور را در دست گرفت، دولت ایران با مشکلاتی بزرگ مواجه بود از جمله تخلیه ایران از قوای خارجی، تعیین و اخذ خسارات ناشی از جنگ که به ایران وارد شده بود، روابط جدید و عقد قرارداد با همسایه شمالی که در اثر انقلاب و سقوط حکومت تزار و تشکیل شوراهای دولتی لازم بود که شخصی اداره امور را در دست بگیرد که توانایی انجام مشکلات کشور را داشته باشد. مدرس در این کار پیشقدم بود و با تشکیل جلسات متعدد و بیان مشکلات کشور و عدم توانایی صمصام‌السلطنه خواستار یک دولت قوی از احمدشاه شدند. احمدشاه که مردی ضعیف و کم اراده بود خواسته مردم را جدی نگرفت تا اینکه عده زیادی از روحانیون به ریاست سید حسن مدرس و حاج آقا جمال و سید محمد امام جمعه در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار کردند و با تشکیل جلسات و ایراد سخنرانی خواستار عزل صمصام‌السلطنه و رئیس‌الوزرایی وثوق‌الدوله شدند. دامنه مخالت با زمامداری صمصام‌السلطنه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد، بازار تهران تعطیل شد و اصناف ضمن تظاهراتی عزل او را خواستند. احمدشاه سرانجام تسلیم روحانیون شد و از آنها خواست که به شهر بازگردند و خواسته آنها را اجابت خواهد نمود. بالاخره تحصن شکسته شد و مدرس و همکاران او پس از ملاقات با احمدشاه خواستار تعیین رئیس‌الوزرای پرقدرتی شدند و قرعه فال به نام میرزا حسن خان وثوق‌الدوله افتاد. صمصام‌السلطنه عزل و وثوق‌الدوله روی کار آمد.

مدرس در سال اول زمامداری وثوق‌الدوله او را تقویت می‌کرد و در تمام کارها به او مشورت می‌داد ولی پس از اعلام انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، مدرس در رأس مخالفین قرارداد و وثوق‌الدوله قرار گرفت و تمام تلاش خود را برای عدم اجرای قرارداد به کار برد. وثوق‌الدوله بعد از یأس از اجرای قرارداد از کار کناره‌گیری کرد و راه اروپا پیش گرفت. مشیرالدوله و سپهدار اعظم رشتی جانشینان بعدی نیز کاری از پیش نبردند تا کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ انجام گرفت و سید حسن مدرس توسط کودتاچیان بازداشت

و به زندان افتاد.

فکر کودتا از چنـدی پیش در تهران در مغز عده‌ای فرو رفته بود، از جمله گفته می‌شد که سید حسن مدرس نیز قصد کودتا داشته است. ملک‌الشعرای بهار در کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی اشاراتی در این مورد دارد، از جمله می‌نویسد:

روز پنجشنبه مطابق ۷ حوت از دفتر رئیس‌الوزراء به من تلفن شد و مرا به عمارت گالاری احضار کردند. رئیس‌الوزراء با کلاه پوست ترکی مانند و سرداری در آخرین اتاق جنوبی مرا پذیرفت، هنوز دولتی انتخاب نکرده بود.

در ملاقات با ایشان دست خوش! گفته شد. رئیس دولت اظهار داشت اگر من کودتا نکرده بودم، مطمئن باشید که (مدرس) کودتا کرده همه ما را به دار می‌آویخت!

مدرس در تمام مدت زمامداری سید ضیاءالدین در زندان بسر برد تا اینکه میرزا احمد خان قوام‌السلطنه از زندان آزاد و به صدارت انتخاب گردید و روز نهم خرداد تمام زندانیان از جمله مدرس آزاد شده با شاه ملاقات کردند.

قوام‌السلطنه روز اول تیر ماه مجلس چهارم را که انتخابات آن در دوره وثوق‌الدوله آغاز شده بود افتتاح کرد.

مدرس در مجلس چهارم به اطراف خود نگریست تا عده‌ای را با خود همراه و همدل کند. چند نفری را برای خود انتخاب کرد مانند میرزا هاشم آشتیانی، سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)، نصرت‌الدوله فیروز و نصیرالسلطنه اسفندیاری و نام اصلاح طلب برای خودشان انتخاب کردند. اولین کار مدرس در مجلس چهارم و همکاران نزدیک وی رد اعتبارنامه‌های طرفداران سید ضیاءالدین بود. نقش اول این بازی بر عهده عبدالحسین تیمورتاش قرار گرفت و در نتیجه اعتبارنامه‌های عدل‌الملک دادگر، سلطان محمد عامری و مهدی خان معتصم‌السلطنه رد شد. کم‌کم این چند نفر نبض مجلس چهارم را در دست گرفتند و در انتخابات اولین هیئت رئیسه سردار معظم تیمورتاش و سید حسن مدرس به نیابت ریاست انتخاب شدند. مدرس در مجلس چهارم در حقیقت لیدر اکثریت بود و هیچکاری در دولت بدون نظر وی به انجام نمی‌رسید.

اولین حمله سید حسن مدرس به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ در همین مجلس آغاز شد. در روز ۱۲ مهرماه سال ۱۳۰۱ معتمدالتجار نماینده مردم تبریز نطقی در پارلمان ایراد کرد و از ظهور ارتجاع در تبریز و رشت و خرابی اوضاع و نقض شدید قوانین شکایت نموده از جمله از کارهای حکومتهای نظامی هم شکوه کرده و بالاخره متذکر شد که باید حکومتهای نظامی ملغی شود. بر اثر این خطابه سید حسن مدرس نطقی در چگونگی مجلس چهارم و خدمات آن بیان نموده و قدرت مجلس را گوشزد کرد، قضایای تاریخی مجلس دوم را برشمرد و گفت اگر وزیر بد است باید او را تغییر داد و ضمنا اسمی از وزیر جنگ برده و گفت منافع و مضاری دارد که منافع او اساسی و مضار او فرعی است.

نطق مدرس در وزیر جنگ مطلب نیفتاد، لذا در مقام استعفا برآمد و ضمن ملاقات با محمد حسن میرزا ولیعهد استعفای خود را از وزارت جنگ و فرماندهی قوا اعلام نمود. قوای نظامی پس از رنجش سردار سپه که منجر به استعفای او شده بود به تکاپو افتاده با ایراد نطق و میتینگ و رژه در خیابانها در مقام تهدید مجلس برآمدند. به دنبال استعفای سردار سپه، حاکم نظامی هم کناره‌گیری نمود و امنیت تهران مختل شد و بالاخره با وساطت موتمن‌الملک، سردار سپه استعفای خود را پس گرفت و مشغول کار گردید و در مجلس وعده داد حکومت نظامی را ملغی کند و ادارات خالصجات و مالیات مستقیم را به مالیه واگذار کند.

مدرس لیدر اکثریت مجلس چهارم بود و قوام‌السلطنه را مرد میدان سیاست می‌دانست. وقتی دموکراتهای مجلس به لیدری سلیمان محسن بر روی مخالفت با اختیارات وزیر دارایی کابینه در مقام مخالفت با قوم برآمدند- که منجر به کناره‌گیری رئیس دولت شد- مدرس رئیس‌الوزرایی مشیرالدوله را پیش کشید. علت اساسی این تصمیم این بود که مشیرالدوله در سمت رئیس‌الوزرایی ماندگار نبود چون به حیثیت خود و وجیه‌المله بودن اهمیت زیادی می‌داد، لذا در اولین برخورد با نمایندگان صندلی صدارت را خالی می‌کرد، از این رو، مدرس مشیرالدوله را به جای قوام نشانید و پیش‌بینی او درست درآمد. بعد از چهار ماه مشیرالدوله از کار کنار

رفت و با اصراری که احمدشاه از اروپا به وی نمود نپذیرفت. مدرس قوام‌السلطنه را کاندیدای نخست‌وزیری کرد و سرانجام اکثریت مجلس به او رأی اعتماد دادند و احمدشاه نیز تلگرافی او را تأیید کرد. قوام در دوره دوم نخست‌وزیر خود دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد. مهمترین کارش جلوگیری از تندرویهای سردار سپه وزیر جنگ بود. قانون استخدام کشوری و قانون محاکمه وزراء و قانون استخدام مستشاران امریکایی در این دوره از رئیس‌الوزرایی قوام‌السلطنه به تصویب رسید، ولی باز هم سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن قوام را مورد حمله قرار دادند و به جای وی مستوفی‌الممالک را کاندیدا نمودند. مجلس با این تغییر موافقت نمود ولی مدرس با این انتخاب مخالف بود. مستوفی پس از ۱۵ روز کابینه نیم‌بندی به مجلس معرفی کرد و پروگرام خود را در مجلس خواند. روز سیزدهم اسفند سید حسن مدرس به عنوان مخالف پشت تریبون مجلس قرار گرفته نطق تاریخی خود را ایراد کرد.

مدرس گفت: البته همه آقایان می‌دانند که از بدو تأسیس دولت حاضره بنده و یک جماعتی از آقایان اظهار موافقت نکردیم و شاید بعضی از این مسأله ملول باشند ولی ما تا این ساعت به وظیفه وکالتی خود عمل کرده‌ایم و علت عدم موافقت این بوده است که موافقت با شخص رئیس دولت به ملاحظه سائس بودن شخص رئیس دولت است و الا هیچ شبهه نیست که آقای رئیس‌الوزرای حالیه آقای مستوفی‌الممالک از اشخاص خوب و صالح و خدمتگذار این مملکت هستند. خوبی شخص غیر از تصدیق به سائس بودن آنست، هر شخصی هر وکیلی نسبت به دولت، پارلمان نسبت به دولت، نه نسبت به دولت باید یک ماده اجتماعی داشته باشیم. در سیاست وقتی که با یک دولتی ماده اجتماع سیاسی عملی داریم تکلیف ما است که با او موافقت کرده و از او نگهداری کنیم، موافقتی که تعبیر می‌شود به ورقه سفید و مکرر عرض کرده‌ام و از این عقیده هم منصرف نمی‌شوم که هر دولتی که بخواهد در مملکت کار بکند بایستی با ورقه سفید بیاید و با ورقه آبی برود. اگر کسی واقعا شخصی شد عادی در سیاست یا جاهل در سیاست یا غیرملتفت در سیاست یا شکاک در سیاست ممکن است ممتنع باشد، مثل ما که نسبت به دولت جدید از اول ممتنع بوده‌ایم. علت هم این بوده که بنده و عده‌ای از آقایان قبل از معرفی آقای رئیس‌الوزراء اساس سیاستی نگذارده بودیم، به خلاف دولتهایی که قبل از اینکه داخل این عنوان بشوند اساس سیاستی گذارده بودیم. پس قصوری متوجه ما نیست و بایستی همین قسم کرده باشیم.

البته همه وکلا همین قسمند، همه خوب، همه چیز فهم هستند و علی‌الخصوص اشخاصی که تشریف دارند ولی بنده در این شهر شما و مملکت شما معتقد به سیاست هیچیک از رجال شما نیستم و هیچ رجلی را سراغ ندارم که از خودم بالاتر باشد. می‌شود جهل مرکب باشم، می‌شود مطابق با واقع باشد (یکی از نمایندگان: تصور می‌رود که قسمت اول باشد) و مقلد سیاست هیچیک از رجال نیستم و هیچ رجلی از رجال مملکت چه اروپا رفته چه نرفته را ندیده‌ام که دماغش از دماغ خودم باشد. می‌شود جهل مرکب باشم اما انشاءالله نیستم و چون بنده در فضای خودم جنبه موافقتی نداشتیم لذا به امتناع خود باقی ماندیم تا امروز که پروگرام دولت مطرح است و از آقایان که رئیس‌الوزرای حالیه با سوابقی که دارند و با سوابق اینکه رشته سیاست در دستشان بوده است، بایستی شما را هدایت کرده باشند به اینکه موافقت ساکت و ممتنع نباشید. همان عرضی را می‌کنم که در اتاق تنفس کردم. در اول دوره‌ای که ما رجالی داریم همه‌شان خوب هستند برای موقعی مناسب هستند. بعضی شمشیر برنده هستند برای موقعی، بعضی هم شمشیر مرصع هستند برای موقعی. کلام بر سر توافق سیاست است...

مدرس پس از ایراد سخن مقدماتی به بحث و تشریح برنامه دولت پرداخته و ماده به ماده پروگرام دولت را مورد نقد قرار داده و نتیجه‌گیری کرد که تمام آنها خواب و خیالی بیش نیست. رروز بعد جلسه خصوصی مجلس برای ادامه بحث پیرامون پروگرام دولت تشکیل شد. بین مدرس و موافقین دولت مذاکرات تندی صورت گرفت که منجر به منازعه بین عده‌ای از وکلاء شد و سرانجام دولت مستوفی‌الممالک با اکثریت ضعیفی رأی اعتقاد گرفت اما مدرس در کمین نشسته بود تا تیر خلاص را به مغز دولت بزند.

روز نوزدهم خرداد ۱۳۰۲ مدرس تیر خلاص خود را رها کرد و دولت را درباره سیاست خارجی استیضاح کرد. فروغی وزیر امور خارجه درباره سیاست خارجی توضیحاتی داد و مستوفی هم نطق تندی ایراد نموده، در پایان سخنان خود گفت: «وضعیات این مملکت یک اشخاصی را می‌خواهد که وقتی داخل در کار می‌شوند یک آجیلهایی بگیرند و یک آجیلهایی پخش کنند، بنده نه اهل گرفتن هستم و نه اهل دادن نه می‌گیرم و نه می‌توانم بدهم و اصراری هم به ماندن ندارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید در پیش بعضی یکی از ایام بره‌کشی فرض شود برای اشخاصی که اشتها دارند می‌گذارم من که اشتها ندارم معده من خراب است از اینجا مرخص می‌شوم.»

مستوفی پس از ایراد نطق تند خود از ریاست دولت کناره‌گیری نمود و مجلس میرزا حسن خان مشیرالدوله را بر صندلی صدارت نشانید.

انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در دوره مشیرالدوله آغاز و در ریاست دولت سردار سپه پایان پذیرفت. نظامیان در این انتخابات دست‌اندر کار بودند. در تهران انتخابات به صورت آزاد انجام گرفت و در نتیجه مصدق‌السلطنه، سید حسن مدرس، سید حسن تقی‌زاده، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، میرزا هاشم

آشتیانی، میرزا حسین علاء، سلیمان محسن، سید احمد بهبهانی، قوام‌السلطنه و شیخ علی مدرس به نمایندگی دوره پنجم انتخاب گردیدند. این مجلس در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۲ با نطق افتتاحیه محمد حسن میرزا ولیعهد کار خود را آغاز کرد. ولی در پشت قیافه ظاهری مجلس صدها مطلب مکتوم وجود داشت. این مجلس می‌بایستی در اولین جلسه رسمی خود طرح اکثریت مجلس را به تصویب برساند. طرح مزبور که به همت حزب تجدد به لیدری سید محمد تدین و سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن اسکندری تنظیم شده بود، حاکی از تغییر رژیم بود، یعنی رژیم ایران می‌بایستی از مشروطه سلطنتی به جمهوری تبدیل شود البته به تقلید دولت همسایه ما یعنی ترکیه.

مدرس با این طرح مخالفت جدی داشت و یک تنه می‌خواست در مقابل آن ایستادگی کند و کرد. از این رو مدرس درصدد برآمد رسمیت مجلس را به عقب بیندازد و این عمل جز مخالفت با اعتبارنامه‌ها هیچ راهی نداشت. هر اعتبارنامه‌ای که مطرح می‌شد مدرس با مخالفت آن را به شعبه مربوطه باز می‌گردانید حتی با اعتبارنامه مؤتمن‌الملک هم به مخالفت برخاست. غیر از هیاهو و سروصدا در پارلمان تب جمهوریت سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. دستجات مختلف با ارسال طومار تلگرام و میتینگ خواستار حکومت جمهوری برای سردار سپه بودند.

روز بیست و هفتم اسفند ماه در جلسه علنی بین طرفداران سردار سپه و مدرس مناقشات سختی درگرفت و هنگامیکه مدرس در پشت تریبون مشغول صحبت بود تدین و یاران وی به عنوان تعرض جلسه را ترک گفتند و چون مجلس از اکثریت افتاد نطق مدرس نیمه کار ماند. وی از جلسه خارج شد و در سرسرا که نمایندگان جمع بودند، به ایراد سخن پرداخت. در این هنگام دکتر حسین احیاءالسلطنه که از طرفداران سردار سپه بود جلو رفته سیلی محکمی‌به گوش مدرس نواخت به طوری که عمامه از سر وی به زمین افتاد.

ملک‌الشعراء بهار که خود ناظر صحنه بوده است در این باره می‌نویسد:

اما این سیلی به قدری پر سر و صدا بود که به ناگاه در تمام شهر مثل زنگ ناقوس درپیچید و احساسات خفته را بیدار کرد. دکانها بسته شد، انقلاب بزرگی نمودار گردید. جمعیتی که انبوه جمعیت جمهوریخواه نامبرده در برابر آن مثل قطره در برابر سیل خروشانی می‌نمود، گرد آمد.

این سیلی موجب شد که فردای آن روز جمعیتی در مسجد شاه اجتماع نموده علیه جمهوری دست به تظاهرات بزنند. روز ۳۰ اسفند طرح قانونی تغییر رژیم مشروطه به جمهوری تقدیم مجلس شد و روز دوم فروردین جلسه علنی تشکیل گردید تا طرح مورد

تصویب قرار بگیرد. در همان موقع که جلسه تشکیل شده بود جمعیت زیادی در میدان بهارستان اجتماع نموده تظاهرات شدید خود را نسبت به مخالفت با جمهوری ابراز می‌نمودند. به دستور سردار سپه نظامیان برای تفرقه مردم ابتدا شلیک هوایی نموده و سپس به ضرب و شتم مردم پرداختند. مؤتمن‌الملک پس از اطلاع از موضوع سردار سپه را احضار و شدیدا به وی اعتراض کرد که چرا دستور کتک زدن مردم را داده‌ای. مؤتمن‌الملک مجلس را می‌خواست تشکیل بدهد تا تکلیف سردار سپه را روشن کند که با وساطت مشیرالدوله بین آن دو تفاهم ایجاد شد.

سرانجام تلاش سید حسن مدرس برای برهم زدن جمهوریت به ثمر نشست و مخالفت تمام دستجات علنی و عریان شد. سردار سپه ناچار به قم عزیمت نمود و از آنها کسب تکلیف کرد و چون آنها هم مخالف بودند پس از مراجعت به تهران اعلامیه‌ای صادر کرده و متذکر شد برای احترام مقام روحانیت از فکر جمهوریت انصراف حاصل گردید.

مدرس بر خلاف دوره چهارم مجلس که لیدر اکثریت بود در این دوره لیدر اقلیت شد که تنها وظیفه این اقلیت مبارزه با سردار سپه و جلوگیری از اعمال خلاف قانون وی و نظامیان بود. به دنبال قتل میرزاده عشقی شاعر و مدیر روزنامه قرن بیستم و ماژور ایمبری ویس کنسول امریکا دولت سردار سپه اعلام حکومت نظامی نمود و عده‌ای از مخالفین خود را بازداشت کرد. تنها نماینده‌ای که با اعلام حکومت نظامی مخالفت کرد سید حسن مدرس بود در حالی که طرفداران سردار سپه در میان نطق مدرس (پارازیت) رها می‌کردند معذلک مدرس سخنان دلنشین و کوبنده خود را ایراد نمود ولی چون نتیجه‌ای از آن حاصل نشد دولت سردار سپه را استیضاح کرد. متن استیضاح به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم:

۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه.

۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی.

۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

حائری زاده- عراقی- کازرونی- مدرس- اخگر- ملک‌الشعراء- سید حسن زعیم.

شوق سوم استیضاح مربوط به تصرف و غارت جواهرات و خزانه پربار اقبال‌السلطنه ماکوئی بود. به دستور سردار سپه امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان و حاکم نظامی آن منطقه که با اقبال‌السلطنه ماکوئی دوستی و نزدیکی داشت به ماکو رفته و پس از بازگشت اقبال‌السلطنه را با خود به تبریز آورده زندانی می‌نماید. اقبال‌السلطنه پس از ده روز تحمل زندان فوت می‌کند. در غیاب خان ماکو امیر طهماسبی کلیه جواهرات و خزائن گران قیمت او را که قریب شش قرن جمع‌آوری شده بود به وسیله ایادی مطمئن خود جمع‌آوری نموده بدون کوچکترین تصرفی آنها را نزد سردار سپه می‌فرستد و سردار نیز آنها را در خزانه شخصی خود ذخیره می‌نماید بدون اینکه چیزی از آن را به خزانه دولت واگذار کند.

منظور و مقصود مدرس بیان قتل اقبال‌السلطنه و تصرف و حیف و میل اموال او توسط سردار سپه بود. طبعا سردار سپه از عنوان ساختن چنین مطالبی وحشت داشت. سردار سپه با تمام قدرت توسط طرفداران خود از استیضاح جلوگیری کرد گذشته از حملات شدید مطبوعات به اقلیت مخصوصا مدرس معلوم شد که حوادث در شرف تکوین است. بامداد روز هفدهم مرداد که دولت برای استماع استیضاح در مجلس حاضر شده بود بین سردار سپه و مدرس گفتگوی لفظی تندی بوجود آمد ولی اکثریت حاضر به تشکیل جلسه نشدند، و قرار شد استیضاح بعدازظهر صورت گیرد. هنگام مراجعت اقلیت به منازل خود، مدرس و کازرونی و حائری زاده به شدت مضروب شدند و لذا بعدازظهر در مجلس حضور نیافتند. تنها ملک‌الشعراء از اقلیت در جلسه حضور یافته نطق کوتاهی ایراد کرد و سرانجام دول رأی اعتماد گرفت.

سردار سپه در پائیز ۱۳۰۳ به خوزستان رفت و پس از اتمام کار شیخ خزعل به تهران بازگشت و درصدد تحکیم وضع خود برآمد. عده‌ای از یاران نزدیک سردار سپه درصدد برآمدند که بین او و مدرس دوستی برقرار شود، سردار معظم تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز و علی‌اکبر داور در پیاده کردن این فکر بیش از دیگران تلاش و دوندگی کردند. سرانجام در چندین جلسه بین سردار سپه و مدرس سخنهای رد و بدل شد و مدرس نصایحی کد و ظاهرا تمام نصایح مورد قبول واقع شد. پس از مذاکرات زیاد سردار سپه به مدرس گفت که من از این دو برادر (احمدشاه و محمد حسن میرزا) اطمینان ندارم ممکن است خدمات مرا ضایع سازند من میل دارم مجلس به من مقام و شغل بدهد تا من بتوانم با خیال راحت اصلاحات خود را ادامه دهم و از اینجا بود که فکر واگذاری فرماندهی کل قوا بوجود آمد و مدرس در این واگذاری نقشی سازنده و اساسی داشت و به اقلیت توصیه کرد که به آن رأی بدهند. تصویب قانون نظام اجباری که ابتدا با مخالفت مدرس در کمیسیون مدفون شده بود پس از توسل سردار سپه به او و حضور در منزل مدرس سرانجام با حمایت لیدر اقلیت به تصویب رسید. در اواسط مرداد ماه ۱۳۰۴ سردار سپه دو پست کابینه را در اختیار مدرس قرار داد تا هرکسی را که می‌خواهد به عنوان وزیر معرفی کند. در این توافق دو وزارتخانه داخله و مالیه در اختیار مدرس قرار گرفت و او نیز دو تن از دوستان خود را معرفی کرد. در اثر این معرفی شکرالله خان قوام‌الدوله به وزارت داخله و فیروز میرزا نصرت‌الدوله به وزارت مالیه تعیین شدند.

بالاخره در روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ طرح نمایندگان مجلس مبنی بر خلع قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان سردار سپه و تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح بعضی از اصول متمم قانون اساسی مطرح شد. مخالفین که در رأس آنها سید حسن مدرس بود نتوانستند کاری از پیش ببرند و بالاخره سردار سپه به پادشاهی رسید.

پس از تاجگذاری رضاشاه انتخابات دوره ششم آغاز شد و مدرس وکیل چهارم تهران شد. مدرس در این مجلس با چندین اعتبارنامه به مخالفت برخاست و حرفهایی در مورد دخالت در انتخابات از طرف نظامیان ایراد کرد.

روز هفتم آبان ماه ۱۳۰۵ در تهران واقعه‌ای بوقوع پیوست که تمام مسائل سیاسی روز را تحت‌الشعاع قرار داد و برای عده‌ای که در گود سیاست بودند اولین زنگ خطر شد.

در آن ایام رضاشاه در املاک اختصاصی مازندران گردش می‌کرد. بامداد آن روز هنگامی که مدرس طبق معمول برای درس گفتن به مسجد سپهسالار می‌رود در کوچه سرداری غفلتا مورد حمله چند نفر قرار می‌گیرد و چندین تیر به سوی او شلیک می‌شود. در اثر شلیک گلوله بازوی چپ وی به شدت مجروح و یک گلوله هم به دست راست اصابت می‌کند. ضاربین پس از اجرای مأموریت فرار می‌کنند. مدرس ابتدا به مریضخانه نظمیه انتقال می‌یابد، ولی پس از اطلاع جامعه روحانیت عده‌ای به زعامت حاج امام جمعه خویی در بیمارستان حضور یافته او را به بیمارستان احمدی انتقال دادند. سوءقصد به مدرس در تمام ایران منتشر شده و رضاشاه تلگرافی از او احوالپرسی کرد؛ ولی مدرس پاسخ داده بود (به کوری چشم دشمنان هنوز مدرس زنده است).

مجلس شورای ملی برای رسیدگی به حادثه ابتدا جلسه خصوصی تشکیل داد. بیش از هر کسی سید احمد بهبهانی داد سخن داد و دولت را مورد مؤاخذه قرار داد. وثوق‌الدوله وزیر عدلیه وعده تعقیب به مجلس داد، و علی‌اکبر داور نطق مهمی ایراد کرد، ولی تمام این سروصداها بی‌نتیجه ماند و همه می‌دانستند این سوءقصد توسط عوامل و مأمورین نظمیه انجام گرفته است.

مدرس پس از چند ماه بهبودی حاصل کرده در مجلس حضور یافت و مانند گذشته نظریات خود را در تمام موارد ابراز می‌کرد.

دوره ششم مجلس پایان یافت و در دوره هفتم مدرسه به مجلس راه نیافت. در آن ایام سمت وی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار بود و همه روزه برای تدریس و اداره امور مدرسه حضور می‌یافت. روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۷ سرشب سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه به اتفاق سرهنگ رادسر رئیس پلیس و سرهنگ راسخ رئیس زندان و عده کثیر مأمور به خانه وی رفته او را دستگیر نمایند. ابتدا درگاهی در مقام توهین به وی برآمده ولی مدرس جوابهای دندانشکنی به او می‌دهد و سرانجام زد و خوردی بین آن دو به وقوع

می‌پیوندد. درگاهی به کمک همراهان خود مدرس را دستگیر نموده کشاکشان به خارج خانه برده سوار اتومبیلی نموده از تهران خارج می‌سازند و پس از چند روز طی طریق در شهر خواف واقع در سر حد ایران و افغان او را در شرایط بسیار نامساعدی زندانی می‌نمایند. مدرس قریب ۹ سال در زندان خواف به سر برد تا اینکه در ۱۳۱۶ دستور قتل وی صادر شد. در ۲۲ آبان ماه او را از زندان خواف به زندان کاشمر انتقال دادند و در روز ۱۰ آبان ماه در زندان شهربانی کاشمر او را به وضع دلخراشی به قتل رسانیدند. ابتدا به او سم داده می‌شود و چون اثر سم سریع نبود مأمورین او را خفه می‌نمایند.

چگونگی قتل سید حسن مدرس بعد از شهریور ۱۳۲۰ در دادگستری مطرح گردید و کیفر خواست مشروح دادستان برای آگاهی خوانندگان در ذیل درج می‌گردد. رحمت‌الله علیه.

متن ادعانامه دادستان دیوان کیفر

ریاست دادگاههای دیوان کیفر: کارکنان دولت رسدبان ۳ محمود مستوفیان پسر مصطفی چهل و هفت ساله دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران، رئیس پیشین شهربانی کاشمر اهل و ساکن مشهد و حبیب‌الله خلجی پسر عزیزالله شصت و پنج ساله دارای زن و فرزند مسلمان تبعه ایران اهل تهران، ساکن ملایر سرپاسپان یک مأمور پیشین شهربانی کاشمر به معاونت یاور محمد کاظم جهانسوزی پسر محمد حسین پنجاه و نه ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران بخش ۹ عودلاجان کوچه آبشار رئیس پیشین پلیس شهربانی مشهد و پاسیار منصور وقار پسر مصطفی چهل و پنج ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران ولی‌آباد و رکن‌الدین مختار فرزند کریم دارای زن و فرزند، تبعه ایران ساکن تهران خیابان بوعلی پنجاه ساله رئیس پیشین اداره کل شهربانی که همگی به دستور دادستان دیوان کیفر زندانی هستند در شب دهم آذر ماه ۱۳۱۶ در کاشمر مرتکب قتل مرحوم سید حسن مدرس شده‌اند.

شرح قضیه و دلایل آن طبق رسیدگی‌هائیکه به عمل آمده این است که مرحوم سید حسن مدرس را که از ۱۳۰۷ تحت نظر شهربانی و لشکر شرق در شهر «خواف» تبعید بوده در آبان ماه ۱۳۱۶ شهربانی از لشکر تحویل و به کاشمر انتقال می‌دهد. بدین ترتیب که در ۴ آبان ماه ۱۳۱۶ پاسیار نوائی رئیس شهربانی خراسان طی شماره ۸۰۳۴ به اداره کل شهربانی تلگراف می‌کند.

«از ستاد لشکر شرق طی ۲۵۵۹ می‌نویسد:

حسب‌الامر جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردید سید حسن مدرس به کلی تحویل مأمورین شهربانی شود و مأمورین لشکر مراجعت نمایند.

لذا به شهربانی زود دستور داده شد دقیقا در مراقبت مشارالیه دقت نمایند.

اداره کل شهربانی در جواب تلگراف نامبرده، دستور داده که کاملا مدرس مراقبت شود که با خارج مکاتبه ننموده و هیچکس هم او را ملاقات نکند. پاسیار نوائی در پاسخ این دستور گزارش تلگرافی زیر را داده است.

چون خواف منطقه سرحد افغانستان و محل ساکنی نیست غالبا مورد تاخت و تاز اشرار می‌باشد با برداشتن ساخلو که بیست سرباز یکنفر گروهبان و استوار یک نفر مسؤول مراقبت زندان بوده‌اند و قلت مأمورین شهربانی که کلیه سیزده نفر و انتظامات شهر را هم عهده‌دار می‌باشند در عین حال که زندانی مزبور پیرمرد فرسوده و قابل فرار کردن نیست نگاهداری او را در آنجا مقتضی نمی‌دانم؛ زیرا ممکن است اشرار افغانی روی سیاست عقیده مذهبی وی را بربایند چنانچه اجازه فرمایند به طبس یا کاشمر اعزام در آنجا نگاهداری شود و یا اینکه اقلا ده نفر پاسبان و یک نفر سرپاسبان به مأمورین خواف اضافه گردد.

اداره کل شهربانی به شهربانی مشهد این طور جواب داده وقتی شهربانی آنجا نتواند یک نفر پیرمرد فرسوده را مراقبت کند کار دیگری از او ساخته نیست مشارالیه را تحت مراقبت یک نفر پایور لایق و دو سرپاسبان با اتومبیل دربست فعلا به کاشمر انتقال داده و در شهربانی آنجا منفردا تحت مواظبت کامل زندانی شود و به هیچ وجه نباید او را کسی ملاقات یا مکاتبه بنماید، رئیس شهربانی

آنجا مسؤول نگاهداری او خواهد بود.

به موجب دستور بالا مرحوم مدرس به کاشمر منتقل شده و گزارش آن را نوائی طی ۱۶/۸/۲۹ -۹۱۲۴ اینطور داده:

«به وسیله ریئس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاونت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق دستورات زندانی».

به طوری که نوائی در بازجویی اظهار داشته چون قبلا دو مرتبه راجع به کشتن مدرس به او دستور داده‌اند و مشارالیه حاضر به انجام این قتل نبوده، وی را به تهران احضار و در ۳۰ آبان به تهران حرکت نموده و پاسیار منصور وقار به جای وی به ریاست شهربانی خراسان منصوب و در اوایل آذر به مشهد وارد می‌شود.

مطابق حکایت پرونده سرپاس مختار دستور قتل مدرس را به وقار داده، ولی وقار در بازجویی اظهار می‌داد که موقع حرکت به خراسان سرپاس مختار پاکت سربسته و لاک شده به او داده و اظهار داشته آن پاکت را در مشهد به یاور جهانسوزی بدهد که مأموریتی دارد باید انجام دهد و به او بگوید یا به این مأموریت و یا به تهران حرکت کند. مشارالیه نیز در مشهد آن پاکت را به یاور جهانسوزی داده و امر رئیس کل شهربانی را به او ابلاغ کرده و نامبرده پاکت را در اطاق وی باز کرده و خوانده و آن را پاره کرده و در بخاری ریخته و گفت باید به اتفاق حبیب خلج به مأموریت جنوب خراسان برای بازرسی برود او هم برای وی حاکم صادر نموده و عزیمت کرده است.

خلاصه وقار پس از ورود به مشهد جهانسوزی و حبیب‌الله خلج معروف به شمر و میرغضب را ظاهرا به عنوان مأموریت بازرسی جنوب خراسان و باطنا برای قتل مدرس به کاشمر می‌فرستند و مشارالیه عصر ششم آذر وارد کاشمر می‌شوند و چون اقتداری رئیس شهربانی کاشمر حاضر به انجام قتل مدرس را از کاشمر خارج و تحویل محمود مستوفیان داده و مشارالیه به کفالت شهربانی کاشمر در ازاء انجام این مأموریت ابقاء می‌شود.

مستوفیان در هفتم آذر شرح پائین را به سرپاسبان یکم شجاعی نوشته:

«در این موقع جناب آقای یاور تشریف فرمای کاشمر گردیده‌اند دستور فرموده‌اند که شما به اضافه کارهای اداری که دارید بایستی لازمه مراقبت را در حفاظت از شخصی که آقای غلامرضا نخعی بازرس به شما معرفی نماید، بنمایید از اینکه احدی را و خودتان حق مراوده و ملاقات و مکاتبه با او ندارد و همچنین شخص مزبور با اشخاص حتی پاسبانهایی که برای مراقبت او گماشته می‌شود به هیچگونه حق مذاکره و ملاقات با او و پیغام او را با کسی ندارد به این معنی احدی نبایستی مستحضر شود، که چه شخصی در آن منزل و پاسبانها و شما با من برای چه امری در این جا هستید و همین طور بایستی فوق‌العاده دقت شود از ابنیه آنجا که کسی از روی بام و دیوار بالا نیابد که مستحضر شود چه کسی در اینجا است باز هم تأکید می‌شود که از هر جهت مراقبت را مرئی و اقلا تا صبح مدت ۲۴ ساعت چندین مرتبه به طوریکه از ایاب و ذهاب شما مستحضر نشود محل و شخص مزبور را وارسی و عملیات پاسبانان هم بایستی تحت نظر که مخالف دستور فوق نباشد تذکر داده می‌شود که کوچکترین غفلتی با مسامحه در انجام دستور فوق بشود شخص شما مسؤول و به طوری که فرموده‌اند مجازات اعدام است فی‌الحال کاملا ـ شخص و محل مزبور را وارسی که مخالف مقررات زندانیان نباشد.

مستوفیان پس از قبول این مأموریت شروع به تهیه مقدمات نموده که وانمود کند مرحوم مدرس مریض است و طی (۱۶/۹/۵۱۱)۶ بر خلاف واقع به شهربانی مشهد تلگراف نموده (سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت) در صورتیکه مدرس طبق گزارش شماره ۱۶/۸/۲۳ -۴۷۴ اقتداری در ۲۲ آبان وارد کاشمر شده، کسالت نداشته و گزارش تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالتی داشته و کسالت او تشدید یافته بود، بایستی اقتداری چنین تلگرافی کرده باشد نه مستوفیان.

جهانسوزی پس از خارج نمودن اقتداری و غلامرضا نخعی از کاشمر در ۱۶/۹/۷ به ترتیب حرکت کرده و در ساعت یازده و نیم

روز ۱۶/۹/۹ به کاشمر مراجعت نموده و ترتیب قتل مدرس را می‌دهد.

بدین شرح که علی ذوالفقاری پاسبان را که یکی از مأمورین مراقبت مرحوم مدرس بوده از منزل مسکونی مدرس به وسیله مستوفیان احضار و دستور می‌دهد که از آن منزل خارج شود و شب دهم آذر که موعد قتل مدرس بود، ابراهیم ابراهیمی پاسبان را نیز که مراقب دیگر مرحوم مدرس بود مستوفیان خواستند به عنوان اینکه جهانسوزی او را می‌خواهد مشارالیه می‌فرستد، در صورتی که طبق اظهارات ابراهیم جهانسوزی به او کاری نداشتند و می‌خواستند مشارالیه در منزل مسکونی مرحوم مدرس نباشد.

ابراهیم ابراهیمی جریان مذاکرات خود را با جهانسوزی و وضعیت منزل مرحوم مدرس را در صفحات ۶۶ به بعد چنین گفته:

یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود محمد فراموش کار گفت می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند رفتم در را باز کردم...

محمود خان پابرهنه... آمد تو و گفت امروز کسی اینجا آمده و کاغذی چیزی آورده، گفتم: خیر.

گفت: بیا برو به شهربانی یاور با تو کار دارد.

خودش آنجا ماند من آمدم اداره شهربانی یاور توی اطاق صاحب منصب کشیک بود به ایشان پیغام دادم که ابراهیم را که خواسته بودید حاضر است. گفته بودند باشد، بنده نشستم تقریبا دو ساعتی طول کشید من را خواست توی اطاق به من نگاه کرد و گفت اسمت چیست، اهل کجای و کجا می‌نشینی و چند سال است باغبان هستی به ایشان جواب دادم. فرمود برو بیرون باش آمدم. باز مدتی نشستم پیغام دادم که اگر کاری چیزی ندارید من بروم، جواب داده بوده که بگویید برو و بنده آمدم بیرون و رفتم منزل وقتی رفتم دیدم لای در باز است و رئیس شهربانی پشت در ایستاده و منتظر من است، من که وارد شدم آمد بیرون و گفت بروید توی اطاق خودتان و بسراغ آقا هم نروید.

محمد فراموش کار آمد، تفصیل را به او هم گفته بودم تا تقریبا نصف شب بود دیدم در می‌زنند در را باز کردم دیدم سید موسی خان شجاعی سرپاسبان شهربانی است آمد پرسید که آقا کجاست؟

گفتم توی اطاق خودش است...

گفت بیایید برویم جای آقا...

بنده و فراموش کار به اتفاق شجاعی رفتیم اطاق آقا صدا زدم، آقا را دیدم جواب نمی‌دهد، شجاعی به من گفت برو بیدارش کن رفتم و صدا زدم، دیدم جواب نمی‌دهد شجاعی گفت تکانش بده، تکانش دادم دیدم جواب نمی‌دهد، عبا روی صورتش بود، عبا را بلند کردم و دست گذاشتم به صورتش دیدم مرده است و شال و عمامه‌اش هم که همیشه سرش بود باز شده و پهلوی سرش افتاده بود، شجاعی رفت و ۲۰ دقیقه طول کشید دیدم رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور.

خلاصه از اظهارت ابراهیم و سایر محتویات پرونده معلوم می‌شود که مستوفیان ابراهیم را به بهانه اینکه یاور جهانسوزی با او کار دارد از خانه مرحوم مدرس خارج کرده و حبیب‌الله خلج نیز بعد به منزل مرحوم مدرس رفته و با مستوفیان مرحوم مدرس را کشته‌اند که اظهارات ذبیح‌الله مهاجرانی در صفحات ۱۰ و ۲۰ جهت توضیح و تکمیل جریان قتل عیان نقل می‌شود.

آقای یاور جهانسوزی که در زندان مرکزی با من در یک اطاق سکوت داشت... راجع به کشتن مرحوم مدرس که تفصیل را از او پرسیدم اظهار کرد که:

سرهنگ وقار رئیس شهربانی مشهد... او را مأمور کشتن مرحوم مدرس کرده‌اند، زیربار نرفته و گفته‌اند به کاشمر برود و در آنجا باشد ولی شخص دیگری را برای این کار خواهند فرستاد و حبیب‌الله خلج را با او فرستاند و شخص نامبرده با یکنفر دیگر (طبق اظهارات جهانسوزی در نزد پاسیار نوائی منظور مستوفیان بوده) سید را خفه کرده‌اند.

به دلایل پایین قتل مرحوم سید حسن به وسیله اشخاص نامبرده فوق ثابت و مسلم است:

۱- اظهارات عشرت خاتم اقتداری در صفحات ۳۳ به بعد که گفته است:

در سال ۱۳۱۶ مرحوم اقتداری شوهرم که رئیس شهربانی کاشمر بود به مشهد حرکت کرد بنده هم با او به مشهد رفتم:

سرهنگ نوائی ایشان را مأمور کرده که برود به خواف و مرحوم مدرس را از خواف به کاشمر بیاورد.

بنده از آنجا رفتم به کاشمر و مرحوم اقتداری... به خواف رفت.

تقریبا ساعت ده و یازده بود که مرحوم اقتداری آمدند، مرحوم مدرس هم با ایشان با یک نفر مأمور... وارد شد به منزل مرحوم مدرس... در منزل ما بود...

مرحوم اقتداری نزدیک شهربانی یک خانه اجاره کرده و مرحوم مدرس را بردند در آن خانه... دو روز بعد... مرحوم اقتداری آمد منزل دیدم اوقاتش خیلی تلخ است و گرفته است گفتم چه خبری است.

ابتدا چیزی نگفت چون خیلی اصرار کردم اظهار کرد که یک دستوراتی راجع به این سید بیچاره و از بین بردن او رسیده است که نمی‌دانم چه کنم من گفتم ممکن است استعفا بدهید و می‌گفت اگر من این کار را بکنم جواب خدا را چه بدهم و اگر نکنم از دست این شیرهای درنده چه کنم؟ که خودم را ممکن است از بین ببرند، من گفتم ممکن است استعفا بدهید گفت همین خیال را دارم و استعفا داد این استعفا در زمان سرهنگ وقار رئیس شهربانی خراسان بود استعفای او قبول شد و دستور دادند که شهربانی تحویل محمود مستوفیان بدهد ایشان شهربانی را تحویل داد به مستوفیان و لی چون دستوری راجع به تحویل مدرس نرسیده بود از تحویل دادن او خودداری کرد و مستوفیان همه همیشه اصرار می‌کرد که مدرس را تحویل بگیرد. در این بین یاور جهانسوزی آمد به کاشمر به اتفاق حبیب‌الله خلج پاسبان که مأمور مشهد بود و جهانسوزی آمد به منزل مرحوم اقتداری گفت که اقتداری چرا معطلی و چرا حرکت نمی‌کنی، مرحوم اقتداری گفت: معطلی من راجع به این حبسی است که او را چه کنم، گفت او را هم باید تحویل محمودخان مستوفیان بدهید و ایشان هم مدرس را تحویل مستوفیان داد و فردای آن روز حرکت کردیم مشهد و همان روزی که جهانسوزی آمد و این صحبت‌ها را با اقتداری کرد، گفت که من می‌روم یک روز مأموریتی دارم انجام می‌دهم و برمی‌گردم شما نباید اینجا باشید بعد از دو روز گویا روز سوم بود، یک روز اقتداری به من گفت دیدی خدا با ما بود که این کار را نکردیم، گفتم چه شده است، گفت: همان شب که ما حرکت کردیم جهانسوزی از مأموریت به کاشمر برمی‌گردد و با حبیب‌الله خلج و محمود مستوفیان مشروب زیادی می‌خورند و می‌روند با مدرس، سماوری آتش می‌کنند و چای می‌خورند و در اول چای را مرحوم مدرس می‌ریزد برای آنها دفعه دوم محمود مستوفیان می‌گوید اجازه بدهید من چای بریزم اجازه می‌دهند چای می‌ریزد و دوای سمی را... در استکان مدرس می‌ریزد و چای را می‌خورند چون مدتی می‌گذرد و می‌بینند اثری نبخشید جهانسوزی برمی‌خیزد و اشاره به مستوفیان می‌کند و از اطاق بیرون می‌رود، مستوفیان هم عمامه سید را که سرش بوده برداشته و می‌کند توی دهانش تا خفه می‌شود و همان شبانه هم می‌برند دفن می‌کنند.

دستوری که برای از بین بردن مدرس از تهران آمده بود تلگراف رمز بوده... به امضای سرهنگ وقار... مرحوم اقتداری آن تلگراف را که رمز بود با کشف آن که در خارج کشف کرده بود به من نشان داد، نوشته بود باید به طوری که هیچکس حتی قراول درب اطاق مدرس هم نفهمد، با استر کنی او را از بین ببرید.

در جواب بازپرس که سئوال کرده است «مدرس را که از خواف آوردند حالش چه طور بود» گفته است «سالم بود... مریض نبود» مرحوم اقتداری از مشهد به شهربانی همدان منتقل شدند و پس از بیست روز از ورود به همدان مریض شد... بر اثر دوای عوضی که داده بودند مرحوم شد.

۲- اظهارات علی ذوالفقاری پاسبان در صفحات ۵۰ به بعد که گفته:

همان روزی که شب آن، مدرس فوت کرد ابراهیم پاسبان... آمد آنجا من را صدا کرد، گفت رختخواب مرا بردار برو رئیس تو را می‌خواهد، گفتم چشم بنده هم رختخواب را برداشتم بردم.

رفتم پیش رئیس... محمودخان معروف به پابرهنه رئیس فرمود برو منزل راحت کن، من هم رفتم تا شب فرستادند عقب من و شب آن روز آقا شام را که درست کرد من را صدا، گفت: بیا بنشین شام بخور من رفتم نشستم شام خوردم آقا فرمود کربلایی علی فردا صبح ترا عوض می‌کنند ولی شب باز ترا می‌آورند، گفتم: آقا برای چه لابد بد آدمی هستم، فرمودند خوب آدمی هستی ولی عوضت می‌کند...

شب تقریبا ساعت ۹ بود در منزل نشسته و شام می‌خوردیم، دیدم در زدند، گفتم کیست، دیدم ابراهیم است، می‌گوید بیا رییس ترا می‌خواهد من رفتم اداره شهربانی دیدم محمود مستوفیان رئیس شهربانی دارد قدم می‌زنند، گفت بیا برو منزل کربلایی اسمعیل (مقصود همان منزل مدرس بود.) بنده رفتم آنجا دیدم ابراهیم و محمود فراموش کار آنجا هستند رئیس هم آمد آنجا وقتی من وارد شدم دیدم آقا مرده است و رو به قبله است به محمد گفتم چه شده گفت سکته کرده است.

گفتم: صبح که من رفتم حالش خوب بود و با من صحبت می‌کرد، گفت دیگر می‌گویند سکته کرده است... فقط دیدم که لب زیرش را با دندان گرفته بود...

در جواب بازپرس که سؤال کرده (تا آنروزی که شما نزد مدرس بودید کسالت و مرضی نداشت) خیر ابدا مرضی نداشت، سلامت بود ماه رمضان بود روزه می‌گرفت و حالش خوب بود.

اظهارات محمود فراموشکار در صفحات ۷۶ به بعد که قسمت‌های موثر آن عینا نقل می‌شود.

نزدیک افطار بود چون به رئیس گفته بودم که موقع افطار و سحر باید بروم و اجازه داده بود، رفتم منزل تقریبا ساعت چهار از شب گذشته بود، برگشتم آمدم آنجا از ابراهیم یا کربلائی علی پرسیدم که کسی اینجا نیامد گفت رئیس با حبیب‌الله خان شمر با سید موسی خان شجاعی آمدند اینجا و رفته‌اند توی اطاق آقای مدرس و من را هم گفته‌اند در خانه باش، رفته‌اند نیم ساعت هم معطل شده و برگشته و رفته‌اند...

تقریبا دو ساعت گذشت در زدند رفتیم در را باز کردیم دیدیم رئیس شهربانی تنها بود، آمد تو و گفت بیاید برویم اطاق آقا با آقا کار دارم بنده و رفیقم و رئیس رفتیم اطاق آقا، دیدیم آقا خوابیده روی تختخواب و لحاف رویش هست نمی‌دانم عبا هم روی خودش بود یا نه.

محمود خان مستوفیان گفت آقا را صدا بزنید هر چه صدا کردیم جواب نداد، بعد گفتم آقا که جواب نمی‌دهد مستوفیان گفت آقا سکته کرده است و نباید هیچکس بفهمد و اگر به کسی بگویید که آقای مدرس مرده، زبانتان را می‌برم. بعد به بنده گفت برو به جناب یاور رئیس پلیس که منزل من هستند بگو آقای مدرس سکته کرده است، چه دستوری می‌فرمایید، بنده هم آمدم خانه رئیس به جناب یاور که اسمش یادم نیست گفتم، رئیس شهربانی عرض کردند که آقای مدرس فوت کرده‌اند، چه دستور می‌فرمایید، فرمودند به مستوفیان بگو که شبانه به طوری که کسی نفهمد غسل بدهید و دفن بکنید، بنده برگشتم دیدم ابراهیم تابوت آورده کربلایی علی هم آنجا است...

محمود خان خودش چراغ انگلیسی را برداشت دست گرفت، حرکت کردیم، رفتم به غسالخانه...

به بنده گفت شما آقا را کشتید من عرض کردم شما که می‌دانید من آدم‌کش نیستم و من رفته بودم شام خوردن سفارش می‌کرد که به کسی نگویید که آقا مرده و نگویید که رئیس آمده آنجا نیم ساعت مانده و رفته است که اگر بگویید زبانتان را می‌برم...

اقتدار نظام را مجبورا فوری حرکت دادند از کاشمر وقتی که یاور آمد و یک نفر از پاسبانها را هم مأمور کرده بود که اقتدار نظام را فورا حرکت بدهید... آن روز مرحوم مدرس... روزه داشت فرمودند می‌خواهم کته درست کنم.

۴- اظهارات ابراهیم ابراهیمی پاسبان در صفحات ۶۶ به بعد که قسمتی از آن قبلاـ ضمن توضیح جریان قتل مذکور افتاد و قسمت‌های مؤثر دیگر آن هم ذیلا نقل می‌شود.

در خانه دومی غیر از من و کربلایی علی و محمد فراموشکار و آقا دیگر کسی نبود...

رئیس شهربانی محمود خان پابرهنه بود. در آن موقع یک یاوری از مشهد آمده بود با یک آجودان.. اسم آن آجودان حبیب‌الله بود آمدند کاشمر یک مأمور تامینات با آقای مدرس از خواف آمده و در کاشمر بود... یاور که آمده غلامرضا مأمور تامینات را خواسته و گفته بود باید بروی به کناباد یا به خواف و او را حرکت داد از کاشمر رفت...

یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود، محمد فراموشکار گفت من می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند.

(جریان آمدن مستوفیان تا فوت مرحوم مدرس در صفحه‌ی ۵ ادعانامه قبلا مذکور افتاد.)

رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور...

وقتی رفتیم غسال‌خانه میرزا کریم آقا را شست و ما سه نفر هم ایستاده بودیم.

محمود خان قدم می‌زد و رو کرد به ما و خندید و گفت پدر سوخته‌ها آقا را کشتند...

موقع اذان پیش از این که رئیس شهربانی بیاید من پیش آقا بودم و موقع افطار بود که چای می‌خورد شامش هم سربار بود.

بعد از اینکه رئیس آمد دیگر من آقا را ندیدم حالش خوب بود چای می‌خورد... چای را خودش درست کرده بود... در آن روز روزه بود... کسالت نداشت بعد از این که غلامرضاخان از آنجا رفت غصه می‌خورد که غلامرضا خان خوب آدمی بود که از اینجا رفت.

... همان موقعی که یاور آمد اقتدار نظام آنجا بود... بعد فوری محمود خان آمد به اقتدار نظام گفت یاور گفته الان باید حرکت کنی هر چه خودش و خانمش گفتند که فردا حرکت کنیم گفت نمی‌شود باید الان حرکت کنید همان روز اسبابش را بستند...

۵- اظهارات محمد رفیع نوائی رئیس اسبق شهربانی مشهد در صفحات ۳ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود:

درست در خاطر ندارم که در ۱۳۰۶ بوده است یا ۱۳۰۷ مأموری از تهران آمد به مشهد، ابلاغ کرد که بایستی مأمور بفرستید به خواف محرمانه مدرس را مسموم نماید به مأمور گفته شد مراجعت کن اقدام می‌کنم و نتیجه را به عرض می‌رسانم مأمور مراجعت کرد به مرکز جواب دادم چون بیست و پنج نفر نظامی هم در نگاهداری مشارالیه شرکت دارند این عمل به طوریکه کسی نفهمد غیرمقدور است.

مأمور محمد حسن خان سرداری... رئیس شهربانی هم سرتیپ محمد خان درگاهی بود.

در زمستان ۱۳۱۵ آمدم به مرکز پس از خاتمه مرخصی موقعی که می‌خواستم بروم مشهد رئیس شهربانی وقت را که مختار باشد ملاقات، اجازه حرکت خواستن فرمودند شاه مایل است که مدرس از بین برود. این مأموریت را به طور یکسره شما انجام بدهید، جواب دادم چون این امر بر خلاف قانون است بهتر این است محرمانه کتبا مرقوم بفرمایید، جواب فرمودند: این نوع مسائل کتبی نمی‌شود شفاهی است، من هم از روی ادب عرض کردم من حرفی ندارم که فرمایشات تیمسار را اطاعت کنم ولی آن مأموری که بایستی این عمل را انجام بدهد قطعا از من نوشته کتبی می‌خواهد دیگر ساکت شد چیزی نگفت و من هم خداحافظی کرده و رفتم خراسان.

در این بین شنیده شد که آن بیست و پنج نفر نظامی را از آنجا برداشته بنده از وحشت اینکه مبادا مجددا امری برسد و من عذری نداشته باشم پیشنهاد کردم که مدرس را به

کاشمر انتقال بدهند اول نسبت به بنده متغیر شدند که یک پیرمرد ضعیفی را چطور نمی‌توانید نگاهدارید و بعد اجازه دادند منتقل

به کاشمر شود.

وقتی که حسن رادسر (سرداری) آمد به مشهد با همان ترتیبی که عرض کردم او را مراجعت دادم برای اینکه فورمالیته به عمل آمده باشد که بعدا خودم گیر نباشم اسدالله خان رئیس تامینات خودم را که آن روز مورد اطمینان من بود با دستور اینکه برود به خواف و مراجعت کند و گزارش بدهد که با بودن نظامیها غیرمقدور است روانه کردم در مراجعت هم همانطور گزارش داد که به مرکز عرض شد اسدالله خان نام فامیلش سرداری است.

در صفحات ۱۲۲ جریان ملاقات خود را در بهداری شهربانی و در زندان با جهانسوزی اینطور بیان نموده.

رفتم بهداری جهانسوزی آمد پس از سلام و تعارف، اظهار کرد که من خواستم از شما مشورت کنم که تکلیف من چیست من جواب گفتم نمی‌دانم موضوع چیست و تو تا چه حدی مداخله داشتی تا به تو کمک فکری بکنم بنا کرد قسم خوردن که من نه مدرس را دیده‌ام و نه با او کاری کردم، فقط یک امری را از طرف رئیس شهربانی خراسان به رئیس شهربانی کاشمر ابلاغ کردم حرف ما که به اینجا رسید یک نفر صاحب منصب وارد اطاق شد و حرف ما قطع شد.

موقع خارج شدن جهانسوزی اظهار کرد که سرهنگ وقار (در آن موقع پاسیار وقار رئیس زندان مرکزی بوده) آمده بود اینجا من از او خواهش کردم که مرا به کریدور یک منتقل کند امروز به آنجا خواهم آمد و خدمت شما خواهم رسید...

گویا همان روز او را به کریدور یک منتقل نمودند دو روز بعد از ورودش آمد به اطاق من گفتم حالا خوب است تفصیل را بگویید... تفصیل را این طور بیان کرد.

پس از اینکه شما از مشهد به تهران رفتید و سرهنگ وقار آمد به مشهد به من امر کرد بایستی بروی و این عمل را خاتمه بدهی من جواب گفتم که قلب من ضعیف است، من نمی‌توانم این کار را بکنم سرهنگ وقار گفت تو کار نداشته باش حبیب با تو می‌آید تو امر مرا به رئیس شهربانی ابلاغ کن او خودش انجام خواهد داد من هم بنام تفتیش شهرهای جنوبی خراسان رفتم امر سرهنگ رئیس شهربانی را ابلاغ کردم خودم هم منزل رئیس شهربانی منزل کردم شب به من راپورت دادند که مدرس را دفن کردیم.

اظهارات اسدالله سرداری مؤید قسمتی از اظهارات نوائی است؛ زیرا در صفحات ۱۹ مکرر به بعد گفته قضیه مربوط به دوازده سال قبل است جزئیات موضوع را در نظر ندارم ولی یک مذاکراتی آنچه به خاطرم می‌آید بین بنده و سرهنگ محمد رفیع شده که ایشان از بنده قول شرف گرفته‌اند که مادام‌العمر اظهاری نشود.

روزی طرف عصر در ایام پاییز بود ایشان یعنی آقای سرهنگ رفیع نوائی، بنده را احضار فرمودند که به اتفاق برویم گردش چون چنین مطالبی و یا چنین اظهاری از آقایان سرهنگ‌ها نشنیده بودم.

به طور شوخی گفتم چه شده است که جناب سرهنگ به این خیال افتاده‌اید، فرمود: برویم حالا بعد مطلع می‌شوید، مقداری راه رفتیم تا رسیدیم به یک باغی ایشان اظهار کردند با یک حال گرفته و چهره سیا من یک مطلبی دارم خیلی محرمانه می‌خواهم به شما بگویم و دچار یک محظور فوق‌العاده خطرناکی شده‌ام...

پرسیدم چه پیش آمدی شده، فرمودند به من یک مأموریت بدی داده شده است و من می‌خواهم آن مأموریت را به شما بدهم چون هر چه فکر می‌کنم از شما نزدیک‌تر و محرم‌تر در اداره شهربانی خراسان کسی را ندارم.

پرسیدم بفرمایید چیست، فرمودند این مهمانی که برای ما فرستاده شده است باید کلکش کنده شود، بنده سؤال کردم مهمان کیست و کلکش کنده شود چیست با صدای گرفته که خوب به خاطرم می‌آید اظهار داشت، همین کسی که در خواف است بنده خندیدم گفتم چطور باید کلکش کنده شود، گفت، باید کشته شود بر من خنده افزوده شد گفتم: مگر شما این کاره هستید، گفت، من این کاره نیستم ولی چون این به من تکلیف شده است من هم ناگزیرم این تکلیف را به شما بکنم.

گفتم یعنی چه به من تکلیف بکنید که مرتکب جرمی بشوم، فرمودند: بلی. گفتم: که من کی و شغل من چیست. گفت: شما رئیس

تامینات من هستی.

گفتم حالاـ من برای شما توضیح می‌دهم که رئیس تامینات یعنی چه رئیس تامینات یعنی کاشف جرایم نه اینکه خود مرتکب جرم شود حتی این است که اگر حقیقتا شما این کاره بودید و هستید به نحو دیگری اقدام و به من که رئیس تامینات هستم امر می‌کردید که مرتکب را به دست بیاورم.

بنده چنین محرمیتی در این قبیل قضایا با شما نداشته و ندارم.

گفت می‌دانید تمرد برای شما چه عواقبی دارد گفتم بالاـتر از این نیست که مرا اعدام خواهند کرد. گفت: تکلیف من چیست. گفت: من و شما را قانون معین کرده است اگر شما اینکاره هستید قانون به شما می‌گوید کتبا نوشته بگیرید.

اگر این کاره نیستید جواب می‌دهید بر فرض که عواقب بدی داشته باشد اعدام خواهید شد و اگر حقیقتا تصور می‌کنید که من اینکاره هستم قدم اول من به شما می‌گویم که بنویسید آیا می‌نویسید به من بدهید ایشان اظهار داشتند تو چرا اینطور عصبانی شدی و چرا این قدر بچه‌ای در این مورد یکی نوشته می‌دهند چون دیدند من خیلی عصبانی شدم فرمودند نه تو آدم‌کش هستی و نه من، شوخی کردم با شما این اظهارات را کردم و حقیقت این است که شما فوری فردا صبح قبل از آفتاب حرکت کن برو به خواف وضعیت منزل این شخص را ببینید چون تهران از وضعیت محلی این آدم نگران است و برای من راپورت بیاور.

فردای آن روز با اتومبیل ایشان رفتم به خواف وضعیت منزل مدرس را دیدم و خود مدرس را هم ملاقات کردم و ایشان از من خواهش کردند که به رئیس نظمیه محمد رفیع خان بگویید اگر ممکن است شما بیایید من را ملاقات کنید بنده هم در مراجعت به ایشان عرض کردم که مدرس چنین تقاضایی دارد و وضعیت منزل را هم که چه جور است به ایشان گزارش دادم.

یک روز بعد از آن روز که گزارش دادم به من فرمودند فلانی تصور می‌کنم شما پای مسافرتی هم در پیش داشته باشید من گفتم دیگر به جایی مسافرت نمی‌کنم فرمودند دست پاچه نشو تهران باید بروید، گفتم برای چه. گفتند: اگر اجازه آمد به تو خواهم گفت من مراجعت شما را به تهران تلگراف کرده‌ام که اگر اجازه بدیهد برای عرض مطالبی شخصا به تهران آمده و یا اینکه رئیس تأمینات را بفرستم.

به ایشان گفتم حقیقت درجه دوستی را به طوری که خودتان اظهار می‌فرمایید تمام کرده‌اید...

به چه مناسبت مرا به تهران بفرستید فرمودند شما می‌دانید کسی که همواره صحبت کند و هم از قوانین مطلع باشد در اداره نداریم.

اگر خودم را اجازه دادند که خودم می‌روم به تهران و هر کاری باید بکنم می‌کنم یا برمی‌گردم یا برنخواهم گشت و اگر مرا اجازه ندادند شما چون می‌توانید حرف بزنید دستوراتی به شما می‌دهم که آنجا بگویید.

اظهارات محمد علی وقار در صحفه ۸۹ به بعد که قسمتهای مؤثر آن عینا نقل می‌شود...

بنده با اقتدار رئیس شهربانی کاشمر که چند سال پیش در اینجا رئیس شهربانی بود سابقه دوستی و آشنایی داشتم چون که قبل از آن یک سفر دیگر هم به کاشمر آمده و رئیس شهربانی بوده ایشان در سفر آخر که کاشمر بودند به مرخصی مشهد رفتند...

مستوفیات از مشهد به جای او آمد پس از چندی مراجعت کردند.

روز سوم ورودشان بود... رفتیم منزل خدمتشان...

بعد یکی دو روز توی خیابان ایشان را دیدم فرمودند از تو خداحافظی می‌کنم. و باید بروم مشهد گفتم علت تغییر شما چیست.

گفت حقیقت این است که این مهمانی که گفتم آورده‌اند به کاشمر آقای مدرس است به من امر شده است او را بکشم حاضر نشده‌ام و حالا یاور جهانسوزی آمده است و امر کرده که باید فوری حرکت کنم.

۷- اظهارات حاجی علی اکبر عظیمان در صفحه ۹۲ به بعد که قسمتهای موثر آن عینا نقل می‌شود.

بنده با اقتدار نظام از سابق دوستی و آشنایی داشتم او رفت به مرخصی مشهد... اقتدار نظام از مشهد آمد شنیدم یک آقایی را از

خواف آورده و در منزل خودش نگهداشته چون بـا اقتـدار نظـام خیلی دوست بودم فردای آن روزی که وارد شـده بودم رفتم منزل رفتم تو دیدم یک آقایی با لباس سـفید و ریش سـفید نشسته و یک شال سفید هم به سرش پیچیده است در این بین آقا آب خوردن خواست، کلفت اقتـدار نظام کاسه آب را خواست ببرد تو بنـده دیـدم که خود اقتـدار نظام کاسه را گرفت و دو دستی برد جلوی آقا آب خورد و اقتدار نظام کاسه را گرفت و عقب عقب آمد از اطاق بیرون و به من اشاره کرد که حالا برو بنده هم رفتم.

روز بعد شنیدم که از مشهد مأمور آمده که یکی از آنها حبیب‌الله معروف به میرغضب بود که من خودم او را دیدم بعد فوری اقتدار نظام را حرکت دادند به مشهد موقع حرکت رفتم اقتدار نظام اظهار کرد که من می‌روم من را حلال کنید شاید دیگر من را نبینید.

گفتم چرا می‌روی. گفت: این آقای مدرس را که به من داده‌اند اینجا آوردم، مجبورم کرده‌اند که از بین ببرم من حاضـر نشدم حالا من را مجبورا می‌فرستند به مشهد...

بین مردم می‌گفتنـد مستوفیان و حبیب‌الله شـهر رفته‌انـد نزدیـک افطار منزل مرحوم درس و به ایشـان گفته‌انـد برای مـا چای بریزید فرمودنـد خودتان بریزیـد گفتنـد شـما هم بایـد بخوریـد فرمودند که حالا وقت افطار نیست و من نمی‌خورم بعد گفتند که خیر موقع افطار است. فرمودنـد پس بروم ببینم، آمده‌اند بیرون نگاه کردند و فرمودند: پس نماز مغرب را بخوانم. آن وقت بعد از نماز چای را می‌ریزنـد در قوری و توی آن زهر می‌ریزنـد و بخورد آقا می‌دهنـد و بعـد از مدتی که می‌بینند زهر اثر نکرده است شال خود آقا را می‌اندازند به گردنش و خفه می‌کنند...

مشهدی اسمعیل مفتش که مدرس در خانه او بود... این اظهار را نمود...

۸- اظهارات اسمعیل را در صفحات ۹۹ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود. نمی‌دانم بیست و ششم ماه رمضان یا بیست و هفتم ماه رمضان بود ظهری بود شنیدم که آقا را در منزل کربلایی اسمعیل کشته‌اند.

کربلایی اسـمعیل... برای من قضـیه کشتن مدرس را نقل کرد و گفت... مستوفیان با یک نفر دیگر که نشاخته بوده آمده‌اند و آقا را زهر داده‌اند و همچنین دیده‌اند شال آقا را که دور سرش می‌پیچیده باز کرده به دور گردنش انداخته و کارشان را خاتمه می‌دهند...

شیخ هادی که حالا مرده است و متصدی دفن اموات بود... می‌گفت که آثار طناب یا شال در گردن آقا دیده است.

۹- اظهارات حسین مغانی در صفحات ۱۰۱ به بعد گفته:

یک روز در ماه رمضان بود... کربلایی اسـمعیل مفتش که حالا مرحوم شده به من رسید و سر به گوش من گذاشت و گفت: فلانی خبرداری چه شده. گفتم: خیر. گفت: دیشب آقای مدرس را در باغچه من زهر داده و کشتند.

مستوفیان و یک نفر دیگر آمدنـد او را زهر دادنـد نمرد بعـد شال به گردنش انداختنـد و خفه کردند و جنازه‌اش را توی تابوتی که پاسبانها محرمانه آورده بودند گذارده و بردند مخفیانه ذفن کردند.

۱۰- اظهارات سید حسین ابراهیم زاده در صفحات ۱۰۴ به بعد که گفته:

بنده با اقتدار نظام رئیس شـهربانی کاشـمر که یک سـفر دیگر هم آنجا رئیس شـهربانی بود آشـنایی و دوستی داشـتم اقتدار نظام به مرخصـی مشـهد رفته بود. اقتدار نظام برگشت کاشـمر، شب دوم ورودش بنده رفتم منزل ایشان به عنوان دیدن خودش آمد دم در و گفت:

حالاـ نمی‌توانم از کسـی پـذیرایی کنم دو شب دیگر... بیاییـد، شب سوم یا چهارم بود که رفتم به منزل ایشان پس از صـحبت اظهار کرد این آقایی که من آورده‌ام آقای سـید حسن مـدرس و چون به من امری کرده‌اند و من زیر بار نرفته‌ام، امر کرده‌اند که به مشـهد بروم و فورا حرکت خواهم کرد. فردای آن روز ایشـان رفتنـد تـا شب بیست و شـشم ماه رمضان که آقا را به قتل رسانیده‌انـد و بنـده شنیده‌ام که محمود خان مستوفیان رئیس شهربانی این کار را کرده و شبانه برده‌اند دفن کرده‌اند.

من از شـیخ غسال شـنیدم که گفت در موقع غسل دادن دیـده بود که گردن آقا سـیاه بوده و بـدن هم نزدیک به تلاشـی شـدن بوده

است.

بنده از امیرخان پاسبان شنیدم که آقا را کشته‌اند و علت این اظهار هم این بوده است که همان شبی که آقا را شهید کرده‌اند فردای آن روز زن امیرخان پاسبان تعزیه زنانه برای آقا در خانه خود گرفته بود. بنده از امیرخان پرسیدم تعزیه برای چه بود اظهار کرد که آقا سید حسن مدرس را کشته‌اند.

در آن روز یاور جهانسوزی با یک نیفر پاسبان قد بلند که اسمش را نمی‌دانم فقط معروف به میرغضب بود آمده بودند کاشمر.

۱۱- اظهارات حاجی سید عبدالمجید آله طه در صفحات ۱۱۱ به بعد گفته:

شب بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه رمضان بود که من رفتم خانه اقتدار نظام به من اظهار کرد که رئیس پلیس مشهد آمده و کار را بر من سخت گرفته‌اند که این سید بزرگوار را بکشم ولی من اقتدار نمی‌کنم و هر کاری ایشان می‌خواهند با من بکنند و فردا هم باید از این شهر بروم.

زن امیرخان پاسبان... به آقا اخلاص تامی داشت و برای او روضه می‌خواندم. گفت آقا را زهر داده‌اند و همان زن امیرخان بعد از کشتن آقا سه شب برای آقا تعزیه گرفت محرمانه.

۱۲- محتویات پرونده‌های شهربانی مربوطه به مرحوم سید حسن مدرس و مندرجات دفاتر نگهبانی شهربانی کاشمر به شرح پایین:

الف- تلگراف شماره ۱۶/۸/۱۶ -۸۶۶۱ پاسیار نوائی به اداره کل شهربانی بدین عبارت «اینکه امر فرمودند زندانی شود مدرس در خواف زندانی نبوده در حیاط جداگانه نگاهداری می‌شد حال در کاشمر زندانی شود یا منزل جداگانه.

اداره کل شهربانی طی ۱۶/۸/۱۸ -۲۹۷۶۷ -۲۸۱۰۷ جواب داده شهربانی مشهد ۸۶۶۱ به طوریکه دستور داده شده مشارالیه باید در شهربانی در محل مناسبی منفردا به طور زندانی دقیقا مراقبت شود.»

از این دستور معلوم می‌شود که وضعیت مرحوم مدرس بعد از انتقال به کاشمر سخت‌تر شده و در آنجا به زندان مجرد منتقل گردیده و وضعیت خاصی برای او در نظر گرفته شده که منظور از آن نمی‌تواند فقط تحت نظر گرفتن مرحوم مدرس دانست.

ب- گزارش شماره ۴۷۴ مورخ ۱۶/۷/۲۳ اقتداری به شهربانی مشهد بدین مضمون «ساعت ۱۷ یوم ۲۲ ماه جاری سید حسن مدرس را به اتفاق غلامرضا نخعی بازرس و پاسبان شماره ۵ زور وارد کاشمر گردیده.

گزارش شماره ۹۱۲۴ مورخ ۱۶/۸/۲۹ نوائی به اداره کل شهربانی به این عبارت «به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاودت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق مقررات زندانی و دستور شماره ۱۰۲ مورخ ۱۶/۹/۱ یاور جهانسوزی کفیل شهربانی شرق به شهربانی کاشمر بدین مضمون:

«پاسخ گزارش شماره ۴۷۴ به طوریکه دستور داده شده است، سید حسن مدرس باید در محل مناسبی منفردا زندانی و دقیقا مراقبت شود که با احدی ملاقات و مکاتبه ننماید و نیز تا موقعیکه اقتداری شهربانی را تحویل نگرفته حفاظت و مسؤولیت زندانی مزبور به عهده او خواهد بود و بعدا با شخص رئیس شهربانی است از این تلگراف‌ها و نامه‌ها استنباط می‌شود که اقتداری به عنوان ریاست شهربانی کاشمر مدرس را از خواف به کاشمر منتقل و مأموریت محافظت او را داشته و قرار بوده که شهربانی را هم از مستوفیان تحویل بگیرد و بعدا هم مسؤولیت حفاظت مدرس باز با شخص خود او باشد ولی بعد از ورود، جهانسوزی بطوریکه بعدا ذکر خواهد شد اقتداری را که حاضر به ارتکاب قتل نبوده از کاشمر اخراج و مستوفیان را به کفالت شهربانی کاشمر ابقاء نموده‌اند.

ج- در دفتر نگهبانی سال ۱۳۱۶ در صفحه ۱۵۸ به تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۶(۲۳ رمضان) در وقعه ۳ نوشته شده است: ساعت ۱۵ بعدازظهر جناب ریاست سر کلانتری مرکز ناحیه شرق به شهربانی وارد شدند مراتب استحضارا معروض داشت.

در همان صفحه در وقعه ۵ همان روز نوشته شده «حسب‌الامر جناب ریاست سرکلانتری رسدبان ۲ اقتداری را احضار و ابلاغ شده که فورا حرکت و خود را به شهربانی مشهد معرفی نمایند و نیز از گاراژ ماشین تهیه که فردا اول صبح حرکت نماید مراتب را

استحضارا معروض داشت.

در صفحه ۱۶۰ دفتر نامبرده به تاریخ ۱۶/۹/۷ در وقعه ۵ نوشته شده ساعت ۱۰ صبح تعقیب وقعه ۵ صفحه ۱۵۸ رسدبان ۱ اقتداری رئیس شهربانی سابق کاشمر به طرف مشهد حرکت نموده.»

از مندرجات دفتر نگهبانی که فوقا بدآن اشاره شد واضح است که مأموریت جهانسوزی مستلزم اخراج اقتداری از کاشمر بوده که به مجرد ورود با فشار و سخت‌گیری زیاد مشارالیه را که حاضر به ارتکاب قتل مدرس نبوده از کاشمر به مشهد اعزام کرده.

د- تلگراف رمز شماره ۵۱۱ مورخ ۱۹/۶/۶ به امضای مستوفیان بدین عبارت:

«مشهد شهربانی سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت.»

این تلگراف بر خلاف واقع و برای ظاهرسازی بوده و مستوفیان می‌خواسته وانمود کند که مدرس مریض است؛ زیرا اگر مدرس در موقع ورود به کاشمر مریض بود بایستی اقتداری گزارش کسالت او را بدهد نه مستوفیان و به علاوه مستوفیان در همان روز تحویل گرفتن مدرس گزارش داده که دو روز است مرض مدرس شدت یافته در صورتی که دو روز قبل از آن هم مدرس تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالت وی تشدید یافته بود بایستی اقتداری گزارش آن را بدهد.

نامه مورخ شنبه هفتم آذرماه ۱۳۱۶ مستوفیان نیز به عنوان «آقای سرپاسبان یکم شجاعی» که قبلا در صفحه ۳ ادعانامه عین آن نقل شد.

مؤید این است که مستوفیان تنها مأمور مراقب مدرس نبوده بلکه مأموریت دیگری داشته است که حتی می‌خواسته مردم مطلع نشوند که مدرس در آنجا است.

در صفحه ۱۶۱ بتاریخ ۱۶/۹/۷ در ورقه ۵ نوشته شده: «تعقیب وقعه ۴ صفحه ۱۶۰ جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق ساعت ۱۴ عصر حرکت نموده با اتومبیل طرف تربت مراتب معروض» و در صفحه ۶۷ به تاریخ ۱۶/۹/۹ در وقعه ۵ نوشته شده است:

ساعت ۱۱/ ۳۰ صبح جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق به کاشمر وارد به شهربانی تشریف آورده، پس از نیم ساعت توقف تشریف بردند.

صورت مجلس مورخ شب ۱۶/۹/۱۰ بدین مضمون:

«خدمت جناب یاور ریاست اداره سرکلانتری مشهد محترما به عرض می‌رساند ساعت ۲۲/ ۳۰ عصر به معیت سرپاسبان ۱ شجاعی به محل زندانی به جهت وارسی آمده مشاهده شده زندانی مزبور فوت نموده، در صورتیکه سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد ساعت قبل که من آمده بودم مشارالیه حیات داشتند و پاسبانان ۶ و ۷ قراولان هم به همین نحو اظهار داشتند که ساعت قبل یعنی یک ساعت قبل از این ساعت، گزارش قبل از آمدن بنده و مراجعتم مومی‌الیه حیات داشته. مراتب گزارش معروض تا به آنچه امر فرمایند اطاعت شود به امضای مستوفیان و سرپاسبان ۱ شجاعی و پاسبان شماره ۷ محمد فراموشکار و مهر ابراهیم پاسبان شماره ۶ از مراتب مذکور معلوم می‌شود که جهانسوزی پس از ورود به کاشمر دستور داده که تلگراف بر خلاف واقع راجع به کسالت مرحوم مدرس مخابره شد و ترتیب نگاهداری مدرس را هم مشارالیه به مستوفیان داده؛ زیرا مستوفیان در دستوری که راجع به این موضع به سرپاسبان شجاعی داده اشعار داشته که حسب‌الامر جناب یاور گزارش فوت مرحوم مدرس را هم به عنوان جهانسوزی داده که این گزارش نیز طبق اظهارات محمد فراموشکار و ابراهیم ابراهیمی برخلاف واقع است.

از مراتب فوق‌الذکر واضح است که مأموریت جهانسوزی بازرسی جنوب خراسان نبوده بلکه ارتباط با قتل مدرس داشته و حتی موقعی که از جهانسوزی سؤال شده چرا دکتر و پزشک برای معالجه مدرس و بعد از فوت او باری معاینه و دادن جواز دفن نبوده.

اظهار داشته که جهانسوزی و شهربانی مشهد چنین اجازه به او نداده‌اند مضافا بر اینکه اگر یاور جهانسوزی مأموریت بازرسی داشته لامحال باید حکمی حاکی از نوع مأموریت وی صادر شده باشد و گزارش نیز راجع به مأموریت خود پس از مراجعه به مشهد

بدهـد، در صورتیکه جهـانسوزی گزارشـی از نتیجه مأموریت خود نـداده و وقـار نیز در بازجویی اظهار داشـته چون سـرپاس مختار دستور داده بود که جهانسوزی باید به جنوب خراسان مسافرت کند، مشارالیه نتیجه بازرسی را از او نخواسته است.

مسـتوفیان پس از قتل مـدرس و تنظیم گزارش بر خلاف واقع که راجع به ثبوت او به جهانسوزی داده برای اینکه وانمود کند مرحوم مـدرس بر اثر کسـالت فوت نموده، صورت مجلس دیگری به تاریـخ لیله ۱۶/۹/۱۰ در دو صـفحه بـدین عبارت تنظیم نموده «ساعت ۲۲/ ۳۰ یوم جاری اینجانب رسدبان ۳ مستوفیان کفیل شهربانی کاشمر به معیت سرپاسبان یکم سید موسی شجاعی به منزل واقعه در محله نو که شـخص سـید حسن مـدرس زنـدانی در آنجا بوده رفتیم مشاهده شد زندانی مزبور فوت در صورتی که سرپاسـبان مزبور اظهار می‌دارد، یک ساعت قبل از من جهت بازدید او رفتم زندانی مزبور حیات داشـته و پاسبان شماره ۶ ابراهیم ابراهیمی ترشیزی و شماره ۷ محمـد فراموشـکار پاسـداران زنـدانی مزبور اظهـار می‌دارنـد که متوفی فوق به مرض تنگ نفس سـینه مبتلا بوده و تا یک ساعت قبل حیات داشته که بعدا فوت نموده است».

و بعدا باز احتیاط نموده گزارش شماره ۵۳۰ مورخ ۱۶/۹/۱۳ را به عنوان ریاست شهربانی ناحیه شرق بدین عبارت: «پیرو گزارشهای رمز ۱۶/۹/۶ –۵۱۱ و ۱۶/۹/۱۰ –۵۱۵ مربوط به مریضـی و فوت سید حسین مدرس زندانی محترما به عرض می‌رساند ساعت ۲۲/ ۳۰ شب ۱۰ ماه جاری اینجانب به معیت سرپاسبان یکم شماره ۴۱ شجاعی که مسئول قراولان و حفاظت مشارالیه بوده به جهت سرکشی رفته، مشاهده گردیده سـید حسن مزبور فوت و هیچگونه آثاری هم در بدن او نبود و سرپاسبان و قراولان او هم گزارش داده‌اند که تـا یـک ساعت قبل حیات داشته ولیکن فوق‌العاده مریض و تنگ نفس داشـته است.» که این مطلب به شـرحی که قبلا ضـمن دلایل مذکور افتاد برخلاف واقع بوده است.

۱۳- مبلغ یکهزار و پانصد ریال به موجب چک شماره ۸۲۹۸ در ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ از محل اعتبار مخفی به شهربانی مشهد برات شده است که مختار و وقار نتوانسته‌اند محل مصرف آن را تعیین نمایند.

حسابـدار مخـارج مخفی نیز راجع به مصـرف این مبلغ گزارش داده که مشـارالیه اطلاـعی نـدارد که وجه مزبور برای چه مصـرفی به شهربانی مشـهد داده شده تا به حال هم اسـناد هزینه آن نرسیده که محل مصرف آن معلوم شود که با ترتیب پرداخت انعام در مورد قتـل نصـرت‌الدوله و شـیخ خزعـل و توضـیحاتی که حسابـدار مخـارج مخفی در آن پرونـده‌ها داده و سایر قرائن و نشانیهای موجود حکـایت دارنـد که مبلغ مزبور، به عنوان انعـام به مأمورین قتل مـدرس پرداخته شـده است. بنا به مراتب فوق‌الـذکر به نظر دادسـتان دیوان کیفر محمود مسـتوفیان و حبیب‌الله خلجی مدرس را به شرکت یکدیگر خفه کرده و جهانسوزی و وقار و رکن‌الدین مختار در این قتل معاونت نموده‌انـد و رسـیدگی و صدور حکم مجازات مسـتوفیان و حبیب‌الله خلجی طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی و جزء ماده ۲۷ همان قانون و نسبت به جهانسوزی و وقار و مختار در حدود مواد ۱۷۰ و ماده ۲۸ همان قانون مورد تقاضا است.

دربـاره سـید حسن مـدرس اعلی‌الله مقـامه کتـاب و رساله زیاد نوشـته شـده است. وی بـدن شک یکی از روحانیون و سیاسـتمداران برجسـته ایران در چند قرن اخیر است. عالمی روشـنفکر و ناطقی برجسـته و سیاسـتمداری باهوش و باذکاوت بود. در شـجاعت نظیر نـداشت، استغنای طبع داشت. به مـال دنیـا اعتنـایی نـداشت و در کمـال سادگی زنـدگی می‌کرد. تلاش وی برای جلوگیری از خلع قاجـاریه و زمامـداری سـردار سپه به همـان روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ اختصـاص نـداشت بلکه از آغاز سـفر سوم احمـدشاه به اروپا و رئیس‌الوزرایی سـردار سپه آغاز شـد. مدرس وقتی از آمدن احمدشاه به ایران مأیوس گردید درصدد برآمد محمد حسن میرزا را به پادشاهی برگزیند ولی در ضـمن عمل متوجه شد که هیچکاری از وی ساخته نیست. به فکر یکی از افراد برجسته خاندان قاجار افتاد گویا این شـخص ناصـرالدین میرزا ناصـری کوچکترین فرزند مظفرالدینشاه بود که هوش و درایتی خاص داشت چندی نیز با خزعل در این مـورد مـذاکره داشت ولی دست آشـکار و پنهـان دولت انگلیس برای آینـده ایران طرحی نـو ریخته بود که بالاـخره آنهم به مرحله اجرا درآمد.

سید حسن بن اسماعیل بن میر عبدالباقی قمشه‌ای از طایفه‌ی میر عابدین از سادات طباطبایی و از رجال روحانی و سیاسی دوره‌ی مشروطیت و پهلوی (و. قریه‌ی سرابه کچو در اردستان به سال ۱۲۸۷ ه.ق ف. کاشمر ۲۶ رمضان ۱۳۵۷ ه.ق مطابق با ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ خورشیدی.) در سن ۱۶ سالگی به جهت تحصیل به اصفهان رفت، سیزده سال در اصفهان مشغول تحصیل بود، سپس به عتبات رفت و محضر علمای بزرگ نجف را درک نمود. آنگاه به اصفهان بازگشت و به تدریس پرداخت. در دوره‌ی دوم مجلس و ادوار بعد نماینده بود. با سلیمان میرزا و یاران وی از تهران مهاجرت کرد و سپس به تهران بازگشت. در ۱۳۰۵ ه.ش در کوچه‌ی پشت مسجد سپهسالار به او سوءقصد شد ولی به سلامت رست.

(ح ۱۲۸۷- شهادت ۱۳۵۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس، متکلم، مجتهد سیاسی و نماینده‌ی مجلس. معروف به مدرس. جامع معقول و منقول بود. در روستای سرایه کچو از توابع اردستان به دنیا آمد. پدرش از خطیبان و واعظان بود. شش ساله بود که به همراه جد و خانواده‌اش به قمشه مهاجرت کرد. او مقدمات را از محضر پدر و جدش آموخت. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و سیزده سال در فقه و اصول و علوم عربی و فلسفه از محضر میرزا عبدالعلی هرندی نحوی و جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی و آقا سید محمد مغنی و دیگران استفاده نمود. سپس به نجف رفت و هفت سال در محضر آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی و ملاـ علی نهاوندی تلمذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده سکونت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. مدتی بعد به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس فقه و اصول مشغول شد و مدتی تولیت آنجا را عهده‌دار بود. وی در دوره‌ی دوم انتخابات مجلس شورای ملی با سمت مجتهد طراز اول، به عنوان ناظر بر جریان قانونگذاری، از جانب علمای نجف انتخاب شد و در دوره‌ی بعد از جانب مردم تهران منتخب گردید و جمعا پنج دوره در مجلس شرکت نمود و همزمان به تدریس در مدرسه‌ی سپهسالار می‌پرداخت. در جریان کشمکش‌های سیاسی بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش و به قدرت رسیدن رضاخان نهایتا در ۱۳۰۷ ش دستگیر و به خراسان تبعید شد و سرانجام در زندان کاشمر توسط مأمورین شهربانی به شهادت رسید و در امامزاده‌ی آنجا دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۲ -۲۱/ ۵)، بازیگران عصر طلایی (۳۳۶ -۱۳۳)، تذکرۀ القبور (۲۵۵ -۲۵۴)، شرح حال رجال (۳۴۵ -۳۴۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۳ -۳۸۱/ ۱۴)، مدرس قهرمان آزادی (۱ و ۲).

مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظرۀ»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی‌شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثۀ اللهفان من ورطات النیران»، در مواعظ؛ «التهذیب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجدیدۀ» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیۀ المصلی»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۰/ ۳)، ریحانه (۲۸۸/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۳۶/ ۲).

مرعشی شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سید محمد حسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در ۷۳ سالگی به دیدار معبود شتافت.

سید محمد حسن فرزند حجةالاسلام سید سلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا تقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سید بزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر ۱۳۷۰ق/آذرماه ۱۳۲۹ ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.

سید محمد حسن در سال ۱۳۵۶ق/۱۳۱۶ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون محمد تقی حکیم، سید محمد موسی جزائری و سید محمد حسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمد تقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آیهٔ الله سید ابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه واداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه ی علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.

مرعشی در سال ۱۳۶۱ ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ ش به دیوان عالی کشور-تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه ۱۹ دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه ۲۰و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل ومراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.

مرعشی در پی بیماری کلیوی عاقبت در صبح روز دوشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۹ق/۲۸ مرداد ۱۳۸۷ ش در سن ۷۳ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:

۱-شرح الفیةابن مالک؛

۲-شرح تلخیص مختصر المعانی؛

۳-شرح بدایةالحکمة(اثر علامه طباطبائی)؛

۴-شرح نهایةالحکمة(اثر علامه طباطبائی)؛

۵-شرحی بر تهذیب المنطق (اثر تفتازانی-فارسی)؛

۶-حاشیة علی الرسائل؛

۷-حاشیة علی کفایة الاصول؛

۸-شرح منظومةالتحفةالقوامیة فی الفقه؛

۹-شرح منظومة تحفةالحکیم فی الحکمة (اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)؛

۱۰-تعلیقات علی تمهیدالقواعد فی الفلسفة(اثر ابن ترکه)؛

۱۱-شرح حلقات الاصول (المرحلة الثالثة - اثر شهید صدر)؛

۱۲-اصول الفقه؛

۱۳-شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفة (اثر ابن سینا)؛

۱۴-شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده؛

۱۵-سبیل الرشاد الی شرح الارشاد(اثر علامه حلی)، چاپ شده؛

۱۶-ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده؛

۱۷-دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده؛

۱۸-حاشیة التلخیص فی الاصول.

همچنین از این دانشمندان فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.

نویسنده:عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه :آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمّیه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر

سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام" خدیجه مادر امت "شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند" پیامبران ناشناخته "که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

درسال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان" علی امام قرنها "برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام" علی نخستین مسلمان "ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان" نهج البلاغه آشنای غریب "و "خورشید نیزه ها "برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروزی، ابوصمصام سید عماد الدین ذوالفقار

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۶ -۴۵۵ ق)، متکلم، محدث و فقیه امامی. ملقب به حمیدان. وی علاوه بر کنیه‌ی ابوصمصام به ابوالوضّاح هم مکنّی بود. او همان ابن معبد حسنی است. زادگاه او شهر مرو بود، و سفرهای متعددی به سرزمینهای مختلف اسلامی داشت؛ زمانی را در بغداد سپری کرد و مدتی نیز در اصفهان بود و در آن شهر از نظام الملك طوسی، وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی، حدیث شنید. او از شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ نجاشی، شیخ محمد حلوانی و سلّار بن عبدالعزیز دیلمی روایت می‌کرد. شاگردان و راویان ابوصمصام را شخصیتهایی سرشناس مانند قطب الدین راوندی، سید فضل الله راوندی، ابن شهر آشوب، ابوسعد سمعانی، ابوالقاسم ابن عساکر تشکیل می‌دهند. او ظاهری نیکو و بیانی شیرین داشت. ابوصمصام از حلقه‌های مهم در سلسله‌ی اسانید امامیه به شمار می‌رود و می‌توان وی را به عنوان یکی از ناقلان عمده‌ی مصنفات پیشینیان امامی به حساب آورد. سید عمادالدین همچنین، در انتقال مصنفات و روایات غیر شیعی نیز دست داشت، مثلاً، او یکی از راویان اصلی «تفسیر ثعلبی» بود. روایات پراکنده‌ی او نیز در کتب محخدثان فراوان یافت می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۲ /۶)، ریاض العلماء (۲۸۰ -۲۷۷ /۲)، ریحانه (۱۶۳ /۷)، فوائد الرضویه (۱۷۸)، فهرست

منتجب الدین (۷۴ -۷۳)، الکنی و الالقاب (۱۰۶ -۱۰۳ /۱)، لسان المیزان (۵۵ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۴ -۲۳).

مسعودی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر مسعودی

محل تولد : نی ریز فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تصحیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درسهایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح ، دروس را به صورت جهشی گذراندم.

متاسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال ۷۲ مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج ، وضعیت فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری ۱۹۴۶ را به رشته تحریر در آوردم.

مدتی در قم در ستاد منطقه ۲ کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره ، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم.در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال ۱۳۸۴ در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم.و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف ، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را تدریس نمودم.

مسعودی، جهانگیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جهانگیر مسعودی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جهانگیر مسعودی در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای متدین در شهر مشهد به دنیا آمد، ایشان در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه مشهد راه یافت، مقدمات و سطح را در هشت سال تمام و پس از آن به مرحله عالی راه یافت و در درس خارج آیات عظام، مرتضوی و زنجانی شرکت نمود. ایشان علاوه بر تحصیل علوم حوزوی از تحصیل دروس دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۲ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع دکتر از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ‌التحصیل شد، پس از به زادگاه خویش برگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاهها نشست. در زمینه پژوهش نیز زحمات فراوانی را متحمل شده که به صورت مقاله و کتاب به جامعه اسلامی عرضه گشته‌اند.

مسلمی خوازنی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا مسلمی خوزانی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث ومناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال ۱۳۵۹ دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمنده‌ها می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی ۶۸ ـ ۶۷ دوره سطح حوزه را به پایان رساندم.در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ در مدرسه رسول

اکرم(ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال ۷۰ ـ ۶۹ در دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از ۷۱ ـ ۷۰ آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال ۷۴ به پایان رساندم در تاریخ ۲۵/۱۱/۷۴ رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مشکور، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیهٔ (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۲۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیهٔ و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر

اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبدالله مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/ ۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸ -۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶ -۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ -۴۲۳/ ۲)،

نامه‌ی باستان (۱۸ –۱۱).

مصباح یزدی، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

تولد و دوران کودکی

استاد، آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، یازدهمِ بهمن ماه هزار و سیصد و سیزده، برابر با بیست پنجم شوال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری، در دامان پرمهر خانواده ای بسیار متدین و مذهبی در شهر یزد به دنیا آمد.

زندگی پدر و مادر استاد در منزل میراثیِ مادریشان با سختی بسیار می گذشت. مادر با کمک خاله ها، در خانه جوراب می بافت تا پدر برای گذران زندگی جوراب ها را در مغازه بفروشد. این شغل بسیار کم درآمدی بود ؛به طوری که پدر می بایست هر از چندی مبلغی قرض می کرد تا به کارش سامانِ دوباره دهد.

استاد درباره آن روزگار چنین می گوید:

یادم می آید بهترین غذایی که دوست داشتیم و هفته ای یک مرتبه می خوردیم این بود که با برادرم از مدرسه که می آمدیم، دو ریال و ده شاهی سرشیر می خریدیم، و مادر کمی آب قند درست می کرد و با این سرشیر قاطی می کرد، و این بهترین شام آخر هفته بود.

پیش از تولد محمدتقی، مادر خواب می بیند که «قرآن» به دنیا آورده است. با نگرانی خواب خود را نزد معبّری به نام سیدمحمدرضا امامیه، که از علمای یزد بود، بازمی گوید. سید در پاسخ می گوید: فرزندی که متولد می شود پسر است، و بشارت باد که او عالم و حامی قرآن خواهد بود.

این خواب، هرچند بعدها به فراموشی سپرده شد، ناخودآگاه موجب علاقه شدید والدین، و به خصوص مادر محمدتقی به وی و آینده اش گشت.

دوران مدرسه

روزگار کودکی محمدتقی در آغوش خانواده ای اینچنین پاکدل و باصفا، با اندوخته هایی ارزشمند از تربیت ناب دینی سپری شد، و او برای کسب دانش و معرفت بیشتر راهی دبستان گردید. محمد تقی چنان مشتاق دانستن بود که همه ساله در امتحانات پایانی، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می شد و همین امر موجب محبوبیت او نزد مدیر و معلمان مدرسه گشته بود، و آنان وی را تشویق می کردند که با ادامه این شیوه درس خواندن، از مخترعان و مکتشفان و دانشمندان برجسته میهن باشد. اما محمدتقی آرزویی دیگر داشت. او تنها به تحصیل علوم دینی و کسب معارف الهی می اندیشید، و بر همین اساس بود که در انشای کلاس چهارم نوشت می خواهد به نجف برود و درس دینی بخواند. این انشا آموزگار و هم شاگردی های محمدتقی را شگفت زده کرد ؛چه هم کلاس ها که خود آرزو داشتند روزی خلبان، سرهنگ، وزیر، وکیل یا... شوند، می دیدند شاگرد ممتاز مدرسه عجب پیشه ای برای آینده اش در نظر گرفته است!

آغاز طلبگی

محمدتقیِ نوجوان در سال تحصیلی ۲۶ـ۱۳۲۵ دوره ابتدایی را به پایان برد. انتظار به سر آمده بود و شیفتگی به فراگیری علوم دین

موجب شد که او به جای گذراندن تعطیلات و تفریحات، از همان ابتدای تابستان وارد حوزه علمیه یزد شود. محمدتقی در یکی از حجره های مدرسه شفیعیه ـ واقع در میدان خان ـ ساکن شد و بی اعتنا به وضع نابسامان حوزه، و مخروبه بودن مدارس و حجره ها، و نیز فقدان استاد و برنامه درسی منظم، چنان به درس و بحث و مطالعه اهتمام ورزید که در مدت چهار سال، تمام مقدمات و سطوح متوسطه را تا رسایل و مکاسب، با تحقیق و جدیت فوق العاده ای به پایان برد ;حال آنکه گذراندن این مدارج، به طور معمول حدود هشت سال زمان می طلبید.

محمدتقی، همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، با انگیزه علم دوستی و حقیقت جویی، برخی علوم روز از قبیل فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد روحانی فرهیخته ای به نام «محقّقی رشتی» که بعدها از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به آلمان اعزام شد، می آموخت.

هجرت به نجف

طلبه جوان، با ذوق و شوق فراوان گرم تحصیل بود که بار دیگر شیخ احمد آخوندی که اول بار انفاس قدسی اش او را دلباخته معارف قرآن و عترت (علیهم السلام) ساخته بود، به میهمانی شان آمد. شیخ با مشاهده آن همه علاقه و پیشرفت، وی را تشویق کرد که برای ادامه و تکمیل تحصیلات به نجف اشرف هجرت کند و خانواده را نیز ترغیب نمود تا برای حمایت از او به نجف مهاجرت کنند و مقیم آن دیار شوند.

به این ترتیب پدر و مادر که دلبسته فرزند بودند، تصمیم گرفتند خانه و وسایل کارشان را بفروشند و به نجف هجرت کنند.

قرار بود طلبه جوان با خیال آسوده به درس و تحقیق بپردازد و پدر و مادر کار بافندگی خود را در آنجا از سر گیرند ;اما پس از شش ماه که به زحمت در آنجا ماندند، وضع کاری خانواده رونقی نگرفت و تلاش های فراوانِ پدر برای کسب درآمد کارگر نیفتاد، و در نهایت مجبور شدند به ایران مراجعت کنند.

اقامت در نجف، هرچند کوتاه بود، خاطرات بسیاری به یادگار گذاشت. گرمی بازار درس و بحث و حضور علمای بزرگی چون مرحوم حکیم، مرحوم شاهرودی، مرحوم سیدعبدالهادی شیرازی، مرحوم میرزا آقا استهباناتی که آن روزها از علمای تراز اول بودند و امثال مرحوم خویی که در رتبه بعد قرار داشتند، شکوه و جلال خاصی به حوزه نجف بخشیده بود.

هجرت به قم

خانواده از نجف بازگشتند و قرار شد برای مدتی در تهران بمانند. اما محمدتقی تصمیم داشت برای تحصیل به قم عزیمت کند.

مهدی، برادر کوچک تر محمدتقی بود، و در یک فروشگاه ظروف آلومینیوم شاگردی می کرد. او از پس انداز ناچیز خود در طول تابستان، یک چراغ فتیله ای، یک بشقاب، یک قابلمه، یک قاشق و یک قوری فلزی برای برادر خرید تا با خاطری آسوده تر در قم زندگی کند و درس بخواند.

البته محمدتقی نیز در تابستان بی کار نبود و با تدریس در کلاس های تابستانی توانست شصت تومان به دست آورد. با چهل تومانِ آن یک پتو خرید و بیست تومان باقی مانده را خرج راه ساخت. او حدود بیست روز مانده به آغاز درس ها راهی قم شد تا بلکه بتواند حجره ای بگیرد و سامانی بیابد.

یافتن حجره کار آسانی نبود. آن روزها دو ـ سه مدرسه کوچک در گوشه و کنار قم، و دو مدرسه بزرگ در نزدیکی حرم مطهر وجود داشت: یکی مدرسه فیضیه و دیگری مدرسه حجتیه. احتمال اینکه در این دو مدرسه به کسی حجره بدهند، بیشتر بود ;اما با وجود این، شرط ورود به مدرسه تازه ساز حجتیه آن بود که طلبه می بایست بیست سال تمام داشته باشد، و محمدتقی هنوز ۱۹ ساله بود. به این ترتیب تنها مدرسه فیضیه باقی می ماند. پیدا کردن متولی مدرسه بسیار مشکل بود. «می بایست هر روز ساعت ها کنار حسینیه ای که نزدیک منزلش بود می نشستی که اگر یک وقت از منزلش خارج شد، پیدایش کنی و دست به دامنش شوی و از او

حجره بخواهی! او هم اگر سرِحال بود و حوصله داشت، برخورد خوبش این بود که" حالا شما چند روز صبر کنید، شاید حجره خالی پیدا شود "!و از این جور جواب های سربالا».

یکی دو ماه به همین صورت گذشت و او موفق نشد حجره ای پیدا کند.

این گرفتاری ها عرصه را بر او تنگ کرده بود، تا اینکه سرانجام روزی متولی را در حیاط مدرسه دید و با ناراحتی به او گفت: «آقا! من دو ماه است اینجا سرگردانم و شما هم با اینکه حجره خالی دارید، مرتب وعده می دهید و عمل نمی کنید. شاهدش هم این است که شخصی که بعد از من آمده بود، به شما مراجعه کرد و به او حجره دادید، و با اینکه من قبل از او آمده بودم، به من حجره ندادید!..». متولی مدرسه نیز در پاسخ، جواب تندی داد و کاملا مأیوسش کرد. بر اثر ناامیدی و احساس غربت، بغضش ترکید و با گریه زمزمه کرد: «اگر به من حجره ندهید، از شما به حضرت معصومه(علیها السلام) شکایت می کنم!» اما متولی مدرسه هیچ متأثر نشد.

طلبه جوان با حالت گریان از او دور می شد که مشهدی ماشاءاللّه، خادم مدرسه فیضیه، صدایش کرد و گفت: «آقای یزدی! چرا گریه می کنی؟! و بعد آهسته گفت: ناراحت نباش، من به شما حجره می دهم!»

مشهدی این را گفت و از او دور شد. مدتی گذشت و او همچنان در انتظار آمدن مشهدی ماشاءاللّه بود. بالاخره خادم مدرسه با طلبه دیگری به نام سیدعلی محمد پیدا شد. او نیز جوانی یزدی بود و دنبال حجره می گشت، و به این ترتیب با هم به حجره مورد نظر رفتند. «حجره که چه عرض شود، یک فضای باریکه ای بود که در واقع انباری زیر پله های واقع در زاویه مدرسه به شمار می رفت و اسباب آبپاشی و جارو و از این قبیل را آنجا نگهداری می کردند. تخت شکسته ای هم در یک گوشه آن افتاده بود. دیوارها تا سقف نم داشت و ابداً آفتاب به آنجا نمی تابید، و درِ آن هم شیشه نداشت!»

با وجود آنکه روزها بیشتر بیرون حجره به سر می بردند و شب ها نیز فقط برای چند ساعت استراحت به آنجا می آمدند، بعد از ده ـ دوازده روز هر دو، بر اثر رطوبت، دچار پادرد و کمردردی شدید شدند. مدتی با همین وضع گذشت تا اینکه روزی یکی از طلبه های یزدی نزد آنان آمد و گفت که رفیق هم حجره اش ازدواج کرده به منزل منتقل شده است، و وسایل حجره آنان را به حجره خودش برد، و به این ترتیب از آن به بعد ایشان حجره دار شدند ;حجره ای که به اصطلاح آبرومند بود و می شد در آن زندگی کرد.

سال اول به این منوال در مدرسه فیضیه گذشت. محمدتقی روزانه در چهار درس شرکت می کرد: درس خیارات مکاسب مرحوم آقامرتضی حائری، که صبح ها در منزل ایشان برقرار می شد ;جلد اول کفایه مرحوم آقاشیخ عبدالجواد جبل عاملی که اول طلوع آفتاب در مسجد عشقعلی برگزار می شد، و او با یکی از دوستانش پیش از طلوع آفتاب این درس را مباحثه می کردند ;جلد دوم کفایه نزد مرحوم آقامرتضی حائری که عصرها در منزل ایشان برگزار می شد ;و دیگری درس منظومه بود. آموختن و مطالعه و مباحثه این دروس، تمام وقت او را پر می کرد، و در شبانه روز پنج تا شش ساعت برای استراحت و دیگر امور باقی می ماند. اما وی با علاقه و شوقی وصف ناپذیر مشکلات و کاستی ها را به جان می خرید و دل مشغولی عمده اش پرداختن به درس و بحث بود.

او مشکلات خود را در آن دوران این گونه توصیف می کند:

...نهایت کمکی که خانواده ام می توانستند به من بکنند ماهیانه حدود بیست تومان بود، که آن هم مرتب نمی رسید، و گاه می شد که حتی یک لقمه نان برای شب نداشتیم. طوری برنامه ریزی کرده بودیم که روزی ۶ تا ۷ قران بیشتر خرجمان نشود، و این، تنها پولِ یک نان سنگک و یک سیر پنیر می شد. بعضی وقت ها هم نصف نان سنگک می خریدیم و برای شب هم بعد از نماز سی شاهی می دادیم و از خشکه پزی کنار درب فیضیه یک نان کسمه کوچک می گرفتیم و این شام ما بود... . یک روز پولمان کاملا تمام شده بود و من تصمیم گرفتم پولی قرض کنم. در خلوت با خدا نجوا کردم که «خدایا می خواهم برای رضای تو و برای

اعتلای دین تو درس بخوانم! خودت می دانی که توقع زیادی هم ندارم! هرگونه که خودت صلاح می دانی وسیله ای فراهم کن که من مقداری پول از کسی قرض کنم یا بگیرم! می دانی که من آدمی نیستم که بتوانم پیش کسی بروم و تقاضای حاجت کنم. خودت برسان! اگر هم صلاح نمی دانی، توفیق بده تا بتوانم صبر کنم».

[گذشت] تا اینکه عصر یک روز، که ظهرش ناهار حسابی نخورده بودم، داشتم در حیاط مدرسه فیضیه قدم می زدم که شنیدم پستچی از طلبه ها سراغ محمدتقی یزدی را می گیرد. جلو رفتم و با ناباوری از اینکه کسی برایم نامه بفرستد، نامه را گرفتم. از یکی از علمای یزد بود که آن وقت ها ارتباطی با ایشان نداشتم. ایشان یک حواله بیست تومانی برای من فرستاده بودند، که بعد از چند ماه سفره مان رونق گرفت... .

آن زمان مرحوم آقای حجت به طلبه ها مُهر نان می داد. من هم به فکر افتادم از ایشان تقاضای مُهر نان کنم ;اما نمی خواستم به دستگاه ایشان مراجعه کنم. بنابر این نامه ای به این مضمون نوشتم:

حضرت آیت الله حجت، من شخصی به این نام هستم و در قم درس می خوانم و در درس آقای حائری شرکت می کنم. شنیده ام که مُهر نانی به طلبه ها می دهید. اگر شامل من هم می شود، من هم طلبه هستم.

صبح که می خواستم نامه را ببرم فکر کردم نکند این کار، خلاف قاعده و برنامه حوزه باشد، و این نان به کس دیگری تعلق داشته باشد و به ملاحظه شاگردی آقای حائری بخواهند به من بدهند! این بود که نامه را پاره کردم... .

با وجود همه این دشواری ها شیخ محمدتقی در مدت یک سال، باقی مانده دروس سطح را به اتمام رساند، و از سال بعد در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی(رحمه الله) حضور یافت. از سوی دیگر، بیست سالش تمام شده بود و با احراز شرایط اقامت در مدرسه حجتیه، در آنجا حجره گرفت. توفیق آشنایی با بزرگان و علمای وارسته ای همچون امام خمینی(رحمه الله)، علامه طباطبایی(رحمه الله) و آیت الله بهجت چنان لذت بخش بود که تازه می فهمید هجرت از نجف به قم از تقدیرات بسیار نیکوی خداوند در حق او بوده است.

آشنایی با امام خمینی (رحمه الله)

شیخ محمدتقی از همان سال اول ورود به قم، با امام خمینی(رحمه الله)، که از سال ها پیش استاد برجسته حوزه بود، آشنا شد و خدمت ایشان ارادت یافت. با اینکه هنوز کفایه و مکاسب می خواند، گاهگاهی برای کسب آمادگی در درس خارج ایشان شرکت می جست و از سال دوم به بعد به طور مرتب در آن درس حاضر می شد.

از جمله خصوصیات بارز امام(رحمه الله)، دقت نظر، نقادی آزادانه و آزادی اندیشه بود که در درس های دیگر اساتید کمتر دیده می شد. این ویژگی ها برای ذهن پویای طلبه ای چون او بسیار جذاب بود.

آشنایی با علامه طباطبایی (رحمه الله)

آن روزها که تازه به قم آمده بود، در مدرسه حجتیه، کنار ساعت آفتابیِ پهلوی حوض، سیدی نورانی توجه او را به خود جلب کرد. او مردی بسیار نحیف بود که عمامه ای کوچک بر سر داشت، و لباس های بی پیرایه اش از ساده زیستی او حکایت می کرد. محمدتقی درباره او از دوستانش پرسید. گفتند: او قاضی کوچک است، و این ساعت آفتابی را نیز خودش ساخته و اینک برای تشخیص ساعت آمده است. تازه تنها این نیست. آشنایی با هیئت و ریاضیات نیز یکی از خصوصیات ایشان است. او امتیازات دیگری هم دارند: درس تفسیر می گویند، استاد فلسفه هستند، و... .

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه یکی از دوستان به او پیشنهاد کرد در درس تفسیر استاد که روزهای پنجشنبه در مسجد سلماسی تشکیل می شد شرکت کند. او نیز پذیرفت، و پس از مشاهده حالات معنوی و روحانی علامه، و نیز روش تدریس بسیار عالی شان مجذوب و شیفته ایشان شد و آرزو کرد همواره در خدمت و مصاحبت ایشان باشد.

محمـدتقی پس از آن در پی موقعیتی بود تـا با علامه ارتباط بیشتری برقرار کنـد ;ولی روحیه اش چنان بود که نمی توانست خود را نزد اسـتاد مطرح سـازد. از طرفی برخورد علامـه نیز به گونه ای بود که به صورت افراد نگـاه نمی کردنـد. به هرحال در درس ایشان شرکت می جست و گاه نکته هایی که به نظرش مبهم می رسید، پس از درس می پرسید و گاهی هم که سؤال کنندگان زیاد بودند دنبال ایشان به راه می افتاد و اگر فرصتی دست می داد سؤالش را مطرح می کرد.

سرانجام سؤال های هوشـمندانه محمدتقی توجه علامه را جلب کرد و موجب عنایت خاص ایشان به وی گردید، و این زمینه ای شد که او به تدریـج بتوانـد درخواست های دیگری مطرح سازد، و از ایشان بخواهد که در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی او را راهنمایی کنند.

رابطه محمدتقی با علامه چنان قوت گرفت که گاه به طور خصوصی از ارشادات اخلاقی آن بزرگوار بهره مند می شد، و علامه نیز نسـخه هـای دست نویس تفسیر خود را پیش از چـاپ به وی می داد تا مرور کنـد و اگر نکته ای برای اصـلاح به نظرش می رسـد، تذکر دهد.

آشنایی با آیت الله بهجت (رحمه الله)

از جمله دیگر بزرگانی که محمدتقی در همان سال های اول با ایشان آشنا شد، حضرت آیت الله بهجت (رحمه الله) بود. منزل آیت الله کنار مـدرسه حجتیه قرار داشت و معمولاً در رفت وآمـدها، و به خصوص صـبح ها که ایشان از حرم بازمی گشـتند، در کوچه با ایشـان برخورد می کرد. مـدتی گـذشت و از دوسـتان شـنید که آیت الله بهجت از نظر علمی بسـیار برجسـته انـد و سال های قبل، از شـاگردان ممتـاز آقـای بروجردی بوده انـد، همچنین از نظر اخلاـقی و معنوی برگزیـده و اهـل مقامات انـد، و در نجف از شاگردان عارف کامل، مرحوم سیدعلی آقای قاضی بوده اند، که دیگر شاگردان آن مرحوم، از مقامات عالی معنوی او خبر می داده اند.

این اوصاف، محمد تقی را که همیشه تشـنه فضـیلت و معنویت بود، ترغیب می کرد که از چنین شخصیتی بهره برد ;ولی از آنجا که آیت الله بهجت به آسانی کسـی را نمی پذیرفت، با عده ای از دوسـتان تصمیم گرفتند برای تقویت بنیه فقهی شان از ایشان بخواهند به طور خصوصـی برای آنان فقه بگوید و به این طریق بتوانند از خصوصـیات اخلاقی ایشان نیز بهره گیرند. آیت الله بهجت پذیرفتند و درس فقه پرباری همراه با دقت نظرهای کم نظیر و اسـتقلال رأیِ تحسـین برانگیز، ارائه فرمودنـد. شـیخ محمدتقی که مدت پانزده سال در آن درس شرکت نمود، محضر درسی آن آیت حق را این گونه توصیف می کند:

درسـی بسـیار پرمحتوا، دقیق و خوب بود، و آنچه بر خوبی آن می افزود این بود که ایشان غالباً پیش از درس تشریف می آوردند و به مناسبتی ـ که گاهی در آن زمان آن مناسبت را درک نمی کردیم ـ حدیثی می خواندند، یا داستانی نقل می کردند، و ضمن آن، مطـالب اخلاـقی و دینی ای را که مـورد نظرشـان بـود می فهماندنـد، و عجیب این بـود که هم من و هم دوسـتان دیگر، تجربه کرده بودیم مطالبی که آنجا گفته می شد و ظاهراً بدون مناسبت به نظر می رسید، در واقع نکته هایی بود که برای افراد سازندگی داشت، و اشاره به مسایلی بود که به بعضـی از افراد حاضـر در جلسه مربوط می شد و خود آنها درك می کردند، و گاهی هم با خیره شدن در چشم شخص، گویا به او می فهماندند که «دارم به تو می گویم!...» و همین طور گاهی درباره یك مسئله سیاسی، جریانی را قبل از وقوع آن پیش بینی می کردنـد. مخصوصاً آن زمان ها در کوران انقلاب و حملاتی که دژخیمان شاه به فیضـیه می کردند، ایشان اصرار داشتند که باید این وقایع را نوشت و منتشر کرد. طرح این مسائل از طرف ایشان انگیزه ای شد که ما نیز بیشتر در فعالیت ها و مبارزات، مشارکت داشته باشیم.

این آشـنایی پانزده ساله، زمینه ارتباط و علاقه هر چه بیشتر اسـتاد و شاگرد را فراهم ساخت، و رفته رفته اسـتاد نیز به اسـتعداد و نبوغ علمی و اخلاقی شاگرد خود پی برد، و این امر سـبب شد که آیت الله بهجت، او را در مقام مدرس اخلاق به مردم معرفی کند. حجهٔ الاسلام والمسلمین، دکتر مرتضی آقاتهرانی در این باره می گوید:

قبل از پیروزی انقلاب، عده ای از بازاریان قم خدمت آیت الله بهجت آمده و از ایشان درخواست کرده بودند که خودشان یا یک نفر از روحانیون مورد تأییدشان یک درس اخلاق برگزار نمایند. آیت الله بهجت فرموده بودند که جناب آقای مصباح یزدی در این زمینه مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. این درس اخلاق تا مدت ها در منزل مرحوم اسلامی در قم که بعداً به حسینیه یا مسجد تبدیل شد، ادامه داشت.

ابعاد علمی

شخصیت استاد مصباح به لحاظ علمی ابعاد گوناگونی دارد. در این مقام به این ابعاد می پردازیم:

تحصیلات، مطالعات و تحقیقات

استاد در زمینه های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، تفسیر و فلسفه، و نیز رشته های دانشگاهیِ علوم انسانی و زبان خارجی (انگلیسی و فرانسه)، تحصیل، مطالعه و تحقیقات جامعی داشته اند. اینک هریک از این زمینه ها را برمی رسیم.

فقه و اصول

آیت الله مصباح در رشته فقه، از محضر اساتید بزرگی چون آیات عظام بروجردی (رحمه الله)، اراکی (رحمه الله)، امام خمینی (رحمه الله) و بهجت (رحمه الله) بهره برده اند ؛به گونه ای که موفق به اخذ جایزه از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شدند، و در نهایت به درجه اجتهاد نایل آمدند. بر این اساس، ایشان طبعاً در رشته های مرتبط با فقاهت، مانند اصول فقه، رجال و درایه نیز به قدر کافی مطالعه و پژوهش داشته اند.

به گفته حجهٔ الاسلام محمود رجبی استاد تفسیر حوزه علمیه قم جناب استاد مصباح حدود هشت سال به طور فعال در درس فقه مرحوم آیت الله بروجردی شرکت کردند، و در اولین امتحان درس خارج که در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برگزار شد و ممتحنان آن مرحوم آیت الله سلطانی و مرحوم حاج مقدس اصفهانی بودند، دانش پژوه ممتاز معرفی گردیدند ؛به طوری که برخی اساتید پیش بینی کردند اگر چهار سال دیگر، همین گونه به تحصیل ادامه دهد، مسلماً به مرتبه اجتهاد خواهد رسید.

چیزی نگذشت که این پیش بینی تحقق یافت و ایشان در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد ؛اما با این حال تا ۸ سال در دروس فقه و اصول حضرت امام خمینی(رحمه الله) و تا ۱۵ سال در درس فقه آیت الله بهجت (دام ظله العالی) و تا ۲ سال در درس آیت الله اراکی شرکت می کردند.

حجهٔ الاسلام دکتر علی مصباح ، فرزند استاد، یکی دیگر از فعالیت های ایشان را در زمینه فقه چنین توصیف می کند:

بعد از تبعید امام خمینی(رحمه الله) و تعطیلی درس آن بزرگوار، چون به شاگردانشان توصیه فرموده بودند که درس را به صورت مباحثه های مشترک (کمپانی) ادامه دهند، استاد مصباح و چند نفر دیگر از افاضل، که عبارت بودند از: حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، حضرت آیت الله محمد یزدی، حضرت آیت الله حسین مظاهری و حضرت آیت الله سیدعلی اکبر موسوی یزدیدر عمل به توصیه حضرت امام مباحثه مشترکی آغاز نمودند که این مباحثه تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. موضوعات مورد بحث در این جلسات مهم و پربار، عمدتاً مباحث اجتماعی اسلام، مانند بحث امر به معروف و نهی از منکر و بحث تقیه و امثال آن بود.

آیت الله بهجتی، امام جمعه محترم اردکان، درباره مباحثه مزبور می گوید:

این جلسات، مباحثاتی جدی بود برای اثبات وجوب مبارزه در شرایط آن زمان. می خواستند از نظر فقهی ثابت کنند مبارزه ای که امام خمینی(رحمه الله) پرچم آن را برافراشته، چون اساس اسلام در خطر قرار گرفته، مبارزه ای است که از نظر شرعی واجب است. بنده نیز گاهی به ندرت در آن جلسات شرکت می کردم ؛ولی جناب آقای مصباح بسیار پی گیر بودند که این مباحثه ادامه داشته باشد و ادامه هم داشت، و در آن روزگار آثار بسیار مطلوبی نیز بر طبقه تحصیل کرده حوزه داشت.

تفسیر

آشنایی با مرحوم علامه طباطبایی، و درک مقامات و کمالات روحانی و عرفانی آن اعجوبه علم و فضیلت و تقوا، سبب شد که استاد بیشتر اهتمام و مساعی خویش را صرف تعلیم علوم قرآن و تفسیر نماید. ابتدا با شرکت در جلسات درس تفسیر علامه، و سپس با استفاده از ارشادات و تعلیمات خصوصی ایشان توانست تعمق و تفکر در قرآن کریم و نکته سنجی های زیبا در آیات نورانی آن را بیاموزد، و خود در این باب صاحب نظر شود او به قدری در این وادی پیش رفت که علامه(رحمه الله) برای استفاده از نکته ها و دقت نظرهایش، کار بازخوانی تفسیر المیزان را، قبل از چاپ و نشر، به او سپرد.

البته استاد مصباح این عنایت علامه را حمل بر لطف و شاگردنوازی ایشان کرده، می گوید:

ایشان لطف می کردند، قبل از اینکه تفسیرشان را به چاپخانه بسپارند، به من می دادند و می گفتند: «تو هم نگاهی بکن» و من چون شائق فراگیری تفسیر ایشان بودم، این جزوات را می گرفتم و مرور می کردم و اگر چیزی به نظرم می رسید خدمت ایشان عرض می کردم. گاهی می فرمودند درست است، و گاه نیز اشتباه مرا رفع می کردند. از کمال لطفشان، یک بار پیشنهاد کرده بودم و ایشان جایی را تغییر داده، کموزیاد کرده بودند و بعد برای اینکه از من در جمع دوستان تفقدی کرده باشند، گفتند: «فلانی هم در تفسیر ما شریک شده است...».

استاد مطالعات تفسیری بسیار وسیعی در کتب مختلف تفسیریاعم از تفاسیر علمای شیعه و اهل سنتداشته است. نتایج این مطالعات، در سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن کریم نمایان گشته است، که اولین درس تفسیر موضوعی قرآن کریم در حوزه علمیه قم به شمار می آید. محتوای عالی این دروس نشان از ژرفکاوی و مطالعه فوق العاده ایشان در زمینه آیات نورانی قرآن دارد ;تا جایی که برخی از شاگردان محقق و اندیشمندِ استاد، ایشان را یکی از والاترین مفسران قرآن کریم، معرفی می کنند.

حجةُ الاسلام والمسلمین، استاد فیاضی، با سابقه سال ها مطالعه و تحقیق در آثار مفسران قرآن، چنین می گوید:

بنده هم اکنون نیز معتقدم ایشان در میان افرادی که من می شناسم، یکی از والاترین مفسران قرآن است ;یعنی کمتر کسی را در این زمینه می شناسم که مانند ایشان تفسیر را بر اساس اصول اجتهادی و مبانی صحیح استنباط بیان کند.

فلسفه

استاد مصباح بیشترین وقت و سرمایه علمی خویش را صرف این رشته کرده است. دلیل گرایش به فلسفه نیز شیفتگی و علاقه شدید به علامه طباطبایی(رحمه الله) بوده است. استاد مصباح اسفار و شفا را نزد حضرت علامه فرا گرفت، و با به کارگیری شیوه فلسفی آن بزرگوار، خود به برخی نوآوری ها و ابتکارات در این زمینه پرداخت و به مرتبه ای رسید که امروز یکی از برجسته ترین اساتید فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم به شمار می رود.

او همچون استادش معتقد است برای شناخت هرچه بهتر اسلام و معارف اسلامی و نیز کسب توانایی در پاسخگویی به شبهات و هجمه ها به معتقدات دینی، مطالعه و تحقیق فلسفی می باید در رأس مطالعات حوزوی قرار گیرد، تا طلاب، ضمن آشنایی با متون اسلامی و فقهی، شیوه دفاع از عقاید دینی را نیز فرا گیرند.

زمینه های مطالعات فلسفی استاد بسیار جامع و فراگیر است. ایشان کتب فلسفی ابن سینا، بهمنیار، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، صدرالمتألهین شیرازی و حاج ملاهادی سبزواری و حواشی و شرح های این کتاب ها را مطالعه و بررسی کرده اند، و پس از تحقیقات فراوان کتاب ارزشمند حاشیه بر نهایةُ الحکمه را (به زبان عربی) به رشته تحریر درآورده اند، و حاصل نظریات ایشان نیز در کتاب پر ارج آموزش فلسفه، به زبان فارسی، گرد آمده است.

استاد علاوه بر تبحر در فلسفه اسلامی، از فلسفه غرب نیز اطلاع کافی دارند. اشاره ها و تطبیق های فراوان ایشان در زمینه مکاتب مختلف فلسفه غرب، گواه صدق این مدعاست.

حجهٔ الاسلام والمسلمین فیاضی، که اکنون از صاحب نظران بنام فلسفه اسلامی به شمار می آید، می گوید:

آنچه برای ما بسیار آموزنده و سازنده بود، برخورد محققانه حضرت استاد با مسائل فلسفی بود. در مسائل فلسفی، روح نقد و ارزیابی و آزاداندیشیِ کاملی بر ایشان حاکم بود ;به طوری که پس از تبیینِ کاملِ هر مسئله ای، آن را به دقت مورد ارزیابی قرار می دادند ;یعنی در صدد نقد آرای فلاسفه برمی آمدند، و ما می دیدیم آن روحیه اجتهادی که در حوزه بر فقه و اصول حاکم است در شیوه فلسفیِ جناب استاد مصباح به صورت بسیار قوی مشهود است ;به این معنا که یک فقیه صرفاً به تقریر نظر صاحب جواهر یا شیخ انصاری و دیگر فقهای عظام اکتفا نمی کند ;بلکه بعد از تقریر در صدد نقد و ایراد برمی آید.

به یاد می آورم در زمان حیات حضرت علامه طباطبایی(رحمه الله)، یک وقت ایشان می فرمودند اگر مردم علامه طباطبایی و آقای بهجت را می شناختند، خاک کفش ایشان را سرمه چشم خود می کردند ;اما با وجود چنین اعتقادی درباره شخصیتِ علامه طباطبایی، در مطالب علمی، بسیار محققانه و با تفکر آزاد با مسائل برخورد می کردند، و از برکات انفاس ایشان و از برکات شاگردی در محضر ایشان، این روحیه در ما نیز پیدا شد که با مسائل فلسفی نیز مانند مسائل فقهی و اصولی، با اجتهاد برخورد کنیم. البته این اجتهاد در هر بابی به تناسب خود صورت می گیرد ;در فقه، از طریق کتاب و سنت و استفاده از دلایل لفظی، و در فلسفه، با استفاده از عقل. به هر حال باید محققانه برخورد کرد. شیوه تدریس استاد سبب شد تا روحیه تعبد در برابر نظریات مختلف به طور کلی در ما از بین برود، و ما امروز احساس می کنیم که حالت تعبد در مقابل افکار ابن سینا، ملاصدرا و دیگران، هرگز در ما نیست، و این از برکات درس های محققانه استاد مصباح است که ایشان در این سال ها از آن روحیه نقد و تحلیل و تحقیقِ عالی شان در ما نیز دمیدند. چنین روحیه ای، در سطحی که ایشان دارند، منحصر به فرد است و منحصر در خود ایشان است.

استاد فیاضی همچنین در بیان ابتکارات و نوآوری های فلسفی استاد، می گویند:

ایشان در فلسفه، افکار بسیار بلندی دارند که با افکار حوزه فلسفی موجود، هم تراز نیست. حوزه فلسفیِ امروز مثلاً مسئله وجود هیولا را هنوز هم امری صحیح و درست ارزیابی می کند، در حالی که ایشان این مسئله را با ایرادها و اشکالات محققانه ای مردود شمردند و کنار گذاشتند، و کنار گذاشتن این مسئله، به معنای کنار نهادن تفکر و اندیشه هیولا از فلسفه است. البته بوده اند کسانی مثل شهید مطهری و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی که با این مسئله برخورد کرده اند و آنان نیز فرموده اند مسئله هیولا درست نیست و بی دلیل است، یا حتی دلیلِ برخلاف آن وجود دارد. زمانی نیز من خودم در محضر استاد جوادی آملی(دام عزّه) ضمن بیان اشکالاتی که بر مسئله وارد است، صحبت هایی می کردم و ایشان لبخندی زدند و فرمودند: «استاد ما، مرحوم الهی قمشه ای نیز به هیولا قایل نبودند».

یکی دیگر از ابتکارات استاد در فلسفه برخورد ایشان با این نظرِ ملاصدراست که می گوید: «اِنَّ النَّفسَ جِسمانیّهُ الحُدوثِ و رُوحانیهُ البقاءِ». با اینکه این مطلب، ایده ای نو در فلسفه اسلامی به شمار می رود و امروزه حوزه های فلسفی، با تعظیم و تجلیل بسیار از آن یاد می کنند، استاد مصباح اشکالات متعددی از این نظریه برآورده اند، و آن را کنار گذاشته اند. این ابتکار منحصر به ایشان است و من سراغ ندارم قبل از استاد کسی در این مسئله مناقشه و اشکال کرده باشد.

اخلاق و عرفان

استاد مصباح یزدی از اساتیدی همچون علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله انصاری همدانی (رحمه الله) و آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله) در مقام اساتید اخلاق و عرفان خود نام می برد. آیت الله بهجتی در زمینه استفاده ایشان از درس های اخلاقی و عرفانی علامه طباطبایی (رحمه الله) می گوید:

به گمان من، آیت الله مصباح بهره های معرفتی بسیار زیادی از علامه طباطبایی (رحمه الله) بردند ;زیرا ایشان با اشارات مرحوم علامه به سیر و سلوک و ریاضت های شرعی مشغول بودند ;به علاوه اینکه از نظر علمی هم کتاب های بزرگ اخلاقی و عرفانی را

چه در زمینه عرفان نظری و چه در زمینه عرفان عملی، خدمت علامه طباطبایی (رحمه الله) آموختند.

حجهٔ الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح، با تذکر این نکته که استاد همیشه از اینکه درباره فعالیت ها و مطالعات اخلاقی و عرفانی خود سخن بگویند اعراض دارند، این چند کلمه را از زبان ایشان نقل می کند:

در موضوع اخلاق، حدود سال های ۳۲ و ۳۳ بحثی هفتگی در خدمت مرحوم علامه طباطبایی داشتیم. ابتدا محور بحث ایشان، رساله منسوب به علامه بحرالعلوم بود و بعد از اتمام آن رساله، حضرت علامه (رحمه الله) مجموعه ای از روایات اخلاقی و عرفانی را انتخاب می کردند و درباره آنها بحث می فرمودند. حدیث معراج از جمله آن روایات بود.

استاد، سفارشات عمومی مرحوم علامه طباطبایی را در سلسله دروس اخلاقی شان این گونه یادآور می شوند:

مجموعه ای از سفارشات عمومی بود که دیگران نیز دارند ؛یعنی همان ترک محرمات و انجام واجبات، و قدم اول هم همین هاست، و از سفارشات خاصی که می توانم بگویم مورد تأکید ایشان بود و برای هرکسی که توجه پیدا کند مفید است، یکی توسل به سیدالشهدا(علیه السلام) بود، یکی قرائت قرآن و یکی هم نماز اول وقت. یادم هست که از قول استادشان می فرمودند که من هرچه دارم از قرائت قرآن و توسل به سیدالشهدا(علیه السلام) است. درباره نماز اول وقت هم از مرحوم آقای قاضی نقل می کردند (این را من از اساتید دیگر نیز شنیده ام) که ایشان فرموده اند اگر کسی به نماز اول وقت ملتزم شود و به مدارج عالی نرسدیک تعبیر این است که به من لعنت کند ، تعبیر دیگر این بوده است که من حاضرم اهانت او را بپذیرم و او آب دهان به صورت من بیندازد...، که بعضی ها از ایشان سؤال کرده بودند آیا نماز اول وقت به همراه نوافل را می فرمایید؟ ایشان در جواب فرموده بودند: نه، فقط خودِ نماز واجب.

از سفارشات دیگر علامه که از استادشان نقل می فرمودند، اهتمام به زیارت عاشورا، مخصوصاً از روز عاشوار تا روز اربعین بود، و دیگر قرائت قرآن با وضو و رو به قبله و با توجه ؛مخصوصاً شب، قبل از خواب.

علوم جدید

استاد مصباح از همان سال ورود به حوزه علمیه یزد، به مطالعه و تحصیل دروس حوزوی اکتفا نکردند و از روی علم دوستی و حقیقت جویی، در کلاس های فیزیک، شیمی و... و نیز زبان های خارجی فرانسوی و انگلیسی، که به همت روحانی دانشمندی به نام «محقّقی رشتی» تشکیل شده بود، شرکت جستند و با این دروس آشنا شدند.

پس از ورود به حوزه علمیه قم، رواج افکار و تبلیغات مارکسیستی سبب شد تا استاد به منظور پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم اندیشه دینی، آشنایی با فلسفه های غربی را در دستور کار خود قرار دهند. به این ترتیب ایشان باید برای یافتن زبانی مشترک در بحث و مناظره با تحصیل کردگان دانشگاهی، تئوری ها و اصطلاحات خاصِ علوم انسانیِ دانشگاهی را فرا می گرفتند. به این منظور با مشورت و همت آیت الله شهید دکتر بهشتی که در آن زمان مدیر دبیرستان دین و دانش قم بودقرار شد کلاسی در دبیرستان تشکیل شود تا عده ای از فضلا و طلاب حوزه در آن شرکت کنند.

در کلاس ها زبان خارجی و نیز معلومات دبیرستانی و دانشگاهی در رشته های فیزیک، شیمی، فلسفه علم، متدولوژی، ریاضیات و جامعه شناسی تدریس می شد. شرکت کنندگان این کلاس ها نیز آقای مصباح، شهید دکتر مفتح، آقای ناصر مکارم شیرازی، آقای شیخ جعفر سبحانی، آقای یزدی، آقای دکتر احمدی و مرحوم حیدری نهاوندی بودند. شهید بهشتی مسئولیت برنامه ریزی و برگزاری کلاس ها و دعوت از اساتید را به عهده داشتند.

استاد از ثمرات ارزشمند آن کلاس ها، این گونه یاد می کند:

شرکت در آن کلاس باعث شد که با اصطلاحات روز بیشتر آشنا شویم و بیشتر بتوانیم با قشر دانشگاهی تفاهم داشته باشیم ؛و طبعاً چون پاسخ هایی که ما در مباحثات و گفتوگوها می دادیم با اصطلاحات خودشان آمیخته بود، برایشان بیشتر قابل درک بود، و

همین سرمایه ای شد که ما در دوره های بعد تا حدودی بتوانیم نقش وساطت میان حوزه و دانشگاه را ایفا کنیم و بعدها دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تشکیل دهیم.

زبان خارجی

استاد با شرکت در کلاس های مرحوم محقّقی رشتی در یزد، تا حدودی با زبان فرانسه و انگلیسی آشنا شد. بعدها نیز در هر فرصت مناسبی به فراگیری زبان انگلیسی ادامه می داد، و بر این اساس در کلاس های دبیرستان دین و دانش در حد مطلوبی با زبان انگلیسی آشنا شد. از آن پس نیز هر جا استاد لایقی می یافت به تکمیل آنچه آموخته بود می پرداخت. آیت الله مسعودی خمینی خاطره انگلیسی خواندن استاد را این گونه بیان می کند:

ظاهراً سال های ۴۶ـ۴۷ بود که به امر مبارک حضرت امام(رحمه الله) برای تبلیغ به سیرجان اعزام شدم. در خلال دوران مأموریتم دو مرتبه آقای مصباح را برای سخنرانی دعوت کردیم و ایشان دوسه دهه در آنجا سخنرانی می کرد و همان جا نزد استادی به نام آقای «رئیسی» انگلیسی هم می خواند... .

ممارست و تلاش خستگی ناپذیر استاد، به انضمام هوش و استعداد سرشارشان ایشان را در مطالعه و درک متون انگلیسی و فرانسوی توانا ساخته است. آثار گران سنگ ایشان در زمینه فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه علم، فلسفه تاریخ، معرفت شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه غرب و... نشان دهنده عمق و گستره دانش ایشان است.

ابتکارات علمی

استاد مصباح در رشته های مختلف علوم انسانی، صاحب اندیشه ای مستقل و نوآوری ها و ابتکاراتی جالب است. در این مقام تنها به نقل برخی اظهارات در این زمینه می پردازیم.

پیش تر مطالبی از جناب استاد فیاضی درباره برخی ابتکارات فلسفی استاد مصباح نقل کردیم که در واقع اشاره ای بود به وسعت نظر استاد در این زمینه.

حجهٔ اسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی از جمله شاگردان استاد است که دکترای خود را در رشته روان شناسی و علوم تربیتی، با امتیاز عالی، از دانشگاه مک گیل کانادا اخذ کرده است. ایشان درباره ابتکارات علمی استاد در رشته روان شناسی می گوید:

ابتکارات و نوآوری های استاد مصباح، به خصوص در حوزه روان شناسی و علوم تربیتی، در کتاب ها و جزواتی که دفتر همکاری حوزه و دانشگاه گردآورده، ثبت شده است. به نظر من ایشان هنوز حرف های تازه فراوانی در زمینه روان شناسی و علوم تربیتی دارند که مجال طرح آنها را پیدا نکرده اند. ایشان به مناسبت های مختلف، در مواقعی که دغدغه های خود را در باب اسلامی کردن علوم انسانی و اجتماعی ابراز می داشتند، کدهایی ارائه می کردند که برای پژوهش های حوزه روان شناسی و علوم تربیتی جهت دهنده اند ;برای نمونه در تبیین سازمان روانی انسان، ایشان مدل هرمیِ خاصی مطرح می کنند که من تاکنون چنین مدلی را در نوشته دیگری ندیده ام.

همچنین در بحثی که به مناسبت یکی از دهه های محرم در تبیین قیام حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) داشتند، پیش درآمد بحثشان، موضوع غم و شادی در فرهنگ و ادبیات اسلامی بود. در آنجا استاد درباره عوامل و موانع غم و شادی توضیحاتی دادند که می تواند زمینه تلاش های جدیدی در روان شناسی باشد.

رمضان همین امسال نیز در تبیین سیره تربیتی اهل بیت(علیهم السلام)، پیش درآمدی بر فرایند الگوگیری و مدل برداری از سیره معصومان(علیهم السلام) در حوزه تربیت فرزند ارائه کردند و در آن، ساحت های مختلف الگوپذیری و مدل برداری را مطرح ساختند. به اعتقاد ایشان چهار حوزه و چهار ساحت در فرایند الگوپذیری و مدل برداری از سیره معصومان(علیهم السلام) مطرح است که این ساحت ها باید بازشناسی و پردازش شود: حوزه باورها و اعتقادات، حوزه ارزش ها و باید و نبایدهای ارزشی، حوزه

روش هـای رفتـاری و حوزه ابزارهای ارتباط مربی با مُتربّی. سه عرصه باورها، ارزش ها و روش های رفتاری نمی توانـد از محـدوده های احکام دینی خارج و دچار روزمرگی شود و با رویکردهای تساهلی و تسامحی ارزیابی گردد ;اما در عرصه چهارم، لازم نیست ابزارهای ارتباط مربی با مُتربّی دقیقاً با معیارهای درون دینی ارزیابی شونـد و در محـدوده احکام دینی پیش برونـد. این عقیده نیز از نظریات ابتکاری استاد است.

بنـده در گروه علوم تربیتی پیشـنهاد کرده ام که برای پی گیری اندیشه های نوین اسـتاد در عرصه روان شناسـی و علوم تربیتی، یک سلسله نشست های کارشناسانه برگزار شود و با طرح سؤالات و چالش های جدید در این حوزه از استاد مصباح درخواست داوری کنند. یکی از بهترین راه هایی که می تواند اندیشه های استاد را برجسته سازد راه اندازی نشست های کارشناسی است ;چون معلوم است وقتی اسـتاد در مجامع عمومی و با مخاطبان عمومی سخن می گویند نمی توانند همه آن داشته های فکری شان را عرضه کنند و از این رو بسیاری از زوایای اندیشه ایشان در روان شناسی و علوم تربیتی هنوز مکتوم مانده است.

حجهٔ الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی با اشاره به اندیشه های ابتکاری استاد در باب فلسفه اخلاق می گوید:

بنده در واقع به پیشـنهاد جناب استاد مصباح، رشته فلسفه اخلاق را انتخاب کردم و وقتی می خواستم موضوع پایان نامه دکتری ام را در دانشـگاه منچستر انتخاب کنم، به نظرم رسـید یکی از موضوعات بسیار مهم، بحث نسبیت گرایی اخلاقی است ;چون اگر ثبات و جهـانی و جـاودانی بودن ارزش هـای اخلاقی مورد خـدشه قرار گیرد، دیگر چیزی از ارزش های اخلاقی، بهویژه ارزش های دینی، بـاقی نمی مانـد. این بود که این موضوع را انتخـاب کردم و در پایـان، یک فصل را به بحث مبانی اخلاق اختصاص دادم ;چون اگر بتوانیم مبانی اخلاق را مشخص کنیم و نشان دهیم که این مبانی عینی هسـتند، اشکال به طور ریشه ای حل می شود. در این قسمت، بنده از فلسـفه اسـلامی و مخصوصاً از نظرات آیت الله مصباح بسیار استفاده کردم. چرا که در زمینه فلسفه اخلاق، هرچند بحث های پراکنده بسـیاری در کتاب های علما و فلاسفه اسلامی داریم، ولی کسانی که به طور خاص و با توجه به مسائل روز به فلسفه اخلاق پرداخته باشند کم اند، و آیت الله مصباح از معدود کسانی هستند که بحث ویژه و مستقلی را به فلسفه اخلاق اختصاص داده اند، که بعضـی از آثارشان در این زمینه منتشـر شده و بعضی دیگر نیز امیدواریم انشاءالله آماده و منتشر شود. به هر حال من از مباحث ایشان بسـیار بهره بردم و بعـد چون می خواسـتم هیـچ اشـکالی در پایـان نامه ام باقی نمانـد، آن را به بعضـی از متفکران دادم تا بخواننـد و نظرشان را بگویند. یکی از این متفکران پروفسور آرینگتون، رئیس دپارتمان فلسـفه در دانشـگاه جورجیای امریکا بود که از فلاسفه مطرح و از جمله کسانی است که خود در بحث نسبیت گرایی چنـدین کتاب دارد. من از ایشان خواهش کردم که پایان نامه مرا قبل از دفاع ببیند ;ایشان نیز پذیرفت و بعداً برای من ایمیل فرسـتاد و گفت: «جالب ترین قسمت پایان نامه همین فصل آخر بود که خیلی برایم جالب بود و تازگی داشت و نظریه جدیـد و مهمی بود ;»یعنی همین مباحثی که ما بر اساس نظرات اسـتاد مصـباح مطرح کرده بودیم، بسیار مورد استقبال ایشان قرار گرفت و گفتند بسیار خوب است که شما این بحث را تکمیل کنید و بسط دهید.

تدریس

اسـتاد مصباح، تدریس به صورت منظم را از مدرسه حقانی (منتظریه) آغاز کرد. این کار با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی، و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشـکیل کادر آینده نظام و حکومت اسـلامی شـروع شد. ایشان ابتدا مباحث قرآنی و تفسـیر و مبـاحث فلسـفی را در آن مـدرسه تـدریس کرد: درس تفسـیر در سه سـطح، و هم زمان با آن، مباحث اخلاقی و تربیتی تحت عنوان «خودشناسی برای خودسازی».

اسـتاد مصـباح، در باب فلسفه نیز کتاب فلسفتنا، تألیف شهید صدر، و کتاب بدایهٔ الحکمه، اثر علامه طباطبایی(رحمه الله) را به مدت ده سال در آن مدرسه آموزش داد.

ایشان بعد از مدتی به پیشـنهاد آیت الله سـیدمحسن خرازی، همکاری با مؤسسه در راه حق را پذیرفت و با تأسیس بخش آموزش در

آن مؤسسه، به تدریس کتاب های فلسفتنا، اقتصادنا و نهایة الحکمه، و نیز تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخت.

استاد مصباح در واقع اولین استادی بود که کتاب های مزبور را به منزله متن درسی در حوزه مطرح و تدریس کرد. پیش از این، متن درسی منسجمی که ناظر به افکار و مکاتب فلسفی جدید باشد در حوزه علمیه به چشم نمی خورد. البته کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مرحوم علامه در دسترس بود ;اما به دلیل فارسی بودن متن آن متأسفانه در حوزه به منزله کتاب درسی، مقبول نیفتاد.

خارج از برنامه های درسی منظم مدرسه حقانی و مؤسسه در راه حق، استاد کتاب های مفصل فلسفی مانند اسفار اربعه و شفا را برای علاقه مندان تدریس می کرد. این کلاس ها در واقع، سطح تخصصی فلسفه به شمار می رفت.

«هدف اسلام و ارتباط انقلاب اسلامی با آن» بحث دیگری بود که استاد به دعوت رسمی دانشگاه نیویورك، در امریکا القا کرد.

شاگردان برجسته

ثمره تعلیم و تدریس های دلسوزانه و پی گیر استاد، پرورش شاگردان ممتاز و طلاب نمونه ای است که امیدهای آینده اسلام و نظام اسلامی به شمار می روند. انسجام فکری، قوت بیان و استدلال، و آزادی رأی، به همراه تخلّق به اخلاق و آداب نیکوی اسلامی، و حسن سلیقه و تدبیر، از مایه های ارزشمندی است که درس استاد برای زندگی حال و آینده این شاگردان به ارمغان آورده است و جملگیِ آنان سرمایه و بضاعت علمیاخلاقی خویش را مرهون زحمات و تلاش های مشفقانه وی می دانند.

در این مقام، تنها به معرفی و ذکر نام شمار معدودی از تربیت یافتگانِ این استاد گران مایه، که هرکدام استادی سرآمد و متفکری صاحب نظر در علوم اسلامی به شمار می روند، می پردازیم:

حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، از اساتید ممتاز حوزه علمیه قم، حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی، معاون پژوهشی و مدیر گروه علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین اکبر میرسپاه، استاد موفق و ممتاز دروس معارف قرآن و اخلاق اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، مدیر گروه روان شناسی مؤسسه امام خمینی(رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقاتهرانی، استاد اخلاق حوزه علمیه، حجة الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویان، حجة الاسلام والمسلمین حسین ایرانی، حجة الاسلام والمسلمین حیدرعلی ایوبی، فاضل ارجمند جناب آقای عبدالرسول عبودیت، حجة الاسلام والمسلمین سید محمدرضا طباطبایی، مدیر جامعة الزهراء(علیها السلام)، حجة الاسلام والمسلمین نیّری، حجة الاسلام والمسلمین صدیقی، حجة الاسلام والمسلمین مبشری، حجة الاسلام والمسلمین مؤیدی، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شاهرودی، نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، حجة الاسلاموالمسلمین داراب کلایی، حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی دامغانی، حجة الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، حجة الاسلام والمسلمین دکتر زارعان، حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهنمایی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد فنایی، حجة الاسلام والمسلمین نمازی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر شمالی و بسیاری دیگر از حجج اسلام و مروجان قرآن، که جملگی، حیات علمی و فرهنگی خود را مرهون درس های پربار و ثمربخش استاد می دانند.

حجة الاسلام والمسلمین فیاضی می گوید:

درس های استاد، به خصوص دروس معارف و درس «خودشناسی برای خودسازی» به گونه ای بود که ما احساس می کردیم این مطالب را هیچ جای دیگر حوزه نمی شود پیدا کرد، والحمدللّه آن درس ها برای ما بسیار سرنوشت ساز بود. معارف قرآنآن طوری که خود استاد درس می گفتند و از ایمان سرشار و اعتقادشان به معارف دینی و به حضرت ولی عصر(علیه السلام) سرچشمه می گرفتاثر خاصی داشت، و لازم بود چنین درس هایی در کل حوزه باشد تا طلبه ها دچار بعضی لغزش ها و تمایل به چپ و راست نشوند و در طریق مستقیم دین و اهل بیت(علیهم السلام) حرکت کنند.

حجهٔ الاسلام والمسلمین، سیدمحمد غروی می گوید:

بحث های اخلاقی و قرآنی استاد و اساساً شخصیت فردی ایشانبدون کوچک ترین تعارف و مبالغه ایبه شدت تأثیرگذار بود ;یعنی ایشان ساختار فکری و شخصیتی دوستان را به گونه ای ساخت که همه دوستان ما، اکنون هر کدام در هر جا که هستند، در واقع با همان مایه هایی که آن زمان از درس های استاد به دست آورده اند، زندگی می کنند... . یادم نمی رود بعضی از دوستان آن قدر شیفته درس اخلاق ایشان شده بودند که تمام هفته به امید آن بودند که پنج شنبه فرا برسد و درس اخلاق استاد را دریابند ;بعضی ها در کلاس حالت معنوی خاصی داشتند. خود استاد نیز طبعاً درس هایی می گفتند که بسیار تأثیرگذار بود.

حجهٔ الاسلام والمسلمین محمود رجبی نیز چنین تعریف می کند:

بعد از تأسیس دوره آموزشی مؤسسه در راه حق، مرحله جدیدی از آشنایی بنده با حضرت استاد شروع شد، و در امتحان ورودی آنجا شرکت کردم و پذیرفته شدم. در آن دوره بیش از همه اساتید و بیش از همه بحث هایی که مطرح می شد، از مباحث ایشان فایده بردم، و اگر یک جنبه مثبتی در بنده باشد می توانم بگویم مرهون آن مباحثی است که حضرت استاد در آنجا به ما آموزش می دادند، و این چیزی است که مورد اتفاق نظر همه برادرانی است که در آن دوره شرکت می کردند و همه معترف هستند که آن بحث های معارف قرآن و بحث خودشناسی و بحث های فلسفی ایشان، در واقع به مسیر زندگی و شخصیتشان شکل داده و برای آنان سرنوشت ساز بوده است. به تعبیر بعضی از دوستان، حضرت استاد مصباح حق حیات بر گردن ما دارند، و ما حیات معنوی و فکری و روحیمان را مرهون اندیشه های ناب اسلامی و متقن ایشان هستیم.

استاد رجبی در ادامه، مطالب مبسوطی در زمینه ابعاد علمی شخصیت استاد مصباح بیان می کنند که گزیده ای از بیانات ایشان را می آوریم:

درباره ابعاد علمی شخصیت جناب استاد، می توان در سه محور سخن گفت:

محور اول درباره ابتکاراتی است که ایشان در آموزش و پرورش نیروها داشتند;

محور دوم درباره فعالیت های تحقیقی خودشان است;

محور سوم در زمینه اندیشه ها و نظریات جدید ایشان است.

محور سوم را به کتاب های فلسفی و کلامی و تفسیری ایشان وامی گذارم که هر کس به آنها مراجعه کند، نوآوری های استاد را خواهد دید. در محور آموزش و پرورش نیروها، نکته بسیار مهم آن است که چه برنامه ریزی آموزشی و چه برنامه ریزی پژوهشی باید اولاـ بر اساس شناسایی نیروها و استعدادها باشد ;ثانیاً در این امر باید نیازسنجی صورت گیرد. این دو امر، نکته هایی بسیار اساسی در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی هستند. اگر ما نیروهایی که می خواهیم به کار بگیریم، و نیز استعدادها و توانایی های آنان را نشناسیم برنامه ریزی ما دقیق و متناسب با مخاطبانمان نخواهد بود، و طبعاً موفقیت آمیز هم نیست. همین طور اگر نیازهای جامعه را در نظر نگیریم و در بُعد اندیشه های دینی و نیز در بُعد معضلات فکری، سیاسی و اجتماعی اطلاعی از کاستی ها نداشته باشیم و بدون توجه به آنها نیروهایی را تربیت کنیم یا موضوعات تحقیقی را تصویب و اجرا نماییم، محصول کار ما محصول بی فایده ای خواهد بود و نیروی پرورش یافته به درد نیازهای جامعه نمی خورد... . به نظر من حضرت استاد در برنامه ریزی های آموزشی و پژوهشی، این دو نکته اساسی را دقیقاً در نظر گرفته بودند و با توجه به آنها و نیز تمهیداتی که برای نیل به این اهداف اندیشیده بودند، دوره های آموزشی و پژوهشی را برگزار می کردند. به همین دلیل نیز به نظر می رسد اگر نگوییم موفق ترین، دست کم یکی از موفق ترین نهادهایی که توانسته است در راستای نیاز جامعه اسلامی به تبیین معارف الهی، نیروهایی تربیت کند، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(رحمه الله) است.

اولین دوره آموزش مؤسسه را که خود بنده در آن حضور داشتم، مثال می زنم. در آن مقطع که ایشان می خواستند اولین گروه

آموزشی را با آن اهدافی که در نظر داشتند تشکیل دهند، شناسایی نیروها از طریق افرادی صورت گرفت که خود از مدرسان حوزه بودند، و به آنان گفته شده بود هر کسی را به عنوان طلبه ای فاضل می شناسید معرفی کنید. افرادی مثل جناب آقای دکتر احمدی و آیت الله خرازی و دیگران، افرادی را که می شناختند معرفی کردند. افراد معرفی شده کسانی بودند مانند آقای محمدی عراقی، آقای فیاضی، آقای غروی، آقای میرسپاه، آقای شب زنده دار، و آقای مؤمن. اینها کسانی بودند که چند سال درس خارج فقه و اصول شرکت کرده بودند و مورد تأیید افراد صاحب نظر بودند ؛در عین حال از این افراد امتحان کتبی گرفته شد، و به این امتحان کتبی نیز اکتفا نشد. با پذیرفته شدگانِ در امتحان کتبی، مصاحبه حضوری صورت گرفت ؛آن هم مصاحبه ای بسیار جدی که خود جناب استاد مصباح نیز از مصاحبه کننده ها بودند. آن وقت از این نیروهایی که با این کیفیت شناسایی شدند، خواسته شد که تقریرات درس خارج را نیز ارائه کنند. به این ترتیب نیرو را کاملا ـ از هر جنبه شناسایی کردند و همه استعدادها و توانمندی ها و سوابق کاری اش را شناختند و بعد او را پذیرفتند، و دوره آموزشی آغاز شد.

در زمینه نیازسنجی نیز با آن که خود استاد اطلاعات وسیعی داشتند، از طریق ارتباطاتی که با مرحوم شهید بهشتی و مرحوم شهید قدوسی و دیگران داشتند و همچنین از طریق ارتباطی که با امثال آقای دکتر احمدیه لحاظ این که در دانشگاه حضور داشتبرقرار می کردند و احیاناً به سبب مسافرت هایی که مسئولان آن دوره به کشورهای مختلف داشتند، نیاز ضروری را تشخیص می دادند و ما را توجیه می کردند که مثلًا الان فراگیری زبان انگلیسی یا زبان عربیِ اصیل ضرورت دارد، یا امروز فلان مباحث ضروری است، و جالب آنکه بعدها از افراد آموزش دیده بارها می شنیدیم که می گفتند زمانی که ما آن درس ها را می خواندیم فکر نمی کردیم این قدر این دوره و این اطلاعات به دردمان بخورد ؛ولی امروز درمی یابیم تنها چیزی که از درس های دوران طلبگی مان به درد ما می خورد و در تأمین نیاز فکری جامعه مؤثر است، همین درس های مؤسسه بوده است. این دلیل آن است که حضرت استاد نیاز جامعه را تشخیص داده بود، و به خوبی سنجیده بود که جامعه در آینده به چه چیزی نیاز دارد و متناسب با آن، دوره آموزشی را برنامه ریزی کرده بود.

نکته دیگر اینکه کار برنامه ریزی استاد بسیار روشمند و حساب شده بود. یعنی مانند برخی برنامه های آزمایشی نبود ؛بلکه ایشان بسیار حساب شده پیش بینی و طراحی کرده بودند و به اجرا در می آوردند. در دوره ما حجم فراوانی از مباحث را بحث های فلسفی، به خصوص فلسفه تطبیقی که ناظر به مسائل و دیدگاه های جدید روز بود، تشکیل می داد ؛مثلًا کتاب فلسفتنا را متن درسی ما تعیین کرده بودند، و همین طور اقتصادنا را، به این دلیل که به مکاتب فلسفی روز یا مسائل سرمایه داری و نظام مارکسیستی نگاهی تطبیقی داشتند برگزیده بودند، و این بحث ها به لحاظ عقلی مبنای کار محسوب می شدند. از یک سو بحث های معارف قرآن در برنامه گنجانده شده بود تا به لحاظ قرآنی، بنیان های فکری دانش پژوهان را شکل بدهد، و از سوی دیگر در کنار این برنامه آموزشی، روش ها نیز مطرح می شد، و به ما می آموختند که روش برخورد با مباحث عقلی یا روش برخورد با مباحث نقلی چگونه است. جایگاه عقل و نقل کجاست، و در ضمن این آموزش ها، استاد ما را به تحقیق می گماشتند.

در تدریس استاد ویژگی های ظریفی وجود داشت ؛مثلًا خود استاد هر جلسه دو یا سه نفر را به قید قرعه تعیین می کردند که برای جلسه آینده چکیده درس را بگویند، و مشخص نبود که قرعه به نام چه کسی خواهد افتاد. این کار، بسیار مؤثر بود و موجب می شد افراد درس را جدی بگیرند و نیز مطالب را به دقت مطالعه کنند. استاد نیز بسیار جدی برخورد می کردند... . همچنین به گونه های متنوعی از ما تحقیق می خواستند. گاهی ضمن درس، ما را موظف می کردند که تحقیق انجام دهیم و بعد نیز خودشان با دقت این تحقیق ها را ملاحظه می کردند و تذکرات لازم را در حاشیه آنها می نوشتند. برخورد تشویق آمیز هم داشتند، و سالی یک بار از همه، مقاله تحقیقی می خواستند و به بهترین مقاله جایزه می دادند. همچنین شیوه تحقیقیِ بسیار ثمربخش تری داشتند، و آن نوعی کارورزی تحقیق بود. این کار نسبتاً درازمدت بود و به صورت مرحله به مرحله، در بحث های فلسفی به یک شکل، و در

بحث های معارف قرآن به شکلی دیگر انجام می شد. در بحث های فلسفی، و به خصوص مباحث فلسفی روز، استاد منابع متعددی معرفی می کردند و با محور قرار دادن روش رئالیسم، پس از بحث و مذاکره در جلسات، می فرمودند با توجه به منابع معرفی شده، تحقیق کنید و یک مقاله بنویسید. در بحث های معارف قرآن نیز استاد در مرحله اول، یک تفسیر موضوعی را در زمینه بحث هایی مثل خداشناسی، قرآن شناسی و انسان شناسی، برای ما می گفتند، و در مرحله بعد، آیاتی را درباره یک موضوع خاص معرفی می کردند و می فرمودند بروید آیات را مطالعه و دسته بندی کنید، و آن گاه از آنها نتیجه گیری نمایید. پس از انجام کار، استاد حاصل تحقیق را می دیدند و نکات مورد نظرشان را تذکر می دادند. مرحله سوم این بود که به ما موضوعی می دادند و می گفتند خودتان آیات ناظر به این موضوع را استخراج کنید و این موضوع را از آنها نتیجه بگیرید، و بعد که حاصل کار را خدمت ایشان ارائه می کردیم، تذکرات بسیار جالبی می دادند. برای نمونه می فرمودند این آیه به این دلیل چندان ربطی ندارد و آن آیه چندان ضرورت ندارد، یا فلان آیه صراحت بیشتری در مطلب دارد و... . خلاصه ما را با چگونگی بررسی و فهم آیات کاملا آشنا می کردند.

نکته دیگر، تأکید ایشان بر کارهای جمعی بود. استاد مکرر می فرمود که کار فردی در حوزه، بسیار است ;ما می خواهیم افراد روحیه کار گروهی پیدا کنند. به همین دلیل به شکل های متنوعی جلسات گروهی ترتیب می دادند. برای مثال وقتی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد، با تدبیر استاد، گروه های مختلف تشکیل شد و هر چند نفری با هم در یک گروه قرار گرفتند، که خود بنده با جناب حاج آقای عراقی و حاج آقای میرسپاه، بر اثر همین تأکید استاد، یک گروه شده بودیم و با هم کار می کردیم.

ساختارمند کردن و نظم منطقی دادن به ذهن و فکر دانش پژوهان، یکی دیگر از ویژگی هایی بود که در دوره های درسی استاد صورت می گرفت. ذهن دانش پژوهان ساختاری منطقی می یافت و آنان از پراکنده گویی و بی نظمی در سخن، نجات می یافتند. این بدان سبب بود که اندیشه های خودِ استاد بسیار ساختارمند و دارای نظم منطقی بود، و مبانی و فروعات افکار ایشان و نیز ارتباط اندیشه هایشان با هم، کاملا مشخص بود و این خصوصیت به ما نیز منتقل می شد.

شیوه بیان بسیار زیبا نیز از دیگر ویژگی های تدریس استاد بود که جدای از غنای محتوای دروس، موجب می شد که ما شیفته درس های ایشان بشویم. استاد هر درسی را متناسب با خودش بیان می کردند، مثلاً در درس «خودشناسی برای خودسازی» در عین اینکه بحث، صبغه ای علمی داشت، به تناسب اینکه یک درس اخلاقی محسوب می شد، اقتضا می کرد که در ما یک حالت معنوی و اثر روحانی ایجاد شود. از این رو استاد به شیوه ای این درس را بیان می فرمودند که این حالت به ما منتقل شود. همین طور درس های فلسفی اقتضا می کرد که دقت و موشکافی در ما به وجود آید، و استاد نیز به نحوی بیان می کردند که دقت ها و توجه ها را برانگیزد، و این نشان قدرت بیان فوق العاده، توان علمی بالا و تشخیص خوب ایشان در چگونگی مطرح کردن مباحث است.

یکی دیگر از ویژگی های تدریس استادکه البته در سخنرانی هایشان نیز وجود دارداین است که مطالب را به گونه ای مطرح می کنند که با پاسخگویی به شبهات، ابهام جدیدی در ذهن مخاطب صورت نمی بندد. بسیاری افراد وقتی شبهه ای را پاسخ می دهند، چند شبهه دیگر در ذهن شنونده ایجاد می کنند ;ولی خداوند به حضرت استاد لطف کرده است که مطالب را به گونه ای بیان می کنند که مسئله به گونه ای بسیار شفاف و متقن و دل نشین حل می شود و در عین حال شبهات جدیدی ایجاد نمی کند.

اما محور دومی که ناظر به ابعاد علمی شخصیت استاد است، به ویژگی های تحقیقی خود ایشان بازمی گردد. استاد مصباح در این محور نیز ویژگی های سودمندی دارند که از آن جمله دقت و وسواس علمی و حوصله و شکیبایی در تحقیق است. به هیچوجه بی حوصلگی و شتاب زدگی در کارهای تحقیقاتی ایشان وجود ندارد. گاهی که ما می خواستیم در زمینه موضوعات قرآنی تحقیق کنیم، ایشان می فرمودند برای هر موضوع ریزی باید یک دور قرآن به طور کامل دیده شود ;مگر اینکه دو موضوعی باشند که بسیار به هم نزدیک بوده، تفاوت بسیار جزئی ای داشته باشند. به همین دلیل در آن دوره ای که برادران بزرگوار گروه تفسیر،

درباره معجم کار می کردند شاید نزدیک به پنجاهشصت بار و بلکه بیشتر، قرآن شریف را به طور کامل دوره کردند. با وجود این جناب استاد به این میزان هم اکتفا نمی کردند و می فرمودند هر بخشی که مطالب ریزش تهیه شد، با نگاهی کلی به مجموعه بحث باید قرآن را یک دور دیگر نیز ملاحظه کرد، و اینکه یک نفر به تنهایی مرور کند و نظر بدهد کافی نیست ;بلکه باید سه یا پنج نفر بـا هم تمام مطلب را ببیننـد و بعـد با هم بحث کننـد و محصول بحثشان را ارائه نماینـد، و البته ثمره چنین دقت ها و وسواس های در علم، آن اندیشه های متقن استاد خواهد بود.

نکته دیگر در این باره، استواری اندیشه های استاد است. ایشان می فرمودند ما باید از مسائل یقینی شروع کنیم و پیش برویم و هر مسأله دیگری را بر مبنـای یقینیـات و مسـلمات حل کنیم. چنین رویّه ای سبب می شود مثلاً در بحث های قرآنی، متشابهاتی که در آنهـا احتمالاـت متعـدد وجود دارد، بر مبنای یقینیات، رفته رفته تشابهشان برطرف شود و مفاد واقعی شان روشن گردد. این رویّه در تمام اندیشه های استاد به چشم می آید. برای نمونه ایشان در معارف قرآن هر مطلبی را ابتدا از بحث مبنایی شروع می کنند و پس از آن به مسائل می پردازند. این رویّه کاملا صحیحی است که موجب استواری فکر می شود.

ویژگی دیگر استـاد، رعایت مرز دانش ها و روش هاست. ایشان در بحث های تفسیری می فرمودنـد اینکه قرآن مجید در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید: وَالرَّسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، مراد از راسخون در علم کسانی هستند که مرز هر دانشـی را می شناسـند ;می فهمنـد مرز ابزارهای معرفت انسانی تا کجاست و می فهمند بسـیاری از مسایلی که خداوند در قرآن بیان می کنـد، فوق توان ابزارهـای شـناخت آنهـاست، و در نتیجه می داننـد که حق است، و اینکه ابزار شـناخت آنها به درک این مطلب نرسـیده است، دلیل آن نیست که نادرست باشد. مقتضای رسوخ در علم این است که من مرز دانشم را بشـناسم. از این رو استاد می فرمودنـد ما بایـد روش خودمان را در فهم سـخن به کار ببریم ;اگر با این روش، نتیجه به دست آمد، که مطلوب حاصل شده است; اما اگر چنین نشـد، نمی توان گفت چون این مطلب در فلسـفه، مسلّم است آیه نیز حتماً بایـد چنین بگوید. مطلب مسـلّم فلسـفی در جای خود صـحیح است اما شاید آیه شـریفه در مقام تبیین مطلب دیگری باشد. بسـیاری از مفسران معلومات تخصصی شان در یک رشـته خـاص، به تفسـیرشان رنگ داده و آن را تحت تأثیر گرفته است ;مثلاً اگر مفسـری ادیب بوده، بیشتر بحث ادبی کرده و بیشترِ برداشت هایش ادبی است، و اگر مفسرْ مثل ملاصدرا، فیلسوف بوده، بیشترْ آیات را فلسفی تفسیر کرده و گاه از مراد واقعی آیه دور شده است. اما شـیوه استاد مصباح این گونه نیست و با آنکه ایشان در بحث های فلسفی کاملا مسلط و آگاه اند، در مقام تفسیر، تنها روش تفسیری را با دقت و موشکافی تمام به کار می گیرند و تفسیر را با همان روش فهم متن به پیش می برند.

ویژگی دیگری که در بحث های تحقیقی استاد وجود دارد، بی طرفی علمی، در عین اعتقاد به رشته ها و علوم دیگر است. ایشان در مقام تحقیق، آنچه مقتضای تحقیق است مطرح می کننـد و علایقشان در کارهای تحقیقی شان نقشـی نـدارد. بسیار روشن است که ایشان فیلسوف اند و به طور طبیعی به این رشته علاقه و دلبستگی دارند ;ولی این علاقه را به هیچوجه در بحث های تفسیری دخالت نمی دهند. همچنین اگر ایشان دیدگاهی را نمی پذیرند یا مورد نقد قرار می دهند، این رد یا نقدشان با کمال بی طرفی علمی اسـت و چنین است که می گوینـد این اندیشه درست هست یا درست نیست ;حال گوینده و نویسـنده هر کسـی می خواهد باشد ;به گونه ای که بنده خود شاهد بوده ام که ایشان حاضر نیستند کمالات سرسخت ترین دشمنانشان را انکار کنند.

جرئت و جسارت علمی، در عین رعـایت احترام و ادب، از دیگر ویژگی هـای استاد گران قـدر است. ایشـان به دلیـل همین جرئت علمی، نوآوری هـای فکری فراوانی دارنـد. چه بسـا نظریه هـایی که سالیـان درازی از سوی دیگران پـذیرفته شـده است، و استاد به نادرستی شان پی می برند، و آنها را رد می کنند و در عوض، رأی صحیح و جدیدی ارائه می دهند و از آن دفاع می کنند.

نکته دیگر در روش تحقیقاتی استاد، نظام منطقی داشتن و ساختارگرایی در اندیشه هاشان است. مجموعه مباحثی که ایشان ارائه می دهند، همواره در چارچوبه منطقی خاصـی قرار می گیرد. در بحث های معارف قرآن، در آغاز بحث خداشناسی به صراحت فرموده

انـد که آنچه مـا نیـاز داریم این است که مجموعه معـارف قرآن را به صورت نظـام منـد، ارائه کنیم. در بحث های فلسـفی نیز همین طور. ایشـان نظـام فکریفلسـفی خاصـی دارنـد که بر مبنـای آن به ارائه دیـدگاه خود و نقـد دیـدگاه دیگران می پردازنـد. این چنین ساختارمندی ای را بنده در میان اندیشمندان دیگر، کمتر مشاهده کرده ام.

در محور سوم که ناظر به نوآوری ها و ابتکارات علمی استاد است به نظر بنده ایشان در سه زمینه نوآوری دارند:

نخست، کشف و ارائه دیـدگاه های جدیـد: اسـتاد مصـباح هم در فلسـفه، هم در معارف و هم در مباحث سیاسـی اجتماعی دیـدگاه هـایی دارنـد که تاکنون مطرح نبوده، یا به این شـفافیت و ظرافت و دقت ارائه نشـده است. در بحث های قرآنی، مثلاً در بحث «سیر آیات تحدی» که بسـیاری از اندیشـمندان به آن پرداخته اند، نظریه اسـتادکه در کتاب قرآن شناسی نیز طرح و بررسی شده استهم با آیات قرآن سازگاری بیشتری دارد و هم دیدگاهی نوین به شمار می رود و در مقایسه با دیدگاه های دیگر، خالی از اشکال است.

دوم، نوآوری ها در زمینه سازمان دهی و تئوری پردازی و مدل سازی: پیوند بسـیاری از ایده های اسـلامی با یکدیگر روشن نیست. استاد این ایـده ها را به یک مـدل ویژه تبـدیل کرده است و آنها را در یک چارچوب و نظریه کلان قرار داده و سازمان دهی نوینی ارائه کرده است.

سوم، نوآوری در باب نگارش: اسـتاد مصباح در بخش نگارش نیز اهل ابتکارند. آن زمانی که بحث متن درسی، و ویژگی های آن در حوزه مطرح نبوده است، ایشان کتاب های آموزش عقاید و آموزش فلسـفه را در قالب یک متن درسـی تدوین می کنند. در این کتـاب هـا به لحـاظ نگارشـی، نوآوری صورت گرفته است. نوشـته هـای اسـتاد در عین حال، ویژگی متانت و دقت در تعبیر در عین خـوش بیـانی و رسـایی را نیز در خـود جمـع کرده است. من خود در جلسه ای شاهـد بودم از یکی از کسـانی که رابطه خوبی هم با حضـرت اسـتاد نـدارد و مخالف اندیشه های ایشان است، سؤال شد که به نظر شـما به لحاظ نگارش و شـیوه بیان، چگونه مطالب را ارائه نماییم؟ او بلافاصله گفت: «همان گونه که حاج آقای مصباح مطالب را بیان می کند. سبک بیان و نگارش ایشان بهترین سبک است».

استاد به تمام معنا

حجهٔ الاسـلام والمسلمین میرسپاه، به جنبه های دیگری از ویژگی های تدریس و شاگردپروری استاد مصباح اشاره کرده اند. در این مقام خلاصه ای از مشروح مصاحبه ایشان ارائه می شود:

آیت الله مصـباح، به معنای واقعی و کاملِ کلمه، استاد بودنـد. این مبالغه نیست. اگر موارد بسـیار زیادی رکه نمی توانم به همه آنها اشاره کنممورد توجه قرار بدهیم، ثابت می شود که مبالغه نمی کنم. اما برای نمونه چند شاهد می آورم.

یادم هست یک بار اشـکالی مطرح کردم، و اسـتاد جواب دادند ;ولی من قانع نشدم. پس از پایان درس دوباره خدمت ایشان رفتم و در اتـاقی که برای استراحت و صـرف چـای می نشسـتند، اشـکالم را مطرح کردم. ایشـان دوبـاره جواب دادنـد ;ولی من باز هم قانع نشدم. مکثی کردم و عرض کردم: استاد! چرا جواب شما برای من قانع کننده نیست؟!

این سؤال می توانـد بعضـی از اساتیـد را ناراحت کند و موجب ملالت آنان شود. اما جناب اسـتاد تأملی کردند و فرمودند: می دانید چرا جواب من برای شـما قانع کننده نیست؟ علتْ آن است که من از این واژه ای که به کار می برم یک معنا اراده می کنم و شما از آن معنای دیگری می فهمید. از این رو جواب من دقیقاً به اشـکال و به پرسش شما نمی خورد. برای حل این مشکل بیایید تصورمان را در باره این واژه با هم هماهنگ کنیم.

مقداری فکر کردم، و دریافتم که ایشان درست می فرمایند و مشکل در واقع بر سر معنای آن واژه است.

بـاز یـادم می آیـد که گـاهی بعضـی اشـکالات و سؤال هـا برایم پیش می آمـد و بـا اسـتاد مطرح می کردم، و ایشـان با سـعه صـدر مخصوصـی پاسخ می دادند. درست برخلاف آنچه بعضـی مغرضان شایع می کنند که ایشان آدم بی تحملی است و در قبال دیگران

سعه صدر ندارد. ایشان نه تنها با حوصله و سعه صدر کامل به اشکالات ما پاسخ می گفتند، بلکه دقت ما را نیز بیدار می کردند، و این حاکی از همان مطلبی است که عرض کردم ؛یعنی ایشان به معنای واقعی و کامل کلمه استاد هستند ؛مثلاً چندین بار پیش آمد که به من فرمودند: «به قید سخن توجه کن» و وقتی ما به قیود سخن توجه می کردیم متوجه می شدیم که دیگر سؤالی نداریم و مسئله حل می شد.

همچنین به یاد دارم در مجلسی که تقریباً همه شرکت کنندگان آن از شاگردان استاد بودند، به مناسبت یک بحث اجتماعی، درباره فردی خاص مطالبی عنوان شد و هر کسی نقدی و سخنی داشت. همه صحبت ها تمام شد ؛اما استاد مصباح ساکت بودند. در انتهای جلسه به استاد گفتند که نظر شما در این باره چیست؟ ایشان یک تذکر متدیک و روشی دادند که برای همه ما بسیار آموزنده بود. استاد به جای اینکه در آن زمینه خاص نظر بدهند، نقصی که در جلسه احساس کرده بودند، به صورتی ظریف تذکر دادند. ایشان فرمودند: «هر وقت می خواهید درباره کسی قضاوت کنید، اول خودتان را جای او بگذارید و در نظر بگیرید اگر خودتان جای او بودید چه می کردید و چه می توانستید بکنید، سپس انتقاد کنید».

تذکر استاد برای اینکه در همه حاضران در جلسه دقت نظری پدید آورد، بسیار مؤثر بود.

دیگر از نکاتی که به عنوان یکی از ابعاد کمالِ استادیِ ایشان باید عرض کنم، شرکت کردن منظم در کلاس ها بود. ایشان همیشه سر وقت در کلاس حاضر می شدند و از زمان کلاس، به طور کامل استفاده می کردند ؛یعنی نه از زمان شروع کلاس کم می کردند، نه از قسمت پایان آن. همین طور در تصحیح اوراق امتحانی و دیدن تحقیق ها بسیار منظم بودند. آن زمانی که ما در گروه ارشد مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودیم، تعدادمان تقریباً به بیست نفر می رسید که به طور هم زمان تحقیق هایمان را تحویل استاد می دادیم. حال در نظر بگیرید اگر هر کسی پنجاه صفحه هم نوشته باشد، دیدن این حجم کار، چه فرصت و حوصله ای می طلبد. عجیب بود که ایشان به موقع جواب می دادند و می فرمودند تحقیقات شما را دیدم، و هم نمره تتبع داده بودند و هم نمره تحقیق، و عجیب تر این بود که برای تک تک تحقیقات، تذکرات لازم را نوشته بودند.

ویژگی دیگری که از یک استاد کامل توقع می رود، و ما آن را در ایشان آشکارا می دیدیم، این بود که استاد در راهنمایی و تذکر اشتباهات، اخلاص عجیبی داشتند. یعنی هرگز دیده نشد که بخواهند با کسی تسویه حساب کنند یا اینکه فرد را کوچک و خرد سازند، یا مسائل و رذایل اخلاقیِ از این قبیل در وجودشان باشد. ما هرگز این را در جناب استاد ندیده ایم.

مطلب دیگری که شاید شنیدنش برای کسانی که خودشان می خواهند تدریس کنند مفید باشد، این است که استاد شاگردانش را درک می کرد. درک شاگرد، نکته ای است که بنده بسیار از ایشان دیده ام. زمانی گمان می کردم شاید چون من زیاد در کلاس سؤال می پرسم و اشکال می گیرم و با استاد ارتباط برقرار می کنم، ایشان فقط مرا درک می کند ؛ولی بعد دریافتم که این طور نیست ؛بلکه استاد همه شاگردان را در نظر دارند و به تناسب روحیاتشان با آنان ارتباط برقرار می سازند. حالا نکته ای را که در مورد خودم اتفاق افتاد به عنوان خاطره عرض می کنم: یادم هست آن زمانی که ایشان امتحان می گرفتند، در پایان ترم دو یا سه سؤال مطرح می کردند. در یکی از این امتحان ها ایشان دو سؤال داده بودند. همه شاگردان می خواستند طوری امتحان بدهند که هم خودشان را بیازمایند و هم استاد را دلگرم کرده باشند، و استاد احساس کند که زحماتش به هدر نرفته است و ما واقعاً مطلب را دریافته ایم.

من سؤال اول را هم درست فهمیده بودم و هم درست جواب دادم ؛اما سؤال دوم را درست نخواندم و آن را خوب نفهمیدم. ایشان سؤال ساده ای داده بودند ولی من بر اساس پیش داوری خود، خیال کردم که علی القاعده منظور استاد نمی تواند چنین مطلب ساده ای باشد و ایشان می خواهد آن سؤال مشکل را بپرسد. از این رو بسیار زحمت کشیدم و آن سؤال مشکل را در حدود دو صفحه به طور کامل پاسخ دادم. وقتی از جلسه بیرون آمدم دیدم رفقا حرف های دیگری می زنند، و متوجه شدم که در پاسخ دادن به سؤال

دوم اشتباه کرده ام. مثل این بود که آب سردی روی من ریخته باشند. خیلی جا خوردم و ناراحت شدم. آخر مشکل من چند تا بود: اول اینکه فکر کردم استاد با دیدن این جواب نامناسب با خود خواهد گفت ما این قدر زحمت می کشیم و اینها چگونه درس می خوانند، و دیگر اینکه اگر بخواهم ماجرا را به استاد بگویم حتماً گمان می کند که من از ایشان نمره می خواهم... . سرانجام به خودم فشار آوردم و گفتم هر چه می خواهد بشود ؛دیگر گذشته است. اما وقتی خواستم در حجره استراحت کنم، دیدم آن قدر ناراحتم که نزدیک است دِق کنم. بلند شدم و به منزل استاد رفتم. در زدم، و ایشان تشریف آوردند. گفتم: من با شما کاری دارم. ایشان هم با کمال خوشرویی مرا به درون منزل دعوت کردند و نشستیم. با ناراحتیِ بسیار گفتم: از همین اول به شما توضیح بدهم که آقا، من نیامده ام از شما نمره بگیرم.

فرمودند: حالا بفرمایید که قضیه چیست؟!

قضیه را برایشان گفتم، و ایشان با لبخندی شیرین تا آخر حرف مرا گوش کردند. بعد شروع کردند به سخن گفتن. ابتدا فرمودند: من حالا از شما یک گله دارم!

گفتم: بفرمایید.

فرمودند: چرا شما باید فکر کنید که من تصور می کنم شما برای نمره گرفتن آمده اید؟! یعنی واقعاً شما فکر می کنید من این قدر آدم پرتی هستم که نسبت به افرادی که با آنان کار می کنم هیچ شناختی ندارم؟! اصلا احتیاجی نبود این را توضیح بدهید. من یقین دارم و می دانم که شما برای نمره نیامده اید... .

خلاصه ایشان به گونه ای صحبت کردند که آرامش عجیبی مرا فراگرفت و وقتی از منزلشان بیرون می آمدم، کاملا سبک شده بودم.

بعدها با خود فکر می کردم که ایشان عجب انسانی است، چه خوب آدم را درک می کند! ایشان فهمیده بود که من قدری حساسم و راه درستِ برخورد را نیز همین دیده بود که از طریق گله وارد شود ؛یعنی طلبکارانه با من برخورد کند ؛همان طور که من طلبکارانه برخورد کرده بودم! این گونه وارد شد تا واقعاً مطلب را از ته دلِ من بیرون بکشد و من اصلا ناراحت نباشم. رفتار ایشان با دیگر دوستان نیز مبتنی بر چنین درک عمیقی بود.

یکی دیگر از کارهای جالب استادکه بعداً در آموزش فلسفه انعکاس یافت این بود که ایشان ما را به وجود اصطلاحات مختلف، توجه می دادند. ایشان می فرمودند عدم توجه به گوناگونی معناییِ یک اصطلاح، می تواند مایه خلط بحث های فراوانی بشود. خوب به یاد دارم که مثلاً ایشان درباره کلمه «جبر» چه زیبا تذکر می دادند. استاد می فرمود که یک جبری می گوییم و یک جبری می شنویم! جبر روان شناختی، جبر کلامی، جبری که صرفاً به معنای ضرورت است (جبر علّی)... کدام جبر را منظور داریم؟ یا مثلاً در زمینه کلمه «عقل» ایشان می فرمودند وقتی عقل در آیات و روایات یا در کلمات علمای اهل سیر و سلوک و اخلاق به کار می رود، از آن یک چیز اراده می شود، و وقتی در منطق یا فلسفه به کار می رود، مقصود چیز دیگری است. عقل در فلسفه چندین اصطلاح دارد... . البته اخیراً با رعایت یک سلسله متدهای تحقیقی، توجه به این مطلب، قدری رواج پیدا کرده است ؛ولی آن موقع با آن غربتی که طلاب درس می خواندند و با آن استضعافی که ما در تحصیل داشتیم، این تذکرات بسیار مهم و قابل توجه بود.

برگرفته از کتاب :پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی

مصباحی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مصباحی

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶عازم حوزه علمیه قم ومشغول به تحصیل شدم پس از اتمام دوره مقدماتی به دوره متوسط وارد شدم و در این دوره کتاب لمعه در فقه را با آقایان حسینی بیگدلی مدرس افغانی و برخی از اساتید دیگر خواندم کتاب معالم قوانین و اصول فقه مظفر در اصول فقه را پیش آقایان مدرس افغانی فیض و برخی از اساتید دیگر که اسم شان را به خاطر نمی آورم تلمذنمودم کتاب حاشیه ملا عبدالله جوهر النضید ومنطق منظومه در منطق را به ترتیب در خدمت آقایان مدرس افغانی و مؤمنی اعرافی و انصاری شیرازی تلمذ کردم کتاب مکاسب شیخ انصاری را با آقایان پایانی ستوده و مجد ۱۳۶۵/۷تا۶۸/۱۰رسائل شیخ انصاری را با آقای اعتمادی و کفایت الاصول آخوند خراسانی را با آقایان اعتمادی وفاضل لنکرانی خواندم

مطهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان

و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجةالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد.

دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در

نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللَّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه صدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیهٔ» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجهٔالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان را اداره می کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللّه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌اللّٰه الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳ -۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴ - ۱۹)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱ -۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/ ۶)، مصلح بیدار (۴۲ -۲۳)، یادنامه (۲۶ - ۹).

مظاهری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

زندگینامه علمی

پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۳ تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است :

۱. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم .

۲. از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی ، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری ، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم .

۳. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی ،در مشهد مقدس تلمذ نمودم .

۴. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و مکاسب محرمه کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم . به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و نمره داده می شد .

۵. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیك را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم .

۶. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده ام .

۷. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی ، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۸. از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم انتقال یافتم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .

۹. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .

۱۰. از ۱۳۶۲ پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجهٔ الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا ۱۳۷۸ به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراك به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .

۱۱. در اوقات حضور در اراك با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراك همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته

ام .

۱۲. از ۱۳۷۸ پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از ۱۳۷۱ شروع و تا کنون ادامه دارد .

معصومی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد علی فرزند علامه شیخ سلیمان معصومی یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۸۸ در بیت علم به جهان دیده گشود و از اوایل زندگی به تحصیلات علمی و دینی همت گماشت. آیت الله معصومی پس از خاتمه مقدمات علوم عازم نجف اشرف گردید و سالها از محضر آیات عظام: فاضل شرابیانی، شیخ هادی تهرانی، آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود و خود به مقام اجتهاد و استادی نائل گردید.

آیت الله معصومی یکی از علما و مراجع بهبهان در رأس مجاهدین این استان بود که در زمان جنگ بین الملل بعد از آنکه علامه یزدی امر به جهاد و دفاع از مملکتهای اسلامی را صادر نمود. این آیت بزرگ شخصا لباس رزم پوشید و مدتها به اتفاق مردم از حریم اسلام و میهن خویش دفاع نمود. معظم له سالها در بهبهان ملجأ و پناه مردم بود و در ترویج مذهب و خدمات مردمی کوشا بود. آیت الله معصومی و آیت الله بهبهانی در عصر مرحوم آیت الله بروجردی در رأس علما و مراجع خوزستان بودند و از حوزه درس اینها فضلائی به مقام علمی و استادی رسیدند.

آیت الله معصومی حاشیه ای بر جواهر و شرح لمعه و نجاۀ العباد نوشت، و قواعد مشکله، کتاب مواعظ، انیس المهموم و رسائلی در فروع نیز به رشته تحریر برد. آن جناب پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در پنجم صفر سال ۱۳۷۲ در بهبهان وفات نمود.

مرحوم آیت الله شیخ سلیمان والد آیت الله معصومی یکی از علما و مجتهدین بزرگ شیعه در اوایل قرن اخیر در استان خوزستان بود. شیخ سلیمان از شاگردان شیخ انصاری بود که خود به درجه اجتهاد رسید و سالها در دیلم به ترویج مذهب اشتغال داشت و سپس ساکن بهبهان شد. وفات او را در سال ۱۳۲۰ در بهبهان نوشته اند. مدفن آن دو در بهبهان مزار است.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

معلمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن معلمی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن معلمی در سال ۱۳۳۸ در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (۱۳۵۶) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال ۱۳۵۶ در مدرسه رضویه شروع کردم

مفید، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبداللّه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توقیع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف برای او ورثائی که در مرگش فرمودند.

لاصوت الناعی لفقدک انه

یوم علی آل الرسول عظیم

ولادتش در سال ۳۳۶ قمری و وفاتش در ماه رمضان سال ۴۱۳ در سن ۷۶ سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشییع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با

صحبت کردن در بحث آن آیـات عظـام جلب توجه آنهـا و کلیه شـرکاء درس را می‌نمودنـد و خـاطر این نویسـنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشـرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضـر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف اسـتفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنـان قرار گرفته که نائـل به دریـافت اجازه اجتهاد از آنها گشـته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائـل آن روز در ماه شـعبان ۱۳۷۰ قمری بـه قـم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سـایر آیـات بهره‌منـد گردیـده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.

اسـتاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضـلاء و محصـلین فهمیده و با اسـتعداد از نظریاتشان اسـتفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.

جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سـبک جدید و متد خاصـی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهـائی که حـاوی فشـرده آن جلسـات علمی است تـالیف نموده و در بررسـی‌های خود از اصول علمی که مورد پـذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسـفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب‌ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم .

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات اسـتاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگـان حوزه علمیه قم است خـدمات ارزنـده‌ای انجـام داده است و این مجله از بهترین مجله‌هـا و منشورات اسـلامی شـیعه است که به تمـام کشور و خارج کشور منتشـر و مقالات بسـیار جالب و بحثهای ارزنـده‌ای را به قلم اساتیـد و مدرسـین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.

مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصـمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضـرت امیر مومنان علیه‌السـلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.

۲- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.

۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.

۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.

۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.

۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.

۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.

۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.

۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.

۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.

۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.

۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.

۱۳- این است آئین ما، مطبوع.

۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.

۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.

۱۶- ده درس خداشناسی، مطبوع.

۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.

۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.

۱۹- ده درس عدل شناسی، مطبوع.

۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.

۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.

۲۲- جلوه حق، مطبوع.

۲۳- معمای هستی، مطبوع.

۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.

۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.

۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.

۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.

۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.

۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.

۳۰- تقلید یا تحقیق، مطبوع.

۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.

۳۲- مساله انتظار، مطبوع.

۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.

۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.

۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.

۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.

۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.

۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.

۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.

۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.

۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.

۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.

۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.

۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.

۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.

۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.

۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.

۴۸- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.

۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی

مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.

دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.

مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.

مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.

این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مکارم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مکارم

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه اصفهان شدم اما با انقلاب فرهنگی، دانشگاه را رها کرده به حوزه قم آمدم. سال ۶۰ به اصفهان برگشتم و لیسانس ریاضی را تا ۱۳۶۴ گرفتم. بعد به حوزه شیراز رفتم و دنباله دروس حوزوی را تا رسائل و مکاسب خواندم و در سال ۶۶ به حوزه قم آمدم و در سال ۷۰ درس خارج را شروع کردم و در ضمن در سال ۷۵ به رشته تخصصی «کلام» رفتم تا سال ۷۹ و بعد از دو سال به فکر نوشتن پایان‌نامه افتادم و ظرف دو سال پایان‌نامه سطح سه را نوشتم و از سال گذشته مشغول پایان‌نامه سطح چهار شده‌ام که هنوز ادامه دارد. در این مدت در امتحان «مجوز تدریس معارف» شرکت کردم و پس از کسب مجوز تاکنون مشغول تدریس معارف اسلامی در دانشگاه می‌باشم.

ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۵۰ -۹۷۹ ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحا حکمت متعالیه می گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش اللّه وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمة المتعالیة» یا

«الاسفار الاربعة»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية»؛ «الحکمة العرشية»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهداية الاثيرية»؛ حاشيه بر «الهيات شفا»؛ حاشيه بر «تفسير بيضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتيح الغيب»؛ تفسير «آيت‌الکرسی»؛ تفسير «آيه‌ی نور»؛ تفسير سوره‌های: «اعلی»، «حديد»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقعه»، «يس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلبية»؛ «القواعد الملکوتيه»؛ «کسر اصنام الجاهلية»؛ «جوابات المسائل العويصة»، در حکمت.[۱]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمتألهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر قر. ۱۰ ه.- ف. بصره ۱۰۵۰ ه.ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبية، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشيه، شرح «هداية اثيريه» حاشيه بر «الهيات شفا»، تعليقه بر «حکمة الاشراق »، شرح «کافی». صدرالدين حکمت اشراق و حکمت مشاء و فلسفه عرفانی محيی‌الدين بن عربی را درهم آميخته و حقايق ذوقی را با براهين فلسفی مزج کرده است. خود گويد: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقية مطابقة للقوانين البرهانية» (اسفارج ۳). صدرالدين بر «حمکة الاشراق» سهروردی تعليقه‌ای سودمند نوشته که در حاشيه شرح حکمة الاشراق قطب‌الدين شيرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ايران م. معين ۴۸) ملاصدرا با اينکه حکيم اشراقی است، طريقه مشائين را نيز می‌پسندد و ضمن بيان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضيح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائين که موجودات را حقايق متباين می پندارند، او وجود را که اصل و حقيقت هر چيز است هيئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حيث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قايل است. اين نظر ملاصدرا با نظر شيخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهيت قايل است نه در وجود. موضوع ديگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضيه مشهور به «حرکت جوهری» است. پيش از او اکثريت حکما از آن جمله ابن سينا حرکت را در اعراض جسم طبيعی ميدانسته. ملاصدرا جوهر را نيز متحرک اعلام کرد، ولی تصريح نمود که تغييری که بر اثر اين حرکت در جوهر پديد می‌آيد، تغييريست اشتدادی و استکمالی، و به حقيقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغييراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می گردد از حيث شدت و ضعف انسانيت است نه از حيث حقيقت انسان، يعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضيه حرکت جوهری نتايجی چند ميگيرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصيل بحث کرده و دلايلی آورده بودند، ليکن درباره معاد جسمانی معمولا به سکوت برگزار می‌کردند يا منکر آن می‌شدند. بيان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او اين است که در روز رستاخيز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت حيات دستخوش تغييرات و تحولات) می‌پيوندد و آدمی به اين کيفيت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدين برای اينکه از سب و شتم و تکفير مصون ماند می کوشيد تا مطالب فلسفی را با احاديث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض يکديگر نيستند و تأليف شرح کافی روی همين نظر بوده است (دکتر سياسی. مبانی فلسفه. ۱۳۴۲ ص ۵۶۱ -۵۵۹)

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :[۱] الاعلام (۱۹۴ -۱۹۳/ ۶)، اعيان الشيعه (۳۳۰ -۳۲۱/ ۹)، ايضاح المکنون (۶۹۹، ۳۵۳، ۳۳۲، ۵۹/ ۲، ۵۵۸، ۴۱۴،

۳۰۲، ۱۱۵، ۷۹، ۷۴، ۱۴/ ۱)، بزرگان فلسفه (۳۸۵ -۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۵ -۳۱۹/ ۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۴۷ - ۵۲۴)، تذکرهٔ العلماء (۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۱۰/ ۲۵ ۳۰۵۳۸، ۳۷- ۲۱ /۳۷، ۱۹ /۵۲، ۲۹۴، ۲۹۳- ۱۹۱ /۱۷ ،۲۴۴ /۱۵ ،۲۴۳ ،۱۷۵ /۱۴ ، ۱۰۰ -۹۹/ ۱۳ ،۵۹ -۵۸/ ۷ ،۱۴۳ ،۴۳/ ۶ ،۲۲۸/ ۵ ،۳۴۴ ،۳۴۳ ،۳۴۰ ،۳۳۸ ،۳۳۷ ،۳۳۶ ،۳۳۴ ،۳۳۱/ ۴ ،۶۰/ ۲)، ریحانه (۴۲۰ -۴۱۷/ ۳)، سیر فلسفه در ایران (۱۰۸ -۱۰۷)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۸۶ -۳۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۲ -۲۹۱/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۳۸۱ -۳۷۸)، قصص العلماء (۳۳۳ -۳۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۴)، الکنی و الالقاب (۴۱۱ -۴۱۰/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتالهین (۳۰ -۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۴ -۲۰۳/ ۸)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (۲۱۶ -۲۰۳)، هدیهٔ الاحباب (۱۸۶ -۱۸۵)، هدیهٔ العارفین (۲۷۹/ ۲).

ملامحمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملامحمدی

محل تولد : اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.

و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملک پور، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر ملک پور

محل تولد : آذر شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۸ با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسلامی در ایران پس از گذراندن یک دوره کوتاه ۲ ماهه بعنوان موسس و سرپرست دائره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت نموده ضمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال ۶۳ بهمراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۷۱ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران قبول شده و در سال ۷۳موفق به اتمام کارشناسی ارشد در رشته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصیل در حوزه در دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قم و دانشگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد .

درسال ۸۲ به درخواست سازمان مدارس حوزه های علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مدیر و مدرس اعزام شدم که بجهت مشکلات سیاسی آنجا و تعطیلی فعالیت های علمی و آموزشی ایران در آنجا محل ماموریت به کشور گرجستان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجستان[1] مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم . در شرکت امتحان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشگاهها مجوز تدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحدهایی از معارف و متون نیز در دانشگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد . به مدت ۲ سال از سال ۸۰ تا ۸۲ با واحد برنامه و ساختار نویسی مرکز جهانی علوم اسلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملکی اصل، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تحصیلات دوم متوسطه وارد حوزه علمیه شدم و شروع به تحصیلات همزمان با پیروزی انقلاب بود و پس از تحصیلات مقدماتی، حدود دو سال نیز در حوزه‌های تهران ادامه تحصیل دادم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن ایام تحصیلی، توفیق شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی داشتم و جنگ با تمامی نیکی‌هایش، سبب رکود و تعطیلات درسی و آموزشی در کشور می‌شد. و از مدتی که در قم هستم در دروس عمومی حوزه (فقه و اصول) و تخصصی کلام و تحقیقات علمی در مراکز مختلف علمی و فرهنگی مشغول بودم و در ضمن شرکت در دروس حوزه، تدریس در دانشگاه‌های کشور را امری لازم می‌دانستم و می‌دانم و اخیراً چند سالی است که درگیر پایان‌نامه سطح چهار حوزه هستم و بحمدالله به مرحله نهایی آن رسیده‌ام و انشاءالله از آن ینز فارغ می‌شوم.

لکن مطلبی که باید مورد توجه دست‌اندرکاران حوزه و دلسوزان به کشور و نظام قرار گیرد، و متأسفانه اهتمام لازم بدان نیست، مسأله مهم فارغ التحصیلی حوزویان و شیوه‌های خارجی طلاب محترم و اخذ مدرک و اشتغال در مراکز لازم فرهنگی کشور می‌باشد و این امر به استعانت از نیروهای فکری حوزوی و دانشگاهی و مراکز فرهنگی کشور نیاز دارد که هنوز استارت آن جدی نیست و اهمال کاری‌ها زیاد است و این امر موجب بدبینی تعداد کثیری از افراد پاک و مستعد حوزوی‌ها می‌شود ولی باید به حوزه و ساماندهی آن کمال اهتمام داشته شود چرا که پشتوانه نظام مقدس اسلامی در گروه پرورش نیروهای مستعد فکری و علمی می‌باشد که علاوه از بُعد علمی، باید دارای تهذیب نفس و تعهد قلبی نسبت به اسلام داشته باشد، و این امر فعلاً عمدتا از نیروهای حوزوی بر می‌آید و البته تعدادی از افراد دانشگاهی نیز تعهد لازم را دارند.

ملولی اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹/ ۹۶۸/ ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، عابد، زاهد و شاعر، متخلص به ملولی. مشهور به شاهمیر. اصلش از سادات مازندران است که چند نسل در اصفهان زیسته‌اند. وی از علمای عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ –۹۳۰ ق) و جد خلیفه سلطان است. او عهده‌دار تولیت آستان قدس رضوی بود. در مقبره‌ی ستی فاطمه‌ی اصفهان مدفون است. از آثارش: حاشیه بر «شرح تجرید»؛ حاشیه بر «شرایع»؛ حاشیه بر «شرح چغمینی»، در هیئت؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «قواعد» علامه حلی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۹ –۱۰۰۸/ ۳)، اعیان الشیعه (۲۸۵/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶، ۴۴۸ –۴۴۷)، تذکرهٔ القبور (۱۲۷ –۱۲۶)، الذریعه (۱۱۰۱/ ۹)، ریحانه (۲۸۹ –۲۸۸/ ۵)، صبح گلشن (۴۴۸)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶).

منتظری مقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجهٔالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجهٔالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر

نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجهٔالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

موحدیان عطار، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی موحدیان عطار

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تماماً در شهر اصفهان انجام دادم و از دبیرستان «هراتی» در سال ۱۳۵۹ دیپلم علوم تجربی اخذ کردم. این زمان مصادف شد با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه ها و جنگ تحمیلی. بنابراین به خدمت سربازی رفتم اما هم در دوره دبیرستان و هم در طول خدمت سربازی با موضوع معارف اسلامی و مباحث کلامی و فلسفی مانوس بودم.

پس از پایان خدمت به قصد مطالعه در میراث معنوی و علمی اسلام و تشیع و به ویژه معارف امامان شیعه (علیهم السلام) به حوزه علمیه اصفهان و در سال ۱۳۶۲ به حوزه قم مهاجرت کرده و در مدرسه علمیه حقانی، که سپس با نام شهیدین ادامه کار داد، به تحصیل مشغول شدم. تحصیلات متعارف حوزوی را تا مرحله خارج فقه ادامه داده و چند سالی در دروس خارج آیات عظام، از جمله: «حضرت آیت الله العظمی بهجت (دام ظله)» شرکت کردم. در این بین به مطالعات فلسفی، عرفانی و کلامی نیز می پرداختم و

چند سالی را با گروه فلسفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در تدوین معجم موضوعی کتب فلسفی همکاری کردم.
در کنار تحصیلات حوزوی در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ در دانشگاه قم مرکز تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد رشته «الهیات» تحصیل کردم و پایان نامه خود را در موضوع: «آسیب شناسی ایمان دینی: (ثبات در اعتقادات)» تحت نظر حضرت آیت الله معرفت دفاع کردم. بعد از آن چند سالی در دانشگاه های مختلف، از جمله دانشگاه رازی کرمانشاه و علامه طباطبایی تهران به تدریس دروس معارف پرداختم.
در سال ۱۳۷۵ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب پیوستم و مطالعات خود را در این زمینه و به طور خاص درباره ادیان هند آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد و ره آورد آن یک کتاب، چندین مقاله و تدریس موضوعات مربوطه بوده است. علاوه بر این چند سالی است که مطالعات و پژوهش هایی را در زمینه «موعود باوری: در ادیان ترتیب داده و به طور فردی و گروهی مقالاتی را فراهم آورده ام و حاصل آن را در برنامه های تلویزیونی و رادیویی متعددی ارائه کرده ام.
در همین سال ها در مقطع دکتری در رشته «کلام با گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی» در دانشگاه قم (مرکز تربیت مدرس) تحصیل کرده و پایان نامه خود را در موضوع: «ایضاح مفهومی عرفان و ویژگی های جوهری آن» تحت نظر و راهنمایی جناب آقای دکتر قاسم کاکائی، دکتر شهرام پازوکی و آیت الله علی عابدی شاهرودی دفاع کردم. این موضوع را از آن رو برگزیدم تا سنگ بنایی باشد برای پژوهش هایی در زمینه عرفان ادیان و به ویژه عرفان امامان شیعه (علیهم السلام)، از این رهگذر نیز مقالاتی فراهم آمده است که برخی از آنها را در مجلات علمی پژوهشی کشوربه چاپ رسانده ام.

موذن زاده، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد مرحوم رحیم مؤذن زاده که به خاطر اذان مشهور و تاریخی اش در حافظه جمعی ایرانیان و بسیاری از مسلمین جای دارد، در سال ۱۳۰۴ در استان اردبیل در خانواده ای متولد شد که شاید بیش از یک قرن به فعالیت های مذهبی می پرداخته اند...
پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت.
در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد.
اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است.
به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بینند. ایشان بارها گفته است": از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور

معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است. "

استاد موذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هرکجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سکته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام ومملکتم کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکنت و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است.

هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب- خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان موذن‌زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود موذن. گفته بودند نام خانوادگی شما موذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد موذن "، زاده اردبیلی "گفته شده است. لذا این" زاده اردبیلی "از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک‌صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

روحش شاد...

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : فقه و اصول

والدین و انساب : پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل, مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می کردند.

استادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی : سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی, آیین دادرسی کیفری, قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم براحکام همهٔ دادگاهها بر عهدهٔ ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و

امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی (آموزشی ـ اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی : – عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) – رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی – رئیس شعبه دیوان عالی کشور – عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضوهیئت علمی موسسه عالی بانکداری – ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی – عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی – عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم – رئیس گروه دین و فلسفه – مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی – عضو هیات امنای مرکز بین الملل گفتگوی فرهنگها و تمدنها – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار – عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها – عضو کمیتهٔ کشوری اخلاق پزشکی – عضو شورای دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم – مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) – مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) – عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) – عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی – عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی ـ آموزش از سال ۶۰ تا کنون: – دانشگاه شهید بهشتی – دانشگاه تربیت مدرس – دانشگاه تهران – دانشگاه آزاد اسلامی – مدرسه عالی شهید مطهری – موسسه عالی بانکداری ایران – دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – دانشگاه قم

فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کردکه مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت???? آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد

دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه – حقوق – اصول – فلسفه – عرفان – کلام

چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله درمجلات علمی و ۱۵جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتهٔ حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. – عقد ضمان – علم اصول – فقه تطبیقی – فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) – قواعد فقهیه جلد ۱, ۲ – مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی۶،۵،۴،۳،۲،۱ – مصادر التشریع عندالامامیهٔ و السنهٔ (به زبان عربی)؛ – مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = ۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر –

آثار :

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج ۱)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین موسوی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین موسوی راد در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گردید تا از خرمن پر بار حوزه های علمیه خوشه چینی نماید.

پس از ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگانی همچون: «مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله صالحی مازندرانی»، «آیت الله اعتمادی»، «آیت الله وحید» و ... کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (فلسفه اسلامی) در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات «شیوها ی مدیریتی حضرت علی (علیه السلام)» و «جنبش نرم افزاری» از جمله آثار ایشان است.

موسوی فراز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا موسوی فراز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن درس های حوزه، دروس دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک ادامه دادم و همزمان با جنگ بحمدالله به اتمام رسید. حدود سال ۶۷ مقدمات را که در مدرسه رضویه مشغول بودم تمام شد. و برای درس های سطح در درسهای عمومی شرکت می کردم. در سال ۷۱ همزمان با درس رسائل و مکاسب، تحصیل در دروس «موسسه در راه حق» (نام سابق موسسه امام خمینی) را شروع کردم و مقطع کارشناسی در سال ۷۶ به اتمام رسید.

سپس کارشناسی ارشد در رشته «دین شناسی» را آغاز کردم و در مهر ۱۳۸۲ پایان نامه را دفاع کردم. در سال ۱۳۸۵ از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها مجوز تدریس در دروس «گرایش مبانی نظری اسلام» را دریافت کردم. از سال ۱۳۸۲ تاکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس ادیان، کلام، آشنایی با عرفان، شبهات کلامی و ... مشغول هستم. و در این مدت راهنمایی، مشاوره و داوری چندین پایان نامه را به عهده گرفته ام.

زمان تحصیل در مقطع سطح دروس حوزه به عللی از جمله تأمل روی دروس، طولانی شد و حدود سال ۱۳۷۹ در درس خارج «آیهٔ الله مرحوم میرزا جواد تبریزی» به مدت یکی، دو سال شرکت کردم. ولی به علت اشتغال به پایان نامه و کارهای تحقیقی نتوانستم درس خارج را ادامه دهم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته «ادیان» موسسه امام خمینی پذیرفته شدم و مشغول تحصیل و تحقیق هستم.

موسوی کاظمینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسن موسوی کاظمینی فرزند سید هادی، مشهور به محدث کاظمینی یکی از علما و محدثین بزرگ قرن چهاردهم هجری است. کاظمینی مجتهدی اصولی و محققی مدقق در حدیث و رجال بود. وی در اواسط قرن دوازدهم در بیت علم و سیادت و شرف به جهان دیده گشود. خاندان محدث کاظمینی از پدر و اجداد همگان افضل و دانش و ساداتی پارسا و خدادوست بودند. محدث قمی با محدث کاظمینی معاصر بود، معظم له در جمله اساتید و مشایخ اجازه به خود متذکر اوست (محدث قمی در آثار خود به معظم له و پدرش سید هادی خیلی اظهار علاقه و صمیمیت می نماید. سید هادی نیز مجتهدی جلیل القدر، سیدی خوش قلب و پاک طینت، و از صفای باطن و نهایت پرهیزکاری برخوردار بوده است. محدث قمی ضمن یادنامه پسر، کراماتی را به این پدر بزرگوار منسوب می دارد که دال بر قلب معنوی او به ذات اقدس الهی و حضرت صاحب الامر و والیان خدا می باشد.

محدث کاظمینی بیشتر سنوات عمرش در زادگاه او شهر کاظمین سپری شد و افاضلی از علما از محضرش به مقامات علمی نایل آمدند. مراتب فقهی او از مجلدات شرح کبیر به کتاب کشف الغطای شیخ کبیر مشهود است. احاطه حدیثی او نیز از کتاب درایت و

روایت معلوم می گردد. محدث کاظمینی صاحب کتاب تکمله امل الامل است. کتاب اخیر در تراجم علما و رجال بزرگ اسلام مکمل کتاب شیخ حر عاملی است. او همچنین شرحی بر وجیزه شیخ بهائی در درائت الحدیث به رشته تحریر برد. سرانجام در سال ۱۲۲۴ در کاظمین علیه السلام وفات نمود و آیت ربانی سید هادی و دودمان وی جانشین خاندان معظم خود گردیدند. روانشان شاد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

موسوی نژاد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی موسوی نژاد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهریور ماه ۱۳۴۷ در مشهد مقدس و در خانواده ای اهل علم به دنیا آمدم. پس از پایان دوره ابتدایی و هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم و تا سال ۱۳۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم آمدم؛ در مشهد در حوزه علمیه ای که توسط پدر بزرگوارم و به نام ایشان مشهور است؛ مقدمات و سطوح اولیه حوزوی را پشت سر گذاشتم.

از سال ۱۳۶۳ و با امکان حضور در جبهه های نبرد و تا پایان جنگ تحمیلی به طور متناوب بیش از یک سال در جبهه های نبرد به صورت داوطلب حضور یافتم. پس از حضور در حوزه علمیه قم که بیشتر به دوران پس از پایان جنگ تحمیلی و شرکت در جبهه و به سال ۱۳۶۷ بر می گردد سطوح عالیه حوزوی را ادامه داده و پس از آن به مدت هشت سال تا سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول نیز شرکت کردم.

در کنار تحصیل، فعالیت های علمی دیگری نیز داشته ام. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ در ۱۲ سفر پیاپی به حج در بعثه مقام رهبری و در بخش معاونت بین الملل به عنوان مبلغ و زباندان به فعالیت های علمی و تبلیغی در قالب ملاقات ها و گفت و گوهای علمی با دیگر مسلمانان حاضر در موسم حج حضور داشتم و در همین راستا در این معاونت دارای مسؤولیت هایی ینز بودم.

در سال ۱۳۷۳ تا پایان ۱۳۷۴ به عنوان عضو علمی کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد در گروه حدیث به مدت دو سال مشغول بودم و حاصل آن فعالیت های علمی در سه مجلد منتشر شده است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ به مدت دو سال به عنوان عضو پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی مشغول بودم. و همزمان با تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به این مرکز نیز پیوستم.

موسوی، جاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جاسم موسوی

محل تولد : میسان

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

ولدت و ترعرعت فی احد قری الجنوب التابعة لمحافظة میسان الواقعة فی جنوب العراق و التی تقع علی مسافة قریبة من قضاء الحویزه الایرانی و هناک اکملت الدراسة الابتدائیة و بعد اشتداد المعارک فی الحرب الظالمة المفروضة علی الجمهوریة الاسلامیة نزحت مع عائلتی الی مرکز المحافظة «العمارة» و ذلک بسبب وصول الجیش الاسلامی الایرانی الی بعض مناطق الجنوب فی العام ۱۹۸۲ م. و قد کانت هذه السنة من اصعب المراحل التی مررت بها اذ اعتقل والدی من قبل الا- من البعثی بتهمة التجسس لصالح الجمهوریة الاسلامیة لیلتحق بجبهات الحق.

و بعد انتقالنا الی مرکز المحافظة اکملت هناک دراستی حیث حصلت علی شهادة الاعدادیة و ذلک فی العام ۱۹۹۰ – ۱۹۸۹ و فی نفس هذا العام انتفض شیعة العراق فی الانتفاضة الشیعة المعروفة و التی کادت ان تقضی انذاک علی ازمرة البعثیة ، و التی انتهت بفاجعة الیسمة حیث استشهد عشراة الالاف و هاجرت الالاف من الشیعة الی الجمهوریة الاسلامیة و قد کنت من الذین منٌ الله تعالی علیهم بالهجرة الی ارض الاسلام مع والدی حیث التحق بمجرد وصولی الی ایران بمدرسة الامام الخمینی (رض) التی یشرف علیها سماحة ولی الفقیه فی خوزستان آیت الله السید الجزائری، و ذلک فی العام ۱۳۷۰.

و هناک اکملت المقدمات و السطح الاولی و الثانی من السطوح الحوزویة حیث تتلمذت علی خیرة الاساتذة هناک کسماحة الشیخ ماجد الکاظمی و السید محسن الشفیعی و آخرون. و فی سنة ۱۳۷۴ قبلت فی المرکز العالمی للعلوم الاسلامیة، حیث اکملت السطح الاولی و الثانی و الثالث و ذلک فی العام ۱۳۷۷. و فی السنة ۱۳۷۷ قبلت فی مدرسة الامام الخمینی للدراسات العلیا فی قسم الفلسفة و الکلام، و هناک تتلمذت علی ید تلة کبیرة من خیرة الاساتذة فی قم المقدسة کالدکتور احمد البهشتی و الدکتور محمد مهدی گرجیان و الشیخ حسن معلمی و الدکتور علی الشیروانی و آخرون. و فی العام ۱۳۸۱ اکملت الدراستی التخصصیة حیث دافعت عن رسالتی التی کانت تحت عنوان بحث تطبیقی للجبر و الاختیار، و قد کان الاستاذ المرفا الدکتور گرجیان و الاستاذ المعاون الشیخ حسن المعلمی، و کان الحکم فی جلسة الدفاع الشیخ کیاشمشکی و قد حصلت علی درجة ۱۹ فی جلسة الدفاع.

و فی سنة ۱۳۸۲ ابتدات دراسة البحث الخارج علی ید اصحاب السماحات من علماء الحوزة العلمیة کالشیخ الهرندی و الشیخ محمد باقر الا-یروانی و غیرهم. و قد احنغلت اثناء ذلک فی عدة من المراکز العلمیة کمؤسسة الکوثر للمعارف الاسلامیة و التی کان لها الفضل فی نشر الکثیر من المقالات التی کلفتنا بکتابتها و الی جانب التحصیل الدراسی مارستا مهمة التدریس فکان لنا الشرف فی تدریس جامع المقدمات و معالم الدین و بعض کتب شرح اللمعة و الحلقة الاولی و الثانیة. و الحمدلله رب العالمین.

موسوی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۳/۱۲

زندگینامه علمی

در دوازدهمین روز خرداد ماه ۱۳۵۵ مطابق با سوّم جمادی الثانی ۱۳۹۶ و مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) دیده به جهان گشود. زادگاهش شهر علم و دین «آمل» است. او در خانواده ای متوسط از نظر مذهبی و مالی رشد یافت. دوران کودکی را در محلّه ای گذراند که فضای دینی مذهبی بر آن حاکم بود و بعدها به علّت ۵۷ شهیدی که به انقلاب و نظام اسلامی هدیه کرد؛ «شهید محله» نامیده شد. دوران آموزش ابتدایی را در دبستان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبستان بود و بارها شاگرد اوّل کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعّال داشت.

تابستان سال ۱۳۶۶ یک دوره تجوید را نزد استاد سیّد عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اوّل را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شهید سقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صبحگاه مدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امام جماعت مدرسه بود و برای برگزاری نماز جماعت بسیار فعّالیّت می کرد. اجرای سرودهای مذهبی و بازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعّالیّت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار در مسابقات علمی و درسی مقام اوّل مدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسیج مقام اوّل را در سطح سنّی خود کسب کرد.

سال اوّل دبیرستان را در مدرسه طبری در رشته تجربی گذرانده و درکنار درس به فعّالیّت های مذهبی در انجمن اسلامی و بسیج مدرسه می پرداخت. آذر ماه ۱۳۶۹ بود که وارد هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) شهید محلّه شد. هدایت این جمع قرآنی را استاد «ماشاءالله شفیق» برعهده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسیر تازه ای به زندگی او بخشید. در سال ۱۳۷۰ با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۳ در این رشته تحصیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جدّی در مسایل دینی پرداخت. از سال ۱۳۷۰ تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال ۱۳۷۱ مسئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را بر عهده گرفت و به آموزش

قرآن و احکام و ... پرداخت.

در سال ۱۳۷۲ در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اوّل را در استان مازندران کسب کرد و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات اذان در استان خود اوّل شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصیل در حوزه علمیه علاقه مند شد و در مهرماه سال ۱۳۷۳ پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شد. سه سال اوّل را در مدرسه علمیّه شهیدین و سه سال بعد (از پایه چهارم تا ششم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسهای رسمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.

در سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث را آغاز کرد که تا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهای جاری محوله از سال ۱۳۸۰ همکاری خود را با گروه تدوین سالنامه حدیثی نور آغاز کرد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.

در سال ۱۳۸۱ اوّلین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگذشت که این کتاب در ۴ چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ دوّمین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حدیث، استخراج منابع، تدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال ۱۳۸۳ کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حدیث را به چاپ رساند. نوشتن مقاله در مجله حدیث زندگی را نیز در سال ۱۳۸۲ آغاز کرد. در ادامه برای مجلّات گلستان قرآن و بشارت نیز مقالاتی نوشت. تعداد مقالات چاپ شده او به بیش از ۲۵ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۳ پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود موسوی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۵۶ ـ ۵۵ تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از

دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریبا یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفا جرعه هایی از آن نوشیده است.

در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم درسال ۶۹ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال ۷۲ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب اتین ژیلسون را انتخاب کردم که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.

دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارتهای زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت ۴۵ روز بوده است.

درسال ۷۷ در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی انگلیسی ـ فارسی ؛ فارسی ـ انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موفق، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا موفق

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی

(مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدیـد (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشـی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتیـد حجت الاسـلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شـیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسـلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسـی ارشد در رشـته « فلسـفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسـی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک اسـتاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی ۹. عضویت در پژوهشـگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتـاب « نسـبت دین و دنیا (نقـد نظریه سـکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتـاب «مهر اسـتاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسـفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم بخشـی از کتـاب « شـرح شواهـد الربوبیه » از سـری درسـهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسـی شـبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسـفه (بدایـة الحکمة) ۱۱. تـدریس در دانشـگاه در دروس معـارف در دانشـگاه قـم ۱۲. تـألیف کتـاب «دین و معنای زنـدگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عباس مهدوی فرد

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه «کوهدشت» شدم. در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال ۱۳۷۳ در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در دروس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شـیرازی» شـرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضـرت آیت الله جعفر سبحانی» گذراندم.

مدت چهار سال ۸۰ ـ ۷۵ دوره تخصصـی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال ۱۳۸۰ با معدل کل ۱۴/۱۹ فارغ التحصـیل دوره هفتم این موسـسه شدم. در تابسـتان ۸۵ موفق به دفـاع از رسـاله علمی سـطح چهار با موضوع

«بهائیت» و با نمره ۵/۱۷ شدم. حدود هشت سال است که با مرکز پژوهشهای حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».

مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید مهدوی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید مهدوی فرزند حسن متولد ۱۳۴۸ صادره از تهران تحصیلات ابتدائی خود را از تهران شروع و دوران راهنمائی و دبیرستان را در اصفهان ادامه دادم. در سال دوم دبیرستان موفق به حضور در کردستان در بسیج دانش آموزی سنندج تحت گروه هجرت دانش آموزی شدم که در آنجا به کارهای فرهنگی و علمی در بین دانش آموزان سنی در سنندج می پرداختم که در حدود ۲ سال این برنامه ادامه داشت و بعد از آن توفیق حضور در جبهه های جنوب را در مدت کوتاهی پیدا کردم و در این اثناء موفق به دریافت دیپلم شدم.

پس از آن در سال ۶۸ به توفیق الهی و بدون آنکه آشنایی قبلی نسبت به حوزه علمیه داشته باشم و یا حتی کسی مشوق بنده باشد؛ به صورت بسیار غیر منتظره که البته معتقدم به واسطه عنایات ویژه بود؛ وارد حوزه علیمه اصفهان در مدرسه علمیه ذوالفقار شدم. مقدمات و سطح خود را نزد اساتید بزرگواری همچون: «حاج آقا صادقی»، «بهرمن»، «کشکولی»، «مهدوی»، و استاد بسیار عزیز و بزرگوار و کم نظیر خویش جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین «آقای سید محمد فقیه ایمانی (دام عزه): که قریب هفت ۷ سال درس مختلفی از قبیل مطول، منطق، بخشهایی از لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب را نزد وی تلمذ کرده و بهره فراوانی از حضور در محضر نورانی ایشان که حقیقتا هم علم بود و هم اخلاقی» به صورت مستمر بردم که خداوند انشاء الله بر بقاء عمر باعزت و سلامتی وی بیافزایید و همچنین استاد عزیز و نورانی دیگری که انصافا از اعجوبه های نهان است جناب «آیهٔ الله محزونیه (دام عزه)» بخشهای مهم کفایه را به ضمیر کتاب اخلاقی تهذیب الاخلاق ابن مسکویهٔ در طول بیش از ۲ سال تلمذ نمودم و بسیار زیبنده است

که از استاد دیگر خودم در لمعه «حضرت آیة‌الله عبودیت (زید عزه العالی)» نیز یادی کنم که هم مجسمه اخلاق بود و هم مملو از معارف و علوم که خداوند به همگی ایشان سلامتی روز افزون عنایت نماید.

در مدت زمان شروع به تحصیل یعنی از سال ۶۸ تا ۷۳ به مدت ۵ سال چنان مشغول به درس و مباحثه بودم که به هیچ چیز و هیچ کس فکر نمی کردم حتی از ضوابط و قوانین حوزه هم بی اطلاع بودم که مدتها بعد یکی از دوستان بسیار نزدیک به بنده گفتند که آیا معافیت از تحصیل را گرفته ای؟! که در پاسخ گفتم مگر معافیت تحصیلی هم وجود دارد. این در حالی بود که سه از حضور من در حوزه علمیه گذشته بود؛ به صورت شبانه روزی بدون وقفه مشغول به تحصیل در دروس حوزوی بودم و روزانه حداقل ۸ کلاس را شرکت می کردم به ضمیمه مباحثات، آن چنانکه در طول ۵ سال موفق به اتمام کفایه شدم و از سال ۷۴ وارد درس خارج شدم و در این مدت علاوه بر تحصیل از سال ۷۰ عملا وارد عرصه تدیس نیز شدم که خوشبختانه به لطف خدای متعال و توجهات خاصه اولیاء دین خاصه بقیة الله الاعظم تا این زمان نیز ادامه دارد یعنی نزدیک به ۱۶ سال است و خودم در حال تدریس می باشم.

لازم به ذکر است که در این مدت ۵ سال از مقدمات تا پایان سطح علاوه بر شرکت در کلاسهای رسمی حوزه و سپری کردن دروس متعارف در آن و مباحثه جدی آنها دروس دیگری که در حوزه از رونق افتاده همچون مطول و معالم الاصول و حاشیه ملاعبدالله و ... را نیز در محضر اساتید بزرگوارم از ابتدا تا انتها خواندم. حتی به یاد دارم که مطول را در طول ۴ سال در محضر «آیة الله فقیه ایمانی (دام عزه)» خواندم و بعد از آن دو دوره تدریس آن را داشتم و شرحی نیز بر آن نوشته ام.

از سال ۷۴ تا ۸۲ در درس خارج «حضرت آیة‌الله مظاهری (دام عزه)» اعم از فقه و اصول به صورت مدام شرکت کرده که محصول آن تقریرات درس معظم له است که به صورت مکتوب وجود دارد و همچنین در این زمانها در درس درایهٔ «حضرت آیة‌الله مجلیسی (دام عزه)» و درس جواهر «آیة‌الله سید حسن فقهی امانی (دام عزه)» و ... نیز شرکت کرده و بهره های علمی فراوانی بردم.

از همان سال ۷۴ بود که رسما در ادامه تدریس در سطوح پایین حوزه شروع به تدریس در دروس رسائل و مکاسب نمودم که تا این زمان نیز ادامه دارد: «منطق بیش از ۱۰ بار»، «لمعه بیش از ۶ بار»، «اصول فقه بیش از ۵ سال»، «بدایةالمعارف بیش از ۷ بار»، «رسائل بیش از ۴ بار»، «مکاسب بیش از ۴ بار»، «کفایه بیش از ۳ بار».

از سال ۸۳ به پیشنهاد ریاست محترم حوزه و حکم معظم له «حضرت آیة‌الله مظاهری (دام عزه)» مدیریت «مدرسه علمیه جده بزرگ»: که از مدارس قدیمی این استان می باشد؛ به بنده واگذار شد که تا این زمان ادامه دارد. در سال ۸۶ مجددا به حکم ریاست محترم حوزه و به پیشنهاد مدیر اجرائی حوزه علیمه اصفهان: «حضرت آیة‌الله طباطبایی (دام عزه)»، معاونت آموزشی مرکز مدیریت حوزه علیمه اصفهان نیز به مسئولیتها افزوده شد که مدت ۸ ماه در این بخش توفیق انجام وظیفه پیدا کردم. از سال ۸۴ نیز مدیر گروه کلام در رشته تخصصی حوزه علمیه اصفهان در سطح ۲ به اینجانب محول گردید و از سال ۸۵ علاوه بر مدیر گروه سطح ۲ کلام، مدیریت گروه سطح ۳ کلام نیز به آن افزوده شد که تا حال حاضر ادامه دارد.

مهدیزاده شهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادیان و عرفان، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرجلیلی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم میرجلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید کاظم میرجلیلی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان یزد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام علیها) او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون: «مرحوم آیت الله فاضل»، «آیت الله مکارم»، «آیت الله خاتم یزدی»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «فلسفه و کلام» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «مشکلات و موانع خلافت حضرت علی علیه السلام از دیدگاه تاریخ» دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل در قم از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و ... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل: «صداقت حضرت علی (علیه السلام) در سیاست و حکومت» و ... را به رشته تحریر در آورده است.

میرخلیلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم.

در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. درسال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.

در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشته ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میرزاپور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن میرزاپور

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیهٔ الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیهٔ الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم فندرسکی، معروف به میرفندرسکی (ح ۹۷۰ – ۱۰۵۰ ق/ ۱۵۶۳ – ۱۶۴۰م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان. پدران او از بزرگان سادات استراباد بودند و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استراباد صاحب املاکی بود و بعد از جلوس شاه عباس اول (۹۶۶ ق) به دربار او پیوست. پدرش میرزا بیک نیز در دستگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، ۵/۵۰۰، قمی، ۳/۳۵ – ۳۶).

ابوالقاسم در قصبه فندرسک زاده شد (نک: ارحدی، ۱۵۱، افندی، ۵/۵۰۱ – ۵۰۲) و ظاهراً مقدمات علوم را در همان نواحی فراگرفت، ولی بعداً برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و نزد علامه چلبی بیک تبریزی (د ۱۰۴۱) که خود از شاگردان افضل الدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، ۱۵۱، ۱۶۸، ۲۸۲). وی سپس در همانجا به تدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیک تبریزی و بسیاری دیگر از اهل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوستان شد (نک: حمر، ۱۵۱، نصرآبادی، ۱۵۳). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست « صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی مردمان نقاط دیگر را به سوی خود می کشید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصبات مذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد اندیش جایگاهی امن و دلخواه بود. ظاهراً سفر اول میر به هند در ۱۰۱۵ ق و به همراهی اوحدی بلیانی (مولف تذکره عرفات العاشقین) بوده است (اوحدی، ۱۲، ۱۵۱)، به گفته اوحدی هنگامی که میر به هند رسید، به دستگاه میرزا جعفر آصف خان (ه م) که خود از شاعران و ادیبان ایرانی بود و به هند مهاجرت کرده و در آنجا به صدارت و وزارت رسیده بود، نزدیک شد. آصف خان با رعایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگذشت که میر دوباره عازم سفر هند شد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشغول نوشتن عرفات العاشقین بوده – یعنی در فاصله سالهای ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ ق – می نویسد که میر مکرر به جانب هند سفر کرده و در این ازمنه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده و باز در هند است (ص ۱۵۰). میرفندرسکی بعد از این تاریخ نیز تا اواخر عمر همواره به هند سفر می کرده و ظاهراً یک بار در ۱۰۳۷ ق و بار دیگر در ۱۰۴۶ ق به معرفی ابوالحسن اصفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/۸۱۵). میرفندرسکی در دربار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصرآبادی هنگامی که از هند به اصفهان بازگشت، شاه صفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در ۱۰۵۰ ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، ۵۱۴) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاد و تکیه میر معروف است، به خاک سپرده شد. مزار او در فضای باز قرار دارد و بر روی خاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده اند که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسته مورخ به سال ۱۰۵۰ ق نوشته شده است، ولی در پایان نسخه رساله صناعیه (شم ۸۸۷) موجود در کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات میر ۱۰۴۹ قید شده و در مصراع آخر یک رباعی به صورت ماده تاریخ آمده است (نک: گلچین معانی، ۳۵، حاشیه). مقبره میر همیشه در اصفهان حرمت خاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته اند که پس از مرگ وی طبق وصیتش کتابهای او به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل شد (قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۹).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زندگانی شخصی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقاب او چه کسانی بوده اند. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیک معروف است که از شاگردان علامه مجلسی، و مردی فاضل و شاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افندی، ۵/۵۰۰– ۵۰۱، قمی، ۳/۳۶، مدرس، ۴/۳۶۰) و بازماندگان این خاندان، تا همین اواخر از سادات محترم منطقه استراباد بوده اند (نک: هدایت، روضه، ۹/۱۱۲، ۴۸۹). میرفندرسکی از معاصران میرداماد و شیخ بهایی بوده و چندین تن از مدرسان علوم و حکمای

معروف آن عصـر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده انـد (نک: خوانساری، ۲/۳۵۴، خاتون آبادی، همانجا، هـدایت، همان، ۸/۵۸۶، آشتیانی، ۸۵). بعضی از مولفان صدرالـدین شـیرازی، حکیم بزرگ عصـر صـفوی را نیز در شـمار شاگردان او آورده انـد (مـدرس، ۳/۴۱۸، براون، IV/۴۳۵)، ولی صدرالـدین در هیـچ یـک از آثـار خود از او نـامی نمی برد، درصورتی که در مقـدمه شـرح بر اصول کافی از دو اسـتاد دیگر خود، میرداماد و شـیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می کنـد (نک: آشتیانی، ۸۳ – ۸۴، ۸۷ – ۸۸). با این همه، به هیـچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هنـد پـذیرفته و دریافت هایی که از تامل در مسائل فلسـفی هنـدی حاصـل کرده بود، به نوعی از طریق مباحثـات و مـذاکرات علمی به مجـامع فرهنگی ایران راه یـافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسـنده کتاب دبسـتان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صـحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسـیدند که « با استطاعت چرا به حج نمی روی؟ جواب داد: برای آن نمی روم کـه آنجـا گوسـپندی به دست خـود بایـد کشت » (۱/۴۷).در ایـن کتـاب چنـد تن از آذر کیوانیـان نیز از دوسـتان و نزدیکـان میرفندرسکی شمرده شده اند (۱/۳۳۷ – ۳۳۸). ارتباط میرفندرسـکی با شاگردان آذر کیوان در هند دور از احتمال نیست،ولی این که وی از افکار و آرای آذر کیوانی تاثیر پـذیرفته باشـد درست به نظر نمی رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تـاثیری از افکار آذر کیوانی و از اصـطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیـده نمی شود، ثانیاً در هیـچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره ای به نام میرفندرسـکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که بر کـتیبه سـنگ مزار او دیـده می شـود، حکـایت از آن دارد که وی در دوران حیـات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خـاص داشـته است و نه تنهـا در حکمت و علوم رسـمی بلکه در معـارف الهی و سـیر و سـلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلنـد می دانسته اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده انـد (نک: زنوزی، ۴(۱)۵۲۱، نراقی، ۱۹۵ – ۲۰۲، تنکابنی، ۲۳۶ – ۲۳۷، معصوم علیشاه، ۳/۱۵۸، صبا، ۲۵) و این شـهرت تا آنجا بوده است که داسـتان آمـدن شـیر به مجلس او و شـیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمـدانها نقش می کرده انـد (تنکابنی، همانجا، نفیسی، ۶۲ – ۶۶) و داسـتان رفتن او به معبـد کفار موضوع منظومه ای دلکش در طاقـدیس ملا احمـد نراقی شده است (همانجا). حکایـاتی که دربـاره تیزهوشـی، عزت نفس، حاضـر جـوابی و بی پروایی او در پاسـخ گفتن به خرده گیریهـای امیران و شاهـان نقل کرده اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شـجاعت اخلاقی، وارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، ۵/۴۹۹، ۵۰۱، واله، گ ۳۵ ب، زنوزی، ۴(۱)/۵۲۰ – ۵۲۱، دبستان مذاهب، ۱/۴۷، خوانساری، ۱/۲۴۶، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، ۲۶۷ – ۲۶۸، قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۷ – ۳۵۸). گفته اند که روزی در مجلس او مساله ای از علم هندسه بنابر نظر خواجه نصـیرالدین طوسی مطرح شـد. میر برهـانی در باب آن آورد و پرسـید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتنـد: نه. سـپس چنـدین برهان دیگر در همـان بـاب اقـامه و در پی هر برهـانی همان پرسـش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شـنیده بود (نک: افنـدی، ۵/۵۰۱، قمی، مـدرس، همـان جاهـا). از اشارات کوتاهی که در تـذکره ها و کتب رجال به احوال او شـده است، معلوم می شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصـی بسیار ساده و بی تکلف می زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می گویـد که وی « اکثر لباس نمد می پوشـید و با اوباش و اجامره صـحبت می داشت، در حلقه معرکه خروس بـازان حاضـر شـده، خروسـی در زیر بغـل خود می گرفت » (همان جا). واله در پی این سـخن، داسـتان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی باکانه و صـریح او را به اعتراض پوشـیده و مودبانه شاه – که در کتابهای دیگر نیز آمـده است – نقـل می کنـد (همانجا، نک: هـدایت، مـدرس، همانجاها). میر در علوم زمان خود خصوصاً در هنـدسه و ریاضـیات و کیمیا

صاحب نظر بوده و در پاره ای از این موضوعات آثاری به او منسوب است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش و دیدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تالیف آنان معلوم می شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می کرده است (نک: آشتیانی،۸۶ – ۸۸)، ولی ظاهراً گه گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی – که هر دو از بزرگان این مکتب بوده اند – خودداری نمی کرده است (نک: افندی، همانجا، خوانساری، ۳/۱۸۵). او در بیتی از قصیده معروف خود فارابی و ابن سینا را به « فهم ظاهری » منسوب می کند (نک: مدرس، ۴/۳۵۹) و با آنکه در برخی از آثار فلسفی خود به شیوه مشائیان قول به مثل افلاطونی را باطل می داند (نک: « منتخباتی از رساله حرکت »، ۸۱، ۸۶ – ۸۷)، اما قصیده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می کند:

چرخ با این اختران خوب و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بر رود بالا همان با اصل خود همتاستی

آثار: از میرفندرسکی چند رساله مختصر در موضوعات علمی و فلسفی، مقداری حواشی و توضیحات بر ترجمه جوگ بسشت هندویی و بعضی اشعار و قطعه های منظوم بر جای مانده است: ۱. مهم ترین اثر میر رساله فارسی معروف به صناعیه است که به عنوان حقایق الصنایع نیز شهرت دارد. وی در این رساله صناعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته و در ۲۴ باب و یک خاتمه به بیان حد صناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فایده و غایت هریک، درجات سودمندی و شرف و خست آنها و سهم و محل هریک از اهل حرف و صنایع در جامعه پرداخته و ترتیب و ترتب صنایع را بر حسب شرف و غایت تا صناعتی که خود غایت غائی است و برای آن غایتی نیست، تعیین نموده است. در این رساله قوای نفسانی و اندامهای پیکر انسانی (عالم صغیر) و وظیفه و عمل هریک از آنها از یک سو با اجزاء و عناصر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبیر) برابر و موازی قرار داده شده، و از سوی دیگربا طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظیفه هریک از آنها در هیات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق را با زبانی روشن و فصیح آمیخته با آیات و احادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است (برای بحث و تحلیلی درباره این رساله، نک: کربن، ۴۴ – ۳۲، نیز نک: نصر، ۴۵۹ – ۴۶۰). رساله صناعیه یک بار در هند (۱۲۶۷) با اخلاق ناصری در یک مجلد به چاپ سنگی طبع و نشر شد و بار دوم به کوشش علی اکبر شهابی در تهران (۱۳۱۷ ش) به طبع رسیده است. جلال الدین آشتیانی نیز گزیده هایی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۶۳ – ۸۱) درج کرده است. محمدتقی نصیری طوسی ترجمه عربی رساله صناعیه را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نک: حقوق، ۴۳۷). ۲. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در ۵ فصل در تعریف حرکت و اقسام آن و بیان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلاً باید محرکی واحد آغاز شوند که محرک اول است و خود محرکی ندارد. میر این رساله را از دیدگاه طریقه مشاء نوشته و در آن به رد و انکار نظریه مثل افلاطونی پرداخته است. منتخباتی از این رساله با حواشی مفید به کوشش جلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۸۱ – ۹۰) طبع و نشر شده است. ۳. رساله در تشکیک، نامه ای است رساله مانند که میر در پاسخ به سئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشکیک در ذاتیات از او کرده بود، نوشته است. میر در این نامه به شیوه مشائیان سخن می گوید و برخلاف اشراقیان که به تشکیک در ذاتیات قائلند، وی ذاتیات را مقول به تشکیک نمی داند. این نامه نیز با تعلیقات جلال الدین آشتیانی در همان منتخبات (۹۰ – ۹۷) انتشار یافته است. ۴. رساله در کیمیا، به فارسی. ظاهراً رساله هایی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زیبق و کبریت و باب الاصغر در کتابخانه ها موجود است باید نسخه ها یا تحریرهایی از همین رساله باشد. منظومه ای به زبان عربی نیز در کیمیا به او نسبت داده شده است (مرکزی، ۲/۹۶). ۵. حواشی بر جوگ بشست. متنی که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام

لگهیو گه واسیشتهه۱، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه راماینه۲ نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت گفت و گویی است میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف « راما » یا « راماچندره » – که حماسه دینی بزرگ هند، راماینه، شرح کارها و جنگهای اوست – و در سراسر آن، استادحکیم در ضمن بیان داستانهایی پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق۳ است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره۴ است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده ۹ به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، « روابط فرهنگی ۱» ، ۸۱ – ۸۴). هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، « میرفندرسکی در هند »، ۶۵). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در ۱۳۶۰ ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندویی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، ۲۸۳ – ۲۸۴، « میرفندرسکی در هند »، ۶۲ – ۶۳)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیزآشنا بوده است(همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگ بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگ ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۰۱۵). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام منتخب جوگ بشست در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم ۶۴۰) مورخ ۱۲۶۲ و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ ۱۲۳۱ ق – که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است – که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، ۶ ۸). در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگ بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندویی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده ۱۳ ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، ۶۷ – ۶۸). این کتاب در ۱۳۴۸ ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام مولف یا گردآورنده، از روی نسخه هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. ۶. اشعار. در

اغلب تذکره ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده اند (نک: منزوی، خطی مشترک، ۹/۲۲۱۱ – ۲۲۱۲). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده ۱۲ ق، در ۱۳۱۲ ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لوایح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل الله لایق در تهران (۱۳۳۷ ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته های دیگر (نک: مدرس، ۴/۳۵۸، امین، ۲/۴۰۳) به نام میر ذکر کرده اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میناگر، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضمن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و

... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

نادم، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نادم

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایهٔ، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیهٔ الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیهٔ الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت

هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناصحی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۵/ ۴۸۴ ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی‌القضاۀ ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاشی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و سرآمد در مناظره و همچنین در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه‌ی سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. پیرامون مسائلی با امام‌الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت وی شد. او در بازگشت از حج، در نزدیکی اصفهان، درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۳/ ۷)، ری باستان (۳۷۱ -۳۷۰/ ۲)، سیرالنبلاء (۲۰ -۱۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۲/ ۳)، العبر (۳۴۸/ ۲)، الکامل (۱۶۰/ ۸)، المنتظم (۶۳۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۳۳۸/ ۳).

ناصر خسرو

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۵/ ۴۸۱ -۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری

رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می کرد. به آورده‌ی «ریحانهٔالادب» و «تذکرهٔالشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرهٔالعرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاهٔ شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر باللّه ابوتمیم معد بن علی (۴۸۷ –۴۲۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرهٔالنعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته‌ی بعضی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه.ق– ۴۸۱ ه.ق) ملقب به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال ۴۳۷ ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاهٔ سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او

برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲ -۱۰۰۹/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴ -۲۰۲/ ۱۰)، با کاروان حله (۱۰۱ -۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳ -۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸ -۸۹۳، ۴۶۹ -۴۴۳/ ۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱ -۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱۳۳/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰ -۵۸)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۵۱ -۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرةالشعراء (۷۳ -۶۹)، تقویم‌التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰ -۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴ -۱۰۴۸)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷ -۴۵۶/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۹۳ -۲۹۹۲/ ۲)، دویست سخنور (۴۲۰ -۴۱۷) الذریعه (۱۰۸/ ۱۸، ۱۹۱ -۱۹۰، ۱۸۱، ۱۱ -۱۰ / ۱۲، ۲۷۲/ ۱۱، ۱۱۵۴/ ۹، ۳۶۱ -۳۶۰،(۱۵۱/ ۸، ۲۷۴/ ۷)، روضات الجنات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴ -۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳ -۱۰۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸ -۱۵۵، ۱۵۳ -۱۵۱، ۵۲/ ۲، ۴۲۴، ۴۰۱/ ۱)، سخن و سخنوران (۱۹۸ -۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷ -۸)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷ -۸۳)، صبح گلشن (۱۱۹ -۱۱۸)، طرائق‌الحقائق (۵۵۷ -۵۵۶/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۹ -۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲ -۹۱۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸ -۱۲۷)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵ -۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹ -۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵ -۱۳۵۹/ ۳)، مرآةالخیال (۲۸ -۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۳/ ۶)، هدیةالعارفین (۴۸۷/ ۱)، هزار سال شعر فارسی (۷۰ -۶۴)، هفت اقلیم (۳۵۸ -۳۴۸/ ۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳ -۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

نجاتی، محمدسعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سعید نجاتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۸/۱۳

زندگینامه علمی

با دیپلم تجربی با معدل ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم و با رتبه ۱۳ وارد حوزه علمیّه و مدرسه علمیّه شهیدین گشتم. از سال اول تا آخر دوره سطح، در مدرسه شهیدین مشغول بوده ام و علاوه بر دروس متداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسی را شروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر

(صلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صحیفه سجادیّه» نوشته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدّماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیمای قم گذرانده ام.
الان در ترم ۶ رشته کلام اسلامی، دوره غیر حضوری مؤسسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مدرسه شهیدین مشغول تحصیلم. در این دوران به صورت پراکنده و انفرادی کتابهای حلقه اولی شهید صدر، هدایه، صمدیه، مکالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تدریس کرده ام. همچنین در این مدت در کلاس های آموزش سخنرانی، مداحی و تبلیغ شرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجار رازی، ابوعبداللّه حسین

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۲۰ ق)، متکلم. اصلش از قم و ساکن ری بود. وی واضع مکتب کلامی خاصی است که پیروان این مکتب به مناسبت لقب او نجاریه خوانده می‌شوند. وی در برخی از مسائل مانند: قضا و قدر، اکتساب افعال و وعد و وعید جانب اهل حدیث را گرفت و در بعضی دیگر مثل نفی صفات، خلق قرآن و رؤیت خداوند در روز قیامت به موافقت معتزله برخاست، لذا نجاریه را در زمره‌ی فوق معتزله محسوب می‌نمایند. بیشتر معتزلیان ری و اطراف آن از پیروان او بوده‌اند. فرقه‌های برغوثیه، زعفرانیه و مستدرکه از شاخه‌های فرقه‌ی نجاریه می‌باشند. مناظرات وی با نظام که از بزرگان معتزله است، مشهور می‌باشد. از آثارش: «البدل»، در کلام؛ «المخلوق»؛ «اثبات الرسل»؛ «الارجاء»؛ «القضاء والقدر»؛ «الثواب والعقاب»؛ «اللطف والتأییـد»؛ «الارادهٔ الموجبهٔ»؛ «الارادهٔ صفهٔ فی الذات»؛ «الصفات والاسماء»؛ «التأویلات»؛ «الموجز»؛ «المطالبات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۶/ ۲)، انساب سمعانی (۴۶۰/ ۵)، تاریخ مذاهب اسلام (۱۵۲ -۵۱۰)، سیرالنبلاء (۵۵۴/ ۱۰)، فرقه‌های اسلامی (۵۸)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۳۳۶ -۳۳۵)، هدیهٔالعارفین (۳۰۴ -۳۰۳/ ۱).

نجفآبادی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین فرزند سید محمد نجف آبادی یکی از علما و اساتید بزرگ قرن چهاردهم در استان اصفهان بود. نجف آبادی فقیهی اصولی و مجتهدی زاهد و مدرسی کامل بود. در جوانی مقدمات علوم و سطوح دروس خود را در اصفهان به پایان برد، و سپس در نجف و سامرا در سلک افاضل شاگردان میرزای بزرگ درآمد و متجاوز از ده سال در عتبات از کرسی درس آخوند خراسانی و میرزای شیرازی و دیگر آیات برخوردار بود و از اساتید عراق و اصفهان به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. نجف آبادی رسائلی در منطق و صلوهٔ به رشته تحریر برد. او سالها در رأس مراجع و مدرسین حوزه اصفهان و نجف آباد بود. مرحوم آقا

نجفی اصفهانی خیلی به او علاقه داشت و در کارهای مختلف و رفع دعاوی مردم را به معظم له ارجاع می داد. آیت الله نجف آبادی از اساتید حجج اسلام آقایان فقیهی، سجادی و مرحوم شریف بود که در سال ۱۳۳۱ در نجف آباد وفات نمود.

۲ـ مرحوم آیت الله سید علی مدرس نجف آبادی نیز یکی از علما و مدرسین بزرگ استان اصفهان در قرن اخیر بود. مدرس نجف آبادی از شاگردان: سید استاد، آخوند خراسانی، آیت الله نهاوندی، آقا شیخ هادی تهرانی و علامه یزدی بود که خود به درجه استادی رسید. مدرس سالها در مدرسه صدر اصفهان در ردیف اساتید بزرگ این حوزه بود و آیات و اعلامی از محضرش به درجه اجتهاد رسیدند.

۳ـ مرحوم سید محمد مدرس فرزند امیر حسین نجف آبادی یکی از علما و مدرسین بزرگ اصفهان بود در قرن اخیر بود. سید محمد مدرس ابتدا در حوزه اصفهان بود و سپس سالها در عتبات از محضر سید استاد، آقا رضی همدانی، آخوند خراسانی، علامه یزدی، حاج سید اسماعیل صدر و آقا شریعت اصفهانی بهره مند بود و خود مجتهدی اصولی و فقیهی مدرس و آیتی زاهد بود. سید محمد از مدرسین علمای استان اصفهان بود که پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین در ذیقعده ۱۳۵۸ در اصفهان وفات نمود.

۴ـ مرحوم آیت الله سید هاشم میردامادی (نجف آبادی) نیز یکی از علمای بزرگ و زهاد کم نظیر عصر خویش بود. میردامادی از شاگردان آخوند خراسانی، میرزای مجاهد، مرحوم نائینی و سید احمد کربلائی بود که خود مجتهدی بارع و فقیهی جامع بود. معظم له سالها در مشهد مقدس در جمله مدرسین حوزه آنجا قرار داشت و در جامع گوهرشاد اقامه جماعت می نمود. تفسیری به نام خلاصه بیان از خویش به یادگار گذاشت، و در سال ۱۳۸۰ درمشهد مقدس وفات نمود. پس از فوت آیات و مدرسین مذکور اولاد و احفاد آنها جانشین علوم پدر گردیدند. روان همگان شاد.

منابع زندگینامه: http://www.shaaer.com/nikan.htm

نجفی یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی یزدی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای مؤمن و متوسط متولد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشرف بوده و خانوادهٔ ما (عموها، دو برادر و ...) از اهل علم می باشند. در همان سال های اولیه دوران دبیرستان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسیار حساس بودم و همواره به دنبال ادلهٔ تحقیقی مطالب بوده و کتاب های متعددی را مطالعه می کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشاند و در تهران مدرسه «آیت الله مجتهدی» (حفظه الله) مشغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتید بزرگوار آنجا خواندم از جمله: «آیت الله استادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...

سپس در سال ۶۰ یا ۶۱ به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصرا درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از ۱۲ سال گذراندم. از همان سالهای شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده ای از دوستان بحث های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمه اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می شود.

نجم‌آبادی، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱/ ۱۳۲۰ -۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، مجتهد، مدرس و نیکوکار. اصل وی از ساوجبلاغ تهران است. در تهران به دنیا آمد. در ۱۲۶۲ ق برای تحصیل علوم به نجف رفت و پس از فراگیری مقدمات در ۱۲۷۰ ق به تهران بازگشت و پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف مراجعت نمود. وی از شاگردان پدرش، ملا مهدی، و پسر عمویش، شیخ حسن نجم‌آبادی، و شیخ راضی نجفی بود. در ۱۲۸۰ ق پس از درگذشت پدرش، به تهران آمد و عهده‌دار امور دینی گشت. او در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال متبحر بود و در زمان خود از مجتهدین بزرگ تهران و مرجع حل و فصل مشکلات مردم به شمار می‌آمد. او بعد از ظهر هر روز جلو درگاه خانه خویش می‌نشست و مردم را از هر گروه و آیین می‌پذیرفت و با همه‌ی آنها در کمال آزادی پیرامون مسائل گوناگون بحث می‌نمود. او عالمی آزادمنش و روشنفکر بود و خدمات بسیاری به جنبش آزادی ایران کرد و بسیاری از بزرگان مشروطه را از مریدان او به شمار آورده‌اند. فرزندانش، شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی و حاج شیخ مهدی نجم‌آبادی، و علامه محمد قزوینی و علامه علی‌اکبر دهخدا و ناظم‌الاسلام کرمانی و میرزا جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل) و رفیع بامداد و میرزا سید محمد طباطبایی از شاگردان او بودند. در تهران درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثارش: بنای مریضخانه‌ی وزیری (میرزا عیسی وزیر) که به نام خود وی نیز مشهور است، به انضمام یک باب حمام در کنار مریضخانه، در محله‌ی حسن‌آباد تهران، هدایت و تشویق میرزا عبدالکریم خان منتظم‌الدوله فیروزکوهی به بنای مدرسه‌ی خیریه دارالایتام حسن‌آباد، دایر کردن قنات در اشتهارد کرج و آباد کردن اراضی موات و احداث صحت‌آباد، در جهت پشتیبانی مالی بنای مریضخانه. از آثار علمی وی: «تحریر العقلاء»؛ رساله‌ی «رد فرقه‌ی بهاییه»؛ «جداول، طبقات وارث».[۱]

سال تولد: ۱۲۵۰ ق.

فوت: ۱۳۲۰ ق.

آثار: تحریرالعقلا

رساله رد فرقه بهائیت (تهران، ۱۳۱۲ ق. سربی، رقعی، باهتمام شیخ مرتضی نجم‌آبادی)

جداول، طبقات وارث (تهران، ۱۳۰۸ ق. سنگی، خط میرزا حسن تهرانی)

هادی نجم‌آبادی تهرانی متولد سال ۱۲۵۰ ق. پسر حاج ملا- مهدی و از علمای معروف تهران بود که در روستای نجم‌آباد در خانواده‌ای صنعتگر به دنیا آمد. در دوازده سالگی به همراه مادرش به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم فقهی و مذهبی پرداخت در سال ۱۲۸۰ ق. به تهران آمد و امامت و حکومت شرعیه موقوفات خانوادگی را به عهده گرفت.

وی مطلقا مردی فسادناپذیر بود و هیچ‌گاه دیناری از کسی قبول نمی‌نمود وی مردی آزاداندیش بود و یکی از زمینه‌سازان فکری

جنبش مشروطه محسوب می‌گردد، اکثر روشنفکران دوره ناصری تربیت یافتگان دبستان این روحانی بودند. وی به تأسیس مدرسه، دارالایتام، بیمارستان، داروخانه و مسجد علاقه مفرطی داشت و از جمله ساخت مدرسه خیریه، مدرسه سادات، مدرسه رشدیه و بیمارستان وزیری با حمایت و تشویق وی صورت پذیرفت. سرانجام وی در سال ۱۳۲۰ ق. جان به جان آفرین تسلیم نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۲۳۶ –۲۳۵/ ۱۰)، تحریرالعقلاء (مقدمه)، الذریعه (۳۸۷/ ۳)، زندگینامه‌ی آیت‌اللَّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، شرح حال رجال (۴۱۰ –۴۰۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، المآثر والآثار (۱۴۹)، مکارم‌الآثار (۱۳۷۷ –۱۳۷۶/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۲ – ۷۳۰/ ۶).

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند معظم و نویسنده گرامی شیخ محمدصادق بن ثقه‌الاسلام شیخ احمد الواعظ از فضلاء و دانشمندان و نویسندگان توانای حوزه علمیه است که در ماه رجب ۱۳۵۶ ق در آذربایجان متولد گردیده و در خاندانی که تا چندین پشت همه از خدمتگذاران دین و علماء و گویندگان مذهبی بودند در دامان مادر علویه‌ای که از تیره و سلسله سادات حسینی آذربایجان که از آنها افرادی مانند علامه کبری سید حسین کوه کمری و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدحجت رضوان‌الله تعالی علیهما می‌باشد تربیت یافته و مقدمات در خدمت والد ارجمندش قرار گرفته و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت کوتاهی از سطوح عالی و متون فقهی فارغ شده و به دروس خارج مراجع عالیقدر شرکت نموده است.

و در ضمن ادامه تحصیل به موفقیتهای دیگری از راه تبلیغی نائل گردیده که نمونه‌ای از آن ساختن چندین مسجد در اطراف کاشان و همدان و مباحثات طولانی با مبلغین فرقه ضاله که منجر به شکست آنان و مسلمان شدن چند تن از جوانانشان گردیده است.

تالیفات و آثار ارزنده‌ای در خلال تحصیل خود به رشته تحریر درآورده در قسمتهای مختلفی مانند تفسیر و تاریخ و حدیث مخصوصا مطالعاتی در کتب اهل سنت نموده و نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را به صورت کتابهای زیر درآورده است:

۱– سیری در صحیحین این کتاب در ۳ مجلد می‌باشد در این کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم که مهمترین کتاب و مدرک اهل سنت است مورد بررسی قرار گرفته و جلد اول آن که توحید از نظر صحیحین است منتشر و مورد استقبال محافل علمی و دانشمندان قرار گرفته است.

۲– جلد دوم و سوم این کتاب که به ترتیب نبوت و خلافت از نظر صحیحین و مباحثات متفرقه به زودی به طبع خواهد رسید انشاءالله.

۳– مباحثی از قرآن، این کتاب نیز که در دو جلد و قسمتهای جالبی از آیات را مورد بررسی قرار داده است در موضوع خود ابتکاری است.

۴– شخصیت سیاسی عمروبن‌عاص. این کتاب چهره واقعی عمرو بن عاص و فعالیتهای مخرب و ضد دینی او را به خوبی ظاهر می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نراقی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۱۵ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصـولی و متکلم. ملقب به عبـدالصاحب و معروف به حجت‌الاسـلام. در کاشـان به دنیـا آمـد. مـدارج علمی را نزد پـدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آوردهٔ صاحب «مکارم‌الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگـذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پـدرش و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه.[۱]

حاج ملا محمـد ابن حاج ملا احمـد نراقی ملقب به عبـدالصاحب و معروف به حجهٔالاسـلام (ف. ۱۲۹۷ ه.ق) از علمـای امامیهٔ قرن سیزدهم هجری، از تألیفات اوست: ۱- انوار التوحید در علم کلام. ۲- المراصد در اصول. ۳- مشارق‌الاحکام در فقه. وی در سن ۸۰ سالگی در کاشان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/ ۲۱، ۳۰۰/ ۲۰، ۴۲۲/ ۲)، ریحانه ۱۶۴ -۱۶۳/ ۶)، المآثر والآثار (۱۴۴)، مکارم‌الآثار (۵۵۶ -۵۵۵/ ۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱).

نراقی، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۹ -۱۱۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محـدث، متکلم، حکیم و ریاضـیدان. موصوف به خاتم المجتهدین. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هنـدسه، ریاضـی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سـپس برای تحصـیل به اصـفهان رفت و از محضـر ملا اسـماعیل خواجویی و ملا محمدمهدی هرندی و شـیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصـیل رهسـپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شـیخ یوسف بحرانی و شـیخ مهـدی فتونی عـاملی به تکمیـل معلومات خویش پرداخت و از وحیـد بهبهانی و شـیخ یوسف بحرانی و سـید مهـدی بحرالعلوم و سـید محمدمهدی شهرسـتانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصـیل به ایران مراجعت کرد و در کاشـان سـکنی گزیـد. بـا حضور او در کاشان علم و دانش در این شـهر رونقی تازه پیـدا کرد. فرزنـدش، ملا احمـد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسـی و محمد طاهرآبادی و سـید محمدباقر حجت‌الاسـلام شـفتی اصـفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌اللّه حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تـألیف مشـغول شـد و در همـان جـا درگـذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شـد. از آثارش: «کنزالرموز»، «انیس الموحـدین»؛ «انیس المجتهـدین»؛ «توضـیح الاشـکال»، در شـرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعهٔ الاسـلام»؛ «التحفـهٔ الرضویـهٔ فی المسائل الدینیـهٔ»؛ «التجرید» یا «تجرید الاصول»، در اصول فقه؛ «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در

مسائل تجارت؛ «نخبهٔ البیان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل المشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاهٔ»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب‌الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۷/ ۸)، اعیان‌الشیعه (۱۶۷، ۱۴۳/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۸، ۴۴۳، ۴۱۳/ ۲، ۳۵۳، ۳۱۱، ۲۴۹، ۲۲۷، ۱۴۸/ ۱)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۰۶/ ۲)، الذریعه (۹۴ -۹۳/ ۲۴، ۲۷۴/ ۲۲، ۲۱۳، ۶۷ -۶۶/ ۲۱، ۱۴۹/ ۲۰، ۳۵۹، ۳۵۸- ۳۴۹، ۳۴۵، ۱۵۷، ۱۲۱/ ۱۸، ۷۵ -۷۴/ ۱۷، ۳۰۲/ ۱۵، ۳۳۵/ ۱۳، ۱۰۳، ۳۲/ ۱۱، ۷/ ۷، ۴۳۶، ۳۵۱، ۳۵۰/ ۳، ۵۹ -۵۸، ۴۲ -۴۱/ ۵، ۴۶۷ -۴۶۶، ۴۶۵، -۴۶۴، ۴۵۳/ ۲)، روضات‌الجنات (۱۹۲ -۱۸۹/ ۷)، ریحانه (۱۶۵ -۱۶۴/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۱۳ -۴۰۹)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۶/ ۱۳)، طرائق‌الحقائق (۲۵۸، ۲۵۴/ ۳)، قصص العلماء (۱۳۳/ ۱۳۲)، المآثر والآثار (۱۶۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۷ -۱۲۸۶/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۵۷/ ۱۲)، مکارم‌الآثار (۳۶۴ -۳۶۰/ ۲)، مؤلفین کتاب چاپی (۳۶۳ -۳۶۰/ ۶)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱ -۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۳۵۲/ ۲).

نسفی، ابومعین میمون

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۸ -۴۱۸ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم قمری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحرالکلام»، در توحید؛ «تبصرهٔ الادلهٔ»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمدهٔ»، در اصول دین؛ «العالم والمتعلم»؛ «ایضاح المحجهٔ لکون العقل حجهٔ»؛ شرح «الجامع الکبیر» ابوعبداللّٰه شیبانی، در فروع؛ «مناهج الائمهٔ»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۱/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۶۳/ ۲، ۱۵۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۴/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۴۵، ۵۷۰، ۴۸۴، ۳۳۷، ۲۲۵)، معجم‌المؤلفین (۶۶/ ۱۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۸۷/ ۲).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۰۰- وف ۶۸۸ -۶۸۴/ ۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیهٔ» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمهٔ فی علم الخلاف» یا «المقدمهٔ البرهانیهٔ» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمهٔ فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛

شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالهٔ القدسیهٔ» غزالی؛ «مطلع السعادهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۹۴/ ۲)، ریحانه (۱۷۴ –۱۷۳/ ۶)، شذرات الذهب (۳۸۵/ ۵)، کشف‌الظنون (۱۸۶۱ ،۱۸۰۳ ،۱۷۹۹ –۱۷۹۸ ،۱۷۵۶ ،۱۷۲۰ ،۱۲۹۶ ،۱۲۷۲ ،۱۰۳۲ ،۸۸۲ ،۸۶۵ ،۹۵)، معجم‌المؤلفین (۲۹۷/ ۱۱)، هدیهٔ‌العارفین (۱۳۶ –۱۳۵/ ۲).

نسفی، حافظ الدین، ابوالبرکات عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۰/ ۷۰۱ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه درگذشت. اما در «ریحانهٔ‌الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدهٔ العقائد» یا «عمدهٔ عقیدهٔ اهل السنهٔ والجماعهٔ»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف‌الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م ۶۵۶ ق).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۲/ ۴)، ایضاح المکنون (۹۸/ ۱)، ریحانه (۱۷۱/ ۶)، کشف‌الظنون (۲۰۳۴ ،۱۹۹۷ ،۱۹۲۲ ،۱۸۶۷ ،۱۸۴۹ ، ۱۸۲۳ ،۱۶۷۵ ،۱۶۴۱ – ۱۶۴۰ ،۱۵۱۵ ،۱۲۷۴ ،۱۱۶۸ ،۱۱۹)، معجم‌المؤلفین (۳۲/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۳۷ –۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبهٔ الطلبهٔ»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایهٔ»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار

من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافیات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه.ق- ف. ۵۳۷ ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبة الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۲/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۱۱۷، ۲۵/ ۱)، ریحانه (۱۷۳ -۱۷۲/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۲۷ -۱۲۶/ ۲۰)، شذرات الذهب (۱۱۵/ ۴)، طبقات المفسرین داودی (۷ -۵ / ۲)، العبر (۴۵۳ -۴۵۲/ ۲)، کشف‌الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌المیزان (۲۳۰ -۲۲۹ / ۵)، معجم‌الادباء (۷۱ -۷۰ / ۱۶)، معجم‌المؤلفین (۳۰۶ -۳۰۵ / ۷)، هدیةالاحباب (۲۵۵)، هدیةالعارفین (۷۸۳/ ۱).

نعمت پور، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر نعمت پور

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل ـ گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را» البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:

در حدود سال ۱۳۵۳ ه . ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال ۱۳۵۹ شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته

لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.

دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذراندیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجهٔالاسلام دکتر ضیائی، حجهٔالاسلام نظری، مهدی‌زاده و دیگران) بهره بردیم. و دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجهٔالاسلام وجدانی فخر»، «حجهٔالاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجهٔ الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجهٔالاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجهٔالاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.

دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محفوظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوزانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله مظاهری»، «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجهٔالاسلام کربلائی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.

به هر حال در سال ۱۳۷۰ ه . ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال ۱۳۷۵ الی سال ۱۳۸۵ ه . ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاهٔ احکام الظل الواقع فی الصلات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از ۵ سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.

در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و نهایه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.

در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل ۱۷ پایان بردیم و در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۸۳ ه . ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از ۷ سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از ۱۵ سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:

۱. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.

۲. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.

۳. برهان نظم.

۴. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.

۵. پایان نامه سطح چهار حوزه ـ نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نقدعلی فروشانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نقدعلی فروشانی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۹ در «خمینی شهر» اصفهان متولد شدم. و دوران ابتدایی و راهنمایی را در این شهر سپری کردم. به علت علاقه ای که مادرم به علوم دینی داشت؛ همزمان با آغاز دوران دبیرستان مرا نزد مرحوم «آیت الله امامی» که از اساتید برجسته بود؛ بردند و با ایشان علوم حوزوی را آغاز کردم. پس از اینکه در کنکور رشته ریاضی امتیاز عالی (رتبه زیر ۱۰۰) آوردم؛ برادر بزرگترم اصرار داشت که در رشته «مهندسی برق» در دانشگاه، ادامه تحصیل دهم و مادرم اصرار داشت که بنده یک مجتهد و عالم دینی شوم. با مشاوره ای که با مرحوم «امامی» انجام شد، بنا شد با پایان دوره لیسانس «مهندسی برق در دانشگاه صنعتی اصفهان»، دروس سطح حوزه نیز به اتمام برسد. و بنده به علت علاقه ای که به علوم دینی پیدا کردم؛ دروس فنی را در مقطع فوق لیسانس ادامه ندادم و به قم آمدم.

از سال ۷۱ تا ۷۶ در دروس خارج فقه مرحوم «حضرت آیت الله جواد تبریزی»، و اصول «حضرت آیت الله وحید» شرکت کردم. همزمان به علت علاقه ای که به فلسفه داشتم؛ به درس اسفار و نیز واحدالربوبیه (استادحشمت پور) می رفتم. همچنین در سال ۷۵ به علت علاقه ای که در مطالعات ادیان داشتم و قبلا از طریق دکتر «محمود بینا» در دانشگاه صنعتی با ادیان هند و مسیحیت آشنائی پیدا کرده بودم؛ جذب مرکز ادیان و مذاهب شدم و فعلا به عنوان مدرس و عضو هیئت علمی این مرکز مشغولم. هم اکنون تدریس فلسفه برای دانشجویان مقطع فوق لیسانس رشته «دین پژوهی» را مشغولم. در ضمن، کتاب: «فلسفه یهودی در قرون وسطی» توسط بنده ترجمه شده و نیز کتاب: «گرایشهای اصلی عرفان یهود» نیز آماده چاپ است. تعدادی مقالات در زمینه (عرفان اسلامی)، (فلسفه اسلامی)، (عرفان یهودی) و (ادیان ابراهیم و هند) نوشته ام.

نگارش، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید نگارش

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر حمید نگارش عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی با رتبه استاد یاری و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشند. فعالیت های نامبرده اجمالاً به شرح ذیل می باشد: فعالیت های آموزشی: مدت ۲۲ سال تدریس دورس؛ «معارف اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «انقلاب اسلامی و ریشه ها»، «تاریخ اسلام»، «کلام اسلامی»، «انسان شناسی»، «متون اسلامی» و ... را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه ها و مراکز آموزشی همچون: «دانشگاه شهید بهشتی»، «دانشگاه هوایی»، «دانشگاه امام حسین علیه السلام»، «دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (طرح هجرت)»، «دانشگاه پیام نور»، «مرکز عالی رسته ای نیروی هوایی ارتش»، «دانشگاه صنعتی شریف» و ... داشته اند (از سال ۶۲ تا به حال). همچنین نامبرده دروس حوزوی سطح یک، دو و سه را در مدارس علمیه تهران و قم تدریس داشته اند.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش . (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق)(۱۴۲۷)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.

در حوزه های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.

در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(۱۴۲۸)

او در سال ۱۲۹۵ ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت

می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(۱۴۲۹)

پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول

۲. رجال و درآیه

۳. تفسیر و علوم قرآن

۴. فلسفه و کلام

۵. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.

گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی

۲. آیه الله نصر الله مدرس

۳. شیخ محمد صادق تنکابنی

۴. ملا احمد سبزواری

۵. شیخ عبدالجواد خراسانی

۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی

۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری

۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی

۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی

۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی

۱۱. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری

۲. سید محمد حسین بروجردی

۳. سید ضیاء الدین عراقی

۴. سید ضیاء الدین عراقی

۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی

۷. سید محسن طباطبایی حکیم

۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)

۹. سید محمد تقی خوانساری

۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس

آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :

به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالک اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...))(۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاستهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱ – تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل

کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .

۲. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .

۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ – ۱۳۵۷ ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال ۱۳۳۱ ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(۱۴۳۴)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق . قفس تن را دریـد و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نمازی زادگان، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید نمازی زادگان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید نمازی زادگان به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران و در میان خانواده ای متوّسط و مذهبی متولد شدم. تنها چهار برادر دارم و پدرم نیز کار بنایی و معماری ساختمان انجام می دادند. در سال ۱۳۵۰، خانواده ام به دلیل گرایشات مذهبی به مشهد

که محیطی سالم بود، مهاجرت کردند. از آن جا که پدر و به ویژه پدر بزرگ مادری ام، عنایت فوق العاده ای در تربیت صحیح و اسلامی ما داشتند؛ مدارس ملی و مذهبی آن زمانها را برای تحصیل ما انتخاب کرده بودند. بعدها در کنار تحصیل، مدّتی را به کار در صنعت آلومینیوم سازی نیز اشتغال داشتم.

در ایّام جنگ و دفاع مقدس، چندین بار همراه با رزمندگان تیپ ویژه شهدا، تیپ ۲۱ امام رضا، لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا در جبهه های نبرد حضور یافتم. به سال ۱۳۶۷ با خانواده شهید بزرگوار «هاشمی نژاد» آشنا شده و با صبیه کوچک ایشان ازدواج کردم که حاصل آن دو پسر به نامهای محمد رضا و محمّد ایمان است. در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه «علوم پزشکی مشهد» استخدام شدم و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی در خدمت عزیزان دانشجو هستم.

مختصری از زندگینامه علمی: دوره ابتدایی را در مدارس ملی و مذهبی سعیدی تهران و جعفری مشهد گذراندم. پس از آن جذب حوزه علمیّه مشهد شده و در مدرسه حاج آقای «موسوی نژاد» به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از مدّتی در کنار حوزه، دوره های شبانه راهنمایی و دبیرستان در رشته تجربی را گذراندم و همزمان در دو دانشگاه «علوم اسلامی رضوی» و «دانشگاه اصفهان» در سال ۶۳ پذیرفته شدم. با ثبت نام در دانشگاه رضوی در کنار دروس الهیات، دروس حوزی را نیز ادامه دادم و دوره های سطح و نیز بخشی از دوره خارج فقه و اصول را شرکت کردم. در خلال تحصیل در دانشگاه رضوی، موفق به گرفتن دیپلم دوم در رشته فرهنگ و ادب و نیز مدرک کارشناسی فقه از دانشگاه فردوسی مشهد شدم. در سال ۷۳ به دوره کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان دانشگاه تهران راه یافتم.

نمازی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد

آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تألیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهسپار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفهٔ الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(تو ح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینهٔ‌البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعهٔ الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللَّه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللَّه الملك العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا-خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللَّه میرزا مهدی اصفهانی خارج

مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقی‌الجمان ۷- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی ۱۰- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳ -۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴ -۱۸۳/ ۷، ۳۷۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷/ ۴).

نواب، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ‌الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعهٔ الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی

اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» می‌باشد.

جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذاهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می باشد.

نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم دینی، حکیم و متکلم امامی. از جمله آثارش کتاب «الیاقوت» یا «فص الیاقوت» است که از قدیم‌ترین کتابهای کلامیه‌ی شیعه می‌باشد و بسیاری از علما به آن توجه داشته‌اند و علامه حلی «انوار الملکوت» خود را در شرح بر این کتاب نگاشته است و از مؤلف آن، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، تعبیر به شیخ اقدم و امام اعظم شیعه می‌کند. به تبع علامه حلی، محدث قمی و سید محسن امین و دیگران این کتاب را به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نسبت داده‌اند. اما در «ریاض‌العلماء» و «الشیعهٔ و فنون الاسلام» و «الذریعهٔ»، ابن نوبخت اطلاق بر برادر ابراهیم، شیخ اسماعیل بن اسحاق بن ابی‌سهل بن نوبخت شده و کتاب «الیاقوت» به وی منتسب شده است. از دیگر آثار وی: «الابتهاج فی اثبات اللذهٔ العقلیهٔ للّٰه تعالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۱۱ -۱۱۰/ ۲)، بحارالانوار (۱۷/ ۱)، خاندان نوبختی (۱۸۰ -۱۶۶)، الذریعه (۲۷۲ -۲۷۱/ ۲۵ ،۶۲/ ۱)، ریحانه (۲۴۷ -۲۴۶/ ۶)، الکنی والالقاب (۹۴/ ۱).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود.

فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۴۱۲ -۴۱۰/ ۸)، خاندان نوبختی (۲۰، ۱۴، ۳)، دایرۀالمعارف فارسی (۳۰۶۰/ ۲)، ریحانه (۲۵۰/ ۶)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۷۷، ۲۳۶، ۲۰۰، ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نوبختی).

نوبختی، ابوسهل اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۱۱ -۲۳۷ ق)، متکلم، دانشمند و پیشوای امامیه. از خانواده‌ی ایرانی الاصل بنونوبخت بود. جدش ابوسهل و دیگر افراد خاندان نوبخت از معروفان علم و ادب بودند و از زمان حکومت منصور خلیفه عباسی به بعد در بغداد به عنوان مترجم کتب پهلوی و منجم و حامی دانش و ریاست شیعه آنجا حائز اهمیت بودند. علاقه ابوسهل نوبختی به فلسفه وی را به سوی ثابت بن قره کشاند و مباحثات خود را با او تحت عنوان «مجالس ثابت بن قره» نوشت. ابوسهل طرفدار شاعر شیعی ابن‌رومی، از ستایشگران خاندان نوبختی بود. ولی این پیوند گهگاه از هم می‌گسیخت. ابوسهل با بحتری نیز دوستی داشت. بحتری درباره‌ی شعر ابوسهل چندان نظر خوشی نداشت. ظاهرا ابوسهل در بیشتر عمر خود مقامات عالی دبیری داشته است. کدورت وی با ابن ثوابه کاتب فقط است. ابوسهل در زمان وزارت قاسم (۳۸۸ -۲۹۱ ق) مدتی به زندان افتاد و این بدان دلیل بود که می‌کوشید تا شیعیان را وارد دستگاه حکومتی کند. از آن پس نفوذ او در زمان بنو فرات شیعی مذهب بالا- گرفت و پیشوای امامیه‌ی بغداد شد. وی از سفیران امام دوازدهم (عج) حمایت می‌کرد. با حلاج مخالف بود و از حمایت وی رویگردان. آشکارا از بی‌بنیادی کرامات حلّاج پرده برداشت. وی در اهواز با متکلم معتزلی ابوعلی جبائی مناظره داشت. او شاعری بلیغ به حساب می‌آمد. خواهرزاده‌اش، حسن بن موسی نوبختی، و برادرش، ابوجعفر محمد، نیز از متکلمان و بزرگان مکتب بنو نوبختند. ابوبکر محمد بن یحیی صولی و ابوعلی کوکبی و فرزندش، ابوالحسن علی بن اسماعیل، از شاگردان وی بودند. ابوسهل در بغداد درگذشت و در حرم کاظمین (ع) به خاک سپرده شد. وی یکی از شیعیان معتقد بود و با امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج) ملاقات کرد. ابن بابویه درباره‌ی غیبت و امامت امام مهدی (عج) از او روایت کرده است. ابوسهل ردیه‌هایی بر چند کتاب ابن راوندی نوشت. از تألیفات وی: «الاستیفاء فی الامامۀ»؛ «التنبیه فی الامامۀ»؛ «نقض رسالۀ الشافعی»؛ «الخواطر»؛ «المجالس»؛ «الرد علی اصحاب الصفّات»؛ «الرّد علی من قال بالمخلوق»؛ «الکلام فی الانسان»؛ «ابطال القیاس» ؛ «نقض»؛ «نقض التاج علی الراوندی»، مشهور به «کتاب السبّک»؛ «نقض اجتهاد الرای علی ابن الراوندی»؛ «الصفّات»؛ «تثبیت الرسالۀ»؛ «حدوث العالم»؛ «کتاب الرد علی الیهود»؛ «کتاب الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۸ -۳۸۳/ ۳)، ایضاح المکنون (۶۷۵، ۳۴۴، ۳۰۸، ۲۹۸، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۴، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۶۷، ۲۶۳، ۲/)، تاریخ بغداد (۱۲۵ -۱۲۴/ ۸)، تاریخ نجوم اسلامی (۱۸۳)، خاندان نوبختی (۱۲۳ -۹۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۰۱ -۸۹۹

/۷)، الذریعه (۲۸۸ ،۲۸۶ -۲۸۵ /۲۴ ،۳۵۲ /۱۹ ،۴۳ / ۱۵ ،۲۲۸ ،۲۱۲ ،۲۱۰ / ۱۰ ،۲۹۳ /۶ ،۴۳۸ /۴ ،۳۴۵ /۳ ،۳۶ /۲ ،۶۹ /۱)، رجال النجاشی (۱۲۲ -۱۲۱ /۱)، روضات الجنات (۱۲۲ -۱۲۰ /۱)، ریحانه (۱۴۷ -۱۴۳ /۷)، سیر النبلاء (۳۲۹ -۳۲۸ /۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴ -۶۳ /۴)، الفهرست لابن الندیم (۲۵۱)، الفهرست للطوسی (۵۸ -۵۷)، الکنی و الالقاب (۹۵ -۹۳ /۱)، لسان المیزان (۶۵۵ -۶۵۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسهل)، معجم رجال الحدیث (۱۵۶ -۱۵۴ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۰ -۲۷۹ /۲)، الملل و النحل (۱۵۱)، الوافی بالوفیات (۱۷۳ -۱۷۱ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۰۸ /۱).

نوبختی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۲ -۳۲۰ ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبداللّٰه واسطی روایت نموده است. ابوبکر احمد بن محمد برقانی و ابوالقاسم عبداللّٰه بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طناجیری و ابوالقاسم بن خلال از وی روایت کرده‌اند. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راستگو دانسته‌اند. در «میزان الاعتدال» ذهبی وفات وی ۴۵۲ ق ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۶/ ۵)، انساب سمعانی (۵۳۰ -۵۲۹/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۹۹/ ۷)، ریحانه (۲۴۸ -۲۴۷/ ۶)، لسان‌المیزان (۳۷۷/ ۲)، میزان الاعتدال (۴۸۱/ ۱)، الوافی بالوفیات (۴۲۷/ ۱۱).

نوربخش، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۶۹ -۷۹۵ ق)، متکلم، صوفی، عارف و شاعر. معروف به سید محمد نوربخش. از مشاهیر عرفا و صوفیه است و نسبش به هفده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و سلسله‌ی نوربخشیه به او منسوب است. پدرش در قطیف به دنیا آمد و مولد جدش لحسا بود به همین دلیل نوربخش گاهی در شعر لحسوی تخلص می‌کرد. پدر او به خراسان رفت، در قاین سکنی گزید و سید محمد در آنجا به دنیا آمد. نوربخش از شاگردان احمد بن فهد حلی بود. در تصوف از خواجه اسحاق ختلانی تربیت یافت و از دست خواجه خرقه پوشید و عهده‌دار مسند ارشاد و پیر خانقاه و ملقب به نوربخش شد. سپس به ختلان رفت و به دعوی مهدویت و خلافت برخاست، اما به زودی دستگیر شد و طرفدارانش به دستور شاهرخ میرزای تیموری به قتل رسیدند. خود او نیز مدتی در زندان به سر برد و سپس به خراسان و فارس فرستاده شد. در شیراز ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ، وی را آزاد کرد. چندی بعد او به کردستان رفت و دوباره شروع به دعوت مردم نمود و باز گرفتار گماشتگان شاهرخ گردید و به حکم شاهرخ، در هرات، به منبر رفت و از دعوی خویش تبری کرد. پس از مرگ شاهرخ مجدداً در پی نشر عقاید خود به آذربایجان و شروان و گیلان سفر کرد و نهایتاً در قریه‌ی سولقان، از توابع ری، سکنی گزید و آنجا مزرعه و آبادی احداث کرد و در همان دیار از دنیا رفت و مدفون گردید. بعضی از تذکره‌ها فوت او را در قریه‌ی نفیس، از توابع قاین، می‌دانند. بعد از مرگ وی پسرش، شاه قاسم فیض‌بخش، خلیفه و جانشین او شد

و نوربخشیه تا اوایل عصر صفویه فعالیت داشتند. از آثارش: «انسان نامه»؛ «رسالة الاعتقادیه»؛ رساله «الفقه الاحوط»؛ «شجره»، در ذکر مشایخ عرفان؛ منظومه‌ی تفسیر «سورة الحشر»؛ «دیوان» شعر.[۱]

سید محمد ابن محمد بن عبداللّٰه موسوی خراسانی (۸۶۹ -۷۹۵ ه.ق)، از اکابر عرفای قرن نهم هجری قمری و مؤسس سلسله‌ی نوربخشیه. وی از شاگردان ابن فهدحلی (متوفی ۸۴۱ ه.) بوده و در تمامی عمر خود لباس سیاه که سنت مشایخ او بوده می‌پوشید. مولد جدش «لحسا» بوده و گاهی در غزلیات خود به «لحسوی» تخلص می‌نمود ولی بیشتر به «نوربخش» تخلص می کرد. در طریقت مرید علاءالدوله‌ی سمنانی و خواجه اسحاق ختلانی بوده و همان خواجه اسحاق او را لقب نوربخش داده و خرقه به او پوشانیده است. در خراسان بساط ارشاد گسترده بود اما مفسدان، شاهرخ میرزای تیموری را به قتل وی برانگیختند ولی سید فرار کرد و به ولایت وی رفت و در آنجا اقامت گزید تا آنکه در چهاردهم ربیع‌الاول ۸۶۹ ه. در قریه‌ی «سولقان» وفات یافت. دو کتاب «انسان‌نامه» و «شجره‌ی مشایخ» از تألیفات او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بهارستان آیتی (۱۹۰ -۱۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۰ -۵۸/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۹ -۳۱۸)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۷۲ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۸۷ -۱۸۳)، الذریعه (۹۷ / ۲۳ ،۳۰۶ / ۱۵ ،۱۲۲۹ -۱۲۲۸ / ۹ ،۳۹۰ / ۲)، ریاض‌العارفین (۱۵۵ -۱۵۴)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۳۴/ ۹)، طرائق‌الحقائق (۷۱ ،۶۱/ ۳ ،۳۲۲ -۳۱۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نوربخش)، مجالس المؤمنین (۱۴۸ -۱۴۳/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۱۱).

نورزی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن نورروزی

محل تولد : قم

شهرت : نورروزی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۶/۳۰

زندگینامه علمی

این‌جانب حسن نوروزی در سال ۱۳۵۷ در شهر مقدس قم متولد شدم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در قم گذراندم و به جهت علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی تحصیلات دبیرستان را نیمه‌تمام گذاشته و در سال ۱۳۷۴به حوزه مقدسه قم وارد شدم. شش سال نخست حوزه را در مدرسه علمیه شهیدین و حقانی طی کردم و همزمان با اتمام دوره سطح در مدرسه فیضیه و مدرسه گلپایگانی، پا به درس خارج گذاشتم. بخشی از اساتیدی که از محضر آنها بهره‌های فراوان بردەام عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین عالی (ادبیات)، حجت الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی(فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی (کلام)، حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی (فلسفه)، حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری (کلام) و ... . اکنون در کنار تحصیلات حوزوی به پژوهش زیربنایی و روبنایی در خصوص مبانی فلسفی و تئوریک تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی

کشور، مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه، و روش تحقیق مشغولیت دارم

نوروزی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نوروزی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تـا سال ۱۳۷۷ در این حـوزه به تحصـیل پرداختم. در سه سـال حضـور در حـوزه اصـفهان، ۶ پـایه اول دروس حـوزوی را پشت سـر گذاشـتم. در کنار آن به تحصـیل دروس دیگری مثل «فلسـفه غرب» و «فلسـفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایةالحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شـدم و تا سال ۱۳۸۰ پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشـگاه تربیت مـدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشـگاه قم» در رشـته مدرسـی معارف اسـلامی گرایش فلسـفه و کلام، کارشناسـی ارشـد خود را دریافت نمودم. از سال ۱۳۸۰ به دروس خـارج فقه و اصول مشـغول شـدم که همچنان نیز مشغول می باشم.

از سال ۱۳۸۳ دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسـلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می بـاشم و محقـق دائرةالمعـارف علـوم عقلی در مؤسـسه امـام خمینی (ره) می بـاشم. در سـال ۱۳۸۵ در آزمون دکـترای رشـته مدرسـی معارف اسـلامی گرایش اخلاق در دانشـگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نـامه می بـاشم. در کنار تحصـیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشـگاه به دانشـگاههای مختلف اعزام شـده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصـولی، محـدث، متکلم، مـدرس و زاهـد. از علمـای مقیم نجـف بود. در محضـر شیخ مرتضـی

انصاری و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایهٔ الموحدین»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمهٔ الولایهٔ»، در مبحث امامت است، «وسیلهٔ المعاد فی شرح نجاهٔ العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۱۲/ ۳)، الذریعه (۸۴/ ۲۵، ۱۰۰/ ۱۸، ۲۷۵/ ۱۵، ۲۰۳/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۱/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۴۴)، المآثر والآثار (۱۵۸)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۶۰/ ۲)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

نوری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالقاسم نوری (و. ۱۲۳۶ ه.ق– ف. ۱۲۹۲ ه.ق)، صاحب کتاب «مطارح‌الانظار». مدفن او مقبره‌ی شیخ ابوالفتوح رازی در حضرت عبدالعظیم است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نوریمف محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسین نوری (طبرسی) فرزند حاج شیخ محمد تقی مشهور به علامه نوری، محدث نوری، حاجی نوری، و صاحب مستدرک یکی از آیات معروف و محدثین بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. علامه دانشمندی جامع، فقیهی محقق و محدثی ثقه و مورد اطمینان بود. در زهد و ورع و پارسائی کم نظیر بود. معظم له عشق و علاقه مفرطی به پیامبر بزرگ اسلام و ائمه معصومین و اولیای خدا داشت.

علامه در فقه و اصول و تفسیر مخصوصا در علم رجال و احادیث مهارتی به سزا یافت. سالهای متمادی در عتبات عالیات به سر می برد. او از شاگردان پدر بزرگوارش، شیخ العراقین، سید مهدی قزوینی، ملا فتحعلی سلطان آبادی، ملا خلیل تهرانی و شیخ مرتضی انصاری رحمهٔ الله علیهم اجمعین بود، و افاضلی از علمای بعدی، مانند مرحوم محدث قمی از کرسی درس او به مقام استادی رسیدند.

محدث مذکور به وصف استادش در القاب چنین می نویسد: شیخ الاسلام والمسلمین، مروج علوم انبیا و مرسلین، ثقه جلیل، عالم کامل نبیل، متبحر خبیر، محدث ناقد بصیر، ناشر آثار و جامع شمل اخبار، مؤلف تألیفات بسیار. او مشهورتر از آن است که ذکر شود و برتر از آن که به گفته در آید. استاد من بود، که در آغاز حال از او فرا گرفتم و بر خوان فوائد او بار فرود آوردم،و از فضل خود که ضایع نشده به من بخشید، و چون دایه مهربانی بر شیرخوار به من مهر ورزید، و برکات انفاسش بر من فرو بارید، و پرتو چراغش

بر من تابید، هر چه از خامه ام تراود از فیض دریای اوست. من دیر زمانی در خدمتش زیستم، و در سفر و حضر با او بودم، تا آنکه بانگ مرگ ما را از هم جدا کرد و روزگار دفتر او را بست، این روزگار بر هیچ کس وفادار نیست.....

تألیفات سودمند او در جهان اسلام مخصوصا در بین شیعیان شهرت دارد. کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل او در چند جلد شامل احادیث معصومین است. همچنین نجم الثاقب در احوال امام غائب، دار السلام، فصل الخطاب، معالم العبر، جنـهٔ المأوی، میزان السماء، مواقع النجوم، کشف الاستار، کلمه طیبه، فیض قدسی، بدر مشعشع، تحفه زائر، نفس الرحمن، لوء لوء و مرجان، ظلمات هاویه، شرح منتهی المقال در علم رجال و... که اکثرا حاوی مطالب اخلاقی و مناقب و فضائل معصومین و شرحی از زندگی آنها و صحابه بزرگ آنها و در مورد شرح حالات حضرت حجت علیه السلام افرادی که به ملاقات آن سرور انس و جان موفق شده اند می باشد. محدث قمی گذشته از کتاب القاب در فواید الرضویه، شرح مفصلی از ترجمه استادش محدث نوری متذکر است.

در خاتمه علامه نوری در سال ۱۲۵۴ به جهان دیده گشود و سرانجام در روز جمعه اواخر ماه جمادی الثانی ۱۳۲۰ دیده از جهان فرو بست.

قبر او در نجف اشرف مشهود، و بعدها شاگردش به کنار او مدفون شد. روان این دوست داران اهل بیت علیهم السلام در کنار معشوقان آنها برای ابد شادتر باد

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com/nikan.htm

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ –۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌اللّٰه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّٰه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّٰه میرزا عبداللّٰه مازندرانی و آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّٰه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[۱]

علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّٰه علیه اصلا از ایل جلابر و از احقاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلات نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.

غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.

مرحوم میرزا نوقانی در سال ۱۳۰۰ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال ۱۳۲۷ قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی در سال ۱۳۳۰ قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲- سه مقاله نوغانی ۳- دو مقاله نوغانی رد مایون ۴- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.

مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۶۴ / ۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۳ -۳۵۴۳ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۸ -۱۸۴ / ۷).

نهاوندی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۸۰/ ۱۲۷۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محدث، مدرس و مرجع تقلید. اصلش از نهاوند بود، مقدمات را در بروجرد فراگرفت و نزد شیخ جعفر بروجردی و آقا حسین شیخ‌الاسلام تلمذ کرد. سپس مدتی در تهران در درس میرزا حسن آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمدرضا قمشه‌ای شرکت نمود. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در محضر میرزای شیرازی و حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تلمذ نمود. وی از حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه‌ی روایت داشت. میرزا محمدعلی اردوبادی از وی روایت نموده است. در ۱۳۱۹ ق به ایران بازگشت و در ۱۳۲۸ ق عازم مشهد شد و در آنجا اقامت گزید و عهده‌دار مرجعیت گردید. در مشهد درگذشت. از آثارش: «لمعات الانوار»، در شرح مشکلات آیات و اخبار؛ «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»؛ «جنتان مدهامتان»؛ «الجنة العالیة والجعبة الغالیة» یا «الجعبة الغالیة والجنة العالیة»؛ «جواهر الکلمات فی النوادر والمتفرقات»؛ «خزینة الجواهر فی زینة المنابر»، در اصول و فروع و اخلاق؛ «راحة الروح»، در شرح حدیث «مثل اهل‌بیتی کمثل سفینة نوح»؛ «طور سینا»، در شرح «حدیث کساء»؛ «عناوین الجمعات»، در شرح «دعاء سمات»؛ «النفحات العنبریة»؛ «العبقری الحسان»؛ رساله‌ای در «صلاة المسافر»؛ «الیاقوت الاحمر فی من رای الحجة المنتظر (عج)»؛ «الکوکب الدری»؛ «لمعات الانوار»؛ «الید البیضاء»، در مناقب حضرت امیر و زهرا (ع)؛ حاشیه بر «فرائد الاصول».[۱]

علی‌اکبر بن شیخ حسین نهاوندی متولد ۱۲۷۸ و متوفی ۱۳۶۹ ق عالمی محدث و فقیهی پارسا صاحب تألیفات و تصنیفات از علماء معاصرین مشهد بوده و آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- البنیان الرفیع فی احوال الخواجه ربیع ۲- الیاقوت الاحمر فی من رای الحجه المنتظر ۳- وسیله النجاه فی شرح دعاء سمات ۴- خزینه الجواهر فی زینه المنابر ۵- رسائل العبیدالی مراحل التوحید ۶- الفوائد الکوفیه فی رد الصوفیه ۷- لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات و الاخبار ۸- انوار المواهب فی اسرار المناقب ۹- انهار النوائب فی اسرار المصائب ۱۰- طور سیناء فی شرح حدیث الکساء ۱۱- راحه الروح فی شرح حدیث اهل بیتی کمثل سفینه نوح ۱۲- حاشیه بر اصل برائت از رسائل شیخ ۱۳- صلوه المسافر ۱۴- المواریث از تقریرات سید یزدی ۱۵- الجنه العالیه (کشکول) ۱۶- جنتان مدهامتان ۱۷- الکوکب الدری فی مناقب النبی (ص) ۱۸- الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهراء ۱۹- العبقری الحسان ۲۰- رساله فی الحقیقه و المجاز.

در همین سال بود که مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی که از مشایخ اجازه عصر ما و از علماء بزرگوار و عالیقدر اسلام و صاحب تصانیف کثیره بودند به قم مشرف شده و مورد تجلیل واقع گردیدند.

وی از شاگردان مولی لطف‌اللّٰه مازندرانی و میرزای رشتی و شریعت اصفهانی و مرحوم مامقانی و مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک بوده‌اند به کثرت قدس و تقوا معروف و به زهد و ورع موصوف و از نوادر عصر بودند و بسیاری از علماء و مبلغین کنونی از آن جناب اجازه روایتی دارند و برای این نگارنده هم در سال ۱۳۶۴ قمری مرقوم نموده و ارسال فرمودند.

در مسافرت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به مشهد جای نماز خودش را به معظم له واگذار و در شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد خود با هزارها نفر مردم متدین و دانشمندان به آن مرحوم اقتدا می‌کردند.

نمازش با اینکه از همه نمازها طولانی‌تر بود جمعیتش از جماعات دیگر بیشتر بود و جدا از حیث کم و کیف اول نماز جماعت خراسان بود حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوصی داشت در سال ۱۳۶۸ رحلت نموده و در پائین پای حضرت رضا علیه‌السلام درب حرم مدفون گردید.

از آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند زاده‌ی ایشان مرحوم دانشمند برومند آقای حاج شیخ محمد فرید نهاوندی صاحب کتاب رموز نماز مطبوع بود و دارای فضل و صاحب ذوق و طبع سرشار و تألیفات دیگر و از شاگردان درس مرحوم آیت‌اللّٰه

بروجردی بودند که در سال ۱۳۸۹ در تهران وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به مشهد و در جوار حضرت رضا علیه‌السلام به خاک سپردند تألیفات مرحوم نهاوندی که اغلب مطبوع می‌باشد به قرار زیر است: ۱- خزینهٔ الجواهر ۲- گلزار اکبری ۳- وسائل العبید ۴- راحهٔ الروح ۵- جواهر الکلمات ۶- انوارالمواهب ۷- انهارالنوائب ۸- الفوائد الکوفیه ۹- رشحهٔ الندی ۱۰- الیاقوت الاحمر ۱۱- طور سیناء ۱۲- عناوین اللمعات ۱۳- لمعات الانوار ۱۴- مفرح القلوب ۱۵- البنیان الرفیع ۱۶- الجنهٔ العالیه ۱۷- جنتان مدهامتان- و تألیفات دیگر.

علی‌اکبر نهاوندی متولد ۱۲۸۰ و متوفی ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ ق از علماء ممتاز و معروف معاصر مشهد بودند.

وی در معقول از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول از شاگردان مرحوم آشتیانی بزرگ و میرزاء حبیب‌اللّه رشتی و سایر اعلام نجف بوده است آقای مروج در تاریخ رحلتش سروده‌اند.

آمده‌اند و سرافکنده و پی تاریخ گفت

(شد نهاوندی مقیم اندر سلطان طوس)

در ربیع‌الاول ۱۳۶۶ ق که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی از دنیا رفتند در قم و تهران و سایر شهرستانها برای ایشان اقامه شد و در قم در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله برای شرکت در مراسم شب هفت مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی می‌رفتم که دیدم هیئتهای مذهبی آمده و می‌خواندند.

هفته آقای قمی شد عیان

شد نهاوندی سوی جنت روان

پس تلگرافات تسلیت برای علماء بزرگ مشهد و خاندان آن مرحوم مخابره و حال آنکه ایشان در کمال صحت و سلامتی در مجالس فواتح مرحوم قمی شرکت می‌نمودند و بعد از سه سال دیگر به رحمت حق پیوستند.

فرزندزاده ایشان مرحوم حجه‌السلام حاج شیخ محمد (فرید) نهاوندی از فضلاء معاصر خراسان بودند که تحصیلات خود را در مشهد و قم به پایان رسانیده و سالها از محضرمرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به مشهد مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و درس تفسیر و تألیف پرداخته تا در حدود ۱۳۸۸ قمری که در تهران به سکته مغزی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به مشهد مقدس و در آستانه مدفون شده است از آثار مطبوع ایشان کتابی بنام اسرار نماز می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۲/ ۲۵ -۲۷۷، ۲۴۸/ ۲۴ ، ۳۶۰/ ۲۱ ، ۳۴۴، ۲۱۶۲۱۵، ۱۸۶/ ۱۸ ، ۳۵۱، ۲۶۳، ۲۱۶- ۲۱۵، ۱۸۱/ ۱۵ ، ۱۳۰/ ۱۲ ، ۵۶/ ۱۰ ، ۱۵۸/ ۷ ، ۱۵۹/ ۶ ، ۲۷۹، ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۰۹/ ۵ ، ۱۵۲/ ۳)، ریحانه (۲۷۰ -۲۶۹/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۶۰۰ - ۱۵۹۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۲۱ -۲۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰ -۱۸۹/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۴ - ۱۳۱۳/ ۳)، مکارم‌الآثار (۲۲۰۹ -۲۲۰۷/ ۶)، میرزای شیرازی (۱۷۲).

نیشابوری، ابوالفتح ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۲ -۴۸۹ ق)، فقیه شافعی، محدث و متکلم. در نیشابور به دنیا آمد. از پدرش و ابوالحسن مدینی مؤذن و فضل بن عبدالواحد تاجر و دیگران حدیث شنید. ابوسعد بن سمعانی و فرزندش، عبدالرحیم بن ابی‌سعد، از وی روایت کرده‌اند. او را از بزرگان علم

کلام دانسته و در این علم او را برتر از اقرانش شمرده‌اند. وی صاحب کتابی در این زمینه می‌باشد. در مرو درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۱/ ۸)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۴۳/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۱۷/ ۷)، هدیةالعارفین (۴۸۸/ ۲).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲/ ۵۱۱ ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام‌الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌اللّه میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابوصالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیۀ»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۱ –۱۷۰/ ۳)، سیرالنبلاء (۴۱۲/ ۱۹)، شذرات‌الذهب (۳۴/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۲۸۴ – ۲۸۳/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۴۳ –۴۲/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۹۹ –۹۶/ ۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۹۴ –۱۹۳/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۴۳۴، ۱۲۱۲، ۶۸)، معجم‌المؤلفین (۲۴۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۴/ ۱۵).

نیشابوری، ابورشید سعید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو پیش از ۳۴۵– وف پس از ۴۱۵ ق)، متکلم و دانشمند معتزلی. نام وی نخستین بار به عنوان متکلم آمده که در مشاجره‌ی ادبی میان بدیع‌الزمان همدانی و ابوبکر خوارزمی در ملفاباذ نزدیک نیشابور حضور داشت. ابورشید نخست به مکتب معتزلی بغداد پیوست، که در خراسان و ماوراءالنهر رایج بود. ابورشید حلقه‌ی درسی در نیشابور داشت. پس از اینکه به تألیف کتابهایی پرداخت به ری سفر کرد تا از مکتب معتزلیان بصره که رییس آنها قاضی القضاۀ عبدالجبار بود استفاده کند. ابورشید مذهب اعتزال عبدالجبار را پذیرفت و به خواهش وی کتاب «دیوان الاصول» را به عنوان کتاب درسی علم کلام تألیف کرد، سپس به نیشابور بازگشت و در میانه‌ی راه مدتی نیز در گرگان اقامت گزید. دوباره به ری مراجعت کرد و به عنوان نایب ابوالجبار شناخته شد و بعد از مرگ وی به جانشینی او، ریاست معتزلیان پیرو مکتب بصره را به عهده گرفت. ابورشید راوی حدیث نیز بود. ابوسعد سمّان رازی محدث مشهور، احادیثی از او نقل کرده است. از جمله‌ی تألیفات وی: «المسائل فی الخلاف بین البصریین والبغدادیین»؛ «الجزء»؛ «النقص علی اصحاب الطبائع»؛ «التذکرۀ»؛ «مسائل الخلاف بیننا و بین المشبهۀ والمجبرۀ والخوارج والمرُجئۀ»؛ «زیادات الشرح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۳۹ -۱۰۴۰ /۸)، لسان المیزان (۲۹۲/۳)، معجم الادباء (۱۷۴/۱)، معجم المؤلفین (۲۳۰/۴).

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».[۱]

جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲۵/ ۱۳ ،۲۹۴/ ۶ ،۲۰۵/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۸۴/ ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۶/ ۳).

نیکخواه، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله نیک خواه

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال ۵۲ شهرستان رودسر در سال ۵۹ وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (۶۸ - ۶۷) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم. در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال ۸۳ - ۸۲ در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح ۳ را به پایان رساندم.

در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون ۲ سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه های قبل ذکر شده مشغول تدریس می باشم. و هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم. در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.

در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.

بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.

۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.

۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای

فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مـذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مـذهبی کشور همراه با بررسـی تهدیدات و فرصـتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری انـدیشه سیاسـی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شـماره نشریه بشـیر ویژه مبلغین مناطق سـنی نشین کشور به چاپ رسـیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسـیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

واعظی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد واعظی

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضـی را در سال ۱۳۵۹ اخذ کردم، شـروع تحصیلات حوزویم تابستان سال ۱۳۵۹ بود. البته از دو سـال قبل در تابسـتانها نزد یکی از طلابی که دانشـجوی رشـته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ و اتمام سطح در سال ۱۳۶۵ می باشـد. درس خارج فقه و اصول را در محضـر اساتیدی نظیر حضـرات آیات عظام: وحید خراسانی (۶۹ – ۶۵)، شیخ جواد تبریزی (۷۲ – ۶۵)، سـید کاظم حائری به مـدت ۶ سال اسـتفاده کردم. به مـدت ۶ سـال بحث اصول فقه را در خـدمت جنـاب حجهٔ الاسـلام و المسـلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصـی بود و تقریر مباحث شـهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.

فلسـفه (بدایه و نهایهٔ الحکمه) را از محضـر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد ۱ اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسـفه ام در محضـر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسـفار (۱ و ۲ و ۹) را آموختم که عمـده مبـاحث در محفـل خصوصـی با حضور چنـد تن از فضـلاء حوزه بود. از سال ۱۳۶۷ به طور جـدی مباحث کلام

جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.

از سال ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال ۱۳۸۰ که جهت تدریس به مدت ۳ سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال ۱۳۷۵ به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

هادوی نیا، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر هادوی نیا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اصغر هادوی‌نیا متولد سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران می باشم. پس از اخذ دیپلم از دبیرستان خوارزمی در رشته ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه ملا- محمد جعفر (آقای مجتهدی) شدم. در سال ۱۳۶۲ پس از موفقیت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم به این شهر مقدس هجرت نمودم. در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام دروس سطح و آغاز درس خارج با شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در کارشناسی «اقتصاد نظری» دانشگاه تهران شده و تحصیل در این رشته را همراه با درس‌های حوزوی تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به قبولی در کارشناسی ارشد رشته «اقتصاد نظری» در دانشگاه مفید قم شده و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی «فلسفه و کلام» حوزه علمیه قم شرکت نموده و با قبولی در آن، این رشته را نیز آغاز نمودم.

در سال ۱۳۷۶ موفق به دفاع از پایان‌نامه خود در کارشناسی اقتصاد با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن» به راهنمایی آقای دکتر اکبر کمیجانی و مشاورهٔ آقای دکتر فرزین وش و دکتر ابراهیم گرجی شدم. در سال ۱۳۸۲ نیز پایان‌نامه خود را در رشته فلسفه و کلام، با عنوان «مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی در گستره خداشناسی و انسان شناسی با نگرش تطبیقی با اقتصاد سرمایه‌داری» با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین آقای هادوی تهرانی و داوری حجت الاسلام و المسلمین آقای غلامرضا مصباحی دفاع نمودم. در سوابق آموزشی اینجانب شرکت در برخی کلاس های زبان انگلیسی در تهران و اتمام دوره

آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی قم و نیز شرکت در برخی کارگاه‌های آموزشی می باشد که فهرست آن خواهد آمد.

هاشمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیك را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی» در تهران که دائرهٔ المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول

این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا تا

حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هروی، ابومعمر سالم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی و متکلم. معروف به غولچه (مصغر غول). اصل او از هرات و از علمای شافعی در سده‌ی پنجم قمری بود. وی در انواع علوم مهارت داشت. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» آورده که او همطبقه شیخ ابومحمد و ناصر مروزی است. از آثارش: «اللمع فی الرد علی اهل الزیغ والبدع»، در مسائل کلامی و اصول اعتقادی اهل سنت. این کتاب در «کشف‌الظنون» تحت نام «اللمعۀ فی الرد علی اهل الزیغ والبدعۀ» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (۲۵۱/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۸/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۸۰/ ۴)، کشف‌الظنون (۱۵۶۵)،معجم‌المؤلفین (۲۰۳/ ۴).

هروی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۳/ ۱۲۷۰ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضـر شـیخ محمـد حسن صـاحب «جواهر» تلمذ نمود. آنگاه خود به بحث و تـدریس و تألیف پرداخت. وی بعـدها به تهران آمـد. حاج شـیخ محمـدباقر بیرجنـدی، صاحب «کبریت الاـحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت‌اللَّه سـید شـهاب‌الدین نجفی مرعشـی صادر نموده، صاحب عنوان را سـتوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه‌ی شیخ‌بهائی به خاك سپردند. از آثارش: شرح «نجاةالعباد»؛ «درایةالحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۴۳/ ۱۰)، الـذریعه (۱۰۲/ ۱۴، ۵۶/ ۸)، معجـم رجـال الفکر والاـدب فی النجـف (۴۸۱ -۴۸۰/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۶/ ۱۳).

همدانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا بن شیخ محمدهادی همدانی نجفی متوفی ۱۳۲۲ ق از اکابر فقهاء محققین و مشاهیر مراجع عصر خود بوده است.

مرحوم والـدش حـاج شـیخ محمـدهادی از علماء صـلحاء و وی از اجله فقهاء و افضل اعلام زمان خویش بوده و مهاجرت به سامرا و سالهـای متمـادی ملاـزمت درس مجـدد شـیرازی را نموده و تقریرات درس وی را نوشـته تـا در میـان اقران خویش مشـارالیه بالبنـان گردیده و در حیات اسـتادش میرزا بزرگ به نجف برگشته و به تدریس اشتغال یافته و جمع زیادی از اهل فضل اطرافش را گرفته و از بیاناتش استفاده نموده‌اند.

و ضـمنا به اقـامه جمـاعت و تـألیف کتـاب نفیسـش (مصـباح الفقیه) پرداخته و آن بزرگوار چنانچه معاصـرین و متاخیرین او گواهی می‌دهنـد ازهد و اورع و اتقا و افضل اقران خود بوده و اکثر اوقات خود را مصـروف به مطالعه و تدریس و مباحثه و تألیف می‌نموده و در نهایت اعراض از دنیا و زخارف آن بوده و بعد از فوت استادش میرزا شیرازی مردم به وی رجوع نمودند و این مرجعیت برایش گران و سنگین بود ریاست و زعامت را مکروه می‌داشت برای مسئولیت خطیری که دارد.

و واقعا هم چنین بود زیرا بعـد از ریاست هم تغییر وضع نـداده و ماکل و ملبسـش ماننـد گذشـته بود و این ریاست هم طولی نکشـید چون نسیان برایش عـارض شـد و خود از فتوا دادن امساك نمود فقط مواظبت به تـدریس داشت تا در سال ۱۳۲۲ ق وفات نمود و آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱- کتاب الطهاره ۲- کتاب الصلوه ۳- کتاب الزکوه ۴- حاشیه بر رسائل ۵- حاشیه بر نجاه العباد ۶- تقریرات دروس میرزا بزرگ شیرازی ۷- کتاب البیع :

معظم شاگردان و تلامذه آن جناب نامبردگان زیرند.

۱- آیت‌اللَّه آقـا شـیخ ابوالقـاسم کبیر قمی ۲- آیت‌اللَّه حاج شـیخ محمـدتقی تهرانی مقدس ۳- آیت‌اللَّه حاج شـیخ جعفر آل شـیخ راضی ۴- آیت‌اللَّه حاج شـیخ علی زاهد قمی ۵- آیت‌اللَّه حاج شـیخ عبدالحسین آل اسداللَّه شوشتری ۶- آیت‌اللَّه حاج سید محسن امین جبل عامل ۷- آیت‌اللَّه حاج شـیخ علی همدانی ۸- آیت‌اللَّه شیخ علی جواهری ۹- آیت‌اللَّه حاج شـیخ علی حلی ۱۰- آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد آل کاشف الغطا ۱۱- آیت‌اللَّه حاج شـیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء ۱۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد بلاغی ۱۳- آیت‌اللَّه شیخ مشکور طالقانی ۱۴- آیت‌اللَّه حاج سید حسن صدر و عده زیادی دیگر که ذکرشان موجب اطناب است.

آن بزرگوار در اواخر مبتلاـ به کسـالت سـل گردیـده و مسافرتی برای زیارت و تغییر آب و هوا به سامرا نموده ولی در آنجا در روز

یکشنبه ۲۸ ماه صفر ۱۳۲۲ قمری در سن هفتاد و پنجسالگی وفات و در رواق شریف عسکریین طرف پائین پای امامین همامین مدفون شده است.

آن مرحوم دارای یک پسر بنام حجةالاسلام آقا شیخ محمد همدانی و چهار دختر بوه و دامادهای وی همه از آیات و اعلام علماء معروف بدین شرح می‌باشند.

۱- آیت‌اللَّه حاج میرزا نجم‌الدین شریف عسکری بن آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد تهرانی عسکری متوفی ماه رجب ۱۳۹۵ ق.

(۱۳۲۲ -۱۲۵۲/ ۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمدهاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه»، و شیخ علی زاهد قمی و آیت‌اللَّه شیخ جواد بلاغی و آیت‌اللَّه شیخ علی حلی و آیت‌اللَّه شیخ احمد آل کاشف‌الغطاء و شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت‌اللَّه شیخ علی جواهری و آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی تهرانی مقدس و آیت‌اللَّه شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت‌اللَّه علامه سید محسن امین جبل‌عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه»، که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی، به صاحب «مصباح الفقیه»، مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان‌الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر به علت بیماری سل، برای تغییر آب و هوا، به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ» یا «العوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجاهٔ العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی، در فقه و اصول؛ کتاب «البیع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایهٔ»؛ «الوجیزهٔ».[۱]

رضا همدانی قدس‌اللَّه‌سره متولد در سال ۱۲۵۰ قمری و متوفی ۱۳۲۲ ق و علامه سماوی در ماده تاریخ فوت و رثاء آن مرحوم گفته است.

و کالرضا المحقق ابن الهادی

الهمدانی الفقیه البادی

رافع مصباح الفقیه المائل

و ذی التعالیق علی الرسائل

فانه جاورها بدر النجف

و قال ارخوه (ابهج الغرف)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۲/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۳ -۱۹/ ۷)، الذریعه (۱۶۶ ،۴۹/ ۲۵ ،۱۱۶ -۱۱۵/ ۲۱ ،۳۴۱/ ۱۶ ،۲۱۹ ،۱۵۷/ ۶ ، ۳۷۷ -۳۷۶/ ۴)، ریحانه (۳۷۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۷۸ -۷۷۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۷۶ -۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ -۳۷۶/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۰ -۱۳۳۹/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴/ ۴)، میرزای شیرازی (۱۴۴ -۱۴۳).

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔالمعاد»، در شرح «نجاةالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیهٔ»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره ۲- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه ۶- الهدایه. در رد صوفیه ۷- المقاله الاسلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱، ۱۶۶/ ۲۵، ۲۳۲/ ۲۳، ۳۹۵/ ۲۱، ۵۹/ ۱۷، ۳۸۴/ ۱۶، ۲۸۸، ۲۴۵، ۲۱۰/ ۱۲، ۳۲ -۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴ ۱۱۴ -۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ -۸۴۳/ ۳).

همدانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آخوند ملاـ علی همدانی یکی از آیات بزرگ و اساتید علما در قرن اخیر است. معظم له در سال ۱۳۱۳ قمری در یکی از قصبات همدان متولد شد و در آغاز جوانی قریب ده سال از حضور اعلام همدان و آیات و مدرسین بزرگ تهران استفاده نمود و پس از خاتمه سطوح فقه و اصول رهسپار حوزه قم گردید. مرحوم همدانی متجاوز از یازده سال در سلک افاضل تلامذه مرحوم

آیت الله حائری و اساتید قم قرار داشت و خود به درجه اجتهاد و مقام استادی رسید.

مرحوم آخوند همدانی مجتهدی محقق، فقیهی اصولی، دانشمندی پارسا و بسیار زاهد و خدادوست بود. زهد و تقوای او زبان زد خاص و عام گردید. خدایش درجات او عالی است متعالی فرماید. مرحوم همدانی در جمله اساتید قم بود که بنا به اصرار اهالی همدان و پیشنهاد علامه حائری برای خدمت و ترویج در زادگاه خود مستقر شد و چندین سال در این شهر منشأ خدمات و آثاری متعدد و گوناگون بود که مجموع خدمات چند ساله او هم اکنون معلوم و به صورت جزوهٔ مفصل مطبوع است.

از اهم تألیفات اوست: اجتهاد و تقلید، حبط و تکفیر، شرح یا حاشیه عروهٔ الوثقی، رساله ای در حالات ابو بصیر، رساله ای در کلام، قاعدهٔ لاضرر، اسرار نماز و رسائلی در لباس مشکوک و غیره... مرحوم همدانی سرانجام پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین در سن هشتاد و هشت سالگی در همدان وفات نمود و با مرگ خویش ثلمه ای بر پیکر اسلام و مسلمین وارد نمود.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۱۳۴۹/۵/۸ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.

ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل

جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال ۱۳۶۵ به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.

درسال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیهٔ الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفیان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن یوسفیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن یوسفیان در سال ۱۳۶۱ شمسی در مهدی شهر (سمنان) تحصیل علوم دینی را آغاز کردم و پس از دو سال به قم آمدم. در دوران جنگ تحمیلی، چند سالی تقریبا ترک تحصیل کرده بودم، امّا پس از پایان یافتن جنگ، پیشرفت تحصیلی رضایت بخشی داشتم و در امتحانات سراسری حوزه در سال ۱۳۷۵ شمسی در «پایه دهم» نفر اول شدم.

در سال ۱۳۷۳ شمسی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پذیرفته شدم و دوره کارشناسی را در سال ۱۳۷۶ و دوره

کارشناسی ارشد دین شناسی (کلام) را در سال ۱۳۸۱ به پایان رساندم.

کار تألیف و پژوهش را در سال ۱۳۷۵ با نگارش کتاب «پژوهشی در عصمت معصومان» آغاز کردم. و این اثر اول، پس از چاپ در سال ۱۳۷۸ به عنوان کتاب سال حوزه و نیز کتاب سال دانشجویی کشور برگزیده شد. تألیفات دیگر حقیر نیز به لطف خداوند با توفیقاتی همراه بوده؛ چنان که کتاب «عقل و وحی» به عنوان پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان کشور در سال ۸۱ و نیز کتاب سال حوزه در سال ۸۴ انتخاب شده است. پژوهش «باورهای دینی و چالش‌های نو» نیز در سال ۸۳ اثر برگزیدهٔ کنگرهٔ دین پژوهان شده است.

هم اکنون این جانب علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در رشته کلام (دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم)، به کار تألیف و تدریس در مؤسسه امام خمینی اشتغال دارم.

یوسفیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی یوسفیان

محل تولد : ----

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه قم شدم و دوران تحصیلی ادبیّات عرب را که سه سال به طول انجامید؛ در مدرسه علمیّه «ابوالصدق» و سپس «رضویه» گذراندم. از اساتید قابل ذکر در این دوره می توانم به استاد مرحوم «مهدی زاده»، استاد «طالقانی» و «عرفان» اشاره کنم. سپس برای ادامه تحصیل که به دوره سطح معروف است از محیط مدرسه خارج شدم. این دوره که از (شرح لمعه و اصول فقه) شروع می شود و پس از «رسائل و مکاسب» به «کفایه» تمام می شود از اساتیدی که می توان نام برد: آیت الله (استادی، عراقچی، پایانی) و حجج اسلام (سعیدی، محمودی و بیگدلی) بودند. در همین اوان مشغول به تحصیل در دوره سطح، تبلیغ و تبیین معارف را شروع کردم. محدوده تبلیغ گسترده بود یعنی هم در روستا، هم در شهر، هم در محیط های علمی و هم نظامی، فعالیت تبلیغی را ادامه می دادم.

تقریبا سال ۱۳۷۰ بود که وارد مؤسسه (در راه حق) شدم و در کنار درس فقه و اصول، تحصیل در فلسفه و معارف قرآن را شروع کردم. این دوره حدودا پنج سال به طول انجامید و موفّق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پایان نامه ای که نوشتم در رابطه با (مناظرات کلامی انبیای اولوالعزم در قرآن) بود که در نوع خود بحث تازه ای بود و در رابطه با آن، کار خاصی صورت نگرفته بود. البته در کنار تحصیل و تحقیق در این مؤسسه، که به (مرکز آموزشی پژوهشی امام خمینی) تحت سرپرستی استاد بزرگوار آیت الله (مصباح) تغییر نام داد، بحث فقه و اصول را نیز ادامه می دادم و در دروس آیات عظام: (وحید خراسانی، تبریزی، زنجانی و محقق)

شرکت می کردم که تا کنون ادامه دارد.

در کنار تحصیل به تـدریس پرداختم. یک ترم در دانشگاه آزاد به تـدریس «اخلاق» اقدام کردم ولی به علّت مشـکلاتی آن را رها کردم و به همـان یـک ترم بسـنده نمودم. نزدیـک ۹ سـال است که در (مرکز جهـانی علـوم اسـلامی) که مربـوط به طلاـب و دانش پژوهان خارجی است؛ مشغول تدریس (فقه، عقاید و فلسفه) هستم و سه سال به عنوان استاد نمونه برگزیده شدم. نزدیک سه سال در مـدرسه علمیّه (امـام جواد علیه السـلام) که مخصوص حافظین قرآن است به تـدریس (عقایـد و منطق) پرداختم. نزدیک دو سال است که در «مرکز مهـدویت قم و اصـفهان» به تـدریس مباحث مربوط به حضـرت مهدی علیه السلام اشـتغال دارم. البته این غیر از تدریس های متفرقه است که در طول این سال ها داشته و دارم. مثل: تدریس (ادبیات و اخلاق) در حوزه علمیّه خواهران یا تدریس (عقاید در جهاد قم و...).

در کنـار تحصـیل و تـدریس به تحقیق و تـالیف نیز روی آوردم و اوّلین اثر مکتوب و قابـل عرضه را در مرکز جهـانی علوم اسـلامی نوشـتم. علت تالیف آن نیز نیازی بود که طلاب تازه وارد به مرکز نسبت به کلیاتی از عقاید داشتند. این اثر که الهام گرفته از عقاید آیت الله مکـارم بود در میـان طلبه هـا مورد اسـتقبال واقع شـد و تعـداد زیـادی از آنـان درخواست اجـازه ترجمه آن را به زبان خود خواسـتند. در ادامه این اثر، پنـج جزوه دیگر نوشـتم در رابطه با (خـدا شناسـی، اندیشه اسـلامی)، (نبوت ۲)، (امامت ۳)، (معاد ۴) و (فلسفه مقدّماتی یا آشنایی با فلسفه).

از سال ۱۳۸۰ نیز وارد مرکز تخصصـی (مهدویت) شدم و پس از طی مراحل تحصـیلی و آشـنایی با مباحث مربوط به امام زمان علیه السـلام و تحقیق در این زمینه، چند مقاله نوشـتم که در مرکز اصـفهان، ارتش و قم مورد استفاده قرار می گیرد. جزوهایی که عرضه کردم از این قرارنـد: «امـام مهـدی علیه السـلام در قرآن»، «طلوع خورشـید»: (دوران کودکی حضـرت)، «فوایـد امـام غایب»، «امکان دیدار حضـرت در زمان غیبت»، «شرایط و علایم ظهور»، «مسیر حرکت و قیام حضرت». اکنون نیز در این مرکز در قسمت (پرسش و پاسخ) مشغول هستم.

در کنـار این جزوات، که به صـورت فردی نگاشـته شـده است، کتـابی پیرامـون حضـرت به همراه برادران بزرگـوار حجت الاسـلام (مهـدی حامـدی پور و محمـد امین بالادستیـان) عرضه کردیم به نام «نگین آفرینش» که کلیاتی از زنـدگی حضـرت را از ولادت تا رحلت در بر می گیرد و در نوع خود، دارای مطالب جدیـدی می باشد. همراه با این فعّالیّتها، در صدا و سیمای مراکز مختلف مانند: (آبـادان، اراک، قم و جـام جم) مبـاحثی پیرامون حضـرت عرضه کرده ام. حـدود دو سـالی نیز به فراگیری زبان خارجی «انگلیسـی» پرداختم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹